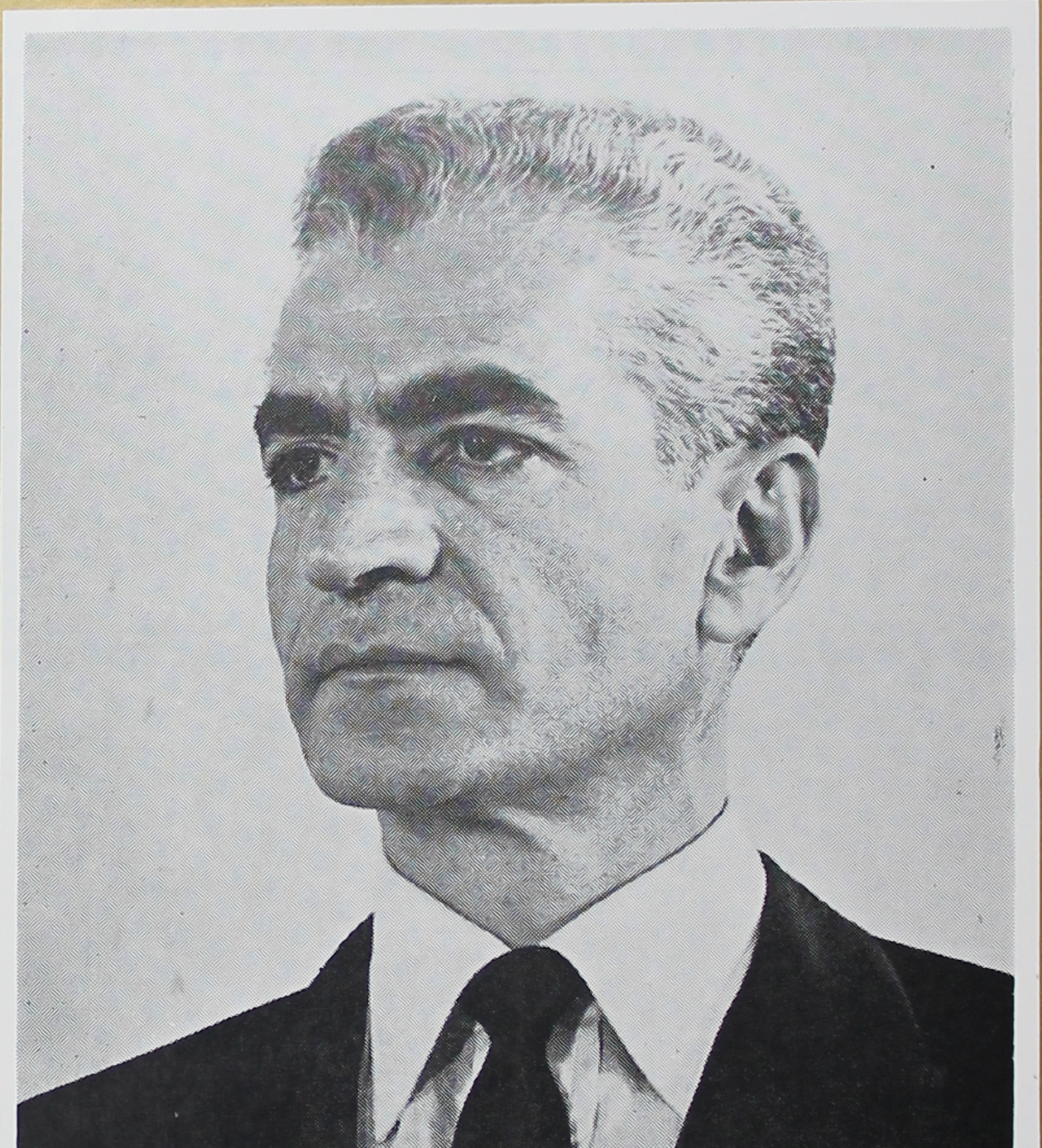
نظری به تاریخ آذربایجان

و

آثار باستانی و جمعیت شناسی آن



اهداء کتاب

به پیشگاه شهبانوی دانش پرور نیکو نهاد، عُلیاحضرت فرح پهلَوی که خود و دودمان والاتبارشان از سادات طباطبائی علوی آذربایجان هستند.

سلسله انتشارات انجمن آثار ملی

«۷۷»

نظری به تاریخ آذربایجان
و
آثار باستانی و جمعیت شناسی آن

تألیف :
دکتر محمد جواد مشکور

تهران بهمن ماه ۱۳۴۹

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۰۲۹ مورخ ۴۹/۱۲/۲

تعداد چاپ یکهزار نسخه بهمن ماه ۱۳۴۹

چاپ : چاپخانه بهمن

صحافی : شرکت چاپ افست

بنام پروردگار بزرگ مهربان و بخشاینده

پس از عرض سپاس بدرگاه خدای تعالی و درود فراوان بر پیمبر اسلام (ص) در پرتو عنایات همیشگی **اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر** کتاب حاضر دربارهٔ تاریخ آذربایجان و زبان فرهنگ و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن سامان بمعرض انتشار و استفادهٔ علاقه‌مندان گذارده میشود.

از چند سال پیش که انجمن آثار ملّی در صدد برآمد بمنظور معرفی آثار باستانی و ابنیهٔ تاریخی استانها و نواحی مختلف کشور کتبی درخور چنین خدمت بوسیلهٔ محققین دانشمند تدوین نماید طبعاً تألیف کتابهائی چند دربارهٔ آثار تاریخی و یادگارهای فرهنگی سرزمین گرامی آذربایجان هم مورد کمال علاقه بود و در راه نیل باین منظور کوششهائی بعمل آمد و از چند نفر دانشمندان دعوت بهمکاری شد.

خوشبختانه استاد ارجمند آقای محمد جواد مشکور استاد دانشگاه که تحصیلات قدیمی اسلامی خود را در تهران نزد علماء روحانی برجسته گذرانده اند و در عین حال دکتر در رشتهٔ تاریخ از دانشگاه سوربن هستند و مدّت هشت سال (از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۵ شمسی) در دانشگاه تبریز سمت استادی تاریخ و زبانهای باستانی را عهده دار بوده اند آمادگی خویش را برای تدوین کتاب تاریخ تبریز اعلام داشتند و چنانکه در مقدمهٔ کتاب نوشته اند آنچه فعلاً طی صفحات مجلد کنونی از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد (و مشتمل بر دوازده فصل حاوی

اطلاعات تاریخی گوناگون و مفید مربوط به آذربایجان است زمینه‌ای برای تاریخ تبریز بشمار میرود که امید وا
است چاپ آنهم زودتر پایان پذیرد و باختیار خوانندگان ارجمند قرار گیرد .

ونیز دانشمند فرزانه و فرزند برومند آذربایجان آقای عبدالعلی کارنگ (صاحب تألیفات متعدد
درزمینهٔ فرهنگ وادب فارسی وتاریخ آذربایجان) کتاب آثار وابنیهٔ تاریخی شهرستان تبریز را بسفارش
انجمن آثار ملّی تألیف نموده اند که در شهر تبریز بچاپ میرسد و بدینوسیله بخشی از منظور کلّی مورد اشاره دربارهٔ آثار
گرانقدر آذربایجان انجام خواهد پذیرفت .

برای سرزمین پهناور و آباد و پراستعداد آذربایجان که پیشینهٔ تمدّن آن به هزاران سال
میرسد و در طول سراسر تاریخ ایران جایگاه سرگذشتها و دلاوریها و سرنوشتها و مردانگیها در راه اعتلای کشور
بوده است تدوین و چاپ کتابهائی خصوصاً دربارهٔ یادگارهای فرهنگی و ملّی آنجا خدمتی بس ضروری بدان خطه
است و انجمن آثار ملّی نهایت خرسندی را دارد که در راه این هدف اساسی بفراخور امکانات خود منشأ خدمتی
باشد و اینک نخستین کتاب مربوط بدین امر را به محضر ارباب بصیرت عرضه میدارد و ضمن امیدواری بانجام
دنبالهٔ هدف خود در این راه با استفاده از کوشش و پایمردی محققان علاقه‌مند و دانشمندان شیفته به چنین
منظور اساسی مقدمه را پایان بخشیده خاطر خوانندگان گرامی را به مطالب کتاب جلب میکند .

بمنّه و کرمه - انجمن آثار ملّی

باسمه تبارک و تعالی

مقدّمه

قصد نگارنده از نوشتن این اوراق که از مجموع آنها کتابی فراهم آمده ، نگارش تاریخ آذربایجان نبوده ، بلکه این کتاب باهمه سطبری آن مقدمه‌ای است بر **تاریخ تبریز** که راقم این سطور مدتی است بامر انجمن محترم آثار ملی مأمور تألیف آنست و اکنون بحمدالله باتمام رسیده و تحت طبع میباشد.

چون شهر تبریز از قرن چهارم هجری که شهرتی بهم رسانیده ، عاصمه وامّ البلاد آذربایجان بوده ، وفرمانروایان آن بر آذربایجان و ارّان حکومت داشتند، از اینرو تدوین تاریخ چنین شهری بدون نظر باوضاع آذربایجان و حوادثی که در آن خطّه پهناور روی داده نارسا و مجمل مینمود ، ناچار می‌بایستی بر آن کتاب مقدمه‌ای که مشتمل بر اطلاعاتی کلی دربارهٔ آن استان وبلاد ماوراء ارس باشد نوشته شود. این این مقدمه بسبب اهمیت موضوع وکثرت مسائلی که ناگزیر بایستی بدانها اشاره میشد آن قدر توسعه یافت که دیگر در نامهٔ تبریز نمیگنجید و می‌بایستی جامهٔ دیگری برقامت آن دوخته آید . لهذا آنچه در این کتاب آمده بیشتر جنبهٔ عمومی وکلی دارد و از مسائلی در آن صحبت شده که پیش ازخواندن تاریخ تبریز دانستن آنها ضروری است.

اگر بایستی تاریخ مستقلی دربارهٔ آذربایجان نوشته میشدهرگز این مختصر کافی نمی‌بود . بعلاوه نوشتن چنین تاریخ جامعی بمعنای واقعی خودش کار یك تن نیست، بلکه دربارهٔ هر فصلی از آن محققی باید تحقیق کند ، تا از مجموع آن تحقیقات یکدوره تاریخ مفصل آذربایجان فراهم آید .

گر بگویم شرح آن بیحدشود مثنوی هفتاد من کاغذ شود

زیرا گذشته از کثرت حوادث تاریخی خود آذربایجان ، کمتر واقعه‌ای را میتوان یافت که در آن سرزمین روی داده وباندك مناسبتی به تاریخ کهن ایران ارتباط نداشته باشد .

بنابراین نگارش تاریخ جامع آذربایجان مانند نوشتن تاریخ مفصل ایران مشکل است ، و همانطور که گفتیم تنها کار یك محقق و مورخ نیست .

در تألیف تاریخ مفصل آذربایجان پیش از دیگران بایدگروهی از فضلا ودانشمندان آن استان که به زبان وآداب ورسوم مردم آن سر زمین بخوبی آگاه باشند پیشقدم شوند. آن محققان باید مجهز به وسایل علمی جدید بوده گام بگام کوه ودشت آن اقلیم را به پیمایند، وشهر به شهر وده به ده سفر کنند، و در آداب و رسوم اهالی و لهجه های گوناگون ساکنان آن تحقیق نمایند، وهمه آثار باستانی را از پیش چشم بگذرانند واز هرطاق شکسته وپل گسسته عکس برداری نمایند، و سنگ گورهای کهنه را بدقت بخوانند. آنگاه مجموعهٔ این مطالعات رادر دفترهای جداگانه فراهم آورند، وسپس هریك راباصبر وحوصله بااسناد مکتوب ومآخذ تاریخی سنجیده، دربارهٔ هرموضوعی مستقلاً کتابی تألیف نمایند

و این تحقیقات سودمند را درسلسله‌ای از کتب منتشرسازند(۱)

همان‌سان‌که ازعنوان‌این‌کتاب پیداست، مقصودنگارنده‌از نوشتن آن: نظری‌اجمالی‌به تاریخ آذربایجان وزبان وفرهنگ وآثار باستانی وجمعیت شناسی آن‌بوده است.

این‌کتاب را مؤلّف بردوازده بخش تقسیم کرده ، و درهرفصلی دربارهٔ یکی از مسائل کلی که درتحت عنوان فوق قرار میگیرد بحث نموده ، ازشهرهای‌گمشده وبجای مانده آذربایجان جداگانه به تناسب مقام سخن‌گفته،جزام‌ّالبلادتبریز که دربارهٔ‌آن‌به‌کتابی جداگانه‌حوالت داده است . در مورد فصول کتاب در اینجا شرح و توضیحی لازم نیست زیرا بامراجعه به فهرست مندرجات ، عنوان و غرض از انشاءِ هرفصل معلوم میگردد .

برای‌آنکه کارمحققانی راکه بخواهندبعداً درتاریخ‌آذربایجان تحقیق کنند آسان‌کرده باشد ، مؤلّف آخرین بخش این کتاب را به کتابشناسی آذربایجان اختصاص داد و به قدر مقدور فهرستی از کتابها ومقالات بزبانهای: پارسی وعربی وترکی وفرانسه وانگلیسی وآلمانی و روسی درآن‌زمینه فراهم‌آورد و دردسترس پژوهندگان گذاشت .

امیدوارم‌این‌کتاب‌که نخستین‌تحقیق درتاریخ اجمالی‌آذربایجان و زبان وفرهنگ وآثار باستانی وجمعیت‌شناسی آن‌است باهمه‌نقائص و اشتباهاتی که ممکن است داشته باشد طالبان آگاهی ازتاریخ این

---

۱ ــ خوشبختانه دوست دیرین و دانشمندم آقای عبدالعلی کارنگ که ازفضلای بنام آذربایجان و از مدرسان دانشگاه تبریزهستند، از طرف انجمن آثار ملی مأمور نوشتن‌کتابی درباره آثار تاریخی شهرستان تبریز شده‌اندکه بمصداق:اهل البیت ادری بمافی‌البیت ، اثری بدیع وممتع خواهد شد.

استان وبویژه اهل تحقیق را بکار آیند.

در پایان وظیفهٔ اخلاقی خود میدانم که از تیمسار معظم سپهبد آقاولی رئیس محترم هیأت مدیره انجمن آثار ملی که مشوق محققان در تألیف کتابهایی درباره شهرها و ولایات ایران هستند سپاسگزاری کنم، و توفیق بیشتر ایشان و همکارانشان را در احیای آثار باستانی و تمدن دیرین این کشور کهنسال از خداوند بزرگ بخواهم.

از فاضل ارجمند آقای محمدحسین تسبیحی که در تهیه فهرست اعلام این کتاب منّتی برمن نهاده است نیز سپاسگزارم.

همچنین از دوست ارجمندم آقای محمود مطیّر مدیر محترم چاپخانه بهمن که مرا با نداشتن وسیله از رفت‌وآمد به مطبعه‌دوردست خودشان معاف داشته، از روی لطف، خود و یا کسانشان نمونه های چاپی را برای تصحیح به خانهٔ من می‌آوردند تشکر میکنم.

تهران - ۲۱ آذرماه ۱۳۴۹

محمدجواد مشکور

فصل اول

جغرافیای تاریخی آذربایجان

حدود آذربایجان

آذربایجان ازایالات معروف ایران است یاقوت حموی آن ولایت را از اقلیم پنجم شمرده و طولش را ۷۳ و عرضش را ۴۰ درجه دانسته است و گوید، حد آذربایجان ازمشرق برذعه واز مغرب ارزنجان، و ازشمال بلاد دیلم وگیلان و طارم است [۱]. این عبارت خالی از تشویش نیست باید گفت که بایستی عبارت صحیح یاقوت چنین بوده باشد: حد آذربایجان ازشمال برذعه و ازمشرق بلاد دیلم و گیلان، وازمغرب ارزنجان وازجنوب طارم (وزنجان) است.

دیگرجغرافی نویسان عرب حدآذربایجان را ازجنوب شرقی ایالت جبال (ماد قدیم) و ازجنوب غربی، قسمت شرقی ولایت جزیره (آشورقدیم)، واز مغرب ارمنستان، وازشمال ولایت آران (بلادقفقاز)، وازمشرق، موقان و –

۱– معجم البلدان ج ۱ ص ۱۷۲.

گیلان که برکنار بحرقزوین (دریای کاسپین یا خزر) واقعند دانسته‌اند [۱]. حمدالله مستوفی مینویسد : حدودش با ولایت عراق عجم و موغان و گرجستان وارمن و کردستان پیوسته‌است [۲]. ابن الفقیه حد آذربایجان را از برذعه (قراباغ ولایات آنطرف ارس) تازنجان نوشته‌است [۳].

ابوالفداء مینویسد که حدآذربایجان از نخجوان درکنار رود ارس است تا مرز زنجان [۴].

بنابراین حدود آذربایجان کم وبیش همان حدود فعلی آنست که ازشمال به رود ارس وازمغرب به‌ترکیه وازمشرق به گیلان وطالش وازجنوب به‌کردستان وخمسه (زنجان) باشد.

آذربایجان شوروی ـ اکنون یك جمهوری سوسیالیستی در ماوراء ارس وقسمت شرقی ولایات ماوراء قفقاز است ، ودربین رشته‌های جنوب شرقی کوههای قفقاز وساحل دریای خزر، و رود ارس قرار گرفته.

از شمال شرقی به جمهوری سوسیالیستی داغستان ، و از شمال غربی به جمهوری سوسیالیستی گرجستان ، وازمغرب به‌جمهوری سوسیالیستی ارمنستان، وازجنوب غربی به‌جمهوری مستقل نخجوان وازجنوب به‌رود ارس وآذربایجان ایران محدود است.

این ناحیه که تا نیم قرن پیش قراباغ (باغ سیاه) نام داشت و در دست امپراطوری روس بود . پس از شکست قشون امپراطوری از طرف متفقین اشغال شد و بنام محافظ ازطرف ژنرال دنسترویل Dunsterville از هفدهم اوت تا چهاردهم سپتامبر ۱۹۱۸ بنفع روسیه اداره شد . سپس قشون ترك بسرداری

۱ـ دائرةالمعارف اسلامی طبع اول ماده ، آذربایجان .

۲ـ نزهةالقلوب ص ۸۵ طبع دبیرسیاقی .

۳ـ مختصر کتاب البلدان ، ص ۲۸۵ .

۴ـ تقویم البلدان ص ۳۸۶ .

نوری پاشا، باکو را در پانزدهم سپتامبر ۱۹۱۸ تسخیر کرده حکومتی بنام آذربایجان، تحت ادارهٔ دولت عثمانی تشکیل دادند، و باطناً غرض ترکان عثمانی از این عمل آن بود که از ضعف دولت مرکزی ایران در اواخر قاجاریه استفاده کرده آذربایجان ایران را که مردم آن مانند اهالی قراباغ بزبان ترکی سخن میگفتند به آن آذربایجان پیوسته، در نواحی دوطرف ارس حکومتی تحت نفوذ دولت عثمانی تشکیل دهند. بعد از اعلام ترک مخاصمه ترکان و متفقین در جنگ بین‌المللی اول در سی‌ام اکتبر ۱۹۱۸ درمودروس Mudros، قشون متفقین بسرداری ژنرال تامسن Thomson بار دیگر در اکتبر ۱۹۱۸ شهر باکو را اشغال کرد و قشون ترک را عقب نشانید و حکومت مستقل آذربایجان راکه در آنگاه بدست حزب «مساوات» اداره میشد برسمیت شناخت. بعد از تخلیه باکو از قوای متفقین رژیم جدید شوروی که ادعای الحاق آن شهر را بخود داشت بدون جنگ در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ باکو را اشغال کرده آذربایجان (قراباغ) یکی از سه جمهوری متعاهد ماوراء قفقاز گردید. در ۱۹۳۶ و در حکومت استالین این اتحادیه منحل شد و در پنجم دسامبر ۱۹۳۶ آذربایجان درشمار شانزده جمهوری اتحاد جماهیر شوروی در آمد و باکو پایتخت آن گردید. وسعت این جمهوری ۸۵/۷۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن سه میلیون و دویست هزار است. که ۲۸ درصد آنان در شهرها زندگی میکنند. از این تعداد سه‌ثلث و نیم اکثریت، ترکان محلی، و دوازده درصد ارامنه، و ده درصد روس هستند.

پایتخت آن باکو است که دارای ۸۰۹۰۰۰ جمعیت میباشد.

از شهرهای آن گنجه است که قبل از انقلاب، الیزابت پول Elizabetpol و اکنون کیروآباد Kirovabad نام‌دارد و مقبره شاعر معروف ایرانی نظامی گنجوی در آنجاست و جمعیت آن ۹۹/۰۰۰ است. دیگر شهرهای بزرگ آن شماخی، قوبا، سالیان، نوخی، مین‌گه چا اور Mingechaur میباشد نواحی دیگر آن لنکران و شبه جزیره آبشوران است.

باید دانست که نویسندگان کلاسیک یونان وروم چون استرابن Strabon (کتاب دهم بند ۴) وبطلمیوس Ptolémée (کتاب پنجم بند۲) این ناحیه راآلبانیا Albania خوانده ودرادبیات ارمنی نام آن الوان-کا Alvan_Ka و در زبان عربی الرّان (اران) وبرذعه آمده ، وآن قسمتی راکه درشمال رودکوراست، شروان ، نامیده‌اند ، وچنانکه گفتیم درقرن اخیرهمهٔ آن ناحیه، قراباغ، خوانده میشده است [۱] . پس نام آذربایجان شوروی اسمی تاریخی نیست بلکه اصطلاحی سیاسی وتازه است. این ناحیه تازمان هخامنشی ها مسکن سکاها بود بعد بتصرف ایران درآمد ودرزمان اشکانیان بدست رومیان ودراوائل قرن سوم میلادی قسمت اعظم آن بدست ساسانیان افتاد . دراواخرقرن هفتم بتصرف لشکرعرب درآمد ، ودر قرون هفده وهیجده میلادی دردست ایران بود .

پس ازشکست ایران درزمان فتحعلی شاه قاجارازروسیه برطبق عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳م) وترکمان چای (۱۸۲۸م) آن نواحی بروسیه واگذارشد [۲] .

درفرهنگهای جغرافیائی قرن نوزده حدود قراباغ چنین آمده‌است [۳] : «قراباغ» (باغ سیاه) خطّه‌ای‌است ازروسیهٔ آسیاکه مشتمل برحکومت باکو است .

این ناحیه بین رود کور ازشمال ، وارس ازمشرق ، وارمنستان از جنوب ، و گرجستان از مغرب قرار گرفته و اهالی آن مسلمان وشهر عمدهٔ آن شوشا است . [۴]

۱- دائرةالمعارف اسلامی طبع فرانسوی ص۱۹۷ ماده آذربایجان .

۲- دائرةالمعارف فارسی ج۱ ص ۷۹ .

3— Darsy, M. E. Dictionnaire Géneral Biographie et D'Histoir Paris 1889, P. 1550.

۴- درتداول عوام کنونی آذربایجان ایران ، آن سوی رود ارس را Otay اوتای مرکب از اُو O (آن) و تای Tay (طرف) میگویند و منسوب به آن را اوتایلی Otayli یعنی ماوراء ارسی میخوانند .

اران Arân یا ران Ran که بزبان عربی با حرف تعریف، الرّان شده و ارّان خوانده میشود . شکل فارسی نام الوانك Alvânak است که بیونانی آلبانی Abanoi وبه سریانی «ارن» وبزبان ایبری رانی Rani گردیده است . این ایالت درمثلث بزرگی درمغرب ملتقای دورودکور (کُر) Cyros وارس واقع شده وبهمین مناسبت حمدالله مستوفی اراضی بین این دورود را «بین النهرین» نامیده است. ارّان ازشمال به رودکور وکوههای قفقاز وازمغرب به آلازان Alazan وازمشرق بدریای خزر وازجنوب به رود ارس محدود بوده است.

در زمان تئوفانس می تی لن Theophanes, Mitylene تاریخ نگار یونانی معاصر پومپه ۴۸-۱۰۶ ق.م بیش از بیست وشش زبان ولهجه در آن ایالت وجود داشت، حتی در قرن پنجم میلادی آلبانی ها زبان مخصوص بخود داشتند که برای آن ماشتك Mashtoc یك الفبای مخصوص اختراع کرد . موسی خورن تصور کرده که زبان گارگاراچیك Gargarachik های اطراف بردعه بوده که ماشتك الفبای مزبوررا برای آن اختراع کرده وآن زبانی حلقی وخشن وزمخت بوده است .

جغرافی نویسان عرب در قرن چهارم هجری به یك زبانی مخصوص در آن ناحیه بنام الّرانی اشاره کرده واصطخری آنرا زبان ملایمی توصیف میکند . آرانیها یامردم آلبانی را نباید نظر به اسم یونانی آن ، باآلبانی های شبه جزیرهٔ بالکان اشتباه کرد .

آلبانی یاآران ، از قدیم کشوری غیرآریایی بوده بنابراین فرضیه گلدنر Geldner درکتاب اساس فقه اللغه ایرانی که ایران ویج اوستایی را در آن سرزمین پنداشته درست نیست . اران یاآلبانی اصلی که بین رودکور و قفقاز واقع شده شامل مناطق ذیل بود:

اخنی Exni درنزدیکی ایبری درکنار رود الوان Alvan یاآلبانس Albanos، کامبیچان Kambechan درکنار رودکور، وشهرگوگاو Gevgav درکنار رودالوان ، ومنطقهٔ بیخ Bix درنزدیك قفقاز ودرمشرق مناطق شکه Shakê (شکی) ، ودگارو

کولك Kawalak ، یا Dêgaru در کنار رودی بهمین‌نام ودرمشرق پایتخت قدیمی کبله Chabala که به بقول پلینوس Plinos کبلکا Cabalaca و بقول بطلمیوس : کامبیزن Kambysene میشود، عربی،قبله ، شده‌است.سرزمین کامبیچان که بیونانی جزء دولت ارمنستان بزرگ بنا بنوشتهٔ استرابن سابقاً از مستملکات تیگران بود .

سرزمین کاسپیانهٔ Kaspiane که در قرون بعدآن را پالتاکاران Paltakaran میخواندند نخست جزءآتروپاتن (آذربایجان) بود وتوسط آرتاکسیاس از آن منتزع شد ودر زمان تئوفانس از ولایت آلبانی بشمارمیرفت .

آلبانی‌ها بعنوان متحد شاهپور دوم ساسانی (۳۱۰_۳۷۹ م) بسیاری از نواحی‌ارمنستان‌مانند‌اوتی‌Uti‌وشکشن Shakashen وگاردماناژور Gardmanažor وکلت Kolt را متصرف شدندکه موشل Mushel دوباره‌آنهارا پس‌گرفت .

پس ازتقسیم دولت ارمنستان،آلبانی‌ها دوازده‌ناحیهٔ آرکاکس Arcax را در قره باغ امروزی وهشت ناحیه Uti را درمشرق گوگارك وشمال آرکاکس‌متصرف شدند .

پادشاه‌آلبانی‌ها درسال۳۵۹م درهنگامیکه شاهپور دوم شهرآمدرامحاصره کرده بود بعنوان متحدآن شاهنشاه درآن جنگ حضورداشت .

بعدهم بحمایت‌آن شاهنشاه بر ضد پاپ Pap پادشاه ارمنستان بجنگید اما نقشه های شاهپور را بر موشل Mushel سردار ارمنی فاش کرد و به شاهپور خیانت نمود .

آلبانی‌ها موظف بودند که درجنگ‌های ایران برضد ارمنستان به ایران کمك لشکری‌کنند . درپنجمین سال سلطنت پیروزساسانی ۴۶۱م پادشاه آلبانی که واچه Wache نام داشت پس ازشورش چندساله علیه ایران ناچار به‌تسلیم شد وکشورآلبانی را تحویل به ایران داد وخود رهبانیّت اختیارکـرد . ازآن پس دیگراثری ازپادشاهان‌آلبانی‌نیست .

قباد پسر فیروز ساسانی (درسال ۵۰۷م) شهر پرتو Partav که اعراب آنرا معرّب کرده و برذعه، گفته‌اند تبدیل به‌دژی مستحکم دربرابر هونهاکرد، نام آن را، پیروز کواذ، نامید. این شهر بتدریج کاوالاك Kavalak را که پایتخت قدیم بود تحت الشعاع قرارداد.

زاخاریاس رتور Zachariasrhetor درسال ۵۵۴ میلادی از امیری درآلبانی یاد میکندکه تابع پادشاه ایران بوده‌است. پس ازانقراض سلسلهٔ قدیمی ارّان بنظرمیرسد که دراواخر قرن ششم میلادی، مهران، نامی از خاندان برادران بندو Bando وستام Westam (ویستهم) ازقتل‌عام آن‌خانواده‌بدست خسروپرویز گریخته سلسلهٔ جدیدی درارّان تأسیس کرد.

ازجمله شاهانی‌که خسروانوشیروان‌ازطرف خود درقفقاز بسلطنت‌گماشت شاه **لیران** با لقب **لیرانشاه** بود. این نام درکتب جغرافیاهای قدیم باختلاف قرائت: ایرانشاه، اللیران، والیزان، والبرانشاه، آمده است، وظاهراً بایستی همان ارانشاه‌بوده باشد. کشوراین امیربین شروان ومغان قرارداشت وباکشور، الرّان، اصلی‌تطبیق میکند.

الرّان بمفهوم وسیع‌تری باآلبانی‌قدیم مطابقت داردکه در شمال تاگردنه چور Chor (دربند) میرسید. ولی‌ارّان‌بمفهوم محدودخودعبارت است ازامارت ارانشاه Erânshâh پس ازانتزاع امارتهای شروان وقبله، وشکّی، ومغان‌یعنی مناطق بین رودکور وارس، که سرزمین آرکاکس Arax واوتی Uti وبا پایتخت آن پرتو Partav یعنی‌برذعه باشد. درزمان مسعودی صاحب مروج‌الذهب، ارانشاه محمدبن یزید پس ازمرگ شروانشاه علی‌بن‌جشم، کشورشروان را تصرف‌کرد. این‌محمد افتخارمیکردکه ازنسل بهرام چوبین‌است.

بلاسجان ــ دشت بلاساکان Balâsakân که معرّب آن، بلاسجان است، در بین راه برزند و اردبیل در اطراف رودخانه وسطی‌که سه رودند وسرچشمه بُلگاروچای را تشکیل‌میدهند قرارداشته، ودرچهارده فرسنگی‌اردبیل بطرف

بلاسکان جزء پادشاهی آلبانی بود و ورثان بوده است. بقول کوریون Koriun بلاسکان جزء پادشاهی آلبانی بود و در زمان واردانیها ، مردی هونی‌نژاد بنام هران Herân پادشاه آن ناحیه بوده است [۱] . پس لقب، «براشکان‌شاه» ، راکه ابن‌خردادبه درکتاب المسالك والممالك پس ازاللان‌شاه درشمار شاهان آذربایجان آورده بایستی اشاره به‌امیر بلاسجان باشد [۲] . بلاسجان یا بلاشجان معرب ، بلاشگان ، است که ظاهراً بمعنی شهر بلاش میباشد . نظیراین‌اسم منتهی‌بصورت مماله به‌شکل بلاسجین، درآذربایجان وجود دارد که جزء دهستان **نیگجه** بخش مرکزی شهرستان سراب بشمار می‌رود [۳] .

اران دردورهٔ اسلامی- مقدسی در قرن چهارم‌هجری شهرهای ذیل را از بلاد اران شمرده است:

برذعه ، تفلیس، خنان ، شمکور، جنزه(گنجه) ، برديج ، شماخیه، شروان باکو، شابران ، باب‌الابواب (دربند) ، شکی ملازکرد، تیلا (تبلا) [۴] . حمدالله مستوفی: بیلقان وبردع (برذعه) وگنجه وهیرك(سیرك) را ازبلاداران، وباکویه وشماخی، ودربند وشکی، وشابران را ازبلاد شروان وتفلیس وخنان، را از بلاد ابخاز وگرجستان شمرده‌است [۵] .

کرسی ایالت‌اران درقرن‌چهارم‌برذعه‌بودکه خرابه‌هایش تاکنون برجاست- ابن‌حوقل درقرن چهارم مینویسدکه طول آن یك فرسنگ وعرض آن کمتر از یك فرسنگ است، ومربع شکل، ودارای قلعه‌ای است درسه فرسنگی رود کر (کورا) برساحل یکی ازشاخه‌های آن رودکه «ثرثور» نام دارد .

نزدیك برذعه بمساحت کمتر از یك فرسنگ محلی بود معروف به، اندراب،

۱ـ مارکوارت . ایرانشهر J. Marquart, Érânshahr, Berlin, 1901, 108-14.

۲ـ المسالك والممالك ص ۱۷

۳ـ فرهنگ جغرافیایی ایران ج۴ ص ۹۳

۴ـ احسن‌التقاسم فی‌معرفة الاقالیم ص۳۷۴

۵ـ نزهة‌القلوب ۱۰۵ - ۱۰۸

با باغستان وسیعی که طول آن از هر طرف یك روز راه بود وعلاوه برمیوه فراوان تربیت کرم ابریشم نیز در آنجا معمول بود. بیرون شهر برذعه جلو دروازه کردان (باب الاکراد) هر روز یکشنبه بازار بزرگی دائر می گردید که طول آن به یك فرسنگ می رسید و معروف به بازار **کرکی** مأخوذ از لفظ یونانی کوریاکوس Kuriakos بمعنی روز خداوند بود. زیرا در آن روزگار در آنجا روز یکشنبه را بنام «کرکی روز» می خواندند. ونیز بقول ابن حوقل: برذعه مسجد جامع زیبایی از آجر داشت ودارای حمامهای بسیار بود. یاقوت می نویسدکه: برذعه شهری است در انتهای خاك آذربایجان. حمزه اصفهانی در وجه تسمیه برذعه گویدکه آن معرب «برده دار» است، زیرا بعضی از پادشاهان ایران ولایات بالادست ارمنستان را غارت کرده اسیرانی از آنجا آورده در این محل ساکن کردند و از اینجهت آن را برده دار گفتند؛ در زمان یاقوت این شهر از عظمت پیشین خود افتاده و بخرابی گرائیده بوده است[1].

حمدالله مستوفی می نویسد: «بردع» از اقلیم پنجم است اسکندر رومی ساخت قباد بن فیروز ساسانی تجدید عمارت آن کرد. شهری بزرگ بوده وکثرت عظیم داشته ...آبش از رودی است که به ترتر (ثرثور) مشهور است[2].

اعتمادالسلطنه می نویسدکه: بردعه که باصطلاح این ایام قراباغ باشد اسم ناحیه ای است، شوشه قلعه وشهر اوست. شوشه ازسایر بلاد قفقاز که ایروان و نخجوان وگنجه وغیره باشد بهتر وآبادتر است. امیر تیمور گورکان زیاد مایل هواوصفای قراباغ بود قلعه کاخ که محبس اسماعیل میرزا پسر شاه طهماسب صفوی

۱ـ معجم البلدان ج۱ ص ۵۵۸.

۲ـ نزهة القلوب ص ۱۰۵

بوده همین قلعه شوشه است.[۱]

شهر بیلقان - این شهر که بزبان ارمنی آن را فیداگران Phaidagaran می‌گفتند پس از خراب‌شدن برذعه مرکز ایالت اران گشت.

یاقوت می‌نویسدکه: بیلقان به‌فتح باء و لام شهری است نزدیک شهردربند یا باب‌الابواب و از ولایات ارمنستان بزرگ شمرده می‌شود. گویند نخستین کسی که‌آن را احداث‌کرد قباد بود. این شهر را مغولان در سال ۶۱۷ تسخیر کرده ومردم آن‌راکشته اموالشان را غارت‌کردند.[۲]

حمدالله مستوفی می‌نویسد: «بیلقان» از اقلیم پنجم است قباد بن فیروز ساسانی ساخت، واکنون خراب است وبیشتر عمارات‌آن ازآجر است. هوایش گرم است[۳].

در اواخرقرن هشتم بیلقان در محاصرۀ امیرتیمور قرارگرفت وی پس از تصرف‌آن شهر امرکرد عمارات خراب آنرا ازنو ساختند ونهری از رود ارس جدا کرده بشهرآوردند که شش‌فرسنگ طول وپانزده ذراع عرض‌داشت وآنرا بنام، برلاس، عشیره تیمور، نهربرلاس نامید.

گنجه - دیگرازشهرهای اران‌گنجه است.

جغرافی‌نویسان عرب‌آن را جنزه نوشته‌اند روسهای تزاری آنرا الیزابت پل Elizabetpol نام‌نهاده وبعد ازانقلاب شوروی نام‌آن به‌کیروآباد Kirovabad تغییر کرد یاقوت مینویسد که جنزه به‌فتح جیم اسم شهربزرگی در اران است‌و آن بین شبروان وآذربایجان واقع است ومردم آنرا، گنجه، خوانند وبین‌آن و برذعه شانزده‌فرسنگ‌است[۴]. حمدالله مستوفی‌مینویسد، گنجه ازاقلیم پنجم‌است

۱- مرآت البلدان طبع سال۱۲۹۴ قمری ج ۱ ص ۱۹۴

۲- معجم‌البلدان ج۱ ص۷۹۷

۳- نزهةالقلوب ص ۱۰۵

۴- معجم‌البلدان ج۲ ص۱۳۲

شهر اسلامی است درسنه تسع وثلاثین هجری (۳۹ ه .) ساخته‌شد . شهری خوش ومرتفع بود ودراین معنی گفته‌اند :

چند شهرست اندر ایران مرتفع‌تر از همه   بهتر و سازنده‌تر از خوشی آب و هوا
گنجه پر گنج دراران ، صفاهان در عراق   درخراسان مرو وطوس، درروم باشداقسرا[1]

باژگاه ـ نام این شهر در کتاب حدود العالم آمده و مینویسد : ، باژگاه شهرکیست برلب رود ارس نهاده و از وی ماهی‌خیزد [2] .

مینورسکی مینویسد این شهرممکن است ، «جواد» باشدکه در پائین‌تر از نقطهٔ الحاق رودکور وارس واقع شده‌است دراینجا مسافران ازرود عبورکرده و از آنان باج یاعوارض عبور ازپل میگرفتند [3] .

شمکور ـ درشمال‌غربی گنجه بوده که خرابه‌های آن هنوز باقی‌است، یاقوت می‌نویسدکه . « شمکور به‌فتح شین‌قلعه‌ای است درنواحی اران وبین‌آن وگنجه یك روز راه وده فرسنگ است . این شهر را بغا غـلام معتصم خلیفه کـه والی ارمنستان و آذربایجان بود درسال ۲۴۰ هجری آبادکرد و آنرا متوکلیه نامید» [4] .

شروان ـ آن طرف رودکر (کور) درساحل‌دریای خزرجاییکه سلسله‌جبال قفقاز به‌دریا فرو میرود ایالت شروان واقع شده‌است. کرسی این‌ایالت شماخی (شماخا) خوانده میشود . امیران ایـن ایالت را ، شروانشاه ، میخوانـنـد . مؤلفان قدیم دوشهردیگررا درشروان نام برده‌اندکه محل‌آن‌ها معلوم نیست :

یکی شابران‌که دربیست فرسنگی‌دربند جای داشته ، ودیگرشروان‌که در جلگه‌ای واقع بوده وازجاده در بند سه روز راه تا شماخی فاصله داشته است .

---

۱ ـ نزهةالقلوب ص ۱۰۵

۲ ـ حدودالعالم من‌المشرق الی المغرب ، به تصحیح دکترستوده ص ۱۶۱

۳ـ Minorsky, Hudud' al_âlam' p. 398

۴ـ معجم البلدان ج۳ ص ۳۲۲

در آخرین نقطهٔ شمالی ایالت شروان شهر **باب‌الابواب یا دربند** واقع بوده که از بنادر مهم دریای خزر بشمار میرفته است.

ابن‌حوقل گوید: در وسط این بندر لنگرگاه سفاین است و در این لنگرگاه که از دریا بداخل شهر پیش رفته بنائی است مانند سدی بین دو کوه مشرف بر لنگرگاه و در دهانه لنگرگاه جایی که کشتی‌ها بدان داخل میشوند، زنجیری کشیده شده و بر این زنجیر قفلی زده‌اند چنانکه هیچ کشتی نمیتواند از آنجا خارج و داخل شود مگر با اجازهٔ رئیس بندرگاه. سد از سنگ و سرب ساخته‌شده، و گرد خود شهر، باروی مرتفعی از سنگ ساخته‌اند[1].

اصطخری مینویسد: که باب‌الابواب (دربند) قریب دو میل از اردبیل بزرگتر است. یاقوت شرح مفصلی راجع به دربند باب‌الابواب نوشته و از باروی عظیمی که گرد آن شهر بوده و از دربند بسوی مغرب برای جلوگیری از اقوام وحشی کشیده شده بوده یادکرده مینویسد:

این سد یادگار انوشیروان پادشاه ساسانی است که آنرا برای جلوگیری از هجوم قوم خزر با یران بناکرده و دری آهنی بر آن تعبیه نموده بود[2].

تا پیش از انوشیروان کشور ایران را چهار مرزبان بزرگ اداره میکردند که یکی از آنها مرزبان خزر و آران بود. بهمهٔ مرزبانها اجازهٔ نشستن بر تخت نقره میدادند جز مرزبان اران و خزر که بعلت اهمیت مقام حق داشت بر تختی از زر بنشینند[3].

در داستانی اساطیری از کتاب تیجان آمده چون ذوالقرنین یمانی به باب‌الابواب آمد گروهی از یأجوج و مأجوج را بکشت و بر گروهی از ایشان ببخشود و

---

۱ - ابن‌حوقل : صورة‌الارض ص۳۳۹

۲ - یاقوت : معجم‌البلدان ج۱ ص ۴۳۷-۴۴۲

۳ - ایران در عهد باستان ص۱۷

آنان را در جزیرهٔ ارمینیه در ناحیهٔ جابرصا رها کرد و آنان را ترك نامید زیرا ایشان را ترك کرده و نکشته بود[۱].

یکی ازافسران روس تزاری بنام مارلنسکی که در۱۸۳۲ میلادی خرابه‌های این‌سد عظیم را دیده چنین‌مینویسد: «آنچه معلوم میشود این دیوار عجیب از نارنج‌قلعه شروع شده و بسمت مغرب ممتد گشته چه ازقلل جبال وچه درعمق دره‌ها برجهای کوچك با‌ین دیوار استوار است که درفاصلهٔ غیرمعین بدون ترتیب وقاعده بناشده است.

اما آنچه حدس زدیم دراین برجها آذوقه واسلحه انبارمیکرده‌اند ودروقت لزوم مستحفظین دیوار آنچه لازمه حرب ودفاع بود حاضر داشتند. هر کجاکه سرازیراست ازبالا که شخص ملاحظه میکند این‌دیواربطور پله مرتبه بمرتبه ساخته شده ارتفاع بروج بالنسبه بدیوار زیاده از یکذرع نیست هرقدر که از دیوار باقی‌بود ما سیرکردیم پیشتر نرفتیم شاید اگرپی میکردیم بانتهای دیوار میرسیدیم»[۲].

بندر باکو (باکویه) ـ در جنوب دربند است اصطخری به نفت آن اشاره کرده است یاقوت گوید: درآن‌جا چشمهٔ نفت بزرگی است که بهای محصول روزانهٔ آن بهزار درهم میرسد. درکنارآن چشمهٔ دیگری است‌که نفت سفیداز آن بیرون می‌آیدکه مانند روغن‌جیوه است وشب وروز قطع نمیشود. درآنجا زمینی‌است که همیشه‌آتش ازآن برمیخیزد[۳].

باکویه را بادکوبه نیزگویند واعتمادالسلطنه تحت ماده بادکوبه مینویسد که: «بادکوبه شهری است درشروان واقع درکنار دریـای خزر نزدیك به شبه

۱ ـ عبدالملك‌بن هشام: کتاب التیجان فی‌ملوك حمیر، طبع حیدرآباد دکن۱۳۴۷ هجری ص۱۰۰.

۲ ـ مرآت البلدان ج۱ ص۱۲۲-۱۲۴

۳ ـ معجم البلدان ج ۱ ص۴۷۷

جزیره‌آب شرون . دورشهر قدیم دیواری محکم بابروج مشیّده بناکرده بودند

درشهر قدیم وقلعه وسط آن که بمنزله ارك بوده الحال آبادی نیست .

معادن نفت دربادکوبه بحدی است که اگرشخصی عصایی درزمین فروبردبعد
بواسطه کبریت هوایی راکه از روزنه زمین خارج میشود آتش زند مشتعل میشود.
معبد پارسیان وآتش پرستان هندی درجایی بنام صوری خانه است، وعمارتی است
مربع دروسط آن عمارت طاقی بناشده که چهارطرف آن باز است وسط گودالی
است که آتش از میان آن بیرون می آید . اطراف حجرات است ازهر حجره
منفذی تعبیه نموده‌اند که آتش بیرون می آید یعنی هر وقت بخواهند کبریتی
روشن کرده درمحاذی آن منفذ میگیرند هوایی که خارج میشود مشتعل
میگردد. درصحرای اطراف صوری خانه بمساحت چهارهزارذرع تقریبا تمام زمین
مشتعل است. یك هندی گجراتی دراین معبد بودبطرز آتش پرستان نماز خواند
او میگفت از گجرات آمده ومتولی معبد است. معبدی هم به همین طرز دربمبئی
داریم ازبعد ازغلبه اسلام به مملکت ـ ایران معبد بزرگ ایشان همین بادکوبه
است »[1] .

از این بیان معلوم می‌شود که پارسیان زرتشتی هند آتشکده‌ای در باکو
داشته وبزیارت آن میرفته‌اند .

درجنوب باکویه **ولایت گشتاسفی** نزدیك دهانه رودکر واقع است وازنهری
که ازآن رود جدا شده مشروب میگردد .

درکوههای نزدیك دربند قلعه‌ای بود موسوم به **قبله** که سابقا در باره آن
بحث کردیم .

---

۱ ـ مرآت البلدان ج ۱ ص۱۵۰-۱۵۴

نام قبله در دوره اسلامی درجنگهای تیمور مکرر ذکر شده است [۱].

امروز باکو پایتخت جمهوری آذربایجان شوروی است و برکنار دریای ـ خزر در شبه‌جزیره آپشوران Apshéron واقع است.

عشایر آذربایجان شوروی

طبق آمار سال ۱۹۲۶ درآذربایجان شوروی ۲۲٫۰۰۰ روس و ۲۸٫۰۰۰ ارمنی، و۷۷٫۰۰۰ از اقوام ایرانی و۴۱٫۰۰۰ طالش و۳۷٫۰۰۰ کرد، و۲۸٫۰۰۰ لزکی‌وتات مسکن داشتند.

درآذربایجان شوروی این ایلات وقبائل ترك‌نژاد زندگی میکنند:

قرا باغ، کنگلی Kangaly، کومانلو Kumanlu، جگیرلی Jegirly، جوانشیر، خلج، شاملو، قرامانلو Karamanlu، آیدین Aydin، یوا Yauâ، ایمرلی Imarly، دگر Dogar، بیات Bayât، قاجار، بهارلو،ذوالقدر، استاجلو، پادر pâdar ،که بیشتر این قبایل درشمال غربی شماخی مسکن دارند.

قبایل ترکمن زاکاتالا Zakâtalâ، و نوحا Nuhâ در نزدیکی کوردمیر Kurdamir، در شمال واطراف دربند در دهات بسیاری اسکان گزیده‌اند.

شماخی، کوبا Kuba ،گوگجای، جواد ،آق‌داش ،نخجوان ،تسکین بخش، خلیل لورا که قبیله‌ای ترك بهمین نام در آن جا میزیسته‌اندتشکیل‌میدهد.

در ۱۸۵۶ میلادی طبق سالنامه‌ای‌که درآذربایجان روسیه منتشر شد قبایل ذیل‌درآن سرزمین میزیسته‌اند: خلج،آلپاووت Alpâvut ،کارابروك Kârâbruk، چپینی Chapini، کارادکین Kârâdakyn (قراتکین)، دیزهلو Dizahlu ،بایندر Bâyunder، کارایوند Kârâyund، قزاق Kâzâgh، کومان Kumän، ترکان Turkân.

کردانی که درآران بوده‌اند اکنون ترك‌زبان شده‌اند، وتنهااز بین‌ایشان:

---

۱ - حمدالله مستوفی ص ۱۰۶-۱۰۷، لسترنج جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ص۱۹۲-۱۹۵.

زنگه زور Zangazur ، جلالی، قبایل‌کرد مغروز Magruz ، عشایر شیلانلو، که در حدود هزار خانوار هستند بزبان کردی سخن میگویند.

اقوام کوچ‌نشین ترك که اصلا ازخارج به‌آنجا مهاجرت کرده‌اند امروزه ده‌نشین شده ونام قبایل خود را برآن دیها نهاده‌اند.

اولیاچلبی قراباغ را آذربایجان کوچك خوانده است.

چنانکه دربالا گفتیم براثر جنگهای ایـران‌و روس در زمان فتحعلی شاه قاجار که منتهی به‌دو معاهدهٔ گلستان وترکمانچای شد شهرهـای ماوراءِ ارس و قراباغ (اران) ضمیمه کشور روس گردید.

درسال ۱۸۰۵ شهر گنجه،ودر ۱۸۰۶ بـاکو،ودر ۱۸۱۵ شکّی ، و در۱۸۲۰ شروان ، ودر ۱۸۲۲ قراباغ زیر تسلط روس درآمد.

ایلات قاجار و کنگرلو بین سالهای ۱۸۰۳ و۱۸۰۶ بطرف قارس مهاجرت کردند ولی دیگرباره به ایروان انتقال داده شدند.

از قراباغ خانوادهٔ امیرلو بطرف آذربایجان ایران کوچ کردند. ازمیان قبایل قراباغ که بطرف ایران رفتند گروهی از چلبینانـلوها ، و یـوسفانلوهـا بودندکه بکمك‌کنگرلوها بجانب ارس‌کوچ‌کردند، ولی پس‌از چندی عدهٔ زیادی از آنان بازگشته مورد عنایت روسها قرارگرفتند. ایلات مهاجر بیشتر به مناطق ماکو و اردبیل وتبریز رفته سکنی‌میگزیند- هنوز درتبریز ودیگر بلاد خانواده هایی‌ازمهاجران ماوراء ارس وجود دارندکه بنامهایی از قبیل: قراباغی‌وشیروانی واردو بادی و غیره خوانده میشوند.[1]

نام شهر های قدیم آذربایجان- در کتابهای مسالك و ممالك و بلدان این بلاد و قصبات آذربایجان شمرده شده است:

1- A. Zekivelidi Togan, Islâm Ansiklopedisi. 2-Çilt, Istanbul, 1946 (AzerbayÇan, p. 91-119).

اردویل (اردبیل) ، مراغه ، تبریز ، خوی ، ارمیه ، مرند . میانج(میانه) طوج، سلماس ، موقان (مغان) ، اهر، سراو (سراب) گرمرود ، خیاو ، داخرقان (دهخوارقان) ، خسروشاه (نزدیك تبریز) ، اشنویه (اشنو ، اشنه،اسنو) خلخال ، زنوز، این شهرها همه معروف است وامروز هم بهمین نـامها وجود دارد ولـی جغرافی نویسان قدیم غیرازاینها از شهرهاو قصباتی نام برده‌اند که امروزدرست شناخته نیست و نام آنها از اینقرار است :

اجن، ارچاق ، ارنار ، اندر آب ، اوجان بلخاب ، بلاسجان ، بذ ، برزند ، برزه، باجروان ، توی ، تکلفه.

جابروان (جابروقان) جنزه .

خلیاثا ، خرقان ، خونج (خونه)

دارمرزین ، دیرخرقان ، دوین،درآورد،

دزمار

زرآوند ، زنگیان

ساترودان ، سابرخاست (شابورخاست)

شیز ، شاهرود

قلعه کهران ، کولسره ، گرگر،گیلان فضلون، مایبهرج ، میمند ، مشگین مردان قم، موسی‌آباد ، نورین ـ ، نریر ، نوذر ، نیلان ، نشوی ، ورثان [1]

---

۱ — رجوع شود به : ابن‌الفقیه : مختصر کتاب البلدان ص۲۸۵ تا ۲۸۶

: ابن‌خرداذبه: المسالك والممالك ص۱۱۹—۱۲۲

: الیعقوبی : بلدان طبع نجف ص ۳۸

: ابن حوقل : صورة‌الارض ص۳۳۴—۳۳۷

: مقدسی: احسن‌التقاسیم فی‌معرفة الاقالیم ص۳۷۴—۳۸۴

: ابودلف سعربن مهلهل: الرسالة الثانیه بتصحیح مینورسکی ص۶—۱۰

: الاصطخری : مسالك والممالك ص۱۸۰ـ ۱۸۲ـ۱۹۲

بقیه در صفحه بعد

ابن‌خردادبه[1] شهرهای کوره (ایالت) آذربایجان را چنین برمیشمارد که بیشتر آنها شهرهای‌دوره ساسانی است :

۱ـ مراغه ، ۲ ـ میانج ، ۳ـ اردبیل ، ۴ـ ورثان ، ۵ ـ سیسر ، ۶ ـ برزه،۷ـ سابرخاست ۸ ـ تبریز ، ۹ ـ مرند ، ۱۰ ـ خوی ، ۱۱ ـ کولسره ، ۱۲ ـ موقان ، ۱۳ـ لشکله ، ۱۴ ـ برزند ، ۱۵ ـ جنزه ، ۱۶ ـ جابروان ، ۱۷ ـ نریز ، ۱۸ ـ اورمیه ،۱۹ـ سلماس۲۰ ـ شیز،۲۱ ـ ماشیا، ۲۲ ـ باجروان، ۲۳ـ رستاق‌السلق ۲۴ ـرستاق ـ سندبایا(سندپایه)، ۲۵ـالبذّ(بذّ)، ۲۶ـ رستاق ارم، ۲۷ ـبلوانکرج (قرجه‌داغ ؟) ۲۸ ـ رستاق سراة ، ۲۹ ـ دَسکیاور، ۳۰ ـ رستاق مابیهرج .[1]

از این ولایات ، سیسر (سنه) ، و برزه، وسابرخاست (شاپورخاست)،جنزه (گنزك) ، جابروان، نریز ،شیز، رستاق‌السلق ، رستاق‌مابیهرج ، درجنوب دریاچه اورمیه، درجهت دینور واقع بودند. و شهرهای ، تبریز ، مرند، خوی، اورمیه، و سلماس در زاویه شمال غربی آن دریاچه ، و شهرهای مراغه ، میانج اردبیل ،کولسره، موقان، برزند ، البذّ، ارم،بلوانکرج ، ورستاق سراة(سراب) در شرق نصف‌النهاری تبریز ، و شهرهای : رستاق سندبایا ، و دستکیاور معلوم نیست در کجا بوده است .

ولایت مابیهرج راکه مینورسکی ، ماپیهرج ، خوانده و آن‌را بمعنی ، نگهبان ماد ، دانسته در مرز جنوبی آذربایجان و احتمالا با ، سنقر، یکی میداند .

→

: بلاذری : فتوح‌البلدان ص۳۳۳ـ۳۳۹

: الاصطخری : کتاب الاقالیم طبع عکسی ۷۹ـ۸۲

: ابوالفداء : تقویم‌البلدان ص۳۸۶ـ۴۰۷

: حدودالعالم : تصحیح دکترستوده ص ۱۵۸ ـ ۱۶۱

نزهةالقلوب :تصحیح‌دبیرسیاقی ص۸۵ـ۱۰۲

۱ـ المسالك والممالك ص۱۱۹ـ۱۲۰

ورثان درشمال شرقی آذربایجان وبجای آلتان Alatan فعلی درکنارجنوبی رود ارس واقع بود و آخرین حد شمالی آذربایجان بشمار میرفته است.

چون آذربایجان غالبا با دو ایالت همسایه خود ارمنستان، واران که مقدسی مجموعا آنها را، اقلیم الرحاب، خوانده [۱] تحت یك حکومت بود. بالطبع سرحداتی متغیر داشت چنانکه بقول مقدسی: خوی، اورمیه، دهخوارقان از ایالت ارمنستان بشمارمیرفت. ولی درزمان یاقوت (قرن هفتم هجری) حد شمال آذربایجان تا برذعه امتداد داشت در حالیکه حمدالله مستوفی نخجوان واردوباد را درساحل چپ ارس حد شمالی آذربایجان دانسته است.[۲]

اینك بشرح شهرهای قدیم آذربایجان میپردازیم. در زمان قدیم و دورهٔ خلافت، آذربایجان ازشاهراه بزرگ خراسان که ازایالت جبال(ماد) میگذشت برکنارافتاده بود، این برکناری ازاین جهت نیز تشدید شده بودکه بنابقول مقدسی در کوهها ودشتهای آن بیش ازهفتاد زبان ولهجهٔ گوناگون تکلم میشد، درحالی که هیچکدام ازشهرهای آن ناحیه وسعت قابل توجهی نداشت.

دراوایل خلافت عباسیان مراغه وسپس اردبیل واز اواخر دورهٔ خلافت تا کنون تبریز درمیان شهرهای آذربایجان مقام اول را پیدا کرده است.

مراغه

جغرافی نویسان عرب دراوائل دوره اسلامی فقط شهرمراغه راکه درجنوب کوه سهند ودر کناررودی بنام، صافی، بوده که ازآن کوه جاری میشده وبدریاچه اورمیه میریخته پایتخت آذربایجان ذکر کرده اند. لشگرگاه اسلام درآذربایجان درمراغه بوده است وچون آنجا چراگاه لشگرعرب بوده آنرا بزبان عربی،

۱ــ احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم ص۳۷۳

۲ــ مقالهٔ مینورسکی در دائرة المعارف اسلامی طبع دوم ج اول رساله۴ مادة آذربایجان طبع فرانسه ص۱۹۴

مراغه ، که دراصل (قریةالمراغه) یعنی ده چراگاه بوده خوانده‌اند.[1] یاقوت مینویسدکه نام قدیم این‌شهر، **افرازه رود**، بوده وسپس بسبب چراگاه واردوگاه شدن لشگرعرب مراغه نامیده شده‌است.

درقرن چهارم هجری ابن‌حوقل مراغه را شهری باندازه اردبیل شمرده و گوید مراغه مدت زمانی کرسی ایالت آذربایجـان بود وسپس مرکز اداری‌آن ایالت به اردبیل‌منتقل‌شد.

یاقوت مینویسدکه استحکامات و باروی‌آن شهـر درزمـان هارون‌الرشید ساخته شد ودر زمان مامون ترمیم گشت.[2] حمدالله مستوفی مینویسدکه . مراغه شهری بزرگ است و پیشتر دارالملك آذربایجان‌بود . هوایش معتدل است وبه عفونت مایل جهت آنکه کوه سهند از طرف شمال مانع رسیدن باد بدانجاست آبش ازرود صافی، است که ازسهند برمیخیزد وبدریاچه‌چی‌چست میریزد.(نام این رودخانه امروز صوفی‌چای است) .

قزوینی درآثارالبلاد ازقلعه‌ای بنام روئین دز درسه فرسنگی مراغه یاد کرده که ازهرطرف‌آن رودی روان بوده ودرداخل قلعه باغی معروف به‌عمید آباد با استخری برای‌آبیاری وجود داشته‌است . دریك فرسنگی‌آن قلعه ده ، جنبذق، قرارداشت ودرآن چشمه‌آب‌گرمی بود.

درنزدیك مراغه درموسم طغیان‌آب درتمام ساحل جنوبی دریاچه اورمیه باتلاق بزرگی‌تشکیل‌میشد ودرآنجا شهرکوچکی بنام ، لیلان ، بود که درزمان حمدالله مستوفی‌مغولها درآن سکنی‌داشتند .

(لیلان امروز دهی در۴۴ کیلومتری جنوب مراغه است) .

به مسافت‌کمی درجهت لیلان ، شهری بنام ، برزه ، وجود داشت ودرآنجا

۱ــ مرغ فی‌العشب : جای‌گرفت درگیاه و غلطید درآن مراغ و مراغه : غلطید نگاه ستور (منتهی‌الارب)

۲ــ معجم‌البلدان ج۴ ص۴۷۶

شاهراهی که ازسیسر واقع درایالت جبال می آمد دوشاخه میشد. راه‌دست‌راست‌در جهت‌شمال‌شرقی به مراغه میرفت، وراه دست‌چپ درامتداد غربی‌دریاچه به‌شهر اورمیه منتهی‌میشد [۱]. (برزه اکنون بصورت برزق از دهات شهرستان میانه بشمارمیرود [۲]. (مراغه امروز یکی ازشهرستانهای آذربایجان شرقی است واز شمال به‌شهرستان تبریز وازجنوب به سقز و ازمشرق به شهرستان میانه واز مغرب به‌دریاچه رضائیه وشهرستان‌مهاباد محدوداست وطول وعرض‌جغرافیایی آن۴۶ درجه و۱۶ دقیقه در۳۷ درجه و ۲۴ دقیقه است [۳].

اردبیل- شهراردبیل درقسمت علیای رودخانه‌ای که حمدالله مستوفی آن را « اندرآباد ، نامیده واقع‌است این رودخانه کمی پائین‌تر بارود اهرکه از سمت چپ به رودخانه اردبیل می‌پیوندد ملحق‌شده ، اندکی پائین تر از پل خداآفرین به رود ارس میریزد . رودخانه اردبیل و رود اهر یکی از دامنه شرقی ودیگری از دامنه‌غربی‌کوه سبلان‌که مشرف براردبیل است سرچشمه میگیرند .

ابن‌حوقل در قرن چهارم اشتباهاً کوه سبلان را ازکوه دماوندکه درچند فرسنگی شمال تهران است بلندتر شمرده است .

حمدالله مستوفی‌مینویسدکه‌کوه سبلان ازپنجاه فرسنگی دیده میشود و تابستان وزمستان برف دارد . نزدیك قله‌آن چشمه‌ای است‌که همیشه سطح‌آن یخ بسته‌است. درحوالی کوه سبلان دوقله است‌که یکی کوه **سراهند** درشمال اهر،ودیگری سیاه‌کوه‌که مشرف برکلانتراست .کلانترشهری‌کوچك است واقع درمیان درختان ورودخانه‌ای‌کشتزارهای آن را مشروب میکند. اردبیل‌درقرن چهارم ودوره جغرافی‌نویسان عرب مرکزلشکری وکشوری آذربایجان بود.

۱- لسترنج ص۱۷۶ وبارتلد (تذکره جغرافیای تاریخی) ص۲۶۷-۲۶۸

۲- فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۸۶

۳- فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۸۹-۴۹۰

اصطخری گوید گرد شهر بارویی است که طول هر جانب آن دو سوم فرسخ است. خانه‌ها بیشتر از آجر و گل ساخته شده و پادگانی نیز در آن شهر مستقر است. اطراف آن بسیار حاصلخیز و عسل آن مشهور است. بازار اردبیل بشکل صلیب در چهار راسته است و مسجد در وسط چهار بازار واقع شده است [۱].

در سال ۶۱۷ هجری اردبیل بباد غارت مغولها رفت و ویران شد. یاقوت که قدری پیش از این تاریخ اردبیل را دیده از آبادی و پرجمعیتی آن تعریف کرده گوید اردبیل را ایرانیان در قدیم، باذان فیروز، میگفتند و آنرا فیروز ساسانی احداث کرد [۲]، در قرن هشتم اردبیل دیگر شهر مهم آذربایجان نبود.

در قرن دهم در آغاز سلسله صفویه پیش از تبریز وقزوین واصفهـان مدت کوتاهی پایتخت ایران بود.

سیاحان قرن هفدهم میلادی اردبیل را بواسطه و فور آب به و نیز تشبیه می کنند ولی بهمان علت کثافت کوچه‌های اردبیل در قرن دهم ضرب المثل شده بود.

درزمان حمدالله مستوفی وقرن هشتم هجری اهالی اردبیـل شافعی مذهب بودند، ولی در قرن نهم هجری نهضت تشیّع از اردبیل بروز نمود و همین نهضت موجب تشکیل دولت جدید ایران یعنی سلسله صفویه گردید. شیـخ صفی الدین جد سلاطین صفویه اردبیلی بود. حمدالله مستوفی مردم اردبیل را شافعی مذهب و پیرو شیخ صفی الدین اردبیلی نوشته است.

اکنون قبر شیخ صفی الدین وشاه اسماعیل در آن شهر است. شاه عباس کتابخانه معتبری وقف مقبره شیخ صفی الدین کرد. این کتابخانه نفیس در سال ۱۸۲۸ میلادی بتصرف ژنرال پاسکویچ فرمانده قوای مهاجـم روس در ایران در آمد وقسمت

۱- لسترنج ص ۱۸۰-۱۸۱

۲- معجم البلدان ج ۱ ص ۱۹۷-۱۹۸

بزرگی از آن بعنوان غنیمت جنگ به پطرسبورغ (لنین‌گراد) ارسال‌شد و تا به امروز درکتابخانه عمومی آنشهر محفوظ است[۱]. بنای این‌شهر را به‌فیروز ساسانی (۴۸۹-۴۵۷م) نسبت داده اند.

طبری مینویسد که در زمان هشام بن‌عبدالملك خلیفهٔ اموی، خزرها از راه اردبیل تمام آذربایجان را گرفته غارت‌کردند. در آن زمان سه هزارتن مسلمان درآن شهر سکونت داشتند.

خزرها همه مردان بالغ شهر راکشته وزن وفرزندآنان را باسیری بردند. درزمان شاه‌طهماسب صفوی، آنتونی جنکینسن، که‌ازطریق اردبیل به‌قزوین رفته درسفرنامه خود آبادی این‌شهررا ستوده‌است[۲]. اردبیل‌امروز یکی ازشهرستان‌های استان سوم یعنی آذربایجان شرقی‌است. ازشمال به‌خاك شوروی وازمشرق به‌کوههای طالش ودریای خزر، وازمغرب برشته‌کوههای سبلان و رودخانه قره سو وازجنوب به‌شهرستان خلخال محدوداست.

شهراردبیل در۲۱۰کیلومتری شمال‌شرقی‌شهرتبریز بطول‌وعرض جغرافیایی ۴۸ درجه و۱۷ دقیقه در۳۸ درجه و۱۵ دقیقه واقع شده و ارتفاع آن ازسطح دریا ۱۱۰۰ متراست شهرستان اردبیل دارای چهاربخش‌است بدین‌قرار:

۱ـ بخش‌مرکزی ۲ـ بخش‌نمین ۳ـ بخش‌آستارا ۴ـ بخش‌گرمی[۳].

سراب ـ شهرسراو (سراب) که رود سراو منسوب به‌آنست درراه‌اردبیل به تبریز قرار دارد.

حمدالله مستوفی مینویسدکه: سراو شهریست ازشرقی‌کوه سبلان مایل به قبله افتاده، هوایش‌سرد است وآب آن ازرودی‌که بدان شهرمنسوب است از کوه سبلان برخیزد ودر دریاچه چیچست رود.

۱ـ بارتلد تذکره جغرافیای تاریخی ایران ص۲۶۹

۲ـ لارنس لاکهارت شهرهای نامی‌ایران ص۱۳۸-۱۴۰

۳ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۱-۱۳

مردمش سفید چهره‌اند و سنی مذهب و اکول باشند[1].

جغرافی نویسان عرب بجای سراب، سراة، ضبط کرده‌اند. ابن حوقل مینویسد این شهر مهمانخانه‌های پاکیزه و بازارهای خوب دارد.

یاقوت این شهر را سراو، یا، سرو، ضبط کرده گوید در سال ۶۱۷ که مغولان به آن شهر حمله کردند آن شهر خراب شد و بیشتر اهالی آن کشته شدند[2].

بنوشته حمدالله مستوفی سراب تا تبریز سه روز و تا اردبیل دو روز فاصله داشته است.

سراب امروز یکی از شهرستانهای استان سوم یعنی آذربایجان شرقی است. این ناحیه در مغرب تبریز واقع است و جلگه‌ای است که در بین دو رشته جبال سبلان از شمال و بزگوش (بزغوش) از جنوب قرار دارد. از شمال بارتفاعات سبلان و از جنوب به کوه برغوش و از مشرق به شهرستان اردبیل و از مغرب به شهرستان تبریز محدود است.

این شهر بطول و عرض جغرافیائی ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه و ۲۳ ثانیه در ۳۷ درجه و ۵۷ دقیقه و ۵۹ ثانیه می باشد و در ۱۲۴ کیلومتری شهر تبریز واقع است و از سطح دریا ۱۷۰۰ متر ارتفاع دارد[3].

بذ - ناحیه‌ای بین آذربایجان و اران بوده که بابك خرمی در آن میزیسته است.

یاقوت مینویسد که رود ارس از پهلوی آن می گذرد در این ناحیه همیشه ابر است و آفتاب کمتر می تابد[4]

اوجان - حمدالله مستوفی مینویسد: اوجان را در دفاتر قدیم از توابع

۱- نزهة‌القلوب ص ۹۸

۲- معجم البلدان ج ۳ ص ۶۴

۳- فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۴ ص ۲۶۴-۲۶۳

۴- معجم البلدان ج ۱ ص ۵۲۹-۵۳۰

ناحیت مهرانرود شمرده‌اند. غزان خان (غازان خان) تجدید عمارتش کرد واز سنگ و گچ باروکشید وشهراسلام خواند و دارالملك ساخت، دورباروی غزانی (غازانی) سه هزارگام بود. هوایش سرداست وآبش ازکوه سهند. مردمش سفید چهره وشافعی‌مذهب‌اند، دراو ازعیسویان جمع باشند[1].

درمعجم‌البلدان یاقوت نام این‌شهر بدون‌واو بصورت، "اُجان، آمده‌مینویسد: اوجان شهری‌کوچك درآذربایجان است بین‌آن وتبریز درراه ری ده فرسنگی است و من‌آنرا دیده‌ام. دیواری برگـردآن است و بـازاری دارد و بیشترآن خراب است[2].

بسیاراحتمال میرودکه این شهرهمان «اَجن» باشدکه نام‌آن درمسالك‌الممالك اصطخری‌آمده وبین خونج و داخرقان (دهخوارقان) قرار داشته است[3].

لسترنج می‌نویسد: اوجان درساحل یکی ازشاخه‌های سمت چپ (جنوب) رودخانه سرا و شهر واقع است این شهر در زمان مغولها خراب شد. در زمان ایلخانان بقول حمدالله مستوفی غازان‌خان بتجدید عمـارت آن همت گماشت. رودخانه‌آن‌آب اوجان‌گفته میشد و ازقله شرقی‌کوه سهند سرچشمه میگرفت.[4]

اعتمادالسلطنه می‌نویسد که: اوجان الحال چمنی را گویند که محل اردو و مشق افواج آذربایجان است این چمن بسیار خوش‌آب وهوا و هوایش سرد و بی‌نهایت سبز و خرم می‌باشد، خاقان مغفورفتحعلی‌شاه عمارتی‌آنجا بنا نمود که الان باقی است واین چمن‌آبادی بزرگی هم دارد[5].

۱ـ نزهة القلوب ص۹۱

۲ـ معجم‌البلدان ج۱ ص۱۳۱

۳ـ مسالك الممالك ص۸۱

۴ـ جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ص۱۷۵

۵ـ مرآت‌البلدان ج۱ ماده اجان

اوجان پس از دوره ایلخانان مغول بتدریج از رونق افتاد واکنون نام یکی از دهستانهای چهارگانه بخش بستان آباد شهرستان تبریز است.[1]

میانه ـ شهر میانج (میانه) که درملتقای رودخانه قزل اوزن و دو رودخانه توأم، سنجبده، وگدیو، و رود شال و رود میانج و هشترود، واقع است، ازقدیم شهر مهمی بوده وبمناسبت آنکه درمیان اردبیل وزنجان قرارداشته آنرا بفارسی میانه وبه عربی «میانج» گفته‌اند.

ابن حوقل در قرن چهارم آنرا شهری پرجمعیت ذکر کرده و ناحیه‌ای که میانه در آنجاواقع بود، وبعدها به‌نام گرمرود معروف‌شده میوه زاربزرگی بوده‌است

حمدالله مستوفی درباره گرمرود می‌نویسد که: ولایتی است در او صد پارچه دیه بود وهوایش خوشتر از میانج بود.

یاقوت که میانه را دیده آن شهر را ستوده است حمدالله مستوفی مینویسد: «میانج شهری بوده است و اکنون بقدر دیهی مانده و هوای گرم و عفنی دارد». ساس وحشره مسموم کننده‌ای بنام مله که مخصوص میانه بوده تاکنون نیز موجب وحشت مسافران است[2]. اکنون میانه نام یکی از شهرستانهای آذربایجان شرقی وازاستان سوم است و در جنوب شرقی شهرستان تبریزواقع است. از شمال به شهرستان سراب، ازجنوب به شهرستان زنجان، ازمشرق به‌شهرستان هروآباد وازمغرب به شهرستان مراغه محدود است.

این شهر در ۱۷۵ کیلومتری جنوب شرقی تبریز و۲۱ کیلومتری شمال پل معروف دختر بر قزل اوزن قرارگرفته، وطول وعرض جغرافیایی آن ۴۷درجه و ۴۲ دقیقه و۴۵ ثانیه در۳۷درجه و۲۰دقیقه است. ارتفاع آن ازسطح دریا ۱۱۰۰ متر می‌باشد[3].

۱ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص ۵۴

۲ـ لسترنج ص۱۸۳

۳ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۵۱۵ـ۵۱۶ وبارتلد ص۲۷۵

درراه میانه قریه ترکمان‌چای واقع شده که عهدنامهٔ معروف ۱۸۲۸ بین ایران و روسیه در آنجا منعقدگردید. درقرن نهم هجری در محل ترکمان‌چای قریه ده ترکمانان درشش فرسنگی میانه واقع بود، کلاویخو آن قریه را «توزلار» خوانده است. امروز این قریه، ترکمان خوانده می‌شود ویکی از بخشهای سه‌گانه شهرستان میانه است.[۱]

دهخوارقان ـ این شهر درجنوب غربی کوه سهند و شصت میلی تبریز و چهارفرسنگی مشرق دریاچه اورمیه قرار دارد. نام آن دربعضی ازکتب جغرافی قدیم عرب، داخرقان و دخارقان آمده‌است. یاقوت آنرا، ده‌نخیرجان، ضبط کرده وگوید: شهری بزرگ است وبین آن و تبریز ونیز بین آن و مراغه دو روز راه است. نخیرجان (نخوارگان) گنجورخسروبود واین شهرمنسوب به‌وی است[۲].

حمدالله مستوفی گوید: «دهخوارقان شهری کوچك است هوای معتدل‌دارد وآبش ازکوه سهند است وباغستان فراوان دارد و انگورش بی‌قیاس بود». نام این شهررا چند سال پیش از روی نادانی بگمان آنکه‌آن نامی ترکی است‌تغییر داده وبه‌**آذرشهر** بدل‌کردند اخیراً باشتباه خود پی برده مجدداً نام دهخوارقان را زنده کردند.

اکنون دهخوارقان یکی از بخشهای چهارگانه شهرستان تبریز است و در جنوب غربی‌تبریزومشرق دریاچه رضائیه واقع شده وطول وعرض جغرافیائی‌آن ۴۵ درجه و۸۵ دقیقه و۳۹ ثانیه در۳۷ درجه و۴۶ دقیقه و۱۵ ثانیه است وارتفاع آن ازسطح دریا ۱۳۶۸ متر میباشد.[۳]

خلخال ـ سه رودخانه سنجبده وگدیو (کدپو) و شال‌که از طرف شمال به

۱ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ص۱۳۰

۲ــ معجم‌البلدان یاقوت ج۲ ص۶۳۶

۳ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۲۲۶

خلخال شهر عمده آن ناحیه بود و بگفتهٔ جغرافی‌نویسان قدیم در دوازده فرسنگی اردبیل قرار داشت.

شهر فیروزآباد در قله گردنه‌ای که در آنجا چشمه آب گرمی در میان کوههای پر از برف می‌جوشید در آن دیار واقع بود. بقول حمدالله مستوفی: فیروزآباد سابقاً حاکم‌نشین آن بوده واکنون نیز خراب شده است. حکامش را آقاجریان (تاجرمان، ارقاجرانان ؟) می‌گفتند[1]. امروز خلخال یکی از شهرستانهای هشتگانه آذربایجان شرقی (استان سوم) است. این شهرستان از شمال به‌اردبیل و ازجنوب به شهرستان زنجان وازمشرق به‌کوههای طالش وازمغرب به‌شهرستان سراب ومیانه محدود است. مرکز این ناحیه شهرکوچك **هروآباد** است که در ۱۹۸ کیلومتری شرقی تبریز و۵۶کیلومتری جنوب شهرستان اردبیل واقع شده وطول وعرض جغرافیایی آن ۴۸ درجه و۳۱ دقیقه و۴۰ ثانیه در ۳۷ درجه و۳۸ دقیقه و۵۰ثانیه است. هروآباد شهری قدیم نیست وتا سیصد سال پیش دهی بشمار می‌رفته‌که درتحت مالکیت خوانین سعادلو بوده‌است. دردوره فتحعلی‌شاه‌ساکنان هروآباد (خلخال) خود را از زیر بارآن خوانین خارج‌کردند و از آن تاریخ هروآباد حکومت‌نشین ناحیه خلخال شد[2].

جلفا ـ این شهر که درکتب قدیم بصورت «جولاهه» نیز نوشته می‌شود در کنار رود ارس قرار دارد این محل را شاه‌عباس اول درسال ۱۱۰۴ هجری خراب کرد وارمنیان ساکن‌آنجا را به‌محل دیگری که خود درجنوب اصفهان بناکرده بود کوچانید، وبمناسبت نام مسکن‌قدیم آنها، نام محل جدیدرا نیز جلفاگذارد[3].

۱ــ نزهة‌القلوب ص۹۳

۲ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۹۳ و۵۴۶

۳ــ لسترنج ص۱۸۰

این شهر امروز یکی از بخشهای تابعه شهرستان مرند در ۶۷ کیلومتری شمال آن شهر است و از شمال به رود ارس که مرز ایران و شوروی است و از جنوب به بخش زنوز و از مشرق به دهستان دیزمار و ازمغرب به دهستان اوا وغلی محدود است. طول و عرض جغرافیایی آن ۴۵ درجه و ۳۸ دقیقه ۳۸ درجه و ۵۶ دقیقه است و از سطح دریا ۸۲۰ متر ارتفاع دارد[1].

ازجمله شهرهای واقع برساحل رود ارس، حمدالله مستوفی **اردوباد** را نام میبرد این شهر درملتقای رودخانه‌ای که از سمت جنوب به رود ارس می‌ریزد و قلعه دزمار درساحل آن بوده قرار دارد قلعه دزمار را یاقوت هم نام برده‌است[2].

اما **دیزمار** امروز به دوقسمت باختری وخاوری تقسیم میشود و هردو نام دو دهستان از بخش ورزقان شهرستان اهر است[3]. پائین‌تر از اردوباد درکنار رود ارس شهر **زنگیان** در ناحیه «مردان نعیم» واقع بود، ودرآنجا پل دیگری برای عبور از رود ارس که هنوز برجاست وجودداشت و نام آن، پل‌خداآفرین، است.

حمدالله مستوفی می‌نویسدکه، زنگیان چند پاره دیه است و اکنون داخل مراد ان نعیم (مردانقم) پل خداآفرین برآب ارس درآن حدود است بکربن عبدالله صاحب رسول‌الله (ص) ساخت درسنه ۱۵ هجری[4].

مردانقم اکنون وجود دارد وآن دهی جزء دهستان دیزمارخاوری از بخش شهرستان اهر است[5].

خداآفرین ـ امروز نام یکی‌از بخشهای ششگانه شهرستان تبریز است‌ودر قسمت شمال‌شهرستان اهر وکنار رودخانه ارس درمرز ایران‌وشوروی واقع‌است.

۱ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۴۷
۲ـ لسترنج ص۱۸۰
۳ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص۲۳۱
۴ـ نزهة القلوب ص۱۰۱
۵ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۹۱

از شمال به‌رود ارس واز جنوب ومشرق به‌بخش کلیبر وازمغرب به ورزقان محدود می‌باشد . این ناحیه دارای پل قدیمی روی رودخانه ارس است که برای استفاده مرزبانان مورد استفاده قرار می‌گیرد[۱] .

اهر – در یکصدوپنجاه میلی مغرب اردبیل برکنار رود اهر واقع است . نام آن درکتابهای جغرافیای قدیم آمده ویاقوت آنرا شهری آباد وکوچك وپرنعمت وصف کرده گوید: امیر آنرا، ابن‌پیشکین مشکین: گویند بین آن وبین، «وراوی»، که شهری کوچك است دو روز راه می‌باشد.[۲] ظاهراً ناحیه‌ای که اهر در آن واقع بود پیشکین نام داشت واز نام خاندانی که درقرن هشتم در آنجا حکومت داشته‌اند مأخوذ بود . شـهر پیشکـین در یك منزل اهر واقع بود و اصلاً ، وراوی ، نام داشت[۳] .

یاقوت مینویسدکه **وراوی** شهر کوچك خوش آب وهوا وپر نعمت وپر آب است که درکوههای آذربایجان بین اردبیل و تبریز واقع است و آن ولایت ابن پیشکین ، یکی از امیران آن ناحیه است وبین آن واهر یك منزل می‌باشد[۴].

روی رودخانه اندراب درست بالای نقطه‌ای که رود اهر به آن ملحق می‌گردد چنانکه حمدالله مستوفی مینویسد پل زیبائی ازبناهای تاج‌الدیـن علیشاه جیلانی وجود داشته است .

اهر امـروز یکی ازشهرستانهای هشت‌گانهٔ آذربایجان شرقی است. ازطرف شمال برود ارس ، وازجنوب به شهرستان تبریز وازمشرق به‌شهرستانهای سراب ومشکین‌شهر ودشت مغان وازمغرب به‌شهرستان مرند محدود است .

۱– فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۸۸

۲– معجم‌البلدان ج۱ ص۴۰۹

۳– لسترنج ص۱۸۱

۴– معجم‌البلدان ج۴ ص ۹۱۸

این شهر در ۹۵ کیلومتری شهر تبریز واقع و طول و عرض جغرافیایی آن ۴۷ درجه و ۶ دقیقه و ۱۳ ثانیه در ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه، و ارتفاع آن ازسطح دریا قریب ۱۵۰۰ متراست[1].

مشکین ـ حمدالله مستوفی شهر **وراوی** را بجای پیشکین، مشکین ذکر کرده مینویسد:

« مشکین را در اول، وراوی، می‌خواندند چون مشکین (پیشکین) گرجی حاکم آنجا شد بدو معروف گشت هوایش معتدل است بعفونت مایل. جهت آنکه شمالش را کوه سبلان مانع است و آبش ازکوه سبلان می‌آید وغله، ومیوه بسیار باشد.

اهل آنجا شافعی‌مذهب‌اند، وبعضی حنفی باشند وبعضی شیعه. دراین تومان هفت شهراست: مشکین وخیاو، وانار، وارجاق، واهر، وتکلفه، کلیبر[2]».

چون درزبان آذری با، به، میم، تبدیل میشده چنانکه، بیشه، را میشه، می‌گفته‌اند ازاین رو پیشگین که مأخوذ ازنام امیر پیشگین گرجی است تبدیل به مشگین، شده‌است[3].

امروز مشگین نام یکی ازدهستانهای سه گانهٔ بخش مرکزی خیاو (مشگین شهر) است وبه دوقسمت مشگین باختری ومشگین خاوری قسمت می‌شود[4].

خیاو ـ حمدالله مستوفی مینویسد: « خیاوقصبه‌ای است درقبلی کوه سبلان افتاده وچون سبلان در شمال اوست هوایش بگرمی‌مایل است وآبش ازآن کوه جاری است.

باغستان اندك دارد حاصلش غلـه بیشتر بود، و مردمش اکثر مـوزه دوز و

۱ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص ۶۰-۶۱

۲ـ نزهة‌القلوب ص۹۴

۳ـ شهریاران گمنام ج۲ ص۱۱۸

۴ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۹۸

چوخاگر باشد[1].» نام خیاورا در چند سال پیش بی‌دلیل تغییرداده و مشگین شهر
نامیده‌اند، این ناحیه یکی ازشهرستانهای استان سوم (آذربایجان شرقی) است
وازطرف شمال به‌بخش گرمی (شهرستان اردبیل)، وازجنوب به مقسم‌المیاه رشته
جبال سبلان، واز مشرق به شهرستان اردبیل (محال ولیگج)، ازمغرب به اهر.
شهرخیاو از راه اردبیل در۲۹۵ کیلومتری شمال شرقی تبریز وازراه اهر در۱۶۸
کیلومتری شمال‌شرقی شهرتبریز واقع است.

طول وعرض جغرافیایی آن ۴۷ درجه ویك دقیقه و۷ ثانیه، در۳۸ درجه و
۲۳ دقیقه و۳۴ ثانیه است. ارتفاع آن ازسطح دریا ۱۸۳۰ مترمی‌باشد[2].

تکلفه ـ حمدالله مستوفی مینویسد. تکلفه قصبه بوده‌است واکنون خراب
است. حاصلش غله وزمینی مرتفع باشد[3].

ارجاق ـ ارنار ـ این دو نام در نزهة القلوب حمدالله مستوفی آمده و
می‌نویسد: ارنار، وارجاق دوقصبه است درقبلهٔ کوه سبلان افتاده، قصبهٔ ارنار
رافیروزبن یزدگردبن بهرام‌گورساسانی ساخت ودر اول‌شادار، وبعضی شادفیروز
خواندندی، وارجاق‌را پسرش قبادبن فیروزساخت. هوای هردومعتدل‌است وآب
ازکوه سبلان جاری است باغستان نیکو وفراوان دارد، میوه و انگور و خربزه
وجوز(گردو) بسیاربود، وقریب بیست موضع ازتوابع آنجاست، حقوق دیوانیش
هزار دینارمقرر است[4].

درفرهنگ آبادی‌های ایران، جایی درآذربایجان از محال مشگین شهر
بنام ارجق، آمده‌که طول وعرض جغرافیایی آن ۵۵_۴۷ × ۳۴_۳۸ است ومرکز
دهستان مشگین‌خاوری است[5].

۱ـ نزهةالقلوب ص۹۵
۲ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۲۰۲ـ۲۰۳
۳ـ نزهةالقلوب ص ۹۵
۴ـ نزهةالقلوب ص ۹۵
۵ـ فرهنگ آبادیهای ایران ص۲۱ وفرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص ۱۱

کلیبر ـ قصبه‌ای است در میان بیشه افتاده وکوهستان بزرگ و قلعه نیکو دارد ، درپای آن قلعه رودی روان است هوایش معتدل است و آبش ازرود مذکور وحاصلش غله وانگور و میوه باشد . مردمش از ترك وطالش ممزوج اند وشافعی مذهب [۱] .

این ناحیه امروز یکی ازبخشهای پنجگانهٔ شهرستان اهر است و درقسمت شمال قره‌داغ وکنارمرز ایران وشوروی واقع است . ازشمال برود ارس و بخش خداآفرین، وازجنوب به‌بخش مرکزی‌اهر، وازمشرق به‌بخش‌هوراند وورودخانه درآورد وازمغرب به‌بخش ورزقان محدود است [۲].

طسوج ـ درکنارشرقی دریاچهٔ اورمیه شهرطروج یاطسوج وجودداشته‌است حمدالله مستوفی‌مکررازدریاچهٔ شورطسوج یاطروج سخن‌گفته وبنظرمیرسدکه شهر طروج یا طوج نام خود را بدریاچهٔ مجاور خودکه امروز رضائیه خوانده می‌شود بخشیده‌است. درقرن هشتم طروج یاطسوج نقطهٔ مهمی بشمار می‌آمد و ازتبریزگرمتر و مرطوبتر بود و درمیان باغستانها جای داشت وبجهت قرب به دریاچهٔ چیچست (اورمیه) هوای‌آن مایل بعفونت بود [۳] امروز تسوج (طسوج) یکی ازدهستانهای پنج‌گانهٔ بخش‌شبستراست . ازشمال بشهرمرند و از جنوب به دریاچهٔ رضائیه وازمشرق به شرفخانه وازمغرب به ولدیان محدوداست [۴].

سَلماس ـ یاقوت می‌نویسدکه سلماس از شهرهای مشهورآذربایجان است وبین‌آن واورمیه دو روز وبین‌آن و تبریز سه روز راه است . وهمهٔ‌آن امروز خرابست [۵] .

۱ــ نزهةالقلوب ص۹۶
۲ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۲۵
۳ــ نزهةالقلوب ص۹۲
۴ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۳۲
۵ــ معجم‌البلدان ج۳ ص۱۲۰

حمدالله مستوفی مینویسدکه . سلماس شهری است بزرگ و بارویش خرابی یافته وزیر تاج‌الدین علیشاه آنرا عمارت کرد ، دورش هزارگام است ، هوایش بسردی مایل و آبش از اودیه جبال کردستان و به بحیره چیچست ریزد مردمش سنّی پاك دین‌اند وپیوسته با اکراد در محاربه باشند . باغستان بسیار دارد میوه و انگورش نیکوباشد[1] .

در سلماس دو نقش تاریخی یافت شده که یکی ازآن حجاری‌ها مربوط بزمان اردشیر بابکان که سوار براسب است ودرمقابل او ارمنیان با حالت تمکین و اطاعت ایستاده‌اند دیگری از شاهپور اول ساسانی است که از نقش اول تقلید شده وهیکل شاپور را بجای اردشیرحجاری نموده‌اند[2] .

بر اثر زلزله‌ای که درسال (۱۳۰۹ ش) ودرزمان پادشاهی رضاشاه روی داد وآن شهررا ویران ساخت نام سلماس‌را تغییرداده ودرکنار ویرانه‌های آن‌شهری دیگربنام، شاهپور، بنا کردند . وامروز بهمین نام خوانده می‌شود .

این شهر امروز ازبخشهای سه‌گانه شهرستان خوی است سلماس از شمال به حومه خوی و ازجنوب به دهستان انزل و صومای وازمشرق بدریاچه رضائیه و ازمغرب به مرز ایران وترکیه محدود است .

این شهر در۴۶کیلومتری مغرب رضائیه واقع‌است طول وعرض جغرافیایی آن ۴۴ درجه و۴۶ دقیقه و ۴۰ ثانیه در۳۸ درجه و۱۱ دقیقه است و ۱۴۳۰ متر ازسطح دریا ارتفاع دارد[3] .

خوی ـ در شمال شرقی سلماس شهر«خوی» برکنار رودخانه‌ای که بسمت شمال جاری شده به رود ارس می‌پیوندد واقع است .

۱ـ نزهة‌القلوب ص۹۷

۲ـ جغرافیای مفصل‌تاریخی غرب ایران ص۲۳۸

۳ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص ۲۹۱ـ۲۹۲

یاقوت مینویسدکه خوی ازبلاد مشهور آذربایجانست و آنرا باروی بزرگی است ومیوه درآن فراوان است وپارچه خوبی منسوب به‌آن است[۱]

حمدالله مستوفی مینویسد که : خوی شهری وسط است دورش شش‌هزار و پانصدگام است. هوایش به‌گرمی مایل وآبش ازجبال سلماس‌آید وبه ارس ریزد. از میوه‌هاش انگور وامرود پیغمبری‌مانندش جای دیگر نیست بشیرینی و بزرگی وآبداری ، مردمش سفیدچهره وختائی‌نژاد وخوب‌صورت‌اند وبدینجهت خوی را ترکستان ایران خوانند ، وقریب هشتاد پاره دیه از توابع آنست[۲] .

اکنون خوی نام یکی ازشهرستانهای استان سوم آذربایجان است از شمال به شهرستان ماکو وازجنوب به رضائیه و ازمشرق به مرند واز مغرب به‌مرز بین ایران وترکیه محدود است.

جلگه خوی دردامنهٔ جنوب خاوری ارمنستان واقع شده و ارتفاع آن در حدود ۱۰۴۰ متر است که از تمام جلگه‌های مجاور حتی از دریاچهٔ رضائیه نیز پست‌تر است بهمین مناسبت دراصطلاح مردم خوی‌آنرا ، خوی چوخوری، یعنی گودال خوی مینامند.

شهر خوی در۷۷۷ کیلومتری شمال غربی تهران و۱۴۹ کیلومتری تبریز و ۱۹۴کیلومتری رضائیه واقع است. طول‌وعرض جغرافیائی‌آن ۴۴ درجه ۵۸دقیقه در۳۸ درجه و۳۳ دقیقه است[۳] .

مرندـ مقدسی‌گوید: مرند درمشرق خوی، برساحل رودی است‌که‌ازشعب سمت راست رودخانه خوی میباشد. وآن شهری مستحکم ودارای حومه‌ای‌آباد ومسجدی دربازار است وباغستانی‌گرداگرد آن قرار دارد .[۴]

۱ـ معجم‌البلدان ج ۲ ص۵۰۲

۲ـ نزهةالقلوب ص۹۷

۳ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص۲۰۰-۲۰۱

۴ـ مقدسی : احسن‌التقاسیم ص۳۷۷

یاقوت مینویسد بین آن و تبریز دوروز راه است و از آن روزگاری که گرجیان آنرا خراب کرده‌اند و غارت نموده اهالی را باخود برده‌اند روی به ویرانی است [۱].

حمدالله مستوفی می‌نویسد: مرند شهری بزرگ بوده‌است دور باورویش هشت هزارگام است ، اکنون کمابیش نیمه او برجاست وهوایش معتدل است و آبش از رود زنوز ، حاصلش غله وپنبه ودیگر حبوبات وانگور ومیوه باشد . در صحرای مرند بجانب قبله کرم قرمز پیدا شده‌است ودریك هفته بموسم تابستان آنرا میتوان گرفت واگر نگیرند قرمز را سوراخ کند وبپرد [۲]

امروز شهرستان مرند از شهرستانهای استان سوم (آذربایجان شرقی) است. ازشمال به رود ارس ازجنوب به بخش شبستر ومیشوداغ وکوه علمدار واز مشرق به بخش ورزقان وازمغرب ایواوغلی، وولدیان محدود است .

آن شهر در ۷۲ کیلومتری شمال غربی تبریز و ۷۶ کیلومتری مرز ایران و شوروی واقع وارتفاع آن ۱۴۳۰ متر وطول وعرض جغرافیائی آن ۳۵ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳۵ ثانیه در ۳۸ درجه و ۲۶ دقیقه و ۲۲ ثانیه است [۳] .

نخجوان - یا نخچوان درشمال رود ارس معمولا ازجمله شهرهای آذربایجان بشمار میآمد وهمان ، نشوی ، قدیم درنزد جغرافی نویسان اسلامی است.

این شهر دردوره مغولان اهمیت بسیار پیدا کرد. یاقوت مینویسد:«نشوی» شهری است ازآذربایجان وبعضی آن را از اران دانسته‌اند و بارمنستان پیوسته و بین عامه به نخجوان ویا «نقجوان» معروف است .

بلاذری مینویسد :که نشوی مرکز ولایت «بسفرجان» (وسفورگان) بود که آن‌را حبیب بن‌مسلمه فهری در روزگار اسلام فتح کرد [۴] . درجای دیگر یاقوت

۱- معجم البلدان ج ۴ ص ۵۰۳

۲- نزهة القلوب ص ۱۰۰

۳- فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص ۴۹۳

۴- معجم البلدان ج ۴ ص ۷۸۴

مینویسد که نسبت به نخجوان برخلاف اصل « نشوی » است و آن در اقصای آذربایجان واقع شده‌است [۱].

حمدالله مستوفی مینویسد: نخجوان شهری خوش‌است و آنرا «نقش‌جهان» خوانند. اکثرعمارت آن از آجرست. حاصلش غله و پنبه وانگور و اندکی میوه باشد مردمش سفیدچهره وشافعی‌مذهبند. ولایت بسیار دارد وچند قلعه محکم‌از توابع آن مانند «النجق» و«سوماری» و«تغمر» و«فغان»[۲]

لسترنج مینویسد: «حوالی آن درسمت مشرق قلعهٔ النجق ودرشمال آن‌کوه پر از برف « ماست‌کوه » قرار دارد، ونیز در نخجوان گنبدی است از بناهای ضیاءالملك وزیرمعروف سلجوقیان. شرف‌الدین‌علی‌یزدی صاحب‌ظفر نامهٔ‌تیموری پل معروف ضیاءالملك را وصف کرده، این پل نزدیك قلعهٔ کرکر سر راه مرند پانزده میلی نخجوان برروی رود ارس ساخته شده بود » [۳]. نخجوان امروز از متصرفات شوروی است.

موغان ـ یا موقان یا مغان ـ نام دشت باتلاقی بزرگی است که ازدامنه‌کوه سبلان تاکناره خاوری دریای خزرکشیده شده ودرجنوب مصب رود ارس و شمال کوههای طالش قراردارد. این ایالت دردوره اسلامی‌گاهی جزء آذربایجان شمرده میشد ولی غالباً ناحیه‌ای جداگانه ومستقل را تشکیل‌میداد[۴].

یاقوت این ناحیه را جزء آذربایجان شمرده و می‌نویسد درآن دیه‌ها و چراگاههای بسیاراست‌اکنون ترکمانان آن اراضی را برای چرا اشغال‌کرده‌واکثر اهل‌آن ناحیه‌را تشکیل‌می‌دهند [۵]. کرسی موغان درقرن‌چهارم شهری بودبهمان

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص ۷۶۷

۲ـ نزهةالقلوب ص۱۰۲

۳ـ لسترنج : جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ص۱۷۹

۴ـ لسترنج ص۱۸۸

۵ـ معجم‌البلدان ج ۴ ص۶۸۶

مقدسی گوید موغان شهری است برساحل دورودخانه ودراطراف آن باغهای زیباست [۱]. نام که اکنون تعیین محل آن دشوار است .

ازگفتهٔ او استنباط می‌شود که محتمل است آن شهرهمان «باجروان» باشد که حمدالله مستوفی آنراکرسی آن ناحیه شمرده است .

حمدالله مستوفی مینویسد : « ازگریوه سنگ برسنگ که محاذی تومان مشگین است تاکنار آب ارس از ولایت موغان است ودراین مساحت چندانکه کوه سبلان ناپیدا باشد گیاه درمنه (علف جاروب) درپائیز زهردار بود ، خوردنش چهارپایانرا هلاك کند ودربهار زهرش کمتر بود ودابه (چهارپای) گرسنه را مضرتر از آنکه علفی دیگر خورده باشند، وچون کوه سبلان پیدا شود این مضرت در آن درمنه نماند .

باجروان ـ حمدالله مستوفی مینویسد :«باجروان در اول شهرستان موغان باشد واکنون خرابست وبقدر دیهی معمور» هوای باجروان بگرمی مایل است و آبش ازجبالی که درحدود آنست برمیخیزد حاصلش غیرازغله چیز دیگر نمی باشد [۲]. وی موضع باجروان‌را درچهارفرسنگی شمال برزند که هنوز نام آن درنقشه‌دیده میشود معین کرده است . در جنوب باجروان برزند واقع است که ابن حوقل آنرا شهری بزرگ شمرده ومقدسی بازار آنرا به‌وفور کالا توصیف کرده است [۳].

برزند ـ حمدالله مستوفی مینویسد : برزند شهری وسط بوده است بعداز خرابیش افشین غلام معتصم خلیفهٔ عباسی آبادان کرد ونشست خود ساخت. اکنون بازخرابست وبقدردیهی معمورمانده ، هوایش بگرمی مایل است وآبش ازعیون،

۱ـ احسن التقاسیم ص۳۷۸

۲ـ نزهة القلوب ص۱۰۳

۳ـ لسترنج ص۱۸۹

زمینی مرتفع دارد حاصلش غله باشد.[۱]

یاقوت مینویسد: «برزند از نواحی تفلیس و ازولایات گرجستان است. نخستین کسی که آنرا آبادان کرد و اردوگاه ساخت افشین بود» اصطخری مینویسد: که بین برزند واردبیل پانزده فرسنگ است. ابوسعد برزندرا از نواحی آذربایجان دانسته ولی چنانکه یاد کردیم ازولایات تفلیس است وگمان میکنم جایی را که افشین آباد کرده «برزنج» یا جای دیگر بهمین نام باشد»[۲].

یاقوت درباره برزنج چنین می نویسد:

برزنج- شهری است ازنواحی اران بین آن وبرذعه درراه باب الابواب هجده فرسنگ است ودربرزنج برروی رود کر معبری است که از آن گذشته به شماخی شهر شروان میروند[۳].

دردشت مغان حمدالله مستوفی سه شهر. پیلسوار ومحمودآباد، و همشهره را نام میبرد ومینویسد: پیلسوار را امیری پیله‌سوار نام، یعنی سوار بزرگ از امرای آل بویه ساخت واکنون بقدر دیهی مانده‌است وآبش از رود باجروان است وحاصلش غله. امروز پیلسواررا «بیله‌سوار» گویند وآن دهستانی است از بخش گرمی شهرستان اردبیل[۴]. این شهر درهشت فرسنگی باجروان وبرکنار نهری بود که ازباجروان می آمد[۵]

محمودآباد ـ حمدالله مستوفی مینویسد که: محمودآباد در صحرای گاوباری برکنار دریاست وآنرا غازان‌خان مغول (که سلطان محمود نام داشت)

۱ـ نزهة‌القلوب ص۱۰۴

۲ـ معجم‌البلدان ج۱ ص۵۶۲

۳ـ نزهة‌القلوب ص۱۰۴

۴ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۰۴

۵ـ نزهة‌القلوب ص۱۰۴

ساخت[1] » این محمودآباد امروز دهی است از بخش نمین از شهرستان اردبیل و در دوازده کیلومتری راه شوسه آستارا ـ اردبیل قراردارد[2].

همشهره ـ حمدالله مستوفی مینویسد : همشهره بساحل دریای گیلان است وتا دریادوفرسنگ فاصله دارد ودراول آنرا «ابرشهره» میخواندند وجای نشست فرهادبن گودرز بوده که اورا بخت نصر شمارند[3].

درشمال باجروان درزمان قدیم قریه بلخاب واقع بودکه دهکده‌ای پرجمعیت داشت با کاروانسراهایی برای ورودکاروانان ، وآنطرف این منزلگاه در شاهراه شمالی و در ساحل جنوبی ارس شهر ورثان در معبری که ازآنجا به ایالت اران میرفتند واقع بود.

ورثان ـ درقرن چهارم بقول ابن حوقل ومقدسی شهری پرجمعیت بود و بارویی و بازارهای پرمتاع داشت ولی بدون دروازه بود ، و در دوفرسنگی آن رودخانه‌ای روان بود ومسجد جامعی درحومهٔ آن واقع بود[4]. یاقوت مینویسد که : ورثان آخرحدودآذربایجان است وبین آن و رود ارس دوفرسنگ و بین آن و بیلقان هفت فرسنگ است . این ولایت را مروان بن محمدبن مروان بن الحکم آبادان کـرد و ملك اوبود، پس‌ازآن این املاك به ام‌جعفر زبیده دخت جعفربن منصور رسید ونمایندگان او باروی آن شهررا بساختند[5].

ارمیه ـ که آنرا ارومیه و اورمیه نیزخوانده‌اند نام این شهر بر دریاچه بزرگی‌که درمشرق آنست نیز اطلاق شده . در بعضی از نوشته‌های مورخان قدیم اسلامی آمـده‌که آن شهر زادگاه زردشت بوده است . بقول ابن‌حوقل ارمیه در

۱ـ نزهة‌القلوب ص ۱۰۴

۲ـ فرهنگ جغرافیائی ص۴۸۷

۳ـ نزهة‌القلوب ص۱۰۴

۴ـ لسترنج ص ۱۸۹

۵ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۹۱۹

قرن چهارم شهری خرم و آباد و باندازه مراغه بوده و رزستانهای بسیار و تجارت پررونقی داشته است و مسجد جامعی دربازار بزازان آن بوده و قلعه و باروی محکمی‌داشته ورودخانه‌ای در آن روان‌بوده‌که به‌دریاچه مزبورمیریخته‌است[۱].

یاقوت دربارهٔ آن مینویسد: «ارمیه شهری بزرگ وقدیم‌است به‌آذربایجان، بین‌آن ودریاچه قریب سه میل یا چهارمیل است و پندارند کـه‌آن شهرزردشت بوده است، من‌آن شهر را در سال ۶۱۷ دیـدم، شهری زیبا و پرنعمت ودارای باغستانهای بسیار و آب فراوان وهوائی سالم‌است. بین‌آن وتبریزسه روزراه‌است ونسبت به ارمیه را ارموی‌دار می‌گویند»[۲].

حمدالله مستوفی مینویسد: «ارمیه شهری بزرگ است. دورش ده‌هزارگام باشد برکنار بحیره چیچست افتاده، هوایش گرم است بعفونت مایل وآبش از عیون آن جبال برمیخیزد و به بحیره چیچست ریزد. باغستان فراوان دارد. مردمش اکثر سنی‌اند و صدوبیست پاره ده ازتوابع آنست و ضیاعش مرتفع تمام بود»[۳]. نام‌این شهرظاهراً سریانی‌است. سریانیان‌آنرا ارمیا Ormiâ و ارمنی‌ها ارم Ormé و عـرب ارمیه، وایرانیان ارومی، ترکان ارومیه، یارومیه (منسوب به‌روم شرقی) نوشته‌اند. درتداول آذربایجانیان اورمی Ormi گفته میشود.

درمنابع سریانی اسم مکانی بنام «ارمیت» درکناردریاچه رضائیه آمده‌است. ارمیه ازلحاظ یك مرکزمسیحی نسطوری بسیارقابل اهمیت ومطالعه است و بالغ بر۳۷ ده مسیحی در ارومیه وجود داردکه در۵۹ قریهٔ دیگر با مسلمانان مخلوط هستند. مسیحیان‌آرامی‌نژاد ارمیه خودرا «آشوری» میخوانند.

تا سال ۱۸۳۵، شهر ارومیه بزرگترین مرکزمذهب نسطوری بود. دراین

۱ـ لسترنج ص۱۷۸

۲ـ معجم‌البلدان ج ۱ ص ۲۱۹

۳ـ نزهةالقلوب ص۹۸

سال‌مبشران پرتستان آمریکائی به‌این‌شهر آمده وبدعوت مسیحان نسطوری آن‌شهر

به‌مذهب پروتستان پرداختند. پس ازمبشران آمریکائی راهبان لازاری که‌نظامی

شبیه به مسیحیان یسوعی(ژزوئیت) داشتند ومقرشان درپاریس بود، برای‌تبشیر

به‌این شهرروی‌آوردند‌آشوریان نسطوری را به‌مذهب‌کاتولیك خواندند.

درسال ۱۸۵۹ آمریکائیان دارای تشکیلات مجهزی بنام جمعیت انجیلی در

آن شهربودند. درپایان قرن نوزدهم میلادی‌رئیس‌اسقفان‌کنتربری Canter Bury

مبلغانی ازانگلستان به اورمیه فرستاد.

درسال ۱۹۰۰ میلادی‌گروهی‌ازمبشرین مسیحی ازطرف تشکیلات مذهب

ارتودکس در روسیه به ارومیه‌آمد وگروه بسیاری‌ازنسطوریان این‌شهر به‌کلیسای

ارتودکس‌پیوستند ولی بموجب پیمانی که بین‌ایران وشوروی در۲۸ فوریه ۱۹۲۱

منعقد گردید باین روابط وتبلیغات مذهبی خاتمه داده شد[۱].

نام اورمیه بمناسبت خدماتی‌که رضا شاه‌کبیر در استقرارامنیت درآن شهر

کرد ازاوایل سلطنت‌آن شاهنشاه تبدیل به«رضائیه»گردید. این شهرستان امروز

ازشمال به شهرستان خوی، وازجنوب به مهاباد، وازمشرق بدریاچهٔ رضائیه و

وازمغرب به‌کشور ترکیه وعراق محدود است. این شهر در۹۲۱کیلومتری شمال

غربی‌تهران و۲۹۳کیلومتری‌جنوب غربی تبریزقراردارد. طول وعرض‌جغرافیائی

آن ۴۵ درجه و۴دقیقه در۳۷ درجه و۳۲ دقیقه و۴۰ ثانیه است. و ۱۳۴۲متر از

سطح دریا ارتفاع دارد ومرکز آذربایجان غربی‌است[۲].

بسوی (پسوا)- یاقوت مینویسد که بسوا شهرکوچکی است درآذربایجان

بین‌اشنوومراغه نزدیك خان‌خاصبك، من‌آنرادیده‌ام وبیشترمردم‌آن راهزنند[۳].

۱- دائرةالمعارف اسلامی ماده اورمیه

۲- فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص۲۳۷-۲۴۰

۳- معجم‌البلدان ج۱ ص ۶۲۶

حمدالله مستوفی مینویسد که : «بسوی شهری کوچك است و آبش از کوههای آن برمیخیزد و در بحیره چیچست میریزد حاصلش غله وانگور واندك میوه باشد»[۱]

اشنو، اشنه، اشنویه - در شمال غربی پسوا شهر، اشنه، واقع بود که در زمان ابن‌حوقل کردها در آنجا مسکن داشتند، و در قرن چهارم از آن شهر واز آبادیهای اطراف آن چارپایان ومواشی به‌موصل وبلاد بین‌النهرین صادرمیگردید خاك آن به‌حاصلخیزی ومراتع آن به‌خرمی شهرت داشت[۲] .

یاقوت مینویسد: که «اشنه شهری است با استحکام از آذربایجان که من آنرا دیده‌ام بین آن و اورمیه دو روز و بین آن و اربل پنج روز راه است . ودرآنجا خیاری میروید که از دیگرجاها بهتر است آن شهراکنون روی بخرابی نهاده و درسال ۶۱۷ ازطریق تبریز به آن شهر آمدم» [۳] .حمدالله مستوفی مینویسد :

«اشنویه شهری وسطست درمیان کوه افتاده بریك مرحله ارمیه درغرب مایل به‌قبله هوایش خوشتر از ارمیه بود وآبش از اودیه‌ئی که از آن جبال برمیخیزد حاصلش غله ودیگرحبوبات وانگور بود ومردمش بیشترسنی‌اند . و صدوبیست پاره دیه از توابع اوست[۴] .

امروز اشنویه نام یکی‌ازبخشهای شهرستان رضائیه‌است وازشمال به‌دهستان باراندوزچای، وازجنوب ومشرق به‌بخش سلدوز، وازمغرب به‌خاك عراق محدود است . این قصبه دریکصدوده کیلومتری جنوب رضائیه واقع شده‌است[۵]

ماکویه - ماکو- حمدالله مستوفی مینویسد: «ماکویه قلعه‌ای است برشکاف

۱- نزهةالقلوب ص ۱۰۰

۲- لسترنج ص ۱۷۷

۳- معجم‌البلدان ج ۱ ص ۲۸۵

۴- نزهةالقلوب ص ۹۸

۵- فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص ۲۴

سنگی، دیهی در پای آن قلعه، چنانکه آن کوه تا نیمروز سایه‌بان آن دیه شده است، ومرجانیثا که بزرگ کشیشان است آنجا ساکن‌می‌باشد[۱].

این‌شهر درگوشهٔ شمال غربی آذربایجان غربی‌واقع‌شده وموقعیت آن‌بجهت آنکه دردامنهٔ کوه‌آرارات کوچك، وازطرفی درسرحد سه‌کشورشوروی، وترکیه و ایـران واقع شده خیلی مهم است: چای‌پاره، قراقویونلو، چالدران، زنگه سگمن‌آباد. ازمحال این شهراست[۲]. شهرستان‌ماکو، ازشمال به‌رودخانه قرسو وکشورترکیه و ازجنوب به‌شهرستان خوی، و از مشرق برودخانه ارس وکشور جماهیرشوروی وازمغرب به کشورترکیه محدود است.

شهر ماکو در۹۰۹کیلومتری شمال باختری تهران و ۲۷۵کیلومتری شمال غربی رضائیه واقع شده، طول وعرض جغرافیائی آن ۴۴درجه و۳۰ ثانیه در ۳۹ درجه و۱۸ دقیقه است وازسطح دریا ۱۲۹۴ متر ارتفاع دارد[۳].

رودهای قره‌سوی سفلی، و رود نبات، و رود ساری چای ازکوههای ماکو سرچشمه‌گرفته ودرتنگه ماکو بیکدیگرمی‌پیوندند وتشکیل رودخانه زنگه‌مار (ماکوچای) را داده وسپس به رود ارس میریزند.

شهر ماکو درتنگه رودخانه زنگه‌مار واقع شده ودر سمت مشرق رودخانه به خط مستقیم بشکل دیواری پایین‌آمده، درطرف مغرب ارتفاع کوه تا دویست متر ازسطح رودخانه میرسد. در اینجا قسمی ازکوه مانند چتری در بالای شهر قرارگرفته وشهربطور نیم‌دایره درزیر آن واقع شده‌است[۴].

دراین ناحیه در زمان صفویه قلعه‌ای بوده که «قاپان» نام داشت که بمعنی

۱ـ نزهةالقلوب ص۱۰۲

۲ـ بهمن کریمی، جغرافیای مفصل تاریخی غرب ایران ص۶۴

۳ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۸۲

۴ـ کتاب اسامی دهات کشور ج۱ ص۴۷۹-۴۸۱

کرکس بزرگ و یغماگر است.[۱] این قلعه که مأمن دزدان و راهزنان شده بود در سال ۱۰۵۲ پس از دستگیری راهزنان بامر شاه‌عباس‌دوم ویران گشت و بهمین مناسبت تاریخ خرابی آن قلعه‌را درشعری که بردل کوه برسنگ نوشته شده یادکرده‌اند. وآن اشعار اینست :

این قلعه‌که قلعه قابان بود	ضرب‌المثل همه جهان بود
عباس شه‌آنکه دولت و فر	هرروز ز روز درفزان بود
فرمود خرابی مکان را	چون‌خانه‌مکر مفسدان بود
باغات و قلاع وکوه سازند	درعرض دوماه بی‌نشان بود
از ضربت تیشه‌دار گردون	سنگش بهمه‌طرف روان‌بود
هرکار که کرد از ره صدق	چون‌نقش بسنگ‌درجهان‌بود
از پیر خرد سئوال کردم	تاریخ«غنب»برای آن بود[۲]

مهاباد ـ نام قدیم این شهرساوجبلاغ بوده که بمعنی چشمه سرد است و آنرا ساوجبلاغ مکری نیز میگفتند.

مهاباد ازشهرستانهای آذربایجان غربی‌است وازشمال به‌دریاچه رضائیه، از شمال غربی به بخش سلدوز و اشنو، و از مغرب به‌کوههای قندیل و از جنوب به‌کوههای بین بانه و شیلر وازمشرق به‌حوضه رودهای تاتائو و جغتو و از شمال شرقی به رود تاتائو محدود است. زاب صغیرکه در این ناحیه کالو Kâlu یا کیالو خوانده میشود، زیرسردشت بجانب مغرب منحرف میگردد وبطرف دجله‌روان میشود. دراین شهردودسته ازکردان مکری، و دبکری Debokri زندگی‌میکنند.

طول وعرض جغرافیایی آن ۴۵درجه و۴۳ دقیقه و۳۰ ثانیه در۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه و۳۰ثانیه است وازسطح دریا ۱۳۲۰ مترارتفاع دارد.

۱ـ شمس‌الدین سامی: قاموس ترکی

۲ـ موادالتواریخ ص۶۵۸

در زمانهای قدیم این ناحیه تحت تسلط قوم اورارتو بود. در ۱۸۹۰م در داش‌تپه برمسیر سفلای رود تاتائو سنگنبشته‌ای به‌خط میخی اورارتویی پیدا شد که آنرا مربوط به‌عصر منوا Menuâ پادشاه اورارتو دانسته‌اند.

راولینسون آثاری ازدوره تسلط اورارتو برساحل چپ رود ساوجبلاغ یافته است. اثر تاریخی دیگر قبری سنگی از عصر هخامنشی در اندرقاش پیدا شده که هرتسفلد آنرا بدوره مادها نسبت داده‌است. هراکلیوس امپراطور روم درسال ۶۲۴ درتعقیب خسروپرویز ازاین ناحیه گذشت. درغار کرفتو نیز کتیبه‌ای بخط وزبان یونانی بدست آمده است.

در پائیز سال ۱۲۹۷ هجری قمری شیخ عبیدالله شمدینان بتحریك دولت عثمانی به‌این ناحیه حمله‌آورد و سرزمین مکری‌را میدان تاخت وتاز قرارداد. ازطرف ناصرالدین‌شاه حمزه‌میرزا حشمت‌الدوله بدفع اومأمورشد وچون وی‌در این حین بمرگ طبیعی مرد، حاج میرزا حسینخان سپهسالار و حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی بدفع اومأمورشده واوراشکست دادند. عبیدالله پناهنده به‌دولت عثمانی‌شد واین فتنه خاموش‌گشت. در۱۹۰۵میلادی‌عثمانیها اختلافات سرحدی‌را بهانه‌کرده لاهیجان را اشغال نمودند. درجنگ اول جهانی این ناحیه میدان جنگ روس وعثمانی شد ومتعاقب آن دستخوش ناامنی‌وطغیان اسمعیل آقاسمیتقو گردید تا اینکه در اوایل سلطنت رضاشاه پهلوی به همهٔ این ناامنی‌ها خاتمه داده شد[1].

۱ـ دائرةالمعارف فارسی ج۱ ص۱۲۵۳؛ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۵۱۱-۵۱۲

فصل دوم

جغرافیای آذربایجان

الف- زمین شناسی

در آذربایجان ونواحی مجاورترکیه وشوروی سلسله‌جبال پونتیك Pontic و توروس Taurus درترکیه، وکوههای زاگرس و البرز در ایران، و سلسله جبال قفقاز درشوروی مجتمعاً ساختمانهای پیچیده ودرهمی بوجودآورده‌اند که بیشتر آنها نتیجهٔ شکستگی‌ها و بریدگی‌های سطح زمین بوده که آثار آن درگودالهای گرابنی Graben [۱] وکوههای هورستی Horst [۲] بخوبی هویدا می‌باشد.

جهت بریدگیها وشکستگی‌ها عموماً موازی جهت کوههای زاگرس یعنی ازجانب‌شمال غربی بسوی جنوب شرقی می‌باشد وتنها درقسمت شمال‌شرقی‌یعنی دشت مغان است که خط بریدگی درامتداد شرق به غرب قراردارد. بعلاوه این ناحیه در دورانهای اخیرمعرفةالارض در معرض آتشفشانی‌های شدید قرار داشته

۱ - قسمتهای گود وفرورفته درمیان دوشکاف از زمین
۲ - قسمتهای برجسته و بلند در میان دوشکاف از زمین

که درنتیجه آن قلل آرارات[۱] (بارتفاع ۵۱۵۶ ازسطح دریا) و سبلان (بارتفاع ۴۸۱۱متر) وسهند (بارتفاع ۳۷۱۰ متر) بوجود آمده که بیشتر قسمتهای کوهستانی آنها ازگدازه‌های آتشفشانی پوشیده شده است .

در این ناحیه رسوبات دوران سوم بشدت چین‌خوردگی پیدا کرده و حدود شمال غربی گودالهای مربوط به دوره الیگومیوسن Oligo - Miocene به‌اردبیل می‌رسد .

در منطقه دریاچه رضائیه رسوبات ایـن دوره شبیه رسوبات قسمت جنوب ایران بوده و از مواد تبخیری قـرمزرنگ تشکیل شده است . درنواحی شمال غربی رضائیه ومشرق تبریز و جنوب میانه‌گنبدهـای نمکی بوجودآمده ، و بین میانه و تبریز دراطراف کوه سهند به‌عمق بیش از یکهزارمتر سنگهای رستی و لینیت Lignite وسنگهای آهکی وجود دارد. دراین‌منطقه‌که دستخوش دگرگونی (متامورفیك) Métamosphique های فراوان واقع‌شده ، سنگهای آتشفشانی بسیار نیزدیده میشود، وفرسایش‌شدید طبقات‌دگرگون‌شده راکه‌معرف‌کلیه دورانهااست ظاهر ساخته است.[۲]

ب ـ جغرافیای طبیعی

آذربایجان ازنظرطبیعی قسمتی ازفلات بزرگ ارمنستان بشمار می‌آیدکه بشکل مثلثی منطقه واقع درمیان بین‌النهرین ودریای خزر و دریای سیاه را فرا گرفته است .

این‌فلات‌که دسترسی‌بدان فوق‌العاده مشکل وخود فاقدمرکزیت‌جغرافیایی

۱ـ این کوه را که مشتمل به یك‌کوه بزرگتر ویك‌کوه کوچکتر است جغرافی‌نویسان عرب به «الحارث» و«الحویرث» (حارث و حویرث) تعریب کرده وازآن دونام : آرارات بزرگ وآرارات‌کوچك را اراده کرده‌اند راجع به‌کیفیت تعریب این اسم رك : یادداشتهای قزوینی ج۴ ص۱۳۴

۲ـ ایرانشهر ج۱ ص۲۷و۲۸

بوده‌است، درطول تاریخ منطقه مرزی مهمی را بوجودآورده وهم‌اکنون نیز بین ترکیه وشوروی وایران قسمت شده است. باوجود اینکه مرز شمال‌غربی ایران درطی تاریخ گذشته بکّرات تغییرمحل داده، سرحدات فعلی آذربایجان تاحدی طبیعی بوده ومرزهای انسانی مشخص را نیز بوجود می‌آورد. بااین‌ترتیب‌که‌مرز غربی آذربایجان‌باخط‌الرأس‌عمده‌مابین‌حوضه‌دریاچه‌اورمیه‌ازطرفی، وحوضه رود دجله ازطرف دیگرمطابقت داشته ومرزشمالی‌آن ازدره عمیق‌رود ارس‌میگذرد. ازنظرطبیعی‌آذربایجان ازبقایای‌کوههای فرسوده‌ای بوجودآمده‌که براثر بالا آمدن قشرجامد زمین برارتفاع آنها افزوده شده است.

رودهای آذربایجان

دراین منطقه سه حوضه رودهای روان وجود دارد:

۱ـ حوضهٔ دریاچهٔ اورمیه (رضائیه)

۲ـ حوضهٔ رود ارس

۳ـ حوضهٔ سفیدرود (قزل اوزن)

ازنظریك تقسیم‌بندی بزرگتری منطقه‌آذربایجان را مربوط به سه حوضهٔ دریای خزر، دریاچهٔ اورمیه، و رود دجله دانسته‌اند. چنانکه سفیدرود (قزل اوزن) و رود ارس‌ومتفرعات‌آن (رود اردبیل، قره‌سو، رودهای قرجه‌داغ‌وخوی، رود ماکویا زنگه‌مار) بدریای خزر میریزد.

رودماکو یا زنگه‌مارازبایزیدترکیه سرچشمه‌گرفته پس‌ازمشروب‌نمودن اراضی ماکو درشمال غربی نخجوان وارد ارس میشود.

رودآق‌چای که از دو شعبه قطورچای که ازخوی میگذرد، وورود مرند تشکیل‌شده وشعبهٔ اصلی‌آن ازجنوب چالدران میگذرد و درماری‌کند به‌دوشعبه دیگرپیوسته ودرمغرب جلفا به ارس میریزد.

رود گوگ گنبد از قراداغ سرچشمه گرفته بارس میریزد.

رود اندرآب که دارای دوشعبهٔ اهر و اردبیل است اولی از کوههای قراداغ و دومی از سبلان سرچشمه گرفته وارد ارس میشود.

رود آستارا از میان ناحیهٔ آستارا گذشته و آن را بدو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم میکند و بدریای خزر میریزد.

رود قرانقو که از آبهای میانه و هشترود و سهند و بزقوش تشکیل میشود به سفیدرود میریزد و آن سرانجام وارد دریای خزر میگردد.

اما رودهایی که بدریاچهٔ رضائیه میریزند از اینقرارند:

آجی چای یا تلخه رود که از کوههای سبلان سرچشمه میگیرد و از شهر تبریز میگذرد و درنزدیك قصبهٔ گوگان به دریاچهٔ رضائیه میریزد.

روددهخوارقان که از سهند سرچشمه گرفته و از جنوب دهخوارقان عبور می‌نماید وارد دریاچهٔ مزبور میشود.

صافی رود یا صوفی چای که از کوه سهند سرچشمه گرفته پس از مشروب‌کردن مراغه به‌آن دریاچه میریزد.

مردی رود از کوههای سهند سرچشمه گرفته پس از مشروب کردن زمینهای مراغه به‌آن دریاچه میریزد.

جغتو یا زرینه‌رود از کوههای چهل چشمه کردستان سرچشمه گرفته و بجنوب دریاچهٔ رضائیه میریزد. طول این رود درحدود ۲۴۰ کیلومتر است.

رود تاتائو- از کوههای سقز و بانه سرچشمه گرفته پس از عبور از مهاباد بدریاچهٔ رضائیه میریزد. ناحیهٔ مابین زرینه‌رود تاتائو را میاندوآب گویند.

قادر رود (قادرچای) از کوه سرحدی گروه داغ سرچشمه گرفته وارد دریاچهٔ رضائیه میشود.

باراندوزچای - از کوه سرحدی جمال‌الدین سرچشمه گرفته پس ازمشروب

کردن اراضی رضائیه وگذشتن از دهستان باراندوز وارد آن دریاچه میشود.

اورمیه رود ـ ازکوههای کون‌کبوتر سرچشمه گرفته پس ازعبورکوههای بردسیر بنام شهرچای ازدشت رضائیه عبورکرده و درجنوب دماغه حصاربدریاچه رضائیه میریزد. آب مصرفی شهر رضائیه از آن رود است.

نازلورود ـ ازکوههای کردستان سرچشمه‌گرفته و درشمال رباط قسمتی‌از خط مرزی راتشکیل میدهد وسپس وارد دریاچهٔ رضائیه میشود.

زولورود ـ ازکوههای کردستان در ترکیه سرچشمه‌گرفته و ازقلعه حاجی وارد ایران شده پس‌ازگذشتن ازجنوب دیلمقان بدریاچه رضائیه میریزد.

زاب صغیر ـ که از ریزابه‌های چپ دجله است از بهم پیوستن رودهای کوچکی که در ارتفاعات بین کوههای لاهیجان (جنوب دریاچه رضائیه) و ناحیه اورامان آذربایجان سرچشمه میگیرند تشکیل می‌یابد وبجانب جنوب روان‌شده درسی کیلومتری جنوب شرقاط درخاك عراق به دجله میریزد[۱].

کوههای آذربایجان

درفلات آذربایجان دردوره‌های اخیرزمین شناسی آتشفشانی‌های فراوان بروز کرده بطوریکه قلل عمده این منطقه مانندآرارات (ارتفاع ۳۹۱۳ متر) وسبلان (ارتفاع ۴۸۰ متر)، وسهند (ارتفاعات ۳۶۵۷ متر)، تماماً مخروطهای آتشفشانی مربوط بدوره پلیستوسن Pliestocene هستند. این‌سه قله ازاین‌نظر اهمیت دارند که ارتفاعات میان آنها حوضه های سه‌گانه آبهای آذربایجان را ازیکدیگر جدا کرده‌است. باین‌ترتیب‌که کوههای بین‌آرارات وسبلان‌حوضه اورمیه راازحوضه ارس، و کوههای بین سهند و سبلان حوضه سفیدرود را از حوضه های فوق جدا میسازد.

۱ـ کتاب اسامی دهات کشوری ص۳۳۴-۳۳۶، دائرةالمعارف اسلامی چاپ جدید (طبع فرانسه) ماده آذربایجان ج ۱ رساله ۴ از مینورسکی

جبال آذربایجان را میتوان به پنج رشته بشرح زیر تقسیم کرد:

۱ ـ رشته های متفرق شمالی قراداغ که از آرارات بزرك شروع شده و به کوههای طالش می‌پیوندد و دوقله آرارات‌که ۵۱۵۶ مترو آرارت‌کوچك‌که ۳۹۱۶ واولی را بعربی الحارث ودومی را الحویرث گویند ازاین رشته بشمار میروند. قلل مرتفع‌قره‌داغ ازمشرق‌به مغرف عبارت‌است‌از نشان‌کوه بارتفاع ۳۳۷۰ متروقله خانه داغ بارتفاع ۱۶۴۶ متر در شمال ماکو.

۲ ـ کوههای بین دره ارس و دیاله این کوهها بین آرارات وگردنه کله‌شین واقع شده ودامنه فلات ارمنستان است وآبهای طرف مغرب آن بدریاچه وان و طرف مشرق آن بدریاچه رضائیه میریزد و کوههای این رشته از شمال بجنوب عبارتند از: کوههای ماکو وخوی، آلاداغ و قطور، شملیك داغ بارتفاع ۳۰۰۰ متر، مورشهیدان ۳۶۱۴ متر نزدیك شهرچای دررضائیه، بنبارداغ، دلامیر، قندیل داغ، این‌جبال نموداری ازپیشرفتگیهای‌فلات ارمنستان درخاك آذربایجان است.

۳ ـ رشته قوشه داغ و سبلان که از شمال شرقی تبریز تا اردبیل امتداد دارد.

۴ ـ کوههای مرکزی‌که ازسهند آغاز میشود ودرمشرق بنام بزقوش‌امتداد می‌یابد.

۵ ـ رشته جنوبی، موسوم به قافلانکوه قسمت‌مرتفع‌آن[1] بنام‌تخت‌سلیمان خوانده میشود و درمغرب آن کوههای مرمرداغ است.

قسمت مرکزی آذربایجان مرکب ازدشتها (نواحی. تبریز، مرند، خوی، سلماس) وفلاتهای مرتفع است پست‌ترین نقاط‌آن دریاچه رضائیه است‌که ارتفاع آن ۱٫۳۰۰ متر می‌باشد.

دریاچه رضائیه ـ این دریاچه در قدیم کبودان یعنی دریاچه کبود نام

۱ـ کتاب اسامی دهات‌کشور ج ۱ - ص۳۳۱-۳۳۳

داشته است. استرابن جغرافی‌دان قدیم یونانی نام آنرا زپه‌اوتن Zpautan آورده، که سنت‌مارتن St.martin آنرا بصورت کپه اوتن Kapautan تصحیح کرده‌وبقول مارکوارت اصل آن درپارسی باستان کپه اوته Kapauta بوده که بمعنی ، کبود است[1] . بطلمیوس جغرافی‌دان معروف آنرا مارگیانه Margiané خوانده‌که میتوان آنرا بصورت‌مان تنه Mantané تصحیح کردمنسوب به، مان‌ناها، قومی‌که درحوالی این دریاچه بوده‌است دانست.

نام چیچست دراوستا بقول مفسران دوره ساسانی ازاین دریاچه اراده شده وبارتولمه آنرا بمعنای سفید خالص دانسته است، وهمین نام چیچست است‌که در زبان عـربی تبدیل به ، شیز ، شده و اطلاق به شهر و آتشکده‌ای در آن ناحیه شده است .

اصطخری (ص۱۸۱) این‌دریاچه رابنام، شراة، یعنی‌دریاچه خوارج‌خوانده وظاهراً این‌تسمیه بنابه شرحی‌که یاقوت‌درمعجم‌البلدان تحت‌ماده« بحیره‌ارمیه» آورده بعلت وجود راهزنان و دزدان دریایی درجزیره و میان آن دریاچه بوده که ازقلعه‌خودبیرون‌آمده وسرراه برکشتیهای‌بازرگانی‌میگرفتند[2] . این‌دریاچه را غالباً بنام بلاد مجاورآن اورمیه. وشاهی، وطسوج خوانده‌اند. چنانکه یاقوت آنرا، بحیره اورمیه. وحمدالله مستوفی‌آنرا بحیره چیچست، وطروج، وطسوج، ودریای شورخوانده‌است .

این دریاچه رابمناسبت جزیره‌شاهی (شها، شاهو)که دروسط آنست‌دریاچه شاهی(شها) خوانده‌اندکه تسمیه‌ای متأخراست. این‌جزیره مدفن هولاگو واباقا وبعضی دیگر از ایلخانان و شاهزادگان مغول بوده است .

ابوالفداء درکتاب تقویم‌البلدان نام این دریاچه را «بحیره‌تلا» نوشته وآن

1- Mlnorsry , hudud , al - alam, p. 192

۲ـ معجم‌البلدان ج ۱ ص۵۱۳

منسوب به قلعه طلا (تلا) در آذربایجان است مینورسکی آنرا با، گورچین قلعه، (گوگرچین؟) جایی در ۶۲ کیلومتری شرقی رضائیه بر کنار دریاچه اورمیه تطبیق کرده است. این قلعه بر صخره‌ای در مقابل سلماس مشرف بر دریاچه قرار دارد. مینورسکی طول این دریاچه را از شمال به جنوب نود میل و عرض آنرا از شرق به غرب سی و پنج و مساحت آن را ۲۲۳۰ میل نوشته است[1].

امروز درازای این دریاچه ۱۴۰ کیلومتر و منتهای عرض آن ۴۰ و مساحت متوسط آن ۵۰۰۰ کیلومتر است، ولی بعلت تغییر سطح آب در فصول مختلف مساحتش متغیر می باشد. فرازی آن ۱ر۳۰۰ متر و ژرفایش در قسمت‌های شمالی ۶ متر و در قسمتهای جنوبی از ۱۲ تا ۱۵ متر است.

مواد خارجی محلول در آب دریاچه به ۱۸۸ گرم در لیتر میرسد. آب آن بقدری شور است که هیچ نوع ماهی در آن قادر بزندگی نیست.

آب دریاچه رضائیه بی نهایت شور و بطور متوسط ۲۳ درصد املاح در آن وجود دارد. املاح مخلوط در آن طبق آزمایشهایی که بعمل آماده به قرار زیر است:

طبق آزمایش آبیش Abich	طبق آزمایش مانلی Manleie
کلرور دو سدیم ۳۷ر۸۶ گرم درصد	کلرور دو سدیم ۸۶ر۲۰۳
کلرور دو منیزیم ۶ر۹۳ گرم درصد	کلرور دو منیزیوم ۶ر۸۱۶
سولفات دوسود ۰ر۳۴	سولفات دومنیزی ۱ر۹۱۵
سولفات دومنیزی ۶ر۰۸	سولفات دوکلسیم ۱ر۱۵۱
کلرور دوکلسیم ۰ر۲۷	سولفات دوپتاسیم ۱ر۷۴۱
جمع ۱۰۰ر۰۰۰	جمع ۹۹ر۸۲۶

۱- دائرة المعارف اسلامی چاپ قدیم ماده «بحیرة ارمیه» ترجمه عربی ج ۱ ص ۶۸۳

وزن مخصوص آب آن ۱٫۱۵۵ لیتر است از اینرو در طول فصل خشك هر متر مکعب آن محتوی ۱۵۵ کیلو گرم نمك است ، در صورتیکه در هنگام پر آبی تا ۱۱۱٫۳ کیلوگرم نمك تقلیل پیدا میکند.

آب نیز دریاچه رضائیه بسته و ۵۰۰۰ کیلومتر مساحت دارد. آبهای جاری ازسهند از مشرق و آبهای کردستان از جنوب، و آبهای کوههای قراداغ از شمال به دریاچه وارد میشوند. رودهای عمده‌ای که به این دریاچه میریزند ـ عبارتنداز: آجی چای (تلخه‌رود) ازمشرق، صوفی چای ونموردی چای که از جبهۀ جنوب غربی کوههای سهند می آیند، رود جغتو و تاتائو وساوجبلاغ ازجنوب غربی، بر ده سور و باراندوزچای از مغرب به این دریاچه میریزند.[۱]

این دریاچه دز دوره پلیستوسن Pliestocene پهناورتر از امروز بوده ، و از سوی شمال به دیلمقان واز سمت مشرق به تبریز و مراغه ، وازجنوب تا مرحمت آباد از قراء مراغه امتداد داشته است .

جلگه های حاصلخیز مراغه ومهاباد وتبریز همه در ادوار گذشته جزء این دریاچه بوده‌اندولی بعدازدوره مزبور آب دریاچه عقب نشینی کرده وجلگه‌های مزبور خشك شده وبتدریج بصورت امروزی درآمده‌اند.[۲]

جزیره کوهستانی شاهی بطول ۹ و عرض ۳ کیلومتر در این‌دریاچه واقع وارتفاع آن ۲۱۸۰ متراست. قلعه هولاگوخان‌درقله‌کوه مزبورکه بااسم داغ‌دوین مشهوراست قرارگرفته ومدفن پادشاهان مغول بوده‌است . ابن مسکویه در تاریخ خود مینویسدکه: «شاها» و «یکدور» دوقلعه بود در تصرف سرکردگان یاغی آن نواحی که شراة خوانده میشدند .

درقرن‌هفتم هجری هولاگو بتجدیدبنای قلعه شاها که حافظ ابروآنراقلعه تلای دریاچه ارمیه نامیده فرمان‌داد، وخزائن و غنائمی که ازغارت بغداد ودیگر

۱ـ دائرةالمعارف فارسی ج ۱ ص۱۵۸۷
۲ـ ایرانشهر ج ۱ ـ ص۶۹ ـ ۶۸

بلاداسلامی بدست آورده بود در آنجا نهاد. بعدها این قلعه مدفن اوشد ، ازاین جهت درزبان فارسی به «گور قلعه» معروف گشت . زمانیکه حافظ ابرو جغرافیای تاریخی خود رامی نوشت یعنی درزمان امیر تیمور این جزیره خالی ازسکنه بود[1] .

این جزیره درتابستان بواسطه خشك شدن آب دریاچه از طرف بندردانالو باخشکی مربوط میشودچندین جزیره منفردبنام قویون آده سی (جزیره گوسفند)، جزیره ایشك (خر) یاایشك آده سی ، و جزیره اسپیر، و جزیره آرزو، که غیر معمور وجز درهنگام قشلاق خالی ازسکنه است در آن دریاچه نیز وجود دارد. سنگ بزرگی که از آب بر آمده نیز دراین دریاچه هست که ، **کاظم داشی** ، یعنی سنگ کاظم خوانده میشود. کاظم راهزنی بوده که در روزگار پیشین به کشتن مردم وبردن مال ایشان میرفته وبراین سنگ پناه می جسته تاسرانجام بدست خادم خود گشته شده است[2] .

حیوانات جزیره شاهی عبارت ازگاوها و اسبها وخران وحشی واهلی، واز پرنده کبك وعقاب وکرکس می باشند .

جزیره ایشیك آده سی ، دوبار از جزیره قویون آده سی بزرگتراست وآب شیرین ومرتع داردودرزمستان ازرضائیه گله های گوسفندبرای چرابه این جزیره می آورند[3]

دریاچه رضائیه ازجهت حمل و نقل احمیت خاصی دارد وسابقاً از این جهت اهمیت بین المللی نیز داشت .

درجنگ اول جهانی کشتی های حمل و نقل دریاچه رضائیه بنابه مصالح سیاسی وسوق الجیشی بدست قوای دولت عثمانی که قسمتی از آذربایجان رادراشغال داشتند منهدم وغرق شدند .

۱ـ لسترنج ص۱۷۲
۲ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص ۲۴۰
۳ـ نادرمیرزا : تاریخ تبریز ص۱۹۸ – ۱۹۹

بعداز جنگ کشتی‌رانی در آن دریاچه ازسر گرفته شدواکنون نیز رفت‌وآمد سفاین تجاری وحمل و نقل تحت‌نظر وزارت راه در آن دریاچه ادامه دارد.

بندرهای مهم این دریاچه. بندر شرفخانه درشمال شرقی، برای‌استفاده مردم تبریز ومرند، وبندرگلمانخانه درمغرب نزدیك شهررضائیه، وبندرحیدرآباد درجنوب برای استفاده‌شهرستانها مهاباد وشاهین‌دژ، وبندردانالو درمشرق دریاچه برای استفاده شهرستانهای مراغه و میاندوآب، و بندرخان تختی درشمال غربی برای استفاده مردم‌نواحی خوی وشاهپور، وبندآق‌گنبد درجزیره شاهی‌دراطراف دریاچه‌رضائیه دائر است[1].

تقسیم آذربایجان بدو استان ـ پس‌ازبرقراری‌حکومت‌مشروطه‌درایران طبق قانون مخصوصی‌که درسال ۱۳۲۵ قمری بنام قانون تشکیل ایالات و ولایات بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید آذربایجان یکی از ایالات چهار گانه کشور: آذربایجان، خراسان ،کرمان و بلوچستان، وفارس محسوب شد ، که برای هریك از آنها یك والی یافرمانفرما ازطرف پادشاه تعیین میگردید. این‌رسم تاسال۱۳۱۶ شمسی برقراربود.

طبق قانون تقسیمات کشور که در سال مزبور بتصویب مجلس رسید کشور ایران مرکب از ده استان‌گردید وآذربایجان‌شرقی وغربی به‌دواستان ۳و۴ تقسیم شد. درقانونی‌دیگری که درسال۱۳۳۹ شمسی بتصویب مجلسین رسید وکشورایران به چهارده استان تقسیم گردید ، آذربایجان شرقی و غربی بهمان صورت استان ۳ و ۴ باقی ماند ، و تبریز مرکز آذربایجان شرقی و رضائیه مرکز آذربایجان غربی شد[2].

۱ـ فرهنك جغرافیائی ایران ج ۴ ص ۲۴۰

۲ـ ایرانشهر ج ۲ ص۱۰۴۳ و ۱۰۴۸

جدول شهرستانها و بخشها و دهستانهای استان سوم (آذربایجان شرقی)

شهرستان	بخش	دهستان و مرکز آن
شهرستان مرکزی	اسکو بستان آباد خداآفرین دهخوارقان شبستر	سر درود ، خسرو شاه سهند آباد (اشکه درق) ، اوجان ، مهرانرود باسمنج عباسی (قره چمن) منجوان (ونیق) ، کیوان (خمارلو) (آذرشهر) . ممقان ، گاوگان ، شیرامین صوفیان ، شرفخانه ، سیس ، تسوج ، خامنه
شهرستان سراب	آلان برآغوش بخش مرکزی	مهربان ینگجه ، هریس ، ملا یعقوب ، رازلیق ، آغمیون ، ابرغان
شهرستان هشترود سراکند	سراکند	آتش بیك ، چاراویماق
شهرستان اردبیل	گرمی نمین بخش مرکزی اردبیل	خروسلو(صلوات) ، قلعه برزند ، اجارود (میلداشی) نمین ، انگوت (تازه کندانگوت) کورائیم ، کلخوران ، دیجوییجین ، ایر (سوسی) ، هیر ، نیر.
شهرستان اهر (ارسباران)	کلیبر ورزقان هریس. هوراند	حسن آباد (حسن بیگلو) گرمادوز (ابش احمد) میشه پاره (مرز رود) دیزمار باختری ، دیزمار خاوری (اشتوبین) اوزومدل ، مواضع خان (خواجه) بدوستان (سرای) خانمرود دیکله (چناب) دودانگه ، یافت (گنچونه) چهار دانگه ، ورگهان

۱ ـ ایرانشهر ج ۲ ص ۱۰۴۳ و ۱۰۴۸

شهرستان	بخش	دهستان و مرکز آن
شهرستان مراغه	بناب قره آغاج عجب شیر بخش مرکزی	بناجو قوری چای (پاره‌لار) دیزجرود ، آجرلو (کشاور) ، سراجو (گل‌تپه) چهاردولی (محمود جیق) گاو دول (ملك کندی)
شهرستان مرند	جلفا زنوز بخش مرکزی	علمدار (گرگر) زنوز ، هرزندات (هرزندجدید) رودقات (امند) یکانات (یکان‌کهریز بالا) یامچی
شهرستان میانه	ترك بخش مرکزی ترکمان	گرام (چشمه کش) کندوان ، کله‌بوز (شیخدرآباد) بروانان (ورنکش) اوچ تپه (خاتون‌آباد) تیرجائی (ایشلیق)
شهرستان خلخال (هروآباد)	سنجبد شاهرود کاغذ کنان	کیوی پایین ، کنجگاه کلور ، خورش رستم (هشجین) آغ کند (هروآباد) . خان اندبیل (اندبیل)
شهرستان خیاو (مشکین شهر)	بخش مرکزی	ارشق (رضی) مشکین خاوری (ارجق) مشکین باختری (قصابیه)
شهرستان خوی	حومه خوی قره ضیاءالدین	الند (دیزه) اواوغلی (رهال) سکمن‌آباد (زورآباد) فرورق (پره) قطور ، ولدیان چایپاره

شهرستان	نام بخش	دهستان و مرکز آن
شهرستان رضائیه	اشنویه	(اشنویه) دشت بیل (آغبلاغ)
	حومه رضائیه	انزل (قره باغ)، نازلو، روضه‌چای (زینالو)، دول (دیزج دول) ، بر گشلو (امامزاده) باراندروزچای (باراندوز
	سلدوز	نقده
	سلوانا	تر گور (موانا) ، دشت ، مر گور (هاشم‌آباد)
		برادوست (ایشکه‌سو)
	صومای	هشتیان . قصریك ، کنار بروژ
شهرستان ماکو	پلدشت	ارسکنار ، چای‌باسار (شوط) ساری سو باسار (قره‌تپه)
		گجلرات (نازك)
	حومه ماکو	آواجیق (کلیسا کندی) ، قره‌قون (تازه کند) قلعه‌دره‌سی (دانالوی بزرگ)
	سیه چشمه	به‌به‌جیگ (محمد صلاح) ، چالدران
شهرستان مهاباد	بوکان	آفتاچی لوکان ، بهی (تکان‌تپه) ترجان (تورخان)
	حونه مهاباد	آفتاچی (اطمیش) ، ایل تیمور (اسکی بغداد) پیران (شین‌آوا) شهر ویران (لج)
		گورک (کلولان خوارو) منگور (ترکش)
		لاهیجان (قلعه پسوه)
	سردشت	آلان (بیتوش) باسك (قلطه) بریاجی (بزیلا) کلاس (بنادیله بزرگ)
		گورك سردشت (پرستان) مکاری (ملاشیخ) نعلین (قلعه تاسیان)

شهرستان	بخش	دهستان و مرکز آن
شهرستان میاندوآب	تکاب	شاهین دژ ، گوی‌آغاج ، قره‌لر (داش‌کن) مرحمت آباد، احمدآباد
شهرستان نقده	اشنویه خانه	دشت‌بیل (آغبلاغ)
شهرستان شاهپور (سلماس)	جهریق	لکستان (صدقیان) ، گردیان ، کره‌سی (سیلاب) شینطال (شینطال بالا) شپیران (دیلزی) (۱)

۱ ـ رجوع شود به فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۴ ص ۵۶۷ ـ ۵۹۳

فصل سوم

باستانشناسی آذربایجان

از عصر دیرینه سنگی مردمی در آذربایجان میزیستند که بعضی از آثار ایشان درجنوب شرقی آذربایجان بدست آمده است.

درمیان این ایالت گودال بزرگی است کـه دریاچهٔ رضائیه را تشکیل داده بیشتر مهاجماتی که درطی قرنها ازشرق به‌غرب رفته‌اند از این ناحیه گذشته‌اند بطوریکه میتوان آن ناحیه راچهارراهی برای‌عبور ملل و مرکزی برای تجارت دانست . مرحوم اورل اشین درسال ۱۹۳۲ درناحیه اشنویه درجنوب غربی‌دریاچه رضائیه چندین جای پیش از تاریخ یافت . وی‌در دینخینه (دینخواه) درهشت‌کیلو جنوب شرقی اشنویه سفال منقوشی متعلق به‌اواخر هزاره سوم واوایل هزاره‌دوم پیش از میلاد بدست‌آورد وبه قبرهای اواخر هزاره دوم برخورد. درگرد حسن علی سفال رنگین عهد کالکولیتیک Chalcolithipue اواخر عصر حجر که استعمال مس هم معمول شد پیداکرد که بعضی ازآن آثار نظیر سفال طبقه پنج تپه گیان

نهاوند است بالاخره در حسنلو قبرهایی پیدا کردکه پر از سفال از نوع سفالهای گورستان شماره ب B درسیالك کاشان است.

حسنلو ـ حسنلو در ناحیه سلدوز در پنجاه کیلومتری جنوب غربی رضائیه واقع است.

اداره‌کل باستانشناسی ایران درسال ۱۹۴۷ برروی تپه حسنلو کاوشهایی بعمل آورد. قبرهای گورستان مکشوفه باسنگ ساخته شده بود وروی آنها یك تخته سنگ بزرگ قرار داشت. مردگان رامعمولا بحال چمباتمه بخاك سپرده بودند. این ناحیه در اوائل هزاره اول پیش از میلاد مرکز حکومت کشور مقتدر «مانئا» بوده‌است.

صنعت حسنلوشباهت زیادی به‌صنایع فلزی وسفالین تمدن خوروین (درراه تهران به قزوین بین کیلومتر ۶۶و۶۷) دارد، ولی زیورآلات حسنلو از نظایرشان درخوروین پربهاتر و بزرگ‌تراند، خصوصاً گوشواره‌هایی که بشکل خوشهٔ انگوراند. یکی از خصوصیات قبرهای حسنلو قبری است که برای نخستین بار در ایران نمونه‌ای از قربانی اسب را هنگام تدفین مرده نشان میدهد. این سنت قربانی کردن اسبها هنگام به‌خاك‌سپردن مردگان، از سنت‌های ویژه‌سکایی است: از این جهت بعضی از دانشمندان تصور میکنند که‌سکاها درحدود قرن هشتم قبل از میلاد، حتی در درقرن نهم ق.م. ازگذرگاه قفقازگذشته وارد شمال غرب ایران شده باشند. وجود تزیینات مربوط به‌زین و برگ اسبها ارتباط مانناهارا باسکاها تائید میکند. از از آثار معروف حسنلو جام زرینی است‌که در ویرانهٔ کاخی درقلهٔ‌تپه‌ای پیداشده است. این جام مربوط به‌تشریفات مذهبی بوده‌وچند موضوع مذهبی واساطیری برروی آن نقش شده است این جام متعلق به‌اواخرهزارهٔ دوم تا اوایل هزارهٔ اول پیش از میلاد است وظاهراً متعلق به‌یکی ازامرای مانئا بوده است. ظرف های فلزی نیز پیداشده‌وجالبترین آنهاعبارت ازقوری‌های مفرغی نوك‌دار ویك‌مجسمه

مجسمه‌های کوچك حیوانات

شیر است که بدن آن از مفرغ ودم آن از آهن است . مجسمه‌های کوچك حیوانات شیر است که بدن آن ازمفرغ ودم آن از آهن است . وچند خنجر وگرز ونیزه ویك صفحه دایره شکل مزین به نقش یك اسب بالدار ، ومهره‌هایی دسته‌دار وپیکان وزنگوله ،وزینت آلاتی ازمفرغ ،وجواهراتی ازطلا ، آثار حسنلو ازیك سو به اشیاء مکشوف به تقلید نقوش بین النهرین پیداشده‌است . وگورستان ب B درگورستان آ A درسیالك کاشان ، وطبقه اول تپه گیان نهاوند درسیالك ، وازسوی دیگر به آثار مکشوف از نقاط مختلف آسیای صغیر درالیتشر Alishar شبیه است .

آقای رابرت دایسون R.H.Dyson که از سال ۱۹۵۶ ازطرف دانشگاه پنسیلوانیا در حسنلو مشغول حفاری است ، عقیده دارد که تپه مزبور یکی از دژهای مقدم کشورماننا بوده‌است . نقش قرص بالدار که‌روی خورشید یاربةالنوع جام حسنلو سایه انداخته شبیه شعارخدایان مصری یا آشوری است،وشکل دوشیر برروی جام شبیه ربنوع هیتیها وهوری‌ها است. منظور از دیوسه سری که بر ظروف طلایی حسنلو نقش شده وبالا تنه‌زنی‌را از ناحیه شکم ظاهرمیسازد وپهلوانی باآن دیو درجنگ است وزنی که بنظرمی آید برقوچی سواراست وحجاب ازخودبرمیگیرد، وعقابی که درحال پرواز انسانی راباخود میبرد ونقشهای دیگر ازاین قبیل معلوم نیست .[۱]

گوی تپه ـ گوی تپه در دهستان برگشلو بخش حومه شهرستان رضائیه در شش کیلومتری جنوب شرقی آن شهر واقع است دراینجا آثاری از اقوام ماقبل تاریخ آذربایجان یافت شده است .

کاوش علمی دراین ناحیه از سال ۱۹۴۸ م بسرپرستی آقای بورتون برون Burton.Brown

۱ ـ رك گزارشهای باستانشناسی ج ۳ و ۴ : کاوش‌های علمی حسنلو ؛ لوئی واندنبرگ ، باستانشناسی ایران ص ۱۱۴ ؛ آندره‌گدار . هنر ایران ص ۱۰۴ ؛ دکتر مشکور : ایران در عهد باستان ص ۳۶ ؛ گیرشمن : هنر ایران در ماد و هخامنشی ص ۲۴ ـ ۳۰

نماینده موسسه باستانشناسی انگلیسی در عراق آغازشده است. سابقاهم در سال ۱۹۴۳ ضمن حفاری‌های تجارتی یك صفحه مفرغی باتصویر گیلگامش درآنجا کشف شده بود. دراین نقش گیلگامش درمیان دایره‌ای ایستاده پاهایش را بافاصله روی زمین قرارداده، ودوگاو وحشی رااز پاهایشان گرفته بلندمیکند.

درکنار این صفحه مفرغی یك دهانه اسب ازمفرغ ویك دسته مربوط به آلتی که کاملا مشخص نشده قرارداشته است. آقای بورتون برون معتقد است که تمام این اشیاء متعلق به قرن هشتم پیش ازمیلاد است و رابطه هنری با آسیای صغیر را را تائیدمیکند. آقای بورتون‌برون، روی‌این‌تپه هشت‌گمانه زد ولی‌هیچکدام از آنها برزمین‌بکر نرسید.

وی هفت طبقه متمایز برای تمدن قدیم آن تپه تعیین کرده است. طبقه دوم‌را باآثار «تلّ العبید» درعراق وطبقه دوم‌تپه‌سیالك، وطبقه سوم‌را باسفال تریالتی Trialeti درقفقاز وطبقه دوم‌الیشر Alishar درآسیای صغیر، همدوره دانسته‌است.

وی معتقد است که درطبقه پنجم آن تمدن چند بارآتش‌سوزی روی داده و مجدداساخته‌شده است وقبرهای آن مربوط به‌دوهزارپیش‌ازمیلاد است ودرآنها جمجمه‌های انسانهای نوع شمالی Nordic type دیده شده‌است.

بورتون برون‌تصور میکندکه این‌قبور ازنخستین آریا نژاد هائی‌بوده است که ازراه‌آذربایجان بفلات ایران‌وارد شده‌اند درطبقه پنجم‌مردگان‌را درقبرهای سنگی خوابانیده وروی قبرها تخته‌سنگهایی‌قرار داده‌اند.

سفالهای این‌قبور بدون نقش وشبیه‌سفالهای طبقه‌دوم الیشر آسیای صغیر است.

عهد طبقه ششم مربوط به ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ ق. م است و سفالهای آن بدون نقش وصیقلی‌شده سیاه‌یاخاکستری‌است وبه‌سفالهای‌هیتی درآسیای صغیرشباهت دارد. درطبقه هفتم‌ظروف‌سفالین‌صیقلی‌وقرمزرنگ یاخاکستری‌یافت‌شده که‌شباهت

به ظروف حسنلو وسفالهای طبقه اول تپه گیان در نهاوند دارد.

درهمین نقطه برروی تپه سنگ های تراشیده‌ای بانقش حیوانات پیداشده که مربوط به‌هزارسال پیش ازمیلاد است. درمیان آنها نقش دوقوچ ویك پلنگ دیده میشودکه ازلحاظ حجاری با سنگ های تراش خورده بعد از دوره هیتی Post hihite درآسیای صغیر شبیه است. روی بدن یکی از قوچها نقشی مرکب ازچهار علامت وجود داردکه آن علامت‌ها روی صدها تخته سنگ قبر نیزدیده میشود. این آثار نشان میدهد که آذربایجان ازیکسو با قفقاز وآسیای صغیر، وازسوی دیگر باایران مرکزی روابطدائمی داشته است.(۱) دیاکونف‌مینویسد که تمدن گوی تپه محتملا مربوط به‌کوتی‌ها است. (۲)

آثارماکو: درسال ۱۹۲۴ درناحیه ماکو ظرفی بشکل یك اسب پیدا شد که پاهای آن شکسته بود این ظروف از گل پخته وبرنگ زرد مایل به‌قهوه‌ای بود ونقوش آن نیز برنگ زرد بود. روی گردن اسب تزئینات زین‌وبرگ دیده میشد. برروی دهانه‌آن یك‌گل سه پر نقش شده بود. روی پشت‌گردن حیوان ظرفی قرار داده شده بود واطراف‌آن روپوش اسب بصورت نمدی بانقوش متعدد با نهایت دقت مجسم گردیده بود. موضوع نقش روپوش، مجلس شکاری است‌که اسبی بدنبال گوزنی روان است وپرندگانی درمیان گل‌هائیکه بصورت مصنوعی نقش شده در پروازند. این ظرف که ازیکسو به هنرهیتی وازسوی دیگر شبیه ظروف مکشوف درشوش است متعلق به‌هزارهٔ دوم پیش ازمیلاد است. یك‌شیئی عجیب دیگر که درآذربایجان پیدا شده چیزی است شبیه به‌کیف جدید بانوان که ازسنگ سیاه است ودسته‌دارد واحتمالاآنرا هنگام ادای تشریفات مذهبی بدست میگرفته‌اند. دریك‌طرف آن‌شیئی، عقابی‌دیده میشودکه بالهایش را باز کرده درمیان سروبالهای او دوسرماراست، ودرپشت‌آن نقشی شبیه به‌چهارچوب

۱- واندنبرگ. باستانشناسی ایران ص ۱۱۵-۱۱۷

۲- دیاکونف. تاریخ ماد ص۶۱

درهشت بارتکرارشده، این شیئی متعلق به‌نیمه اول‌هزارهٔ سوم پیش‌ازمیلاداست
شیئی قابل توجه دیگربز کوهی مفرغی است‌که ازقرون اولیه هزاره اول‌پیش‌از
میلاد است .

اثرجالب‌توجه‌دیگری که‌درماکوپیداشده «ریتون» Rhyton (جام‌فلزی‌یاسفالی
که به‌شکل شاخ حیوان‌بوده ودرآن شراب مینوشیده‌اند) زیبائی بشکل‌سراسب
است . این‌جام از گل بسیار ظریفی ساخته‌شده ولعاب روی‌آن برنگ پشم‌شتر
است . روی‌آن نقش زین‌وبرگ اسب بادقت نشان داده شده است . این ریتون
مربوط به اواخرقرن هشتم پیش ازمیلاد است .

گورهای طالشـ ازکاوشهایی که‌توسط دومورگان و کسان‌دیگر درطالش
آذربایجان شده درنواحی : خواجه داودکپرو، نمین ، قیلاخانه ، لرداغی ،شکولا
دره ، وجالیك، تاش‌کپرو، حسن‌زمینی، شیرشیر، آقا ـ اولر، دوخالیان، گورهایی
با تخته سنگهای بزرگی بصورت افقی بشکل طاق پیدا شده‌که دراصطلاح علمی
دالمن Dolman نام دارد . روی این‌گورها خاك ریخته‌بودند تاآنجاکه‌بصورت‌تپه
کوچکی درآمده‌بود . داخل این‌گورها اشیاء فراوانی وجود داشت‌که عبارت از
ظروف‌سفالین‌درشت وسیاه‌رنگ یاقرمزخاکستری بدون‌نقش‌واشیاء مفرغی .آهن
دراین‌گورها بندرت بدست‌آمده وآنچه پیداشده حلقه‌های انگشتری ودستبند و
سنجاق ، وپیکان ، وزوبین وداس وخنجروشمشیروچاقووتبر ومجسمه‌های کوچك
حیوانات است ، ونیزاشیاء شیشه‌ای وزرین‌بصورت زینت‌آلات‌در آن گورهابدست
آمده است . تاریخ این‌آثارمکشوفه از دوران مفرغ در حدود ۲۱۰۰ ق . م آغاز
میشود وبه ابتدای دوران‌آهن ختم‌میگردد (حدود ۱۰۰۰ ق.م) ولی‌بیشترآنها
متعلق به دوران اخیرمفرغ است (۱۲۰۰ـ۱۵۵۰ ق‌ـم) (۱)

قره تپه ـ درسی‌کیلو متری جنوب غربی تبریز و پنج کیلو متری غربی

۱ـ واندنبرگ. باستانشناسی ایران ص ۱۱۹ـ۱۲۰؛ گیرشمن هنر ایران در دوران
ماد وهخامنشی ص ۲۸۷ـ ۲۸۸

بخش خسروشاه و درجنوب شرقی ده تازه کنند واقع است در این ناحیه در مردادماه ۱۳۳۹ هیأتی انگلیسی بریاست مستر چارلز برنی Charles.Burny استاد دانشگاه منچستر کاوشهایی شد و آثاری در آنجا بدست آمده که ظاهرا مربوط به ۲۵۰۰۰ ق.م می باشد.

اقوام باستانی در آذربایجان

سرزمین آذربایجان یا مادآتروپاتن را از نظر نشیمن اقوام باستانی به چند ناحیه بشرح زیر میتوان تقسیم کرد:

۱ ـ از رود ارس تا کوههای آورین داغ وقراداغ. نواحی قطور و خوی و مرند که درزمان قدیم یك ناحیه‌را تشکیل میداد و آشوریان در کتیبه‌های خود آنرا «سان گی بوتو» San-gi-butu خوانده‌اند از قرن نهم تا پایان قرن هشتم ق.م جزء کشور اورارتو بود سان گی بوتو جلگه‌ای سرسبز وحاصلخیز بشمارمیرفت. ودرعهد باستان کاملا پوشیده از جنگلهای انبوه بود.

۲ـ دره رود قرسوکه شعبه جنوبی ارس است درابتدا معلوم نیست که دردست چه قومی بود ولی بعدها کادوسیان (اهالی قدیم طالش) در آنجاساکن شدند

۳ ـ حوضه دریاچه اورمیه بسه ناحیهٔ فرعی تقسیم میشد:

الف ـ کرانه غربی دریاچه اورمیه: این ناحیه درقدیم گیلزان نام‌داشت ودر قرن نهم پیش ازمیلاد بخش مستقلی بود وظاهرا بعد ها جزء اورارتو ، یا ماننا شد ویا بین آندو تقسیم گشت.

ب ـ کرانه جنوبی دریاچهٔ اورمیه وحوضه رود جغتو: این ناحیه درقرن نهم ق.م بنام «زاموآ»ی داخلی موسوم بود و بچندین واحد مستقل سیاسی از قبیل حارنا Harrana ، ماننا Manna ، مسی Messi و غیره تقسیم میشد ، بعدها در این ناحیه دولت ماننا تشکیل شد.

ازقرن هفتم ق.م آن ناحیه رامیتوان مرکز اقتصادی ماد شمرد.

ج ـ کرانه شرقی دریاچه اورمیه نیزجزءکشورماننا بود.

دـ کرانهٔ شمالی یعنی دره رودآجی چای وناحیه تبریز کنونی ، ظاهرا مستقل بود ، دراینجا قبیله‌ای بنام«دالیان» زندگی میکردند .

۴ ـ دره رود قزل اوزن (سفیدرود) بچند ناحیهٔ بشرحزیر تقسیم میشد :

الف ـ ازشمال غرب بسوی جنوب شرق‌میان‌کوههای آقداغ وآق‌کـدوك جائیکه دره سفیدرود قرار دارد درروزگار قدیم آندیا Andia خوانده میشد .

ب ـ دربخش شمال‌شرقی این دره رودی است‌که ازکوهستان سهندسرازیر میشود وشهرکنونی میانه بر کرانهٔ آن‌قراردارد وآن‌رودبه قزل‌اوزن میریزد دره وحوضه‌آن‌رود در روزگارکهن «زیکیرتو» Zikirtu نام داشت.

ج ـ بالاتر ازمحل تلاقی قزل‌اوزن بارودکوچك‌مزبورکه امروز قافلانکوه نام‌دارد درقدیم«گیزیل‌بوندا» Gizilbunda خوانده‌میشد واین‌قسمت آذربایجان را ازناحیهٔ ماننا جدامیکرد.آشوریان این‌بخش قزل اوزن را مادای Maday (ماد) خوانده‌اند .

۵ ـ بخش‌علیای رود زاب‌کوچك : سرزمینهای‌واقع درجنوب غربی نواحی شماره ۳و۴ آنسوی جبال افقی بیشتربه‌آشور وبابل‌گرایش داشت، ایالت «زاموا» Zamua یا «اولو» Lulu از لحاظ جغرافیایی باآشورسخت مربوط بود . سراسر سرزمینهایی‌که ازدریاچه رضائیه تابخشهای‌علیای رود دیاله امتداد داشت زاموا خوانده میشد ، و بخش علیای دره زاب‌کوچك را تشکیل میداد .

۶ـ درسرزمینهای نزدیکتر بکرانه‌های دریای‌خزر ونیمه سفلای دره قزل اوزن ونقاط شمالی‌تر آن حکومتها وسلطنت‌های‌کوچکی وجودداشت وقبایلی‌در آنجا میزیستند که مورخان عهد باستان ایشان‌را :گلهـا ،کادوسیان ، کاسپیان ، و قبایل دیگر نامیده‌اند وبظن قوی آنان باکوتیان(گوتی‌ها)وکاسیان قرابت‌داشتند گذشته ازاین، مردا–ها (آماردها) وساگارتیان‌که نامشان در تالیفات باستان آمده

وکشور دالی
نیز در آن نواحی ساکن بودند . اینان ساکنان «آندیا» و «زیکیرتو»
Dali ومحتملا ، «گیزیل بوندا» بودند[۱]
میزیستند .
هوریان – این قوم در بین کوههای زاگروس ودریاچه رضائیه
و سراسر
این قبایل درهزاره دوم پیش ازمیلاد در بین‌النهرین شمالی و سوریه ،
فلات ارمنستان ومغرب آذربایجان پراکنده بودند.
مدر
هوریها درحدود ۱۷۰۰ پیش‌ازمیلاد درهمه ارمنستان، وازهزاره سوم ق.
رانده
ناحیه وان حکومت داشتند . آنان در هزاره دوم بطرف سوریه و فلسطین
فقط‌در
شده تحت فشار اقوام سامی‌قرار گرفتند . ایشان درهزاره‌اول پیش‌ازمیلاد
بسیار
مغرب وجنوب دریاچه وان‌مستقر بودند . ایشان براثرمجاروت بااورارتوها
مخلوط شدند .
ثابت کرده است .
تحقیقات اخیر مشابهت زبان هوری‌ها را با قوم اورارتو
زبانهای
زبان هوری را مانند زبان اورارتو از ریشه ایبری و از خانواده
و ارابه‌های
قفقازی یا آسیانی دانسته‌اند. هوریها معروف به پرورش اسب بودند
اصلی در
جنگی داشتندکه صاحبان‌آنها را ماریانی Mariani میگفتند. خدایان
نام هوری
بین هوری‌ها : تشوب، ربنوع رعد وزن اوهیباربة‌النوع خورشید بود.
ترکیه‌مأخوذ
ظاهراً مشتق‌از«هورا» یا، اورها، است‌که «اورفه» ازشهرهای جنوب
بلکه از نژاد
ازاین اسم است . هوری‌هانه‌ازنژاد سامی ونه‌ازنژادآریایی بودند
با اقوام
مخصوصی که‌آسیانی خوانده میشوند بشمار میرفتند . ولی براثرآمیزش
آریایی نامهای‌آریایی را برای خود برگزیدند[۲]
قبل‌از میلاد
نام‌قوم‌هوری درکتیبه بغازکوی‌که‌تاریخ آن مربوط بقرن‌پانزدهم
آمده‌است[۳].
میشود:هو–او–اور HU-U-UR ونام‌زبان‌آن‌قوم‌بخط‌هیتی‌هورلی Hurli

۱– تاریخ ماد ص۲۸۱

۲– دکترمشکور، تاریخ اوراتو ص۳-۵؛ فیلیپ حتی، تاریخ سوریه ج۱ص۱۶۱–۱۶۵

3- Hrozny, Histoire de L' Asie Antérieure. p. 161

لولوبیان ـ این قوم در بخش وسیعی از قسمت علیای رود دیاله گرفته تا دریاچه اورمیه حتی فراتر تا شمال غربی آنرا اشغال کرده بودند.

این اسم در زبان اورارتوئی لولو Lullu بمعنی بیگانه و دشمن، و در اکدی «لولوبوم» یا «لولویوم» آمده است. قوم لولوبی از اقوام آسیانی نژاد بوده است و با عیلامی ها قرابت داشتند از پادشاهان معروف این قوم آنوبانی نی Anubanini (۲۲۰۰ ق.م) بود که سنگنبشته ای از او بر صخره ای بر سر پل زهاب هنوز برجاست[1]. ناحیه تسلط این قوم در آذربایجان در کتیبه های آشوری بنام: زاموآ، یادشده که در جنوب غربی دریاچه اورمیه بوده است.[2]

ایشان ملتی کوهستانی در شمال کوههای زاگرس بودند. در زمان سلاطین اورارتور (قرن ۸ و ۷ ق.م) آنان را زاموآ مینامیدند. گویند گرجیها از نژاد لولوبی هستند. لولوبیان در هزارهٔ دوم قبل از میلاد کشور مقتدری راکه با آسوری ها دائم در جنگ بود تشکیل دادند. از قرن نهم پیش از میلاد دیگر نامی از آنان نیست و زاموآ جای لولوبی راگرفت.[3]

کوتیان ـ اصطلاح کوتی (گوتی) در هزاره سوم و دوم ق.م بیک گروه نژادی اطلاق میشده که در مشرق و شمال غربی لولوبیان ـ و احتمالا در آذربایجان کنونی ایران و کردستان زندگی میکردند. آنان در هزاره سوم ق.م در کوههای زاگرس اقامت داشتند. بعدها ممکن است این نام به اقوام گوناگونی که در شمال و مشرق بابل زندگی میکردند اطلاق گردیده و واحد ارضی معینی را شامل نمیشده است.

درهزاره اول ق.م، همهٔ اورارتوئیان و مردم مانئا و مادرا کوتی مینامیدند فقط در کتیبه های سارگن دوم مادهای ایرانی زبان از کوتیان، مشخص و ممتاز گشته اند.

---

۱ ـ دیاکونف (ا.م): تاریخ ماد (ترجمه کریم کشاورز ص ۱۳۴ - ۱۳۷

۲ ـ دیاکونف (م. م): تاریخ ایران باستان (ترجمه روحی ارباب) ص ۶۲

۳ ـ هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی ص ۳۹۶

کوتیان در ۲۳۰۰ ق.م وزمان سلطنت «نارام . سین» Naram-Sin پادشاه اکد در صحنهٔ تاریخ پدید میآیند.

کوتی‌ها زبان مستقلی داشتند که تا اندازه‌ای باخانواده زبانهای عیلامی قرابت داشت و ممکن است از انواع زبانهای قفقازی قدیم و آلبانی (در سرزمین قفقاز) باشد. مسیو «هامی» یکی از انسان‌شناسان فرانسوی درکتاب خود «چهرهٔ آدمی» در آثار کلده‌ای مینویسد که: از لحاظ نژادشناسی مردمی که درعصر حاضر در بعضی از نقاط آذربایجان زندگی میکنند باتصاویر ومجسمه‌هائی از لولوبیان و گوتیان بدست می‌آید شباهت بسیاری دارند.[1]

از مطالعه هنر مادی وهخامنشی باین نتیجه میتوان رسید که مادها پیش از آنکه تحت تأثیر بابل و آشور قرار گیرند تحت تأثیر عمیق دوقوم لولوبی و گوتی واقع شده‌اند دلیل آن پیداشدن دونقش برجسته ازدوقوم اخیرالذکر درسرزمین ماد، یعنی نقش آنوبانی‌نی پادشاه اولوبیان درسرپل‌زهاب، ونقش برجسته هورین شیخ خان در همانجاست. که معلوم میسازد قوم لولوبی وکوتی درنیمه هزارهٔ سوم (ق.م) در اقوام ایرانی تأثیر زیادی بجای گذاشته‌اند.[2]

کوتی‌ها ازمغرب ایران به بین‌النهرین حمله برده ودرآن سرزمین سالها به‌قتل وغارت مشغول بودند وسرزمین سومر واکدرا اشغال کرده مدت یکصدوبیست وپنج سال باعنوان شاهی براین حدود حکومت کردند ودودمان شاهی اکد رادربین‌النهرین برانداختند. پایتخت ایشان درآراپها (کرکوك) درشمال سوبارتو بود. سرانجام مردم بین‌النهرین ازستمکاریهای ایشان بجان آمده برایشان قیام کرده وآنان را به کوههای زاموا Zamua درآذربایجان راندند.[3]

1- E.T.Hamy, La Figure humaine dans les monuments Chaldéens مجله انجمن انسانشناسی پاریس شماره ۲۱ ـ ۲۳ سال ۱۹۰۷

۲ ـ رك: مقالهٔ آقای دکتر فرخ ملکزاده درمجله بررسیهای تاریخی (سال‌سوم‌شماره ۶) : «بررسی تاریخ و هنر کوتیان ولولوبیان»

۳ـ تاریخ ماد ص ۱۳۸–۵۱۴

بعد از نابود شدن کوتی‌ها (گوتی‌ها) ، این نام از میان نرفت ودر دوران بابل تمام فلات ایران را بنام همان اصطلاح قدیمی،گوتیوم، می نامیدند[۱] .

قوم‌مانناـ بعداز لولوبیان وکوتیان، قوم‌دیگری بنام‌ماننا Manna در ناحیه زاموادرجنوب‌دریاچه‌اورمیه‌مسکن گزیدندودولت بزرگی‌رادرمغرب‌ایران‌امروز تشکیل‌دادند . اینان‌گویا بالولوبی ها وهوری‌ها قرابت‌داشتند . ازقرن نهم تـا هشتم ق.م نامهای‌ایرانی‌در بین اسامی مان‌ناهادیده‌میشود نخستین بار درقرن نهم ق.م ازایشان درسالنامه‌های‌آشوری نام‌برده میشود. پایتخت‌ایشان‌شهر ایزیرتو Izirtu در پنجاه کیلومتری شهر سقز کنونی بوده است . درقرن هشتم ق.م پس از کشور اورارتو ماننا‌ها مقتدرترین حکومت این نواحی را تشکیل میدادند . درقرن هفتم ق.م سکاها باآنان متحدشدند وباآشور بانیپال جنگ کردند ولـی مغلوب وضمیمه‌آشورگشتند وپس‌ازآن‌جزءایالات ماددرآمدند. ودرمیان‌آن‌قوم مستحیل شدند .

دولت مان‌نا ازقرن‌هشتم ق.م بارها باآشور واورارتو به‌ستیز برخاست ودر واقع‌مغلوب هیچیك ازدودولت مزبورنگشت . چون‌هنوز اکثرآثاروشهرهای‌قوم ماننا دردل خاك‌نهفته است لذا آن‌دولت تاکنون‌به‌شهرت عیلام واورارتونرسیده وممکن است بر اثرکشفیات باستانشناسی‌آینده درشهرت به‌پایه‌آنـدوقوم برسد وشاید هم‌فراتررود . منابع‌مورخان امروز درباره قوم‌مان نا همان سالنامه‌های آشوری واورارتوئی‌است دراین‌نوشته‌ها چون‌قلم درکف دشمن‌است همه‌جاسخن از فتوحات‌آشور و اورارتو است .

حکومت ماننا درآغازهزاره‌اول پیش‌ازمیلاد یکی‌از کوچکترین تشکیلات دولتی لولوبی وکوتی‌بود وجدا ازاتحادیه قبایلی که درقرن‌نهم پیش ازمیلاد در نواحی‌جنوب‌غربی پدیدآمده واتحادیه قبایل مادنامیده میشدند – وجود داشت.

---

۱ ـ دیاکونف (م . م) تاریخ ایران باستان ص ۵۱

۲ ـ تاریخ ماد ص ۱۸۷ – ۱۹۸

باید دانست زبان نواحی کنونی آذربایجان و کردستان ایران از قرن نهم تا هفتم ق.م زبانهایی غیر ایرانی بود وساکنان آن نقاط بزبانهای لولوبی و کوتی ومنانی گفتگو میکردند.

سرزمین ماننا از ایالات نیرومند غرب ایران بودکه در قرن هشتم ق.م در شمال عیلام پادشاهانی داشت. این کشور گاهی مستقل و زمانی در تحت حکومت اورارتو یا آشور قرار داشت و نقطه کشمکش های دائمی بین آنان بود، بعضی از ایالات دیگر که در ناحیه شرقی تر از دریاچه اورمیه در کنار سفیدرود، و دره‌های واقع در جنوب وشرق اورمیه قرار گرفته بودند، مانند: زکریکورتو Zikkurtu (ساگارتی)، آندیا اوایشدیش Uishdish، در تحت اطاعت مانایی‌ها قرار داشتند. در زمانیکه مادها به پیشوایی دیااکوو پسرش فرااورتس دولت نیم‌مستقلی را تشکیل داده بودند یعنی در سالهای بین ۷۲۵ و ۷۱۵ قوم، مان‌ها در شمال غرب ایران قصد داشتندکه یك حکومت عظیم مستقلی بوجود آورند ولی با مقاومت آشوریان وهجوم سکاها مصادف شدند.

مردم مانابیشتر به‌دامداری وپرورش گوسفند وگاو واسب وخر وشترهای دوکوهانه میپرداختند. قوم ماننا دارای اراضی پر نعمت بودند چنانکه هنگام لشکرکشی سارگون دوم به‌اورارتو در سال ۷۱۴ ق.م، اهالی ماننا آردوشراب عساکر آشور را تامین کردند. در تورات از نوعی گندم یاد شده بنام «مین نیت» که بعضی آنرا بمعنی مانئائی تعبیر کرده اند.

قوم ماننادر هنرهای دستی نیز استاد بودند چنانکه گنجینه‌ای که بتازگی در زیویه نزدیك سقز کشف شده از چیره دستی هنرمندان آن قوم در کنده کاری برروی آهن حکایت میکند. قوم‌مان‌نا از قبایل چند تشکیل میشدند نوشته‌های کتیبه‌های اورارتوئی نیز مؤید آنست.

برخلاف دیگر کشورهای شرق باستان، مردم‌مان‌نادر حیات اجتماعی بافعالیت تمام شرکت میکردند وحتی به‌شورش‌های دستجمعی علیه امیران جابر خویش برمیخاستند. امیران ماننا غالباً عدالت پیشه بودند. بنا بنوشته سارگون دوم،

شاهماننا. شخصا باتفاق بزرگان و شیوخ و مشاوران و خویشاوندان کشور خود را اداره میکرد.

پادشاهان ماننادارای شورای شیوخ بودند و کشور را با نظر ایشان اداره می کردند. بزرگانی که دراین شورا عضویت داشتند عبارت بودند از پیشوایان و سران محلی وخویشاوندان شاه وفرمانروایان.

کشور ماننا به چند ناحیه تقسیم میشد که بزبان آشوری به آن ناژه Nagé میگفتند: سوریکاش (ناحیه سقز کنونی؟) مشی (بخش علیای رودجغتو)، اوئیدیش Uishdish کرانه شرقی دریاچه اورمیه، آرسیانشی Arsianshi ارشته یانا.

عنوان فرمانروایان یاحکام ماننا درمنابع آشوری شاکنو Shaknu آمده که هریك درراس ایالت یاناژه‌ای قرارداشتند. کدخدایان یادهبانان مانناییبنا به منابع آشوری، هازانو Hazanu خوانده میشدند. فرهنگ وتمدن ماننا چنانکه از اشیاء گنجینه سقز برمی آید درهمان سطح تمدن اورارتو قرار داشت بردگی درآن جامعهٔ تکامل ورونق چندانی نیافته بود.

بظن قوی ازحدود بردگی پدرشاهی وخانگی تجاوز نمی کرد [1]

آشوری‌ها درآذربایجان - دولت آشور بحکم مجاورت با آذربایجان از پایان قرن دهم پیش ازمیلاد شروع بدست اندازی به‌آن سرزمین کرد.

نخستین هدف تهاجم ایشان ایالت زاموا بودکه درآنزمان جزءکشور لولویی بشمار میرفت. آدادنیراری Adadnerari پادشاه آشور (۹۱۱ تا ۸۹۰ ق.م) در ضمن لشکرکشی‌های خودازطرف زاب سفلی تاناحیه زاموآرا درجنوب دریاچه‌اورمیه مورد حمله قرار داد ونواحی کوهستانی شمال غربی زاموآ را که درآن عهد خانجی میخواندند تسخیر کرده، واین تجاوزات درزمان دیگر پادشاهان آشوری ادامه یافت.

درزمان آشور نصیراپال Ashurnasirapal دوم مجدداً دولت آشور بـه آن

۱- تاریخ ماد ص ۲۱۹ - ۲۲۳

نواحی درسالهای ۸۸۳و۸۸۱و۸۸۰ ق.م لشکرکشی کرد از جمله ساکنان سرزمین گیلزان Gilzan درکرانه غربی دریاچه اورمیه به اطاعت درآمده هدایایی تقدیم داشتند .

لولوبیان که دراین‌زمان در ، زاموا ، سکونت داشتند مردم آنسرزمین را متحد کرده به پیشوایی سرداری بنام نورآداد ، Nur–Adad درسال «۸۸۱ ق م» علیه آشور قیام‌کردند ، ولی‌در مقابل لشکر نیرومند آشور نتوانستند مقاومت کنند، ونور–آداد شکست‌خورده به‌کوههای آذربایجان پناه‌برد. آشور نصیراپال تاکوه، نسیر، که بزبان‌لولوبی، کی‌نابا Kinaba ،خوانده‌میشد وآشوریان آنراقرار-گاه‌کشتی نوح‌میدانستند پیش‌راندوسه‌ایالت‌کوچك زاموارا که،داگارا، وموساسینا وکیرتیارا ، نام داشت تسخیر کرد ومردم آن‌را فرمانبردارخود ساخت و غنائمی فراوان ازاسب وسیم وزر بدست‌آورد.

درسال ۸۵۵ ق م‌بارلشکر آشوربفرماندهی‌پادشاه‌آن قوم‌که، سالمانسارسوم (شلم نصر) Shalmaneserنام داشت به زاموا حمله آورد نزدیك دریاچه اورمیه با «نیك دیارا» فرمانروای‌آن‌کشور پیکارکرد ولی ازاین جنگ طرفی برنیست .

سپس آشوریان به‌سرزمین مسی Messi وقسمت علیای رودجغتوحمله‌آورده واز آنجا به سوی‌ناحیه ،آرازیاش Arasiash وخارخار Xar Xar که در آن عهدبه اتحاد قبایل ماد تعلق داشت رهسپار شدند ، منابع‌آشوری برای باراول از این سرزمین‌بنام ، آمادای ، یاد می‌کنند.

سالمانا سارسوم درلشگرکشی‌های خود به‌کشور زاموا درجنوب آن مملکت به‌کشور ، پارسوا ، که درجنوب دریاچه اورمیه قرارداشت حمله‌آورد وازبیست‌و هفت پادشاه‌آن‌کشور کوچك خراج گرفت .

بایددانست‌که کلمه ، پارسوا Parsua در زبان‌اکدی بمعنی خط ومرزاست و درکتیبه‌های آشور نصیراپال محل‌کشور پارسوا درجنوب کشور زاموا یاد شده است . برخلاف عقیده رایج هیچ دلیلی جز مشابهت لفظی در دست نیست که

پارسوا ، ها از اواسط قرن نهم پیش از میلاد از آذربایجان مهاجرت کرده به سرزمین پارس که ۶۰۰ کیلومتر با آن ناحیه فاصله داشته رفته باشند .

مضافا بر اینکه نام اماکن و اشخاص درکشور ، پارسوا ، که در آذربایجان بود ، به هیچوجه ایرانی نیست . مردم ایالت پارسواکه درجنوب غربی دریاچه رضائیه ومجاورت آشور قرار داشت بمرور زمان آشوری شدند ، حتی مدتها بعد بگفته بطلمیوس سرزمین مزبور را « سوری مادی » میخواندند . زیرا یونانیان غالبا آشوریان را سوری می‌نامیدند . در سال ۸۳۷ ق . م، دایان‌آشور از طرف سالماناسار سوم بسرداری لشکری از آشوریان به آذربایجان و نواحی دریاچه اورمیه‌لشکر کشید وسرزمین‌گیلزان‌را درکرانه غربی‌آن دریاچه‌گرفته‌تاولایت، آندیا ، را برمسیر سفلای رود قزل اوزن تسخیرکرد. در بین راه دژکوهستانی، بوشتو ، را در مرزماننا و پارسوا تصرف نمود و سرانجام به کشور زاموا وارد شد .

درسال ۸۲۱ ق. م ، موتاریس‌آشور ، Mutarris - Ashur سردار، شامشی‌اداد پنجم‌به‌آذربایجان تاخت وتابه «دریای برآمدن خورشید»که معلوم نیست‌دریاچه اورمیه ، یا دریای خزر بوده رسید . درسال بعد (۸۲۰ ق . م) شامشی‌اداد‌پنجم‌به کشور ماد لشکر کشید و سرزمین ، پارسوا ، را تسخیرکرده به بخش علیای رود جغتو رفت .

پس‌ازآن آشوریان دژبزرگی‌را در کوهستان ، گیزیل بوندا ، (قافلانکوه) که ناحیه مجاور اورمیه را از سرزمین ماد جدا میکرد بتصرف درآوردند.

درزمان حکومت‌ساموررامات Sammuramat (ملکه‌سیمیرامیس)که به‌نیابت ازکودك صغیرش‌آدادنراری سوم برآشور سلطنت میکرد، آشوریان از سال۸۰۵ ق. م نواحی ماننا و پارسوا وماد آذربایجان لشکر کشیدند .

درسال ۸۰۲ نواحی ماننا و پارسوا وماد آذربایجان را مطیع خود ساختند.

تیگلات پالاسار سوم پادشاه آشور باز در ۷۴۴ ق . م به آذربایجان وماد لشکر کشید و زاموای جنوبی‌را اشغال کرد . قصد ازاین لشکرکشی بیشتربدست آوردن خیل انبوهی از اسبان مادی بود . زیرا سازمان ارتش آشور تجدید شده بود و برای‌عرابه‌های‌جنگی وسواره نظام‌خودکه سابقاازالاغ استفاده میکردنداحتیاج بسیاری به اسب داشتند ، و درآن‌عصر مرکز پـرورش اسب آذربایجان و نقاط کوهستانی ماد بود .

درلشکرکشی‌های تیگلات پالاسار سوم‌که در ۷۳۷ بـه‌کشور ماد روی داد آشوریان مواظب بودند که به جلگه رود جغتو و متصـرفات کشور مانـنا تخطی نکنند . ظاهراً سبب احتیاط ایشان آن بودکه اولا دولت مانـنا درآن‌تاریخ‌مقتدر بود وآشوریان نمی‌خواستند بایك دشمن خطرناك دیگردست وپنجه نرم کنند، دشمنی اورارتو و آرامی‌های دمشق را برای خویشتن‌کافی می‌دانستند. از طرف دیگر ممکن بود که درآن زمان میان آشوریان و مانـنا پیمانی وجود داشته که بنای‌آن اشتراك منافع موقتی ایشان درمبارزه با دولت اورارتو بوده‌است.

درطی دهه دوم قرن هشتم ق . م لشگرکشی‌های آشور بسوی مشرق موقتاً قطع‌شد.

درحدود سال ۷۲۰ ق . م وضع آذربایجان چنین بود:

اراضی ماوراء شمال دریاچه اورمیه درتحت تصرف اورارتو قرارداشت.

تقریبا دیگر قسمتهای آذربایجان‌کنونی ایران‌بطور مستقیم یاغیرمستقیم تحت حکومت ایرانزوا Iranzu پادشاه‌کشور مانـنا بود . ولـی درمرزهـای آن حکومت‌فرمانروایان‌نیمه مستقلی وجود داشتندکه‌برای موجودیت‌مانـنا خطرناك بشمارمیرفتند .

اینان عبارت بودند از حکومت: «اوئیش دیش» (تقریبا در ناحیه مراغـه کنونی) ، و زیکیرتو، (دربین میانه واردبیل) ، آندیا ، دربخش سفلای دره‌قزل اوزن یاسفیدرود، سرزمین دیوك Deyok (درمسیر قزل اوزن‌ـ میان میانه‌وناحیه

شمالی همدان) .

درزمان سارگون دوم دولت آشور ظاهراً بدرخواست «ایرانزو» درسال ۷۱۹ ق . م به‌کمك دولت ماننا آمد . زیرا پادشاهان حکومت‌های اطراف ماننا برضد آن دولت با اورارتو پیمان اتحاد بسته بودند . ایرانزو پیش ازسال ۷۱۶ ق. م در گذشت . پس از وی پسرش آزا Aza به سلطنت رسید .

چیزی نگذشت که فرمانروایان اطراف بگناه آنکه ، آزا ، با سارگون پادشاه آشور عقد اتحاد بسته علیه اوقیام کردند و او را دستگیر کرده گشتند نعش او را در کوه ، اوآئوش Uaush، که سهندکنونی باشد افکندند.

سارگون از شنیدن این‌خبر برآشفته بیدرنگ به‌آذربایجان لشکرکشیده کشندگان«آزا»را دستگیر کرده وآنانرابسزای‌خود رسانید وپسردیگر،ایرانزو، راکه «اولوسونو» Ullusunnu نام داشت برتخت شاهی ماننا نشانید. ولی اولوسونو برخلاف برادر راه مخالفت باآشور راانتخاب‌کرد و باروسا پادشاه اورارتوبرضد آشورمتحد شد . سارگون که هنوز از آذربایجان خارج نشده بود « ایزیرتو » پایتخت‌مانناو دوقلعه‌مهم‌زیبیه Zibie وآرمانیت Armait را تصرف‌کرد.اولوسونو خویشتن را تسلیم نمود و مشمول رأفت سارگون واقع‌گردید.

درباره دوقلعه زیبیه وآرمائیت باید گفت‌که اکنون چنانکه در پیش گفتیم محل زیبیه (زیویه) معلوم شده وآثاری نیز ازآن بدست آمده است ، و آن در ۲۴کیلومتری جنوب سقز برسرراه سقز ـ سنندج قرار دارد . نزدیك‌نقطه‌مزبور دهکده‌ای بنام صاحب وجوددارد‌که مسیوگدارآن را باآرمائیت یکی‌میداندوتپه نزدیك«قپلانتو» را که در۵کیلومتری جنوب زیویه قرار دارد همان ، ایزیرتو، میشمارد .

سارگون سپس به‌تعقیب روسای اول پادشاه اورارتو پرداخته وزیکیرتوریا (بین اردبیل ومیانه) واوئیشدیش (درمحل‌مراغه)راکه‌ازطرف اورارتو اشغال شده

و نوردیده و بسوی شمال در را اورمیه دریاچه شرقی کرانه سپس . کرد تسخیر بود قلعه که را تبریز نزدیکی در سهند دامنه در کنونی اسکوی «Ush kaya» اوشکایا درآورد بتصرف بود شده ساخته دوم ساردوری عهد در ظاهراً و بود اورارتو مرزی خانه‌های و کنند خراب داشت ضخامت متر چهار که آنرا دیوارهای داد فرمان و . زنند آتش را مردم

سپس آشوریان قلعه، آنیاشتانیا Anyashtania و اصطبل‌های آنرا با اسبان ذخیره ارتش اورارتو و هفده دهکده پیرامون آنرا که در گوشه شمال شرقی دریاچه اورمیه بود خراب کردند.

تسخیر قلعه تبریز- آنگاه قلعه مضاعف «تاروئی تارماکیس Tarui-Tarmakis در سرزمین قبیله دالیان که تبریز کنونی باشد و احتمالا نام تبریز از جزء اول آن یعنی، تاروئی، آمده تسخیر کردند این قلعه را که پایگاه اسبان ذخیره سواران اورارتو بود ویران ساختند. پس از آن از مرندو خوی گذشته و، سانگی بوتو، را نزدیك خوی گرفته بعد از تسخیر شهر «اولخو» از طریق گردنه، قوتور، (قطور» و اردخاك اصلی اورارتو شدند. بنابه یکی از الواح آشوری، سارگون ۲۲ قلعه‌ای را که درسال ۷۱۶ ق.م از اورارتو پس گرفته بود به، اولوسونو، شاهماننا داد. با اینکه اولوسونو، شاه ماننا متحد آشور بود ولی در این هنگام استقلال بیشتری یافته و دولت مقتدری بشمار میرفت و از سال ۷۱۳ دیگر خراجی به آشور نمیداد وحتی گاهی را به اراضی سرحدی آشور دست اندازی میکرد[1]

قوم اورارتو در آذربایجان - مردم اورارتو یا آرارات قومی بودند که از سده نهم تا هفتم پیش از میلاد مسیح در ارمنستان کنونی و قسمتی از آناطولی (شرقی) و آذربایجان و قفقاز سلطنت داشتند. قلمرو دولت ایشان از مشرق به مغرب حوضه رودکور اوارس تا ملتقای دو شعبه از رود فرات و از شمال به جنوب سرزمینهای بین دریاچه گوکچه و اورمیه بود. و در یاچه وان درمیان کشور اورارتو

۱- تاریخ ماد ص ۱۹۸ – ۲۱۵ ، ۲۴۵ - ۲۷۳

قرارداشت مردم اورارتو برخلاف آشوریان قومی آبادگر و سازنده بودند و در احداث قنوات وحفر نهرها وکشاورزی، وتبدیل زمین‌های بایربدایرسخت چیره دست‌بودند. بعلاوه آنان ازفلزکاران ماهر دنیای قدیم بشمارمیرفتند. نژادایشان معلوم نیست،زبان آنان نه‌سامی بود و نه‌هند واروپائی، بلکه ازانواع‌زبانهای آسیانی یعنی قفقازی بشمارمیرفت وخط آنان میخی وشبیه خطوط‌هیتی و آشوری‌است.[۱]

اورارتوها ازطرفی باقوم ماننا وازسوی دیگر باآشوریان درجنگ وستیز بودند آرگیشتی Argishti پادشاه اورارتو درسال ۷۷۵ ق‌م شهر، بوشتو، و در۷۷۱ ق،م نواحی‌چندی رادرمشرق دریاچه اورمیه ودر۷۶۸ق.م «شهرشاهی» و «شمیری خادیری» راکه ازشهرهای ماننا بود تسخیرکرد.

درسال ۷۴۴ق. م ساردوری Sarduri دوم پادشاه‌مقتدر اورارتو پس‌ازاشغال دژ«داربو» درکرانه دریاچه‌اورمیه‌آن‌سرزمین را به‌خاک‌خویش ضمیمه کرد.

درقرن هشتم‌ق.م مادهنوز برای مبارزه بادشمنی‌خطرناک چون‌آشور متحد وآماده‌نبود، تهاجم‌اورارتو منجر بایجادحایلی ـ که ازدریاچه اورمیه‌تادره‌دیاله وگاهی تاسرحد عیلام ممتد بود ـ میان‌آشور ومادگشت، وبدین‌سبب ماد ازاینکه تحت انقیادآشوردرآید نجات‌یافت. چون خود اوراتوها ازلحاظ‌اقوام‌مادبصورت بزرگترین خطر درآمدند، مبارزه‌آزادی طلبانه ماننا که قبایل مجاوردریاچه اورمیه را باخود متحدکرده بود این خطر جدید را ازقبایل جنوب و مشرق دور کرد. شکست ساردوری دوم پادشاه اوراتو بدست، تیگلات پالاسار، دولت ماننا را که در آن زمان متحد آشور بود در رأس سرزمین‌کنونـی آذربایجان ایران قرار داد.

درنتیجه در دهه سوم و دوم قرن هشتم ق. م کشور ماننا شامل تمام خطه جنوبی دریاچه اورمیه و بخش مهمی از دره رود قزل اوزن و نواحی جنوب آن

۱- دکتر مشکور: تاریخ اورارتو ص ۶.

و کرانه شرقی اورمیه تاخط مقسم‌المیاه بین‌اورمیه وارس بود[1] .

سارگون دوم پادشاه آشور در ۷۱۳ ق م شکست‌سختی به روسای اول‌پادشاه اورارتو درآذربایجان داد ، بازماننا دراین زمان باوج قدرت خود رسید.

ازمطالعه متن‌گرارش سارگون در الواح خود این نکته به‌چشم میخورد که ماننا و شایدنواحی شمالی‌تر مجاور اورمیه‌که بیشتر تحت حکومت اورارتو قرار داشتند یعنی آذربایجان‌کنونی‌ایران ، ازلحاظ پیشرفت اقتصادی ازبیشتراراضی ماد شرقی پیشتر بودند. باید دانست‌که سیطره‌نظامی دولت اورارتو درآذربایجان از رقیب خود آشور ملایم‌تر و انسانی‌تر بود . زیرا آشوریان درترقی تولیدات کشاورزی نواحی مسخر شده کمتر ذینفع بودند بلکه درخرابی آن اراضی میکوشیدند،بعکس‌حکومت اورارتو بعد ازتصرف‌سرزمینی به پیشرفت‌نیروهای تولیدی محل،کومك فوق‌العاده مبذول میداشتند.

بطوریکه‌الواح سارگون حکایت میکند دراین نواحی ازلحاظ‌کشاورزی و تأسیسات اقتصادی‌ثروت زیادی وجود داشت و دهکده‌های ناحیه «سانگی‌بوتو»در شمال دریاچه اورمیه سرسبز وپرنعمت بود[2] .

آثار اورارتو در آذربایجان ـ تاکنون راجع به آثار اورارتوکاوش و تحقیقات منظمی درآذربایجان‌نشده و اتفاقاً‌سنگنبشته‌هایی چنداز آن قوم‌بدست آمده که فهرست آنها بقرار زیر است:

۱ ـ سنگنبشته‌ای بخط اورارتی در ده سطر که نگارنده آنرا در ۱۳۳۰ شمسی درسقین دل‌ازمحال ازومدل درپنج‌کیلومتری‌شرقی قصبه ورزقان ازتوابع اهر برکوهی بنام زاغی‌کشف کرده است . این‌کتیبه بنا به‌قرائت ملیکشیویلی Melikshivili ازساردوری (سردوری)پسر آرگیشتی(۷۳۵ـ ۷۵۳ ق.م) است‌وترجمه

۱ـ تاریخ ماد ص ۲۱۵ – ۲۱۹

۲ـ تاریخ ماد ص ۲۷۴

آن ازاینقرار است :

۱ ـ عرابه جنگی (خدای) خالدی براه افتاد

۲ـ آن به‌کادیااونی Kadiauni پادشاه (کشور)پولوآدی puluadi حمله‌کرد.

۳ ـ (پولوآدی) ناحیه‌ای‌کوهستانی است بیاری خالدی توانا.

۴ ـ درعرابه جنگ نیرومند خالدی ، این لشکر کشی (توسط).

۵ ـ ساردوری پسر آرگیشتی صورت‌گرفت.

۶ ـ ساردوری گوید . من بیست‌ویك قلعه راگرفتم

۷ ـ من دریك روز چهل وپنج (یاچهل وچهار) شهر را تصرف کردم لیب‌ـ لی‌اونی Libliuni

۸ ـ شهر پادشاه (شهرشاهی) و شهرمستحکم را درجنگ‌گرفتم

۹ ـ ساردوری شاه مقتدر ، شاه بزرگ

۱۰ ـ شاه‌کشورها، شاه مملکت بیاای‌نی Biaini (اورارتو) و فرمانروای‌شهر توشپا Tushpa (کارمیر بلورکنونی نزدیك ایروان)[۱]

۲ ـ **سنگنبشته دیگر** در ده بسطام از دهستان چایپاربخش قره ضیاءالدین ازتوابع شهرخوی‌که در دوکیلومتری جاده شوسه خوی قره ضیاءالدین قراردارد بخط وزبان اورارتو در شانزده سطر پیدا شده که اکنون در موزه ایران باستان نگاهداری میشود. این سنگنبشته بفرمان روسای دوم‌پسر آرگیشتی‌دوم (۶۴۶ ـ ۶۸۰) نوشته شده و ترجمه آن از این قرار است :

روسا پسر آرگیشتی ابن معبد بلند را بـرای خـالدی خدای (اورارتو) برپاکرد .

به نیروی خالدی ، روسا پسر آرگیشتی سخن میگوید . این سرزمین‌خالی بود وچیزی دراینجا برپا نشده بود همانطورکه خالدی بمن فرمان داده است من دراینجا بناساختم، واین‌جای را شهرروسا نامیدم . روسا پسر آرگیشی‌گوید:کسی

۱ـ دکتر مشکور : تاریخ اورارتو ص ۵۴ ـ ۷۳

که این سنگنبشته را منهدم کند وبآن زیان رساند یاآنرا بشکند خالدی خدای
(اورارتو) او را بوسیله خدای هوا و خدای آفتاب و خدایان دیگر برخواهد
انداخت و در زیر آفتاب نامی ازخود نگاه نتواند داشت.

منم روسا پسر آرگیشتی شاه نیرومند، شاه کشورها. شاه کشور بیا ای‌نی
(اورارتو) شاه‌شاهان، سرور شهر توشپا.[1]

۳- **سنگنبشته رازلیق** - این سنگنبشته در کوه زاغان درحدود دوازده
کیلومتری شمال سراب درناحیه رازلیق از دهستانهای ششگانه بخش سراب پیدا
شده‌که ازشمال به‌کوه سبلان و ازجنوب به دهستان هریس و ازمشرق به‌آغمیون
و از مغرب به ینگچه محدوداست، وآن بفرمان آرگیشتی دوم پسر روسا(۶۸۰-
۷۱۳ ق. م) پادشاه اورارتو نوشته شده و دارای شانزده سطر است و ترجمه آن
اینست:

به حول وقوه خالدی، آرگیشتی روساهینی می‌گوید:

من به سرزمین «آرهو» لشکر کشیدم. من سرزمین اوشولو، و سر زمین
«بوقو» را تسخیر کردم.

من تا کناررودخانه «مونا» رسیدم واز آنجا بازگشتم. من‌سرزمین‌گیردو،و
گیتوهانی، وتوایشدو، را تسخیرکردم، شهر «روتومنی» را من‌گرفتم.

سرزمینهایی راکه من تسخیرکردم تحت باج خود قراردادم این قلعه‌ها را
که من بزورگرفتم دوباره برقرارساختم. من آنرا، آرگیشتی‌ایردو Argishti-irdu
(یعنی رعیت آرگیشتی) نامیدم، بخاطر تقویت بیا ای نی (اورارتو)، برای
مطیع ساختن سرزمین‌های دشمن، به‌حول وعظمت خالدی و آرگیشتی سترگ،
شاه، شاه جهان، شاه‌شاهان، خداوندگارشهرتوشپا.

آرگیشتی میگوید: هر کس نام مرا محوکند یا به این کتیبه خسارتی
وارد بیاورد امیدوارم خدایان: خالدی، ته ای شه با Te ishe ba شیوای نی

---

۱ - دکتر مشکور: تاریخ اورارتو ص ۷۴ - ۷۹

Shiuini او را از زیر خورشید براندازند .

۴ـ سنگنبشته نشتیبان نشتیبان Nashtiban که دردره‌قرا کوه‌ازدامنه‌های کوه سبلان نزدیك به سراب پیدا شده دردوازده سطر ونیزمربوط به آرگیشتی پسر روسا است . ترجمه‌آن چنین است :

به‌حول وقوه خالدی ،آرگیشتی‌روساهینی می‌گوید. من‌سرزمینها راتسخیر کردم... من تاکنار رودخانه مونارسیدم وازآنجاباز گشتم. من‌سرزمینهای،گیردو، گیتوهانی ، توایشدو ، وشهر ۰۰۰۰ را تسخیر کردم وزیرباج خود قرار دادم . آرگیشتی میگوید : هرآن‌کس این‌کتیبه را خراب‌کند ۰۰۰۰» چند کلمه‌ای از آخر این سنگنبشته افتاده است که بجای آن نقطه‌گذارده شد . [۱]

۵ـ سنگنبشته داش تپه ـ درجنوب دریاچه رضائیه نزدیك تاش‌تپه (داش تپه) در نوزده کیلومتری غربی میاندوآب سنگنبشته‌ای بزبان اورار توئی یافت شده‌است . دوقطعه بزرگ ازاین‌کتیبه را مستر فابر W . faber از آن‌محل‌به‌موزه بریتانیا انتقال داده ودوقطعه دیگر هنوزدرجای خود باقی است این سنگنبشته را مربوط به‌عصرمنوا دانسته‌اند .

۶ ـ سنگنبشته کیلی‌شین Kilishin درمحلی بنام کیلی‌شین درجنوب غربی اشنویه در جاده رواندوزیك سنگ یادگار بارتفاع یکمتر وهفتاد سانت دیـده میشود که نوشته‌ای به‌دوزبان آشوری واورارتوئی روی‌آن کنده شده ومتعلق به قرن هشتم پیش ازمیلاد است . درطرف مشرق این‌سنگ یك متن اورارتوئی به فرمان ایشپواینی Ishpuini « ۸۲۸ـ ۸۱۰ق‌م » نوشته شد که درطرف مغرب آن همان متن بزبان آشوری است .

این پادشاه برادرش منوا Menua را درسلطنت‌باخودشریك‌کرد ونام‌هردوی ایشان‌درآن‌کتیبه مسطوراست ونوشته‌شده، خدای‌خالدی‌که ربنوع‌خاص اورارتو

---

۱ ـ دکتر مشکور : دوسنگنبشته اورارتی از آذربایجان مجله راهنمای کتاب سال ۱۳۴۵ شماره ششم

این سنگ را مغلوب آنان ساخته است. بود ، هربار بیاری آندو آمده ودشمنان را شولتز Schultz پیداکرد ولی راولینسون نخستین بارگزارشی راجع بآن منتشر نمود . سپس در ۱۸۸۸ دمورگان از آن نسخه برداشت و در ۱۸۹۸ لمان هوپت haupt - Lehman وبلك W. Belck آنراتحت مطالعه قراردادند . بهترین ترجمه آن توسط مینورسکی V. Minorsky انجام گرفت واخیراً در ۱۹۵۱ اصل وترجمه آن توسط کامرون G. Cameron انتشار یافته است[۱] .

سرانجام اورارتو ـ پس از غلبه مادها بـر آشور درسال ۶۰۶ ق.م میلاد بتدریج مانناها ازعرصه‌تاریخ‌محوشده وباماد‌هاممزوج ومخلوط‌گردیدند. سرزمین اورارتو جزء استانهای ماد در آمد . ارمنی‌ها که ازآسیای صغیر بـه آن ناحیه مهاجرت کرده بودند بجای اورارتوها نشسته وبا آنان درآمیختند وازآن‌تاریخ ببعد سرزمین اورارتو بنام ارمنستان خوانده شد .

باید دانست‌که درپایان قرن نهم وآغاز قرن‌هشتم قبل از میـلاد اهالـی امپراطوری اورارتو تنها مشتمل برنژاد اورارتو نبوده‌اند بلکه لااقل از چهار عنصر نژادی بدینقرار تشکیل میشده‌اند:

اوراتوها ، هوریان ، که با ایشان قرابت داشتند، ایبری‌ها (گرجیان) ، و ارمنان (ارمنیها) .

بقول هرودت اقوام فوق ،آلارودیان ، ماتیه نیان (میتانیان) ساسپیریان ، ارمنیان ، نامیده میشدند . محتمل است تادوسه‌قرن‌بعدهم ترکیب نژادی‌ساکنان آنجاهمین‌گونه بوده‌باشد[۲]

میتانیها ـ میتانیها قومی‌بودند که باهوریهای سابق‌الذکر قرابت‌داشته و در حوالی ۱۵۰۰ ق . م به تاسیس‌دولتی عظیم‌که ازدریای مدیترانه تـا کوههای غربی آذربایجان و زاگرس امتداد داشت توفیق یافتند ، آنان در ۱۲۰۰ ق . م

۱ـ لوئی واندنبرگ : باستانشناسی ایران ص ۱۱۸
۲ـ تاریخ ماد ۲۸۲

به‌شمال بین‌النهرین آمده ودر آنجا به‌تشکیل دولتی پرداختند . پایتخت اولیه ایشان شهر واشوگانی Vashugann[i] واقع درمحل رأس عین (در خابور) امروز بود . سپس مرکز مهم ایشان به‌شهراریها Arrapha در کرکوك وکردستان عراق انتقال یافت . آثاری از ایشان در نوزو Nuzu در محل یلقان تپه Yalghan-tépé یا یورغان تپه Yorghan-tépé در پنج میلی مشرق کرکوك پیداشده که از لحاظ تاریخ قدیم خاور میانه بسیارقابل اهمیت‌است. هروزنی میتانی هارادر مقابل هوری ها که مردم غیر هند واروپائی بودند ، قبایل اشرافی آریایی دانسته که نام میتانو Mitannu داشتند. وی‌عقیده داردکه‌شکل‌اصلی‌نام‌این‌قوم درکتیبه‌ها اوم‌مان ماندا Ummân-Manda بوده‌که بمعنی ، مردم خانه‌بدوش، می باشد و کلمه ، مدا ، Mada یا مدایا، Madaya که به‌معنی قوم ماداست نیز مشتق ازاین نام است ،که بمعنی، قوم خانه بدوش وصحرا گرد ، میباشد . هروزنی معتقداست که نام اصلی آریایی میتانی ها، ماریان‌نی Mariyanni بوده‌که‌از نام‌ودائی«ماریا» Maria بمعنی‌جوانمرد وپهلوان گرفته شده‌است . نام‌میتانیها در کتاب تورات بزبان عبـری « میدیان » Midyân آمده که در قرآن «مدین» شده است .پادشاهان میتانی نامهای هند و ایرانی داشتند . نام‌خدایان این قوم درکتیبه‌ای‌که از قرن پانزدهم ق.م در بغاز کوی Boghazkeui درآسیای صغیر پیداشده و راجع به پیمانی بین آنان و هیتی‌ها می‌باشد هند وایرانی است . نام‌آن‌خدایان درآن کتیبه بزبان میتانی چنین‌آمده است . میتراش‌شیل Mitrashshil آروناش‌شیل Arunashshil ایندرا Indara ناشت تین‌نه، Nashatiyanna ، که میترا Mitra، وارونا Varuna،ایندرا،وناسیتا Nâsatiyta خدایان‌معروف‌ودائی‌باشند . چون میتانی ها قومی سواره گاربودنددراین‌معاهده موضوع تکثیر نسل اسب‌نیز مطرح شده است .

میتانی‌ها درنزد مصریان قدیم بنام«نهارین» معروف بودند . مشهور ترین پادشاهان میتانی توشراتا Tushrata نام‌داشت که نوشته‌هایی از او خطاب به آمن هوتپ Amenhotep سوم (درگذشته در ۱۳۷۵ ق.م) وآمن هوتپ چهارم (درگذشته

در ۱۳۵۸ ق.م) از پادشاهان مصر در تل العمارنه بدست آمده است .

این نوشته‌ها بزبان وخط اکدی است واین زبان در آن عصر زبان رسمی میتانی بوده‌است. سرانجام دولت میتانی بدست پادشاه آشوری ادادنیراری (۱۳۰۴-۱۳۷۳ ق.م) وجانشین اوشلمانصر اول منقرض شده ضمیمه آشور گشت[1] .

سکائیان ـ در قرن هشتم و هفتم پیش از میلاد عامل سیاسی جدیدی در آسیای مقدم پدید آمد که تعادل قوا را در آن ناحیه دیگرگون ساخت . این عامل نوین قبایل اسب سوار وصحرانشین کیمیریان و تریان Trers وسکاها بودند که از کرانه شمالی دریای سیاه کوچ کرده در آسیای غربی نفوذ نمودند. این اقوام با آنکه هریك از قبایل مختلف تشکیل میشدند ودر مناطق دوراز هم زندگانی میکردند، ولی چون اصولا از نژاد آریایی بودند، ایرانیان همه آنان را بنام سکائی میخواندند، ولی بابلیان آنان راه گیسی ری (کیمری) ویونانیان ایشان را «اسکیت» مینامیدند. بنا به بعضی مدارك آشوری کیمریان ازقرن هشتم ق.م در آذربایجان اقامت داشته واز سرزمین قفقاز بآن ناحیه هجوم آورده بودند .

مادها سرزمین اصلی سکاها را «ساکاسنا» یا «ساکا- شایانـا» یعنی «سرزمین زیستن سکاها» میخواندند. دانشمندان این سرزمین را میان رودکورا وناحیه شمالی گنجه (کیروف آباد) واراضی اطراف دریاچه اورمیه، ودرجنوب رود ارس جستجو میکنند باستانشناسان در «مینگه چائور» درجمهوری شوروی آذربایجان قبرستان وسیعی رایافته‌اند ودر آنجا پیکانها وتیرها وظروف سفالین زیادی درکنار اسکلتها مردمی بلند قامت پیداکرده‌اند که حدس میزنند آن گورها و اشیاء درون آنها از سکاها باشد .

در منابع آشوری مربوط بزمان آسارحادون ، ازجنگ بین آشوریها وسکاها که نام ایشان در آنجا ، ایشکوزا، آمده یادشده ومینویسد که، ایشپاکای (اسپاکا) پادشاه آن قوم که متحد باماننا بوده بقتل رسیده است . از قرائن تاریخی معلوم میشود

1.B. Hrozny. Histoire De L'Asie Anterieure, Index. Mitanni P. 339, paris 1947.

که‌قتل وی در ۶۷۳ ق.م روی‌داده است .

درمنابع آشوری صریحا محل سلطنت « ایشکوزاها » در آذربایجان آمده است. پس از ایشپاکا ، جانشین او «پارتاتوآ » باگرفتن دختر آسارحادون باآشور صلح میکند ومتحدآن دولت میشود . بنا به‌اشاراتی که درکتاب ارمیای نبی شده هنوز در دهه نهم قرن ششم ق.م دولت قوم سکایی درآذربایجان وجود داشته و این‌را نیزهرودت تأیید میکند ومینویسدکه بخاطر ایشان میان ماد ولیـدی در ۵۹۰ ق.م جنگ درگرفت .[۱]

هرودت تاریخ حملات سکاییان‌را مرتبط بادورهٔ سلطنت‌کیاکزار(هوخشتره) پادشاه بزرگ ماد میداند (۶۲۵ـ ۵۷۵ ق.م) و مینویسد هنگامیکه کیاکزار به محاصره نینوا پایتخت آشوراشتغال‌داشت لشکرانبوه‌سکاییان بسرکردگی مادیس Madyés پسرپارتاتوا Partataua که ذکراو درپیش‌گذشت بدنبال کیمریان که به وسیله خود آنان از اروپا رانده شده بودند به‌آسیا هجوم‌آوردند وبه‌آذربایجان درآمدند و۲۸ سال ماد را دراشغال‌داشتند . بقول‌هرودت پس‌از۲۸ سال‌فرمانروایی سکاییان برماد،کیاکزار شبی پیشوایان آنان‌را به‌مجلس بزمی‌دعوت کرد وآنانرا مست‌کرده بکشت وسپس دیگر سکاها را قتل عام‌کرد ویامغلوب خود ساخت[۲] . ازاین تاریخ حکومت سکایی جزوکشور ماد شد ومادها ازدادن‌خراج بآنان‌نجات یافتند ، معهذا بخشی ازسکاییان و « اورتوکوریبانتی » Ortokoribant (یعنی تیز خودان) تا پایان قرن ششم وآغازقرن پنجم ق.م درحدود قلمروامپراطوری ماد باقی ماندند و سرانجام با دیگراهالی آذربایجان شمالی ممزوج‌گشتند[۳] .

گنجینهٔ زیویه ـ درسال ۱۹۴۷ م درنزدیکی شهر سقز در محل ایـزیرتـو Izirtu پایتخت قدیم مردم‌ماننا گنجینه‌ای پیدا شد که آنرا به‌هنر سکانی نسبت

۱ـ تاریخ ماد ص ۲۸۵ - ۳۶۱

۲ـ دیاکونف (م م) تاریخ ایرانیان باستان ص ۷۵ - ۷۹

۳ـ تاریخ ماد ص ۳۶۰ ـ ۳۶۱

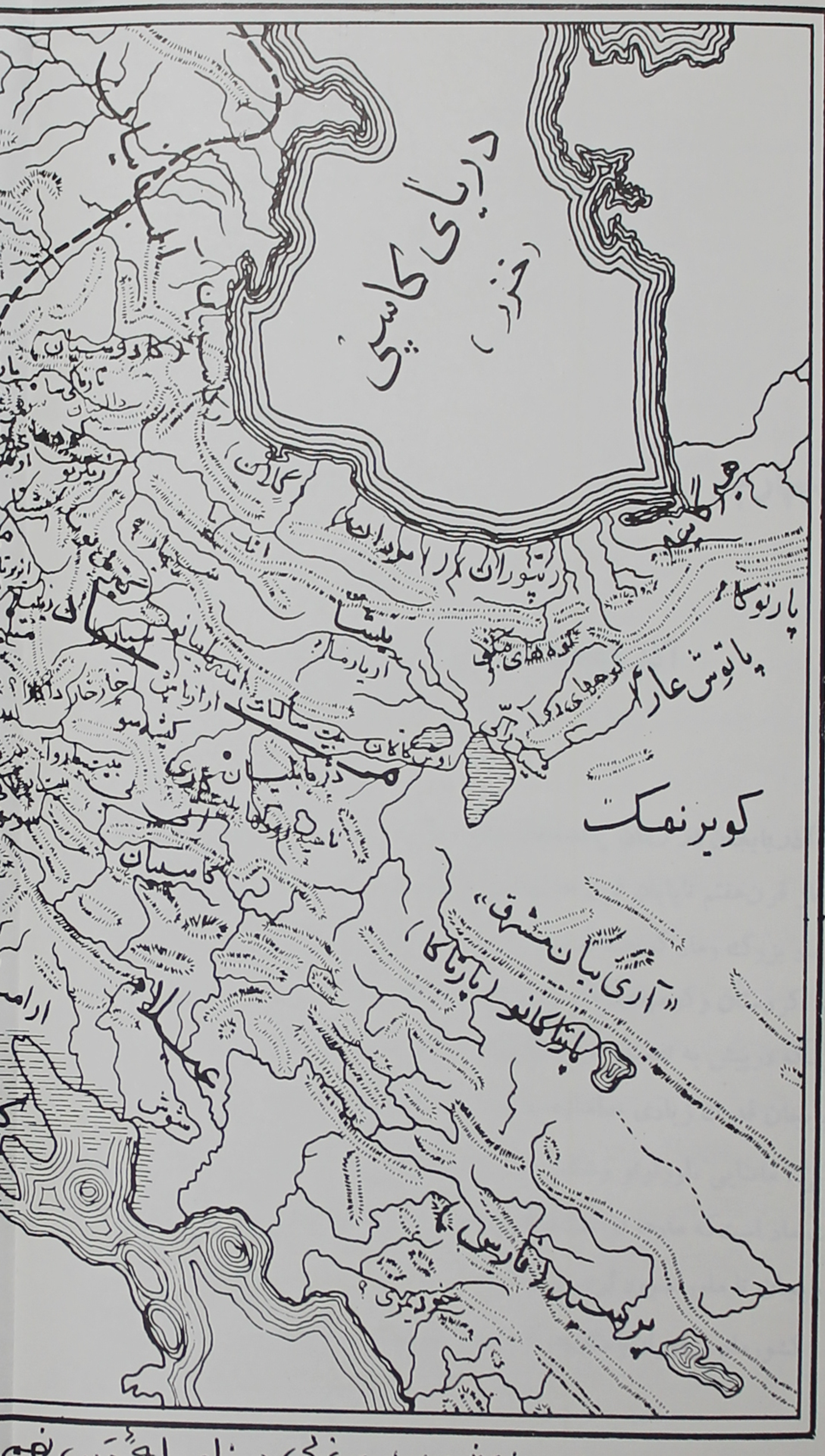
ماننا

میدهند. ماننا ها در حدود ۶۵۹ ـ ۶۶۰ ق م از سکاها شکست خوردند و در کشور ماننا استقرار یافتند. سپس در جنوب دریاچه اورمیه کشوری بوجود آوردند که گاهی متحد و زمانی تابع مادمی‌شد. این گنجینه قبری است از یك شاه نیرومند سکایی که بنا بر رسوم آن قوم بخاك سپرده شده است.

گیرشمن در کتاب هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی فصل مشبعی نگاشته است. سکائیان ابتدا جسدشاه را با ادویه انباشته، و آنرا در گردونه ای قرار می‌داده از قبیله‌ای به‌قبیلهٔ دیگر می برده‌اند. بالاخره آنرا در قبری که مانند اطاقی کوچك ساخته شده بود وسقفی داشت روی تختی می‌خوابانیدند. معمولا در چنین مواردی یکی از همسران شاه را خفه کرده در کنار او دفن میکردند و نیز حواشی وخدمه اورا باوی بخاك میسپردند. قطعاتی از تابوت برنزی که همراه این گنجینه بوده نشان میدهد که این محل آرامگاهی بوده است. اشیاء زرینی مانند سینه‌بند وغلاف مرصع شمشیری و بعض زیور آلات زنانه و طلا آلات فراوان و سلاحهای از طلا و نقره وسپرهای نقره وسنجاق‌های طلا در آن آرامگاه بدست آمده است. دراین اشیاء تأثیر هنر اورارتوئی نمایان است. دربین این اشیاء تعداد زیادی ظروف فلزی یاسنگی وسفالین نیز بوده که فقط چندعدد آن بدست‌ما رسیده است. بعلاوه مقداری از اشیاء از عاج ونقره بدست آمده که در خمره‌های سفالین بخاك سپرده شده است بعضی از این اشیاء تحت‌تأثیر هنر آشور و برخی تحت تأثیر صنعت مردم دره‌های زاگرس قرار گرفته است.[۱]

---

۱ ـ گیرشمن: هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی ص ۹۸ ـ ۱۲۵؛ گدار هنر ایران ص ۸۶



نقشهٔ ایران غربی در فاصلهٔ قرن نهم

فصل چهارم

آذربایجان در پیش از اسلام

آذربایجان در زمان پادشاهان ماد – مادها قومی بودند آریایی نژاد که در آغاز قرن‌هفتم تاپایان قرن هشتم ق.م دولت ماد راتأسیس کردند. کشور ماد رابه ماد بزرگ وماد کوچك قسمت‌کرده‌اند. مادبزرگ شامل ری وعراق عجم تا حدود کردستان وکوههای زاگرس میشد. مادکوچك شامل آذربایجان میگشت. بطوریکه درپیش به تفصیل شرح دادیم تا اواخر قرن هفتم پیش از میلاد در آذربایجان قدرت زیادی نداشتند بلکه حکومت آن‌ناحیه بیشتر در دست اقوام لولوبی، ماننایی، اورارتو وسکایی بود. از سال ۶۱۲ ق.م یعنی سال سقوط آشور بدست ماد است‌که مادها توانستند قدرت خودرا برتمام قسمتهای ایران و بویژه آذربایجان تا ماوراء رود ارس بسط دهند.

کشورماد دردوران‌باستان‌هرگزواحد استوار ولایتغیری نبوده‌است. درآغاز

اتحادیه‌ای بود از قبایل، و سپس دستگاهی نظامی و اداری که قبایل و کشور های گوناگون را متحد میساخت و آنگاه موقتاً در مجموعه نظامی واداری و سازمانی که هخامنشیان پدیدآورده بودند مستحیل‌شده، درپایان قرن چهارم پیش ازمیلاد چنانکه گفتم به دوبخش تجزیه گشت، یکی «مادآتروپاتن» (ماد کوچك وآذربایجان) ودیگر «ماد سفلی» (مادبزرگ). این‌دوماد بااینکه‌تقریبا ازیك‌نژاد بودند ولی هریك سرنوشت دیگری داشتند وغالباً درطول تاریخ دو واحدمتمایز بشمار میرفتند.

درپیش ازتأسیس دولت‌ماد حتی تایك قرن بعد ازآن درماد آتروپاتن (آذربایجان) زبان واحدی وجود نداشت. زبان مادی ایرانی هنوز یك زبان قبیله‌ای بود، وفقط‌یکی اززبانهای محلی ماد بخصوص مادشرقی بشمارمیرفت[1]. مرکز اقتصادی وفرهنگی امپراطوری ماد مانناى پیشین (آذربایجان قرون بعد) بود، این ناحیه ازدیگرنواحی‌ازلحاظ اقتصادی پررونق‌تربود ودرآن بارورترین کشتزارها وتاکستانها وبیشه‌ها وجود داشت.[2]

شلمانصر ظاهراً نخستین پادشاه‌آشوری‌است‌که به‌کرانه‌های‌کشور ماد رسیده است (۸۳۴ق م). شمسی‌اداد‌پنجم(۸۲۱_۸۲۰) بدرون‌مادراه‌یافت. وپس‌ازاو اداد_نیراری سوم(۸۱۰_۸۷۲ق.م) چندبار به‌مادلشکر کشید ولی‌این‌لشکر کشی‌هاغالباً به‌ماد بزرگ بوده ومادکوچك یعنی‌آذربایجان درآن زمان دردست قوم ماننا و اقوام دیگر غیرآریایی‌بوده‌است.

درسال ۶۵۹ ق م مادها بفکر مقاومت در برابر آشور افتادند. در آنزمان آخسری پادشاه ماننا باتکای‌آنان باآشور واردنبردشد ولی‌ازدولت‌آشور شکست خورد وآشوری‌هاشهر ایزیرتوپایتخت مانتارا اشغال‌کردند. آشوربانی پال پادشاه

۱_ تاریخ ماد ص۹۲

۲_ تاریخ مادص۳۹۷

آشور قبایل مادی راشکست داده وهفتاد وپنج ده ایشان را ویران ساخت.

درسال‌های بین۷۱۵و۶۲۵ ق.م‌که مقارن باسلطنت دیااوکو(دیوکس) یا فره ورتیش است دولت ماد درحال توسعه بود، ومادها باپادشاهان کوچك ونیم‌مستقل مبارزاتی راآغازنموده بودند. قوم‌ماننا درآذربایجان و شمال غرب ایران قصد داشتند که‌یك‌حکومت عظیم ومستقلی بوجود آورند وآشور در برابر این امر مقاومت بخرج میداد وسکاییان هم به‌حملات خود به‌آذربایجان و ایران ادامه میدادند.

درزمان پادشاهی هوخ شتره (کیاکسار)۶۳۳ـ۵۵۸ ق.م‌سکاها به‌آذربایجان حمله‌کردند و۲۸ سال‌حکومت‌آن سرزمین در دست آنان بود. چنانکه در پیش گفتیم هوخ‌شتره پس ازاین مدت طولانی باتدبیری رؤسای‌آنان را مست کرده و بکشت‌وسکاها را از آذربایجان‌براند.

پس‌ازاین موفقیت دولت مادباکمك نبوپولاس سارفرمانروای بابل توانست شهر نینوا پایتخت‌آشور راگرفته ،آن دولت عظیم را ازصفحه روزگار براندازد (۶۱۲ق.م). سپس‌هوخ شتره به کشور لیدی‌لشگرکشید. بقول‌هرودت جنگ وی بالیدی برسرسکاییانی بودکه برای نجات‌خود از دست کیاکسار که آنان را در همه‌جاتعقیب‌میکرد وبه‌کشور لیدیه پناه‌برده‌بودند. در۲۸ ماه مه۵۸۵ق.م برائر پدیدآمدن کسوفی‌که باعث‌وحشت‌طرفین ازخشم خدایان شده بود این جنگ به میانجیگری پادشاهان بابل وکیلیکیه بصلح انجامید وچیزی نگذشت که پادشاه بزرگ مادنیزدر گذشت. چنانکه‌گفتیم قبل‌ازاین‌جنگ‌هوخ‌شتره تمام‌آذربایجان وحتی ارمنستان واوراتورا ضمیمه خاك‌خودساخته بود.

ازاین تاریخ ببعد درمنابع‌آشوری ویونانی‌خبری از اقدامات دولت‌ماد در آذربایجان‌نیامده، فی‌الجمله همینقدرمعلوم میشودکه تاپایان حکومت‌آن دولت

آذربایجان یا مادکوچك از ایالات مهم کشور ماد بوده‌است[۱] . درجنوب دریاچه رضائیه نزدیك تاش‌تپه (داش‌تپه) در محلی موسوم به فخر آگاه دخمه‌ای دیده میشود . این دخمه یاآرامگـاه را راولینسون در ۱۸۳۸ م ، و هـوتوم شیندلر Houtum Schindler در ۱۸۸۲، و دمورگان در ۱۸۹۶، اورل اشتین Aurel Stein و هرتسفلد بازدید کرده‌اند . دخمه مزبور شباهت زیادی به آرامگاه ، داو دختر، (درفهلیان فارس) دارد، دروازهٔ این بنا سردری‌است‌که درطرفین آن‌دوستون منفرد قرارگرفته‌که خوب حفظ‌شده‌است ، اطاق آرامگاه نیزسه‌ستون دارد و درآن سه طاقچه درسنگ کنده‌شده‌که بمنزله قبرهای‌دخمه‌ای‌است. هرتسفلد تصورمیکند که‌آن آرامگاه یك‌شاهزاده مادی ازکشور مانناییِ‌است و تاریخ آن را بین ۸۴۰ و ۶۶۰ پیش‌ازمیلاد تعیین‌کرده‌است[۲]

آذربایجان دردوره‌هخامنشی - از اوضاع آذربایجان در این‌دوره خبری نداریم همینقدرمیدانیم‌که‌آن جزء خشتره (ساترایی) مادبشمار میرفت‌ماد بزرك (عراق و کردستان) ، ومادکوچك(آذربایجان) یك‌خشتره‌پوان یعنی یك‌ساتراب داشت .

بنا بر کتیبه بیستون پس ازکشته شدن‌گئوماتای مغ‌بدست داریوش بزرگ یاغیان ازهرطرف سربرداشته ودعوی‌شاهی کردند . ازآنجمله فره ورتیش نامی مادی سربطغیان برداشت‌وگفت که‌من خشتریت(شاه‌ماد)هستم‌وازدودمان‌هوخشتره‌ام وخود راشاه مادخواند. داریوش‌لشکری بسرداری ویدارنا بسر کوبی او فرستاد وسرانجام اورا دستگیر ساخته پس ازمثله‌کردن درهمدان‌بدار زدند . ازاین دو مرد مادی‌که دعوی سلطنت داشتند یعنی‌گوماتای مغ که خودرا بردیا پسرکورش میخواند، ودیگری‌فره‌ورتیش که خویش‌را«خشتریت»یعنی‌شاه مادمعرفی‌میکرد،

۱- دکترمشکور : ایران درعهدباستان ص۱۴۹-۱۶۰ ؛
مم. دیاکونوف : تاریخ ایران باستان صفحات ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۷۲،۷۵،۸۲
۲- لوئی واندنبرگ: باستانشناسی ایران باستان ص۱۱۷

هیچکدام ازمادکوچك یعنی آذربایجان نبودند. بنابراین چنانکه گفتیم اطلاعی دراین‌عصر ازاوضاع آذربایجان نداریم.

مادآتروپاتن یا آتروپاتن Atropatene

درزمان داریوش سوم (۳۳۶_۳۳۰ ق.م) آتروپات Atropates خشتره‌پوان (ساتراپ) ماد بود. این سردار ایرانی‌که نام او بمعنی نگاهبان آتش(آذربد) است وبهمین مناسبت اورا ازخانواده‌ای روحانی و زردشتی شمرده‌اند، درنبرد، گوئوگامل‌که بین داریوش سوم واسکندر درنزدیکی اربل روی داد فرمانده‌مادیها بشمارمیرفت(۳۳۱ ق.م). پیش از این واقعه آتروپات فرماندهی سوارانی راکه داریوش برای اکتشاف گسیل داشته بود برعهده داشت. پس از شکست داریوش دراین‌جنگ که سرنوشت دولت عظیم هخامنشی‌را تعیین‌کرد، اسکندراکسودات Oksodat نامی راکه داریوش در ری به سیاه‌چال افکنده بود از زندان برآورده ساترابی ایالت ماد را بوی بخشود. این مرد چنانکه از نامش پیداست از مردم آسیای میانه بود و ظاهراً اسم او بمعنی داده اکسوس یعنی رود جیحون‌است. دیری نگذشت‌که اکسودات ازچشم اسکندر افتاد و ازطرف آن پادشاه آتروپات به‌حکومت ماد تعیین گردید(۳۲۸ق.م). باحتمال‌قوی آتروپات‌اسکندررا مطمئن ساخت که نسبت بوی از اکسودات وفادارتر است، و برای نشان‌دادن لیاقت و شجاعت‌خود مردی‌راکه بنام باریاکس Bariaks خوانده میشد وسربطغیان‌برداشته لقب پادشاه ماد وپارس برخود نهاده بود دستگیرکرده به‌اسکندر تسلیم‌کرد.

سپس بنا به‌تمایل اسکندربهنگام جشنها وتشریفاتی‌که درشوش برپاگردید با مقدونیان عقد خویشاوندی منعقد کرد. سپس برای استحکام موقعیت خود، دخترخویش را به پردیکاس Perdikas سردارمقتدر اسکندر داد.

پس ازآن اسکندر به ماد رفت و از دشتهای مشهور نیسای که چراگاه پنجاه‌هزار اسب متعلق به لشکریان شاهی بود بازدیدکرد. معلوم شد عده‌زیادی

از آن اسبان را سپاهیان مقدونی بغارت برده‌اند. آتروپات پس از آن برای تفریح و جلب نظر اسکندر صد زن برگزیده که سوارکارانی ماهر بودند در یکی از جشنها باسکندر تقدیم کرد.

این زنان ملبس به لباس مردان بودند و بجای نیزه تبرزین و بجای سپر سنگین سپر سبک داشتند. نوشته‌اند که این زنان از سرمت‌ها یعنی سکائیان تیزخود ماوراء قفقاز بودند که آتروپات درفاصلهٔ سالهای ۳۲۸ و ۳۲۴ با آنان جنگ کرده و گروهی از ایشان را باسارت گرفته بود.

پس از مرگ اسکندر درسال ۳۲۳ ق.م آتروپات درمجلس مشاوره‌ای که از طرف سرداران آن پادشاه در بابل انعقاد یافت حاضر نبود.

ساتراب‌نشینی ماد سفلی به یک سردار مقدونی بنام «پیتون» واگذار شد، وآتروپات بمناسبت آنکه مردی لایق و پدرزن پردیکاس نایب‌السلطنه اسکندر بود درمقام خود درماد کوچک ابقاء گشت.

پس از کشته‌شدن پردیکاس در سال ۳۲۱ ق.م، سرداران اسکندر در «تری پارادیس» گرد آمده وبه تقسیم مجدد ساتراپ‌نشینها پرداختند. ماد کوچک یعنی ساتراپ‌نشین آتروپات جزء این تقسیم نبود از آن تاریخ ماد کوچک یا آذربایجان را میتوان دولتی مستقل شمرد.

باید دانست که بخش شمال غربی ماد یعنی ماد کوچک وماد سفلی (ماد بزرگ) از لحاظ اقتصادی وجغرافیایی با یکدیگر وجوه مشترک ناچیزی داشتند. اقتصاد ماد کوچک واجد کشاورزی وصنعت نسبةً عالی بود و تکافوی احتیاجات آن را مینمود، ودر آن زمان که اقتصاد طبیعی بیشتر حکمفرما بود نیازی بالحاق و یا اتحاد با دیگر نواحی نداشت. ماد کوچک برخلاف ماد سفلی بر جادهٔ اصلی بازرگانی و سوق‌الجیشی میان نواحی آسیای مقدم وآسیای میانه واقع نبود و باین علت هم توانست از اتحاد با دیگر ساتراپی‌های سلوکی احتراز کند.

دیگر آنکه علاوه برحسن تدبیر آتروپات براثر وجود قبایلی جنگجو چون کادوسیان در مادکوچك ، آن ایالت را از سلطهٔ نظامی مقدونیهاکه دیگر ایالات ایران را تحت سیطرهٔ خودآورده بودند محفوظ داشت .

درآن زمان یعنی قرن چهارم ق.م دیگر: ماننائیان و لولوبیان و کاسپیان درآذربایجان وجود نداشتند ، بلکه کادوسیان ، و ماتینیان و مادیها و دیگر اقوام ایرانی بجای ایشان نشسته وخود را مادی و آریایی میخواندند .

ادارهٔ امور مذهب بدست مغان بود و زبان ایرانی مادی در بین مردم آن رواج داشت . چون یونانیان درآن خطه رسوخی نداشتند ، آذربایجان ازلحاظ وجود طایفهٔ مغان درآنجا پناهگاه آیین زردشت و تکیه‌گاه ایرانیت در برابر هلنیسم ویونان مآبی گردید.[1]

وجه تسمیهٔ آذربایجان

نام این ایالت درپارسی میانه . آتورپاتاکان âturpâtâkân ودر پارسی ادبی . آذربادگان، آذربایگان، ودرپارسی جدید. آذربایجان ودر یونانی قدیم آتروپاتنه Atropaténé ودریونانی بیزانسی: آدرابیغانن Adrabighanôn ودرارمنی. اتره‌پتکن Atrapatakan ودر سریانی آذربایغان Adhorbaighân آمده است .

گاهی عوام این استان همزه آذربایجان‌را به «ها» تبدیل‌کرده با دال‌بی‌نقطه «هادربایجان» تلفظ کنند[2]

این کلمه مرکب از سه جزء است . اول آتور Atur که بمعنی آتش ، و دوم . پت Pat که بمعنی نگهبان ، وسوم. کان (گان) بمعنی محل و جا است . دو جزء اول همان اسم ترکیبی آتورپات است که درفارسی «آذربد» میشود وبمعنی نگهبان

۱ـ تاریخ ماد ص۵۴۲-۵۵۶

۲ـ رك : روضات الجنان ص۶۸۴

آتش می‌باشد، وچون صاحب آن‌که خود ازخاندان روحانی بود فرمانروایی ماد کوچك را داشت، از اینرو این سرزمین را بنام او آتورپاتکان یعنی جایی‌که آتورپات (آذربد) برآن حکومت میکند خوانده‌اند.[۱] بعضی از خاورشناسان مانندکنودتزون J. A. Knudtzon بدون ذکر دلیل معتقدندکه، آتورپات، درآغاز نام شهری بوده وآن را بادژ «آندراپاتی [آنو]» که درکتیبه‌های آشوری (آندراپاتیانو) ازشهرهای ماد درحوالی قزوین یاد شده یکی دانسته‌اند.

کنود تزون بجای «آندراپاتیانو» آن‌کلمه راآنتارپاتی خوانده ومتوجه‌نشده که این نام در دیگرمتون آشوری نیز دیده میشود. درصورتیکه چنانکه در بالا یاد کردیم نام‌آذربایجان درزبانهای مختلف ایرانی ازقدیمترین زمان با مختصر اختلافی بهمین صورت‌آمده وآن از نام‌آتورپات (آذربد) مورد بحث گرفته‌شده وکان Kan هم پساوند مکان است‌که در زبان یونانی به شکل Éné به‌آن نام الحاق شده و Atropaténé گردیده است.

بنابراین امکان اینکه آترو Atro یا آتور Atur را ازآندار Andar یا آنتار Antar مشتق بدانیم ودرنتیجه نام‌آذربایجان آشوری‌شده «آندارپاتیانو» راکه نام شهری دورتر از مادکوچك بوده باآذربایجان یکی بدانیم معقول نیست[۲]

خاندان آتروپات

پس از مرگ آتروپات دودمان او درآذربایجان حکومت‌کردند و بمرور این‌کشور دولتی شدکه اسماً جزء دولت سلوکی بشمارمیرفت ولی درمعنی‌مستقل بود. این پادشاهان شهرگنزك یا شیز راکه بیونانی‌گزکا Gazaca خوانده میشود پایتخت خود ساختند.

1- Minorsky, E. I. (N.E) T1, P. 194

۲- تاریخ ماد ص ۳۲۵ و ص ۶۹۰

پس از نیرومند شدن پارتیها، آذربایجان متحد دولت پارت بود ودرواقع از ازملوك‌الطوایفی‌های آن دولت بشمارمیرفت . در زمان بلاش اول (۵۱ـ۷۸ . م) اشکانی، برادربزرگ اوپاکر Pacorus ازطرف دولت اشکانی پادشاه این ایالت شد . حدود آذربایجان ظاهراً دردوره خاندان آتروپات وزمان اشکانیان ازشمال به ارمنستان بزرگ وکردون Korduene وآدیابن Adiabene وازطرف جنوب به مادبزرگ، و ازمشرق به دریای خزروکادوسیان (طالش) بوده است .

سرحدات آتروپاتن درطی قرون متمادی چند بارتغییر کرده وآن مملکت در درزمان ارته‌بازان Artabazanes که ازخانواده آتروپات ومعاصر آنتیوخوس سلوکی بود و در سال ۲۲۰ ق.م بر آن سرزمین سلطنت داشته به منتهای وسعت خود رسیده است .

درزمان این پادشاه حدودکشور آتروپاتن به اراضی پنت Ponte در اطراف فازیس Phasis یعنی تاگلخیددرماوراء قفقازمیرسیده است . وی‌درحین لشکر کشی آنتیوخوس کبیرسلوکی مجبورشدشرایط صلح اورا بپذیرد ودره ارس را با پایتخت آن از ماویر Armavir تخلیه کند و در آنجا آرتاخیاس Artaxias را بعنوان استراتگ Strateg (فرمانده قشون) منصوب نماید .

ولی این سردار بقول استرابن بعدادعای استقلال کرد واراضی کسپین Kaspiene و فای نی‌تیس Faynitis و باسوروپدان Basoropedan را ازچنگ ماد آتروپاتن بیرون آورد .

باید دانست که منظور استرابن ازکسپین ، همان ولایت ارمنی نشین پائی تاکران Paitakran است که درمشرق Uti درکنارارس واقع بود و تا دریای خزر امتداد داشت وبعد دوباره جزء آذربایجان گردید .

اما فای‌نی‌تیس، ناحیه اپاهونیك Apahunik درایالت تاروبران Taruberan درمغرب دریاچه وان است که آرکانی Arkani (فرات جنوبی) ازآن میگذرد .

باشد ۱ .Vaspurakan ولی باسوروپدان بایستی همان ولایت وسپورگان

درسال ۶۷ ق . م پادشاهی بنام مهرداد Mithridates که داماد تیگران پادشاه ارمنستان بود بدون اتکاء به پدر زنش در آذربایجان سلطنت میکرد .

درسال ۶۵ ق.م داریوش پادشاه آذربایجان باگسیل داشتن سفیری نسبت به پومپه‌ئیوس Pompeius سردار معروف روم اظهار انقیاد نمود . این کشور بعدها با ارمنستان یك جا تحت نفوذ پارتها (اشکانیان) قرار گرفت سپس آریو برزن Ariobarzanes اول درحدود ۳۰ ق.م و پس از او پسرش ارته وازده Artavasdes دوم بسلطنت رسید . درسال ۳۶ ق.م آنتونیوس Antonius سردار روم باشانزده فوج یعنی شصت هزار مرد که ازجمله مرکب از بیست و چهار هزار قوای کمکی شرقی وده هزار تن اسپانیائی و گالی (فرانسوی) وشش هزار سوار ارمنی بودند ، برای اشغال ایالت پارتی (اشکانی) آذربایجان به آن استان حمله آورد . ارته وازده شاه آذربایجان متحد فرهاد چهارم شاهنشاه اشکانی بود . پایتخت آذربایجان دراین زمان فرسپا Fraspa نام داشت اصل این نام درپارسی باستان ، فرادهاسپه Fradhaspa یعنی اسب پیروزبوده که درفارسی میانه (پهلوی) تبدیل به فراهاسپ Frahasp شده و در کنار دریاچهٔ اورمیه قرارداشته است .

آنتونیوس این پایتخت مستحکم را که زنان و فرزندان ارته وازده پادشاه ماد در آن جای داشتند به کمك آرتاواسدس پادشاه ارمنستان محاصره کرد (۳۶ق.م) فرهاد چهارم شاهنشاه اشکانی با چهل هزار سوار پارتی و ۴۰۰ آزاده که ازملازمان شخصی او بودند وده هزار سوار مادی برای مقابله با دشمن به آذربایجان شتافت این هردو پادشاه یعنی فرهاد چهارم وارته وازده پیش از آنکه یکی از نایبان آنتونیوس بنام اوپیوس ستاتیانوس Oppius Statianus که با دو فوج ، اسباب و لوازم سنگین محاصره بنابود به آنتونیوس ملحق شود ، درمحل حاضر شدند . ناگاه ستاتیانوس

۱- مارکوارت: ایرانشهر J. Mârquart, Eranshahr, 1901, p. 108-14

ازطرف لشکریان پارتی به‌سر کردگی مونازس Monases غافلگیر شده‌اوولشکریانش به تیرهای سواران پارتی گرفتار آمدند و یکباره هفت‌هزارو پانصد تن ازآنان بخاك هلاك افتادند .

به محض شنیدن این خبر آرتاوازدس پادشاه ارمنستان از اتحاد با رومیان پشیمان شده با لشکرخویش به‌کشورخود بازگشت وسرانجام درجنگ سهمگینی که بین قوای ایران وروم در نزدیکی تبریز فعلی واقع شد آنتونیوس شکست خورد وبفکر گریز افتاد . پارتیان با شیوه مخصوص خود ایشان‌را تعقیب کردند ودرظرف نوزده روز آنـان را مورد حمله و تهدیـد خویش قراردادند و گروه بسیاری از آنـان را بخاك هـلاك افکندند . و بـالاخره در کنار رود ارس از تعقیب آنـان دست برداشتند .

رومیان دراین جنگ سی‌ودوهزارتن تلفات دادند پس‌از این فتح فرهاد پیروزی خودرا جشن گرفت.ونام‌خویش‌را برسکه‌هایی که تمثال آنتونیوس وملکه کلئوپاتر را داشت ودرمیان اشیاء غارت شده رومیان پیداشده بود ضرب‌کرد، ودربهار آینده مجدداً ارمنستان‌را تسخیر و پادشاه آن‌را مغلوب ساخت . پس‌ازخاتمه جنگ در هنگام تقسیم غنائم جنگی، آرته وازده پادشاه آذربایجان خودرا مغبون یافت وبا فرهادچهارم قطع رابطه کرد ودرسال ۳۵ ق.م سفیری بنزد مارك آنتونیوس که در اسکندریه مصرمقرداشت فرستاد واورا به‌ایران دعوت کرد.آنتونیوس برای اینکه شکست خودرا جبران‌کرده باشد نخست به ارمنستان‌شنافت و ارتاواسدس پادشاه آنکشوررا به‌جرم‌خیانتش‌وفرارش‌ازجنگ بامکروحیله اسیر کرد وباارته‌وازده پادشاه ماد درسال ۳۳ ق.م درکنار رودآراکسس Araxes (ارس) ملاقات کرد وبااو پیمان دوستی بست‌که برطبق آن‌قسمتی‌ازارمنستان یعنی‌ناحیه‌سوبمباکه Symbace راکه‌به‌ماد‌تعلق‌داشت‌باوواگذاشت ، وقوای کمکی‌رومی‌را برای‌جنگ با پارتی‌ها دراختیاراوقرارداد. ودرعوض ازسربازان آذربایجانی برای‌مقابله با اوکتاویانوس

Octavianus استفاده کرد.

ارتاوازده چندان مجهز و آماده کارزار شده بود که توانست پارتی‌ها را که می‌خواستند ارتاکزس Artaxes دوم پسر ارتاواسدس ارمنی را که پس از اسارت پدرش بدست آنتونیوس به نزد آنان گریخته بود بر تخت سلطنت ارمنستان بنشاند وادار به عقب‌نشینی کند. اما به‌محض آنکه آنتونیوس قوای رومی را بنزد خود فراخواند بدون آنکه لشکر مادی را پس فرستد آرته‌وازده از لشکر پارتی شکست خورد و اسیر آنان شد و آذربایجان بدست اشکانیان افتاد و رومیانی که در ارمنستان بودند همه بدست پارتیان نابود شدند و ارتاکزس درسال ۲۰ ق.م بپادشاهی ارمنستان رسید.

اما چون اندکی بعد در دولت اشکانی قیامی برای تصرف تاج و تخت صورت گرفت ارته‌وازده پادشاه آذربایجان آزادی خود را بازیافت و باکلیه کسانش به‌دولت روم پناهنده شد. آنتونیوس خواهر اوراکه «یوتاپا» نام داشت برای پسرش الکساندر که از کلئوپاتر ملکه مصری داشت بزنی گرفت ارته‌وازده سرانجام در ۳۸ سالگی درروم درگذشت[1].

پس از مرگ آرته‌وازده، تیگران پادشاه ارمنستان براثر منسوب شدن با سلسله اشکانی هفتاد ناحیهٔ کوهستانی راکه سابقاً برادرش آرتاکسیاس از آذربایجان منتزع ساخته بود بدولت ایران مسترد داشت و آن نواحی بازجزء آذربایجان شد ازجمله آن ولایات وسپورکان است که درنواحی «باش قلعهٔ» فعلی واقع بوده است. تیگران درسال ۶ ق.م درگذشت.

احتمال دارد که درهمین زمان ماد آتروپاتن (آذربایجان) از دولت اشکانی جدا شده ودر بین سالهای ۲۰ ق.م تا ۲ میلادی ازروم تقاضای فرستادن پادشاهی برای خودکرده باشند.

رومیان آریوبرزن دوم Ariobarzanes پسر آرته وزده را برای پادشاهی به

۱ـ گوتشمید ص۱۴۹-۱۵۵ وایران درعهد باستان ص۳۱۳

آذربایجان فرستادند ، ووی مورد حمایت اگوستوس امپراطور روم قرار گرفت پادشاهی آریوبرزن دیری نپائیدودرزمان فرهاد پنجم(۲-ق.م-۴ م) از آذربایجان رانده شدکمی پس ازاین‌واقعـه خبری بعنوان پناهنده بی‌خانمان در نزد رومیان دردست‌است‌چنین بنظرمیرسدکه دراین‌زمان‌سلسله‌کهن آتروپاتن باخلع آریوبرزن دوم منقرض‌شده باشد .

احتمال‌دارد یکی‌ازشاخه‌های فرعی‌خاندان‌پارتی درآنجا بحکومت مشغول شده باشند .

آذربایجان تحت حکومت اشکانی

درزمان ونن Vonones اشکانی(۸-۱۷.م) اردوان Artabanus نامی که ازطرف مادر با سلسله اشکانیان‌بستگی‌داشت ودرمیان قبایل‌شرقی داهه‌ها رشدکرده بود درآذربایجان‌پادشاهی‌میکرد چون‌مردم ایران‌ازونن‌که تربیت‌رومی‌داشت‌ناراضی بودند ، اردوان را بپادشاهی دعوت‌کردند .

پس از چند جنگ ونن‌شکست خورده بـه سلوکیه‌گریخت و اردوان بنام اردوان‌سوم ازآذربایجان رهسپارپایتخت شده شاهنشاه‌ایران گردید(۱۸-۴۰.م) . پس از شاهنشاه شدن اردوان ، برادراو که نیز ونن Vonones نام داشت ، ازطرف دولت مرکزی اشکانی بشاهی‌آذربایجان فرستاده شد .

پس ازاردوان سوم پسرش واردان (۴۰_۴۶ . م) شاهنشاه ایران شد و پس از وی برادرش‌گودرز(۴۶_۵۱ .م) بشاهی نشست .

بعدازمرگ‌گودرز بزرگان‌ایران‌ونن برادراردوان‌سوم‌راکه پادشاه‌آذربایجان بود ازآن‌ایالت‌خواسته‌واورا بنام ونن‌دوم برتخت‌شاهنشاهی‌ایران نشانیدند (۵۱-۵۴م.)-پس از او پسرش پارکوروس Pacorus به شاهی آذربایجان منصوب شد .[۲]

۱-کوتشمید ص۱۸۶-۱۷۸

۲-کوتشمید ص۱۹۳ ؛ ایران درعهد باستان ص ۳۴۹

در زمان بلاش سوم اشکانی (۱۴۹-۱۹۰) مارکوس وروس Marcus_Verus سردار رومی در سال ۱۶۵ م . بایران حمله کرد و آذربایجان را تسخیر نمود و بهمین مناسبت لقب مدیکوس Medicus (یعنی فاتح ماد و آذربایجان) گرفت . ازاین نکته میتوان دریافت کـه دراین زمان ماد آتروپاتن (آذربایجان) هنوز دولتی نیم مستقل بوده است .[1]

مغان در آذربایجان

هرودت نوشته است که مغان یکی ازشش قبیله قوم ماد بودند. درعهدهرودت (قرن پنجم ق.م) وظیفه ادای مراسم دینی بعهده مغان بود ودرقربانیها وتشریفات مذهبی حضوریکی ازایشان ضرورت داشت .

بقول استرابن مغان پرستندگان آتش مقدس بودند وهمواره مواظب بودند که آن آتش خاموش نشود . دیگرمنابع یونانی مغان را روحانیان زردشتی وعلمای دینی ایران شمرده‌اند [2]

در ادبیات زردشتی نیز اصطلاح ، مغ ، بمعنی عـالم دینی و ملای زردشتی آمده است .

درایران قدیم چون اصول طبقاتی برجامعه انسانی مستولی واداره هرقسمت ازاموراجتماع بعهده طبقه‌ای محول بود، سربازی وجنگ آوری وظیفه‌ارتشتاران وکشاورزی وظیفه برزگران ، ونگاهبانی آتش وادای مراسم مذهبی بعهده طبقه آثروان (نگاهبان آتش) یا مغان واگذارشده بود .

آریایی‌های ایرانی درمهاجرت بزرگ خود ازشرق به غرب این‌وظایف را درمیان تیره‌هـای مختلف آریایی تقسیم کرده بودند وچون به ری و آذربایجان رسیدند مغان که طایفه‌ای ازقوم آریایی ماد بشمار میرفتند درمغرب ایران سکنی

۱ـ کوتشمید ص۲۲۵-۲۲۶ ؛ ایران درعهد باستان ص۳۵۵

۲ـ دکترمشکورتاریخ اجتماعی ایران درعهد باستان ص۹۰-۹۸

گزیدند. و به تدوین اوستا و گسترش و تبلیغ دین زردشتی پرداختند.

ظاهراً تدوین نهائی قوانین و احکام اوستا تحت نظر مغان آتروپاتن (آذربایجان) صورت گرفته است.

بظن غالب در تمام مدت نفوذ و تسلط فرهنگ یونان یا هلنیسم، آذربایجان تحت حکومت روحانی طرفدار کیش مغان و زردشتی بود و بقدری در تبلیغ و حمایت از کیش زردشتی مبالغه شد که مفسران اوستا در قرون بعد ماد را اعم از ری یا آذربایجان محل تولد زردشت پنداشتند. حتماً وجود آتشکده عظیمی چون آذرگشنسپ در شهر شیز نزدیك دریاچه اورمیه، و نیز وجود مرکزی زردشتی در دماوند نزدیك ری که مصمغان (بزرگ مغان) در آن می‌نشست، به توهم این خیال که زردشت از مردم آذربایجان و یا ولایت ری بوده کمك کرده است.

چنانکه در پیش در شرح احوال مردم قبل از تاریخ ایران در آذربایجان گفتیم در آن ایالت از قبل از نهصد پیش از میلاد خبری از اقوام آریایی در آذربایجان نبود و مردم آن سرزمین دارای زبانهایی غیر آریایی چون گوتی، و مانناییی بودند.. بنابراین ظهور پیغمبر آریایی بزرگی چون زردشت در آن عصر در آذربایجان که کتاب او اوستا بزبان آریایی‌های ایرانی مشرق است بعید بنظر میرسد. باید همینطور که شواهدی از اوستا و سرزمین جغرافیایی آن در دست است اورا از اهل مشرق و خراسان دور و یا خوارزم بدانیم.

اصولا ماد و آذربایجان از نظر اعتقادات مذهبی بدو دورهٔ متمایز تقسیم میشود یکی پیش از قرن هفتم ق.م و دیگری از آغاز آن قرن ببعد.

طبق منابع آشوری و اورارتوئی در دوره اول مردم آذربایجان خدایان گوناگون را میپرستیدند که بیشتر آن بتان، خدایان لولوبی و قوم ماننا و کاسپی‌ها بوده‌است،

۱ـ دکتر مشکور: تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان ص ۱۰۳ و ایران در عهد باستان ص ۶۴ـ۶۶

وآثار باستانشناسی نیزمؤیدآنست . رسم احترام به سگ و گذاشتن مردگان در هوای آزاد وطعمه پرندگان‌ساختن‌آنها که بعدها درمیان زردشتیان متداول گشت بقول استرابن درمیان‌کاسپی‌ها وآلبانی‌ها نیز رواج داشته است نام اهورا ـ مزدا درکتیبه‌های آشوری در ضمن اسامی مادی بصورت ائور Aur و مشدا Mashda آمده است .

این دونام که اولی بمعنی خداوند ، و دومی بمعنی بخرد ودانا است‌چنانکه دراوستا نیزدیده میشود جدا بکارمیرفته است . ولی‌در کتیبه‌های‌هخامنشی‌همواره بصورت ترکیبی‌وپیوسته یعنی‌اهورامزدا Ahuramazda استعمال‌شده است،همچنین کلمه بغ (خدا) درکتیبه‌های‌آشوری بصورت بگ Bag آمده است .

دیگر اصطلاحات دینی از قبیل . آرتا Arta ورته Rta بمعنی راستی و ایمان وخشتره Xshathra بمعنی‌حکومت و قدرت ، وفرکه در اوستا خورنه Xvarenah ودرمادی‌فرنه Farna میشود . به ترتیب درکتیبه‌های‌آشوری ایرتا Irta وارتا Arta وستر Satar و کیشتر Kishtar و برنا Barna و پرنا Parna و پرنو Parnu بکار رفته است .

ذکراین‌نام‌ها در کتیبه‌های‌قرن نهم تا هفتم‌آشوری دلیل‌آنست‌که مادها در این دوره به مقدسات اوستایی اعتقاد داشته‌اند .

هرودت در تعریفی که از مغان میکند آنان را قبیله‌ای مخصوص از مادها میشمارد ومیگوید رسوم مذهبی‌وعادات مغان‌با پارسیان تفاوت‌دارد. ازسنگنبشته بیستون نیز استنباط میشودکه مغان صاحبان حرفه وطبقه یاقشری ازمردم‌نبوده، بلکه نژاد وقبیله خاصی بوده‌اند که بقول هرودت نژاد مادی باشد .

ازآن پس‌درزمان اسکندرمقدونی وبعد ازاواقوام باستانی بطورکلی کاهنان اقوام ایرانی زبان وروحانیان مردمی راکه دین‌ایشان منشأ ایرانی‌داشته مثلا در کاپادوکیه ، مغان یا مجوسان میخواندند .

در اواخر دوره پارتها و اوایل دوره ساسانیان یونانیان و رومیان کشیشان دین زردشتی و زروانی را از مغان (مجوسان) نوشته‌اند . افلاطون نخستین کسی است از فلاسفه یونان که به تعلیمات مغان علاقه نشان داده است .

در اواخر دوره هلنیسم ، فلسفه‌های عرفانی و نو افلاطونی که غالباً با زرتشتیگری ارتباطی نداشته ، گاهی بنام ، تعلیمات مجوسان (مغان) و کلدانیان خوانده‌اند از دوره اسلامی باینطرف مغ و مجوس در ادبیات مشرق بمعنی آتش‌پرست بکار رفته است .

محتملا سرزمین قبیلهٔ مغان ناحیه رغه (ری) یکی از شهرهای بزرگ ماد بوده‌است. در ترجمه پهلوی اوستا (یسنا فصل ۱۹) آمده که زرتوشتوم یعنی کسیکه از همه شبیه‌تر به زرتشت است ولقب موبد بزرگ زردشتیان بوده درری حکومت روحانی داشته است . درمنابع عربی نام این شخص، مصمغان، (مس مغان) یعنی بزرگ مغان آمده که درری میزیسته و در زمان عرب در ناحیه دماوند حکومت میکرده است . ظاهراً سرزمین بدوی قبیله مغان راکه نخستین پیروان کیش زرتشت بودند باید درهمان رغه (ری) جستجو کرد و بعداً نفوذ آنان در نواحی دیگر بخصوص آذربایجان توسعه یافت[۱] . باز باید یادآور شد چنانکه درپیش گفتیم زبان ایرانی اوستا ولهجه خاص گاتاها زبان مادی نیست بلکه از السنه شرقی ایرانی است و با زبان کتاب ریگودا ارتباط دارد . فقط در آغاز قرن ششم ق.م است که مغان توانستند در دربارشاهان ماد بسمت نمایندگی دین زردشت امورمذهبی را دردست گیرند .

هرودت درباره مذهب پارسیان که ازلحاظ دین تحت رهبری مغان قرار داشتند چنین مینویسد : «برپاداشتن بتان وبنای معابد و قربانگاه‌ها نزد ایشان مجاز نیست .... ایشان خدای رادرمخیله خویش شبیه به آدمیان مصور نمیسازند درپیشگاه خورشید وماه وخاك وآب وآتش قربانی میکنند ، قاعده برآنست که

۱ـ تاریخ ماد ص ۴۵۵-۴۸۵

هیچ قربانی بدون حضور یکی ازمغان اهداء نمیشود» . «معروف است که جسد مردگان باید قبل ازدفن کردن بوسیله سگی یاپرندهٔ شکاری قطعه قطعه شود . در مورد مغان من اطمینان دارم که آنان بامردگان خود چنین میکنند زیرا آنان این عمل را درمنظر عام انجام میدهند . ولی پارس‌ها جسدمردگان خودرا قبل‌از مدفون‌کردن درخاك باموم‌اندود میکنند . مغان بادیگرمردم وبخصوص باکاهنان مصری بکلی اختلاف دارند .

کاهنان مصری کشتن‌هرنوع حیوان‌را عملی زشت وناپاك میدانند و ازآن اجتناب میکنند مگر در مواردی که برای‌خدایان قربانی میکنند ، درحالیکه مغان برعکس انواع موجودات را باستثنای سگ وآدمی بادست خود می‌کشند وباین‌کارعلاقه خاص دارند وبدون هیچ‌گونه امتیاز مورچگان را درردیف‌ماران ودیگر حیوانات وحشی زمینی وهوائی بقتل میرسانند»[1] . استرابن مینویسد : «پارسیان درجای پاك قربانی میکنند وقبلا دعاهایی میخوانند وحیوان قربانی‌را باریاحین‌می‌آرایند. مغی که مراسم قربانی‌را بجامی‌آورد، گوشت حیوان راقطعه قطعه‌کرده وبعد هرکس سهم خودراگرفته بخانه برمیگردد - برای خدا سهمی نمی‌دهندزیراپندارند که‌فقط‌روح‌حیوان‌قربانی‌شده مال‌خداست، باوجودآن‌تکه کوچکی ازگوشت روی آتش‌میگذارند آنان بین‌آب و آتش از حیث مراسم قربانی‌تفاوت قائلند.

برای‌آتش چوبهای خشکی که‌پوست‌آنراکنده‌اند استعمال می‌کنند وآنرا چرب میکنند . بعد ازپایین خرمن هیزم را روشن میکنند و روغن روی آن میریزند بی‌آنکه‌آتش را بدمند. اگرکسی آتش‌را بدمد یامرده ویافضله برروی آن بیندازداورا میکشند . بعد مغان‌گوشت راروی مورد یاشاخه های درخت غار میگذارند وعصای خودرا به‌آن میرسانند وسرودهایی‌خوانده‌روغنی راکه باشیر

۱ - تاریخ هرودت ج۱ص۲۱۶و۲۲۱-۲۲۲

و عسل آمیخته‌اند بزمین میریزند . پس از مدتی باز سرود خوانده دراین حال دسته‌های از ترکه های درخت گز (بَرسَم) بدست دارند»

«درکاپادوکیه مغان بسیارند وآنان راکاهنان و نگهبانان آتش می‌نامند . مغان هنگام قربانی کردن چاقوبکار نمیبرند بلکه حیوان راباهیزم یادسته هاون میکشند . مغان مواظبندکه آتش خاموش نشود .آنان روزها به‌آتشکده آمده هر ساعت یکبار دربرابر آتش سرود میخوانند. دراین حال دسته‌ای از ترکه (یعنی برسم) بدست دارندوکلاهی نمدی برسرکه اطراف آن از دو سمت دوگونه ایشان آویزان است بحدی که‌لب‌ها رامیپوشاند».

«پارسیان مردگان راپس از آنکـه . موم‌میمالند بخاك میسپارند ولی مغان مردگان خودرا دفن‌نمی‌کنند ، بلکه میگذارند تاجسد راپرندگان بدرند»

پلو تارك می‌نویسدکه : زرتشت مغی بود که پنجهزار سال پیش از جنگ تروا میزیست(۶۰۰۰ق.م) اوقائل به‌دو اصل‌نیکی و بدی‌بود.

گزنفون میگوید: «برای مراسم تاجگذاری اردشیر دوم مغان دعوت شده بودند. کنت کورث مینویسد: «در هنگام حرکت سپاه داریوش سوم‌از بابل بقصد اسکندر، درپیشاپیش سپاه آتش مقدس‌را می‌بردندومغان دراطراف آن درحرکت بودند. پلوتارك می‌نویسد: اردشیراول‌هخامنشی به‌مغان‌امر کردتافلسفه خودرا به تمیستوکلس سرداریونانی که‌فاتح جنگ سالامیس‌بود وبدربار ایران پناه آورده بود بیاموزند».[1]

میتوان‌گفت که‌پارسیان‌زمان هخامنشی‌ازنظر دین درتحت تأثیرشدیدمغان قرارداشتند ، ولی هنوزچنانکه بایدوشاید به‌کیش مزبور نگرویده بودند.تعالیم مغان ازقرن هشتم تاقرن ششم ق.م یك‌جریان معین دینی بود،ولی بااینحال مرز مشخصی میان مؤمن وغیرمؤمن یامعتقدان به‌ادیان دیگروجودنداشت . بهترین دلیل این مدعی‌آن‌بودکه پارسیان باآنکه رهبری دینی مغان را قبول داشتند ،

---

۱ – ایران باستان ج ۲ ص ۱۵۲۰–۱۵۲۱و۱۵۲۶

درمواردی بسیار به تعلیمات آنان بی‌اعتنا بودند[۱].

باری مغ‌ها خیلی زودتر از دیگر ایرانیان کیش زردشت را پذیرفتند و اصلاحاتی در آن کردند. تعالیمی راکه مغان در مغرب ایران تبلیغ و ترویج میکردند قبلا در باختر «بلخ» ومشرق ایران رواج داشت[۲].

بر اثر نفوذ مداوم مغان در کشور مادکوچك آن ایالت سنگرگاه و حصن حصین آن طایفه گردیدو آن نفوذ مذهبی آنقدر توسعه یافت که حتی درزمان شاپور دوم کشورمادوخصوصاً ایالت مادآتروپاتن(آذربایجان)را کشورمغان میخواندند. آنان در آن نواحی املاك حاصل خیز و ابنیه عالی داشتند که دیوار و حصاری حافظ آن نبود[۳].

آتشکده آذر گشنسب- که بمعنی اسب نر است مخصوص پادشاهان و آرتشتاران وبزرگان ایران بود وبزرگترین آتشکده کشور بشمارمیرفت ودرشهر شیز قرار داشت[۴] این شهر را بزبان ارمنی گنزك Ganzak وبپارسی میانه گنجك Ganjak وبیونانی گت‌سکا Gatsaka میخواندند، وآن نزدیك تخت سلیمان امروزی واقع بودکه درحدود ۲۰۰ کیلومتری جنوبی دریاچه‌اورمیه وهفتادکیلو متری جنوب شرقی میاندوآب قرار دارد. شهرگنجك رابعربی شیز میگفتند و قلعه آن وره vera یافرااسپا Fraaspa یافراسپا Faraspa یاپرااسپا paraaspa نام داشت که در پارسی باستان فراذه اسپه Fradhah-spa یعنی اسب پیروزخوانده‌میشد ودرپارسی میانه : فراهاسپ Frâhâsp گردیده است. این قلعه‌چنانکه درشرح حال خاندان

۱- تاریخ ماد ص ۴۹۰-۴۹۱

۲ - مم دیاکونوف- ایران باستان ص۹۶-۹۵

۳ - کریستنس . ایران درزمان ساسانیان ص۱۳۸

۴ - راجع به‌آتشکده های دیگربزرگ ایران رجوع شود به تاریخ اجتماعی ایران باستان. تألیف دکتر مشکور ص۱۳۱-۱۳۸

آترو پاتن گفتیم درزمان اشکانی پایتخت ماد کوچك یا آذربایجان بوده است [۱]. این آتشکده را آذر خوش نیز میگفتند وچون ظاهراً بر مخازن نفت قرار داشته از آتشکده‌های جاویدان بشمار میرفته‌است . درمحل تخت سلیمان برروی تپه ای ویرانه‌های ساختمانهای قدیم دراطراف دریاچه کوچك عمیقی دیده میشود . حصار قدیمی شهرکه دراین‌جاوجود داشته هنوز برجاست ومحیط آن ۱۲۰۰ متر است . این‌دیوارها پنج متر ضخامت وچهارده متر ارتفاع داشته ودرپیرامون آن بیست‌وهفت برج برپای بوده که‌هرکدام دودروازه‌داشته است، درمرکز شهریك آتشگاه ومجموعه‌ای ازکاخ‌هاوسربازخانه‌ای بوده که‌اکنون ویران‌است ،مؤسسه آمریکائی هنر وباستانشناسی ایران ازاین ویرانه‌ها نقشه بسیار دقیقی برداشته که‌هنوز بچاپ نرسیده‌است .[۲]

موقعیت دقیق تخت‌سلیمان در دوکیلومتری شمال‌شرقی ده‌نصرت آباد و۴۲ کیلومتری شمال قصبه‌تکاب میباشد.طول وعرض‌جغرافیایی آن ۴۷درجه و۳۰دقیقه در۳۶ درجه و۴۰ دقیقه است و۲۴۰۰ متراز سطح‌دریا ارتفاع دارد. در وسط این قلعه ویران دریاچه‌زیبایی ازشمال شرقی‌به‌جنوب غربی بصورت بیضی نا منظمی کشیده شده که‌طول آن ۱۲۰ وعرض آن ۸۰ وعمق آن بین ۴۵ تا ۶۵ متراست، وبراثر چشمه‌های جوشانی‌که درته آن قراردارد همیشه پرازآب‌میباشد وتوسط دوجوی روان دره پیرامون خودرا مشروب میسازد.

این دژ دودروازه اصلی بزرگ داشته‌که هنوزهم پایه‌ها ودیوارهای طرفین وطاق سنگی بالای آن‌ها باقی است . ازاین دو دروازه یکی درقسمت شمال قلعه به ارتفاع پنج متروعرض‌چهارمترونیم ودیگری درجنوب شرقی به ارتفاع‌سه‌متر وعرض‌سه متروچهل‌سانتیمتر قرارگرفته است .

۱ـ مارکوارت : ایرانشهر

۲ـ لوئی واندنبرگ : باستانشناسی ایران ص ۱۱۷

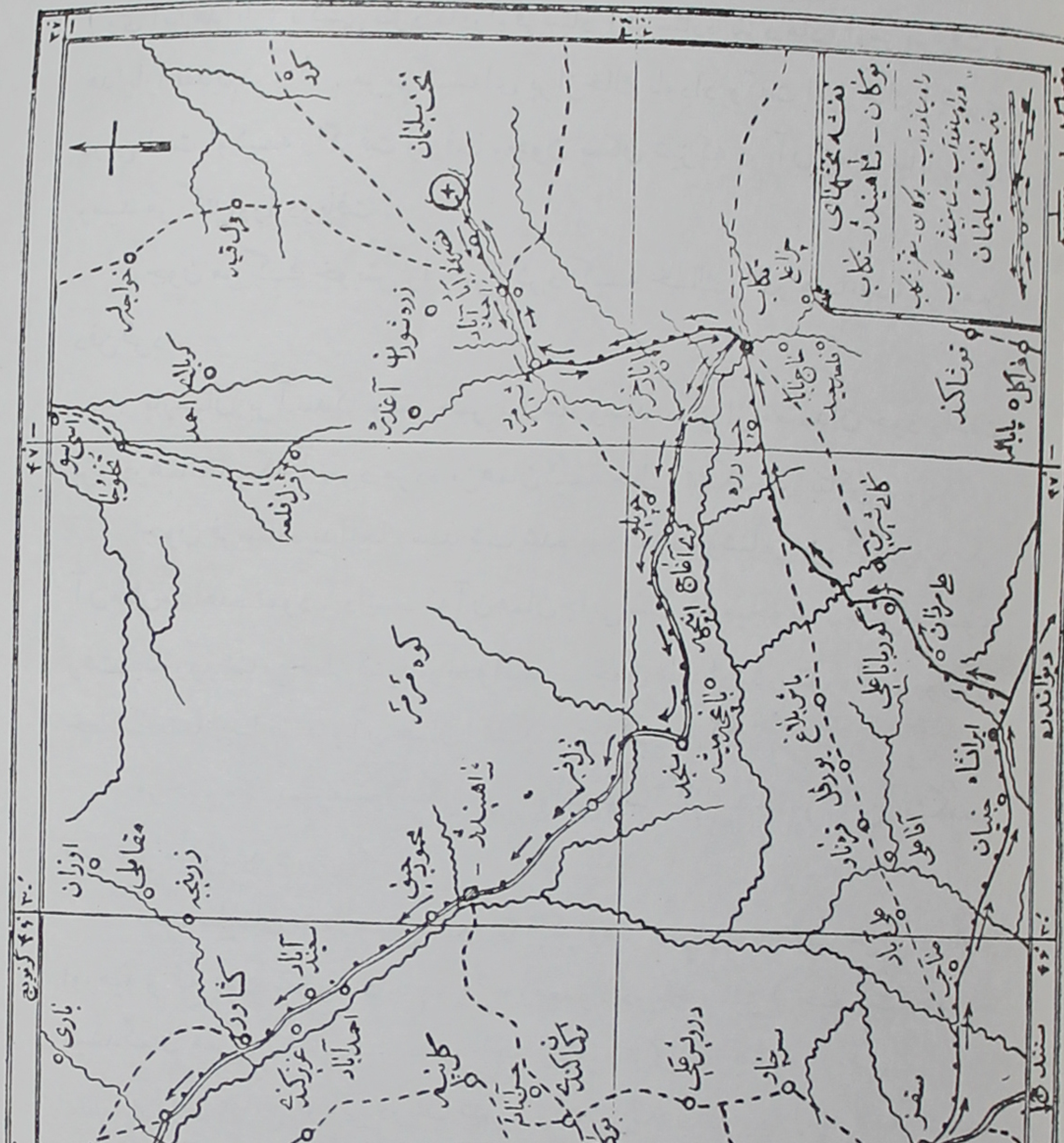
در قسمت شمالی محوطه باقیمانده ساختمانی که معروف به آتشگاه است دیده میشود. پایه‌های این بنا با سنگ و دیوارهای آن با آجرهای بزرگ شبیه به آجر بناهای دوره ساسانی ساخته شده است. در بعضی قسمتها باقیمانده طاقهای هلالی و آثار گچ کاری مشاهده میگردد [1]. ابودلف مسعر بن المهلهل جهانگرد عرب در اوائل قرن چهارم هجری که در ایران و آذربایجان سیاحت کرده در سفرنامه خود موسوم به «الرسالة الثانیه»، درباره این آتشکده چنین مینویسد:

«شیز شهری است میان مراغه و زنجان وسهرورد و دینور... دیوار این شهر دریاچه‌ای را احاطه نموده است که وسط آن به ته نمی‌رسد. من وزنه‌ای با ریسمانی بطول چهارده هزار و کسری ذراع در آن انداختم ولی وزنه به ته دریاچه نرسید. محیط دائره این دریاچه در حدود یك جریب هاشمی است. چون خاك با آب آن خیس شود برفور بشکل سنگ سخت درمیآید از این دریاچه هفت نهر جاری است که هریك به آسیایی میریزد. سپس از زیر دیوار بیرون میرود.

در شیز آتشکده مهمی وجود دارد که آتش مغان (مجوس) از آن بسوی مشرق ومغرب فروزان است. بر بالای گنبد این آتشکده هلالی از نقره نصب شده که طلسم آن بشمار میرود وگروهی از امیران و فاتحان خواستند آنرا برچینند اما کوشش آنان بجایی نرسید. از شگفتی های این آتشکده آنست که کانون آن از هفتصد سال پیش فروزان است والبته خاکستر در آن وجود ندارد وشعله آن هیچگاه خاموش نمیگردد» [2]. این شهررا هرمز پسر خسروشیر پسر بهرام با سنگ و آهك بنا نمود... داستان بنای آن اینست که هرمز پادشاه ایران خبر یافت نوزاد فرخنده‌ای در دیه بیت اللحم در بیت المقدس زاییده خواهد شد وقربانی بوی زر و زیتون وکندر است

۱ـ آثار باستانی آذربایجان ص ۱۱ـ۱۳

۲ـ الرسالة الثانیه طبع قاهره سال ۱۹۵۵ ص ۲ و ۳ و ترجمه آن: سفرنامه ابودلف ص ۳۸ـ۴۰



مربوط به صفحه ۱۱۱

(وی این هدایارا باکسی بنزد مادراو فرستاد) فرستاده بنزد مادر او مریم رفت و هدایارا تقدیم کرد [۱] . مریم کیسه‌ای پر از خاك باوداد وگفت این خاك‌را خبری درپی است اوکیسه راگرفت و رفت وچون بمکان شیزکه در آن زمان بیابانی بود رسید مرگ اورا دریافت .

چون مرگ خویش را حس کرد کیسه خاك را در همانجا در زمین دفن کرد .

پارسیان بر آنندکه وقتی خبر بپادشاه رسید یکی از معتمدان خود راگفت برو درهمانجاییکه آنمرد مرده برهمان‌کیسه خاك آتشکده‌ای بناکن .. ...

چون فرستاده بدانجا رسید شب شده بود ناگاه روشنایی بزرگی درنزدیکی آن‌مکان‌مشاهده نمود . دانست که آن‌همان‌جایی‌است که میجوید . سپس بدانسوی رفت‌وبدورروشنایی‌خطی‌کشیده‌وبخوابید. ـ چون بامدادشددستورداد برروی آن خط ساختمانی‌ساختند وآن همان آتشکده شیزاست» . [۲]

مرحوم ولادیمیرمینورسکی در حواشی رسالة‌الثانیه درباره این آتشکده و شهرشیز مینویسد :

تخت سلیمان بخط مستقیم در ۱۴۰ کیلومتری زاویه جنوب شرقی دریاچه اورمیه واقع است . چون دریاچه مزبورمعمولا دریاچه شیز (چیچست) خوانده میشدگمان میرودکه شهرشیز به دریاچه اورمیه نزدیك‌تر باشد .

بررسی منابع یونانی درباب شهربزرگ‌کنزکه Ganzaka (شیز) که‌آتشکده معروف درآن قرارداشته ، بطور قطع مکانی‌را واقع دریك دشت نشان میدهدکه باحتمال قوی‌بدشت لیلان Laylan واقع درچهارده‌کیلومتری زاویه جنوب شرقی دریاچه اورمیه شباهت دارد. درنتیجه «گنزکه» (شیز) باید مکانی‌بجزتخت‌سلیمان

۱ـ دراینجا فکر آرامی مسیحی که تحت تأثیر انجیل واقع شده وایرانی زردشتی بهم‌آمیخته است . رك : انجیل متی باب دوم

۲ـ الرسالة‌الثانیه طبع قاهره سال ۱۹۵۵ ص ۲ـ۴



قلعهٔ تخت سلیمان



درب ورودی قلعه تخت سلیمان

مربوط به صفحه ۱۱۲

باشدکه ابودلف آن‌را بنام شیز بیان‌نموده‌است. مسعودی‌درمروج‌الذهب‌می‌نویسد: انوشیروان، آتش‌را ازشیز و «ولران» به، البرکة، (استخر) انتقال داد یعنی به محل‌تازه‌ای‌که با تخت سلیمان‌کنونی تطبیق‌مینماید. سپس‌این‌مکان جدید در گفتگوهای عمومی می‌بایستی نام، شیز، (لیلان)را بخودگرفته باشد.

یاقوت دراقتباس‌خود از ابودلف (معجم‌البلدان ج۲ ص۲۵۶) مطلب زیررا اضافه می کند وگوید: «شخصی دیگرمیگفت‌که آتش آذرخش (آذرخوش) در شیزواقع است و آن معبد معروف مجوس‌است هنگامیکه یکی ازپادشاهان‌ایشان بر تخت می‌نشست با پای‌پیاده بزیارت آنجا میرفت» بلاذری.(ص۳۲۶) مینویسد: «در زمان عمربن‌خطاب مرزبان اردبیل با عربها پیمانی بست‌که بموجب آن مردم شیز نبایستی از رقص روی آتش که در آن روزگار مرسوم بوده وهمچنین از حفظ عادات ورسوم خود منع شوند». ازاین بیان بطورضمنی‌چنین برمیآیدکه آن‌آتشکده درحدودسالهای۱۳_۲۳هجری‌هنوزوجود داشته‌است. امااین‌امرمورد تردید است‌که آیاآن‌آتشکده درسه قرن پس ازآن تاریخ هنوز دایربوده باشد، وبیانات ابودلف دراین‌باب قانع‌کننده نیست.

مسعودی‌درالتنبیه‌والاشراف(ص۹۵)نوشته: «شخص‌میتواندهنوزتصویرهایی برنگهای مختلف ازآسمان وستارگان وجهان با زمینها و دریاهای‌آن وگیاهها و غیره درآن معبد مشاهده‌کند». اما هلالی‌راکه ابودلف دربالای‌گنبدآن‌دیده عین شکل‌آن درطاق بستان موجود است‌که نوك‌آن بسمت بالا برگشته.

همین‌شعارنیزدرمسکوکات ساسانی‌دیده میشود. این‌مطلب درمقاله بارتولد Barthold بروسی‌تحت عنوان «هلال شعاراسلام» درروزنامه‌ایزوستیا Isvestia نقل شده‌است‌درآنجاوی‌حدس‌میزندکه هلال‌پیش‌ازآنکه جنبه‌دینی‌بخودبگیرداصولا شعارخاندان سلطنتی (ایران دردوره ساسانی) بوده است. اما هرمزبن‌خسروشیر پسربهرام می‌بایستی نخستین پادشاه از سلاطین‌سه‌گانه مجوس باشدکه نامشان در

کتاب سریانی معروف به «غار گنجینه‌ها» چنین آمده است: « هرمزکار (هرمزداد) اهل «ماخوزده» پادشاه ایران که عنوان شاهنشاه داشت پایین آذرویگان (آذربایجان) اقامت داشته است ».

مارکوارات این هرمز را با ارتبان Artaban (اردوان) دوم (۱۲_۳۸ م) که دراصل پادشاه آذربایجان بوده تطبیق کرده است وی چون فرزند شاهزاده خانمی پارتی بود سرانجام بمقام شاهنشاهی پارتی رسید.

ممکن است مقصود از ذکر نام خسرو اشاره به بنیان گذار آتشکده باشد. بنابراین بایستی بنای این آتشکده به توصیهٔ مغان و همت پادشاهان آذربایجان از خانواده آتروپات در عصر اشکانی در محل تخت سلیمان فعلی پی افکنده شده باشد.

درفصل هفدهم بند هش بند ۷ درباره این آتشکده آمده که: «آتورگوشنسپ (آذرکشنسپ) تا هنگام پادشاهی کیخسرو همواره پناه جهان بود. چون کیخسرو بتکده دریاچه چیچست (دریاچه اورمیه) را ویران کرد آن آتش به یال اسب او فرونشست سیاهی و تیرگی را برطرف ساخت و روشنایی بخشید، بطوریکه او توانست بتکده را ویران کند و درهمان محل در بالای کوه «اسنوند» Asnavand، دادگاهی (معبدی) ساخت و آذرکشنسپ را فرونشاند.»

از این بیان چنین برمی آید که اولا آن آتشکده را خسرو نامی از شاهزادگان آذربایجان در عصر اشکانی بنا کرده و چون هویت او بعدها از یادها رفته است در روزگار ساسانی بنای آن آتشکده را به کیخسرو شاهنشاه داستانی ایران نسبت داده‌اند.

ثانیاً نام این آتشکده به پهلوی آتورگوشنسپ âtur Gushnasp است که در پارسی آذرگشنسپ و آذرگشسپ شده و مرکب از سه کلمه است. آذر + گشن + اسپ.

۱ـ سفرنامه ابودلف ص ۹۸-۱۰۰

گوشن (گشن) درزبان پهلوی وفارسی بمعنی، نر است .

بنابراین معنی نام این آتشکده چنانکه درداستان اسب کیخسرو دربند هش آمده ، آتش آویخته به اسب نراست ، که همان اسب کیخسرو در داستان پیش گفته باشد .

درتعریف کوه « اسنوند » بازدرفصل دوازدهم بند هش بند۲۶ آمده که:«کوه اسنوند درآتروپاتکان‌است:» درزاد اسپرم ازکتابهای پهلوی‌درفصل ۶ بند۲۲ آمده که : «آذرگشسپ پیروزگر در کناردریاچه چیچست واقع است».

باز درهمان‌کتاب درفصل یازده بند ۹ آمده که «آذرگشنسپ درکوه اسنوند درآتروپاتکان‌است ». نام محل‌آتشکده درزبان پهلوی شیچکان Shêchikân آمده همان « شیزکان » و شیز می‌باشدکه نام دیگر آن گنجك است . در کتاب پهلوی دینکرد سفرسوم‌آمده‌که نسخه‌ای از بیست و یك نسك (کتاب) اوستارا درگنج شیچیکان (شپیگان) نهادند . بنا به‌شهادت‌آن‌کتاب میتوان‌گفت‌که یك نسخه از اوستای‌زردشت درآذربایجان درشهرشیزدرآتشکده‌آذرکشنسب نگاهداری‌میشده است . نام این آتشکده درتاریخ قم « ماجشنسف » (ماه‌گشنسپ)آمده مینویسد : « چنین‌گوید همدانی درکتاب‌خودکه دردیهی ازدیه‌های‌قم نام‌آن‌مزدجان‌آتشکده کهنه ودیرینه بوده است و دراین آتشکده‌آتش‌آذرجشنسف بوده است مثل‌آتش آذرخره وآن‌آتش‌جمشید است واولین آتشها است ، دیگرآتش‌ماجشنسف‌که‌آن آتش‌کیخسرواست . مجوس دربن‌هرسه‌آتش غلوکرده‌اند . اماآتش‌ماجشنسف‌که آن‌آتش‌کیخسرواست به موضع « برزه »آذربایجان بود .

انوشیروان ... آنرا به «شیز» که اولین موضعی است ازمواضع‌آن ناحیت نقل کرد زیراآن‌آتش بنزدیك ایشان بغایت عظیم ومحترم بوده است .

درکتاب مجوس‌چنین یافته‌ام‌کـه برآتش‌آذرجشنسف فرشته‌ای موکل است وببرکه همچنین‌فرشته است، وبکوهی از ناحیت‌آن‌که‌آنرا سبلان‌گویند همچنین

ملکی است ، واین فرشتگان مأمورند بتقویت و تمشیت صواحب جیوش . پس انوشیروان گفت مرا دست نمیدهد که آتش آذرجشنسف و آتش برکه (استخر) به سبلان نقل کنم تا این هرسه آتش بیك جا جمع شوند . اما من آتش آذرجشنسف به آتش برکه نقل کنم تا هردوملك یکدیگررا معاونت میکنند ... وآن آتش که مجوس در آن غلوکرده‌اند آتش آذرجشنسف است که بـه مزدجان (فردجان) بوده است .

متوکلی گوید که چون مزدك برقباد غلبه کرد ، قباد را گفت وظیفه چنان است که تواین آتش را بنزدیك نقل کنی .

همچنین مجوسی روایت کرد که آتش آذرجشنسف از آتشکده بیرون آمد و به آتش ماجشنسف با آذربایجان متصل شدو بدان آمیخته شد،وچون اورا می افروختند آتش آذرجشنسف سرخ پیدا وظاهرمیگشت، وآتش ماجشنسف سفید ، واین گاهی می‌بود که پیه در آن می‌انداختند . راوی گوید که چون مزدك را بکشتند دیگر باره مردم آتشهارا بجای خود نقل کردند ، وآتش آذرجشنسف به آذربایجان نیافتند وهمه اوقات تفحص حال آن مینمودند و برابر آن میرفتند تا معلوم کردند که آن به « مزدجان » (یکی از دهـات قم) مراجعت کرده است . پس همه اوقات بدین قریه این آتشکده بوده است تا آنگاه که « بیرون » ترکی امیرقم بدین دیه رسید و برباروهای آن منجنیقها وعراده‌ها نصب کرد وآنرا درسنه ثمان و ثمانین ومأتین (۲۸۸ هـ) فتح کرد، باروی آن خراب کرد وآتشکده را زیروزبر گردانید واز آن روز آن آتش وآتشکده باطل گشت .[۱] »

منظورمؤلف تاریخ قم آنست که آتشکده آذرگشنسب اصلا در «مزدجان» قم بوده واز آنجا به آذربایجان انتقال یافته است . چنین عقیده درایران قدیم رواج فراوان داشته ، ومردم ایران عادت داشتند که ازسه آتشکده بزرگ که آذرگشنسب

۱ـ تاریخ قم بتصحیح آقای سید جلال‌الدین طهرانی ص ۸۸-۸۹

سه آتش مقدس آتشکده‌ای بسازند.

وحکم سه مادر آتشکده را داشت به شهرهای خود آتش آورده وبنام یکی از آن (در آذربایجان) وآذرفرنبغ (در فارس)، وآذربرزین‌مهر (در خراسان) باشد

لابد درزمان‌های قدیم هم آتشی از آتشکده آذرگشنسپ از آذربایجان آورده و در مزدجان قم بنای آن آتشکده‌ای بنا کرده بودند. باید دانست که امروز درحوالی قم دوده بنام «مزجان» و«مزدقان» وجود داردکه اولی ازتوابع محلات ودومی ازتوابع ساوه شمرده میشود.

حمدالله مستوفی محل آتشکده آذرگشنسپ رادرولایتی بنام ایجرود(آنجرود) نوشته که مغول آنرا ستوریق میخوانندگوید:«آن برسرپشته‌ای است، کیخسروکیانی ساخته است ودرآن قصبه سرایی است بزرگ ودرصحن سرای چشمه‌ای است بشکل حوضی بزرگ بلکه مانند دریاچه‌ای ملاحان بقعرش نمیتوانند رسید.

دوجوی آب هریك بمقدار آسیاگردانی دایم ازآنجا بیرون می‌آید و چون درمی‌بندندآب حوض زیادت نمیشود، وچون میگشایند برقرارجاری است و در هیچ موسم کم وبیش نمی‌باشد و این ازنوادراست. ابقای مغول (۶۶۳-۶۸۰ ﻫ) آن‌سرای‌را با حال‌عمارت آورد ودرآن حوالی علفزاری خوبست [۱]».

امروزهم دربخش‌جنوبی تخت سلیمان‌درتکاب جویی‌بنام، سروق‌جاری‌است[۲]

موسیو کلایس می‌نویسد: «حفاری‌های هیأت آلمانی نشان می‌دهد که در تخت سلیمان هیچگونه ساختمان مربوط به زمان اشکانیان پیدانشده وتخت سلیمان نمیتواند با قلعهٔ فرا آسپا قابل انطباق باشد، برعکس نام «شیز»که طبق روایت ابودلف مسعربن مهلهل درقرن‌دهم‌میلادی به‌این‌محل اطلاق‌می‌شده، وهمچنین‌نام «ستوریق» برای‌کاخ اباتا خان مغول دراوخرقرن سیزدهم مطمئن بنظرمیرسد.

۱- نزهةالقلوب ص ۷۰.

۲- رك: پورداود یشتها ج ۲ ص۲۳۹-۲۵۲ ؛آناهیتا ص ۳۲۹-۳۳۹

باین ترتیب تخت سلیمان دارای دودوره ساختمان اصلی بوده‌است یکی در زمان ساسانیان یعنی از قرن سوم پس از میلاد تا هجوم عرب بایران در قرن هفتم، ودیگری درزمان مغول در پایان قرن سیزدهم میلادی.

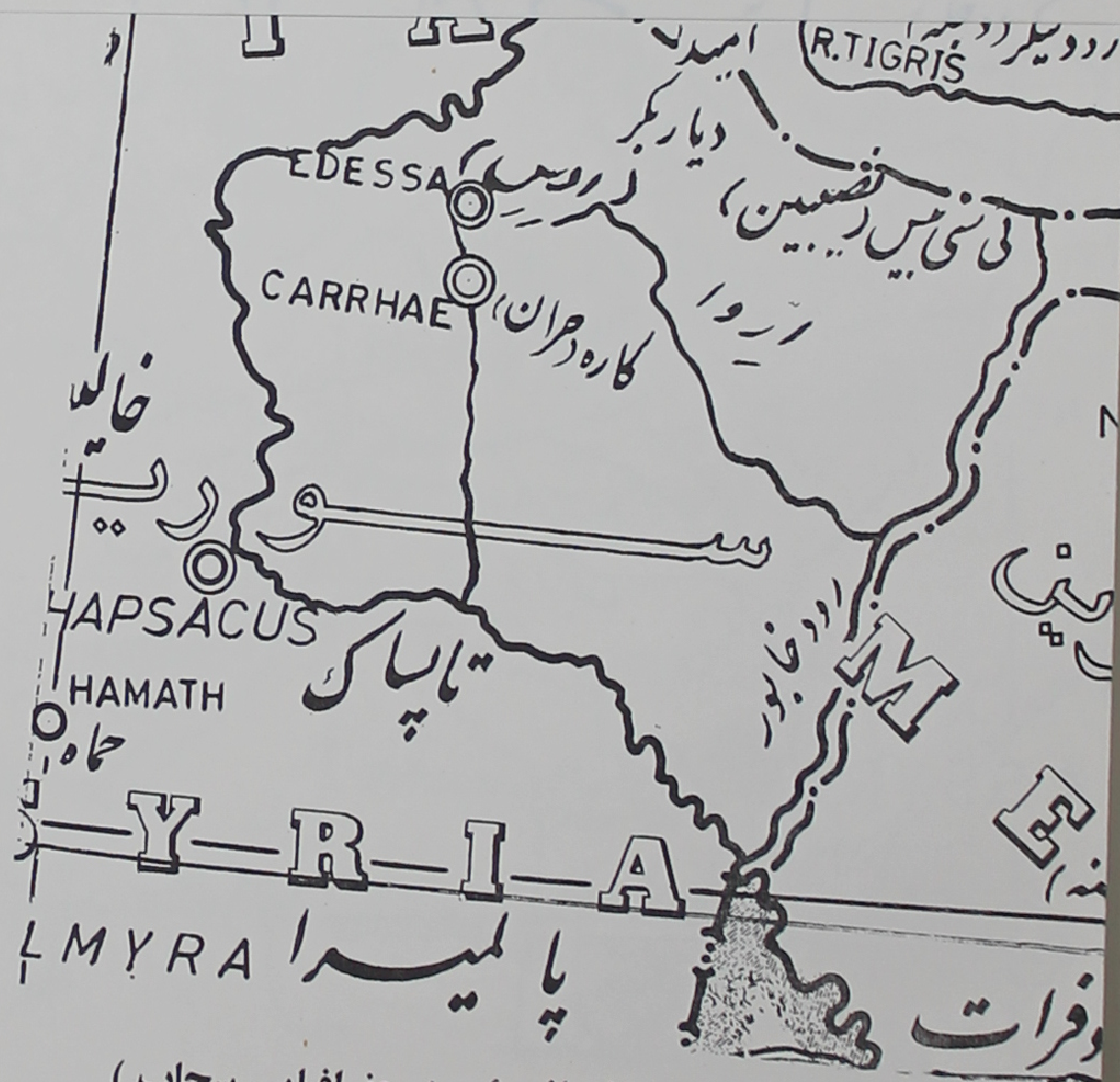
در نظر اول حصار زمان ساسانیان با دو دروازه ساسانی و ۳۸ برج نیم دایره ودرداخل آن دوساختمان مستطیل شکل، که دراصل مربع شکل بوده بچشم میخورد. یکی از این دوساختمان درگرد دریاچه‌ای به وسعت هشتاد تا صد متر واقع شده، وساختمان دیگر که درشمال قراردارد بوسیله راهروهایی به ساختمان مرکزی پیوسته است. درزمان ساسانیان دودروازه یکی درشمال ودیگری درجنوب شرقی وجود داشته ودروازه شمالی این قلعه دروازه اصلی بوده است. از این دروازه چندین حیاط متوالی به یك حیاط ستون دار وازطریق یك تالار به آتشکده منتهی میگردد. کانون ومرکز تمام ساختمانهای تخت سلیمان آتشکده زمان ساسانیان می باشد. این آتشکده بسبك معروف چهار طاق که دور آنرا راهروهایی احاطه کرده ساخته شده‌است. محوطه مرکزی دارای یك سقف گنبدی شکل بوده که روی چهارطاق وچهارپایه درچهار گوشه استقرار داشته است. تمام این ساختمان از آجر ساخته شده ودیوارهای آن تقریباً بارتفاع هفت متر هنوز محفوظ مانده است. درکف محوطهٔ مربع شکل، یك فرورفتگی مربع شکل وجود دارد واین فرو رفتگی درست نقطه‌ای است که زیر تقاطع خطوط گنبد قرار دارد و آتش مقدس درآنجا می‌سوخته است. ظاهراً موبدان در راهروهای دور آتش مقدس می‌گشته‌اند و می‌توانسته‌اند چهار بار از روی دیوارهای کوتاه آتش را از میان چهارطاق بنگرند. در محوطه تخت‌سلیمان دو آتشدان کامل ویك آتشدان ناقص زمان ساسانی کشف گردیده که از لحاظ شکل با آتشدانهای روی سکه‌های ساسانیان مطابقت دارد.

درسالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۵ بترتیب دوسرستون بیزانسی ازمرمر دراین آتشکده کشف شد که مربوط به قرن ششم میلادی است.

تقریباً درفاصله سه‌کیلومتری مغرب تخت سلیمان ، محلی بنام « زندان سلیمان» قراردارد و آن کوهی مخروطی‌شکل است‌که ازاطراف خود یکصد متر مرتفع‌است .آب دریاچه بر اثرشکستن دیوارهای کوه بخارج راه یافته است . دهانه‌این‌دریاچه‌که اکنون خشك‌شده وشبیه یك‌کوه‌آتشفشان می‌باشد ۵۰×۶۰ متر وعمق‌آن یکصد متر است .

تقریبا دردوثلث ارتفاع این‌کوه درقرن هشتم(ق.م) یـك ساختمان ایجاد گردیده بودندکه ظاهراًیك‌معبد بوده‌است. تقریباً درسه چهارم‌محیط این‌کوه‌یك حصار در یك ارتفاع مساوی دیده میشودکه از اطاقهای جنب یکدیگر تشکیل می‌شده ودر فواصل منظم یکی ازاین اطاقها بصورت برج وبارو وجلوتر ازدیگر اطاقهاساخته شده‌است. یك صفه در جلوی این حصار ادامه دارد و از سه دروازه می‌توان‌به داخل‌زندان واردشد ، درحالیکه دروازهٔ شرقی دروازهٔ اصلـی بوده و راهمیانی از دره بسوی‌آن بالا میرفته‌است . تصور میرودکه زندان سلیمان یـك معبد ، وصفه مقابل‌آن‌محل‌آتشکده بوده وباین ترتیب‌ارتباط دوعنصرآب‌وآتش که‌برای یك‌معبد وآتشکده ضروری بوده نزدیك یکدیگر وجود داشته است . بنظر بعضی ازمحققان، زندان سلیمان اصلا معبد مقدس قوم‌مان‌نا بوده و ظروف مکشوفه درآن‌محل‌شبیه به‌ظرفهای‌حسنلواست.احتمالادرقرن‌هفتم (ق.م) زندان سلیمان‌بصورت یك‌دژ مستحکم درآمده‌است وظاهراً تبدیل‌آن معبد به‌دژ برای دفاع ازحمله‌آشوریان واورارتویان بوده است. تمام‌زندان سلیمان بر اثرحریق در نتیجه یك‌جنگ نابود شده‌است.

۱ـ رك: تخت سلیمان وزندان سلیمان، مجله دانشکده ادبیات تهران (سال شانزدهم شماره۴ ؛ ونیز ازنظر زمین شناسی تخت سلیمان رجوع شود به‌کتاب‌آقای دکترمحمدجواد جنیدی تحت عنوان: چشمه‌های معدنی‌ایران ج۱(انتشارات دانشگاه تبریز) ص۲۸۷-۳۱۴



ان هخامنشی و سلوکی (نقشه از مؤسسه جغرافیایی سحاب)

پس از این حریق دیگر زندان سلیمان مورد سکونت قرار نگرفته و احتمالا مدت کوتاهی پس از خاموش شدن حریق در نتیجه یک سانحه طبیعی آب دریاچه نیز پایین رفته است[۱].

آذربایجان در عهد ساسانی ـ بقول طبری اردشیر (۲۲۶ـ ۲۴۱م) پس از شکست اردوان به همدان و نواحی دیگر ماد و آذربایجان و ارمنستان لشکر کشید ولی موفق به تسخیر ارمنستان نشد بر اثر نفوذ شدید خسرو پادشاه ارمنستان معلوم نیست که اردشیر در آغاز کار توانسته باشد تمام قسمت کوهستانی آذربایجان را مسخر کند یا نه ؟

چنانکه در پیش اشاره کردیم نقش برجسته‌ای در کوهی نزدیک (سلماس شاپور) دیده میشود که بعقیده اغلب محققان مربوط به عصر اردشیر است . در آنجا دو تن سوار مشاهده میشود که هر دو جامه پادشاهان ساسانی پوشیده‌اند. نوارهای لباسشان آویخته و گوئی بافته در بالای سرشان نمایان است و دست بر شمشیر دارند. سوار دست چپ دارای ریش است و ظاهراً از سوار دست راست که ریش ندارد. پیرتر است. در جلو هر یک از سواران یک نفر پیاده دیده میشود . لهمان هویت Lehman Haupt گمان می کند که آن آثار محو شده یک کتیبه پهلوی ساسانی باشد و بر روی جامه یکی از آن دو پیاده این کتیبه تشخیص داده میشود. بعقیده زاره این کتیبه محتمل است مربوط به اردشیر اول و پسرش شاهپور باشد[۱] . شاپور اول (۲۴۱ ـ۲۷۳م) با روم در آغاز کار صلح کرد و بموجب پیمانی که در سال ۲۴۴م بین او و فیلیپ عرب L,arabe_philip قیصر روم امضاء شد ارمنستان بایران واگذار گردید . سپس شاپور با اقوام ماد کوهستانی که همان آذربایجان باشد جنگ کرد و آنان را باطاعت آورد . در این زمان مرزبان آذربایجان لقب شهب shahab داشت . این لقب که از عصر هخامنشی مانده بود در بعضی از نواحی ایران قدیم رواج داشت مثلا در مرزهند بصورت ،کستر په Ksatrapa وچهترپه Chhtrapa وماه کسترپه Mah Ksatrapa دیده شده است .

۱ـ کریستنسن: ایران در زمان ساسانیان ص ۱۱۳

که در اصل «خشتره پوان» یعنی ساتراپ وحاکم بوده است [۱] . در زمان شاهپور دوم ساسانی (۳۱۰_ ۳۷۹) بازجنگ بین ایران وروم بر سر ارمنستان در گرفت در یکی ازاین جنگها یولیانوس امپراطور روم کشته شد(۳۶۳ م)،وژووین Jovian (یوویانوس) بجای او نشست . درزمان وی عقد صلحی بمدت سی سال بین ایران و روم بسته شد . ژووین سرحدات ارمنستان وآذربایجان راتغییر ندادولی ارشك پادشاه ارمن را درمقابل ایرانیان بی‌دفاع رهاکرد. بقول فوستوس Faustos بیزانطی در این زمان گنز گ(گنجك)که درسرحد ایران وارمنستان بود بدست «بدشخ» وحاکم‌های ارمنی‌ازطرف پادشاه ارمنستان‌اداره‌میشد . امابزرگان ارمنی بخصوص بدشخ‌های آلزانیك Alzanik و نور سیراکان Norsirakan و ماکرتون Makartun ونیهورکان Nihorakan وداسن Dasn و گوگارك Gugark بتدریج از ارشك شاه ارمنستان بریده‌به شاپور دوم‌پیوستند . اگرچه‌سردارارمنی‌اسپاراپت موشل Sparapet-mushel موفق شدکه موقتاآنان رامطیع‌کند ولی‌دراولین تقسیم ارمنستان بین ایران‌وروم، بسیاری ازآن نواحی‌منتزع شدند، واین منشاء ایجاد ولایات ارمنستان پارس است که ازشمال غربی تاجنوب شرقی در ساحل غربی دریاچه اورمیه امتداد داشت و بعد جزءآذربایجان‌گردید .

از این ایالات ارمنی نشین بیش از همه دو ایالت هیر Hêr وزراوند Zaravand دروازه هجوم ایرانیان به ارمنستان بود وآن دو در تحت حکومت حاکم بزرگی به‌لقب شهب Shahap اداره میشدکه به‌آن لقب‌فقط درآذربایجان ودرشهاپیوان Shahapivan (خشتره‌پوان) که زمانی‌متعلق به‌آذربایجان بود بر-میخوریم و این‌نواحی سابقا جزءآذربایجان بوده‌است .

مثلا بقول فوستوس بیزانطی سلماس Salmâs قبلا جزء ارمنستان‌پارس بود که‌پیش‌ازتصرف‌آن بدست‌ایرانیان جزء ایالت‌کورچك Korchek محسوب‌میشد . در شمال شرقی‌آذربایجان بعدها پاتیتکاران Paitakaran (بیلقان و نواحی)آن به

آذربایجان پیوست.

در جنوب، آذربایجان تا ناحیه «سیسر» درمحل «سنه» امروزی که حاکم نشین‌ولایت کردنشین اردلان است ادامه‌داشت.

دراین‌نقطه سرحدات‌ولایت‌همدان‌ودینوروآذربایجان‌باهم‌تلاقی‌میکردند، در نزدیکی همین ناحیه روستای مایبهرج که در پهلوی، مای‌پهرك، بمعنی پاس وصیانت ولایت ماه(ماد) است قرارداشت.

درشمال شرقی وردان Vardan که به ارمنی و روانه‌کرت Vardanakart و بعربی «ورثان» شده درساحل شمالی ارس قبل از تلاقی آن بارودکورا واقع بود و سرحدآذربایجان بشمارمیرفت [1]. ازحوادث‌زمان‌بهرام‌گورهجوم‌هیاطله‌یاهون‌های سفید از مشرق به ایران است این قوم در ۴۲۵ م از جیحون گذشته بایران حمله‌کردند. بهرام بظاهرچنین وانمود کرد که‌ازهجوم‌ایشان خود راباخته‌است وبا قوای‌کوچکی بقصد شکاربیرون شد و بطرف آذربایجان رفت وآتشکده آذر گشنسپ رازیارت‌کرده ازآنجاازراه اردبیل به‌آمل مازندران وگرگان‌رهسپارشد ودرخراسان بردشمن‌شبیخون‌آورده خاقان هیاطله را بکشت و زن خاقان اسیر شد [2]. بقول‌فردوسی وطبری بهرام پس ازاین‌فتح به‌آذربایجان آمد وآتشکده شیزرا زیارت نمود وتاج وشمشیر بسیاری از غنائم‌گرانبهای خاقان‌را به‌آتشکده آذرگشنسب درشهر شیز هدیه‌کردوآن تاج وگوهرهارادرآن‌آتشکده‌بیاویختند. سپس بفرمود که خاتون زن خاقان را به‌خدمتکاری‌آن‌آتشکده بگماشتند [3].

درمنابع‌ارمنی‌نام هونهای سفیدکه درقرن‌چهارم میلادی‌به‌آذربایجان‌حمله کردند خایلندورك Xaylandurk یاد شده‌که در جنوب مغان اطراق‌کرده بودند. طبق‌منابع‌ارمنی‌سابرها Saber که ازهون‌های سفید بودند درزمان‌قباداول ازدربند

۱- مارکوارت ایرانشهر J. Marquast, Eranshahr, Ber lin, 1901,108

۲- ایران درعهدباستان‌ص۴۱۸

۳- تاریخ طبری طبع اروپا ص۸۶۳-۸۶۵

داریال گذشته به آذربایجان حمله آوردند. آنان رقیب قبیله دیگری بنام سابیر Sabir ازهونها بودند که در منطقه‌کرج دستمان Tamanمیزیستند. رئیس سابیرها:امبازوك Ambasukنام داشت ودرسال ۵۰۸میلادی در اران‌باقباد ساسانی جنگ کرد. فرزندان اوباقباد پیمان دوستی بسته بادولت‌بیزانس جنگ کردند ودرسال ۵۱۵ و۵۱۶ همه ارمنستان رااشغال نموده بطرف‌آسیای صغیر سرازیر شدند، حتی‌کالانیا وکاپادوکیا وقونیه را نیزگرفتند. درسال ۵۲۲ میلادی رئیس قبیله سابیرهاکه زیگی‌لی Zigili نام داشت بر اران و شروان حکومت میکرد. جمعیت سابیرها درآن‌زمان تاصد هزار خانوار نوشته‌اند. در این‌زمان هونهای کوبان Kuban که میخواستند بطرف جنوب قفقاز مهاجرت کنداز‌طرف سابیرها جلوگیری شدند. درسال۵۳۱ هونهای سابیر با بیزانس متحد شدند. درسال ۵۵۵ بطرف ایران حمله‌آوردند. در۵۵۸ باآوارها (وارخونی) بجنگ‌پرداختند. در درهمین سال بجنوب در بند راه یافتند. تاآخر سلطنت قباد اران وگرجستان و واسپورکان Vaspurakan وسیسجان‌دردست‌قوم خزر بود وشهرایشان‌کابالا Kâbala (قبله) نام‌داشت.

ممکن است نام شروان ماخوذ ازنام «سابیر» باشد. طبق‌سنگنبشته‌ای‌که‌در ۱۹۲۹دردربند کشف‌شده‌درزمان‌انوشیروان شخصی‌بنام‌بارزیوس Barzius بعنوان مدیرمالی‌آن‌قلعه زیرفرمان دولت‌ایران بوده‌است [۱]. ظاهراًبمناسبت این‌قبیل ثروتها واشیاء نفیس‌که درشهرشیز جمع‌شده بود آنراگنجك یعنی(گنج‌خانه) نام نهادند.

ازحوادث زمان انوشیروان (۵۳۱ ـ ۵۷۹م) هجوم اقوام ابخاز و خزر و

---

۱. A. Zekivelidi Togan : Azerbaycan : Islam Ansiklopedisi , 2 cilt. Istanbul 1949, p. 91 - 119

بلنجر و آلان به‌ارمنستان ایران است . خسرو انوشیروان آنان راشکست‌سختی داد و اسیر بسیار گرفت وقریب ده‌هزارتن از اسیران رادر آذربایجان و نواحی آن اسکان‌داد.[۱]

درزمانیکه ویستهم ، ووندی (بندوی) سرداران هرمزبن انوشیروان آن پادشاه راکورکرده وازسلطنت خلع‌کردند پسرش خسروپرویزدرآذربایجان‌بود. بزرگان ایران‌ویرا ازآن‌ایالت‌خواسته بشاهی برداشتند(۵۹۰م)[۲] . پس‌ازآنکه خسرو پرویز بسلطنت نشست بهرام چوبین‌که درزمان پدرش هرمز سر بشورش برداشته بود حاضرنشد ازوی اطاعت‌کند وچون‌لشکری بزرگ در اختیار خود داشت ، خسرو ازپیش‌او بگریخت‌وبروم رفت وبکمک‌موریکیوس امپراطورآن کشور بالشکری ازرومیان ازراه‌آذربایجان به‌ایران بازگشت.

درسال ۵۹۱خسرو به‌شهر شیزرفت وآتشکده‌آذرگشنسپ را زیارت‌کرد واز خداوند درپیروزی خود بربهرام چوبین یاری‌خواست . امابهرام‌چوبین درغیاب خسرو بپادشاهی ایران نشست ، وندوی (بندوی) دایی خسرو که زندانـی بود اززندان گریخته بآذربایجان نزدبرادرش ویستهم رفت ودرآنجاعلم مخالفت‌علیه بهرام چوبین برافراشته مردم رابنفع خسرو گردخودفراهم می‌آورد .

سرانجام بهرام درحوالی گنزك (گنجك)آذربایجان‌شکست‌سختی‌ازخسرو خورد وبترکان ماوراءالنهر پناه برد وچندی بعد دربلخ به تحریك خسروپرویز کشته شد[۳] . خسروپرویزپس‌ازمدتهاسلطنت دراواخرعمرازهراکلیوس‌امپراطور روم شکست. خورد هراکلیوس در۶۲۴میلادی پس‌ازتسخیر آذربایجان شهرگنزك (گنجك) را اشغال‌کرده‌آتشکده‌آذرگشنسپ را ویران ساخت . خسرو درهنگام

۱ــ تاریخ‌طبری طبع اروپا ج۲ ص۸۹۵

۲ ــ ایضاً تاریخ طبری ج۲ ص۹۹۳

۳ــ طبری ج ۲ ص ۲۹۳ــ۱۰۱

گریز قدری از این آتش مقدس بهمراه خود برد[1] . بقول تئوفانس Theophanes (۷۵۰-۸۱۷م) مورخ بیزانسی، گنج وثروت این معبد راکه شبیه گنجهای کروزوس Krorus پادشاه قدیم لیدیه بود رومیان بغارت بردند[2] .

درروزگار آذرمیدخت در ۶۳۰ م . یکی ازاسپهبدان ایران که طبری اورا اسپهبدآذربایجان نوشته مدعی سلطنت شد وملکه را بزنی خواست ، آذرمیدخت درنهان وسائل قتل اورا فراهم آورد . آنگاه پسرش فرخ‌هرمزد که رستهم فرخزاد (رستم فرخزاد) نام داشت با سپاهی به تیسفون آمد و آذرمیدخت را از سلطنت خلع وکورکرد . مورخان ارمنی این پدر و پسررا ایشخان Ishkhan آذربایجان خوانده‌اندکه درزبان ارمنی بمعنی امیر است .

رستم برادرش خوره‌زاد راکه منصب دریك پت Drik . Pat (رئیس دربار) داشت به دوین Dvin فرستاد تا اسپیت‌واراز تیروچ جاویدان‌خسرو Aspêt، Wâraz- Tiroch. Javitân. Xosro پسرسمباط خسروشنوم‌را که قباد دوم (شیرویه) مرزبان ارمنستان‌کرده بود دستگیر نماید .

هنگامیکه اعراب تیسفون را محـاصره‌کردند لشکرماد و آذربایجان زیر فرمان‌قباد برادررستم بود. پس‌ازشکست‌ایرانیان‌درحیره بقایای‌لشکرآذربایجان خوره‌زاد را بفرماندهی‌خود برگزیدند . وی به تیسفون‌آمد وگنجهای آنشهر را با خود به‌آذربایجان برد . لقب‌خوره‌زاد دریك بذ ولقب دیگرش‌مردانشاه بود .

پس‌ازشکست‌نهاوند (۶۴۲ م) قیصرروم امیری‌بنام توما Tuma به ارمنستان فرستادوی‌چون‌نمی‌خواست‌قرارداد ساقرا با مادآذربایجان برهم‌بزند ایشخانهارا نزد خودگردآورده بنزد خوره‌زاد امیرآذربایجان رفت .

بقول سبؤس Sebeos هنگامیکه یزدگردبه‌طرف‌طالقان‌خراسان‌برای‌گرفتن

۱- ایران درزمان ساسانیان ص۴۶۹

۲- پورداود ؛ یشتها ج ۲ ص۲۴۴

کمک میرفت خوره‌زاد امیر آذربایجان از پادشاه جدا شده واز اسماعیلیان (اعراب) امان خواست و تسلیم به ایشان شد اعراب اورا مانند هرمزان به مدینه فرستادند.

درهنگامیکه اعراب آذربایجان را تصرف میکردند دو برادر دیگر رستم، اسفندیار و دیگری بهرام در آنجا حکومت داشتند.

گنزک در ۴۸۵ م اسقف نشین بود واسقفی نسطوری داشت. همچنین شهر پایی‌تاکران Paitakaran (بیلقان ؟) نیز اسقف نشین بوده است.[۱]

سنگنبشته‌ای از عهد شاپور دوم ساسانی

در تابستان سال ۱۳۴۵ شمسی کتیبه‌ای بخط پهلوی از زمان شاهپور دوم ساسانی توسط آقای کامبخش فرد باستان‌شناس ایرانی درمشکین شهر کشف گردید. محل پیدا شدن این کتیبه در یکصدمتری شرق میدان اصلی مشکین‌شهر (خیاو) در دره‌ای است که معروف به باغ نوروز است. درارتفاع شرقی این دره قلعه‌ای است که از سه‌طرف با شیب بسیار تندی برودخانه خیاو منتهی میشود. در کمرکش ارتفاع غربی دره یا باغ نوروز تخته سنگ بسیار عظیمی است که درست درمقابل آن قلعه قرار گرفته واین کتیبه بردل آن نوشته شده است.

آن قلعه مستطیل‌شکل است و بتقریب ۲۳۰ مترطول و ۱۱۰ متر عرض دارد واکنون کاملا خراب ومتروک است چنانکه از این سنگنبشته برمی آید بنظر میرسد که آن قلعه بدست نرسه هرمزد نامی که شهردار یعنی فرمانروای آن نواحی بوده پی افکنده شده و درظرف شش سال بانجام رسیده است.

پس از آن درادوار بعد مکرر تعمیر وتکمیل گردیده ومورد استفاده آیندگان قرار گرفته است. درحال حاضر این قلعه دارای آخورها واصطبل‌های فراوانی است وبیك دژ جنگی بیشتر شباهت دارد. این سنگنبشته بخط پهلوی ساسانی است ودر ماه هفتم بیست وهفتمین سال سلطنت شاپوردوم یعنی سال ۳۳۷ میلادی به امر نرسه

۱ ـ ایضاً مارکوارت : ایرانشهر

هرمزد نوشته شده و نخستین کتیبه پهلوی است که در آذربایجان بدست آمده است
این کتیبه دردو ردیف است، که یکی پانزده سطر و دیگری شش سطر درطرف راست
آن است و مجموعاً بیست و یك سطر دارد و بر تخته‌سنگ مزبور کنده شده است.
درجهت راست آن بطرف بالا دو علامت خانوادگی بصورت دوزاویه‌حادهٔ که هردوضلع
آن حلقه‌ای به رأس خود دارد و قاعده هریك بطور عمودی بر پایه دایره مانندی
قرار گرفته است دیده میشود.[1]

الف. تلفظ نگاری هزوارش وپا زند آن:

۱ـ بیرخ (پت ماه) متری قدم (اپر)شنت (سال)

۲ـ ۲۷ شهپوهری ملکان (شاهان)

۳ـ ملکا (شاه) زی(آنك) خوه (بوَت)

برا (پوس)ی هرمزد ملکا (شاه) امت (کا)

۴ـ لی (من) نرسخی هورمزدی‌لی (من)

۵ـ گوپت آیغ (کو) زنه (این) دزی‌زی (آنك) فرخت

۶ـ دخوخلی (؟) زی (آنك) فر کندم اپم (اوم)

۷ـ پعن(پت) شم (نام) زی (آنك) یزدان یدعتن (دانم)

۸ـ ملکان ملکا (شاهنشاه) پعن (پت) ۶ شنت (سال)

۹ـ پعن (پت) فرچامی‌کرتی‌کعن (چنین)

۱۰ـ شترداری ربا(وچورگ) آزات‌ی‌گبرا (مرت)

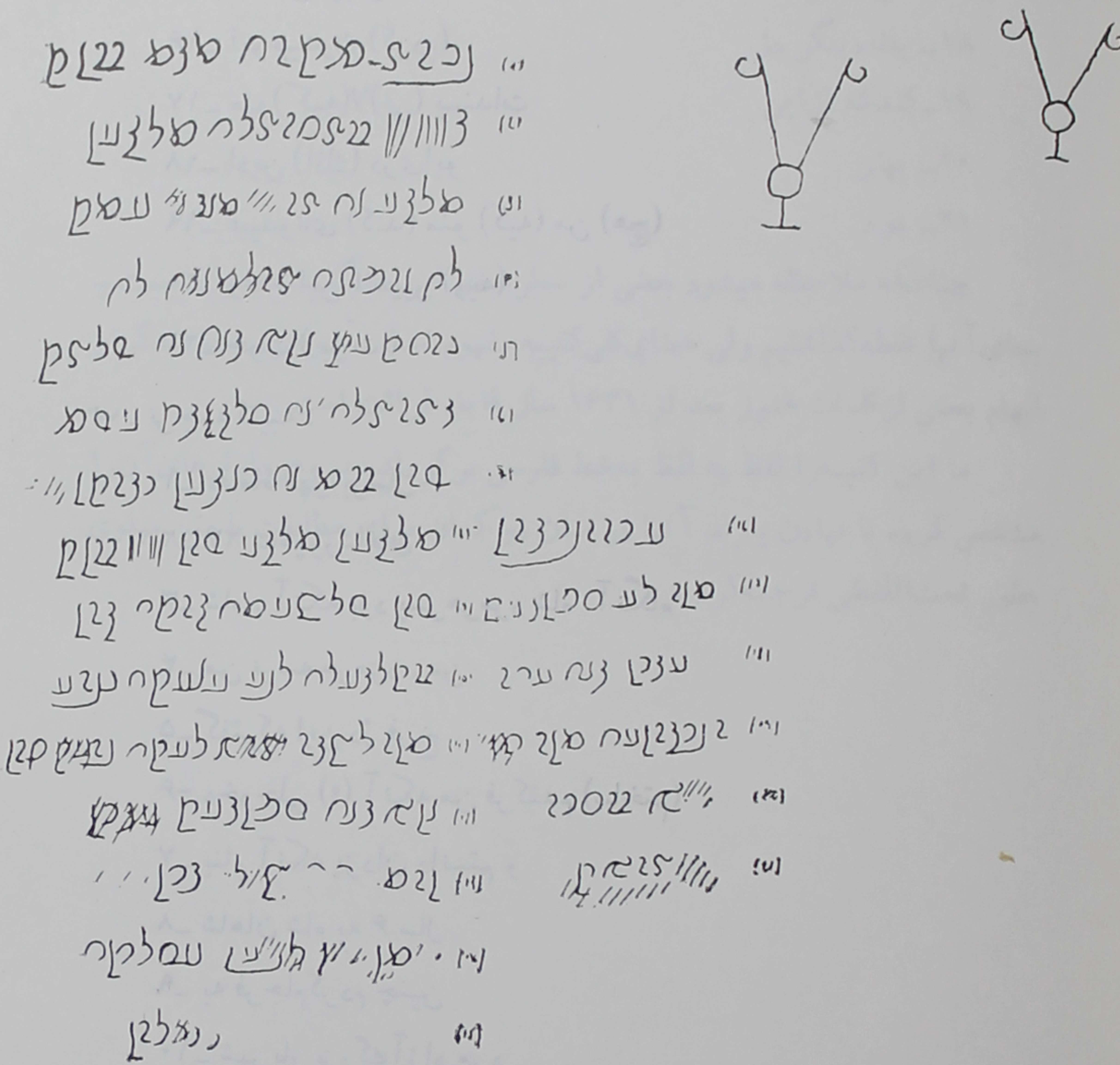
۱۱ـ منو(کیه) لصدر(تر)خوه (بوَت) رات‌ی‌بوات (پعن) پت

۱۲ـ زنه (این) دزی‌پسندات ادین (اذك)

۱۳ـ نوم ....چ..ل...دین..

۱۴ـ من (هچ) لی (من) ال (او) ربان‌آفرینی

۱ـ مجله هنر ومردم شماره ۶۱ و ۶۲ ص ۶-۹



دستنویس متن سنگنبشته پهلوی عهد شاپور دوم

۱۵ـ ... لعن (پیش)

۱۶ـ ایوعبیدون (کردم)

۱۷ـ منو (کیه) لا (نی) پسندات

۱۸ـ ادین (اذك) دزی‌ایو

۱۹ـ عبیدونای (کند) منو (کیه) من (هچ)

۲۰ـ زنه (این) شپیر (ویه)

۲۱ـ خوت (بوت)

ب ـ ترجمه کتیبه :

۱ـ به ماه مهر برسال

۲ـ ۲۷ شاهپورشاهان

۳ـ شاه . آنکه بود پسرهرمزد شاه . آنگاه

۴ـ من نرسه هرمزد . من

۵ـ گفتم‌که این دژ فرخ

۶ـ دخوخلی (؟) آنکه من فرکندم (ساختم)

۷ـ بنام آنکه یزدان دانستم و

۸ـ شاهان شاه به ۶ سال

۹ـ به فرجام‌کردم چنین

۱۰ـ شهریار بزرگ‌آزاد مرد

۱۱ـ هرکه ازاین پسراد باشد

۱۲ـ این دژ پسند زدیگر

۱۳ـ ....

۱۴ـ ازمن بروان اوآفرین باد

۱۵ـ .... پیش

۱۶ـ یك کند

۱۷ـ هر که نپسندد

۱۸ـ یك دیگر دژ

۱۹ـ کند که از این

۲۰ـ بهتر

۲۱ـ بود

چنانکه ملاحظه میشود بعضی از سطرهای این سنگنبشته خوانا نیست و بجای آنها نقطه گذاشتیم ولی معنای کلی کتیبه مفهوم است. با وجود محو شدگی و ابهام بعضی از کلمات هنوز بعد از ۱۶۳۱ سال قابل قرائت است.

ما این کتیبه‌را لفظ به لفظ به‌خط فارسی برگردانیدیم وهزوارش‌های آن‌را مشخص کرده با نهادن پازند آنها در میان دو کمان برای مطابقت با متن پهلوی بطور تحت‌اللفظی ترجمه‌کردیم.

فصل پنجم

آذربایجان پس از اسلام

فتح آذربایجان بدست عرب

فتح آذربایجان پس از آخرین جنگ ایران وعرب در واجرودکه در بین همدان وقزوین قرارداشت وسردارایرانی در آن جنگ موتا وسردارعرب نعیم بن مقرن بود (۱۸- ۲۲ هـ) نوبت فتح آذربایجان رسید .

در جنگ واجرود سردار سپاه آذربایجان اسفندیاذ (اسفندیار) برادر رستم فرخزاد ، وسرداری ری‌فرخان زیبندی به موتا پیوستند ولی‌دراین‌جنگ شکست سختی‌خوردند .

پس از این فتح بکیربن عبیدالله ، و سماك بن حزشه انصاری یکی پس از دیگری بامرعمرخلیفه دوم بآذربایجان رفته وآن سرزمین را تسخیرکردند .[۱]

۱- تاریخ طبری طبع اروپا ج ۵ ص ۲۶۵۰ و ۲۶۶۰-۲۶۶۲

اینك خلاصه این داستان‌را به قلم ابوعلی بلعمی در ترجمه تاریخ طبری‌در این‌مختصر می‌آوریم :

« وعمر به نعیم نامه‌کرد که سماك بن حزشه انصاری را بآذربایگان فرست و آنجا عمر، عتبة بن فرقد و بکیر بن عبدالله را فرستاده بود . پس این‌عتبة بن‌فرقد ازیك‌سو بآذربایگان رفت ، و بکیر بن عبدالله ازدیگرسو نخستین کس که به پیش بکیر آمد ، ملکی بود ازملوك آذربایگان نام اواسفندیار. بکیر چون خبراو یافت که همی‌آید با سپاه ، بعمر نامه کرد ومدد خواست . پس پیش‌ازآنکه مددآمدی با اسفندیارحرب کرد .

بکیر حیلتی‌کرد واسفندیاررا اسیر گرفت .

اسفندیار بکیر راگفت‌که مرا مکش واسیرهمی‌دارکه اگرتومرا بکشی همه آذربایگان خون من ازتو بجویند وبا تو حرب‌کنند . بکیر اورا همچنان اسیر همی داشت و سماك بن حزشه بیامد از نزدیك نعیم بن مقرن بمدد بکیر ، و او اسفندیاررا اسیرکرده بودو آن‌شهرها که‌گرداگرد بود همه‌گشاده بود . پس‌بکیر نامه کرد به عمر که بآذربایگان‌حرب‌نماند واسفندیاراسیراست ومرا ببایدشدن بدربند وحرب آنجا باید ساختن. (پس) مردی ازدهقانان آذربایگان نام اوبهرام (بن‌فرخزاد) بشهرآذربایگان سپاه‌کرد وبه حرب بکیر آمد .

بکیر وعتبه وسماك ، هرسه بیك جای گرد آمدند و حرب کردند . بهرام به هزیمت رفت ، پس بکیر آن خمسهای غنیمت‌گردکرد وبه عمر فرستاد با نامه فتح ودستوری‌خواست بدربند شدن ، عمر ویرا دستوری‌داد . بکیرعتبه‌را برهمه آذربایگان خلیفت کرد وسماك را با همه سپاه بدوسپرد واسفندیاررا بدو سپرد وخود باسپاه خویش‌بدربند شد .[۱] «فتح آذربایجان بقول بلاذری بدست حذیفه‌بن الیمان روی‌داد». وی در امارت مغیرة بن شعبه برکوفه‌که فرمانروایی ایران نیز

۱ـ ترجمه تاریخ طبری نسخه عکسی طبع بنیاد فرهنگ ص ۵۱ـ۵۲

زیر نظر او بود و باشاره عمر از جانب مغیره به حکومت آذربایجان فرستاده شد. در آنگاه اردبیل پایتخت آذربایجان بود. مرزبان آذربایجان که در اردبیل جای داشت سپاهی از مردم باجروان ومیمند ونریز وسراة (سراب) و میانه گرد آورد بجنگ مسلمانان بیرون شد و شکست یافت و با پرداخت هشتصد هزار درهم با حذیفه صلح کرد.

درمقابل حذیفه ازطرف سپاه عرب تعهد نمود که کسی از آنان را نکشد و از ایشان اسیر نگیرد و آتشکده‌های شان‌را ویران نسازد، و آنان‌را دربرابر کردان بلاسجان وسبلان وساتروذان حمایت کند، وبخصوص مردم شهرشیز را ازرقص در اعیاد و نمایشهای یشان منع ننماید.

پس از آن عمر حذیفه را از فرمانروایی آذربایجان عزل کرد وعتبة‌بن‌فرقد سلمی‌را که درموصل وبقولی در شهر زور بود حکومت داد. واقدی مینویسد که مغیرة بن شعبه آذربایجان را درسال۲۲ هجری‌ازکوفه‌بزور بگشاد و آن‌دراصطلاح فقها مفتوح‌العنوه است.

عثمان عتبة بن فرقد را عزل‌کرده ولیدبن عقبة بن ابی‌معیط را فرمانروایی آذربایجان داد. چون مردم موقان‌نقض عهدکرده بودند ولید باآنان‌جنگ نمود وازآنان اسیر گرفت تا بصلحی دیگر راضی شدند. پس از ولید اشعث بن قیس بحکومت‌رسیدگویند اشعث بن‌قیس گروهی‌ازعرب را ازاهل‌عطاء ودیوان (یعنی کسانیکه ازبیت‌المال‌حقوق‌سالانه داشتند) درآذربایجان‌سکونت داد وبآنان امر کردکه مردم‌آن‌سامان‌را باسلام‌دعوت‌کنند. پس‌ازآن سعید بن العاصی‌بحکومت آذربایجان نشست وگروهی ازمردم ارمنستان و آذربایجان بروی شوریده در ارم (اورمیه) و بلوانکرج گردآمدند، سعیدبن العاصی، جریربن عبدالله بجلی را بسرکوبی‌ایشان‌فرستاد، وی‌آنان‌راشکست‌داده پیشوای‌ایشان‌را بردرقلعه‌باجروان بدار آویخت.

چون علی بن ابی‌طالب (ع) بخلافت نشست نخست سعیدبن ساریه خزاعی و سپس اشعث بن قیس‌را حکومت آذربایجان داد.

اشعث دراین بار بیشترمردم را مسلمان یافت که میتوانستند قرآن بخوانند پس گروهی ازاهل عطاء وديوان‌را ازمردم عرب درشهر اردبیل نشیمن‌داد وآنرا پایتخت‌خود ساخت ومسجدی درآنجا بناکرد.

هنگامیکه لشکر عرب به‌آذربایجان فرودآمد، عشایر عرب از مصروشام به‌آن سامان روی نهاده وهرچه توانستند برای‌خود زمین بدست‌آوردند و بعضی ازایشان زمینهای ایرانیان‌را خریدند، ده نشینان زمینهای خویش را به ایشان واگذارکرده خود بناچار برزگری ایشان‌را پذیرفتند[1].»

طبری‌مینویسد:«همواره ششهزارتن‌ازجنگجویان‌عرب‌ازکوفه‌به‌آذربایجان گسیل میکردند وهرچهارسال یکبارعوض‌میشدند.»

ابوالفرج اصفهانی مینویسد«که تنها ازیك عشیره‌بنی‌تغلب دوهزارخانواده بیشتردرآذربایجان سکونت داشتند»[2]

بابك خرم دین

آذربایجان همچنان بدست حکام عرب اداره میشد تا پس ازبنی‌امیه نوبت به عباسیان رسید. ازدورهٔ مأمون یك نهضت مذهبی واشتراکی که با احساسات ملی توأم بود درآذربایجان به پیشوایی‌مردی بنام جاویدان بن‌سهل پیدا شد که آنان را خرم دینان یا خرمیه میگفتند. این فرقه از بازماندگان فرق مزدکی درایران بوده و قائل‌به تناسخ‌بودند. درکتابهای اسلامی این‌فرقه را محمّره‌لقب داده‌وسرخ جامگان‌ترجمه‌کرده‌اند. بعضی‌خرمیه را ازپیروان شروین‌بن‌سرخاب

۱ـ فتوح‌البلدان طبع مصر ص۳۳۳-۳۳۷

۲ـ اغانی چاپ مصر ج ۱۱ ص۵۹

ازشاخهٔ کیوسیه از آل باوند شمرده‌اند [۱]

این نسبت نبایستی بی‌وجه باشد زیرا کیوس برادر انوشیروان و پسر قباد مزدکی مذهب بود و بهمین دلیل بدست برادرش خسروانوشیروان کشته شد.

بسیاری از مورخان اسلام خرمیه را فرقه‌ای اباحی ولذت‌پرست خوانده و وجه تسمیه ایشان را ازکلمه خرم بمعنی شادمانی‌وخوشگذرانی گرفته‌اند.ظاهراً با شهادت اصطخری درترجمه مسالك و ممالك‌که مینویسد:

«گویند مردمان آنجایگه دین‌خرم دینان دارند همان نوعی باشد ازگبرگی ودرمسجدها قرآن خوانند لکن به ظاهروالاطریق اباحت دارند [۲].»

نسبت ایشان به اباحه بایستی نوعی از تبلیغات مبالغه‌آمیز طرفداران‌دولت عباسی دربارهٔ ایشان باشد.

بعضی وجه تسمیه ایشان را ازنام «خرمه» زن مزدك‌گرفته‌اند وگویندآن زن پس ازمرگ شوهرش بری گریخت ودین اورا رواج داد.

شاید همان طور که یاقوت در ماده خرم نوشته آنان بدهی بهمین نام‌که در نزدیکی اردبیل قرارداشته منسوب باشند. [۳]

طبری ودینوری آغازکارخرمیان را درآذربایجان از سال ۱۹۲ نوشته‌اند. اما بابك‌که بعضی پدر اورا مرداس نوشته‌اند، و برخی بدون ذکر نام پدر، اورا پسر روغن فروشی ازاهل مدائن‌خوانده‌اند درجوانی به سهل‌بن‌جاویدان‌پیوست وکیش اورا بپذیرفت پس ازمرگ او بیاری زن سهل‌که به ازدواج‌بابك درآمده بود به پیشوایی‌خرم دینان رسید.

بابك در ۲۰۱ هجری بروزگارمأمون علیه دولت عباسی‌قیام‌کرد و برقلعه‌هاای

۱ـ دکتر مشکور ـ تاریخ مذاهب اسلام ص۱۹۲

۲ـ مسالك وممالك، بنگاه ترجمه ونشر کتاب ص۱۶۷

۳ـ معجم‌البلدان ج ۲ ص۴۲۷

بعضی از دراهم نقره امرای عرب در آذربایجان



سکه یکی از امرای عرب در ارمینیه آذربایجان در سال ۹۸ هجری



این درهم درسال ۱۰۵ هجری در آذربایجان ضرب شده



این درهم درسال ۱۹۷ هجری بارمینیه آذربایجان ضرب شده

چندر آذربایجان من‌جمله قلعه بذ دست‌یافت. مدت بیست ودوسال فتنه اوبطول انجامید. وی دراثناء این مدت چندین لشکر خلیفه را شکست داد.

لشکر عرب بجهت تنگی راهها وسرمای سخت آن حدود از دفع وی و گرفتن قلعه بذ عاجز بودند. درزمان خلافت معتصم‌عباسی، سردار وی افشین که خیذربن کاوس نام‌داشت مامور سر کوبی بابك شد. بابك در دفع لشکر خلیفه از امپراطور روم شرقی تئوفیل پسر میخائیل یاری‌خواست. ولی‌پیش ازرسیدن‌کمك امپراطور افشین، بابك را بفریفت ووی‌را شکست داد.

بابك بگریخت‌وبدست سهل بن‌سنباط بطریق ارمنستان گرفتار آمد. قلاع او بفرمان افشین ویران شد واورابه بغداد بردند ومعتصم او را بخواری تمام بکشت وپیکر اورا بدار آویخت (۲۲۳ه). دراین بیست ودوسال جنگ بین‌بابك و دولت عباسی بیش ازپانصد هزار تن ازلشگر اسلام‌کشته شدند.

بعضی این عده را به یك میلیون رسانیده‌اند. باید دانست‌که تختگاه بابك در قلعه بذ درنزدیك هشتاد سر بود واین‌هشتاد سر کوهی‌است سخت بناحیه یافت که در تداول مردم آنرا هشته سر گویند. یافت اکنون از دهستانهای پنجگانه بخش هوراند شهرستان اهراست که‌از مشرق محدودبه‌اردبیل است وشهربذ در نواحی قرجه‌داغ (ارسباران) درنزدیکی رود ارس‌بوده‌است [۱]

جدول فرمانروایان آذربایجان دردورهٔ تسلط عرب

شماره	نام فرمانروای‌عرب	آغاز حکومت
۱	حذیفة بن‌الیمان [۲]	سال ۲۲ هجری
۲	سماك بن الحارث	۲۳ ه

۱ـ کامل‌ابن‌اثیر حوادث‌سال ۲۰۱؛ مطهر بن‌طاهر المقدسی البدء والتاریخ ج ۶ ص۱۱۴-۱۱۸؛ نادر میرزا: تاریخ تبریز ص۱۸-۳۱. تاریخ مذاهب اسلام ص۴۰۷-۴۰۸

۲ـ وی‌همان ابوعبدالله حذیفه‌بن یمان‌عبسی‌است. رجوع کنید به فهرست ابن‌اثیر ص۲۷۷

۳	عتیبة بن فرقد	۲۴ هـ
۴	ولید بن عقبة بن ابی معیط	۲۵ هـ
۵	سعید بن ساریه خزاعی (از طرف حضرت علی) آذربایجان و ارمنستان را باهم داشت	۳۶ هـ
۶	قیس بن سعد بن عباده دلیم بن حارثه انصاری	–
۸	عبیدالله بن العباس (از طرف حضرت امام حسن)	۴۰ هـ
۸	....	....
۹	محمد بن مروان (برادر عبدالملك مروان) آذربایجان و ارمنستان را باهم داشت	۷۳ هـ
۱۰	مسلمة بن عبدالملك (برادر ولید اول اموی) آذربایجان و ارمنستان را باهم داشت	۹۱
۱۱	ثابت النهروانی	۱۰۲!
۱۲	جرّاح بن عبدالله الحکمی آذربایجان و ارمنستان را باهم داشت	۱۰۴
۱۳	سعید بن عمرو بن اسود الحرشی	۱۰۶
۱۴	مسلمة بن عبدالملك (باردوم) آذربایجان و ارمنستان را باهم داشت	۱۰۷
۱۵	مروان بن محمد (آخرین خلیفه اموی) با نضمام ارمنستان	۱۱۴
۱۶	....	–
۱۷	ابوجعفر المنصور (خلیفه دوم عباسی)	۱۳۳ هـ
۱۸	محمد بن صول (نایب ابوجعفر منصور)	۱۳۴
۱۹	یحیی بن خالد برمکی	۱۵۸
۲۰	بسطام بن عمرو التغلبی[1]	۱۶۱

۱- رك : ابن اثیر ج ۵ ص ۵۲

۲۱	یزیدبن مزیدبن‌زائده شیبانی (ملقب به شروانشاه)	۱۷۱
۲۲	......	ـ
۲۳	یزیدبن مزید (باردوم)	۱۸۳
۲۴	حاتم‌بن هرثمة‌بن اعین[1] درگذشته در۲۰۳ هجری	۲۰۲
۲۵	عیسی‌بن محمدبن ابی‌خالد (آذربایجان وارمنستان)	۲۰۵
۲۶	علی‌بن صدقه، زریق[2] .آذربایجان‌وارمنستان	۲۰۹
۲۷	ابراهیم‌بن لیث‌بن الفضل	۲۰۹
۲۸	محمدبن حمیدالطوسی (آذربایجان وسرزمین جزیره)	۲۱۱
۲۹	علی‌بن هشام‌که درسال۲۱۷ کشته شد	۲۱۴
۳۰	عجیف‌بن عنبسه[3]	۲۱۷
۳۱	منکجور، سردارافشین ، در گذشته۲۲۵	۲۲۴
۴۲	. . . . . .	۲۲۵
۳۳	محمدبن حاتم‌بن هرثمه	۲۳۳هـ
۳۴	حمدویة‌بن علی‌بن الفضل‌السعدی	۲۳۴
۳۵	المعتزبن المتوکل (فرمانروای افتخاری آذربایجان وارمنستان)	۲۳۵
۳۶	ابوسعیدمحمدبن یوسف المروزی (نایب‌حاکم فوق)	۲۳۵
۳۷	یوسف بن محمد (پسرحاکم فوق)	۲۳۷
۳۸	ابوالحسن‌علی‌بن یحیی الارمنی درگذشته در۲۴۹ (فرمانروای آذربایجان وارمنستان)	۲۴۸
۳۹	علاءبن احمدالازدی	۲۶۰

۲ ـ رك: ابن‌اثیرج۶ ص۲۲۸

۴ـ رك: ابن‌اثیرج۶ ص۲۷۵

۴ـ رك ابن‌اثیرج۶ص۱۴۲

۴۰ محمدبن عمربن علی بن مراالطائی الموصلی[۱] ۲۶۱

محمدبن ابی‌الساج در ۲۷۶ آذربایجان رافتح کرد، وسپس ابوسالم‌دیسم‌بن ابراهم‌کرد در ۳۲۷ آذربایجان رافتح نمود(۲)

مرزبان اول‌پسر محمد درسال ۳۳۳ آذربایجان رافتح‌کرد

ساجیان ـ جد این‌خانواده ، ابوالساج‌دیوداد بن یوسف‌دیودست ازامرای اسروشنه درماوراءالنهر بود. درفتنه بابك‌همراه‌همشهری‌خود افشین‌به‌آذربایجان آمد ودرسال ۲۴۲ هجری ازطرف متوکل خلیفه ببازرسی راه مکه مأمور شد. درعهد خلافت المعتزّ درسال ۲۵۴ به‌فرمانروایی حلب‌وقنسرین وسپس‌در ۲۶۱ ﻫ به‌حکومت اهواز رسید . ولی بعلت استیلای یعقوب لیث بر خوزستان املاك او بدست آن‌پادشاه افتاد . پس ازشکست یعقوب درسال ۲۶۲ ﻫ به بغداد رفت و در راه جندیشاپور درسال ۲۶۶ درگذشت . پس از او پسرش ابولمسافر (ابوعبیدالله) محمد الافشین بدستگاه خلافت‌عباسی‌راه یافت. درسال ۲۷۶ ازطرف‌موفق برادر معتمد خلیفه به‌فرمانروایی آذربایجان رسید واردبیل‌را تختگاه خود ساخت و مراغه را ازعبدالله بن‌حسن‌همدانی بگرفت(۲۸۰ﻫ)، وباسمباط باگراتونی‌جنگ کرده قسمتی ازارمنستان را ضمیمه ملك خودساخت .

سرانجام درربیع الاول سال ۲۸۸ ﻫ به‌بیماری طاعون دربرذعه در گذشت.

پس‌از او برادرش ابوالقاسم یوسف بن ابوالساج به‌فرمانروایی آذربایجان رسید. سر ازاطاعت المقتدربالله‌عباسی باز زدوسمباط پادشاه ارمنستان رابی‌اجازه خلیفه بکشت ، وری‌وقزوین وزنجان وابهررا ازمحمدبن علی سلوق بگرفت و لشکر خلیفه را در ۳۰۵ هجری شکست داد .خلیفه درسال ۳۰۵ مونس خادم را بجنگ وی‌فرستاد . یوسف به‌زنجان پناه‌برد وسپس ناچارشد به‌اردبیل بگریزد . درآنجا

---

۱. رك : ابن‌اثیرج ۷ ص ۱۹۹

۲ ـ رك : زمباور ، معجم‌الانساب و الاسرات الحاکمه فی‌التاریخ الاسلامی طبع قاهره ۱۹۵۱ ص ۲۷۲

اسیر شده اورا باحترام ببغداد آورده آزاد ساختند (۳۱۰ ه) سپس خلیفه دیگر باره فرمانروایی ری و آذربایجان را باو داد واورا به جنگ قرمطیان گسیل داشت باوجود دلیری بسیار در نخستین نبرد گرفتار شدو با دیگر اسیران بدست ابوطاهر قرمطی از قرامطه بحرین بقتل رسید (ذی‌حجه سال ۳۱۵ه)

جدول خاندان بنی‌ساج (آذربایجان ، مراغه ، اردبیل ، برذعه)

۱	ابوالساج دیودادبن دیودست (در ۲۶۶ درجندی شاپور درگذشت)[1]	
۲	ابولمسافر (ابوعبیدالله) محمد افشین بن دیوداد در ربیع‌الاول سال ۲۸۸ در گذشت)[2]	۲۷۶ه
۳	دیودادبن محمد	ربیع‌الاول ۲۸۸
۴	ابوالقاسم یوسف‌بن دیوداد[3]	شعبان ۲۸۸
۵	ابوالمسافر فتح‌بن محمد[4]	ذی‌الحجه ۳۱۵

بنی‌عباس درسال ۳۱۸ هجری این ایالت‌را ضمیمه‌دولت‌خود کردند.

چنانکه گفتیم ابوالمسافر فتح‌بن محمدالافشین که به‌فرمانروایی آذربایجان رسید بیش‌ازدو سال حکومت نکرد ودرشعبان سال ۳۱۷ بدست مفلح الیوسفی در اردبیل مسموم گشت. پس ازمرگ او آذربایجان باز بدست خلفای عباسی افتاد پسرش ابوالفرج بسرداری‌خلیفه دربغداد بماند وازدوستان وهمکاران امیرالامراء ابوبکر محمدبن رائق بود که یکبار درسال ۳۲۴ وبار دوم در ۳۲۹ هجری باین منصب رسید. ساجیان یکی از قدیمترین سلسله‌های ایرانی هستند که در برابر خلفا پرچم مخالفت افراشتند باآنکه استقلال کامل نداشتند بازمیتوان آنانرا در

---

۱ ـ وی ازسال ۲۵۴ تا ۴۵۸ والی حلب بود

۲ـ وی ازسال ۲۶۳ تا ۲۶۸ والی مکهٔ ودر ۲۶۹ والی انبار بودودرسال ۲۷۶ ولایت آذربایجان یافت

۳ـ از سال ۲۶۲ تا ۲۸۱ والی مکه بود و دوباریکی درسال ۳۰۶ و دیگری در ۳۱۱ برری مستولی شد واز سال ۳۱۱ تا ۳۱۴ برایالت جبال دست یافت وسرانجام در سال ۳۱۵ هجری ابوطاهر قرمطی او را بکشت.

۴ـ اورا مفلح‌الیوسفی درشعبان سال ۳۱۷ بکشت

۵ـ زامباور ص ۲۷۴

ردیف سلسله‌های طاهری وصفاری وسامانی بشمار آورد [۱]

دیسم کرد در آذربایجان ـ آذربایجان درسال ۳۲۷هـ بدست ابوسالم دیسم بن ابراهیم کردی افتاد ابن حوقل اورادیسم بن‌شاذلویه مینویسد[۲] . ظاهراً این اسم نام‌خاندان مادری اوست‌که پدر دیسم از ایشان دختر گرفته بوده‌است .

ابن‌مسکویه مینویسد: پدر دیسم یکی‌از خوارج وازهمراهان هارون‌خارجی معروف بود وپس ازکشته‌شدن هارون در نواحی‌موصل بآذربایجان آمد و دختر یکی ازبزرگان‌کرد رابزنی گرفت ودیسم‌از این زن زائیده شد.

وی چون نیرومندگشت به‌یوسف‌بن ابی‌الساج پیوست‌ویکی ازسرکردگان سپاه‌اوشد . دیسم پس‌ازرفتن یوسف از آذربایجان وکشته‌شدن او بدست قرامطه علم طغیان برافراشته بیاری خویشان مادری‌خودکه ازکردان‌بودند برآذربایجان مسلط‌گشت درسال ۳۲۶ هـ لشکری نامی‌که فرزندمردی گیلی بود ونخست از سرداران ماکان‌کاکی وسپس مرداویج بود پس‌ازکشته شدن مرداویج زیاری از طرف‌برادرش‌وشمگیر برهمدان‌حکومت داشت‌در آنجامالی‌اندوخته به‌آذربایجان لشکرکشید . وی‌دیسم راشکست‌داده وسراسرآذربایجان رابجز تختگاه آن‌که اردبیل بودتصرف‌کرد. سپس‌اردبیل رامحاصره نمودوباردبیلیان وعده داد که‌اگر شهررابگشایند بایشان‌پاداش‌نیکودهد . اردبیلیان چون از بدرفتاری لشکری با مردم‌همدان‌آگاه‌بودندتسلیم‌شدند، وکسی‌رابنزددیسم‌فرستاده ازاویاری‌خواستند.

دیسم دسته‌ای‌ازکردان وصعلوگان‌گردآورده پنهان به‌نزدیك اردبیل‌آمدو ناگهان به‌گیل‌ها حمله‌آورده وایشانرابسوی موغان‌گریزان ساخت .مردم موغان که‌ازآغاز اسلام استقلال خودرا ازدست نداده وهمواره‌اسپهبدی‌ازخود داشتند دراین زمان اسپهبد ایشان‌که«ابن‌دلوله» خوانده میشد باپسر خود لشکرستان و

۱ـ دائرةالمعارف الاسلامیه (ترجمه عربی) ج ۱۱ ص۳۶ ـ ۳۸؛ زامباور ، معجم‌الانساب شماره ۱۶۳ .

۲ـ ابن حوقل : صورةالارض ص ۳۳۴

و برادرزاده اش و چند هزارتن ازجوانان جنگی گیلان بیاری لشکری شتافت. دیسم تاب مقاومت نیاورده اردبیل راگذاشته به آنسوی رودارس رفت و گذرگاهها رابگرفت.

پس ازچندی لشکری و همراهانش برلشکر دیسم شبیخون زدند واورا گریزان ساختند. پس ازشکست دیسم، لشکری به فرمانروایی آذربایجان نشست. دیسم ناگزیر بری رفت و ازوشمگیر یاری خواست وشمگیر ازتسخیر آذربایجان بدست لشکری بی اجازه اوناخرسندبود. پس سپاهی به دیسم داد بشرط آنکه او بر منابر آذربایجان خطبه بنام وشمگیرخواند وسالانه صدهزارزرسرخ بخزانه او بپردازد وسپاه راپس ازدفع لشکری بری بازگرداند. لشکری دربرابر سپاه دیسم تاب مقاومت نیاورد وآذربایجان راگذاشته بارمنستان رفت. دیسم درآذربایجان دوباره قرارگرفت وبنام وشمگیر برآنسرزمین فرمان میراند. چون دراین هنگام کردان تحت فرمان اوسربطغیان برداشته بودند، دیسم بیاری دیلمانی که همراه آورد آنانرا گوشمالی سخت داد. وزیردیسم ابوالقاسم علی بن جعفر که از مردم آذربایجان ومردی دبیر وزیرك بود، بسببی ازدیسم اندیشناك شده بنزد مرزبان پسر محمدبن مسافرازبنی سلار(سالار)فرمانروای تارم رفت.

چون اومانند مرزبان کیش باطنی داشت مرزبان او را بوزارت برگزید. ابوالقاسم مرزبان راوادارکرد که به آذربایجان لشکر بکشد. براثرتوطئه اوبا سرداران دیسم که بعضی ازایشان باطنی مذهب بودند، سپاهیان کرد ودیلم دیسم به مرزبان پیوستند. دیسم ناچار بارمنستان گریخت پس ازچندی بسبب سعایت سرداران مرزبان برجان خود بیمناك شده اجازه خواست که به تبریز برود. ازتبریز نامه به دیسم نوشته وازخطاهای گذشته عذرخواست. دیسم پاسخ داد تاسپاهیان دیلمی را نکشی به وفاداری تواطمینان حاصل نکنم. پس ابوالقاسم بیاری تبریزیان دیلمان رابکشت وسران ایشانرا دستگیر ساخت ودیسم به تبریز آمد. مرزبان با لشکر

خود به‌تبریز حمله‌کرد و آن‌شهررا محاصره‌نمود . دیسم وکردان ازشهر بیرون شده به‌اردبیل رفتند مرزبان به‌اردبیل آمد وآن‌شهررا محاصره‌کرد.

چون محاصره‌اردبیل بطول انجامید، دیسم براثراصرار بزرگان شهر ناچار شد که به‌مرزبان پیشنهاد صلح کند وازاو بخشایش طلبد.

مرزبان اورانواخته وامان داد وبه مردم اردبیل فرمان دادکه بدست خود باروی آنشهر را ویران‌سازند . ازآن پس مرزبان خداوندآذربایجان واران و ارمنستان‌شد وتادربند باب‌الابواب وشروان زیرنفوذ خودآورد . امادیسم پس از مدتی‌که پیش‌مرزبان‌بود ازاودرخواست‌که با خاندان وکسان‌خویش بیکی‌ازقلاع تارم رود و بقیت عمر را درآنجا بگذراند . مرزبان خواهش اورا پذیرفته ویرا بدانجا روان‌ساخت .

پس‌ازگرفتاری‌مرزبان بدست‌رکن‌الدوله‌دیلمی‌درسال ۳۳۷هجری‌وهسودان برادراو، دیسم راکه درقلعه‌ای‌ازتارم‌جای‌داشت برآورده روانه‌آذربایجان‌ساخت.

دیسم دیگرباره به‌آذربایجان‌آمد و دراردبیل بنشست . پس ازچندی ابن عبدالرزاق ازطرف رکن‌الدوله به‌آذربایجان لشکرکشید .

دیسم‌چون‌یارای‌مقاومت‌نداشت به‌ورثان‌گریخت،ابن‌عبدالرزاق،ابوجعفربن عبدالله راکه قبلاوزیر دیسم بود وباوخیانت کرده بود ، بنواخت ووزارت خویش داد. وزیرسابق‌اوکه ویرا باخود ازخراسان‌آورده ازوی‌رنجیده به دیسم‌پیوست. ابن عبدالرزاق ازشنیدن این‌خبرسخت دلتنگ شده و ازحکومت‌آذربایجان دل برکندودرسال ۳۳۸ هجری‌بری‌بازگشت دیسم‌باردیگرباردبیل‌آمدوبامارت‌نشست ووزارت خود را به ابوعبدالله نعیمی‌سپرد ونخجوان و دبیل‌را بتصرف‌آورد . در این‌اثناء مرزبان به‌حیله اززندان‌خود درسیمرم گریخته به‌آذربایجان بازگشت . دیسم‌که ازرهایی مرزبان آگاهی نداشت برای‌جنگ با یکی ازمخالفان‌خود بنام علی‌بن‌میشکی به تارم‌آمد . ولی به خیانت‌وزیرش ابوعبدالله نعیمی‌شکست‌خورده

بسوی ارمنستان رفت. چون خبر یافت که مرزبان از بند آزاد شده و علی بن میشکی را با سپاهی بدنبال او فرستاده است بـه موصل بگریخت و از آنجا ببغداد بنزد معزّ الدوله دیلمی بشتافت واز او خواست که بوی در برابر مرزبان یاری دهد. چون در سال ۳۴۳ ﻫ رکن الدوله در ری با مرزبان پیمان صلح بسته دختر او را بزنی گرفت، دیسم از کمك معز الدوله نا امید شده بنزد سیف الدوله حمدانی رفت وبا لشکری که از او گرفت به آذربایجان بازگشت ولی از مرزبان شکست خورده به دیرنیق آرجرونی حاکم ارمنستان پناه برد. مرزبان، دیرنیق را تهدید بجنگ کرده اورا مجبور ساخت که دیسم را باو بسپارد. مرزبان اورا گرفته وکور کرد و بزندان انداخت و سرانجام درسال ۳۴۶ ﻫ برخی از کسان مرزبان دیسم را بکشتند وآن سر پرشور بخاك رفت.[۱]

روادیان

چنانکه درچند صفحه پیشتر گفتم پس از فتح آذربایجان قبایل عرب به آن سرزمین روی آوردند، وآنچنان در آذربایجان بسیار شدند که دراواسط قرن چهارم زبان عربی یکی از زبانهای متداول مردم آنجا شد.

درقرن چهارم وپنجم هجری دوخاندان روادی درآذربایجان دست اندرکار بودند که یکی را روّادیان ازدی یا عرب، ودیگری را روادیان کردی میخواندند.

روادیان ازدی در تبریز وسپس درهمه آذربایجان حکومت میکردند.

روادیان کردی یا شدادیان در اران وماوراء رود ارس حکومت داشتند. و تختگاه ایشان گنجه بود (۳۴۰_۴۶۸ ﻫ).

روادیان ازدی

رواد پسر مثنای ازدی سرسلسله این خاندان است.

۱ـ ابن مسکویه : تجارب الامم ص ۱۱ و۶۴ و حوادث سالهای ۳۳۰ و۳۳۱ و۳۳۹ و۳۴۲ و۳۴۶ ، شهریاران گمنام ج ۱ ص ۵۷ـ۹۸

ازد یکی ازقبایل‌معروف یمن‌بود که گروهی از ایشان به‌آذربایجان‌آمده نشیمن‌گرفتند.

رواد درزمان خلافت منصورعباسی (۱۳۶ـ۱۵۸) بدعوت یزیدبن حاتم والی آذربایجان به‌آن سرزمین آمد وبرشهر بذ که درارسباران کنونی بود و در کنار ارس وشمال شرقی اهر قرار داشت حکومت میکرد. این‌شهر بعدها بدست بابك خرم دین افتاد.

رواد سه پسر داشت: وجناء، محمد، یحیی، پس از او پسرش وجناء که معاصرهارون‌الرشید (۱۷۰ـ۱۹۲ هـ) بود. تبریزرا تختگاه‌خودساخت وبهمدستی صدقةبن علی فرمانروای ارومی سر بشورش برداشت و قصدگرفتن مراغه راکرد ولی پایان‌کار اومعلوم نیست.

پس از او محمدبن رواد درتبریز بحکومت نشست ابن ندیم مینویسد که: بابك خرّمی‌مدت دوسال‌ازچاکران محمدبن رواد بود وازتبریز درهجده سالگی بنزد مادرش بازگشت.[۱]

یعقوبی مینویسدکه مأمون درسال ۲۰۵ هجری عیسی‌بن‌محمدبن ابی‌خالد را بفرمانروایی ارمنستان وآذربایجان فرستاد. محمد بن رواد پیش او رفت در سال ۲۱۲ محمد بن‌حمیدطوسی‌بامرمأمون‌محمدبن رواد را دستگیرکرده ببغداد فرستادولی‌بازمحمدبازگشته‌درآذربایجان‌بامارت‌نشست‌وتاحدود۲۳۴ درآذربایجان سلطنت داشت.

پس ازاویحیی‌بن رواد بحکومت رسیده اورا درسال ۲۳۵ هجری درخلافت متوکل‌عباسی‌گرفته ببغداد براند.[۲]

۱ـ الفهرست طبع اروپا ص ۳۴۳

۲ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص۲۲ـ۲۸

فرمانروایان مرند

جد این خانواده حلبس نامی عرب از قبیله عتبی بودکه در زمان خلافت منصورعباسی (۱۳۶ـ۱۵۸) بایران آمد ودر آذربایجان قرار گرفت ومرند را که دیهی کوچك بود برای نشیمن برگزید.

پس ازاو پسرش بغیث جانشین او شد و باروبی گرداگرد مرند بکشید و آن دیه را به قلعه‌ای استوار تبدیل کرد.

بعد ازاو محمد فرزندش جای اورا گرفت و در آبادی مرند بکوشید و در آن قصرها وباغهای فراوان ساخت.

وی بردوقلعه درخارج ازمرند یکی قلعه شاهی درجزیره شاهی در میان دریاچه اورمیه، ودیگری برقلعه، یك در، دربیرون دریاچه تسلط داشت. طبری مینویسدکه محمد قلعه شاهی را ازوجناء بن روادگرفته بود. بقول طبری محمد مردی شاعروادیب بود وبتازی وپارسی شعر میگفت محمد از دوستان بابك خرمی بود ولی برای اینکه معتصم خلیفه را خشنودکرده باشد عصمت ازسرداران بابك را که به میهمانی بروی فرودآمده بودگرفته ونزد خلیفه ببغداد فرستاد.

سپس محمد سر بطغیان برداشته واورا بامر متوکل خلیفه ببغداد آورده در بندکردند. درسال ۲۳۴ از آنشهر بگریخت وبآذربایجان آمد پس ازهشت ماه محاصره مرند ازطرف لشکرخلیفه دوباره گرفتارشد، واورا بسته ببغداد بردند. متوکل امر بکشتن اوداد ولی بشفاعت معزپسرخلیفه مورد عفوقرارگرفت.[۱]

فرمانروایان اورمی

سرسلسله ایشان صدقه بن علی بن صدقه بودکه درزمان خلافت منصورعباسی برشهراورمی (رضائیه) دست یافت وی ازمردم موصل بود وظاهراً از کردان آن شهر بشمارمیرفت درزمان هارون الرشید بهمدستی وجناء بن رواد برخلیفه طغیان

۱ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۲۸ـ۳۲

کرد، وی چون نخست در تحت ولایت قبیله ازد بود، اورا صدقه مولی الازد میگفتند صدقه را پسری بنام علی بود، پسر علی که نیز صدقه نام داشت و به زریق معروف است بر موصل و آذربایجان دست یافت و در ۲۰۹ هجری مأمون اورا ولایت آذربایجان وارمنستان داد.

صدقه از طرف خود احمد بن جنید نامی را بجنگ بابک خرمی فرستاد که بدست بابک گرفتار گشت.

چون زریق بی اذن مأمون در ۲۱۱ ه با سید ابن انس حاکم موصل بجنگ برخاست واورا بکشت، مأمون محمد بن حمید طوسی را به فرمانروایی آذربایجان فرستاده زریق دستگیر شده به بغداد گسیل گردید ودولت او بپایان رسید.[۱]

دنباله خاندان روادیان

ازخاندان روادی پس ازگرفتاری یحیی بن رواد خبری دردست نیست ابن حوقل مینویسد که ابوالهیجاء بن رواد در ۳۴۴ هجری فرمانروایی اهروورزقان را داشته است.

ظاهراً نام این ابوالهیجا، حسین ونام پدرش محمد بن رواد بوده است، وی نواحی ارمنستان واران را ضمیمه حکومت خود در آذربایجان کرد، و ابراهیم بن مرزبان آخرین خاندان دیلمیان را درسال ۳۷۰ (۳۷۱ ه) شکست داده بفرمانروایی سلاریان در آذربایجان خاتمه داد.

پسر ابوالهیجاء مملان نام داشت که نام او را تحریف شده لفظ «محمد» دانسته‌اند. مملان با ارمنیان وگرجیان وحتی دولت روم شرقی جنگ کرد که اغلب پیروز میشد. ولی درجنگی که درسال ۳۸۸ با ارمنیان کرد شکست بر لشکر او افتاد. دیگر جنگ او با ابودلف امیر گولتن ازممدوحان قطران شاعر بود که امیر دوین وارمنستان بود وی درسال ۳۷۷ این نواحی را ازچنگ امیر مزبور بدر آورد.

۱ــ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۳۳

پس ازمملان و هسودان پسرش بر تخت نشست وی از بزرگترین پادشاهان روادی است. اوازممدوحان قطران تبریزی بود وابن‌الاثیر اورا در۴۲۰ هجری پادشاه آذربایجان خوانده است.[۱]

تختگاه اودرشهر تبریز بود. ناصر خسروقبادیانی که درسال۴۳۸درتبریز بود مینویسد کـه این شاه پـادشاه ولایت آذربـایجان بود و او را در خطبه چنین ذکر میکردند:

«الامیرالاجلّ سیف‌الدوله و شرف‌الملّه ابومنصوروهسودان بن‌محمدمولی امیرالمؤمنین.[۲]»

آمدن قبایل چادرنشین ترك به‌آذربایجان

ازحوادث مهم زمان وهسودان بن مملان مهاجرت‌گروهی از ترکان غز که نخستین هستهٔ ترك را درآذربایجان تشکیل میدهند به‌آن استان بود. این‌ترکان را درآغازکارسلطان محمود غزنوی درسفر بماوراءالنهر با خود بایران آورد و آنان‌راکه قریب پنجاه هزارتن‌بودنددرخراسان نشیمن داد. گردیزی‌درتاریخ‌خود (تالیف سال ۴۴۳ هـ) درآغازحال ترکان مینویسد: «درسال۳۹۶ خبررسید امیر محمود راکه ترکان از آب (جیحون) گذاره شدند. وبخراسان‌آمدندوپراکندند هنوزترکان قرارنگرفته بودند که خبرآمد امیرمحمود ازهندوستان بازآمد.

ترکان متحیر ماندند و بنواحی مرو رود وسرخس ونساوباورد همی گشتند ارسلان جاذب ازپس ایشان همی‌شد شهربشهروآنچه بدست آمدند همه‌گرفت و کشت .....»، سپس درابتدای حال ترکان سلجوقی مینویسد: «اندرین وقت (۴۱۶ هجری) که امیر محمود به ماوراءالنهر بود فوجی مردم از سالاران و پیشروان ترکستان‌پیش‌اوآمدند وبنالیدند ازستم‌امراء ایشان برایشان،گفتند ما چهارهزار

۱ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۳۶ـ۵۶

۲ـ سفرنامه ناصرخسروطبع دکتر دبیر سیاقی ص۶

خانه‌ایم اگر فرمان باشد، خداوند ما را بپذیرد که از آب گذاره شویم، و اندر خراسان وطن سازیم اورا از ما راحت باشد، وولایت اورا از ما فراخی باشد، که ما مردمان دشتی‌ایم، و گوسفندان فراوان داریم و اندر لشکر او از ما انبوهی باشد.

امیر محمود را رغبت افتاد، پس دل ایشان گرم کرد و مثال داد تا از آب (جیحون) گذاره آیند، وایشان بحکم فرمان او چهارهزار خانه از آب گذاره آمدند، و اندر بیابان سرخس و فراوه و باورد (ابیورد) فرود آمدند وخرگاهها بزدند.

چون امیر محمود از آب گذاره آمد، امیر طوس ابوالحرث ارسلان جاذب پیش او آمد گفت. این ترکمانان را اندر ولایت چرا آوردی، این خطا بود که کردی. اکنون همه را بکش ویا بمن ده که تا انگشتهای نر ایشان ببرم تا تیر نتوانند انداخت. امیر محمود را عجب آمد و گفت: بی‌رحم مردی وسخت سطبردلی. پس امیر طوس گفت: اگر نکنی بسیار پشیمانی خوری. اوهمچنان بود وتا بدین غایت هنوز بصلاح نیامده است. (پس از آن ترکان فساد کردند و امیر محمود) اندر سنه ۴۱۹ سوی طوس (لشکر) کشید و بفرمود تا فوجی انبوه از لشکر با سالاری چند با امیر طوس برفتند بحرب ترکمانان، چون بنزدیك رباط فراوه رسیدند جنگ پیوستند و برایشان ظفر یافتند، وچهارهزار سوار معروف از ترکمانان بکشتند و بسیاری را دستگیر کردند، وباقی بهزیمت رفتند سوی بلخان ودهستان (درجرحان نزدیك خوارزم) وفساد ایشان اندر آن ولایت سهل تر گشت»[۱].

پس از چندی گروهی از ایشان سر بطغیان برداشته از راه کرمان رهسپار اصفهان شدند. سلطان محمود نامه به علاءالدوله فرمانروای اصفهان نوشت که آنان را باز گرداند یا بکشد وسرهایشان را بفرستند، ترکان از قصد علاءالدوله آگاه شده از آن دام به‌جستند و از اصفهان بیرون آمـده و یغماکنان خود را به آذربایجان رسانیدند. بقول ابن اثیر شماره آنان درآنگاه قریب دوهزار چادر بود که از قرار

۱ــ زین‌الاخبار گردیزی به تصحیح عبدالحی حبیبی طبع بنیاد فرهنگ ص۱۷۸-۱۸۹و۱۹۲

هرچادرهفت تن بالغ برچهارده هزار تن میشدند، چون به آذربایجان رسیدند وهسودان مملان که غالباً باروميان و ارمنيان وگرجيان وحکام اطراف درجنگ بودآمدن این گروه دلیروتازه نفس‌را مغتنم‌شمرده ایشان‌را درهمان‌اوایل سلطنت خویش درسپاه خود بپذیرفت.

این خرگاهیان یا چادرنشینان ترك درشجاعت و تیراندازی درآن روزگار شهره آفاق بودند چنانکه قطران تبریزی که شاعردربار وهسودان بود درمدح آن پادشاه به این ترکان ودلیری ایشان اشارت‌کرده است:

نه با سپاه تو دارد درنگ هیچ حصار نه باسنان تو گیرد قرار هیچ سپاه.
بدین مبارز خرگاهیان سخت کمان شگفت‌نیست که برآسمان‌زنی خرگاه.

این ترکان غز درآذربایجان‌آرام ننشسته و به بلاد اطراف تاخته به کشتار وغارت پرداختند. چامچیان مورخ معروف ارمنی درحوادث سال ۱۰۲۱ میلادی (۴۱۱ هـ) مینویسد:

دراین‌سال‌ترکان که همچون‌تندسیلی‌به‌آذربایجان‌رسیده‌بودند به‌ارمنستان وبه ناحیه‌واسپورگان‌هجوم‌آوردند ودست‌تطاول‌بگشادند. شاپورسردارواسپورگان با سپاه خود به وسطان بیاری «سنگریم» امیر آرجرونی رفت، چون بدانجا رسیدند از دورگروهی انبوه از ترکان را دیدندکه همگی‌همچون زنان‌گیسوان فروهشته وکمانهای‌ایشان‌بس‌سخت‌ومحکم‌بود، وارمنیان‌که تاآنگاه‌چنین‌مردمی‌را ندیده بودند سخت بترسیدند. ترکان‌که ازدورمیجنگیدندگروهی از ارمنیان را ازپا درآوردند.

بقول‌مورخان ارمنی‌هجوم این‌ترکان برآذربایجان وارمنستان چنان وحشت در دلها افکنده بود که سنکریم پادشاه سلسله آرجرونیان ارمنستان، تختگاه خود واسپورگان‌را به واسیل امپراطورروم شرقی واگذارکرده خود با خانواده و سپاه ویك سوم ازمردم‌کشورش واسپورگان‌که به‌چهارصدهزارتن‌میرسیدند به‌شهر

سیواس در آناطولی پناه برد ودر آنجا اقامت گزید .

گروهی دیگر از ترکان غز پس از نهب و غارت خراسان و شکست سلطان مسعود غزنوی روی بری نهاده وآن شهررا بگشادند ودر حوالی ۴۲۹ (ه) در ری دودسته شدند .

دسته‌ای از ایشان که بقول ابن‌الاثیر شماره آنان به هزاروپانصد تن میرسید در آنجا مانده ، ودسته‌ای دیگر بسرداری بوقا وکوکتاش و منصور دانا روانه آذربایجان شدند وبدیگر همنژادان خود در سپاه امیروهسودان پیوستند . ولی در آن سامان آرام نمی‌نشستند وفتنه‌ها برپا میکردند .

ابن اثیر مینویسد که وهسودان دختری از غزان بگرفت تا با این پیوند خویشاوندی آنان را رام خود سازد ، ولی ترکان دست از یغماگری و خرابکاری برنداشتند ودرهمان سال بمراغه تاخته ومردم بسیاری را بکشتند ومسجد جامع شهررا آتش زدند .

چون کاربیدادگری ترکان در آذربایجان بالاگرفت امیروهسوان در ۴۳۰ هجری بیاری خواهر زاده خود ابوالهیجاء بن ربیب‌الدوله که رئیس کردان هذبانی بود باگروهی از ایشان که سردار ایشان بوقا ومنصور وکوکتاش بودند جنگیده آن ترکان را از آن سرزمین بیرون راند وآنان بری و همدان وقزوین رفتند .

دسته‌ای دیگر که در آذربایجان مانده بودند باز سرکشی و بیدادگری آغاز کردند. تا اینکه بقول ابن اثیر در سال ۴۳۲ امیروهسودان بن مملان بزرگان آنان را در تبریز به میهمانی دعوت کرد وسی تن از ایشان را بگرفت وگروهی از آنان را بشکست.

اما آن دسته از ترکان که از آذربایجان بری رفته بودند با ترکان دیگر فراهم آمده قزل نامی را بامیری برداشتند پس از مرگ وی در (۴۳۲ ه) چون خبر حمله ابراهیم ینال برادر مادری طغرل سلجوقی را به آنشهر شنیدند از ترس او همگی آهنگ آذربایجان کردند ، و بقول ابن اثیر ، در سال (۴۳۳ ه) باز

به‌آن استان سرازیر شده وازآنجا ازراه ارمنستان به جزیره یعنی شمال‌عراق و دیار بکر رفتند .

اما این‌دسته‌نیزدردیاربکرآرام ننشستند به‌یغماگری‌وکشتن‌مردم‌پرداختند و بموصل دست یافته‌کشتار فراوان درآنجاکردند ، ولی دراین میان امیر قرواش عقیلی صاحب موصل‌که ازآن شهرگریخته بود سپاهی‌گرد آورده در سال ۴۳۵ ه ترکان را شکست‌داده بسیاری‌ازایشان را بکشت . اما غزانی که ازاین‌مهلکه‌جان بدر بردند برای بارچهارم به پناهگاه دیرین خود آذربایجان بازگشتند و همین ترکان بودندکه بادیگرهمنژادان خود درآذربایجان مانده بتدریج زبان خود را درآن استان رواج دادند [۱] .

جنگهای مسلمانان با رومیان

یکی از حوادث زمان امیر وهسودان جنگهای مسلمانان با رومیان برسر شهر برگری است . این شهر درشمال دریاچه وان قرارداشت وقلعه‌آن بدست ابوالهیجاء پسر ربیب‌الدوله خواهر زاده وهسودان بود . میانه وی با دائیش وهسودان بهم خورد وهسودان رومیان را بگرفتن‌آن شهربرانگیخت .

پادشاه روم برگری را بگرفت . این خبرچون بخلیفه‌القائم بامرالله عباسی رسیدکس فرستاد تا وهسودان و ابوالهیجارا با هم آشتی دادند . ایشان دست بهم داده خواستند برگری‌را بازگیرند موفق‌نشدند (۴۲۵ ه)

چون میان‌امیروهسودان ، با ابوالحسن علی لشکری‌شدّادی‌که ازسال ۴۲۵ فرمانروای اران بود رنجشی‌پیدا شده بود ، امیر وهسودان به گنجه سفر کرد و باآن پادشاه بساط‌صلح وآشتی‌گسترد . قطران‌تبریزی‌داستان این سفرصلح‌آمیز را دریکی ازقصاید خودآورده است .

۱ـ کسروی: شهریاران گمنام ج۲ ص۶۱ـ۸۳ ؛ ابن‌اثیرحوادث سالهای ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۲ رجوع شود به فصل زبان ترکی آذری دراین کتاب .

دیگر از حوادث زمان وهسودان جنگ او با سپهبد مستقل موغان است که به فتح و فیروزی وهسودان انجامید . در سال ۴۴۶ ه طغرل بیك سلجوقی بدون جنگ به آذربایجان آمد و چون پادشاهی بزرگ بود وهسودان از در اطاعت در آمده مال وخواسته بخدمت او فرستاد .

بعد از وهسودان، طغرل سلجوقی پسر او ابو نصر مملان را بجای پدر بر آذربایجان امیر کرد. پس از وی از این خانواده پادشاهان نامبرداری روی کار نیامدند. برادر او ابوالهیجاء منوچهر ظاهراً مدتی کوتاه در آذربایجان حکومت داشته است .

ابودلف شاه نخجوان

این امیر از آنجا که ممدوح سه شاعر بزرگ ایرانی . قطران تبریزی ، و اسدی طوسی ، و نظامی گنجوی است ، در تاریخ ادبیات ایران نامی نیکو دارد . اسدی طوسی گرشاسب نامه ، و نظامی بهرام نامه خودرا بنام او کرده‌اند .

این پادشاه در اواخر روزگار امیر وهسودان ، در نخجوان و اطراف آن شاهی داشته است [۱] .

سلجوقیان و ترکان

در پیش نوشتیم که در سال ۴۴۶ هجری طغرل سلجوقی به آذربایجان آمد پس از تسلط سلجوقیان بر آذربایجان چون اقلیتی از مردم ترك نژاد در زمان غزنویان در آن استان وجود داشتند ، با آمدن سلاجقه که خود از نژاد ترك بودند راه برای مهاجرت ترکان بآذربایجان هموار شد، وترکان از ترکستان وماوراءالنهر چون سیل به ایران و آذربایجان روی آوردند وزبان خودرا در آن استان گسترش دادند .

ابن اثیر در حوادث سال ۴۵۶ هجری مینویسد: چون آلب ارسلان سلجوقی بمرند رسید یکی از امیران ترکمان که طغتکین نام داشت باگروه انبوهی از ایل خود

۱ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۸۳-۱۰۶

به‌آذربایجان آمد ، قبایل نیم وحشی ترك درآذربایجان در همه‌جا پراکنده شده
ازآزار واذیت مردم فرو گذارنمیکردند .

قطران تبریزی در قصاید خود ازانبوهی ترکان و خرابیهای ایشان در آن سرزمین بنزد ممدوح خود ابوالخلیل که ازامرای آن روزگار بوده شکایت کرده درقصیده‌ای که مطلع آن این بیت است :

تا شد ازگل بوستان سیمگون بیجاده نام
بوی ورنگ ازگل‌ستاند باده وبیجاده وام

گوید :

گرچه امروزازتوترکان‌هرزمان‌خواهندباج
باز فردا نعمت ترکان ترا گردد مدام
اول اندر مصر یوسف هم چنین در بند بود
آخر اورا شد مسلم ملك مصروملك شام [1]

درقصیده دیگرکه مطلع آن این بیت است :

ز نقش ابر نیسانی ز بوی باد آزاری
ندپندارم که با بستان بهشت عدن یاد آری

درمدح شاه ابوالخلیل‌جعفرگوید :

اگر چه داد ایران را بلای ترك ویرانی
شود ازعدلش آبادان چو یزدانش کند یاری
تو سالار دلیرانی تو شاهنشاه ایرانی
هم ازدل فضل‌بی‌عیبی‌هم ازتن‌فخربیعاری [2]

۱ـ دیوان قطران ص ۲۲۸
۲ـ دیوان قطران ص ۳۸۹-۳۹۱

درقصیده دیگر که مطلع آن این بیت است :

مهرجانان چون روان اندر تن من شد روان

از تنم بیرون نیاید مهر او جز با روان

باز درمدح اوگوید :

گر نبودی آفت ترکان بگیتی در پدید

بستدی‌گیتی همه چون خسروان باستان [1]

درقطعه‌ای‌که به این بیت آغازمیشود :

خدای داند کز غم چگونه رنجورم

غمان گیتی گنج است و من چو گنجورم

گوید :

شده چو خانه زنبور با غم ترکان

همی خلند به فرمانها چو زنبورم [2]

ابن اثیر مینویسد که آلب ارسلان یا ملکشاه ، فرمانروایی آذربایجان را به امیرقطب‌الدین اسماعیل بن یاقوتی‌که نوه برادر طغرل بود سپردند و سپس مدتی‌هم پسر اوموودود برآن سرزمین حکومت‌کرد [3] .

احمد یلیان

پس از استیلای سلجوقیان برآذربایجان در (۵۰۱ هجری) ازامیری‌درآن سامان بنام امیراحمد یل یاد میشود کـه ابن اثیر اورا احمد یل بن ابراهیم بن وهسودان روادی‌کردی‌خوانده است

ظاهراً این‌خاندان ازبازماندگان روادیان‌بودندکه پس‌ازاستیلای‌سلجوقیان

۱ـ دیوان قطران ص۳۳۵

۲ـ دیوان قطران ص۴۹۰

۳ـ شهریاران‌گمنام ج ۲ ص۱۱۲

برخطه مراغه حکومت داشتند.

امیر احمد یل در (۵۰۱ هجری) درجنگی که ملکشاه سلجوقی با صدقة بن دبیس امیر حلّه کرداز همراهان او بود. وی در (۵۰۵) هجری بیاری اتابك طغتكین صاحب شام به جنگ فرنگان صلیبی رفت. سرانجام در ۵۱۰ هجری در بغداد بدست یکی از فدائیان اسماعیلی کشته شد.

پس از امیراحمد پسرش آقسنقر جانشین اوشد و در ۵۱۶ هجری از بغداد به آذربایجان آمد.

وی نخست از نزدیکان سلطان محمود سلجوقی بود ولی در آذربایجان به برادر اوطغرل که سر بشورش برداشته بود پیوست. محمود سپاهی به مراغه برای سرکوبی ایشان فرستاد. ایشان ترسیده وازوی پوزش طلبیدند و محمود از گناه آنان درگذشت. سلطان محمود راپسری بنام داود بود، آقسنقر را اتابکی او داد. پس ازمرگ محمود در ۵۲۵ هجری آقسنقر داود را بجای او بر تخت نشاند.

برادران دیگر داود که طغرل و مسعود و سلجوق بودند زیر بارسلطنت او نرفتند، آقسنقر داود را ازهمدان برداشته بآذربایجان برد در تبریز جنگی میان مسعود و داود روی داد که سرانجام در آخر محرم ۵۲۶ میان دو برادر صلح افتاد و مسعود با سپاهی به همدان رفت، و داود در تبریز بشاهی نشست. پس از آن طغرل برادر دیگر درهمدان سر بعصیان برداشت.

درجنگی که بین دو برادر روی داد بسبب پیوستن بعضی ازسرداران داود به طغرل، داود و آقسنقر شکست سختی خورده ببغداد گریختند (۵۲۶ هـ). چون سلطان طغرل آهنگ آذربایجان کرد، برادر دیگرش مسعود که امیر گنجه بود تاب مقاومت نیاورده ببغداد گریخت. آقسنقر و داود و مسعود در بغداد بهم پیوستند. بوساطت خلیفه المسترشد بالله قرارشد که مسعود سلطان باشد و داود ولیعهد او و خلیفه آن دو را در برابر طغرل یاری کند.

در ۵۲۷ مسعود و داود بالشکر خلیفه بسرداری آقسنقر به آذربایجان آمده واردبیل راتسخیر کردند ، از کسان طغرل در آذربایجان ، قراسنقر وامیر پیشگین گرجی نژاد بودند . قراسنقر در نزدیك اردبیل شکست سختی خورد.

سپس طغرل نیز در همدان مغلوب شد . وسلطان مسعود سلجوقی بشاهی رسید. آقسنقر نیز مانند پدرش احمد یل بدست فدائیان اسماعیلی بتحریك سلطان مسعود درهمدان کشته شد. بهاءالدین ابوطالب عموی عماد کاتب مورخ معروف سلجوقیان وزارت اوراداشت.

پس از اوپسرش نصرة الدین ارسلان آبه خاصبك بجای او نشست . ارسلان آبه که نام اصلی او بوده بمعنی شکارشیر است .

وی از فرمانروایان معروف احمد یلی است وچهل واند سال فرمانروایی داشته است ، با اتابك ایلدگز متحد گشته ، هردو ازهوا خواهان سلطان محمد بن محمود سلجوقی بشمار میرفتند . سلطان محمد درسال ۵۴۹ همه آذربایجان را بجز اردبیل که بدست امیر آغوش نامی بود به ایلدگز وارسلان ابه بازگذاشت که هردو آنرا میان خود به دو بخش تقسیم کردند. سلطان محمود پیش ازمرگ خود (۵۵۴ هـ) پسرخویش رابه ارسلان آبه سپرد. سرانجام برسرسلطان خواندن این پسر بین ایلدگز و ارسلان آبه جنگی در کنار قزل اوزن روی داد و شکست بر پهلوان محمد پسر ایلدگز افتاد وبه همدان گریخت. در ۵۶۳ ارسلان آبه پسر سلطان محمد راکه نزد خود داشت سلطان خواندو باز جنگی بین وی وایلدگز روی داد، دراین جنگ بخلاف جنگ اول شکست بر لشگر ارسلان آبه افتاد وبمراغه گریخت .

ابن اثیر مینویسد که: ارسلان آبه درسال ۵۷۰ درگذشت.

پس از اوپسرش فلك الدین بجای او فرمانروایی یافت وکاروی بااتابك محمد پهلوان پسر ایلدگز بجنگ کشید سرانجام میان آنان صلح افتاد . از پادشاهان معروف این خاندان علاءالدین کرپا ارسلان فرزند ارسلان آبه است که اومعاصر

طغرل سوم و تختگاه وی در مراغه بود. این امیر در ادبیات فارسی بسبب آنکه ممدوح حکیم نظامی گنجوی بوده تا اندازه‌ای شناخته است.

آن شاعر بزرگ بهرام نامه‌خودرا بنام آن پادشاه کرده و آنرا در چهاردهم رمضان سال ۵۹۳ هجری بوی تقدیم داشته است.

کرپا ارسلان در ترکی بمعنی شیر کوچك است.

وی درسال ۵۸۴ ه بنزد طغرل سوم آمده اتابکی پسر او بر کیارق را گرفت. از کارهای علاء الدین جنگ او با اتابك ابوبکر فرمانروای عراق و آذربایجان و سردار او اینغمش بود که سرانجام به‌صلح انجامید و اتابك ابوبکر دوشهر اورمی و اشنورا بوی واگذاشت (۶۰۲ ه).

راوندی در راحة‌الصدور ذکر قرآن سی‌پاره‌ای رامی کندکه سلطان طغرل سوم سلجوقی بدست خود نوشته و بسیار خوش خط و نفیس بوده‌است ومیگوید. آن مصحف بعضی پیش پادشاه عادل علاء‌الدین خداوند مراغه مانده‌است، وبعضی پیش نقاشان.[1]

علاءالدین درسال ۶۰۴ هجری درگذشت ویکی از پسران او که‌نام او درست معلوم نیست بجای وی نشست آخرین امیر، احمدیلی زنی بود که او را نوادهٔ علاءالدین دانسته‌اند.

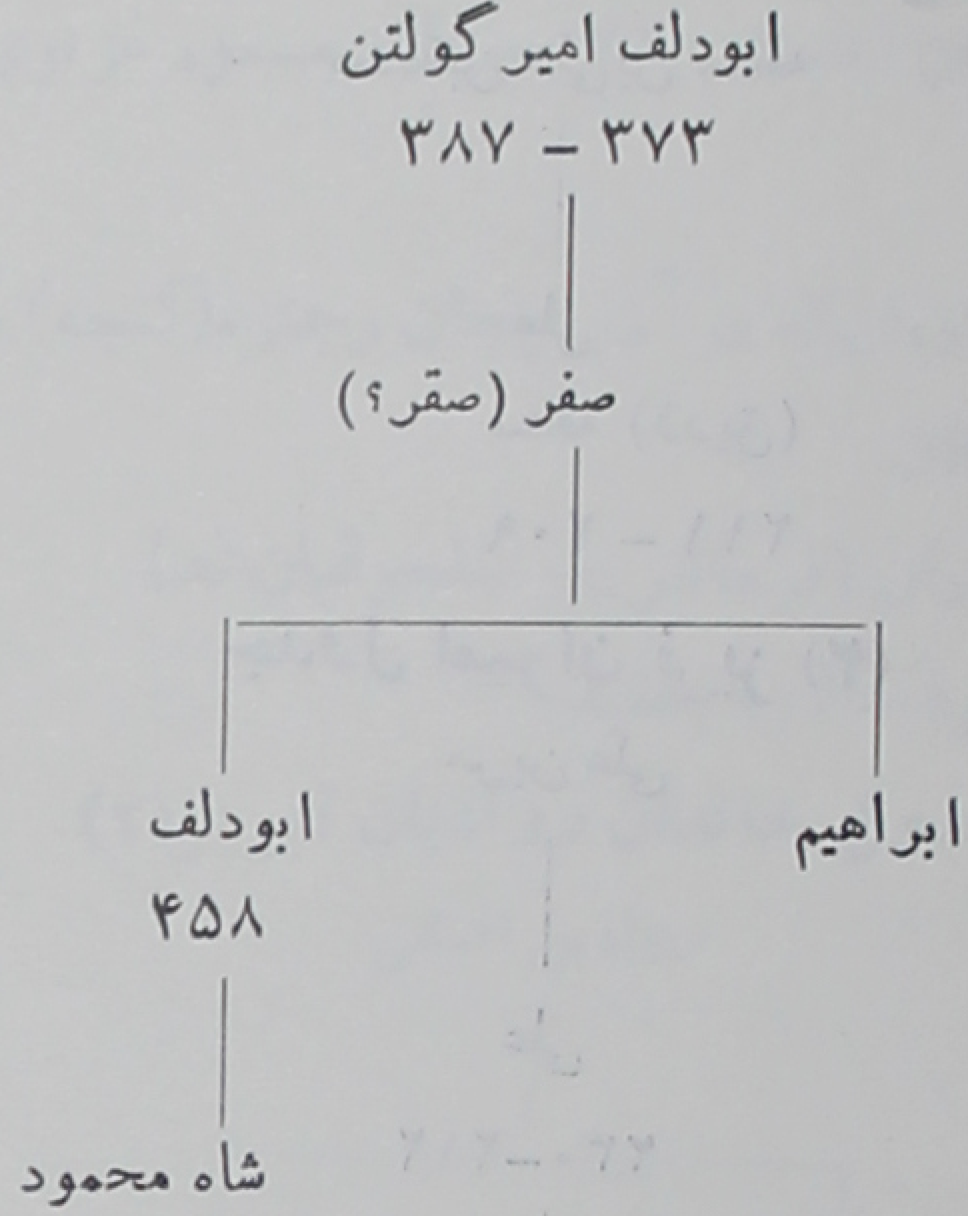
وی ازسال ۶۰۵ تا ۶۱۸ هجری که مغولان مراغه‌را غارت‌کردند سلطنت‌کرد وجایگاه او در روئین دژ بود.

بنابقول نسوی صاحب سیره جلال‌الدین این‌زن زوجه اتابك خاموش فرزند اتابك ازبك نوه اتابك ایلدگز بود و پس از مرگ شوهرش اتابك خاموش در در ۶۲۴ هجری، سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه‌که در آنگاه در آذربایجان بود او رابه حرمسرای خود آورد و بدین ترتیب سلسله احمد یلیان منقرض گشت[2].

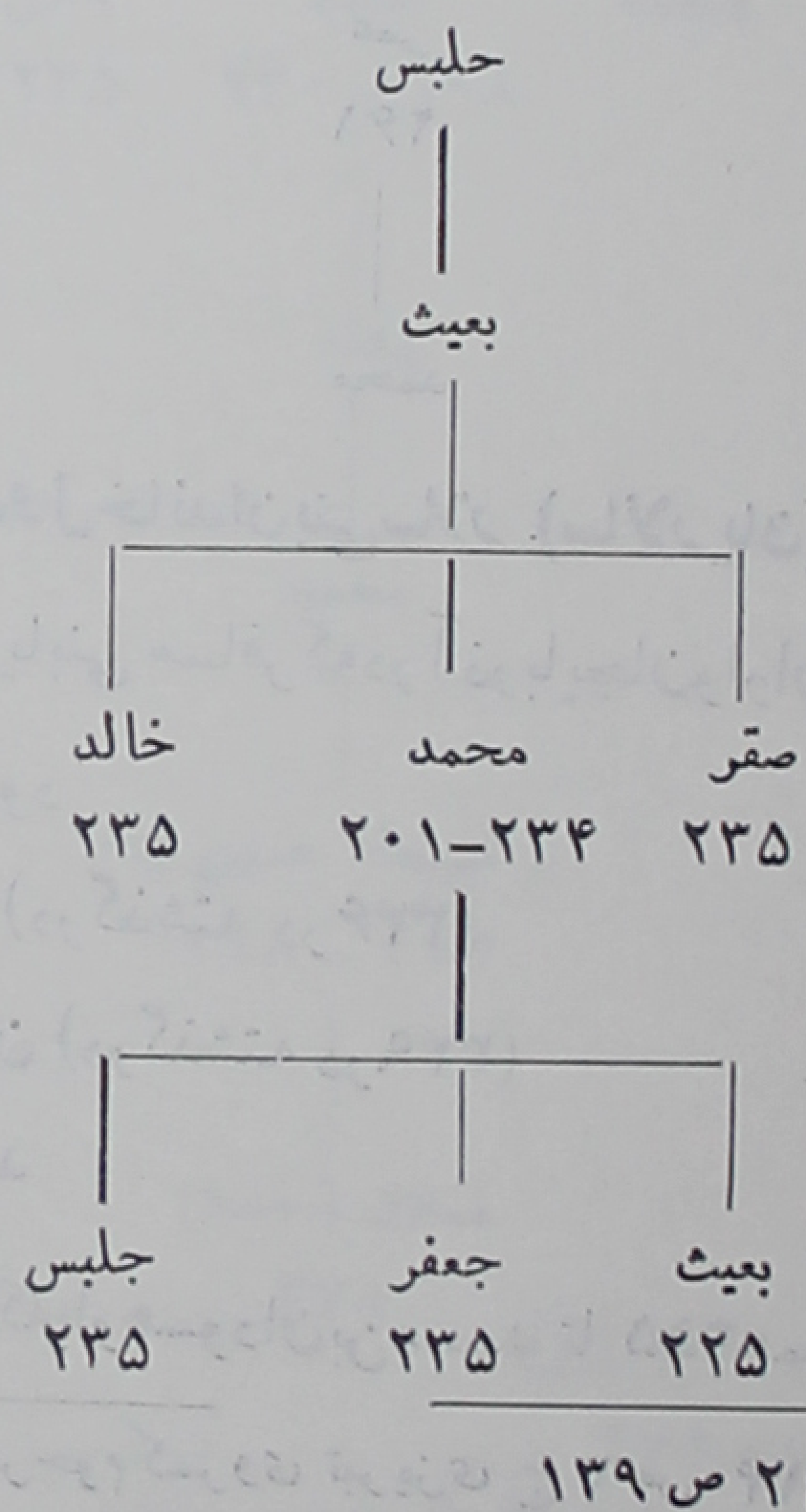
۱ـ راحة‌الصدور راوندی ص ۴۴

۲ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۱۰ـ۱۳۶

جدول خاندان امیران شیبانی(۱)



جدول خاندان امیران مرند(۲)



۱ - شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۳۹
۲ - شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۳۹

جدول خاندان صدقه در ارومی(۱)

صدقة بن علی بن صدقه

|

علی

صدقه (زریق)

۲۰۹ - ۲۱۱

جدول امیران تبریز (۲)

مر بن علی

|

علی

۲۱۲-۲۳۰

|

عمر

۲۶۱

|

محمد

جدول خاندان بنی سلار (سالاریان)

الف - بنی مرزبان یابنی مسافر که در آذربایجان و اران و تارم حکومت داشتند و پایتخت ایشان اردبیل بود

۱	مرزبان بن محمد (درگذشته در ۳۴۶)	۳۳۰
۲	جستان بن مرزبان (درگذشته در ۳۴۹)	۳۴۶
۳	وهسودان بن محمد	۳۴۹
۴	ابراهیم بن مرزبان که با وهسودان بن محمد تا ۳۵۵ همچشمی میکرد	۳۴۹

۱ - شهریاران گمنام تالیف مرحوم کسروی تبریزی ج ۲ ص ۱۴۰

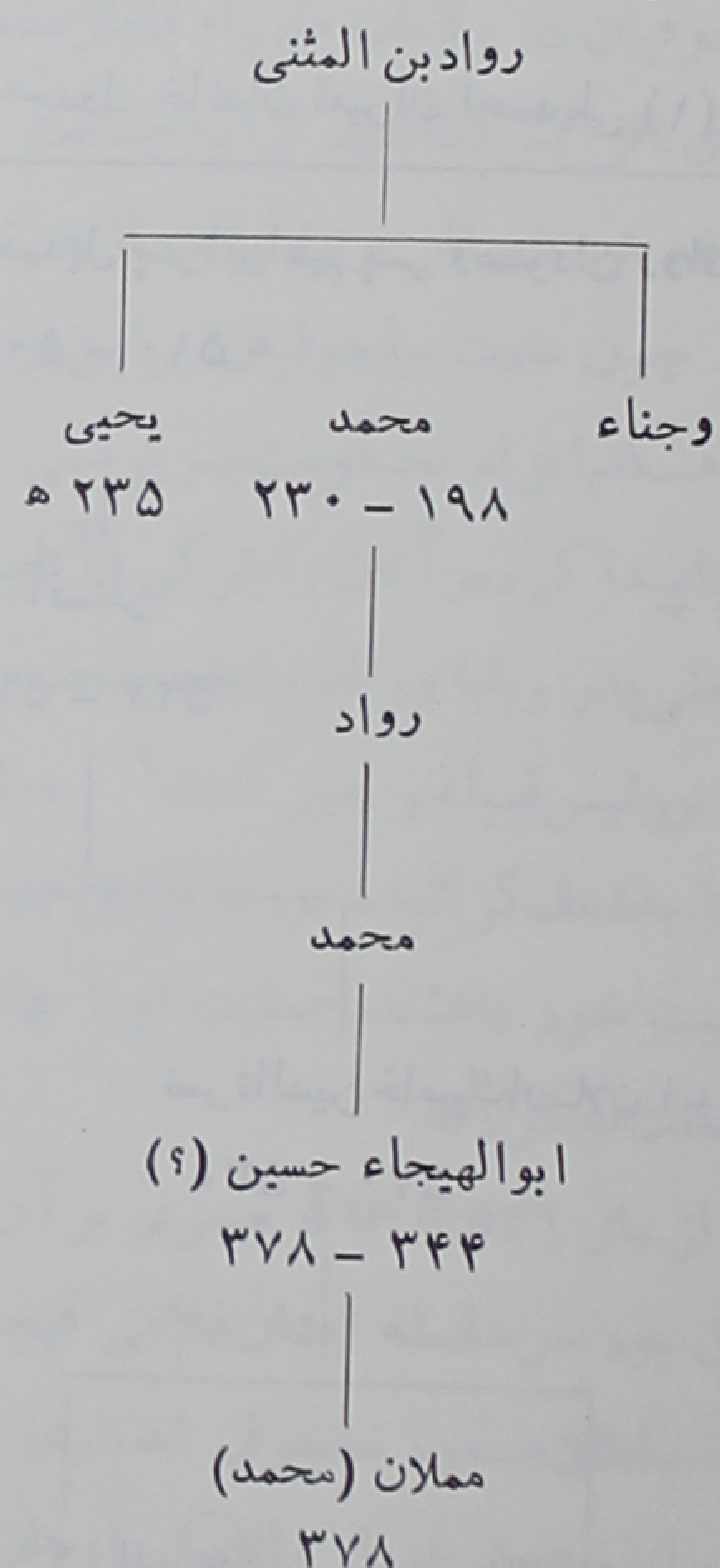
۲ - ایضاً شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۴۰

۵	مرزبان بن‌اسماعیل	۳۵۵
۶	ابراهیم بن‌مرزبان (تاسال ۴۲۰، سلطان مسعود غزنوی اورا شکست‌داد)	۳۸۷

ب بنی‌رواد یا روادیان‌که درآذربایجان وجنزه(گنجه) حکومت‌داشتند:[۱]

۱	وهسودان‌بن مملان	۴۲۰ ه
۲	مملان‌بن وهسودان (فرمانبردار سلجوقیان‌شد)	۴۵۰
۴	ظهیرالدین سلار (سالار) بختیار[۲]	۵۱۱

جدول خاندان روادیان تبریز(۲)



---

۱ ـ رك: زامباورالانساب ص۲۷۵

۲ ـ سید احمد کسروی: شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۲۷

ابومنصور وهسودان

۴۱۱ - ۴۴۶

ابوالقاسم عبدالله

ابونصر مملان

۴۵۰

ابوالهیجاء منوچهر

جدول خاندان امیران احمدیلی (۱)

احمدیل پسر ابراهیم پسر وهسودان روادی

۵۰۱ - ۵۱۰ ه

آقسنقر

۵۱۶ - ۵۲۷

شیرگیر

نصرة الدین خاصبك ارسلان ابه

۵۳۰ - ۵۷۰

علاءالدین کرپا ارسلان

فلك الدین

۱- شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۳۸

۶۰۴ - ۵۸۴ ۵۷۰

نصرةالدین محمد فلك‌الدین احمد
۵۹۳ ۵۹۳

زنی (امیر روئین‌دز)
۶۲۴ - ۶۱۸

اتابکان آذربایجان

بعد از فتوحات سلجوقیان در ولایات ماوراءِ قفقازعدّه غلامان ترك قبچاقی وخزر درممالك‌اسلامی‌روی‌بافزایش‌گذاشت. ازاین‌جماعت گروهی‌بتدریج بسبب محبت والتفات مخدومان خویش یابراثر بروزلیاقت از مرتبه غلامی برتـر رفته بمقامات لشکری رسیدند. چون عادت سلجوقیان براین‌بود که شاهزادگان خرد سال را برای‌تربیت ویادرهنگام‌اعزام بحکومت‌بسرپرستی ترك می‌سپردندجمعی ازاین‌غلامان مقام‌للگی راپیدا کرده‌وآنان رابترکی «آتابیك» میگفتند. اتابیك مرکب ازدوکلمه «اتا» بمعنی‌پدر وبابا ووالد وشخص‌محترم ، وبیك‌یا«بك» بمعنی بزرگ . وشخص بزرگ، ورئیس‌قبیله و امیر است[1] . دراواخر دوره‌سلجوقیان چون پادشاهان‌آن سلسله به‌ضعف‌گرائیده بودند ازاین‌جهت هریك‌از اتابکان‌که شاهزاده‌ای را درتحت‌تربیت خود داشتند حمایت اورا بهانه کرده ازطـرف آن شاهزاده دعوی نیابت سلطنت‌میکردند.

اتابکان‌آذربایجان ازسال ۵۴۱ تا ۶۲۶ هجری برآن‌ایالت‌حکومت کردند وتختگاه ایشان دراردبیل بود سرسلسله ایشان‌غلامی قبچاقی بنام‌شمس‌الـدین ایلدگز بودکه دردستگاه سلطان‌مسعود سلجوقی اعتباری یافت. مسعود زن‌برادر درگذشته خودطغرل دوم رابزوجیت باوداد واتابکی ارسلانشاه پسرصغیرطغرل را هم باوواگذشت .

۱ - قاموس لغات ترکی‌تالیف شمس‌الدین‌سامی ماده «اتا» و «بك» استانبول ۱۳۱۷هجری

ستاره اقبال ایلدگز همچنان بالامیگرفت تادرسال ۵۴۱ هجری از طرف سلطان مسعود بفرمانروایی آذربایجان واران رسید.

چون درسال ۵۵۵ هجری امرای سلجوقی سلطان غیاث الدین سلیمان شاه بن محمد رابعلت بی کفایتی ازسلطنت برداشتند، ایلدگز ارسلان شاه راباخود به همدان آورده بنام رکن الدین ابوالمظفر ارسلانشاه بن طغرل بر تخت سلطنت نشاند (۵۵۶_۵۷۱ هـ) وخودلقب اتابك اعظم یافت

دو پسر او: برادران مادری ارسلان شاه یعنی نصرةالدین محمد جهان پهلوان، و مظفرالدین عثمان قزل ارسلان، یکی حکمران اران وآذربایجان و دیگری فرمانده لشکرشد. ایلدگز براثرشکستی که در۵۵۷ به گرجیان دادقسمتی از آذربایجان شمالی واران راپس گرفت.

جهان پهلوان

پس از مرگ ایلدگز در۵۵۸، پسر مهترش نصرةالدین ابوجعفر محمدجهان پهلوان بجای او نشست (۵۶۰_۶۸۱ هـ) ازسال ۵۷۱ که سال جلوس طغرل سوم است تا۵۸۱ تاریخ فوت اتابك، زمام سلطنت آخرین پادشاه سلجوقی عراق دردست جهان پهلوان بود.

جهان پهلوان ازقتیبه خاتون دختر اینانج شحنه ری دوپسر بنام. قتلغ اینانج ومیر میران داشت که هیچکدام به اتابکی نرسیدند. ولی دوپسر دیگری که ازکنیز تولد یافته بودند یعنی ابوبکر وازبك هردوبه اتابکی رسیدند.

قزل ارسلان

چون اتابك جهان پهلوان درسال ۵۸۱ درگذشت، برادرش مظفرالدین عثمان بن قزل ارسلان (۵۸۱_۵۸۷ هـ) به تخت نشست وی در عهد برادرحکمران آذربایجان بود. اوقتیبه خاتون زن برادرخویش را بعقد خویشتن درآورد پس ازچندی میان او وسلطان طغرل برهم خورد، سلطان برای گرفتن کمك به قپچاق گریخت.

اتابك قزل ارسلان بیاری ناصر خلیفه عباسی براوضاع مسلط شدو سرانجام

سلطانرا که بیمار بود درهمدان شکست داد واورا با پسرش ملکشاه دستگیر ساخت ودر قلعه‌ای در آذربایجان بزندان انداخت وخودرا سلطان خواند . لیکن همان شبی که میخواست فردای آنروز جشن سلطنت بگیرد اورا دربسترش کشته یافتند وقتل ناگهانی اورا به‌فدائیان اسماعیلی نسبت‌دادند (شعبان ۵۸۷هـ).

اتابك ابوبكر

پس از قتل قزل ارسلان پادشاهی آذربایجان واران به اتابك نصرة الدین ابوبکر بن محمدجهان پهلوان رسید (۵۸۷ـ۶۰۷ هـ) وی‌عراق را به‌برادرش قتلغ اینانج سپرد .

پس ازچندی قتلغ اینانج برای تصرف آذربایجان بجنگ بـرادر خـود ابوبکر رفت و مغلوب شد .ابوبکر مردی خوشگذران ومیخواره بـود و بهمین جهت ازتدبیر امور مملکت غافل می‌ماند. برخلاف همسایه شمالی او گرجستان تحت اداره‌زنی لایق بنام‌تامارا(۵۸۰ـ۶۰۹) دختر گیورگی سوم‌بود . سپاهیان‌این زن لشکر اتابك رادرنزدیك شمکورشکست‌سختی دادند وشمکور ودوین وگنجه را گرفتند .

وبلاد ماوراء ارس ازدست مسلمانان خارج شد .

بی‌حالی اتابك ابوبكر دیگر سرکشان‌وزورآوران‌را بطمع تصرف بقیه‌بلاد او انداخت درسال ۶۰۲هـ امیراربل مظفرالدین‌کوکپبری بهمدستی باعلاءالدین‌که باارسلان احمد یلی مراغه ،بجنگ او بیرون شدند . ابوبکراز ناچاری به‌یکی‌از غلامان پدرش آی تغمش که فرمانروای ری وهمدان واصفهان‌بود متوسل‌گردید. آی‌تغمش بیاری مخدوم قدیم خودآمده‌آن دورامغلوب ساخت اتابك‌ابوبکرپس ازبیست‌سال سلطنت در۶۰۷هجری درگذشت .

مظفرالدین اوزبكـ این اتابك که از حدود۶۰۰هجری بمدد آی تغمش بداعیه‌سلطنت برخاسته‌بود برادراتابك ابوبکر وشوهر دخترطغرل سوم‌سلجوقی است .

مردی میخواره وسست‌رای بود . ازوقایع زمان اوهجوم پی‌درپی گرجیان بحدود مشکین‌واردبیل واستیلای‌لشکرمغول بر آذربایجان درسال ۶۱۷هجری بود.

اتابك ابوبکرکه تاب‌برابری با مغول‌رانداشت‌بادادن پول‌وجامه وچهارپای بسیار با مغولان از درصلح درآمد و در یورش دوم ایشان به نخجوان گریخت، بزرگان تبریز بادادن هدایایی به‌تدبیرلشگر مغول رادفع کردند. در سال ۶۲۲ جلال‌الدین خوارزمشاه به‌آذربایجان‌آمداتابك‌اوزبك زن‌خودرا درتبریزگذاشته وبگنجه گریخت. جلال‌الدین در۱۷ رجب سال۶۲۲ تبریز راگرفت و ملکه را با احترام بخوی فرستاد وخودبجنگ باگرجیان رفت . درمراجعت ازتفلیس ملکه زوجه اتابك رابه قباله‌نکاح خودآورد واتابك ازاین‌اندوه‌بمرد .

اتابك‌خاموش- ازاتابك اوزبك فرزندی کرولال مادرزادبنام قزل‌ارسلان برجای ماندکه اورا اتابك خاموش‌لقب دادند اودختری را که نواده علاءالدین گرپا ارسلان احمدیلی وخداوند روئین دژبود بعقدخودآورد . درسال۶۲۲ که سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه درگنجه بوداتابك خاموش نزد اورفته‌زمین‌خدمت ببوسید سپس ازآنجا به‌الموت‌سفرکرد وپس ازیکماه در همانجا بمرد (۶۲۲ه). زوجه اوراهم سلطان جلال‌الدین بزنی‌گرفت وسلسله‌اتابکان پس‌از۸۵ سال‌سلطنت برافتاد .

اتابکان‌آذربایجان پادشاهانی ادب دوست بودند وبسیاری ازشاعران بزرگ ایران درمدح ایشان اشعاری سروده‌اندکه نامبردارترین آنان ظهیرالدین‌محمد فاریابی ، وافضل‌الدین خاقانی شروانی ، وشرف‌الدین شفروه اصفهانی ، و مجیر الدین بیلقانی ، واثیرالدین اخسیکتی وجمال‌الدین اشهری می‌باشند.[۱]

۱- تاریخ مفصل ایران تألیف اقبال آشتیانی ج ۱ص۳۸۰-۳۸۲ روضةالصفا ج ۵ص۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۵

جدول خاندان اتابکان آذربایجان یا بنی ایلدگز

۱ـ شمس‌الدین ایلدگز [۱]	۵۳۱ هجری
۲ـ شمس‌الدین ابوجعفر محمد جهان پهلوان بن ایلدگز (۲) (درگذشته در ذی‌حجهٔ سال ۵۸۱) (۲)	حوالی ۵۶۸ه
۳ـ مظفرالدین قزل ارسلان عثمان بن ایلدگز (درآذربایجان وعراق ، درگذشته درشعبان ۵۸۷)	ذی‌الحجه ۵۸۱
۴ـ نصرة‌الدین ابوبکربن محمد	شعبان ۵۸۷
۵ـ مظفرالدین اوربك بن محمد جهان پهلوان (۳) (جلال‌الدین‌خوارزمشاه اورا در۶۲۲ عزل کرد)	۶۰۷
۶ـ اتابك خاموش‌بن اوزبك	

ایلدگز

قزل ارسلان — محمد

محمد: اوزبك — قتلغ اینانج — ابوبکر(۴)

(درگذشته در۵۹۱ ه)

خلاصه تاریخ آذربایجان ازمغول تاعصرحاضر – مابقیه‌تاریخ آذربایجان را تاعصر حاضر درتاریخ تبریز به‌تفصیل شرح داده‌ایم. چون‌از زمان‌مغول‌تبریز مرکزآن ایالت‌میشود حوادث آذربایجان درضمن تاریخ آن شهر گفته‌خواهدآمد

---

۱ ـ وی نخست غلام سمیرمی وزیر سلطان محمود بن محمد حاکم اردان بود ، وی بامؤمنه خاتون زن بیوهٔ سلطان طغرل بن محمد ازدواج کرد ودرسال ۵۶۰ هجری شخص اول‌دولت سلجوقی شد .

۲ ـ وی با مؤمنه خاتون دختر بکتیمور امیرخلاط ازدواج کرد .

۳ ـ وی با دختر طغرل بن ارسلان سلجوقی ازدواج‌کرد .

۴ ـ رك: : زامباور : معجم‌الانساب ص ۳۴۹ .

اینك برای آنکه دنباله مطلب گسسته نگردد خلاصه تاریخ آن ایالت‌را در زمان مغول تاعصر حاضر دراینجایاد میکنیم.

در سال ۶۱۶ هجری اولین دسته‌مغول به‌آذربایجان آمده غرامت بسیاری از مردم تبریزگرفته رفتند پس ازعقب نشینی سلطان‌جلال‌الدین خوارزمشاه از آذربایجان در۶۲۸ هجری‌لشکر مغول بسرداری جرماغون بر همه آن سرزمین تسلط یافتند.

از زمان سلطنت گیوگ خان پسر اکتای قاآن (۶۳۹_۶۴۷) حکومت آذربایجان واران به‌ملك صدرالدین‌که بامغول هم‌پیمان بود رسید.

هلاگو پس از تسخیر بغداد در۶۵۶ هجری به‌آذربایجان رفت وشهرمراغه راتختگاه خود ساخت ودر۱۹ ربیع‌الاول سال۶۶۳درکنار رودجیغاتودرآذربایجان جان‌سپرد و اورا درنزدیکی دهخوارقان بخاك سپردند.

از زمان اباقاجانشین هلاگو(۶۶۳-۶۸۰) آذربایجان در تاریخ ایران‌اهمیت بیشتری یافت وتبریز پایتخت ایلخانان مغول گردید. پس از او ایلخانان دیگر چون سلطان احمد تگودار (۶۸۱-۶۸۳) وارغون‌خان (۶۸۳_۶۹۰) وگیخاتو (۶۹۰_۶۹۴) وبایدو(۶۹۴) وسلطان محمودغازان (۶۹۴ _ ۷۰۳) هر یك پس از دیگری درتبریز بپادشاهی نشستند. درزمان غازان تبریز ودیگربلادآذربایجان به‌منتهای رونق وترقی خودرسیدند.

سلطان‌محمدخدابنده اولجایتو(۷۰۳_۷۱۶)درسال۷۰۴هجری شهرسلطانیه را درپنج فرسنگی زنجان ونه‌فرسنگی ابهر آغاز به‌ساختن کرد و در سال ۷۱۳ هجری باتمام رسانید وپایتخت خودرا ازتبریز به‌آن شهربرد.

آخرین‌پادشاه مقتدر ایلخانی مغول ابوسعید بهادرخان (۷۱۶_۷۳۶هـ) در اران بیمار شده درسیزدهم ربیع‌الاخر ۷۳۶ درحدود شروان درگذشت و جسد اورا به‌سلطانیه‌آورده درگنبدی‌که در آن حوالی‌ساخته بودبخاك سپردند.

درزمان ایلخانان کوچك وضعیف مغول (۷۳۶_۷۵۶) آذربایجان میدان جنگ بین دوسلسله امرای ایلکانی یاآل جلایروچوپانیان گردید.

درسال ۷۸۷ تغتمش خان رئیس ایل ذهبی وپادشاه دشت قپچاق به آذربایجان لشکر کشیدوشهرهای آن سرزمین بخصوص تبریز راغارت کرد.

درسال ۷۰۵ هجری امیرتیمورگورگانی، آذربایجان وری وماورای رودارس وآسیای صغیر را به پسر خودمیرانشاه بخشید وتبریز پایتخت اوشد.

چون میرانشاه دیوانه شد تیمور در ۸۰۲ هجری به آذربایجان آمد ، ومیرزا عمر پسر اورا بجای وی نشانید . پس از آن آذربایجان بدست پادشاهان ترکمانی نژاد قراقویونلو (۸۱۰_۸۷۲) ، وآق قویونلو (۸۷۲_۹۰۸) افتاد.

درعهد این پادشاهان آذربایجان به منتهای آبادی خود رسید وبازار تجارت بین تبریز واروپا رونق یافت .

شاه اسماعیل صفوی (۹۰۵_۹۳۰) که اصلا اردبیلی بودتبریز را پایتخت خود ساخت ومردم سنی مذهب آذربایجان رامجبور بترك کیش خودوقبول مذهب شیعه کرد وگروه بسیاری را ازمردم تبریز بجرم سنی بودن بخاك هلاك افکند . قبرشیخ صفی الدین اردبیلی جد خاندان صفوی دراردبیل به سبك زیباوباشکوهی ازنوبنا شدوزیارتگاه دوستداران آن خاندان گردید.

شکست شاه اسماعیل در چالدران درسال ۹۲۰ سلطان سلیم عثمانـی ، راه آذربایجان را بسوی ترکان بازکرده لشکرعثمانی به تبریز درآمد و خـزایـن پادشاهان ایرانرا بغارت برد .

درزمان سلطنت شاه طهماسب اول (۹۳۰_۹۸۴) لشکر سلیمان اول بفرماندهی وزیر ابراهیم پاشا به آذربایجان حمله کردوتبریز را اشغال نمود. چون شهرتبریز ازنظر حملات ترکان عثمانی به آذربایجان دیگرجای امنی نبود ازاینروشاه طهماسب پایتخت خودرا ازآن شهر به قزوین انتقال داد .

درزمان سلطان محمد خدابنده (۹۸۵ـ۹۹۶) سلطان عثمانی مراد خان ثالث (۹۸۲ـ۱۰۰۳هـ) پس از خبر یافتن ازمرگ شاه اسماعیل دوم یکی از سرداران مشهور خودرا موسوم به‌اوزد میرزاده‌عثمان پاشا با سپاهی گران بـه‌آذربایجان فرستاد(۹۹۳هـ) وتبریز را اشغال کردآذربایجان مدت هجده‌سال درتصرف دولت عثمانی بود.

شاه‌عباس کبیر(۹۹۶ـ۱۰۰۳)بالشکرکشی به‌نواحی‌شمال‌وغربی‌اران آذربایجان را ازترکان عثمانی‌پس‌گرفت .

پس‌ازاستیلای‌افاغنه برایران(۱۱۳۵ـ۱۱۴۲)ترکان عثمانی‌باز بفکرتسخیر آذربایجان‌افتاده سرزمینهای‌مرزی بین ایروان وتبریزرااشغال کردند(۱۱۳۷هـ) پیمانی‌که اشرف‌افغان در۱۱۴۰ هجری باترکان بست ، مالکیت دولت عثمانی را درسرزمینهای‌آذربایجان وشمال غربی‌ایران تاحدود سلطانیه‌وابهرتائیدکرد .پس از سه‌سال نادرشاه افشار قشون عثمانی را در نزدیك تبریز شکست سختی داد و آذربایجان رابه‌خاك ایران پیوست (۱۱۴۲هـ). در اوایل سلطنت کریم خان زند (۱۱۶۳ـ۱۱۹۳ هـ)آذربایجان بدست‌آزادخان افغان‌افتاد.

محمدحسن خان قاجار در۱۱۷۰ هجری آن‌ایالت‌را ازاو گرفت و در سال بعد یعنی سال ۱۱۷۱ آذربایجان درجزو متصرفات‌کریمخان درآمد.

پس از مرگ کریمخان زند(۱۱۹۳) براثرضعف سلسله زندیه آذربایجان بدست‌خاندان دنبلی که ابتدا درخوی مسکن داشتند افتاد یکی ازامرای مشهور این‌خانواده‌که نجفقلی‌خان نام‌داشت پس‌ازخرابی‌تبریزاززلزله، حصارآن‌شهررا ازنوساخت . آغامحمدخان قاجار دراواخرسال ۱۲۰۵ به‌آذربایجان‌لشکرکشید آمد و ازآن تاریخ‌آن استان بازتحت‌تسلط دولت مرکزی ایران درآمد .

اززمان فتحعلیشاه شهرتبریزمقر ولیعهد ایران‌گردید (۱۲۱۳هـ) و تا آخر دوه قاجاریه‌آنشهر ولیعهد نشین ایران بود .

در جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۹ـ۱۲۴۳) آذربایجان اهمیت سیاسی و سوق‌الجیشی یافت پس از شکست ایران در ۱۲۴۳ هجری آذربایجان توسط قوای روس اشغال شد. بعد از عقد قرار داد ترکمانچای (۱۲۳۴ هـ ۱۸۲۸م) آن استان از نیروی روس تخلیه گشت.

پس از اعطای فرمان مشروطیت در ۱۳۲۴ هجری آذربایجان مرکز فعالیت مشروطه طلبان گردید و مردم آزادیخواه آن استان به‌پیشوایی ستارخان و باقرخان علیه دولت مستبد محمدعلی‌شاه قیام کردند.

در این اثنا دولت روس که طرفدار محمدعلی‌شاه بود باموافقت‌دولت انگلیس بر اثر قرار داد تقسیم ایران بر دو منطقه نفوذ در سال ۱۹۰۷ م، به بهانه حفظ کنسولگریهای بیگانه در تبریز درسوم آوریل ۱۹۰۸ به آذربایجان آمده تبریز را گرفتند، آنان به بهانه‌های مختلف از جمله جلوگیری از قشون عثمانی تا ۱۹۱۷ یکسال پیش از جنگ اول جهانی در آن استان باقی ماندند.

در دوره جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۸ م) قوای عثمانی قسمت غربی آذربایجان را اشغال کردند و درهشتم ژوئن ۱۹۱۷ به‌تبریز آمدند و یك حکومت طرفدار ترك در آنجا برقرار ساختند.

اعاده نظم و امنیت از طلوع سلسله پهلوی (۱۳۰۰ش) در آذربایجان بدست توانای رضاشاه‌کبیر برقرار گردید و در تمام شئون اجتماعی و اقتصادی آن استان ترقیات شگرفی پدید آمد.

درسوم شهریور ۱۳۲۰ (۲۵ اوت ۱۹۴۱) با ورود قوای خارجی به ایران آذربایخان دیگر باره باشغال قوای روس در آمد. حکومت استالینی شورری از این فرصت استفاده کرده بفکر اتحاد دو آذربایجان شمالی و جنوبی افتاد. از اینرو باتقویت حزب مخالف حکومت مرکزی که دمکرات نام داشت دولتی پوشالی بنام «آذربایجان ملی حکومتی» (حکومت ملی آذربایجان) بریاست جعفر پیشه‌وری تشکیل داد ۲۱ آذر ۱۳۲۴ شمسی) روسها برخلاف موافقت نامه تهران که آنرا سران متفقین

روزولت وچرچیل واستالین در آذرماه ۱۳۲۲ امضاء کرده و تعهد کرده بودند که حد اکثر تاشش ماه بعد ازخاتمه جنگ جهانی دوم ایرانرا ازقوای نظامی خود تخلیه نمایند، نه تنها تارأس موعداز ایران نرفتند بلکه به ایجاد یك نهضت مصنوعی در آذربایجان بنام فرقه دمکرات پرداختند. چون قوای روس از برقراری امنیت در آن استان مانع بود ، در دیماه ۱۳۲۴ (ژانویه ۱۹۴۶) ازطرف دولت ایران بشورای امنیت ملل متحد شکایتی تقدیم گردید نماینده شوروی درآنشورا رسماً اعلام داشت که درظرف پنج یاشش هفته نیروی کشور شوروی خاك ایرانرا تخلیه خواهد کرد.

ازطرف دیگر قوام السلطنه نخست وزیر وقت دراسفند ماه ۱۳۲۴ با هیأتی به مسکو رفت و مورد استقبال گرم استالین وسران شوروی قرارگرفت. قوام بروسها وعده داد امتیاز استخراج نفت شمال راپس ازتصویب مجلس به ایشان بدهد، ولی بعد مجلس درجلسه سوم مهرماه ۱۳۲۶ باتفاق آراء آن موافقت نامه را ردکرد . روسها دریازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ (ماه مه ۱۹۴۶) آذربایجان راتخلیه کردند ، شش ماه بعد دولت باشاره شاهنشاه ایران برای اجرای انتخابات مجلس نمایندگان ملت وبرقراری نظم نیرویی به آذربایجان فرستاد . قوای فرقه دموکرات درپل دختر شکست خورده عقب نشست وسران فرقه شبانه گریخته به خاك شوروی پناه بردند . درروز ۲۱ آذرماه ۱۳۲۵ پیش ازورود نیروی دولتی حکومت دمکرات سقوط کرد وشهر تبریز بدست مردم غیرتمند آذربایجان افتاد.

پس ازرسیدن قوای اعزامی تهران ، که باشور وهیجان میهن پرستانه مردم تبریز مواجه شد ، بعد از یکسال تمام دوباره نظم و امنیت در استان آذربایجان برقرارگردید.[1]

۱ـ رجوع شود به دائرة المعارف اسلامی طبع فرانسه جلد اول رساله چهارم ص۱۹۴–۱۹۶ مقاله ولادیمیر مینورسکی.

مقارن همین اغتشاش و ناامنی در تبریز و آذربایجان شرقی بر اثر تحریك و تأیید همان عامل خارجی که ذکر آن در بالا گذشت، در منطقه آذربایجان غربی یعنی مهاباد واطراف آن عده‌ای از متجاسران کرد به پیشوایی قاضی محمد نامی برعلیه دولت مرکزی ایران سر بطغیان برداشتند وحزبی اشتراکی بنام **کومله** تشکیل دادند. سرانجام حکومتی خود مختار تأسیس کردند و نواحی کرد نشین آذربایجان غربی را زیر لوای آن آوردند وشهر مهاباد را مرکز این حکومت ساختند.

این حکومت مانند فرقه دمکرات آذربایجان نیز یکسال دوام کرد. تا با اعزام نیروی دولتی از تهران در آذرماه ۱۳۲۵ واعدام قاضی محمد ودوبرادر او سیف قاضی وصدر قاضی نظم وامنیت مجدداً در نواحی کردنشین آذربایجان برقرار گردید.

ما وقایع اخیر آذربایجان را درضمن تاریخ تبریز به‌تفصیل خواهیم نوشت و در اینجا به‌همین مختصر اکتفا میگردد.

جدول آمار جمعیت آذربایجان غربی

جمعیت کل استان آذربایجان غربی بتفکیك شهرها برحسب جنس وتعداد خانوار درسال ۱۳۴۷

نام شهرها	جمعیت در سال ۱۳۴۷			خانوار	
	مرد و زن	مرد	زن	تعداد	تعداد نفرات برای هرخانوار
جمعیت کل استان آذربایجان غربی	۱/۰۹۰/۶۵۴	۵۷۲/۷۶۹	۵۱۷/۸۸۵	۱۹۴/۷۸۲	۵/۶
جمعیت کل نقاط کمتر از ۵۰۰۰ نفر (دهات)	۸۳۸/۰۳۱	۴۳۹/۵۰۸	۳۹۸/۵۲۳	۱۴۵/۶۶۱	۵/۸
جمعیت کل نقاط بیش از ۵۰۰۰ نمر (شهرها)	۲۵۲/۶۲۳	۱۳۳/۲۶۱	۱۱۹/۳۶۲	۴۹/۱۲۱	۵/۲
شهر میاندوآب	۱۸/۸۸۵	۹/۷۶۲	۹/۱۲۳	۳/۷۳۸	۵/۱
شهر نقده	۱۰/۸۶۹	۵/۷۵۰	۵/۱۱۹	۱/۹۴۴	۵/۶
شهر سردشت	۵/۷۹۵	۳/۳۱۸	۲/۴۷۷	۹۲۵	۶/۳
شهر خوی	۴۷/۹۵۰	۲۴/۶۲۷	۲۳/۳۲۳	۹/۴۶۷	۵/۱
شهر رضائیه	۱۱۱/۴۴۹	۵۹/۲۱۱	۵۲/۲۳۸	۲۲/۵۷۰	۴/۹
شهر شاهپور (شاپور)	۲۱/۸۴۰	۱۱/۷۰۶	۱۰/۱۳۴	۳/۸۶۶	۵/۷
شهر ماکو	۷/۰۴۴	۳/۶۶۸	۳/۳۷۶	۱/۳۷۶	۵/۱
شهر مهاباد	۲۸/۷۹۱	۱۵/۲۱۹	۱۳/۵۷۲	۵/۲۳۵	۵/۵

نقاطیکه بیش از ۵۰۰۰ نفر جمعیت دارند شهر نامیده میشوند.

جدول آمار جمعیت آذربایجان شرقی

جمعیت کل آستان آذربایجان شرقی بتفکیك شهرها برحسب جنس وتعداد خانوار درسال ۱۳۴۷

نام شهرها	جمعیت در سال ۱۳۴۷			خانوار	
	مرد وزن	مرد	زن	تعداد	تعداد برای هر نفرات خانوار
جمعیت کل استان آذربایجان شرقی	۲/۶۰۴/۷۴۷	۱/۳۵۸/۹۲۳	۱/۲۴۵/۸۲۴	۴۸۷/۶۱۹	۵/۳
جمعیت کل نقاط کمتر از ۵۰۰۰ نفر (دهات)	۱/۹۵۰/۱۹۴	۱ر۰۱۷/۱۷۷	۹۳۳/۰۱۷	۳۶۴/۱۴۱	۵/۴
جمعیت کل نقاط بیش از ۵۰۰۰ نفر (شهرها)	۶۵۴/۵۵۳	۳۴۱/۷۴۶	۳۱۲/۸۰۷	۱۲۳/۴۷۸	۵/۳
شهر اردبیل	۸۴/۱۲۴	۴۳/۶۱۱	۴۰/۵۱۳	۱۴/۶۳۳	۵/۸
شهر ارسباران	۲۴/۲۱۵	۱۲/۳۶۸	۱۱/۸۴۷	۴/۸۰۳	۵/۱
شهر تبریز	۴۰۵/۹۶۰	۲۰۹/۸۹۴	۱۹۶/۰۶۶	۷۷/۳۰۸	۵/۳
شهر خلخال	۶/۹۹۸	۳/۶۶۶	۳/۳۳۲	۱/۳۹۱	۵/۰
شهر سراب	۱۷/۱۶۹	۹/۷۱۵	۷/۴۵۴	۲/۸۶۰	۶/۰
شهر مراغه	۵۴/۴۴۷	۲۹/۸۸۱	۲۴/۵۶۶	۱۰/۷۳۳	۵/۱
شهر مشگین شهر	۹/۰۴۶	۴/۷۱۱	۴/۳۳۵	۱/۶۶۱	۵/۴
شهر میانه	۲۸/۶۱۶	۱۴/۸۸۰	۱۳/۷۴۶	۵/۴۰۴	۵/۳
جمعیت کل ا.تانهای آذربایجان شرقی وغربی	۳/۷۳۱/۴۰۱	۱/۹۳۱/۶۹۲	۱/۷۶۳/۷۰۹	۶۸۲/۴۰۱	۵/۸
جمعیت مناطق کمتر از ۵۰۰۰ نفر (دهات)	۲/۷۸۸/۲۲۵	۱/۴۵۶/۶۸۵	۱/۳۳۱/۵۴۰	۵۰۹/۸۰۲	۶/۱
جمعیت کل نقاط بیش از ۵۰۰۰ نفر (شهرها)	۹۰۷/۱۷۶	۴۷۵/۰۰۷	۴۳۲/۱۶۹	۱۷۲/۵۹۹	۶/۱

فصل ششم

طوایف و ایلات آذربایجان

در آذربایجان اززمانهای باستانی ایلات وعشایری چادرنشین زندگی میکردند که از جایی به‌جایی کوچ کرده و باصطلاح معروف ییلاق و قشلاق مینمودند و مسکن ثابتی نداشتند.

امروزاین وضع هنوز درآنسرزمین کم‌و بیش برجاست وآن اقوام درنقاط مختلف آذربایجان تحت‌ریاست مطلق ایلخانی‌ها وایل‌بیگی های خویش که‌سمت سروری وریاست را برآنان دارند به‌دامپروری وگاهی بکشاورزی میپردازند. ایلات آذربایجان مانند دیگر عشایر ایران ازقدیم غالباً درخدمت نظامی بودند و تا مقارن عهد مشروطیت‌قشون چریك ایران راتشکیل میدادند. چنانکه درتاریخ صفویه میخوانیم بعضی ازایلات همین‌سرزمین‌چون: شاملو، قاجار، خلج، استاجلو، تکلو ، ذوالقدر، بیات وافشار بودند که تحت عنوان قزلباش دورشاه اسماعیل را

گرفته و اورا بپادشاهی ایران رسانیدند.

ازمیان این قبایل، افشار یکی از نیرومندترین ایلات درسراسر ایران بخصوص درآذربایجان بودند، لایارد Layard میگوید: گندوزلوها یکی ازقبایل بختیاری از افشارهای ترك زبان می‌باشند[1]. ازقبایل استاجلو و ذوالقدر عده بسیار کمی مانده‌که درآذربایجان سکونت دارند[2].

ایلات آذربایجان به‌گله‌داری وزراعت مشغولند غالبا مردمانی هستند قوی بنیه وبلند قد دارای چشم‌سیاه وموی مشکی. به‌لهجه‌ترکی آذربایجانی گفتگو میکنند بهمین‌جهت آنانرا تاتارهای آذربایجانی‌خوانده‌اند، ولی‌باتاتارهای آسیایی شباهتی ندارند وآنان از هر حیث ایرانی می‌باشند ولو بزبان ترکی صحبت میکنند[3]

کولی‌های آذربایجان را بزبان محلی **قره‌چی** گویند که ظاهرا بمعنی سیاه چادر است. اینان را درخراسان غرشمال خوانده‌اند.[4]

ایلات آذربایجان شرقی ــ این ایلات به‌دومنطقه: ارسباران و شاهسون تقسیم میشوند.

۱ـ ایلات ارسباران همه شیعه‌مذهب‌وبالغ بر۶۶۸۷ خانوارند که‌به‌دوقسمت شرقی وغربی قسمت میشوند. ایلات ارسباران شرقی ازاینقرارند:

چلبیان‌لو، قره‌چورلو، محمدخانلو، حاجی‌علیلو، حسن‌بیگلو، حسن‌گلو.

بیشترعشایر ارسباران شرقی‌وغربی درزمان رضاشاه‌کبیر تخته‌قاپو واسکان شده وبرای خود املاکی خریده وبه‌کشاورزی میپردازند. تنهاگروه معدودی‌از ایشان که دارای اغنام و احشام هستند درتابستان به‌کوههای اطراف ارسباران وسبلان ودرزمستان به‌جنوب دشت مغان و اطراف رود قره‌سو و کنار رودارس

۱ـ هنری فیلد: مردم‌شناسی ایران ص ۷۲۲
۲ـ » » » ص ۱۳۲
۳ـ ایضاً ص ۱۱۲ و ص ۱۳۵
۴ـ ایضاً ص ۱۴۳

ییلاق و قشلاق مینمایند . ایلاتی که اسکان شده‌اند غالباً بزراعت گندم وجو و برنج و گله‌داری میپردازند .

ایلات ارسباران غربی اینان‌هستند: خلیفه‌لو ،اودلو ،ساریجان بگلو، بیگلو عیسی‌لو ، مستعلی بگلو، علی‌بابالو، زرگرلو ،آلارو ، خامسلو، خلیفه لو مردان ، یکه‌لو، کله‌سر ، دل‌آغازدار، سادات‌زارتچی، قوتلار ، قره‌چورلو. عرب‌لو، قوذاز شاهین ،آجرلو ، بیگلو دورسون، خواجه‌لو، یوتچی رضا بیگ‌لو ؛ حسینگلو . این ایلات درارتفاعات اهر و مشکین‌شهر و اردبیل و اطراف آن ییلاق ودرساحل‌رود ارس قشلاق مینمایند.

۲ـ ایل شاهسونـ این ایل نیز همه شیعه مذهب و بالغ بر ۷۹۶۳ خانوارند ودر تابستان به‌دره‌های قره سودو درزمستان به‌مغان ییلان وقشلاق میکنند.

نامهای طوایف ایشان از اینقراراست: کلوش ، حسین خانلو ، جلو دارلو ساربانلار ، قوچه بیگلو،کیکلو ، دمیرچلو مغانلو ؛ طالش میکائیلو .کورعباسلو . آجرلو، بیکدیلو، همونلو، سیدلر،قلیلو،حاج خواجه‌لو، پرایونلو، جعفرلو، بیك باطو ، مرادلو، تکلبه، این ایلات درعمران دشت مغان با دولت همکاری میکنند وضع گله‌داری آنان نسبت به‌دیگر مناطق عشایرنشین بهتراست. ایشان درارتفاعات اهر و مشکین‌شهر ییلاق و به‌ساحل رود ارس قشلاق می نمایند. شاه‌عباس این ایل را برای درهم‌شکستن قدرت قزلباش تشکیل دادو بهمین‌جهت آنانرا شاهسون یعنی‌دوستان شاه نامید . درقرن نوزدهم اینانلوها عمده‌ترین شعبه شاهسون بودند. دیگرایلات شاهسون ازاینقرارند : دلی‌کانلو ، تکله ، کوزانلو ، یوت چو ، پولاتلو، شیخلو . شاهسونهای مشکین‌شهر ازاینقرارند : کجا بیکلو ، یدی اویماق (هفت خانواده) ایلخچی ، اینااللو ، قرامان بگلو . درمیان ایلات مشکین آنهاکه زندگانی کوچ نشینی دارند ازاینقرارند: کجابیکلو ۱۵۰۰ خانوار ، ناسن‌لو Nasanlu که‌احتمالا همان‌کازانلوهاباشند ۱۵۰ خ ، طالیش‌میکائیلو وکجابیکلو ۱۰۰۰ خ، سیدلو ۱۰۰۰ خ

ساری جعفرلو ۲۰۰ خ ، گیک‌لو Giyiklu ۵۰۰ خ ، ایناتلو وکجابیکلو ۳۰۰ خ حاجی خواجه لو ۱۰۰۰ خ ، آجرلو ۳۰۰ خ ، کوراباز لو Kurabazlu ۲۰۰ خ ، دمیر چیلو ۱۰۰۰ خ ، یک‌کدلو yekkedlu ۲۰۰ خ، گون پاپا ۲۰۰ خ، زرگرلو ۵۰۰ خ ، ادات‌لو ۲۰۰ چادر. درحال حاضر از طوایف شاهسون ۳۲ طایفه درمغان هفده طایفه درقره‌داغ زندگی‌میکنند. بعضی از طوایف اسکان داده شد ، و دریک جا مستقر گردیده‌اند . هرطایفه ممکن‌است ازپنجاه تاهزارخانواده یابیشتر را شامل‌شود ، ونیزهرطایفه نیز ممکن است به دو تا۲۰ تیره تقسیم‌گردد.

آداب ورسوم ایلات آذربایجان‌شرقی ـ آنان‌همه‌جشنهای‌ملی‌ومذهبی ایران را محترم شمرده درمیدانها برقص‌وشادمانی می‌پردازند. درعید فطر وقربان پس‌از برگزاری نمازعید بدید و بازدید یکدیگرمیروند . درروز عید قربان‌در میدان عمومی ایل‌گردآمده وگوشت قربانی‌را بین فقرا قسمت‌میکنند ، عید نوروز را بزرگ شمرده بیکدیگرهدیه میدهند . درمراسم‌خواستگاری وعروسی چندتنی ازبزرگان و ریش سفیدان‌خانواده دامادبرای خواستگاری بخانه عروس میروند غالباً عروسی‌ها ازپنج تاده‌روز بطول می‌انجامد . درجشن عروسی میهمانان سر-شناس باساز ودهل وارد مجلس‌میشوند ، ورقاصی دوره میچرخد ومدعوین برای کمك بزندگی‌آینده داماد ازده تاصد تومان‌در سینی اومیریزند . هدایای‌خانواده های‌نزدیك عروس وداماد غالباًشتر ویاگاوویاگوسفند است .درمراسم ختنه‌سوران قبلا شخصی راکه باید پسردر دامن وی برای ختنه قرار گیرد تعیین‌می نمایند . این‌شخص باید احترام بسیاری بین‌آن طایفه داشته باشد و غالباً بین وی و پدر طفل هدایایی ردو بدل میشود .

آنان به نوزاد پسربیش ازدختر اهمیت‌می‌دهند اگرپسری‌بدنیاآید برای اطلاع همسایگان درپشت بام، یاآلاچیق،بوته خاری میگذارندکه علامت سرور وشادمانی است در مجلس جشن تولد نوزاد پسر، میهمانان باالباس سرخ رنگ و پولکدوزی شده به‌خانه پدر نوزاد می آیند. درایلات شاهسون ـ مراسم عروسی

چنین است که دو تن ریش سفید از خانواده داماد بچادر عروس رفته و عهد و پیمان می بندند. پس از شیرینی خوران هیچگونه رابطه‌ای در زمان نامزدی بین عروس و داماد وجود ندارد. پس از خواستگاری خانواده داماد بچادر عروس رفته یك روسری کلاغی، گردن بند، آینه، پارچه و شیرینی همراه میبرند و پس از چندروز مردم را برای جشن عروسی دعوت مینمایند. میهمانان بهمراه خود هدایایی از قبیل تفنگ شکاری آینه و شیرینی می آورند. همه مهمانان در شب عروسی در منزل داماد خواهندماند. در آخرین لحظه‌ای که عروس را از خانه خودش به خانه داماد می آورند، یکی از کودکان خانواده عروس کمربند زیبای طلائی به کمر عروس می بندد و عروس بسوی خانه داماد برده میشود. در جلوی عروس آینه و در عقب او جهیزیه همراه است. همینکه عروس به داماد نزدیك شد، داماد سیب سرخ یا دسته گلی بسوی او پرتاب میکند و سوارکاران و کشتی گیران و رقاصان هریك بنوبت بکار خود و دادن نمایش مشغول میشوند.

۳ـ ایلات خلخال. این ایلات تا سال ۱۹۲۰ میلادی متشکل از دو ایل: شطرانلو و قلق جانلو بودند، و قبیله دومی از یکصد و پنجاه خانوار تشکیل میشد. ایل شطرانلو که دوهزار خانوارند در زمین باریکی در چند میلی شمال قزل اوزن که در حدود ۷۵ میل از سنجاباد (سنجبد) بسمت مشرق بطرف تپه‌های ارپاچای و مصداقی امتداد دارد سکنی گزیده‌اند. زمانی از حدود خود خارج شده و در چهار ناحیه خلخال در شمال قزل اوزن پخش شدند. شطرانلوها اصلا کردهستند ولی بترکی صحبت میکنند، اگرچه شاهسون نیستند ولی با شاهسون‌ها همسایه و متحدند[1]. دیگر ایل کلیشانلو (۲۰۰ خ) و دلیکانلو (۴۰۰ خ) هستند که بزبان کردی سخن میگویند.

۴ـ ایلات خمسه. آنان همه ترکند وظاهراً از اردبیل و دیگر نقاط آذربایجان آورده شده و باقبایل قزلباش که درخمسه بودند مخلوط شده‌اند.

---

۱ ـ هنری فیلد: مردم شناسی ایران ص ۲۰۶

تانیم‌قرن پیش چند ایل کوچك یعنی ذوالقعده ،وقره برگلو ، ورشوند ، در طارم(تارم)زندگی میکردند ولی ایلات‌عمده‌خمسه‌عبارت‌بودنداز: دوبران‌وافشارکه افشار دوبرانی خوانده میشدند ، تابا افشار صائین‌قلعه(شاهین‌دژ) در آذربایجان فرق‌داشته باشند.

ایلات **آذربایجان‌غربی** ایلات آذربایجان‌غربی بیش‌از آذربایجان شرقی‌هستند وبچند طایفه بشرح زیر منقسم میگردند.

۱ ـ ایل‌جلالی ـ این‌ایل‌سنی مذهب(شافعی)۱۱۳۵خانوار است ودر ییلاق‌با ایلات مرز ترکیه ودرقشلاق با ایلات مرز شوروی مشترك میباشند. محل ییلاق آنان در مرز ترکیه حدود سیه چشمه. ودر مرز شوروی ساحل رود ارس است. این ایل‌پیش‌ازسال ۱۳۰۹ شمسی بفرمان رضاشاه‌کبیر بداخل ایران‌کوچ‌نموده‌بین روستاهای همدان تاتهران وورامین پراکنده شدند ، ولی پس‌ازشهریور ۱۳۲۰ و رفتن رضاشاه به‌محلهای‌اولیه‌خود مراجعت نمودند: واکنون‌بیشتردراطراف ماکو سکونت‌دارند. طوایف‌آن از این‌قرار است: خلیکانلو، حسوخلف ، علی محولو ، مصرکانلو ، طابلو، قزلباش، ساکان ، بلخکانلو ، جنی‌کانلو ،قندکانلو

گروه ایلات دوبران که به‌پانزده شعبه تقسیم میشدند در دره قزل اوزن از گروس بالای نیگی کند تا پل قافلانکوه زندگی میکردند و بین ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ خانوار بودند. دوبرانها یکی‌ازقبایل‌نیرومند شاهسون بودندکه فتحعلیشاه‌قاجار آنان را از مغـان و اردبیل آورده و در نـاحیه مجاور خاك‌افشار آذربـایجان مستقر ساخت.

ایل افشار دوبرانی بین ابهر رود وگروس زندگی میکنند وشامل طوایف: بدیرلو، جهانشاه‌لو، جمعه‌لو، قراسانلو هستند ، ودرحدود هزار خانوارند (۱)

رسوم و عادات ـ بزرگترین وباشکوه‌ترین عیدهای ایل‌خلیکانلو (جلالی) عید اضحی (قربان) است که هرکس به‌فراخور حال خود گاو و گوسفند قـربانی

---

۱ ـ هنری فیلد : مردم شناسی ایران ص۲۰۳

میکند. دراین عید لباس نو بتن میکنند و سه‌روز تعطیل عمومی است .
پس از عید قربان درمقام اهمیت روز عید فطراست، متاسفانه به‌عید نوروز چندان اهمیت نمیدهند، ولی‌برای چهارشنبه سوری بیش‌ازنوروز اهمیت قائلند، دراین شب لذیزترین خوراکهارا طبخ کرده وآتشبازی برپا میشود، وتانیمه شب ادامه دارد وزنان برقص و پای‌کوبی با دهل وسرنا مشغول میشوند .
عید دیگری که نسبتاً مهم است عید «خدرنبی» [خضرنبی] است که تاریخ جشن آن دراول اسفندماه است. برپاداشتن این جشن بمناسبت نزدیك شدن پایان زمستان است که معتقدند از تلف شدن احشام جلوگیری میکند . در این جشن زنان و دختران و جوانان ده برقص «چوبی» مشغول میشوند وشخصی خود را با لباسهای رنگارنگ آراسته دلقکی ومسخرگی میکند .
ازبرای خواستگاری یکی از ریش‌سفیدان خانه داماد ، بخانه عروس میرود. پس ازرضایت کامل بستگان دختر، بستگان پسر با کله قند بمنزل او رفته در مورد شیربها ، صحبت میکنند. شیربها نسبت بوضع خانواده دختر عبارت می‌باشد: از ۵۰ تا۲۰۰ گوسفند ، چند رأس اسب وگاو، چند عدد پول طلا، چند دست خلعت وغیره ، گوسفند هرچه بیشتر باشد ، طلا هم بهمان نسبت بیشتر است . حضور مدعوین درجشن عروسی‌اجباری‌است وهدایائی‌ازقبیل پول یاگوسفندیاچیزهای دیگر به‌داماد میدهند . جشن عروسی سه‌روز بطول می‌انجامد . پس ازسه روز عروس را بسوی خانه داماد باشکوه تمام سواره حرکت میدهند .
سوار کاران در جلو و سواری که زودتر بخانه داماد برسد ازداماد هدیه میگیرد. به‌محض نزدیك شدن عروس بخانه داماد، داماد بمنزل یکی‌ازخویشان رفته وآن شخص یکدست لباس برای داماد تهیه میکند. زن این شخص ینگه عروس میشود . شوهر وی داماد را بخانه خودش برده وینگه عروس را به‌حجله میبرد . هرکس بخواهد عروس‌را به‌بیند باید هدیه‌ای بدهد .
اگرعروس اتفاقاً دوشیزه نباشد ، روز بعداورا سوار الاغ کرده بخانه‌پدرش

برمیگردانند. اگر نوزاد اول پسر باشد جشن میگیرند و درخانواده‌های بی‌بضاعت برای دخترکه در معنی سرمایه آنهاست اظهارخوشحالی و سرور می‌نمایند.

به‌ختنه سوران اهمیت خاص میدهند. نخست پدر پسر، شخصی‌که مورد احترام است و میخواهد خودرا باومنسوب نمایدبنام «گروه» انتخاب مینماید- منظور از گروه این‌است‌که خون این پسر بدامان اوریخته شده و به‌آن خانواده نزدیك شده‌اند. وقتی، گروه، انتخاب شد، پدرتحفه‌ای برای وی‌میفرستد و پیغام میدهد شماگروه پسرمن‌هستید. گروه‌درروزموعود با خانواده خودبه‌مجلس‌ختنه سوران آمده‌وتحفه‌ای برای‌خانواده پسر بخصوص‌لباس‌برای پسرهمراه می‌آورد.

درخاتمه ختنه‌سوران، «گروه» باخانواده خود شب درمنزل پدرخانواده‌مانده و روز بعد مراجعت مینمایند، و پدر پسر به‌گروه وخانواده‌اش هدایایی از قبیل گاو و گوسفند میدهد. ولی بیشتررسم است که‌گوسفندان راگروه به‌پسر پیشکش میکند، گاو وچیزهای دیگررا با خود میبرد.

در هنگام طلاق دادن زن، مرد درحضور سه‌نفر یا بیشترسه‌سنگ برداشته با انداختن یك یا دو یاهرسه‌سنگ، زن را یك یا دوسه‌بار طلاق میدهد.

مرگ و سوکواری - خانواده شخص درگذشته اگرچه فقیرهم باشد باید گاو و یا اقلاً گوسفندی کشته وگوشت آنرا خیرات کند. پس از مرگ شخص، همه بستگان اوبرای تسلیت به‌خانواده‌اش به‌خانه متوفی می‌آیند ولی حتماً باید از بیست‌روز پس ازمرگ اوتجاوز نکنند.

پس از مردن شوهر، زن یا مادر یا خواهر اومقداری ازموی زلف خودرا چیده با مرده بخاك میسپارند، مقداری از آن موی را نیز به‌جامه مرده دوخته و در مجلس سوکواری زنانه میگذارند تا باعث تحریك حاضرین برای گریه و شیون شود.

چنانچه مرده، مردی جوان باشد اسب اورا زین وبرگ نهاده، لباسهای

اورا روی اسب قرارمیدهند .

هنگامیکه مردم برای تسلیت دادن می‌آیند، اسب را یکنفر جلوآنها میبرد تا گریه وشیون آنان را تشدید کند . اگرزنی بمیرد بایدگردن بند او را بگردن او بندند تا مرده شوی آنرا برای خود بردارد .

چنانکه بخواهند قبرمرده را پابگیرند این عمل دست کم باید پس‌ازهفت روزاز روز بخاك سپردن اوانجام گیرد .

۲- ایل میلان- عدهٔاین ایل ۲۰۳۰ خانوار ومردم‌آن سنی‌وشافعی‌مذهبند و در قشلاق با مرز روسیه ودرییلاق بامرز ترکیه مشترکند .

آنان سه ماه زمستان را درچادرهای خود درقشلاق درکنار ارس گذرانیده بقیه سال را درحوالی سیه چشمه که ییلاق آنهاست بزراعت و دامداری مشغول میشوند واز راه کشت گندم وجو وذرت امرارمعاش مینمایند .

طوایف آنها از اینقرارند :

شیخکانلو ، دودکانلو، دلائی، بروکی، عموئی، مندوله، کانلو، کچلانلو، قردوئی، بروئی ،کلیکانلو، خزوئی، قلیکی.

رسوم وعادات ایل‌میلان مانند طایفه خلیکانلو در ایل جلالی است، جز اینکه مرد درطلاق رجعی‌بجای سه‌سنگ دویا یك سنگ پرتاب میکند .

دیگر در جزء مراسم عزاداری هفته وچله معمول‌نیست وفقط‌آخر ماه‌فقرا را اطعام میکنند .

۳- حیدرانلو - این ایل ۳۰۰۰ خانوار سنی وشافعی مذهبند و در مرز ترکیه سکنی دارند. ییلاق ایشان در«سیه چشمه» وقشلاقشان در «چوخورکند» است. آنان از راه حشم‌داری وکشاورزی امرارمعاش میکنند و غالباً اسکان وتخته قاپو شده‌اند و فقط عده‌ای‌که اغنام واحشام دارند ییلاق وقشلاق مینمایند .

رسوم وعادات ـ یکی ازرسوم ایشان درعروسی چنین‌است که اگرپسری دختری رابخواهد یالچك دختری‌را برداشته‌باشد، دیگرکسی به‌خواستگاری‌این دخترنمیرود . پدر یا مادرویا ولیّ‌پسرناگزیرند ازاین دخترخواستگاری‌نموده هرقدر وجه‌نقد یاگوسفند لازم‌باشد باوبدهند. سپس خانواده داماد برای‌خانواده عروس شیربنی وخلعت میبرند ولی مدعوین دیگرهدیه نمیبرند. برای عروسی اشخاص را با فرستادن نامه یا کله‌قند یا قوچ دعوت می‌نمایند و مدت یك‌هفته تشریفات عروسی برپاست ودرآن مدت بیشترمدعوین مهمان داماد هستند. حتی وسیله حرکت مدعوین هم بعهده داماد است .

خانواده داماد درجشن عروسی دستمالی‌بزرگ دروسط پهن‌کرده وحاضران به‌تناسب قدرت مالی‌خود مبلغی برروی دستمال میگذارند .

درتولد نوزاد فرقی‌بین پسرو دخترقائل نیستند. مراسم ختنه پسران‌مانند آن مراسم دربین ایل‌جلالی است .

درمراسم وفات ـ پس‌از بخاك سپردن میت برفور مجلس ترحیم برقرار میشود وخیراتی برای اوانجام میگیرد . پس‌از روز چهلم نزدیکان میت قوچ یا گوسفندی بخانه شخص درگذشته‌آورده به‌کسان اوسرسلامتی میگویند. مردان خانواده تا دوهفته ازتراشیدن ریش، وزنان تاشش‌ماه ازپوشیدن لباس‌نوخودداری میکنند.پس‌ازآن مدت‌ریش‌سفیدان طایفه درمیان‌افتاده آنان راازعزادرمی‌آورند

۴ـ ممکانلو ـ دویست وپنجاه خانوارند ودر مرزترکیه سکنی دارند و مذهب‌آنان سنی شافعی‌است. ییلاق ایشان در«الند» وقشلاقشان در«قطور» است این طایفه بکارکشاورزی دلبستگی بسیاری ندارند و بیشتر اوقات آنان صرف دامپروری میشود. آنان تخته قاپو شده‌اند .

درمراسم عروسی چابك‌سوارانی که ازکسان داماد هستند بخانه عروس‌رفته باشلیك چند تیراورا براسب نشانیده بخانه داماد میبرند ، به‌محض‌آنکه عروس

وارد خانه داماد میشود بااو بنای رقص را میگذارد ومدعوین پولهای زیادی برسر آنان میریزند وزنان پولها را جمع میکنند .

۵- ایل کره سنی - آنان چهارصد خانوارند و درمرز ترکیه نشیمن دارند ومذهبشان سنی شافعی است ییلاقشان درسکمن آباد وقشلاقشان درقطور است .

این ایل تخته‌قاپو شده علاوه برگله‌داری به‌کشاورزی دلبستگی بسیاری دارند. مردمی ساده‌دل وزود باورند. درفنون سواری وتیراندازی مهارت دارند و زبانشان کردی است .

یکی از رسوم آنان دادن دختران بسیارجوان به‌مردان کلان‌سال است زیرا مردان مسن شیربهای بیشتری میدهند. مردان غالباً دارای چهارزن عقدی هستند. پدر وقتی دختررا شوهر میدهد که‌دست کم بتواند پنجاه سر گاو بعنوان شیربها از پدر داماد بگیرد .

۶- ایل شکاك - آنان ۴۴۰۰ خانوارند ودرمرز ترکیه نشیمن دارندوشافعی مذهبند. ییلاقشان درمرز ترکیه درچراگاههای خالصه: ترگور ، ودشت‌بیل ، و قشلاقشان دراطراف رضائیه وشاهپور است. زبانشان کردی است. ایل شکاك تخته قاپو شده هم کشاورزی وهم گله‌داری میکنند .

طوایف آنان ازاینقرارند :

شکاك، سمیتقو ، پس آقا عبدوی ، چرکوئی شپیرانی ، خلیفه‌زاده ، موقری گوریك ، شیکری ، ایوری ، نعمتی ، اطمانی ، هناره پاجیك، بوتان، فنك ، پس آتاکاردار ، مامدی .

گروهی ازایل شکاك بکیش مسیحی هستند(۱). گرفتن جشن نوروز درمیان آنان مرسوم نیست بلکه بجای آن عیدقربان وفطررا میگیرند .

درمراسم خواستگاری نخست باید پسرو دختر یکدیگررا دیده وبه‌پسندند

۱- هنری‌فیلد: مردم شناسی ایران ص۶۸۳

خانواده پسر، شیربهارا تعیین میکنند. پس ازدادن شیربها هدایایی ازقبیل اسب، ساعت به‌خانواده دخترداده میشود. روزعروسی غالباً پنجشنبه تعیین میگردد. در این روز میهمانان درخانه داماد حاضرشده پس از دوروز شادمانی با کاروان مجللی عقب عروس میروند. به‌محض نزدیك شدن این کاروان، خانواده عروس به‌پیشواز آمده عروس را سوارمیکنند. ازخانواده عروس تنها یك‌تن بنام، ینگه، همراه عروس‌است. همینکه عروس به‌خانه داماد رسید ازپشت‌بام قند و شیرینی و سیب برسرعروس میریزند. هنگامیکه عروس وارد خانه داماد شد نمی‌نشیند مگرآنکه پدرداماد اجازه دهد واین اجازه بادادن خلعت ازطرف‌او همراه‌است.

مردان شکاك کلاه بلندی از نمد که بشکل استوانه‌است برسرمیگذارند و به‌دورآن شال می‌پیچند. غالباً پیراهن و شلوار سواری و شال وکمربند استعمال میکنند. زبانشان ازلهجه‌های ایرانی قدیم است.

۷- ایل هرکی - اینان ۱۳۵۰خانوارند ودرمرز ترکیه وعراق نشیمن‌دارند واهل تسنن وشافعی مذهبند. ییلاق ایشان درمراتع خالصه ترگور و دشت‌بیل و قشلاق آنان درترگور، مرگور، ودشت‌بیل است.

شغل عمده‌این ایل، گله‌داری ودامپروری است وطوایفی ازآنان درموانا، خانقاه، وزگیر، آغ‌بولاغ تخته‌قاپو شده‌اند.

طوایف آن ازاینقرار است:

هرکی میدان، هرکی سیدان، هرکی سرهاتی. درایل هرکی مراسم عقدکنان وعروسی دریك روزاجرا میشودآنان به‌نوزاد پسراهمیت خاص قائلند و یك‌روز خویشان را به‌ناهار دعوت کرده وعمل ختنه انجام میگیرد.

۸ - ایل بیك‌زاده - اینان پانصد خانوارند، و در مرز ترکیه و عراق نشیمن دارند ییلاق و قشلاق آنان در مراتع خالصه ترگور است و سنی شافعی مذهبند.

این ایل درمحل «آنبی» تخته‌قاپو گردیده واسکان داده شده‌اند .

۹- ایل سادات - اینان چهارصد خانوارند ودر مرزترکیه وعراق نشیمن دارند وسنی‌شافعی مذهبند محل ییلاق آنان دردیزج مرگور، وقشلاقشان درمحال مرگور، دشت‌بیل ، اشنویه ، قریه‌گورانه ، برادوست است. ایل سادات در محل دیزج مرگور، تخته‌قاپوگردیده به‌کشاورزی مشغولند وازاجاره خالصجات دولتی امرارمعاش مینمایند .

۱۰- ایل ززا - هفتصد وپنجاه خانوارند و درمنطقه اشنویه درمرز عراق نشیمن دارند وشافعی مذهبند ومحل ییلاقشان در روندولان ، بابوله ، شطره‌است امرارمعاش آنان ازکشاورزی و زراعت گندم وجو وبرنج است .

ایل ززا به‌گرفتن عید نوروز وچهارشنبه سوری وروز سیزده سال نو علاقه زیادی دارند، ونیز عید فطرو قربان و روز ولادت پیغمبراسلام‌راجشن‌میگیرند.

درمراسم ازدواج ، اگرپدر ومادر دخترحاضرنشوند دخترشان رابه‌پسری بدهند ، چنانچه پسرو دختریکدیگررا دوست داشته باشند خویشان شبانه پسر و دختررا بخانه یکی ازاقوام یا معتمدان محل میبرند ، سپس باصلح و سازش و تراضی خانواده عروس وداماد صیغه عقد جاری میشود .

اگرکسی از مردم‌آن ایل فوت کند مدت یکهفته معمولا برای اوعزاداری کرده وخرج میدهند .

۱۱- ایل قره پاپاق - پانصدوپنجاه خانوارند ودر سلدوز نشیمن دارند و ییلاق آنان منطقه ایل، مامش، است .

روسای این طایفه شیعه، ولی رعایا عموما سنی وشافعی مذهب هستند. این طایفه سابقا درحوالی ایروان میزیستند ودارای کلاهی سیاه بودند وبهمین‌جهت ایشان را قره‌پاپاق گویند .آنان درزمستان احشام خود را به‌ییلاق ایل مامش که در مغرب ایل نامبرده واقع است میفرستند . قره‌پاپاقها ازکشاورزی وگله‌داری

امرار معاش نموده وباغ ومیوه نیز دارند.

آنان به‌عید نوروز اهمیت فراوان میدهند وماه اسفند را ماه عید گویند. چهارشنبه اول اسفند را «دروغگو» ودوم را «راستگو» وسوم را «سیاه» وچهارم‌را «اجر» گویند.

روز چهارشنبه اول جوانان روی بام یا تپه می‌روند و آتش افروزند و تیراندازی می‌کنند، درچهارشنبه سوم مردمی که از کسان آنان اشخاصی درعرض سال درگذشته‌اند برسر قبور آنان‌رفته ومیوه وشیرینی برایشان خیرات میکنند

در چهارشنبه‌سوری یعنی چهارشنبه آخرسال، مردم لباس‌نو برتن کرده و با هلهله وشادی به‌آتش‌افروزی میپردازند و به‌دید وبازدید میروند، صبح چهار شنبه‌آخرسال پیش‌از برآمدن‌آفتاب زن وبچه بکنار رودخانه ازآب چهارشنبه استفاده می‌کنند و کوزه خود پر ازآب کرده برای‌تبرك نگه میدارند.

۱۲ـ ایل مامش ـ نهصد وپنجاه خانوارند ودر مرز عراق سکنی دارند و سنی وشافعی مذهبند.

ییلاق ایشان مراتع کوهستانی دامنه‌کوه‌بلاسی سید، و بازرین، وساماست - این ایل تخته‌قاپو واسکان شده‌اند، گروهی ازایشان دراشنویه، گروهی دیگردر لاهیجان سکنی دارند واغنام واحشام خود را درتابستان بحدود مرزعراق میبرند زراعت‌آنان: گندم وجو، توتون، چلتوك‌کاری وباغات میوه میباشد.

از طوایف ایشان دوطایفه: امیرعشایری وقادری معروفند. ازصنایع‌دستی ایشان شال‌بافی است. از مراسم‌آنان افروختن‌آتش فراوانی درجشن نوروزاست. اگرکسی ازایشان درگذرد، عزاداری وی چهارهفته بطول می‌انجامد.

۱۳ـ ایل پیران ـ ششصد وپنجاه خانوارند ودر مرزعراق نشیمن دارند و سنی وشافعی مذهبند، آنان تخته‌قاپو شده ودر کهنه، ولاهیجان ساکن می‌باشند درزمستان‌اغنام‌واحشام خودرا بحدودکوه‌سران میبرند. وازطریق‌زراعت‌ودامداری

امرارمعاش مینمایند، ازصنایع دستیایشان شال‌بافی است .

۱۴ـ ایل منگور ـ یکهزار وپانصد خانوارند و در جنوب مهاباد نشیمن دارند وسنی‌مذهب وشافعی هستند .

آنان تخته‌قاپو گردیده ودر جنوب مهاباد اسکان داده شده‌اند .

درتابستان احشام خود را به ییلاقات : کده، لاسیو، و کاکن میبرند ، امرار معاش آنان ازگله‌داری وزراعت وتوتون، گندم، وجو، چغندر، و حبوبات است .

طوایف آنان از اینقرارند: امان، شمع، زین، زرین، خدر، مروت .

۱۵ـ ایل دهبکری ـ چهارهزاروهفتصد خانوارند ودر«عمق»ساکن‌هستند وسنی شافعی مذهبند، و ییلاق آنان درپایین بلاغ است. تخته‌قاپو شده‌اند وامرار معاش از گله‌داری وکاشتن گندم وجو وتوتون وچغندر کنند .

از صنایع دستیایشان: شال، گلیم، جاجیم، جانماز، وقالی‌بافی‌است طوایف آنان‌ازاینقرارند : ایلخانی‌زاده ، علیار ، قهرمانی ، عباسی .

مراسم عید نوروز درمیان‌ایشان‌معمول‌نیست‌واعیاد اسلامی‌را که عیدقربان وفطر وروز ولادت حضرت رسول‌باشد جشن‌گیرند .

۱۶ـ گورك مهابادـ سه‌هزار وصد خانوارند و دردهستان‌عمق تخته‌قاپو و اسکان‌شده‌اند. ییلاق درمراتع ایل‌پیران گیرند. ازراه‌گله‌داری وکشاورزی‌امرار معاش کنند و باگور سردشت داد و ستد دارند ، صنایع دستی ایشان شال گلیم و جاجیم بافی است .

۱۷ـ ایل بریاجی ـ یکهزارو سیصد وپنجاه خانوارند ودرمنطقه سردشت درمرز عراق تخته‌قاپو واسکان شده‌اند وسنی وشافعی مذهبند، امرارمعاش آنان‌از گله‌داری وکشاورزی است، ازصنایع دستی ایشان موج، گلیم، وجاجیم‌بافی‌است .

۱۸ ـ ایل باسك‌کوله ـ ششصد خانوارند و در سردشت مرز عراق سکنی

دارند وسنی وشافعی مذهبند، آنان تخته‌قاپو شده‌اند وامرار معاش ایشان ازگله‌داری وکاشتن گندم وجو وذرت وتوتون است . صنـایع دستی آنان موج ، گلیم ، جاجیم‌بافی است .

۱۹ـ ایل ملکاری ـ یك‌هزار وصد خانوارند ودر منطقه سردشت در مرز عراق اسکان شده‌اند وسنی‌شافعی مذهبند. ازصنایع دستی‌ایشان موج : گلیم، وشال مخصوص کردی است .

۲۰ـ ایل باپیر آقائی ـ چهارصد و سی خانوارند و در منطقه سردشت در مرز عراق تخته‌قاپو واسکان شده‌اند. ییلاق ایشان مراتع کوههای هومل است و سنی وشافعی مذهبند. معـاش ایشان ازکشاورزی و دام داری و باغداری و فروش انگور وانار می‌باشد. ازصنایع دستی ایشان موج، وگلیم وجاجیم بافی‌است .

۲۱ـ ایل پشتدریها ـ پانصد خانوارند وسنی‌وشافعی مذهبند، و درسردشت مرزعراق اسکان شده‌اند ییلاق ایشان‌آبادیهای تروه، گومات، ارزنه، واشترل‌است

۲۲ـ ایل کلاسی ـ پانصد خانوارند و در عمق از نواحی سردشت زنـدگی میکنند وسنی وشافعی مذهبند .

ییلاق ایشان درمراتع زیرمران وصنایع دستی آنان موج، وگلیم، وجاجیم بافی‌است طایفه معروف ایشان کلاس نام دارد .

۲۳ـ ایل عثمان بیگی ـ چهارصد وپنجاه خانوارند ودرسردشت تخته قاپو واسکان شده‌اند . مذهب ایشان سنی‌شافعی است. (۱)

کردان آذربایجان ـ ایلات اخیری که درآذربایجان غربی از آنـان یاد کردیم غالباً کردنژاد هستند ومرکز عمده آنان شهرستان مهاباد است وبیشتر بین کوههای لاهیجان و سردشت ساکن هستند غالب ایشان شافعی مذهبند واز حیث نژاد از دیگرعناصر کرد خالصتر مانده‌اند .

۱ـ رجوع شود به‌ایرانشهر جلد اول ص۱۱۷ـ۱۲۵و۲۲۸ـ۲۳۶

دهستانهای زیرکه از محال مهاباد بشمارمیرود محل سکونت ایشان است.

۱ـ آختاجی، دارای۱۰۹، قریه ۲ـ آلان، دارای ۱۵قریه ، ۳ـ ایل تیمور، درجنوب مهاباد دارای ۲۱قریه ، ۴ـ بریاجی، دارای ۳۳ قریه ، ۵ـ بهی، دارای ۶۱ قریه، ۶ـ باسك‌کوله، دارای ۱۷ قریه درمرزعراق ۷ـ پیران، دارای۳۱قریه در مرز عراق ۸ـ ترجان ، دارای ۲۸قریه ، ۹ـ شهرویران ، دارای ۹۱ قریه در مشرق مهاباد وجنوب میاندوآب ۱۰ـ کلاس ، دارای ۱۶قریه ، ۱۱ـ گورك سر دشت، دارای ۳۵ قریه، ۱۲ـ گورك‌نعلین، دارای ۱۲قریه ، ۱۳ـ لاهیجان دارای ۶۸ قریه درمرز عراق ۱۴ـ رحمت آباد ، دارای ۹۸ قریه بین جغتو و تاتائو ۱۵ـ منگور، دارای ۱۳۱قریه درمغرب مهاباد درمرزایران وعراق ۱۶ـ ملکاری دارای ۱۸قریه (۱)

بقول کلنل استوارت کردهای آذربایجان بالغ برپانصد هزارنفرند که غالباً دارای مووچشم مشکی وقیافه تیره و گرفته ورفتاری غرورآمیزهستند وطوایف وقبایل آنان ازاینقرارند :

شکاك، هرکی، ززا، اورامر، قره‌پاپاق،مکری،منکوری،مامش،حیدرانلو(۲)

اقلیت‌های مذهبی آذربایجان

درآذربایجان دو اقلیت مسیحی معروف هستند که ازپیش ازاسلام درآن سرزمین زندگی میکنندآن دویکی‌ارامنه ودیگری‌کلدانیان (آشوریان)هستند.

ارامنه ـ ارمنیان‌ایران درحدود یکصد وپنج هزارنفرند که درآذربایجان وتهران وخوزستان واصفهان پراکنده‌اند. در جنگ اول جهانی (۱۹۱۷م) ترکان عثمانی عده کثیری ازاقلیت ارمنی کشور خود را قتل‌عام کردند وگروهی‌ازآنان گریخته به‌ایران پناه آوردند و درآذربایجان و نقاط دیگر سکونت گزیدند. مذهب ملی‌ایشان گریگوری است که ازفرق قدیم مسیحی‌است.

۱ـ اسامی دهات کشور ج۱ص ۴۹۲ـ۴۹۶

۲ـ هنری‌فیلد: مردم‌شناسی ایران ص۷۹۰

ارمنیان از روزگاران باستان در ایران زبان و وحدت ملی و کلیسای خود را حفظ نموده‌اند و همواره با برادران ایرانی خود در صلح وصفا زیسته‌اند.

ارامنه ایران دو نماینده درمجلس شورای ملی دارند که یکی از بین ارمنیان شمال ودیگری از بین ارمنیان جنوب بر گزیده میشود. در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴_۱۹۱۸) بسیاری از دهات آباد ارمنی نشین سلماس واورمیه ویران گشت، باوجود آن، کلیساها وصومعه‌های بسیار قدیمی ارمنی که بعضی از آنها مانند صومعه ماکو بیش از ۱۲۰۰سال قدمت دارد تابحال برجاست.

ارمنیان آذربایجان غالباً دراطراف رضائیه و قراداغ زندگی میکنند.

بقول هنری‌فیلد: ارامنه اگر ازروی زبانشان که ایرانی‌است قضاوت شوند میتوان آنان را بین یونانی وایرانی قرارداد ولی درحقیقت از لحاظ خصوصیات جسمانی با ترکمنها نزدیکی بیشتری دارند تا اقوام آریایی‌زبان.(۱)

چشمان ارمنی‌ها بزرگ وسیاه و فرورفته‌تر از ایرانیان است.

پیشانی ایشان کوتاه بینی برجسته وعقابی دراز دارند.

صورت بیضی شکل آنان درازتر از صورت ایرانیان است.

گردن آنان دراز وباریك است، ولی دهان ودست وگوش و پای آنان معمولا بزرك و به‌کوچکی ایرانیان نیست.

درآذربایجان تعداد ارامنه بالغ بر ۲۸ هزارنفر است. (۲)

ژان‌دمرگان مینویسد. ورودارامنه ،آذربایجان بدون تردید بزمان سلاطین هخامنشی باز میگردد. ارامنه بلندتر از ایرانیانند. آنان نیرومندتر ومستعد به‌فربهی وپیه‌آورندگی‌هستند. بهنگام جوانی‌بسیارمتناسب‌الاعضاء وخوش‌اندامند. کله‌آنان دولیکوسفال Dolichocéphale (مستطیل‌الراس) است. چشمانشان سیاه و درشت وگودتر ازچشمان مردم مجاوراست. پیشانی آنان تخت، بینی دراز، بسیار

۱ـ هنری‌فیلد مردمشناسی ایران ص۷۹۰

۲ ـ هنری‌فیلد : مردمشناسی ایران ص ۸۱۹

برگشته وعقابی و برجسته است. بیضی چهره از نمونه ایرانی متفاوت نبوده کشیده‌تر از آن نیست. گردن دراز گاهی بسیار قوی، دهان گشاد و پهن، گوشها برجسته و جلوآمده و بناگوش آنان قوی وزمخت است. پوست بدنشان درزنان و بچگان بسیار ظریف ولطیف است وبسرعت رنگین میشود.

ارامنه تبریز میگویند که لهجه آنان خالصترین لهجه‌هاست. تجار ارمنی در شهرهای ایران پراکنده‌اند اما تنها مرکز طبیعی این ملت آذربایجان است که دهات ارمنی آن پدید آمده یك مهاجرت خود بخود است، درحالیکه مهاجر نشین‌هایی مثل جلفای اصفهان مصنوعی‌اند. در میان سکنه آذربایجان اختلاط خیلی نادراست زیرا یك ارمنی با یك کلدانی و برعکس ازدواج نمی‌کنند. (۱)

آسوریان یا کلدانیان آذربایجان ـ ژاك دمورگان درباره این طایفه مینویسد: «سامی‌ها که امروز درآذربایجان بنام نسطوری وکلده‌ای‌ها معروفند از یك اصل و نژادند آنان جز از نظر معتقدات مذهبی باهم تفاوتی ندارند سابقاً آنان جملگی پیروآیین نسطوری بوده ونسطوری نام داشتند، لیکن شمار زیادی از ایشان بمذهب کاتولیك درآمدند. آنان بیك لهجه قدیمی سریانی تکلم میکنند که شکل دستوری آن تغییر یافته وبراثردخول بسیاری‌ازلغات عربی وترکی وفارسی وکردی ضایع وخراب شده است. شکل جمجمه آنان کاه‌لاسامی است مخصوصاً درمیان قبایل کلدانی: دز، جیلون(جلو)، بس، تهوب، وتیاری که‌ازدیگرسکنه جلگه متمایزند. امانفوذوتاثیراقلیم ایران بادرشت شدن چشم متظاهرشده‌است. این عضو درآنان نیمه‌بازعیناًمثل‌ایرانیان، یعنی قطرعمودی آنها تقریباً نصف افقی‌است. لیکن چشمان آنان بافاصله‌ودورافتادگی که‌ازهم‌دارندچشم‌کردان‌را بخاطرمی‌آورند. چشم نسطوری‌ها شبیه بآنچه که نزد بخش عمده‌ای از سامی‌ها می‌بینیم عمیقاً در محفظه استخوانی جای داده شده و تقریباً همسطح سر و صورت می‌باشد. بینی

۱ ـ هیئت علمی فرانسه ج۱ ص۳۷۵-۳۷۷

معمولا مستقیم وبقدرکافی برجسته، لیکن کوتاه است. چهره بیضوی لیکن پهن تر ازایرانیان غربی است. حتی گفته‌اند که درمیان کوه نشینان افراد بور وحنائی نیز یافت میشوند. بقول دوخانیکف حملات مغول وتیمور آنان را به کوهستانهای کردستان کوچانیده است.

کلدانیان آذربایجان بزراعت مشغولند وبر حسب آنکه دهاتشان از مناطق آذربایجانی وکردی دورباشد لباس ایرانی میپوشند. (۱)

آسوریان ایران - اینان بقایای ملت قدیم کلده هستند که از دوهزار و پانصد سال پیش درایران زندگی میکنند.

سپس در دوره اشکانی وساسانی قبول دین مسیح کرده و به یکی از مذاهب قدیم آن که نسطوری باشد در آمدند کلیسای نسطوری یا «کلیسای مسیحیان ایران» دراواسط قرن پنجم میلادی (۴۳۰م) تشکیل شد وتاکنون باقی است. آنان رئیس مذهب خودرا «مارشمعون» گویندکه درتداول مردم «مارشیمون» شده است.

آسوریان تا پیش ازجنگ جهانی اول غالباً درحدود وان واورمیه سکونت داشتند.

بعدازجنگ براثر فشارترکان عثمانی مهاجرت کرده پراکنده شدند. اکنون گروه بسیاری ازایشان درآذربایجان غربی سکونت دارند (۲). زبان وخط آنان آرامی سریانی است که معروف بزبان کلدانی جدید میباشد.

آسوریان نسطوری هنوزکلیسای خودرا دراورمیه که «مات مریم» (مارت مریم)، یعنی بانومریم خوانده میشود حفظ کرده‌اند.

از یک قرن پیش که مبشران مذهب پروتستان ازامریکا و مبشران مذهب کاتولیک ازفرانسه برای تبلیغ مذهب خود به آذربایجان و اورمیه آمدند تاحال

۱- ـ هیئت علمی فرانسه درایران ج۱ ص۳۷۴-۳۷۵

۲- بررسی دموگرافیک درباره اقلیتهای مذهبی. نشریه آمار عمومی ص۵

گروهی از مسیحیان نسطوری آسوری تغییر مذهب داده و بکیش‌های پروتستان وکاتولیك گرائیده‌اند .

بنا به‌نوشته‌های خصوصی آسوری، تاپیش ازجنگ جهانی اول دویست‌هزار آسوری‌نژاد درآذربایجان شرقی بخصوص اورمیه وسلماس زندگی میکردند .

پس ازجنگ مزبور براثر هجوم لشکریان عثمانی ازآنجا کوچیده و به‌عراق ودیگر شهرهای ایران مهاجرت کردند اکنون فقط هفتادهزارآسوری در ایران بسر میبرند .

بیشترآسوریان دردهات رضائیه وشاپور کشاورز وخورده مالکند ، ودارای باغهای انگور می‌باشند شهر نشینان ایشان غالباً پیشه‌ور و بازرگان و معمار و مهندس وپزشك هستند . (۱)

کرزن،(۲) در۱۸۹۲ارقام زیررا درباره نسطوریان آذربایجان نشان‌میدهد .

سلماس (شاپور)	۷۰۰	خانوار
سومامی و چرا	۱۰۰	»
اورمیه (رضائیه)	۳۶۰۰	»
سلدوز	۴۰۰	»
بروت یا براندوز	۱۰۰	»
ترکاور	۵۰۰	»
مرگاور	۱۰۰	»
جمع	۵۵۰۰	خانوار

معمول بر اینست‌که تعداد افراد یك خانوار چهار یا پنج نفر حساب شوند، بنابراین جمع کل افراد نسطوریان‌را بیست تا بیست‌وپنجهزار نفر میتوان بشمار آورد.

1 – Wigram, The Assyrians And Their Neighbours London, 1929. Dorothy I. Lazaar L'Histoire Assyrienns (Thèse) Tabriz 1958.

2 – Curzon G.N Persia and the Persian question 2 Vol, London 1892

سپس مینویسد که هیأت مبلغان مسیحی عقیده دارند که در زمان پادشاه فعلی (ناصرالدین‌شاه) که صلح برقرار است صحیح‌تر آنست‌که هر خانوار هشت نفر به‌شمار آید. اگرحد وسط راقبول‌کنیم جمع کل نسطوریان در آن زمان ۴۴۰۰۰ تن میشده است.

پس گوید:

نسطوریان ساکن دشت مردمانی قوی‌هیکل و چهارشانه با قیافه باز و رنک سفید ودارای ریش‌قرمز میباشند. نسطوریان ساکن کوهستان خشن و ناهموار هستند وغالبا باکردهاکه بین آنها دشمنی دائمی وجوددارد غیرقابل‌تشخیص‌هستند آسوریها دارای سری کوتاه وپهن هستند واز لحاظ‌کوتاهی سر به‌تاجیکها شباهت دارند. (۱)

آسوریان درناحیه اورمیه وسلماس وسرچشمه رود زاب زندگی میکنند و بدون شك از نژاد سامی‌هستند. نسطوری‌ها وآسوریها یك قوم واحد هستندکه به سه اسم خوانده شده‌اند. اصطلاح کلدانی نامی است که درقرن هجدهم ازطرف یسوعی‌ها (ژزوئیت‌ها) به‌نسطوریانی که قبول مذهب کاتولیك کرده‌اند اطلاق شده است. (۲)

شکل جمجمه‌آسوریان کاملا سامی‌است بخصوص درمیان قبایل دز، وجلو، و تخومه، و تیاری که همه آسوری نژادند. نفوذ نژاد ایرانی درآنان از چشم درشت وخوش شکل‌آنها پیداست، چشم‌آسوریها تقریباً هم‌سطح پیشانی است، بینی معمولا راست ونسبتاً برجسته وکوتاه است. صورتشان بیضی‌شکل ولی‌بزرگتر از صورت ایرانیان غربی‌است.

گردن‌آنان دراز وگوش ودست وپایشان کوچك وظریف است. این مردم‌قد بلند واندام متناسب وعضلات قوی دارند وازراه رفتن خسته نمیشوند. رنك مو و

۱ـ هنری فیلد: مردمشناسی ایران ص۹۷ ـ ۹۶ و ص۷۱۷

۲ـ هنری‌فیلد: مردمشناسی ایران ص ۷۹۳

چشم آنان قهوه‌ای وروشنتر ازایرانیان است. درمیان آسوریان کوهستانی افراد مو بور ومو قرمز بسیاردیده میشود. شباهت بین آسوریان و ایرانیان از زمان کوتاهی نیست که پدیدآمده، بلکه پیش‌از حمله مغول صورت پذیرفته‌است (۱)

دررساله پلی‌کپی شده‌ای‌که ازطرف اداره کل‌آمار عمومی درباره‌اقلیت‌های مذهبی ایران براساس سرشماری سال۱۳۳۵ شمسی منتشرشده شماره مسیحیان آذربایجان غربی راکه اکثرآنهاآسوری و عده کمی ازآنان بایستی ارمنی‌باشند ۱۱۶۴۷ تن نوشته شده است. (۲)

اکنون دودوره است که‌آسوریان ایران یك‌نماینده در مجلس‌شورای‌ملی دارند.

یهودیان آذربایجان ـ یهودیان در آذربایجان اندکند و بیشتر به‌تجارت اشتغال دارند بنا به‌بررسی دموگرافیك درباره آمار اقلیت‌های مذهبی براساس سرشماری سال ۱۳۳۵خورشیدی شماره‌یهودیان آذربایجان‌غربی ۴۹۱ وآذربایجان شرقی ۱۴۵تن است که تعدادکل جمعیت آنان ۶۴۰ تن‌می‌باشد.

تبریز از شهرهایی‌است که درآن یهودی بندرت دیده میشود. (۳)

ژاك دمورگان مینویسد. «یهودیان در تبریز، مراغه، اورمیه، وغیره پرشمار ومنحصراً‌ازحاصل‌معاملات‌تجاری زندگی‌میکنندوبه‌هیچ‌کاردیگرنمی‌پردازند. (۳)

ولی برخلاف این گفتار امروز عدهٔ یهودیان در تبریز بسیار اندك است.

۱ـ هنری‌فیلد. مردمشناسی ایران ص۸۰۸
۲ـ دکتر امانی بررسی دموگرافیك درباره اقلیتهای مذهبی ص ۵
۳ـ دکترامانی: بررسی‌های دموگرافیك درباره اقلیتهای مذهبی (نشریه‌آثارعمومی) ص۳۹
۴ـ هیئت علمی‌فرانسه درایران ج۱ص۳۷۴

فصل هفتم

زبان فهلوی آذری

مردم آذربایجان در دوره اسلامی زبان بخصوصی داشتند که نویسندگان بعد ازاسلام از آن تعبیر به«فهلوی آذری» کرده‌اند. فهلوی معرب پهلوی‌است‌که بمعنی «پارتی» و اشکانی، میباشد. بقول ایشان فهلوی منسوب به«پهله» بوده که شامل‌پنج‌ولایت بزرگ: اصفهان وری‌وهمدان‌وماه نهاوند (ودینور) و آذربایجان میشده است. درزمان اشکانیان وساسانیان دراین ولایات مردم به‌لهجه بخصوصی از پهلوی شمالی سخن میگفتند. چون دراین نواحی مادی‌ها سکونت داشتنداین نوع پهلوی را میتوان ماخوذ اززبان مادی قدیم که از روزگار پادشاهان ماد در نیمه شمالی ایران رواج داشت، دانست.

از لحاظ اینکه‌آذربایجان از ولایات پهله قدیم بشمار میرفته ازاین‌جهت زبان مردم‌آن ولایت را فهلوی‌آذری خوانده‌اند.

مارکوارت خاورشناس معروف آلمانی، درکتاب‌ایرانشهرمینویسد که «اصلا

زبان حقیقی پهلوی زبان آذربایجانی است که زبان کتبی اشکانیان بوده‌است.» (۱)

نام فهلوی آذری در کتب قدیم اسلامی ـ قدیمترین جایی که در کتب اسلامی اشاره به‌زبان آذربایجان شده ازاینقرار است:

۱ـ کتاب فتوح‌البلدان بلاذری تألیف سال ۲۵۵ هجری است در جائیکه مینویسد. «قدم‌الولیدبن عقبة‌اذربیجان، ومعه‌الاشعث‌بن قیس فلماانصرف‌الولید و ّلاه آذربیجان فتتبع الاشعث‌بن‌قیس حاناً‌حاناً، والحان‌الحائر فی کلام‌اهل اذربیجان ففتحها... واسکنها ناساً من‌العرب» (۲)

یعنی: «ولیدبن‌عقبه به‌آذربایجان آمد وباوی اشعث‌بن‌قیس بود، وچون برفت اورا بجای خود برآذربایجان ولایت داد» و «خان به‌خان» (دیه به‌دیه). همی آمد [خان درزبان مردم‌آذربایجان بمعنی حائرو جای است] تاآن ولایت را فتح کرد و گروهی ازعرب را درآنجا نشیمن داد». «خان»، درزبان پهلوی بمعنی خانه، چشمه، چاه، کاروانسرا، آمده‌است (۳)

۲ـ ابن‌الواضح‌الیعقوبی که درحدود سال [۲۷۸ هـ] کتاب‌البلدان خود را تألیف کرده اصطلاح، آذری، را برمردم آذرایجان اطلاق کرده و زبان‌آذری ظاهراً ماخون ازاین اصطلاح بوده است:

«واهل مدن اذربیجان وکورها اخلاط من‌العجم‌الاذریه والجاودانیةالقدیم اصحاب مدینه‌البذاالتی‌کان فیها بابك ثم نزلتهاالعرب لماافتتحت» (۴)

یعنی مردم شهرهای اذربایجان وبخشهای آن‌آمیخته‌ای از ایرانیان‌آذری وجاودانیان قدیم خداوندان شهر، بذ، هستند که بابك [خرمی] در آن جای داشت. پس از آن آنجا را فتح کرد درآنجا فرودآمدند»

۱ـ ایرانشهرمارکوارت ص۱۲۳

۲ـ فتوح‌البلدان، طبع مصر ص ۳۳۶

۳ـ فرهنگ پهلوی ص۴۸۳

۴ـ کتاب‌البلدان یعقوبی، طبع نجف ص ۳۸

۳- ابن‌حوقل از جغرافی‌نویسان عرب دراوایل قرن چهارم هجری درباره زبان آذربایجان درعصر خود چنین مینویسد: «فامالسان اهل‌اذربیجان واکثراهل ارمینیه فالفارسیة‌تجمعهم، والعربیة بینهم مستعملة وقلمن‌بها ممن‌یتکلم بالفارسیة لایفهم بالعربیة ویفصح بها من‌التجار وارباب‌الضیاع» (۱)

«اما زبان مردم آذربایجان‌و بیشترمردم ارمنستان عموماً فارسی‌است، وزبان عربی هم بین ایشان معمول می‌باشد، و کم‌کسی از بازرگانان و زمیندارانی که بپارسی سخن میگویند یافت میشود که زبان عربی رانفهمد ویاآن زبان را به شیوایی نداند»

۴- اصطخری از علمای قرن چهارم در کتاب مسالك‌الممالك می‌نویسد:

« و لسان اذربیجان وارمینیة والرّان الفارسیة والعربیة غیران اهل دبیل و حوالیها یتکّلمون بالارمینیة، ونواحی برذعة لسانهم‌الرّانیة» (۲)

یعنی زبان‌آذربایجان وارمنستان و آران فارسی وعربی است، جزآنکه مردم دبیل وحوالی‌آن به‌ارمنی سخن‌گویند، وزبان نواحی برذعه (لهجه)آرانی است،

۵- درترجمه فارسی‌مسالك وممالك اصطخری بین‌قرن پنجم وششم هجری درباره زبان‌آذربایجان چنین آمده است:

« این حدود همه زبان تازی وپارسی دارند ومردم دبیل زبان ارمنی دانند ونواحی بردع را کوهستانی هست ایشان را زبانهای مختلف باشد» (۳)

۶- محمدبن اسحق‌النّدیم درکتاب معروف خود الفهرست که‌آنرا در سال ۳۷۷ تألیف‌کرده درجائیکه زبانهای ایرانیان قدیم رااز قول‌ابن‌مقفع برمیشمارد، زبان‌آذربایجان را فهلوی میخواند وگوید:

۱- صورة‌الارض طبع اروپا ص ۳۴۸

۲- مسالك‌الممالك ص ۱۹۲طبع اروپا

۳- ترجمه مسالك‌الممالك طبع تهران ص۱۶۰

« قال عبدالله بن المقفع ....

فاما الفهلوية فمنسوب الی فهله، اسم یقع علی خمسة بلدان وهی، اصفهان ، والری، وهمدان، وماه نهاوند، و اذربیجان ،(۱)

یعنی، پهلوی منسوب است به‌پهله که نام پنج شهر است :

اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند، وآذربایجان (۲)

۷- ابوعبدالله محمدبن‌احمد خوارزمی درگذشته در۳۸۷ در کتاب مفاتیح‌العلوم خود عین این عبارت راتکرارکرده مینویسد : « ومن لغات الفرس الفهلويّة، وبها کان یجری کلام الملوك فی مجالسهم وهی لغة منسوبة الی بَهلة،و بَهلة اسم یقع علی خمسة بلدان: اصفهان، والرّی، وهمدان، وماه نهاوند، واذربیجان» (۳)

یعنی، از زبانهای ایرانیان پهلوی است، وبآن زبان بود که پادشاهان در مجالس خود سخن میگفتند، وآن منسوب به‌پهله است، وپهله نامی‌است که به پنج ولایت: اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند، وآذربایجان داده‌اند .

۸- شمس‌الدین ابوعبدالله البشّاری والمقدسی از علمای‌قرن چهارم، ایران زمین را برهشت اقلیم تقسیم کرده وآذربایجان را ازاقالیم عجم (ایران) شمرده گوید :

« زبان این اقالیم هشتگانه ایرانی است ، جزاینکه برخی ازآنها دری و بعضی لهجات پیچیده است وهمه‌آنها فارسی خوانده میشود و اختلاف بین‌آنها آشکار است» (۴)

درجای دیگرمینویسد که‌گویند در آذربایجان هفتاد زبان (لهجه) وجود دارد (۵)

۱- الفهرست ابن‌ندیم طبع مصر ۱۳۴۸ص ۱۹

۲- رضا تجدد، ترجمه‌الفهرست ابن‌ندیم طبع دوم ص۲۲

۳- مفاتیح الوم، طبع اروپا ص۱۱۷

۴- احسن‌التقاسیم فی‌معرفة‌الاقالیم‌ص۲۵۹

۵- احسن‌التقاسیم ص ۳۷۵

در ذیل همان باب مینویسد که : زبان آن نواحی زبان خوبی نیست ، در ارمنستان به‌ارمنی، ودر آران، به‌آرانی سخن‌گویند وفارسی ایشان مفهوم است و درحروف نزدیك به‌لهجه خراسانی (یامخالف‌لهجه خراسانی)(۱) است (۲)

۹- ابوالحسن علی‌بن‌الحسین معروف به‌المسعودی درگذشته درسال ۳۴۵، هجری‌در کتاب‌خودالتنبیه‌والاشراف، آذربایجان‌راجزء بلاد ایران وزبان آنرااز زبانهای ایرانی شمرده گوید: همه شهرهای ایران دارای یك پادشاه و یك زبان بودند، جزاینکه دربعضی از لهجه‌ها اختلاف‌هایی وجود دارد. البته هنگامیکه حروف کتابت وتألیف لغات درچند لهجه یکی باشد، همه‌آنها داخل دریك زبان خواهد بود اگرچه اختلافی در پهلوی و دری وآذری و لهجات دیگر در میان باشد. (۳)

۱۰- شاعرمعروف حکیم ناصرخسرو قبادیانی درگذشته در (۴۸۱ هـ) که در محرم سال ۴۳۸ درشهر تبریز بوده ودر سفرنامه خود اشاره‌ای بزبان‌آذربایجان کرده مینویسد: «در تبریز قطران نام شاعری را دیدم شعرنیك میگفت، اما زبان فارسی نیکونمیدانست، پیش من‌آمد، دیوان منجیك ودیوان دقیقی‌بیاورد وپیش من بخواند وهر معنی که اورا مشکل بود ازمن بپرسید بااو بگفتم وشرح آن بنوشت واشعارخود برمن بخواند.» (۴) ازاین حکایت چنین برمی‌آیدکه:

اولا- در تبریز وآذربایجان درزمان ناصرخسرو مردم بزبانی غیراز زبان پارسی سخن میگفتند. این زبان بنا به‌گواهی مورخان و جغرافی‌نویسان عرب‌که ذکرآنان درپیش گذشت زبانی جز فهلوی آذری نبوده‌است.

ثانیاً- قطران به‌فارسی دری نمیتوانسته خوب سخن گوید یا اصطلاحات

۱- وفارسیتهم مفهومة، تقارب (نسخه بدل: تخالف) الخراسانیه

۲- احسن‌التقاسیم ص ۳۷۸

۳- التنبیة‌الاشراف، طبع بغداد سال ۱۹۳۸میلادی ص۶۷-۶۸

۴- سفرنامه ناصرخسرو، طبع دبیرسیاقی ص ۶

محاوره‌ای آن زبان را خوب نمی‌فهمیده برای آنکه زبان مادری او فهلوی آذری بوده است نه دری.

ثالثاً- قطران فارسی دری را درمدرسه فرا گرفته بوده و بهمین جهت چون طبعی شاعرانه داشته میتوانسته است با خواندن اشعار شعرای فارسی‌زبان، بزبان پارسی دری نیك شعر بگوید.

رابعاً- همانطورکه مردم آذربایجان امروز به‌ترکی آذری سخن میگویند ولی تمام مکاتبات خود رابزبان پارسی می‌نویسند، درآنروزگار هم مردم‌آن‌ایالت بین خود بزبان فهلوی آذری‌گفتگو میکردندولی منویات ومقاصد خودرا بزبان فارسی می‌نوشتند.

خامساً- زبان فارسی دری نه‌تنها درآذربایجان بلکه دراکثر ولایات ایران چون گیلان ومازندران وگرگان وبلوچستان و کردستان، وخوزستان، سمنان و ری و زنجان وصدها دیه و روستای دیگر، زبان گفتگو ومحاوره بین مردم‌نبوده است وفقط لفظ قلم وزبان مکاتبات رسمی و دولتی بشمار میرفته، واین وضع تا شصت سال پیش‌یعنی مقارن انقلاب مشروطیت درایران زمین همچنان ادامه داشته است.

۱۱- یاقوت حموی درگذشته درسال ۶۲۶ ه مینویسد:

«قال ابن‌المقفّع اذربیجان مسماة باذرباذبن ایران‌بن‌الاسودبن سام‌بن‌نوح، وقیل آذرباذبن‌بیوراسف، وقیل بل‌آذر اسم‌النار بالفهلویة وبایکان معناه‌الحافظ و الخازن، فکان معناه بیت‌النار اوخازن‌النار، وهذا اشبه‌بالحق لان‌بیوت‌النار فی‌هذه الناحیةکانت کثیرة جداً .... واهلها صباح‌الوجوه حمرها رقاق‌البشره، ولهم لغة یقال لها الاذریة لایفهماغیرهم.» (۱)

یعنی: ابن‌مقفع گفته است که آذربایجان بنام آذر باذبن ایران بن‌اسودبن سام‌بن نوح نامیده شده وبقولی بنام‌آذر باذبن بیوراسف خوانده شده‌است. بعضی

۱- معجم‌البلدان، چاپ اروپا ج ۱ص ۱۷۲

گفته‌اند که آذر بزبان پهلوی نام آتش است و بایگان نگهدار آن که روی هم معنای آن آتشکده یا نگاهدارنده آتش میشود، و این درست‌تر است زیرا آتشکده دراین ناحیه بسیار بوده است ... مردم آن نیکوروی‌اند وگونه‌های ایشان بسرخی مایل است وپوستی لطیف دارند. ایشان را زبان مخصوصی است‌که آذریه (آذری) گویند وجز خودشان کس آن را نمی‌فهمد.»

۱۲ـ یاقوت درکتاب معجم‌الادباء درحکایتی که از ابوالعلای معرّی وهوش و ذکاوت او ازقول سمعانی آورده به‌زبان آذری اشاره کرده است:

سمعانی درکتاب انساب ازقول خطیب تبریزی شاگرد ابوالعلاء معرّی آورده که: روزی درمسجد معرّه‌نزد اونشسته‌بودم ویکی ازکتابهایش‌را بر وی میخواندم ناگاه یکی‌ازهمشهریان‌خود راکه ازهمسایگان‌من بود به‌مسجد درآمد ومیخواست به‌نمازایستد. درحال که اورابدیدم بشناختم وازخوشحالی رنگ چهره‌ام تغییر کرد.

ابوالعلاء (باآنکه کور بود) آن حال دریافت وگفت ترا چه میشود. گفتم پس از آنکه دو سال است کسی از همشهریان خود را ندیده‌ام اکنون یکی از همسایگان خود را دراینجا می‌بینم. پس گفت برخیز وبا او گفتگوکن. گفتم اجازه بده تا درس تمام شود. گفت برخیزمن منتظر توخواهم ماند پس برخاستم وبزبان اذربیه(۱) (آذری) با وی گفتگوی بسیارکردم وهرچه را میخواستم ازاوپرسیدم، وچون بازگشتم وپیش استاد نشستم، مرا گفت این چه زبانی بود؟ گفتم این زبان مردم آذربایجان است.

گفت من این زبان را ندانستم و نفهمیدم ولی آنچه را که شما بهم گفتید بخاطر سپردم، سپس آنچه را که من وهمسایه‌ام بهم گفته بودیم بی‌کم وکاست باز گفت. من ازحافظه اوسخت درشگفت شدم‌که چگونه چیزی رانفهمیده این‌چنین بخاطر سپرده است (۲)

۱ـ درکتاب‌ـ الانساب سمعانی بجای لفظ «الاذربیه، «الاذربیجیده» آمده که شاید در اصل «الاذربیجیه» یعنی آذربایجانی بوده باشد. رجوع‌شود به کتاب‌الانساب طبع‌عکسی‌چاپ لیدن.

۲ـ معجم‌الادباء ج ۲ ص ۱۳۱ طبع مصر

۱۳- حمدالله مستوفی درگذشته در ۷۴۰هجری در وصف مراغه گوید: مردمش سفید چهره و ترک وش می‌باشند و بیشتر بر مذهب حنفی هستند، و زبانشان پهلوی مغیّر است (۱)

ظاهراً مقصود از پهلوی مغیّر، پهلوی تغییر یافته و یا همان لهجه فهلوی آذری است.

در وصف گشتاسفی که از بلاد طالش آذربایجان قدیم است مینویسد: مردمش سفید چهره‌اند بر مذهب امام شافعی، زبانشان پهلوی به‌جیلانی باز بسته‌است» (۲)

یعنی زبان پهلوی ایشان بزبان گیلانی (طالشی) نزدیک است.

۱۴- درچند سال پیش فرمانی به‌مهر سلطان ابوسعید بهادرخان(۷۱۶-۷۳۶) درآذربایجان بدست آمده که در آن خطاب به‌مردم اردبیل حکم اکید صادر شده که هیچیك از جماعت مغول و تاجیك حق تجاوز بـه‌املاك وموقوفات مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۶۵۰-۷۳۵) را ندارند و آن عبارات چنین است:

«متوطنان اردبیل وتوابع آن بدانندکی مریدان شیخ‌الاسلام سعیدصفّی‌الدین قدس‌الله سرّه‌العزیز بعد از تقدیم وظایف دعاء دولت روزافزون نمودند.... بدان‌سبب این مکتوب درقلم آمد تا برموجب احکام سابق مقرر دارند وهیچگونه تغییر وتبدیل بدان راه ندهند جماعت مغول و تاجیك بناباواجب دراملاك ایشان مدخل نشده وتصرف ننمایند.»

چون دراین‌فرمان صریحاً از دوجماعت مغول وتاجیك یعنی‌ایرانی وایرانی زبان سخن بمیان آمده واز ترکان سخنی نرفته است، خود دلیل اینست‌که درآن زمان هنوز ترکان درآذربایجان اکثریت نداشته وغلبه با تاجیکان بوده است.(۳)

۱- نزهةالقلوب طبع دبیرسیاقی ص ۱۰۰

۲- نزهةالقلوب طبع دبیرسیاقی ص ۱۰۷

۳- مقاله حاج حسین آقا نخجوانی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز دوره پنجم شماره اول سال ۱۳۳۲

چند نمونه از زبان آذری تا پیش از صفویه

۱ ـ در کتاب روضات‌الجنان و جنات‌الجنان تألیف حافظ حسین کربلائی تبریزی آمده که چون درسال ۸۳۲ هجری میرزا شاهرخ برای سرکوبی میرزا اسکندر پسر قرایوسف قراقویونلو به آذربایجان لشکرکشید در تبریز بزیارت حضرت پیرحاجی‌حسن زه‌تاب‌که ازاکابر صوفیه‌آن زمان بودآمد واز او دریوزه همت خواست. پس از بازگشت شاهرخ، اسکندر به‌تبریز بازآمد وبانتقام ملاقات پیرحاجی‌حسن با میرزا شاهرخ فرمان دادکه پسر او ابوبکر را بدار آویزند. دژخیمان فرمان اورا اجراکرده‌آن بیگناه را بدار آویختند وجسد اورا بخانقاه پدرش بردند. پیرحاجی حسن زه‌تاب راچون نظر برمرده پسرافتاده فرمود که:

«اسکندر، رودم را کشتی، رودت‌کشاد» یعنی ای اسکندرفرزندم را کشتی، فرزندت ترا بکشد، نفرین پیرکارگر آمد، اسکندررا پسرش قباد در قلعه‌النجق درحال مستی بکشت (۱)

۲ـ درجلد دوم این کتاب‌که در زیر چاپ است حکایتی درباره ماماعصمت تبریزی ازخاندان بابافقیه‌احمداسپستی از بزرگان‌صوفیه زمان قراقویونلو آمده که درضمن‌آن یك جمله از زبان‌آذری یاد شده‌است ، ماماعصمت قدس‌الله سرها بسیار بسیار بزرگند، صاحب مقامات عجیب. جلالیت برمشرب ایشان غالب بوده روزی‌بزرگرایشان تخم می‌افکنده ، ماما رسیده وفرموده‌که تخم راخوب‌نمی‌پاشی برزگر گفته‌که شما عورتانید، بحال خود باشید، چه خبردارید، ماما ازروی‌جلال گفته که : «چکستانی میپسندیم»، یعنی‌ای‌بناگاه مرده‌نمی‌پسندی‌مرا، همان‌لحظه برزگر جان داده »

«چك» درلغت فارسی بمعنی معدوم و نابود هم‌آمده (۲)

شاید «چکستن» درآذری بمعنی معدوم شدن‌بناگاه مردن بوده است؟

اگرچنین باشد ترجمه متن درست است.

۱ـ روضات‌الجنان ص ۳۹۰

۲ـ برهان قاطع (طبع معین) ج ۲ ص ۶۴۹

لغتی دیگر درفارسی هست بصورت «چکسیدن» که بمعنی خجل وشرمنده شدن است. (۱) اگر فرض کنیم چکستانی ازاین مصدر است بایدآنرا چنین معنی کنیم. آیا شرم نداری مرا نمی‌پسندی ؟

آقای دکتر ماهیار نوابی این جمله راچنین معنی‌کرده است:

«ای بهشتی مرانمی‌پسندی» که بعیداست ودرشرح آن مینویسدکه، چك، در لهجه هرزنی بمعنی خوب ونیك وبداست، چکستان، را بنابراین میتوان بمعنی، بهستان، یا، بهشت، دانست.

اما بکاربردن چکستانی (بهشتی) درمقام خشم و تقریباً بجای دشنام ازآن جهت‌است‌که مردان خدا وپارسایان حتی درهنگام خشم هم دهان‌بدشنام وبدگویی نمی‌آلایند. وبجای سخنان زشت‌کلمات نیکوبکار میبرند. واین چنین استعمال درزبان فارسی هم رایج‌است چون‌استعمال پدرآمرزیده، پدر بیامرز، پدرصلواتی درهنگام خشم وبجای دشنام دراینجا چکستانی‌درهمین مقام ودرواقع بجای‌دوزخی ویا «ای بجهنم‌شو» بکاررفته است(۲)

۳ـ پس‌از مردن برزگر، ماماعصمت برسم تعزیت‌بخانه اورفته واین دوبیت را سروده است:

هنو مستی هنو مست   هنو وش باده بو آبی از دست

من بمستی خطائی بامر از دست   زوان‌تاوان‌دهان‌بیزوان(بیروان)وست

یعنی: هنوز و هنوز مست است   هنوزش باده‌ای بود ازدست شده

ازدست من‌بمستی خطائی برآمد   تاوان‌زبان‌دهان‌بی‌زبان‌رابست(۳)

۴ـ حمدالله مستوفی درگذشته در(۷۴۰هـ) دروصف ارمیه شرحی نوشته و جمله‌ای را بزبان‌آذری آورده است:

۱ـ برهان قاطع ج ۲ص ۶۵۱

۲ـ نشریه دانشکده ادبیات تبریزسال هفتم شماره اول خرداد ۱۳۴۴شمسی

۳ـ برای شرح لغوی این دوبیت از نظرلهجه شناسی رجوع کنید به مقالهٔ آقای استاد ادیب طوسی درنشریه دانشکده ادبیات تبریز درسال ۱۳۳۵

«ارمیه... باغستان فراوان دارد وازمیوه‌هاش انگورخلوقی وامرودپیغمبری وآلوی زرد بغایت خوبست وبدین سبب تبارزه (تبریزیان) اگر صاحب حسنی را با لباس ناسزا یابند گویند: «انگورخلوقی بچه دردر سوه‌اندر» یعنی انگورخلوقی است در سبد دریده. (۱)

۵ـ همام تبریزی از شعرای معروف آذربایجان و از معاصران شیخ اجل سعدی که درسال ۷۱۳ یا۷۱۴ هجری پس از یك عمر دراز صد واند ساله درگذشته درمیان غزلیات خود دو ملمع دارد که درآنها بعضی از ابیات را بـه‌زبان آذری سروده است :

یکی این غزل است که بیت آخر آن فهلوی آذری است :

خیالی بود و خوابی وصل یاران	شب مهتـاب و فصل نوبهاران
میان باغ ، یار سرو بالا	خرامان بر کنار جویباران
چمن میشد ز عکس عارض او	منّور چون دل پرهیزکاران
سر زلفش ز باد نوبهـاری	چو احوال پریشان روزگاران
برفت آن نوبهار حسن وبگذشت	دل و چشمم میان برف و باران
خداوندا هنوزم هست امید	بـده کام دل امیدواران
همام از نوبهار و سبزه و گل	نمی‌یابد صفـای روی یاران
« وهار و ول وديم يار خوش بی	اوی یاران مه‌ول بی مه‌وهاران» (۲)

این بیت آخر فهلوی آذری است و معنای آن چنین است :

«بهار وگل با روی یار خوش است	بی‌یاران نه‌گل باشد و نه‌بهاران»

۶- دیگر این غزل ملمع همام است :

«بدیدم چشم مستت رفتم ازدست	«کوام آذر دلی بوگوبنی مست»

۱ـ نزهة‌القلوب ص ۹۸

۲ـ این غزل را مرحوم سعید نفیسی بنام همام برروی سفینه‌ای که در قرن هفتم کتابت شده و مرحوم خلخالی در مقدمه حافظ خویش از آن یادکرده بخط خود نوشته است.

دلم خود رفت و میدانم که روزی «بمهرت هم‌بشی خوش‌گیانم از دست»
به آب زندگی ای خوش عبارت «لوانت لاوجمن دیل و گیان بست»
دمی بر عاشق خود مهربان باش «کزینسان مهر ورزی گست بی‌گست»
اگر روزی به‌بینم روی خوبت «نسان مشنهز آنرا سر زمان دست»
به مهرت گه همام از جان برآید «مواژش کان بمروو وارست»
«گرم خاواکنی لشنم بوینی بیویت خته بام ژاهنام سرمست» (۱)

معنی فهلویات آذری غزل فوق‌الذکر چنین است:

«کوام آذر دلی بوکوبنی مست» یعنی:
کدام آذر دل است که آنرا به‌بیند ومست نشود.
«به‌مهرت هم‌بشی خوش کیانم ازدست» یعنی:
به‌مهر تو جانم نیز ازدست برود
«لوانت لاوجمن دیل وگیان بست» یعنی:
فریب لبان تو ازمن دل وجان ببرد
«کزینسان مهر ورزی گست بی‌گست» یعنی:
که اینسان مهر ورزی زشت باشد زشت
«نسان مشنهز آنرا سرزمان دست» یعنی:
نه‌آسان می‌شناسد آنگاه سر از دستم
(مشکل است آنگاه که سر ازدست بشناسم)
«مواژش کان یوان بمرو و وارست» یعنی:
مگویش که آن جوان بمرد و اورست (آسوده شد)
«گرم خا واکنی لشنم بـوینی بیویت خته بام ژاهنام سرمست»
یعنی. اگرخاك مرا بازکنی لاشه (جسد) مرا به‌بینی، به‌بوی تو درآرامگاه

۱ـ این غزل در نسخه‌ای خطی متعلق به کتابخانه دانشمند محترم آقای حاج حسین‌آقا نخجوانی از معاریف تبریز آمده است.

خود سرمست خفته‌ام (۱)

۷- دو بیتی یعقوب اردبیلی

رشته دستت بلا گلگون کریته — تو بدستان هزاران خون کریته

در آینه نظر کن تا بوینی — که وینم زندگانی چون کریته (۲)

ترجمه آن چنین است:

بلا رشته دست ترا گلگون کرده — تو بدستهایت هزاران خون کرده‌ای

در آینه نظر کنی تا به بینی — که به بینم زندگانی چگونه کرده‌ای

۸- دریك سفینه خطی بتاریخ ۱۱۲۰ هجری فهلویاتی از شاعری آذربایجانی بنام مهان کشفی از اهل نمین اردبیل آمده که ظاهراً در بین سالهای ۷۳۵ و ۷۹۴ هجری میزیسته است.

یرم اج مان برانی بان بایجی — ورم یان رنجه دیرن آن بایجی

بهر ره چون بآیین ویم من — همم کفر و همم ایمان بایجی

ترجمه:

اگرم از خانه برانی بام هیچ است — وگرم جان (مرا) رنجه داری آن هیچ است

بهر ره (بهرحال) چون به آیین وی هستم

مرا هم کفر و هم ایمان هیچ است [۳]

۱- برای توضیح لغات ونکات دستوری این غزل رجوع کنید به‌مقاله آقای استاد ادیب‌طوسی تحت‌عنوان «نمونه‌ای ازفهلویات قزوین وزنجان وتبریز درقرن هفتم» ضمیمه نشریه‌دانشکده ادبیات تبریز ودو قصیده بدولهجهٔ نیمه‌آذری وهمان نشریه.

۲- دانشمندان آذربایجان ص ۴۰۱

۳- ازاین شاعر فهلویات بسیاری در دست است دراین مختصر ما بهمین‌نمونه اکتفا کردیم، برای تفصیل بیشتررجوع شده به‌مقاله آقای استاد ادیب طوسی (نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال ۱۳۳۵ تحت‌عنوان فهلویات ماماعصمت و کشفی بزبان‌آذری) ونیز برساله‌آذری یازبان باستان‌آذربایگان تالیف کسروی تبریزی طبع تهران ۱۳۱۷ش‌ص ۵۹-۶۵

در یك نسخه خطی که درفن موسیقی نوشته شده ومؤلف آن عبدالقادر بن- الحافظ مراغه‌ای‌است وتاریخ کتابت آن مربوط به‌اوایل قرن نهم هجری میباشد ودر کتابخانه ملی بشماره ۱۳۰۴ ضبط شده است دو قطعه دو بیتی فهلوی آذری دیده میشود که احتمالا مربوط به‌لهجه اصل مراغه‌است.

۹- ما برای نمونه هردوآنها را دراینجا می‌آوریم :

ایگهان پرخوری (خور) من سوی تەوس ور گهان پرگل من بوی تو وس

ار دوگیتی د دامانم وزنی چنگ من از هردوگهان واروی تووس»

یعنی: اگر جهان پرخور (خورشید) شود مرا روشنی وسوی تو بس است.

واگرجهان پرگل باشد مرا بوی تو بس است.

اگر دوگیتی بدامان من چنگ زنند مرااز هردو جهان روی تو بس است

۱۰- «شوان گردان و یاوانان برآمان خمار ببریده یا بدریده دامان

چسر چشمان خود میکیژنم (می‌کی ژنم) لاو

بوکه لاوم به‌بخ‌کیلی (کیلی) سامان (۱)

یعنی: شبها که به‌جستجوی منزل سرگردان بیابانها هستم

مقنعه بریده یا بدریده دامانم

از چشمان سرخودکی میزنم لاف

شاید که لافم بجهت آرزومندی سامان باشد

۱۲- فهلویات آذری مغربی - نام او محمدبن عزّالدین بن عادل بن یوسف تبریزی مشتهر به‌محمد شیرین است که درقریه امّنداز قراء بلوك رودقات‌تبریز تولد یافته وچون در دیار مغرب بیشتربسرمیبرده ازاین رو تخلص مغربی‌اختیار کرده است.

۱- رك : مقاله استاد ادیب طوسی، درنشریه دانشکده ادبیات تبریزسال ۱۳۳۵ تحت عنوان «فهلویات زبان‌آذری درقرن هشتم ونهم»

وی باکمال‌الدین خجندی معاصر و معاشر بوده و در سال ۸۰۸ در شصت سالگی درگذشته و در گورستان سرخاب اورا بخاك سپردند. نزهةالساسانیه، اسرار فاتحه در "الفرائد فی معرفةالتوحید، وجام جهان‌نما از تألیفات اوست و دیوان او مکرر درایران وهند بچاپ رسیده است.

وی از عرفا وصوفیه بزرگ ایران در قرن نهم بوده است مغربی بفارسی و وعربی هردو اشعاری نغز ولطیف سروده است (۱). مغربی غزلیات و ترانه‌های بسیاری بزبان فهلوی‌آذری درلهجه تبریزی سروده است. بعضی ازاین اشعار که آنرا فهلویات مغربی‌میتوان نام‌نهاد دریك‌نسخه خطی ازدیوان اوکه تاریخ‌کتابت آن در۱۰۱۴ پیدا شده‌است، واینك به‌نقل‌یك دونمونه ازآنها می‌پردازیم.

سحر گاهان کدیلم تاوه گیری چوآهم هفت چرخ آلاوه گیری

چدیلم آذرین آهی و راهی دوژ اژ تاو دیلم تاوه گیری

یعنی - سحرگاهان که دلم میگیرد (میسوزد)

ازآهم هفت چرخ الو وآتش می‌گیرد

از دلم آذرین آهی برمی‌آید دودش‌ازتاب[سوز،]دلم‌آتش‌میگیرد

سحرگاهان که چشمم آوه گیری گهان از آوه چشمم لاوه گیری

امند(امتد) خوناوه‌اژچشمان برآرم که گیتی سربسر خوناوه گیری

یعنی: سحرگاهان که چشمم‌آب میگرد (میگریم)

جهان ازآب چشمم سیل گیرد (پرسیل شود)

آنقدر خونابه از چشمان برآرم که گیتی سربسر خونابه گیرد (۲)

اینك به نقل چند نمونه دیگر از این فهلویات در کتاب صـفوةالصفای درویش‌توکلی‌بن‌اسماعیل‌که‌ازتألیفات قرن هشتم هجری‌است دراینجا می‌پردازیم.

۱- درباره تذکره حال او رجوع‌کنید به‌دانشمندان آذربایجان ص ۳۵۱-۳۵۳ واز سعدی تا جامی چاپ دوم ص ۴۴۴-۴۵۴

۲- برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به‌مقاله‌آقای ادیب طوسی تحت عنوان «فهلویات مغربی تبریزی» ونشریه دانشکده ادبیات تبریزسال ۱۳۳۵

باید دانست که کتاب صفوةالصفا را ابن بزاز در مناقب واحوال و گفته‌های شیخ صفی‌الدین اردبیلی که خود معاصر با او بوده نوشته است.

۱۳ـ شیخ صدرالدین فرمود، از شیخ (صفّی‌الـدین) سؤال کردم وقتیکه بحضرت شیخ زاهد رسیدی از دل خبرداشتی؟ شیخ قدّس‌سره فرمود بزبان‌اردبیلی «کار بمانده کار تمام بری»

یعنی. «ای خانه‌آبادان کار تمام بود اما تنبیه مرشد وامانده بود» (۱)

۱۴ـ (شیخ صدرالدین) گفت که باری شیخ نشسته بود و جمعی درحضرتش نشسته، ناگاه علیشاه جوشکابی درآمد وشیخ اعزازفرمود وقیام نمود علیشاه چون درآمد گستاخ وار شیخ را درکنار گرفت و گفت حاضرباش بزبان تبریزی: «گو-«گوحریفرژاته» یعنی سخن بصرف بگو حریف رسید، (۲)

۱۵ـ مولانا محیی‌الدین گفت روزی جماعت‌الارقیان به‌حضرت شیخ میآمدند از آن میان پیره نوشیروان درراه با جماعت‌الارقیـان کفت امسال زحمت بسیار کشیده‌ام از برای نان خریدن، ومحمودالارقی گفت که از دیه‌آلارق برخیزیم و بعرضستان برویم که دهی است درصفح کوه سبلان. چون بندگی شیخ قدّس سره رسیدند روی با پیره نوشیروان کرد گفت سی‌سال حقتعالی نان داد شکرنکردیم یکسال که کمترداد شکایت کنیم.

آنگاه روبه‌محمودکردگفت‌که«شروه‌مرزوان بمرزخود[بی]» این‌هردوکه ایشان درراه اندیشیده بودند گفت(۳)». معنی‌این عبارت معلوم نیست چون شروه بر وزن هرزه درلغت بمعنی نوعی خوانندگی باشد که آن را شهری گویند (۴) میتوان‌آن جمله را چنین معنی‌کرد که، مرزبان شهری بمرزخود باشد»؟

۱ـ صفوةالصفا ص ۲۵
۲ـ صفوةالصفا تا بلخیص عبارات ص۴۰
۳ـ صفوةالصفا ص ۱۰۷
۴ـ برهان قاطع (طبع معین) ص ۱۶۲۴

اینك بعضی از اشعار شیخ صفی‌الدین را بنا بـروایت کتاب سلسلة‌النسب صفویه تألیف شیخ‌حسین پیرزادة بن‌ابدال زاهدی متوفی‌در ۱۰۵۶ قمری(۱) دراین مختصر می‌آوریم.

۱۶-«صفیم‌صافیم‌گنجان‌نمایم　　بدل درده ژرم تن بی‌دوایم
کس بهستی نبرده ره باویان　　از به‌نیستی‌چویاران خاکپایم

یعنی: صفی صافی‌ام که‌گنجهای (حقیقت) رامی‌نمایم
به‌دل دردمند و به‌تن بی‌دوایم
کسی ازهستی (اظهار وجود) ره به‌او (خدا) نبرده من از نیستی (بی‌تعیّنی) خاك پای یارانم

۱۷_«بمن‌جانی‌بده ازجانور بوم　　بمن نطقی بده تا دم آور بوم
بمن گوش بده آرجش نوا بوم　　هرآنکه وانگه بو ازآخبر بوم

یعنی بمن جانی‌بده تا حیّ‌ ابدی باشم　　بمن نطقی بده تا سخنور باشم
بمن‌گوش بده تا شنوا باشم　　هرآنچه بانگ است ازآن خبردار باشم

۱۸_ از شاعری که تخلّصش آدم بوده است:

خُسه‌بانان که غم‌جویان نشینند　　بدامان جهان پویان نشینند
خُسه‌بانان که اح خلوتگه راز　　زبان بسته سخن‌گویان نشینند

یعنی: خوشابحال آنان که جویای غم نشینند
بدامان جهان‌پویان نشینند
خوشابحال آنان که از خلوتگه راز
زبان بسته سخن گویان نشینند

از شاعری بنام خلیفه صادق خلیفه‌آستان صفوی:

دلا غافل مبش خوشتن زمانی　　قیمتین گوهریش گنجش چه‌کانی
مبش کرکس بهر مرداره منشین　　شاه باز بش چه اوج لامکانی

۱- این کتاب درسال ۱۳۰۳ شمسی با مقدمه کاظم‌زاده ایرانشهر با حروف سربی در برلین چاپ شده است.

یعنی: ای دل غافل مباش ترا خوش آن زمان

که گوهرش قیمتی و گنجش چوکانی باشد

مباش کر کس، برهر مردار منشین شاه بازباش براوج لامکانی

۲۰ـ از شاعری بنام معالی:

من از قالو بلا اندیشه دارم گُنه اج برگ داران بیشه دارم

اهر که نامه خوانان نامه خوانند من از شرمندگی سرپیشه دارم»

یعنی: من از قالو بلا اندیشه دارم گنه از برگ داران (درختان پر برگ) بیش دارم

فردا که نامه خوانان نامه (عمل مرا) بخوانند

من از شرمندگی سر پیش دارم

۲۱- از شاعری بنام راجی.

«همایم من سر کوهان وطن بی کشتگاهم اوی صحرا چمن بی

استخوانی خورم سازم قناعت بوقت مردن پر و بالم کفن بی»

یعنی: من همایم سر کوهها وطن من است

کشتگاه (؟) من صحرا و چمن است

استخوانی میخورم و قناعت میکنم بوقت مردن پرو بالم مرا کفن است

دنیا خوانی و مردم کاروانی روز الالـه و روز خـزانی

سیاه چالی کند نامش کند کور بمن واجن ایم ایشتی فان مانی

خشکه دارم بکوهان سایه ام نی بیرمان مانده طفلیم دایه ام نی

بیازارم شری بازار وانم بیازم شری هیچ پایه ام نی

کوهانم سر بلندی خور مصاحب ازم درده جری بلبل مصاحب

به پنج روز دیگر بایر بوینا نه خانه مانده نه خانه صاحب

دنیا داری بلای من نزانست مرگ من درصلای من نزانست

شهر و مردم همه بایر بوینا مایه‌ام پنج گز هلای من نزانست(۱)

رساله روحی انارجانی ـ دست روزگار باآنکه فهلوی آذری را از میان مردم آذربایجان برانداخته و ترکی آذری را جانشین آن ساخته است، برای نشان دادن هنرنمایی خودکه همه چیزرا ببازی گرفته است رساله‌ای را به‌فهلوی آذری ولهجه مردم تبریز بجای نهاده که چندی است از طاق نسیان بدامن زبان‌شناسان افتاده است. این رساله را نخست مرحوم عباس اقبال آشتیانی در سال دوم مجله یادگار معرفی کرد، سپس در شماره ۱۰ ایران کوده چهارده فصل آن بچاپ رسید. مرحوم سعید نفیسی همه‌آنرا از آغاز تاانجام درجلد دوم فرهنگ ایران زمین باشرح وتوضیح عالمانه منتشر ساخته است. سرانجام آقای دکتر ماهیار نوابی در بخش دوم آن‌که مشتمل برچهارده فصل بلهجه مردم تبریز است بانظری دقیق به‌تحقیق پرداخته وحق مطلب را ادا کرده است.

این رساله دارای دوبخش کاملا مستقل وجداگانه است:

یکی درباره رسم وآیین مردم‌تبریز، و دیگری درباره زبان مردم این شهر در پایان قرن دهم هجری.

تألیف این‌رساله درزمان پادشاهی شاه‌محمد خدابنده (۹۸۵ـ۹۹۵هـ) پادشاه صفوی بدست شخصی بنام روحی انارجانی از مردم قریه انارجان درنزدیك‌تبریز انجام گرفته است.

تاریخ کتابت آن در اول شوال ۱۰۳۷ هـ یعنی چهل وچند سال پس ازتالیف آن است.

۱ـ درباره دیگر فهلویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی، رجوع کنید به رساله آذری مرحوم کسروی ص۴۱ـ۵۱ ومقاله ادیب طوسی، فهلویات زبان‌آذری، نشریه دانشکده‌ادبیات تبریز سال ۱۳۳۵.

«اهمیت رساله روحی انارجانی دربخش دوم آن یعنی چهارده فصلی‌است که به‌لهجه مردم تبریز نوشته شده‌است. این چند صفحه شاهدیست زنده ونمونه‌ای است موجود از طرز سخن‌گفتن مردم تبریز درپایان سده دهم و آغاز سده‌یازدهم هجری ونشان میدهد که تاآن زمان، حتی در تبریزکه می‌بایستی بیشتر درتحت نفوذ زبان ترکی واقع شده باشد، هنوز مردم، یعنی زبانی که گفت وشنود روزانه و درد دلها و شوخیهای تبریزیان باآن برگزار میشده، لهجه‌ای بوده است از لهجه‌های ایرانی، وزبان ترکی تااین زمان میان مردم رایج نبوده است.

اگرچه درباریان وسرداران صفوی از زبان ترکی پشتیبانی میکردند، و دانستن ترکی یا تظاهر بدانستن‌آن، برای تقرب بدربار باب روزه بوده است. ولی تاآن زمان مانند دوره قاجار میان همه مردم ریشه ندوانیده ورواج نداشته است.» (۱)

فهرست فصول چهارده‌گانه قسمت دوم‌آن رساله از اینقرار است:

۱ـ فصل اول در تواضعات اناث

۲ـ فصل دوم درتکلیفات وتکلفات اناث تبریز

۳ـ فصل سوم در ساز وسازنده

۴ـ فصل چهارم در ناز ونزاکت صحبت خاصّه

۵ـ فصل پنجم در تعریف خواهرکرو مذمت شوهر پیر

۶ـ فصل ششم درتعریف جوان

۷ـ فصل هفتم درمذمت مستوری

۸ـ فصل هشتم دربیماری و به‌حکیم رفتن

۹ـ فصل نهم درمناظره مادر عروس با مادر داماد

۱۰ـ فصل دهم درجواب مادر داماد با مادر عروس

۱ـ عین عبارت آقای دکتر نوابی درمقدمهٔ رسالهٔ زبان مردم تبریز در پایان سدهٔ دهم وآغاز سده یازدهم هجری، درنشریه دانشکده ادبیات تبریز

۱۱ـ فصل یازدهم در شاعریها

۱۲ـ فصل دوازدهم شوهر را بتقریب بر سر کار آوردن و شب جمعه بخاطر رساندن و با مخدوم کره مناقشه کردن.

۱۳ـ فصل سیزدهم در بیان عبارت اعیان تبریز که با عزیزی مناظره کرده باشند و با مثل خودی بیان

۱۴ـ فصل چهاردهم بقاضی رفتن پهلوان واظهار دعوی بامثل خودی نمودن.

اینك فصل اول این کتاب را که در تواضعات اناث است برای نمونه در اینجا یاد میکنیم:

«مزیوام، مرسام، ممانام، تی جانت از خدروام»

یعنی: نزیم (قربان شوم)، نرسم نمانم، برای جانت از خود روم.

«قداو بلا تاچینام، بگرد وروت گردام، بی تو غش کنام»

یعنی قضا و بلایت را چینم، بگرد درویت بگردم، برای تو غش کنم.

«تی کله بورسه ورست میرام، بی ببك چشمت جان دهام»

یعنی: برای کله ... ات بمیرم برای مردمك چشمت جان دهم،

«بی پا و پارمت افتام، برای هروند پات میرام»

یعنی: بروی پایت افتم، برای هر بند پایت بمیرم.

«بی ترق ترق کوشت مزیوام، نذر بکیسی خش آمدی خشت با، نور آوردی نورت با»

یعنی: برای ترق ترق کفشت نزیم، نذر بیکسی خوش آمدی، خوشت باد، نورآوردی، نورت باد.

شعر

«مزیوام آن کلارا	آن قد وآن بالارا

یعنی: نزیم (قربان شوم) آن کلاه را، آن قد وآن بالا را

«من مرسام آن رو را	طبق شفتالو را»
یعنی: من نرسم آن روی را	طبق شفتالو را

«مما نام آن بینی را آن زنبق سیمین را»
یعنی : نمانم آن بینی را آن زنبق سیمین را
«بمیرام آن دهانا آن لب و آن دندانا »
یعنی : برای آن دهان بمیرم وآن لب و دندان
«صدقه شوم چانه را آن در یکدانه را»
یعنی . صدقه شوم آن چانه را آن دُرّ یك‌دانه را
«جانم بجانت آلوده همچون عسل و پالوده»
یعنی : جانم به‌جانت آلوده همچون عسل و پالوده
«جانم بجانت ورزده همچو قفل روی در زده»
جانم بجانت بر زده همچو قفلی که روی در زده باشد

لهجه‌های آذری ـ لهجه‌های قدیم آذربایجان اعم از تبریزی و اردبیلی و نقاط دیگر که نمونه بعضی از آنها را دراین مختصر آوردیم و برهمه آنهافهلویات آذری اطلاق میشود ، بطور مسلّم تا آغاز عصر صفوی هنوز در شهرهـای آن سرزمین زنده بوده است . از اواسط عصر صفوی بدلایلی که در فصل بعد خواهیم گفت این لهجه‌ها بکلی از شهرها برافتاد وجای‌خود را به‌ترکی آذری داد ولی‌در بسیاری از دهات وقصبات همچنان معمول بود .

بنا بشهادت پیرمردان قدیم خیلی ازاین لهجات تا صد سال پیش‌که شهرها ودهات براثر نبودن جادّه‌های شوسه وجهات دیگر روابط مستمری نداشتند ، در بسیاری از روستاهای آذربایجان رواج داشت . براثر عامل ارتباط جـزء وکل یعنی رابطه بین مردم روستا و شهر ، لهجات آذری محو زبان غالب یعنی ترکی شدند و بتدریج از روستاها نیز برافتادند . با وجود این هنوز لهجاتی هستند که درگوشه و کنار آذربایجان چون هرزند وگلین‌قیه ، و زنوز ، و حسنو ، وخلخال بحیات ضعیف خود ادامه میدهند ودیری نمیگذرد که آنها نیز محو زبان غالب شوند واز صفحه روزگار برافتند .

تاصدسال پیش بلکه کمتر درقریه اوشتبین، مرکز دهستان دیزمارخاوری که جزء بخش شهرستان اهر است به‌لهجه‌تاتی سخن میگفتند . قصیده اوشتبینیه سید ابوالقاسم نباتی متوفی در ۱۲۶۲ هجری قمری بـه‌ترکی (۱) حاکی از این معنی است :

مطلع آن این بیت است .

صفحهٔعالمده‌بیردرّنهاندراوشبتین   وزنه‌گلمز،چمكك‌اولمازچوخ‌گراندراوشبین

در چند بیت بعدگوید :

خوش سلیقه هریری خلقی سراسر مهربان

دیللری تاتی ولی شیرین زباندر اوشبین

یعنی : هرجایش را مردمی خوش‌سلیقه ومهربان است

زبانشان تاتی‌است ولی زبان اوشبین شیرین است

لهجه تاتی ـ این لهجه ازلهجات فهلوی‌است که هنوز درآذربایجان زنده است و درچند ده مردم به‌آن تکلم میکنند . اصطلاح «تت» (تات) دردیوان‌لغات الترك محمودبن‌الحسین‌کاشغری‌که درسال ۴۶۶ ه تألیف آن‌بپایان رسیده ، بمعنی فارسی ایرانی‌آمده است : « تت ـ الفارسی‌عند عامّه‌الترك و فیه‌المثل : تتغ گوزر اتکانك تبرا ، معناه اضرب الفارسی علی‌العین واقطع‌الشوك من‌الاصل»

یعنی : تت را درنزد همهٔ ترکان پارسی وایرانی‌گویند و درمثل گفته‌اند : پارسی را برچشم بگذار وخاررا ازریشه برکن (۲)

در متن ترکی دده قورقود که درنهصد سال پیش بزبان غزی نوشته شده نیز بهمین معنی یاد شده‌است . دراشعار ترکی منسوب به مولانا نیز بهمین معنی‌بکار رفته است چنانکه فرماید :

۱ـ عبدالعلی کارنگ : تاتی و هرزنی ص ۲۹

۲ـ : ج ۲ طبع استانبول ۱۳۳۳ ص ۲۲۴

اگر تات ساك و گر روم ساك و گر تورك زبان بی زبانی را بیاموز

یعنی : اگر ایرانی هستی و اگر رومی واگر ترك زبان بی‌زبانی رابیاموز(۱)

شمس الدین سامی درلغت خود زیرعنوان «تات» مینویسد :

«ترکان قدیم ، ایرانیان وکردان پیشین راکه زیرفرمان خودداشتنددرمقام تحقیر «تات» میخواندند» (۲). مینورسکی مینویسد : «تات» یا«تت»،کلمه‌ای‌است ترکی که برعناصر بیگانه که دربلادترك میزیستند اطلاق میشد .

پیترودلاواله Pietro ; Della ; Valle که در اوائل صفویه درایران میزیسته در سفرنامه خود درباره قزلباش که ترك ، که ایرانی وفارسی بودند مینویسد : «قزلباش مردمی هستند ترك که همواره با شاه اسماعیل صوفی بسر میبرند ، اما «تاتها» طبقه پست اجتماع هستند که ازنژاد خالص ایرانی قدیم میباشند(۳)» .

سانسون P. Sınson که‌درزمان شاه سلیمان صفوی درایران اقامت داشته درکتاب «وضع ایران کنونی» Eta Présent. de la Perse درتوصیف یك مجلس‌میهمانی،از قزلباش (ترك) و تات (پارسی وایرانی) یادکرده گوید :

«مهماندار عرقچین بزرگی از قلابدوزی و زربفت که دارای نوکی بلند و قسمت پائین آن به ملیله‌دوزی احاطه شده وقسمت فوقانی آن پراز پر گلنگ بود برسرداشت.این کلاه وقف‌دوازده‌امام‌است‌ودرمواقع‌رسمی‌قزلباشها‌برسرمیگذارند ومأموران رسمی‌که از نژاد «تات» هستند حق برسر گذاشتن آنرا ندارند»

اصطلاح‌تات‌درقفقاز برای‌اقوام‌ایرانی‌مسلمان‌که به‌لهجه تاتی‌گفتگومیکنند بکاربرده میشود همچنین به‌این لهجه عده‌ای ازیهود و ارامنه نیز تکلم‌مینمایند.

بعضی ازکلماتی که بکارمیبرند ازاینقرار است :

۱ــ : عبدالعلی کارنگ : تاتی و هرزنی تبریز ۱۳۳۳ ص ۳۰

۲ــ : قاموس ترکی طبع استانبول ۱۳۱۷ه ص۳۷۰

۳ ـ : مینورسکی: سازمان اداری حکومت صفویه‌ترجمه رجب مینا ص ۱۲۷

فارسی	تاتی قفقازی
بودن	برن
یار	یاد
بدان	دان
گل	گل
برف	ورف
خانه	خونه

تاتهای قفقاز بیشتر در نواحی باکو، قبه، گوکچای، گنجه، جنوب داغستان فتیق، تابسران، تمرخان شورا، شبه جزیره آبشوران، زندگی میکنند پیش از سال ۱۸۷۷ شمار نفوس آنان در قفقاز به ۶۴۶۵۶ تن میرسید.

در سال ۱۸۸۶ میلادی در ناحیه باکو ۵۸۶۲۱ تن تات میزیستند. در دائرة المعارف قدیم روسی (ج ۳۲/۲) آمده که شماره تاتهای روسیه در ۱۹۰۱ میلادی به ۱۳۵٫۰۰۰ تن میرسیده است.

طبق آمار دولت شوروی در ۱۹۲۳ میلادی شماره تاتها از نظر زبان ۲۸۰۲۰ و از حیث نژاد ۲۸۷۰۵ تن بوده است.

مینورسکی گوید که عدد تاتهایی که در آذربایجان شوروی به فارسی سخن میگویند به یازده هزار تن میرسد و ممکن است عدد همه تاتهایی که در همه اقطار کشور شوروی هستند به نود هزار تن برسد.

شمار یهودیان کوهستانی که در ترکی بنام چفتی داغ خوانده میشود و بزبان تاتی گفتگو میکنند در ۱۸۸۶ به بیست و یك هزار تن میرسیده که ده هزار تن از ایشان در دهات و یازده هزار ایشان در شهرها هستند. بیش از همه در، قبه، مسکن دارند که شمار نفوس آنان در آن شهر به ۶۲۸۰ تن میرسد و بقیه در دربند، و تمرخان شورا و گروزنی، و نالچك زندگی میکنند.

از امتیازات زبان تاتی یهودیان بکاربردن حروف حلقی‌است که نمونه‌هایی از آن در ذیل یاد میشود :

فارسی	تاتی یهودی
هفت	حفد
اسب	عسب
تر	طر

سبب آن اینست که اولا این یهودیان سابقاً بزبان عربی صحبت میکردند، ثانیاً آنان همسایه با مردم داغستان هستند که تااین اواخر مکاتبات خودرابزبان عربی مینوشتند. لهجه تاتی ارمنی در شهر، مترسی، وکلوال و جزآن دوگفتگو میشود.

سبب رواج زبان تاتی‌درقفقاز همانا میراث‌نفوذ نظامی وسیاسی اقوام‌ایرانی درآن نواحی‌است بلاذری (ص۱۹۴) مینویسدکه انوشیروان درسال ۵۳۱ تا ۵۷۹ مردم سسکان (السیاسیجین) رادرناحیه دربند شابران برکنارچپ رودارس یاناحیه نخجوان سکنی داد.

مردم سسکان باآنکه مسیحی بودند درسال ۵۷۱ از انوشیروان درخواست کردندکه ولایت ایشان رااز ارمنستان جدا کرده به‌آذربایجان به‌پیوندند.

درکتاب دربندنامه(**طبع کاظم‌بیك ۴۶۱**)آمده که انوشیروان درشهرهای جدیدی که در جوار دربند احداث کرد مردمی را ازآذربایجان وعراق وفارس آنها نشانید.

شهر«لاهیج» که در نزدیك سرچشمه رودکوکچای واقع است ودر تواریخ گرجی نام آن «لجشته‌اولیجك»آمده از نواحی تات زبان است. مردم این ناحیه میگویند که ازلاهیجان به‌این ناحیه مهاجرت کرده‌اند (۱)

۱ - : دائرةالمعارف اسلامی ماده «تات» بقلم مرحوم مینورسکی

هنری فیلد از قول باچماکف مینویسد که قریب هفتاد وچهار هزار تات در قفقاز هستند که بیك زبان هند و ایرانی تکلم میکنند (۱) . مرحوم محمدخان قزوینی مینویسد : «قریه‌ای است درنزدیکی‌مرند، هرزند نام‌که زبان مخصوصی دارندکه ظاهراً ازلهجه‌های‌قدیم‌ایرانی‌است. نمونه زبان‌ایشان این جمله‌است‌که آقای‌سیدمحمد علیخان(تربیت)ازقول‌یکی‌ازاهالی‌آنجا برای‌بنده نقل‌نموده‌اند:

« زیر انجمنوی ایزی‌آمره برند امروشریندو» یعنی دیروزانجمنها اینجا آمده بودند امروز رفتند (۲)

لهجه تاتی قریه‌کرینگان Kringân که درمحال دیزمار خاوری برکمر کوهی واقع شده ونود خانوار درآن زندگی میکنند هنوز معمول است مردم‌این قریه بدون استثناء بزبان مادری خود یعنی تاتی‌حرف میزنند. قریه‌های دیگری که درآن حوالی‌کم وبیش بزبان تاتی‌آشنایی دارند ازاینقرارند :

چای‌کندی وملك درمحال دیزمار، ارزین ونیستان وخوی نرو، وکلاسور و دمیرچی‌ومرگر، درمحال حسنو، بین‌این‌لهجات‌اختلافات‌مختصری‌موجوداست. (۳)

هرزنی‌این‌لهجه هنوزدرقریه«هرزن»معمول‌است.

کهن هرزن یا هرزندعتیق یا داش هرزن، قریه‌ای‌است‌برکمره‌آفتابگیر کوهی درمحال هرزندات بین علمدار ومرند که راهی صعب وکوهستانی دارد.این قریه رو بویرانی گذارده واکنون جزچند خانواری درآن باقی‌نیست . بیشتر ساکنان‌آن به‌دهکده‌های مجاور بویژه به‌گلین قیه مهاجرت کرده‌اند .

و به‌لهجه ایرانی مخصوصی سخن میگویند که بقول خودشان : «کوهور-زانی‌لو» وبنا بمعروف «هرزندی» نامیده میشود. (۴)

---

۱ ـ : مردم‌شناسی ایران ص ۷۴۴

۲ـ : یادداشتهای قزوینی ج ۱ص ۳

۳ـ ایضاء . تاتی وهرزنی ص۲۷

۴ـ عبدالعلی کارنگ: تاتی وهرزنی، تبریز۱۳۳۳ص۳۰-۳۳

این لهجه باتاتی بسیار نزدیك است وتنها اختلافات مختصری درمیان آن‌دو وجود دارد .

اینك برای نشان دادن اختلاف آن دولهجه با زبان فارسی به‌مقایسه کردن بعضی از لغات آنها با یکدیگر میپردازیم .

فارسی	هرزنی	تاتی
آینه	اوینه	اودینه
آباد	ابد	ابود
آفتابه	افتفه	اوفته
آب	او	او
آتش	اوتش	اوتژ
آرد	ارده	اوردا
آرزو	آرزی	آرزی
آسان	اسون	اوسون
آستانه	اسدونه	اوستونا
خشت	هش	هشت
مرد	مرت	مرت
خون	وون	دون
زن	ین	ین
ژنده	جنده	جنده
دشنام	دژمون	دژنم
گُل	ول	ول
گریختن	ورتی‌ین	ورته
سال	سور	سور

هسته	آستا	اوسدا
هیزم	ایزم	ایزم
هلو	هولی	هولی
آلو	الی	الی
آستر	اوسدور	اوسدورا
آسمان	اسمون	خئو
آمدن	آماره	اومی‌ین
اسب	اسپ	آسپ
استخوان	استا	آسته
امروز	امرو	امرو
انگور	انگیر	انقر
باران	ورون	وورون
ترسیدن	توروسنه	تارستن
برادر	برور	برو
برف	وهور	ور
بره	وره	ورا
بز	یز	یز
بلند	یلند	یلنت
بهار	آواسر	باهار
بیست	ویست	ویست
بینی	ونه	ونا
بیوه	ووه	وووه
پاچه	پچه	پوچا

پریروز	پری	پری
تاریك	تریك	توریك
تخم	توم	توم
تلخ	تل	تیل
تو	ته	ته
جو	یو	جو
چشمه	چشمه	چاشما
خدا	خدیو	خوی
خر	هر	هر
خوردن	هورده	هاردن
خورشید	روژ	هرشی
دروغ	درو	درو
دریا	دریو	دارا
دست	دست	داست
دندان	دوندن	دندون
دیروز	زیر	زیر
روده	روره	روره
زائو	زائی	زائی
زانو	زوهنا	زونا
زرد	زورد	زارد
زمین	زمی	زمی
سال	سر	سر
سگ	ایسبا	پا

سفید	اسپی	پی
سنگ	سغ	سخ
سیاه	سوِیو	سی یو
شب	شو	شو
شپش	اسپتر	پر
شخم	شوم	شوم
شهر	شهر	شار
صد	سه	سا
کار	کر	کر
گاو	گو	ق
گرگ	ورك	وارك
گل	ول	ول
لب	لو	لبوت
مار	مر	مور
مرد	مرد	مرت
نام	نوم	نوم
نماز	نمج	نموژ
هاون	هوگ	هوان
هیزم	ایزم	ایزم(۱)

لهجه خلخالی- این لهجه درقریه کجل Kejal دربخش کاغذ کنان خلخال درکنار رود قزل‌اوزن متداول‌است . ساکنان این ده سابقاً قریب صدوپنجاه‌خانوار بودند ولی بعدها به‌دهات دیگرچون :آلادین، هشاوا Heshâvâ کوچیده‌اند‌اکنون

۱- تاتی و هرنی ص ۳۴-۷۸

مردمی که در ده کجل بسر میبرند درحدود یکصد خانوارند. این لهجه را کجلی یا خلخالی گویند. علاوه بر گجل هنوزهم درچند ده مجاور مانند: شمس آباد، گوسون، کرولار، باین لهجه آشنایی دارند و کم وبیش بآن سخن میگویند.

اینك برای نمونه ازاین لهجه کلماتی را درزیر می آوریم:

فارسی	خلخالی
اسب	آسب
آمدن	امین
امسال	ایمسال
برادر	بروليك
چشم	چش
خواهر	هوليك
خوردن	هاردن
زن	ژانك
شما	شمی
شنیدن	اشنبیستن(۱)

هنری فیلد مینویسد- تاتها درشمال غربی ایران (آذربایجان) زندگی میکنند. پیترودولاواله (۱۶۶۳م) نخستین اروپایی بود که ازتاتها ذکر کرده است.

دوخانیکف (ص۷۷) میگوید که تاتهای قفقاز درزمان ساسانیان از آذربایجان آورده شدند وبعدها بیش از هرگروه دیگر تحت نفوذ ترکها واقع شدند ومدت پانزده قرن درمیان آنان زندگی کردند (؟)

وصف شمائل ایشان ازاینقرار است:

قد متوسط وصورت گرد وچاق وچشم سیاه وکوچکتر ازچشم ایرانیان است. گردن ایشان کوتاه وکلفت وبدنشان فربه ومتمایل بچاقی ودست وپا نسبتاً کوچك، قیافه تاریك، و مویشان تیره وتقریباً انبوه است. (۲)

۱- عبدالعلی کارنك: خلخالی یك لهجه آذری ص۱-۸ ۲- هنری فیلد: مردمشناسی ایران ص۷۴۳

فصل هشتم

زبان ترکی آذری

چنانکه در پیش درباره قبایل چادرنشین ترك گفتیم گروهی از ترکان غز از ماوراءالنهر دراواخر قرن چهارم ودرزمان سلطان محمود غزنوی به ایران آمدند ودر حوالی سال ۴۱۰ هجری به آذربایجان راه یافتند و سپس به لشکر وهسودان مملان پادشاه رّوادی درآمدند وهسته کوچك ولی موثری را ازاقلیتی ترك درآذربایجان تشکیل دادند که همان کانون ترك باعث جلب دیگر ترکان به آن استان شد(۱)

ترکان در عصر سلجوقی و خوارزمشاهی

پس از شکست سلطان مسعود غزنوی از ترکان سلجوقی در ۴۳۱ هجری و غلبه آن طایفه برایران یکباره راه مهاجرت ترکان بسوی ایران باز شد ودرهمه رشته کارها بدست ایشان افتاد .

چون آذربایجان چراگاههای فراوان داشت وترکان قومی چادرنشین و حشم دار بودند وخویشاوندانی نیز درآن استان داشتند که پیش ازایشان جای آنان را بازکرده بودند، بیش از دیگرجاها به آذربایجان روی آوردند .

۱ـ رجوع شود به صفحه ۱۵۲ تا ۱۴۶ همین کتاب

در دوره سلجوقیان ترکان مناسبترین نواحی گله‌داری را اشغال کردند و نواحی بزرگی ازجانب شمال غرب ایران را ترک‌نشین ساختند.

هم ازاین زمان بودکه نام بعضی از آبادیها در آذربایجان ترکی شد و ترکان در دهاتی که مسکن گزیدند نام آنرا تغییرداده ویااحیاناً بزبان خود ترجمه‌کردند مانند: اشگه‌سو، یالقوزآغاج، استی‌بولاغ، سکدی (سکدلو)، گردکانلو، قوزلو قزلجه که اصل آنها ظاهراً: آب باریك، یکه‌دار، گرمخانی، بیدك، گردکانك جوزدان، و سرخه بوده‌است (۱)

بقول منجم‌باشی، بقایای قوم خزر درسال ۴۵۸ ه(۱۰۶۶ م)، از دربندهای قفقاز گذشته به‌آران آمدند ودر نزدیکی دربند درقصبه قحطان مسکن‌گزیدند. درسال۴۶۸(۱۰۷۶م) این‌ترکان‌تماماً درآران وما ورای‌رودارس‌جای‌گرفتند درهمین سال ملکشاه سلجوقی عده‌ای ازترکان‌را درتحت قیادت: شاوتگین Shavtigin درسرزمین اران اسکان داد. ازآن زمان‌گنجه بتدریج شهری ترك‌زبان گردید.

بقول‌ابن‌اثیردرقرن‌ششم هجری‌درگرداگر خوی واخلاط واربل ترکمانانی بنام «ایوا» Ivâ یا یبوا Yiva زندگی میکردند که در منابع اسلامی نام عشیره ایشان «ایوانیه»آمده است. عدهٔ این قبیله تا حدود ده‌هزار تن میرسیده است. بین اردبیل وتبریز ترکمانانی ساکن بودندکه تابع رئیسی بنام ابن بشکین بشمار میرفتند (۲)

برقراری ترکان درآذربایجان و آناطولی از نظرسیاسی بیشتر برای دفاع ازحدود اسلام در برابرمسیحیان گرجی وبیزانس بوده است (۳)

۱ـ رساله‌آذری کسروی ص۲۰

(2) Islam Ansiklopedisi, 2 - Cilt, P.91-119

۳ـ دائرةالمعارف اسلامی (ترجمه عربی) ج ۵ ص۵۲

درزمان خوارزمشاهیان، براثرجمله مغول گروه بسیاری از ترکان خوارزم با سلطان جلال‌الدین به آذربایجان آمدند و پس از مرگ او در آذربایجان مانده و عده‌ای به‌آسیای صغیروسوریه ومصرپناه بردند. بقول ابن‌اثیر درحوادث (سال۶۲۱ هجری) شش‌هزار تن از ترکان خوارزمی در تبریز بقتل رسیدند (۱)

ترکان در عصر مغول و تیمور

مغولان باآنکه از ترکان بشمار نمیرفتند وزبان ایشان هم ترکی نبود ولی چون ازآسیای وسطی از میان قبایل ترک زبان میگذشتند گروهی ازاقوام ترک‌زبان در قشون ایشان داخل شدند وجزء سپاهیان ایشان بشمار میرفتند.

درزمان ایلخانان مغول: اوجان، مراغه، آلاداغ (درشمال وان) و منطقه دریاچه گوگچه درقفقاز، دراطراف ارس وقراباغ، ومغان، سرزمینهایی بعنوان قشلاق، مرکز اسکان ترکان بود.

درزمان ایلخانان زبان‌ترکی شرقی‌که در عصرسلجوقی درآذربایجان رواج داشت درزبان ترکی‌غزتاثیر بسزایی کرد. عشایرآقاچری Aghachari و برچلی Borchali که از اوایل سلجوقیان درآذربایجان میزیستند. در قبایل ترکمن دیگرتحلیل رفتند.

درزمان تیمورگاهی قبایل‌ترکمان ازغرب درآذربایجان اسکان داده شدند و بالنتیجه عناصر غز درآن حوالی زیادتر شدند.

گفته‌اندکه قبایل ترک: شاملو(ترکان‌شامی)، روملو(ترکان‌رومی)، موصللو (ترکان موصلی) ازطرف امیرتیمور به‌آذربایجان کوچ داده شده‌اند. قبایل ترک قاجارکه توسط ایلخانان مغول‌که ازحلب وشام بطرف آناطولی وآذربایجان‌رانده شده بودند، بدست تیمور وقراقویونلوها درآذربایجان اسکان داده شدند.گروهی از قرامانیان در جوار گنجه وبردعه درقصبه‌ای‌بنام «یاراحمد» ساکن گردیدند.

قراقویونلوها ازطرف شام وحلب به‌آذربایجان‌روی‌آوردند، آق‌قویونلوها

۱ــ مینورسکی: سازمان اداری حکومت صفوی ص۲۳۷

ازحدود خوی والنجق فراتر رفته همه‌آذربایجان را فرا گرفتند. درزمان قدرت آق‌قویونلوها عشایر ترك وترکمان : روملو، شاملو، موصللو ، قوزانلو، کاوانلو، ذوالقدر، قاجار که در مشرق آناطولی به‌آذربایجان آمده بودند درآذربایجان میزیستند . در میان ایشان طوایف شیعه مذهب ذیل از طرفداران سرسخت شاهزادگان صفوی بشمار میرفتند ، وآنان را برای رسیدن به‌سلطنت و تشکیل دولت‌صفوی یاری‌میکردند. آنان قبایل: استاجلو، شاملو ، تکلو، بهارلو، ذوالقدر افشار، قاجار، وارساکها Varsaklar بودند که تشکیل‌گروه قزلباش را دادند (۱)

چنانکه گفتیم ایلخانان مغول درآذربایجان مسکن گزیدند و تبریز را پایتخت خود ساختند ولی بخلاف مشهور چون ترکی زبان آنان نبود هیچگاه بترویج آن زبان‌نکوشیدند، وبشهادت‌مورخان، زبان اکثرمردم آذربایجان درآن دوره فهلوی آذری وفارسی بوده است .گویندجمری قرامان اوغلی محمدبك از خاندان ترك بنی‌قرامان که از ۶۵۴ تا۸۷۴ هجری برلارنده و سیواس وقونیه و غیره درآسیای صغیرحکومت میکردند، چون بر قونیه دست یافت دستور داد دواوین دولتی را ازفارسی بترکی برگردانند، وفرمان بکشتن عده‌ای از دبیران ومنشیان فارسی‌نویس داد .

ابن‌بیبی درسلجوقنامه مینویسد وی نه‌تنها استعمال زبان ترکی را درنوشتن نامه‌ها ومکاتبات اداری اجباری‌کرد بلکه دستورداد کسی درتمام شئون زندگی‌جز بترکی سخن نگوید (۲) واین واقعه درسال ۵۷۶ هجری بود(۳)

زکریای‌قزوینی که‌کتاب آثارالبلاد خودرا درسال ۶۷۴ هجری یعنی در زمان پادشاهی اباقاخان مغول تألیف کرده درباره تبریز مینویسد که :

«منجمان پنداشته‌اند که تبریز را از ترکان آفتی نخواهد رسید چه طالع

1–Islam Ansiklopedi 2 Cilt, Zekivelidi Togan; P. 91–119.

۲– دائرةالمعارف اسلامی (ترجمه عربی) ج ۵ ص ۱۰۹ ۳ – تاریخ‌ابن‌بی‌بی‌ص۶۹۶ ومختصر سلجوقنامه ص۳۲۶

آن شهر عقرب‌است ومریخ صاحب آنست، چنانکه گفته‌اند تاکنون از شهرهای آذربایجان هیچ شهری جز تبریز ازدستبرد ترکان محفوظ نمانده‌است (۱)

ابن بطوطه (۷۰۲ـ۷۸۰)که درزمان ابوسعید بهادرخان به‌تبریز سفرکرده در وصف بازار تبریز مینویسد که: «در بازارگوهریان بردگان زیبا با جامه‌های فاخر دستمالهای ابریشمین برکمر بسته در پیش خواجگان خود ایستاده بودندو جواهرات را بدست گرفته بزنان ترك نشان میدادند وآن زنان جواهر بسیار میخریدند و بریکدیگر سبقت میجستند» (۲)

ازگفته ابن‌بطوطه پیداست درآن زمان ترکهایی بوده‌اند که درآذربایجان وتبریز میزیستند ولی ترك وتاجیك از یکدیگرجدا بودند وهنوز باهم نیامیخته بودند واکثریت با فهلوی زبان‌ها بوده‌است.

این جدایی دربین ترك وتاجیك در ذکری که **حمدالله مستوفی** ازبعضی‌از شهرهای‌آذربایجان در ۷۴۰ هجری میکند بخوبی پیداست، چنانکه دربارهٔ شهر خوی مینویسد:

«مردمش سفید چهره وختایی‌نژاد (یعنی ترك نژاد) و خوب صورت‌اند و بدین‌سبب خوی را ترکستان ایران خوانند» (۳)

دربارهٔ لیلان می‌نویسد: «لیلان شهری کوچك‌است مردمش ترك‌اند وحنفی مذهب» (۴)

دربارهٔ مراغه مینویسد: «مردمش سفید چهره و ترك‌وش میباشند وبیشتربر مذهب حنفی میباشند وزبانشان پهلوی مغیّراست (۵)

درباره طسوج مینویسد:

طسوج قصبه‌ای‌است بردومرحله تبریز...سکانش‌ازترك وتاجیك ممزوج‌اند(۶)

۱ـ آثارالبلاد طبع‌اروپاص۲۲۷ ۲ـ رحلهٔابن‌بطوطه طبع مصرسال۱۳۲۲ ج۲ ص ۱۷۴
۳ـ نزهة‌القلوب ص۹۷ ۴ـ ایضاً ص ۱۰۰ ۵ـ ایضاً ص۱۰۰
۶ـ نزهة‌القلوب ص۹۲

درباره کلیبر مینویسد :

«کلیبر قصبه‌ای است درمیان بیشه افتاده ، مردمش از ترک وطالش ممزوج اند و شافعی مذهب» (۱)

درباره گرمرود مینویسد :

«گرمرود ولایتی‌است در و صد پاره دیه بود،..، مردمش سفید چهره وترک اخلاق‌اند (۲)

از نوشته‌های حمدالله مستوفی چند نکته مستفاد میشود :

اولاً ـ ترکان که تااین زمان چادرنشین ویا ده‌نشین بودند بداخل شهرهانیز راه یافتند .

ثانیاً ـ ترک وتاجیك از هم‌مشخص بوده وهرکدام بزبان خود سخن میگفتند

ثالثاً ـ بعضی شهرها چون خوی بکلی ترك شده بودند .

رابعاً ـ درمورد مراغه عنصرترك غلبه کرده و زبان فهلوی آذری ایشان را تغییر داده بترکی آمیخته بودند .

خامساً ـ مردم شهرهای ایرانی زبان آذربایجان مانند : تبریز ، اردبیل ، شاهرود (نزدیك طوالش) ، مشکین ، اهر ، دهخوارقان ، نخجوان ، که در آنروزگار هنوز زبانشان ترکی‌نشده بود شافعی‌مذهب بوده‌اند. برخلاف شهرهای ترك زبان مانند مراغه ولیلان ،که غالباً مذهب حنفی داشته‌اند .

سبب آن اینست: ترکانی که ازماوراءالنهروخراسان بداخل ایرانمهاجرت کرده‌بودند .مذهب مردم مشرق‌ایران راکه غالباً حنفی بوده‌است باخودآورده ، علاوه بر زبان ترکی ، مذهب حنفی را نیز بر مردم آذربایجان که اغلب شافعی مذهب بوده‌اند تحمیل کرده‌اند .

۱ـ ایضاً نزهةالقلوب‌ص ۹۶

۲ـ ایضاً ص ۹۹

باید دانست مغولان در زبان مردم ایران اثر قابل توجهی باقی نگذاشتند. درمغرب ایران تعداد کمی مغول خالص پیدا میشد که بسیاری از آنان درجنگها کشته شدند و بقیه هم بسرعت درگروه انبوه مردم ایران مستحیل گشتند. حتی ترکان ازبك آسیای وسطی که بعلت قرابت نژادی با مغولان بایران آمده بودند ازلهجه جغتایی خود درزبان مردم هیچ اثری نگذاشتند.

از حکایاتی که ابن بزّاز در صفوة الصفا درباره شیخ صفی الدین اردبیلی و کرامات او (درگذشته در ۷۳۵ ه) آورده، پیداست که در آن زمان ترك وتاجیك با هم بوده‌اند ابن بزاز مکرر در کتاب خود نام ترکانی را میبرد که پیش شیخ می‌آمده‌اند ویا شیخ بدیدن ایشان میرفته است. نیز نام بعضی از آبادیها چون: یلغوز آغاج، یوز آغاج، آقدام، دزلق، که اسم ترکی یافته بودند میبرد (۱)

پس از ایلخانان مغول آذربایجان میدان معرکه ایلکانیان وجلایریان گردید بعد بدست ترکان قراقویونلو و آق‌قویونلو افتاد. امیرتیمور گورگان نیز ایلات ترکی را در آذربایجان اسکان داد.

براثر رونق یافتن کار امرای ترك، ترکان از دهات به‌شهرها روی‌آوردندو زبان خود را در بلاد آذربایجان رواج دادند. مردم تاتی زبان آذربایجان هم برای اینکه درعرض تظم وشکایت خود از عدالت خوانین ترك برخوردار باشند بناچار زبان قوم غالب را فرا میگرفتند.

ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو که ازسال ۷۸۰ تا ۹۰۸ هجری در آذربایجان و ایران سلطنت کردند جمع کثیری ازطوایف ترکمان راکه بدست سلجوقیان ازایران بطرف ارمنستان وشمال عراق و آناطولی رانده شده بودند ودرآن نواحی بوضع ایلیاتی زندگانی میکردند مجدداً بایران برگردانیدند. این امرباعث انباشته‌شدن بیشتر آذربایجان ودیگر نواحی ایران بعناصر ترکمان گردید.

۱ـ رساله آذری کسروی ص ۲۲

ترکان در عصر صفوی

ضربت قاطع ونهایی را صفویه بزبان قدیم آذربایجان زدند زیرا اکثر عمدهٔ طرفداران شاه‌اسماعیل بنیان‌گذار آن سلسله را، ایلات ترک آسیای صغیروسوریه وارمنستان تشکیل میدادند. این قبایل ترک قبلاً براثر تبلیغات شیخ جنید جد شاه‌اسماعیل وسلطان حیدر پدر او، بنام صوفیان روملو یااسامی دیگر بخاندان صفویه مـذهب شیعه اثنی‌عشری گرویده بودند. چنانکه هفت‌هزار نفری که در اوایل سال ۹۰۵هجری درناحیه ارزنجان ارمنستان اول بارگرد شاه‌اسماعیل‌جمع آمدند ازطوایف مختلف ترکمان یعنی ایلات: شاملو، استاجلو، قاجار، تکلو، ذوالقدر و افشار بودند. چون هریك ازایشان از عهد سلطان‌حیدر (۸۶۰-۸۹۳) تاجی دوازده ترك از سقرلاط یعنی چوخای قرمز بنام تاج حیدری برسرداشتند باسم قزلباش یعنی سرخ‌کلاه معروف گردیدند. (۱)

بقول شاردن این ترکان گله‌بانان وشبانانی بودند که باگله‌های خود ییلاق وقشلاق میکردند، وبصورت قبایل دسته‌بندی شده ومطیع محض رؤسای مستقیم خود بودند وهیچگونه علاقه‌ای به‌سنن ملی ایران نداشتند.

باز شاردن مینویسدکه: «بوسیله همین اقوام است که زبان ترکی در قسمت شمال ایران وبویژه در دربارکه درآنجا از همه نقاط دیگر بیشتر ترکی صحبت میشود معمول وباب شده است».

سیاح آلمانی انگلبرت‌کمپفر Engelbert. Kampfer که درسال ۱۶۸۴میلادی بایران‌آمده مینویسد:

«لشکریان پادشاه اقوامی ترک زبان هستند که اززمان شاه‌اسماعیل خاندان صفویه را بسلطنت رسانیده‌اند. درهمه‌جای ایران این‌لشکریان ترك فراوانند».

چون مردم ایران غـالباً سنی مذهب بودند، شاه اسماعیل برای آنکه بر مخالفان خود غلبه کند ومذهب شیعه را درایران رواج دهد، جزاینکه براتباع

۱ــ مجله یادگارسال‌دوم‌شماره‌سوم «زبان‌ترکی‌درآذربایجان» بقلم‌مرحوم‌عباس‌اقبال آشتیانی.

شیعی و صوفی ترکمان خود تکیه کند چاره‌ای نداشت . بهمین جهت تمام اعتماد او بایشان بود ، بزبان ایشان سخن میگفت ، حتی دیوان اشعار خودرا که در آن خطائی تخلص میکرد بزبان ترکی سرود ، واز زمان سلطنت وی تا دورهٔ انقراض صفوی ترکی زبان معمول دربار بود(۱). علاوه براین قدیمترین سپاهیان صفوی یعنی افراد سوارهٔ ایلات که بایشان «قورچی» میگفتند بتوسط شاه اسماعیل از میان همین ترکمانان اختیارشدند. براثر نفوذ بسیارقورچیان وترکمانان قزلباشیه که تا مدتها زمام تمام کارهای لشکری و درباری صفویه دردست رؤسای ایشان بود زبان‌ترکی بتدریج در دربار سلاطین صفوی برفارسی غلبه پیداکرد، ودرآذربایجان هرجاکه این طایفه نفوذ وقدرت داشتند ، زبان ترکی یعنی همان لغتی که شاه اسماعیل برای مصالح مذهبی وسیاسی وسیلهٔ تبلغ قرار داده ویك‌مشت ترکمانان بدوی وبی‌تمدن را بایران کشانیده بود معمول گردید .

با تمام این احوال نباید تصور کرد که این عمل شاه اسماعیل و تعقیب این نقشه ازطرف جانشینان او، زبان‌فهلوی آذری را یکسره‌ازآذربایجان‌برانداخت.

چنانکه درفصل پیش گفتیم شواهدی دردست است که زبان فهلوی آذری تا عهد شاه عباس‌بزرك همچنان درمیان عامه واهالی‌معمول بود. حتی مردم تبریز دراوایل عهد شاه‌عباس، بشهادت رسالهٔ روحی انارجانی‌که ذکر آن درپیش‌گذشت، چه‌علما وقضاةوچه عوام‌الناس، واجلاف بازاری، چه افرادخانواده‌ها بهمین زبان تکلم میکردند . (۲)

در دورهٔ صفویه قبایل جوانشیرکه بنام **اتوزایکی جوانشیر** یعنی (قبایل سی و دوگانه جوانشیر) خوانده میشدند در قراباغ میزیستند .

گروهی ازقبایل خمسلی ، موصللو، قرخ‌لو، بیات، ازطرف پادشاهان‌صفوی دراطراف دربند قفقاز اسکان داده شدند .

۱ــ مینورسکی- سازمان اداری حکومت صفوی ص۲۳۹.

۲ــ مجله یادگار سال دوشماره سوم: زبان ترکی درآذربجان .

قبایل اسپرلو Esperlu دراطراف اردبیل و سراب، ودر آخیسکا Ahiska : قزاق‌ها ، و در شیروان عشایر آلپاوت Alpavut ، مسکن گزیدند درقرن شانزدهم میلادی تغییرات نژادی زیادی در آذربایجان روی دادکه درزمان ایلخانان‌وجود نداشت و قبایل ترک در همه‌جا تسلط یافتند و این وضـع چیزی جز تأثیر دورهٔ تیموریان و آق‌قویونلوها نبود .

تیموریان قبایلی را که مطیع‌ایشان نبودند وتمایل به‌جلایریان داشتند به اطراف راندند و بالنتیجه‌آنان به‌دیگر ترکمانان پیوستند. گروه بسیاری ازایشان بنام رئیس قبیله خود وجایی که قبلاً ساکن آنجا بودند خوانده شدند. امروز هم بصورت پراکنده بنام این قبایل برمیخوریم .

اینك به‌ذکر بعضی ازاین قبایل ومحل سکونت آنان می‌پردازیم :

نام‌قبایل ترك بقول کارل‌ریتر Karl Ritter عشایر ترك آذربایجان‌ازاینقرارند: آق‌قویونلوها و قراقویونلوها (در حدود خوی و ایروان) قریب ۸۰۰۰ خانوار ، استاجلو Ustajlu و سری‌چالو Serichalu وکارا–هوبانلو Kara - hubanlu ۸۰۰۰ خانوار ، جوانشیر در دوآذربایجان ۱۲۰۰۰ خانوار ، شاهسون در جوار اردبیل ۸۰۰۰ خانوار ، و در هشترود وگرمرود ومیانه ۵۰۰۰۰ خانوار، درمراغه و اطراف‌آن ترکمانان مقدم۵۰۰۰ خانوار ، درشمال رود ارس درحدود ارمنستان کنگرلوها ۵۰۰۰ خانوار ، درقراباغ : قراچورلوها ۱۲۰۰۰خـانوار ، دراطراف ایروان : شاهدلوها ۸۰۰۰ خانوار ، بیکدلی‌ها در جایهای مختلف ۳۰۰ خانوار، در خلخال سیدلوها ۵۰۰۰ خانوار ، دراطراف قـزوین اموارلی Emvarli ۵۰۰۰ خانوار ، بقول کارل‌ریتر اکثر ایلات مزبور تا اوایل قرن نوزده چادرنشین بوده و ازآن پس ده‌نشین شده‌اند .

آنهائیکه ده‌نشین شده و نام قبیله خود را نگهداشته‌اند از اینقرارند :

سولدوز Sulduz در اطراف اورمیه .

در قراباغ و مراغه سی و دو قبیله جوانشیرکه مدت درازی برآن نواحی

حکومت داشتند.

در اطراف ماکو: قراقویون، درمنطقه قزوین وسلطانیه شاهسون واینانلو درمغرب قزوین: افشارها، اینانلوها، درجنوب قزوین کورت بگلوها Kurt –Beglu درخمسه: چکنی Chekni درجنوب زنجان: یلماچ Yilmach وتیرپانلو Tirpanlu و اوصانلوی مقدم Usanlu Mukaddam و بیات و خدابنده‌لو.

غیر از این طوایف درجاهای مختلف: قراقویونلوها، آق قویونلوها، ایلخانلوها، قزل‌ایاغ، باش اوغوز Bashoguz، کارادولاق‌لو Karadulaklu، کارا-باباخلو، کالاچلو Kalachlu، قزل کچی‌لو Kizil-kechilu، کاراداغلو، اوصانلو، قرا چورلو، ایلبک لو Ilbeklu، چاریقلو، پورسونلو Pursunlu و دولو Develu نام برد. (۱)

شاه عباس اول، درآغاز سلطنت خودگروهی از ترکان موافق خود رامتشکل وعلیه مخالفان خود درمیان‌قزلباشها مجهز کرد وآنان‌را «شاهسون» یعنی‌دوستدار شاه نامید واز زمان‌آن پادشاه است‌که این عنوان‌درمیان طوایفی‌از ترکان ایران پیدا شده است.

باید دانست که طوایف شاهسون و قزلباش فقط در سه نام باهم وجه‌اشتراک داشتند وآن سه: تکلو، بیگدیو، اینانلو است.

تکلو - احتمالاً این طایفه با ترکمانهای «تکه» Tekeh در ماوراء خزر مربوط بوده وشاید از بقایای ایل تکه در پامفلیه ولاسیه باشند. از اواخر قرن نوزدهم نامی بنام تکیله Takileh درمیان شاهسونهای مغانی بنظرمیرسد که باتکلو بی‌ارتباط نباید باشند.

بیگدلو - طایفه‌ای از ترکان غز بودند که درقرن چهاردهم میلادی به-سوریه مهاجرت کرده ودر قرن هفدهم بهترین چراگاهها را در بین حلب و دیار

(1) A. zekivelidi Togan, Islâm Ansiklopedisi 2 - cilt, Istanbul, 1949, Azer Baycan p. 91–119.

بکر دراختیار داشتند. یك شاخه ازاین قوم باشاملوهای قزلباش بایران آمدند.

اینانلو ـ احتمالاً ایشان‌ازغزانی هستندکه رئیس آنان ابراهیم ینال‌برادر مادری طغرل‌اول سلجوقی بود. درزمان شاه عباس‌اول اینانلوها طایفه‌ای ازقبایل افشار بشمار میرفتند وجزو طوایف شاهسون درآمدند.

فهرست طوایف قزلباش

روملو ـ (منسوب به‌روم) این‌طایفه احتمالاً درسال ۱۴۰۴ میلادی از آناطولی به‌ایران آمده‌اند.

شاملو ـ دراوایل حمله مغول درسرزمین‌سوریه(شام) مستقرشدند وچنانکه گفتیم‌تیمور آنان را بایران‌کوچ داد.

استاجلو Ustajlu ـ بعقیده هینتس Hinz ممکن‌است این‌طایفه‌ازحوالی قارص آمده باشند.

قاجار ـ شاید از بازماندگان جلایریان مغول باشند.

قرامان‌لو ـ از منطقه قرامان درجنوب ترکیه‌آمده‌اند.

ذوالقدر ـ از جنوب دیار بکر مهاجرت کرده‌اند.

افشار ـ این ایل در اوایل صفویه درنزدیك دریاچه اورمیه و جنوب مراغه مستقر شدند.

بهارلو ـ طوایفی ازایل شاملوبودند واکنون درفارس وآذربایجان درحدود ۲۵۰۰ خانوار به‌این نام زندگی میکنند.

خلج ـ تا سال ۱۴۰۴ میلادی درنزدیك ساوه قومی‌باین نام زندگی میکردند

شقاقی ـ قبیله‌ای کرد بودند که بعدها ترك زبان شدند وآق‌قویونلوها آنان را درنواحی مغان و سراب اسکان دادند. (۱)

۱ـ ریچاردتایپر: شاهسون (قره‌قویونلوها ـ آق‌قویونلوها) ترجمه مجید و هرام، مجله بررسی‌های تاریخی سال سوم شماره ۵ و۶

فهرست ایلات ترك در عصر صفوی

کاملترین فهرستی که از ایلات ترك در آن عصر داده شده ، فهرستی است که دون‌ژوان ایرانی بدست داده است و در آن از سی‌دو خانوار وایل نام میبرد که حامی و پشتیبان صفویه بودند. مقایسه‌ای که دون‌ژوان از رؤسای آنان با مقامات اشرافی اسپانیا از قبیل دوك وکنت ومارکی کرده است از نظر عنوان ومقام ایلات و نسبت آنان بیکدیگر دارای اهمیت خاص است :

۱- استاجلو ، مهمترین ایلات

۲- شاملو

۳- افشار ، موکلان و اولیاء امور عدالت

٤- ترکمان ، فرماندهان نظامی که با خاندان سلطنت نسبت سببی دارند .

٥- بیات ، رئیس آن برابر با دوك‌ها است

٦- تکلو ، رئیس آن برابر با دوك‌ها است

۷- هرمندا Harmanda مارکی

۸- ذوالقدر ، دوك

۹- قاجار ، دوك

۱۰- قرمنلو ، دوك

۱۱- بیبورتلو	Bayburtlu	کنت
۱۲- اسپیرهلو	Ispyrrhlu	کنت
۱۳- ارياد	oryad	کنت
۱۴- چئوشلو	chaushlo	دوك
۱۵- آسایشلو (عالم آرا : آسایشلواغلی)		
۱٦- چمشگزك‌لو	chamihgzaku	کنت
۱۷- سروزولچلو	Sarozolachlo	کنت

۱۸ـ قره بجقلو، کنت

۱۹ـ برچلو Barachlu کنت

۲۰ـ قوینیوریلو، کنت

۲۱ـ قرغلو Girclu کنت

۲۲ـ بزچلو Bozchalu کنت

۲۳ـ اکبی ققولوئی‌لو Akbifaquluilu (عالم آرای عباسی: ماهی ققیهلو)، کنت

۲۴ـ حمزه‌لو، کنت

۲۵ـ سلچلو Solachlu (سلقلو؟) کنت

۲۶ـ محمودلو، کنت

۲۷ـ قره چماق‌لو، کنت

۲۸ـ قراقویونلو، کنت

۲۹ـ کوسه بیزلو Cossi Boyezlu دوك

۳۰ـ پیکلو Peyclu دوك

۳۱ـ اینازلو ynazlu (ایناللو؟) دوك

۳۲ـ کوه گیلو coheqilu دوك

سرجان ملکم در تاریخ خود ایلات هفتگانه بزرگ ترك قزلباش را چنین برمیشمارد: استاجلو، شاملو، تکلو، بهارلو، ذوالقدر، قاجار، افشار،

درجلد سوم کتاب منجم باشی (ص۱۸۲) ازهشت ایل نام‌برده شده‌که عبارتند از: استاجلو، شاملو، ورسق، ذوالقدر، افشار، قاجار،

نام طوایف اصلی فوق، یا ازاسامی طوایف‌قدیمی«غز» مأخوذند، یا ازاسامی امکنه گرفته شده‌اند که با پساوند ملکیت ترکی «لو» مشخص میگردید. معنی استاجلو، متابعین و متعلقان استاد کوچك است و محتملاً اصلاً در ناحیه قارس میزیسته‌اند.

لفظ ذوالقدر لغتی عربی است که جای لفظ ترکی ذوالقدیر Dulghadir را گرفته ، قسمت اعظم آن ایل در البستان (در شمال مرعش) سکنی داشتند .

ولی احتمال قوی آنست که طوایف کوچکی از آنان درسراسر ارمنستان پراکنده بودند در اواخر دوران صفویه و پس از آن ذوالقدر بتدریج در اطراف گنجه متمرکز شدند .

نام بهارلو بایستی با بلوك «بهار» در نزدیك همدان مربوط باشد که طبق نوشتهٔ نزهةالقلوب مرکز ومحل استقرار ترکمانان «ایوه» یلی از بیست وچهار ایل اصلی غز بوده است. محتمل است که ایل مزبور در اتحادیه قره‌قویونلوها عضویت داشته و در قلمرو آنان بوده است .

اسامی طوایف وایلات کم اهمیت‌تر بطورکلی از نام امکنه وهمچنین اسم رؤسای آنان (حمزه ، وآسایش اغلی) ، یا از بعضی اسامی مستعار، قره‌بجقلو(سیاه‌ـ رانان) و قره‌چماقلو(سیاه چماقان) اخذ شده است(۱).

در زمان شاه طهمسب اول صفوی، امراء برحسب ایل و قبیله‌ای که بدان منتسب بودند مشخص میگشتند. ایلات ترکمن که مقدم بر دیگران بودند عبارت بودنداز: شاملو، استاجلو، ترکمن، روملو، ذوالقدر، افشار، قاجار، تکلو،حنسلو. (این ایل با خینیس (خنوس) مقیم ارمنستان مربوط است و بایستی از ترکمانان باشد). براین نه ایل، ایل جغتای را که ظاهراً از قبایل ترك مغول یا خاندانی از آسیای مرکزی که غالباً بخراسان اطلاق میشود باید افزود (۲)

در عالم آرای عباسی دربارهٔ فهرست ایلات مشهور ترکمان ازاین ایلات یاد شده است .

۱ـ شاملو (شامل طوایف: بگدلو، عبدلو، عرب گرلو، نلقاز)

۲ـ استاجلو(شامل طوایف: کنگرلو، شرفلو)

۱ـ مینورسکی: سازمان اداری حکومت صفوی ص ۲۴۹-۲۵۲

۲ـ مینورسکی: سازمان اداری صفوی ص ۲۰

۳ـ ذوالقدر (شامل طوایف سوکلان وشمس‌الدین‌لو وحاجیلرلو و قرغلو)

٤ـ قاجار (شامل طایفه ایگرمی دُرت)

۵ـ افشار (شامل طوایف: اینانلو وآلپلو واصانلو)

٦ـ ترکمان (شامل طوایف: پرناك و اردكلو)

۷ـ ایسپیرلو

۸ـ روملو (شامل قویلار حصار)

۹ـ قاراداقلو

۱۰ـ بیات

۱۱ـ آلپائوت

۱۲ـ قزاقلو

۱۳ـ جاگیرلو

۱۴ـ بایبورتلو (۱)

نتیجه نفوذ قبایل ترك در عصر صفوی

چنانکه گفتیم در عصرصفوی کارها همه دردست ترکان بود و در دربارشان چه درتبریز وچه قزوین وچه اصفهان ترکی سخن‌گفته میشد ولقبها ونامهابیشتر ترکی بود. مانند : قرداش، یولداش، سرداش، عمواغلی، قاپوچی، ایشیك‌آغاسی، اسمعیل‌قلی، طهماسبقلی، شاهقلی، ایل بیکی ایلخانی، بیگلربیگی، خانلرخانی، قارنجه بیك ، قورخمس خان ، شیخ‌اغلی، حلواچی‌اغلی. دیگر اینکه در نتیجه اختلافات ایران و عثمانی آذربایجان و شهر تبریز چندین‌بارتوسط ترکان عثمانی اشغال شد یکی درسال ۹۲۰ پس ازشکست شاه اسماعیل درچالدران، و سه‌بار در عهد شاه طهماسب (درسالهای ۹۴۰ و۹۴۱ و۹۵۶) پس از آن درزمان شاه خدابنده که درسال ۹۹۳ بسرداری عثمان پاشا تبریزرا اشغال کردند ودولت صفوی براثر

۱ـ ایضاً مینورسکی ص۲۴

ضعف از ناچاری همه آذربایجان بجز اردبیل را بایشان واگذاشت. ترکان مدت بیست سال آن ایالت را در تحت تصرف خود داشتند تااینکه درسال ۱۰۱۲ شاه‌عباس آن ایالت رااز ایشان باز گرفت.

و نیز درفتنه افغان عثمانیان بازفرصت یافته وقسمتی‌از آذربایجان راتسخیر کردند تا نادرافشار برروی کارآمدوآنان را از آن سرزمین بیرون‌کرد. همه این لشکرکشی‌ها علاوه از خسارات مالی وجانی بزیان زبان فهلوی آذری تمام شد و بسیاری ازمردم تاجیك آن استان‌که اهل جنگ وگریز نبودند پایمال سم‌ستوران سپاه ترك شدند (۱)

تا پیش ازصفویه زبان رسمی ودرباری زبان پارسی بود حتی امرای ترك‌که درآن سرزمین حکومت داشتند غالباً دردربار خود بفارسی سخن میگفتند.همین رواج ادبی درباری زبان فارسی که لفظ قلم محسوب میشد به‌لهجه‌های فهلوی نیزکمك میکرد وضامن بقای آنها بود. از زمانیکه صفویه برسرکارآمدند برای راضی‌کردن قبابل حامی ترك خود بزبان ایشان سخن گفتند ولغت ترکی‌را زبان درباری وحتی تبلیغات مذهبی‌خودساختند، وشاعران ترکی‌گوی را به‌گفتن اشعار ترکی‌تشویق‌کرده شعرای پارسی‌زبان را جزدرگفتن مرائی‌برای‌ائمه دین ازچشم انداختند و شعرشان را بچیزی نخریدند.

قاجاریه نیزدرترویج زبان ترکی درآذربایجان سهم‌بسزایی داشتند، وزبان دربار ولیعهدهای آنان که همیشه درآذربایجان مقیم بودند ترکی بود. ازاین جهت زبان ترکی زبان اشرافی وطراز اول جلوه کرد وهمواره باب روز ومورد تقلید مردم آنروزگار بود. واین وضع تامقارن مشروطیت ایران دوام داشت(۲).

این علل باعث شدکه فهلویات آذری که تکلم کنندگان به‌آنها درهرجا به لهجه مخصوصی‌مغایر بالهجات دیگرسخن میگفتند وبایکدیگرارتباطی‌نداشتند،

۱ـ کسروی : رساله آذری ص ۲۷ـ۲۵

۲ـ دکترنوابی: زبان‌کنونی‌آذربایجان، نشریه دانشکده ادبیات تبریز دورهٔ پنجم شماره ۲

ومتکی به‌خط وکتابت هم نبود یکی پس‌از دیگری ازمیان برود وبا زبان غالب بیامیزد وجای خود را بزبانی دهدکه اززبان ترکی وغزی ولهجات فهلوی آذری ترکیب یافته وهنوز بنام ترکی آذری درآذربایجان متداول است.

اما لهجه‌های آذری بکلی از شهرها رخت بربست و در بعضی از نقاط دور دست درحال اضمحلال وانقراض باقی ماندکه برخی ازآنها هنوز بحیات ضعیف خود ادامه میدهد، وچند سالی نخواهد گذشت که این‌چند لهجه نیم‌مرده هم که اززبان قدیم فهلوی آذری مانده‌است از بین‌برود ومانند صدها لهجهٔ مردهٔ ایرانی بدست فراموشی سپرده شود. اکنون دیگرزمان احیای لهجات مرده آذری نیست بلکه وظیفه حتمی‌دولت وفریضهٔ ملی هردرس خوانده‌آذربایجانی‌است‌که بااشاعه آموزش همگانی درترویج وتعمیم زبان فارسی بکوشند وبیسوادی را از سراسر شهرها وقصبات ودهات‌آذربایجان ریشه‌کن کنند.

جمعیت شناسی ترك

زبانها ولهجات ترکی ازحیث تعداد بسیاراست وشامل چهل ویك طایفه و ۴۲۸هزار نفراست ایلات افشار وقاجار نیرومندترین این قبایلند هجوم قبایل ترك نوع ایرانی را تغییرداده است.

آذربایجانیان ایران و قفقازکه کم وبیش با ترکها مخلوط شده‌اند زیر گروه ایران و مدیترانه بشمار میروند. ترکها موی تاریك وانبوه دارند و سفید چهره و متمایل به‌زرد قهوه‌ای هستند قدشان متوسط است و تا بلندی یك‌متر و ۶۷ سانتیمتر میرسد.

آنان سری‌کوتاه وصورتی بیضی‌شکل وبینی‌راست ونسبتاً برجسته وچشمان مشکی غیرمغولی که غالباً حاشیه خارجی پلك‌ها تا شده‌است دارند.

استخوان گونه ایشان پهن و لبهایشان نسبتاً گلفت و هیکلشان متمایل به فربهی‌است (۱)

۱ــ هنری‌فیلد: مردمشناسی ایران ص ۷۵۲

زلوتارف در ۱۸۸۸میلادی تخمین زده که درایران قریب یك‌میلیون تاتار وجود دارد. ترکهای ایران شعبه‌ای از نـژاد ترکمن یا تاتار هستند. تاتارهای آذربایجانی اگرچه بزبان ترکی تکلم میکنند از هرحیث ایرانی میباشند. آنان مخلوطی هستند از ایرانیان خالص بارگه‌ای ازنژاد ترکمن یاتاتار(۱).

مردم آذربایجان قومی نیرومند و نسبتاً بلندقد، ودارای موی‌مشکی وچشم سیاه هستند که به‌لهجه ترکی‌آذری تکلم میکنند. میتوان گفت که‌آنان بیش از سایر اقوام ایرانی نوع خالص ومتحدالشکل خود را حفظ کرده‌اند.

خصوصیات نژادی‌آنان عبارت است از:

موی مجعد یا صاف، لب کلفت متوسط، دندان متوسط تا بزرگ، میانگین قد ۱۶۵/۶ تا۱۶۹، شاخص‌سر۷۶/۹ ، ۷۶/۰(۸۰/۶)، حداکثر قطرپیشانی ۱۰۶، عرض‌گونه‌ها ۱۳۹ ، عرض‌فکین ۱۰۴/۲. درجدول دیگر شاخص‌سر ۷۸/۱ داده شده‌است. درقرن هفدهم ایرانیان دومیلیون نفرآذربایجانی داخل قفقازکرده و بدانجا مهاجرت داده‌اند کـه از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکیها می‌باشند (۲).

آثار ترکی آذری

ازآثار ترکی‌آذری پیش از صفویه جز یکی دوقطعه شعر دردست نیست. بعضی از طرفداران غلوکننده زبـان وادبیات ترکی، داستانی را بنام دده قورقود بزبان ترکی‌آذری نسبت داده‌اندکه دلیلی جز تعصب قومی دردست ندارند.

داستان دده قورقود

یگانه نسخهٔ خطی قدیم این کتاب درکتابخانه سلطنتی‌آلمان بودکه برای نخستین‌بار فلیشر fleischer دانشمندآلمانی، هنگام تنظیم کاتالوگ کتابخانه مزبور باین‌کتاب برخورد. چون پشت صفحه اول این‌کتاب نوشته شده بود که‌این

۱ـ ایضاً هنری‌فیلد ص ۷۴۴

۲ـ ایضاً هنری‌فیلد ص ۷۱۳-۷۱۴

نسخه درقرن دهم هجری به‌کتابخانه احمدپاشا وارد شده‌است ، از اینرو فلیشر آنرا جزو آثار قرن شانزدهم میلادی به‌ثبت رسانید .

دراوایل قرن نوزده دیتس Diz دانشمند و زبانشناس آلمانی یك‌نسخه از این کتاب استنساخ کرد ودر آن به‌تحقیق پرداخت وداستان کشته شدن «دپه‌کوز بدست بساط» (بساط دپه‌کوزی اولدردکی) را به‌آلمانی ترجمه نموده بچاپ رسانید .

پس از دیتس دانشمند بزرگ آلمانی نلدکه Nöldeke درسال ۱۸۵۹ تمام نسخه دده قورقود را از نو خوانده بآلمانی ترجمه کرد، ولی چون قسمت‌بسیاری از آنرا نتوانست درست بخواند وبفهمد از انتشارآن خودداری نمود. بعد ازوی دانشمند شهیرروسی، بارتولد BartOld بااستفاده ازتحقیقات ویادداشتهای‌نلدکه دنبالۀ کار اورا گرفت ودر سال ۱۸۹۴ دربارۀ این کتاب مقاله‌ای منتشر نمود و قسمتهایی از آن را نیز بروسی ترجمه کرد .

در اوائل قرن بیستم «انجمن تدقیق آثار اسلامی و ملی استانبول » درصدد انتشار این کتاب برآمد و (معلم رفعت) یکی از دانشمندان ترکیه زحمت این کاررا بعهده گرفت ونسخه عکس آنرا با بعضی ازحواشی وشروح در۱۹۱۵ بچاپ رسانید این کتاب باکاغذ اعلی وخط خوانا بقطع ۱۷×۲۵ و دارای ۱۸۶ صفحه می‌باشد .

برروی صفحه نخستین آن‌عبارت«کتاب دده‌قورقود علی‌لسان‌طایفه‌اوغوزان» یعنی. «کتاب دده قورقود بزبان طایفه غز» نوشته شده‌است .

درصفحه سه مقدمه‌ای داردکه چنین‌آغاز میگردد. «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم رسول علیه‌السلام زمانه یقین بیات‌بریندن (بویندن) قورقوت آتادیرلر برار قوپدی، اوغوزون اول‌کیشی تمام بیلجسیدی، نه دیرسه‌اولردی، غایبدن درلوخبر سویلردی، حق‌تعالی انك‌کوکلنه الهام ایدردی» یعنی:

بنام خداوند بخشنده مهربان، نزدیك رسول علیه السلام مردی بنام باباقورقوت برخاست آنمرد داناتر ازهمه غزها بود، هرچیزیکه میگفت میشد، غیبگوئی های درستی میکرد حقتعالی به‌قلب اوالهام مینمود.»

مقدمه کتاب بااین عبارت خاتمه می‌یابد:

«قورقوت ارغوزقومنك مشکلنی حل ایدردی» هرنه‌ایش اولسه قورقوت آتایه طانشمینجه ایشلمزلردی، هرنه که بیورسه قبول ایدرلردی سوزین طوتب تمام ایدرلردی، یعنی:

«باباباقورقوت مشکل قوم غزراحل میکرد بدون مشورت بابا باقورقوت بکاری اقدام نمی کردندهرچه‌میفرمودمی‌پذیرفتندوبدستورش عمل کرد» بپایان میرسانیدند.

پس ازاین مقدمه چهارمقاله حکیمانه: (دده‌قور قودك حکیمانه دورت مقاله‌سی) متضمن پند واندرز آمده‌است. آنگاه یك مقاله‌درباره تقسیم انواع زن برچهاردسته: «اوزان طرفندن قادینلرك دورت‌قسمه تقسیمی» ازقول دده‌قورقوت ذکرشده‌است.

سپس دوازده داستان جداگانه از صحنه‌های مختلف زندگی طایفه غز بخصوص نمونه‌هایی ازقهرمانی امیران وبیك‌زادگان آنان نقل شده ومتن آخرین داستان «ایچ‌اوغوزه» «طاش‌اوغوزون عاصی‌اولمسی حکایه‌سی» یعنی، داستان‌عاصی شدن غزهای بیرونی برغزهای درونی» درصفحه ۱۷۲ کتاب بپایان میرسد.

این کتاب چنانکه درمتن آن مکرر یاد شده مربوط به‌طایفه غزهاست‌یعنی همان غزهایی که در اواخر قرن چهارم واوایل قرن پنجم هجری به‌آذربایجان مهاجرت کردند وبعد در آنجا اقامت گزیدند. (۱)

اما معلوم نیست این داستان مربوط به‌پیش از مهاجرت ایشان است یا پس از آن ممکن است این قصه از حماسه‌ها وداستانهای قدیمی آن قوم بوده که سینه به سینه حفظ‌کرده ودر آذربایجان آنرا برشته تحریر درآورده باشند. (۲)

۱ـ عبدالعلی کارنگ، تاتی و هرزنی ص ۱۸ـ۲۱

۲ـ رجوع کنید ایضاً به آخرین چاپ این کتاب:

Dr. Muharrem Bergin, Dedekorkut Kitabli, Ankara, 1958.

بنابراین هیچگونه ارتباطی بزبان پیشین آذربایجان نمیتواند داشته باشد، بلکه مربوط به‌ادبیات قدیم ترکی است.

جعفراغلو از نویسندگان ترك دائرالمعارف جدید اسلامی معتقد نیست که این کتاب از قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) باشد، بلکه بر آنست که‌آن را بطور قاطع به‌قبل از قرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری) نمیتوان نسبت داد(۱)

عزّالدین پورحسن

ظاهراً نخستین شاعری که درایران بزبانی نزدیك به‌لهجه ترکی‌آذری، شعر سروده شیخ عزالدین پورحسن اسفراینی درگذشته درسال ۶۵۸ هجری معاصر شیخ اجلّ سعدی شیرازی است. دولتشاه سمرقندی درتذکره خود درباره وی چنین مینویسد: «مرد عارف وموحد بوده ومرید شیخ جمال‌الدین ذاکراست اما در شاعری نیزمکمّل بوده واشعار ترکی وفارسی نیکو میگوید، ودرترکی حسن‌اوغلی تخلص میکند، ودیوان او درآذربایجان وروم (ترکیه حالیه)شهرتی عظیم دارد.» (۲)

مطلع یکی از غزلیات او بترکی این بیت است:

آییردی کوکلومی بیرخوش قمریوز جانفراد لبر

نه دلبر، دلبرشاهد، نه شاهد، شاهد سرور (۳)

از بیان دولتشاه چنین برمی‌آید که اولاً عزالدین اسفراینی، اهل‌خراسان واسفراین بوده وآذربایجانی نیست. بنابراین شعر اورا جزءِ ادبیات ترکی‌آذری نمیتوان به‌حساب‌آورد.

ثانیاً ـ دولتشاه مینویسدکه دیوان او درآذربایجان و روم شهرتی عظیم دارد

---

۱ ـ جعفراوعلو: دائرةالمعارف اسلام طبع دوم ماده «آذری»

۲ـ تذکرةالشعرای دولتشاه، طبع تهران (تصحیح محمد عباسی) ص ۲۴۴ـ۲۴۶

۳ـ عبدالعلی کارنگ؛ تاتی و هرزنی ص ۲۲

چون دولتشاه تذکره خود را در سال ۸۹۶ هجری نوشته، معلوم میشود که در دوقرن بعد از وفات شاعر مذکور یعنی دراواخر قرن نهم اگرچه ترکی هنوز درآذربایجان رواج عام نداشته ولی گروه بسیاری درآن سرزمین زبـان ترکی را می‌فهمیده وازاشعار ترکی لذت میبرده‌اند.

دده عمر- درهمین زمان‌است‌که دده عمرالایدینی مشهورومتخلص به‌روشنی از اهل شهر بروسه (بورسا، درمغرب آسیای صغیر) که از عرفا و اقطاب صوفیه بود به تبریزآمد و نزیل‌آن شهر شد ومورد حمایت و ارادت سلطان یعقوب‌آق قویونلو قرارگرفت ودرهمان‌شهر درسال ۸۹۲ هجری درگذشت. صوفیه‌روشنیان درمصر وممالك عثمانی باو منسوبند. کربلائی در روضات‌الجنان مینویسد:

«حضرت دده شعرمی‌گفته بیشتر بزبان ترکی وروشنی تخلص میکرده» سپس غزلی به‌ترکی از وی نقل کرده که بیت‌آخرآن اینست:

بو روشنی ننك تیره دلن کونکلی چراغن

روشن‌ایدین کونکلی گورین ایله‌بن اویاغ

یعنی: چراغ قلب تیره این روشنی را روشن وپرنور فرموده چشم دلش‌را بیدار وآگاه ساز.

این‌عارف ترك‌زبان که ازترکان‌آسیای صغیر بود، غالباً بترکی شعرمیگفته وظاهراً اشعار اورا قبایل‌ترکی‌که درآذربایجان مسکن‌گزیده بودند می‌فهمیده‌اند درعین حال خـود وی با مردم تبریز بفارسی سخن میگفته و اهل خانه وی نیز به‌فارسی سخن میگفتند، چنانکه کربلائی روایت کرده‌که: وقتی اهل خانه او از کنیزی که خدمتکار خانه وی بوده شکایت کردند. دده عمر خواست او را ادب فرماید، کنیز پای برهنه از پیش او بگریخت وچون باران باریده بود پاهایش گل‌آلوده گشته از غایت اضطراب فریاد برآورد که «بیکسم و درمانده» وگریه

براوغالب گشت حضرت دده از غایت رحم برپای گل آلود کنیز افتاده بعذرخواهی درآمدکه مرا به‌حل‌ساز وهمان لحظه اورا آزاد کرد.(۱)

دیگر **سید عمادالدین نسیمی حروفی** شاگرد وجانشین فضل‌الله استرآبادی است که‌گاهی حسینی تخلص میکرده است. وپس ازفرار به‌آناطولی برای‌تبلیغ بکتاشیهای ترك بمذهب حروفی‌اشعاری بزبان‌ترکی‌گفته است. وی معاصرشاهرخ تیموری (۸۰۷_۸۵۰) بوده ودیوان او مشتمل بر اشعار فارسی وترکی است.مستر گیب اورا اولین شاعر بزبان ترکی غربی شمرده است.

رابطه مذهبی اورا با فضل‌الله استرابادی حروفی از بعضی از اشعار وی از جمله این شعر میتوان استنباط‌کرد: (۲)

علم حکمتدن بلور سگك‌گل بروگل ای حکیم

سن نسیمی منطقندن د گله فضل‌الله گور

دیگر **حبیبی** : ازقصبه برگشاد (درگوی چای)آذربایجان ، اول درخدمت سلطان یعقوب‌آق قویونلو بود وآخر بخدمت شاه اسماعیل صفوی رسید و او را منصب ملك‌الشعرائی داد وی درعهد سلطان بایزیدخان ثانی به‌کشورعثمانی رفت ودرعصرسلطان سلیم‌خان در(۹۲۶_۹۱۸) درگذشت.

این شعر بنا به‌تحفه سامی ازاوست :

سندن اوزکه یاریم‌اولسه‌ای پریوش سیمتن

کوروم اولسون او قبا آکنمده پیراهن کفن

۱ـ روضات‌الجنان کربلائی ص۴۷۲_۴۷۶ وص۶۰۱_۶۰۲

۲ـ از سعدی تا جامی (طبع دوم) ص ۵۱۳_۵۱۴

چخمیا سودای زلفونك ایمه کریوز ایل

استخوان کلم ایجره توته عقر بلروطن(۱)

خطائی ـ این خطائی معاصر پادشاهان آق قویونلو بوده ویوسف وزلیخائی بترکی بنام سلطان یعقوب (۸۸۳ـ۸۹۶ هـ) به‌رشته نظم کشیده که با این بیت آغاز میشود :

ابتدا قیلدم بنام اول کریم ای که بسم‌الله الرحمن الرحیم

ظاهراً این همان خطائی است که بقول فون‌هامر Von Hammer (در تاریخ شعرای عثمانی (ج۲ ص۱۸) در۹۳۶هـ درگذشته است(۲)

خطائی دیگر، وی همان شاه اسماعیل بن سلطان حیدر صفوی (متولد در ۸۹۲) هجری است که بخاطر ایلات هواخواه ترك خود بترکی سخن میگفت و به‌ترکی نیز شعر میسرود ودراشعار ترکی خود غالباً خطایی تخلص میکرد.

این بیت مطلع یکی ازغزلیات اوست :

ای جمالینك آیتی عنوان دیوان قدیم

قاشلا رینك طغرای بسم‌الله الرحمن الرحیم

از اشعار فارسی او این دو بیت است :

دل کشته آن موی که برروی تو افتد جان کشته آن چین که بر ابروی توافتد

بی‌خوابم از آن خواب که درچشم تو بینم بیتابم از آن تاب که بر موی توافتد(۳)

مسأله‌ای که قابل توجه است آنست که مکتوباتی که دراین عصر بین سلطان

۱ـ دانشمندان آذربایجان ص۱۱۲

۲ـ دانشمندان آذربایجان ص۱۳۷ ؛ دائرة المعارف اسلامی (ترجمه عربی) ج۸ ص۳۶۷

۳ـ دانشمندان آذربایجان ص۱۳۶ ؛ روضة السلاطین ص۶۸

یعقوب و دیگر سلاطین آق قویونلو، و شاه اسماعیل و پادشاهان عثمانی رد و بدل شده جز یکی دو نامه بعربی و یکی دو نامه به ترکی که از طرف سلطان سلیم ارسال شده بقیه مکتوبات ترکان و ایرانیان بفارسی است، و حتی سلطان سلیم پادشاه ترک عثمانی بفارسی شعر میسروده درحالیکه رقیب او شاه اسماعیل به ترکی شعر میگفته و خطائی تخلص میکرده است. (۱)

اززمان صفویه سرودن اشعار ترکی در آذربایجان و دیگر نقاط ایران معمول گردید.

از شعرای قرن دهم و یازدهم و دوازدهم هجری در آذربایجان و اران که بترکی شعر گفته‌اند میتوان مسیحی (۲)، صائب تبریزی (۳)، قوسی (۴)، آقا مسیح شیروانی (۵)، نشاط (۶)، ودادی، واقف، رانام برد، که سرآمد ایشان درقدرت شاعری قوسی و مسیحی هستند. و دادی شاعری غنائی و شاعر همعصر او ملا پناه واقف (۱۷۹۷-۱۸۱۷م) مؤسس مکتب جدید شعر بترکی آذری است (۷)

زبان مردم تبریز درعهد شاه صفی- اولیا چلبی که درسال ۱۰۵۰ هجری در

۱- تاریخ ادبیات ایران ازادوارد براون ج۴ (ترجمهٔ رشید یاسمی) ص۵۳-۵۵ وص۵۹-۶۰؛ دائرةالمعارف اسلامی (ترجمه عربی ج۸ ص۳۶۶

۲- از شعرای عیسوی تبریز درقرن دهم، دانشمندان آذربایجان ص۳۴۳

۳- ازشعرای آذربایجان درقرن یازدهم که بفارسی وترکی شعر میگفته است ودر۱۰۸۱ه در شهر اصفهان وفات یافته است (دانشمندان ص۲۱۷-۲۲۶)

۴- بفارسی وترکی شعرمیگفت واهل تبریز بود. (دانشمندان ص۳۱۰)

۵- گویا ازمعاصرین شاه‌طهماسب بود بفارسی وترکی شعر میگفت (دانشمندان ص۳۴۳)

۶- از سخنوران فارسی وترکی گوی درقرن دوازدهم هجری ازاهل شیروان بود (دانشمندان ص۳۷۵)

۷- دائرةالمعارف اسلامی (طبع فرانسوی) مقاله جعفراوغلو تحت عنوان آذری -ج۱ رساله (۴)

زمان شاه‌صفی تبریز را دیده در سیاحت‌نامه خود در باره زبان مردم تبریز چنین مینویسد: ارباب معارف در تبریز فارسی تکلم میکنند. لیکن دیگران لهجه‌های مخصوصی دارند که چند جمله برای نمونه نوشته میشود:

هله تانم مشم: هنوز ندیده‌ام

منهمچون خاطر مانده اولوبدور: از من همچنان رنجیده‌خاطر شده

دارجنمشم: دلتنگ شده‌ام

پارونجشم: دشمن شده‌ام(۱)

از این امثله که اولیا چلبی آورده معلوم میشود که هنوز زبان ترکی کاملا در آذربایجان رواج نداشته و کلمات آذری با روابط ترکی بکار میرفته است.

مشخصات ترکی آذری ـ ژاك دمرگان مینویسد:

«زبان آذربایجانی با ترکی عثمانی تفاوتهای بزرگی در تلفظ دارد اما اصول قوانین دستوری هردو یکی است. در حالیکه در تکلم ترکی عثمانی حرفهای غ، ع، ح، خ ه، بزحمت حس میشود، برعکس در آذربایجان این حروف سخت‌ترین اصوات را دارند.

افعالی که در ترکی عثمانی درمصدر به «ق» یا «ك» ختم‌میشوند در آذربایجانی به «خ» یا «غ» تبدیل میشوند.

ترکی آذربایجانی حد فاصل بین لهجه ترکمن و زبان ادبی عثمانی است.

دستورزبان ترکی آذربایجانی خیلی ساده‌تر ازدستورزبان ترکی‌عثمانی‌است درحالیکه لغات ایرانی در ترکی آذربایجانی بسیار یافت میشود لغات عربی در آن کمتر از زبان ترکی عثمانی است.»(۲) اینك به‌مشخصات آن زبان می‌پردازیم:

۱ـ این زبان آمیخته‌ای از کلمات آذری، فارسی عربی و ترکی است.

۱ـ سیاحتنامه اولیاچلبی (قسمت آذربایجان و تبریز) ص۱۹ـ۲۰

۲ ـ هیئت علمی فرانسه درایران ج۱ ص۳۷۱

۲ـ لغات ترکی از بیست تا سی‌درصد لغات آنرا تشکیل میدهد و بیشتر آنها شامل افعال و روابط میشود .

۳ـ کلمات عربی‌که درزبان عامیانه فارسی بکارمیرود همه دراین‌زبان‌معمول وقابل استعمال است .

۴ـ بکاربردن‌کلمات وترکیبات فارسی وعربی معمول درزبان فارسی در این زبان حد معینی ندارد، وهمه‌جا بسته بمیزان سواد وسطح فرهنگ متکلمان‌باین زبان است . این ترکیبات وکلمات بیشتر درزبان بازرگانان و مردم شهرها و اهل علم و سواد یافت میشود .

۵ـ لغت‌ها واصطلاحات دیوانی‌همانهایی‌است‌که‌درزبان‌فارسی‌نیزمعمول‌است.

۶ـ بسیاری از لغات عامیانه فارسی واین زبان یکی است .

اینها یا لغات مشترك میان زبان فارسی وآذری بوده و یا مستقیماً از زبان فارسی‌گرفته شده است .

۷ـ پاره‌ای از لغتهاکه در زبان فارسی جزءکلمات ادبی است وموردِاستعمال بین مردم عامی نیست در این زبان میان عامه رواج دارد ، و این خـود استعمال آنها را در زبان‌آذری بعنوان‌کلمات عادی و روزانه میرساند . بکاررفتن بسیاری ازآنها در لهجه تاتی و هرزنی نیز این نظر را تأیید میکند .

مانند «باها» (بها) «تالواسا» (تلواسه ، بمعنی اندوه واضطراب)

۸ ـ برخی ازکلمات با آنکه از لغات ایرانی بشمارمیرود ولی برابری در فارسی ندارد وآنرا میتوان ازبقایای زبان فهلوی‌آذری دانست .

۹ـ لغتهایی نیز یافت میشود که ریشه‌آنها روشن نیست ولی نمیتوان آنها را از لغات ترکی بشمارآورد .

۱۰ـ آذربایجانیان درسخن‌گفتن تلفظ خاصی دارند که هم ترکی‌آنانرا بین

ترك زبانان وهم فارسیشان‌را درمیان فارسی‌گویان مشخص میسازد. این‌طرز تلفظ و ادای مخارج مخصوص که برای پاره‌ای از حروف دارند همه عیناً در تاتی و هرزنی که بقایای آذری قدیم است موجود است، از اینرو میتوانیم بگوئیم این طرز تلفظ از زبان فهلوی‌آذری بزبان کنونی منتقل شده‌است، وباآنکه به‌ترکی سخن میگویند تلفظ قدیم ایرانی خودرا حفظ کرده‌اند.(۱)

آقای دکتر ماهیار نوابی در دنباله مقاله خود در نشریه دانشکده ادبیات تبریز که درباره زبان‌کنونی‌آذربایجان نوشته‌برای اولین‌بار چندصد لغت فهلوی آذری وفارسی را از لابلای زبان ترکی‌آذربایجانی بیرون‌کشیده وبراساس قواعد زبانشناسی ایرانی‌بودن‌آنهارا ثابت‌کرده است(۲). سپس‌آقای استاد ادیب‌طوسی که دارای‌تحقیقاتی ممتع درلهجه‌های آذربایجان‌است تحت عنوان «نمونه‌ای‌چند ازلغت‌آذری» لغت‌نامه نسبتاً مفصلی ازکلمات موجودآذری در لهجه‌ها و در زبان ترکی، که قریب دوهزارکلمه درلهجه‌های‌آذری وزبان ترکی‌آذربایجانی میشود روی هم پیدا کرده است.

آقای ادیب طوسی لغات موجودآذری را بر سه دسته تقسیم کرده است.

دسته اول ــ اسامی قراء و قصبات وشهرها و امکنه‌آذربایجان است که از قدیم باقی‌مانده وهشتاد درصدآنها مأخوذ اززبان متروك‌آذری فهلوی‌است‌وشمار آنها به ۱۰۷۷کلمه میرسد.

دسته دوم ــ کلماتی‌اززبان‌آذری‌که‌درضمن محاوره فعلی‌مردم‌آذربایجان در تداول ترکی بصورت قدیمی خود باقی مانده‌است وشماره‌آنهابه‌۳۶۴کلمه میرسد.

۱ــ دکتر ماهیار نوابی : زبان‌کنونی آذربایجان نشریه دانشکده ادبیات تبریز دوره پنجم شماره ۲ سال ۱۳۳۲ شمسی

۲ــ نشریه دانشکده ادبیات تبریز دوره پنجم سال ۱۳۳۳ شمسی تحت عنوان «زبان‌کنونی آذربایجان»

دسته سوم ـ آثار مکتوب زبان فهلوی آذری که در فرهنگها و سفینه‌ها و کتابها بصورت لغت یا ترانه و عبارتی بجای مانده است و شمار آنها به ۴۶۷ لغت میرسد(۱).

بعضی از اختصاصات ترکی آذری ـ بنا بر تحقیقات اخیر رادلف، ساموئیلوویچ Samoilovich و Radloff زبان ترکی آذری از گروه زبانهای ترکی جنوبی بشمار میرود وبا ترکی آناطولی، و ترکمنستان، و شبه‌جزیره بالکان، و سواحل کریمه در یك گروه قرارمیگیرد. مهم‌ترین لهجه‌های مشابه آذری که به‌این‌گروه مربوط است ازاین قرارمیباشد:

۱ـ باکو و شیروان

۲ـ گنجه و قراباغ

۳ـ تبریز

۴ـ اورمیه

بعضی از اختصاصات دستوری‌آن ازقرار ذیل است:

۱ـ در زبان‌آذری دو نوع «E» وجود دارد یکی باز دیگری بسته. اولی فتحه‌های عربی وفارسی را تبدیل به‌کسره میکند مانند: فقط، وطن که: feget، و veten تلفظ میشود (در تبریز فقط ووطن با فتح اول و دوم تلفظ شود) همچنین اگراین‌حرف فتحه‌دار درعربی«عین» باشد بازبکسره تبدیل‌گردد مانند. عطر، علی، معدن، یعنی، که در ترکی آذری etir، eli، méden، و Yéni تلفظ شود (درتبریز به‌فتح تلفظ‌گردد)

۲ ـ دیفتونگ av، ev در ترکی عثمانی، درآذری تبدیل به ō شود مانند pilav (پلو) و devlet (دولت) که درآذری تبدیل به pilo و döylat شود.

۱ـ نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال هشتم شماره ۴، وسال نهم شماره ۲و۳و۴

۳ـ حرف «ق» عربی غالباً به «گ» و «ق و گ» بدل گردد مانند . حقیقت که: hegigat (در تبریز hagigat) وعقیده : egide ، بقال baqgal وسقا Saqga .

۴ـ ق ، ترکی عثمانی ، در آذری گاهی تبدیل به «خ» گردد مانند باقماق : باخماخ ، چخماق : چخماخ .

۵ـ درلهجهٔ آذری قراباغ وگنجه گاهی «ك» وسط و آخر تبدیل به «خ» شود مانند بؤیوخ Böyux درایران بیوك (باتخفیف کاف) چکمك : چخمخ .

۶ـ ی (y) ابتدا درترکی عثمانی ، در آذری حذف گردد مانند yil (سال) : il ، yuz : üz : (صورت) .

۷ـ گاهی «ت» و، «د» بدون قاعدهٔ کلی درزبان ترکی عثمانی و آذری بیکدیگر تبدیل شوند مانند: dut (توت)، düshmek (افتادن)، tartmak (آسیاکردن، وزن کردن) که درزبان آذری : tut ، Tushmek، dartmax شده است.

۸ـ درکلمات غیرترکی تای آخرکلمه بعد از «خ» ، یا «س» غالباً می‌افتد ، مانند وقت : vax آبدست : evdes (درتبریز abdas)، دوست: dos . اما هنگامیکه بعد از آن حرف صدادار باشد باقی‌می‌ماند مانند : vaxtim ، abdaste و dosta.

۹ـ بای ابتداکه بعد از آن «ن» باشد غالباً به«م» بدل شود مانند. بن ben ، بونجوك Bonjuk که در آذری: man (من) و munjux (مونجوق) یعنی خرمهره میشود. باستثنای : boynuz (شاخ) و bende (بنده). که درترکی آذری buynuz (شاخ) و bandeh (بنده) گویند .

۱۰ـ نون خیشومی در بسیاری ازلهجات باقی مانده مانند : Donuz (در تبریزی: دوغوز، یعنی خوك)، mana: بمن(عثمانی bana). اما اگر بعدازآن حرف صداداری باشد می‌افتد مانند: mâna(عثمانی bana) ، (gôul) kòul : قلب (عثمانی gonul (عثمانی gonul) ، Gozua (عثمانی Gozune) (به‌چشمش)، درلهجه باکوو

ایران این «ن» تبدیل به واو (W) شود.

مانند : Evüwe (عمانی Evinin) یعنی خانه ات.

۱۱ـ حرف «ر» غالباً در لهجه آذری ایران در دوم شخص مفرد و جمع و سوم شخص فعل حذف شود :

مانند Dir dir که حرف «ر» را از دست داده didi (گفته) میشود.

۱۲ـ در بعضی از لهجات ترکی آذری حرف «ر» تبدیل به «یا» شود، مانند : مراغه : میاغه ، روانه : یوانه.

۱۳ـ حرف «را» در بعضی از کلمات مأخوذ از فارسی تبدیل، به «ل» شود. مانند. خنجر، انجیر، ضرر، که در ترکی آذری: Xanchal و injil و Zaral میشود.

۱۴ـ واو و یای معروف فارسی غالباً در آذری به واو و یای مجهول بدل شود مانند : دوست ، شور ، کور ، زور، ودیو، بیل، که در آذری : Dost ، Shor و Kor و Zor ، Dêv و bêl میشود (۱).

دستور زبان ترکی آذری ـ1 زبان ترکی آذربایجانی از لحاظ فونتیک دارای نه صدا بقرار ذیل است :

۱ـ آ A مانند : آچار (کلید)، آختار (جستجوکن).

۲ـ اَ a مانند : اَل al (دست) اَك ak (بکار).

۳ـ اِ é مانند : وِر Ver (بده) سِل Sel (سیل).

۴ـ اُ o ، مانند: اُد od (آتش) (در تبریز ot).

۵ـ ئو (مانند e فرانسه) مانند: eli (اُلی) (مرده).

۶ـ او u کوتاه) مانند : دوز duz (نمك).

۷ـ او (ü کشیده) مانند ü در آلمانی : دوز düz (راست).

۱ـ مقاله جعفر اوغلو A. Cafer Oglu در دائرة المعارف جدید اسلامی (طبع فرانسوی) ج ۱ رسالهٔ ۴ ص ۱۰۷ـ۲۰۰ تحت عنوان «آذری».

۸- اِی (کوتاه i) مانند : قیش qish (زمستان) .

۹- اِی (کشیده î) مانند: بیر bîr . یك

2- بین حروف زبان ترکی آذری هماهنگی موجوداست بطوریکه اگرکلمه‌ای باحروف ثقیل آغازشده باشد به‌حروف ثقیل نیزانجام می‌پذیرد ویا بالعکس اگر بحرف خفیف آغازگردیده باشد، به‌حرف خفیف نیزتمام میشود .

حروف ثقیل‌مانند : آدام ـ آداملار (آدم ـ آدمها) .

حروف خفیف مانند، ئوردَك ـ ئوردَك لَر(اردك ـ اردکها) .

3ـ علامت جمع لار lâr و لَر lar است بنا برقاعدهٔ فوق اگرآخرین حرف با صدای اسم آ â و اُ o واو u واو ü باشد علامت جمع «لار» است .

مانند: آدام (آدم)،: آداملار(آدمها) ، آت (اسب) :

آت‌لار (اسبها) . یول yol (راه) : یول لار (راهها) .

دوز duz (نمك) : دوز لار (نمکها) .

سو(آب) : سولار Sulâr آبها .

اگرآخرین‌حرف باصدای‌اسم . اَ â و اِ é وئو e وای i (خواه‌کوتاه وخواه بلند) باشد ، علامت جمع lar لَرآورده شود مانند :

سبت sabat (سبد): سبت لر (sabatlar) ، سبدها ، یل yel: یل‌لر(بادها) .

گُز gez (geuz) چشم.گزلر (چشم‌ها) gezlar ، گج (گژ) gej . گج لر gejlar (گیجها)،درتبریزبجای‌گچ وگژ(گیج وگیژ) میگویند که جمعش‌میشود:(گیژلر).

4ـ اسم درترکی‌آذری شش‌حالت دارد و بمقتضای حالات مختلف درحرف آخرآن تغییرپیداگردد :

۱ـ حالت فاعلی Nominative دراین‌حالت حرف آخراسم ساکن‌است مانند: احمدگلدی (احمدآمد) . آچارسیندی (کلید شکست) .

۲ـ حالت مفعول به ACcusative-e در این حالت آخر اسم صدای (ای «i») میدهد مانند :

احمدی و وُردیلار : (احمد را زدند) ، بوشقابلاری سیندیردیلار (بشقابها را شکستند) ، سن کتابی آلدین (تو کتاب را خریدی) .

۳ ـ حالت مفعول الیه dative که حرف آخر اسم صدای فتحه A میدهد مانند. مهمانخانَیه چوخ یول قالیر (به مهمانخانه خیلی راه مانده) .

۴ ـ مفعول فیه Locative در این حالت در آخر اسم پس از حروف صدادار تقیل دا dâ و پس از حروف صدادار خفیف دَه da آید، مانند . بشقاب دا (در بشقاب)، کاسه دَه (در کاسه) .

۵ـ حالت مفعول عنه در این حالت در آخر اسم پس از حروف صدادار ثقیل. دان dân و پس از حروف صدادار خفیف . دَن dan آید مانند : بازاردان گلدیم (از بازار آمدم) ، احمددن آلدیم (از احمد گرفتم) .

۶ ـ حالت اضافه genetive در این حالت در آخر مضاف الیه «این» in افزوده شود و مضاف الیه برمضاف مقدم گردد . و در آخر مضاف یك «ی» i اضـافه شود . مانند . احمدین کتابی (کتاب احمد) ،کاسنین سینیغی (شکسته کاسه)، باغین قاپی سی (در باغ) . اگر در آخر اسم حرف صدادار (Voyelle) و یا های غیر ملفوظ بدل از حرکت باشد به آخر مضاف الیه «نین» و بآخر مضاف ، سی ، افـزوده گردد . مانند . آتانین اداره سی (اداره پدر)، پنجره نین شیشه سی (شیشه پنجره) .گاهی از جهت اختصار حرف نون از آخر علامت اضافه حذف شده «ی» i، باقی ماند ، مانند : خیاوان چراغی (چراغ خیابان) .

جدول حالات اسم

نام حالت	مفرد	جمع
حالت فاعلی	احمدگلدی	احمدلَر گلدی لَر
حالت مفعول به	بوشقابی (بشقاب را)	بوشقاب لاری
مفعول الیه	مکتَبه (به‌مکتب)	مکتب لَره‌
حالت مفعول فیه	توپراقدا (در خاك)	توپراقلاردا (درخاکها)
حالت مفعول عنه	توپراقدان (از خاك)	توپراقلاردان ازخاکها
حالت اضافه	توپراقین	توپراقلارین
	مکتبین	مکتبلَرین
	آتانین	آتالارین
	پنجره‌نین	پنجره‌لرین

5 – علامت تصغیر در ترکی آذری : خیردا (خرده) ،کیچیك (کوچك) بالا (کوچك) است که پیش از اسم آورده شودکه غالباً مأخوذ از پارسی است مانند: خیردا چورك (خرده نان) ، کیچیك حَیط (حیاط کوچك) ، بالاباغ (باغ کوچك). گذشته از اینها پساوند هایی مانند : جَه ، جا ، چَه ، چا ، بآخر اسم افزوده و آنرا مصغر سازند مانند : آز (اندك) : آزجه (اندكْ) ، بالا (کوچك) : بالا جا (کوچکك) ، باغ : باغچا (باغچه) .

6 ـ علامت نسبت در ترکی آذری «لی» li وگاهی لو lu است: مانند تبریز: تبریزلی (تبریزی) (تربیزلی) شام : شاملو (شامی)(۱) وآن غالباً معنی دارنده صفتی را میدهد مانند: قوت: قوتلی (دارنده قوت) سوز (سخن): سوزلی (سخنور)، حیا: حیالی (باحیا).

۱– (لو) درترکی تبریزی بکار میرود

7 – صفت تفضیلی با افزودن ادات ، راخ (راق) بآخر صفت مطلق حاصل آید مانند : سویوخراخ : سردتر .

هرگاه ادات لاپ و «آن» an را به اول صفت مطلق افزایند ، صفت عالی حاصل آید و معنی خیلی دهد مانند : لاپ سویوخ (خیلی سرد) ، ان بویوك : خیلی بزرگ (بزرگترین)(آن مربوط به ترکی عثمانی است).گاهی درعلامت صفت عالی «راخی» که به آخر صفت مطلق افزوده شده، موصوف بصورت جمع پیش از آن آورده میشود مانند : آدام‌لارین یاخشی راخی (راقی) (بهترین آدمها) .

امروز مردم تبریز صفت تفضیلی و عالی راکمتر بکار میبرند، و غالباً بجای آن صفت مطلق را استعمال میکنند، مثلا بجای صفت تفضیلی : بوقیزاوقیزدان گوزل راخدی (این دختر از آن دختر خوشگل‌تر است) گویند :

بوقیز اُندن گوزَلدی ، (این دختر از آن یکی زیباتر است) و بجای صفت عالی هم ترجیح میدهند که باول صفت مطلق لفظ ، هامی‌دان Hammidân (از همه) بیاورند مانند : بوقیزهامّیدان گوزلدی (این دختراز همه زیباتراست). در این زبان اصولا صفت پیش از موصوف آید مانند : بویوك آتا (پدر بزرگ) قرمزی کاغذ (کاغذ قرمز) .

8 ـ ضمایر منفصل از این قرارند وهمیشه پیش از اسم یا فعل آورده شوند:

	مفرد	جمع
اول شخص	مَن	بیز (ما)
دوم شخص	سِن (تو)	سیز (شما)
سوم شخص	اُ o (او)	اولار olâr (ایشان)

این ضمایر درحالت مفعولی با افزودن (ی i)بآخر آنها چنین صرف شوند:

مَنی (مرا)	بیزی (مارا)
سَنی (ترا)	سیزی (شمارا)
اُونی oni (اورا)	اولاری olâri ایشان را

درحالت اضافه پساوندهای ذیل به آخر ضمایر منفصل افزوده شده و مضاف الیه را طبق قاعده کلی پیش از مضاف آورند وافاده ملکیت کند :

مَنیم کتابیم (کتاب من)	بیزیم کتابیمیز (کتاب ما)
سَنین کتابین (کتاب تو)	سیزین کتابیز (کتاب شما)
اُونین کتابی onin (کتاب او)	اولارین کتابی (کتاب ایشان)
	اولارین کتاب لاری

اصولا ضمیر هم مانند اسم در حالات شش گانه همان پساوندها را پذیرد، مانند: من (من) منی (مرا)، مَنه (به من) منده (درمن) مندن (ازمن) سنین (مال تو)

9 ـ ضمایر متصل همان «م» ین ، ی ، میز ، ایزی ، است که در مثال فوق به آخر کتاب افزوده شود .

10 ـ کلمه «ئوز» euz (خود) ضمیر مشترك یانفس است و همواره با ضمایر متصل همراه است وپیش از فعل آورده شود : من ئوزوم ووردوم (من خودزدم) سن ئوزون ووردون (توخودت زدی)، اوئوزی ووردی (اوخودش زد) بیزوئوزوموز، و وردوخ (ماخودمان زدیم)، سیزئوزوز و وردوز (شماخودتان زدید)، اولارئوزلری و وردولار (ایشان خودشان زدند) .

11 ـ ضمایر اشاره از اینقرارند :

مفرد	جمع
بو (این)	بولار Bulâr اینها
اُo (آن)	اُنلار onlâr (آنها)
اُن on (آن)	اولار olâr (آنها)

12 ـ مبهمات در ترکی آذری از اینقرارند :

هَر: هر کیم (هرکه)، هربیری(هریك)کس ،کیمَسه (کس) ، فلان، هامی (همه)، همین، بهمان ، بیریسی (یکی) ، اُبیریسی (دیگری)، ئوزکه (دیگری) هِچ (هیچ)که غالباً فارسی یا باقی‌مانده از آذری قدیم‌است . گاهی بجای«هر»لفظ «دَه» به آخر کلمه بیفزایند مانند : گیجه‌ده (هرشب) بجای «هرگیجه»، گونده (هرروز) . بجای «هرگون»

13 ـ ادوات استفهام از اینقرار است و اغلب فارسی است : کیم (که ؟) ، نیجه (چطور ؟) ، هانی (کو ؟) نَه (چه ؟) ، هارا (کجا ؟) نَمنه (چه ؟) هاردادی (کجاست؟)، هانسی (کدام ؟) ، هابیری (کدام یك) نجه ، نجور (چگونه ؟) ، نه‌وقت (کی) هاچان ،هاچاق (کی)؟) میر mayar (مگر ؟)، نه‌قدر(نقَده) (چند؟) اولمِیَه ، (مباد) یوخسا (مگر؟) .

14 ـ حرف موصول در ترکی آذربایجانی همان « که» موضول فارسی‌است مانندکه ، در این بیت‌صائب .

نه‌احتیاج که ساقی ویره شراب سَنه

که‌ئوز پیاله سینی ویردی‌آفتاب‌سنه

یعنی : احتیاجی نیست‌که ساقی بتوشراب دهد ، زیراکه آفتاب پیاله خود را بتو داده است :

15 ـعدد برچهار نوع است :

اول : اصلی : بیر (یك)، ایکی (دو) ، اوچ (سه) ، دورت dort (چهار) ،بش Besh (پنج) آلتیAlti(شش)، یدیyeddi (هفت)،سکیز(هشت)،دقّوز doqquz (نه)، اُنon(ده)ایگیرمیigirmi (بیست)ان بیر(یازده)،ان ایکی(دوازده)ان اوچ(سیزده)،

اُن دورت (چهارده) ، اُون بش (پانزده)، اُون آلتی (شانزده)، اُون یدّی، (هفده)، اُن سکّیز (هجده)، اُن دوقّوز (نوزده)، ایگیرمی igirmi (بیست)، اُتوز otuz (سی)، قیرخ (چهل)، اَللی Alli (پنجاه) ، آلتمیش Altmish (شصت)، یتمیش yetmish (هفتاد)، سگسان Sagsân، هشتاد (هشتاد) ، دوقسان Doqsân ،دوخسان doxsân (نود) . یوز yuz (صد)، ایکی یوز (دویست) ، دوقوز یوز (نهصد)، مین (هزار) ، بیرمین (یکهزار)، ایکی مین (دوهزار) یوزمین (صدهزار)، مین مین (هزارهزار، یا میلیون) .

دوم اعداد ترتیبی یا وصفی که بآخر عدد اصلی اینجی inji افزایند مانند : بیر : بیرینجی (یکم) ، دورت : دورتینجی (چهارم) .

در تبریز در عدد ترتیبی بجای اینجی ، مینجی ، آورند مانند بیرمینجی - یوزمینجی .

سوم ـ اعداد کسری که اول صورت و سپس مخرج را تلفظ کرده به آخر آن لفظ، دَن بیر ، danbir افزایند مانند $\frac{۴}{۵}$ که «دورت بش دَن بیر» خوانده شود.

چهارم ـ اعداد توزیعی که عدد را تکرار نمایند ، مانند : بیر بیر (یك یك)، اون اون on on (ده ده) بش بش (پنج پنج) .

عدد با معدود مطابقت نکند مانند : بش اوشاخ (اشاق): (پنج بچه)، ایکنجی شاگرد (شاگرد دوم) .

16 ـ قید بر سه نوع است

اول: قید بسیط مانند: تز (زود) ، گج (دیر)، چوخ (بسیار)، دوز (راست)، لاپ (خیلی، حتماً، خالص)، یوخاری (بالا)، آشاقی (پایین)، ایندی (اکنون)، دوغری (راست) یُخ (نَه) ، آنجاق (فقط)، ایچین (برای)، گرك garak (باید) .

دوم - قید مرکب که مرکب از قید بسیط وادات است . مانند : یاواش ـجا (آهسته)، ایکنجی (دوم)، تز ـ جه (زود) .

سوم ـ مرکب از دو کلمه مانند : گوله‌گوله (خندان خندان) ، چکه چکه (کشان‌کشان)، هچ‌وقت (هیچ وقت) الی‌بوش ali bosh (دست خالی)، شك‌سیز (بدون شك) قاچا قاچا (دوان دوان)

17 - لهجه‌ترکی آذری‌ازز بانهای‌التصاقی‌است langue Agglutinante و کلمات در آن از دو قسمت مشخص ریشه‌وادات‌تشکیل‌میشود، وادوات پساوندهایی هستند که‌به‌آخر کلمات‌افزوده‌شود وغالباً بخودی‌خودمعنی ندار ندولی‌درمعنای‌کلمه تغییر میدهند . مانند : لیق (لیخ) : داش‌لیق (سنگلاخ) ،آذربایجان‌لی(آذربایجانی) ، مَر دَلی، مَـرندلی (مرندی)، لیگ:گونده‌لیگ (روزانه)،آی‌لیگ (ماهانه)چی: آراباچی(عرابه‌چی)،ایش ish : دولانیش(گردش) ، اوش : قورولوش (ساختمان، سازمان)، چا، چه‌چیق، برای تصغیر: کتابچا، دفترچه،آلاچیق. سیز: علامت نفی است مانند: دادسیز(بیمزه)، پول‌سیز(بی‌پول)، ما، مَه: قیزارت‌ـ ما (سرخ کرده)، سوز۔ مَه(صاف‌شده) . ایکَن ikan معنی‌محل‌دهد مانند: بازار دا ایکَن(دربازار) (ایکن دخیل ازترکی‌عثمانی‌است که درلجهۀ تبریزی: بازار دا اولاندا، یعنی در بازارگویند)، دَك، بمعنی تامانند: تهراناَدك (تاتهران)، (درتبریزی. تهراناجا (جان) . تا تهران گویند .)

ایلَه ، بمعنی با، مانند :آت ایله گلدیم (با اسب آمدم). ایسه، بمعنی اگر مانند : چالشار ایسه (اگر بکوشد) (ایسه دخیل درترکی است ودر ترکی متداول تبریز بجای آن « چالیش‌سا » گویند) . ساری ، بمعنی سوی ، مانند : سنه‌ساری گلیرم (سوی تو می‌آیم) ، نان (با) :آت نان گلدیم (با اسب آمدم)

18- **فعل** - ریشه فعل در ترکی‌آذری دوم شخص مفرد فعل امر است که درتصریف ادوات دیگر به‌آن افزوده گردد: مانند : گـَل gal (بیا) ، گت get(برو)

مصدرـ مصدر ازافزودن ادات « ماخ » (ماق) برآخرفعل امر حاصل آید

مانند: گَل: گلماخ (آمدن) گِت: گِتماخ (رفتن)، یات: یاتماخ (خوابیدن) دی (دِ): دِیماخ (گفتن)، سوز دِیماخ (سخن گفتن)

اسم مصدر ـ علامت اسم مصدر «لیك» لیق، (لیخ) است که به آخر هر اسمی میتوان افزود مانند: دَلی (دیوانه): دَلی‌لیك، دَلی‌لیق (دیوانگی)، گاهی با افزودن ادات: ایش، اوش. به آخر فعل اسم مصدر حاصل شود مانند: یِری: یِریش (روش) دور (بایست): دوُرش (ایستش، طرز ایستادن)

فعل متعدی ـ برای آنکه فعل لازمی را متعدی سازند بآخر ریشه فعل، ادات دیر dir می‌افزایند، مانند: آل (بگیر): آلدیر (وادار بگرفتن کن)

اگر آخرین حرف فعل دارای حرکت ضمه باشد، بجای دیر، «دور» dur افزایند مانند: اُول eul (بمیر): اُلدور (بمیران و بکش)، گول gul (بخند): گولدور (بخندان). اگر فعل منتهی به الف باشد برای سهولت تلفظ «نونی» بین آن و ادات «زیر» بیاورند مانند یوللا Yolla (بفرست براه انداز): یوللاندیر (وادار بفرستادن کن)

فعل معلوم ومجهول ـ فعل مجهول ازمتعدی بنا شود و علامت آن: اول ul وایل il در آخر ریشه فعل است مانند: دُیْ (بزن): دُیـُول (زده شو)، دُیدی (زد): دُیولدِی (زده شد)، آپار (ببر): آپاریل (برده شو)

اسم فاعل ـ برای ساختن اسم فاعل بریشهٔ افعالی که طبق قاعده کلی به هجای کوتاه ختم می‌شوند «اَن» an، و آنهایی که به هجای بلند ختم میشوند آن ân بیفزایند مانند: بولن (داننده)، آلان (خریدار) قاچ (بگریز). قاچان (گریزان و گریزنده).

ساختمان اسم مفعول مانند بنای وجه وصفی است که ذیلا ذکر آن خواهد آمد.

وجه وصفی ـ برای ساختن وجه وصفی بآخر ریشهٔ فعل اگر حرکت آخر آن «آ» â و «ای» i باشد ادات «میش» (با یاءِ مجهول)، واگر حرکت آخر آن «او» u

باشد«اوش» (باواو مجهول)درآورند ،که وضع وحالت‌رابرساند مانند: قال(بمان) قالمیش (مانده) ،گورgeur (به‌بین):گورمیش (دیده)

فعل امر - امر مفرد مخاطب ریشه فعل است وبراساس آن دیگر افعال را صرف کنند: گَل (بیا) گِد(برو).

برای ساختن فعل امر اگر حرکت آخر یا ماقبل‌آخر ریشه فعل فتحه ویا کسره باشد پساوندهای ذیل را بدنبال ریشه بیفزایند مانند:

مفرد	جمع
گَلیم (بیایم)	گَلاخ (بیائیم)
گَل (بیا)	گلین (بیائید)(گاهی:گلون)
گَلسین (بیاید)	گَل سینلَر(بیایند)

واگرحرکت‌حرف ماقبل‌آخرریشهٔ فعل‌ضمه‌باشد پساوندهای‌ذیل‌افزوده‌شودمانند:

مفرد	جمع
دوتوم (بگیرم) (گاهی:تو توم)	دوتاخ (بگیریم)
دوت (بگیر)	دوتون (بگیرید)
دوتسون (بگیرد)	دوتسونلار(بگیرند)

ماضی مطلق - برای ساختن ماضی مطلق اگرحرکت آخرریشهٔ فعل فتحه ویا کسره باشد پساوندهای ذیل را بدنبال ریشه بیفزایند مانند:

گلدیم (آمدم)	گَلدیخ(آمدیم) (گاهی:گلدوخ)
گَلدین (آمدی)	گَلدیز(آمدید) (گاهی:گلدوز)
گلدی (آمد)	گَلدیلر(آمدند)

واگرحرکت آخرریشه فعل ضمه باشد این پساوندها افزوده شود:

اُخودوم (خواندم)	اُخودوخ (خواندیم)
اُخو-دون (خواندی)	اُخو-دوز (خواندید)
اُخو-دی (خواند)	اُخو-دولار (خواندند)

ماضی استمراری ـ برای ساختن ماضی استمراری از افعالی که حرکت آخر ریشهٔ آنها فتحه یا کسره باشد پساوندهای ذیل را افزایند: ایردیم، ایردین ایردی، ایردیخ، ایردیز، ایردی‌لر مانند:

گلیردیم (می آمدم)	گلیردیخ، گلیردوخ (می آمدیم)
گلیردین، گلیردون (می آمدی)	گلیردیز، گلیردوز (می آمدید)
گلیردی (می آمد)	گلیردیلر (می آمدند)

و اگر حرکت آخر ریشه فعل ضمه باشد پساوندهای ذیل افزوده شود: اوردوم، اوردون، اوردی، اوردوخ، اوردوز، اوردولر، مانند:

بولوردوم (میدانستم)	بولوردوخ (میدانستیم)
بولوردون (میدانستی)	بولوردوز (میدانستید)
بولوردی (میدانست)	بولوردولر (میدانستند)

بعضی اوقات این ماضی برای دوام در استمرار بکار رود در این صورت پساوندهای زیر به آخر ریشه افزوده شود:

گلَردیم همیشه (می آمدم)	گلَردین (گلردوخ) می آمدیم
گلَردین (می آمدی) (گاهی: گلردون)	گلَردیز (می آمدید)
گلَردی (می آمد)	گلَردیلَر (می آمدند)

ماضی نقلی ـ برای ساختن ماضی نقلی اگر حرکت آخر ریشهٔ فعل فتحه یا

کسره باشد پساوندهای ذیل را افزایند: میشَم، میسَن، ایب[دور]میشیخ‌میسیز ایب‌لَر . مانند :

گَلْمیشم (آمده‌ام)	گلمیشیخ (آمده‌ایم)
گَلْمیسن (آمده‌ای)	گلمیسیز (آمده‌اید)
گَلْیب‌دُر(آمده است)	گلیب‌لَر (آمده‌اند)

واگرحرکت آخرریشه فعل ضمه باشد ، پساوندهای ذیل افزوده‌گردد:

موشَم (موشام)، موش(موسان)، اوب [دور]، موشوخ، موسوز، اوب‌لار،مانند:

(اخوموشام) اُخوموشَم(خوانده‌ام)	اُخوموشوخ (خوانده‌ایم)
اُخوموسَن (خوانده‌ای)	اُخوموسوز(خوانده‌اید)
اُخوُیب (دُر) (خوانده‌است)	اُخوُیب‌لار(خوانده‌اند)

ماضی بعید- برای ساختن ماضی بعید بآخر وجه وصفی هرفعل بمقتضای حرکت آخرریشه پساوندهای ذیل افزوده شود : دیم (دون)، دین(دون)، دی،دیخ (دوخ) ، دیز(دوز) دیلَر (دولر)، مانند:

گَلْمیش دیم(آمده‌بودم)	گلمیش دیخ (آمده بودیم)
گلمیش‌دین (آمده بودی)	گلمیش‌دیز(آمده بودید)
گلمیش‌دی (آمده بود)	گلمیش‌دیلَر(آمده بودند)

اگر وجه وصفی با لفظ ، موش، ختم شود پساوندهای زیرافزوده گردد :

گورموش‌دوم (دیده بودم)	گورموش‌دوخ (دیده بودیم)
گورموش‌دون (دیده بودی)	گورموش‌دوز (دیده بودید)
گورموش‌دی (دیده بود)	گورموش‌دولار(دیده بودند)

ماضی التزامی- برای ساختن‌ماضی‌التزامی درآخر وجه وصفی‌پساوندهای ذیل ازمصدر(اولماخ : شدن) افزوده میشود ازاینقرار:

گلمیش اولام (آمده باشم)	گلمیش اولاخ (آمده باشیم)
گلمیش اولاسان (آمده باشی)	گلمیش اولاسوز (آمده باشید)
گلمیش اولار (آمده باشد)	گلمیش اولا لار (آمده باشند)

گاهی بجای ادوات اولام ، اولاسان ، اولار ، اولاخ ، اولاسوز ، اولالار ،در لهجهٔ متداول تبریز ادوات ذیل را افزوده و : گلمیش اولسام ، گلمیش اولسان ، گلمیش اولسا ، گلمیش اولسوخ ، گلمیش اولسوز ،گلیش اولسالار گویند.

مضارع اخباری ـ برای ساختن مضارع اخباری که دلالت برزمان حال کند اگر آخرین حرکت یا حرف با صدای ریشهٔ فعل زبر ، زیر ، پیش وای I واو u باشد ـ پساوندهای ذیل بدنبال آن افزوده گردد از اینقرار :

گلیرَم (می آیم)	گلیریخ (می آییم)
گلیرسَن (می آیی)	گلیرسیز (می آیید)
گلیری (می آید)	گلیرَلر (می آیند)

و اگر آخرین حرکت یا آخرین حرف با صدای ریشهٔ فعل او o و آ باشد پساوندهای زیر افزوده شود.

یومورام (می بندم)	یومورروخ (می بندیم)
یومورسان (می بندی)	یومورسوز (می بندید)
یوموری (می بندد)	یومورلار (می بندند)

برای ساختن مضارع اخباری که دلالت براستقبال کند پساوندهای ذیل بر اصل فعل افزوده گردد :

یومارام (بعد می بندم)	یوماروخ (بعد می بندیم)
یومارسان (بعد می بندی)	یومارسوز (بعد می بندید)
یومار (بعد می بندد)	یومارلار (بعد می بندند)

مضارع التزامی - برای ساختن مضارع التزامی اگر آخرین حرکت یا آخرین حرف باصدای اصل فعل ، زبر، پیش،زیر، ای I ، او ü باشد پساوندهای ذیل

بدان افزوده گردد از اینقرار:

گَلَم (بیایم) گَلاخ (بیاییم)

گَلَسَن (بیایی) گَلَسیز (بیایید)

گَلَه (بیاید) گَلَه لَر (بیایند)

اگر آخر آن او o یا آ â باشد پساوندهای ذیل افزوده شود:

یومام (ببندم) یوماخ (ببندیم)

یوماسان (ببندی) یوماسوز (ببندید)

یوما (ببندد) یومالار (ببندند)

فعل مستقبل - برای ساختن فعل مستقبل اگر آخرین حرکت یا آخرین حرف باصدای اصل فعل: زبر، پیش، زیر، ای I، او u باشد پساوندهای ذیل به آخر آن افزوده گردد از اینقرار:

گَلَه جاقام (خواهم آمد) گله جاقیخ (جاقیق) خواهیم آمد

گَلَه جاقسان (خواهی آمد) گله جاقسیز (خواهید آمد)

گَلَه جاق (خواهد آمد) گله جاقلار (خواهند آمد)

اگر آخرین حرف باصدای اصل فعل . ا o ،او u «آ» â باشد پساوندهای زیر افزوده شود از اینقرار:

از ریشه: آل (بگیر)

آلاجاقام (خواهم گرفت) آلاجاقیخ (جاقیق). (خواهیم گرفت)

آلاجاقسان (خواهی گرفت) آلاجاقسیز (خواهید گرفت)

آلاجاق [دور] (خواهد گرفت) آلاجاقلار (خواهند گرفت)

وجه شرطی - برای ساختن وجه شرطی در تمام زمانها، پس از «اگر» فارسی به ندرت لفظ «سه» sa افزوده شود و در فعل و پساوندهای آن تغییری داده نمیشود مثلا: اگر

سه گلَم (اگر بیایم) ، اگر سه گلَیردیم (آگر می آمدم) اگر سه گلمیشم (اگر آمده‌ام) ، اگر سه‌گلمیشدیم (اگر آمده بودم) اگر سه‌گله جاقام (اگر خواهم آمد). گاهی ادات ، سَه ، را بعد از فعل و پساوند بیاورند ازاینقرار: اگرگلم سَه (اگر بیایم) ، اگرگلمیشدیم سَه (اگر آمده بودم). غالباً ادات «سَه» را بعد از ریشهٔ فعل پیش ازپساوند بیاورند از اینقرار :

اگر گلْسم (اگر بیایم)	اگر گلْساخ (اگر بیاییم)
اگر گلْسن (اگر بیایی)	اگر گلْسیز (اگر بیایید)
اگر گلْسه (اگر بیاید)	اگر گلْسه‌لر (اگر بیایند)

فعل منفی ـ علامت نفی « نه » یا «ما» است که پس از ریشه فعل و پیش از پساوندها درآید.

مانند: گل مه‌دیم (نیامدم) ، آلمادین، آلمادون (نگرفتی) بر طبق قاعده کلی مه ma بعد از هجاهای کوتاه ، و ما mâ بعد از هجاهای بلند درآید :

گلْمیرم (نمی آیم)	گلمیریخ (یق) (نمی آییم)
گلْمیسَن (نمی آیی)	گلمیسیز (نمی آیید)
گلْمیر (نمی آید)	گلمیرلر (نمی آیند)

آلماخ :

آلمیرام (نمی گیرم)	آلمیریق (المیریخ) : نمی گیریم
آلمیسان (نمی گیری)	آلمیسیز (نمی گیرید)
آلمیر (نمی گیرد)	آلمیرلر (نمی گیرند)

درسوم شخص مفرد وجمع مضارع برای استقبال، «ر» پساوند تبدیل به «ز» شود، ونیز درماضی استمراری نوع دوم که برای دوام دراستمراراست «ر» تبدیل به «ز» گردد:

گلْمزدیم (نمی آمدم)	گلمزدیخ (دیق) . نمی آمدیم
گلْمزدین (نمی آمدی)	گلمزدیز (نمی آمدید)
گلْمزدی (نمی آمد)	گلمزدیلر (نمی آمدند)

علاوه بر مـه ومادو فعل ناقص دِگل (دَیل Dail) و، یوخ، بطور منفی صرف شوند:

دَیلـَم (دیرَم) (نیستم)	دَیلـوخ(ق)دیروخ. نیستیم
دَیل سَن (دَیرسن) (نیستی)	دَیلسوز،(دیرسوز) (نیستید)
دَیل[دور] (نیست)	دَیللـَر(نیستند)

یوخ:

یوخام (نیم)	یوخوخ (ق). نییم
یوخسان (نیبی)	یوخسوز(نیید)
یوخدور(نیست)	یوخدولار(نیند)

بجای، دَیل درلهجه تبریزی، دیور، یا، دییر، ودرلهجه مراغه، دییل، بکار میرود.

جمله بندی ـ ترکیب جمله درترکی آذری عیناً مانند جمله‌بندی در زبان فارسی‌است یعنی نخست فاعل یا مسندالیه وسپس مسند و مفعول ودرآخرفعل یا حرف رابطه می آید، مانند:

هوا خوش دی (هوا خوش‌است)

من‌اللّهه‌َ شکر ایدیرَم (من‌خدا را شکرمیکنم)

بیزیم وطنمیزایران‌دور: وطن ما ایران است

من وطنمی سُیورم: من وطنم را دوست دارم

تبریز بویوك شهردیر(تبریزشهربزرگی است)

سیزین اغلوزمنیم دوستوم دیر (پسرشما دوست من است)[۱]

۱ـ مطالب این فصل خلاصه‌ای ازکتاب دستور زبان کنونی آذربایجان تالیف دانشمند محترم آقای عبدالعلی کارنگ طبع تبریز ۱۳۴۰ شمسی، و مأخوذ از خودآموز زبان آذربایجانی تألیف دکترسلام لله جاوید، طبع تهران۱۳۴۳ شمسی، وکتاب تجریداللغات اثرطبع آخوند میرزا علی بادکوبی طبع طهران ۱۳۱۴ قمری، و مبانی دستور زبان آذربایجان تألیف م ع فرزانه تهران ۱۳۴۴، وساختمان فعل درزبان ترکی از دیده زبانشناسی تالیف دکتر نادر وزین‌پور طبع تهران۱۳۴۰است.

فهرست کتابهای ترکی به‌لهجهٔ آذربایجانی (۱)

کتابهایی که به‌لهجه‌ترکی آذربایجانی دردست است قدیم نیست وازسه‌قرن ودویست کتاب تجاوز نمیکنداین کتابهاورسالات به‌سه‌بخش بشرح زیر تقسیم میشود:

اول - دیوان غزلیات و اشعارکه بهترین نمونه آنرا میتوان دیوان صرّاف واحد، راجی وخلیفه‌گرمرودی ومعجزشبستری وحیدربابای شهریارنام برد.

دوم - کتابهای نوحه ومرائی‌که غالباً به‌نظم است بجزکتاب کلیات دخیل‌که به‌نظم ونثر هردوآمده است. مرائی صافی، حسینی، ذهنی و صرّاف ازبهترین آنها بشمارمیرود.

سوم - داستانهای گوناگون که غالباً ترجمد کتابهای هزارویکشب و امیر ارسلان وحمزه وحسین‌کرد وبعضی از داستانهـای شاهنامه و نظامی بزبان ترکی عامیانه است.

اینك فهرست بیشترآنها را بترتیب حروف الفبا دراین مختصرمی‌آوریم[1]

۱- **ادبی اثرلر** - مجموعه‌ای ازآثارشعرا ونویسندگان آذربایجان است‌که در۱۳۲۰ شمسی به‌قطع ۲۲×۱۵ در۳۴ صفحه درتبریزبطبع رسیده است.

۲- **اصلی وکرم** ترجمه و نگارش علی تبریزی بقطع ۲۱×۱۴ در۲۰۰ صفحه که موضوع آن داستانی عشقی درباره دوشخصیت خیالی اصلی و کرم و از انتشارات کتابفروشی بابك خرم‌دین درتبریز است.

دراین داستان اصلی دختری ارمنی وکرم پسری مسلمان است.

۱- ماخذ نگارنده در این فهرست در درجه اول رساله ختم تحصیل شاعر دانشورآقای علی حریرچی‌که درتحت عنوان استقصای فهرست آثاره‌وجود درلهجه محلی‌آذربایجان» درسال ۱۳۳۷ دردانشکده ادبیات تبریز بااینجانب گذرانیده‌است،وسپس کتاب دانشمندان آذربایجان وتجسات شخصی است

۳ـ **امثال و حکم درلهجه محلی آذربایجانی** ـ تألیف آقای علی اصغر مجتهدی‌که درسال ۱۳۳۴ش بقطع ۲۴ × ۱۶ باکاغذکاهی درتبریز بطبع رسیده‌است.

۴ـ **اوباشدان خوروزی** (خروس صبحگاهی) منظومه ای است از شخصی که نام اختصاری او درپشت کتاب م ـ ب آمده و درسال ۱۳۲۲ ش در ۲۴ صفحه بقطع ۱۷ × ۱۱ سانتیمتر درتبریز بطبع رسیده است .

۵ـ **بختیارنامه** ـ داستان منظومی است اثرطبع فدائی‌که ظاهراً ازشعرای شیروان است و زبان آن با لهجه آذربایجانی اندك فرقی دارد. این کتاب بقطع ۱۷ × ۱۰ در ۲۱۰ صفحه درتبریز ازطرف انجمن روابط فرهنگی ایران وشوروی در۱۳۲۴ شمسی بطبع رسیده است

۶ـ **تاریخ زندگانی حضرت یوسف و زلیخا** ـ ترجمه یوسف و زلیخای فارسی است، چاپ سوم آن درسال ۱۳۳۶ ش‌در۸۶ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۴ سانتیمتر درتبریز از طرف موسسه مطبوعاتی فردوسی بطبع رسیده است .

۷ـ **تحفةالعلومی** ـ اثرطبع میرزا حسین علومی، در ذکر مصائب ومراثی چهارده معصوم که در ۲۲۶ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۱ در تبریز از طرف کتابفروشی سعادت بطبع رسیده است .

۸ـ **تعبیرات** و اصطلاحات و امثال مشترك فارسی وآذربایجانی : تالیف هوشنگ ارژنگی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال نهم ۱۳۳۶ شمسی

۹ـ **تجریداللغات** ـ یانصاب ترکی، اثرطبع آخوند آقا میرزا علی‌بادکوبی که درحاشیه‌آن شرح نصاب و امثال سایره ترکی نیز نوشته شده و در۱۲۷صفحه بقطع ۲۱ × ۱۳ سانتیمتردرسال ۱۳۱۴هجری قمری درتهران باچاپ سنگی‌بطبع رسیده است .

۱۰ـ **تفریح نامه لازمیه** ـ رساله‌ای است که موضوع آن اشعاری تفریحی اثرطبع شاعری بنام میرزا جواداست، درپانزده صفحه بتوسط کتابفروشی فردوسی

در ۱۳۳۵ در تبریز بطبع رسیده است.

۱۱ـ **توسلات صابر** ـ در مراثی اثر طبع حاجی میرزا عباسقلی صابر که به تصحیح سعدی زمان متخلص به حسینی در ۲۹۶ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ در ۱۳۳۴ در تبریز بطبع رسیده است.

۱۲ـ **ثعلبیّه** ـ داستانی است منظوم وشیرین اثر طبع ملامحمد باقر خلخالی که در عصر ناصرالدین شاه ساکن زنجان بود و در ۸۸ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۷ بتوسط کتابفروشی علمیه در ۱۳۲۹ باچاپ سنگی در تبریز بطبع رسیده است.

۱۳ـ **جلیل محمد قلی‌زاده** (ملانصرالدین). موضوع این رساله مقالاتی است از نویسندگان آذربایجان درباره جلیل محمدقلی‌زاده مدیر روزنامه ملانصرالدین که از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی درسال ۱۳۲۳ در ۴۱ صفحه بقطع ۲۳ × ۱۵ سانتیمتر در تبریز بطبع رسیده است.

۱۴ـ **جوهرالمصائب** ـ درمراثی، اثر طبع تائب، میرزا صادق متخلص به تائب تبریزی که جلد اول آن در ۲۸۵ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر در ۱۳۳۶ توسط کتابفروشی مصباحی در تبریز بطبع رسیده است.

۱۵ـ **چهارده معصوم حسینی**- درمراثی، اثر طبع سید رضاحسینی (سعدی زمان) که در ۲۱۰ صفحه توسط کتابفروشی مصباحی درسال ۱۳۲۴ در تبریز بطبع رسیده است.

۱۶ـ **چهل طوطی** ـ داستان چهل طوطی است به لهجه ترکی آذربایجانی که در ۴۸ صفحه بقطع ۱۷ × ۱۱ سانتیمتر توسط کتابفروشی سعادت مکرر بطبع رسیده است.

۱۷ـ **حدیقةالحقیقه یا مختارنامه** ـ داستان کربلا وقصه مختار بن ابی‌عبید ثقفی و معجزات ائمه اطهار که در ۵۸۴ صفحه بقطع ۲۵ × ۱۷ توسط کتابفروشی فردوسی در تبریز بطبع رسیده و ترجمه از فارسی است.

۱۸ـ **حکایت نوش آفرین** - ترجمه اززبان فارسی که درتبریزمکرربطبع رسیده است.

۱۹ـ **حکایت سیمین‌عذار** ـ ترجمه از فارسی که در تبریز مکرر بطبع رسیده است.

۲۰- **حیدربابایَه سلام** ـ اثر طبع شاعر شهیر معاصر استاد محمد حسین شهریار، درباره خاطرات کودکی خودکه بقطع ۲۰ × ۱۵ سانتیمتر درتبریز بطبع رسیده است. جلد دوم آن راکتابفروشی سعدی در۱۳۴۶ منتشرکرده است.

۲۱ـ **خاورنامه** ـ ترجمه داستان خاورنامه است به لهجه ترکی آذربایجانی که مترجم آن معلوم نیست، ودر۲۱۸ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۹ سانتیمتر توسط کتابفروشی فردوسی مکرر درتبریز بطبع رسیده است.

۲۲ـ **خودآموز ترکی** - که مشتمل بردوکتاب یکی «بضاعة مزجاة» تالیف میرزا خلیل بن عباسقلی، و دیگری نصاب ترکی‌تالیف یحیی بن مصطفی‌الحسینی زنوزی متخلص به مضطر است، که باهتمام سید قاسم هادیان ازطرف کتابفروشی دانش جنب دارالفنون در ۶۰ صفحه بقطع ۲۲ × ۱۵ سانتیمتر در تهران بطبع رسیده است.

۲۳ـ **خودآموز زبان آذربایجانی و فارسی**، تالیف دکتر سلام‌الله جاوید که بقطع جیبی در۱۰۱ صفحه در۱۳۴۳ درتهران چاپ شده است.

۲۴- **خودآموز یا مکالمات روزمرّه زبان ترکی آذربایجانی** که توسط کتابفروشی فردوسی در۴۸ صفحه بقطع ۱۴ × ۲۰ سانتیمتر درتبریز بطبع رسیده است (۱)

۲۵ـ **داستان امیرحمزه صاحبقران** ـ ترجمه این داستان است به لهجه ترکی آذربایجانی که‌مترجم آن معلوم‌نیست، ودر۹۴صفحه‌بقطع ۲۱ × ۱۴سانتیمتر

۱ـ رجوع شود به دیوان مضطر

توسط کتابفروشی فردوسی در ۱۳۴۱ در تبریز مکرر بطبع رسیده است .

۲۶ـ **داستان قمرالزمان**- ترجمه این داستان است به لهجه ترکی آذربایجانی که توسط کتابفروشی ادبیه و حقیقت تبریز در ۷۹ صفحه بقطع ۲۱ × ۲۱ سانتیمتر درسال ۱۳۳۲ بطبع رسیده و مترجم آن معلوم نیست .

۲۷ـ **داستان کوکه یولداشی خواجه رشید** ـ این داستان به قلم **تمکینی** نامی است که توسط خود وی در ۳۰ صفحه بقطع ۱۷ × ۱۱ سانتیمتر در ۱۳۳۷ برای سرگرمی کودکان در تبریز بطبع رسیده است .

۲۸ـ **دزد وقاضی بغداد** - این قصه ترجمه داستانی از هزار و یکشب است که در ۳۲ صفحه بقطع ۱۵ × ۱۰ سانتیمتر توسط کتابفروشی فردوسی در تبریز بطبع رسیده و نویسنده آن معلوم نیست .

۲۹ـ **دستور زبان کنونی آذربایجانی** ، تالیف فاضل معاصر آقای عبدالعلی کارنگ که در ۵۲ صفحه بقطع وزیری در تبریز درسال ۱۳۴۰ شمسی چاپ ومنتشر شده است .

۳۰ـ **دهه عاشورا یا شورش کربلا** ـ درمراثی اثر طبع محمد حسین صحّاف که در ۱۲۸ صفحه بقطع ۱۹ × ۱۱ سانتیمتر توسط کتابفروشی حقیقت باچاپ سنگی در تبریز بطبع رسیده است .

۳۱ـ **دیوان اعظمی یا شکوفه‌های خونین**- اثر طبع بیوك اعظمی که درسال ۱۳۴۳ شمسی در تبریز بطبع رسیده است .

۳۲ ـ **دیوان مضطر** ـ اثر طبع جبّار مضطر اردبیلی که در ۳۷۲ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ باهتمام حسنقلی داودی درسال ۱۳۷۰ قمری در تبریز بچاپ رسیده وموضوع آن احوالات کربلا و مصائب اهل بیت خامس آل عباست ، و نام کتاب یادگاری مضطر میباشد .

۳۲ـ **دیوان زائر** ـ درمراثی ومصائب خامس آل عبا ، اثر طبع کربلائی اسد

زائر محمدی متخلص به زائر که جلد اول آن در ۱۶۷ صفحه بقطع ۱۵×۱۰ و جلد دوم آن بقطع ۱۶×۱۰ سانتیمتر از طرف کتابفروشی اسدی وجلدسوم وچهارم آن درسال ۱۳۳۵ ازطرف کتابفروشی مصباحی درتبریز بطبع رسیده است.

۳۳ـ **دیوان شهاب** - درمراثی ومصائب اهل بیت اثر طبع یوسف شهاب که جلد اول آن در ۲۶۴ صفحه بقطع ۱۶×۱۰ سانتیمتر در ۱۳۳۲ شمسی وجلد دوم آن در ۲۸۸ صفحه درسال ۱۳۳۴ درتبریز بچاپ سنگی رسیده است.

۳۴ـ **دیوان شأنی** - درمراثی ائمّه اثرطبع مشهدی‌حسین شأنی که جلد اول آن در ۱۱۲ صفحه بقطع ۱۵×۹ سانتیمتر در ۱۳۷۰ قمری و جلد دوم آن در ۹۷ صفحه در ۱۳۷۳ قمری ازطرف کتابفروشی تهران درتبریز بطبع رسیده است.

۳۵- **دیوان عاصی** - اثرطبع حسن عاصی، در مراثی ومصائب ائمّه و اهل بیت پیغمبرص که جلد اول آن بقطع ۱۶×۱۰ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی مصباحی در ۱۳۳۳ شمسی وجلد دوم آن در ۲۷۱ صفحه از طرف کتابفروشی سعدی زمان در ۱۳۳۸ درتبریز بطبع رسیده است.

۳۶ـ **دیوان صافی** - درمراثی، اثرطبع صافی که جلد اول آن در ۱۶۷ صفحه بقطع ۲۰×۱۵ سانتیمتر، وجلد دوم آن در ۱۴۰ صفحه ازطرف کتابفروشی سعادت درتبریز بـه چاپ سنگی رسیده است. مرحوم تربیت مینویسدصافی، آقا کریم تبریزی ازخانواده حاجی جعفردائی معروف بوده ودر ۱۳۴۸ قمری وفات یافت و دیوانش درتبریزچاپ شده است. (۱)

۳۷- **دیوان ذهنی یا رسالهٔ حسینیه** - درمراثی اثرطبع‌مشهدی‌علی‌اصغر ذهنی، که در ۱۴۴ صفحه بقطع ۱۶×۱۱ سانتیمتر از طرف کتابفروشی علمیه در تبریز بچاپ سنگی رسیده است (۲)

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۲۱۴.

۲ ـ » » ص ۱۵۳.

۳۸ـ **دیوان گلزار ذوقی**ـ در مراثی اثر طبع حاجی محمد ابراهیم ذوقی که جلد اول آن در ۲۵۷ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۱ سانتیمتر از طرف کتابفروشی مصباحی در تبریز بچاپ سنگی رسیده است.

۳۹ـ **دیوان کاشفی با ملحقات** ـ در مراثی، اثر طبع علی آقازاده متخلص به کاشفی که در ۱۴۸ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۱ سانتیمتر از طرف کتابفروشی صداقت در تبریز بطبع رسیده است.

۴۰ـ **دیوان صحّاف یا کواکب المصائب** ـ در مراثی اثر طبع محمد حسین جنتی مقام متخلص به صحاف که در ۲۸۹ صفحه بقطع ۲۰ × ۱۶ سانتیمتر از طرف کتابفروشی سروش با چاپ سنگی به ضمیمه اشعار کربلائی حسین متخلص به طوری در تبریز بطبع رسیده است.

۴۱ـ **دیوان محمد امین مسمی به دلسوز** ـ در مراثی که در ۱۷۳ صفحه به قطع ۲۱ × ۱۶ درسال ۱۲۹۶ قمری در تبریز بطبع رسیده است. محمد امین تبریزی ملقب به استاد ومتخلص به دلسوز بود ومیرزا سروش و میرزا مظهر معروف از جمله شاگردان او بودند. دیوانش مرکب از اشعار فارسی و ترکی بوده ومکرر در تبریز به چاپ رسیده است (۱)

۴۲ ـ **دیوان سید ابوالقاسم مشهور به مجنون شاه قره‌جه داغی** ـ که مجموعه‌ای از اشعار شاعر است در ۱۳۵ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۶ درسال ۱۳۲۴ قمری در تبریز بطبع رسیده اسب.

۴۳ـ **دیوان راجی** ـ اثر طبع حاجی میرزا ابوالحسن تبریزی (۱۲۴۷-۱۲۹۳ قمری) که شاعری خوش‌مزه وشیرین بیان بود و دیوانش مرکب از پارسی و ترکی مکرر در تبریز چاپ شده و در سال ۱۲۴۷ قمری درهنگام مراجعت از مکه در دریای احمر غرق شد،

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۵۱.

پسر وی عبدالحمید متخلص به ناجی است که او نیز شاعر بوده و دیوانی دارد. (۱)

دیوان راجی در ۲۴۱ صفحه بقطع ۱۶_۲۲ سانتیمتر با چاپ سنگی در تبریز بطبع رسیده است.

۴۴- **دیوان جیران خانم** - وی از خواتین محترمه طایفه دنبلی ها و از خانواده مشهور آذربایجان بود در شهر تبریز تولد یافت تاریخ تولد و فوت او معلوم نیست. از خویشان او شنیده شد که در هنگام وفات هشتاد سال داشته است. دیوانی دارد مشتمل بر قصاید و غزلیات و مقطعات و ترجیعات مرکب از پارسی و ترکی قریب به چهار هزار و پانصد بیت و غالب اشعار او در مدایح مادر و خواهر عباس میرزا نایب السلطنه است.

قطعهٔ ذیل را درباره وبای سال ۱۲۴۷ هجری قمری گفته است.

ای خدا شیعیان هلاك شدند   نوجوانان بزیر خاك شدند

مادران دل شکسته و نالان   مرده شورند بهر فرزندان

ای خدا این بلا شدید شده   ازفرج خلق نا امید شده (۲)

دیوان ترکی وی در ۱۳۷ صفحه بقطع ۲۱×۱۷ سانتیمتر از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران وشوروی درسال ۱۳۲۴ شمسی در تبریز بطبع رسیده است.

۴۵- **دیوان میرمرحوم** - این دیوان بضمیمهٔ دیوان دلسوز به قطع ۱۶×۲۲ درسال ۱۰۲۸ هجری قمری در تبریز به چاپ سنگی رسیده است.

۴۶- **دیوان دلخون** - در مراثی، اثر طبع میرزا علی متخلص به دلخون که به قطع ۱۴×۲۱ درسال ۱۳۲۱ شمسی در تبریز بطبع رسیده است.

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۵۵.

۲ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۲۶.

۴۷ـ **دلخون دیگری نیز بنام حاجی محمد** مشهور به شجاع الملك از شعرای قرن سیزدهم در تبریز بوده که در اواخر آن قرن با مولانا بزمی خویی در طهران مناظره و مشاجره داشته واشعارش بزبان ترکی است (۱)

۴۸- **دیوان دلریش** - اثر طبع کربلائی علی اصغر معروف به سینه زن ، از سخنوران ترکی زبان آذربایجان بود و دسته حسینی دلریش ، بنام وی شهرت یافته است .(۲)

اشعار وی بیشتر در مراثی است دیوان وی در ۵۱۷ صفحه بقطع ۲۸ × ۲۰ سانتیمتر درسال ۱۳۲۹ شمسی در تبریز بچاپ رسیده است .

۴۹ـ **دیوان آثار جاویدان** - اثر طبع حسین کیاور که جلد اول آن در ۱۰۳ صفحه بقطع ۲۲ × ۱۶ از طرف کتابفروشی فردوسی درسال ۱۳۳۴ ش در تبریز بچاپ رسیده است .

۵۰ـ **دیوان نوری** (نوبهار آفاق) - در مراثی که در ۱۵۶ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر درسال ۱۳۳۰ در تبریز بطبع رسیده است .

۵۱ـ **دیوان شکوهی** - اثر طبع حاجی مهدی تبریزی آینه ساز که در تبریز سکنی داشت ودرسال ۱۳۱۴ هجری قمری برحمت ایزدی پیوست - اشعار او به پارسی وترکی است وکلیات نظم ونثرش در تبریز بچاپ رسیده است :(۳)

۵۲ـ **دیوان شکوهی دیگر** - اثر طبع محمدقلی بامیه ساز متخلص به شکوهی که در ۲۱۰ صفحه بقطع ۲۲ × ۱۶ سانتیمتر درسال ۱۳۳۱ قمری در تبریز بچاپ سنگی رسیده است .

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۵۱ .

۲ ـ » » ص ۱۵۱ .

۳ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۹۹ .

۵۳- **دیوان صرّاف**- رضاصراف ازسخنوران تبریزاست که شغل وی برخلاف نامش تنباکو فروش بوده است . دیوانش مرکب از پارسی وترکی است ودرسال ۱۳۲۲ قمری بقطع ۲۴ × ۱۶ بچاپ سنگی رسیده است . تاریخ وفات او در سال ۱۳۲۵هجری قمری بوده است (۱)

۵۴ـ **دیوان علائی** - اثرطبع ابراهیم کماری علائی که بیشتر درمرائی است و در ۱۵۰ صفحه بقطع ۱۸ × ۱۱ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی اسدی درتبریز بطبع رسیده است .

۵۵ـ **دیوان راثی** - در مراثی ، اثر طبع میرزا رضا عربی خوان متخلص به راثی که جلد اول آن در ۱۱۶ صفحه بقطع ۱۵ × ۹ درسال ۱۳۳۶ شمسی ازطرف کتابفروشی مصباحی درتبریز بطبع رسیده است .

۵۶ـ **دیوان عاصم** - اثرطبع میرزا علی اکبر محدث طباطبائی خیابانی متخلص به عاصم ، در مراثی، که در ۲۰۰ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر در سال ۱۳۳۶ شمسی به چاپ رسیده است .

۵۷ـ **دیوان عباسیّه شأنی** - درمراثی ، اثرطبع مشهدی حسین شانی که در ۱۹۲ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر درسال ۱۳۶۹ هجری قمری در تبریز بطبع رسیده است (۲)

۵۸ـ **دیوان میرزا آقاجان اهری** - از شعرای ترکی زبان آذربایجان بود دیوان او دردست نیست .(۳)

۵۹ـ **دیوان اشك ریز** - درمراثی ، اثرطبع ملاحسین از نوحه سرایان ترکی زبان تبریز که در ۱۳۳۳ درباکو وفات یافت (۴)

---

۱ ـ رجوع کنید به دانشمندان آذربایجان ص ۲۳۰ .

۲ ـ رك : دیوان شانی .

۳ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۹ .

۴ ـ » » ص ۴۳ .

۶۰ـ دیوان افسر ـ اثرطبع میرزاعبدالله اردوبادی که‌ازشعرای دوره‌محمد شاه قاجاربود.(۱)

۶۱ـدیوان حکیم‌الهی اردبیلی- ازسخنوران ترکی‌زبان آذربایجان‌درقرن سیزدهم هجری که درسال ۱۲۹۲ هجری قمری در گذشت .(۲)

۶۲ـ دیوان آقامیرزا علی‌خوئی – از سخنوران ترکی زبـان آذربایجان وفات او در ۱۲۹۶ هجری قمری بود .(۳)

۶۳ـ دیوان پرغم – وی از سخنوران تبریز است و مدتی در بلاد عثمانی و ازمیر میزیست ، دیوانش بعنوان « غم خانه » معروف است و مکرر در تبریز چاپ شده وغزلیاتی شیرین بزبان پارسی وترکی دارد . دیوانش را درسال ۱۲۸۰ هجری قمری تألیف‌کرده است (۴)

۶۴ـدیوان پروانه ـ ملامحمدتقی‌تبریزی‌معروف‌به‌خلّاق‌المعانی‌ومتخلص به‌پروانه در علوم منطق وهیئت وریاضیات سرآمد عصرخود بود بیشتر اشعار او بزبان ترکی است .(۵)

۶۵ـ تالاندی ـ از سخنوران معروف قصبه گرگر (در حوالی جلفا) است ودرناخوشی وبای‌سال ۱۲۸۳ هجری قمری در گذشت . اشعارش بترکی است (۶)

۶۶ـ دیوان تائب ـ حاجی‌خداویردی اصلا ازقصبه چورس ازدهستان‌های

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۴۶ .

۲ ـ ایضاً ص ۴۹ .

۳ ـ ایضاً ص ۷۰ .

۴ ـ ایضاً ص ۷۵ .

۵ ـ ایضاً ص ۷۵ .

۶ ـ ایضاً ص ۸۴ .

ماکو بود ودر ۱۲۰۱ هجری درهمانجا درگذشت ، دیوانش مرکب ازاشعار پارسی و ترکی است .(۱)

۶۷ـ **دیوان تراب** ـ از سخنوران ترکی زبان آذربایجان در قرن سیزدهم هجری .(۲)

۶۸ـ **دیوان توپچی** ـ محمدعلی سلطان ازاهل قریه هریس خانمرود ، از سخنوران اوایل قرن چهاردهم هجری است که بپارسی وترکی هردوشعر میسرود .(۳)

۶۹ـ **دیوان ثابت تبریزی** ـ حاجی محمدعلی بصنعت صحافی میگذرانید و در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در شصت سالگی درگذشت ـ دیوانش مرکب ازاشعار ترکی وفارسی است .(۴)

۷۰ـ **دیوان ثابت خوئی** ـ ملاحسین از سخنوران قرن چهاردهم در خوی بود و درهمان شهر درگذشت دیوانش مرکب از اشعار پارسی وترکی است .(۵)

۷۱ـ **دیوان درویش بلبل** ـ میرزا محمدتقی تبریزی ازسخنوران ترکی زبان آذربایجان بشمار میرفته ودرسال ۱۲۶۵ هجری زنده بوده است .(۶)

۷۲ـ **دیوان معجز شبستری** ـ آثار منتخبه میرزا علی معجز شبستری که در ۲۵۰ صفحه بقطع ۲۳ × ۱۵ سانتیمتر از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی درسال ۱۳۲۴ درتبریز منتشرشده است .

۷۳ـ **دیوان نشاء تبریزی** ـ میرزا عبدالباقی تبریزی متخلص بـه نشاء از احفاد جهانشاه خان قراقویونلواست ودرعلوم ریاضی وسیاق نویسی دست داشت و

---

۱ ـ ایضاً ص ۸۴ .
۲ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۸۵ .
۳ ـ ایضاً ص ۸۷ .
۴ ـ ایضاً ص ۸۹ .
۵ ـ ایضاً ص ۹۰
۶ ـ ایضاً ص ۱۴۹ .

معاصر شیخ محمد علی حزین و آذر بیگدلی بود، تاریخ فوتش را در ۱۱۵۸ هجری ضبط نموده‌اند. دیوانی از وی تا دو هزار بیت مرکب از اشعار پارسی و ترکی دردست است (۱)

۷۴ ـ **دیوان نباتی** ـ اثر طبع سید ابوالقاسم نباتی فرزند سید محترم اشتوبینی است که گاهی مجنونشاه و خان چوپانی تخلص میکرد. در اوائل حال در قریه اشتوبین که کرسی محال دیزمار قراجه داغ (ارسباران) است نشوونما یافت و مدتی به شهراهر مهاجرت نمود و در بقعه شیخ شهاب‌الدین مشغول ریاضت شد در اواخر عمر به مسقط‌الراس خود مراجعت کرده در ۱۲۶۲ قمری در همانجا در گذشت. دیوان او متضمن اشعار فارسی و ترکی و کردی است و در تبریز به طبع رسیده است. (۲)

۷۵ـ **دیوان یلدا** ـ یلدای ماکوئی (۱۲۵۸ـ۱۳۱۳) ـ دیوان او مرکب از اشعار پارسی و ترکی است (۳)

۷۶ـ **دیوان فانی تبریزی** ـ میرزا صادق متخلص بـه فانی از سخنوران قرن سیزدهم هجری است و در ۱۲۵۵ هجری تولد یافت و بیشتر عمر خودرا در گنجه گذرانید، دیوانش مرکب از اشعار فارسی و ترکی است. کتابی بنام خمسه ـ ادبیه، تألیف کرده که قسمتی از آن بطبع رسیده است. (۴)

۷۷ـ **دیوان مضطر** ـ میریحیی بن مصطفی زنوزی متخلص به مضطر بپارسی و ترکی شعر میگفت دیوانش در تبریز چاپ شده است. منظومه مختصری هم بنام مشوّق الصبیان از ترکی بفارسی در مقابل نصاب الصبیان تالیف کرده که درسال ۱۳۰۸ش

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۳۷۵ .

۲ ـ ایضاً ص ۳۷۱ .

۳ ـ ایضاً ص ۴۰۳ .

۴ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۲۹۱ .

در تبریز با چاپ سنگی بطبع رسیده[1] ومجدداً در مجموعه‌ای بنام خودآموز ترکی در تهران توسط کتابفروشی دانش (خیابان ناصرخسرو) انتشار یافته است .

۷۸ـ **دیوان شاه اسمعیل** ـ داستان شاه اسمعیل صفوی بترکی به قلم علی تبریزی که در ۱۹۶ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۵ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی آتورپات در تبریز بطبع رسیده است .

۷۹ـ **رستم نامه ترکی** ـ ترجمه رستم نامه بترکی آذربایجانی که در ۱۳۰ صفحه بقطع ۲۳ × ۱۷ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی سعادت مکرر در تبریز بطبع ـ رسیده است .

۸۰ـ **شانلی آذربایجان قورخولی** ـ دراشعارمتنوعه اثرطبع مهدی اعتماد که در ۲۱۸ صفحه بقطع ۱۱ × ۱۷ سانتیمتر بسال ۱۳۲۵ در تبریز ازطرف کتابفروشی سروش بطبع رسیده است .

۸۱ـ **صائب** ـ شرح حال صائب تبریزی ، بقلم مرحوم حاج محمد آقا نخجوانی و ترجمه غلام محمدلی بترکی که در ۲۳ صفحه بقطع ۲۰ × ۱۴ سانتیمتر از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در ۱۳۲۴ شمسی در تبریز بطبع رسیده است .

۸۲ـ **عاشق غریب ایله شاه صنم** (عاشق غریب باشاه صنم) ـ که موضوع آن داستان عشق ورزیدن غریب به شاه صنم است و در ۱۴۴ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۴ سانتیمتر از طرف کتابفروشی بابك خرم دین در تبریز بطبع رسیده است .

۸۳ـ **قهرمان نامه** ـ ترجمه داستان قهرمان نامه بترکی است که در ۱۱۲ صفحه بقطع ۱۴ × ۲۲ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی اسدی در تبریز بطبع رسیده است .

۸۴ـ **عقایدالاسلام مقدس اردبیلی** ـ ترجمه میرزا اسمعیل بن حاج حسین

۱ ـ ایضاً ص ۳۴۸ .

معروف به مسأله‌گو تائب تبریزی- بقطع خشتی، که در سال ۱۳۳۲ باهتمام میرزا شفیع محاسب‌الملك در ۳۲۹ صفحه در تبریز بطبع سنگی رسیده‌است .

۸۵ـ **کتاب سماوریه** و **آینه‌اخلاق** - منظومه‌ای است‌فکاهی‌اثر طبع مهدی اعتماد ناطقی (اعتمادالشعراء) که در ۳۲ صفحه بقطع ۱۵ × ۹ سانتیمتر از طرف کتابفروشی فردوسی در تبریزطبع شده است .

۸۶ـ **کتاب بحرالاحزان** - مراثی ، اثر طبع حاجی غلام نوری قالیچی که در ۲۰۰ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی سروش در سال ۱۳۶۰ قمری در تبریز بطبع رسیده است .

۸۷ـ **کتاب‌شیرویه** - ترجمه داستان شیرویه بترکی که در ۱۴۳ صفحه بقطع ۲۵ × ۱۸ سانتیمتر درسال ۱۳۳۴ شمسی ازطرف کتابفروشی حقیقت در تبریز بچاپ سنگی رسیده است .

۸۸ـ **کتاب‌مهروماه** - داستانی است بترکی آذربایجانی که در ۸۰ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۷ سانتیمتر در تبریز بچاپ سنگی رسیده است .

۸۹ـ **کلّیات‌مختارنامه** ـ ترجمه مختار نامه فارسی‌بترکی آذربایجانی‌است که در ۵۵۶ صفحه‌به قطع ۲۵ × ۱۸ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی فردوسی در تبریز بطبع رسیده است .

۹۰ـ **کلیات دخیل آل عبا** ـ درمراثی ، اثرطبع آخوند ملاحسین‌مراغه‌ای از شعرای قرن سیزدهم هجری که اشعارش مشتمل بروقایع کربلا بزبان ترکی‌است، درشش جلد مکرر در تبریز بچاپ رسیده، [1] واخیرا در ۶۰۰ صفحه بقطع ۳۲ سانتیمتر در آن شهر بنام کلیات دخیل چاپ شده است .

۹۱ـ **کلیات ملانصرالدین** - داستانهای فکاهی ملانصرالدین است که در ۷۸

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۴۶ .

صفحه بقطع ۱۴×۲۰ سانتیمتر از طرف کتابفروشی تهران، در تبریز بطبع رسیده است.

۹۲_کلیات حکیم لعلی - اثر طبع میرزا علیخان ایروانی شمس‌الحکماء (۱۲۶۱_۱۳۲۵) از شعرا و ادبای دوره قاجار و طبیب مخصوص مظفرالدین شاه. که لعلی تخلص داشت وسجع مهر او «انّه لعلّی حکیم»[1] از آیات قرآنیه بود. دیوانش مرکب از اشعار پارسی و ترکی است و مکرر در تبریز بچاپ رسیده[2] و طبع اخیر آن در ۲۱۶ صفحه بقطع ۲۲×۱۴ سانتیمتر ازطرف شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان طبع شده است.

۹۳_کلیات داستان هفت پیکر بهرام گور. ترجمه و اقتباس ازهفت‌پیکر نظامی به نثر که در ۱۵۲ صفحه به قطع ۲۵×۱۷ سانتیمتر از طرف کتابفروشی فردوسی درتبریز بطبع رسیده است.

۹۴_کلیات هفت جلدی اسکندرنامه. ترجمه داستان اسکندرذوالقرنین که در ۴۶۴ صفحه درسال ۱۳۳۵ ازطرف بنگاه مطبوعاتی فردوسی درتبریز بطبع رسیده است.

۹۵_کلیات مصور الف ولیله. ترجمه داستان‌هزارویکشب‌به لهجه ترکی آذری که در ۳۶۰ صفحه بقطع ۲۵×۱۷ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی فردوسی در تبریز بطبع رسیده است.

۹۶_کلیات هفت جلدی امیرارسلان رومی. ترجمه داستان امیرارسلان رومی بترکی که در ۲۹۲ صفحه بقطع ۱۷×۲۲ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی فردوسی درتبریز بطبع رسیده است.

---

۱ _ وانه‌فی‌امّ‌الکتاب لدنیالعلّی حکیم (قرآن، سوره زحرف آیه ۴۳).

۲ _ دانشمندان آذربایجان ص ۳۲۱.

۹۷- کلیات دیوان فضولی - اثر طبع محمدبن سلیمان فضولی از سخنوران قرن دهم، اصلا از اکراد آذربایجان بوده، اشعار او بیشتر درلهجه آذربایجانی است و درپارسی وعربی نیزمسلط بوده وبه هرسه زبان شعر گفته ودیوانش مکرر چاپ شده است.

ازجمله آثارش: حدیقة السعداء ترکی، ترجمه روضةالشهداء ملا حسین کاشفی است.(۱) کلیات دیوان فضولی مشتمل برغزلیات و ساقی نامه و اشعار گوناگون در ۳۴۸ صفحه از طرف کتابفروشی اختر درسال ۱۳۰۸ قمری بطبع رسیده است.

۹۸- کلیات کتاب جنگی مسیب نامه - ترجمه یکی از داستانهای اسلامی که در۱۳۲۲ صفحه بقطع ۲۰×۱۴ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی فردوسی درتبریز بچاپ رسیده است.

۹۹- کنزالحسینی - درمراثی، اثرطبع سعدی زمان متخلص به حسینی که جلد اول ودوم آن در۲۵۶ و۲۹۲ صفحه بقطع ۱۶×۱۰ توسط کتابفروشی مصباحی درسالهای ۱۳۳۳ و۱۳۳۵ درتبریز بطبع رسیده است.

۱۰۰- کوراوغلی (کورزاده) به‌نظم و نثر، ترجمه علی همّت‌زاده که در ۱۶۰ صفحه بقطع ۲۰×۱۶ سانتیمتر درتهران بطبع رسیده است.

۱۰۱- گلزار ذوقی - درمراثی، اثرطبع حاج محمدابراهیم ذوقی که جلد اول آن در۳۷۵ صفحه بقطع ۱۶×۱۰ درسال ۱۳۳۳ و جلد دوم آن نیز درهمان سال ازطرف کتابفروشی مصباحی درتبریز بطبع رسیده است.

۱۰۲- گلشن بهار - در مراثی، اثرطبع محمد علی کریم متخلص به ذاکر که جلد اول آن در۲۰۴ صفحه‌به قطع ۱۶×۱۰ سانتیمتر ازطرف مصنّف درتبریز در۱۳۳۶ بطبع رسیده است.

۱- دانشمندان آذربایجان ص ۳۰۰.

۱۰۳- **گلشن فیروز یا دیوان نائلی** ، درمراثی، اثرطبع محمد حسین‌نائلی که در ۱۶۰ صفحه بقطع ۱۵×۱۰ سانتیمتر در ۱۳۶۰ قمری در تبریز از طرف کتابفروشی علمیه بچاپ سنگی رسیده است .

۱۰۴- **گلین لربزکی** (زینت عروسان) اثر طبع سید مهدی‌اعتماد ناطقی مشتمل بر اشعار انتقادی و تفریحی‌که در ۵۰ صفحه‌بقطع ۱۵در۹ سانتیمتر در۱۳۳۶ درتهران بطبع رسیده است .

۱۰۵ - **گلین‌لرسوزی قینانالار دالینجه** (سخنان عروسان پشت سرمادر شوهرانشان) مشتمل برشعرهای تفریحی اثر طبع میرزا کریم مراغی که در ۳۲ صفحه بقطع ۱۷×۱۱ سانتیمتر از طرف کتابفروشی بادامچی در تبریز بچاپ رسیده است .

۱۰۶- **لایلای** - مجموعه شعر اثر طبع هزار که اصل آن بکردی است و توسط جعفر خندان به لهجه ترکی آذربایجانی ترجمه شده و بقطع ۲۰×۱۴ سانتیمتر ازطرف انجمن فرهنگی ایران و شوروی درتبریز انتشار یافته است .

۱۰۷- **لیلی ومجنون** - ترجمه داستان لیلی ومجنون بانضمام داستانهای: عاشق ، عمروگلی ، و ملکشاه‌که در۸۶ صفحه بقطع ۲۱×۱۵ سانتیمتر در ۱۳۳۷ شمسی ازطرف‌کتابفروشی فردوسی درتبریز بطبع رسیده است .

۱۰۸- **لمعات الحسینی** - درمدایح پیغمبروائمّه ومراثی ایشان ، اثر طبع سعدی زمان متخلص‌به حسینی‌که در۴۵۱ صفحه بقطع ۱۶×۱۰سانتیمتر ازطرف کتابفروشی سروش در۱۳۳۶ شمسی درتبریز بطبع رسیده است .

۱۰۹- **مبانی دستور زبان آذربایجان** (اصوات وکلمات) ، تالیف م . ع فرزانه ، تبریز ۱۳۴۴

۱۱۰- **مجموعه اشك آل**، نوحه‌های شعرای سلف ومعاصر سراب، گرد- آورنده جبار اظهری که در ۲۵۶ بقطع ۱۵×۱۰ سانتیمتر، از طرف کتابفروشی مهرسراب انتشار یافته است.

۱۱۱ - **مختصر پروتستانت** - تالیف رایت آمریکایی که در عقاید مذهب پروتستان در ۱۹۰۶ دررضائیه بطبع رسیده است.

۱۱۲- **مکرزنان** - ترجمه داستان مکرزنان که ازطرف کتابفروشی فردوسی درتبریز بطبع رسیده است.

۱۱۳- **نخبه آثار شعرای آذربایجان** - در مرائی که در ۲۸۸ صفحه بقطع ۱۷×۱۰ سانتیمتر در ۱۳۳۵ شمسی، از طرف کتابفروشی بنی هاشمی در تبریز منتشر شده است.

۱۱۴- **واحدین غزللری وترکی تصنیفلر** - مشتمل برغزلیات واحد و ترانه‌های مشهورترکی که در ۱۶۰ صفحه بقطع ۲۱×۱۵ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی و بنگاه شادمانی تهران به طبع رسیده است.

۱۱۵- **ولقان**- رمانی‌است به‌لهجه‌ترکی آذربایجانی به‌قلم آقای علی‌نقی کانبی که در ۲۴ صفحه بقطع ۱۱×۲۴ سانتیمتر از طرف کتابفروشی چمن آرا درتبریز بچاپ رسیده است.

بجز آثارفوق الذکر از آثار ذیل باید نام برد:

۱۱۶-آثارامانی- اشعاربانوامانی در ۹۶ صفحه‌کتابفروشی نورمحمدی ۱۳۴۲

۱۱۷-انتقام کربلا- اثر ذاکر کریمی در ۲۷۲، تبریزکتابفروشی‌سعدی ۱۳۴۳

۱۱۸-اصغریه - درمرائی ۶۸ صفحه، تبریزکتابفروشی سعدی ۱۳۴۴

۱۱۹- بهار بی‌خزان (جلد اول)- اثر طبع حسینی، سعدی زمان در ۳۷۵ صفحه، تبریز ۱۳۴۷

۱۲۰- بزم غم - اثر میرزا حسین کریمی در ۷۱ صفحه کتابفروشی ذاکری مراغه ۱۳۴۷

۱۲۱- جلالت فاطمیات- اثر میرزا حسین کریمی در ۶۴ صفحه تبریز کتابفروشی سعدی ۱۳۴۳

۱۲۲ - جلالت زینبیه - اثر طبع میرزا حسین کریمی در ۷۲ صفحه تبریز، کتابفروشی سعدی ۱۳۴۰

۱۲۳- حسین کرد - قصه حسین کرد به ترکی آذری که ترجمه از فارسی است

۱۲۴- حدیقة‌المؤمنین - درمرائی در ۵۸۴ صفحه تبریز ۱۳۴۸

۱۲۵- جیران خانم اثرلری - آثار جیران خانم، تبریز ۱۳۳۴ شمسی

۱۲۶ - **دربی نظیر یا دیوان حقیر** - اثر طبع خوئی در ۲۸۷ صفحه، تبریز کتابفروشی مصباحی ۱۳۳۸

۱۲۷- **دیوان صدوقی** - اثر طبع سید کاظم صدوقی در ۱۳۲ صفحه، تبریز ۱۳۴۷

۱۲۸- دیوان آمال منزوی- اثر طبع رحیم منزوی در ۵۸۶ صفحه، اردبیل ۱۳۴۰

۱۲۹- دیوان نجم الآثار - اثر طبع نجمی تبریزی در ۲۸۸ صفحه، تبریز کتابفروشی بنی‌هاشمی) ۱۳۳۶

۱۳۰- دیوان فاکر - اثر طبع عباسعلی فاکر، تبریز ۱۳۳۷

۱۳۱- دیوان قاسمی - اثر طبع جمال قاسمی در ۲۰۵ تبریز ۱۳۴۷

۱۳۲- دیوان شبستری، طبع تبریز

۱۳۳- دیوان هیدجی، در ۲۹۴ صفحه، طبع تبریز کتابفروشی حقیقت ۱۳۳۵

۱۳۴- دیوان گلشن شهدا، طبع تبریز درمرائی

۱۳۵- دیوان عاجز، طبع تبریز ۱۲۸۴ قمری

۱۳۶ـ دُرّمکنون یا حسینیه عصری - درمراثی اثرطبع عصری تهران ۱۳۴۱

۱۳۷ـرباعیات آذری- ترجمه رباعیات حکیم عمرخیام ، تبریز ۱۳۳۴شمسی

۱۳۸ـرنگارنگ (۵ جلد) طبع تبریز ۱۳۴۵-۱۳۳۹

۱۳۹ ـ زبدة المصائب - درمراثی ، اثرطبع میرمحمود سید شوری در ۳۰۰ صفحه تبریز (کتابفروشی صفوی) ۱۳۳۸

۱۴۰ـساختمان فعل درزبان ترکی - دکترنادر وزین پور ، تهران ۱۳۴۸

۱۴۱ـسلیم جواهری – داستان سلیم جواهری ترجمه از فارسی طبع تبریز

۱۴۲ـ شاعرلر مجلسی ، طبع تبریز ۱۳۲۴ ش

۱۴۳ ـ شکوفه‌های خونین (۲ جلد) ، اثر بیوك اعظمی در ۲۳۲ صفحه ، تهران ۱۳۴۷-۱۳۴۳

۱۴۴ـشرعی مسأله‌لر – شرح مسائل شرعی به ترکی

۱۴۵ـضد فاشیست اثرلر – تبریز ۱۳۲۳ ش

۱۴۶ـضروب و امثال ترکی – تبریز ۱۳۰۳ قمری

۱۴۷ـطوفان کربلا - اثرطبع قدرت الله نادری آذربایجانی در ۱۳۸ صفحه ، تبریز کتابفروشی اپیکور ۱۳۴۰

۱۴۸ـطوفان اشك - درمراثی اثرطبع میرزا حسین کریمی ، مراغه ۱۳۴۰

۱۴۹ـعاق‌والدین- ترجمه عاق والدین فارسی به ترکی آذری طبع تبریز

۱۵۰ـغمهای کربلا - اثرحاجی محمد ابراهیم ذوقی درمراثی، ۲۸۸ صفحه تبریز کتابفروشی سعدی ۱۳۴۲

۱۵۱ـ کلیات شاهنامه فردوسی - ترجمه بترکی آذری، کتابفروشی فردوسی تبریز سال ۱۳۴۳ ش ۳۸۳ صفحه

۱۵۲ـ کلثوم ننه‌ـ ترجمه کلثوم ننه آقاجمال خوانساری به ترکی آذری ۱۲۱ صفحه ۱۳۲۷ شمسی.

۱۵۳ ـ گنجینه ذهنی ـ اثر حاجی ذهنی‌زاده در ۲۸۸ صفحه، تبریز کتابفروشی بنی هاشمی ۱۳۳۷.

۱۵۴ـ گلشن عمر ـ اثر سید حسن معصومی، ۹۶ صفحه ـ کتابفروشی تهران، تبریز ۱۳۴۷

۱۵۵ ـ گنجینه حسینی ـ اثر طبع حاجی محمد حسین صحّاف، ۴۷ صفحه، کتابفروشی فردوسی تبریز ۱۳۴۲.

۱۵۶ـ گلشن عزا ـ اثر میرزا حسین کریمی در ۸۰ صفحه، مراغه ۱۳۴۲

۱۵۷ـ گلستان خونین ـ در مراثی، اثر طبع مشهدی جمال مراغه‌ای در ۷۲ صفحه، کتابفروشی فردوسی تبریز ۱۳۴۸

۱۵۸ـ گلهای رنگین ـ مشتمل برمجمه‌ای از اشعار مذهبی

۱۵۹ـ ملك جمشید ـ داستان ملك جمشید به ترکی آذری

۱۶۰ـ معجزات امیرالمومین ـ بترکی آذری.

۱۶۱ـ محشر عاشورا، اثر طبع اکر حسینی ۳۵۲ صفحه تبریز ۱۳۴۵

۱۶۲ـ مجموعه اشك آل ـ در مراثی، اثر خلیل اظهری در ۱۶۳ صفحه تبریز ۱۳۴۴

۱۶۳ـ مکتب کربلا ـ اثر طبع حاجی سید حسین کهنموئی در ۲۸۶ صفحه کتابفروشی سروش تبریز سال ۱۳۳۰.

۱۶۴ـ نغمه‌های غم ـ اثر طبع حسین حافظی تبریزی در ۲۱۶ صفحه، کتابفروشی تهران، تبریز ۱۳۴۵

۱۶۵ـ نواهای نینوا ـ اثر طبع سلیمان امینی، ۱۰۹ صفحه تبریز ۱۳۴۰.

۱۶۶ـ هدیه بنی هاشمی در مراثی ۲۷۵ صفحه تبریز ۱۳۳۵ شمسی.

فصل نهم

ابنیه و اماکن تاریخی آذربایجان

بخش اول- آثار و اطلال تاریخی آذربایجان شرقی(۱)

۱ - آثار شهر اردبیل - آثار قابل توجه این شهر عبارت است از بقعه‌شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ومقبره شاه‌اسماعیل صفوی ، و مقبره شیخ جبرائیل پدرشیخ صفی‌الدین که شرح هریك باجمال درذیل آورده میشود .

این ابنیه تحت شماره ۶۴ و ۶۵ در اداره کل باستانشناسی جزء آثارملی به ثبت رسیده است .

بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی

اساس این بنادرقرن هفتم هجری پی‌افکنده شده وبتدریج به‌آن افزوده گشته است‌بنای اصلی درزمان شیخ صدرالدین موسی پسر شیخ صفی‌الدین ساخته‌شده،و قسمتی‌ازکاشیکاری‌هم‌درزمان‌او بعمل آمده،وآن‌محل‌در آغاز خانقاه‌صوفیان بوده‌است

---

۱ - در این باب شرحی از آثار آذربایجان غیر از تبریز باجمال ذکر شده است و دربارهٔ آثار تبریز بعداً درکتابی جداگانه بتفصیل صحبت خواهد شد.

قالی سابق بقعه شیخ صفی‌الدین

دراین بقعه یك‌تخته قالی وجود داشته که فعلا در موزه ویکتوریا وآلبرت لندن می‌باشد. آن قالی بزرگی است که طول آن ده‌متر ونیم و عرض آن قدری کمتر ازپنج مترونیم‌است. ازروی تخمین معین‌کرده‌اندکه این‌قالی ۳۲ میلیون‌گره دارد. دروسط آن ترنجی است که دور آن‌رانقشهای‌کوچکی که به‌گل‌شاه‌عباسی‌موسوم‌است احاطه نموده وآن نقس مدوریابیضی شکلی‌است‌که وسط آن‌گل ودورآنراحلقه‌ای ازگل بابرگ گرفته و در هرگوشه متن قالی یك چهارم ترنج‌کشیده شده‌است.

یکی ازخصایص این‌قالی بزرگ نمایش قندیل‌مسجدمیباشد که درسرترنج کشیده‌اند، مثل‌آنکه ازآن‌آویزان باشد. متن‌این قالی ازنقش‌گل‌وبرگ پوشیده شده وآنهانقش‌تاك مشبك وپرکاری رابانظم کامل تشکیل میدهند. گلها بارنگهای گوناگون خود روی زمینه سورمه‌ای رنگ برجسته بنظر می‌آید . رنگ قرمز که بازمینه سورمه‌ای تباین دارد زیادشفاف نیست ومایل برنگ قندیل‌است.رنك سبز دراین‌نقشه از رنگهای برجسته است. درحاشیه قالی نقشهای‌کتیبه‌ای است‌که بین‌آن‌ها گل‌لاله عباسی میباشد. مسئله قابل‌توجه آنکه نقش حاشیه‌این قالی‌روی کاشی‌های دیوار صحن‌مسجد اردبیل دیده میشود .

درحاشیه این‌قالی‌نام‌مقصودکاشانی برده شده است معلوم‌نیست که این‌شخص بافنده و یاتقدیم کننده‌آن بوده است. تاریخ این قالی برطبق نوشته ۹۴۲ هجری (۱۵۳۶م)است وازشاهکارهای‌زمان‌صفوی‌است. این‌قالی‌معروف‌کاشانی‌زاکه بامرشاه طهماسب صفوی در۹۴۲ برای‌بقعه شیخ‌صفی‌الدین بافته شده‌بود بعدها از این‌بقعه ربودند وبه موزه ویکتوروآابرت لندن فروختند واکنون درآن موزه‌نگاهداری میشود (۱).

ابنیه مربوط به بقعه شیخ صفی‌الدین عبارت از : سر در بیرون بقعه (عالی‌قاپو)، حیاط‌بزرگ، صحن‌بقعه ومسجدجنت‌سرا، رواق‌مقبره شیخ‌صفی‌الدین

۱ـ کریستی‌ویلسن: تاریخ صنایع ایران‌ص۱۸۹ .

ومقبره شاه‌اسماعیل، حرمخانه، وچینی‌خانه است .

سردر بقعه ـ کتیبه سردر بطول ۱۱٫۷۵ وعرض ۱۰٫۵ مترمی باشد. دربالای گوشه‌طرف‌راست آن باخط ریزدرداخل مربعی این عبارت نوشته‌شده‌است «عمل الفقیر محتاج برحمت خدا یوسف‌شاه ابن‌ملك صفیمای» اصل کتیبه بخط رقاع بنام شاه عباس دوم چنین نوشته شده‌است :

«قداتفق الفراغ من‌هذه‌العمارة الشریفة الرفیعة فی‌ایام دولت‌خاقان‌الاعظم ـ السلطان المعظم مالك رقاب‌العرب و العجم‌السلطان‌بن السلطان شاه عباس‌الثانی ـ الصفوی و الموسوی الحسینی بهادرخان خلّدالله ملکه و سلطانه افاض علی‌العالمین برّه و عدله و احسانه بسعی امیر کبیر المؤیّد بتأییدالملك المنّان نظر علی‌خان المتولّی» .

قسمت آخـر در یك سطر از پایین ببالا باخط ریز سفید رنك چنین آمده است :

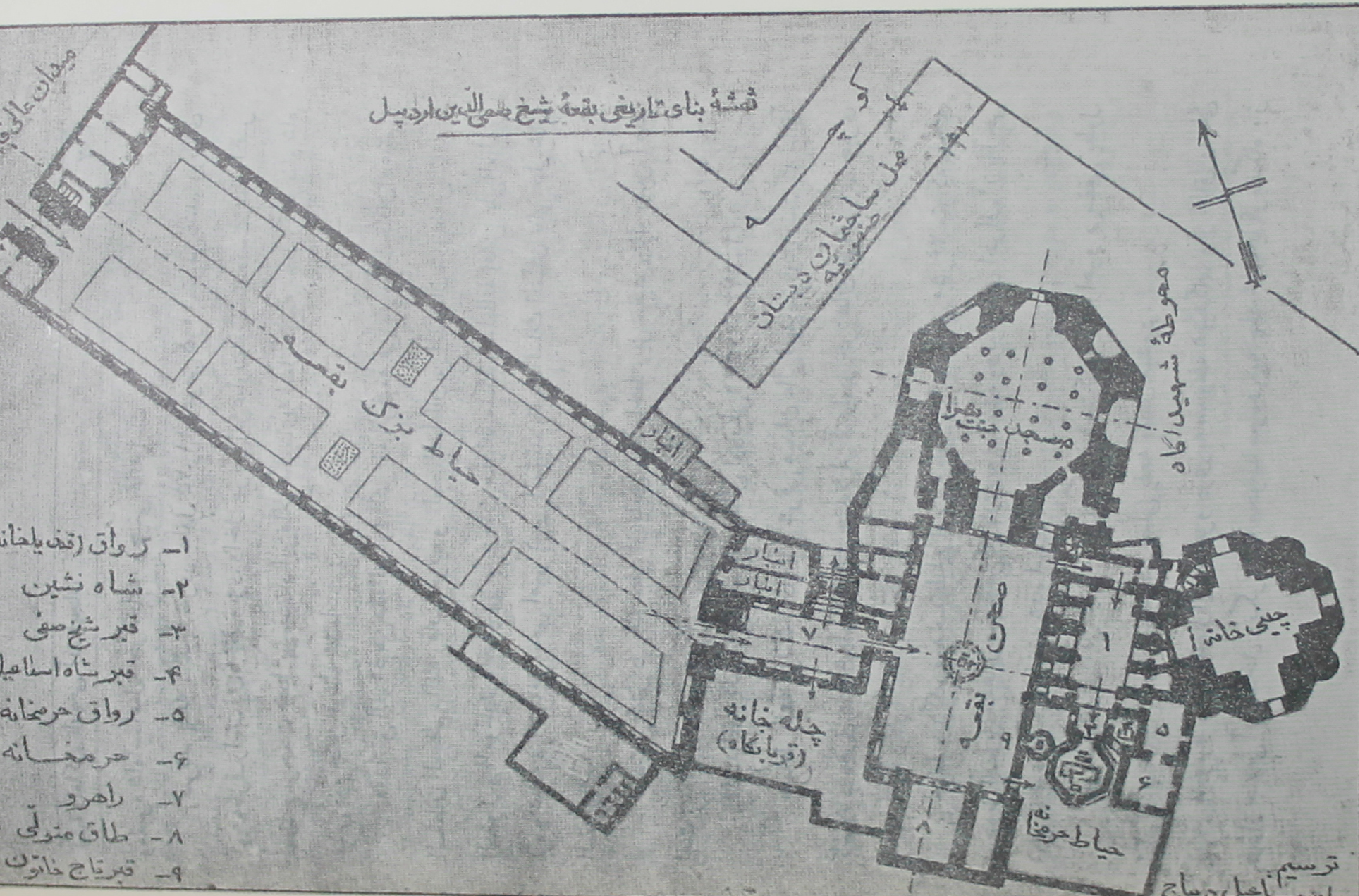
«کتبه‌الفقیر‌المحتاج اسماعیل نقاش اردبیلی» ۱۰۰۵۷ (۱۰۵۷)،

حیاط بقعهٔ بزرك ـ درضلع شرقی میدان عالی‌قاپو سردری است که سابقاً کاشی‌های معرق داشته ولی فعلاجز چندتا از آنها در جرزهای طرفین آن چیزی نمانده است .

حیاط بزرگ بقعه مستطیلی است به طول ۹۲ و عرض ۲۶٫۵۰ مترکه دارای دوحوض آب‌وباغچه‌های مخصوص گل‌کاری بوده‌است، ودیوارهای اطراف آن باآجر روی از اره سنگی ساخته شده است.

در ضلع شرقی این‌حیاط سردردیگری است‌که بایك راهرو بی‌سقفی بطول ۱۴٫۳۰ و عرض ۵٫۷۰ متربصحن اصلی بقعه متصل میشود .

از وسط دیوار شمال‌این راهرو دری به محوطه شهیدگاه، واز اطاق وسطی دیوار جنوبی‌آن مدخل دیگری به محوطه معروف به چله خانه یا قربانگاه باز


نقشهٔ بنای تاریخی بقعهٔ شیخ صفی الدین اردبیل
میدان عالی قاپو
حیاط بزرگ
انبار
محل ساختمان دبستان صفویه
کوچه
مسجد جنت سرا
محوطهٔ شهید گاه
صحن
بقعه
چینی خانه
چله خانه (قربانگاه)
حیاط حرمخانه
۱- رواق (قندیلخانه)
۲- شاه نشین
۳- قبر شیخ صفی
۴- قبر شاه اسماعیل
۵- رواق حرمخانه
۶- حرمخانه
۷- راهرو
۸- طاق متولی
۹- قبر تاج خاتون
ترسیم

میشود که کاشی کاریهای جرزهای آن بکلی از بین رفته‌است.

صحن بقعه ـ محوطه مستطیلی بطول ۳۰٫۴۰ وعرض ۱۶٫۱۰ و مفروش با تخته‌سنگ های صاف است که دروسط آن‌چاه آبی بوده‌است.

در بالای طاق مدخل غربی صحن ، کتیبه‌ای است بخط رقـاع سفید برمتن لاجوردی‌ازشاه عباس‌ثانی که قسمت وسط و پهلوی چپ‌آن باقی و بدین شرح‌است:

«...السلطان‌بن السلطان الخاقان‌بن الخاقان‌شاه‌عباس موسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی العالمین برّه واحسانه». روی این‌کتیبه نوشتهٔ دیگری بخط ریز است که قسمتی از آن ریخته شده و بقیه چنین خوانده میشود:

«... مالك رقاب‌العرب والعجم و مروّج مذهب‌الاثنی عشر بنائیدالرحمت... لکفرالطغیان و رفع بنیان‌العدل».

در نمای پایه های طرفین وبالای طاق سردر آیاتی از قرآن کریم نگاشته شده و درآخر کتیبه پایهٔ طرف چپ باخط نسخ‌این عبارات درسه سطر آمده‌است:

«سعی فی‌تجدید هذه‌العمارة الشریفة خلف الاولیاء و السالکین و سلالة ـ المشایخ .....»

درطرف جنوبی صحن بقعة یك اطاق و یك راهرو دهلیز مانند بطول ۱۰ و عرض ۶٫۳۰ متر باسقف ضربی آجری ساخته شده‌که معروف به طاق متولی است ازگوشه غربی‌هم دری به محوطه چله خانه بازمیشود.

درسمت شمال صحن بقعه «مسجد جنّت‌سرا» قراردارد‌که بشکل‌هشت‌ضلعی منتظمی بقطر ۲۰٫۵۰ متر است وسابقاً برروی آن گنبدی بوده که خراب شده و فعلا سقف آنرا باتیرو چوب پوشانیده‌اند.

از طرف شرقی صحن، سردر ونمای رواق بقعه و دیوار محوطه معروف به

حیاط حرمخانه یاحیاط مقابر قرارگرفته است .

موقعیت سردر بانمای خارجی رواق و گنبد شیخ صفی‌الدین معروف به ، گنبدالله‌الله جلوه خاصی به ساختمان بنای اصلی داده است .

دیوارنمای رواق، مانند سایر قسمتها با سنك وآجر بناشده و دارای ازارهٔ سنگی است .

جرزهای پنجره‌ها باآجر ساخته شده‌است. نمای رواق دو مرتبه است که هریك پنج پنجره دارد، پنجره‌های مرتبه زیرین بعرض ۹۳سانتیمتر وارتفاع ۱٫۷۰ متر بوده کلافه‌ای از تخته داردکه باورقه‌ای از برنج روکشی‌شده و دروسط دارای شبکه های آهنی پوشیده‌شده بابرنج‌است. درقسمت فوقانی‌هرپنجره دیوار مشبّکی با کاشیهای معرّق ساخته شده و در بالای هر یك کتیبه معرقی باخط سفید برمتن لاجوردی وجود دارد .

پنجره‌های مرتبه دوم دارای کلافه چوبی ومیله‌های آهنی است ودربالای هریك کتیبه‌ای از کاشی معرق هست که در قسمت فوقانی آن کلماتی بخط کوفی زرد رنگ نوشته شده است .

دراطراف پنجره‌ها وکتیبه‌های هردومرتبه‌بنا ، قابی بعرض سی‌سانتیمتر از کاشی معرّق‌نصب ودرقسمت بالای نمای‌کتیبه اصلی‌وبالای‌آن قطار بندی وشرفه‌ای معرق ساخته شده که جلوه مخصوص باین بنای تاریخی داده‌است .

فرمان شاه طهماسب بین پنجره دوم و سوم مرتبه پایین نمای رواق سنك مرمری بعرض ۱٫۳۱ متر و ارتفاع ۱٫۱۵ متر دروسط قابی‌ازکاشی معرق بدیوار نصب گشته که فرمانی درباب منع منهیات ازشاه طهماسب اول‌صفوی روی‌آن‌باین شرح نقر شده‌است :

«بعدحمدالله وحسن توفیقه‌چون بمیامن توفیقات صدرنشین‌اولیاءا لّله‌معروفه، و برکات تائیدات صاحب تمکین اصفیاءالله المعین، به انوار مهرآثار غرّه غرّای

هدایت‌شعار ولایت دثار نوّاب اعلی عالی حضرت سلطان السلاطین بالارث والاستحقاق ظل‌الله فی‌الافاق السلطان بن السلطان ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الصفوی ـ الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه و ابداً اکرامه و احسانه لامع و هویداست، وخطایر فیض مآثر علّیه علویه صفویه تالی مشاهد مقدسه وعتبات سدره مرتبه است همچنانکه در آن روضات منوّره عمّال از جرئت اظهار بدعت ممنوع شده حکم گشته که جمیع مجاوران و زایران وساکنان از تکالیف غیر مشروعه مصون بوده، امر خیر اثروفرمان قضا و قدر شرف صدور یافت که در دارالارشاد اردبیل و ولایات، همان قاعده حسنه را منظور داشته ...

شلبافی محترفه وهیمه بازار وگوسفند بازار وبرنج بازار وپیشکش تمغاوات ومحترفه ورسم الاحتساب طلبی ازساکنان وغیر آنجا ننمایند، تابمصدوقه ومن دخله کان آمنا مشاهد عالمیان ومنظور جهانیان گردد، وبعداز شرف توبه نصوح وفتح ابواب نصرت وفتوح بنابر کمال توجه خاطر انور بترویج شرع مطهر وغایت اهتمام امر بمعروف ونهی منکر فرمان قضا جریان عزّ اصدار یافت که در دارالارشاد مذکور و ولایات بدستوریکه درعساکر منصوره وممالک محروسه شرابخانه وبنج خانه ومعجون خانه بوره‌خانه وبیت اللطف وقمارخانه وقوّالی وکبوتربازی منع شد، ومستوفیان کرام خراجات آنها را ازدفاتر اخراج نموده ومن بعد اطلاقی ننمایند، واحدی بامری از امور غیر شرعیه مثل ریش تراشیدن وطنبور زدن و نردباختن و بدعت تعزیت ... وداشتن وخدمات امردان درحمامات و ارتکاب امور غیر مشروعه اشتغال ننمایند و پیرامون نگردند فمن بدلّه بعدماسمعه فانّما اثمه علی الذین یبدلّونه، وخلاف کننده ازمردودین درگاه الهی ومطرودین بارگاه شاهی خواهد بود، و در سلک اولئک علیهم لعنة‌الله والملائکة والناس اجمعین منسلک خواهد گشت، و ازمرحمت نسبت بسکنه آنجا باهتمام وافاضت وافادت شاهی خلیفه... امیر معین الشریعة والدین امیر الاوحدی ظهور پیوست بتاریخ شهر ذیحجة الحرام سنه ۹۳۲ کتبه حسن »

کتیبه های عمده سردر و نمای رواق بقعه – اول کتیبه پایه های اطراف سردر:

۱ – پایه طرف راست متصل بنمای رواق :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم هذه‌البقعه الشریفة‌القدسیه و العتبة‌العلیة القدسیة والروضة الفردوسیة‌التی اسّست‌علی‌التقوی ورضاًلمولی‌اعدّت مجلساً لاجله‌الاولیاء ومغرساً لشجرة‌طیبة اصلها ثابت وفرعها فی‌السماء ، وهی‌بتلاوة القرآن موصوفة و لملائکة‌الرحمن محفوفة فانها مضجعة قدوة الاولیاء و مهیعة صفوة‌الاصفیاء سلطان ارباب القلوب ومقتدی‌الثقلین وبرهان‌الاقطاب لانّه بین‌المشرقین والمغربین‌مصقل مرأة‌القلوب عن زیغ‌الشبهات و مکمل الصدور بالایات الباهـرات الّذی حازمن کعبة‌الوصال»

۲ – قسمت بالای سردر زیر دندانه :

«القیام‌بعبادات‌الرجال والاستنار بلمعات‌القرب‌والاتصال‌لازال متمکناًفی‌اعلی درجات الکمال و مشاهداً بالعیان فی وجوه‌الجلال والجمال فاتکاء لغایة جهد متکاء وسادة الارشاد فتشرف»

۳ـ پایه طرف چپ متصل بگوشه دیوار مسجد جنب سرا:

«بقوله‌تعالی و لکل قوم‌هادفیاله من کمال ادر که من هو فی‌ظل‌الله لاتطلل وناله من جمال شاهد من‌الشهادة قبلة ربّه لاتعطّل فرضوان‌الله اعلی مالبسها تربة ملابس‌الوّد وما انجیها موسی لمیقات... الخلف ولی‌عهد و الخلیفة من‌بعده خلاصة اولیاءالله الصالحین صدر الحق و الملّة والدین لازال صدادعلی سنا الولایة و شمساً علی سماء الهدایة کما قام مقامه المحمود اسّسها لطوایف الاسلام من الطائفین و العاکفین و الرکّع السجود فیارب‌اجعل هذابلداً و ارزق اهله‌من‌الثمرات من‌آمن بالله والیوم‌الاخر»

دوم – کتیبه‌های سردر :

۱ـ درقسمت‌بالا زیرکتیبه دورهٔ سردر عبارات ذیل درسه خط باکاشی معرّق

نوشته شده است. سطر اول ودوم با خط سفید رنگ، سطر سوم با خط حنائی رنگ است.

درسطر اول: «قال رسول الله انا مدینة العلم و علّی بابها»

سطر دوم – مصقل مرآة القلوب عن زیغ الشبهات و الذنوب مکمل صدور بالایات».

سطر سوم – سلطان المشایخ النبیلة و برهان الاقطاب لجلیلة الشیخ صفّی»

۲ – کتیبه‌های طرفین وقسمت وسط و بالایی طاق سردر. در طرف راست و وسط وپهلوی چپ طاق بزرگ:

۱– صیرّها الله بالایات البینات کمقام ابراهیم من دخله کان آمنا کما ان جعلها مثال الکعبة مثابة للناس وامناً و عظمّها لعظمة امرها و بانیها»

۲ – «الباقی للحصین المتبرکة – زبدة الاصفیاء فی العالمین صدر الحق والملّة والدین متع الله المسلمین بمیامن برکاته و محاسن خلواته وجعل سعیه حجّة له،» که قسمت اول با خط حنائی، وقسمت دوم با خط سفید رنگ در بالای قسمت اول نوشته شده است.

۳ – بالای اطاق کوچک پهلوی سمت راست وجبهٔ وسط وبالای طاق پهلویی سمت چپ مدخل:

۱ – «سلام علیکم کتب ربکم علی نفسه الرحمة» (باخط حنائی رنگ)

۲ – «جنّات عدن یدخلونها و من صلح من آبائهم و ازواجهم» با خط سفید رنگ).

۳– «والملائکة یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم بماصبرتم فنعم عقبی الدار» (باخط سفید رنگ)

۴ – «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین»

۵ – کتیبهٔ پخ طاق مدخل سردر:

«.... تربة شرّفت بالشیخ ذی الشأن شیخ الوری قدوة الاقطاب. . صفّی الدین

سلطان الواصل الکاشف اللحق من...»

جملات و کلمات ریخته کتیبه پخ طاق و مدخل سر در در تعمیرات اخیر بشرح زیر تکمیل شده است .

«هذا باب رحمةالله الواسعة الّتی نزلت الی تربة شرّفت بالشیخ ذی‌الشأن شیخ‌الوری قدوة الاقطاب الجمیلة الشیخ صفیّ‌الدین سلطان الواصل الکاشف ـ المحلق من ظواهر مقالاته المشهور فی‌الافاق‌الشیخ اسحق رحمةالله‌علیه فمن‌دخله کان آمنا»

سوم – کتیبه درشت زیر قطار بندی نمای رواق در دو سر معرق روی متن لاجوردی :

۱ـ با خط سفید رنگ ، دعای ختم قرآن :

«ربّنا تب‌علینا انّک انت‌التوّاب‌الرحیم. اللهمّ‌احینا بالقرآن وامتنا بالقرآن واحشرنا بالقرآن وجوز ناصراط بالقرآن و ادخلنا الجنّته بالقرآن لاتفرّق بیننا و بین القرآن. اللهم اجعل ثواب تلاوتنا من‌کتابك الی ارواح آبائنا وامّهاتنا والی ارواح اهل‌القبور»

۲ – باخط حنائی‌رنگ روی خطوط قسمت اول:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم (آیات ۱۷ تا ۲۲ از سورةالملك) کلمه تعالی، روی کلمه «قال‌الله» درکنار جرز جنوبی وکلمه «رسول‌الله» روی‌کلمه «صدق» در پهلوی جرزشمالی رواق نوشته شده است.

حیاط مقابر یاحرمخانه – درسمت جنوبی‌بقعه شیخ‌صفی‌الدین ومقبره شاه اسماعیل محوطه‌ای است بطول تقریبی ۱۵ وعرض ۱۱ متر موسوم بحیاط مقابرکه بوسیله دیواری ازصحن بقعه جدامیشود .

درحیاط مقابر متصل بدیوار صحن بقعه ، مقبره کوچکی است منسوب به حلیمه خاتون معروف به تاج خاتون یاعالمشاه بیگم مادرشاه اسماعیل که نوه

اوزن حسن آق قویونلو بود.

در داخل مقبره سنگ مرمری است بطول دو متر و عرض ۴۵ سانتیمتر و ارتفاع ۳۵ سانتیمتر که در اطراف آن سوره والشّمس وضحیها باخط رقاع زیبانقر شده است:

روی یکی از اضلاع مقابل در ورودی مقبره این عبارت بخط رقاع نوشته شده است.

«هذه مرقدالعفیفةالطاهرة منبع زلال الخلافة الباهره عصمةالسلطنة والدنیا والدین خاقان بن خاقان تغمدّها الله تعالی بالرحمة والغفران و اسکنها فی وادات ـ الجنان سنة سبع وستین و سبعمائه» ۷۶۷

گنبد شیخ صفی الدین ـ بنای مقبره شیخ صفی الدین برجی است استوانه ای شکل وگنبدی بر فراز آن دیده میشود که بانره کاشیهای فیروزه رنگ و آجر پوشیده شده ودارای قبه برنجی است.

محیطش ۲۲ متراست و برروی ازاره سنگی هشت پهلو بارتفاع ۱٫۴۰ متر قرارگرفته وارتفاع آن ازسطح زمین تا جگه گنبد درحدود ۱۷٫۵ مترمی باشد در قسمت بالا زیرطاق گنبدکتیبه معرّقی بعرض ۹۵ سانتیمتر بادو حاشیه معرق بعرض ۳۰ سانتیمتر دور برج نصب شده که عبارات آن بشرح زیر است:

« بسم الله الرحمن الرحیم شهدالله انّه لااله الاهو والملائکة واولوالعلم قائماً بالقسط لااله الّا هوالعزیزالحکیم. انّ الدین عندالله الاسلام. هوالحیّ لااله الّاهو. فادعوه مخلصین له الدین الحمدلله رب العالمین ذالکم الله ربکم لااله الّاهو خالق کلشیء فاعبدوه وهوعلی کلّشیء وکیل لاتدرکه الابصار وهویدرك الابصار و هواللطیف الخبیر وانّك علی کل شیء قدیر».

سطح خارجی بدنه بنا، باکلمات الله والله بانره کاشی فیروزه رنگ بین آجر های نره خفته و راسته قرارگرفته پوشیده شده، و بدینجهت این گنبد مشهور به

«گنبداللهالله» است .

بنای مقبره از سمت شمال به شاه‌نشین رواق متصل است و در طرف جنوبی پنجره‌ای‌است مشرف به‌حیاط مقابر که سردری از کاشی‌معرق دارد، و درسمت غربی بدنه‌گنبد در داخل دایره‌ای از کاشی معرق چنین نوشته شده:

«عمل العبدالفقیر الرّاجی الی عفو صمد عوض بن محمد»

دراین بقعه مقابر دیگری ازسایر پادشاهان وشاهزادگان وخوانین صفوی‌و امرای آن دوره باقی‌مانده است. ازجمله قبرمنسوب به مادرشاه اسمعیل، وشیخ‌صدرالدین ، وشیخ جنید و دوتن ازامیران سلطان استاجلو وکردبیک‌که مورخ ۹۴۹ هجری است .

مناظر تزیینی مجموعه این‌بنا چه از داخل و چه از خارج شامل نقاشی و گچبری، قطارسازی ومقرنس‌کاری بارنگ طلایی نیزمیباشد. درزیر گنبد صندوق منبت‌کاری مرقد ،که از نفایس آثار منقول بقعه است ملاحظه میشودکه در حاشیه آن کتیبه‌ای بخط رقاع حک شده‌است .

مقبره شیخ‌صفی‌الدین‌که مانند برج استوانه‌ای شکل باگنبد دوپوش‌ساخته شده بوسیله دری بضلع‌جنوبی شاه‌نشین متصل‌است به مقبره شاه‌اسماعیل‌می‌پیوندد دروسط مقبره صندوق منبت‌کاری شیخ‌که از شاه‌کارهای هنری عصرصفوی بشمار میرود قرارگرفته، درحاشیه‌اطراف صندوق کتیبه زیربخط رقاع‌ازچوب‌کنده‌کاری و نصب شده‌است .

«هذه مرقدالمنوّرومضجع المتبرّک الشّیخ‌الربّانی‌والعارف‌الصمدانی، کاشف اسرارالحقیقة محیی‌مراسم‌الطریقة، حامی مفاخرالابرارحاوی‌مناقب‌اخیارالمکرم بالیقین‌بانظادالخلاق‌علی‌العموم والاطلاق قطب‌العارفین سلطان‌المحققین امام قدوة اولیاءالله‌الواصلین الی‌الفتح صفیّ‌الحق والملّة والدین‌اسحق‌اجری‌الله تعالی‌آثار برکاته فی‌الاطراف والافاق المعزّ القدسیّة المخصوص بارشاد الجنّیه والانسّیه»

روی بدنهٔ شمال همین صندوق برنقره با خط رقاع نوشته شده :

«بانی هذالمرقدالعلیّه والمشهد القدسیه الوّلی الله صفیّ الحق والدین قدّس سرّه العبد موسوی الصفوی». پشت سر قبر شیخ صفی الدین صندوق قبر فرزندش سید صدرالدین موسی ، و پشت سر او قبر شیخ ابراهیم معروف بشیخ شاه فرزند سلطان خواجه علی سیاه پوش و روبروی صندوق شیخ صفی الدین در مقابل پنجره مشرف به حیاط مقابر، صندوق قبر سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل قرار گرفته است .

دوستکامی مسین شیخ اویس

این دوستکامی آبخوری بزرگی و از هدایائی است که شیخ اویس ایلکانی (۷۵۶ ـ ۷۷۶) به‌مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی تقدیم کرده است . ظرف مزبور از چهار کتیبه بخط نسخ تزیین یافته که یکی از آنها درون چهار لوحه بزرگ را روی بدنه ظرف اشغال نموده است .

کتیبه‌های دیگر ساده‌تر و بخط ریزتر نوشته شده که مضمون آنها تقریباً مکرر و شبیه به هم است ظاهراً تاریخ ظرف مزبور بایستی بعد از سال ۷۵۸ هجری و بین این سال و ۷۷۶ هجری باشد متن نوشته روی این دوستکامی چنین است:

سطر اول : «مماعمل برسم السلطان الاعظم الایلخان المعظّم الخاقان الاعدل ـ الاکرم مالك رقاب الامم ظلّ الله فی العالم معزّ الدنیا والدین شیخ اویس خلّدالله ملکه و سلطانه »

سطر دوم : «مماعمل برسم السلطان ظل الله فی العالم شیخ اویس بهادرخان و عظم شانه واعلی». متن لوحه های کوچك بر بدنه ظرف در وسط :

سطر سوم : «مماعل برسم السلطان الاعظم الایلخان المعظم الخاقان الاعدل ـ الاکرم مالك رقاب الامم معز الدنیا والدین شیخ اویس بهادرخان خلّد ملکه و سلطانه .

سطر چهارم : الاعظم الایلخان المعظّم الاکبر مالك رقاب الامم معزّ الدنیا

والدّین شیخ [اویس] خان خلّد ملکه وسلطانه فی... ذکروشانه»[1] . فریدریش زاره F.sarre درائر خود در باره اردبیل، تاریخ بنای مقبره شیخ صفی الدین را به تفصیل نوشته است و ضمن آن گوید : از عرض دست چپ، حیاط بزرگ به مسجد بقعه راه دارد . این مسجد یك هشت ضلعی است که گنبدی بر فراز آن بوده است و از آن فعلا اثری نیست . در اینجا درکنار منبری که طرف راست در ورودی بوده علمی قرار داشته که میگفتند شیخ صدرالدین آنرا بسال ۷۸۱ هجری از مدینه با خود آورده بود .

این مسجد در قرن هفتم ساخته شده است. پس ازمسجد قدیمترین قسمت ساختمان چهار گوشی است که گنبدی بر فراز آنست و آن مقبره خانم یعنی بی بی-فاطمه زن شیخ صفی الدین و دختر شیخ زاهد گیلانی است ، که ده سال پیش از شوهرش بسال ۷۲۴ هجری درگذشت و شیخ صفی الدین دستور داد بر فراز قبراو گنبدی ساخته شود . سپس مقبره شیخ صفی الدین به این بناکه در اصل مجزا بوده پیوسته است. اولئاریوس Olearius مینویسد: که مقبره او توسط پسرش صدرالدین بناشده و بنای آن ده سال بطول انجامیده است . اونظم ونسق آن بقعه را از نظر خدّام وملازمان وشمعها ومشعلها تعیین کرده وهمچنین ترتیب خلوتخانه ، محل شستشو و سایر اطاقها را مقرّر نمود. تاریخ این ساختمان در حدود سال ۹۰۶ هجری بوده است .

گویا شیخ صدرالدین استادان وصنعتکاران را ازمدینه با خود آورده بوده است ۲ .

بقعه شیخ جبرائیل

بقعه شیخ جبرائیل پدر شیخ صفی الدین در دهکده کلخوران درسه کیلومتری

---

(۱) آثار ایران ج ۱ ص ۱۹۴ .

(۲) تشکیل دولت ملی در ایران ـ ص ۱۲ ـ ۱۴ .

شمال اردبیل واقع شده است . ساختمان مقبره بنای چهارگوش آجری است که دارای ایوان و دو رواق و گنبد کاشیکاری است . از لحاظ دارا بودن مقرنسهای گچی و کاشی کاری خاص و در منبت و خطوط عالی اهمیت بسزایی دارد.

این بنا شرقی و غربی است که طول آن ۲۹ و عرضش ۱۳٫۲۰ متر می‌باشد.

در قسمت شمال بقدر شش متر برآمدگی یا خروجی دارد که ایوان جلوی بنا محسوب شده و در ورودی برواق در وسط آن قرارگرفته است .

صندوق چوبی ساده‌ای دروسط بقعه قرار گرفته وپوشش داخلی گنبد دارای مقرنسهای بی‌نظیر گچی است . روی در منبت کاری مدخل گنبد اشعار در مناقب شیخ جبرائیل بخط نستعلیق کنده شده که قسمت بیشتر آن ریخته و از آنچه باقی مانده بیتی است که میتوان تاریخ ساخت آن در را که سال ۱۰۳۰ می‌باشد معلوم نمود . آن ماده تاریخ این است :

قطب کمال و هادی دین شیخ جبرئیل ....

تاریخ سال ساختنش چون خرد بخواست .

گویا بهشت روی زمین‌است این مقام (۱۰۳۰). این باب روضه شه‌دین قطب اولیاست. در زیر یکی از مقرنسهای زیر گنبد این عبارت بچشم میخورد :

« عمل کمترین بندگان شاه طاهر بن سلطان محمد نقاش ۱۰۳۱ » . از این تاریخ معلوم میشود که تعمیر این بنا در زمان شاه‌عباس اول انجام پذیرفته است.

در اطراف صحن این بقعه قبور تاریخی فراوانی بنظر میرسد از جمله ، مقابر: سید حمزه ، سید محمد عراقی ، فیروزشاه است. صورت قبری منسوب به سیدحمزه نامی وجود دارد که او را فرزند امام موسی کاظم و جدخاندان صفویه پنداشته‌اند. دیگر قبر عوض الخواص بن فیروزشاه از اجداد صفویه است. برسنگ قبر او این عبارت نقر شده است :

«هذا مرقد سیدعوض الخواص بن‌سید فیروزشاه زرین‌تاج».

روی سنگ قبر دیگر این عبارت نوشته شده :

«هذا مرقد سیّداعرابی»

ظاهراً قبور اجداد شیخ صفی‌الدین اردبیلی از پیش از شیخ جبرائیل‌غالباً ساختگی است و از مقوله نسب‌تراشی صفویه محسوب میشود .

مقبره شاه اسماعیل

این مقبره واقع در شهر اردبیل وچسبیده به بقعه شیخ صفی‌الدین است- قسمت بالای‌مقبره شاه‌اسماعیل بشکل‌برجی استوانه‌ای‌شکل‌است. جبهه‌خروجی متصل به‌گوشه شمال غربی بنای حرمخانه می‌باشد ، بنای اصل بقعه عبارت است از سردر ، رواق یاقندیلخانه و بعقه شاه اسماعیل :

۱ -رواق یاقندیلخانه تالاری است‌بطول ۵ر۱۱ متر وعرض ۶ مترکه‌دارای سقفی آجری و در دوطرف آن چهار اطاق دومرتبه ساخته شده است .

قندیلخانه از نظر طرز ساختمان و تزیین و گچبری جذبه خاصی دارد بخصوص منظره نقاشیهای طلائی رنگ طاق‌سقف و دیوار های غرفه های مرتبه بالایی و رواق رونق مخصوص باین بنا بخشیده است. در قسمت بالای دیوارهای رواق متصل به‌پاطاق سقف، باخط نسخ‌سوره، الفتح ،گچ‌بری شده و در وسط‌عرض شمالی این عبارت نوشته شده است .

« عمل استاد ابراهیم . . . . تراش تبریزی ۱۰۳۷ » در گوشه شرقی عرض جنوبی رواق وسط کلمات «للکافرین سعیرا» نوشته شد : «کتبه محمد اسمعیل افشار ۱۳۰۷» .

درگوشه شمال شاه‌نشین بالای درحرمخانه متصل به شبکه نقره این عبارت نوشته شده :

«کتبه میراسدالله بن آقامیر قوام‌الدین روضه خوان» شاه‌نشین بطول ۷۰ر۵ و عرض ۸۰ر۴ متر است وکف آن باندازه چهل سانتیمتر ازکف رواق بلندتر-

میباشد که بوسیله شبکه آهنی در داری که مفضّض یعنی پوشیده از نقره است از رواق جدا میشود . در دیوار های شاه‌نشین چهار در نقره کـوب بسیار زیباکار گذاشته‌اندکه برروی آنها اشعار زیر بخط نستعلیق طلائـی نوشته شده که ماده تاریخ آن ۱۰۶۸ هجری است :

چون بدورشه جهان عباس‌که بود صیت دولتش بدوام .

بهر این آستان عرش نشان — کـه مقام ملائك است مدام

خان‌بن خان قلیج مهرانی — کرد نذر دری ز نقره خام

هاتفی گفت بهر تـاریخش — در بدولت گشاده بـاد مدام

۱۰۶۸

بقعه شاه اسماعیل

این بقعه در قسمت جنوبی طرف شرقی شاه‌نشین واقع و بنای‌کوچك‌چهار ضلعی است‌که باگنبد دوپوشی پوشیده شده است .

در زیراین‌گنبد که سطح داخلی آن بانقاشی‌های طلائی مزین شده‌صندوق نفیس و گرانبهائی قرار گرفته که ازگل و بوته‌های برجسته عاج و خاتمکاری بی‌نظیری بسته شده ، با مفتول های بسیار نازك طلا و فیروزه های ریز تـزیین یافته است ، و از برجسته‌ترین شاهکارهای هنری عصر صفوی بشمار میرود .

در ضلع جنوبی آن وسط گل عاجی با خط ریز نوشته شده : «عمل استاد مقصود علی . . . . . . » . ازارهٔ دیوار هـای داخلی بناباکاشیهای خشتی لاجوردی رنگ‌که دارای آثار نقش شاخ و برگهای طلائی است پوشیده شده است .

حرمخانهـ دردیوار شرقی شاه‌نشین در دیگری است که بوسیله راه روی برواق حرمخانه بازمیشود وازاین رواق که بطول ۶/۴۰ وعرض ۴/۳۰ متراست بواسطه دری واردگنبد محوطه زیرگنبدحرمخانه میتوان شد . حرمخانه بشکل طاق مربعی است که هر ضلع آن پنج متر است و با گنبد ساده آجـری پوشیده

شده و محل قبور عده‌ای از زنان و بزرگان خاندان صفوی است بعضی از قبور ازقرار ذیل است .

۱ – قبردخترشیخ صفی‌الدین که برصندوق منبت‌کاری روی آن نوشته‌شده: «عمل استاد عثمان‌بن احمد المراغی» .

۲ – قبر دختر شیخ زاهدگیلانی ، فاطمه خاتون‌که زن شیخ صفی‌الدین‌بود و بسال ۷۳۵ درگذشته است .

۳ – قبر سید موسی‌بن سلطان حیدرکه تاریخ وفات او ۷۹۲ هجری است .

۴ – قبر سلطان بایزیدبن خواجه حسین الصفوی که در ۹۰۸ هجری درگذشته است .

۵ – قبر سلام‌الله‌بن خلیل صفوی که در جمادی الاخر سال ۹۰۹ هجری درگذشته .

۶ – قبر مرشد قلی آقا‌ابن‌الله قلی آقا ایشیك‌آقاسی .

چینی‌خانه

چینی‌خانه درسمت‌شرقی رواق‌بقعه واقع شده وآن بنایی است هشت ضلعی که از چهارطرف دارای قسمتهای خروجی طاق‌مانندآست، وقطر آن تقریباهجده متر می‌باشد دراطراف خروجیها،قفسه های‌دیواری برای‌نگاهداری‌کتب وظروف تقدیمی‌ازطرف‌پادشاهان‌ساخته‌شده است چینی‌خانه درعهد شاه‌صفی ازروی مرتبه فوقانی عمارت عالی قاپور در اصفهان بناگردیده است .

در وسط سه‌طاق خروجی شمالی وشرقی و جنوبی پنجره‌ای قرارگرفته‌که از طرف داخل در دولنگه تخته‌ای و از خارج نرده آهنی مشرف به محوطه شهیدگاه دارد . اولئاریوس Olearius منشی هیأت سفارت دولت هلشتاین یکی از دول آلمان قدیم در دربار صفوی (۱۶۳۶ – ۱۶۳۷) در سفرنامه خود درباره چینی‌خانه‌مینویسدکه : درسقف کتابخانه‌اردبیل که‌گنبدمانندساخته شده قدحهای

چینی بسیار بزرگ کار چین در نقل دانها گذاشته‌اند . از قراری که شنیده‌ام آشپزخانه مقبره شیخ‌صفی روزی هزارتن را غیر از خدمتگزاران غذا میدهد و روزی سه‌بار غذا صرف میشود . غذاها عبارت است از : آش و پلو مخارجی که دیوان دولت باین آشپزخانه میدهد روزی پنجاه تومان است .

دوبرابر این مبلغ هم از نذورات مردم عاید این بقعه میشود . و وقت غذا طبلی برای‌خبردادن بمردم میزنند. قبوری که دراردبیل‌است ازاینقرارمی‌باشد: قبر شیخ صفی ، قبر شیخ صدرالدین پسر او ، قبر شیخ زین‌الدین پسر شیخ صدرالدین، قبرسلطان حیدر، قبرشیخ حیدر پسر سلطان‌حیدر ، قبرشاه‌اسماعیل پسر شیخ حیدر ، قبرشاه طهماسب پسر شاه اسماعیل قبر اسماعیل ثانی پسرشاه طهماسب ، قبرشاه محمد خدابنده ، قبراسماعیل‌میرزا و حمزه‌میرزا و پسر های شاه‌محمد خدابنده .»

شهیدگاه ـ پس از آنکه شاه‌اسمعیل صفوی در ۹۰۵ برای انتقام خون پدرش سلطان‌حیدروجدش‌سلطان جنیدبه‌شروان لشکرکشیدفرخ‌یسار شاه‌شروان راکشته و نعش‌پدرش وسرگردکان صفوی را از آنجا به اردبیل آورده زیرگنبد ـ اللّٰه‌اللّٰه روبروی مرقد شیخ‌صفی‌الدین دفن‌کرد ودیگر اجساد را فرمود درمحوطه خارج‌بقعه درمجاورت‌مقبره‌شیخ دفن‌کردند ازاینروساحت‌مزبور را ازآنروزگار شهیدگاه نامیدند و بعدها به‌گورستان عمومی تبدیل‌گردید .[1]

اعتمادالسلطنه در مرآت البلدان مینویسد : « این شهر در زمان صفویه زیادمعمور وآبادشد وموقوفات بسیاری برای‌طلاب قرار دادند .کتابخانه‌اردبیل معروف دنیا و اغلب کتب بزبان عربی وقلیلی از آن فارسی و ترکی وجلد های آن غالباً طلا و نقره بوده ، اما حالا چیزی از آن باقی نیست . در زمان‌صفویه

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ص ۱ ـ ۳ ؛ آثار باستانی وابنیه‌تاریخی آذربایجان ص ۳۳ ـ ۶۰ تألیف اسماعیل دیباج .

مردم از بلاد بعیده بزیارت مقبره شیخ صفی‌الدین می‌آمدند. چندین مسجد و مدرسه در حوالی این مقبره است. درهای این مدارس از نقره می‌باشد، ضریح مرقد شیخ صفی‌خانم و در چهارگوشه‌گوی های طلانصب کرده‌اند. قنادیل طلا و نقره ازسقف گنبد آویخته‌اند. در زمان صفویه این شهر ملجاء وپناه مقصرین ایران بوده هرکه تقصیر بزرگی میکرده باین شهر میگریخته و در مقبره شیخ صفی‌الدین بست می‌نشسته و در امان بوده است. [گویند] یکتای نعلینی از نعال شریفه حضرت‌نبوی(ص) زینت افزای مقبره شیخ صفی‌است.»(۱)

بارتولد مینویسد: «اردبیل‌در سال ۱۸۲۸ میلادی بتصرف پاسکویچ‌درآمد و قسمت بزرگ کتابخانه بعنوان غنیمت جنگ به پطرسبورغ (لنین‌گراد) ارسال گردید و تا بامروز در کتابخانه عمومی این‌شهرمحفوظ است. در بین‌نسخ خطی تألیفات کمیاب وگرانبهای زیادی وجود دارد»(۲)

خوشبختانه اخیراً طومار جالبی از سیاهه کتب وآثات البیت بقعه شیخ صفّی‌الدین از قبل ازیغمای قشون مهاجم روس‌که در عهدفتحعلی شاه روی داده بدست‌آمده‌که‌توسط کتابخانه ملی تبریز در نشریه شماره ۱۶ تحت عنوان‌گنجینه شیخ صفی‌باهتمام فاضل محترم‌آقای سیدیونسی‌رئیس آن کتابخانه بچاپ رسیده که و برای تکمیل این فصل ومزیدفایده عیناً آنرا دراین کتاب نقل می کنیم:

صفیهٔ صفویه‌حفت بالانوارالقدسیة

عرض

موجودی اجناس و اسباب و متروکات آستانهٔ مقدّسهٔ منّورهٔ متبرکه‌ازقرار بازدید عالیشان رفیع مکان سلالةالسادات‌العظام محمد قاسم بیگ متولی، بیست وپنج رجب‌المرجب ۱۱۷۲ پارس‌ئیل.

۹۷۲ مجلد ۳۰جزو ۲۲۴ ورق ۲۳۰ دانه ۱۳۲۵ عدد ۱۲ فردثوب ۳۳ زرع ۶۹ نیم .... (۳)

---

۱ ـ مرات‌البلدان ـ ج ۱ ماده اردبیل. ۲ ـ تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۲۶۹. ۳ ـ جاهای نقطه گذاری شده ناخوانات

کتب ـ طلاآلات

۹۷۲ مجلد ۳۰ جزو ۲۲۴ ورق.

مصحف مجید: ۷۴۴ مجلد ۳۰ جزو

سی‌پاره ۲۲۴ مجلد ۲۲۴ ورق

پنجره : ۷ عدد

که در اصل گنبد مبارك است عدد

قبه‌که در صندوق مبارك است ۶ عدد

نقره‌آلات :

۷ زوج ۱۴ عدد ۱۰۰ مثقال

ظروف :

چینی‌آلات و غیره بعد از وضع آنچه شکسته و از مالیّت افتاده ۹۵۷ عدد

دروب : ۷ زوج.

نعلبکی :

که درصندوق نصب است ۸ عدد

چینی‌آلات :

۹۴۹ عدد

عقیق ویشم وفادزهر

۶ پیاله

پنجره :

که در میان شاه‌نشین و دارالحفاظ نصب است عدد

معجر :

محرابدار مدّرس حضرت شیخ صدرالدین علیه‌الرحمه عدد

درب مودارلب‌شکسته

شبکهٔ نقره که در یکطرف صندوق شاه اسماعیل نصب است ۱۰۰ مثقال

طوق مطلا در گنبد حضرت شیخ عدد

۸۵۷ عدد ۹۲ عدد ۸ عدد .

برنجینه آلات : ۵۰ عدد ۹ دست

۲۰۰۰ عدد چهل‌چراغ ۲ عدد شمعدان ۲۵ عدد پیه‌سوز ۷ عدد

آفتابه‌لگن

۷ دست .... دودست

... چرمی‌زوج صندوقچه صدف عدد

تسبیح : ۲۳۰ دانه

خاکی کربلائی ۲۰۰ دانه خوئی ۳۰ دانه

... آبه‌نوس و غیره ۱۱ عدد

...، آبه‌نوس ۳ عدد ... انداز ۸ عدد

مسینه آلات : ۱۱۷ عدد

... عدد طشت دوعدد قزغان (دیك) ۷ عدد ... دوعدد

سرپوشهٔ قزغان ۳ عدد

... عدد .... ۳۷ عدد

دیگ‌دان عدد

بوشقاب ۳ عدد پیه‌سوز دوعدد شمعدان ۱۲ دانه

طوق طلا : ۲ عدد

آهن آلات : ۷ عدد

سرعلم مدور مکتب ۷ عدد شمشه که در ایام متبرکه شمع چیده میشود داخل ....

کتب : ۹۷۲ مجلد ۳۰ جزو ۲۲۴ ورق

مصحف مجید : ۷۴۴ مجلد ۳۰ جزو

به خط حضرات معصومین علیهم‌السلام ۳۵ مجلد

به خط مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام بخط کوفی مجدول مذهب کاغذ پوست آهو ازسورهٔ طلاق الی سورهٔ معوّذتین جلد تیماج مقوی ترنجدار بیاض قابلق (پوشش پارچه‌ای) زربفت بوم‌طلا حاشیه زربفت نقره‌باف بطانه دارای حریر قرمز بندگلابتون سجاف حاشیه طلاباف مع لفافهٔ سفید. مجلد

بشرح ایضاً آیات مبارکات قرآنی که در ضمن آن قلمی نموده‌اند که خط حضرات ائمّهٔ معصومین است. جلد ساغری بیاض برنجدار مع قابلق زربفت دهیک باف لبه‌دار حاشیه زربفت نقره‌باف بطانه‌دارای زردمع بندگلابتون باف. مجلد

به خط مبارک حضرت حسن علیه‌السلام آیات قرآنی بی‌خط کوفی کاغذپوست آهو جلد تیماج مع قابلق دهیک نقره‌باف لبه‌ابریشم حاشیه زربفت طلاباف سجاف بشرح ایضاً بطانه‌دارای زردبندگلابتون‌باف مع لفافهٔ سفید. مجلد

بشرح ایضاً بخط امام‌المتقین علی علیه‌السلام به خط کوفی کاغذ پوست آهو ارسورهٔ ملک الی معوذتین جلد تیماج مقوی ترنج‌دارمع قابلق قطنی سادهٔ مستعمل مجلد

به خط مبارک حضرات ائمه معصومین مشتمل به آیات قرآنی جلد تیماج مقوی ترنجدار مع قابلق مخمل مستعمل محرمات . مجلد

به خط مبارک حضرات ائمه معصومین مشتمل به آیات قرآنی کاغذ هندی مذهب سرلوحدار جلدمقوی تیماجی مع قابلق قطنی زرد مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً بخط مبارک حضرات ائمهٔ معصومین از سورهٔ ملک الی آخر قرآن کاغذ پوست آهو صفحهٔ اول به خط ثلث نوشته شده جلد تیماج بیاضی حاشیه‌دار مع قابلق مخمل سبز مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً بیاض کاغذ پوست آهو جلد مطلّس ضربی مشتمل به آیات قرآنی در اول و آخر دو ورق کاغذ قرمز . مجلد

به خط مبارك حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تمام قرآن کاغذ پوست آهو مذهب جلد تیماج بیاض حاشیه ترنجدار سبز اندرون متن مذهّب ترنجدار مع قابلق خطائی سرخ مستعمل . مجلد

به خط حضرات ائمهٔ معصومین تمام قرآن بیاض کاغذ پوست آهو صفحهٔ اول و آخر افتاده جلد تیماج مقوی مع قابلق سبز مخمل مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً بیاض کاغذ پوست آهو مذهب جلد مقوی آهنجامه‌دار مع قابلق مخمل سبز مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً بیاض کاغذ پوست آهو مشتمل به آیات قرآنی جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه مطلّس مکتب اندرون ترنجدار مع لفافهٔ حریر سبز مع قابلق مخمل محرمات . مجلد

بشرح ایضاً چند ورق مشتمل به آیات قرآنی بیاض کاغذ پوست آهو جلد مقوی مع قابلق مخمل سبز مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً مشتمل بر آیات قرآنی کاغذ پوست آهو از سورهٔ مبارکه تنزیل الی سورهٔ محمد (ص) بیاض جلد مقوی تیماجی ساده مع قابلق مخمل سبز مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً یك جزو از آیات قرآنی کاغذ پوست آهو اول و آخر ندارد و بیاض بی‌جلد . مجلد

بشرح ایضاً بیاض کاغذ پوست آهو اول و آخر ندارد یك طرف جلد مقوی مجلد

بشرح ایضاً ازسورهٔ اعراف الی سورهٔ یونس کاغذپوست آهو جلدتیماجی ضربی سراوحدار مذهب . مجلد

بشرح ایضاً اوراق گردیده مذهب کاغذ پوست آهو جلد کهنه تیماجی . مجلد

به خط حضرات ائمهٔ معصومین مشتمل به آیات قرآنی کاغذ پوست آهو مذهب بیاض جلد تیماج ساده . مجلد

به شرح ایضاً اوراق مذهب کاغذ پوست آهو جلدکهنه تیماجی . مجلد

به شرح ایضاً تمام قرآن چند ورق از اول و آخر به‌خط نسخ نوشته شده کاغذ پوست آهو جلد تیماج ترنجدار بغلی . مجلد

به شرح ایضاً قرآن بغلی کاغذ پوست آهو در آخرش دو ورق بخط نسخ نوشته شده جلد تیماج ترنجدار . مجلد

به شرح ایضاً بعضی تمام و برخی نصفه جلد تیماج . ۶ مجلد

به شرح ایضاًکه اول و آخر ندارد اوراق . دومجلد

به شرح ایضاً ازفاتحه‌الی آخر قرآن چارکی کاغذ پوست آهو جلد تیماج ساده . مجلد

به شرح ایضاً از اول الی آخر قرآن مذهب سرلوحدار بی جلد . مجلد

به شرح ایضاًمشتمل به سوره قرآنی کاغذحنائی مذهب سرلوحدار بغلی جلد تیماج مستعمل . دو مجلد

به شرح ایضاً بغلی تمام قرآن کاغذ هندی حنائی مذهب سرلوحدار جلد تیماج ترنجدار . مجلد

به شرح ایضاً بغلی سرلوحدار از آخرش افتاده جلد تیماج ساده ، مجلد به خط نسخ و غیره ۲۰ مجلد

به خط نسخ بسیار قطع بزرگ مجدول مذهب کاغذ طغرائی که چهار ورق دراول وسه‌ورق درآخر تمام سرلوحداردمع فالنامه ودعای ختم قرآنی که باسفیدآب

نوشته شده به خط شمس‌الدین به عبدالله کاتب جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه و متن ترنجدار اندرون مشبک مطلس حاشیه آیة‌الکرسی بنفش مع لفافهٔ مخمل. مجلد.

به شرح ایضاً تمام به طلا نوشته شده مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ هندی جلد مطلس ضربی تیماجی ترنجدار حاشیه به شرح ایضاً اندرون ایضاً ترنجدار مشبک مع لفافهٔ سبز که همایون پادشاه هند وقف نموده. مجلد

به شرح ایضاً تمام به طلا تحریر شده مجدول مذهب سرلوحدار به خط احمدکاتب جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه ایضاً مکتب اندرون مشبک مع لفافهٔ سبز. مجلد

به شرح ایضاً مترجم مجدول مذهب سرلوحدار که جای ترجمه به سرخی افشان چند ورق از اول و آخر سرلوحدار و در آخر دعای ختم و فالنامه به سفیدآب نوشته شده جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه ایضاً اندرون به‌شرح ایضاً مطلس ضربی حاشیه ایضاً مع یك طرف لفافه. مجلد

به‌شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار مترجم به سرخی جلد تیماج ترنجدار حاشیه به شرح ایضاً. مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب مترجم حاشیه مکتب سرلوحدار مشتمل بردو حاشیه سرخ افشان جلد ساغری ترنجدار موقوفهٔ شاه سلطان حسین طاب‌الله ثراه مع قابلق مستعمل، مجلد

به شرح ایضاً مترجم افشان به‌طلا مجدول مذهب حاشیه مکتب سرلوحدار تیماج ترنجدار حاشیه، به شرح ایضاً مطلس ضربی موقوفهٔ شاه‌سلطان حسین علیه‌الرحمه مع قابلق قطنی مستعمل. مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب‌سرلوحدار درهرصفحه سه‌سطر به طلاولاجورد

نوشته شده و در آخر دعای ختم به‌طلانوشته شده جلد تیماج‌مطلس ضربی‌اندرون به شرح ایضاً مشبك ضربی مع‌لفافه وقابلق مخمل مستعمل. مجلد

به شرح ایضاً مترجم متن خطائی حاشیه قرمز مجدول مذهب سرلوحدار جلد ساغری ترنجدار مطلس ضربی‌اندرون به شرح ایضاً ترنجدار ضربی‌موقوفهٔ ابوالقاسم بیگ مع‌لفافه مستعمل. مجلد

به شرح ایضاً مجدول‌مذهب سرلوحدار درهر صفحه دو سطر به‌ثلث نوشته شده در آخر فالنامه دارد به خط محمدکاتب‌جلد تیماج‌مطلس ضربی اندرون‌به شرح ایضاً ترنجدار مشبك لفافه‌دار. مجلد

به شرح ایضاً مترجم مجدول مذهب سرلوحدار و در آخر یك صفحه به طلا اسم واقف نوشته شده جلد نقاشی بیرون واندرون به طلامحرّر است. مجلد

به خط یاقوت مستعصمی مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج ترنجدار به شرح ایضاً. مجلد

به شرح ایضاً به خط یاقوت مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج بیرون و اندرون مطلس ضربی مع‌لفافه. مجلد

به خط نسخ مجدول مذهّب سرلوحدار که سه‌ورق در اول و سه ورق در آخر سرلوحدارد و درهر صفحه سه سطر ثلث‌جلی نوشته شده در آخر دعای‌ختم وفالنامه به‌سفیدآب نوشته شده جلدتیماج‌مطلس‌ضربی بیرون و اندرون‌ترنجدار مع‌لفافه. مجلد

به خط ریحان‌مجدول مذهب سرلوحدار وچند ورق در اول و آخر قواعد قرآنی نوشته شده جلد تیماج مطلس ضربی بیرون و اندرون مع‌لفافه. مجلد

به خط نسخ مجدول‌مذهب سرلوحدار که در هر صفحه سه‌سطر به خط‌ثلث جلی نوشته شده جلد تیماج ترنجدار اندرون به شرح ایضاًضربی مشبك. مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار در آخر دعای ختم و فالنامه به

سیاهی نوشته شده جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه بشرح ایضاً مع لفافه . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه ازمیری و دو صفحه آخر نیز سرلوحدار تیماج مطلس ضربی بیرون و اندرون مشبک ضربی حاشیه ایضاً مع لفافه . مجلد

به‌شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار هرصفحه سه‌سطر به خط ثلث نوشته شده جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه ایضاً اندرون ترنجدار مشبک مع لفافه . مجلد

به خط ریحان و غیره ؟ ۹۲ مجلد

به خط ریحان مترجم به سیاهی مذهب سرلوحدار صفحهٔ اول افتاده بسیار ضخیم جلد تیماج کهنه . مجلد

به خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار من موقوفهٔ غفران پناه شاه‌طهماسب ماضی جلد مطلس ضربی تیماجی اندرون مشبک ترنجدار مع لفافه . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج مقوی مطلس ضربی اندرون ترنجدار مشبک . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج مقوی بیرون اندرون مطلس ضربی ترنجدار مع لفافه . مجلد

به‌شرح ایضاً مترجم به‌سرخی مجدول‌مذهب سرلوحدار جلد تیماج‌ترنجدار بیرون اندرون مشبک . مجلد

به شرح ایضاً مترجم به سیاهی مجدول مذهب سرلوحدار در آخر فالنامه به خط نسخ نثر نوشته شده من موقوفهٔ سلمان جلد تیماج ترنجدار مطلس‌ضربی اندرون ترنجدار مشبک . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب دراول دو ورق تمام سرلوح و در آخرسه‌ورق تمام سرلوح ودعای ختم وفالنامه به طلا وسفیدآب نوشته شده جلد تیماج ضربی اندرون به شرح ایضاً متن و حاشیه مشبک ضربی . مجلد

به شرح مجدول مذهّب سرلوحدار به خط محمدامین متن به رنگ حنائی جلد تیماج ترنجدار بیرون اندرون مشبك اوراق. مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار متن به رنگ حنائی به خط محمد امین مزبور جلد ساغری سرخ ترنجدار اوراق. مجلد

به شرح ایضاً مجدول سرلوحدار جلد ساغری بیرون اندرون ترنجدار اوراق مجلد.

به شرح ایضاً مجدول مذهب درهر صفحه سه سطر ثلث نوشته شده در آخر دعای ختم جلد تیماج کهنه اوراق. مجلد

به خط ریحان مترجَم به سیاهی سرلوحدار بسیار ضجیم جلد تیماج کهنه. مجلد

به خط ریحان مترجم به سیاهی مذهب از سورهٔ مریم الی آخر قرآن جلد تیماج کهنه. مجلد

به خط نسخ بغلی قطع کوچك مجدول مذهب سرلوحدار تیماج مطلّس ضربی مع یك عدد غلاف فولاد آهنجامه نقره و قابلق مخمل مستعمل. ۳ مجلد

به خط نسخ بغلی ضخیم جلد تیماج ترنجدار. ۴ مجلد

به خط ریحان مذهب سرلوحدار از سورهٔ فاتحه الی آخر کهف جلد تیماج ساده. مجلد

به خط ثلث مجدول مذهب مترجم به سیاهی حاشیه مکتب از اول فاتحه تا آخر جزو چهارم من موقوفة ارس خان. مجلد

به خط نسخ در هر صفحه سه سطر به خط ثلث به طلا تحریر شده مذهب مشتمل به سورهٔ یس و چند سورهٔ دیگر به خط عبدالخالق جلد تیماج ترنجدار مجلد.

به خط ریحان‌جلی مجدول‌مذهب از ابتداء سورهٔ یس‌الی آخر سورهٔ‌تغابن به خط محمد خلیلی جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد

به خط ریحان مذهب مجدول مترجم به سیاهی‌جلی قطع بزرگ جلدتیماج ساده به خط ابوالفتح . مجلد

به خط ثلث مذهب ضخیم به خط احمد جلد مقوی ساده اوراق شده . مجلد .

به خط ریحان‌مذهب سرلوحدار در آخر نیز دو ورق سرلوحدارد و به‌خط محمدبن اسمعیل خطاط جلد مقوی ساده . مجلد

به خط ریحان‌جلی مذهب یکورق از اول مجدول از اعراف‌الی‌آخرکهف قطع بزرگ جلد مقوی ساده‌کهنه . مجلد

به خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج اوراق . مجلد

به خط ریحان مترجم به سیاهی مذهب سرلوحدار صفحهٔ اول افتاده جلد مقوی ساده ضخیم کهنه . مجلد

به خط نسخ بعضی از اول و برخی از آخر افتاده قرآن قدیم جلد سادهٔ تیماجی ۲۴ مجلد

به خط نسخ و قرمه مترجم بعضی سرخی و بعضی سیاهی بعضی از اول و بعضی از آخرافتاده همه جلد تیماج‌کهنهٔ ساده . ۸ مجلد

به خط نسخ و ثلث تمامی اوراق بعضی از اول و بعضی از آخر افتاده‌کهنه مجزی و مجلد ۳۰ جلد .

سی‌پاره ۵۹۷ مجلد ۳۰ جزو

به خط نسخ مجدول‌مذهب سرلوحدار جلد تیماجی ضربی ترنجدار‌اندرون به شوح ایضاً ترنجدار مشبك ممهور به مهرشاه‌اسماعیل علیه‌الرحمه جز آخرش مندرس شده . ۳۰ مجلد

به خط نسخ بسیار قطع کوچک در میان محفره جلد مقوی تیماجی ترنجدار ۳۰ مجلد

به خط ثلث جلّی مترجم به سیاهی مجدول مذهّب سرلوحدار تیماجی سرخ به طلا تحریر . ۲۸ مجلد

به خط ریحان جلّی مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماجی ساده به طلا ۲۳ مجلد

به خط ثلث مجدول مذهب بی‌جلد به خط محمد خلیلی ۳۰ جزو

به خط نسخ مجدول به سرخی جلد مقوی تیماجی ساده . ۲۹ مجلد

به خط ریحان جلی مجدول مذهب سرلوحدار جلد سیاه . ۲۶ مجلد

به خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماجی ترنجدار ساده . ۲۷ مجلد .

به خط ریحان جلی مذهب سرلوحدار به طلا جلد تیماجی سرخ ترنجدار ساده . ۲۳ مجلد

به خط ریحان جلی مذهب مترجم به سرخی سرلوحدار جلد تیماج سرخ. ۲۳ مجلد

به خط نسخ در هرصفحه سه‌سطر ثلث جلی نوشته شده مجدول مذهب‌جلد تیماجی ساده ترنجدار اندرون تیماج سرخ . ۲۹ مجلد

به خط ریحان‌جلی مجدول مذهب سرلوحدار به خط عماد جلد تیماجی به طلا تحریر . ۲۸ مجلد .

به‌خط نسخ مذهب‌هر صفحه سه‌سطر به خط‌جلی‌طلا تحریرشده‌جلدتیماجی ساده اندرون تیماج سرخ . ۱۹ مجلد

به خط ریحان جلی مجول مذهب سرلوحدار جلد تیماجی ساده به طلا تحریر سرسورهٔ ایضاً به طلا تحریر شده . ۲۲ مجلد

به خط ریحان جلی به قطع بزرگ مذهب سرلوحدار تیماج ساده . ۸ مجلد

به خط ریحان جلی مذهب سرلوحدار شیرازه برطرف و اوراق شده جلد تیماج ساده . ۲۴ مجلد

به خط ریحان‌جلی مذهب سرلوحدار جلد تیماج ترنجدار . ۲۸ مجلد

اجزاء به قطعات مختلف بعضی اوراق و برخی مجلد ۲۰۰ مجلد

کتاب ۲۲۸ مجلد و ۲۲۴ ورق ۳۲ مجلد :

خلاصهٔ‌منهج‌الصادقین نستعلیق به خط‌محمدباقر کاغذ سمرقندی جلد تیماج ساده . مجلد

مختلف الشیعه درباب مسائل به خط‌نسخ کاغذ اکلیری جلد مقوی تیماجی مجلد .

دیوان خسرودهلوی‌نستعلیق به خط‌خوشنویس مجدول مذهب سرلوحدار مصور جلد نقاشی بیرون مصور اندرون ترنجدار مشبک . مجلد .

خوارزم‌شاهی نستعلیق‌مجدول‌مذهب دوصفحهٔ اول تمام سرلوح کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون مطلس متن و حاشیه ضربی اندرون متن مشبک حاشیه ضربی . مجلد

رساله‌ای در علم طب از تألیفات محمد زکریا به خط نسخ کاغذ دولت‌آبادی جلد مقوی بدون ساغری اندرون تیماج . مجلد .

جامع کبیر در علم طب از تألیفات محمد زکریا به خط نسخ طغری جلد مقوی بیرون تیماج اندرون‌کاغذ ابری . مجلد

باب‌سیم وهفتم میرخواند نستعلیق مجدول مذهب دو صفحه سرلوحدار کاغذ اکلیری جلد مقوی بیرون اندرون تیماجی لفافه‌دارد . مجلد

کلیات‌مولاناکاتبی نستعلیق‌مجدول‌مذهب کاغذدولت‌آبادی جلد مقوی‌بیرون تیماج سرخ اندرون‌کاغذ الوان . مجلد

کلیات امیرعلیشیر به‌خط خانعلی مجدول مذهّب پنج سرلوحدار کاغذ اکلیری جلد تیماج بیرون نقاشی حاشیه ومتن ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن وحاشیه مشبک مع لفافه . مجلد

الوصول و تهذیب علاّمه به‌خط نسخ فی علم الاّصول جلد تیماجی سیاه. مجلد

مقالات حضرت شیخ علیه الرّحمه مجدول مذهّب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی بیرون و اندرون مطلس ضربی ترنجدار . مجلد

شرح داودمصری به خط نسخ نستعلیق کاغذ دفتری جلد تیماجی کهنه. مجلد

شرح شمسیه به خط نستعلیق کاغذ ازمیری مقوی سیاه . مجلد

شرح هیاکل و رسالهٔ زورا نسخ کاغذ دفتری جلد مقوی کهنه . مجلد

اشارات به‌خط نسخ و نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی بیرون تیماجی. مجلد

تجوید شیخ طوسی علیه الرحمه به‌خط نستعلیق بیرون تیماجی اندرون کاغذ ابری . مجلد

رسالات و غیره ۱۴ مجلد

صریح الملك درباب اسناد وقبالجات املاك ومستغلات موقوفات آستانهٔ مقدسه به‌خط نستعلیق. ۵ مجلد

رسالهٔ باب درشرح آداب به‌خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی. مجلد

متن حکمة العین به‌خط نستعلیق جلد تیماج سیاه . مجلد

ایضاً کاغذ سمرقندی جلد مقوی بیرون ساغری اندرون تیماجی ساده. مجلد

رساله درباب علم اخلاق نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی . مجلد

متن شافیه به‌خط نسخ کاغذ دفتری جلد مقوی کاغذی . مجلد

ایضاً کاغذ سمرقندی جلد تیماجی بیاضی . مجلد

رساله در تصوّف نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی کاغذی . مجلد

رسالهٔ حل موجز نستعلیق کاغذ سمرقندی جلد مقوی بیاضی . مجلد

ایضاً کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن ترنجدار . مجلد

تفسیر سورقرآنی به‌خط نسخ کاغذ دفتری جلد مقوی تیماجی سیاه . مجلد

غرر ودرر به خط نسخ کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی . مجلد

ایضاً کاغذ سمرقندی جلد مقوی بیاضی بیرون متن ترنجدار ضربی مصور اندرون تیماج ساده. مجلد.

مجمع‌الانساب نستعلیق جلد تیماج لفافه‌دار . مجلد

رسالهٔ درعلم اعراب به‌خط نسخ جلد تیماجی . مجلد

بشرح ایضاً کاغذ سمرقندی جلد مقوی ترنجدار اندرون ساده . مجلد

رساله درعلم ریاضی نستعلیق جلد مقوی اندرون کاغذ سفید . مجلد

روضة‌الصفا ۱۲ مجلد.

جلد اول و دوم به‌خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلدمقوی ساده . مجلد

ایضاً جلد اول به‌خط نستعلیق کاغذ دولت آبادی حنائی جلد مقوی‌تیماجی ساده . مجلد.

جلد دوم به خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده لفافه‌دار. مجلد .

ایضاً جلد دوم‌به‌خط نستعلیق مجدول سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد.

جلد سوم به‌خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ اکلیری جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون ایضاً مشبك لفافه‌دار . مجلد .

جلد سوم ایضاً به خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ گجراتی جلد تیماجی بیرون مطلس اندرون‌کنج ترنجدار لفافه‌دار . مجلد

ایضاً جلد سوم به‌خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ هندی جلد

مقوی تیماجی بیرون متن‌حاشیه مطلس ضربی اندوون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد.

ایضاً جلد سوم و چهارم به‌خط نستعلیق کاغذ سمرقندی تیماجی بیرون ایضاً اندرون کاغذ ابری . مجلد.

جلد چهارم و پنجم وششم به‌خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ دولت آبادی جلد مقوی تیماجی بیرون متن و کنج ترنجدار ضربی اندرون مشبك . مجلد .

جلد پنجم به خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون ساده اندرون کاغذ ابری . مجلد .

جلد ششم به خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده اندرون کاغذ ابری. مجلد.

ایضاً جلد ششم به خط نستعلیق کاغذ سمرقندی جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد .

خمسهٔ نظامی ۱۱مجلد.

نستعلیق به‌خط درویش محمدمجدول مذهب مصور حاشیه کاغذ الوان که پنج‌سرلوح دارد جلدمقوی منبّت مطلّس‌ضربی متن‌وحاشیه مشبّك لفافه‌دار.مجلد

ایضاً مجدول‌مذهب مصور کاغذ حاشیه زرد و در دوصفحه سرلوح داردجلد مقوی بیرون مطلس‌ضربی متن حاشیه‌اندرون متن حاشیه مشبك لفافه‌دار. مجلد

ایضاً مجدول مذهب دوصفحهٔ اول سرلوحدارد ازآخر دو ورق افتاده مصور جلد مقوی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن وحاشیه کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

ایضاً به‌خط قاسم‌بن میرعلی مجدول مذهب مصور کاغذ حاشیه الوان پنج صفحه سرلوح‌دارد جلدمقوی‌بیرون نقاشی‌مصور مکتب اندرون متن حاشیه‌مشبك

لفافه‌دار . مجلد

ایضاً مجدول مذهب مصور کاغذهندی دوصفحه تمام سرلوح دارد جلدمقوی تیماجی متن کنج ترنجدار حاشیه‌مطلس ضربی اندرون ایضاً مشبک لفافه‌دار. مجلد

ایضاً به خط معظم‌الدین اوحدی مجدول مذهب مصور دراول دوصفحه و در وسط چهارسرلوح‌دارد کاغذازمیری جلد تیماج بیرون متن کنج ترنجدارمطلس اندرون متن مشبک لفافه‌دار . مجلد

ایضاً به‌خط شیخ محمدبن فخرالدین مجدول مذهب مصور سرلوحدار جلد مقوی تیماجی ضربی بیرون‌مطلس‌اندرون سرخ‌متن‌کنج ترنجدار مشبک‌لفافه‌دار مسمی به‌مخزن‌الاسرار . مجلد

ایضاً به خط محمد مجدول مذهب پنج صفحه سرلوحدارد کاغذ ازمیری جلد مقوی‌بیرون مطلس متن‌حاشیه ضربی‌اندرون متن‌کنج ترنجدار حاشیه‌مشبک لفافه‌دار . مجلد

ایضاً‌مجدول مذهب پنج‌صفحه‌سرلوحدارد کاغذ ازمیری جلدمقوی تیماجی بیرون متن وکنج ترنجدار مطلس اندرون بشرح‌ایضاً مشبک لفافه‌دار . مجلد .

ایضاً مجدول مذهب مصور دوصفحه سرلوحدار ـ حاشیه‌کاغذ افشان الوان و دو صفحه در آخر مصور شکارگاه جلد نقاشی مصور اندرون متن کنج ترنجدار ضربی‌طولانی. مجلد.

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار مسمی مخزن‌الاسرار جلد مقوی تیماجی ترنجدار اندرون‌متن‌وکنج‌ترنجدار مشبک‌لفافه‌دار. مجلد.

مقالات ۴ مجلد نوشتجات ۴مجلد

مقالهٔ خواجه‌عبدالله انصاری به‌خط نستعلیق به خط محمود بن اسحق مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خانبالغ حاشیـه الوان مذهب جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون ایضاً مشبک لفافه‌دار . مجلد

ایضاً‌مقالهٔ مشارالیه به خط شاه محمود نیشابوری حاشیه کاغذ چهرهٔ افشان

مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی اندرون و بیرون کاغذ ازمیری. مجلد

نستعلیق به‌خط سلطانعلی مشهدی مجدول مذهب حاشیه قرمز سرلوحدار جلد مقوی مطلس ضربی متن‌کنج ترنجدار مع‌لفافه. مجلد

نستعلیق به خط‌سلطان محمدنور مجدول مذهب کاغذ ازمیری جلد مقوی بیرون مطلس ضربی حاشیه‌دار اندرون متن‌کنج ترنجدار حاشیه مشبک. مجلد

ایضاًمقالهٔ مشارالیه به‌خط ملامحمدحسین تبریزی‌مجدول مذهب‌سرلوحدار متن کاغذ خانبالغ حاشیه کاغذ سفید نقاشـی جلد مقوی اندرون و بیرون کاغذ ابری. مجلد

به خط میرعلی مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ حاشیه‌الـوان افشان جلد بیرون تیماجی نقاشی اندرون ایضاً ترنجدار مشبك. مجلد

نستعلیق مجدول‌مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد نقاشی‌که درایام‌رومی برده بودند بعد از چندی میرزا عبدالله آورده به‌سرکار سپرده‌اند. مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار ضخیم جلد مقوی متن حاشیه مطلس‌ضربی اندرون متن حاشیه تمام مشبك لفافه‌دار. مجلد

مظهر العجایب ۳۰ مجلد

مظهرالعجایب مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ الوان و افشان به طلا حواشی ایضاً افشان به رنگهای‌مختلف جلدمقوی تیماجی متن حاشیه تمام‌مطلس ضربی اندرون متن‌حاشیه مشبك الوان. مجلد

سبحهٔ جامی مجدول مذهب سرلوحدار مصور دراول دوصفحه ایضـاً مصور کاغذ متن‌الوان حاشیه کبودافشان به‌طلا جلد مقوی تیماجی نقاشی اندرون متن کنج ترنجدار مع‌لفافه. مجلد

لوایح به‌خط میرسیداحمد نستعلیق جلی مجدول مذهب مصور سرلوحدار دو ورق دراول و دوصفحه درآخر مصور جلد مقوی بیرون نقاشی‌مصور اندرون متن‌کنج حاشیه مطلس ضربی. مجلد

... دهکی مذهب مجدول سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك مع لفافه . مجلد

... به‌خط میرحیدر مجدول مذهب‌متن حاشیه‌افشان به‌طلا متن کاغذخطائی حاشیه‌کاغذ خانبالغ افشان دو صفحه سرلوحدار و دو صفحه در اول مصور است جلد مقوی تیماجی متن کنج حاشیه مطلس ضربی اندرون متن‌کنج حاشیه‌مشبك لفافه‌دار. مجلد.

مهر نبوت نستعلیق مجدول‌مذهب مصور دو صفحه سرلوحدار کاغـذ هندی جلد تیماجی بیرون متن وحاشیه مطلس‌اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك‌مع‌لفافه مجلد .

تحفهٔ شاهی مجدول‌مذهب سرلوحدار کاغذ خانبالغ جلد مقوی‌تیماجی‌متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

خمسه مجدول‌مذهب دوصفحهٔ اول تمام سرلوح کاغذهندی‌جلد مقوی‌تیماجی به قطع‌کوچك متن‌کنج مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد .

آصفیه نستعلیق کاغـذ مجدول مذهب سرلـوحدار دو صفحه در اول مصور سرلـوحدار و جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی مصور اندرون متن‌کنج حـاشیه ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد

انتخاب‌خمسه مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ سفید هندی حاشیه‌کاغذ الوان جلد مقوی تیماجی سبز ترنجدار اندرون ساده مع‌لفافه . مجلد

سبحه جامی مجدول مذهب دوصفحه دراول سرلوحدارمصورکاغذ ازمیری به خط روح‌الدین‌جلد مقوی تیماجی بیرون متن‌حاشیه مطلس اندرون متن کنج ترنجدارمع‌لفافه . مجلد .

فضایل مجدول‌مذهب سرلوحدارکاغذ خانبالغ متن افشان به‌طلا جلدمقوی

تیماجی متن کنج ترنجدار حاشیه ضربی مطلس اندرون ایضاً متن کنج مشبک لفافه‌دار مجلد .

سبحه‌جامی نستعلیق متن کاغذ خطائی افشان حاشیه ایضاً کاغذ ابـری افشان مجدول مذهب سرلوحدار مقوی تیماجی متن حاشیه مطلس ضـربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبک . مجلد

زادالمناقب نستعلیق به خط میرمعزالدین کاشی مجدول مذهب سرلوحدار که درسرهر فصل سرلوحی حاشیه کاغذ طغرائی افشان جلد مقوی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مطلس حاشیه مشبک . مجلد

سبحه جامی مجدول مذهّب سرلوحدار نستعلیق به خط محمد معصوم متن کاغذ خطائی حاشیه اکلیری جلد مقوی تیماجی متن ترنجدار مطلس اندرون ساده مع لفافه . مجلد .

... عشق سلسلة‌الذهب مجدول مذهب سرلوحدار متن افشان کاغذ خانبالغ نستعلیق به‌خط طاهر جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبک لفافه‌دار . مجلد

شهپر نستعلیق به خط سلطانعلی مجدول مذهب مصور سرلوحدار صفحهٔ دوم به‌معراج رفتن حضرت رسول(ص) جلد مقوی تیماجی ساده اندرون متن کنج ترنجدار مشبک مع لفافه . مجلد .

بابافغانی نستعلیق مجدول مذهب کاغذ سرخ جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون متن کنج ترنجدار مشبک مع لفافه . مجلد

شاهی مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ هندی حاشیه کاغذ الوان افشان به طلا مصور به خط زین‌الدین جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی انـدرون متن کنج ترنجدار مشبک مع لفافه . مجلد .

گلشن راز مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ آبی افشان حاشیه کاغـذ زرد

افشان نقاشی جلد مقوی تیماجی بیرون ساده اندرون کاغذ ابری مع لفافه. مجلد

کمال اسماعیل مجدول سرخی از اول و آخر دوسه ورق افتاده جلد مقوی تیماجی ساده اندرون سرخ ایضاً. مجلد.

مهر نبوت مجدول مذهب دوصفحه سرلوحدار به خط کمال الدین حسین کاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی مصور اندرون متن کنج ترنجدار نقاشی. مجلد

تحفهٔ جامی نستعلیق به خط میر حسین مجدول مذهب مصور دوصفحه سرلوحدار متن کاغذ خطائی افشان حاشیه نقاشی ترنجدار افشان الوان میان متن حاشیه کاغذ الوان افشان جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج حاشیه ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن حاشیه تمام مشبك لفافه دار. مجلد

تحفهٔ جامی ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه کاغذ قرمز افشان جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع لفافه. مجلد

... نامه مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه افشان مشجّر مصور الوان اسلیمی خطائی دو صفحه در اول و دو صفحه در آخر مصور به خط احمد حسینی جلد مقوی تیماجی متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن حاشیه ایضاً مطلس مع لفافه. مجلد

هفت پیکر به قطع ک. چك مجدول مذهب مصور کاغذ طغرائی مقوی تیماجی نقاشی اندرون ترنجدار نقاشی مع لفافه. مجلد

لیلی و مجنون مجدول مذهب مصور کنار کاغذ الوان افشان به طلا سرلوحدار جلد مقوی بیرون و اندرون نقاشی ترنجدار به خط سلطان محمد. مجلد

گوی وچوگان به خط شاه طهماسب ماضی چهار ورق در اول مصوری سرلوحدار و چند مجلس نیز در میانه مصور متن کاغذ طغرائی حاشیه کاغذ الوان افشان جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون متن کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع لفافه. مجلد

خسرو وشیرین‌مجدول مذهّب دوصفحه دراول سرلوح‌دار ودرمیانه‌چندجا سرلوح‌دارد متن کاغذهندی افشان وحاشیه ایضاً الوان وافشان جلد مقوی‌تیماجی متن‌کنج مطلس ضربی اندرون متن‌کنج حاشیه ترنجدار مشبک مع‌لفافه . مجلد

یوسف‌زلیخا مجدول مذهب سرلوحدار در پشت ورق اول نیز سرلوح‌دارد به خط سلطان محمد خندان جلد مقوی تیماجی ساده اندرون متن کنج حاشیه ترنجدار مشبک مع‌لفافه . مجلد.

شاهنامه ۷ مجلد

به خط نستعلیق کاغذدولت‌آبادی مجدول مذهب مصور در اول دوصفحه‌تمام سرلوح جلدمقوی تیماجی بیرون مطلس‌ضربی بندرومی‌حاشیه بشرح‌ایضاً‌اندرون متن کنج ترنجدار حاشیه مطلس ضربی لفافه‌دار . مجلد .

ایضاً مجدول مذهب مصور سرلوحدار دوصفحه اول ، مصور متن‌کاغذخطائی حنائی حاشیه‌کاغذ سفید جلد مقوی نقاشی مصور اندرون ترنجدار مشبک . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار ضخیم جلد مقوی تیماجی متن‌کنج حاشیه مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبک مع‌لفافه . مجلد

ایضاً مذهب سرخی سرلوحدار مصور در اول و آخر دو صفحه جنگ‌گاه وصفحهٔ اول افتاده جلد مقوی تیماجی سیاه ساده .

ایضاً مذهب مجدول کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبک . مجلد .

ایضاً مجدول مذهب مصورصفحهٔ اول افتاده جلد مقوی متن و حاشیه‌مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبک . مجلد.

ایضاً مذهب مجدول سرلوحدارمصور دوسه ورق از آخر افتاده جلدمقوی ساغری سیاه اندرون متن کنج ترنجدار مشبک . مجلد .

تیمور نامه ۹ جلد .

به خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار متن و حاشیه افشان متن کاغذ خطائی حاشیه هندی میان متن حاشیه‌الوان به خط محمود بن‌اسحق شهابی جلد مقوی تیماجی متن حاشیه منبت اندرون تمام ترنجدار مشبك مشهور بـه هاتفی لفافه‌دار . مجلد

مسمی به ظفرنامه مجدول مذهب‌سرلوحدار کاغذازمیری به خطوحیدالدین حسینی جلد مقوی سیاه ساده . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی متن کنج‌ترنجدار اندرون ساده مع‌لفافه . مجلد

مسمی به‌هاتفی مجدول مذهب‌سرلوحدار تیماجی حاشیه‌سرخ مصورمشجر به طلا تحریر جلد مقوی‌تیماجی نقاشی حاشیه مکتب اندرون‌متن کنج ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد

ظفرنامه به خط نسخ مجدول سرخی جلد مقوی تیماجی ساده ترنجدار . مجلد

ایضاظفرنامه‌مجدول مذهب سرلوحدار به‌خط سلطان محمدکاتب جلدمقوی تیماجی . مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی افشان به طلا به خط محمدبن ملامیر جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون ساده. مجلد

مجدول مذهب مصورسرلوحدار دو صفحه دراول‌سرلوح ویکورق نیزمصور کاغذ ازمیری به خط ابراهیم زرگر جلد مقوی تیماجی متن‌کنج ترنجدارمشبك مع‌لفافه . مجلد

نستعلیق به خط میرعلی حامی‌مجدول مذهب سرلوحدار کاغذازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه نقاشی اندرون‌کاغذ افشان مع لفافه مجلد .

. . . . ۲۷ مجلد

. . . . ۵ مجلد

. . . . ۴ مجلد

به خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی ساغری ساده مجدول مذهب سرلوحدار به خط سلیمان اندرون طلا متن مشبك . مجلد .

جلد اول به خط نستعلیق کاغذ ازمیری مجدول مذهب سرلوحدار جلدمقوی بیرون ساغری سرخ اندرون تیماجی . مجلد

ایضاً کاغذ دولت آبادی جلد مقوی تیماجی اندرون و بیرون ساده . مجلد

جلد دوم به خط ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ هندی جلد مقوی بیرون ساغری ساده اندرون تیماج ساده لفافه‌دار . مجلد

به خط نسخ و نستعلیق جلدمقوی تیماجی سرخ ساده اندرون ایضاً . مجلد

ایضاً به خط نسخ مجدول مذهب کاغذ دولت آبادی جلد مقوی تیماجی اندرون مشبك در پشت ورق اول مهر مذهب مکتب دارد . مجلد

جلد سوم و چهارم به خط ایضاً مجدول مذهب کاغذ اکلیری سرلوحدار جلد مقوی ساغری اندرون تیماجی لفافه‌دار . مجلد

ایضاً به خط نسخ مجدول سرخی ضخیم جلد مقوی تیماجی بیرون و اندرون ضربی ساده . مجلد

حلد پنجم به خط ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلدمقوی بیرون ساغری ساده اندرون تیماج لفافه‌دار . مجلد

حافظ ابرو به خط نستعلیق کاغذ اکلیری که انتها ندارد جلدمقوی تیماجی بیرون اندرون ساده به قطع بزرگ لفافه‌دار مجلد

روضة‌الاحباب به خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی لفافه‌دار . مجلد .

اسرارالابرار ایضاً به خط غیاث‌الدین کاغذ دولت آبادی جلد مقوی تیماجی ساده اندرون کاغذ سفید . مجلد

مطلع‌الانوار . ایضاً کاغذ ازمیری جلد تیماج مقوی ساده اندرون کاغذ سفید مجلد .

خیرالبشر جلد دوم نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد

مرزبان نامه به خط نسخ و نستعلیق مجدول کاغذ ازمیری سرلوحدار جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد

ثواب تسبیح ۷ مجلد

مثنوی مولای روم ۷ مجلد

تاریخ مشتمل بـر ذکر سلاطین سلف و شکل اقلیم سبعه نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ هندی جلدمقوی تیماجی‌متن‌کنج ترنجدار مطلس اندرون ساده لفافه‌دار . مجلد

مثنوی مولای روم ۳ مجلد

تاریخ ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام ۲ مجلد

نستعلیق حاشیه مکتب مجدول مذهب دوسه سرلوحدار و کاغذ هندی جلد تیماج لفافه‌دار . مجلد .

نستعلیق مجدول مذهب مصور دوصفحه سرلوحدار کاغذ طغرائی جلدمقوی تیماجی بیرون نقاشی متن کنج ترنجدار مصور اندرون مطلس ضربـی متن کنج ترنجدار مشبك . مجلد

ایضاً مجدول مذهب مصور دوصفحه سرلوحدارد جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك مطلس . مجلد

ایضاً مجدول سرخی کاغذ دولت آبادی جلد مقوی اندرون بیرون تیماجـی لفافه‌دار . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی سرخ تیماجی لفافه‌دار . مجلد

تاریخ‌شاه‌اسماعیل علیه‌الرحمة مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ الوان افشان حاشیه شرح ایضاً از آخر یك ورق افتاده جلد مقوی تیماجی متن کنج حاشیه ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن‌کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد .

جواهرالاخبار به‌خط نستعلیق کاغذ اکلیری جلد تیماج متن کنج ترنجدار مطلس ضربی لفافه‌دار اندرون مشبك به خط‌بوداق منشی . مجلد

تاریخ‌چنگیزی ۲ مجلد

به‌خط نستعلیق مجدول‌مذهب سرلوحدار کاغذکشمیری جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون‌کاغذ افشان لفافه‌دار . مجلد

ایضاً مجدول‌مذهب کاغذ سمرقندی‌سرلوحدار جلد مقوی‌متن کنج ترنجدار مطلس ضربی . مجلد

تذکرة‌الشعراء ۲ مجلد

نستعلیق به خط کمال‌الدین مذهب سرلـوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن ترنجدار مطلس ضربی اندرون‌کاغذ ابری لفافه‌دار . مجلد

ترکی‌نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ طغرائی حاشیهٔ‌کاغذسفید افشان جلد مقوی تیماجی‌بیرون متن‌کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

دیوان خاقانی وغیره .

خاقانی ۲ مجلد .

نستعلین مجدول‌مذهب بعضی ازحواشی آن‌مکتب سرلوحدار مقوی‌ساغری بیرون اندرون ترنجدار . مجلد

ایضاً نستعلیق سرلوح بسرخی‌نوشته شده متن و بعضی از حاشیه مکتب‌جلد

مقوی تیماجی متن‌کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون ایضاً کنج ترنجدار مشبک مجلد.

اهلی ۲ مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار از اول الی آخر در دو صفحه سرلوح بـه طلا جلد مقوی تیماجی بیرون اندرون مطلس ضربی اندرون‌کنج ترنجدار مشبک به خط هدایت‌الله کاتب شیرازی. مجلد

مجدول مذهب کاغذ سمرقندی جلد مقوی تیماجی مجلد. کمال اسماعیل ۲ مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تمیاجی متن کنج ترنجدار ضربی اندرون متن مشبک لفافه‌دار. مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی سیاه اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبک لفافه‌دار. مجلد

خواجه حافظ شیرازی به‌خط نستعلیق مجدول مذهب به خط شاه‌محمود نیشابوری سرلوحدار که در ابتدا غزلیات سرلوحدار دکاغـذ ازمیری جلد مقوی ساغری سفید بیرون ترنجدار مطلس کنج ایضاً اندرون کنج ترنجدار مشبک مجلد.

ملانظام اشترآبادی مجدول مذهب مصور سرلوحدار کاغذ ازمیری مشتمل برچند مجلس غزوات حضرات جلد مقوی تیماجی سیاه ساده. مجلد

مهر و وفا مجدول مذهب سرلوحدار دوصفحه کاغذ خانبالغ حاشیه الوان افشان میان متن حـاشیه ایضاً کاغذ الوان جلد مقوی ترنجدار تیماجی سرخ متن کنج ترنجدار ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبک لفافه‌دار. مجلد

عماد فارسی به‌خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی تیماجی ساده لفافه‌دار. مجلد

...؟ نستعلیق جلد مقوی تیماجی سیاه ساده. مجلد

کلیات نزاری که جای بسم‌الله بسرخی نوشته شده کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده. مجلد

خلاصة الاخبار ۲ مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون **ایضاً** متن کنج ترنجدار مشبك . مجلد

نستعلیق مذهب مجدول سرلوحدار چهار صفحه در اول سرلوحدار مصور مجلس طرب کاغذ ازمیری افشان جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك نقاشی لفافه‌دار . مجلد

تذکره ۲ مجلد

شاه‌طهماسب ماضی‌علیه‌الرحمة بیاض نستعلیق به خط علی‌رضا عباسی مصور *جدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن حاشیه مشبك دوسه‌ورق مغشوش شده . مجلد

.... نستعلیق کاغذ ازمیری‌جلد مقوی تیماجی‌متن‌کنج ترنجدارمطلس‌ضربی اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

کلّیات‌خواجه‌عمادفقیه به‌خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار دوصفحهٔ اول نیز سرلوحدارد جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد

ذخیرهٔ خوارزم‌شاه ضخیم مجدول بسرخی به خط نسخ نستعلیق جلد مقوی تیماجی متن‌کنج ترنجدارمطلس ضربی اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

مطلع السعدین به خط نستعلیق‌کاغـذ ازمیری ضخیم جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار ضربی اندرون ساده مع‌لفافه . مجلد

تاریخ ترکی ضخیم مجدول سرخی چند صفحه درپشت کتاب دایره کشیده اسم ولایت نوشته شده جلد مقوی تیماجی ساده بیرون سرخ . مجلد

کیمیای‌سعادت مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی‌تیماجی متن‌کنج ترنجدار ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

ظفرنامه مجدول مذهب دوصفحهٔ اول سرلوحدار کاغذ دولت آبادی‌نستعلیق

به خط مرشدکاتب جلدمقوی بیرون‌ساغری سیاه متن‌ضربی حاشیه مطلس اندرون متن‌کنج حاشیه ترنجدار مشبک لفافه‌دار . مجلد

مشهدالشهدا نستعلیق به‌خط امامعلی‌مجدول مذهب‌سرلوحدار کاغذازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون متن ترنجدار مذهب سرخ اندرون تیماج . مجلد

بدایع الصنایع درعلم‌عروض‌مجدول مذهب کاغذ طغرائی جلد مقوی‌تیماجی بیرون متن ترنجدار اندرون کاغذ ابری لفافه‌دار . مجلد

تاریخ‌عالم‌آرا مشهور به‌تاریخ‌شاه‌اسماعیل‌نستعلیق‌مجدول‌مذهب‌سرلوحدار ورق‌کاغذ سرخ‌مهر مکتب به طلا مقوی تیماجی متن کنج ترنجدارمطلس ضربی اندرون ایضاً تیماجی متن‌کنج ترنجدار مشبک لفافه‌دار . مجلد

بهجةالمناهج نستعلیق به‌خط مرشد مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن حاشیه مشبک طلا تحریر لفافه‌دار . مجلد

روضه‌الاحباب نستعلیق کاغذ سمرقندی جلد مقوی بیرون تیماجی ساده اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

ضیاءالعلوم به‌خط نسخ مجدول بسرخی وسیاهی سرلوحدار صفحهٔ اول‌مندرس شده در پشت مهر مکتب طلائی دارد جلد مقوی تیماجی ساده متن‌کنج ترنجدار اندرون تیماجی ساده . مجلد

خسرودهلوی ۷ مجلد

نستعلیق به خط سلمان مجدول مذهب سرلوحدارکاغذ ازمیری جلدمقوی مطلس ضربی متن‌کنج ترنجدار حاشیه‌ایضاً مطلس ضربی مکتب اندرون‌متن‌کنج ترنجدار مشبک . مجلد

ایضاً مجدول مذهب دو ورق در اول سرلوحدار به‌خط شاه‌محمدنیشابوری مصور جلد مقوی بیرون نقاشی اندرون تمام متن حاشیه مشبک . مجلد

ایضاً کلیات خسرو نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار متن حاشیه مکتب به خط محمود کاتب جلد مقوی تیماجی ترنجدار ساده . مجلد

ایضاً مجدول مذهب متن افشان چلیپا نوشته شده کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی مطلس ضربی اندرون متن حاشیه مشبك . مجلد

ایضاً مجدول مذهب مصور دو ورق اول تمام سرلوح کاغذ ازمیری به خط منعم الدین جلد مقوی بیرون مطلس ضربی حاشیه ایضاً اندرون ایضاً مطلس ضربی متن کنج حاشیه مشبك لفافه‌دار . مجلد

ایضاً به خط غیاث الدین مجدول مذهب حاشیه مکتب کاغذ اکلیری سرلوحدار جلد مقوی تیماجی مجلد .

ایضاً متن حاشیه مکتب در اول سه سطر بسرخی نوشته شده ضخیم جلد ساغری متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار. مجلد .

دیوان شاه خطائی وغیره ۳۳ مجلد .

دیوان شاه خطائی علیه‌الرحمة مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن کنج حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك مع لفافه . مجلد

منتخب دیوان خسرو مجدول مذهب دو صفحهٔ اول سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه الوان وافشان جلد تیماجی بیرون متن حاشیه نقاشی مصور اندرون متن کنج ترنجدار مشبك . مجلد

شیرین وخسرو ۲ مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه الوان به طلا تحریر نقاشی مصور به خط باباشاه جلد مقوی تیماجی مطلس ضربی اندرون تیماج ساده لفافه‌دار . مجلد

به خط میرعلی مجدول مذهب مصور سرلوحدار متن کاغذ هندی حاشیه طغرای افشان الوان جلدمقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار اندرون تیماجی متن کنج ترنجدار مشبک . مجلد

دل حسن ۲ جلد

نستعلیق به خط فتّاح نیشابوری مجدول مذهب مصور متن کاغذ زردافشان حاشیه سفید افشان جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار ضربی اندرون ایضاً ترنجدار مشبک لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق به خط محمود نیشابوری مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذسرخ افشان حاشیه‌سفید افشان جلد مقوی تیماجی بیرون ساده اندرون کاغذ آبی لفافه‌دار. مجلد .

دیوان شاهی ۳ مجلد

به‌خط خندان مجدول مذهب سرلوحدار مصور متن کاغذ خطائی حاشیه الوان افشان جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون کاغذ افشان لفافه‌دار . مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار که رباعیات آن چلیپا نوشته شده کاغذ الوان افشان جلد مقوی نقاشی مصور اندرون سرخ ایضاً متن کنج نقاشی لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق به‌خط سلطان محمدخندان مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبک لفافه‌دار . مجلد

گوی و چوگان ۳ مجلد

به خط محمود بن اسحق مجدول مذهب دو صفحه سرلوحدار متن کاغذ ازمیری حاشیه افشان الوان جلد مقوی بیرون تیماجی ساده اندرون متن کنج ترنجدار مع لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق به خط محمود مجدول مذهب سرلوحدار مشتمل بر چند سرلوح

کاغذ هندی متن حاشیه افشان جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون ایضاً متن کنج ترنجدار لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق مجدول مذهب مصور سرلوحدار متن کاغذ هندی حاشیه طغرائی الوان افشان جلد مقوی تیماجی بیرون متن مصور نقاشی حاشیه مکتب اندرون تیماجی متن کنج ترنجدار مشبك نقاشی لفافه‌دار . مجلد

روضة عین‌القضا نستعلیق به‌خط سلطانعلی مذهب سرلوحدار دوصفحه در اول تمام سرلوح کاغذ خانبالغ جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار اندرون تیماجی متن کنج ترنجدار به طلا تحریر لفافه‌دار . مجلد

منتخب حدیقهٔ حکیم سنائی به خط شاه محمود مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ آبی حاشیه الوان نقاشی به طلا تحریر جلد تیماجی بیرون متن حاشیه نقاشی مصور اندرون ایضاً کنج ترنجدار . مجلد

چهل حدیث مجدول ، مذهب ، سرلوحدار به خط نستعلیق در هرصفحه‌سه سطر به طلا وزنگار جلی مقوی تیماجی بیرون ساده کنج ترنجدار اندرون تیماجی متن مشبك . مجلد

لیلی ومجنون به خط خوشنویس مجدول ، مذهب ، سرلوحدار درصفحه مصور حاشیه کاغذ چهرهٔ الوان افشان جلد مقوی ترنجدار اندرون ایضاً مشبك لفافه‌دار . مجلد

رسالهٔ ملاسلطانعلی مجدول ، مذهب ، دوصفحهٔ اول سرلوحدار کاغذ خانبالغ حاشیه مصور به طلا تحریر جلد نقاشی مصور اندرون متن کنج ترنجدار مشبك مع لفافه‌دار . مجلد

رسالهٔ درر نظام نستعلیق به خط فریدکاتب مجدول سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون ترنجدار اندرون ساده . مجلد

فرج بعد از شدت به خط نسخ مجدول به سرخی کاغذ هندی جلد بیرون ساغری سیاه ساده اندرون تیماج ساده . مجلد.

تعبیر خواب به خط شیخ مجدول به سرخی صفحهٔ اول مغشوش جلدمقوی تیماجی متن ترنجدار اندرون ساده . مجلد

ابن یمین مجدول به‌سرخی نستعلیق دو ورق دراول مجدول به‌طلاسرلوحدار کاغذ سمرقندی جلد مقوی تیماجی بیرون ترنجدار اندرون ساده . مجلد

. ..؟ به خط نستعلیق به‌خط خانی بن‌محمد قاسم‌مجدول مذهب‌کاغذاکلیری جلد مقوی بیرون ساغری سیاه ساده اندرون تیماج ساده . مجلد

تاج‌المعاضد مجدول مذّهب سرلوحدار نسخ به خط محمد حسین بن شرف‌الدین کاغذ طغرائی جلد مقوی‌تیماجی‌بیرون متن‌کنج ترنجدار مطلس‌ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

مجموعهٔ‌هفت دیوان مجدول‌مذهب‌کاغذ هندی جلد مقوی بیرون ساغری سفید متن ترنجدارمشبك اندرون‌تیماجی ترنجدار مشبك طلائی لفافه‌دار .مجلد

خمسهٔ‌نظامی به‌قطع‌کوچك نستعلیق متن‌وحاشیه‌مکتب‌مجدول‌مذهب مصور سرلوحدار جلد مقوی بیرون ساغری سیاه ساده اندرون تیماج ساده لفافه‌دار . مجلد .

دیوان خضرخان نستعلیق به‌خط محمد بن‌ملامیرمجدول مذهب سرلوحدار کاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون ساده لفافه‌دار . مجلد

یوسف‌وزلیخا نستعلیق به‌خط فریدمجدول‌مذهب مصوردوصفحه‌سرلوحدار در پشت صفحهٔ اول مهر مذهب داردکاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجدول

دیوان‌عصمت نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدارکاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی‌متن‌کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون تیماجی متن کنج ترنجدارمشبك مع‌لفافه . مجلد

دیوان‌خاقانی نستعلیق مجدول مذهب متن حاشیه مکتب سرلوحدار کاغذ

ازمیری جلد مقوی تیماجی متن حاشیه ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن حاشیه مشبك به قطع کوچك لفافه‌دار . مجلد

فرهاد وشیرین به قطع کوچك مجدول مذهب سرلوحدار مصور کاغذ متن هندی سرخ افشان حاشیه کاغذ زرد جلد مقوی تیماجی متن حاشیه مطلس ضربی اندرون تیماجی متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

قران السعدین به خط نستعلیق مجدول مذهب دو صفحه تمام سرلوح کاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار اندرون کاغذ افشان مع لفافه. مجلد .

فردوسی و غیره ۲ مجلد

فردوس التواریخ به خط نسخ و نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی بیرون ساغری سیاه ترنجدار مطلس ضربی اندرون تیماجی ساده . مجلد

روضة الشهداء به خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ هندی جلد مقوی بیرون ساغری مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار تیماجی مشبك لفافه‌دار مجلد .

کلیات سعدی وغیره ۱۴ مجلد

کلیات سعدی ۱۱ مجلد

نستعلیق به خط شاه محمود کاتب مجدول مذهب سرلوحدار دو صفحهٔ اول تمام سرلوح جلد تیماج بیاضی سرخ کاغذ ازمیری . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار مصور کاغذ ازمیری جلد مقوی نقاشی مصور اندرون به شرح ایضاً به خط باباشاه . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك . مجلد

ایضاً مجدول مذهب مصور دو صفحهٔ اول تمام سرلوحدار به خط فرید جلد مقوی تیماجی بیرون ساده اندرون متن کنج ترنجدار ضربی مشبك . مجلد

ایضاً مجدول به سرخی کاغذ کهنه جلد مقوی ساده به خط عبدالله بن حسین.

مجلد.

ایضاً گلستان به خط عشر جلی مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن وکنج ترنجدار مشبك . مجلد

بوستان مجدول مذهب سرلوحدارمتن و حاشیه الوان افشان کاغذ هندی جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدارضربی اندرون متن کنج حاشیه ترنجدارمشبك در زیر وقف مهر برنجی نقاشی دارد یك ورق از آخر افتاده . مجلد

ایضاً بوستان نستعلیق به خط محمد حسین حسینی متن خطائی حاشیه ازمیری مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی تیماجی بیرون ترنجدار اندرون ساده . مجلد

ایضاً بوستان به قطع کوچك مجدول مذهب سرلوحدار دو ورق در اول چندین جا سرلوح دارد متن کاغذ خطائی حاشیه ازمیری الوان افشان جلد مقوی تیماجی متن و حاشیه تمام ضربی اندرون متن و حاشیه تمام مشبك بند رومی لفافه‌دار . مجلد

ایضاً بوستان نستعلیق به خط باباشاه مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ هندی افشان حاشیه ایضاً الوان افشان جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار اندرون ایضاً متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

انتخاب بوستان مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه الوان افشان به رنگهای مختلف میان حاشیه ایضاً کاغذافشان جلد مقوی تیماجی اندرون متن نقاشی حاشیه مکّتب به سفیداب اندرون متن کنج ترنجدار ضربی حاشیه مشبك مع لفافه . مجلد

سبحهٔ جامی وغیره ۳ مجلد

منتخب مولاناجامی مجدول مذهب سرلوحدار ابتداء هرغزل سرلوح دارد

به قطع کوچك وزن ثقیل دارد جلد مقوی مصور حاشیه دو سطر مکتب اندرون متن کنج ترنجدار ضربی متن نیز منبت به طلا به انفصال جلد . مجلد

شاهنامه‌هاتفی مجدول‌مذهب سرلوحدار کاغذطغرائی‌نستعلیق به خط‌یاری کاتب جلد مقوی تیماجی متن‌کنج حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج حاشیه مشبك لفافه‌دار . مجلد

نود و نه‌نام مجدول‌مذهب سرلوحدار‌متن کاغذالوان‌حاشیه‌ایضاً‌الوان‌افشان مابین حاشیه متن‌کاغذ سرخ نقاشی‌جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون متن کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد

رسالات ۹ مجلد

نستعلیق به‌خط‌میراحمد حسینی مجدول مذهب سرلوحدار مصور متن‌کاغذ طغرائی سفید افشان به طلا حاشیه ایضاً‌کاغذ آبی‌نقاشی مصور به طلا مابین متن حاشیه‌کاغذ سرخ زرد نقاشی به طلا جلد مقوی‌تیماجی بیرون‌متن کنج ترنجدار مطلس‌ضربی اندرون‌کاغذ ابری لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق به‌خط شاه محمود مجدول‌مذهب سرلوحدار هرصفحه‌سرلوحدارد متن‌کاغذ خطائی حاشیه الوان افشان مابین متن ، حاشیهٔ ایضاً‌کاغذ نقاشی به طلا اول و آخر‌کاغذسرخ جلد مقوی‌تیماجی بیرون متن‌حاشیه نقاشی اندرون‌تیماجی متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار‌کاغذ متن خطائی حاشیه ابـری الـوان محرر به طلا آخر افتاده‌جلد مقوی‌بیرون‌کاغذسبز افشان اندرون‌کاغذ ساده.مجلد.

رسالهٔ باهیه نستعلیق مجدول‌مذهب سرلوحدار‌کاغذ طغرائـی جلد مقوی تیماجی سرخ بیرون ترنجدار اندرون ساده مجلد .

رساله‌قصیده بخط ملا مالك چهار ورق مجدول‌مذهب سرلوحدار‌متن‌کاغذ الوان‌حاشیه‌ایضاً‌الوان‌افشان جلد‌مقوی بیرون‌کاغذ سبز افشان اندرون کاغذ سرخ افشان لفافه‌دار . مجلد

احادیث صد کلمه هفت‌ورق مجدول مذهب سرلوحدار هر صفحه سه سطر جلی نوشته شده متن کاغذ الوان حاشیه ایضاً الوان افشان جلد مقوی بیرون کاغذ سبز افشان اندرون کاغذ سفید افشان . مجلد

رسالهٔ ده‌نام ابن‌عماد نستعلیق به خط سلطان محمد نور مجدول مذهب متن کاغذ خطائی حاشیه الوان افشان مابین متن حاشیه ایضاً الوان جلد مقوی بیرون اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

قصیدهٔ عربی نستعلیق به‌خط محمود بن نظام مجدول مذهب سرلوحدار هفت ورق به قطع کوچك جلد مقوی بیرون تیماجی اندرون کاغذ ابری لفافه‌دار. مجلد

شاه‌ودرویش مجدول مذهب مصورسرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه چهرهٔ افشان جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون تیماجی متن کنج مشبك لفافه‌دار . مجلد

مرقع ۲۲۴ ورق

به خط نسخ و نستعلیق و ثلث مجدول مذهب حاشیه الوان جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . ۳۸ ورق

به خطوط مختلف به خط خوشنویسان مجدول مذهب حاشیه‌دار کاغذ الوان افشان مصور سرلوحدار جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار حاشیه مطلس ضربی اندرون ایضاً مشبك نقاشی . ۶۲ ورق

مجدول مذهب به خط خوشنویسان حاشیه الوان افشان نقاشی به طلا وعکس دو صفحهٔ اول مصور تمام سرلوح جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی مصور مشجر اندرون تیماجی متن کنج ترنجدار مشبك الوان شیرازه مندرس شده. ۳۶ ورق

به‌خطوط مختلفه به‌خط خوشنویان مجدول مذهب مصورسرلوحدار حاشیه الوان افشان چسبانده جلد مقوی تیماجی متن حاشیه مطلس ضربی اندرون تیماجی متن حاشیه مشبك لفافه‌دار . ۶۸ ورق

خریدهٔ نستعلیق به‌خطوط خوشنویسان مجدول مذهب که در حواشی اوراق

به خطوط خفی نوشته‌شده سرلوحدار مصور جلد ساغری بیرون متن‌کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون تیماجی سرخ ایضاً متن‌کنج ترنجدار مشبك . ۲۰ ورق

طلاآلات ۱۰۰ عدد

پنجره که در اصل گنبد مبارك نصب است مع دوعدد حلقهٔ ریزه‌که در تحت آن پولك نصب است و چهارچوبه و آستانه سکهٔ طلاگرفته ۱۳ عدد پولك سکهٔ پنجره ۸ پارچه در چهار چوبه و آستانه در تاخت رومیهٔ شوم ولزگی بـرطرف گردیده موافق برآورد تخمیناً موازی ۵۰ برطرف‌گردیده .

قبّه‌که‌درحین استیلای رومی مرحوم متولی سابق‌همراه خود به‌گیلان‌برده بود ثانیاً حسب‌الرقم مبارك مقرر شده که به مرحوم محمد قلیخان سپارد و بعد فوته‌بعد از ممیزی داخل آستانه مقدسه و در صندق مبارك نصب است . ۶ عدد

بزرگ نقرهٔ مطلا مشتمل برهشت عدد برنج‌طلا مرصع به فیروزه و یاقوت ولعل براین موجب . عدد

فیروزه : دانه ۳۰ عدد ریزه ۲۹ عدد

یاقوت : دانه ۱۹ عدد ریزه ۲۰ عدد

لعل سوراخدار ۲ عدد

کوچك نقرهٔ مطلامشتمل برهشت عددبرنج طلا مرصع به فیروزه و یاقوت ولعل . عدد

فیروزه : دانه ۳۳ عدد ، ریزه ۳۳ عدد

یاقوت : دانه ۱۹ عدد ، ریزه ۱۹ عدد

لعل ایضاً دوعدد

کوچك سرخ ایضاً عدد

فیروزه : دانه ۱۸ عدد ، ریزه ۳۲ عدد

یاقوت : دانه ۲۰ عدد ، ریزه ندارد

لعل سوراخدار دو عدد ، شبه دولای عدد

کوچك سرخ ایضاً عدد

فیروزه : دانه ۱۸ عدد ، ریزه ۳۲ عدد

یاقوت : دانه ۱۸ عدد . ریزه ۱۶ عدد

لعل سرخ ایضاً دو عدد

کوچك مشتمل برهفت عدد برنج مرصّع به یاقوت و فیروزه

فیروزه : دانه ۱۹ عدد ، ریزه ۳۵ عدد

یاقوت : دانه ۱۹ عدد ، ریزه ۱۹ عدد

نقره‌آلات

۷ زوج ۱۱ عدد ۱۰۰ مثقال

دروب ۶ زوج

که در صحن سیم واقعست تنکه نقره‌بند رومی بالا و پائین ترنجدار مکتب به اشعار که یکصد و هفتادونه عددگل میخ دارد نصب است تخمیناً ربع درباب مذکور از قرارممیزی میرزا عبدالله ممیز رومیهٔ شومیه شکسته برده‌اند ، در موقتی را ملاحظهٔ در مزبوربنا را به تقریر عالیحضرت ملا محمد طاهر گذاشته شد . زوج

که در کفش‌کن واقعست مشهور به درب ذوالفقارخان تنکه نقره‌ای دو محرابدار که زیر تاریخ نقش شکسته مشتمل به درب کوچك دیگر که در میان آن نصب است مع‌حلقهٔ بزرگ که درکوچك نصب شده مع‌چهارچوبه و دو عدد جفت و دو عدد جفت ریزه آنرا رومیّهٔ شکسته برده‌اند . زوج

که در دارالحفاظ واقعست مشهور به درب خدمه تنکه نقره‌ای‌بند رومی چهارچوبه نقره‌گرفته تخمیناً ۴ ... تنکه نقرهٔ آن شکسته . زوج

که در صفهٔ دارالحفاظ واقع ومکان‌متولیان است مشتمل برهشت نقش‌ترنج

طولانی مکتب به تاریخ و ابیات میان ترنج برجسته منبت اصل درب باز نقش شده مع‌دوعدد جفت ریزه و چهارچوبهٔ تنکهٔ نقره‌گرفته و چهار عددگل میخ‌نقره از موقوفات قلیج‌خان‌طالش. زوج

که درگنبد روبروی صندوق مبارك نصب است مشهور به درآلله‌ویردی‌خان مشتمل برچهارترنج که درفوق وتحت آن نقش‌است‌منبت به‌اشعارمحرابدارترنج مطلامع یکعدد جفت ودوعدد حلقهٔ زنجیر ... وچهارچوبه‌تنکه نقره که یك‌عدد جفت نقرهٔ آن شکسته و چهارگل میخ. زوج

درب تنکه‌نقره‌گرفتهٔ ترنجدارکه شش‌عدد تنکهٔ برنج برجستهٔ مشبك‌مکتب دارد مع‌دوعدد جفت ریزه نقره که سه‌طرف چهارچوبه تنکهٔ نقره‌گرفته و یکی چوب و در دماغه درب سه‌برنج مشبك و سه‌عدد میخ بزرگ حبابی نصب است‌در روضهٔ شاه اسماعیل علیه‌الرحمه. زوج

نعلبك وغیره

نعلبك که در چهار گوشه و وسط صندوق مبارك است ۸ عدد

موافق نسخهٔ میرزا عبدالله ۴ عدد که درینوقت ملاحظه شده ابوابجمع میگردد ۴ عدد.

پنجره که در میان شاه‌نشین ودارالحفاظ نصب است مع‌یکزوج درب‌پنجره تنکه نقره‌گرفته و چهارچوبه به شرح ایضاًکه درطرهٔ آن سه‌عدد مداخل‌شکسته ومفقود است وسه‌پارچه مابین‌طره شکسته ویك پارچه دیگر در کنار چهارچوبه شکسته تخمیناً ۸۰ . . . از نقرهٔ مذکور شکسته و برطرف شده. عدد

معجر محرابدارکه در مدرس سلطان العارفین شیخ صدرالدین‌علیه‌الرحمة نصب‌است‌که مشتمل‌بر‌چهارقبه‌بوده بعدازممیزی میرزا عبدالله یك‌قبهٔ‌آن‌را دفعهٔ ثانی که رومی آمده برده‌اند و چهارچوبهائی که نقرهٔ گرفته مکتب‌که یك خانهٔ چهارچوبه را مع‌دوپارچه تنکه مکتب در محراب چهارچوبه نقش بوده رومیهٔ شومیه قبل‌ازممیزی‌برده بوده‌اند. عدد

شبکهٔ نقره که یك‌طرف صندوق اعلیحضرت نواب جنّت مکان شاه اسماعیل علیه‌الرحمه نصب است . ۱۰۰ مثقال

طوق‌مطلاکه درگنبد مبارك اعلیحضرت شیخ علیه‌الرحمه‌نصب است مشتمل برسه قبه‌که دوقبه مس‌مطلا ویك‌قبهٔ دیگر نقره ... مطلا بریکدیگر وصل‌است تخمیناً ورق نقره ۷۰ مثقال . عدد

برنجینه‌آلات

.... دو عدد

مشبك مشتمل برهشت عدد صراحی و هشت‌عدد پایه و دوعدد زنجیر . عدد

ایضاً به شکل مزبورشکسته . عدد

شمعدان ۲۵ عدد

موافق نسخهٔ ممیزی ۱۵ عددکه حال ملاحظه شد ۱۰ عدد

دولوله ۷ عدد

بزرگ ۳ عددکوچك ۳ عدد صدف نشان عدد

یك لوله ۱۵ عدد

مشبك دو عدد بزرگ ساده ۳ عدد نقرهٔ‌کوچك دوعدد میانه وکوچك ۷ عدد کوچك بعد از ممیزی وقف شده دو عدد پای شمعدان شکسته ۳ عدد

پیه سوز ۷عدد

سرلاله‌دار دامن‌دار دوعدد طولانی ۵ عدد

سرلالهٔ هندی خیاره‌مکتب عدد ایضاً عددلاله‌دار عدد بی‌لاله بعداز ممیزی پیدا شده عدد

آفتابه‌لگن هندی ۱۴ عدد

درست ۵ عدد شکسته ۹ عددآفتابه عدد لگن ۴عددآفتابه ۵عدد لگن۴عدد

... معه زیرجام دودست

مقراض ۹ عدد

درست ۲ عدد شکسته ۸ عدد

...کوچك ۲ عدد

... ۳ عدد

به شکل ترنج دو عدد به شکل پنجه یك عدد

زلفین دهن ... میان ... عدد ایضاً کوچك عدد

مسینه‌آلات ۱۲۷ عدد

... طولانی مشتمل برچهار عدد لوله صراحی وچهار عدد پایه مع یکدسته زنجیر عدد

قزغان ۷ عدد

... ۱۸ عدد ... ۲۲ عدد ... ۱۷ عدد ... ۲۳ عدد

... ۱۱ عدد ... ۱۶ عدد

شمعدان ۲۲ عدد

فانوس عدد ایضاً ۱۰ عدد بزرگ عددکوچك ۱۰ عدد

پایهٔ شمعدان عدد

طوق مس مطلا دوعدد

که در گنبد مبارك اعلیحضرت شاه‌اسماعیل نورالله مضجعه نصب است‌مشتمل برفرد تاج برنج مطلا و یك قبضه شمیشرمس‌مطلا که در فوق آن نصب‌است. عدد

که درگنبد چله‌خانهٔ مبارکـه نصب بود بعد از شکست گنبد مـزبور پائین آورده‌اند به شکل ترنج که اسم جلالهٔ مبارك که برومشبك‌گشته . عدد

طشت بزرگ هندی یك عدد ۱۴ من

... و غیره ۱۴ عدد

... کوچك و بزرگ دو عدد

سرپوشهٔ قزغان ۳ عدد

درست دوعدد شکسته عدد

طشت ترکی بزرگ عدد

... سه پاره ساخته شده عدد بوشقاب ۳ عدد

... عدد ... عدد

پیه سوز ۲ عدد

میانه عددکوچك عدد

... ۸۰ عدد

موافق نسخهٔ ۵۴ عددکه ارزیابی آمده ۲۶ عدد

مکتب به طلا عدد ایضاً بزرگ وکوچك ۷۹ عدد

آهن آلات ۷ عدد۳۰۰ عدد

سرعلم مدور مکتب شکسته ۷ عدد

شمشهٔ آهن‌که در ایام متبرکه شمع چیده میشود در ممیزی میرزا عبدالله داخل نسخه نموده . ۳۰۰ عدد

ظروف :

مقرراً حسب‌التصحیح‌که جزو براین اضافه و داخل جمع نشده

چینی‌آلات و عقیق‌ویشم موافق نسخهٔ میرزا عبدالله ممیز ۹۱۱ عدد

درست مودار ۷۶۲ عدد مکسور شکسته ۱۵۰ عدد

عقیق ویشم .... پیاله ۹ عدد

چینی آلات ۱۰۰۹ عدد

درست مودار ۸۵۹ عدد مکسور شکسته ۱۵۰ عده

عقیق‌ویشم ... پیاله ۹ عدد

المقرر آنچه حال بازدید و ملاحظه شده بعد از وضع مکسور شکسته که با الکلیه ازحیز انتفاع افتاده بود داخل جمع نگردید . ۹۵۷ عدد

چینی آلات ۹۴۹ عدد

درشت ۸۵۷ عدد

ممهور ۸۳۵ عدد بی‌مهر ۲۲ عدد

مودارلب شکسته و پیچدار ۹۳ عدد

مودار ۱۹ عددلب شکسته و پیچدار ۷۳ عددلب شکسته ۵۳ عدد پیچدار ۲۰ عدد

... لب شکسته ۴ عدد

... ۱۵ عدد لب شکسته ۹ عدد پیچدار دوعدد مودار ۴ عدد

نعلبکی ۲۴ عدد

مودار ۵ عدد لب شکسته ۸ عدد پیچدار ۵ عدد

کاسه ۲۱ عدد

مودار ۸ عدد لب‌شکسته ۱۰ عدد پیچدار ۳ عدد

طاس ....

لب‌شکستهٔ بی‌مهر عدد

آفتابه ۸ عدد

مودار بی‌مهر عدد لب‌شکسته و لوله شکسته و دسته شکسته ۷ عدد

تنگ ....

لب‌شکستهٔ ۵ عدد

قلیان .... لب شکستهٔ به شکل فیل دوعدد

پیاله ۸ عدد

مودارعدد لب‌شکسته ۷ عدد

بوشقاب .... پیچدار

عقیق و یشم ۸ عدد

چینی آلات ۹۴۹عدد

.... و غیره ۱۷۵عدد

.... ۱۵ عدد

بزرگ ۸ عدد سرپوشدار ۶ عدد بی‌سرپوش دوعدد

وسط ۷ عدد سرپوشدار ۴ عدد بی‌سرپوش ۳ عدد

قزغان ۷۷ عدد

بزرگ ۲۵ عدد

سرپوشدار ۱۸ عدد بی‌سرپوش ۷ عدد

کوچك ۱۳ عدد

سفید ۷ عدد آلا ۱۶ عدد

وسط ۲۳ عدد

کتابی دوعدد

ایضاً ۲۱ عدد

سفید عدد آلا ۱۹ عدد به شکل‌کدو عدد

به شکل شلغم ۷ عدد دهن نقره‌گرفته عدد ساده ۵ عدد

سرپوشدار ۴ عدد بی‌سرپوش عدد

تنگ ۲۰ عدد

لب طلا فیروزه‌نشان عدد سر نقره مطلا دو دسته‌دار عدد

لاجوردی دو عدد سایر ۱۶ عدد سرپوشدار ۳ عدد بی‌سرپوش ۱۳ عدد

.... ۴ عدد

غوری : دودسته‌دار حلقه‌داریك حلقه‌شکسته عدد سایردوعددآبخوری‌عدد

لگن بزرگ ۳ عدد

غوری یکپا شکسته عدد سایر دوعدد

دیك عددپایه غوری مشبك عدد

قلیان ۴ عدد

به شکل فیل دو عدد به شکل جغد عدد فرح آور به شکل گربه عـدد به شکل نارجیل عدد سایر ۴ عدد

طاس غوری و آلا بغدادی ۵ عدد

سرپوشدار عدد آلا بغدادی دوعدد

خیاره عدد ساده عدد

پیالهٔ پایه‌دار عدد نمك‌دان مع‌سرپوش عدد

... وغیره ۷۷۲ عدد

بزرگ بزرگ ۲۷ عدد

بزرگ بزرگ ۱۲ عدد

لب شکسته عدد درست ۱۱ عدد

ایضاً لب گردان ۷ عدد

لب شکسته عدد درست ۶ عدد

ایضاً غوری ۸ عدد

.... بزرگ ۷۴ عدد

لب‌گردان ۶۰ عدد سایر ۲۴ عدد

وسط ۷۴ عدد

سفید ۵ عدد غوری ۶ عدد لاجوردی لب شکسته عدد آلا بغدادی ۱۵ عدد . لب‌گردن ۴۷ عدد

کوچك ۱۰۲ عدد

سفید ۲۴ عدد لب‌گردان ۱۲ عدد

ایضاً ۱۲ عدد غوری ۴ عدد لاجوردی عدد سایر ۳ عدد آلا بغدادی ۵۰ عدد نقاشی ۲ عدد ایضاً عدد سایر ۴۷ عدد لب گردان آلا بغدادی ۲۴ عدد

... ۶۴ عدد

آلا بغدادی ۲۲ عدد سفید ۳ عدد لب‌گردان ۳۹ عدد

کاسه ۴۲ عدد

بزرگ شربت خوری ۲۳ عدد

سفید ۴ عدد غوری ۲ عدد الابغدادی ۱۷ عدد

وسط ۱۹ عدد

سفید بیرون نقاشی به طلا تحریر عدد سفید ساده عدد سایر ایضاً ۱۷ عدد

شاه‌کاسه ۱۴۶ عدد

میانه ۶۹ عدد

سفیدکنار طلاگرفتهٔ بزرگ وکوچك دو عدد غوری ۳ عدد

اندرون سادهٔ سفید بیرون نقاشی مصور ۶ عدد ایضاً بیرون و اندرون‌نقاشی عدد اندرون بیرون نقاشی آبی سرخ مصور ۳ عدد لاجوردی عدد بیرون . . . .

۲ عدد بیرون نقاشی آبی مصور ۱۱ عدد الابغدادی ۳۰ عدد مکتب‌کوچك ۱۰عدد

کوچك ۷۷ عدد

آلابغدادی ۸۴عدد سفید ۳۱ عدد زرد۲۲ عدد لب شکسته عدد سایر۲۱عدد

بوشقاب ۱۲۴ عدد

بزرگ ۱۲ عدد

سفید ۳ عدد آلابغدادی ۴ عدد غوری عدد بیرون و اندرون نقاشی ۴ عدد زرد ۱۲ عدد سبز وفیروزه ۳ عدد همه سرخ حاشیه طلادار

سفید ۲۴ عدد ... و سفیدی ۵ غوری دوعدد

کوچك ۶۶ عدد

غوری دوعدد آلابغدادی ۶۱ عدد به شکل ... ۳ عدد

پیاله و غیره ۵۹ عدد

پیاله ۴۰ عدد

به شکل ... مع‌سرپوش ۵ عدد

ماست خوری سفید وزرد وخوری سر نقاشی الابغدادی ۲۸ عدد
درست ۲۷ عدد لب شکسته عدد
گلاب‌خوری بزرگ وکوچك ۷ عدد
بزرگ ۶ عدد کوچك عدد
نعلبکی سفید و آلابغدادی ۱۹ عدد
سرپوشهٔ قزغان و سایر ظروف بزرگ وکوچك ۵۲ عدد
عقیق‌ویشم ... و غیره پیاله ۸ عدد
عقیق به شکل کشکول عددیشم ۵ عدد فادزهر دوعدد منبت به اندام یاس
دسته به شکل میمون‌که سه‌پایه دارد دو طرف آن به شکل‌حیوان نقش‌گشته عدد
به اندام‌گل سرخ دسته به شکل برگ در میان ... نصب است . عدد
دسته به شکل اژدر عدد اندرون و بیرون مکتب لب‌شکسته عدد .
دودسته داردبه شکل حیوان دو عدد به شکل‌کشکول عدد
مذکور ذیل ۱۷۷ عدد ۳۳ ثوب ۶ زوج‌فرد ۶۱ زرع‌نیم ۲۳۰ دانه ۹ پارچه
صندوق‌پوش وغیره ۵۵ عدد ۵ پارچه ۳۲ ثوب زرع نیم صندوق پوش ۳۲
ثوب زرع نیم
متعلق به‌سرکار حضرت شیخ علیه‌الرحمه ۳۱ ثوب زرع‌نیم
زربفت‌بوم طلا مکتب به سورهٔ اذاجاء نصرالله بطانه دارائی حریر دامن
زربفت، سجاف دارائی ساده مستعمل ثوب
مستعمل مندرس گلابتون دوزی حاشیه مکتب بطانه مثقالی سجاف دارائی
ثوب .
مستعمل مندرس خطائی زربفت حاشیه ایضاً مکتب بطانه قدك سجاف‌الجه
دارائی ثوب
مستعمل ابره مخمل قرمز بطانه حریر ثوب

مستعمل ابره مخمل قرمز ثوب

مستعمل مندرس زربفت سه‌بطانه حریر ثوب

مستعمل مندرس از مالیّت افتاده زربفت سیه بطانه حریر ثوب

مستعمل ابره خطائی زربفت بطانه دارائی حریر دوثوب

مستعمل خطائی زربفت قرمز بطانه اطلس زرد سجاف دارائی ثوب

ابره ... گلابتون دوزی‌سقف ... سردامن ... قرمزبطانه‌دارائی حریرسجاف زربفت دامن بطانه زربفت طلاباف بادله‌باف ثوب

مستعمل ابره مخمل قرمز حاشیه مخمل سبز بطانه دارائی سجاف قطنی محرمات از مالیّت افتاده ثوب

ابره مخمل قرمز حاشیه مخمل سبز بطانه دارائی زرد سجاف دارائی زربفت ثوب

مستعمل ابره خطائی زربفت قرمز بطانه‌قدك سجاف دارائی بزرگ‌وکوچك دو ثوب

مستعمل ابره مخمل قرمز بطانه دارائی وقدك بعضی از مالیّت افتاده ۴ثوب

مستعمل مندرس مخمل قرمز ... ابره ثوب

ابره مخمل سیاه بطانه قدك مندرس از مالیّت افتاده ثوب

مستعمل مخمل سبز ... ابره از مالیّت افتاده ثوب

مستعمل مندرس ابره مخمل سبز بطانه قدك و دارائی دوثوب

مستعمل ابره دارائی بطانه قدك‌زرد سجاف صندل‌باف ثوب

مستعمل مندرس ابره مخمل محرمات حاشیه سرخ ایضاً بطانه سفید

مستعمل ابره ... کبود حاشیه قرمز بطانه قدك‌کبود ثوب

ابره ... سبز بطانه قدك ثوب

ابره زربفت خطائی بطانه قدك سجاف الجه مندرس از مالیّت افتاده ثوب

ابره زربفت خطائی محرمات بطانه دارائی زرد ازمالیت افتاده مندرس ثوب مخمل سبز بی‌مالیت ... زرع نیم

گلیم گلابتون‌باف حاشیه مخمل بطانه وسجاف دارائی‌که قبل از این‌کلیم بوده ثوب

متعلق به‌آستانهٔ سلطان سید جبرئیل علیه‌الرحمه‌دامن قلمکار سقف‌دارائی ثوب .

پرده ۵۵ عدد ۵ پارچه

خطائی زربفت حاشیه سرخ ایضاً مصور ریشه‌دار بزرگ مستعمل عدد

ابره‌خطائی بطانه دارائی سجاف اطلس زرد مستعمل عدد

ابره زربفت دیباباف حاشیه خطائی محرمات بطانه قدك سجاف صندلباف مستعمل عدد .

ابره زربفت بوم دیبابادله حاشیه ایضاًمحرمات بطانه قدك سجاف‌الجه‌عدد.

ابره‌زربفت فرنگی مستعمل حاشیه زربفت مشجر بطانه دارائی سجاف‌الجه دو عدد

ابره خطائی سبز حاشیه ایضاً خطائی یکی بطانه قدك سجاف الجه یکی بی‌بطانه دو عدد

ابره زرنفت دیباباف حاشیه خطائی محرمات بطانه قدك سجاف صندلباف مستعمل عدد

ابره دارائی زربفت حاشیه زربفت مکتب بطانه قدك سجاف الجه عدد

ابره خطائی زربفت‌زرد حاشیه‌خطائی بطانه قدك سجاف صندلباف مستعمل عدد .

ابره ماهوت گلدوزی متن سفید حاشیه سرخ بطانـه اطلس سجاف قطنی ابری عدد

ابره مخمل سرخ حاشیه مخمل سبز بطانه قدك سجاف دارائی عدد

ابره مثقالی مکتب مذهب محراب‌دار بطانه متقالی سجاف صندلباف عدد

ابره زربفت نیلوفری حاشیه مکتب محرابدار بطانهٔ دارائی سرخ سجاف اطلس عدد

ابره گلابتون دوزی حاشیه سرخ ایضاً بطانه دارای سجاف الجه مستعمل مندرس عدد

خطائی زربفت بی‌حاشیه بی‌بطانه ... ابره عدد

کتان مشجرباف مستعمل مندرس بطانه قدك بزرگ بزرگ عدد

به شرح ایضاً مندرس حاشیه مکتب متن مشجر بطانه ایضاً مندرس بزرگ بزرگ عدد

متن خطائی حاشیه مشجر بطانه قدك سجاف صندلباف عدد

زربفت فرنگی متن حاشیه مصور بطانه دارائی مندرس کهنه عدد

محرمات ... زرد مستعمل بطانه قدك مندرس سجاف صندلباف عدد

مخمل شمعی حاشیه مخمل سبز مندرس بزرگ عدد

متن سرخ حاشیه سبز مندرس بزرگ عدد

مندرس مندرس از مالیت افتاده مخمل زربفت قطنی و غیره بی‌بطانه ۲۷ عدد

جامه کعبهٔ مندرس از مالیت افتاده عدد

جامه کعبهٔ مندرس مستعمل ۳ پارچه

مندرس مندرس شده از مالیت افتاده ۳ عدد

مخمل سرخ مستعمل دوپارچه

جانماز و غیره ۱۲۲ عدد ۶ زوج فرد ، ۹ (...) ۶۰ زرع ۲۳۰ دانه ۴ پارچه

جانماز ۲۴ عدد

بوم سرخ محرابدار حاشیه مکتب سفید ریشه ابریشم کرمانی عدد

بوم سرخ محرابدار حاشیه سبز مکتب ریشه ابریشم کرمانی عدد

بوم سبز حاشیه سفید مکتب محرابدار ریشه ریسمان کرمانی عدد

بوم سرخ حاشیه سبز ریشه ابریشم محرابدار مکتب کرمانی عدد

بوم سرخ حاشیه سرخ مکتب محرابدار ریشه ریسمان عدد

بوم شمعی حاشیه سرخ ایضاً جای مهر مکتب ریشه ریسمان کرمانی عدد

بوم سفید مکتب حاشیه سبز محرابدار خراسانی عدد

بوم شمعی حاشیه سبز محراب مکتب خراسانی عدد

متن حاشیه شمعی محرابدار مکتب خراسانی عدد

متن حاشیه لاجوردی محراب مکتب خراسانی عدد

متن سفید حاشیه سرخ محرابدار جای سجده مکتب خراسانی عدد

متن سرخ حاشیه سیاه محراب مکتب خراسانی عدد

متن سرخ حاشیه سفید محراب مکتب ترکی عدد

متن سفید حاشیه مکتب عمل بحرین بطانه قدك عدد

نمد حاشیه مکتب جامی عددکربلائی مندرس ۷ عدد

نمد مندرس از مالیت افتاده عدد ترکی مندرس سرخ ایضاً عدد

قالی و قالیچه ۵ زوج فرد۴ پارچه ۱۱ عدد

قالی ۵ زوج فرد ۴ پارچه

بوم قرمز مصور حاشیه منقش حاشیه اندرون سفید بیرون و قرمز ریشه ابریشم تخمیناً طول ۴ زرع عرض دو زرع زوج

بوم لاجورد حاشیه قرمز تخمیناً طولانی زرع مستعمل فرد

بوم قرمز حاشیه سبز جوشقانی مستعمل طولاً ۱۳ زرع فرد

بوم سبز نقش نیلوفر گلدان حاشیه قرمز طولاً ۱۱ زرع فرد

بوم بنفش نقش نیلوفر خطائی حاشیه اندرون سرخ بیرون زرد اسلیمی مداخل‌کرمانی زوج

بوم بنفش نیلوفر مصوربند رومی‌کرمانی طولا پنج زرع‌نیم زوج

بوم قرمز مستعمل تخمیناً هفت زرع یکی ترکی یکی .... زرع

قالیچه که از قالیهای بزرگ مندرس باقی مانده ۴ پارچه

قالیچه ۱۱ عدد

ابریشم ابره مخمل مشجر مصور ترنجدار حاشیه قرمز مکتب دو عدد

ابر مخمل مصور حاشیه قرمز مکتب مستعمل از مالیت افتاده دوعدد

گلابتون‌باف نقش نیلوفر خطائی حاشیه ایضاً بزرگ وکوچك دوعدد

گلیم گلابتون‌باف ۵ عدد

نقش نیلوخطائی ۴ عدد

بطانه قطنی مستعمل عدد

. . . الوان‌که دردور دیواراندرون‌گنبد مبارك نصب‌است‌طولاوعرضاً۶۰زرع

صفه‌پوش ابره سدره سرخ بطانه چیت مستعمل مندرس دو عدد

قابلق ۶۱ عدد

زربفت بوم آ بی‌بطانه دارائی‌عدد

چکین‌ومخمل ۱۰ عدد

چکین دوخته ۳ عدد مخمل ۷ عدد

... ابره ... سبز حاشیه مداخل کناره نواربطانه نمد مندرس عدد

... ۱۲ عدد

فولاد جوهردار ۱۱ عدد

بزرگ ۴ عدد کوچك ۷ عدد

شیشه دندگی عدد

... ۲۴ عدد موافق نسخهٔ میرزا عبدالله ۱۰ عدد که قبل ازین در اصل نسخه بوده ۴ عدد

ابره شال بطانه نمدکناره‌نوار که در شاه‌نشین فرش است زوج

ابره ... سبز کناره‌نوار بطانه نمد الوان که در گنبد مبارك فرش است عدد

ابره ... لاجوردی کناره مداخل بطانه نمدپاره‌کناره‌نوار که در پله شاه‌نشین فرش است عدد

ابره شال بطانه نمدکناره‌نوار که در دارالحفاظ فرش است دوعدد

ابره‌شال بطانه نمد کناره‌نوار که در ... صفهٔ دارالحفاظ فرش است ۵ عدد

ابره‌شال سرخ بطانه نمدکه در چینی‌خانه فرش است ۳ عدد

پیش‌انداز ۴۱ عدد

متن زربفت سرخ حاشیه زربفت سبز بطانه ... سبز مستعمل عدد

اطلس قرمز گلابتون دوزی ۳ عدد

بطانه مشجر سجاف قطنی محرمات عدد

بطانه دارائی حریر سجاف ایضاً دو عدد

دست‌انداز ؟

مخمل سرخ بعضی بطانه دارد بعضی بی‌بطانه ۸ عدد

... ۱۹ عدد

آبه‌نوس خاتم‌بندی ۳ عدد

بزرگ عدد کوچك دو عدد

نقاشی‌وچوبی ۲۶ عدد

نقاشی دوعدد چوبی ۲۴ عدد

پیراهن و غیره ۲ عدد ثوب زوج ۲۳۰ دانه

پیراهن ترك سلطان خواجه علی مشهور سیاه‌پوش مستعمل ثوب

... چرمی سلطان خواجه علی زوج

علم مستعمل مندرس ... جامهٔ کعبهٔ معظمه ریشه ابریشم سبز عدد

صندوقچهٔ صدف عدد

تسبیح ۲۳۰ دانه

خاکی کربلائی ۲۰۰ دانه خوئی ۳۰ دانه

عصا آبه‌نوس و غیره

آبه‌نوس مع‌سرچوب آهن عدد ایضاً بی‌سرعدد

صدف‌نشان عدد

صحیح است، «سگ آستان علی‌طاهراست» (سجع مهر: ملا محمدطاهر)

عالیحضرت فضیلت و کمالات‌منقبت‌ملامحمد طاهر را زبده فضله‌چون‌درین ایام اختلال اوضاع روزگار چند دفعه تفرقگی به‌سکنه اینولایت و خدمهٔ‌سرکار آستانهٔ مقدسه روی داده و ارباب اختیار چند به اینجا آمده هریك چیزی از اجناس واسباب سرکارهویت‌مدارتصرف‌کرده‌اند، در اینوقت‌که بندهٔ درگاه‌بازدید اجناس وکتب سرکار نمود نسبت به نسخه [ای] که عالیشان میرزا عبدالله بعد از فتح قلعهٔ اردبیل‌حسب‌الامر الاعلی ممیزی‌کرده برینموجب قصور وکسورملاحظه شد. و آن عصمت‌پناه

طلا :

پولك ازپنجره‌که درگنبد مبارك حضرت‌شیخ علیه‌الرحمه نصب‌است‌دوعدد، شکست در چهارچوبه آستانهٔ پنجرهٔ مزبور ۳ ...

طلا و فیروزهٔ ریزه ۶ مثقال

نقره :

... تنکه درب صحن دوم‌که درسرکار بوده ۵۲۳۹ ...

قندیل کوچك عدد مهر ... حضرت شیخ عدد

سینی کوچك ۱۳۵ عدد

کتب مذهب ومرقع

مجلد ۲۹ مجلد مرقع ۵ ورق

پیش‌انداز و غیره :

پیش‌انداز عدد قالی دو زوج قالیچهٔ کوچك عدد لعل‌فادزهر شکسته عـدد

چینی و غیره

پیالهٔ فادزهر مرصع عدد تنگ دهن طلا دوعدد

کاسهٔ فیروزه و قلیان به شکل فیل دوعدد

کاسهٔ فیروزه و قلیان به شکل فیل دوعدد

... آنچه ممیز سابق مکسور قلمی نموده درحشو وضع شده ۵۶

مس :

قزغان بزرگ عدد لنگری و سرپوشی قزغان وکفگیر ۵ عدد

مشعل عدد مس شکسته قزغان جام ۲۰

قدیمی و مخلص این سرکارو ازکیفیت وکمیت قصور وکسور مزبوراطلاع تمامی داده است قصور هریك راکه چه‌وقتی و کدام ارباب اختبار بـرده حقیقت واقعی آنرا بدون ابهام‌قلمی نمایندکه‌استحضاری بهمرسیده از آن قرارثبت‌نسخهٔ مزبورگردد .

جای مهر «افوّض امری‌الی‌الله عبده‌محمدقاسم الصفوی»

بعرض‌میرساندکه در خصوص بعضی اجناس واسباب سرکار آستانهٔ‌مقدسه که و کلاء سامی درینوقت بازدید نموده نسبت بـه نسخهٔ میرزا عبدالله مشارالیه که سی‌سال قبل ازین ممیزی شده قصور ملاحطه ... صورت‌کسور مزبور رامفصلا قلمی و عرض نماید .

اماکسره طلا و نقره وقتی نادرشاه متوجه تسخیر بغداد ومـوصل بوده از رومی شکست خورده به ایران مراجعت نموده باز قشون رومی پدیـد آمده از اینجهت ... متوهم شده بالتمام متفرق‌گشتند مرحمت پناه‌کلبعلی بیگ متولی و

خدمه یکنفر مجاور کشیکچی در آستانهٔ مقدسه گذاشته خودشان به گیلانات و حوالی رفتند معدودی رومی از تبریز با جمعی از مردم ...

آمده هرچند نسبت به روضهٔ مطهره و اسباب او بی‌حرمتی نکرده بودند اما از رجّاله واشرار آنها به مجاور مزبور آزار وجراحتی رسیده یکعدد قبهٔ کوچك نقره از معجر مدرس شیخ صدرالدین علیه‌الرحمة و یکعدد قالیچهٔ کوچك ریشه ابریشمی مستعمل ودالبر کهنه با دوسه عدد مس ... پهنور ولنگری از کشیکخانه برداشته ازینجاروانه، ودرگریوهٔ بیشه‌کنار موسی بیگ پیرزاده راکه سابقاً متولی بوده و یکعدد قالی و یازده عدد بشقاب مس سرکار نیز نزد او بودگرفته بتبریز مراجعت و از آنجا به ولایت روم برده بودند از آن تاریخ قالی و اجناس مذکور به آستانه نرسیده جمعی از ضعفا وبیوه‌زنان زودتر شهر آمده از خوف اشرار پناه به آستانه آورده صحن بیرون و اندرون کثرت بعد از ورود متولی مرحوم و تمامی خدمه مجاور مذکور صاحب فراش و مجروح بوده سوای قصور مذکور دوعدد پولك وسه‌شکستی در پنجرهٔ طلاکه تخمیناً هفت و هشت مثقال میبودکسور ملاحظه شده، خدمهٔ مذکوره متعهداندکه هرگاه‌خدمت وحقوق مجاورمؤمی‌الیه وعذر مستور منظور نشده ارباب اختیار و ممیزی مطالبهٔ کسور نمایند ایشان از عهده بیرون آیند ثانیاً که نادرشاه استعداد بهمرسانیده در تسخیر بغداد بوده میرزا عبدالرزاق‌جهانشاهی ضابط اردبیل وممیز امور آستانه مقدار ۵۲۳۴مثقال نقره‌که در سرکار مضبوط بوده‌که اینجا بی‌مصرفست از متولی مرحوم گرفته به حاجی اعوذخان داده به رشت فرستاده مسکوك ساخته انفاذ نموده و در بازدید عرض‌اسباب سرکارپنج ورق‌مرقع مذهب نیز به‌خط میرعماد برداشت وهنگامیکه سام‌شاه درگیلان جمعیت بهمرسانیده به اردبیل می‌آمد چون نادرشاه در حیات وفوت‌اومعلوم‌نبودمتولی‌مرحوم‌احتیاط‌کرده مهرحضرت‌شیخ‌علیه‌الرحمه‌راباسینی کوچك نقرهٔ‌زیرعودسوز وشش‌مثقال طلامع فیروزهٔ ریزه‌که از کنار لوح‌صندوق مبارك شکسته وبا قندیل کوچك در روضه بوده برداشته روانه شد. همان روزها

سام وارد اردبیل و متولی مشارالیه را در راه گرفته محبوس آوردند عالیجنابان شجاع‌الدین‌خان و رضا قلیخان و درویش محمدخان طالش که با او در خانهٔ متولی بودند.

میرزا عنایت خدمه را با یکنفر ریکا فرستاده بودندکه از سرکار آستانه مسندی به جهت سام‌شاه مذکور فرستاده شود.

به اطلاع متولی‌مؤمی‌الیه یکعدد پیش‌اندار گلابتون دوزی با یکعدد‌قزغان مس بزرگ به‌سرکار او بردند دیگر و اصل سرکار آستانهٔ مقدسه نگردید.

امّاسبب‌کسورکتب وغیره آنچه‌چون نادرشاه دفعهٔ اول‌که به تسخیر شیروان میرفت بعداززیارت به‌سیرچینی‌خانه‌وکتابخانه آمده یکعددپیالهٔ فادزهرمرصع را برداشته‌به متولی‌وخوانین‌خطاب‌کردند این پیاله ...که تیمناًازین‌سرکاربرداشتیم به رکابدار خود سپرد به آن تقریب دوعدد تنگ دهن و گردن طلاگرفته ته‌نشان به‌یاقوت ریزه را نیز به رکابدار مذکور داده، مقالهٔ حضرت شیخ علیه‌الرحمه‌را طلبیده بعد از ملاحظهٔکتب مذهب مصور مقاله را با دوازده مجلد کتاب مقطع برداشت‌که در اسفار مطالعه نماید و به خوانین نیز تکلیف برداشتن‌کتاب نمود از آنجمله میرزا مهدیخان منشی‌باشی نیز سه مجلد برداشت ثانیاً جعفر بیگ قاجار از خراسان به چاپاری آمده به موجب نوشته‌که ملاحظه نمود نیز خمسهٔ نظامی را که بسیار مقطع و مصور بود با یکعدد نسخهٔ دیگر به خط میرعماد خواسته بودند. مرحوم متولی مزبور به قابلق و مشمع و پردهٔ‌کهنه پیچیده در حضور حاکم اردبیلی از چاپار مومی‌الیه ارسال نمود نصرالله میرزاکه درآنوقت طفل و همراه نادرشاه بود یکعدد قلیان به شکل فیل برداشته دفعه‌ثانی نیز بعد از قتل و تنبیه اهل شیروان باینجا آمده یکعدد‌کاسهٔ فیروزهٔ چینی بسیار نفیس را نیز از متولی‌گرفت، وابراهیم‌خان‌برادر نادرشاه‌که بداغستان میرفت‌چندگاهی در خانهٔ‌متولی مرحوم‌مانده چند پارچه‌چینی که جهت ماحضری وطعام‌وآبخوری

او برده بودند بعضی در دست عملهٔ او شکست یافته در حال فادزهر را به جهت ساختن معجون برکار بودند و پنج‌شش مجلد قرآن به جهت خواندن غلام‌بچه‌ها از متولی گرفته بعد از فوت او در داغستان هیچیك به سرکار نرسیده. وقتی که آزادخان بزیارت آستانه آمد هرچند خود احترام روضه نگهداشتند اما بعضی افاغنه خیرگی نموده در چینی‌خانه را که ملاعثمان معتمداً وسلیم‌خان مهر نموده بودند، واکرده ازکتب مقطع مذهب ملایار احمد پیشنماز افغان و ملامیراحمد قاضی وگلستان‌خان ده مجلد برداشته چند دفعه عرض شد و کلاء سامی مطلعند که فایده نکرده واپس ندادند، و یك جلد تیمورنامهٔ هاتفی مذهب مجدول که در حاشیهٔ او دیوان میرزا قاسم‌گونابادی نوشته شده میرزا شفیع وزیر تبریزی بر-سبیل امانت از متولی مرحوم گرفته تا حال نفرستاده است.

قصور قالی وغیره آنکه بعد از کشته شدن سام‌شاه ساروخان برادر امیر اصلانخان که به اردبیل می‌آمد اکثر کدخدایان متوهم‌شده فرار نموده بودندبعد از ورود او به جهت فرش تعدی میکرده میرزا بهاءالدین کلانتر و دوسه نفر بابایان محله آمده بالحاح و سماجت دوعدد قالی سرکار را برده به محض دیر رفتن قالی کلانتر مشارالیه راکشته بابایان‌مزبور گریخته‌اند. عالیحضرت شیخ‌الاسلام حال نیز مطلعند دفعه‌ثانی نیز حاجی ربان و میرزا علیرضا دوعدد قالی برده‌بقشون داده‌اند از ایشان تحقیق نمایندکه از آن تاریخ هیچك به آستانه نرسیده دوسه عدد پردهٔ مستعمل که در زمستان که در کشیکخانه ضرور میباشد به مرور ایام برطرف شده و چینی‌های مکسور که ممیز سابق داخل نسخهٔ وکلاء سامی بعد از ملاحظه چون اکثری ازمالیت افتاده بود درحشو نسخه جدید وضع ودخل نمودند همگی حاضر و به‌جهت ملاحظهٔ طمغا مضبوط است و درسینه‌آلات سرکار کسری نیست مقدار سی‌ویك من که بیمصرف بوده حسب‌الصلاح آن صاحبی من به وزن تبریز از قرار ششصد دینار که مبلغ هیجده هزارو ششصد دینار بوده فروخته‌شده نزد تحویلدار ...

حاضر است به هر مصرف سرکار که مقرر نمایند مصروف مینماید و یکعدد منقل طولانی که به ارباب نظر در ورود عالیجنابان محمد حسن‌خان و موسی‌خان به جهت ایشان برده و مفقود گشته بود نوشته داده که تازه ساخته به‌سرکار سپارد و پنج‌شش من نیز صرف بعضی ضرورهای ... و آفتابه‌لگن و مرمت‌کاری طشت‌و قزغانها گشته باقی‌مختار ندوماشهدنا الاّ بماعلمناصحیح است‌جای‌مهر «سگ آستان علی‌طاهر است» .(۱)

۱ ـ تا اینجا نقل از طومار صورت اثاث‌واشیاء مقبره شیخ‌صفی‌الدین است که بنام «گنجینه شیخ صفی» ازطرب کتابخانه ملی تبریز منتشر بطبع رسیده است

این طومار در ۲۱۸ سال بیش بدستور سید محمدقاسم بیک‌صفوی متولی بقعه‌شیخ‌صفی‌-الدین تهیه شده و بطول ۷۵۶ وعرض ۱۲ سانتیمتر و بخط ملامحمد طاهر مستوفی می باشد. طومار مزبور از شانزده‌قطعه بهم پیوسته تشکیل شده که محل‌الصاق قطعات پس از قیدعبارت «صح‌الوصل» به مهرکاتب به سجع «سگ آستان علی‌طاهراست» ، ممهور گردیده و ذیل آن نیز به مهر کاتب به سجع مذکور و مهرمتولی به سجع افوض‌امری الی‌الله عبده‌قاسم صفوی» مهرشده است . مهر دیگری هم در پشت طومار به‌سجع ف ش ی ع «شفیع» دیده میشود .

مسجد جامع اردبیل

این مسجدکه از آثار باشکوه عصر سلجوقی است امروز ویرانه‌ای پیش نیست ، و تحت شماره ۲۴۸، جزء آثار ملی‌کشور به ثبت رسیده است . در سمت غربی مسجد در وسط قبرستان باقی مانده آثار مناره‌ای مشاهده میشودکه گویا مربوط به در ورودی محوطه اطراف مسجد بوده که براثر زلزله ، مانند دیگر قسمتهای مسجدفرو ریخته و ویران شده است .

در دیوار شمال‌شرقی رواق سابق‌مسجد آثار گچ‌بری و قالب‌ریزی درملاط بین آجرها مشاهده میشود که درزیرگچ و خاکی‌که تعمیرات بعدی‌روی دیوارها کشیده‌اند از روزگار سلجوقی باقی مانده است .

این مسجد در شمال شرقی شهر برروی تپه نسبةً مرتفعی واقع است .

در حال حاضر این بنا مرکب است از شبستانی مربع که گنبد آن افتاده و نمازخانه مستطیلی باقی مانده که سقف صاف آن بوسیله دو ردیف تیرچوبی نگاهداری میشود .

در چند متری سمت غربی آن پایه مدور آجر مناره‌ای وجود دارد .

در مقاله‌ای‌که سیرو در مجلدمؤسسه باستانشناسی شرقی فرانسه در ۱۹۴۵ راجع به این مسجد نوشته مینویسد :که شاید این مسجد نخستین‌بار در قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) برخرابه‌ها یك بنای ساسانی ساخته شده و ازیك

شبستان گنبددار مربع و تالار طاقدار بلند مرکب بوده است . در حمله مغول به این مسجد خسارت بسیار وارد آمد و گنبد آن در سال ۶۵۰ هجری دوباره ساخته شد . در آن زمان بعضی قسمتهای آن با گچ پوشیده و بندکشی دروغی و تویی روی آن نقش گردید . در اواسط قرن هشتم شبستان گنبد سفیدکاری شد و محراب گچی ساخته شد و روی آن با نقاشی تزیین گردید . (۱)

عناصری که از قرن هشتم وجود دارد شامل پوشش گچی سختی است که سطوح دیوار داخلی اطاق گنبد را پوشانیده و محراب مقرنسکاری های گچی و تزیینات دیگر نقاشی شده است . نمای داخلی طاقهای گوشه‌ای و نغول مدور و دیوارهای تحتانی تزیین شده و طرحهای آن برنگ نیلی است که با الگو انداخته شده است . تزیینات مزبور شبیه تزیینات داخلی مقبره اولجایتو و برج ابرقو میباشد، ولی در مسجد اردبیل طرحها دقیق‌تر و ظریفتر و محدود به نواحی معین است .

ویلبر مینویسد . معلوم نیست چنانکه سیرو گفته دوره ساختمانی و تزیینی در این بنا وجود داشته باشد . سطح خارجی گنبد با قطعات سفال آبی که بدون نقشه معین در داخل آجرکاری قرار داده شده ، تزیین یافته است . این طرز کار در معماری های دوره سلجوقی دیده میشود ، بنابراین تجدید ساختمان گنبد ممکن است پیش از سال ۱۲۰۰ م (۵۹۷ هـ) انجام یافته باشد . (۲)

بعلاوه استعمال بندکشی و سواراخگیر دروغی در دوره نسبةً طولانی وجود داشته است .

مقبره شیخ شهاب‌الدین در اهر - این بقعه بشماره ۱۷۹ جزء آثار ملی کشور به‌ثبت رسیده است .

---

1 - Siroux,m . La Mosquée Djoumeh d'Ardalbil , Bulletin d, l'institut Francais d,Archéologie oriant ale,xlix (1945)

۲ - ویلبر: معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان ، ترجمه دکتر عبدالله فریار ص ۱۴۶ ؛ اسماعیل دیباج : آثار باستانی آذربایجان ص ۶۰ ، فهرست بناهای تاریخی ص ۳

بقعه ومسجدشیخ‌شهاب‌الدین‌اهری‌محمودبن احمداهری (۵۶۸هـ) ازعرفای بزرگ ایران وسرسلسله طبقه شهابیه وحدئیه و ازمشایخ طریقت شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی ، تنها اثرتاریخی شهراهر است این‌بنا دارای ایوانی رفیع‌وصحنی‌مفرح وغرفات ، ودومناره‌ورواق‌است . داخل‌مسجددارای‌کاشیکاری‌معرق وپنجره‌مشبك نیز میباشد .

بنای بقعه شیخ شهاب‌الدین بمساحت ۱۴۷۶ مترمربع (۳۶×۴۱ متر) در میان زمینی واقع شده که فعلا باغ شهرداری و تفرجگاه اهالی است .

مدفن شیخ‌که قبرساده آجری است در وسط حیاطی بطول ۲۳/۷۰ متر و عرض ۱۶/۹۰ مترواقع شده و از اطراف با دیواره مشبکی بارتفاع یك مترونیم محصور است واز آثار معماری اواسط دوره صفویه بشمار میرود .

تنها کتیبه تاریخی این بقعه نوشته‌ای است بخط رقاع بالای در ورودی از دالان شرقی‌که برروی سنگ این‌عبارات نقرشده است :

صلوات کبیرة ـ السّلطان العارفین قطب السالکین شیخ المحقّقین سلطان شهاب‌الدین اهری قدّس‌الله روحة‌العزیز (۱)

رصدخانه مراغه ـ این‌رصدخانه رادانشمندبزرگ ایرانی‌محمدبن‌محمدبن حسن معروف به‌خواجه نصیرالدین طوسی بامرهلاگوخان مغول در۶۵۷ آغاز به بنا کرد وگروهی از دانشمندان فرزانه درآن کار میکردند وپس ازدوازده سال زحمت‌زیج فارسی معروف به زیج‌ایلخانی راتألیف کردند. این رصدخانه تا سال ۷۰۳ هجری‌آباد بود و در سال مزبور غازان‌خان آنرا بازدید کرد وبعدها براثر زلزله ویران شد وامروزجزیك‌تل خاك ازآن باقی‌نمانده‌است . خواجه درمقدمهٔ

---

۱ ـ رك :اسماعیل دیباج . آثار باستانی وابنیه تاریخی آذربایجان ص۶۱ ـ ۶۳ ؛ فهرست بناهای‌تاریخی ص ۳

زیج ایلخانی دربارهٔ این بنا چنین مینویسد :

«هلاگو در آن وقت که ولایتهای ملحدان بگرفت ، من بندهٔ کمترین که از طوسم و بولایت ملحدان افتاده بودم بیرون آورد و رصد ستارگان فرمود و حکمارا که رصد میدانستند بطلبید و زمین مراغه را رصد انتخاب کردند و باین بندگی مشغول شدند، و آلتها بساختند و بنای لایق بر آوردند». سپس خواجه از بقایای کتابهایی که در الموت و دیگر جایها از آتش حوادث نجات یافته بود در جنب رصدخانه کتابخانه‌ای تشکیل داد که عدد آن کتب را به چهار صد هزار کتاب تخمین زده‌اند و ظاهراً مبالغه آمیز باشد . خود خواجه در مقدمهٔ زیج ایلخانی در بارهٔ آن کتابخانه چنین می نویسد : «و بفرمود تا کتابها از شام و بغداد و موصل و خراسان بیاورند و در موضعی که رصد میکردند بنهادند تا آن کار نسق و ترتیب یافت .»

ابن شاکر کتبی می نویسد : «خواجه در مراغه گنبد و رصدی بزرگ بنا کرد و خزانه‌ای عظیم در آن پدید آورد و آن را از کتابهایی که از بغداد و شام و جزیره غارت شده بود پر نمو تا اینکه در آنجا بالغ بر چهارصد هزار جلد کتاب گرد آورد و منجمان و فیلسوفان را در آنجا جمع نمود و اوقافی برای آن قرارداد»

دانشمندانی که در کار ساختمان رصدخانه مراغه دست داشته‌اند عبارت بودند از : مؤیدالدین عرضی ، فخرالدین مراغی ، فخرالدین اخلاطی ، نجم الدین دبیران قزوینی . (۱)

شهاب الدین عبدالله بن فضل الله شیرازی ملقب به «وصّاف الحضرة» (۶۶۳_۶۹۸) در کتاب تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار معروف به تاریخ وصاف در ذکر رصد مراغه چنین مینویسد: «چون پادشاه مملکت گیر هلاگوخان کار بغداد و اعمال آن و دیگر بلاد مستخلص گردانید و فراغتی یافت مولانا سلطان الحکماء المحققین نصیر الملة والدین الطوسی عرضه داشت که اگر ایلخان صواب بیند برای تجدید احکام نجومی و تحقیق

1 _ Dogo Diller, 1 . Clt . 2 . Sayi , Ankara 1966
مقاله آقای دکتر سیف تحت عنوان : آثار باستانی مراغه ص ۲۴۲ _ ۲۴۴

ارصاد ستارگان رصدی سازد و زیجی استنباط کند تا ایلخان را از حوادث آینده مطلع‌سازد. ستاره پادشاه رابنگرد وکیفیت امتدادعمروحال نقش وتوسعه‌بقای ملك وتوالد وتناسل وسفرهای پادشاه رادریابد وحقیقت آن بگوید . ایلخان این‌سخن را بپسندید وتولیت اوقاف تمام‌کشور را باوداد وفرمانی نوشت که هرچه به‌جهت ساختن رصد وخریدن اسباب‌لازم باشد ازخزانه باو دهند .

پس به‌حکم‌فرمان ، مؤیدالدین عرضی را ازدمشق و نجم‌الدین کاتب صاحب منطق را از قزوین ، و فخرالدین مراغی را از موصل ، و فخرالدین اخلاطی را ازتفلیس احضارکردند ، ودرسال ۶۵۷ در شمال مراغه برسرپشته‌ای بلند رصد خانه‌ای در کمال آراستگی بنافرمود ودرفنون نجوم وعلم هیأت ومجسطی وارصاد کواکب نهایت دقت وصداقت بروزداد و صورفلکی وتدویرات‌وحوامل و دوایر متوهمه و معرفت اسطرلاب و تقاویم ترتیب داد ، و منازل قمرو مراتب بروج دوازده‌گانه به‌نحوی ساخته‌شد که هرروز هنگام طلوع پرتوخورشید از سوراخ قبه بالائی برسطح عتبه می‌افتاد ، و دُرَج (درجه‌ها) ودقائق حرکت وسط آفتاب وکیفیت ارتفاع درفصول چهارگانه ومقادیر ساعات از آنجا معلوم می‌شد و شکل کره‌زمین درنهایت دقت بپرداخت ، وربع مسکون‌را به‌اقالیم سبعه بخش‌کرد ، و طول ایام وعرض بلدوارتفاع قطب شمال درمواضع ، وصورت وضع اسامی‌بلدان‌و هیأت جزایر ودریاها روشن ومبرهن گردانید .

چنان‌که‌گویی‌کتاب مسالك وممالك از نسخه حواشی آن فراهم‌آورده‌اند، و زیج خانی به‌نام پادشاه تصنیف‌کرد وچند جدول‌ونکات حسابی که در دیگرزیجات متقدمان چون کوشیار وفاخر وعلائی وشاهی وغیرها موجود نبود در افزود . امّا هنوزرصد خانه به‌پایان نیامده‌بودکه هلاگورا اجل دررسید ودرسال۶۶۳دارفانی را وداع گفت» (۱)

۱ ــ تاریخ وصاف ص ۵۱-۵۲ وتحریر آن ص ۲۹-۳۰

پس از مرگ خواجه نصیرالدین محمدبن محمد طوسی در ۶۷۲ هجری، پسرش علی‌بن محمد متصدی امر رصدخانه شد. ابن شاکر کُتبی (درگذشته در ۷۶۴) در کتاب فوات‌الوفیات بروایت از شمس‌الدین حریری از حسن بن‌احمد الحکیم حکایت کرده که‌گفت:

«بمراغه سفر کردم و برصد خانه‌آنجا رفتم تولیت آنرا جوانی فاضل بنام علی‌بن خواجه نصیرالدین طوسی داشت درآنجا به‌شمس‌الدین بن مؤید عرضی، و شمس الدین شروانی، و شیخ کمال‌الـدین ایکی، و حسام‌الدین شامی که از منجمان ودانشمندان بودند، برخوردم وبسیاری ازآلات رصد را در آنجا دیدم که از آن جمله آلتی بنام «ذات‌الخلق» بود و آن پنج دایره داشت کـه از مس ساخته بودند. اولی دائره نصف‌النهار بود که بر زمین نصب کرده بودند، دومی دائره معدل النهار، وسومی‌دائره منطقةالبروج وچهارمی دائره عرض، وپنجمی دائره میل بـود. سپس دائره آفتاب را کـه برآن سمت‌الکواکب میگفتند دیدم (۱)

حمدالله مستوفی درکتاب نزهةالقلوب دربارهٔآن رصدخانه چنین مینویسد: «برظاهرمراغه حکیم‌خواجه نصیرالدین بفرمان هولاگوخان رصدی‌بسته است واکنون خرابست» (۲)

چون‌کتاب‌نزهةالقلوب در سال ۷۴۰ هجری تألیف شده بنابراین رصدخانه مزبور ازپیش‌ازآن تاریخ روی‌بویرانی‌نهاده است. درسال ۱۸۸۳ نقشه‌خرابه‌های آن توسط هوتوم شیندلر Houtum Schindldr بـه‌چـاپ رسید. قطعات خراب دیوارها ازنظر معماری دارای اهمیت نیست (۳)

۱ ـ فوات‌الوفیات ج ۲ ص ۱۵۱
۲ ـ نزهةالقلوب طبع دبیرسیاقی ص ۱۰۰
۳ ـ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص ۱۱۷

درسال ۱۳۱۶ شمسی درحین خاکبرداری آن محل ازطرف حکومت آثاری شبیه به‌غار ودخمه‌هایی اززیر خاك پدیدارشد ونیز چند عدد ظرف سفالین وکاشی و نیز یك عدد پیسوز روغنی و دوات و غیره کشف شد که زیاد مورد توجه قرار نگرفت (۱)

بنای رصدخانه روی تپه‌بلندی دردوکیلومتری شمال مراغه قرار داشته که ازطرف مشرق وجنوب به‌باغات واراضی شهرمشرف است .

ظاهراً دخمه‌های مزبور به‌هیچوجه ارتباطی با پای رصدخانه ندارد ، و در خلال جنك جهانی اول که لشکر دولت تزاری آذربایجان را اشغال کرده بود ، دخمه‌های مزبور ازطرف سربازان روسی‌برای نگاهداری‌اسلحه ومهمات‌جنگی کنده شده‌است، وآنچه مسلم است بنای رصدخانه دربالای ارتفاعات معروف‌بکوه رصد موجود بوده است (۲)

روی تپه‌مزبورکه اکنون به‌کوره رصد معروف است محوطه وسیعی بوسعت ده‌هزار متر مربع دیده میشود که بنای رصدخانه در وسط آن قرار داشته است . این بنادائره‌ای به‌قطرتقریبی بیست‌متردروسط قرارگرفته بوده‌که از چهارطرف بوسیله پیاده روهای سنگ‌فرش شده به‌عرض دومتروطول ۴۰ تا ۵۰ مترباطراف خود مربوط میشده است . چنانکه‌گفتیم از این رصدخانه فعلا اثری جزیك تل خاك وسنگ وآجر چیزی دردست نیست (۳)

گنبد سرخ ـ گنبدسرخ که‌تحت شماره ۱۳۴جزءآثارتاریخی به‌ثبت‌رسیده ومردم‌آنراگنبد قرمزگویند قدیمترین‌بنای تاریخی مراغه است این بنا درقسمت جنوبی شهر وسمت غربی جاده هشترود واقع است وبرجی است مکعب شکل که

---

۱ ـ نصرةالله مشکوتی : ازسلاجقه تاصفویه ص ۲۰۰
۲ ـ آثارباستانی مراغه
۳ ـ اسماعیل دیباج : آثارباستانی‌آذربایجان ص۸۷

هر یك از اضلاع آن ۸٫۴۰ متر میباشد . ازاره بنیان آن از یك نوع سنگ سفید ودیوارههای اصلی با آجر وملاط گچ وشن ساخته شده است .

طاق آن ضربی است که از جانبی به دیوارهای اطراف واز طرفی بر پایه مربعی بضلع ۶۰ سانتیمتر وارتفاع ۹۰ سانتیمتر که در وسط ساخته شده تکیه دارد . این بنا دوطبقه است . قسمت زیرین آن سردابه ومقبره وقسمت زبرین آن که محل روی قبر باشد اطاق مربعی است که هر یك از اضلاع آن ۵٫۹۵ متر می باشد و کف آن با تخته سنگهای مستطیل مفروش گشته است . دیوارهای این قسمت با آجر قرمز ساخته شده وباگنبد پست مقرنسی پوشیده گشته است . جلوخان ودر گنبد درطرف شمال ، باهفت پله بدورن گنبد منتهی میشود .

نمای خارجی مرکب از طاق نماهایی است که درهر طرف آن دوطاق نما که از سنگ وآجر سرخ رنگ ساخته شده نمودار است . سردر گنبد از لحاظ تزیین باکاشیکاری آبی رنگ وآجرکاری وگچبری ظریف وکتیبه کوفی آجری و نقش ونگارهای گوناگون جذّابیت خاصی به این بنا داده است.

مردم مراغه آنرا «قرمزی گنبد» نامند.

این بنا بر طبق کتیبهای که بر سردرآن قرار دارد در یازدهم شوال سال ۵۴۲ هجری بامر شخصی بنام عبدالعزیز بن محمودبن سعد ساخته شده است ومتن آن کتیبه چنین است :

« امر ببناء هذه القبّه الامیر الرئیس العالم فخرالدین عماد الاسلام قوام آذربایجان ابوالّعز عبدالعزّیز بن محمودبن سعد یدیم الله علاه»

دربالای کتیبه دریك سطر افقی چنین آمده است : بنی المشهد فی الحادی عشر من شوال سنة اثنتین والاربعین وخمسمائة، (۵۴۲ ه)

درحاشیه پهلوی شرقی آیه زیر نوشته شده است :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لاتقنطوا من رحمة‌الله.

درحاشیه پهلوی غربی در دوسطر نام معمار آن آمده است:

عمل‌العبدالمذنب‌الرّاجی‌الی عفوالله بنی‌بکرمحمدبن‌بندان‌البناءبن‌المحسن المعمار». ظاهرا این بنا ازابنیه دوره حکومت‌احمد یلیان درمراغه است(۱)

برج مدور آجری- دومین بنای قدیمی مراغه برج مدور آجری است که مربوط بزمان سلجوقیان می‌باشد و تحت شماره ۱۳۶ جزء آثارتاریخی به ثبت رسیده است.

کتیبه‌ای در بالای درگاه بنا که دارای قاب هلالی‌است بخط‌کوفی بتاریخ ۵۶۳ هجری دروسط وجود دارد که متن آن ازاین قراراست:

دربالا «کلّ نفس ذائقة‌الموت تمّ‌البناء برجب»

درزیر «سنة ثلث وستّین وخمس‌مائة»

دراین بنا قطعات‌کاشی رنگین بکاررفته ودرقسمت تحتانی برج سردابی‌است که درآنجا قبرصاحب این بنا بوده‌است. ازگنبد و سقف‌آن اثری باقی نیست و صاحب وبانی‌آن نیز معلوم نمی‌باشد. آندره‌گدار می‌نویسد:

این گنبد ظاهراً شبیه برج دفاعی بی‌زینتی است و این مطلب از جمله: «کلّ‌نفس ذائقة‌الموت» معلوم میشودزیرا فقط‌آنرا دربالای مقابر وآرامگاهی می‌نویسند. بدین ترتیب مسلّم است که این‌گنبد برج دفاعی نبوده بلکه مقبره شخص مجهولی می‌باشد(۲)

۱- رك دیباج: آثارباستانی آذربایجان ص۸۸-۸۹؛ فهرست بناهای تاریخی ص ۵؛ آثار تاریخی ایران مقاله‌گدار ج ۱ ص۵۴-۵۷

مجله بررسیهای تاریخی سال دوم شماره ۵ ص۱۳۵، نصرةالله مشکوتی: ازسلاجقه تا صفویه؛ دکترعیسی سیف: آثارباستانی شهرستان مراغه.

۲- آثار ایران (مقاله‌گدار) ج ۱ ص۵۷ - ۵۸؛ آثارباستانی آذربایجان ص۹۲، فهرست بناهای تاریخی ص۶؛ مجله بررسی‌های تاریخی شماره ۵ سال دوم ص۱۳۶؛ آثار باستانی شهرمراغه.

گنبدکبود ـ این گنبد سومین بنای تاریخی مراغه است و در تحت شماره ۱۳۵ به‌ثبت رسیده‌است. گنبدکبود برج هشت‌گوش آجری است‌که برروی قاعده سنگی استوار شده درهرضلع آن طاقنماهای آجری‌که توأم با مقرنس‌کاری‌است دیده میشود. درزیر بنا سردابی وجود دارد که گویند قبر مادر هلاگوخان مغول بوده‌است. ساختمان این بنا را به‌اواخر دوره سلجوقی وقرن ششم هجری نسبت میدهند. ازاین جهت انتساب این بنا به قبر مادرهلاگو با وجود شهرتی‌که دارد هنوزمورد تأیید واقع نشده است. زیرامادرهولاگو،سویورکوکتنی‌خاتون مسیحی بود، وهمین‌بس‌است که انتساب این‌قبراسلامی‌را بوی سلب کند وخود هولاگوهم دین‌بودایی داشته وبا دکوزخاتون نوهٔ کشیش‌مشهورمسیحی‌به یوحنا ازدواج‌کرده است، وممکن نیست قبرزنی را که خودش مسیحی‌وشوهرش بودائی‌است به‌صورت مقابراسلامی‌ساخته وبآیات قرآنی‌زینت‌داده باشند. بعلاوه‌اباقاپسر هلاگوهم‌بودائی مذهب بوده وبا دیم دخت امپراطورمیشل پالئولاکوس مسیحی ازدواج‌کرده‌است.

اندره‌گدار مینویسد بعقیده من این بنا اصلا از دوره مغول نیست وازروی آن‌آثارمیتوان تاریخش را مربوط بسال ۵۹۳ هجری‌دانست.

سنگ قبری درداخل مقبره بر بدنه دیوارنصب گردیده که درروی‌آن جز آیات: «کل من‌علیها فان ویبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام» (قرآن سوره۶۷) چیزی دیگر بنظر نمیرسد.(۱)

گنبد غفاریه ـ چهارمین اثر تاریخی مراغه گنبدی است موسوم به‌گنبد غفاریه‌که وجه تسمیه‌اش همجواری با مدرسه نسبةً جدیدی بنام مدرسهٔ غفاریه میباشد. این‌گنبد درشمال شهر مراغه درکنار رودخانهٔ صوفی‌چای است وشامل‌دو قسمت فوقانی وتحتانی است. قسمت تحتانی بارتفاع دومتر از سنگ مرمرسفید،

۱ـ آثارایران (مقاله گدار) ج ۱ ص۵۸ـ۶۱ ؛ آثارباستانی آذربایجان‌ص۸۸ـ۹۱؛فهرست بناهای تاریخی ص۶ ؛ مجله بررسیهای تاریخی‌سال دوم شماره ۵ ص۱۳۷ ؛ ازسلاجقه‌تاصفویه ص ۱۹۸ ؛ آثارباستانی شهرمراغه.

وقسمت فوقانی از آجرساخته شده وبا کاشی‌های زیبا تزیین یافته‌است. آن نیز مانند سایر ابنیه مراغه بنایی است چهارگوش که بر روی صفحه‌ای سنگی و دخمه‌ای استوارگشته و در چهار سمت بنا ستونهای آجری با نقوش لوزی شکل جلب توجه مینماید. مدخل گنبد بسمت شمال و در هرکدام از اضلاع آن دو طاق‌نما ویك حاشیه‌کتیبه تعبیه شده و تزیینات آن شامل کاشی‌های رنگین سیاه و سفید و آبی و آسمانی‌رنگ میباشد. این بنا تحت شماره ۱۳۷ جزءآثار تاریخی به‌ثبت رسیده است.

نوع خطوطی که درقسمت فوقانی این‌گنبد بکاررفته، خط ریحان است‌کتیبه سه سطری که دربالای هلال مرکزی جلو خان بزرگ‌است با اینکه ریخته ومحو شده قابل قرائت است و نشان میدهد که آن بامر سلطان ابوسعید بهادرخان (۷۱۶_۷۳۶ ﻫ) ساخته شده است:

«امر بانشاء هذه‌القبّة المبارکة فی ایام السلطان الاعظم ظلّ الله فی الارض سلطان سلاطین العرب والعجم ابوسعید بهادرخان خلّدالله ملکه»

ازکتیبه دوسطری بالای درگاه چیزمختصری باقی‌است وحدس زده میشود، که القاب ونام صاحب بقعه درآن ثبت بوده وباکمال تأسف ازمیان رفته‌است‌فقط این‌کلمات قابل‌خواندن است:

المقر...... المالکی العالی العادلی......

نقش علامت سه چوکان‌که پشت‌بهم دارند می‌توانند تاحدی ما را بمبانی‌این بنا راهنمائی‌کند، ظاهراً این چوگانهاکه درتزیین بنادیده میشود، نشان‌خانوادگی امیرشمس‌الدین‌قره سنقراست‌که دراصل نایب‌السلطنه مصر، وبعداًدرزمان‌ابوسعید بهادر فرمانروای‌ناحیه‌مراغه بوده ودرآن شهر بسال ۷۲۸ وفات یافته‌است. نظیر این علامت در دوجای دیگر، یکی: درکتیبهٔ مدرسة‌الملکیه امیر ایل ملك در بیت‌المقدس، ودیگری‌درموزهٔ استانبول برروی‌چراغ‌میناکاری‌شده‌ای دیده میشود

که عـلاوه بر علامت چوگان اسم ایل‌ملك چوگاندار هم نوشته شده‌است.(۱)

در نمای خارجی پی‌وپایه چند رده ازسنگ‌تراش که اندازه بعضی ازقطعات آنها ۱/۵۰ در۷۰ متر است دیده میشود. درچهارگوشه ساختمان نیم‌ستونهایی از آجر زرد وقرمز وجود داردکه به‌طرح مربع مورب چیده شده است، وهمه در داخل قاب دارای طاق نوك‌تیز قراردارند، وروی آن کتیبه مستطیلی است. در دو طرف سردر نغول باریك فرورفته طاقدار دیده میشودکه سطح آن با طرح مشبك هندسی پرشده است. درسه طرف دیگر بنا دو نغول طاقدار وجود داردکه بالای آنها نغول مستطیلی است. در نغول افقی و لچکهای طاق اثر تزیین سفالی دیده میشود. سطح دیوارهای خارجی بشکل معمولی آجرکاری شده است. پلکانی که به سردر منتهی میشده ازبین رفته است. سطح دیوارهـای داخلی ازگچ پوشیده شده و روی‌گچ اثر تزیین رنگی موجود است.

این بنا شباهت بسیاری با مقبره‌های برجی قدیمتر درمراغه دارد.استعمال سنگ‌تراش ازخصوصیات آذربایجان است در طرحهای مشبك هندسی سه رنگ وسفال بدون‌لعاب بکاررفته ودربالای‌سردر نواحی کوچکی باکاشی تزیین‌شده‌است.(۲)

گوی برج (قوی برج) که‌ظاهراً بمعنی‌برج سبز است پنجمین‌اثر تاریخی مراغه‌می‌باشدوامروزبکلی ویران است وتحت شماره ۱۳۸ درفهرست آثار تاریخی ایران‌به‌ثبت رسیده‌است. این‌بنابرجی‌مدورشبیه به‌بنائی‌است که درنزدیکی گنبد کبود درشمال مراغه واقع شده اما ارتفاع آن بیشتر است ازکتیبه فوقانی‌چیزی که قابل خواندن باشد برجای نمانده است. زینت خـارجی دیوارها عبارت از نقوش بزرگ لوزی‌شکل است ازآجرکـه خطوط اصلی آنها نسبت به متن صاف دیوار قدری برجستگی دارد. تزیینات مدخل تمام ازگچ است وآنرا با کاشی‌ها

۱ـ آثارتاریخی ایران (مقاله گدار) ج ۱ ص۶۲-۶۸ ؛ آثارباستانی آذربایجان ص۹۱ـ۹۲؛ فهرست بناهای تاریخی ص۶ ؛ مجله بررسیهای تاریخی سال دوم شماره ۵ص۱۴۲؛ ازسلاجقه تا صفویه ص۱۹۹ ؛ آثارباستانی شهرستان مراغه.

۱ـ معماری اسلامی ایران دوره ایلخانان ص۱۸۲

بسیار خرد منبت‌کرده‌اند . این برج از ابنیه سابق قدری تازه‌تر بنظر می‌آید .
زاره Zarre در کتاب تاریخ معماری ایران تاریخ ساختمان آن را درنیمه دوم قرن هشتم هجری دانسته است ولی باحتمال قویتر آن را بایستی درسال ۷۳۱ هجری ساخته باشند. این تاریخ آنرا همعصر گنبد غفاریه قرار میدهد ودرحقیقت کاشیکاری هردو ساختمان به‌هم شبیه است . این برج ازخارج مدور و از داخل کثیرالاضلاع دهگوش است .

در نمای خارجی پایه بنا از سنگ تراش و دیوارهای فوقانی آن ازآجر قرمزاست بالای سردر دارای طاق دخولی مستطیل‌شکل‌که دراصل کتیبه‌ای‌داشته می‌باشد . تمام سردر با اشکال هندسی ازکاشی تمام نیمه تزیین شده است .

ازحاشیه دوربالای ساختمان و ازسقف آن چیزی باقی نمانده است‌هر صفحه دیوار داخلی متشکل از یك نغول فرورفته است که شاید طاق‌نوك‌تیز داشته واز آجر ساخته شده بوده است. ساختمان اصلی سردابی داشته است .

تزیین این بنا ازآجر یکدست درسطح ۲۰/۵ در۵/۵ تا ۶ سانتیمتر است بندهای عمودی حد اقل تا ۵ میلیمتر می‌باشد جای خالی بین آجرها باآجرلعابی به‌رنگ آبی روشن براندازه معمول وتراش پرشده و دارای بندکشی نوك‌تیزاست آجرکاری و طرز سفالها ازنوع اواخر دوره مغول است . تزیین اشکال هندسی ومقیاس واندازه تزیینی واستعمال سفال‌سه‌رنگ شبیه‌کارگنبد غفاریه مراغه‌است وظاهراً بایستی همعصر آن باشد.(۱)

مسجد جامع مرند ـ این مسجد که تحت شماره ۱۳۹ جزءآثار تاریخی ایران به‌ثبت رسیده بامر ابوسعید بهادر ایلخان مغول درسال۷۳۱ هجری‌درشهر مرند بنا گردیده، وازمجموعه‌آن بنای قرن هشتم تنها محراب آن بصورت‌اصلی درشبستان مسجد باقی مانده است . این محراب از لحاظ‌گچبری وشکل‌ساختمان وستونهای مدور با حاشیه‌های مکرر وکتیبه‌های کوفی و رقاع وتناسب اندازه و

۱ـ ویلبر ـ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص۱۸۷ ؛ آثارایران ج ۱ ص۶۸

ر نقوش ظریف و ریزه‌کاری‌های دقیقی کـه در آن بکاررفته از آثار بسیار ارزنده دوران مغول بشمار میرود. محراب گچ‌بری بعرض ۲/۷۵ و بلندی ۶ متر در قسمت وسط طرف جنوبی شبستان قـرارگرفته وگنبد بالای این قسمت بکلی ریخته که بعداً با تیر پوشیده شده است. در پاطاق این گنبد آثار حاشیه‌گچ بری مشتمل برآیات قرآنی دیده میشود که قسمت عمده‌آن ریخته است.

کتیبه‌های محراب دورتادور حاشیه بخط‌کوفی‌گچ‌بری شده، وکتیبه‌تاریخی آن درهلال بزرگی بالای قسمت اصلی محراب بشرح زیرتحریرگردیده است:

«جدّد من فواضل الانعام السلطان الاعظم مالك رقاب الامم ابوسعید بهادرخان خلّدالله ملکه فی سنة احدی وثلثین وسبعمائة هجریه»

نام سازنده محراب که استادی‌گچ‌بر باسم نظام بندگیر تبریزی بوده چنین آمده است: «عمل العبدالفقیر نظام بندگیر تبریزی»

درداخل هلال ودرپایین دوکتیبه مزبور دربالا بخط رقاع چنین نوشته شده است: «وقف من مال خیرته مدینة مرند علی مصالح هذا المسجدالجامع وشرط التولیةالعبدالضعیف حسین بن محمود بن تاج خواجه»

تاریخ دیگری ازتعمیر این مسجد روی لوحه سنگی در بالای در شبستان جنوبی نصب گشته وچنین نوشته شده است:

امر بتجدید هذه‌العماره‌العبدالفقیر خواجه حسین‌بن سیف‌الدین محمود بن تاج خواجه فی اواخر سنة اربعین وسبعمائه (۷۴۰ هـ)

ظاهراً این خواجه حسین‌بن سیف‌الدین محمود همـان متولی مسجد بوده که نام او درکتیبه بالاتر آمده است.

این مسجد درمحله قنبرچشمه درسمت شرقی شهر در پشت محوطه عمارت جدید فرمانداری قرار دارد ودر ورودی آن در گوشه شمال‌دیوارشرقی‌است.(۱)

۱ـ دیباج: آثارباستانی وابینه تاریخی‌آذربایجان ص۵۴ فهرست بناهای تاریخی‌ص۸؛ مرآت البلدان جلد۴ماده جامع مرندص۱۲۰؛ مجله بررسیهای تاریخی سال دوم شماره ۵ ص۱۴۵

مسجد جامع مرند ساختمانی‌است کاملا محصور با نقشه مستطیلی که نه‌صحن دارد ونه سردر، از نظر اختلافی که با دیگر بناها دارد برخی بر آنند که این‌مسجد دراصل کلیسایی بوده ودرزمان مغول تبدیل به‌مسجدگردیده است. درواقع‌شکل نقشه نتیجه ملحقات و اضافاتی است‌که طی زمان طولانی بعمل‌آمده است.

اطاق‌گنبد مربع‌شکل با سردر در سه سمت در دوره سلجوقیان ساخته شده است . در دوره مغول این اطاق تعمیر وتزیین‌گردیده و بعد یك سلسله دهنه‌های طاقدار درسمت شمال ومشرق ومغرب اطاق‌گنبد ساخته شده ، ودر ازمنه اخیر دیوارهای ساختمان به‌سمت مشرق بسط داده شد، ویك نمازخانه مستطیلی‌اضافه گردیده است . در گوشه شمال غربی ساختمان پایه هشت‌گوش مناره است. درطی قرون متمادی‌گنبد روی طاق فروریخته‌است. (۱)

کاروانسرای مرند ـ این کاروانسرا در ۱۳کیلومتری شمال مرند سر راه تبریز وجلفا واقع شده است پایه‌های آن‌که متشکل ازقطعات بزرگ سنگ‌سیاه است وهمچنین بارو وقسمتی از دیوارخارجی به‌کلفتی ۱٫۱۰ هنوز حفظ شده ، ولی اطاقهای درامتداد دیوارهای داخلی از بین رفته است .

درمحل آنرا به هولاگو نسبت میدهند . تاریخ بنای‌آن بایستی درسال ۷۳۱ هجری باشد .

این بنا دارای چندین کتیبه بوده ، ولی درحال حاضر فقط کمی بیشتر از نصف یك کتیبه‌کوفی برصفحه خارجی طاق متقاطع سردر درمحل خود باقی‌است.

وقتی که خانیکف درسال ۱۸۵۷ ازاین بنا دیدن کرد سردر وضع خرابی داشت تکراردوکلمه دراین‌کتیبه وی را برآن داشت که تصورکند متن‌آن شعری فارسی بوده است .

دکتر جورج‌مایلز ، پس‌ازمطالعه نسخه بادست تهیه شده‌کتیبه اظهارمیدارد که متن‌آن بزبان عربی نیست و تصور خانیکف درست بوده است.

۱ــ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص۷۹

این کاروانسرا دراصل ازعالیترین بناهای زمان خود بشمار میرفته و آن- کاروانسرایی مستطیل شکل باده بارو وسردری عظیم بوده است. سردرآن رو به مشرق است ودرجنوب سردر قسمتی از دیوار خارجی به ارتفاع درحدود ۴ متر باقی مانده است. دیوارها آجر معمولی دارد، بجزحاشیه بالای آن‌که درحدود ۸۰ سانتیمتر است، باطرح مربع مورب پی درپی ازآجر معمولی و تراش ساخته شده است. این بنا به سبك ابنیه شمالی غربی‌ایران است وترکیبی‌ازآجر وسنگ تراش میباشد. وضع سنگهای تراش ولبه داخلی‌طاق وقالبگیری لبه‌آنها وبرآمدگی‌روی سنگ سرطاق، نشانه نفوذ معماری سوریه وآسیای‌صغیراست.

سر در کاروانسرا ۹ متر بالای سطح‌زمین قرارگرفته وصفحه خارجی‌آن‌از نیم ستون زاویه کتیبه‌ای شروع میشود به عرض ۲۵ سانتیمترکه حروف کوفی آن ازسفال بدون لعاب درزمینه کاشی آبی روشن است.

طاق روی‌سر در مدخل‌تقریبا خراب‌شده وتنها قسمتی‌که سالم مانده قسمت داخلی طاق متقاطع است(۱)

مقبره شیخ حیدر درمشکین‌شهر - این‌بناکه درتحت شماره ۱۸۴ درجزء آثار تاریخی به ثبت رسیده بنائی است بشکل برجی مدورکه ازآجر ساخته‌شده و ارتفاع آن ۱۸/۵ متر وقاعده آن ۳۴٫۵ متر می‌باشد. بدنه خارجی آن مزین به کاشیکاری فیروزه‌ای رنگ با اشکال هندسی است. سقف بنا بکلی خراب شده وکاشی‌های بالای بدنه نیزریخته است دردوطرف بدنه آن دو سردر با کتیبه‌های کوفی و ریحانی و حاشیه‌های مقرنس باقی‌مانده که قسمت‌عمده آن ریخته‌است.

ساختمان این بنا را مربوط به اواخر قرن نهم و اوائل قرن دهم هجری دانسته‌اند(۲)

باید دانست که جسد شیخ حیدر که در ۸۹۳ بدست شروان شاه و یاراتس

۱- معماری اسلامی ایران دردورهٔ ایلخانان ص۱۹۰-۱۸۹

۲- دیباج آثارباستانی آذربایجان ص۹۲ ؛ فهرست بناهای تاریخی ص۷

کشته شده بود ابتدا در دهکده الفندیار در ناحیه دهکندی واقع در ولایت طبرسران شیروان بخاك سپرده شد. هنگامیکه شاه اسماعیل درسال ۹۰۷ دومین لشکر کشی خود را به شیروان کرد، در طبرسران امر به نبش قبر پدرش کرد و استخوان‌های اورا باخود به آذربایجان آورد ودرخیاو (مشکین‌شهر) درآرامگاه باشکوهی بخاك سپرد.(۱)

ویلبر مینویسد. این بنا را اهل محل مقبره سلطان حیدر میدانند، قسمتهای باقیمانده کتیبه‌ها سخت آسیب دیده و کتیبه‌حاوی تاریخ پیدا نشده‌است. ولی میتوان تاریخ ساختمان آنرا درحدود ۱۳۳۰ م (۷۳۱ هـ) تعیین کرد. این فرضیه براساس خصوصیات ساختمانی ازقبیل نوع کاشی و استعمال سنگ تراش بامقایسه با ابنیه تاریخدار و جزئیات تزئینی مخصوص درنظر گرفته شده است. بعلاوه این ساختمان دارای خصوصیاتی است که آن را به مکتب منطقه‌ای معماری که درزمان مغول در آذربایجان وجود داشته منسوب میدارد. پی وپایه بنا از سنگ تراش و پوشش دیوار نمای خارجی از آجر قرمز به ضخامت یك آجر روی زیر سازی قرار داده شده است. سردر مدخل وسه‌پنجره مسدود باقاب محراب شکل برمحور اصلی کتیبه جای دارد. سطوح دیوار داخلی دوازده گوش و درقسمت بالا به وسیله باریکه‌هابی گوشه‌و کمی بالاتر باطاقچه‌های نیمه‌مدور، که بالای آن‌ها مقرنس کاری آجری است جلوه داده شده‌است. کاشی قاب محراب شکل سردر، و پنجره‌های مسدود برنگ سیاه آبی روشن و آبی سیر و سفید درقرنیس، و کاشی لعابی شکاف روکار آجری باکاشی‌های مربع آبی روشن که طرح سراسری و آیات قرانی را تشکیل می‌دهد. کاشیکاری این بنا ازکاشیکاری مقبره اولجایتو در سلطانیه کاملتر است. مقرنسکاری روی سر در خیلی شبیه به مقرنسکای محراب مسجد جامع اردبیل است پی‌سنگ‌تراش این ساختمان را با گروه ابنیه آذربایجان که تاثیر سوریه و آسیای صغیر در آنها مشهود است مربوط میسازد(۲)

۱ـ تشکیل دولت ملی در ایران ص۱۱۰
۲ـ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص۱۸۸

قلعه جمهور در نزدیکی مشکین‌شهر - این قلعه در ۵۰ کیلومتری شمال شهرستان اهر و در ارتفاعات غربی شعبه‌ای از رود بزرگ قره سو و درسه‌کیلو- متری جنوب غربی کلیبر بر روی کوهی بارتفاع ۲۶۰۰ مترساخته شده‌است. چنانکه درقسمت تاریخی گفتیم این همان دژی بودکه بابك خرم‌دین در آن مسکن داشته و نام آن در ادبیات اسلامی ، بذ ، آمده است . نام جمهور بایستی مأخوذ از اسم کوههای جمهور باشد که ازجبال منطقه قره‌داغ (ارسباران) بشمار میرود.ظاهرا تاریخ بنای آن درقرن سوم هجری (۲۰۱ - ۲۲۳ ﻫ) بوده باشد

کلیه باروها وبرجهای مخروطی‌واستوانه‌ای و مدورآن باسنگهای‌تراشیده شده وملاط ساروج بیکدیگر متصل‌گردیده‌است . این بنا مشتمل بر تالارمرکزی وچندین اطاق و تأسیسات مختلف دیگر می‌باشد محوطه‌ای که بارو و قصر بابك برفراز آن ساخته شده ، نزدیك به ده هزار متر مربع‌است. برای دخول به این قلعه پس ازرسیدن بدامنه کوه وعبور از کوره‌راههای سربالا درمیان تخته‌سنگها وجنگل بمعبری‌تنگ میرسیم که بین‌دودیواره سنگی‌طبیعی قرارگرفته وبه‌بارو و دروازه ورودی محوطه قلعه منتهی میشود . بین دوازه و محوطه داخلی قلعه نیز گذرگاه تنگی میان‌دیوارهای سنگ وجود داردکه درتکیهٔ‌گاههای طبیعی‌آن درچهارسمت بنای اصلی آثار برجهایی بشکل نیم‌دایره مخصوص دیده‌بانی بنظر میرسد.

ازبقیه آثار دیوارها وپایه‌های تالار چنین معلوم میشود که بنای قصر در دوره آبادی دوطبقه و دربعضی قسمتها سه طبقه و اطاقهای متعددی از اطراف با تالار اصلی مربوط بوده است.

درقسمت‌شرقی قصر آثارساختمانهای دیگری از اطاقها وآب‌انبارها و پله- های سرتاسری نیزدیده‌میشود. این‌بنا امروز بکلی ویران است وهیچ‌اثرمکتوبی

درآن بدست نیامده است[۱]

کلیسای سنت استفانوس درجلفا[۲] این کلیسامجاورآبادی کوچکی بنام دره شام(پاشاکندی) است ودرفاصله کمی ازمحل تلاقی رود قطور باارس واقع شده وازابنیه قرن نهم میلادی می باشد. دیوارها وطاقهاوپوشش این بناباسنگهای سفیدو سیاه رنگ معدنی ساخته شده ، نمای خارجی آن دارای نقوش وطاقهایی است که بوسیله ستونها و حاشیه‌های زنجیره‌ای شکل برجسته ازیکدیگر جدا میشود . نمای نمازخانه یا قسمت اصلی از بیرون بشکل منشور دوازده ضلعی از سنگ ساخته شده که دروسط پهلوهای جانبی آن یك درمیان پنجره‌ای نصب و بوسیله سقف شبیه به چتر بیست وچهار ترکی پوشیده گردیده است .

این کلیساازشاهکارهای هنر معماری ارمنی درآذربایجان شرقی بشمارمیرود وازلحاظ گنبد هرمی شکل ونمای خارجی بنای قابل توجهی است.[۳]

پل دختر درمیانه ـ این پل که در دامنه شرقی قافلانکوه برروی رودقزل‌اوزن زده شده بود ازپلهای آجری قدیمی است که تاریخ ساختمان آنرا میتوان ازقرن هشتم هجری دانست و تحت شماره ۸۷ جزء آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است . آن ازسنگ وآجر ساخته شده ودارای سه طاق بزرگ میباشد که برروی آب برهای ازسنگی قرارگرفته ودرطرفین پایه وسطی کتیبه‌ای ازآجر بشکل مربع به خط نسخ وجود دارد که بکلی محو شده ولی خوشبختانه کتیبه دیگری ازسنگ مرمر بخط نستعلیق درسمت چپ پل دیده میشود که تاریخ تعمیرآنرا درسال ۹۳۳ هجری تعیین مینماید .

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی ص ۷ ؛ کام بخش‌فرد ، قلعه جمهور یا دژ «بذ» ، مجله بررسی های تاریخی سال یکم ۱۳۴۵ شماره ۴ ص ۳ ـ ۱۸ .

۲ ـ St. Slephannos .

۳ ـ دیباج : شهرها و قلعه های آذربایجان ، مجله بررسیهای تاریخی سال دوم شماره ۶)

این پل بامر دختری بنام‌شاه بیگم‌دخت محمد بیگ‌موصلو (موصلی) تعمیر گردید و ظاهراً بهمین‌جهت آنرا پل دختر نامیده‌اند.

طاق وسطی این‌پل زیبا و تاریخی را در ۲۰ آذر ۱۳۲۵ که یکروز پیش از تاریخ نجات آذربایجان از تسلط حکومت طاغی پیشه‌وری است، قوای دمکرات در هنگام عقب نشینی بامین منفجر کردند و اکنون آن بصورت پلی شکسته درآمده و مسلوب‌المنفعه مانـده و بجای آن پل دیگری درکنـار آن از آهن ساخته‌اند(۱)

قلعه‌دختر درمیانه - در دوکیلومتری شمال پل‌دختر قلعه دختر قراردارد که برروی صخره‌ای بزرگ بشکل کثیرالاضلاع غیر منظم از آجر دربالای کوهی ساخته و برگردآن باروئی کشیده بودندکه آثـار آن نمایان است - بلندی این بارو تا بپایین در حدود چهارده متر است در دیوار قلعه دو مدخل ساخته‌اند که هر کدام سه متر ارتفاع دارد و دربالای یکی از آنهـا کتیبه‌ای برسنگ نقرشده بوده که فعلا اثـری از آن باقی نیست. این قلعه را از آثار قرن ششم هجری دانسته‌اند(۲)

قلعهٔ ضحاک - (۳) درنزدیکی ایستگاه خراسانك که درسه کیلومتر و هفتاد متری پس ازخروج ازتونل راه‌آهن‌میانه بمراغه قراردارد برفراز کوهساری‌که تونل مستقیم وطویل‌دوکیلومتری مزبور از دل آن میگذرد، بقایای ساختمانهای مفصل سنگ وگچی موجود است که بنام قلعهٔ ضحاك خوانده میشود.

---

۱ - آثار باستانی آذربایجان ص ۹۷

۲ - آثار باستانی‌آذربایجان ص ۹۷ - ۹۸ ؛ مجله بررسی های تاریخی سال دوم شماره ۶ ص ۱۱ مقاله آقای اسماعیل دیباج

۳ - خلاصه‌ای از مقالهٔ آقای سیدمحمدتقی مصطفوی درکتاب یادنامهٔ ایرانی مینورسکی ص ۱۲۸ - ۱۳۵ ، تحت عنوان: «یك اثر تاریخی از دوران ماد تا عهد اسلامی ، قلعهٔ‌ضحاك در آذربایجان شرقی.

بنظر میرسد که این ویرانه‌های پراکنده آثار بسیار قدیمی از دوران مادها باشد که بعدها برروی آن اطلال ساختمانهایی در دوره‌های هخامنشی و اشکانی و ساسانی و ادوار اسلامی بنا شده است. چنانکه در اواخر دوران ساسانیان چهار-طاقی زیبایی درمحل بلندی کنار پرتگاهی ساخته‌اند که دردورهٔ اسلامی بصورت دژ بسیار بزرگ کوهستانی و پایگاه وسیعی درآمده است.

درمحلی ازویرانه‌های قلعهٔ ضحاك گودالی بصورت دهانه چاه بزرگ یامخزن آب دیده میشود. آقای محمدتقی مصطفوی مدیر کل اسبق باستانشناسی ایران که ویرانه‌های این قلعه را از نزدیك دیده‌اند حدس میزنند که قدمت این آثار به چندهزارسال پیش میرسد.

اثر بسیار دیدنی و قابل توجه درقلعه ضحاك بنای بلند آجری عهد ساسانی است که بصورت چهارطاقی می‌باشد. این بنا ازسه جانب باز وازیك طرف بسته است. دوطرف بازآن برلب پرتگاهی درکنار دره‌ای قرار دارد.

طرف بازدیگر تنها راه رسیدن و راه وصول بدرون آنست بنای مزبور به صورت چهارگوش وبابعاد ۹٫۷۶ متر در ۹٫۷۶ متر ساخته شده است. در چهار-گوشهٔ آن پایه‌هایی بابعاد ۲٫۷۰ متر در ۲٫۷۰متر برروی صخره‌ای ازکوه بنیاد نهاده باپوشش ضربی بنا را برفراز چهارپایه استوار ساخته‌اند. پهنای هریك از دهانه‌های چهارطرف ۴٫۳۶ متر و ضخامت دیوار دهانه درآن سمت که بسته است بالغ بریك متر میگردد.

این چهارطاقی نسبت به چهارطاقیهای آتشکده‌های عهد ساسانی که درسایر نقاط ایران وجود دارد، بلندتر ساخته شده و برخلاف چهارطاقیهای دیگر برای مراسم افروختن آتش از آن استفاده نمی کرده‌اند، بلکه سایه‌بان و استراحتگاه شاهانه‌ای برلب صخره بلند مشرف بدره و دشتهای اطراف بوده است. ساختمان بنابوسیله آجرهای سرخ خام خوش رنگ صورت گرفته است و مانند بسیاری دیگر

از ابنیه عهدساسانی خصوصاً آثار اواخر آن آجرها را بردیف افقی وقائم ترکیب نموده‌اند. اگر درنظر بگیریم که مسافت قلعه ضحاك تاآتشکده آذرکشنسب (در پنجاه کیلومتری شمال شرقی تکاب) بطور مستقیم در حدود صد کیلومتر است میتوان حدس زدکه همزمان باجنگهای ایران وروم درزمان خسروپرویز (۵۹۰- ۶۲۸ م) چهارطاقی کوشك مانند مورد ذکر ساخته شده است.

بقایای ابنیه و دیوارسنگ وگچی قلعه ضحاك ظاهراً از دوران اسلامی است و احتمال میرود که درقرن سوم ویاچهارم هجری باشد.

قسمتهایی ازدیوارهای سنگی بسیارکهن درقلعهٔ ضحاك مشاهده میشود که بنظر میرسد از دوران آشوریان و مادها و قرن هشتم و هفتم بیش از میلاد باشد.

چون هنوز دراین مکان کاوشهای دقیق باستانشناسی نشده احتمال میرود بر اثر حفاریهای علمی آثاری پیدا شود که بتواند تاریخ دوره های تاریك سرزمین آذربایجان را روشن سازد.

کاروانسرای سرچم - درقریه‌سرچم بین زنجان ومیانه وهشتادکیلومتری زنجان ویرانه‌های کاروانسرای مهمی‌وجود دارد. ساختمان مزبور برکنار زنجان رود واقع و سردر آن رو به سمت جنوب و رودخانه است. نقشه اصلی عبارت بوده ازصحن بزرگی که‌اطاقهایی بدورآن ساخته شده و چهار ایوان برمحورهای اصلی داشته است. ایوان جنوبی ازسردر اصلی راه داشته و سردر ورودی دروضع نسبةً خوبی باقی مانده است. باروهای گوشه و سطوح عمودی اطاق متقاطع و مقرنسکاری طاق‌همه ازخصوصیات کلی ابنیه ایران است. بندهای آجر بندکشی نشده واحتمال میرودتزییناتی که برای نقاطی ماننداچکیهای کنار فرورفتگی‌های دیوار وصفحه‌های عمده وبرجسته مقرنسکاری درنظرگرفته‌شده بود، ساخته‌نشده باشد. سردر اصلی وکتیبه آن ازلحاظ سبك بنا باسایر قسمتها فرق دارد، زیرا

سر در از سنگ سیاه مرمر است .

این خصوصیت ممکن است مستقیماً از ابنیه سوریه آن دوره و مخصوصاً از بنایی در حلب که تاکنون باقی مانده اقتباس شده باشد . بهترین دلیل آن قالب گیری باریکی است که در لبه خارجی طاق وجود دارد و بالای سنگ سر طاق به هم متصل شده و کتیبه بالای آن قرار دارد. سنگ کاری دقیق و ظریف است اما قطعات آن به اندازهٔ کافی بزرگ نبوده است ، زیرا در بالای طاق و نواحی دیگر وصله کاری زیاد دیده میشود .

چیزی که اکنون از کاروانسرا مانده چند ایوان مزبور و دروازه است که تاریخ انجام بنا را در ۷۳۳ هجری نشان میدهد .

بقیه بنا که آثار طاقهای بسیار زیبایی در آن میان پیداست ، بدست اهالی محل خراب شده و مصالح آنرا کنده در خانه‌های شخصی خود بکار برده‌اند، ظاهراً در عهد صفویه هم تعمیرات بسیار در آن رخ داده است از دیواره محیط خارج هم چیزی باقی نیست تمام مصالح آنرا برده‌اند ولی ترس از افتادن بنا و هلاکت کارگران خوشبختانه موجب شده که در تخریب دروازهٔ بزرگ احتیاط بجا آورند و از ویران کردن قسمتی از آن صرفنظر نمایند .

اندره گدار این کاروانسرا را از آقا شمس الدین قراسنقر الچرکی المنصوری از امراء ممالیك که در خدمت سلطان ابوسعید بهادر بوده ، دانسته است . بنا بقول حمدالله مستوفی از اینجا راهی از سمت چپ بمراغه میرفت و راهی از دست راست بمیانه و تبریز میپیوست . سبك بنا و مقرنسکاری آن ایرانی است . فقط چیزی که مربوط به ایران نیست و شاید سلیقه قراسنقر مملوك در آن نفوذی داشته، حاشیه سنگی تیره رنگی است که در زیر طاق تا روی کتیبه بزرگ قراردادن کلید طاق (یعنی سنگ گوشه داری که در مرکز طاق قـرار میدهند و استواری طاق بسته به آن است) و اسلوب حاشیه که در بالای کلیدگره میخورد و کتیبه را احاطه می نماید ، از سبك

معماری ایران خارج و بسبک معماری شامی است درنتیجه معلوم میشود که این طاق شامی‌درطاق ایران درست‌نیفتاده و درقرار دادن‌کلید مهارتی بکار نرفته‌است. لیکن با وجود این نقص حاشیه سنگ تیره فام و بدنه مرمر سفیدی که بر بنا افزوده‌اند قوّت وتنوع خاص به‌آن بخشیده‌است که بناهای‌آجری‌فاقدآن هستند

کتیبه‌ای که‌باخط ثلث‌بسیارزیبابردروازه‌آن‌نوشته شده، نام ابوسعید بهادر خان پادشاه زمان،ووزیراوغیاث‌الدین محمد را درسال۷۳۳ هجری نشان‌میدهد :

«من فواضل صدقات‌السلطان الاعظم علاءالدولة والدین ابوسعید بهادرخان خلّدالله سلطانه واجلّ شانه فی‌هذا الرباط»

« المخدوم الاعظم سلطان الوزراء فی‌العالم غیاث‌الحق والدین محمداعزّالله انصار دولته فی سنة ثلاث وثلاثین و سبعمائة »(۱)

---

۱ – آثار ایران ج ۱ ص ۶۴ – ۶۸ ، معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان ص ۱۹۳

بخش دوم

آثار و اطلال تاریخی آذربایجان غربی

آثار مغول در تخت سلیمان ـ دربارهٔ تخت سلیمان در آثار پیش از اسلام آذربایجان گفتگو کردیم اینك به‌بحثی اجمالی درباره آثار مغول آنجامیپردازیم. حمدالله مستوفی درباره این بنا چنین مینویسد:

«در ولایت ایجرود (انجرود) قصبه‌ای است مغول آنرا «ستوریق» خوانند برسر پشته‌ای است کیخسرو کیانی ساخته است، و درآن قصبه سرایی است بزرگ و در صحن سرای چشمه‌ای است بشکل حوضی بزرگ بلکه مانند دریاچه‌یی ملاحان بقعرش نمیتوانند رسید. دو جوی آب هریك به‌قدار آسیا کردانی دایم ازآنجابیرون‌می‌آیدوچون درمی‌بندندآب‌حوض زیاد نمیشود، وچون میگشایند برقرارجاری‌است ودرهیچ موقع‌کم وبیش‌نمی‌باشد واین ازنوادراست. ابقای‌خان مغول آن سرای را باحال عمارت آورد، ودرآن حوالی علفزاری خوبست».(۱)

تخت سلیمان تحت شماره ۳۰۸ جزء آثار ملی ایران به‌ثبت رسیده است.

دراینجا خرابه‌های کاخهای اختصاصی پادشاهان مغول دور تا دور دریاچه تخت سلیمان را فراگرفته و دیگر ساختمان مغولی درصفحه تخت پراکنده‌اند و آنچه تاکنون ضمن حفریات ظاهر شده عبارتست از چهار ایوان باندازه‌ها و ارتفاعات مختلف‌که بطور قرینه سازی در چهارگوشه دریاچه روبروی یکدیگر قرارگرفته‌اند.

---

۱ ـ نزهة‌القلوب طبع دبیرسیاقی ص ۷۰.

فاصله بین ایوانها با پایه و جرزهای کلفت بسبك اسلامی طاق زده شده و بصورت رواق درآمده است . ازطرز بنای مغولان چنین معلوم میشود که آنان به آثار قدیم تخت سلیمان بدیده احترام مینگریستند نه تنها از تخریب آثار باقی مانده جلوگیری کردند ، بلکه در تعمیر آنها هم جدّبلیغ نمودند .

چنانکه برجای گنبد متلاشی شده آتشکده آذرگشنسب گنبدی رفیع بوجود آوردند که با گوشواره‌های چندضلعیش گوشواره‌های گنبد سلطانیه را در زنجان بخاطر می‌آورد .

یکی از خصوصیات ساختمانی مغولان در تخت سلیمان، بکاربردن قلوه‌سنگهای صلیبی ملاط وساروج میباشد حتی سقف گنبدهای ابنیه خود را باهمین قلوه‌سنگها وملاط و ساروج طاق زده‌اند .

ایوان شمالی – این ایوان درشمال دریاچه تخت سلیمان وجنوب آتشکده ساسانی در دهلیزی بطول ۲۰ و پهنای ۱۸٫۵ متر ساخته شده است .

منتهی مغولان درکناردیوارهای قطورسنگی وآجری ساسانی اقدام بساختن دیوارهایی بقطر چهارمتر کرده بدین ترتیب پایه‌های ضخیم ایوان شمالی را به قطر دهانه ۱۰ متر بوجودآورده‌اندکه طول آن بهمان صورت اولیه عهدساسانی درحدود ۲۰ متر میباشد .

در وسط این ایوان پله‌هایی به پهنای ۳٫۵ متر ازسنگهای تراشیده‌ساخته که بساختمانهای روی آتشکده راه داشته است . در طول ۱۲ متری دیوار شرقی راهرویی وجود داردکه ارتفاع آن همان ارتفاع دیوار مزبور است.

این راهرو ازطرف مغرب به‌دهلیز حدفاصل بین ایوان شمالی وکاخ اختصاصی اباقاخای راه می‌یابد . ابنیه مغول بسبك اسلامی با ایوانهای رواق‌دار در جلو و ساختمانهای متعددی درپشت آن ساخته شده‌است . ستونهایی بمنظور نگاهداری رواق با پایه‌ای چهارگوش ازسنگ قرمز تعبیه شده است . تعداد این ستونها در

این قسمت از بنا چهارعدد است . قطر سنگهای فرش کف اطاق شش سانتیمتر و سنگهای حاشیه‌دیوار ۴ سانتیمتر است . تالار مرکزی که محوطه‌ای بمساحت صد متر مربع میباشد دارای گنبدی مدور بوده است ـ شاه‌نشین یا جایگاه تخت سلطنتی درقسمت بالای تالار در محوطه‌ای بوسعت ۴٫۵ متر طول و ۳٫۵ متر عرض تا اندازه‌ای مجزا از تالار مرکزی ساخته شده‌است. تزیینات و گچ‌بری‌های این شاه‌نشین و تالار بسیار زیاد و قابل توجه است.

درآوردن آب در این کاخ مغولان از تنبوشه‌کشی سابق دوره ساسانی استفاده کرده‌اند .

اثر معماری این کاخ ، مخصوصاً گنبد مدوری که محوطه‌ای بوسعت ۱۰۰ متر مربع را پوشانیده عالیترین شاهکار فن معماری دوره مغول است.

علاوه بر اطاقهائیکه درجوار ایوان خسرو در سمت جنوبی آن بنا شده به فاصله‌ای درحدود ۳۰ متر فقط رواقهایی وجود داردکه از درگاه‌هایی بسوی غرب تخت سلیمان راه مییابد .

اطاق کوکبی هشت ضلعی بسبك بسیار جالب توجهی ساخته شده و گنبدی با قلوه‌سنگهای طبیعی و ملاط و گچ و آهك بر آن زده شده است .

تالار بارعام ـ بفاصله ۱۰۰ متری بناهای غربی دریاچه و درمغرب تخت سلیمان بنای وسیع مربع شکل ستون‌داری که بیش از ۳۰۰ متر مربع وسعت دارد و مدخل آن از طرف جنوب به پهنای شش متراست باسنگهای قرمز رنگ حجاری و تزیین شده‌است. درداخل تالار چهارپایه ستون مربع‌شکل وجوددارد که‌روی آنها ستونهای قطور از سنگ قرمز استوارشده‌است. این تالار دارای گنبدی عظیم بوده و ستونهای موجود فقط جنبه تزیینی داشته‌است این گنبد و طاقهای دیگر همه ضربی و قوسی است که بااستفاده از قلوه‌سنگهای طبیعی آن طاقهای هلالی را زده‌اند . یکی از تزییناتی که مغولان درحجاری و گچ‌بری و کاشی‌کاری ابنیه خود بکار برده‌اند نقش

اژدها است که ظاهراً آنرا ازهنر چینی فراگرفته‌اند ازجمله کاشی زیبایی است که منقوش به‌نقش اژدهاست و در خرابه‌های تخت سلیمان پیدا شده‌است اتفاقاً درطی قرون درجنوب تخت سلیمان دربین مزارع از رسوبات املاح معدنی آب دریاچه‌جویی مارپیچ بطورطبیعی بوجود آمده که درحدود ۳۰۰ متر طول‌وگاهی چهارمترارتفاع داد، وبعلت شباهت آن به‌ماری بزرگ درعرف محل اژدهاخوانده میشود . شاید وجود همین‌جوی طبیعی درتخیل این حیوان افسانه‌ای و نقش‌آن برروی کاشی‌های عمارات مغول موثر بوده است (۱)

قسمت شمال تخت سلیمانـ که هنوز کاملا مورد تحقیق قرار نگرفته ، پوشیده ازبقایای ساختمانهایی است که‌قسمت جزئی‌آن مغولی بوده وقسمت‌عمده آن بعد ازمغول ساخته شده است . بعد ازکاخ زمان مغول دراین نقطه از تخت سلیمان یك دهکده وجود داشته که اهالی‌آن درداخل حصار محافظ ، وگروهی نیز درعمارات موجود ومشترك مربوط به‌زمان مغول سکونت داشته‌اند . دراینجا یك‌گورستان‌کوچك بایك امامزاده‌که در کنار خرابه های ایوان آتشکده ساخته شده بوده بچشم میخورد . اززمان رونق این‌دهکده نیز یك‌محراب‌که ازسنگهای شنی قرمز ساخته شده بدست آمده است . تزئینات دیوارهای کاخ‌های مغولی که بطور کلی ازنوع مخصوص ساخته نبوده ، با هنر تزینات مربوط به قرن سیزدهم درایران ، کاملا مطابقت داشته است. (۲)

سه‌گنبد در رضائیهـ - این‌بناکه درتحت شماره ۲۴۲ جزء آثار تاریخی به‌ثبت رسیده ازآثار قرن ششم هجری و دوره سلجوقی است و بفاصله ۵۰۰ متر در سمت جنوب شرقی آن شهر واقع شده و بشکل برجی‌است. درمدخل آن سه

---

۱ ـ علی‌اکبر سرفراز : تخت سلیمان ۱۱۰ - ۱۱۴ .

۲ ـ مجلد دانشکده ادبیات تهران (شماره چهارم سال ۱۶) مقاله‌کلایس تحت عنوان تخت سلیمان و زندان سلیمان .

کتیبه بخط کوفی که نقش و خطوط آنرا با سنگ تراشیده‌اند نصب شده که در یکی از آنها تاریخ ماه محرم سال ۵۸۰ هجری خوانده میشود.

اندره گدار مینویسد: «این مقبره باسلوب گنبدهای مراغه مرکب از سکوی سنگی بلندی است حاوی دخمه‌ای که در بالای آن بنای آجری برآورده‌اند که شامل اطاق مقبره است مدخل آن مثل بقعه مدور مراغه وقوی برج محاط در یک قاب پر نقش و نگاری است که در بدنه استوانه شکل برج تعبیه کرده‌اند»

درگاه ورودی درمیانه طاقنمای مسطحی واقع شده که قاب مستطیل نامبرده در بالا بر آن احاطه دارد. اما چرا آنرا سه‌گنبد میخوانند؟ در بالای دخمه و اطاق مقبره اثر دوگنبد بیش نمایان نیست، آیا باید فرض کرد بجای سقف مخروطی شکل که در آذربایجان درعهد سلجوقیان براین قبیل ابنیه می‌پوشانیده‌اند، آیا گنبدسومی هم وجود داشته است؟ بنظر من این فرض درست نیست، علی‌رغم اصطلاح عامه که آنرا سه‌گنبد خوانده‌اند باید گفت سومین گنبد، چه این گنبد فقط عبارت از سقفی ساده بوده است.

بعبارت دیگر درداخل این برج دوطاق مجزای از یکدیگر ساخته شده، در روی گنبد اصلی گنبد کوچکتری ساخته‌اند و ازاینرو به سه‌گنبد شهرت یافته است.

بعضی در وجه تسمیهٔ آن به سه‌گنبد گفته‌اندکه دو بنای دیگر درمجاورت ده چهریق در نزدیکی سلماس وجود داشته که مجموعه این سه بنارا سه‌گنبد میخوانده‌اند درجلوخان سه کتیبه بخط کوفی است. یکی بالای در دیگری روی طاقنما، وسوم برفراز قاب مستطیل، کتیبه آخر که باین جمله ختم میشود:

«فی شهر محرم ثمانین وخمس مائة» ۵۸۰ هجری. آندره گدار. این بنارا در ردیف ابنیه مراغه و بین برج مدور (۵۶۳ هـ) وگنبدکبود (۵۹۳ هـ) قرار میدهدو مینویسد: باوجود اینکه در آن زمان استعمال تزیینات کاشی رواج داشته و در

مقبره مؤمنه خاتون در نخجوان که در ۵۸۲ ساخته شده کاشی بکار رفته ، در این مقبره کمترین اثری از رنگ‌آمیزی بنظر نمیرسد . اما نکته دیگر هست که رفع استغراب میکند و آن اینست که حروف خطوط و نقوش هندسی سه‌گنبد را با سنگ ساخته‌اند ، و این دلیل است که معماران عادت داشته‌اند بعضی قسمتهای تزیین را نسبت به‌خود بنا متفاوت بسازند. حال اگر این اختلاف را باکاشی مجسم نکرده‌اندچنانکه درمراغه یانخجوان نموده‌اندسبب این بوده‌که در اورمیه‌وسایل کار نداشته‌اند .

دلیل مهارت معمار سه‌گنبد آنست که در برجی استوانه‌ای شکل قبلاً اطاقی مربع تعبیه‌کرده ومجدداً تربیع بنارا باتدابیر معماری‌مبدل به‌تدویر کرده آنگاه گنبد را بر آن برافراشته است . نکته مهم هنری این بنا گذاشته ازگنبد رفیع و مقرنس کاری آن‌که درحدود ۹ متر ارتفاع دارد ، رنگ‌آمیزی و تزیینات سنگی است‌که جلوه خاص باین بنا داده است .

بنای سه‌گنبدشباهت بسیاری بابرج علاءالدّین در ورامین نزدیک‌شهرتهران دارد(۱)

مسجد جامع رضائیه - این مسجدکه تحت شماره ۲۴۳ جزء آثار تاریخی ایران به‌ثبت رسیده ازبناهای نیمه دوم قرن هفتم هجری است .

از لحاظ موقعیت در وسط بازار واقع است دارای صحن بزرگ و شبستان آجری وسیعی است که قسمت اصلی وسطی آن با گنبد بلندی پوشیده شده است .

محراب مسجد ازنظر گچبری و خطوط درشمار زیباترین آثارهنری‌دوران

۱- آثادایران ج ۱ص ۶۹ - ۷۰ با فهرست بناهای تاریخی ص۹؛ آثار باستانی‌آذربایجان ص ۸۴ ؛ مجله بررسی‌های تاریخی ج ۵ سال دوم ص ۱۳۷ ؛ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص ۱۱۲ .

مغول و ارتفاع آن ۷ر۸۲ و عرضش ۵ر۴۸ متر است و درقسمت پایین‌دارای دو ستون گچبری می‌باشد . این محراب شبیه به پارچه توری است که باگچبری‌های عالی و شبکه‌های ظریف بافته باشند . دروسط آن کتیبه‌ای است بخط رقاع که چنین خوانده میشود : «عمل عبدالمؤمن بن شرفشاه النقاش التبریزی فی شهر ربیع-الاول سنهٔ ستة وسبعین وستمائة .....». بنابراین آن محراب درسال ۶۷۶ هجری بدست استادی چیره دست بنام عبدالمؤمن تبریزی گچبری شده است وشایدخود مسجد ازاین تاریخ کهنه‌تر باشد .

ازشکافهای محراب قطعات کوچك محراب گچی قدیمتر دیده میشود واین محراب دوپنجره راکه مشابه آنها در دیوار های دیگر دارد مسدود کرده است محراب قدیمتر و خود شبستان گنبدازسال ۶۷۶ هجری پیش‌تر است وبایستی به دوره سلجوقی تعلق داشته باشد .

درآن زمان مسجد شامل شبستان مربع گنبددار بود که سه طرف آن در ورودی داشت . طاق گنبد با ابنیه عظیم شمال غربی ، که در ساختمانهای قزوین دیده میشودبیشتر ارتباط داردتاباسبك معماری‌ناحیه‌اصفهان. دیوارصفحه‌محراب دارای طاق‌سه‌برگ درمرکز استدرطرفین نغول ذوذنقه ستونهای نیمه‌مدورقرار داردکه سر ستون شیاردار آن در دو قسمت مجزا است و روی این ستونها نغول طاق نوك تیزکه تقریبا به‌شکل نعل اسب است قرار دارد و بالای حاشیه محدب ساخته شده است . این واحد بایك سلسله تا لب مستطیل‌محدب احاطه شده‌است درزیر نغول اسبی محراب آثار گچبری محراب قدیمتری دیده میشود .

این مسجد درسال ۱۱۸۴ هجری بفرمان رضاقلیخان بیگلربیکی افشارکه برشهر اورمیه حکومت داشت تعمیر شد(۱)

---

۱ ـ فهرست‌بناهای تاریخی ص ۱۰ ؛ آثار باستانی آذربایجان ص ۸۴ ؛ معماری اسلامی‌ایران در دورهٔ ایلخانان ص ۱۲۳ .

مسجد جامع مهابادـ بنای مسجد و مدرسه‌ای طلبه‌نشین از دوره شاه سلیمان صفوی درمهاباد بجای مانده که برسر در آن کتیبه‌ای بخط رقاع بر سنگی از مرمر نقر شد که دلالت بر اتمام آن درسال ۱۰۸۹ هجری مینماید ومتن آن کتیبه چنین است:

«وفقنی لاتمام هذه‌المدرسه‌الشریفه فی‌ایام دولة‌السلطان‌الاعدل شاه سلیمان الحسینی‌الموسی‌الصفوی بهادر خان خلّدالله تعالی ملکه فی‌سنة ۱۰۸۹ کتبه .... سهراب المکری» این مسجد از بناهای بداق سلطان‌بن‌شیرخان بن شیخ‌حیدرخان مکری است‌که فرمانروای ولایت ساوجبلاغ (مهاباد) بوده و درعهد شاه سلیمان صفوی درسال ۱۰۸۹ آنرا ساخته است(۱)

کلیسای طاطاووس در چالدران ـ این کلیسا که تحت شماره ۴۰۵ جزء ابنیه تاریخی ایران به ثبت‌رسیده در ده قره‌کلیسا درپانزده‌کیلومتری‌شمال‌شرقی سیه‌چشمه و هفت‌کیلومتری شمال راه سیه‌چشمه به‌قره ضیاءالدین ، در دهستان چالدران از بخش سیه چشمه در شهرستان ماکو در ۴۶ درجه و ۳۳ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۹ درجه و ۶ دقیقه عرض جغرافیایی واقع است(۲)

این کلیسا رابنام یکی ازقدیسین قدیم ارمنی تادئوس Tadeos خوانده که بزبانهای اروپایی تادئو tadeo وبزبان عربی و فارسی طاطاووس شده است . (۳) درعرف محل بزبان ترکی آنرا ، قره‌کلیسا ، یعنی‌کلیسای سیاه نامیده‌اند .

موریس دوکوتزبو که در ۱۸۱۷ بایران آمده درسفرنامه خود درباره‌وجه تسمیه این‌کلیسا چنین مینویسد :

«روز ۲۲ آوریل در خاك ارمنستان از کوه «بزابدال» گذشتیم ، رودخانه

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی ص ۱۳ ؛ مرآت‌البلدان ج ۴ ص ۱۰۵ .
۲ ـ فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۴ ص ۲۸۸ ـ ۳۶۶ ؛ فرهنگ آبادی‌های ایران‌ص۳۴۱
۳ ـ هنر معماری در ارمنستان ص ۱۰ .

«بامباك» را که از چند پل بر آن باید گذشت با بهترین منظره مینگریستم . در افق آثار کلیسای شهر کوچك «قره کلیسا» که تپه‌های مستور از کاج بر آن احاطه داشت نمایان بود . وجه تسمیه این شهر تیره رنگی کلیسای آنست که از دور سیاه بنظر میآید، باین سبب آنرا قره کلیسا گویند. باوجودی که این نواحی در عرض جغرافیایی ۴۰ درجه واقع است آب وهوای آن کاملا مانند منطقه وسطای روسیه است . معروفیت این محل عسل وماهی قزل آلای آنست. در ۱۸۰۵ که دولتین ایران وروسیه جنگ میکردند «پرنس سی‌زیبانوف» فرمانده گرجستان در این محل اردو داشت و نزدیکترین ذخایرش در قره کلیسا بود . بالاخره در کنار رودخانه «بامباك» در جایی که ۱۶۰ ورست با قره کلیسا فاصله داد بدست ایرانیان کشته شد و کتیبه‌ای بر روی قبر اوست . فرمانده قشون ایران در این جنگ ولیعهد (عباس میرزا) بود» .(۱)

قره کلیسا در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی سیه‌چشمه در دهستان به‌به‌جیك واقع شده است. آب گرم سیه‌چشمه تقریباً در جنوب زاویه‌سطحی و در دهستان چالدران قرار دارد.(۲)

سبب تسمیه

این کلیسا درزبان ارمنی «سورپ تاوئی‌وانگ» یعنی کلیسای مقدس طاطاوس خوانده میشود درسبب تسمیه‌آن در روایات ارمنی چنین آمده است:

پادشاهی بنام «آبگار» که از شاهان دولت اوسرئن بود و در حدود ۴۰ میلادی میزیست و نژاد او به اشکانیان میرسید بدعوت یکی از قدیسین مسیحی

۱ ــ مسافرت بایران در سال ۱۸۱۷ . ترجمه محمود هدایت تهران ۱۳۱۰ شمسی ص ۴۸ و ۴۹ ــ

۲ ــ دکتر جنیدی چشمه های معدنی ایران ص ۳۶۸ .

باسم طاطاوس دین مسیحیت را پذیرفت وبه تبلیغ واشاعه آن دین قیام کرد.(۱)
پس ازوی پادشاهی بنام «سانتروك» برتخت نشست و ازکیش مسیحی بازگشت و طاطاووس را بکشت او را درمحل کنونی این کلیسا بخاك سپردند.

ساندوخت ، دختر سانتروك که حاضر نشد کیش مسیحی را ترك گوید او نیز بفرمان پدر بقتل رسید وجسد اورا درکنار طاطاوس قدّیس دفن کردند.

کم کم دین مسیحی درارمنستان رواج یافت و درسال ۳۰۱ میلادی آن کیش بدست گریگوار مقدس در زمان پادشاهی تیرداد دین رسمی آن مملکت شدو بعدها دراین محل بیادبود شهادت طاطاوس و ساندوخت کلیسایی برپا کردند که موسوم « سورپ تادئی وانگ » یعنی کلیسای مقدس طاطاوس گردید. تاریخ ساختن این کلیسا معلوم نیست ممکن است درپیش از اسلام بریکی از ویرانه‌های پرستشگاه مهر بناگردیده باشد.

برای نخستین باز مورخی بنام «آرتسرونی» که در اواخرقرن نهم میلادی میزیست از آن کلیسا نام میبرد. در آثار قرن دوازده وسیزده مورخی دیگر بنام «زنوب گلاك» از آن نام برده است ازاین ببعدتاقرن پانزدهم بیشترمورخان وتذکره نویسان آن را در آثار خود بعنوان یك کلیسای با اهمیت یاد کرده‌اند بخصوص که آن محل سرراه کاروانها ولشکرکشی‌های قدیم بود ازاینجهت نام آن دراکثر نوشته‌های ارمنی آن زمان آمده است(۲)

نام قره‌کلیسا درکتب تاریخ عهدمغول وتیموری

جرماغون سردار اوکتای قاآن مغول درسال ۶۲۸ هجری درتعقیب سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به ماکو وارمنستان رفت(۳) و ازجاهائیکه از دستبرد او

۱ ــ دکتر مشکور : ایران در عهدباستان ص ۳۶۲ .
۲ ــ رساله خطی سرکیس کاراپتیان .
۳ ــ تحریر تاریخ وصاف ص ۳۴۱ ؛ تاریخ‌الامة‌الارمنیة ص ۲۲۸

مصون نماند این کلیسا بود .

در تواریخ ارمنی آمده که سپاه مغول در عهد سلطنت اوکتای قاآن ومنکو قاآن و اباقاخان وارغون درسالهای ۱۲۴۲م (۶۴۰ه) و ۱۲۵۱م (۶۴۹ه)و۱۲۶۵م (۶۶۴ ه) و ۱۲۸۵ م (۶۸۴) ه) این کلیسا را غارت کردند.

درزمان سلطنت ارغوان خان (۶۸۳ - ۶۹۰ه) لئون پادشاه کیکیکیه باتفاق یکی ازدانشمندان ارمنی بنام «تورس» برای دیدارشاه مغول به آذربایجان آمدند و قره کلیسا را زیارت کردند و عهد نامه‌ای مبنی بردوستی و عدم تعرض بین ایشان بامضا رسید . دیری نگذشت که در عهد همان ایلخان مغولان به بهانه سرشماری ارمنیان ، آن مردم را تحت شکنجه قرار دادند و قره کلیسا را غارت کرده اسقف آنرا کشتند . خاطره این سرشماری هنوز در تداول مردم ارمنی باقی است چنانکه مادران هنگام ترساندن کودکانشان گویند : « مواظب باش نویسنده آمده است ترا ببرد!» منظور از نویسنده مأمور سرشماری کذائی است .

درسال ۱۳۱۹ میلادی (۷۱۹ هجری) زلزله شدیدی در آن نواحی حادث گشت وخرابی بسیاری باین کلیسا وارد آورد و ۷۵ تن ازکسانی راکه درحال عبادت بودند هلاك ساخت . اسقف بسداجی زاکاریاکه ازسال ۱۳۱۵ میلادی بتولیت این کلیسا برگزیده شده بود به تعمیر آن پرداخت و پس از ده‌سال تعمیرات و بازسازی، آن کلیسا درسال ۱۳۲۹میلادی (۷۳۰هجری) باتمام رسید . درتعمیرات جدیدسنگ سفید بکار رفت برخلاف بنای سابق که در آن سنگهای سیاه بکار رفته‌بود. بیادگار این تعمیرات اساسی هنوزکتیبه‌ای بزبان وخط ارمنی از اسقف بسداجی زاکاریا در دیوارکلیسا باقی است و ترجمه ومتن آن چنین است :

«این کلیساکه بنام حواری مقدس تادیوس ساخته شده بود و اززلزله‌ویران گشت من‌که اسقف زاکاریا (زکریا) هستم آنرا تعمیرکردم و ازنوساختم».

در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۹ میلادی (۷۴۱ _ ۷۶۱ ه) درمحل این کلیسا

حوزه‌های علمّیه تدریس مذهبی توسط اسقف ، مسروپ ، دائرگردید.(۱)

درسال ۱۳۴۳ م (۷۴۴ هـ) امیر شیخ حسن کوچك چوپانی سپاهی بهمراهی سلیمان‌خان و امیر یعقوب شاه ازامرای روم به‌تسخیر بلاد این سرزمین فرستاد وایشان شکست یافته بازگشتند ، سپس پسر امیرشیخ حسن چوپانی که‌امیر قوچ حسن نام داشت ازپدر جداگشته به قراکلیسا بحدود قبان‌گریخت ومخفی شد.

امیر شیخ‌حسن ازآن حال واقف شده درخفیه کس فرستاد تا اورا گرفته‌به تبریز آورده و محبوس‌گردند(۲)

سطان اویس جلایری درسال ۷۶۸ هجری از موصل به‌صحرای موش در آسیای صغیر رفت و با بیرام خواجه ترکمان جنگ کرده ایل اورا بغارت‌دادو ازآنجا از راه قراکلیسا به‌تبریز بازگشت(۳)

درسال۱۳۸۵میلادی (۷۸۷هجری) قزل‌اوقوکه یکی ازسرداران تقتمش‌خان رئیس ایل ذهبی قپچاق بود درحمله به آذربایجان صدمات بسیاری به قراکلیسا رسانیددراین زمان اسقف‌بزرگ آنجا «کارابد» نام داشت . درسال ۱۳۹۷میلادی (۷۹۹ هجری) اسقف بوغوس ارمنی ، اوگیراگوس وبرابچی را به سمت تولیت کلیسا تعیین‌کرد.(۴)

کلاویخوکه‌درسال ۱۴۰۳ (۸۰۶هـ) ازطرف هانری سوم امیر کاستیل بسفارت بدربار تیمور آمده بود درسفرنامه خود چنین مینویسد :

«یکشنبه اول ژوئن بهنگام غروب آفتاب بجلوی دژی کـه ماکو نام دارد رسیدیم این محل ازآن کسی است‌که ازکاتولیك‌هاست اما نام او نورالدین است و همه آنان‌که از این دژنگهبانی و پاسداری میکردند کاتولیك بودند .

---

۱ ـ رساله سرکیس‌کاراپتیان

۲ ـ ذیل جامع‌التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو .

۳ ـ حبیب‌السیر ج ۳ ص ۲۴۱

۴ـ اندرانیك هویان : قره‌کلیسا، مجله بررسی‌های تاریخی سال دوم شماره پنجم

اینان اصلا از نژاد ارمنی هستند و بزبان ارمنی سخن میگویند و نیز ترکی و فارسی هم میدانند»[۱] ظاهرا کلاویخو دربیان خود ارامنه‌گریگوری‌را اشتباهاً کاتولیك پنداشته باشد. امیرتیمور درحمله خود به‌آذربایجان بگرفتن‌قلعه ماکو توفیق نیافت و باگرفتن بیست‌سوار با امیرتیمور صلح‌کرد و شهر ماکو و کلیسای طاطاوس ازخطر قتل و غارت وی نجات یافت. در سالهای ۱۴۴۰_۱۴۴۳ میلادی (۸۴۴ _ ۸۴۷ هـ) اسقف آن‌کلیسا گریگور جلال بیگیان ماکویی بود وسپس در مجموع روحانیان اچمیاد زین(اوچ‌کلیسا) بسمت جائلیقی ارمنیان برگزیده‌شد.

رستم‌بن مقصودبن حسن بیك‌آق قویونلو (۸۹۷ _ ۹۰۲) که از شاهان‌آن سلسله بشمار میرفت درسال ۱۴۹۳ م (۸۹۸ هـ) فرمانی برای زکریاکشیش قره کلیسا بعنوان اسقف اوج کلیسا بدین مضمون صادرکرد:

«الحکم‌لله ـ ابوالمظفر رستم بهادر سیوز ومیز سرکیس اوچ‌کلیسا بداندکه زکریا کشیش قراکلیسا ماکـویه نمودکه بناواجب و بیحساب مزاحم و متعرض احوال او میشود، می باید که بدستور قدیم با او عمل نموده بنا واجب وخلاف حکم‌همایون متعرض‌احوال‌او نشود دراین‌باب تقصیر ننماید درعهده دانند(محل مهر. رستم بهادر)، بنواحی بدوستان تحریرا فی ۸ ذی‌قعدة الحرام سنة ثمان و تسعین و ثمانمائه (۸۹۸ هـ).

شاه اسماعیل صفوی (۹۰۵ ۹۳۰ هـ) نسبت به‌مسیحیان‌مهربان بود و دستور داده بود که عمال دولت درموقوفات‌کلیساها دخل وتصرف‌نکنند و ازاوقاف آنها مالیات نطلبند.

خلیفه زاکاریاکه ازسال ۱۵۱۵ تا ۱۵۲۰ جاثلیق بزرگ ارمنیان بود درآن کلیسا تعمیرات اساسی‌بعمل‌آورد و راهی نیزبرای تسهیل رفت وآمد زائران‌بین آنجا و ماکو احداث‌کرد.

---

۱ ـ سفرنامه کلاویخو ترجمه رجب‌نیا ص ۱۵۲.

شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ ـ ۹۸۴) که مانند پدرش نسبت به‌ارمنیان محبت داشت در حفظ موقوفات قره‌کلیسا و صیانت آن از تجاوزات عمّال دولت در سال ۱۵۶۲ میلادی (۹۷۰ ه) فرمانی صادر کرد که صورت آن این است :

«شاه‌بابام انارالله برهانه (موضع مهر): شاه ولایت طهماسب فرمان همایون شد آنکه چون ازمضمون نشان عالیحضرت خاقان جمجاه سلیمان مکان واسنادقبالات مشروعه مستفادشدکه مزرعه قراکلیسیاه محدودبحدودکدوك انکورك وقرق بلاغ و مقبره هناك از راه مالکیت تعلق برعایای آنجا دارد وحق آبه‌مزرعه مذکوراز رودخانه قرین ارکوین ازشش سهم‌سهم مقرر است ، بنابراین بهمان دستور مقرر دانسته‌رعایاء قریه ارکوین مطلقابغیر حق‌وحساب درامالاك واراضی مزرعه‌مذکور مدخل نساخته و پیرامون حقّابه مقرره ایشان نگردد و از دستور سابق و قاعده قدیم‌تجاوز ننمایند . حاجی قاسم سیوچی حسب‌المسطور مقرر دانسته ازمضمون حکم مطاع انحراف نورزد وچون ازقدیم چراغلق قریه فریز ومهله زن وقروق تعلق‌بقراکلیسیاه‌داشته کدخدایان و رعایا درباره‌شاملق اصلا در آن مدخل‌نسازند و از قاعده قدیم و دستور سابق تجاوز ننمایند. امارت مآب مقصود بیك ختوسلو امداد نموده مجال تمرد احمدی ندهد وهمه ساله حکم مجدد نطلبند . تحریراً فی شهر رجب‌المرجب ایت‌ئیل».

درزمان شاه عباس‌کبیر(۹۹۶ – ۱۰۳۸)براثرجنگهایی‌که بین‌ایران‌وعثمانی روی داد صدمات بسیاری به‌این‌کلیسا وارد شد بفرمان او برای مستاصل کردن چغال اوغلی سردار ترك دستور داده شد که علوفه و آذوقه را در راه سپاه عثمانی ازبین برده و چاه‌های آب را پر کنند و ارمنیان آن نواحی را که بالغ برسیصد هزار تن بودند بداخل خاك ایران مهاجرت دهند . چون اطراف رود ارس‌خالی ازسکنه شد قراکلیسا محکوم به ویرانی گردید .

درسال ۱۶۵۰ میلادی (۱۰۶۰ ه) اسقف آن کلیسا که مگـرديچ نام داشت

به تعمیراتی تازه در آن پرداخت.

در سال ۱۶۵۶ م (۱۰۶۶ ه) که اسقف آن کلیسا، ایساهاك ماکویی، بود موقوفات تازه به قراکلیسا اضافه شد و سپس کانال آبی را که اسقف زاکاریا در سال ۱۳۰۶ میلادی برای آنجا ساخته بود لای‌روبی گردید.

در سال ۱۶۹۱ م (۱۱۰۳ ه) که مصادف با دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی بود اسقفی بنام سرکیس تعمیراتی اساسی درآن کلیسا بعمل آورد و باروی آنرا مجددا بناکرد و دیوارهای آنرا از نو ساخت.

در زمان آقامحمدخان قاجار (۱۲۰۰ - ۱۲۱۱) بر اثر لشکرکشیهای او به تفلیس و ماوراء ارس‌چون این‌کلیسا سرراه بود صدمات فراوان دید وحتی‌درسال ۱۲۰۱ بدست سپاهیان او غارت شد(۱)

درزمان فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۶۰) پسرش عباس میرزانایب‌السلطنه برای جلب خاطر ارامنه و اطمینان ازپشت سرخود درجنگ بین‌ایران وروسیه در ۱۲۲۹ هجری (۱۸۱۴ م) یعنی یکسال بعد از عهدنامه‌گلستان این‌کلیسا را از نو تعمیری اساسی‌کرد.

دراین وقت اسقف مقیم آن‌کلیسا «سیمون بنزنونی بود و دراجرای فرمان نایب‌السلطنه‌جدی بلیغ داشت وسنگهای سیاه دیوارها راکه شاید بهمان‌مناسبت آنجاراقره‌کلیسا خوانده‌اند با سنگهای مرمرسفید عوض میکرد. یکی ازشعرای معاصر عباس میرزا بنام نواقطعه شعری درتاریخ تعمیر این‌بنا درعهدآن‌شاهزاده گفته که درکتیبه‌ای از مرمر سفید بخط خوش نستعلیق در پنج سطرنوشته شده و دربالای سر درکلیسا نصب‌گردیده است وآن اشعار این است:

دل به تنگ آمد چو روح الله زتن از امّهات

میـل آبا کـرد چنـدی باز مادر زاد گشت

۱ ـ اندرانیك هویان : قره‌کلیسا ، مجله بررسی‌های تاریخی سال دوم شماره ۵ ص ۲۰۷ .

از یکی اصحاب طاطاووس نام این سجده گاه
گشت آباد و خراب از چرخ بی بنیاد گشت
تا زمـان دولت فتحعـلی شد آنکـه او
همچو ابر در فشان دست عطایش راد گشت
از ولیعهدش شهنشاه جهـان عبـاس شاه
کو به گیتی شهره در انصاف و عدل و داد گشت
آنکه بس ویرانه‌ها چون کوفه در ایران‌زمین
فی‌المثل در عهد عدلش غیرت بغداد گشت
جز دل ویران من کو قابل تعمیر نیست
هر خرابی را که دیدی در جهان آباد گشت
کرد از نو این کهن ویرانه را آباد او(۱)
هم خدا راضی شد و هم روح بانی شاد گشت
چـون ز فرمان وی و اقـدام استادان چند
سخت تر از آهن و محکمتر از فولاد گشت
گفت این مصرع پی تاریخ تعمیرش نوا
وانك طاطاووس باز از داد شه آباد گشت
(۱۲۲۹ ﻫ)

ظاهرا چون ایران بعد ازامضای عهدنامه گلستان فکر میکرد ممکن‌است بزودی ایروان را هم از دست بدهد از روی احتیاط میل داشت مرکز مذهبی خلیفه اعظم ارامنه را از اچمیادزین به‌محل قره‌کلیسا منتقل سازد. بهمین علت به تقلید ساختمان کلیسای اچمیادزین که بنای آن باسنگ سفید است ایرانیان میخواستند این‌کلیسا را به‌معبدی سفید تبدیل‌کرده و ارمنی‌های روسیه وعثمانی

۱ ــ در اصل کتیبهٔ «آبادزو» آمده که غلط است.

راکماکان تحت حمایت و نفوذ مذهبی کلیسایی که در ایران است قرار دهند. سیمون بزنونی اسقف قراکلیسا چون امید داشت بکمك ایران بمقام خلافت اعظم ارمنیان جهان برسد بتقلید ساختمان کلیسای اچمیادزین دستور داد تخته سنگهایی از مرمر سفید از قرخ بولاغ (چهل چشمه) و شاورشان به آنجا حمل نمایند و سنگهای سیاه قراکلیسا را تبدیل به سنگهای سفید کنند و فرمان داد همه جا نام او را بر دیوارهای منقوش بنای تازه کلیسا نقر نمایند.

اسقف بزنونی بـآرزوی خود نائل نشد زیرا هنوز بنای طبقه اول کلیسا باتمام نرسیده بود که او را بسعایت بعضی از مغرضان ازطرف دولت ایران تبعید کردند.

نائره جنگ بین ایران وروس نیز بالا گرفت، دوره دوم جنگهای ایران و روس (۱۲۴۱ _ ۱۲۴۳ ه) به معاهده ترکمانچای (۵ شعبان ۱۲۴۳ ه) انجامید. ایروان و نخجوان وارد وباد که از بعد از عهدنامه گلستان (۱۲۲۸ ه) در تصرف روسیه بود بطور قطعی بآن دولت واگذار شد وارامنه و آسوریها میتوانستند آزادانه به روسیه مهاجرت نمایند.

این مهاجرت ازهمان سال ۱۲۴۳ هجری (۱۸۲۷ میلادی) آغـاز شد و در حدود ۴۵ هزار مسیحی ازایران بروسیه مهاجرت کردند بطوریکه در تبریز فقط هفت خانوار ارمنی باقی ماندند.

درسال ۱۸۳۰ میلادی اسقف نیکوقوس به تولیت قراکلیسا رسید. از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ این کلیسا به مرکز تجمع انقلابیون وطرفداران جنبش‌های ملی ارامنه مبدل شد. ازسال ۱۹۰۸ تا پیش از آغاز جنگ بین‌المللی اول این محل یك مرکز تجمع میهن‌پرستان ارمنی برضد دولت عثمانی بود.

تا اینکه درسال ۱۹۱۸ قشون عثمانی بآذربایجان حمله‌ور شد خانواده‌های ارمنی ساکن اطراف ماکو به قلعه کلیسا پناه برده و بـا عده قلیلی مدت پانزده

روز دربرابر ترکان مقاومت کردند. آنان پس از تمام شدن اسلحه خود شبانه عقب نشینی کردند. قشون عثمانی وارد قلعه‌کلیساشد واکثرساکنان غیرنظامی آنرا کشته و عده‌ای را نیز باسارت برند.(۱)

پس ازخاتمه جنگ جهانی اول ارامنه مجدداً درسال ۱۹۱۹ میلادی به‌قرا- کلیسا بازگشته و در دهات پیرامون آن اقامت نمودند. این وضع تاسال ۱۹۴۸ میلادی ادامه داشت. ازاین سال ارمنی‌ها براثر تبلیغات دولت شوروی بارمنستان مهاجرت‌کردند، کشیش سرپرست‌کلیسا نیزبه تبریز کوچ کرد و در همانجاوفات یافت. درتابستان سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۱ م) نگارنده این اوراق‌که بدنبال‌کشف‌کتیبه های اورارتو به‌اطراف و اکناف آذربایجان سفر میکرد و ازطریق ماکو وقرا- قویون با دوست محترم خودآقای دکترمهندس منوچهر امیرمکری به‌قراکلیسا رفت، آن قریه را خالی از سکنه و کلیسا را متروك و نیمی ازگنبد آن شبستان براثرگلوله‌های توپهای‌ترکان ویران‌یافت- اثرخرابیهای قشون عثمانی‌درهمه‌جا مشهود بود، ولی آنچه‌را که باقی مانده چنان عظیم و باشکوه است که شاید در ایران بعداز اسلام کمتر بنای تاریخی سنگی ازلحاظ عظمت وقدمت و ظرافت‌به پای آن برسد. نگارنده در همانسال شرح بازدید ازاین کلیسا را به مدیر کل باستانشناسی وقت‌گزارش داد و درخواست‌کردکه اداره‌کل باستانشناسی آنرا جزء آثار تاریخی و باستانی‌کشور ثبت‌نماید و در تعمیر و مرمت خرابیهای آن اقدام عاجل مبذول دارد.

سبك معماری قراکلیسا- این کلیسا دربلندی‌کم ارتفاعی واقع است و از طرف مشرق مشرف بردرّه‌کم عمقی است و درسطحی بمساحت ۱۵۰×۲۰۰ متر ساخته شده و با دیوارهای برج و بارو دارای محصورگشته و شباهت بسیاری به کلیسای اچمیادزین درایروان دارد.

---

۱ - رساله سرکیس کاراپتیان.

تاریخ بنیان‌گذاری آن بدرستی معلوم نیست و قدیمترین سنگنبشته‌ای که درجدار آن کشف شده مربوط به‌قرن چهاردهم میلادی است ، ولی ازلحاظ اسلوب بنا معلوم میشود که ساختمان آن قدیمتر ازقرن مزبور بوده‌است . ساختمان قرا-کلیسا از دوکلیسا تشکیل شده است یکی کوچکتر که قدیمی‌تر است و کلیسای بزرگتر که بعدا ساخته شده و ازطرف ضلع غربی باولی متصل گشته است.

بنا به‌تحقیق دکترمهندس ولفرم کلایس Dr.wolfram Kleiss معاون مؤسسه باستانشناسی آلمان درتهران ، این اثر ازلحاظ شهرسازی دورۀ قدیم بسیارجالب بوده و دیوارهای آن مینیاتور جالب توجهی رادرخود محصورمیساخته است ودر مواقع حمله دشمن بصورت دژی محکم درمی‌آمده و تمامی احتیاجات مدافعان ازداخل محوطه کلیسامهیا میگشته است. این صومعه دارای یك دریاچه‌مصنوعی و چراگاه جهت حیوانات وکارگاهها مختلف برای تهیه مواد غذایی و غیره بوده است .

اگر بمقطع کلیسای طاطاوس نظری بیافکنیم تمام بنا بصورت یك‌ساختمان واحد دیده‌میشود و اتصال این‌بناهای مختلف بحدی بامهارت انجام پذیرفته‌است که مثلا بدون درنظرگرفتن طرح و نقشه‌بنا مشکل است دریافت‌که برج‌کلیساو برج ناقوس آن در دوران‌های مختلف ساخته‌شده است . معماران ارمنی طوری درترکیب و تلفیق این ابنیه با یکدیگر استاد بوده‌اندکه بدون دقت کامل تمیز دادن آنها ازیکدیگر دشوار است(۱)

برخلاف‌معابد اولیه ارمنی که‌بشکل‌مربع است ، این‌کلیسا بصورت‌مستطیل بسبك بازیلیك basilic آمیخته باسبك معماری خاص ارمنی ساخته شده است. در سبك بازیلیك‌که ازآن درساختمان‌کلیساها استفاده میکردند محوطه‌کلیسا بصورت مربع مستطیل بود و طول داخلی دیوارهای آن بوسیله دو ردیف ستون مجزا

۱ ــ هنرمعماری در ارمنستان ص ۴۲ ــ ۴۵

می‌شد که روی هم بصورت سه‌کشتی در میامد و کشتی میانه دارای ارتفاع بیشتر وعرض وسیعتری بوده است(۱)

این کلیسا دارای گنبد هرمی شکل دوازده ترك است قسمت شرقی آن از سنگ سیاه وقسمت وسطی و غربی آن باسنگ سفید تزیین گردیده است.

قسمت شرقی که باسنگ سیاه ساخته شده وتنها قسمتی است که از زلزله ۱۳۱۹ میلادی محفوظ مانده شامل محراب واطاقهای جنبی (بمساحت ۴٫۷۰×۴×۴ متر) ومحوطه جلوی محراب وگنبدی کوچك است. محراب و دواطاق جنبی برروی سکویی است که درحدودیك متر ازسطح زمین ارتفاع دارد وبا دوردیف پلکان به صحن کلیسا میرسد ساخته شده است. گنبد کوچك دوازده ترکی برروی محوطه جلوی محراب بنا گردیده است.

قسمت مرکزی و غربی که درطی سالهای ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۹ میلادی باسنگ سفید ساخته شده، شامل ستونها قوسها، گنبد بزرگ و محل ناقوس کلیسا می‌باشد.

در وسط قسمت مرکزی کلیسا چهار ستون سنگی بابعاد ۱٫۲۰ متر ساخته شده است. هر دوستون بتوسط یك قوس بیکدیگر متصل میشوند. این قوسها برخلاف قوسهای رومی دروسط سنگ کلید ندارند. برروی این قوسها یك تهویزه جناحی زده شده و در وسط دوتهویزه دوفیل پوش ساخته‌اند.

بین قوسها و تهویزه‌ها و فیل پوشها را باسنگ‌های حجاری شده با ملاط پوشانیده‌اند.

طالار شبستان بطول ۹٫۶۰ و عرض ۹٫۴۰ متر ازداخل طوری ساخته شده که چهار پایه وسطی درمقابل پایه‌های طرفین خروجیها قرارگرفته است.

درقسمت شرقی دیوار شمالی کتیبه‌ای ازسنگ مرمر بزبان ارمنی قدیم مشاهده

۱ ــ رسالهٔ سرکیس کاراپتیان.

میشودکه مربوط به قرن چهاردهم میلادی است .

بر روی تهویزه‌ها و فیل پوشها طوق پائین ساق گنبد قرار دارد که درپنج ردیف روی هم چیده شده و بر روی آن ساق گنبد قرارگرفته و آن ساق دارای دوازده طاقنما با پنجره است .

در قسمت فوقانی طاقنما ها ، طاق اصلی گنبد قرار دارد ، که بر روی آن گنبد را ساخته‌اند . باین ترتیب سنگینی و فشارگنبد عظیم سنگی کلیسا بر روی فیل پوشها ، تهویزه‌ها و بالاخره برستونها منتقل میشود . کلیه قسمت‌های این کلیسا را از دیوار ، قوس ، ستون گنبد ، وبام با سنگ تراشیده شده ساخته‌اند.

سقف‌کلیساازطاق گهواره‌ای است ، دیوارهای داخلی‌کلیسا بسیار ساده‌است و نقش برجسته ندارد . ولی دیوارهای خارجی آن دارای تزیینات فراوانی‌است، و میتوان آنرا ازحیث انواع تزیینات به‌چهار قسمت کرد :

۱ ــ دیوارهای ساده‌که ازکف حیاط آغازشده و هیچ نقشی ندارد .

۲ ــ طاقنماها و ستونها ، دراین قسمت قوس طاقنماها یکی درمیان‌جناحی است .

در وسط طاقنماها با سنگ یك‌پارچه ، صورت قدّیسان، صلیب‌های پرنقش ونگار گل‌های هشت‌پر و عقابی بال‌گشاده دربالای آن ، سروهای احاطه شده در میان گل وبوته بنظر میرسد . درمحل اتصال قوس‌هایی که برروی طاقنماها قرار گرفته نقش‌برجسته‌برگ‌مانندی بصورت فرشته‌ای دیده میشود. درقسمت فوقانی طاقنماها ، دو ردیف ازاره شده که ردیف سفلای آن با گل و بوته توام با نقش حیوانات تزیین‌گردیده است .

۳ ــ این قسمت مشتمل بر نقش صلیب‌های برجسته بزرگ است‌که بفاصله هر چهار صلیب صورت برجسته یکی از قدیسان دیده میشود . دراین قسمت پنجره‌هایی برای ورود نور بداخل‌کلیسا ساخته شده است.

۴ـ دراین‌جا مانند قسمت اول دیوار سنگی ساده‌ای است با این تفاوت که چند نقش برجسته قدّیسان و اشکال هندسی چند ضلعی برسنگ سیاه بر جدار آن تزیین شده‌است. مدخل‌اصلی بنا در وسط دیوار غربی قرار گرفته واز هریك از دوطرف دیوارهای شمال و جنوبی دری بحیاط دوربنا باز میشود. برروی سر دراصلی چنانکه درپیش گفتیم کتیبه‌ای برسنگ مرمر ازعباس میرزا نصب شده است.

برج ناقوس عبارت از چهار ستون عظیم است که بوسیله چهار ناقوس به یکدیگر متصل میشود، متاسفانه فاصله بین چهار قوس آن برج نیمه تمام باقی مانده است.

بنای این برج را که بلافاصله بعداز سردر درکلیسا آغاز میشود از حیث تزیین دیوارهای آن میتوان به‌سه قسمت تقسیم کرد:

۱ـ پایه ستونها که دارای‌ازاره‌ای پرنقش‌ونگار مرکب از سروهای‌احاطه شده در گل و بوته و نقش برجسته سن ژرژ (سورپ گورگ) در حال کشتن اژدهاست.

۲ ـ دراین قسمت طاقنمایی است باشبه‌ستونهایی‌که برجسته‌تر وقطورتراز شبه‌ستونهای تزیینی طاقنماهای اطراف کلیسا است.

دروسط طاقنماهای‌جنوبی‌وشمالی، نقش برجسته قدیسانی چند دیده میشود که بربالای سر هریك ازآنان صلیبی ساخته‌اند. دروسط دو طاقنمای غربی تنها دو صلیب وجود دارد که اطراف آنها را با حاشیه های گل و بوته دار تزیین کرده‌اند.

۳ ـ قسمت سوم دیوار ساده‌ای است که به‌بام ختم میگردد(۱)

محوطه اطراف بنا ـ دراطراف بنای اصلی حیاط‌کم عرض مستطیلی قرار

---

۱ ـ اندرانیك هویان: قره‌کلیسا، مجله بررسی‌های تاریخی سال پنجم.

گرفته که ضلع غربی آن به‌محوطه بزرگی با دیوارهای سنگ چین شده متصل میشود درضلع شمالی و شرقی و جنوبی اطاقهایی با دیوارهای سنگ چین جهت انبار وسکونت رهبانان ساخته‌اندکه اکنون برخی ازآنها ویران شده ویا پوشش بیشتر آنها ریخته است ، درسمت جنوب ، خارج ازمحوطه بزرگ ، انبارها و اصطبلهایی برای نگاهداری ارزاق ومواشی بناگردیده که بیشترآنهابکلی‌خراب و ویران شده‌است(۱)

کلیسای سوپسرکیس‌خوی- درقسمتی ازحومهٔ شهرخوی که بنام محله امام زاده معروف است کلیسایی بنام سوپ سرکیس وجود دارد . هیأت کلی بنا عبارت است ازیك مکعب مستطیل بعرض ۱۸ متر وطول ۳۲ متر . ارتفاع‌دیوارها ازبیرون‌درحدود پنج‌متراست. این‌کلیسا دارای دودر ورودی است‌که‌دردیوارهای غربی و جنوبی کلیسا قرار دارند . کف داخل کلیسا نسبت به سطح خارجی آن کمی پائین‌ترقرارگرفته ازاینرو برای ورود به کلیسا ازهریك از دودرمی‌بایست ازیك پله‌پایین رفت . درداخل‌کلیسا شش‌ستون سنگی در دو ردیف قرارگرفته ، که درنتیجه‌تالارکلیسارا به‌سه‌قسمت یك فضای میانی عریضتر و دو راهرو جانبی باعرض‌کمترتقسیم‌نموده‌است. محراب‌کلیسا درجانب‌شرقی‌آن وبطورکامل‌دروسط قرارگرفته ودر دوجانب‌آن دواطاق چهارگوش واقع شده‌است . درمحوط‌محراب هشت ستون‌سنگی‌در دو ردیف مقابل‌هم قراردارد‌و بکمك چهارستون‌جلو به‌قوس جناغی برپاگردیده است . پوشش راهروهای جانبی بوسیله طاقهای جناغی انجام گرفته، ولی‌سقف میانی کلیسا بکمك‌سه‌گنبدپوشیده شده‌که‌گنبد میانی‌آن‌بزرگتر وبلندتراست. تاریخ‌بنای‌این‌کلیساطبق‌بعضی‌ازمنابع‌دربین‌قرن‌چهارم‌و نهم میلادی

---

۲ ـ آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان ص ۲۸؛ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۱۱ .

یاد شده ، ولی بنا به تحقیقات دانشمندان باستانشناس تاریخ بنای این کلیسا را میتوان تابه‌قرن دوازدهم میلادی عقب‌برد، وچون ازاره‌های سنگی، شکل‌قوسها وگنبدها و وضع آجرکاری‌نمای بیرونی که‌آمیخته‌ای ازشیوه‌گرجی وسبك‌اوایل دوره ایلخانی است میتوان‌آن را بازسازی شده متعلق به اوایل دورهٔ ایلخانیان بشمار آوردکه برروی پایه معبدی باستانی برپا گردیده است(۱)

بقعهٔ میرخاتون درسلماس (شاهپور)

این برج درحومه شهر سلماس در ۱۹۵ کیلومتری تبریز قرار داشت و در زلزله اردیبهشت سال ۱۳۰۹ شمسی‌که درآن منطقه روی داد کاملا منهدم‌گردید و اطلاع درباره‌آن تنها ازیك عکس است که پیش ازسال ۱۹۰۷میلادی‌برداشته شده است .

هر تسفلد معتقد است‌که برج سلماس مقبره دختر امیرارغون‌خان‌رادکانی است که بزنی وزیر تاج‌الدین علیشاه جیلانی‌درآمده بود، وتاریخ‌آن۷۰۰یا۷۱۰ هجری‌است . در کتیبه آسیب دیده آن نامی خوانده نمیشد ولی در عکس برج کلمه «سبعمائه» (هفتصد) بخوبی دیده میشود .

طرز نمای سردر ورودی آن بسیار شبیه به سردر برج خیاو است وممکن است مقبره برجی خیاو از روی‌آن ساخته شده باشد . حاشیه تزیینی بالای طاق مقرنسکاری سردرآن از خصایصی است که بیشتر درمعماری قرن هفتم هجری در آسیای صغیر مرسوم بوده است.

این مقبره شکل برج مدوری را داشته و پایه های آن از سنگ تراش و

۱ ـ مجله باستانشناسی و هنر ایران شماره اول : خلاصه مقاله آقای دکتر پرویز ورجاوند تحت عنوان «کلیسای سوپ سرکیس خوی» .

دیوارهای خارجیش از آجر و بالای آن مقرنس وسقف آن‌مخروطی شکل بوده است . سر دراصلی باراس مربع با حاشیه محراب مانندی احاطه شده بود و دور آن قالبگیری فرو رفته‌مستطیلی وجود داشته است. بالای قاب سردر نغول‌حاوی کتیبه بود و زیر قرنیس خارجی کتیبه ممتدی قرار داشته‌است که اکنون برجای نیست(۱)

۱ ـ معماری ایران در دورهٔ مغول ص۱۶۸ .

فصل دهم

آمار شهرها و آبادیهای آذربایجان

جمعیت ثابت برحسب جنس و تعداد خانوار درمناطق مختلف استان آذربایجان شرقی سرشماری آبان‌ماه ۱۳۴۵

مناطق مختلف	جمعیت			خانوار
	جمع	مرد	زن	تعداد
کل استان	۲۵۹۶۴۳۹	۱۳۵۵۶۷۹	۱۲۴۰۷۶۰	۴۸۶۲۰۹
شهرستان تبریز	۸۰۹۴۲۶	۴۱۷۸۴۲	۳۹۱۵۸۴	۱۵۲۸۰۶
شهرستان اردبیل	۲۹۶۳۷۶	۱۵۵۰۵۵	۱۴۱۳۲۱	۵۱۵۹۶
شهرستان ارسباران	۲۸۲۳۷۷	۱۴۷۸۳۴	۱۳۴۵۴۳	۵۴۷۸۶
شهرستان مراغه	۲۵۲۰۶۷	۱۳۳۱۷۵	۱۱۸۸۹۲	۴۷۴۴۰
شهرستان مشگین‌شهر	۲۱۴۴۳۹	۱۱۲۰۱۳	۱۰۲۴۲۷	۳۹۶۲۴
شهرستان میانه	۱۷۳۹۹۸	۹۱۰۸۱	۸۲۹۱۷	۳۲۵۱۰
شهرستان هشترود	۱۶۴۴۸۶	۸۶۸۲۸	۷۷۶۵۸	۳۰۱۵۴
شهرستان مرند	۱۵۳۱۹۵	۸۰۲۸۲	۷۲۹۱۳	۳۰۵۷۱
شهرستان خلخال	۱۳۴۲۲۹	۷۰۲۳۳	۶۳۹۹۶	۲۵۶۷۳
شهرستان سراب	۱۱۵۸۴۶	۶۱۳۳۷	۵۴۵۰۹	۲۱۰۴۹
شهرهای دارای ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت و بیشتر				
شهر تبریز	۴۰۳۴۱۳	۲۰۸۵۷۷	۱۹۴۸۳۶	۷۷۰۵۴
شهرهای دارای ۲۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت				
شهر اردبیل	۸۳۵۹۶	۴۳۳۳۸	۴۰۲۵۸	۱۴۵۸۵
شهر مراغه	۵۴۱۰۶	۲۹۶۹۴	۲۴۴۱۲	۱۰۶۹۸
شهرمیانه	۲۸۴۴۷	۱۴۷۸۶	۱۳۶۶۱	۵۳۸۶
«نقاط دارای ۵۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ نفر» «جمعیت»				
ارسباران	۲۴۰۶۳	۱۲۲۹۱	۱۱۷۷۲	۴۷۸۷
مرند	۲۳۸۱۸	۱۲۹۳۸	۱۰۸۸۰	۴۶۷۰
بناب	۱۹۰۳۰	۹۸۳۰	۹۲۰۰	۳۶۲۴
سراب	۱۷۰۶۳	۹۶۵۴	۷۴۰۹	۲۸۵۱
آذرشهر	۱۵۳۱۸	۷۷۵۱	۷۵۶۷	۳۰۷۲

جمعیت ثابت برحسب جنس و تعداد خانوار در مناطق مختلف استان آذربایجان شرقی سرشماری آبان‌ماه ۱۳۴۵

مناطق مختلف	جمعیت			خانوار
	جمع	مرد	زن	تعداد
اسکو	۱۰۴۵۴	۵۳۳۴	۵۱۲۰	۲۱۵۲
مشگین‌شهر	۸۹۹۰	۴۶۸۲	۴۳۰۸	۱۶۵۶
ملک‌کندی	۸۷۶۰	۴۵۲۴	۴۲۳۶	۱۶۵۱
ممقان	۷۲۹۰	۳۷۹۱	۳۴۹۹	۱۴۲۷
سردرود	۷۲۲۶	۳۷۳۶	۳۴۹۰	۱۴۷۶
خلخال	۱۹۵۵	۳۶۴۴	۳۳۱۱	۱۳۸۷
عجب‌شیر	۶۲۹۸	۳۲۶۳	۳۰۳۵	۱۲۲۵
شبستر	۶۲۲۸	۳۱۲۸	۳۱۰۰	۱۱۶۱
خسروشاه	۵۹۳۷	۳۰۷۷	۲۸۶۰	۱۱۳۰
هریس	۵۸۷۰	۲۹۹۹	۲۸۷۱	۱۱۲۰
گاوگان	۵۷۰۷	۲۹۵۹	۲۷۴۸	۱۰۹۵
جمع نقاط کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت	۱۸۴۷۸۷۰	۹۶۵۶۸۳	۸۸۲۱۸۷	۳۴۴۰۰۲

جمعیت ثابت برحسب جنس و تعداد خانوار در مناطق مختلف استان آذربایجان غربی سرشماری آبان‌ماه ۱۳۴۵

مناطق مختلف	جمعیت			خانوار
	جمع	مرد	زن	تعداد
کل استان	۱۰۸۷۱۸۲	۵۷۰۹۴۳	۵۱۶۲۴۰	۱۹۴۲۱۸
شهرستان رضائیه	۲۹۱۸۳۶	۱۵۲۵۶۵	۱۳۹۲۷۱	۵۳۹۳۶
شهرستان میاندوآب	۱۷۶۳۶۹	۹۲۹۸۱	۸۳۳۸۸	۳۲۷۱۳
شهرستان مهاباد	۱۵۱۴۰۷	۷۹۹۱۴	۷۱۴۹۳	۲۳۳۴۵
شهرستان خوی	۱۵۰۱۳۱	۷۹۴۸۰	۷۰۶۵۱	۲۸۲۷۱
شهرستان ماکو	۱۰۰۸۵۴	۵۳۰۴۰	۴۷۸۱۴	۱۹۰۱۹
شهرستان نقده	۶۸۷۶۳	۲۵۸۲۲	۳۲۹۴۱	۱۱۵۱۲
شهرستان شاهپور	۶۷۴۰۰	۳۵۰۶۷	۳۲۳۳۳	۱۱۱۵۷
شهرستان خانه	۴۱۱۷۲	۲۲۲۸۵	۱۸۸۸۷	۶۳۴۹
شهرستان سردشت	۳۹۲۵۰	۱۹۷۸۸	۱۹۴۶۲	۶۹۱۶
شهرهای دارای ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت و بیشتر				
شهر رضائیه	۱۱۰۷۴۹	۵۸۸۴۰	۵۱۹۰۹	۲۲۴۹۶
شهرهای دارای ۲۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفرجمعیت				
شهرخوی	۴۷۶۴۸	۲۴۴۷۲	۲۳۱۷۶	۹۴۳۶
شهرمهاباد	۲۸۶۱۰	۱۵۱۲۰	۱۳۴۹۰	۵۲۱۸
نقاط دارای ۵۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت				
شاهپور	۲۱۷۰۳	۱۱۶۳۳	۱۰۰۷۰	۳۸۵۴
میاندوآب	۱۸۷۶۷	۹۷۰۱	۹۰۶۶	۳۷۲۶
نقده	۱۰۸۰۱	۵۷۱۳	۵۰۸۸	۱۹۳۸
بوکان	۹۳۵۷	۴۹۰۳	۴۴۵۴	۱۸۰۷
ماکو	۷۰۰۰	۳۶۴۵	۳۳۵۵	۱۳۷۲
تکاب	۶۳۱۵	۳۱۸۷	۳۱۲۸	۱۲۲۵
شاهین‌دژ	۶۰۸۹	۳۰۸۴	۳۰۰۵	۱۱۳۱
سردشت	۵۷۵۹	۳۲۹۷	۲۴۶۲	۹۲۲
جمع نقاط کمتر از ۵۰۰۰ نفرجمعیت	۸۱۴۳۸۴	۴۲۷۳۴۷	۳۸۷۰۳۷	۱۴۱۰۹۳

اطلاعات چارچوبی کارگاههای آبادیهای آذربایجان شرقی و غربی در سال ۱۳۴۶

شماره ردیف	نام شهر	نام شهرستان	آذربایجان	جمعیت	کل فعالیت		فعالیتهای صنعتی آب و برق		فعالیت خرده فروشی		فعالیت عمده فروشی		فعالیتهای متفرقه	
					تعداد کارگاه	تعداد کارکنان	تعداد کارگاه	تعداد کارکنان	تعداد کارگاه	تعداد کارکنان	تعداد کارگاه	تعداد کارکنان	تعداد کارگاه	تعداد کارکنان
۱	آذرشهر	تبریز	آذرشرقی	۱۵۷۶۲	۷۹۱	۲۵۵۹	۲۸۰	۱۵۴۸	۳۳۸	۲۹۴	۴۰	۱۲۹	۱۳۳	۵۸۸
۲	اهر(ارسباران)	ارسباران	»	۲۴۷۶۰	۱۸۱۵	۳۴۷۴	۷۴۲	۱۶۵۲	۸۹۹	۹۵۸	۵	۷	۱۶۹	۸۵۷
۳	اسکو	تبریز	»	۱۰۷۵۷	۴۲۷	۸۸۵	۱۶۹	۴۴۴	۲۳۳	۲۵۴	۲	۶	۲۳	۱۸۱
۴	اردبیل	اردبیل	»	۸۶۰۲۰	۷۵۷۰	۱۸۰۴۸	۲۳۵۷	۸۸۰۸	۳۴۰۶	۴۰۲۶	۲۹۲	۶۳۰	۱۵۱۵	۴۵۸۴
۵	بناب	مراغه	»	۱۹۵۸۱	۹۵۹	۱۹۱۹	۳۲۹	۸۹۸	۴۶۰	۵۴۱	۲۰	۲۶	۱۵۰	۴۴۶
۶	بوکان	مهاباد	آذرغربی	۹۶۲۸	۵۲۳	۸۲۴	۱۸۰	۳۳۴	۲۸۹	۴۱۰	۵	۵	۴۹	۷۵
۷	تکاب	میاندوآب	»	۶۴۹۸	۵۱۵	۹۶۸	۲۰۵	۵۴۵	۲۲۳	۲۹۱	۲۱	۳۴	۶۶	۹۸
۸	تبریز	تبریز	آذرشرقی	۴۱۵۱۱۲	۲۱۸۶۳	۷۵۲۸۹	۸۱۳۹	۴۰۷۱۵	۸۶۴۸	۱۲۹۷۲	۵۲۱	۱۰۴۳	۴۵۵۵	۲۰۵۵۹
۹	خسروشاه	»	»	۶۱۰۹	۱۶۲	۳۶۵	۹۳	۲۴۲	۳۸	۴۶	–	–	۳۱	۷۷
۱۰	خلخال	خلخال	»	۷۱۵۶	۳۸۸	۶۸۵	۱۳۲	۲۶۸	۲۰۵	۲۷۶	–	–	۵۱	۱۴۱
۱۱	خوی	خوی	آذرغربی	۴۹۰۳۰	۲۵۱۵	۶۹۰۸	۷۲۶	۲۵۱۵	۱۱۵۷	۱۵۳۸	۱۶۲	۵۰۴	۴۷۰	۲۳۵۱
۱۲	رضائیه	رضائیه	»	۱۱۳۹۶۰	۵۶۳۰	۱۵۲۲۹	۱۷۴۴	۵۵۵۳	۲۴۹۶	۳۱۳۹	۱۳۷	۵۹۲	۱۲۵۳	۵۹۴۵
۱۳	سراب	سراب	آذرشرقی	۱۷۵۵۷	۹۴۸	۲۲۳۱	۳۳۵	۱۰۷۶	۵۰۰	۶۰۹	۳۶	۸۵	۷۷	۴۶۱
										۲۲۶	۹	۲۱	–	–

			آذرغربی	۵۹۱۶	۲۵۳	۶۴۶	۱۱۱	۴۰۲	۱۲۵	۱۸۴	۷	۱۸	۱۰	۴۲
۱۶	شاپور(شاهپور)	شاهپور	»	۲۲۳۳۲	۸۹۷	۲۱۷۲	۲۹۷	۷۲۷	۳۸۶	۵۴۲	۹	۳۶	۲۰۵	۸۶۷
۱۷	شبستر	تبریز	آذرشرقی	۶۴۰۸	۳۶۰	۱۰۵۱	۱۳۳	۶۳۷	۱۵۵	۱۸۲	۱۱	۱۷	۶۱	۲۱۵
۱۸	شاهین‌دژ	میاندوآب	آذرغربی	۶۲۶۵	۲۷۰	۶۵۸	۱۲۲	۴۳۴	۱۴۰	۲۰۱	۷	۱۹	۱	۴
۱۹	عجب‌شیر	مراغه	آذرشرقی	۶۴۸۰	۲۹۰	۶۹۷	۱۳۱	۴۶۱	۱۵۰	۲۱۱	۸	۱۹	۱	۶
۲۰	گاوگان	تبریز	»	۵۸۷۲	۲۵۱	۶۲۶	۱۱۴	۴۱۴	۱۳۰	۱۹۳	۷	۱۹	–	–
۲۱	ماکو	ماکو	آذرغربی	۷۲۰۳	۳۵۲	۶۹۰	۶۹	۱۲۳	۱۸۱	۲۰۵	۸	۲۴	۹۴	۳۳۸
۲۲	مرند	مرند	آذرشرقی	۲۴۵۰۸	۱۳۲۷	۴۶۲۸	۴۹۰	۳۱۳۴	۶۱۲	۶۷۸	۳۴	۵۳	۱۹۱	۷۶۳
۲۳	مشکین‌شهر	مشکین‌شهر	»	۹۲۵۰	۶۲۱	۱۱۶۷	۱۴۳	۲۸۳	۲۹۷	۳۶۶	۲۷	۳۷	۱۵۴	۴۸۱
۲۴	ملک‌کندی	مراغه	»	۹۰۱۴	۴۹۱	۸۲۴	۱۱۸	۳۱۰	۳۰۳	۳۵۸	۴	۵	۶۶	۱۵۱
۲۵	ممقان	تبریز	»	۷۵۰۱	۲۳۲	۷۵۴	۹۳	۴۲۵	۷۸	۷۸	۲	۴	۵۹	۲۴۷
۲۶	مهاباد	مهاباد	آذرغربی	۲۹۴۳۹	۱۳۲۸	۲۷۸۶	۴۹۲	۱۰۳۰	۶۵۱	۸۳۰	۴۷	۱۱۶	۱۳۸	۸۱۰
۲۷	میاندوآب	میاندوآب	»	۱۹۴۳۱۱	۸۴۸	۱۵۶۳	۲۵۵	۶۲۶	۴۳۶	۵۰۴	۲۳	۲۶	۱۳۴	۴۰۷
۲۸	مراغه	مراغه	آذرشرقی	۵۵۶۷۵	۲۸۶۷	۶۷۹۸	۸۴۶	۲۷۴۷	۱۲۸۱	۱۴۹۸	۱۲۲	۲۷۰	۶۱۸	۲۲۸۳
۲۹	میانه	میانه	»	۲۹۲۷۱	۱۳۹۹	۲۵۱۴	۳۱۹	۸۰۳	۷۴۳	۹۳۱	۱۰۰	۱۵۷	۲۳۷	۶۲۳
۳۰	نقده	نقده	آذرغربی	۱۱۱۶۴	۴۵۵	۹۲۹	۲۰۶	۶۱۳	۲۳۳	۲۸۱	۱۵	۲۸	۱	۷
۳۱	هریس	تبریز	آذرشرقی	۶۰۴۰	۸۰۲	۱۰۸۲	۶۴۰	۸۸۱	۱۲۳	۱۳۳	۱۸	۱۸	۲۱	۵۰

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان شرقی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	اردبیل	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان انزاب	۵۵۰۲	۳۲۳۶۵	۱۷۰۱۳	۱۵۳۵۲
۲	« یورتچی	۵۲۷۴	۳۱۴۱۵	۱۶۱۹۸	۱۵۲۱۷
۳	« تمرین	۳۹۰۴	۲۲۴۱۵	۱۱۹۴۸	۱۰۴۶۷
۴	« درآباد	۲۷۴۱	۱۵۶۸۳	۸۲۹۲	۷۳۹۱
۵	« دورسون خواجه	۳۶۹۶	۲۱۵۷۷	۱۱۳۱۸	۱۰۲۵۹
۶	« سرعین	۲۶۴۷	۱۵۴۱۵	۸۰۹۵	۷۳۲۰
۷	« ویلگچ	۸۱۲۹	۴۵۲۲۹	۲۳۷۲۰	۲۱۵۰۹
۸	« هیر	۵۱۱۹	۲۸۶۸۱	۱۵۱۳۳	۱۳۵۴۸

شماره ردیف	ارسباران	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان اهر	۹۸۷۶	۵۱۲۶۴	۲۷۱۲۶	۲۴۱۳۸
۲	« ازمدل شمالی	۳۸۵۰	۱۹۵۸۸	۱۰۰۸۷	۹۵۰۱
۳	« ازمدل جنوبی	۳۲۷۱	۱۶۲۰۸	۸۶۱۷	۷۵۹۱
۴	« چهاردانگه	۱۴۸۸	۷۷۰۷	۴۱۵۹	۳۵۴۸
۵	« حسن آباد	۱۴۶۸	۷۶۹۸	۴۰۶۸	۳۶۳۰
۶	« دیزمار شرقی	۳۴۸۶	۱۷۰۴۱	۸۹۷۱	۸۰۷۰
۷	« دیزمار غربی	۴۹۳۴	۲۴۲۶۳	۱۲۵۷۹	۱۱۶۸۴
۸	« دیگله	۱۹۱۳	۱۰۰۹۶	۵۳۹۰	۴۷۰۶
۹	« دودانگه	۱۱۱۶	۵۵۱۹	۲۸۷۳	۲۶۴۶
۱۰	« کیوان	۱۴۵۲	۷۵۱۹	۳۸۸۳	۳۶۳۶
۱۱	« کلیبر	۲۳۱۰	۱۱۵۷۳	۶۰۸۸	۵۴۸۵
۱۲	« گرمادوز	۶۲۵۰	۳۳۷۱۷	۱۷۶۲۶	۱۶۰۹۱
۱۳	« میشه‌پاره	۱۳۰۰	۶۶۳۴	۳۳۷۴	۳۲۶۰
۱۴	« مواضع خان	۳۲۹۵	۱۸۴۷۳	۹۷۸۰	۸۶۹۳
۱۵	« منجوان	۱۸۷۳	۹۸۸۷	۵۰۳۰	۴۸۵۷
۱۶	« ورگهان	۶۳۷	۳۵۰۶	۱۸۶۰	۱۶۴۶
۱۷	بافت	۱۴۸۱	۷۶۲۱	۴۰۳۲	۳۵۸۹

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان شرقی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	تبریز	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آلان برآغوش	۵۶۹۷	۳۱۷۳۹	۱۶۱۳۵	۱۵۶۰۴
۲	» اسکو	۳۳۰۹	۱۶۱۴۹	۸۲۹۳	۷۸۵۶
۳	» آذرشهر	۱۷۸۷	۱۰۲۲۹	۵۴۰۶	۴۸۲۳
۴	» بدوستان	۳۷۶۷	۲۰۵۲۱	۱۰۵۸۲	۹۹۳۹
۵	» بستان آباد	۳۸۳۲	۲۱۷۸۶	۱۱۳۸۶	۱۰۴۰۰
۶	» باسمنج	۲۸۵۲	۱۵۴۶۹	۸۰۳۷	۷۴۳۲
۷	» خامنه	۱۹۱۶	۱۰۲۴۵	۵۱۲۱	۵۱۲۴
۸	» خسروشاه	۲۹۱۹	۱۵۷۷۴	۸۱۷۵	۷۵۹۹
۹	» سردرود	۳۱۸۵	۱۸۱۱۰	۹۴۳۷	۸۶۷۳
۱۰	» سهندآباد	۳۹۴۷	۲۳۲۰۰	۱۲۱۵۸	۱۱۰۴۲
۱۱	» سردصحرا	۱۰۱۰	۵۱۵۰	۲۶۹۷	۲۴۵۳
۱۲	» سیس	۲۸۵۹	۱۵۲۸۱	۷۹۰۷	۸۳۷۴
۱۳	» شرآمین	۱۳۳۶	۷۱۳۹	۳۷۰۵	۳۴۳۴
۱۴	» شبستر	۲۰۲۷	۱۰۲۷۰	۵۱۶۸	۵۱۰۲
۱۵	» شرفخانه	۳۸۵۱	۱۹۸۱۲	۱۰۱۵۰	۹۶۶۲
۱۶	» صوفیان	۲۱۲۵	۱۱۴۵۵	۵۸۸۶	۵۵۶۹
۱۷	» طسوج	۲۷۴۳	۱۴۰۱۲	۷۱۹۴	۶۸۱۸
۱۸	» عباسی (عباس)	۳۵۴۷	۱۸۹۱۱	۹۸۱۶	۹۰۹۵
۱۹	» گاوکان	۲۱۸۸	۱۲۰۴۲	۶۱۲۸	۵۹۱۴
۲۰	» مهران رود	۶۸۵۲	۳۷۶۷۴	۱۹۴۶۹	۱۸۲۰۵
۲۱	» هریس خانمرود	۱۳۷۱	۷۰۱۵	۳۹۴۰	۳۳۷۵

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان شرقی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	خلخال	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان خانه‌بیل	۳۸۴۱	۲۰۴۱۴	۱۰۷۹۲	۹۶۲۲
۲	» خورش رستم	۳۲۸۲	۱۷۱۲۰	۸۹۳۵	۸۱۸۵
۳	» سنجبد	۷۴۶۷	۴۱۲۱۳	۲۱۶۹۴	۱۹۵۱۹
۴	» شاهرود	۳۶۱۱	۱۸۴۳۷	۹۶۲۳	۸۸۱۴
۵	» کاغذکنان	۶۰۸۶	۳۰۰۹۰	۱۵۵۴۵	۱۴۵۴۵

شماره ردیف	سراب	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آغیمون	۳۰۵۳	۱۷۲۲۵	۹۰۴۸	۸۱۷۷
۲	» رازلیق	۲۸۷۱	۱۴۷۹۳	۷۷۱۲	۷۰۸۱
۳	» ابرغان	۴۴۲۷	۲۴۲۳۰	۱۲۷۳۱	۱۱۵۰۹
۴	» ملایعقوب	۲۴۴۷	۱۳۹۸۰	۷۳۶۱	۶۶۱۹
۵	» هریس	۴۱۶۵	۲۱۸۲۳	۱۱۳۲۸	۱۰۴۹۵
۶	» ینگجه	۱۲۳۶	۶۸۳۲	۳۵۱۳	۳۲۱۹

شماره ردیف	مراغه	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان بناجو	۶۸۶۹	۳۶۸۳۵	۱۹۱۲۶	۱۷۷۰۹
۲	» دیزجرود	۴۶۲۳	۲۵۴۶۳	۱۳۱۸۱	۱۲۲۸۲
۳	» سراجو	۹۵۷۶	۵۱۴۸۳	۲۷۱۴۹	۲۴۳۳۴
۴	» گاودول	۹۱۷۵	۵۰۰۹۲	۲۶۴۰۸	۲۳۶۸۴

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان شرقی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	مرند	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان حومه	۱۱۲۷۷	۵۶۶۴۳	۲۹۵۳۵	۲۷۱۰۸
۲	» رودقات	۴۰۳۵	۲۱۰۵۹	۱۱۰۲۹	۱۰۰۳۰
۳	» علمدار	۳۹۸۱	۱۸۶۹۲	۹۷۷۵	۸۹۱۷
۴	» هرزندات	۴۱۶۹	۲۰۶۴۹	۱۰۵۸۴	۱۰۰۶۵

شماره ردیف	مشکین‌شهر	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان ارشق	۴۷۳۵	۲۷۱۳۶	۱۴۲۰۶	۱۲۹۳۰
۲	» انکوت	۳۹۴۲	۲۱۹۲۰	۱۱۶۶۲	۱۰۲۵۸
۳	» اجاود	۷۶۰۴	۴۱۰۲۳	۲۱۱۴۳	۱۹۸۸۰
۴	» برزند	۱۵۵۶	۸۸۶۲	۴۵۹۹	۴۲۶۳
۵	» مشگین‌غربی	۵۸۴۶	۳۱۳۷۲	۱۶۴۳۷	۱۴۹۳۵
۶	» مشگین‌شرقی	۵۴۸۴	۲۷۸۹۰	۱۴۶۶۷	۱۳۲۲۳
۷	» مغان	۸۸۰۲	۴۷۲۴۶	۲۴۶۱۶	۲۲۶۳۰

شماره ردیف	میانه	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان اوج‌تپه	۴۲۲۸	۲۳۲۱۵	۱۲۱۴۶	۱۱۰۶۹
۲	» پردانان	۵۰۱۳	۲۸۳۶۶	۱۴۸۷۰	۱۳۴۹۶
۳	» تیرچائی‌ترکمان	۴۰۴۱	۲۱۱۶۴	۱۱۱۴۰	۱۰۰۲۴
۴	» کله‌بز	۶۶۸۶	۳۴۰۹۹	۱۷۹۴۰	۱۶۱۵۹
۵	» کندوان	۳۰۸۴	۱۶۰۴۴	۸۳۹۶	۷۶۴۸
۶	» گرمه‌حومه	۴۰۷۳	۲۲۶۶۳	۱۱۸۰۳	۱۰۸۶۰

شماره ردیف	هشترود	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان چهاراویماق	۱۱۹۰۳	۶۲۶۳۸	۳۳۰۵۱	۲۹۵۸۷
۲	» قوری‌چای	۳۴۸۱	۱۹۰۶۲	۱۰۱۱۵	۸۹۴۷
۳	» هشترود	۱۴۲۰۵	۷۹۶۴۴	۴۱۹۸۰	۳۷۶۶۴

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان غربی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	خانه	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان پیران	۱۱۸۱	۷۲۹۶	۳۷۳۰	۳۵۶۶
۲	» لاهیجان	۳۵۶۹	۲۲۰۸۷	۱۱۵۰۱	۱۰۵۸۶
۳	» منگور	۱۰۳۱	۶۹۴۱	۳۵۲۶	۳۴۱۵

شماره ردیف	خوی	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان الند	۴۵۴	۳۰۰۵	۱۵۵۲	۱۴۵۳
۲	» ایواوغلی	۴۱۳۵	۲۲۰۰۱	۱۱۴۱۲	۱۰۵۸۹
۳	» چورس	۱۰۰۵	۵۴۶۸	۲۸۸۰	۲۵۸۸
۴	» حاجیلار	۱۲۳۸	۶۷۶۳	۳۵۸۳	۳۱۸۰
۵	» رهال	۱۰۸۳	۶۴۷۷	۳۴۷۳	۳۰۰۴
۶	» سکمن‌آباد	۱۹۱۱	۹۹۰۶	۵۱۹۲	۴۷۱۴
۷	» فیروزق	۲۹۷۴	۱۵۴۷۷	۸۱۷۰	۷۳۰۷
۸	» قره‌ضیاءالدین	۱۶۲۱	۸۳۹۳	۴۴۸۶	۳۹۰۷
۹	» قطور	۱۷۸۲	۱۰۶۴۰	۶۷۸۵	۳۸۵۵
۱۰	» ولدیان	۲۶۳۳	۱۴۳۵۳	۷۴۷۵	۶۸۷۸

شماره ردیف	رضائیه	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان قوشچی انزل	۳۸۳۳	۲۲۶۸۲	۱۱۸۷۱	۱۰۸۱۱
۲	« باراندوزچای	۵۳۸۰	۲۸۵۱۵	۱۴۷۳۹	۱۳۷۷۶
۳	« برادوست	۱۵۹۷	۱۱۱۹۴	۵۷۷۴	۵۴۲۰
۴	« ترگور	۷۱۹	۵۱۸۵	۲۶۲۱	۲۵۶۴
۵	« بکشلوچای	۳۷۳۸	۱۹۸۱۰	۱۰۳۹۴	۹۴۱۶
۶	« دول	۱۰۳۹	۶۲۸۲	۳۲۸۴	۲۹۹۸
۷	« دشت	۵۶۹	۴۲۴۷	۲۱۰۳	۲۱۴۴
۸	« روضه‌چای	۱۷۹۲	۹۹۶۵	۵۲۶۴	۴۷۰۱
۹	« صومای	۲۱۸۵	۱۴۹۲۶	۷۷۲۳	۷۲۰۳
۱۰	« مرگور	۱۴۳۶	۹۹۹۸	۴۸۲۷	۵۱۷۱
۱۱	« نازلوچای	۹۱۵۳	۴۸۲۸۳	۲۵۱۲۵	۲۳۱۵۸

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان غربی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	شاهپور	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان شپیران	۵۷۶	۴۱۴۲	۱۸۹۰	۲۲۵۲
۲	« چهریق	۷۳۷	۵۳۴۸	۲۷۱۰	۲۶۳۸
۳	« حومه	۲۷۰۱	۱۵۶۵۸	۸۲۷۳	۷۳۸۵
۴	« شبنتال	۲۴۸	۱۸۴۲	۸۹۵	۹۴۸
۵	« کره‌سنی	۱۰۷۲	۷۱۵۳	۳۷۲۷	۳۴۲۶
۶	« کردیان	۲۴۹	۱۵۳۰	۷۴۱	۷۸۹
۷	« لکستان	۱۷۲۱	۱۰۰۲۳	۵۱۹۸	۴۸۲۵

شماره ردیف	سردشت	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آلان	۶۰۹	۳۴۲۳	۱۷۱۰	۱۷۱۳
۲	« باسک‌کولوسه	۴۳۵	۲۱۹۸	۱۰۱۲	۱۱۸۶
۳	« بریاجی	۱۱۶۰	۶۵۰۳	۳۲۷۴	۳۲۲۹
۴	« کلاس	۵۳۱	۲۹۳۱	۱۵۱۲	۱۴۱۹
۵	« گورک‌سردشت	۱۱۲۵	۶۶۵۵	۳۲۹۳	۳۳۶۲
۶	« ملکاری	۹۷۴	۵۵۸۵	۲۸۰۷	۲۷۷۸
۷	« نعلین	۱۱۶۱	۶۱۹۶	۲۸۸۲	۳۳۱۳

شماره ردیف	ماکو	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آواجیق	۱۲۷۳	۶۸۵۷	۳۶۵۹	۳۱۹۸
۲	» به‌به‌جیک	۱۱۷۲	۵۸۱۵	۳۰۹۴	۲۷۲۱
۳	» چالدران	۳۴۰۹	۱۸۱۹۰	۹۵۴۱	۸۶۴۹
۴	» چایباسار، ارس کنار	۴۶۰۴	۲۴۸۴۸	۱۲۹۹۵	۱۱۸۵۳
۵	» چایباسار	۱۷۲۵	۹۲۰۷	۴۷۶۸	۴۴۳۹
۶	» قره‌قویون	۲۴۲۳	۱۲۸۶۳	۶۷۶۰	۶۱۰۳
۷	» قلعه دره‌سی	۱۴۹۹	۸۰۸۶	۴۲۷۷	۳۸۰۹
۸	» کجلران	۱۵۴۱	۷۹۸۸	۴۳۰۱	۳۶۸۷

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان غربی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	مهاباد	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آختاچی‌غربی	۲۷۴۹	۱۷۵۲۸	۹۲۱۹	۸۳۰۹
۲	» آختاچی‌شرقی	۲۲۲۱	۱۳۹۱۶	۷۴۶۷	۶۴۴۹
۳	» ایل تیمور	۲۵۵۴	۱۷۷۳۳	۹۲۶۵	۸۴۶۸
۴	» بهی	۳۱۷۷	۱۸۴۹۹	۹۸۲۸	۸۶۷۱
۵	» ویران	۴۹۳۷	۳۴۵۸۰	۱۸۳۹۲	۱۶۱۸۸
۶	» کورک‌مکری	۱۶۸۳	۱۱۱۸۴	۵۷۲۰	۵۴۶۴

شماره ردیف	میاندوآب	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آجرلو	۳۱۰۶	۱۷۳۶۹	۹۱۲۳	۸۲۴۶
۲	» احمدآبادسفلی	۴۶۱۸	۲۳۹۳۶	۱۲۸۲۹	۱۱۱۰۷
۳	» تکاب	۳۰۹۵	۱۶۴۷۹	۸۷۳۱	۷۷۴۸
۴	» چاردولی	۳۱۴۸	۱۷۳۴۶	۹۱۳۵	۸۲۱۱
۵	» شاهین‌دژ	۴۲۶۷	۲۲۹۱۴	۱۲۱۵۸	۱۰۷۵۶
۶	» مرحمت آباد	۸۳۹۸	۴۷۱۵۴	۲۵۰۳۳	۲۲۱۲۱

شماره ردیف	نقده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان اشنویه	۲۷۸۸	۱۶۴۶۳	۸۵۲۰	۷۹۴۳
۲	» حومه	۶۳۳۳	۳۸۰۲۸	۱۹۸۶۷	۱۸۱۶۱
۳	» دشت‌بیل	۴۵۴	۳۴۷۱	۱۷۲۲	۱۷۴۹

آمار آبان ماه ۱۳۴۵ جمعیت و تعداد خانوار دیهای شهرستان اردبیل

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ارخازلو	۸۳	۴۶۰	۲۳۰	۲۳۰
اردی (ایری)	۸۳	۴۶۹	۲۴۳	۲۲۶
اغ‌بولاق آقاجان‌خان	۲۷۹	۱۴۶۸	۷۶۲	۷۰۶
اغبلاغ رستمخان	۱۵۵	۹۱۸	۵۰۳	۴۱۵
اغبلاغ مصطفی‌خان	۷۲	۴۲۹	۲۱۴	۲۱۵
آقابقر (قصاب‌تپه)	۱۲۳	۷۳۷	۳۹۸	۳۳۹
اقجه‌کند	۱۳۶	۸۱۳	۴۳۵	۳۷۸
انزابعلیا	۲۰۲	۱۱۴۷	۵۹۴	۵۵۳
اولغان	۹	۵۳	۳۲	۲۱
بنفشه درق	۹۱	۵۹۳	۳۰۹	۲۸۴
پائین انزاب	۷۵	۴۳۹	۲۲۸	۲۱۱
تازه‌کند رضاآباد	۲۷	۱۹۳	۱۱۱	۸۲
تازهٔ کند شریف‌آباد	۷۷	۴۶۸	۲۴۰	۲۲۸
تازه‌کند لقمان‌آباد	۱۰	۴۳	۲۱	۲۲
جابلو	۷۹	۵۱۱	۲۶۹	۲۴۲
جبه‌دار	۱۲۳	۸۰۹	۴۳۷	۳۷۲
ججین	۱۴۵	۷۸۳	۴۱۸	۳۶۵
جندانق (اغ‌بولان‌تولوتا)	۴۲	۲۹۲	۱۶۲	۱۳۰
خلیفه‌لو	۳۷	۲۶۶	۱۴۱	۱۲۵
روئین‌دزق (ننه‌قران)	۱۷۰	۹۲۳	۵۰۶	۴۱۷
زعفران	۶	۳۰	۱۹	۱۱
سامیان	۱۳۳	۱۰۴۶	۵۶۰	۴۸۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سلطان‌آباد(سالطوار)	۱۴۵	۸۴۶	۴۳۴	۴۱۲
سیدصدرالدین	۱	۵	۳	۲
شهریور (شره‌در)	۱۶۰	۹۲۹	۴۸۵	۴۴۴
صومعه	۱۳۹	۷۵۳	۳۸۴	۳۶۹
طالقشلاقی	۲۸۹	۱۷۲۳	۹۱۳	۸۱۰
قره‌تپه	۴۹	۲۷۲	۱۵۴	۱۱۸
قره‌حسنلو	۵۴	۲۹۴	۱۵۱	۱۴۳
قره‌لر	۱۴۸	۹۰۲	۱۶۷	۴۳۵
کرکرق (یکه‌در)	۱۸۴	۱۰۸۶	۵۳۴	۵۵۲
کلخوران	۴۱۵	۲۵۲۸	۱۳۱۸	۱۲۱۰
گرجان	۱۲۸	۷۳۳	۳۹۲	۳۴۱
گیلان‌ده	۷۱	۵۰۰	۲۵۴	۲۴۶
مختارآباد	۷	۴۳	۲۰	۲۳
مرنی	۲۰۴	۱۱۵۹	۶۱۲	۵۴۷
معصوم‌آباد	۶۹	۳۵۵	۱۸۶	۱۶۹
ملاباشی (اضمه‌خانه)	۲۲۲	۱۲۷۵	۶۸۰	۵۹۵
ملایوسف	۱۳	۶۹	۳۳	۳۶
میجندی	۱۵۴	۸۵۹	۴۷۰	۳۸۹
میرزارحیملو	۲۰	۱۳۶	۶۴	۷۲
میرنی	۵۱	۲۷۳	۱۴۹	۱۲۴
نیار (نی‌پار)	۴۹۰	۲۸۰۱	۱۴۸۱	۱۳۲۰
ینگجه ملا محمد حسن	۱۵۰	۷۸۹	۴۱۴	۳۷۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ینگجه ملامحمدرضا	۱۰۸	۷۰۴	۳۵۱	۳۵۳
یونجالو	۷٤	٤٤۱	۲۳۲	۲۰۹
جمع دهستان انزاب	۵۵۰۲	۳۲۳٦۵	۱۷۰۱۳	۱۵۳۵۲
اباذر (ابوذر)	۵۰	۲۸۸	۱٤۰	۱٤۸
اجغار	۱۰۳	۵۹٤	۳۰۸	۲۸٦
اغجه کهل	۵٦	۳۰۲	۱۵۸	۱٤٤
اقگونی	۵٦	۲۹۸	۱۵٤	۱٤٤
اقچای سفلی	۵۵	۳۰۸	۱۵۷	۱۵۱
اقچای علیا	۳۲	۱۹۳	۹۸	۹۵
اقچای وسطی (باباعلی قشلاقی)	٦٤	۳۵۹	۱۹۱	۱٦۸
امین آباد	۷٦	۳۹٤	۱۹۰	۲۰٤
امین لو (امین)	۲۵	۱٦٤	۹۲	۷۲
اوزان بلاغ	۳۵	۲٦۸	۱۷۷	۹۱
اینجه	٦۰	۳٤۰	۱۵۳	۱۸۷
باشکند	۹٤	۵۳۵	۲۷۷	۲۵۸
بلقین آباد (مالقان وا)	۷۳	٤۹۳	۲٦۳	۲۳۰
بوسجین (بولون)	۱۰۵	۵۷۲	۳۰۱	۲۷۱
پارچین	۵۳	۳۲۰	۱٦۲	۱۵۲
پیله سهران	٤۵	۲۸۷	۱٤٦	۱٤۱
پیله کلین (پیره گلین)	۳۲	۱۹۷	۹۵	۱۰۲
تاجی بیوك (قره دره)	٤٦	۱۹۹	۹۱	۱۰۸
تازه جای مقرر (جای سوی)	۸۲	٤۵۸	۲٤۲	۲۱٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه قشلاق سفلی	۳۹	۲۲۷	۱۰۳	۱۲۴
تازه‌قشلاق‌علیا (تازه کند)	۸	۳۱	۱۳	۱۸
تجرق	۴۸	۳۷۱	۱۹۵	۱۷۶
ترکه‌ده	۳۵	۲۹۳	۱۴۲	۱۵۱
تکبلاغی	۴۴	۳۲۱	۱۶۳	۱۵۸
توتونسیز	۱۴۳	۸۳۶	۴۱۵	۴۲۱
جعفرلو	۸۷	۴۹۸	۲۶۰	۲۳۸
جق‌جق سفلی	۹	۵۵	۳۰	۲۵
جق‌جق‌علیا	۱۹	۱۴۹	۸۱	۶۸
جق‌جق وسطی	۲۵	۱۴۴	۷۷	۶۷
جلوگیر	۵۱	۴۰۱	۱۹۵	۲۰۶
جیزقشلاقی	۱۸۱	۹۳۴	۴۹۴	۴۴۰
چهره‌برق	۳۱	۲۱۲	۱۱۸	۹۴
حاجی‌محمود	۴۶	۲۴۲	۱۰۹	۱۳۳
خادملو	۸۶	۴۸۹	۲۵۵	۲۳۴
خانه‌شیر	۱۲۷	۷۳۷	۳۸۲	۳۵۵
خجیم	۶۲	۳۴۵	۱۸۶	۱۵۹
خرائیم	۳۳	۱۸۵	۹۷	۸۸
دابالو	۶۲	۳۸۱	۲۱۳	۱۶۸
داش‌بلاغ	۳۳	۲۱۳	۱۱۳	۱۰۰
دگمه‌داغوان	۲۷	۱۸۸	۹۴	۹۴
دهم‌ستولو	۸۶	۴۸۱	۲۴۱	۲۴۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دوشانجق	۷۰	٤۳۸	۲۰۳	۲۳۵
اسراعین	۷۷	٤٦۱	۲۳۹	۲۲۲
سعیدخانلو(داش کسری)	٤۹	۳۳۰	۱۸۰	۱۵۰
سقدل	۲۷	۱٦۱	۸٤	۷۷
سقزچی	۸۵	۵۱٤	۲۸۳	۲۳۱
سوقانلو	۵٦	۳۳۹	۱۷۳	۱٦٦
سیاه‌پوش	۳٤	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
شمس آباد	۳٤	۲۱۷	۱۱۳	۱۰٤
شیران	۲۰۳	۱۳۳۳	۷۰۰	٦۳۳
سادقلو	۱٦	۱۰٦	۵٦	۵۰
قاسم‌قشلاقی	٤۳	۲۵۵	۱٤۰	۱۱۵
قرخ بلاق	۲۷	۱۸۵	۹۳	۹۲
قره‌شیران	۲۰۵	۱۱۳۷	۵۸۸	۵٤۹
قره‌قاشلو	۱۸	۱۳۱	۷۰	٦۱
قلعه‌جوق	۱۰۳	۵۷۹	۲۹۳	۲۸٦
قشاق‌قران	۷۱	٤۱۰	۲۲۱	۱۸۹
قورتولموش	۱۵۹	۷۹٤	۳۷۷	٤۱۷
قیه‌قشلاقی	۸۰	٤۷٤	۲٤۵	۲۲۹
کچل آباد	٦۲	۳۸۰	۲۰۲	۱۷۸
کری بزرگ	۱۱٤	٦٦۲	۳٤۷	۳۱۵
کلاش	٦۵	٤۱٦	۲۲۵	۱۹۱
کورائین	۲۲۱	۱۱۵۳	۵۵۰	٦۰۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کورعباسلو (موسی بوجان)	۱۱۰	۶۸۹	۳۶۱	۳۲۸
کهریز	۶۵	۴۰۳	۲۱۰	۱۹۳
گل قشلاقی	۲۸	۱۵۳	۷۳	۸۰
گلستان	۱۳۰	۷۷۳	۴۱۲	۳۶۱
گلی	۷۵	۴۸۷	۲۶۱	۲۲۶
مادیه	۴۱	۲۷۶	۱۴۸	۱۲۸
مجمیر	۸۳	۵۱۹	۲۶۳	۲۵۶
مجیدآباد	۱۲۰	۷۷۷	۳۸۸	۳۸۹
مستان آباد	۸۰	۴۹۳	۲۴۰	۲۵۳
مشتقین (مشکین چك)	۱۷۴	۱۰۸۷	۵۸۵	۵۰۲
مولان سفلی	۱۹	۱۲۳	۶۷	۵۶
مولان علیا	۲۶	۱۵۲	۸۱	۷۱
نرلی	۱۳	۸۲	۳۸	۴۴
وکیل آباد	۲۴	۱۶۹	۸۲	۸۷
هاوادرق	۴۳	۲۴۶	۱۲۸	۱۱۹
جمع دهستان یورتچی	۵۲۷۴	۱۳۴۱۵	۱۶۱۹۸	۱۵۲۱۷
ابریکوه	۱۷۷	۱۰۳۳	۵۴۱	۴۹۲
اجاکند	۶	۳۹	۲۲	۱۷
اسماعیل خان گزی	۸	۵۰	۲۸	۲۲
امیرآباد	۸	۵۳	۲۸	۲۵
اوزون بینه	۵	۱۹	۱۴	۵
باروق	۲۵۳	۱۵۸۷	۸۴۴	۷۳۹

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه‌کندمحمدیه	۸٤	٤۷۱	۲٤٤	۲۲۷
ثمرین	۸۰۹	٤٦۸۸	۲٤۹۳	۲۱۹۵
جمادی	۸۱	٤۷۸	۲۲۹	۲٤۹
جینقرلر	۸	۲٦	۱۹	۷
چراپا	۱۳	٦۸	۳۳	۳۵
چراقرد	۲۸۹	۱۷٤۸	۹۳۷	۸۱۱
چلگزی	۷٦	۳۹۲	۲۰۸	۱۸٤
چوخوریورد	٦	۳۹	۲۳	۱٦
احسنعلی‌کندی	۲۱	۱۲۸	٦۷	٦۱
خشکرود	۷۰	۳۵۵	۱۹۲	۱٦۳
خیارك	۲۱٦	۱۳۵٦	۷۵۵	٦۰۱
دمه‌لر	۹	۳۳	۱۸	۱۵
دیجویجین	۲٤۰	۱۳٤۳	۷۲٦	٦۱۷
شمشیرخانه	۲۳	۱۲۱	۷۰	۵۱
شندرشامی	۸۸	٤٦۹	۲٤۸	۲۲۱
شیخ‌احمد	۲٦۲	۱۵٤۵	۸۲۵	۷۲۰
شیشه گران	۵۲	۳۲۷	۱۷۱	۱۵٦
علی‌آباد	۱۰	۵۵	۲٤	۳۱
علی‌قشلاقی	٦۷	۳٤۵	۱۷۱	۱۷٤
قارداش‌خانلو	۱۱	٤٤	۲٤	۲۰
قره‌تپه	۱۰۳	٦۱۱	۳۳۳	۲۷۸
قانسور کندی	۱۵۷	۸۳۸	٤۲٦	٤۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کردقشلاقی	۸۸	۵۱۸	۲۷۷	۲۴۱
کولانکوه	۱۶۳	۹۸۵	۵۳۰	۴۵۵
گندشمین	۳۹۳	۲۰۵۲	۱۰۹۹	۹۵۳
گیگل	۳	۸	۵	۳
مهدی‌خانلو	۱۳	۴۱	۲۴	۱۷
وکیل‌آباد	۹۲	۵۵۴	۳۰۰	۲۵۴
جمع دهستان ثمرین	۳۹۰۴	۲۲۴۱۵	۱۱۹۴۸	۱۰۴۶۷
آتشگاه	۲۸۳	۱۵۴۹	۸۴۰	۷۰۹
اردیموسی	۳۲۴	۱۷۳۹	۸۵۲	۸۸۷
اروانق	۷۴	۴۴۱	۲۳۲	۲۰۹
اسکشهر	۳۱	۱۹۳	۱۰۰	۹۳
الوچه	۶۱	۳۴۴	۱۸۰	۱۶۴
اندراب	۱۰۱	۶۰۳	۳۱۳	۲۹۰
ایمچه	۲۵۰	۱۳۱۸	۶۹۹	۶۱۹
حسن‌باروق	۸۵	۴۴۴	۲۴۲	۲۰۲
حمل‌آباد	۱۲۱	۶۸۶	۳۶۸	۳۱۸
درآباد	۲۲۵	۱۴۸۰	۷۷۸	۷۰۲
دولتسرا	۴۹	۳۰۴	۱۶۳	۱۴۱
دیولق	۳۲۳	۱۷۷۴	۹۵۶	۸۱۸
شمس‌آباد	۷۷	۴۶۴	۲۴۷	۲۱۷
عموقین	۱۸۱	۱۰۱۵	۵۵۵	۴۶۰
قلعه جوق	۱۴۶	۸۳۳	۴۴۸	۳۸۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کرد کندی	۱۱۸	۶۹۵	۳۶۳	۳۳۲
کرول	۷۱	۴۵۸	۲۵۹	۱۹۹
نوران	۱۲۲	۷۴۲	۳۸۱	۳۶۱
ینگجه‌رضابکلو (میچه)	۹۹	۶۰۱	۳۱۶	۲۸۵
جمع دهستان درآباد	۲۷۴۱	۱۵۶۸۳	۸۲۹۲	۷۳۹۱
اسبمرز	۸۲	۴۳۷	۲۲۷	۲۱۰
الداشین (علی‌داش)	۹۹	۴۹۰	۲۵۱	۲۳۹
الوارس	۲۵۷	۱۴۶۱	۷۸۲	۶۷۹
اوجور	۱۱۲	۵۶۷	۲۹۸	۲۶۹
اورتا کند	۵۲	۳۱۶	۱۶۸	۱۴۸
ایرنجی	۱۱۳	۶۹۱	۳۶۳	۳۲۸
ایلانجوق	۱۶۸	۱۰۰۴	۵۲۱	۴۸۳
بروجلو	۵۷	۳۵۱	۱۸۵	۱۶۶
بوران	۵۰	۳۱۹	۱۵۹	۱۶۰
پیرنق	۱۴۳	۸۵۸	۴۵۰	۴۰۸
جوراب	۴۶	۲۷۸	۱۵۱	۱۲۷
خانمیالا کندی	۲۹	۱۴۴	۷۳	۷۱
دیمان	۷۴	۴۴۶	۲۴۲	۲۰۴
ساری‌قیه	۱۳۰	۷۹۳	۴۲۲	۳۷۱
سرخاب	۱۱۳	۶۸۷	۳۶۲	۳۲۵
شاه‌بلاغی	۲۸	۱۸۳	۹۹	۸۴
شاه‌نشین	۱۶۴	۱۰۰۳	۵۲۴	۴۷۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شایق	۱۸۱	۱۱۰۳	۵۵۶	۵٤۷
قره‌تپه	٦٦	۳٤۸	۱۷۸	۱۷۰
قلعه‌سار	۸۳	٤۷۲	۲٤۳	۲۲۹
کمال آباد	۱۱۹	٦۲۱	۳۲٤	۲۹۷
کندوان	۷۳	۳۹٤	۲۲۳	۱۷۱
گازر	۲۷	۱٤۲	۸۲	٦۰
گلوجه	۳۹	۲۳۲	۱۲٤	۱۰۸
گوگوچین	۱۰۰	٦۳۲	۳۳۲	۱۰۰
گوگه	۷۰	٤۹٦	۲۷۵	۲۲۱
لامی	۸۵	٤۸۵	۲۵۲	۲۳۳
مزرعه	۲۹	۱٦۸	۸۱	۸۷
میمند	۷۷	٤۱٦	۲۱۹	۱۹۷
نیر	٤۸۲	۲۷۵۹	۱٤۲۳	۱۳۳٦
ورگه‌ساران (گرمه‌سران)	۹۵	٦۲۱	۳٤٦	۲۷۵
ولزاقرد	۱۳۷	۷۱٤	۳۵۷	۳۵۷
ویرسق	۱۵۹	۹۹۷	۵۲٤	٤۷۳
یامچی سفلی	۸۹	۵۵۲	۲۹۸	۲۵٤
یامچی‌علیا	٦۸	۳۹۷	۲۰٤	۱۹۳
جمع دهستان دورسون‌خواجه	**۳٦۹٦**	**۲۱۵۷۷**	**۱۱۳۱۸**	**۱۰۲۵۹**
ارجستان	۱۰۹	۵۹۰	۳۲۱	۲٦۹
اقلعه	٦۲	۳۹۲	۲۰۸	۱۸٤
الماس	۹۲	۵۲٤	۲٦۲	۲٦۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ایلا دره‌سی	۱۲	۵۹	۳۴	۲۵
بینه‌مارسبلان	۹۲	۵۴۳	۳۰۵	۲۳۸
پیرالقر	۱۷۱	۱۰۲۱	۵۱۲	۵۰۹
تازه کندسبلان	۴۵	۲۸۹	۱۵۱	۱۳۸
حکیمقشلاقی	۸۳	۵۰۱	۲۶۶	۲۳۵
خرابه کهل	۱۶	۱۰۱	۵۳	۴۸
دوشنق	۵۵	۳۴۶	۱۸۶	۱۶۰
رضاقلی قشلاقی	۷۸	۴۸۳	۲۵۰	۲۳۳
سامانلو	۳۳	۲۰۵	۱۱۱	۹۴
سرعین	۲۴۶	۱۳۱۴	۶۶۳	۶۵۱
سیین	۱۲۵	۷۱۴	۳۷۵	۳۳۹
شام‌اسبی	۲۷۰	۱۵۰۲	۸۱۶	۶۸۶
عین‌الو	۶۴	۳۶۷	۱۷۹	۱۸۸
قاسمقشلاقی	۱۱۹	۷۰۸	۳۵۷	۳۵۱
قلعه‌یچی	۶۶	۴۰۳	۲۰۲	۲۰۱
کرده‌ده	۱۰۱	۵۸۵	۲۸۰	۳۰۵
کلخوران‌ویند	۱۲۰	۶۴۶	۳۲۵	۳۲۱
کولی	۴۶	۳۱۰	۱۷۸	۱۳۲
گنزق	۲۰۲	۱۱۹۲	۶۶۸	۵۲۴
لاطران	۹۴	۵۹۰	۳۱۲	۲۷۸
وده‌نو	۲۳	۱۳۹	۷۳	۶۶
ورنیاب	۸۳	۵۳۳	۲۸۹	۲۴۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ویله‌دره (بیله‌درق)	۱۵۶	۸۵۴	۴۵۳	۴۰۱
ویندکلخوران	۸۴	۵۰۴	۲۶۶	۲۳۸
جمع دهستان سرعین	۲۶۴۷	۱۵۴۱۵	۸۰۹۵	۷۳۲۰
ابیگلو	۳۶۹	۲۱۰۵	۱۱۲۰	۹۸۵
آرپاتپه	۵۴	۳۰۱	۱۴۳	۱۵۸
آقایارلو	۳۶	۲۲۶	۱۱۴	۱۱۲
آلادیزگه	۱۰۰	۵۳۱	۲۷۹	۲۵۲
امین‌خان	۲۲۰	۱۰۷۲	۵۵۸	۵۱۴
اوچ‌بلاغ	۲۵	۱۶۶	۷۷	۸۹
اورنج	۷۵	۴۳۹	۲۴۳	۱۹۶
اربریل	۳۳	۲۱۸	۱۱۱	۱۰۷
بریس	۱۸۸	۹۵۵	۵۱۵	۴۴۰
بویاقچلو	۵۹	۳۴۷	۱۷۵	۱۷۲
پته‌خور	۱۱۳	۶۸۳	۳۳۲	۳۵۱
پیرجوار	۳۴	۱۹۸	۱۰۷	۹۱
پیرزاده	۳۴	۱۸۲	۱۰۵	۷۷
تپه	۶	۳۱	۱۶	۱۵
تفیه	۲۳	۱۱۷	۵۷	۶۰
جگرکندی	۳۹	۲۳۶	۱۱۸	۱۱۸
جله‌گران	۵۷	۳۱۱	۱۶۴	۱۴۷
جید	۱۷۲	۹۲۱	۴۹۴	۴۲۷
چونکنش	۲۴	۱۵۵	۷۴	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حور	٤٠٥	٢٠٧٥	١١٤٢	٩٣٣
خانقاه پائین	٢٢١	١٣٥٩	٧٠٤	٦٥٨
خانقاه‌علیا	١١٥	٦٢٢	٣٢٧	٢٩٥
خانکندی	٥٥	٣٣٩	١٧٣	١٦٦
خشگسیل (آقازمان کندی)	١٦	٩٢	٤٥	٤٧
خشه‌حیران	٨٦	٤٩٠	٢٦٥	٢٢٥
خلیل کندی	١٣	٧٩	٣٥	٤٤
خواجه بلاغی	١٢٤	٧١٠	٣٨٤	٣٢٦
خوش‌آباد	٣٠	١٨٣	٩٥	٨٨
دکیرماندرق (درمانده)	٦٧	٤٤٨	٢٤٨	٢٠٠
دلیکلی‌داش	٥٩	٣٠٧	١٧٠	١٣٧
دودران	٩٩	٦٢٨	٣٣٦	٢٩٢
دورجین	٣٨	٢٤٩	١٣٧	١١٢
دولت‌آباد (آخمار)	١٦٨	١٠٠٠	٥٠٧	٤٩٣
رز	٧٠	٣٧٤	٢٠١	١٧٣
ساقصلو (سناحصلی)	٦٣	٣٤٨	١٧٨	١٧٠
سربند	٤٣	٢٥٢	١٢٩	١٢٣
سرخانلو	٧٧	٤٥٧	٢٢٨	٢٢٩
سعیدآباد	٩٩	٥٥٩	٢٨٣	٢٧٦
سقزچی	١٦٤	٧٩٠	٤٠٤	٣٨٦
سلوط	٨٨	٥٤٩	٢٩٨	٢٥١
سولدرق	٢٤	١١٧	٥٧	٦٠

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سولا	۱۳۶	۸۴۹	۴۰۰	۴۴۹
سوها	۲۷۲	۱۴۰۵	۷۴۳	۶۶۲
سیف آباد(آقبلاغ)	۹	۵۰	۳۰	۲۰
صالح قشلاقی	۲۴	۱۵۳	۷۷	۷۶
علی بلاغی	۴۱	۲۱۵	۱۲۳	۹۲
علی کمر	۳۶	۲۲۲	۱۱۵	۱۰۷
عنبران سفلی	۳۹۲	۲۱۳۳	۱۱۳۲	۱۰۰۱
عنبران علیا	۲۰۴	۱۱۳۵	۶۰۸	۵۲۷
فتح مقصود	۲۸	۱۲۸	۶۷	۶۱
قاضی کندی	۲۰	۱۲۵	۶۴	۶۱
قره چناق	۷۲	۴۱۶	۲۳۲	۲۲۹
قشلاقچایی	۵۷	۳۰۱	۱۵۳	۱۴۸
قلعه	۲۳	۱۳۸	۷۴	۶۴
کریم کندی	۲۵	۱۷۲	۹۳	۷۹
گلش	۲۲۵	۱۱۱۶	۵۸۹	۵۲۷
کلاسر	۲۱۸	۱۳۱۴	۶۶۷	۶۴۷
کنازق	۲۳	۱۴۱	۷۷	۶۴
کولاندرق بالا	۲۵	۱۴۶	۸۰	۶۶
کوندرق سفلی	۲۹	۱۷۳	۸۳	۹۰
گرده	۱۴۳	۷۷۰	۴۱۴	۳۵۶
گرمه‌چشمه	۱۲۱	۶۶۵	۳۶۳	۳۰۲
گللو	۱۳۵	۷۸۹	۴۲۰	۳۶۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گودلر	۲٤	۱٤۲	۷۵	٦۷
محمود آباد	۷۷	٤۱۵	۲۱۵	۲۰۰
مسجد محله	۳۹	۲۱۸	۱۱۵	۱۰۳
مهدی پستی	۲۱	۱٤۸	۷٦	۷۲
میرزانق	۱۲٤	٦۸۲	۳۷۱	۳۱۱
میناباد	۲۲٦	۱۳۰۲	٦۹۳	٦۰۹
نظرعلی کندی	۱۸	۱۲۵	۷۰	۵۵
نمین	٤۷۲	۲۵۱٤	۱۳۰۳	۱۲۱۱
ننه گران	۳۳۵	۱۸۵۲	۹۲۹	۹۲۳
نوجه‌ده (نوری)	۷٦	۴۸۸	۲۵۹	۲۲۹
نوده	۸٦	٤۷۲	۲٤۵	۲۲۷
نوشدق	۱۰٤	۵۵۳	۲۸۵	۲٦۸
نیارق	۳۷٦	۱۸۸۸	۱۰۰۸	۸۸۰
هشنه	٦۲	۳٤۳	۱۸۱	۱٦۲
ینگجه	۳۳	۱۷۵	۹۵	۸۰
یوزباشی	۱۳	۹۰	٤۸	٤۲
جمع دهستان و بلگج	۸۱۲۹	٤۵۲۲۹	۲۳۷۲۰	۲۱۵۰۹
آرالوی بزرگ	۱۰۸	٦۵۱	۳۵۲	۲۹۹
آرالوی کوچك	٦۳	۳۷۵	۱۸۵	۱۹۰
آقدرق	۳۳	۱۹٦	۱۰۷	۸۹
الماکلن (رستم قشلاغی)	۲۵	۱۵۳	۸۱	۷۲
آچه (آلچا)	۱۲٤	٦۸۵	۳٦۰	۳۲۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
انتق (شاه بلاغی)	۸	٤۰	۲۱	۱۹
انیلو (انیلی)	۱٤٦	۷۹۹	٤۲۸	۳۷۱
ایوریق	۱٤۷	۸۲۸	٤٤٥	۳۸۳
ایقلعه	۱۸	۹۷	٥۱	٤٦
بقراباد (بلقیاد)	۱۷٦	۹۲۱	٤٦۷	٤٥٤
بودالالو (رستم‌قلی قشلاقی)	۷٤	٤٥٦	۲٤٦	۲۱۰
بیله درق	۷۸	٥۰۲	۲٥۸	۲٤٤
پراقوم	۱٥۱	۹۲۱	٤۹٥	٤۲٦
پیرزمان (آغ خرابه)	۳۲	۱۸٦	۹۹	۸۷
تپراقلو	۱۰٥	٥٦۸	۲۹۹	۲٦۹
جیاوان	۷۰	۳۳٦	۱۷۰	۱٦٦
چنذاب	٦۰	۳۱۸	۱۸۱	۱۳۷
چیملو (درین دره)	۹	٥۸	۳۱	۲۷
حصار (حاصار)	٤۸	۲٤۹	۱٤۹	۱۰۰
حفظ آباد (حصاروا)	۲۲۸	۱۱۸٤	٦۰٥	٥۷۹
حمید آباد	٦٦	۳٥۰	۱۸۲	۱٦۸
حسینه (خانقاه)	۱۰٥	٥۱۷	۲۸۳	۲۳٤
خانقشلاقی	۱۰٥	٥٦٤	۳۰۲	۲٦۲
خلیل‌آباد	۱٥٥	۸۹۰	٤۷٥	٤۱٥
داشبلاغ (نوور)	۲٦	۱٤۷	۷۸	۷۰
دلیلر (ولی‌قلی قشلاقی)	٥۳	۳۰۱	۱٦۹	۱۳۲
دمدمه	۳۸	۱۹٥	۹۲	۱۰۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دویل	۸۸	۴۹۹	۲۶۳	۲۳۶
رزگاه	۴۷	۲۸۹	۱۴۶	۱۴۳
رضی‌آباد	۵۱	۳۰۹	۱۶۰	۱۴۹
زردآلو	۹۲	۵۱۸	۲۷۹	۲۳۹
زیوه	۳۳	۱۸۶	۱۰۱	۸۵
سیدآباد (سیدآوا)	۲۱	۱۱۵	۶۷	۴۸
شبلو (شبلی)	۱۰۵	۵۵۱	۲۷۷	۲۷۴
عباس‌آباد	۴۰	۲۵۷	۱۳۶	۱۲۱
فیروزآباد(بروز آواد)	۳۲	۱۷۹	۹۸	۸۱
قره داغلو	۱۷	۱۱۱	۵۶	۵۵
قره‌ولی (باسی یلاق)	۲۰	۱۳۳	۶۰	۷۳
قزل‌قیه	۱۴۳	۷۵۷	۴۰۴	۳۵۳
قشلاق محمد بیك	۷۲	۴۱۶	۲۰۷	۲۰۹
قیه چمن (قی‌چمن)	۴۷	۲۶۹	۱۵۰	۱۱۹
کردلو	۵۲	۲۹۹	۱۵۰	۱۴۹
کرگان (کرگن)	۱۰۰	۶۳۱	۳۰۹	۳۲۲
کریق	۱۶۲	۹۲۹	۵۱۱	۴۱۸
کلتپه ملالی	۷۹	۵۰۹	۲۵۷	۲۵۲
کلخوران (کمرلان)	۱۰۰	۵۳۷	۲۷۸	۲۵۹
کمی‌آباد	۶۰	۳۲۵	۱۸۳	۱۴۲
کورقلعه	۵۶	۳۱۱	۱۶۱	۱۵۰
کوزه توپراقی	۴۲	۲۵۴	۱۳۰	۱۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوهساره	۱۸۴	۱۰۷۳	۵۳۰	۵۴۳
گلین قشلاق	۴۶	۲۴۳	۱۳۴	۱۰۹
گورادل	۶۲	۲۹۴	۱۴۶	۱۴۸
محمودآباد(محمودآواد)	۱۲۲	۶۹۱	۳۵۶	۳۳۵
مسجدلو (مجدی)	۲۷	۱۶۹	۹۵	۷۴
ملااحمد (تلخ آب)	۳۲	۲۰۵	۱۰۹	۹۶
مهماندوست سفلی	۶۲	۳۴۸	۱۹۲	۱۵۶
مهماندوست علیا	۷۱	۴۵۳	۲۳۹	۲۱۴
نوشهر (نوشار)	۱۸۵	۱۰۰۸	۵۴۳	۵۶۵
نیورسفلی	۳	۱۹	۱۰	۹
هل آباد	۱۳۲	۶۹۱	۳۶۶	۳۲۵
هیر	۴۱۴	۲۲۳۱	۱۲۰۴	۱۰۲۷
یانجی(عباسلوقدیمی)	۷۸	۳۸۵	۲۱۶	۱۶۹
جمع دهستان دهیر	۵۱۱۹	۲۸۶۸۱	۱۵۱۳۳	۱۳۰۴۸
ابریق (ایری)	۱۴۳	۶۹۸	۳۶۶	۳۳۲
ابللو	۸۹	۴۲۲	۲۱۵	۲۰۷
آذغان	۲۰۵	۹۳۷	۵۱۱	۴۲۵
اسیابتازه کند	۴	۴	۴	۰
افیل (اهل)	۱۵۳	۷۹۷	۴۳۵	۳۶۲
آقاکندی	۸۴	۴۰۷	۲۰۵	۲۰۲
اقدیوار	۱۵	۸۱	۴۳	۳۸
الپاوت	۱۶	۹۰	۴۸	۴۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
المان جدید	۲۲	۱۰۶	۵۶	۵۰
المان قدیم	۷۶	۳۹۱	۲۱۰	۱۸۱
آلو	۷۲	۴۲۳	۲۳۹	۱۸۴
آلوار	۵۳	۲۵۸	۱۴۶	۱۱۲
انباق جواد	۲۵	۱۳۰	۶۸	۶۲
انباق حاجی‌خان	۲۰	۱۲۰	۷۲	۴۸
انباق سرخای	۴۲	۲۰۹	۱۱۹	۹۰
انجرد	۱۳۷	۶۷۷	۳۶۹	۳۰۸
انداب جدید	۵۲	۲۴۹	۱۳۷	۱۱۲
انداب قدیم	۵۴	۲۷۷	۱۵۴	۱۲۳
اورنگ (اورك)	۱۱۵	۵۵۴	۳۰۴	۲۵۰
اوشدلق	۱۴	۸۷	۴۴	۴۳
ایلکه ده	۷	۳۴	۱۹	۱۵
باباجان	۱۳۱	۷۳۰	۳۸۶	۳۴۴
بالدرن	۳	۱۸	۱۰	۸
باللی قشلاقی	۵۲	۳۳۷	۱۸۳	۱۵۴
برمیس (برس)	۸۳	۳۹۲	۲۰۷	۱۸۵
بره‌یوسفان (برسفان)	۶۰	۲۹۲	۱۵۷	۱۳۵
بسته بکلو	۶۵	۳۳۲	۱۸۶	۱۴۶
بصیر آباد	۳۳	۱۸۵	۱۰۰	۸۵
بهل	۱۰۴	۵۵۵	۲۹۶	۲۵۹
بینق	۲۹	۱۶۴	۸۷	۷۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پارچه قشلاق	۹	۵۳	۳۱	۲۲
پارچه قشلاقی	۱۶	۱۲۵	۶۲	۶۳
پیه‌جیك	۱٤	۷۷	٤۵	۳۲
پیه‌جیك (قشلاق پیه‌جیك)	۲۸	۱۹۳	۱۰۷	۸۶
تازه کند جیلان	۱۶	۸۵	٤۲	٤۳
تازه کند شاوردی	۲۷	۱۲۳	۵۷	۶۶
تازه کند طهماسب	٤۷	۲۳٤	۱۲۵	۱۰۹
تازه کند مسقران	۶۳	۳۱۹	۱۶۸	۱۵۱
جالق	۹	۵۷	۲۷	۳۰
جالیق	۶	۳۵	۱۷	۱۸
جربند	۱۰۰	٤٤۸	۲۳۳	۲۱۵
جلیز	۱۱۸	۵۸٤	۳۰۱	۲۸۳
جوانشیخ	۱۵	۱۰۲	۵۵	٤۷
جای کندی	۸۹	٤۳۸	۲۲۹	۲۰۹
جابان	۸۱	٤۲۳	۲۲۸	۱۹۵
جخماغ بلاغ‌سفلی (آسیای جخماغ بلاغی)	۲۶	۱۵۸	۸۱	۷۷
جخماغ بلاغ‌علیا (یوخاری جخماغ بلاغی)	٤۸	۲۹٤	۱۶٤	۱۳۰
چشمه وزان	۹۸	۵۳۶	۲۶۹	۲۶۸
چوپانلر (چوپانلر حسن بیگلر)	۲۸	۱٤۱	۷۱	۷۰
چوپانلار	۱۵۱	۸۲۸	٤۲۲	٤۰۶
چول قشلاقی	۱۳۲	۷۳۵	٤۱۰	۳۲۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جیلان	۲۹	۱۷۶	۹۲	۸۴
حاجی اوغلی(حاجر)	۱۳	۹۱	۵۳	۳۸
حصار	۳۵	۱۵۷	۹۷	۶۰
حصار سفلی	۲	۱۳	۹	۴
خداوردی کندی (سیدلر)	۳۷	۱۸۶	۱۰۰	۸۶
خرم آباد (خرمو)	۹۳	۴۸۵	۲۴۳	۲۴۲
خضر کندی (حذر کندی)	۷۹	۳۵۴	۱۹۶	۱۵۸
خلفیان	۳۸	۲۰۹	۱۱۱	۹۸
خونیق	۱۷۰	۸۵۴	۴۴۰	۴۱۴
داسلوجه	۷۲	۳۸۹	۲۰۹	۱۸۰
دامن آباد (دنبو)	۷۸	۳۶۴	۱۹۷	۱۶۷
دایلار	۸۷	۴۹۱	۲۶۱	۲۳۰
دغلیان‌سفلی (دغلبان)	۴۹	۲۵۸	۱۳۳	۱۲۵
دغلیان علیا (دغلبان)	۷۵	۳۷۵	۲۰۶	۱۶۹
دمیریه	۱۲	۸۱	۴۱	۴۰
دوپیه آباد	۷۳	۳۶۶	۱۸۲	۱۸۴
دوغان	۳۷	۲۱۸	۱۱۳	۱۰۵
ده‌ستان	۲۴	۱۴۲	۷۵	۶۷
دیزبین	۴۵	۲۱۰	۱۰۳	۱۰۷
دیزج تلخاج	۲۳	۱۴۶	۷۰	۷۶
دیزج چالو (دیزه)	۳۹	۲۰۲	۱۰۷	۹۵
رزین	۶۸	۳۳۳	۱۷۹	۱۵۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
رشت آباد جدید (حسینعلی کندی)	۲۲	۱۲۸	۷۲	۵۶
رشت آباد قدیم	۷۸	۳۷۱	۱۹۴	۱۷۷
زکلکسفلی	۴۰	۲۲۰	۱۱۶	۱۰۴
رواسجان (قرنفرخ)	۱۴۴	۷۰۱	۳۶۵	۳۳۶
ریحال (ریجان غزل)	۲۲	۱۴۰	۷۵	۶۵
قزل گچی (ریحان)	۱۲۲	۶۰۸	۳۲۸	۲۸۰
زرگر	۳۲	۱۶۰	۸۲	۷۸
زکلکعلیا	۴۹	۲۹۰	۱۴۴	۱۴۶
زنجیر بلاغ	۹۴	۴۶۹	۲۳۹	۲۳۰
زندآباد	۲۱۰	۱۰۸۶	۵۵۷	۵۲۹
زنك آباد (زنگ آوا)	۲۰۴	۱۰۲۱	۵۲۲	۴۹۹
زنگملك	۳۸	۱۹۹	۱۰۶	۹۳
زیلیککور بلاغ	۲۴	۱۲۶	۷۲	۵۴
ساری سلو	۴۷	۳۰۰	۱۵۵	۱۴۵
ساری یارقان (قره‌اذور)	۷۸	۴۰۰	۲۱۱	۱۸۹
ساطی سفلی عمران خان	۹	۴۰	۲۰	۲۰
ساطی سفلی (ساطی وسطی)	۱۷	۸۶	۴۵	۴۱
ساطی علیا	۶۵	۳۴۴	۱۷۲	۱۷۲
سامیران	۷۰	۳۴۵	۱۹۷	۱۴۸
سرقین	۷۴	۴۳۳	۲۱۷	۲۱۶
سنقوش آباد (شمسوار)	۳۸	۲۱۵	۱۰۴	۱۱۱
سویدلی	۶	۴۳	۱۷	۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیدلر	٤٧	٢٢٩	١٢١	١٠٨
سیه دلان	١٣	٦٨	٣٦	٣٢
شاه مرادلی	٢	١٠	٦	٤
شله‌پران	١٤٦	٧٣٧	٣٩١	٣٤٦
شیخ قشلاقی	١٨	١٣٢	٨٢	٥٠
شیر بیت	١٢	٦٢	٣٣	٢٩
شیرین درق	١٧	٩٩	٥٤	٤٥
صفی خانلو	٢٣	١٢٠	٦١	٥٩
صومعه (صوما)	٤٣	٢١١	١٢٣	٨٨
طویله شامی	٤٢	٢٣٩	١١٩	١٢٠
عباس‌آباد	٦	٣٣	١٥	١٨
علیرضا چایی	٧٣	٣٦٠	١٩٧	١٦٣
علی‌آباد	٩٣	٤٥٠	٢٣٧	٢١٣
علی‌آباد (گز کی بلاغ)	٤٨	٢٢٩	١٢٣	١٠٦
علی بیك کندی	٥٧	٣٢٩	١٧٦	١٥٣
علی بیك کندی (علی‌بی کندی)	٢٢	١٩٤	١٠٤	٩٠
عنبر کندی	٨	٣٨	٢٢	١٦
قراجه (قرجه)	٢٤	١١٥	٥٩	٥٦
قراجه‌لو	١٧	٩٠	٤٧	٤٣
قرخبلاغ	٢٦	١٢٧	٦٦	٦١
قره بوران	١٢	٥٩	٣٢	٢٧
قره‌قشلاقی	١٢	٨١	٤٧	٣٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزلجه (قزلجا)	٤٤	٢٢٨	١٢١	١٠٧
قشلاق تاتلار	١٩	١٠٣	٦٠	٤٣
قشلاق‌چنابگر (کتاب)	٣٠	١٧٠	٩٠	٨٠
قشلاق حاجیلار	٥	٣٠	١٦	١٤
قشلاق‌خیارلو (خیالی)	٣	١٥	١٠	٥
قشلاق شاوردی	٧٢	٣٩٧	٢١٧	١٨٠
قلعه باشی	١٧	٩٥	٥١	٤٤
قلعه ملك	٣٠	١٥٢	٨٢	٧٠
قلندر	١٩٨	١١٣٤	٥٨٤	٥٥٠
قورشاقلو	٤٢	٢٣٦	١٣٦	١٠٠
کاشان	٨٢	٣٧١	٢٠٥	١٦٦
کرد احمد سفلی	٢٦	١٤٢	٧٦	٦٦
کرداحمدعلیا (قم‌کرداحمد)	١٣	٧١	٣٩	٣٢
کردلر	١٢٨	٦١٧	٣١٧	٣٠٠
کردلقان (کردلان)	٧٣	٣٧٤	١٩٣	١٨١
کرمانو	٨	٤٨	٣١	١٧
کسانق (کاسانا)	١٣٩	٧٣٤	٣٨١	٣٥٣
کقالق (کاغالا)	١٣٣	٦٦٥	٣٣٨	٣٢٧
کلوجه	٣٩	٢٠٣	١١٠	٩٣
کلهر (کولوجه)	٥١	٢٣٤	١١٦	١١٨
کوربلاغ	٩٠	٤٦٤	٢٣٦	٢٢٨
کوسالار	٧٧	٤١٢	٢٢٩	١٨٣

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوسه‌لر	۱۷	۱۱۳	۶۳	۵۰
گاودول	۴۸	۲۸۸	۱۴۵	۱۴۳
گرنگاه	۹۴	۴۶۷	۲۳۰	۲۳۷
گلوجه	۳۹	۲۲۱	۱۱۱	۱۱۰
گمشن‌آباد(گمش‌آوا)	۶۱	۳۰۸	۱۶۴	۱۴۴
گنگل‌آباد	۱۰۳	۵۱۲	۲۶۶	۲۴۶
گوراوان بزرگ	۲۰	۸۱	۴۳	۳۸
گوراوان کوچك	۶	۴۹	۲۷	۲۲
گورج کند(گرجی)	۷۴	۳۷۵	۲۰۷	۱۶۸
گوره درق(گوراده)	۵۸	۳۰۷	۱۵۰	۱۵۷
گونجیك	۱۱۲	۵۵۵	۲۹۶	۲۵۹
مالامالارمحمد رضاکندی	۷۳	۳۴۷	۱۷۹	۱۶۸
مرد کنان	۴۶	۲۳۴	۱۲۱	۱۱۳
مرزعه حاجی‌عابدینی	۹۶	۴۸۲	۲۶۶	۲۱۶
مزرعه مزارع	۸۴	۴۹۱	۲۵۰	۲۴۱
مصطفی‌چایی	۷۲	۳۸۲	۲۰۹	۱۷۳
معدن‌مس‌مزرعه‌مزارع	۲۴	۹۸	۶۶	۳۲
میزان	۱۰۵	۵۲۰	۲۸۸	۲۳۲
ناظم آباد (مستقلی)	۳۳	۱۸۸	۹۹	۸۹
نجفخانلو	۸	۴۱	۱۸	۲۳
نصیرآباد	۵	۱۷	۸	۹
نقاره‌گوبجدید(نقاران)	۵۱	۲۸۷	۱۶۶	۱۲۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نقاره کوبقدیم	۳٤	۱۷۹	۸۹	۹۰
نقدوز (نوروز)	۵۸	۲۵۸	۱۳۹	۱۱۹
نهار	۷۹	٤۱۵	۲۳۱	۱۸٤
وردین	۳۷	۱۹۰	۹٤	۹٦
ونه آباد (وناو)	۸۳	٤۳٤	۲۲۷	۲۰۷
هلان (هولون)	٤٦	۲۵۲	۱۳۹	۱۱۳
یاغ بستلو	۱۵	۲۹۰	٤٤	٤٦
یاور کندی	٦۸	۳٤۹	۱۹۵	۱۵٤
یایجیلو (یایچلی)	۵٦	۲٤۳	۱۲۵	۱۱۸
یخفروزان	۲۱٤	۱۱۳۵	۵٦۵	۵۷۰
ینگجه	۷	۵۰	۱۹	۳۱
یوزباشلو	۷۲	٤۱۳	۲۳۲	۱۸۱
یوزبنده	۲۵	۱٤۰	۷۱	٦۹
یوسفلو (یوسفلی)	۱۸	۸٦	٤۷	۳۹
جمع دهستان اهر	۹۸۷٦	۵۱۲٦٤	۲۷۱۲٦	۲٤۱۳۸
آقاباباسنگ	٦٤	۳۷۰	۲۰۱	۱٦۹
اقبلاغ سفلی	۱۵۰	۷۸۱	۳۹٦	۳۸۵
الچه قشلاق	۷۲	۳٤۲	۱٦٤	۱۷۸
امیرآباد	۵۱	۲۵۹	۱۳۹	۱۲۰
اوزی	۱۰۵	۵۲۳	۲٦۳	۲٦۰
بجوشین	۵۷	۳۲۹	۱٦٦	۱٦۳
بکرآباد (بکو)	۱۰۰	۵۳۰	۲۸۳	۲٤۷

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
بورملك	٤٥	٢٠٨	١١٣	٩٥
بهربيك	٤٨	٢٣٨	١٣٠	١٠٨
بيشك	٥٣	٢٨٩	١٤٧	١٤٢
تازه كند بكرآباد	٥٠	٢٤٧	١٢٦	١٢١
تخمه‌دل	١١٨	٥٨٥	٢٩٨	٢٨٧
جاجان (ججان)	١٣٤	٦٩٨	٣٧٥	٣٢٣
چلناب	٧١	٣٤٢	١٩٠	١٥٢
خوبين ديزج	٥٩	٢٩٤	١٤٨	١٤٦
داشكسن	٧٠	٣٧٣	١٩٢	١٨١
دوريق (دورى)	٨٤	٤٦٧	٢٣٠	٢٣٧
دهليق	٥٣	٢٢٩	٩٨	١٣١
ديزج صفرعلى(ديزه)	٦٩	٣٥٣	١٧١	١٨٢
رستم‌آباد	١٧	٨٣	٤٠	٤٣
روادانق	٧٧	٣٥٠	١٨٥	١٦٥
سارى چمن	٣٩	١٩٩	١١١	٨٨
سرخه‌ديزج	١٠٨	٥٤٩	٢٩٠	٢٥٩
سوبه‌درق	٥٦	٢٤٥	١٢٤	١٢١
سيه كلان	١١٦	٦٠٨	٣٢٢	٢٨٦
صومعه‌دل	١٤٩	٧٠٣	٣٥٧	٣٤٦
علويق (علوى)	١٦٣	٧١٠	٣٣٢	٣٧٨
فرخران	٧١	٣٦٥	١٩٦	١٦٩
قراجه ملك	٣٣	١٥٣	٦١	٩٢

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قیه‌قشلاق	۲۹	۱۳۴	۷۲	۶۲
کاسین	۲۰۲	۱۱۱۷	۵۹۳	۵۲۴
کامبلاش	۳۳	۱۶۸	۹۴	۷۴
کرویق (کروی)	۱۱۳	۶۳۳	۳۱۳	۳۲۰
کلان	۶۰	۲۸۵	۱۴۸	۱۳۷
کهنه‌لو (کهنه‌لی)	۳۹	۲۱۴	۱۰۷	۱۰۷
کیقال	۱۰۳	۵۰۴	۲۶۷	۲۳۷
گشایش (گشش)	۳۳	۱۸۰	۹۴	۸۶
گویجه سلطان	۲۱۵	۱۱۳۲	۵۵۶	۵۷۶
لنبران	۱۸۵	۸۹۶	۴۴۱	۴۵۵
لیلی‌خانه	۲۸	۱۲۹	۷۲	۵۷
لامان	۶۶	۳۴۷	۱۸۶	۱۶۱
مزرعه‌سواره (ظلم‌آباد)	۴۱	۲۱۵	۱۱۷	۹۸
مسقران	۱۶۱	۸۹۲	۴۶۶	۴۲۶
نهریق	۱۱۳	۵۶۰	۳۱۵	۲۴۵
همای سفلی	۵۹	۳۱۸	۱۶۵	۱۵۳
همای علیا	۳۳	۱۷۸	۹۴	۸۴
یاشیل	۵۵	۲۶۴	۱۳۹	۱۲۵
جمع دهستان ازمدل شمالی	۳۸۵۰	۱۹۵۸۸	۱۰۰۸۷	۹۵۰۱
ابخواره (اخارا)	۶۱	۳۰۶	۱۶۶	۱۴۰
اره‌جان	۱۱۰	۵۷۵	۲۹۲	۲۸۳
اشقلو	۶۳	۳۴۲	۱۸۰	۱۶۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
آقابابا (آغ بابا)	۷۷	۳۹۴	۱۹۳	۲۰۱
اقبلاغ علیا	۵۳	۳۳۰	۱۷۰	۱۶۰
الهرد	۶۵	۳۴۵	۱۸۶	۱۵۹
بیرون درق (بزن‌دره)	۴۲	۲۱۰	۱۱۷	۹۳
جای کندی	۱۰۸	۵۵۹	۲۹۱	۲۶۸
چراغلو	۴۸	۲۴۳	۱۳۸	۱۰۵
حماملو	۱۴۴	۶۸۷	۳۷۴	۳۱۳
خلف انصار	۱۱۰	۵۶۲	۳۰۰	۲۶۲
خنسلو	۳۵	۲۰۶	۱۱۰	۹۶
خیرالدین	۶۷	۳۷۵	۲۰۶	۱۶۹
دیزج ملك (دیزج کریستن)	۱۲۷	۶۲۰	۳۳۵	۲۸۵
زغن آباد	۷۹	۴۰۹	۲۱۵	۱۹۴
سامسام	۴۷	۲۳۴	۱۲۰	۱۱۴
سیغندل	۳۰	۱۴۵	۸۰	۶۵
شاه بلاغی بالا	۱۰	۷۰	۴۰	۳۰
شاه بلاغی پائین	۹	۴۶	۲۲	۲۴
شیخملو	۹۸	۴۵۳	۲۳۸	۲۱۵
صیفار	۱۲۱	۵۷۷	۲۹۲	۲۸۵
قره بلاغ	۱۵۸	۷۸۵	۴۱۷	۳۶۸
قره قیه	۳۷	۱۷۷	۹۷	۸۰
کمانج بالا	۸۱	۴۷۳	۲۶۳	۲۱۰
کمانج پائین (گمان)	۷۱	۳۹۶	۲۱۳	۱۸۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوره بلاغ	۱۳	۷۳	۳۹	۳۴
گل‌عنبر	۶۸	۲۹۹	۱۶۲	۱۳۷
لجین	۱۱۳	۵۴۲	۳۰۰	۲۴۲
لله‌لو (لله‌لی)	۱۸۰	۸۷۲	۴۵۶	۴۱۶
مشگنبر	۱۰۲	۵۵۵	۲۹۴	۲۶۱
مشیرآباد	۲۰	۱۲۱	۷۰	۵۱
مهترلو (مهترلی)	۱۷۱	۷۹۸	۴۰۶	۳۹۲
میرزاعلی کندی	۱۰۲	۴۵۸	۲۴۷	۳۱۱
نصرت‌آباد (قره کوزی)	۵۵	۲۵۹	۱۵۱	۱۰۸
نصیرآباد (مصرو)	۷۳	۳۳۷	۱۷۳	۱۶۴
وردین	۸۴	۴۴۳	۲۴۱	۲۰۲
ورزقان	۳۸۲	۱۶۳۷	۸۷۴	۷۶۳
هیبتبگلو	۵۷	۲۹۵	۱۴۹	۱۴۶
جمع دهستان ازمدل جنوبی	۳۲۷۱	۱۶۲۰۸	۸۶۱۷	۷۵۹۱
ارمك	۲۷	۱۳۹	۷۷	۶۲
ازنابخالصه	۹	۴۲	۲۱	۲۱
ازنابسفلی (سعدی‌بیکلو)	۳۲	۱۶۲	۹۱	۷۱
ازنابعلیا	۱۰	۵۷	۳۳	۲۴
ازنان	۸۷	۴۱۸	۲۲۹	۱۸۹
استی‌باغچه	۲۵	۱۳۵	۷۴	۶۱
اقبراز	۶۳	۳۱۵	۱۶۶	۱۴۹
الوچه‌لو	۴	۲۱	۹	۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بریهان	۳۸	۱۸۹	۹۶	۹۳
پیراسملو	۱۸	۱۱٤	٥٤	٦٠
تابستانق (تاوستانه)	٥٤	۲٥۳	۱٤۸	۱۰٥
تنباکولوغ	۲۲	۱۳۱	٦۸	٦۳
توبین	۲۹	۱٤٥	۸۰	٦٥
تین	۳۱	۱٥۹	۹۱	٦۸
چارق‌داشی	۱	۹	٥	٤
جزریك (گرزیك)	۹	٥٥	۳۱	۲٤
خسبك	٥	۳۳	۲۰	۱۳
خوی‌سورق	۲٤	۱۲۲	٦٥	٥۷
ده‌رود (دهری)	۸٤	٤۸٥	۲٦٤	۲۲۱
شیخ‌بهران (شیخ‌مران)	۱٤	۷۰	۳٦	۳٤
عزیزلو (قره‌تپه)	۱۹	٦۷	٤۱	۲٦
عسگرلو (شکرلو)	۱٤	۹۱	٥۳	۳۸
فرخ‌لو (قزقاچی)	٤	۱۹	۱٤	٥
قره‌قیه (شکرلو)	۷٤	۳۸۹	۲۰۹	۱۸۰
قلعه کندی	۲۱	۱۰۰	٥۷	٤۳
قیه‌دیبی	۱۰	۷۰	۳۷	۳۳
کلی‌سفلی (رباخکالی)	٥۰	۲٦۸	۱٤۷	۱۲۱
کلی‌قوزی (باش‌کلی)	۹۳	٥۰۳	۲۷٦	۲۲۷
کویر	۳۲	۱۷٥	۹۷	۷۸
کهران (کوران)	۱۰٤	٤۸۳	۲٥٦	۲۲۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گاوزاله (گوزالان)	۱۱۳	۵٦٤	۳۰۲	۲٦۲
گوار	٦۲	۳۰٦	۱۵۹	۱٤۷
گوروندرق (گروندلو)	۳۳	۱۷۹	۱۰۳	۷٦
مردلو (قره‌قیه)	۳۰	۱۵۹	۸۵	۷٤
ملک‌درق (ملک‌دره)	۳۵	۱۷۱	۹۱	۸۰
ملالو	۳۰	۱٤٤	۷۳	۷۱
ممیشلی (قره‌قیه)	۲۹	۱۵٦	۸۰	۷٦
میدانلار (میدان)	۵۷	۲۸۲	۱٤۷	۱۳۵
وروجنی سفلی وعلیا	۵۳	۲٦٦	۱۳۷	۱۲۸
ولی‌بیگلو	۲۱	۱۲۰	٦۲	۵۸
هوای‌درق (هوای‌دره)	٦	۳۰	۱۷	۱۳
هوین	۱۰	۵۷	۳۰	۲۷
یدی‌بلاغ	۷	۵٤	۲۷	۲۷
جمع دهستان چهاردانگه	۱٤۸۸	۷۷۰۷	٤۱۵۹	۳۵٤۸
اجاق کندی	۵۵	۲۸۵	۱۵٤	۱۳۱
آریالیق	٦۵	۳۵۷	۱۹۱	۱٦٦
اردشیر	۱۵	۹۲	٤٤	٤۸
آرزین	٤۳	۲۱۰	۱۰۷	۱۰۳
آقامیرلو	۲۰	۱۰٦	۵۲	۵٤
اوزی	۲٦	۱۵۷	۷۵	۸۲
بالوجه	٤۷	۲۵۵	۱٤٦	۱۰۹
بند دیق	۳۳	۱۸٤	۱۰۳	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بنه‌کاغی	۲۱	۱۴۱	۷۷	٦٤
بیرزین (برازین)	٦٤	۳۱۳	۱۷۲	۱٤۱
تیروان	۲۳	۱۱۱	٥۹	٥۲
حسن بیگلو (حسن بیگلی)	۷۰	۳۳٦	۱٦٤	۱۷۲
حضی کندی	۱۲	٥۸	۲٦	۳۲
خربل	۷۰	۳۸۲	۲۱٥	۱٦۷
خوینرود	٤٥	۲۰٤	۹۷	۱۰۷
خوینری	۱٦	۸۷	۳٥	٥۲
دایمق	۷۲	۳۳۳	۱۸۰	۱٥۳
دمیرچی (حدادان)	٤۲	۱۹۷	۹۹	۹۸
دونگاه	۱۱	۸۲	٥۰	۳۲
دیش گدیک	۳۸	۱۹٥	۱۰٤	۹۱
دین‌آور (دینه‌ور)	٤۳	۲۱۲	۱۰٥	۱۰۷
رشدین	۱۷	۷۹	٤۱	۳۸
زرین‌رکاب (آبت کندی)	٥٤	۲۸۲	۱٤۸	۱۳٤
سنگین	٥۲	۳۰۲	۱٥٤	۱٤۸
سوره‌جر (سراجو)	۱۱٤	٥٥۲	۲۸۲	۲٤۰
سیدآباد	۱۱	۷۲	٤۰	۳۲
شبخانه	٤۹	۲۳۳	۱۱۹	۱۱٤
شیخ احمد	٤٤	۲٥۳	۱۳۹	۱۱٤
طوق	۲۰	۹٥	٤۹	٤٦
طویل (طبیل)	۳۷	۱۹٦	۱۰۲	۹٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قودلار	۱۸	۸۰	۴۹	۳۱
کلم	۲۳	۱۲۱	٦٤	۵۷
کلانور	۵۳	۳۳٤	۱۷٤	۱٦۰
کوکلور	۱۳	۸۵	۵۱	۳٤
لاله‌بجان	۵٦	۳۲۹	۱۷۳	۱۵٦
موسی کندی	۲۱	۱۰۰	۵٦	٤٤
نبی‌جان	۲۷	۱۷۰	۹۷	۷۳
یارالوجه	۲۸	۱٤۸	۷۵	۷۳
جمع دهستان حسن‌آباد	۱٤٦۸	۷٦۹۸	٤۰٦۸	۳٦۳۰
احمدآباد (احمدآوا)	۵۳	۲۱۵	۱۱٤	۱۰۱
استمال	۱۷۵	۸۵٤	٤۵٤	٤۰۰
اشتبین	۲۱۹	۹۰۸	٤۸۷	٤۲۱
اعقان (آقان)	۱۵	۷۵	۳۹	۳٦
انق (انیق)	۳۰	۱۷۰	۹۸	۷۲
انویق (انوی)	۹۲	۵۱٤	۲۵٤	۲٦۰
اوان	۷۱	۳۱٤	۱٦۳	۱۵۱
اوانسر	۷٤	٤۰۱	۲۱۵	۱۸٦
اورگنین (درگنتن)	۱٦	۸۵	٤۰	٤۵
اوروج	۲۰	۱۱۱	۵۵	۵٦
اولی (اوغلی)	۱٤۱	٦۱۰	۳۳۳	۲۷۷
اویلق (اولی)	۲۱۹	۱۰٤۳	۵۵۰	٤۹۳
بیشک (بش‌اشک)	۷۵	۳۸٤	۲۰۰	۱۸٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پیر بلاغی	۲٤	۱۲۹	٦۳	٦٦
تازه کند	۱۳	۸۰	۳۸	٤۲
جعفر آباد (مجر)	۱۳	۷۸	٥۱	۲۷
جوشین	۱۸۹	۸٦٥	٤٤٥	٤۲۰
چای کندی	۲۷	۱۱٦	٦٥	٥۱
چسمقان (چشمقان)	۱٥	۸٦	٤۸	۳۸
خاکوانق (خانقانا)	۲۷	۱٤۸	۸٤	٦٤
خانگاه (خاناکو)	٤۱	۱٥۳	۸۲	۷۱
خایلار	۷	۲۹	۱٤	۱٥
دانارا (دانارنی)	٦۱	۲۷۰	۱٤۰	۱۳۰
دوست آشنا	۱۹	۱۱۹	٦۱	٥۸
سهرون	۹۲	٤٥۹	۲٤۳	۲۱٦
شاهسون	۱٤	٥۹	۳۰	۲۹
شرف آباد (شرفه)	۱۱۸	٦۲۹	۳۳۱	۲۹۸
ضیا کندی (ضیا گاه)	۱٥	۸۳	٤۳	٤۰
علیار	۱۷٦	۱۰۱۳	٥۳٤	٤۷۹
علی بلاغی	٤۱	۱۸۲	۱۰۱	۸۱
قاشوقچی	٦	۲٦	۱٤	۱۲
قرهچی احمد آباد	٤۳	۲۱٤	۱۱۱	۱۰۳
قرهچیمعدن (قورچیمعدن)	۱۰	٥۳	۲۹	۲٤
قره درق (قرهدره)	۱٦	۱۰۲	٥۲	٥۰
قرهقیه	۱۷	۹٤	٤۷	٤۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قشلاق	۱٤	۷٤	٤۰	۳٤
قشلاق نواکی	۸	٤۸	۲۹	۱۹
قلی کندی	۱۹	۹۰	٤۱	٤۹
قولان	۷۰	۳٤٥	۱۹٥	۱٥۰
کالیجان (کال‌جهان)	٤۳	۲٤۳	۱٤۱	۱۰۲
کبود گنبد (گن‌کمد)	۱۹	۱۰٥	٥٥	٥۰
کرنگان (کرینگان)	۹۸	٤٥۱	۲۳۳	۲۱۸
کلقای (کلسفی)	۲۸	۱۲٦	۷۸	٦٦
کلو	۷۳	۳٦٤	۱۷٦	۱۷۰
کلاله (کالا)	٦۱	۲۷٤	۱٤۹	۱۲٥
کوانیق (کواند)	۳۰	۱۳۱	٦۹	٦۲
گزان‌بند (گیزامه)	٥۸	۳۳۳	۱٦۹	۱٦٤
گلو (گال)	۱۰۱	٥۹۱	۳۰۸	۲۸۳
مردانقم (مردان‌غام)	۱٥۲	٦۷٤	۳۳٤	۳٤۰
مزرعه شادی	۱۱۲	٥٦۷	۲۸٦	۲۸۱
مسن	۹۱	٤۲۷	۲۳٦	۱۹۱
ملک‌طالش	۷۲	۳٥۳	۱۹۰	۱٦۳
نمنق	۷۰	۳۱٦	۱٤٤	۱۷۲
ونستان	۱۰۱	٤۳۹	۲۳٦	۲۰۳
هوشن (هوش زیبا)	۱۷	۷۱	۳۷	۳٤
هیزه‌جان	٦٥	۳٤۸	۱۹۷	۱٥۱
جمع دهستان دیزمارشرقی	۳٤۸٦	۱۷۰٤۱	۸۹۷۱	۸۰۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
آتش خسرو	٤	١٧	١٢	٥
ارزیل	١٤٤	٦٦٩	٣٣٦	٣٣٣
استرقان	٧٠	٣٥٦	١٨٦	١٧٠
الوان	٤٤	٢٠٦	١٠٤	١٠٢
اندرگان	٣٧٠	١٦٣٤	٨٥٨	٧٧٦
اویندیق (اونندین)	١١٦	٥٣١	٢٧٣	٢٥٨
ایری سفلی	١٤٢	٦٦٢	٣٤٠	٣٢٢
ایری علیا	٢١٣	١٠٦٧	٥٤٠	٥٢٧
بیورق	٦١	٢٨٨	١٤٥	١٤٣
پهناور	٣٣	١٤٥	٨١	٦٤
تلگری	٢٣	١٣٣	٧٥	٥٨
جوانان گروه	٣٣	١٥١	٧٦	٧٥
حاجلار کوزی	١١	٦٩	٣٤	٣٥
خانه‌سر	١١٥	٦١٨	٣٢٨	٢٩٠
خروانق	٢٤٩	١٢٩٨	٦٨٦	٦١١
داراندا‌شن	٩٠	٤٣٨	٢٣٨	٢٠٠
دستجرد	٩٩	٤٨٧	٢٤٦	٢٤١
دوزال	٧٦	٣٨٣	٢١٥	١٦٨
سرکش	١٤٨	٦٦١	٣٣٨	٣٢٣
سقای	١٣١	٦٨٧	٣٦٣	٣٢٤
سونده‌خور	٤٢	١٨٩	٩٦	٩٣
سیوان	١٤	٨٥	٤٨	٣٧

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیه‌رود	۱۷۹	۸۵۷	٤٤۲	٤۱۵
طرزم	۱۵٦	۸٤٤	٤۵٤	۳۹۰
عظیم آباد	٦۲	٤۳٤	۲۳۰	۲۰٤
قشلاق حاجیلارکوزی	۸	۳۳	۱۷	۱٦
قشلاق‌هوی (علی آباد)	۷	۳٤	۱۹	۱۵
قشلاق یرزآباد	٤	۱٤	۹	۵
کردشت	۸۵	٤۰٤	۲۰٦	۱۹۸
کمارسفلی	۱٤٦	۷۲۲	۳۵۹	۳٦۳
کمار علیا	۱۷۹	۹۱٤	٤٦۰	٤۵٤
کوجان	۷٤	۳٦۸	۱۷۷	۱۹۱
کوره کش	٤۷	۲٤۳	۱۲۵	۱۱۸
کوه کمر	۲۱٤	۱۲۱۳	٦٤۵	۵٦۸
گل آخور	۱۲۹	۵٤۹	۲۷۸	۲۷۱
گوراند	۹۲	٤۱۷	۲۰۷	۲۱۰
لیلاب	۱٦۳	۷۱۱	۳۹۲	۳۱۹
مرزآباد	۷۹	۳٦٤	۲۰۵	۱۵۹
مشاهیر	۲۱	۱۳۸	٦۹	٦۹
ملک قضات	۵۳	۲٤٦	۱۲۱	۱۲۵
میانه کرداحمد	۱٦	۸۱	٤٤	۳۷
میلق	۳۸	۱٦۸	۸۹	۷۹
میوه رود	٤٦	۲۳۸	۱۲٦	۱۱۲
نجاق	۵۰	۲۰٤	۱۰۷	۹۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نظر کندی	۳۱	۱٤۰	۷٤	٦٦
نگارستان	۱۱٦	۵۹۳	۳۲۰	۲۷۳
نوجه‌مهر	۷۵	۳۵۲	۱۸٦	۱٦٦
نوردوز	۵	۱۹	۱۰	۹
ودیق	۲۸	۱٤۲	۷٦	٦٦
ورزقان	۸۷	٤۰٤	۲۰۷	۱۹۷
هاوستین	۱٤٤	٦۸۱	۳۵۲	۳۲۹
هریس	۷۷	۳۷٤	۱۸۹	۱۸۵
هلق (هله)	۱٦۸	۸۷۱	٤۱۷	٤۵٤
مزرعه گل	۳٤	۲۰۰	۸۹	۱۱۱
ینگچه	۹۳	۵۱۸	۲٦۰	۲۵۸
جمع دهستان دیزمار غربی	٤۹۳٤	۲٤۲٦۳	۱۲۵۷۹	۱۱٦۸٤
آس جدید	۲٦	۱٤۹	۷٤	۷۵
آس قدیم	۵۵	۲۸۰	۱۳۷	۱٤۳
آق درق سفلی	۳۲	۱۷۲	۸۸	۸٤
اقبلاغ	۳۲	۱۸۳	۹۵	۸۸
اقچه قشلاق جدید	٦۹	۳۵۰	۱۸۸	۱٦۲
اقچه قشلاق قدیم	۳۰	۱۵۸	۸۵	۷۳
اقدرق قدیم علیا	٤٤	۲۰۸	۱۰٦	۱۰۲
امپار	٤۳	۲۲۹	۱۲۵	۱۰٤
انبستیق	٦۲	۳۲۹	۱۷۳	۱۵٦
اوجاخلار	۱	۱۱	٦	۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ایدین‌لو	۷۸	۳۷۸	۲۰۷	۱۷۱
باعث آقا	۲۶	۱۴۹	۷۸	۷۱
تازه کند نصیر آباد	۱۵	۹۴	۴۹	۴۵
جانی بیگو	۳۴	۱۷۵	۸۴	۹۱
چیناب	۱۲۳	۵۹۲	۳۲۰	۲۷۲
خوریدرق	۸۱	۴۱۷	۲۱۶	۲۰۱
خداقلی	۷	۳۴	۱۸	۱۶
خلیفه‌لو	۷۰	۳۱۸	۲۰۸	۱۷۳
زردخانه	۷۹	۴۱۹	۲۴۷	۱۷۲
ساری بلاغ	۲۰	۱۰۰	۵۲	۴۸
سلطان آباد	۱۹	۱۰۸	۶۱	۴۷
سیدبنه	۱۵	۸۰	۴۳	۳۷
سینگر آب	۳۰	۱۸۴	۹۹	۸۵
شکرعلی کندی	۱۷	۱۱۷	۶۳	۵۴
قاوشوق	۲۶	۱۵۱	۸۶	۶۵
قره گوزلو	۲۰	۱۲۱	۶۶	۵۵
قلعه جیق	۴۶	۲۳۵	۱۲۷	۱۰۸
قوری گل	۲۷	۱۲۳	۶۵	۵۸
کردلر	۶۳	۳۰۷	۱۶۶	۱۴۱
کنده	۶۶	۳۵۵	۱۸۸	۱۶۷
کوجان	۱۲	۵۸	۳۵	۲۳
گرده سنگ	۵۹	۲۹۳	۱۵۶	۱۳۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
لروم	٨٦	٤٦٦	٢٥٣	٢١٣
لقمان	٢٧	١٥٣	٧٤	٧٩
لیملو	٨٤	٤١٨	٢٢٥	١٩٣
مجیدآباد	٧٤	٤١٩	٢٢٠	١٩٩
مرادلو	٥١	٢٣٧	١٢٤	١١٣
مزرعه جهانگیر	٣٨	١٨٩	١٠٨	٨١
معروفان	٤	٢٣	١٠	١٣
نصیرآباد	٤١	٢٢٧	١١٩	١٠٨
هلیلو	٨٠	٤٧٨	٢٦٣	٢١٥
هناباد سفلی	٥٥	٢٩٨	١٥٤	١٤٤
هناباد علیا	٤٦	٢٤٨	١٢٩	١١٩
جمع دهستان دیگله	١٩١٣	١٠٠٩٦	٥٣٩٠	٤٧٠٦
آوان	٥٦	٢٩٨	١٥٥	١٤٣
اینجار	١٦٩	٧٤٩	٣٨٦	٣٦٣
بزنیان	١٩	٩٤	٤٥	٤٩
تازه کند	٣٤	١٨٦	٩٨	٨٨
تقی کندی	١٤	٦١	٢٧	٣٤
جبان	٣٧	١٩٠	١٠٥	٨٥
جعفرآباد	١٥	٧٥	٣٨	٣٧
چرمداش	١٢	٧٠	٣٩	٣١
شلوری	١٠	٥٢	٢٣	٢٩
شیلوند	٤	٢٥	١٨	٧

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
صوفی	۲	۱۵	۹	٦
قره‌تیکان	۳۲	۱۷٤	۸۰	۹٤
قره‌درویش	۳۸	۱۷۹	۹٦	۸۳
گر گسر	۱۵	۸٦	٤۰	٤٦
محمدآباد	۲۲	۱٦٤	۸۷	۷۷
منجابجدید	۲۹	۱٤۸	۷٤	۷٤
منجابقدیم	۷۱	۳۱۲	۱٦۲	۱۵۰
نقدی	۱۸	۹۰	۵۱	۳۹
نیق	۱۲٤	۷۰۳	۳۸۱	۳۲۲
ویق	۲۲	۱۰٤	٦۱	٤۳
هوای	۹۱	٤۷۲	۲٤٤	۲۲۸
هوراند	۲۸۲	۱۲۷۲	٦۵٤	٦۱۸
جمع دهستان دودانگه	۱۱۱٦	۵۵۱۹	۲۷۸۳	۲٦٤٦
اسیران	۱۵	۸٤	٤۷	۳۷
اشرف	۱٦	٦٦	۳۷	۲۹
آقاکیشی‌لو	۷	۳۹	۲٤	۱۵
آوارسین	۷۹	٤۵۱	۲۲٦	۲۲۵
آوانلو	۱۰	۵۱	۲۳	۲۸
اوغاش	۱۳	۷٤	٤۱	۳۳
بابایلو	٤۰	۲٤٤	۱۲۷	۱۱۷
بایدیق	٤۲	۱۸۳	۹۷	۸٦
بشاب	۹۰	٤۲۳	۲۱۱	۲۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پیرهادیان	۳۰	۱۵۸	۷۰	۸۸
چناقچه	۱٤	۸۹	٤۲	٤۷
خانگاه کندی	۲۰	۱۰۳	۵۳	۵۰
خمارلو	۱۳۱	۵۵٦	۲۸٦	۲۷۰
دایان	۸	۳۸	۱۸	۲۰
ددلو	۱٤	۸٤	٤۷	۳۷
دگی درق	۱٤	۸۹	٤۸	٤۱
زرنق	۵۹	۲۷۲	۱۳۷	۱۳۵
زنبلان	۹۰	٤٤۵	۲۳۱	۲۱٤
سرخه کمران	۱۳	٦۹	۳٤	۳۵
سقه‌سای	٤۰	۱۹۱	۹۹	۹۲
سقین	۳۵	۱۹۱	۱۰۸	۸۳
سولی‌پیر	۱٤	۷۸	٤۱	۳۷
شاه‌حیدر	۱۷	۱۰۵	۵۹	٤٦
شرمیق	۲۳	۱۱۷	۵٦	٦۱
صفرلو	٦۲	۳۲۱	۱۷۲	۱٤۹
طین	۲۷	۱٦۳	۸۵	۷۸
عمارت	۲۵	۱۳۵	٦٤	۷۱
قاسمکندی	۱۸	۱۰۰	٦۰	٤۰
قره گونی	۱۷	۱۱۳	٦۰	۵۳
قلعه‌لو	۱۷	۱۲۱	٦۷	۵٤
قلملو	۱۵	۸۹	۵۰	۳۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کابل‌آباد	۲۲	۸۷	۵۰	۳۷
کارگران	۲۲	۱۲۳	۶۱	۶۲
کرشان	٤٦	۲۳٦	۱۱۷	۱۱۹
گاوآهن	٥۱	۲٦٤	۱۲۲	۱٤۲
لته‌جان	٤۷	۲٦٥	۱٤۲	۱۲۳
لمهونی	۲۲	۱۱۸	٦۱	٥۷
لاریجان سفلی	٤۲	۲۰۲	۹۸	۱۰٤
لاریجان علیا	۲۹	۱۳۱	٦۷	٦٤
لالان‌سفلی	۲۲	۹۱	٥۲	۳۹
لالان‌علیا	۱٥	۹۳	٥۱	٤۲
مشهدی حسن‌لو	۲۱	۱۲۸	٦۰	٦۸
همدان	۳۷	۱۸٦	۱۰۰	۸٦
همدملو	۱٥	۸۹	٤۳	٤٦
همنشین	۲۲	۱۱٦	٦۰	٥٦
هوچ سفلی	۱۷	۱۰۰	٥٦	٤٤
هوچ علیا	۷	٤۸	۲۳	۲٥
جمع دهستان کیوان	۱٤٥۲	۷٥۱۹	۳۸۸۳	۳٦۳٦
ارمنیان	٤۳	۲۳۲	۱۱٥	۱۱۷
اسبه قلیان	۲۹	۱٦۹	۹۹	۷۰
اوزی	٦۲	۲۸۳	۱٥۱	۱۳۲
باغلار	۱۲	٦۱	۳۹	۲۲
بالاسنگ	۱۷	۸٤	٤۰	٤٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
برنه‌دل	٤	٢٥	١٤	١١
پیر کندی	١٢	٦٧	٣٩	٢٨
پیغان	١١٦	٥٠٦	٢٦٣	٢٤٣
جغناب سفلی	٣٧	٢٠١	١١٠	٩١
جغناب‌علیا	٢٣	١١٥	٥٨	٥٧
حیران سفلی	١٣	٧٨	٥٠	٢٨
حیران‌علیا	٣٩	٢٢٨	١١٢	١٠٦
خانه خسرو	٣٢	١٦٣	٨٥	٧٨
دومریق	٦٤	٣٤٣	١٨٧	١٥٦
زاویه	٤٠	٢٠٠	٩٨	١٠٢
زودقوان	٢٨	١٥١	٨٢	٦٩
زیریان	٤٠	١٨١	٩٥	٨٦
سیران	١٣	٨٥	٥٢	٣٣
شجاع آباد	١٧	٩٧	٥٤	٤٣
شیروان‌کاغی	١٣	٨١	٤٢	٣٩
صومعه	١١	٧١	٣٩	٣٢
علیق‌لی	١٠	٥٦	٣١	٢٥
قبادلو	٤٤	١٩٢	١٠٢	٩٠
قشلاق کولاخ	١٦	٨٠	٤٢	٣٨
کبودان	٢٨	١٥٣	٧٧	٧٦
کبیرآباد	١٤	٧٧	٤٦	٣١
کچی‌کاخی	١٠	٥٧	٣١	٢٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کردلر	۵۲	۲۵۸	۱۳۶	۱۲۲
کفش‌اوی	۲۵	۱۵۱	۸۱	۷۰
کلکین	۶	۴۵	۱۹	۲۶
کلیبر	۶۳۱	۲۹۰۵	۱۵۲۷	۱۳۷۸
کلی‌علیا	۶۷	۳۴۸	۱۸۷	۱۶۱
کلاله	۸۱	۳۷۸	۱۹۳	۱۸۵
کهلیك	۱۴	۷۰	۳۹	۳۱
کیارق	۲۱	۹۴	۴۷	۴۷
کلدرق	۳۴	۱۹۰	۹۲	۹۸
گلدور	۵۲	۲۴۰	۱۲۸	۱۱۲
گلوسنك	۴۸	۲۴۵	۱۱۸	۱۲۷
مقاس جدید	۲۵	۱۳۰	۷۱	۵۹
مقاس قدیم	۱۰	۶۱	۳۰	۳۱
ملوك	۴۸	۲۶۱	۱۴۱	۱۲۰
مولود	۱۴	۹۱	۴۱	۵۰
نوجه‌ده شجاعی	۸۰	۳۳۴	۱۵۸	۱۷۶
نوجه‌ده کریمی	۱۱۷	۶۴۸	۳۴۱	۳۰۷
ولندران	۳۱	۱۸۷	۹۹	۸۸
هورمغان سفلی	۱۳	۹۵	۵۵	۴۰
هورمغان‌علیا	۱۳	۶۶	۳۲	۳۴
یوزبند	۱۴۱	۷۴۰	۳۹۰	۳۵۰
جمع دهستان کلیبر	۲۳۱۰	۱۱۵۷۳	۶۰۸۸	۵۴۸۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
آبش احمد	۲۳۹	۱۲۵۴	۶۶۰	۵۹۴
اتی کندی	۱۳۴	۶۸۵	۳۳۹	۳۴۶
اجاق کندی	۵۷	۲۷۹	۱۲۷	۱۵۲
اجودان آباد	۴۷	۲۷۹	۱۵۳	۱۲۶
احمدلوی سفلی	۷	۴۰	۲۱	۱۹
احمدلوی علیا	۲۵	۱۳۹	۷۳	۶۶
اسبهار سفلی	۹	۵۳	۲۳	۳۰
اسبهار علیا	۳۸	۱۹۶	۱۰۷	۸۹
اسکلی	۵	۲۸	۱۷	۱۱
اسکلی	۹	۶۲	۳۵	۲۷
اصلان بکلو	۲۳	۱۱۷	۵۹	۵۸
اغدام	۶	۳۱	۱۹	۱۲
افچی	۱۱	۵۹	۳۳	۲۶
اقامیرلو	۳۹	۲۱۷	۱۱۸	۹۹
امیر آباد	۴۸	۲۷۹	۱۳۲	۱۴۷
اولی قشلاق	۴۲	۲۲۷	۱۲۸	۹۹
ایچی درق	۲۹	۱۴۹	۷۴	۷۵
ایدر سفلی	۵۳	۳۴۵	۱۸۱	۱۶۴
ایده‌چی	۴۶	۲۴۵	۱۲۵	۱۲۰
ایری بوجاق	۴۶	۳۰۶	۱۷۲	۱۳۴
ایللی	۲	۷	۴	۳
باش کلان	۳	۱۸	۷	۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
باقراوغلی	۳۶	۲۰۸	۱۱۲	۹۶
بالان	۵۱	۲۹۸	۱۴۹	۱۴۹
بسطاملو	۸۰	۴۵۱	۲۲۲	۲۲۹
بغشلو	۱۲	۶۲	۳۰	۳۲
مورچه سفلی	۴۲	۲۹۲	۱۵۴	۱۳۸
بورچه‌علیا	۳۱	۱۶۷	۸۷	۸۰
بیل	۵	۲۸	۱۵	۱۳
پالطلو	۱۷	۸۸	۳۹	۴۹
پاللی‌بکلو	۲۷	۱۳۲	۷۵	۵۷
پرتلو	۱۶	۱۱۰	۵۴	۵۶
پرویزخانلو	۳۵	۱۸۵	۱۰۰	۸۵
پره‌ماشان	۱۱۲	۵۷۳	۲۹۳	۲۸۰
پهلوهرشبی	۷۴	۳۶۹	۱۹۷	۱۷۲
پیراحمدلو	۱۰	۵۱	۲۵	۲۶
پیرلو	۵۸	۳۵۰	۱۹۳	۱۵۷
پیره‌لر	۲۶	۱۳۸	۷۷	۶۱
پیره‌یوسفان سفلی	۲۰	۱۱۵	۶۵	۵۰
پیره‌یوسفان‌علیا	۲۶	۱۸۰	۱۰۳	۷۷
پیری گوری	۱۴	۶۷	۳۲	۳۵
تازه کند	۱۲	۶۴	۳۳	۳۱
جعفرقلی اوشاغی	۵۲	۲۵۵	۱۳۶	۱۱۹
جاتقیه	۱۳	۸۶	۴۳	۴۳
جای کندی	۸۲	۴۳۲	۲۲۱	۲۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خناق	۳۶	۱۷۴	۸۹	۸۵
چیره‌قیه	٤	۲۰	۱۳	۷
حدادن	۱۰۳	۵۷۸	۲۸٦	۲۹۲
حسبان	۱۱	۵۵	۲۷	۲۸
حسرتان	۸۹	٤٦۰	۲٤۱	۲۱۹
حسنعلی کدخدالو	٤۳	۲۱۳	۱۱۲	۱۰۱
حسین‌علی بگلو	۲۷	۱٦۹	۹٤	۷۵
خالان	۱۲۵	٦۳٦	۳٤٤	۲۹۲
خانباغی	۵۸	۲۷۱	۱۵۷	۱۱٤
خانقاه اوجاق	٤۱	۲۵۸	۱۲۵	۱۳۳
خانقاه قلاهی	۲۳	۱۱٦	۵۸	۵۸
خانکندی	۲۹	۱۵۸	۸۰	۷۸
خانکندی	۳۵	۱۸٤	۱۰۱	۸۳
خلف بیگلو	۷۳	٤۱۲	۲۲۸	۱۸٤
خوبیارلو	۱۵	۷۸	٤٤	۳٤
داش‌قیه‌باشی	۲۰	۱۲۰	٦٤	۵٦
داودان	۳۳	۱۸۵	۸۸	۹۷
داودلو	٤٤	۲۱۹	۱۱٤	۱۰۵
درمیشانلو	٦٤	۳٦۰	۱۷۵	۱۸۵
دلیکیارقان	۲۸	۱۷۲	۱۰۲	۷۰
دولان	۳۱	۱٦۰	۸۷	۷۳
دیل‌بیلمن	٦۹	۳۷۹	۱۹۵	۱۸٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
رستمکندی	۱۱	۶۳	۳۶	۲۷
زربیل	۴۰	۲۲۸	۱۱۷	۱۱۱
زیارلو	۱۱	۸۲	۴۸	۳۴
ساری بیگلو	۳۵	۲۰۳	۱۰۰	۱۰۳
ساری یاتاق	۹	۵۹	۳۲	۲۷
سراجو	۲۴	۱۲۱	۶۲	۵۹
سراملو	۳۹	۲۰۷	۱۰۹	۹۸
سردارآباد	۴۰	۲۰۶	۱۱۳	۹۳
سیدلرسفلی	۵۳	۲۴۴	۱۲۹	۱۱۵
سیدلرعلیا	۳۲	۱۴۹	۷۶	۷۳
سیرك	۱۷	۸۱	۴۳	۳۸
شاملو	۴۹	۳۳۳	۱۶۰	۱۷۳
شاه‌بداغلو	۲۴	۱۴۱	۷۱	۷۰
شاه‌ولی	۱۷	۹۹	۵۳	۴۶
شاه‌یوردی	۱	۲	۲	۰
شجاع‌خانلو	۲۷	۱۵۱	۸۴	۶۷
شرفه	۵۵	۲۶۴	۱۴۷	۱۱۷
شیخلان	۳۹	۲۰۱	۹۸	۱۰۳
شیخملو	۱۵	۸۹	۴۴	۴۵
صفی‌خانلو	۶۴	۳۳۲	۱۷۸	۱۵۴
صلاح پیه‌سی	۱۹	۹۰	۴۸	۴۲
عبدالرزاق	۶۳	۳۳۵	۱۷۹	۱۵۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عرب‌شاه‌خان	۱۰۹	۵۹۰	۳۲۰	۲۷۰
عربشاه‌درق	۳۳	۱۶۵	۹۰	۷۵
عزیز بیگلو	۵	۳۱	۱۶	۱۵
عطالو	۲۵	۱۳۸	۷۵	۶۳
علولوعلیا	۵۱	۲۴۶	۱۴۲	۱۲۲
علویرای‌دوشاغی	۵۵	۳۳۹	۱۷۰	۱۶۹
علیشاری	۱۲	۵۱	۲۱	۳۰
علی‌خانلو	۲۱	۱۴۲	۷۷	۶۵
عمران‌آباد	۷	۳۷	۱۷	۲۰
عنابلو	۳۳	۱۸۸	۹۵	۹۳
غران‌چایکندی	۱۲	۷۴	۳۴	۴۰
غمش‌عونی	۱	۴	۲	۲
فتحعلی سلطانلو	۴۱	۲۱۶	۱۱۵	۱۰۱
فرهادلو	۳۱	۱۹۶	۱۰۵	۹۱
قارلوجه	۶۸	۴۰۹	۲۲۱	۱۸۸
قانلو	۱۵	۷۵	۴۱	۳۴
قره‌آغاج	۶	۳۲	۱۶	۱۶
قره‌باجانلو	۲۸	۱۳۷	۶۵	۷۲
قره‌خانلو	۴۷	۲۵۰	۱۲۵	۱۲۵
قره‌داقلو	۵۶	۲۹۲	۱۲۰	۱۵۳
قره‌قاباق سفلی	۴۲	۲۱۷	۲۵۶	۹۷
قرقابان‌علیا	۳۹	۲۱۷	۱۱۷	۱۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزل‌یول	۵۹	۳۱۷	۱۵۵	۱۶۲
قشلاق خلفبیگلو	۲۲	۱۹۲	۱۱۳	۷۹
قشلاق‌علی‌یارلو	۴۲	۲۲۹	۱۱۸	۱۱۱
قشلاق نجف	۳۹	۱۸۲	۱۰۵	۷۷
قلعه کندی	۸۰	۳۶۰	۱۷۶	۱۸۴
قلیانساز	۱۶	۸۴	۵۰	۳۴
قلی‌بگلو	۵۷	۲۸۱	۱۵۲	۱۲۹
قورتلوجه‌سلفی	۳۸	۱۸۹	۱۰۹	۸۰
قورتلوجه‌علیا	۳۷	۲۱۲	۱۱۶	۹۶
قوشابلاغ	۴۶	۲۱۰	۱۱۳	۹۷
قوشچی	۳۲	۱۶۵	۸۳	۸۲
قوشچی‌بایرام‌خواجه	۴۱	۲۳۸	۱۱۵	۱۲۳
قوش‌قیه‌سی	۴۵	۲۶۶	۱۴۵	۱۲۱
قوطورلو	۲۵	۱۲۸	۶۲	۶۶
قویطول	۱۴	۱۰۰	۴۴	۵۶
قیه‌باشی	۱۵۱	۷۴۸	۳۸۳	۳۶۵
کاغلو گوزلو	۳۲	۱۸۹	۹۰	۹۹
کدخدالو	۴۱	۲۲۹	۱۱۸	۱۱۱
کلان	۵۰	۲۸۷	۱۴۹	۱۳۸
کلانتر	۹۱	۴۶۳	۲۳۷	۲۲۶
کمان	۲۷	۱۶۳	۸۱	۸۲
کمسالار	۱۹	۱۲۶	۶۰	۶۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کیقباد	٤٩	٢٨٢	١٥٢	١٣٠
کدایلو	٤٣	٢٤٤	١٣٤	١١٠
گدوکلو	١٦	٨٧	٣٧	٥٠
گردەزایلی	٤٠	٢١٥	١١٧	٩٨
گوزللی	٣٧	٢٦١	١٤٣	١١٨
گون گورمز	٧٠	٣٧٠	١٩١	١٧٩
گوی‌اغاج	٣١	١٦٥	٨٣	٨٢
للەلو	١٧	٩٠	٥١	٣٩
لمەدرق‌ساری‌درق	٢٧	١٢٠	٦٨	٥٢
لاریجان	١٠٦	٥٠٦	٢٦٢	٢٤٤
متعلق	٦٠	٢٩١	١٤٩	١٤٢
محبعلی‌لو	١١	٦٥	٢٩	٣٦
محمدان	٢٠	١٢٧	٧١	٥٦
محمدحسن‌لو	١٢	٦٥	٣٢	٣٣
محمدصلاحلو	٣٨	١٥٢	٨٤	٦٨
محمدلو	٤	٢٧	١٥	١٢
محمودآباد	٨٣	٣٩٩	٢٢٧	١٧٢
محمودعلیلو	٧	٥٣	٢٨	٢٥
مزرعه	١٥	٦٨	٣٢	٣٦
مزرعه بورچه	٣٩	٢١٢	١٠٨	١٠٤
مزرعه شاملو	١١	٧٣	٣٢	٤١
ملالو	٦	٣٦	٢١	١٥

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مولان	۱۷۹	۹۲۱	۴۶۱	۴۶۰
میاندرق	۶۹	۳۵۱	۱۸۸	۱۶۳
هاشم‌آباد	۲۲	۱۱۹	۶۰	۵۹
همراهلو	۶	۴۰	۲۱	۱۹
همو	۲۳	۱۲۳	۶۸	۵۵
یل‌دره‌سی	۹	۶۰	۳۶	۲۴
جمع دهستان گرمادوز	۶۲۵۰	۳۳۷۱۷	۱۷۶۲۶	۱۶۰۹۱
احمدآباد	۲۵	۱۲۳	۶۷	۵۶
اسکلو	۱۱۶	۵۲۱	۲۶۸	۲۵۳
اغویه	۵۴	۳۱۰	۱۶۲	۱۴۸
ایینه‌لو	۲۴	۱۳۸	۶۸	۷۰
بالان	۲۸	۱۶۲	۷۵	۸۷
برزندیق	۶۰	۲۹۱	۱۶۴	۱۲۷
جند	۴۰	۲۳۵	۱۲۸	۱۰۷
چریق	۱۲	۶۶	۳۱	۳۵
ساریدرق	۳۶	۱۸۳	۱۰۶	۷۷
شهریق	۲۸	۱۸۶	۱۰۵	۸۱
شیرنق	۱۹	۹۳	۴۱	۵۲
علویق	۳۲	۱۷۱	۹۲	۷۹
علی‌آباد	۳۴	۱۸۱	۹۶	۸۵
قره‌گونی	۱۶	۷۸	۳۷	۴۱
کاردجین	۱۹	۱۰۹	۵۶	۵۳

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
کرسفلی	۲۷	۱۴۶	۸۰	۶۶
کرعلیا	۳۷	۱۹۴	۱۰۵	۸۹
کلشلو	۱۵	۱۳۳	۶۰	۵۳
کوغمه	۲۸	۱۶۰	۸۹	۷۱
گرمناب	۳۱	۱۵۶	۶۵	۹۱
گویران	۱۴	۹۸	۴۹	۴۹
لته‌ده	۲۴	۱۱۸	۶۱	۵۷
محمودآباد	۸۳	۴۰۵	۲۰۹	۱۹۶
مرزرود	۱۳۲	۵۳۶	۲۶۱	۲۷۵
مزگر	۷۷	۴۰۰	۱۹۴	۲۰۶
مکیدی	۴۴	۲۲۵	۱۱۶	۱۰۹
ناپشته	۱۷	۸۶	۴۷	۳۹
رایقان	۹۱	۴۷۵	۲۰۴	۲۷۱
هجران دوست	۸۴	۴۲۳	۲۱۲	۲۱۱
هجق‌سفلی	۱۵	۷۸	۳۶	۴۲
هجق‌علیا	۶	۳۸	۱۹	۱۸
ینگین‌قشلاق	۳۲	۱۳۷	۷۱	۶۶
جمع دهستان میشه پاره	**۱۳۰۰**	**۶۶۳۴**	**۳۳۷۴**	**۳۲۶۰**
آسایشگاه مجذومین	۱	۵۵۰	۳۶۹	۱۸۱
استیار	۳۱	۱۶۰	۸۶	۷۴
اغاج اوغلو	۳۷	۲۲۷	۱۱۲	۱۱۵
اغداش	۳۸	۲۰۷	۱۱۷	۹۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
افشرد	۱۱۶	۵۷۶	۲۹۳	۲۸۳
امند	۷۶	۴۶۸	۲۵۴	۲۱۴
باجه باج	۱۱۷	۶۲۶	۳۲۸	۲۹۸
بشیر	۷۸	۴۴۸	۲۲۸	۲۲۰
پا گچین	۳۸	۲۱۰	۱۱۳	۹۷
تازه کندسرند	۶۶	۳۳۸	۱۷۲	۱۶۶
تازه کند نهند	۳۷	۱۹۷	۱۰۴	۹۳
چمن زمین	۴۵	۲۶۷	۱۴۹	۱۱۸
حسین آباد	۳۳	۱۷۷	۹۶	۸۱
حشمت آباد	۱۶	۸۵	۴۶	۳۹
خواجه	۳۵۱	۱۹۴۷	۱۰۳۴	۹۱۳
دغدغان	۶۸	۳۱۳	۱۶۵	۱۴۸
دیبگلو	۹۹	۵۴۶	۲۸۴	۲۶۲
دیزج ور	۱۴	۹۰	۴۷	۴۳
سرخه گاو	۶۰	۳۲۴	۱۵۹	۱۶۵
سرند	۱۵۰	۸۴۰	۴۳۹	۴۰۱
سفیدان عتیق	۱۵۶	۸۴۳	۴۳۹	۴۰۴
سول درق	۹	۴۸	۲۶	۲۲
سولوجه	۹	۵۳	۲۷	۲۶
شالی	۱۶	۱۱۱	۵۹	۵۲
عباس آباد	۹۰	۵۱۲	۲۷۰	۲۴۲
قشلاق بالا	۲۶	۱۳۷	۸۰	۵۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قشلاق پائین	۴۹	۲۸۸	۱۵۸	۱۳۰
قلعه‌لر	۴۱	۲۵۸	۱۳۱	۱۲۷
قهوه‌خانه شوردره	۱	۲	۲	۰
کردلر	۲۱	۱۴۲	۸۰	۶۲
کنزق	۲۶	۱۸۵	۹۱	۹۴
کهلیکبلاغی	۱۶	۸۵	۴۳	۴۲
گلزار	۲۵	۱۱۷	۶۶	۵۱
گلوجه	۸۹	۴۳۰	۲۴۵	۱۸۵
گمند	۶۳	۳۷۲	۱۸۱	۱۹۱
گورچین	۳۴	۱۶۴	۷۶	۸۸
گویج	۱۹۹	۱۰۸۷	۵۴۴	۵۴۳
محمودآباد	۴۹	۲۱۷	۱۱۳	۱۰۴
مرناب	۱۰	۴۶	۲۲	۲۴
مشیرآباد	۴۵	۲۳۵	۱۲۹	۱۰۶
نهند	۲۵۷	۱۲۶۷	۶۹۵	۵۷۲
نیجران	۵۱	۲۷۲	۱۴۹	۱۲۳
ونیار	۱۴	۹۳	۴۹	۴۴
هرزندیق	۳۹	۲۲۹	۱۱۸	۱۱۱
هندوان	۱۰۶	۵۳۶	۲۷۱	۲۶۵
هیق	۱۳۷	۷۵۶	۳۹۳	۳۶۳
ینگی اسپران	۲۴۶	۱۳۹۲	۷۲۸	۶۶۴
جمع دهستان مواضع خان	۳۲۹۵	۱۸۴۷۳	۹۷۸۰	۸۶۹۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ابراهیمبگلو	۱۴	۶۰	۳۵	۲۵
ابراهیمسمیع	۵۴	۲۵۰	۱۳۲	۱۱۸
ابریق جدید	۳۶	۱۸۲	۸۴	۹۸
احمدلو	۴۱	۲۲۵	۱۰۹	۱۱۶
الهرد	۴۵	۲۲۱	۱۱۱	۱۱۰
الاجوجه	۳۰	۱۵۲	۶۹	۸۳
اوزان	۴۳	۱۸۱	۹۶	۸۵
ایلانکش	۲۳	۱۴۰	۷۵	۶۵
باباعیلو	۱۷	۹۳	۵۷	۳۶
برزگر	۱۷	۸۴	۴۰	۴۴
بویدوز	۱۷	۷۳	۳۸	۳۵
بهروز	۳۳	۱۷۰	۷۷	۹۳
پسیان	۲۰	۱۰۵	۵۰	۵۵
تاتارسفلی	۴۹	۲۵۸	۱۳۶	۱۲۲
تاتارعلیا	۵۰	۲۳۹	۱۳۱	۱۰۸
تازه کند	۴	۲۴	۸	۱۶
تازه کند	۲۹	۱۷۵	۸۵	۹۰
توعلی سفلی	۵۱	۲۹۲	۱۵۷	۱۳۵
توعلی علیا	۶۱	۳۵۱	۱۸۴	۱۶۷
تیموربگلو	۶	۲۶	۱۲	۱۴
جانانلو	۹۷	۴۶۱	۲۶۳	۱۹۸
جعفرآباد	۱۵	۷۴	۳۵	۳۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
چوپه درق	۲۳	۱۱۶	٦۸	٤۸
حیدرکانلو	۷۳	٤٤٦	۲۳۵	۲۱۱
داراغزی	۱۷	۱۰۵	۵۱	۵٤
داش اراسی	۱۹	۱۰۹	٤۲	٦۷
داش‌باشی	۲۹	۱۲٦	٦۷	۵۹
دره‌جیك	۱۵	۹۱	٤۷	٤٤
دریلو	٤۹	۲۷۰	۱٤۰	۱۳۰
دولاب	۱۳	۷٤	٤۰	۳٤
ساری جالو	٤۹	۲۵۰	۱٤۲	۱۰۸
سوتن	۷۷	۳۸۸	۱۹۸	۱۹۰
شجاعیلو	۵۲	۲۷۳	۱٤۷	۱۲٦
شیخ حسینلو	٤۵	۲۲۹	۱۰٤	۱۲۵
صادق بگلو	۲۰	۹۵	٤۳	۵۲
عاشقلو	۷۵	۳۵٤	۱۷۳	۱۸۱
عباس‌آباد	۵۱	۲۸۳	۱۳۱	۱۵۲
قاقالو	۲۷	۱۵۲	۹۰	٦۲
قره توپراغ	۱۰	٤۹	۲۳	۲٦
قره تیکانلو	۱۲	۵٦	۲۹	۲۷
قره قوچ	۲۵	۱۳٦	۵۷	۷۹
قره‌قوچ مین‌باشی	۳	۱۷	۸	۹
کشیش قشلاقی	۱۷	۹۰	٤۲	٤۸
کلاله سفلی	۲۳	۱۲۱	۵۰	۷۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کلاله علیا	۱۸	۱۰۶	۵۱	۵۵
کنزرود	۲۴	۱۱۴	۶۳	۵۱
کورزه	۴۵	۲۶۳	۱۴۶	۱۱۷
گندمنان	۱۴	۶۷	۲۹	۳۸
لمه ارامنه	۲۳	۱۳۴	۶۱	۷۳
لمه‌اسلام	۲۳	۱۳۰	۶۴	۶۶
محمود کاغی	۲۱	۱۳۶	۷۹	۵۷
مسجدلو	۲۶	۱۴۳	۷۶	۶۷
مشهد حسنلو	۳۲	۱۹۲	۸۹	۱۰۳
مفروضلو	۶۰	۳۱۵	۱۶۹	۱۴۶
وینق	۶۶	۳۹۹	۱۸۵	۲۱۴
همان	۱۸	۸۱	۴۰	۴۱
یوسفلو	۲۷	۱۴۱	۶۷	۷۴
جمع دهستان منجوان	۱۸۷۳	۹۸۸۷	۵۰۳۰	۴۸۵۷
تورانچه	۴۸	۲۷۶	۱۴۹	۱۲۷
حسین کندی	۲۳	۱۳۷	۶۷	۷۰
داش بلاغ	۱۹	۱۲۳	۶۲	۶۱
داش بولاغ مغار	۲۵	۱۳۴	۷۵	۵۹
دوستبیگلو	۴۶	۲۹۶	۱۴۶	۲۵۰
دوشدور	۱۰۱	۵۲۶	۲۶۸	۲۵۸
سوتات	۱۳	۵۵	۲۷	۲۸
سیدقشلاقی	۷	۳۴	۲۰	۱۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شوره‌ناپ	۱۲	۷۱	٤٤	۲۷
شیشه	٤۱	۲٦۰	۱٤٤	۱۱٦
قره‌قشلاق	۱۵	۱۰۳	٦۱	٤۲
قشلاق قلعه‌جیك	۷	۳۲	۱۸	۱٤
گل‌لر	۲۱	۱۰۹	۵۹	۵۰
مغار	۱۰	٦٤	۳٤	۳۰
وجنی	۵٦	۳۰۵	۱۵۸	۱٤۷
ورگهان	۱۸۵	۹۳۲	۵۰۰	٤۳۲
هلان	۸	٤۹	۲۸	۲۱
جمع دهستان ورگهان	٦۳۷	۳۵۰٦	۱۸٦۰	۱٦٤٦
اکبر کندی	۲۱	۱۱۸	٦۵	۵۳
بالان‌صفرعلی	٤۰	۱۹۲	۹۲	۱۰۰
باندلو	۹	٤۷	۲۲	۲۵
برجلو	۱۰	۵۸	۳۷	۲۱
پشتاب	٦۱	۲۹۲	۱۵۹	۱۳۳
تازه کند	۵	۳۱	۱۷	۱٤
جاپان	۷	٤۳	۲۳	۲۰
چرچر	۵	۳۵	۱۷	۱۸
چرچلو	۵۷	۲۸۳	۱٤۵	۱۳۸
دلقناب	۳٤	۱۵۷	۸٦	۷۱
دومولی	۳۸	۲۸۷	۱۵۱	۱۳٦
دیکدرق	۳۰	۱۳۵	۷۹	۵٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زاوین‌سنگ	۷۶	۳۸۵	۲۱۲	۱۷۳
زاویه‌قشلاق	۵۰	۲۳۶	۱۲۱	۱۱۵
شغلان	۳۲	۱۸۲	۹۴	۸۸
علی‌محمددرسی	۳	۱۷	۱۱	۶
قتانلو	۶۷	۲۶۷	۱۴۵	۱۲۲
قره‌آغاج	۱۲۴	۶۱۱	۳۲۰	۲۹۱
قره‌اغاج پشتقلی	۴۸	۲۵۲	۱۷۷	۱۲۵
قورتتپه	۱۰۷	۵۸۲	۳۹۷	۲۸۵
کره‌میدان	۱	۴	۲	۲
کره‌ناب	۵	۲۷	۱۵	۱۲
کله‌دیگه	۲	۱۳	۶	۷
کنجوبه	۱۸۴	۸۲۴	۴۲۹	۳۹۵
کرده کل	۲۴	۱۲۷	۶۵	۶۲
کنبران	۱۹	۹۳	۴۸	۴۵
گولان	۴۸	۲۴۹	۱۳۰	۱۱۹
لقلان	۳۹	۱۹۸	۹۹	۹۹
لولی‌بلاغ	۳۱	۲۱۰	۱۰۹	۱۰۱
مشیران	۹۱	۵۲۵	۲۷۵	۲۵۰
ملك‌خاص	۲۲	۱۱۲	۱۴	۴۸
ملاحونی	۲۷	۱۴۵	۸۷	۵۸
نقدی	۶	۲۱	۱۵	۱۱
نواسر	۷۴	۴۱۹	۲۲۷	۱۹۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نیاز قلی	۳۱	۱۸۱	۱۰۰	۸۱
ویژه‌ناب	۳۵	۱۷۱	۱۰	۸۱
هرسپاه	۱۸	۸۷	۵۱	۳۶
جمع دهستان بافت	۱۴۸۱	۷۶۴۱	۴۰۳۲	۳۵۸۹
اتمیان سفلی	۴۱	۲۲۲	۱۱۹	۱۰۳
اتمیان علیا	۳۰	۱۸۶	۹۲	۹۴
اتمیان وسطی	۴۸	۲۳۸	۱۳۱	۱۰۷
اجیر آباد	۱۲۱	۷۰۳	۳۷۳	۳۳۰
اردلان	۲۱۷	۱۱۷۰	۵۸۷	۵۸۳
ارزنق	۲۳۴	۱۲۹۳	۶۶۱	۶۳۲
اسدالله کنی	۲	۲۰	۱۰	۱۰
اسنق	۳۴۱	۱۸۲۴	۹۴۷	۸۷۷
الان	۳۶۷	۲۰۹۴	۱۱۱۶	۹۷۸
باروق	۱۸۱	۹۷۳	۵۰۲	۴۷۱
برآغوش	۳۶۲	۲۰۷۷	۱۰۳۰	۱۰۴۷
بهمن آباد	۲۴	۱۱۷	۵۹	۵۸
تازه کند	۱۳	۸۲	۴۲	۴۰
تلخاب	۱۲	۵۰	۲۹	۲۱
جمال آباد	۲۴۸	۱۴۳۱	۷۳۹	۶۹۲
دمیرجی	۱۷۲	۹۶۶	۵۱۰	۴۵۶
دیجان (دجان)	۹۵	۵۴۷	۲۸۵	۲۶۲
دیزج شور	۶۰	۳۱۵	۱۶۵	۱۵۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دیلمشانه	۳۰	۱۹۵	۹۱	۱۰۴
رجل آباد	۷۲	۴۲۹	۲۲۰	۲۰۹
زرنق	۶۶۶	۳۵۲۰	۱۷۱۶	۱۸۰۴
زنجیل آباد	۶۵	۳۳۶	۱۸۳	۱۵۳
سیه دولان	۶۳	۳۴۶	۱۷۲	۱۷۴
شاه باغی	۲۱۰	۱۰۴۷	۵۳۷	۵۱۰
صومعه (صوما)	۲۱۰	۱۰۴۰	۵۲۷	۵۱۳
قاسمکندی(گلی‌کندی)	۵	۲۷	۱۴	۱۳
قره‌بلاغ	۲۶	۱۵۸	۸۴	۷۴
قزلجه خرابه	۸۴	۵۲۰	۲۶۱	۲۵۹
قزلجه سادات	۹۷	۵۴۴	۳۰۳	۲۴۱
قیصریه	۳۳۳	۱۷۸۰	۹۰۲	۸۷۸
کرمجوان	۱۵۲	۹۷۴	۴۹۹	۴۷۵
کیوج	۲۳۲	۱۴۱۳	۷۰۳	۷۱۰
مهربان	۸۴۸	۴۹۰۲	۲۴۲۷	۲۴۷۵
نرمیق(نرمی)	۳۶	۲۰۰	۹۹	۱۰۱
جمع دهستان آلان بر آغوش	۵۶۹۷	۳۱۷۳۹	۱۶۱۳۵	۱۵۶۰۴
اربط	۱۰۷	۴۹۹	۲۶۶	۲۳۳
اسفنجان	۳۹۸	۲۰۰۰	۱۰۴۹	۹۵۱
اسکندان	۱۵۴	۷۲۳	۳۷۵	۳۴۸
اشستان	۹۶	۴۴۱	۲۳۴	۲۰۷
اقچه کهل	۶۲	۲۹۱	۱۳۶	۱۵۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
امقان	۱۵۲	۶۳۶	۳۳۳	۳۰۳
اوچ تپه	۱۵	۸۳	۴۳	۴۰
باویل سفلی	۲۸۵	۱۳۵۶	۶۸۵	۶۷۱
باویل علیا	۲۱۱	۱۰۲۶	۵۱۱	۵۱۵
چراغیل	۷۲	۳۲۰	۱۶۴	۱۵۶
عنصرود	۲۵۶	۱۳۳۱	۷۱۳	۶۱۸
قندیلو	۷۶	۳۵۵	۱۷۴	۱۸۱
کرد آباد	۱۴۵	۷۹۳	۴۱۷	۳۶۷
کلجاه	۳۵۰	۱۶۸۳	۸۲۵	۸۵۸
کندجان (کندوان)	۱۵۷	۷۴۴	۳۷۷	۳۶۷
کوشن	۳	۱۶	۱۱	۵
کوه‌دل	۴۸	۲۴۴	۱۳۲	۱۱۲
کهنمو	۲۸۲	۱۳۶۵	۶۸۶	۶۷۹
گنبرف	۲۵۳	۱۳۷۸	۷۰۵	۶۷۳
مجارشین	۱۸۷	۸۶۵	۴۵۷	۴۰۸
جمع دهستان اسکو	۳۳۰۹	۱۶۱۴۹	۸۲۹۳	۷۸۵۶
امیردیزج (آلکوزه)	۱۰۷	۶۳۸	۳۴۷	۲۹۱
تاج‌الدین	۱۵	۱۰۰	۵۶	۴۴
ترشکوه	۸	۳۴	۱۹	۱۵
چهارروی	۸۷	۶۰۵	۳۲۶	۲۷۹
خان‌امیر	۱۴۷	۷۹۱	۴۳۰	۳۶۱
خراجو	۲۴	۱۲۹	۶۹	۶۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
داش‌المالو	۹۶	۵۴۲	۲۹۳	۲۴۹
دین‌آباد	۱۰۹	۶۳۵	۳۴۳	۲۹۲
صغایش	۷۳	۳۹۳	۲۰۰	۱۹۳
قاضی کند	۱۶	۱۰۲	۵۲	۵۰
قدمگاه	۶۶	۳۷۱	۲۰۱	۱۷۰
قرمز گل	۴۸	۲۷۶	۱۴۷	۱۲۹
قوشقرا (قوشتار)	۲۴	۱۲۸	۵۹	۶۹
کلوانق (کلوانا)	۴۵	۲۴۰	۱۱۹	۱۲۱
گواهر	۱۸	۱۰۶	۵۲	۵۴
نادلو	۲۱۰	۱۱۲۹	۵۹۷	۵۳۲
هر کلان علیا و سفلی	۲۸۰	۱۸۷۱	۹۹۲	۸۷۹
یایجی	۹۰	۵۶۸	۲۹۷	۲۷۱
ینگجه	۳۲۳	۱۵۷۱	۸۰۷	۷۶۴
جمع دهستان آذرشهر	۱۷۸۷	۱۰۲۲۹	۵۴۰۶	۴۸۲۳
احمدآباد (لیغلی)	۲۵	۱۶۶	۹۰	۷۶
احمدآباد شهرك	۶۵	۴۱۶	۲۱۴	۲۰۲
اربطان	۲۷۰	۱۴۰۸	۷۰۱	۷۰۷
اسبخان	۲۵	۱۵۹	۷۶	۸۳
آقاعلیلو	۵۵	۲۹۵	۱۳۲	۱۶۳
الباوت	۱۱	۵۳	۲۹	۲۴
بزوان	۷۷	۴۳۶	۲۱۳	۲۳۳
یلوردی	۱۶۲	۸۴۸	۴۶۱	۳۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جانقور	۱۳۲	۶۰۸	۳۲۰	۲۸۸
جغناب	۸۱	۴۹۶	۲۵۴	۲۴۲
جیقه	۲۴۸	۱۳۴۱	۶۷۶	۶۶۵
خرمالو	۱۳۲	۶۸۰	۳۴۹	۳۳۱
خلج	۳۰	۱۶۰	۸۱	۷۹
ساخسلو	۳۷	۱۹۶	۱۱۵	۸۱
سرای	۳۰۶	۱۶۷۷	۸۶۰	۸۱۷
شاملو	۵۷	۳۲۹	۱۶۳	۱۶۶
شهرك پائین	۱۵۵	۸۹۷	۴۶۶	۴۳۱
شهسواری	۸۰	۴۵۴	۲۲۸	۲۲۶
شیخ رجب	۸۸	۴۷۶	۲۵۰	۲۲۶
صومعه	۷۰	۳۸۴	۱۹۹	۱۸۵
طرف	۴۸	۲۳۸	۱۱۸	۱۲۰
عبدالجبار	۹۲	۴۹۱	۲۴۹	۲۴۲
قنراجه	۱۶۴	۸۷۸	۴۴۹	۴۲۹
قره‌دره (احمدآباد)	۱۰	۶۳	۳۷	۲۶
قره گونیر	۲۲	۱۳۸	۷۱	۶۷
قزقاپان	۳۲	۱۹۱	۸۹	۱۰۲
گلدیر	۱۱۳	۶۴۵	۳۵۷	۲۸۸
گوید رق تازه کند	۲۲	۱۳۶	۷۲	۶۴
مرکید	۹۸	۵۲۰	۲۵۸	۲۶۲
مقصود لو	۱۵۷	۹۰۶	۴۹۴	۴۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
میان بازار	۳۵	۲۱۶	۱۱۲	۱۰۴
مینق	۳۱۸	۱۶۶۱	۸۶۱	۸۰۰
نمرور	۲۶۷	۱۳۴۵	۷۰۹	۶۳۶
ولیلو	۱۱۴	۶۷۵	۳۴۱	۳۳۴
یارام	۱۳۹	۷۲۲	۳۸۰	۳۴۲
ینگجه	۳۰	۲۱۷	۱۰۸	۱۰۹
جمع دهستان بدوستان	۳۷۶۷	۲۰۵۲۱	۱۰۵۸۲	۹۹۳۹
ابریز (آوروز)	۱۱۴	۶۱۴	۳۱۷	۲۹۷
ابواسحاق	۲۳	۱۶۲	۸۹	۷۳
اتاجان	۳۹	۲۳۸	۱۱۳	۱۲۵
اتباتان	۷۹	۴۳۵	۲۳۹	۱۹۶
اسکی کند	۹۳	۴۹۳	۶۶۶	۲۲۷
اشرف‌آباد	۲۸	۱۳۷	۷۰	۶۷
اغچه کحل	۳۹	۲۲۷	۱۱۵	۱۱۲
اغورآباد	۱۳۰	۷۱۳	۳۷۷	۳۳۶
انبازدان	۲۱۱	۱۱۵۴	۵۹۲	۵۶۲
ازجان (انارجان)	۵۶	۳۴۷	۱۸۴	۱۶۳
بستان‌آباد سفلی	۳۲۷	۱۹۲۵	۹۸۰	۹۴۵
بستان‌آباد علیا	۱۷۴	۱۰۷۹	۵۶۲	۵۱۷
بنه کهل	۱۷۹	۹۹۱	۵۱۹	۴۷۲
بهجت‌آباد (بچه‌آباد)	۴۸	۲۷۷	۱۳۶	۱۴۱
پاشیزاوجان	۹۳	۵۲۰	۲۸۴	۲۳۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند	۳۰	۱۷۶	۹۰	۸۶
چوقان	۳۳	۲۲۱	۱۱۹	۱۰۲
چرزه خون	۱۲۹	۶۲۸	۳۰۷	۳۲۱
حاجی آقا	۲۱۱	۱۰۵۵	۵۵۷	۴۹۸
خشندرق	٦٤	۳۷۵	۱۸۹	۱۸٦
خلیله ده	٤۳	۲۵۰	۱۲۵	۱۲۵
خیرآباد	۳٦	۲۱۲	۱۰٤	۱۰۸
زکلوجه	٦۲	٤۲۱	۲۳۱	۱۹۰
زیرکان	۳۹	۲٤۳	۱۳٤	۱۰۹
سرچشمه	۱۱٤	٦۸۸	۳۵٦	۳۳۲
سین‌آب	٦۵	۳۰٤	۱۵۳	۱۵۱
شیروانه ده	۱٤۷	۹۱٦	٤۷۱	٤٤۵
طوراتپه (طورآتای)	٦۹	۳۷۷	۱۹۲	۱۸۵
علی‌آباد	۳۲	۱۹۷	۱۰۹	۸۸
عین‌الدین	۱۷۰	۹۷۰	۵۱۹	٤۵۱
قرونا	٤۷	۲٦۳	۱٤۰	۱۲۳
قره بابا	۲۱۵	۱۲۱٤	٦۲۵	۵۸۹
قره کوره	۱٦	۱۰۰	٤۹	۵۱
قلعه	۳۹	۲۲۰	۱۲۸	۹۲
قلعه علیا	۵۵	۳۰۹	۱۵۷	۱۵۲
قورولو	۹۲	٤۹٤	۲۷۸	۲۱٦
قوز لوجه	۲۵	۱۵۵	۸۲	۷۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کلو	۸۱	۴۹۳	۲۶۴	۲۲۹
کنگرلو	۵۳	۳۰۸	۱۶۴	۱۴۴
گل قاسم(قول قاشم)	۶۲	۳۴۵	۱۷۳	۱۷۲
گورچین	۴۸	۲۴۰	۱۲۷	۱۱۳
نوشهر	۱۰۴	۶۳۴	۳۴۷	۲۸۷
هلان	۸۵	۴۹۹	۲۵۸	۲۴۱
ینگجه (ینجه)	۳۳	۱۶۷	۹۵	۷۲
جمع دهستان بستان آباد	۳۸۳۲	۲۱۷۸۶	۱۱۳۸۶	۱۰۴۰۰
بارنج (بارش)	۳۳۵	۱۷۰۵	۸۹۳	۸۱۲
باسمج(واشمس)	۸۸۶	۴۶۶۱	۲۴۰۵	۲۲۵۶
باغ یعقوب	۲۰	۹۶	۵۲	۴۴
چوان	۱۳۴	۶۶۸	۳۴۸	۳۱۹
حاجی عبدال	۵۶	۲۷۲	۱۳۹	۱۳۳
دیزج لیلی خانی	۲۸۵	۱۵۹۳	۸۱۹	۷۷۴
زرنق	۱۵۱	۸۴۴	۴۵۳	۳۹۱
شادباد علیا(شلوارجیق)	۱۰۱	۵۹۵	۳۰۰	۲۹۵
شادباد مشایخ (پینه شلوار)	۳۱۰	۱۶۷۸	۸۹۹	۷۳۸
شاهگلی (استخر شاه)	۱۲۷	۶۹۹	۳۶۱	۱۴۸
طویقون	۲۶	۱۷۵	۹۳	۸۲
فتح آباد (پتاوا)	۹۳	۵۳۳	۲۶۹	۲۶۴
گرگج	۱۰۲	۶۱۰	۳۱۱	۲۹۹
کندرود	۲۲۶	۱۳۴۰	۶۹۴	۶۴۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان باسمنج	۲۸۵۲	۱۵۴۶۹	۸۰۳۷	۷۴۳۲
خامنه	۴۶۷	۲۴۰۸	۱۱۴۷	۱۲۶۱
داریان (دریان)	۴۷۹	۲۶۰۹	۱۲۹۴	۱۳۱۵
شندآباد	۴۹۹	۲۶۵۳	۱۳۶۶	۱۲۸۷
شنکل‌آباد	۵۸	۲۸۸	۱۵۸	۱۳۰
مرادآباد	۴۱۳	۲۲۸۷	۱۱۵۶	۱۱۳۱
جمع دهستان خامنه	۱۹۶۱	۱۰۲۴۵	۵۱۲۱	۵۱۲۴
اخوله	۱۱۷	۷۲۵	۳۷۷	۳۴۸
ایلخچی	۷۵۷	۴۰۹۱	۲۰۸۳	۲۰۰۸
بارانلوم	۶۶	۴۰۰	۲۱۲	۱۸۸
بایرام	۲۴۲	۱۱۲۴	۵۵۴	۵۷۰
بیگلو (بگل)	۲۴	۱۶۱	۷۶	۸۵
تازه کند	۸۳	۶۵۸	۳۳۷	۳۲۱
حسن‌آباد	۹	۵۰	۳۳	۱۷
خاص‌آباد(خاص وان)	۶۲	۳۴۹	۱۸۴	۱۶۵
خاصه لر	۵۲	۳۴۰	۱۸۷	۱۵۳
خورخور	۸۸	۴۰۵	۲۱۸	۱۸۷
دیزج	۳۵۷	۱۷۵۱	۹۳۰	۸۲۱
زینل اغاج	۷۶	۳۸۲	۲۰۹	۱۷۳
ساتلو (ختای)	۷۱	۳۷۱	۱۸۰	۱۹۱
سر کند یزج	۶۹	۳۵۷	۱۸۸	۱۶۹
شللو	۲۰	۹۴	۴۴	۵۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عباس آباد (خانوخ)	۱۳	۴۳	۲۵	۱۸
علی آباد	۱۲	۷۴	۳۸	۳۶
قره تپه (قشلاق)	۲۵	۱۵۴	۸۴	۷۰
قزل دیزج	۶۲	۳۹۲	۲۱۸	۱۷۴
قشلاق	۱۶	۸۹	۴۷	۴۲
کرد لر	۱۷۴	۱۰۲۱	۵۲۲	۴۹۹
گلشنی	۵	۳۴	۱۶	۱۸
لاهیجان	۱۰۹	۵۹۶	۳۱۳	۲۸۳
مرجان لو (میرجانی)	۲۳	۱۳۳	۶۷	۶۶
مهدی نیا (مهدی‌فی)	۳۹	۲۰۹	۱۰۵	۱۰۴
نوجه ده (نوده)	۱۳۵	۶۹۰	۳۶۰	۳۳۰
هزه‌بوران	۱۲۷	۵۷۴	۳۰۹	۲۶۵
ینگی کند	۸۶	۵۰۷	۲۵۹	۲۴۸
جمع دهستان خسروشاه	۲۹۱۹	۱۵۸۷۴	۸۱۷۵	۷۵۹۹
اخ ماقایه	۲۹۴	۱۵۸۷	۸۴۷	۷۴۰
اردوی کاتبریز	۴	۲۸۸	۲۱۲	۷۶
اسپس	۳۱	۱۴۱	۷۴	۶۷
الوار سفلی	۱۴۶	۸۹۲	۴۵۹	۴۳۳
الوارعلیا(الوار)	۵۲	۳۵۳	۱۷۵	۱۷۸
اناخاتون	۶۹	۴۱۱	۲۰۳	۲۰۸
باغ‌معروف (بامعروف)	۱۰۷	۵۷۳	۳۱۲	۲۶۱
خلجان	۸۳۳	۴۱۴۴	۲۱۵۵	۱۹۸۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خواجه دریزج	٦٨	٥٦٤	٣٠١	٢٦٣
رواسان	٧٨	٤٣٩	٢٣٢	٢٠٧
سعد بیك	٤	٤٥	٢٤	٢١
سهلان (ماغالان)	١٦١	٩٩٧	٥١٦	٤٨١
شیخ حسن	٩٧	٤٧٨	٢٣٨	٢٤٠
فرودگاه لشکری	١	٣٧	٣٧	٠
قلعه چه	٣٢	١٩٣	٩٢	١٠١
کجاباد	٣٥٣	٢١١٠	١٠٧١	١٠٣٩
کوجان	٨٩	٤٩٧	٢٦٩	٢٢٨
لاله	٣٠٥	١٦١٨	٨٠٦	٨١٢
مایان سفلی (اشاق‌مایان)	٣١٨	١٧٨٥	٩٣٠	٨٥٥
مایان‌علیا (یوخاری‌مایان)	٩٩	٦٩٤	٣٥٠	٣٤٤
وزنق	٤٤	٢٦٤	١٣٤	١٣٠
جمع دهستان سردرود	٣١٨٥	١٨١١٠	٩٤٣٧	٨٦٧٣
ابدار	٥٠	٣٢٩	١٧٥	١٥٤
اسباباد	٢٢	١٣٤	٦٧	٦٧
اسپرجخون (سفیدخوان)	٢٩٤	١٦٧٩	٨٧١	٨٠٨
اشگه‌دره (اینجه‌دره)	٩٠	٥٤٣	٢٨٢	٢٦٢
اغبلاغ	١٢٢	٨١٧	٤٣٨	٣٨١
اقدره	٢٨	١٥٥	٧٢	٨٣
المالو	٦٧	٣٩٧	٢٠٥	١٩٢
امراله	١٥١	٩٨٥	٥٢٥	٤٦٠

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
امین آباد	۲۷	۱۶۱	۸۰	۸۱
ایقیر سفلی	۲۷	۱۷۵	۹۳	۸۲
ایقیر علیا	۳٤	۱۷۲	۸۵	۸۷
باش‌سیز	۱٤۷	۹۱۸	٤۹۵	٤۲۳
بهادر	۲٤	۱۵۲	۸۱	۷۱
بیرق	۳۵۵	۱۹۵۲	۱۰۲۶	۹۲۶
پشیکلو	۱۰۶	۶۲۵	۳۳۸	۲۸۷
تنوراغاج	٦٤	۳۷۶	۱۹۸	۱۷۸
ثمرخزان (زمارخواران)	٤۸	۳۲۸	۱۷۵	۱۵۳
جانقور	۸۷	۵۰۰	۲۶۰	۲٤۰
چیجکلو	۵۱	۳۲۷	۱۷۰	۱۵۷
چین بلاغ	٤۹	۳۱۶	۱۶۰	۱۵۶
حسن کهل	۵۹	۳۷۱	۱۹٤	۱۷۷
خیجك (خاجیك)	۷۲	۵۵۲	۲۸۰	۲۷۲
دلی‌قرچی	٤۱	۲۸۸	۱۶۷	۱۲۱
زنگبار	۷۶	٤۳۵	۲۳۶	۱۹۹
ساری‌کونه (ساری‌گونی)	۱۲	۸۵	٤۸	۳۷
شیخ‌جعفر	۱۰	۵۵	۲۷	۲۸
قبله مسجد	۶۰	۳۵۲	۱۷۵	۱۷۷
قره کوشن	۱۰۰	۶۲۶	۳۳۷	۲۸۹
قزانچای	۸٤	۵۱۲	۲۷۱	۲٤۱
قلعه جوق سفلی	۱۶	۱۱۲	۵۹	۵۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قلعه جوق علیا	۲۱	۱۲۹	۶۸	۶۱
قیسناب	۵۸	۳۰۳	۱۵۵	۱۴۸
کیز بین	۷۱	٤٦٥	۲٤٤	۲۲۱
گلشن آباد	۳۶	۲۵۷	۱۳۸	۱۱۹
گله‌خانه	۱۰٤	٦٧۳	۳٦٤	۳۰۹
لیگوان	٤۸۱	۲٤٦٥	۱۲۳۸	۱۲۲۷
متنق	۲٤۸	۱۲۱۷	٦٥۷	٥٦۰
نوجه‌ده (نوغری)	۱۳۸	۷٦٦	٤۰٥	۳٦۱
ور گل	٤۷	۳٥۲	۱۸۳	۱٦۹
هراب	۱۰۸	٦۰٤	۳۱۷	۲۸۷
هروی	۲۳۲	۱۳٤۲	۷۰۰	٦٤۲
هیکل آباد	۳۰	۱۹۸	۱۰۲	۹٦
جمع دهستان سهند آباد	۳۹٤۷	۲۳۲۰۰	۱۲۱٥۸	۱۱۰٤۲
اسفهلان	۳۸۲	۱۹٦٦	۹۹۷	۹٦۹
اسنجان	۱٤۸	۷۹۹	٤۲٤	۳۷٥
انرجان (انارجان)	۱۲۰	٥۳٦	۲۹۰	۲٤٦
زینجناب	۳٦۰	۱۸٤۹	۹۸٦	۸٦۳
جمع دهستان سردصحرا	۱۰۱۰	٥۱٥۰	۲٦۹۷	۲٤٥۳
اق کهریز	۲٥	۱٦۳	۸۷	۷٦
امیر ز کریا	۱۸٦	۹٤۹	٤۹٤	٤٥٥
بیگجه خاتون	۹٥	٤۳۳	۲۳٤	۱۹۹
درویش بقال	۷۱	۳٦۰	۱۹۰	۱۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زنگی	۶۵	۳۷۹	۲۰۹	۱۷۰
زیناب	۷۱	۵۰۸	۲۷۱	۲۳۷
ساربانقلی(روانقلی)	۲۰۹	۱۱۲۴	۵۹۶	۵۲۸
سیس	۷۶۷	۴۰۱۲	۲۰۷۳	۱۹۳۹
علیشاه	۳۷۰	۱۹۵۹	۹۸۷	۹۷۲
غلاملو	۴۹	۲۳۲	۱۱۷	۱۱۵
کندرود	۲۹۴	۱۵۴۹	۷۴۹	۸۰۰
گل آباد(کلاوا)	۱۳۹	۸۰۱	۴۱۶	۳۸۵
مکزاده(ملیح زاوا)	۱۲۴	۶۷۲	۳۴۸	۳۲۴
نظرلو(نازارلی)	۳۹۴	۲۱۴۰	۱۱۳۶	۱۰۰۴
جمع دهستان سیس	۲۸۵۹	۱۵۲۸۱	۷۹۰۷	۷۳۷۴
الوانق	۱۲۱	۶۲۷	۳۲۵	۳۰۲
ایستگاه شیرامین	۷	۳۷	۲۰	۱۷
پیرچوپان	۴۲	۲۵۷	۱۳۸	۱۱۹
چنار	۱۰۵	۵۸۳	۳۰۱	۲۸۲
خانقاه	۲۱۶	۱۱۱۴	۵۷۵	۵۳۹
داش کن	۵۱	۲۵۷	۱۲۶	۱۳۱
سیلاب	۱۵۶	۸۶۹	۴۳۳	۴۳۶
شیرامین	۴۲۰	۲۲۰۸	۱۱۵۱	۱۰۵۷
هفتچشمه	۲۱۸	۱۱۸۷	۶۳۶	۵۵۱
جمع دهستان شرآمین	۱۳۳۶	۷۱۳۹	۳۷۰۵	۳۴۳۴
بیس	۴۲۷	۲۳۹۴	۱۲۶۰	۱۱۳۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسن آباد (شاه‌قلعه‌سی)	۱	۳	۳	۰
دیزج خلیل	۶۸۴	۳۳۳۱	۱۶۴۰	۱۶۹۱
شانجان (چنوان)	۱۸۷	۹۴۴	۴۷۲	۴۷۲
نوجن‌ده (نوری)	۲۰۸	۱۰۲۸	۴۹۷	۵۳۱
وایقان	۵۳۰	۲۵۷۰	۱۲۹۶	۱۲۷۴
جمع دهستان شبستر	۲۰۲۷	۱۰۲۷۰	۵۱۶۸	۵۱۰۲
بوراچارلو	۸۵	۴۷۴	۲۵۹	۲۱۵
بهرام آباد (خرابی)	۷	۴۲	۲۳	۱۹
تیل	۶۷۶	۲۹۲۹	۱۴۹۰	۱۴۳۹
تیمورلو	۴۳	۲۱۹	۱۱۲	۱۰۷
دیزج مهر	۱۰۶	۶۶۷	۳۳۰	۳۳۷
سرای‌ده	۱۵۷	۸۱۵	۴۱۵	۴۰۰
سفید گنبد	۱۶۱	۷۷۳	۴۱۵	۳۵۸
شرفخانه	۳۴۹	۱۸۴۸	۹۵۶	۸۹۲
شیخولی	۹۴	۴۷۸	۲۴۳	۲۳۵
علی بیکلو	۸۹	۴۵۰	۲۳۴	۲۱۶
فرجقلی	۸۶	۴۱۶	۲۰۵	۲۱۱
قانچی	۹۳	۵۶۱	۲۸۴	۲۷۷
قیچان	۹۶	۴۲۲	۲۲۹	۱۹۳
کافی‌الملک	۳۳۰	۱۷۱۶	۸۹۵	۸۲۱
کشک	۱۵۱	۸۱۳	۴۱۲	۴۰۱
کوزه‌کنان	۴۶۱	۲۷۲۰	۱۳۶۹	۱۳۵۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گمیچی‌ده	۲۱۲	۱۰۱۴	۵۳۶	۴۷۸
مشنق	۲۴۰	۱۲۱۴	۶۲۵	۵۸۹
هریس	۲۷۴	۱۴۷۱	۷۳۰	۷۴۱
هفتچشمه	۷۸	۴۳۵	۲۰۷	۲۲۸
یوسف آباد	۶۳	۳۳۵	۱۸۱	۱۵۴
جمع دهستان شرفخانه	۳۸۵۱	۱۹۸۱۲	۱۰۱۵۰	۹۶۶۲
باغ‌وزیر	۶۲	۳۶۱	۱۸۵	۱۷۶
تازه‌کند (تزه کت)	۷۵	۴۲۳	۲۲۴	۱۹۹
چله‌خانه سفلی	۲۴	۱۲۶	۶۰	۶۶
چله‌خانه‌علیا	۵۳	۲۹۷	۱۵۳	۱۴۴
خواجه‌مرجان	۶۱	۳۱۶	۱۴۷	۱۶۹
سر کنددیزج (سرکزه)	۲۴۴	۱۳۶۵	۶۷۳	۶۹۲
سفید کمر (اتمی کهر)	۳۳۸	۱۹۱۰	۹۸۷	۹۳۲
سگبان(سیوان)	۱۴۲	۷۶۵	۳۷۹	۳۸۶
صوفیان	۷۰۲	۳۶۴۵	۱۸۹۱	۱۷۵۴
علی‌اکبرلو (علی‌اکبر)	۷۲	۳۸۵	۲۰۷	۱۷۸
قمتبه	۵۹	۲۹۰	۱۶۲	۱۲۸
مهتراحمد	۶۹	۴۰۵	۲۱۷	۱۸۸
نعمت‌الله	۱۴۷	۷۷۴	۴۰۶	۳۶۸
هارون‌آباد(هورلان)	۷۷	۳۹۳	۲۰۴	۱۸۹
جمع دهستان صوفیان	۲۱۲۵	۱۱۴۵۵	۵۸۸۶	۵۵۶۹
الماس	۱۲۲	۵۳۵	۲۷۱	۲۶۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
امستجان	۱۰۴	۵۴۴	۲۹۰	۲۵۴
انگشتوان(انگشتجان)	۴۵	۲۳۱	۱۲۶	۱۰۵
توپچی	۹۱	۴۷۸	۲۴۵	۲۳۳
چشمه کنان	۱۳۸	۶۸۱	۳۴۱	۳۴۰
چهرگان	۳۳۹	۱۶۵۸	۸۶۶	۷۹۲
حیدرآباد	۷۵	۳۱۴	۱۶۱	۱۵۳
دیزج‌شیخ‌مرجان	۵۱۷	۲۷۴۹	۱۳۸۳	۱۳۶۶
طسوج	۷۹۶	۴۱۵۱	۲۱۲۱	۲۰۳۰
قره‌تپه علیا و سفلی	۳۰۸	۱۵۹۷	۸۲۳	۷۷۴
قزلجه	۷۷	۳۸۰	۱۹۸	۱۸۲
قلعه‌مرآغوش	۲۷	۱۵۸	۸۴	۷۴
قلمانسرا(آلماسرای)	۱۰۴	۵۳۶	۲۸۵	۲۵۱
احمدآباد(آهن‌آباد)	۱۰۵	۵۳۰	۲۶۶	۲۶۴
اغ‌بلاغ	۱۰۷	۵۰۶	۲۵۸	۲۴۸
الجلج	۲۰۱	۱۰۲۰	۵۱۴	۵۰۶
امامیه(دواتگر)	۱۰	۶۱	۳۰	۳۱
باباقره	۶۱	۳۷۰	۲۰۲	۱۶۸
باشکند	۶۷	۴۲۴	۲۱۸	۲۰۶
بنفشه‌درق	۶۲	۳۴۹	۱۸۷	۱۶۲
پوستوکا	۵۸	۳۱۵	۱۶۰	۱۵۵
پیرسلطان	۷۰	۳۵۶	۱۹۳	۱۶۳
پیرلوجه	۵۷	۳۱۷	۱۵۹	۱۵۸

نام ده	تعدار خانوار	جمعیت	مرد	زن
تکمه‌داش	۲۷۴	۱۴۰۳	۷۶۵	۶۳۸
جداقیه	۵۸	۳۱۰	۱۶۳	۱۴۷
چرمخواران بالا	۹۱	۵۰۹	۲۷۱	۲۳۸
چرمخواران پائین	۸۶	۴۰۰	۱۸۸	۲۱۲
چینی بلاغ	۸۴	۴۴۷	۲۲۰	۲۲۷
حافظ	۵۳	۲۸۵	۱۴۱	۱۴۴
خشکناب	۳۳	۱۹۰	۱۰۰	۹۰
داش اتان (داش آباد)	۳۸	۲۱۲	۱۱۳	۹۹
دره‌چی	۶۳	۳۲۵	۱۷۱	۱۵۴
زگلوجه	۱۰۲	۵۷۳	۳۰۸	۲۶۵
سرخه	۶۰	۳۰۵	۱۵۵	۱۵۰
سرخه	۶۳	۳۹۳	۲۲۵	۱۶۸
سعدی	۵۸	۳۰۸	۱۵۸	۱۵۰
شنگل آباد	۱۰۲	۵۵۹	۲۹۶	۲۶۳
عمودیزج	۱۲۵	۶۴۱	۳۱۶	۳۲۵
قاشقهای	۷۶	۴۲۸	۲۱۹	۲۰۹
قایش قورشان	۷۳	۴۴۱	۲۴۰	۲۰۱
قرانقیه	۹۱	۴۶۶	۲۴۰	۲۲۶
قره‌بلاغ	۱۵۳	۸۱۷	۴۴۳	۳۷۴
قره‌چمن	۳۴۳	۱۷۷۸	۸۶۹	۹۰۹
قزل احمد	۷۶	۴۵۷	۲۴۷	۲۱۰
قزلجه	۶۲	۳۴۵	۱۷۶	۱۶۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قیجاق	۵۲	۲۶۷	۱۴۳	۱۲۴
کوخالو	۸۶	۳۹۵	۱۹۹	۱۹۶
گجین	۶۰	۳۳۹	۱۹۰	۱۴۹
گللوجه (گلیجه)	۶۹	۳۹۲	۲۱۳	۱۷۹
گلهین	۷۶	۴۰۴	۲۰۹	۱۹۵
ملامحمود	۲۳	۱۴۷	۸۰	۶۷
نازین آباد	۴۸	۲۶۰	۱۳۶	۱۲۴
نوساله	۳۹	۱۸۴	۹۹	۸۵
یله‌قارشو	۶۱	۳۲۰	۱۵۹	۱۶۱
ینگجه	۶۸	۳۶۳	۱۷۷	۱۸۶
جمع دهستان عباسی (عباس)	۳۵۴۷	۱۸۹۱۱	۹۸۱۶	۹۰۹۵
اخی‌جهان (آخرجهان)	۲۱۹	۱۲۱۳	۶۱۳	۶۰۰
افخم آباد	۱	۱	۱	۰
ایستگاه راه آهن	۱۵	۹۴	۴۹	۴۵
باغ قم (قم باغی)	۱	۱	۱	۰
تیمورلو	۵۹۱	۳۱۹۵	۱۶۳۲	۱۵۶۳
خاصلو	۱۱۱	۶۳۸	۳۰۹	۳۲۹
دستجرد (دستگرد)	۲۶۴	۱۳۷۴	۷۱۱	۶۶۳
دیزج‌چراغ	۴۳	۲۴۵	۱۳۱	۱۱۴
دیزج‌حسن	۲۱	۹۵	۴۲	۵۳
سردارآباد	۱	۱۶	۱۶	۰
غله‌رار	۲۷	۱۶۵	۸۸	۷۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
فیروز سالار	۲۵۰	۱۲۵۹	۶۵۰	۶۰۹
قاضی جهان	۳۹۸	۲۳۳۴	۱۱۸۹	۱۱۴۵
قراغیل	۱۰۴	۶۰۲	۳۰۱	۳۰۱
قشلاق پیازی	۱۱۱	۶۴۷	۲۹۷	۳۵۰
قلعه‌سنج	۲۸	۱۴۰	۷۵	۶۵
کارخانه کنسر وسازی	۱	۳	۳	۰
کبود گنبد (گورونیه)	۱	۷	۷	۰
معدن ناجی	۱	۱۳	۱۳	۰
۱۹- جمع دهستان گاوکان	۲۱۸۸	۱۲۰۴۲	۶۱۲۸	۵۹۱۴
ارپادرسی	۴۱	۲۴۷	۱۲۱	۱۲۶
ارتشتناب	۷۹	۴۵۵	۲۳۸	۲۱۷
استیار	۹۲	۵۹۳	۳۳۰	۲۶۳
اسفنگره	۷۲	۴۹۵	۲۵۹	۲۳۶
اسکندر	۱۳۴	۷۰۸	۳۶۸	۳۴۰
اشتق سفلی (قوچ‌دوله)	۱۶۳	۸۷۳	۴۵۲	۴۲۱
اشتق علیا (اوچ‌دوله)	۱۴۷	۷۵۵	۳۹۹	۳۵۶
اکین آباد	۴۶	۳۰۷	۱۴۷	۱۶۰
الوار	۱۴۹	۷۴۵	۳۶۹	۳۷۶
الونده	۴۸	۲۷۴	۱۴۹	۱۲۵
الانق (آلانا)	۳۵۶	۱۶۸۷	۸۶۷	۸۲۰
ایرانك	۳۹۵	۱۹۲۴	۹۸۰	۹۴۴
ایمناب (ایمنو)	۶۳	۴۰۱	۱۹۹	۲۰۲

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
بخشایش	۷۹۹	٤٠٥٢	۲۰۸۰	۱۹۷۲
بخش نو	۳۰	۱۵۵	۷۸	۷۷
تازه کند	۹۱	٤٦٨	۲۳۵	۲۳۳
تازه کند	٦	۳۸	۲۲	١٦
ترکمبور	۱۳۱	۸۰۷	٤٠١	٤٠٦
ترکه‌داری	۱۲۳	٦٥٣	۳۱۸	۳۳۵
جانبهان(گانبهان)	۱۲۱	۷۷۰	۳۹٤	۳۷٦
جوقان بزرگ	۱۱۰	٦٣١	۳۲۸	۳۰۳
حصار	٦٦	۳۹۹	۲۰۷	۱۹۲
خاتون آباد	٦٨	٤١٩	۲۱۰	۲۰۹
خیره‌مسجد	۱۰۵	۵۵۸	۲۸٤	۲۷٤
دانشسرای کشاورزی	٦	۱۸۷	۱۸۷	۰
دیزناب	۹۸	۵۳۸	۲۷۹	۲۵۹
زینگش	۱۷	۹٤	٤٨	٤٦
ساران	۸۰	٤٨۵	۲۵۵	۲۳۰
سعیدآباد	٤٠٤	۲۱٤۱	۱۱٤۵	۹۹٦
سکان‌سرای	۲۸٤	۱۸۲۱	۹۲۸	۸۹۳
سیستان قدیم	۲۳۹	۱۳۷۸	٦۸۳	٦۹۵
سیستان نو	۳۹	۲۲۷	۱۱٤	۱۱۳
شاه‌مرس	۳۵	۲۳۵	۱۲٤	۱۱۱
شبلی	٤٠	۱۸۷	۹۳	۹٤
قرنجه(قاربنجه)	٤٨	۲۹٦	۱٤٦	۱۵۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزلجه‌میدان	۳۱	۱۷۵	۱۰۲	۷۳
قویچاق	۱۴	۸۶	۴۸	۳۸
کر	۲۷۶	۱۲۷۶	۶۵۶	۶۱۱
کرد کندی	۲۷۰	۱۴۱۰	۷۰۷	۷۰۳
گرگان	۲۸۰	۱۶۰۷	۸۰۳	۸۰۴
کلوانق (کلوانا)	۵۰۹	۲۷۷۸	۱۴۳۹	۱۳۳۹
کلوکدره	۲۲	۱۴۰	۸۳	۵۷
کندول	۳۶	۲۰۳	۹۷	۱۰۶
گوار	۲۷	۱۵۳	۷۵	۷۸
ملککیان	۷۶	۴۳۹	۲۲۵	۲۱۴
میاردان	۷۸	۵۳۴	۲۸۱	۲۵۳
نعمت‌آباد	۱۲۱	۶۴۸	۳۴۱	۳۰۷
نوجه‌سادات	۲۴۳	۱۳۰۳	۶۸۵	۶۱۸
نهر	۷۴	۵۱۲	۲۶۹	۲۴۳
یوسف‌آباد	۶۵	۴۱۶	۲۲۱	۱۹۵
جمع دهستان مهران رود	۶۸۵۲	۳۷۶۷۴	۱۹۴۶۹	۱۸۲۰۵
اسماعیل‌کندی	۱۶	۹۴	۵۸	۳۶
اندیس	۹۸	۵۱۹	۲۶۶	۲۵۳
اینجه کندی‌چیچك لوقربان	۲۰	۱۲۰	۵۴	۶۶
برازین	۱۶۷	۷۹۴	۴۱۹	۳۷۵
تازه کند	۴۴	۲۵۶	۱۳۷	۱۱۹
ترکایش	۹۹	۵۱۴	۲۶۳	۲۵۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جنگل	۷	٤۸	۳۰	۱۸
خانقاه	۸۱	٤٤۷	۲۳۷	۲۱۰
خشکناب	۱٤۲	٦٥٤	۳۲٦	۳۲۸
شیران	۳۲	۱۹۲	۹۹	۹۳
قانقالو	۷	۳۸	۱۹	۱۹
قره‌تریاق	۳	۱۰	٦	٤
قوملو	۱۱	٦۱	۳٤	۲۷
گوراوان	۱۷۲	۸۱۱	٤۲٤	۳۸۷
موسی‌لو	۱۱۱	٥۳٤	۲۷۲	۲٦۲
مهرام	۳۲	۱۸۱	۹۲	۸۹
ناحیه	٦۰	۳٤٤	۱۸۱	۱٦۳
نوجه‌ده	۷۲	۳۳٤	۱۷۲	۱٦۲
نهران	٦۸	۳۲۳	۱۷۳	۱٥۰
هرزه‌ورز	٤۲	۲۱٦	۱۰۸	۱۰۸
هیق	۸۷	٥۲٥	۲۷۰	۲٥٥
جمع دهستان هریس خانمرود	۱۳۷۱	۷۰۱٥	۳٦٤۰	۳۳۷٥
ارسون (درسین)	٦۷	۳۱۳	۱٦۲	۱٥۱
اغبلاغ	۹٥	٥۱٤	۲۷۲	۲٤۲
الهاشمسفلی (الشما)	۹۸	٤۸۰	۲٥٦	۲۲٤
الهاشمعلیا (الشما)	۱۱۰	٥٥٦	۲۹۳	۲٦۳
اناویز (انوس)	٤۱	۲۱۲	۱۱۱	۱۰۱
اندبیل	۲٤۹	۱٤۰۸	۷۲۳	٦۸٥

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ایلوانق(انیالاوا)	۵۲	۲۵۷	۱۴۳	۱۱۴
بفراجرد (وارهادارد)	۱۸۰	۹۶۳	۵۰۹	۴۵۴
بلیل	۵۶	۲۸۹	۱۵۲	۱۳۷
پروج(پریك)	۱۱۹	۶۶۰	۳۴۳	۳۱۷
ترزنق	۸۳	۵۱۴	۲۷۷	۲۳۷
ترك	۴۲	۲۴۶	۱۳۵	۱۱۱
تولش	۱۵۶	۷۱۴	۳۷۲	۳۴۲
چالگر (چلری)	۵۳	۳۱۹	۱۷۲	۱۴۷
خانقاه‌بفراجرد	۱۸۷	۹۳۲	۵۰۰	۴۳۲
خانقاه‌سادات(فینه)	۷۶	۳۶۳	۲۰۴	۱۵۹
خوجین(فیین)	۴۱۹	۲۱۵۲	۱۱۱۷	۱۰۳۵
زاویه‌سادات	۱۲۱	۶۴۵	۳۲۴	۳۲۱
زردشت‌آباد (گلی‌قهوه‌سی)	۹	۵۹	۳۱	۲۸
سنجبدله(سنجلی)	۷۵	۴۲۴	۲۲۱	۲۰۳
شیخ‌جانلو(شیخ‌خان)	۱۹	۱۲۰	۶۲	۵۸
علی‌آباد(آلوار)	۱۰۱	۵۴۲	۲۸۵	۲۵۷
قره‌اغاج(قره کهل)	۳۹	۲۱۰	۱۱۴	۹۶
قزل‌درق(قزل‌دره)	۴۴	۲۴۹	۱۴۵	۱۰۴
کلی	۱۹۸	۱۰۰۴	۵۲۸	۴۷۶
کهران	۵۰	۲۷۶	۱۵۱	۱۲۵
گاودول	۵۷	۳۱۴	۱۶۶	۱۴۸
گرمخانه	۴۰	۲۳۵	۱۳۵	۱۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کزاز	۷۵	۴۰۱	۲۰۷	۱۹۴
گل‌تپه	۳۵	۱۹۹	۱۰۲	۹۷
گلوجه (گولوجه)	۶۴	۳۵۸	۱۹۲	۱۶۶
گوران‌سراب	۱۲۵	۷۴۳	۳۸۰	۳۶۳
لمه‌دشت	۱۷۶	۸۴۹	۴۳۶	۴۱۳
مجره	۲۵۳	۱۳۸۲	۷۶۲	۶۲۰
مزجین	۱۲۰	۶۳۴	۳۳۵	۲۹۹
نیاخرم (نی‌خر)	۴۳	۲۲۲	۱۱۶	۱۰۶
وارث‌آباد	۳۱	۱۶۴	۹۴	۷۰
یلوجه	۵۱	۳۰۶	۱۶۳	۱۴۳
یوزناب (ایزناب)	۳۲	۱۸۶	۱۰۲	۸۴
جمع دهستان خانه بیل	۳۸۴۱	۲۰۴۱۴	۱۰۷۹۲	۹۶۲۲
ارجلیك	۲	۱۹	۹	۱۰
اردبیلق	۲۱	۱۰۳	۵۲	۵۱
ازناوسر	۴	۲۵	۱۵	۱۰
اسمرود (اسمری)	۴۵	۲۷۳	۱۳۴	۱۳۹
اقسو	۱۴	۷۱	۳۷	۳۴
امامزاده	۱	۵	۱	۴
اهو	۱۰	۷۲	۳۷	۳۵
برندق	۱۷۵	۹۱۳	۴۹۳	۴۲۰
بورکهیم	۳۵	۲۰۱	۱۱۱	۹۰
بیرق (برگه)	۱۳۵	۶۵۵	۳۶۷	۲۸۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بیله‌ده	۲۱	۱۰۳	٤٨	۵۵
پیشگمان	۱۳	۸۰	٤٩	۳۱
ترازوج (ترزی)	۸۸	٤۵۷	۲۳۸	۲۱۹
جعفرآباد	۹۹	۵۳۱	۲۸۲	۲٤٩
چای‌قوشان	۵	۲٤	۱۱	۱۳
چنار	۵۹	۳۳٤	۱٦۷	۱٦۷
چناران	۱	۱۰	۷	۳
چنارلق	۷۵	۳۷۵	۱۹۲	۱۸۳
چهارخانوار(سقزچی)	۱۸	۸۵	٤۵	٤۰
حاجی‌آباد(بیرق)	۲	۵	۲	۳
حاجی‌آباد	۱	۸	٦	۲
خط پرست	۱۲	۵٦	۲۷	۲۹
خوشنامه	٤۷	۲۸۱	۱۳۸	۱٤۳
دایو	٤۱	۲۲٤	۱۱۷	۱۰۷
دمدول	۵۲	۲۵۸	۱۳٦	۱۲۲
دوستلو	۱٤	۹٦	٦۱	۳۵
دوگر(دور)	۳۷	۱۷۰	۹۱	۷۹
زاویه‌جعفرآباد (زیوه)	۲۳	۱۰۹	۵٤	۵۵
زاویه کیوی	۲٤	۱۲۵	٦۵	٦۰
زندوق	۱۲	۷۷	٤٦	۳۱
ساربانان	۷	٤۲	۲٤	۱۸
سجهرود	۵۷	۳۵۵	۱۸۵	۱۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سفیداب(اسبو)	۴۲	۲۵۱	۱۳۵	۱۱۶
سلوا	۱۰	۵۹	۲۸	۳۱
سوران	۶۸	۳۸۱	۲۰۱	۱۸۰
سوسهاب[۹] (سوساوا)	۹۶	۵۷۰	۳۱۴	۲۵۶
شوره‌خانه	۵	۳۵	۱۷	۱۸
شیخلر	۱	۹	۵	۴
طویستان	۲۴	۱۲۴	۶۵	۵۹
غیاثاباد(تنناب)	۸	۴۷	۲۶	۲۱
منامن	۱۰۱	۴۶۸	۲۴۷	۲۲۱
قره‌تکان	۱۹	۱۰۲	۵۴	۴۸
قشلاق‌برندق	۲۱	۱۰۶	۵۹	۴۷
قهوه‌خانه‌بورکیم	۱	۴	۲	۲
قهوه‌خانه دوستعلی	۱	۱	۱	۰
کبودجی(کوجی)	۱	۵	۴	۱
کرگزلو	۴۱	۱۹۳	۱۰۱	۹۲
کرنق	۱۱۳	۴۴۸	۲۵۰	۲۳۸
کزج(کزن)	۲۰۹	۱۰۵۶	۵۲۹	۵۳۶
کمر	۳۲	۱۴۸	۸۵	۶۳
کمردرق سفلی	۳	۱۸	۱۲	۶
کمردرق علیا	۷	۵۶	۳۲	۲۴
کندرق	۵	۳۲	۱۷	۱۵
گهراز	۱۵۷	۸۲۷	۴۲۱	۴۰۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گهیك (نولوبولاق)	۱۶	۷۴	۳۸	۳۶
گیوی	۵۴	۲۴۶	۱۰۷	۱۳۹
گل گلاب	۳۱	۱۷۶	۹۴	۸۲
گلوجه	۱۴	۹۶	۳۶	۳۳
محمود آباد (محمودآوا)	۳۳	۱۹۶	۱۰۱	۹۵
مره‌جین	۵۰	۲۷۰	۱۳۹	۱۳۱
مزرعه	۲۷	۱۴۰	۷۶	۶۴
میانسرا	۶	۳۵	۱۷	۱۸
نساز	۱۱۸	۶۰۱	۲۱۰	۲۹۱
نوده	۷۳	۳۶۸	۱۹۴	۱۷۴
نیمه هیل	۸۱	۴۰۲	۱۹۹	۲۰۳
ونن	۱۶	۹۲	۵۴	۳۸
ویو	۱۴	۹۰	۴۳	۴۷
هشجین	۵۵۳	۲۸۱۳	۱۴۷۶	۱۳۳۷
هشی	۸۱	۴۱۷	۱۹۹	۲۱۸
جمع دهستان خورش رستم	۳۲۸۲	۱۷۱۲۰	۸۹۳۵	۸۱۸۵
ابلی سفلی	۴۳	۲۳۱	۱۲۴	۱۰۷
احمدآباد	۸۱	۴۳۶	۲۲۸	۲۰۸
ارپاچایی	۸۰	۴۶۰	۲۴۶	۲۱۴
اسفرنجان جدید	۵۳	۲۹۲	۱۵۴	۱۳۸
اسیابموتوری صمدیان	۲	۳	۳	۰
اصفهاباد	۲۶	۱۹۴	۱۰۱	۹۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اغچه قشلاقی سفلی (هور آتلو)	۱۰	٤٥	۲۲	۲۳
اغچه قشلاق علیا (اصلانی)	۵۷	۲۸۵	١٤٦	۱۳۹
آفتابه (آفتاوا)	۵۷	۳٤۳	۱۸۳	۱۶۰
افشار علیا (اوشار)	۳۶	۱۷۳	۸۵	۸۸
اقعلی قشلاقی	۹	۳۸	۱۹	۱۹
اقامیرلو	۸۱	٤٥٠	۲۳۲	۲۱۸
اقباش (آباش)	۱۲۲	٦١٦	۳۳۹	۲۷۷
اقبلاغ	۸۲	٤٢٦	۲۳۷	۱۸۹
الو	٦٧	٤٢٠	۲۱۹	۲۰۱
الانکش (الیکش)	۸٦	٤٧٢	۲۵۲	۲۲۰
ام آباد (اموا)	۳۹	۲۲۸	۱۱٦	۱۱۲
امیر آباد	۳۰	۱۸۳	۹۷	۸٦
واشانق (هاواشان)	٦٠	۳۵۳	۱۸٦	۱٦۷
اوجبلاغ	۳۵	۲۰۰	۱۰۸	۹۲
اوجغاز بالا	۸٤	۳۹٦	۲۲۱	۱۷۵
اوجغاز پائین ـ خداقلی قشلاقی	۲۲	۱۰٤	۵۲	۵۲
ایبلی علیا	۳۹	۲۵۹	۱٤۹	۱۱۰
ایلخچی	۳٦	۲٤۵	۱۳٦	۱۰۹
باغچه جیق	٥٤	۲۷۹	١٤٦	۱۳۳
بلوکانلو	۱۳۹	٦۷۸	۳۵۱	۳۲۷
بنماران	۱۲۷	۷٤۳	۳۹۳	۳۵۰
بنه خلخال	٤٠	۲۳۵	۱۳۱	۱۰٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بنیادآباد (مکیلانی)	۱۳۹	۷۵۷	۴۰۳	۳۵۴
بورستان	۹۲	۴۹۹	۲۷۰	۲۲۹
پارس آباد	۲۶	۱۴۰	۶۹	۷۱
پردستلو (پیردستی)	۸۵	۴۷۰	۱۳۶	۲۴۳
پر گو	۹۳	۵۵۲	۳۱۴	۲۳۸
پره‌نی	۳۵	۱۹۱	۱۰۵	۸۶
پیراغاج	۷۵	۴۲۸	۲۳۹	۱۸۹
پیرانلو	۳۹	۱۸۰	۹۲	۸۸
پیریداغ (پیر بوداغ)	۷۴	۴۴۱	۲۲۷	۲۱۴
تابکی افشار	۱۰	۵۲	۳۱	۲۱
تبریزق	۶۱	۳۷۰	۱۹۱	۱۷۹
توشمالو	۴۹	۲۸۵	۱۵۹	۱۲۶
جقناب	۶۹	۳۹۸	۲۰۹	۱۸۹
چلمبر	۶۰	۲۹۹	۱۷۴	۱۲۵
حاجی‌آباد	۱۷	۷۹	۳۹	۴۰
خلفلو	۹۴	۵۴۶	۲۹۷	۲۴۹
خلیفه چایی	۶	۲۹	۱۷	۱۲
داود خانی	۳۰	۱۵۶	۷۹	۷۷
دولت آباد	۵۶	۳۳۸	۱۶۶	۱۷۲
رستم آباد	۱۱	۷۱	۳۱	۴۰
زاویه (زاویه‌درج آباد)	۶۷	۴۱۷	۲۲۸	۱۸۹
زاویه کرد	۸۲	۴۱۹	۲۲۶	۱۹۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زرج آباد	۱۸۲	۱۱۹۹	۶۳۳	۵۶۶
زناب	۲۹	۱۷۵	۸۹	۸۶
زند	۲۸	۱۵۸	۸۳	۷۵
سقاواز (ساق‌واز)	۱۰۱	۵۵۸	۲۸۱	۲۷۷
سکرآباد (سهل‌آباد)	۹۴	۵۰۹	۲۶۹	۲۴۰
سلوکلوگل	۴۰	۲۲۸	۱۲۶	۱۰۲
سنگ آباد	۱۴۲	۸۰۶	۴۱۴	۳۹۲
سوته زار	۵	۲۲	۱۱	۱۱
سوره برق (سوره‌مره)	۵۴	۳۰۳	۱۵۸	۱۴۵
شاهسوارلو	۳۲	۱۵۵	۷۷	۷۸
شرج آباد	۲۹	۱۵۶	۹۱	۶۵
شرف‌آباد (شرف‌آوا)	۱۷	۹۸	۵۲	۴۶
شوپر	۲	۱۳	۶	۷
صوفلو	۹۸	۵۲۹	۲۷۶	۲۵۳
عرصه دوگاه	۶۵	۳۰۴	۱۶۱	۱۴۳
عظیم آباد (تتاوا)	۲۰	۱۱۷	۶۷	۵۰
علی‌آباد (آلوار)	۴۲	۲۴۰	۱۲۷	۱۱۳
علاالدین (آلادین)	۲۷	۱۹۴	۱۰۷	۸۷
غفور آباد	۱۲	۶۷	۳۰	۳۷
فاراب (پرو)	۹۸	۵۳۵	۲۷۰	۲۶۵
فیروزآباد	۱۱۱	۵۴۸	۲۸۹	۲۵۹
قالین قیه	۴۳	۲۷۳	۱۴۴	۱۲۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره قشلاق	٤٤	۲۳۵	۱۱۸	۱۱۷
قشلاق	۱۱	٥٤	٢٤	۳۰
قلعه‌جوق (قالاجخ)	٤٠	۲۲۷	۱۲٥	۱۰۲
قوزلو (گوزلو)	۹۳	٥٧٥	۳۱۱	٢٦٤
کجین	٦	۲۷	۱۱	۱٦
کچل‌درق (کچل‌دره)	٦	٤٥	۲٦	۱۹
کرك‌آباد	۱۱	٥٧	۲۹	۲۸
کرندق	۷۷	٤٤٠	۲۳۱	۲۰۹
گلستان بالا	۱۲۷	٦٤٩	۳۳٦	۳۱۳
گلستان پائین	٧٥	۳٦۹	۱۹۸	۱۷۱
کلار	٣٤	۲۰۸	۱۰٤	۱۰٤
کمق (کمك)	٦٢	۳۳۷	۱۸۲	۱٥٥
کیوی بالا	۲۳٦	۱۲٦۲	٦٦۳	٥۹۹
کیوی سفلی	٥۲۳	۲۷۱۸	۱٤۲۸	۱۲۹۰
گزورسفلی (چای گزور)	٥٢	۲٦۰	۱٤۹	۱۱۱
گزورعلیا (چای گزور)	۹٤	٥۰۹	۲٦۲	۲٤۷
گنجگاه (گنجا)	۱۳٤	۷۳۹	۳۹۰	۳٤۹
گولی جان	۷۷	٤۲٦	۲۲۳	۲۰۳
گیلان دوز	۳۹	۲۸۱	۱٦۳	۱۱۸
لکندشت	۷۰	٤٧١	۲۲۸	۲٤۳
لکوان (پیدجیك)	۲۰	۱۱٤	٦٤	٥۰
لنبر سفلی	۳۳	۱۸۷	۱۰۰	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
لنير عليا	۱۳۳	۶۸۴	۳۳۹	۳۴۵
مجدر (مژور)	۱۳۰	۷۰۳	۳۷۲	۳۳۱
مراد خانی	۵	۲۹	۱۴	۱۵
مرشت (مرش)	۱۵۹	۸۵۷	۴۴۲	۴۱۵
مشکول	۱۰۴	۵۸۰	۳۱۲	۲۶۸
مصطفی‌لو	۹۱	۴۰۸	۲۰۰	۲۰۸
مورستان	۳۳	۲۰۴	۹۷	۱۰۷
میکائیل آباد	۳۵	۲۰۴	۱۰۵	۹۹
میل اغاردان	۵۰	۲۷۵	۱۵۰	۱۲۵
ناطور	۴۷	۲۴۷	۱۳۰	۱۱۷
ناوند	۴۰	۲۲۹	۱۲۱	۱۰۸
نصير آباد	۹۵	۵۱۷	۲۶۱	۲۵۶
نواشنق	۳۵	۱۹۱	۹۷	۹۴
نوده	۵۷	۲۷۶	۱۴۶	۱۳۰
نيلق (نيله)	۸۴	۴۵۳	۲۲۴	۲۲۹
نـی	۳۹	۲۲۹	۱۱۱	۱۱۸
وچين	۷۹	۴۳۶	۲۴۲	۱۹۴
هريس	۱۳۰	۷۸۱	۳۹۹	۳۸۲
هشين	۸۰	۴۷۷	۲۴۹	۲۲۸
ینکجه قشلاق	۱۸	۱۰۵	۵۲	۵۳
ییلاق لنبر	۲۱	۴۷	۲۷	۲۰
جمع دهستان سنجبد	۷۴۶۷	۴۱۲۱۳	۲۱۶۹۴	۱۹۵۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
احمد آباد	۲۶	۱۰۷	۶۱	٤۶
اسبو	۱۲۱	۶۰۱	۳۰۳	۲۹۸
اسکستان	۲۱۶	۱۰۱۵	۵٤۸	٤۶۷
اسیابعزیزآباد	۱	۲	۱	۱
الکش	٤۹	۲۸۹	۱٤۹	۱٤۰
امامزاده گلوزان	۱۱	۷۲	۳۲	٤۰
اندره	۱۲	۷٤	٤۰	۳٤
تازه کند گلوزان	۳۵	۱۹۳	۹۳	۱۰۰
تازه کند گندم‌آباد	۸	٤۱	۲۳	۱۸
تهرستان	٤	۲۸	۱۶	۱۲
تیل	۱۲۰	۶٤۲	۳۳٤	۳۰۸
جلال آباد	۹	۵۸	۳۰	۲۸
چملو گبین	۸۱	۳۸۱	۱۹۷	۱۸٤
خانقاه گیلوان	۲۵	۱۲۸	۵۷	۷۱
خمس	۵۳۸	۲۶۸۰	۱٤٤۲	۱۲۳۸
درو	۲٤۹	۱۲۰۰	۶۰۹	۵۹۱
دشت اندر	۳۹	۲۰٤	۱۰۷	۹۷
دیـز	۶۲	۳۵۳	۱۷۶	۱۷۷
دیلمه ده(دنمیده)	٤۳	۲۲۱	۱۰۸	۱۱۳
رکن آباد (روبین)	۷	۳۹	۲۲	۱۷
شال (شغال)	۲۵٤	۱۲۹٤	۶۱٤	۶۸۰
شیخ علی لر	٤۰	۲۰۷	۱۰۹	۹۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
صومعه رود بار	۱۵	۸۵	۴۹	۳۶
طهارم‌دشت (طارم‌دشت)	۳۶	۱۹۸	۹۶	۱۰۲
عزیزآباد (کرونکش)	۳۶	۱۹۳	۱۰۷	۸۶
علی‌آباد	۱۴	۷۹	۴۲	۳۷
فرج‌آباد	۲۴	۱۳۵	۷۳	۶۲
قشلاق دیز	۲۸	۱۸۳	۹۶	۸۷
قشلاق گیلوان (خلر)	۲۹	۱۸۲	۹۵	۸۷
قلـخ	۱	۶	۴	۲
قهوه‌خانه بیوکخان	۱	۳	۲	۱
قهوه‌خانه کلور	۱	۵	۳	۲
کریـن	۱۷۱	۸۳۲	۴۳۵	۳۹۷
کلور	۵۶۸	۲۸۲۳	۱۴۸۴	۱۳۳۹
کهل	۳۷	۱۹۸	۱۰۴	۹۴
کهلدشت	۳۶	۲۱۶	۱۰۵	۱۱۱
گلوزان	۶	۳۶	۲۰	۱۶
گندم‌آباد	۶۵	۳۷۲	۲۰۸	۱۶۴
گیلوان	۱۳۲	۶۰۶	۳۰۹	۲۹۷
لـرد	۲۶۷	۱۳۷۶	۷۴۲	۶۳۴
ماجولان	۱۴۰	۶۹۹	۳۷۴	۳۲۵
میان‌روادان (میان‌روان)	۶۴	۳۸۱	۲۰۴	۱۷۷
جمع دهستان شاهرود	۳۶۱۱	۱۸۴۳۹	۹۶۲۳	۸۸۱۴
ابابین	۳۱	۱۵۱	۸۱	۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
احمد آباد خانلق	۳۱	۱۶۸	۸۳	۸۵
احمد آباد گروس	۹۶	۴۳۴	۲۲۸	۲۰۶
استانجین(استائین)	۱۸۹	۹۱۰	۴۵۱	۴۵۹
اسکوق	۲۳	۱۲۸	۶۴	۶۴
افشار	۲۶	۱۳۸	۷۲	۶۶
اقکند	۳۴۷	۱۵۰۳	۷۷۳	۷۳۰
ام آباد(ام آوا)	۶۵	۳۰۴	۱۵۹	۱۴۵
اندرودعلیا(عشاق اندرود)	۴۰	۱۸۳	۹۰	۹۳
اندرودعلیا(ویخار اندرود)	۳۲	۱۸۵	۸۵	۱۰۰
اورق	۱۱	۷۴	۳۷	۳۷
بادلو	۳۶	۱۶۸	۹۲	۷۶
بارانقار	۱۱۵	۵۵۸	۲۹۹	۲۵۹
باش بلاق	۳۰	۱۶۱	۷۷	۸۴
باش سیز	۱۹	۱۰۴	۵۳	۵۱
باغبانان سفلی	۱۰	۵۲	۲۶	۲۶
باغبانان علیا	۲۶	۱۳۲	۷۱	۶۱
باغچه غاز بالا(باغجقار)	۹۶	۴۴۰	۲۳۳	۲۰۷
بهمن آباد	۶۲	۳۱۵	۱۵۷	۱۵۸
بیرون	۱۲۰	۵۹۸	۳۰۲	۲۹۶
بیرونده	۹۲	۵۲۷	۲۷۵	۲۵۲
تازه کند (گواق)	۲۰	۱۰۸	۵۶	۵۲
تختمشلو	۷۵	۴۰۵	۲۱۱	۱۹۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جزیمق	٦٩	٣٢٣	١٦٠	١٦٣
چومالو	٨٧	٤٤٣	٢٢٧	٢١٦
حاجی سیران	٨٩	٤٩٦	٢٤٦	٢٥٠
حاجی محمود لو	٣٤	٢٠٧	١١٤	٩٣
حاجی میر	٨٢	٤٢٧	٢٢٤	٢٠٣
حبش	١٤	٧٥	٣٧	٣٨
حسن آباد	٥٠	٢٣٣	١٢٨	١٠٥
حصارلو	٤٠	١٥٥	٧٥	٨٠
حماملو سفلی	٦٩	٣٣٣	١٧٢	١٦١
حماملو علیا	٢٨	١٤٨	٦٦	٨٢
خلف	٩٢	٤٦٧	٢٤٩	٢١٨
خورده بلاغ	١١٦	٦٢١	٣١٦	٣٠٥
خیر آباد	٥٥	٢٥٣	١١٧	١٣٦
داش بلاغ	٣٣	١٥٤	٨٥	٦٩
دنبلی (بلاقلو)	٢٣	١١٧	٦١	٥٦
دورمج (دویچ)	٢٣	١٤٧	٧٦	٧١
دیز	٥٢	٢٨٣	١٤٤	١٣٩
دیز گوین	٥١	٢٦٠	١٢٦	١٣٤
رشت آباد	٤٦	٢١٦	١٠٧	١٠٩
رشید آباد	٨٧	٤٤٢	٢٣٤	٢٠٨
زرنجین	٤٤	٢٢٩	١١٩	١١٠
زناری	٩	٣٠	١٦	١٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سالار آباد (قرجه‌لر)	۱۹	۱۰۷	۵۳	۵٤
سردرق	۲٤	۱۱۱	۵۸	۵۳
سلیمان بلاغ	٦۳	۳۱۵	۱۵٦	۱۵۹
سلیمان قشلاق	۲۱	۹۰	٤۸	٤۲
سلمانلو	۵٦	۲۵٦	۱۳۲	۱۲٤
سنجده	۲۷	۱۲۵	۵۸	٦۷
سورق	۳٤	۱۷۰	۸۳	۸۷
سهل آباد	۳٤	۱۹٤	۱۰۳	۹۱
شاه علی بیگلو	۳۲	۱۷۵	۹۷	۷۸
شمس آباد	۱۱۲	٦۱۹	۳۱٦	۳۰۳
شهر آباد	۱۵	۷۹	٤۳	۳٦
شهیدلو	٤۵	۲۱۳	۱۱٤	۹۹
شیخلر (مشایخ)	٤۱	۲۱٤	۱۰۳	۱۱۱
شیرین بلاغ	٤۵	۲۰۳	۱۰۳	۱۰۰
طریستان	۱۳	۷۱	۳۹	۳۲
طوین	۵۱	۲۵٦	۱۲۱	۱۳۵
علیاجه	۱۰	٤۱	۲۲	۱۹
قارابسفلی	۵٤	۲٦۲	۱۲۷	۱۳۵
قارابعلیا (باش کرو)	۳۹	۲۰۹	۱۱۱	۹۸
قاضی کندی	۳۱	۱٦۳	۸۰	۸۳
قاضی لو	۳۰	۱۳۹	۷٦	٦۳
قره اغاجلو	۳٦	۱۵۸	۹۰	٦۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره بلاغ	۱۷۴	۶۹۹	۶۵	۳۳۴
قره‌حاجیلو	۷	۴۷	۲۹	۱۸
قره صفر لو (قشلاق)	۶	۳۲	۱۵	۱۷
قره‌قانلو(قشلاق ماوی)	۱۱	۴۹	۲۳	۲۶
قره قانلو	۳۹	۲۰۲	۱۱۴	۸۸
قره قیه	۱	۲	۱	۱
قزل بلاغ	۴۲	۲۰۱	۱۱۳	۸۸
قزلجا	۱۰	۵۳	۲۵	۲۸
قشلاق	۴۹	۲۳۸	۱۳۲	۱۰۶
قشلاق جلودار	۲۰	۱۱۶	۶۳	۵۳
قلعه اصلانیان	۲۰	۹۵	۵۱	۴۴
قلعه سنگ	۱۹	۱۰۳	۵۰	۵۳
قندر قالو	۱۰۳	۵۲۳	۲۸۴	۲۳۹
قوچغار	۷۱	۳۳۵	۱۶۹	۱۶۶
قوسجین	۶۰	۳۰۰	۱۵۷	۱۴۳
قوشه بلاغ	۱۶۲	۸۰۳	۴۲۳	۳۸۰
کاوان	۲۹	۱۶۴	۹۲	۷۲
کبریک	۲۵	۱۲۱	۵۹	۶۲
کجل	۱۰۷	۶۲۷	۳۵۲	۲۷۵
کلیان	۶۱	۳۰۱	۱۵۵	۱۴۶
کنجین	۵۶	۲۹۴	۱۵۷	۱۳۷
کوهستانق	۲۸	۱۵۶	۷۵	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کهورین	۳۶	۲۲۲	۱۱۵	۱۰۷
گاو (گو)	۹۹	۴۳۵	۲۲۳	۲۱۲
گجلیك	۲	۱۴	۹	۵
گل تپه	۶۲	۳۲۸	۱۶۶	۱۶۲
گل تپه حسن آباد	۵۶	۲۶۷	۱۳۹	۱۲۸
گل گلاب	۱۹	۱۰۵	۴۸	۵۷
گل میشه (دورداوله)	۲۰	۱۰۹	۵۲	۵۷
گلوجه	۵۶	۲۶۷	۱۴۴	۱۲۳
گورجق	۱۰۶	۵۱۳	۲۸۳	۲۳۰
لله لو	۱۶۰	۷۱۸	۳۶۳	۳۵۵
مامان	۳۷۱	۱۶۶۷	۸۵۴	۸۱۳
ماوی	۴۵	۲۲۶	۱۱۶	۱۱۰
مظفر لو	۱۱	۶۸	۳۵	۳۳
معدن رشت آباد	۲۱	۷۷	۵۲	۲۵
مهدی آباد	۴	۲۳	۱۱	۱۲
میدجین	۶۹	۳۲۵	۱۵۵	۱۷۰
نزه کوه (دولباغی)	۱۲	۶۶	۳۴	۳۲
وردوق	۷۰	۴۰۸	۲۰۵	۲۰۳
ورمزیارسفلی	۲۶	۱۱۹	۶۶	۵۳
ورمزیار علیا	۴۱	۱۹۳	۱۰۰	۹۳
ورواثین	۲	۸	۵	۳
ولستان	۱۹	۸۱	۴۱	۴۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یان بلاغ	۷۲	۳۴۱	۱۷۷	۱۶۴
یین کند (ینگی کند)	۱۷	۷۴	۴۱	۳۳
جمع دهستان کاغذکنان	۶۰۸۶	۳۰۰۹۰	۱۵۵۴۵	۱۴۵۴۵
اسفستان	۱۵۷	۱۰۰۴	۵۱۸	۴۸۶
اغمیون	۴۸۵	۲۶۷۵	۱۳۹۷	۱۲۷۸
ایده لو	۷۲	۴۳۰	۲۱۴	۲۰۶
پاپا لو کلانتر غلام	۴۳	۲۷۰	۱۳۶	۱۳۴
پاپالی	۹۰	۴۸۵	۲۵۹	۲۲۶
کوی کارمندان	۱۹۰	۱۱۲۸	۵۷۱	۵۵۷
تازه کند	۳۸	۲۰۳	۱۰۶	۹۷
چله خانه	۲۹	۱۵۰	۷۳	۷۷
حیدر آباد	۱۷	۱۲۸	۷۲	۵۶
خضر آباد	۲۳	۱۲۵	۶۹	۵۶
در آب	۱۱۴	۶۴۸	۳۲۲	۳۲۶
دیبکلو	۲۹	۱۵۵	۸۹	۶۶
ساغرچی	۵۶	۲۹۰	۱۶۰	۱۳۰
سرخه ریز	۵۴	۳۲۳	۱۶۷	۱۵۶
سندان	۷۳	۴۱۱	۲۱۱	۲۰۰
سوین	۱۱۶	۶۲۱	۳۲۰	۳۰۱
سهراب	۳۴۳	۱۸۸۰	۹۸۴	۸۹۶
صندوقلو	۳۶	۲۵۴	۱۴۰	۱۱۴
صومعه	۶۶	۳۵۸	۱۹۸	۱۶۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
فرگوش	۲۲۰	۱۳٤٦	۷۱۸	٦۲۸
قره مسجد	٤۲	۱۹۸	۱۰٦	۹۲
قصرداغ	۲۷	۱۷۱	۹۳	۷۸
کرده مهین	۳۰۰	۱٤۷۹	۷۹۵	٦۸٤
کلیان	۱۵۹	۹۱۹	٤٦۲	٤۵۷
کلی	۱٤	۹۲	٤٦	٤٦
گرخ بلاغ	۵۹	۳۸۷	۲۰۰	۱۸۷
گرگانه	٤۰	۲۳۷	۱۲۳	۱۱٤
مشهدی کندی	۲۸	۱۷۰	۸۹	۸۱
ممکندی	٦۲	۳۰۷	۱۷۷	۱۳۰
میدانچوق	٤۱	۲۳۵	۱۳٦	۹۹
نشتبان	۳۰	۱۵٦	۹۷	۵۹
جمع دهستان آغمیون	۳۰۵۳	۱۷۲۲۵	۹۰٤۸	۸۱۷۷
ابرغان	۳٤۲	۲۱۰۰	۱۱۱٤	۹۸٦
احمد آباد سفلی	۱۲٦	٦٦۸	۳۵۸	۳۱۰
احمد آباد علیا	٤٤	۲۷۱	۱٤۷	۱۲٤
اسماعیل آباد	۱۰۰	۵۹۰	۲۹۰	۳۰۰
اغچه کند	۹٤	۵۰۳	۲٦۷	۲۳٦
اناقز	۲۳۸	۱۳۱۲	٦۸۰	٦۳۲
ایوق	۳۲۳	۱٦۷۵	۸۹٦	۷۷۹
بلفتان	۱۷۵	۹۷٤	۵۲٤	٤۵۰
برنج آباد	۵۸	۳۵۱	۱۹۲	۱۵۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بهرمان	۵۵	۳۶۶	۲۰۱	۱۶۵
چرلو	۴۵	۲۲۷	۱۲۱	۱۰۶
چچگلو	۱۱۳	۶۱۳	۳۲۲	۲۹۱
خاکی	۱۷۷	۱۰۲۴	۵۲۵	۴۹۹
داراب	۳۸۴	۱۹۷۳	۱۰۴۵	۹۲۸
دانبران	۲۸۴	۱۵۰۷	۷۹۷	۷۱۰
دوز دوزان	۳۱۵	۱۷۳۲	۸۸۶	۸۴۶
دولت آباد	۱۴۷	۷۹۵	۴۱۰	۳۸۵
دهدولان	۸۸	۴۹۲	۲۵۷	۲۳۵
شربیان	۵۳۴	۲۷۰۳	۱۳۶۲	۱۳۴۱
عباس آباد	۱۷	۹۶	۶۰	۳۶
قارقا	۱۸۲	۸۶۲	۴۵۳	۴۰۹
قریق	۵۶	۲۷۷	۱۴۱	۱۳۶
قزلجه اکراد	۴۹	۳۱۱	۱۵۲	۱۵۹
قوشچی	۱۵۴	۹۲۷	۵۱۰	۴۱۷
قوشه گنبد	۶۸	۴۸۷	۲۶۴	۲۲۳
کهدولان	۱۱۵	۶۴۳	۳۵۳	۲۹۰
لنجوان	۵۸	۳۲۱	۱۴۶	۱۷۵
منکرآباد	۸۶	۴۳۰	۲۴۸	۱۸۲
جمع دهستان ابرغان	۴۴۲۷	۲۴۲۳۰	۱۲۷۲۱	۱۱۵۰۹
ابرس	۱۱۶	۵۷۹	۲۸۶	۲۹۳
اسبقران	۸۰	۴۴۸	۲۰۸	۲۴۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اسطلولجبین	۱۵۵	۸۱۰	۴۱۳	۳۹۷
چقوش	۲۴۲	۱۲۴۰	۶۵۵	۵۸۵
حسنجان کوه	۷۶	۳۹۳	۲۰۰	۱۹۳
دیزج سفید	۱۸	۹۸	۵۱	۴۷
دیزج عظیم	۱۰	۷۰	۳۵	۳۵
رازلیق	۷۵۲	۳۶۵۶	۱۹۵۳	۱۷۰۳
شیرمردان	۴۶	۲۴۳	۱۲۹	۱۱۴
شیره جین	۳۴۳	۱۷۲۸	۸۴۹	۸۷۹
قزلقیه	۸۱	۴۴۳	۲۲۴	۱۹۹
قلعه جوق	۵۰۳	۲۷۶۳	۱۴۴۶	۱۱۳۷
قورخود	۶۵	۳۵۰	۱۸۹	۱۶۱
کندوان	۹۱	۴۵۴	۲۳۰	۲۲۴
کواشین	۶۹	۳۳۵	۱۸۲	۱۵۳
میر کوه حاجی	۵۲	۲۸۰	۱۴۹	۱۳۱
میر کوه علی میرزا	۸۸	۴۴۱	۲۳۰	۲۱۱
میر کوه‌سلطان	۸۳	۴۶۲	۲۶۳	۱۹۹
جمع دهستان رازلیق	۲۸۷۲	۱۴۷۹۳	۷۷۱۲	۷۰۸۱
اردها	۳۳۵	۱۸۶۹	۹۵۸	۹۱۱
اسبقران	۸۵	۴۳۶	۲۲۸	۲۰۸
اقبلاق بهمن	۲۴	۱۴۴	۸۰	۶۴
امامچای	۱۸۰	۱۲۰۶	۶۳۹	۵۶۷
ایرج	۳۰	۱۸۱	۱۰۰	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جلده باخان	۲۳۲	۱۲۲٤	٦٤۲	۵۸۲
حسنجان	۸۰	٤٤۳	۲۳۲	۲۱۱
زیری	۷۹	٤۸۰	۲٦۲	۲۱۸
سلطان آباد	۱۱۱	۷۵۱	۳۹٦	۳۵۵
سنزیق	۱٦۳	۹۳۵	٤۹٦	٤۳۹
شکردره	۷	۳۷	۲۳	۱٤
شوره دل	۷۰	۳۹۷	۲۰۳	۱۹٤
شیخ شرجین	۷۷	٤۷۵	۲۵٦	۲۱۹
طاران	۵٦	۳۲۱	۱٦۲	۱۵۹
عبدالله آباد	۲٦	۱٤٤	٦۹	۷۵
عسکر آباد	۱٦۰	۸۵۹	٤۵۰	٤۰۹
کادیجان	۱۲۲	۷۳۲	۳۹۳	۳۳۹
گوشنق	۱۹	۸۹	٤۹	٤۰
ملایعقوب	۸٦	٤٦۷	۲٤۳	۲۲٤
منقوطای	۱۵۳	۸٤۵	٤۵۰	۳۹۵
ناراب	۷۰	٤۳۱	۲۳۸	۱۹۳
نرمیق	۱۲۲	٦۷۹	۳۳۸	۳٤۱
وانق سفلی	۱۰۷	۵۵۷	۲۹۵	۲٦۲
وانق علیا	۵۳	۲۷۸	۱۵۹	۱۱۹
جمع دهستان ملایعقوب	**۲٤٤۷**	**۱۳۹۸۰**	**۷۳٦۱**	**٦٦۱۹**
اسبقروشان	٦۰۸	۳۱۹۸	۱٦۷٤	۱۲۵٤
اشتجران	۱۰۰	٤۹۵	۲٦۹	۲۲٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
الله حق	۳۶	۱۸۹	۹۶	۹۳
اندراب	۲۲٤	۱۳۱٦	٦۹۸	٦۱۸
اوغان	۳۰۵	۱۵۲٤	۸۰۷	۷۱۷
ایدرشان	۲٤	۱٤۵	۸۰	٦۵
برکاب	۳٤	۱۳۹	۷۸	٦۱
بیجند	٤۲۰	۲۰۲۲	۱۰٤۰	۹۸۲
توکلدان	۱۰۲	٦۰۰	۳۱۹	۲۸۱
تیر شاب	۳٤	۱۹۸	۱۰۷	۹۱
جهیز دان	۱٦۰	۸۱٦	۳۹۳	٤۲۳
حصار	۲۷	۱۸۸	۹۱	۹۷
دامنجان	۲۱۹	۱۰۹۹	۵٤۵	۵۵٤
دونیق	۸۵	٤۵۷	۲٤۳	۲۱٤
زیراسف	۱۰۵	٤۸۳	۲٦۷	۲۱٦
سرانسرا	۸۰	٤۲۷	۲۲٦	۲۰۱
سردها	۲۷٦	۱۵٤۳	۸۳۸	۷۰۵
شالقون	۲۰۹	۱۰۷۷	۵۵۲	۵۲۵
صومعه ملکشاه	۵۷	۲٦۹	۱۳۹	۱۳۰
قشلاق	۳۷	۱۹۳	۹۸	۹۵
گاودوش آباد	۸٦	٤۹۳	۲٤۹	۲٤٤
گنبدان	۳٦	۲۳۵	۱۱۸	۱۱۷
گیلك آباد	۱۳۷	۷٤۲	۳۸۱	۳٦۱
مهین	۱٤٦	۷٤۸	۳۸٦	۳٦۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
هریس	۴۰۵	۲۰۱۸	۱۰۱۹	۹۹۹
هولیق	۱۰۶	۵۶۰	۲۷۶	۲۸۴
هیروان	۱۰۷	۶۴۹	۳۳۹	۳۱۰
جمع دهستان هریس	۴۱۶۵	۲۱۸۲۳	۱۱۳۲۸	۱۰۴۹۵
اقبلاع	۱۸	۹۳	۵۲	۴۱
انگیز	۵۱	۲۹۴	۱۶۱	۱۳۳
بالستان	۱۵۹	۸۲۵	۴۳۸	۳۸۷
بلاسجین	۸۰	۴۳۴	۲۲۹	۲۰۵
پیر کمان	۱۰	۵۳	۲۶	۲۷
چوللـو	۸۰	۴۶۳	۲۴۳	۲۲۰
چهرق	۱۰۶	۵۸۲	۳۱۹	۲۶۳
خاتون آباد	۷۰	۴۰۸	۲۱۸	۱۹۰
ریز گاه	۴۴	۲۱۸	۱۱۹	۹۹
ساریقیه	۲۸	۱۴۰	۷۲	۶۸
شاللو	۵۶	۳۱۶	۱۵۳	۱۶۳
قارخون	۴۳	۲۷۵	۱۴۳	۱۳۲
قره‌قیه	۵۵	۳۲۴	۱۶۸	۱۵۶
قزل گچی	۲۳۸	۱۲۵۷	۶۲۰	۶۳۷
گلجه	۶۳	۳۵۰	۱۷۸	۱۷۲
ینگجه	۱۳۵	۷۰۰	۳۷۴	۳۲۶
جمع دهستان ینگجه	۱۲۳۶	۶۷۳۲	۳۵۱۳	۳۲۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
آخوند قشلاقی	۲۶۹	۱۵۴۳	۸۱۵	۷۲۸
اغدوش	۹۵	۵۵۱	۲۸۶	۲۶۵
اکبر آباد	۱۳	۶۶	۳۶	۳۰
القور	۲۳۹	۱۲۲۷	۶۴۱	۵۸۶
اهق (آقی)	۲۱۵	۱۰۷۱	۵۵۲	۵۱۹
تازه کنده‌جلغایی (تزه کند)	۶۰	۳۰۱	۱۵۹	۱۴۲
تازه کند خوشه‌مهر	۱۵۹	۸۰۲	۴۲۱	۳۸۱
چل اقایی	۱۴۹	۷۶۸	۳۹۲	۳۷۶
چهار برج جدید	۱۲۳	۵۴۸	۲۹۰	۲۵۸
چهار برج قدیم	۳۹۲	۲۰۲۹	۱۰۶۲	۹۶۷
خانقاه (حسینه)	۱۷۶	۸۹۵	۴۵۵	۴۴۰
خانه برق جدید (خانه برق مجرلو)	۱۵۲	۸۰۲	۴۳۱	۳۷۱
خانه برق عیسی خانی (جعفر خانی)	۱۰	۵۹	۲۹	۳۰
خانه برق قدیم (شورخانه برق)	۷۳	۴۲۲	۲۳۵	۱۸۷
خرمازرد	۱۸۷	۹۳۹	۴۷۶	۴۶۳
خلوند (خلیلوند)	۳۲	۱۹۶	۱۰۵	۹۱
خوشه‌مهر (خواجه‌امیر)	۴۵۳	۲۴۱۴	۱۱۹۶	۱۲۱۸
دوش	۹۸	۵۲۹	۲۷۸	۲۵۱
دیزج خوشه‌مهر (دیزج پروانه)	۱۱۷	۵۹۱	۳۱۷	۲۷۴
دیزج ناولو (دیزج بناب)	۱۰۲	۵۴۷	۲۸۴	۲۶۳
روشتبزرگ	۳۵۸	۱۹۳۵	۹۹۶	۹۳۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
روشت کوچك	۹۲	۴۸۷	۲۳۹	۲۴۸
زاواشت	۲۴۵	۱۳۶۲	۷۳۲	۶۳۰
زوارق (زوارا)	۲۸۴	۱۳۹۴	۷۳۷	۶۵۷
سرج (سیرش)	۱۷۳	۷۹۵	۴۰۴	۳۹۱
شور گل	۸۱	۴۲۶	۲۳۱	۱۹۵
علیخواجه	۵۹	۳۴۸	۱۹۰	۱۵۸
فسندوز	۲۴۱	۱۲۶۱	۶۴۰	۶۲۱
تالادرق	۱	۱	۱	۰
قیچاق	۲۰۸	۱۳۶۵	۷۴۸	۶۱۷
قره جیق	۵۰۲	۲۸۵۰	۱۵۰۲	۱۳۴۸
قره قوزولو	۷۱	۳۷۰	۱۹۰	۱۸۰
قشلاق چلفایی	۱۳۷	۷۸۲	۴۰۸	۳۷۴
قشلاق خانه برق	۹۶	۵۴۶	۲۹۵	۲۵۶
قلعه خالصه (قالا)	۶۰	۳۰۰	۱۵۹	۱۴۱
قیماس خان	۴۳	۲۳۳	۱۲۷	۱۰۶
کوته مهر (کوش کند)	۷۲	۳۸۲	۲۰۲	۱۸۰
کوی کارمندان	۷۷۷	۴۳۶۶	۲۱۷۲	۲۱۹۴
ینگی کند خانه‌برق	۱۵۰	۷۳۲	۳۹۰	۳۴۲
ینگی کند خوشه مهر	۱۰۵	۶۰۰	۳۰۳	۲۹۷
جمع دهستان بناجو	۶۸۶۹	۳۶۸۳۵	۱۹۱۲۶	۱۷۷۰۹
اغاجاری	۵۵	۲۹۳	۱۴۸	۱۴۵
اغچه اوبا	۸۵	۴۸۲	۲۴۸	۲۳۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
الینجق	۱۰۰	۴۷۵	۲۴۱	۲۳۴
بازارلو	۸۵	۴۸۲	۲۴۳	۲۳۹
بوکت (بروت)	۱۵۸	۸۶۰	۴۵۷	۴۰۳
بولالو	۴۴	۲۴۲	۱۲۱	۱۲۱
پسیان (پیرموس)	۴۲	۲۵۶	۱۲۳	۱۳۳
تپیکدره (قشلاق تجرق)	۲۶	۱۷۷	۹۷	۸۰
تجرق	۱۲۴	۶۹۹	۳۵۹	۳۴۰
توتاخانه (توتخانه)	۹۸	۶۴۰	۳۳۴	۳۰۶
جوان قلعه	۹۸	۵۱۸	۲۶۲	۲۵۶
چوپانکره	۸۱	۴۳۲	۲۲۹	۲۰۳
خوری	۹۸	۵۰۴	۲۸۲	۲۲۲
خانیان	۳۵۱	۱۸۴۷	۹۳۱	۹۱۶
خضرلو (قشلاق ونك)	۳۴۰	۱۸۰۰	۹۱۵	۸۸۵
خواجو	۳۳	۲۱۷	۱۱۲	۱۰۵
دانالو	۱۳۲	۷۰۰	۳۵۶	۳۴۴
دیزج حسن بیك	۶۴	۳۲۷	۱۷۱	۱۵۶
رحمانلو	۳۸	۲۳۸	۱۳۴	۱۰۴
زازیان	۱۱۱	۶۱۸	۳۳۱	۲۸۷
زاویه (زیوه)	۳۸	۲۲۸	۱۲۸	۱۰۰
زینتلو (زنبق لو)	۲۹	۱۶۱	۸۴	۷۷
شیراز	۲۵۴	۱۳۷۶	۷۶۵	۶۱۱
شیشوان	۵۵۵	۲۹۰۷	۱۴۹۰	۱۴۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
صور	٨٤	٤٧٢	٢٤١	٢٣١
صومعه	٩٦	٤٩٣	٢٣٩	٢٥٤
قبادلو	٤٧	٢٥٣	١٣٣	١٢٠
قره ذکی	٢٦	١٤٥	٧٧	٦٨
قوزلوجه	١٢٧	٦٩٠	٣٦٥	٣٢٥
کوخالو	٣٥	٢٠٧	١١١	٩٦
گل تپه	١٦٧	١٠١٥	٥٣٧	٤٧٨
گنبد	٣٧	٢٢٢	١١٤	١٠٨
گوروان	١٢٥	٧٩٩	٤٢٨	٣٧١
محمودآباد (پیش‌رباط)	٧٢	٣٦٩	١٨٢	١٨٧
مهرآباد	١٥٠	٨٩٠	٤٥٨	٤٣٢
مهماندار	١٥٠	٧٦٢	٣٦٤	٣٩٨
مانسا	٩٧	٥٣١	٢٦١	٢٧٠
نبرین	١٠٠	٥٦٨	٣٠١	٢٦٧
ولینجق	٦٢	٣٢٥	١٦٥	١٦٠
هروان	١٠٧	٦٠٠	٣٠٤	٢٩٦
ینگجه	١٠٢	٦٤٣	٣٤٠	٣٠٣
جمع دهستان دیزجرود	٤٦٢٣	٢٥٤٦٣	١١١٨١	١٢٢٨٢
احمدآباد (آدم‌الدران)	٨٥	٤٧٦	٢٥٩	٢١٧
آرقون	٣٢	٢١١	١٠٩	١٠٢
اسفستانج	٧٨	٤٥١	٢٢٩	٢٢٢
آشان	٢١٧	١١٩٦	٦١٥	٥٨١

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
اصفهانجوق	۷۶	۴۱۸	۲۲۹	۱۸۹
اغ بلاغ (یاشابیك)	۶۴	۳۸۲	۲۰۶	۱۷۶
اغ بلاغ علمدار	۱۷	۱۰۳	۵۵	۴۸
آغچه دیزج	۸۲	۴۶۳	۲۳۴	۲۲۹
آغجه کهل	۱۰۰	۵۶۸	۳۰۸	۲۶۰
اغچه مشهد	۲۳	۱۷۰	۹۵	۷۵
آقاجری	۶۶	۴۴۵	۲۲۵	۲۲۰
اقکند ثمرق	۶۰	۲۷۰	۱۴۲	۱۲۸
اکبر آباد	۱۹	۸۴	۴۷	۳۷
آلماچوان	۱۰۹	۶۹۳	۳۷۰	۳۲۳
المالو	۱۲۱	۶۹۵	۳۷۱	۳۲۴
اوخچی	۶۴	۳۵۵	۱۸۹	۱۶۶
اوزبك	۳۹	۲۴۰	۱۴۸	۹۲
اوزن اوبه	۲۳	۱۲۶	۶۵	۶۱
ایستگاه گل تپه	۸	۳۴	۲۲	۱۲
بابا قاضی	۳۹	۲۰۴	۱۰۶	۹۸
بابا کلك	۶۱	۳۸۸	۲۰۹	۱۷۹
بلوك آباد	۱۷۳	۷۹۱	۴۱۲	۳۷۹
بهنق	۸۲	۵۰۱	۲۶۶	۲۳۴
بیانلوجه	۵۶	۳۷۶	۳۰۲	۱۷۳
بالچقلو	۱۱۳	۶۳۲	۳۱۴	۳۱۸
بهر آباد	۳۲۸	۱۶۲۷	۸۳۶	۷۹۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند چلان	۱۳	۷۷	۴۳	۳۴
تازه کند سفلی	۷۵	۴۲۷	۲۱۴	۲۱۳
تازه کند علیا	۷۱	۳۴۵	۱۸۱	۱۶۴
تازه کند علی آباد	۲۵	۱۵۷	۹۱	۶۶
تازه کند قشلاق	۷۱	۳۹۱	۲۰۶	۱۸۵
تازه کند کهلان	۲۳	۱۴۸	۸۲	۶۶
جمال آباد	۴۳	۲۲۷	۱۱۳	۱۱۴
جهانگیر (چنگیز)	۴۸	۲۶۳	۱۴۱	۱۲۲
جیران سفلی	۶۱	۳۰۵	۱۵۸	۱۴۷
جیران علیا	۳۳	۲۰۳	۱۱۴	۸۹
چسبنلو	۹۳	۴۲۷	۲۳۴	۱۹۳
چکان	۱۰۶	۵۲۳	۲۷۲	۲۵۱
جلان سفلی	۱۱۹	۶۱۵	۳۰۵	۳۱۰
چلان‌سفلی (چران‌سفلی)	۹۴	۵۴۰	۲۶۳	۲۷۷
چلان علیا (چوان‌علیا)	۷۰	۴۴۰	۲۳۱	۲۰۹
چلان علیا (جوان)	۸۹	۴۹۰	۲۸۰	۲۱۰
چوان‌باغ	۷۳	۳۶۸	۱۸۷	۱۸۱
چهار طاق (چاتاق)	۱۰	۸۱	۴۵	۳۶
حاجی کرد	۱۷۵	۹۶۴	۵۱۱	۴۵۳
حاجی کندی	۴۲	۲۵۲	۱۲۷	۱۲۵
حمزه آباد	۶	۲۲	۱۰	۱۲
خراجو	۱۷۴	۱۰۱۱	۴۹۶	۵۱۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خطب	۴۵	۲۳۰	۱۲۵	۱۰۵
خلیفه کندی (علمدار)	۶۳	۳۹۲	۱۹۲	۲۰۰
داش‌آتان(خواجه نصیر)	۱۹۸	۱۰۱۰	۵۴۶	۴۶۴
دوبوینی	۳۱	۲۱۹	۱۲۵	۹۴
دیوزرم	۵۳	۲۵۸	۱۴۱	۱۱۷
زنـق	۱۸	۹۴	۵۰	۴۴
ساری قیه	۶۰	۳۶۶	۱۹۹	۱۶۷
سرکارآبادعلیا و سفلی	۶۲	۳۰۶	۱۶۷	۱۳۹
سر کیزه	۹۲	۴۷۰	۲۴۹	۲۲۱
سعیدآباد(قودوخ‌قران)	۲۱	۱۱۲	۶۴	۴۸
سنو کش (سنکش)	۱۳۸	۷۳۵	۳۹۷	۳۳۸
شاه وردی کندی	۳۷	۲۲۳	۱۲۶	۹۷
شلیلوند	۱۱۷	۵۴۷	۲۸۷	۲۶۰
شیخ‌خان	۸۹	۵۳۶	۲۸۷	۲۴۹
صومعه	۴۷	۲۷۶	۱۵۰	۱۲۶
صومعه سفلی (صوما)	۱۸۸	۹۷۲	۵۰۳	۴۶۹
صومعه علیا	۸۶	۴۳۰	۲۲۱	۲۰۹
طالبخان	۱۰۱	۵۳۰	۲۸۸	۲۴۲
عشرت آباد (دلنکی)	۹۶	۴۸۲	۲۶۰	۲۲۲
علمدار	۱۶	۹۰	۵۲	۳۸
علو کندی	۱۶	۱۰۱	۶۱	۴۰
علویان (آلیوان)	۱۷۲	۹۳۸	۴۷۸	۴۶۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
علی آباد	۳۷	۱۸۴	۹۹	۸۵
قاطر گوترن سفلی	۷۴	۳۹۴	۲۰۳	۱۹۱
قاطر گوترن علیا	۷۴	۴۱۸	۲۳۲	۱۸۶
قراتلو (قرادی)	۹۰	۵۱۶	۲۶۱	۲۵۵
قراجه قیه	۵۶	۳۵۰	۱۸۶	۱۶۴
قرطاول (قی‌طرول)	۱۴۱	۶۷۵	۳۶۱	۳۱۴
قره برقع (قره‌بورقا)	۵۸	۲۴۲	۱۴۰	۱۰۲
قر کند (حجت الاسلام)	۶۲	۳۱۴	۱۶۶	۱۴۸
قره کند خطب	۲۴	۱۲۴	۶۰	۶۴
قشلاق	۱۲۷	۶۷۳	۳۶۵	۳۰۸
قطان	۱۹	۱۰۳	۵۵	۴۸
قوز لوجه	۴۷	۲۲۵	۱۲۰	۱۰۵
قیه بلاغی	۶۱	۳۸۴	۲۰۱	۱۸۳
کابل آباد	۷۴	۳۹۲	۲۰۱	۱۹۱
کرج آباد	۱۳۸	۶۷۹	۳۴۸	۳۳۱
کرده ده	۱۱۱	۶۸۳	۳۵۶	۳۲۷
کرمجوان	۱۸۱	۹۰۶	۵۰۶	۴۰۰
کوسه صفر	۶۲	۴۰۲	۲۱۳	۱۸۹
کهجوق (کیدجیه)	۱۶۲	۸۱۹	۴۲۲	۳۹۷
کهق (کهک)	۱۹۵	۱۰۶۸	۵۸۱	۴۸۷
کهلان	۷۹	۴۲۶	۲۱۶	۲۱۰
گشایش	۶۱	۳۲۵	۱۶۸	۱۵۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گل تپه	۱۸۵	۹۹۰	۵۲۳	۴۶۷
گل لر	۱۱	۶۳	۳۷	۲۶
گلچوان	۴۱	۲۹۳	۱۴۵	۱۴۸
گلی کند	۷۶	۳۸۳	۱۸۳	۲۰۰
گنجی	۱۱	۵۴	۳۱	۲۳
گول (گل)	۷۹	۳۷۷	۱۹۵	۱۸۲
محسن آباد (میرزا خلیل)	۴۱	۱۹۰	۱۰۱	۸۹
مردق	۷۴	۴۰۲	۲۱۸	۱۸۴
مغانجق	۱۶۲	۷۹۴	۴۳۰	۳۶۴
ملاقاسم	۶۰	۳۷۴	۲۰۸	۱۶۶
ممه شیر	۳۳	۱۹۷	۱۰۷	۹۰
موالوی سفلی	۴۱	۲۱۸	۱۲۷	۹۱
موالوی علیا	۴۴	۲۴۳	۱۴۱	۱۰۲
میمنه	۲۹	۱۳۷	۸۱	۵۶
نرج آباد	۲۸۹	۱۴۶۴	۷۵۶	۷۰۸
نصیر کندی	۱۵	۸۳	۴۲	۴۱
نوا (نووا)	۷۷	۴۶۵	۲۵۹	۲۰۶
ورجوی (وردی)	۵۹۳	۲۹۹۱	۱۴۷۰	۱۴۴۱
هپی	۳۳	۱۸۰	۹۸	۸۲
هرق (هره)	۹۱	۴۴۲	۲۴۲	۲۰۰
هریس	۶۴	۳۶۵	۱۹۵	۱۷۰
یای شهری	۵۷	۳۵۷	۱۹۴	۱۶۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ینگجه	۱۴۳	۷۰۷	۳۶۹	۳۳۸
جمع دهستان سراجو	۹۵۷۶	۵۱۴۸۳	۲۷۱۴۹	۲۴۳۳۴
ابراهیم حصاری	۴۳	۲۲۸	۱۲۳	۱۰۵
احمد آباد	۴۳	۲۲۱	۱۲۱	۱۰۰
ارپادرسی	۶۴	۳۹۷	۲۲۱	۱۷۶
اروق	۲۳۲	۱۲۸۴	۶۶۷	۶۱۷
آغچه دیزج(دیزه)	۱۸	۹۵	۵۸	۳۷
اغجه مشهد	۵۴	۲۸۰	۱۴۳	۱۳۷
اقجه دیزج	۲۲۱	۱۱۶۴	۶۲۲	۵۴۲
اقکند باروق	۵۸	۳۴۹	۱۷۷	۱۷۲
آقمنار	۱۰۲	۵۵۵	۲۹۸	۲۵۷
آکیس(اکیز)	۷۲	۳۹۹	۲۱۱	۱۸۸
امیر	۵۷	۲۸۸	۱۴۸	۱۴۰
امیر آباد	۱۵	۷۱	۳۸	۳۳
امیر غایب	۳۰	۱۶۳	۹۷	۶۶
اوجبلاغ	۳۹	۲۳۷	۱۲۰	۱۱۷
ایدیشه	۷۴	۴۴۲	۲۲۹	۲۱۳
ایگده‌لوی بزرگ	۶۱	۳۲۶	۱۶۷	۱۵۹
باروق (اباره)	۴۴۹	۳۲۹۸	۱۲۳۷	۱۱۶۱
بایقوت	۲۲۹	۱۱۴۰	۵۷۵	۵۶۵
بایرام کندی	۲۹	۱۷۰	۸۲	۸۸
بنایم	۵۳	۲۷۱	۱۳۱	۱۴۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پرچین بلاغ	٤٤	۲۵۷	۱٤۲	۱۱۵
تازه قلعه	۳۰۹	۱۶۲۶	۸۲۸	۷۹۸
تازه کند حوریلر	۵۵	۳۰۳	۱۵۷	۱٤۶
تازه کندخانکندی	۳۲	۱۲۶	۱۰۹	۹۷
تازه کند شیخ‌الاسلام	۲۵	۱۲۶	۶۸	۵۸
تازه کند قره ناز	۳۲	۱۹۹	۱۰۸	۹۱
تپه اسماعیل‌آباد	۱۲۲	۷۰۰	۳۶۹	۳۳۱
تورچی	۱۰۳	۶۲۲	۳۳۳	۲۸۹
جیقالو	۵۸	۳۰۷	۱۷۱	۱۳۶
چالخاماز	۱٤۲	۸۲۰	٤۲۹	۳۹۱
چاللو (چالی)	۲۰	۱۰۲	۶۳	۳۹
چای باغی	۹۹	٤۸۵	۲۵٤	۲۳۱
چیقلو	۲۵۷	۱۲۹۲	۶۸٤	۶۰۸
حاجی مسیب	۲۶	۱۳۰	۷۱	۵۹
حسن آباد	۷۲	۳۷۶	۱۹۸	۱۷۸
حسین‌آباد (تازه کندلیلان)	۱۳۸	۷٤۶	۳۸۹	۳۵۷
حمید	۷۹	٤۷۲	۲۶٤	۲۰۸
حوریلر	٤۰	۲۲۸	۱۲۷	۱۰۱
داشبلاغ	۳۲	۱۸۵	۹۳	۹۲
دمرجی	۷۰	۳۸۹	۲۱۸	۱۷۱
زمان آباد	۲۱	۱۱۳	۶۵	٤۸
ساری قیه	۳۵	۱۸۲	۱۰۱	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سالار آباد	۴۵	۲۳۳	۱۲۳	۱۱۰
ساینجیق	۳۹	۲۰۰	۱۱۷	۸۳
سرملو	۳۲	۱۶۰	۹۰	۷۰
شرازول (سرهنگ کندی)	۱۹	۱۰۲	۵۳	۴۹
شرانلو	۳۱	۱۹۵	۱۰۵	۹۰
شریفلو	۳۹	۲۳۳	۱۳۳	۱۰۰
شورجه باورق	۲۳	۱۵۳	۸۱	۷۲
شورجه طور آقایی	۳۷	۲۱۸	۱۲۰	۹۸
شیخ الاسلام	۴۷	۲۳۵	۱۲۳	۱۱۲
شیخ بابا	۵۲	۲۹۶	۱۵۳	۱۴۳
شیروان شاهلو	۴۶	۲۰۶	۱۱۵	۹۱
شیرین کند	۱۸۵	۱۰۲۹	۵۴۲	۴۸۷
طور آقایی	۸۳	۴۴۵	۲۴۶	۱۹۹
ظلم آباد	۳	۲۰	۱۲	۸
عباس آباد	۵۷	۲۹۳	۱۴۴	۱۴۹
عبدل آباد	۳۸	۱۹۴	۱۱۰	۸۴
علی آباد(ایگدلوی کوچك)	۲۸	۱۶۰	۸۷	۷۳
علی بلاغی	۸۳	۴۰۶	۲۰۰	۲۰۶
علی یار کندی	۲۳	۱۳۰	۶۹	۶۱
فتح‌الله کندی	۲۰	۱۱۵	۵۶	۵۹
قاشقچی	۵۸	۳۲۷	۱۶۳	۱۶۴
قربان کندی	۳۵	۲۲۹	۱۲۲	۱۰۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قرمزی بلاغ	۳۵	۲۳۲	۱۲۷	۱۰۵
قره چال	۱۶۹	۹۱۲	۴۸۳	۴۲۹
قره چنان	۳۷	۲۳۳	۱۲۱	۱۱۲
قره خخاو	۸۹	۶۱۰	۳۲۲	۲۸۸
قره خخاو آقکند	۲٤	۱٤۰	۷۱	۶۹
قره سقال	۸۵	٤۹۱	۲۶۲	۲۲۹
قره قشلاق	۷۹	٤۷۸	۲۶۰	۲۱۸
قره گل	۵۱	۲۹۱	۱۵۱	۱٤۰
قره ناز سفلی	۲۲	۱۲۲	۷۱	۵۱
قره ناز علیا	۵٤	۲۷۷	۱٤۷	۱۳۰
قشلاق امیر	۱۰	۶۰	۲۸	۳۲
قشلاق نوروزلو	٤۸	۲۶۸	۱۳۹	۱۲۹
قطام	۱۰۲	۶۱۰	۳۲۷	۲۸۳
قلعه جوق	۲۲۲	۱۰۹٤	۵۸۰	۵۱٤
قلی کندی	۳۹	۲۲٤	۱۱۱	۱۱۳
قندهار	۶۰	۳۳٤	۱۷۹	۱۵۵
قوذلو	۶۹	۳۷۸	۲۰۹	۲۶۹
قوریجان (قویجان)	۲۷۷	۱۲۹٤	۶۸٤	۶۱۰
قوزچی اولن	۳٤	۱۷۲	۹۲	۸۰
قوشبلاغ	۳٤	۲۱۶	۱۱۷	۹۹
قوشقیه	۷۱	٤۵۸	۲۳٤	۲۱۵
کوره بلاغ	٤۶	۲۲۱	۱۱۰	۱۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کدکلو	۸۵	۴۹۷	۲۵۷	۲۴۰
گل‌سلیمان (گل‌صمد خان)	۱۸۰	۱۰۱۶	۵۲۳	۴۹۳
گوران قشلاقی	۶۶	۳۲۲	۱۶۶	۱۵۶
گویدرق سفلی	۱۵	۱۰۵	۶۰	۴۵
گویدرق علیا	۱۴	۱۰۶	۵۱	۵۵
لطف‌آباد (شیطان آباد)	۲۹	۱۴۴	۷۸	۶۶
لکلر	۳۱۴	۱۶۵۲	۸۷۲	۷۸۰
لیلان	۵۰۸	۲۷۹۴	۱۴۵۵	۱۳۳۹
لیلی داغی	۳۵	۲۰۴	۱۱۷	۸۷
مبارك‌آباد(داغدی‌یولقونی)	۲۶۲	۱۳۷۳	۷۰۳	۶۷۰
مجید آباد	۱۱۰	۵۷۱	۳۱۲	۲۵۹
محسن آباد (جینقره)	۶۴	۳۳۴	۱۸۳	۱۵۱
ملا سراب	۶۶	۴۰۲	۲۲۵	۱۷۷
مندلسر	۲۱	۱۱۶	۶۲	۵۴
منصور آباد	۷۳	۴۱۲	۲۱۴	۱۹۸
موسی درق	۷۲	۳۹۲	۱۹۵	۱۹۷
مهماندار سفلی	۵۶	۳۳۶	۱۸۰	۱۵۶
مهماندار علیا	۱۳	۸۹	۵۰	۳۹
میدانجق	۱۵۲	۸۳۵	۴۳۵	۴۰۰
میرزا نظام	۲۴	۱۲۵	۷۱	۵۴
ناخرجی بلاغی	۱۴	۶۷	۴۲	۲۵
نادرگای	۱۲۶	۷۰۴	۳۷۶	۳۲۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نصرت آباد (تازه کند)	۴۹	۲۶۱	۱۲۸	۱۳۳
نصرت آباد امیر غایب	۲۱	۱۰۳	۵۷	۴۶
نوروزلو (نصیر کندی)	۶۲	۳۵۵	۱۸۳	۱۷۲
یوز باش کندی	۹۸	۵۹۷	۳۱۹	۲۷۸
یولقونلوی جدید	۱۶۰	۸۸۸	۴۶۵	۴۲۳
یولقونلوی قدیم	۵۲	۲۵۴	۱۲۵	۱۲۹
جمع دهستان گاودول	۹۱۷۵	۵۰۰۹۲	۲۶۴۰۸	۲۳۶۸۴
ابرغان	۲۶۱	۱۲۸۷	۶۸۹	۵۹۸
اربطان	۱۵۶	۹۰۵	۴۷۲	۴۳۳
اردکلو	۲۷۶	۱۲۱۸	۶۲۳	۵۹۵
ارسی	۲۳۵	۱۲۸۳	۶۶۶	۶۱۷
ارلان	۲۴۹	۱۲۱۳	۶۵۰	۵۶۳
اسداغی	۱۲۴	۵۷۰	۲۹۶	۲۷۴
اغیار	۵	۲۲	۱۲	۱۰
انامق	۲۴۰	۱۳۷۱	۶۹۰	۶۸۱
ایستگاه پیام	۷	۲۴	۱۳	۱۱
ایلاتزنجیر (فرخدار)	۴۱	۲۰۲	۱۰۹	۹۳
ایلات یالقوزاغاج	۱۶۵	۷۹۲	۴۴۰	۳۵۲
باروج (باری)	۲۰۰	۱۰۲۰	۵۴۰	۴۸۰
باغلار ارلان	۲۲	۹۱	۵۰	۴۱
بخش کند	۱۸	۸۳	۴۱	۴۲
بناب	۷۵۰	۳۱۸۲	۱۶۳۵	۱۵۴۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نبگین	۶۳	۳۳۴	۱۷۶	۱۵۸
بهرام	۱۴۰	۸۰۷	۴۴۵	۳۶۲
کوی کارمندان	۶۱	۳۴۰	۱۷۵	۱۶۵
پیام (یام)	۲۰۰	۱۲۳۶	۶۳۰	۶۰۶
پیر بالا	۱۲۸	۵۹۵	۳۰۵	۲۹۰
تازه کنداخوند(تزه کند)	۳۱۰	۱۴۸۹	۷۲۱	۷۶۸
جامه بزرگ	۹۸	۵۰۹	۲۷۹	۲۳۰
جواش	۱۳۵	۷۴۳	۳۸۵	۳۵۸
حسین خلیفه	۱۵	۷۹	۴۱	۳۸
حصار بامچی	۹	۵۱	۲۹	۲۲
درویش محمد	۵۱	۲۶۹	۱۳۴	۱۳۵
دولت آباد	۴۲۳	۲۰۷۴	۱۰۷۸	۹۹۶
دیده بان (دردوان)	۱۱۹	۵۰۰	۲۵۶	۲۴۴
دیزج حسین بیك	۳۵۴	۱۸۲۰	۹۶۶	۸۵۴
دیزج یکان	۴۳۱	۲۲۸۴	۱۲۴۳	۱۰۴۱
دیزجعلیا	۳۷۴	۲۰۲۲	۱۰۴۰	۹۸۲
رومقویسی	۱۷	۱۰۳	۵۱	۵۲
زنجیره	۲۱۸	۱۱۹۱	۶۵۰	۵۴۱
ساری تپه	۸۲	۴۵۲	۲۳۳	۲۱۹
سرخه (سرو)	۲۶	۱۴۰	۷۰	۷۰
عیش آباد	۸۶	۴۵۳	۲۴۱	۲۱۲
فارفار	۹۸	۵۲۷	۲۶۹	۲۵۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قراجه فضل‌الله	۱۸۵	۱۰۰۱	۵۳۹	٤٦۲
قراجه محمد	۱۳۵	۵۵۹	۲۹۲	۲٦۷
قره تپه	۱۲۹	۵۹۵	۲۹۰	۳۰۵
قزل قشلاق	۵۰	۲۳۹	۱۲۵	۱۱٤
قلندر	۷	٤٤	۲٦	۱۸
قمش اغل	٤۸	۳۰۸	۱٦۰	۱٤۸
قوش قیه سی	۲۷	۱٦٤	۷۹	۸۵
قهوه خانه قرخ‌لار	۱	۱	۱	۰
گزافر	٤۱	۲۲۹	۱۲۵	۱۰٤
کشکساری	۷٤۱	۳۷۵٦	۱۹۵٤	۱۸۰۲
کندلج (کل)	٤۰۹	۲۱۳٦	۱۱۰۷	۱۰۲۹
گوگجه سلطان	٦۹	۳۷۲	۲۰۷	۱٦۵
کوهناب (گونو)	۱۱۱	۵۷۱	۲۸۰	۲۹۱
گلجار	۱۳۰	٦٦٤	۳۳٤	۳۳۰
گلعذار	٤۲	۲۰۷	۱۱۵	۹۲
گله‌بان	۲٦۸	۱۱۹۰	۵۷۷	٦۱۳
گوشه درق (شودره)	۸۹	۳۹۸	۲۰۳	۱۹۵
لیوار (لودار)	۳٤۹	۱۷۱۷	۸۷٤	۸٤۳
محبوب آباد (ماه بابا)	۱۷۲	۱۰۳۰	۵۵٦	٤۷٤
مرکید	۲۵٤	۱۱٦۸	٦۱٦	۵۵۲
معدن سنگز نجیره	۱	۱	۱	۰
ملا یوسف	۱۵٦	۷۵۳	٤۰۰	۳۵۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نوجه ده شیخلار	۹٤	٤۳۱	۲۲۰	۲۱۱
دانلوجق	۷۵	۳۵۹	۱٤۹	۱٦۵
هوجقان (هجوان)	۳۳٦	۱٤٦۲	۷٤٤	۷۱۸
یالقوزاغاج	۲۵٤	۱۲۷۹	٦۸۲	۵۹۷
یامچی	۹۱۷	٤۵۷۵	۲۳۳۸	۲۲۳۷
جمع دهستان حومه	**۱۱۲۷۷**	**۵٦٦٤۳**	**۲۹۵۳۵**	**۲۷۱۰۸**
النجق	٤۰۸	۲۰۳۳	۱۰۵۷	۹۷٦
الوجه ملك	۳٤	۲۱۲	۱۱۵	۹۷
امند	۲۷۹	۱٤۹۱	۷۳۸	۷۵۳
اندبیل	۱٦۲	۸۷۳	٤۷۲	٤۰۱
اوقلی	۲٦	۱۵۸	۸۸	۷۰
اولی	۱۰۸	۵۹۱	۳۰۱	۲۹۰
ایوند	۲۵٤	۱۲۹٦	٦۵۵	٦٤۱
پردول	۵۷	۳۰۹	۱٤٤	۱٦۵
تازه کند	۲۷	۱۵۲	۹۲	٦۰
ترپ	۱٦٤	۸۸۷	٤٦۰	٤۲۷
چراغلو	۳۱	۱٦۹	۸۸	۸۱
دوگیجان	۲۱۹	۱۱۷۵	٦۱٦	۵۵۹
زبرلو	۳۰	۱۳۱	۷۲	۵۹
زرقان	۳۱۷	۱۵۱٦	۸۰٤	۷۱۲
زین آباد (زین اوا)	۱۲۰	٦۷۵	۳٤٤	۳۳۱
سار	۱۵۹	۹۱۳	۵۱۲	٤۰۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ساری قیه	۱۵	۸۲	٤۳	۳۹
شوردرق	۱۷۰	۸۱۵	٤۳۵	۳۸۰
سهرقه (شهرل)	٤۵	۲۲۰	۱۱۱	۱۰۹
قره اغاج	۹۹	٤۵٤	۲۳۵	۲۱۹
قینر	۱۲٤	٦۳۸	۳٤۸	۲۹۰
کروس	۱۵٦	۷۲۹	٤۲۰	۳۷۲
کلاش	۷٤	۳۹۲	۱۹۰	۲۰۲
کلان کیس	۵۰	۲۵۲	۱۲۱	۱۳۱
کهل	۱۵۰	۸٤۵	٤۳۹	٤۰٦
گزنق	۵۷	۲۸٦	۱۵۷	۱۲۹
لا	۱۲۹	٦۱۲	۳۱۹	۲۹۳
مجید آباد (تازه کند)	۳۲	۱۷۵	٦۹	۷۹
مرودیزج (مروزا)	۳۰	۱۷۵	۹۷	۷۸
مزرعه	۱۸۲	۹۷۹	۵۰۳	٤۷٦
منور	۷۸	٤۱٦	۲۲۳	۱۹۳
موجمبار	۸۳	٤۳۲	۲٤۰	۱۹۲
نوچه ده درق	۳۲	۱۵۹	۸۵	۷٤
ورکش	۱۰۲	۵۷۱	۳۱۹	۲۵۲
هرزنق	۳۲	۱۸۳	۹۰	۹۳
جمع دهستان رودقات	٤۰۳۵	۲۱۰۵۹	۱۱۰۲۹	۱۰۰۳۰
احمد آباد	٤۰	۱۷۷	۹۰	۸۷
ارسی	۱۸۷	۸۸۷	٤٤۵	٤٤۲
اغبلاغ	۸٤	٤۳۱	۲۳۵	۱۹٦
افشار (اوشار)	۱٦۱	۷٤٤	۳۹۷	۳٤۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند (تزه کند)	۴۳	۱۸۸	۱۰۳	۸۵
جلفا	۳۰۵	۱۳۰۹	۷۲۳	۵۸۶
حیدر آباد	۱۵	۸۶	۴۹	۳۷
داران	۳۰۲	۱۵۵۱	۸۳۸	۷۱۳
داران شامی	۱۱	۶۵	۳۷	۲۸
زاویه (زیوه)	۹۹	۴۵۵	۲۳۵	۲۲۰
سیلگرد	۸۵	۴۰۲	۲۰۳	۱۹۹
سیدسران (سه‌سران)	۳۰۶	۱۴۲۲	۷۷۴	۶۴۸
شاهمار(حق‌وردی‌آباد)	۸۳	۳۸۴	۲۰۳	۱۸۱
شجاع	۱۶۶	۸۳۹	۶۳	۴۰۵
طالب گل	۱۸	۹۲	۵۱	۴۴
علمدار	۹۴۹	۴۵۶۰	۲۳۳۱	۲۲۲۹
قره‌بلاغ (قره‌بلاخ)	۱۵۲	۶۵۱	۳۳۶	۳۱۵
قشلاق	۲۷۵	۱۲۷۷	۶۴۷	۶۳۰
قلعه زیر (کله‌ریز)	۱۸	۸۰	۴۶	۳۴
کلیدداغی (کلید کوتان)	۱۶	۶۷	۳۶	۳۱
گر گر علیا	۹۸	۴۹۲	۲۴۹	۲۴۳
گل قزج	۹۷	۴۸۰	۲۶۹	۲۱۱
لیوارجان (لوارجان)	۲۶۶	۱۲۶۰	۶۳۹	۶۲۱
مرازاد	۱۲۹	۴۷۳	۲۴۷	۲۲۶
مینجان آباد	۱۳	۴۸	۲۳	۲۵
نوشیروان (نیشران)	۶۳	۲۷۲	۱۳۸	۱۳۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان علمدار	۳۹۸۱	۱۸۶۹۲	۹۷۷۵	۸۹۱۷
ایستگاه الکی	۵	۱۹	۶	۱۳
بایر سفلی (بوبره)	۹۲	۲۴۶	۲۲۷	۲۱۹
بایر علیا (بوبره)	۶۵	۳۰۷	۱۵۵	۱۵۲
پیراسحق (پیرساق)	۸۷	۴۱۶	۲۱۸	۱۹۸
چراگاه امیر	۷	۳۹	۲۲	۱۷
چرچر	۶۶	۳۳۶	۱۷۵	۱۶۱
درق (دره)	۵۵	۳۷۳	۱۹۲	۱۸۱
دیزج قربان	۲۴۰	۱۱۸۳	۶۲۱	۵۶۲
زال	۲۲۴	۹۵۲	۴۸۷	۴۶۵
زمهریر	۱۳۶	۷۹۵	۴۱۰	۳۸۵
زنوز	۹۱۹	۴۵۵۷	۲۲۹۶	۲۲۶۱
زنوزق	۲۵۴	۱۳۶۴	۷۰۰	۶۶۴
عریان تپه (ایران‌دبی)	۲۰۰	۱۱۵۹	۵۹۱	۵۶۸
قره بلاغ	۴۹	۲۲۷	۱۱۰	۱۱۷
قره گوز	۷۷	۳۵۱	۱۷۷	۱۷۴
کرداب (کری)	۱۳۲	۷۰۵	۳۶۴	۳۴۱
گله‌خان (گندم‌خانه)	۶	۴۰	۲۰	۲۰
گلین قیه	۴۷۷	۲۱۴۴	۱۰۸۶	۱۰۵۸
معدن چینی	۱	۱	۱	۰
میاب (میو)	۳۴۸	۱۶۹۵	۹۰۳	۷۹۲
میزاب (میزار)	۵۷	۳۲۴	۱۶۱	۱۶۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
هرزندجدید (چای‌پرزن)	٤٦٧	٢٢٦٨	١١٦٠	١١٠٨
هرزند عتیق	٢٠٥	٩٤٨	٥٠٢	٤٤٦
جمع دهستان هرزندات	٤١٦٩	٢٠٦٤٩	١٠٥٨٤	١٠٠٦٥
اصل کند (اصل کندی)	٣١	١٦٠	٧٨	٨٢
ایلات ایناِنلو (خلخال)	٢٣	١٢٧	٧٤	٥٣
بهشت دره سی	٢	١٠	٥	٥
چایکسن	٩٠	٤٥٥	٢١٧	٢٣٨
سعدی (یکان سعدی)	١٦٠	٧٧٩	٤٣٨	٣٤١
شامقلوسفلی (شامقلوعتیق)	٢٤	١٣٨	٧٣	٦٥
شامقلی علیا (شامقلوجدید)	٥٣	٣٢٣	١٥٤	١٦٩
اقوچعلی کهریز (قوچعلی کندی)	٢	١٣	٦	٧
قیصر	٢	١٥	٧	٨
مرکید خرابه	٢٩	١٣٩	٨٠	٥٩
مزرعه سیدلور (سیدلی)	٣٨	٢١٤	١٠٦	١٠٨
مزرعه یراموش (ینگجه‌ـ یراموش)	٦	٢٤	١٠	١٤
مغولو (مغلی)	٥١	٢٢٨	١١٣	١١٥
موتودابوارد (حیدرآباد)	٤	١٣	٧	٦
مولو (مولی)	٣٥	١٧٣	٩٩	٧٤
نورآباد (شعیب)	٣٠	١٥٤	٨٧	٦٧
یکان علیا (داش یکان)	٤٦١	٢٥٣٥	١٣٧٩	١١٥٦
یکان کهریز (کهریزیکان)	٥٧٢	٢٨٥٦	١٤٨٤	١٣٧٢
ینگجه سادات	٤٠	٢٣١	١١٢	١١٩

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان یکانات	۱۶۵۳	۸۵۸۷	۴۵۲۹	۴۰۵۸
ابدارلو	۳۱	۱۶۱	۹۳	۸۶
اتدوتان	۲۸	۱۵۵	۹۱	٦٤
اردوخان کندی	۱۶	۹۲	٤۳	٤۹
اغبلاغ سفلی	۱۱	۷۱	۳۹	۳۲
اغبلاغ علیا	۱۸	۱۱۷	۵۷	٦۰
اغبلاق کدوکسفلی	٦۰	۳۷۰	۱۹۱	۱۷۹
اقدوه لو	٤۲	۲۲۱	۱۱٦	۱۰۵
اقفاسملو	٤٦	۲۵۸	۱۳۳	۱۲۵
اققلعه	۳۳	۱۷۸	۹۷	۸۱
اقا بیکلو	٦	۳۰	۱۷	۱۳
آقا مراد	۹	٦۳	۳۵	۲۸
الکران	۵۳	۲۹۱	۱٤٤	۱٤۷
المای علیا و سفلی	۵۷	۳۷۸	۱۹۹	۱۷۹
امیر کندی	۲٤	۱۳۳	۷٦	۵۷
اوتپاشا علیا	۳۵	۱۹۰	۱۰۰	۹۰
اوجاق قلی	۵	۳۲	۱۸	۱٤
ایمجه	۱۵	۱۱۵	٦٦	٤۹
ایمیر	٤۱	۲۳۳	۱۲۵	۱۰۸
بایر امبدنی	٦۸	۳٦٦	۱۸۹	۱۷۷
بر گچای	۳٦	۱۹۵	۱۰۳	۹۲
بلوط کندی	۱۱	٦٦	۳۲	۳٤

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
بهادر لو	۱	۸	۵	۳
بیك باغلو	۲٤	۱٤۰	۷۵	٦۵
پستکندی	۲۱	۱۱٦	۵۸	۵۸
پیرالوان	٦٤	۳۸۹	۲۱۲	۱۷۷
پیرعلیلو	۳۹	۲۳۹	۱۲۷	۱۱۲
تازه کند	۲٤	۱۵۳	۸۵	٦۸
تقی دیزج	۲۰۰	۱۱۹۷	٦۱۵	۵۸۲
تکبلاغ	۲٦	۱۷۹	۹۷	۷۹
تکدام	٤	۲۳	۱٤	۹
طهماسب آباد	٦	۲۹	۱۳	۱٦
جبارلو	٤۹	۲٦۵	۱٤۰	۱۲۵
ججه‌لو	۱۷	۷۳	۳۸	۳۵
جمایران	۱۰۰	۵۸۷	۳۰٦	۲۸۱
چاتقیه	۵٤	۲۷۱	۱۳٦	۱۳۵
چاخرچمن	۳۷	۲۳۸	۱۱٤	۱۲٤
چبنلو	۲۳	۱۱٤	۵۸	۵٦
چوبان قشلاقی	٤	۱۵	۱۱	٤
حاجی بالا اوغلان	۵	۲۵	۱٤	۱۱
حاجی سیفلو	۲۱	۱۱۱	۵۵	۵٦
حاجی نور کندی	۷	٤٤	۲۳	۲۱
جبار کندی	۹	٤۵	۲۰	۲۵
حسن‌لو	۱۹	۹۲	۵٦	۳٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسین خان کندی	۱٤	۹۷	۵۸	۳۹
حماملو	۲۳	۱۲۷	٦۱	٦٦
حیدر آباد	٤۰	۲۰۱	۱۰۸	۹۳
خانمالو	۱۱	٦۲	۳۱	۳۱
خرابه رزی	۲۵	۱۵۹	۷۳	۸٦
خرابه قادرلو	۷	۵۲	۲۷	۲۵
خلج	۱٦	۱۱۸	٦۲	۵٦
خلیفه داود	۱٦	۸۳	٤۸	۳۵
خلیفه لو	۹۹	۵۳۱	۲۷۸	۲۵۳
داشلجه	۳۱	۲۰۷	۹۹	۱۰۸
دوره بیگلو	۳۷	۲۰۰	۱۰٦	۹٤
دمقلی	۲۰	۱۲۸	٦۹	۵۹
دوچی سفلی	۱٦	۸۸	٤٤	٤٤
دوشانبلاغی	۲۷	۱۵٤	۸۰	۷٤
دوه چی	۵۹	۳٤٦	۱۸۷	۱۵۹
ذکی‌لو	۲۷	۱۵۸	۸۲	۷٦
رحیمبیگلوی سفلی	۱۰۱	۵۵۱	۲۸۸	۲٦۳
رحیمبیگلوی علیا	۳۹	۲۲۷	۱۱۸	۱۰۹
رزی	۱۸۰	۹۵۵	۵۱۵	٤٤۰
ساوج بلاغ	۲۸	۱٦۰	۸۱	۷۹
سبحانلو	۱۹	۱۰۹	۵۹	۵۰
سد دره سی	۳	۲۱	۱۰	۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سعادت بلاغی	٤	١٤	٩	٥
سهرابلو	٣٢	١٧٧	١٠٦	٧١
سید بیکلو	٨١	٤٣٢	٢١٧	٢١٥
شریف بیکلو	٧٤	٤٤٣	٢٢٤	٢١٩
شمسیر	٣٠	١٦٨	٩٠	٧٨
شور گل	١٣	٦٤	٣٧	٢٧
شیخ عظیم‌لو	٣٣	١٨٧	٩٧	٩٠
شیخ محمدلو	٢١	١٣١	٦٦	٦٥
طاقچه داش	٣١	١٦٠	٨٨	٧٢
طومار درسی سفلی	١٢	٦٨	٣٥	٣٣
طومار درسی علیا	١٢	٧٠	٢٨	٤٢
عالی بیگلو	٤	٢١	١١	١٠
عالی کهریزی	٧	٤٨	٢٥	٢٣
عباس کندی	١٠	٦٨	٣٩	٢٩
علیشان سوئی	١٣	٨٧	٤٧	٤٠
علی کهریزی	١٠	٥١	٢٦	٢٥
عمارت لوعلیا	٣٢	١٩٩	١١٢	٨٧
غاری مزرعه سی	٢٣	١٣٣	٦٢	٧١
قاسم کندی	١٦	٩٠	٥٠	٤٠
قامچی قیه	٢٠	١١٥	٥٦	٥٩
قانلو بلاغ	٥٢	٢٦٩	١٤٥	١٢٤
قره‌چی سفلی	٣٨	١٩٩	١١٢	٨٧

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره چی علیا	۵۲	۳۱۱	۱۶۵	۱۴۶
قره خان لو	۱۴	۶۸	۳۹	۲۹
قره گل	۵۷	۳۴۱	۱۸۴	۱۵۷
قره لو	۴۸	۲۸۰	۱۵۴	۱۲۶
قره ملهم	۱	۹	۵	۴
قره ولیلو	۴۸	۲۷۶	۱۳۶	۱۴۰
قشلاق محمد قلی	۶۶	۳۵۳	۱۹۸	۱۵۵
قشلاق میر سلطان لو	۹	۴۷	۲۴	۲۳
قلدور کهلی	۹	۵۸	۳۶	۲۲
قلند قشلاقی	۳۶	۱۹۲	۱۰۴	۸۸
قلی بیگلو	۹۲	۴۷۴	۲۶۶	۲۰۸
قورلو	۳۵	۱۸۹	۱۰۴	۸۵
قوشه سفلی	۷۲	۴۱۸	۲۳۹	۱۷۹
قوشه علیا	۳۳	۲۲۳	۱۱۱	۱۱۲
کاظملو	۱۲	۶۴	۳۴	۳۰
کرمشاهلو	۷۸	۴۶۹	۲۳۹	۲۳۰
کعبه بیگلو	۱۱	۵۵	۳۰	۲۵
کفتاره	۱۸	۱۲۶	۶۱	۶۵
کلی سفلی	۲۷	۱۶۹	۹۶	۷۳
کلی علیا	۵۰	۲۸۵	۱۴۷	۱۳۸
گل تپه	۷۳	۴۶۹	۲۲۴	۲۴۵
کلسن گورسن	۱۰	۵۰	۲۶	۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گلی بلاغ زرگر	۷۲	۳۸۰	۱۹۰	۱۹۰
گنلو	۶	۲۶	۱۲	۱۴
گوده کهریز	۵۹	۳۹۶	۲۰۸	۱۸۸
گون پایاق علیا	۶۱	۳۴۰	۱۷۹	۱۶۱
گیچی بلاغی سفلی	۴۶	۲۹۲	۱۵۰	۱۴۲
گیچی بلاغی علیا	۳	۲۶	۱۸	۸
لله لو	۱۰۴	۵۷۰	۲۹۵	۲۷۵
لنگه بیز	۵۸	۳۱۰	۱۶۷	۱۴۳
لورون	۸۵	۴۵۵	۲۴۵	۲۱۰
مازافای	۵۳	۲۸۹	۱۴۷	۱۴۲
محمد جانلو	۳۱	۲۰۳	۹۷	۱۰۶
مرادلو	۹۵	۵۷۵	۲۹۰	۲۸۵
ملی بلاغی	۱۳	۸۸	۴۷	۴۱
ملالو	۱۶	۱۰۳	۵۶	۴۷
میرحسینلو	۲۶	۱۴۲	۷۲	۷۰
نرچلو	۱۹	۸۵	۴۵	۴۰
نصیر کندی	۱۶	۹۴	۴۳	۵۱
نقدی کندی	۳۰	۱۸۴	۸۷	۹۷
نقر لو	۴۳	۲۴۷	۱۳۳	۱۱۴
نوری کندی	۳	۲۳	۱۳	۱۰
هفتچشمه	۲۳	۱۰۶	۴۸	۵۸
یاجیلو	۶۶	۴۰۹	۲۰۳	۲۰۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یزن آباد	۱۵۱	۸۷۴	۴۳۷	۴۳۷
جمع دهستان ارشق	۴۷۳۵	۲۷۱۳۶	۱۴۲۰۶	۱۲۹۳۰
ادمدره سی سفلی	۳۴	۱۸۳	۸۹	۹۴
ادمدره سی علیا	۵۸	۲۸۳	۱۵۰	۱۳۳
اروج علیلو	۵۳	۲۶۹	۱۴۷	۱۲۲
اقتپه	۲۳	۱۱۸	۵۷	۶۱
آقا محمد بیگلو	۶	۶۷	۳۲	۳۵
آقا محمد بگلو	۷۶	۴۱۶	۲۲۵	۱۹۱
اللهیار لو	۲۲	۱۲۹	۷۲	۵۷
عالی قاپو	۷	۴۶	۲۹	۱۷
اوچبلاغ	۶۲	۳۰۷	۱۶۴	۱۴۳
ایلخچی	۳۶	۱۹۳	۱۰۰	۹۳
پشتکوه	۳۱	۱۸۶	۱۰۷	۷۹
پنجعلی خرابه سی	۵۷	۳۱۰	۱۷۲	۱۳۸
پیر علیلو	۵۵	۳۲۸	۱۷۲	۱۵۶
تازه کند	۸۹	۴۹۸	۲۶۲	۲۳۶
تکبلاغ	۴۶	۲۵۶	۱۲۸	۱۲۸
توبلقا	۲۰	۱۴۳	۷۶	۶۷
تولاچی	۴۹	۲۸۲	۱۴۲	۱۴۰
تولان	۱۰	۴۹	۲۵	۲۴
جبی لو	۳۵	۱۹۰	۱۱۰	۸۰
جدا	۷۰	۳۶۲	۲۰۱	۱۶۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جواد لو	۲۸	۱۶۰	۷۹	۸۱
جومیلو	۳۰	۱۹۱	۱۰۳	۸۸
چاتقشلاق	۵	۲۸	۱۵	۱۳
چنار	۱۳	۹۱	۵۰	۴۱
خان محمد لو	۵۷	۳۱۴	۱۷۴	۱۴۰
داشبلاغ کنده	۷۳	۴۸۸	۲۶۶	۲۲۲
داشدی درق	۱۶	۸۴	۴۷	۳۷
داشقاپو	۱۸	۹۴	۵۱	۴۳
داغکند	۲۰	۱۰۶	۵۱	۵۵
دانیال	۳۰	۱۷۳	۸۴	۸۹
درکاهلو	۴۵	۲۲۸	۱۱۶	۱۱۲
دلیکداش	۱۷	۸۷	۴۶	۴۱
دلیکیارقان	۵	۴۲	۲۵	۱۷
دمیرچی خرابه سی	۶۷	۴۲۹	۲۲۱	۱۹۸
زیوه	۱۱۱	۵۶۷	۲۷۶	۲۹۱
ساریلار	۱۱	۴۹	۲۶	۲۳
ساری قیه	۴۱	۲۰۸	۱۰۴	۱۰۴
سامانلو	۷۸	۴۶۶	۲۴۹	۲۱۷
سردی	۳۴	۱۸۸	۱۰۱	۸۷
سرو اغاجی	۶۴	۳۵۳	۱۸۴	۱۶۹
سلو کقشلاق	۳	۶	۴	۲
سید محمد لو	۲۴	۱۱۳	۵۳	۶۰

نام ده	تعداد خانوار	مرد	جمعیت	زن
شاعر لر	۶۰	۲۸۶	۱۵۹	۱۲۷
شوردرق سفلی	۴۸	۲۹۲	۱۵۳	۱۳۹
شوردرق علیا	۴۵	۲۴۶	۱۲۶	۱۲۰
شورستان	۲۱	۱۱۳	۶۰	۵۳
شهباز لو	۲۳	۱۲۱	۶۰	۶۱
شیخ رضی	۲۳	۱۴۴	۸۱	۶۳
صلوات	۱۰۹	۵۸۱	۳۲۳	۲۵۸
عباس علیلو	۴۸	۲۸۳	۱۵۰	۱۳۳
عباس علی آکن	۱۹	۱۱۸	۵۷	۶۱
عسکر خانلو	۲۹	۱۷۹	۹۶	۸۳
عسکر کندی	۴	۳۳	۱۴	۱۹
قاری قشلاقی	۲۸	۱۴۱	۷۲	۶۹
قربانلو	۳۰	۱۷۰	۸۵	۸۵
قره اغاج سفلی	۷۹	۴۳۴	۲۲۷	۲۰۷
قره اغاج علیا	۴۰	۲۳۶	۱۲۴	۱۱۲
قره جه‌اغل	۱۰	۶۵	۳۷	۲۸
قره خان بیگلو	۹۲	۵۲۳	۲۷۱	۲۵۲
قزل قیه	۲۰	۱۱۳	۶۰	۵۳
قشلاق بریان	۱۶	۹۱	۵۰	۴۱
قشلاق جدا	۲۵	۱۶۷	۸۵	۸۲
قلیج خانلو	۲۷	۱۶۶	۸۷	۷۹
قلی درق	۲۶	۱۳۷	۶۷	۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قورتلو	٤٥	٢٦٢	١٤٣	١١٩
قورتلو قشلاق	١	٩	٥	٤
قوز لو	٢٣	٩٣	٥١	٤٢
قهرمانلو	١٩	٩٩	٥٤	٤٥
قیل لولی	٣١	١٩٤	٩٠	١٠٤
کچی قشلاق	٨	٥٧	٣٥	٢٢
کدخدا لو	٢١	١٢٥	٦٢	٦٣
کرد کندی	٣٧	٢١٦	١١٧	٩٩
کلانتر	٣٩	٢١٧	١١١	١٠٦
کنده کندی	١٧٧	٨٦٧	٤٧٥	٣٩٢
کورماللو (کوراماللو)	١٠٧	٥٤٩	٣٠٧	٢٤٢
کهنه کند	٢٤	١٢٦	٦٩	٥٧
کینو	٢٢	١٢٧	٦١	٦٦
گرمی انکوت	٦٢	٣٢٩	١٧٦	١٥٣
گلین بلاغی	٣٤	٢١١	١١٨	٩٣
گلی درق	٤١	٢٣٦	١٢٤	١١٢
گلی درق سفلی	٢٠	١٠٤	٥٨	٤٦
گلی درق علیا	١٨	١٠٣	٥٧	٤٦
گوده کهریز	٨٥	٤٧١	٢٥٣	٢١٨
گونی کند	٣٢	١٦٨	١٠١	٦٧
لکر آباد سفلی	٤٢	٢٣٤	١١٤	١٢٠
لکر آباد علیا	٣٧	٢١٤	١١٧	٩٧

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
لکوان	۲۴	۱۴۷	۷۷	۷۰
لاچین دره سی	۳۶	۲۲۷	۱۳۷	۹۰
مال قشلاق	۳۵	۱۸۳	۹۶	۸۷
مراللو	۴۶	۲۷۱	۱۵۵	۱۱۶
مردان	۲۵	۱۲۲	۶۷	۵۵
مسجد لو	۲۷	۱۵۲	۸۶	۶۶
ملا لو	۴۵	۲۴۶	۱۳۰	۱۱۶
میر جعفر لو	۴۲	۱۸۱	۹۱	۹۰
میرزا حسن کندی	۷۶	۴۴۶	۲۳۴	۲۱۲
نصیر کندی	۳۹	۲۲۹	۱۲۶	۱۰۳
نولی	۱۲	۶۲	۳۵	۲۷
هدیلو	۳۸	۲۱۵	۱۱۴	۱۰۱
هیبت سفلی	۱۱	۷۴	۳۹	۳۵
هیبت علیا	۱۹	۱۱۹	۶۷	۵۲
هیزان	۴۵	۲۷۰	۱۳۹	۱۳۱
یل سویی	۴۶	۲۴۶	۱۳۲	۱۱۴
جمع دهستان انکوت	۳۹۴۲	۲۱۹۲۰	۱۱۶۶۲	۱۰۲۵۸
اجاق الازار	۶۴	۳۳۹	۱۵۸	۱۸۱
ارانچی	۷۱	۳۸۴	۱۹۱	۱۹۳
ارمار	۲۶	۱۳۹	۶۶	۷۳
اروج آباد	۱۴	۸۲	۴۵	۳۷
ازاد لو	۷۹	۴۴۵	۲۲۴	۲۲۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اژدرلو	۳۲	۱۸۳	۹۷	۸۶
اغ حسن بیگلو	۴۳	۲۱۱	۱۰۹	۱۰۲
افسوران	٦٤	۳۰٤	۱۵۹	۱٤۵
القناب	۳۸	۲٤۸	۱۳٤	۱۱٤
الیله	۱۰٤	۵٤٦	۲٦۳	۲۸۳
الیله سر	۳۳	۱۸۸	۹۸	۹۰
الی درق	۸	٤۰	۲٦	۱٤
امراهلو	٦۹	۳۷۳	۱۹۲	۱۸۱
انبیر بیگلو	٦۳	۳٤٦	۱۷۳	۱۷۳
انکورد	۱۰	۵٤	۲۹	۲۵
اوج اغاج	۳٦	۱٦٦	۸۵	۸۱
اوچه	٤۰	۲٤۷	۱۲٤	۱۲۳
اولی کندی	٦۸	۳٤۱	۱٦۹	۱۷۲
اوماسلان علیا	۱۰۸	۵۳۷	۲۵۰	۲۸۸
ایزماره‌علیا	۱۸٤	۹۱٤	٤۷۱	٤٤۳
ایزماره سفلی	۱۷	۱۱٤	٦۰	۵٤
ایلخانلار	۱۸	۱۱۰	٦۰	۵۰
ایلخچی سفلی	٦۲	۳٤۸	۱۷۳	۱۷۵
ایلخچی علیا	٤۱	۱۹۲	۹٤	۹۸
اینی سفلی	٤۷	۲٦٤	۱۲۰	۱٤٤
اینی علیا	۹۷	۵۳۰	۲۷۷	۲۵۳
اینی وسطی	٦۱	۳٤۲	۱۸۸	۱۵٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بابی کند	۳۷	۲۵۲	۱۳۱	۱۲۱
باقرلو	۳۲	۱۷۷	۸۹	۸۸
بشیرلو سفلی	٦	۳٦	۱۸	۱۸
بشیر لوعلیا	۲٦	۱۷۸	۸۵	۹۳
بنه	۱۰۱	۵۳٤	۲٦۹	۲٦۵
بورك آباد	۱۷	۹۵	٤۷	٤۸
بهرام آباد	۲	۱۵	۵	۱۰
بیعرق	۲۹	۱٦۳	۹۳	۷۰
بیکباغی	۲۹	۱۷۰	۹۳	۷۷
بیلداشی	۱۱۸	٦۱۱	۳۳۲	۲۷۹
بیله درق	۳۳	۱۹۹	۹٦	۱۰۳
بیوك آقالو	۲۱	۱۱۲	٦۱	۵۱
پرچین سفلی	۱۰۸	۵٤۰	۲۸۸	۲۵۲
پرچین علیا	۲٤	۱۸۱	۹۲	۸۹
پرمهر	۱۲۸	٦٤۰	۳۲۳	۳۱۷
پیره خلیل	۳۰	۱٦۷	۹۳	۷٤
تازه‌کند	۲۱	۱۵۲	۸۳	٦۹
تازه کندلنگان	۹	۵٦	۳۲	۲٤
تازه کندموران	۲۸	۱۷۱	۱۰۲	٦۹
تپه	٦۸	٤۰۹	۱۹۹	۲۱۰
تپه باشی	۱۰	۵۰	۲۸	۲۲
تکدام اجارود	۱۳	۵٤	۳۰	۲٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تنگ	۳۰	۱۴۸	۷۶	۷۲
تولون	۱۵۳	۸۶۳	۴۶۳	۴۰۰
تولیر	۳۸	۱۸۶	۹۸	۸۸
جنگان	۲۰	۱۳۳	۷۳	۶۰
چغونکنشن	۸۴	۴۴۴	۲۲۶	۲۱۸
چلك	۸۹	۴۶۴	۲۴۲	۲۲۲
چوبدرق سفلی	۱۵	۸۸	۵۴	۳۴
چوبدرق علیا	۲۱	۱۲۱	۶۱	۶۰
چونه خانلو	۲۸	۱۶۳	۷۶	۸۷
حجت آباد	۲۴	۱۰۴	۵۸	۴۶
حسن کندی	۴۵	۲۶۱	۱۳۱	۱۳۰
حمزه خانلو	۵۶	۳۱۶	۱۵۶	۱۶۰
حسن کندی	۱۹	۱۲۴	۵۹	۶۵
حواس کندی	۴۸	۲۸۶	۱۴۰	۱۴۶
خان بلاغی	۵۵	۲۶۳	۱۴۳	۱۲۰
خان یوردی	۱۱	۷۷	۴۲	۳۵
داش بلاغ	۲۷	۱۳۷	۷۴	۶۳
داشدبی	۳۳	۱۵۴	۸۱	۷۳
درمانلو	۵۶	۲۶۷	۱۳۳	۱۳۴
درویش گورتمز	۶۲	۳۴۹	۱۷۳	۱۷۶
دریامان	۶۱	۳۵۰	۱۹۸	۱۵۲
درین کبود	۲۳	۱۲۵	۷۰	۵۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دمیرچی سفلی	۸۸	۴۵۹	۲۲۹	۲۳۰
دمیرچی علیا	۱۱	۷۵	۴۱	۳۴
دیزج	۱۴۲	۸۰۳	۴۱۳	۳۹۰
رحیملو	۴۶	۲۵۸	۱۴۱	۱۱۶
رحیملوموران	۱۵	۸۰	۴۱	۳۹
رمضانلو	۹	۶۸	۳۳	۳۵
زنگبار	۴۶	۲۴۶	۱۳۲	۱۱۴
زنگیر	۱۴۴	۷۶۷	۳۷۹	۳۸۸
زهرا	۴۶	۲۳۹	۱۰۸	۱۳۱
ساری درق	۲۶	۱۵۴	۸۴	۷۰
ساری نصیر لو	۶	۵۰	۳۰	۲۰
سلیمانلو	۲۶	۱۲۵	۹۶	۵۶
سلاله	۷۵	۳۴۳	۱۸۳	۱۶۰
سیاوش کندی	۲۶	۱۴۵	۷۴	۷۱
سید کندی	۴۵	۲۳۳	۱۲۳	۱۱۰
سیدلرزهرا	۲۴	۱۱۲	۶۳	۴۹
سینه‌سر	۲۵	۱۳۶	۹۶	۶۷
سیه	۶	۳۶	۲۲	۱۴
شاون سفلی	۳۷	۱۸۲	۸۹	۹۳
شاون علیا	۳۰	۱۵۲	۴۷	۶۹
شکراب	۹۵	۵۲۴	۲۷۵	۲۴۹
شکرلوی‌سفلی	۱۳	۸۵	۴۷	۳۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شکر لوی علیا	۵۲	۲۹۹	۱۵۷	۱۴۲
شور بلاغ	۶۹	۳۵۳	۱۷۵	۱۷۸
شور درق انی	۷۷	۳۳۷	۱۷۳	۱۶۴
شور قوشونی	۷	۳۹	۱۹	۲۰
شیخلر	۱۶	۸۸	۴۵	۴۳
شیلوه سفلی	۳۳	۱۷۴	۹۶	۷۸
شیلوه علیا	۳۸	۲۴۲	۱۲۶	۱۱۶
صفر لو	۱۶	۸۹	۴۷	۴۲
عبا بیگلو	۸۲	۴۲۲	۲۲۲	۲۰۰
عزیز لو	۱۸	۸۸	۴۴	۴۴
عطا لو	۱	۱۵	۹	۶
علی ویرد یلر	۱۸	۸۳	۴۲	۴۱
غفار کندی	۴۲	۱۳۱	۶۷	۶۴
فرضی کندی	۱۰	۳۹	۲۳	۱۶
قره بلاغ	۱۴	۹۹	۴۶	۵۳
قره قشلاق	۱۵	۷۸	۴۳	۳۵
قره یاتاق	۴۳	۲۱۹	۱۱۳	۱۰۶
قزل گونی	۱۹	۱۱۶	۶۷	۴۹
قشلاق	۱۷	۷۹	۴۹	۳۰
قشلاق ایلخچی سفلی	۲۵	۱۳۱	۷۶	۵۵
قشلاق ایلخچی علیا	۳۵	۱۹۷	۹۴	۱۰۳
قشلاق قوز لو	۴۴	۲۱۵	۱۰۷	۱۰۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قشلاق مازان سفلی	۲۶	۱۶۰	۸۰	۸۰
قشلاق مازان علیا	۱۵	۱۰۵	۵۷	۴۸
قشلاق میرلطفعلی	۳۳	۱۷۲	۹۳	۷۹
قنبرلو	۶۱	۳۲۷	۱۶۴	۱۶۳
قوزلو	۴۸	۲۷۶	۱۴۱	۱۳۵
قهرمانلو	۲۵	۱۶۱	۷۷	۸۴
کچللر	۱۵	۸۶	۴۴	۴۲
کریملو	۱۳	۹۶	۵۱	۴۵
کله سرسفلی	۱۹	۱۴۱	۷۰	۷۱
کله سرعلیا	۴۱	۲۳۴	۱۱۵	۱۱۹
کلان	۹۷	۴۹۲	۲۷۰	۲۲۲
کلانسرا	۱۵۳	۷۶۷	۳۸۲	۳۸۵
کمرقیه	۱۶	۹۴	۵۱	۴۳
کودلر	۹۶	۶۰۹	۳۲۶	۲۸۳
کول اتان	۱۳	۶۵	۳۶	۲۹
گرمی	۸۷۷	۴۵۹۴	۲۳۶۰	۲۲۳۴
گیگل	۴۳	۲۲۷	۱۱۲	۱۱۵
گیلارلو	۴۱	۲۳۹	۱۳۳	۱۰۶
لجایر	۱۶	۱۰۶	۵۰	۵۶
لسکه درق	۲۲	۱۲۷	۷۰	۵۷
لله باغی	۱۹	۱۳۴	۶۱	۷۳
لنکان	۷	۴۳	۲۲	۲۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ماه پری	۹	۵۰	۲۹	۲۱
مجیدلو	۴۲	۲۲۰	۱۱۴	۱۰۶
مزرعه شاهمیر	۳۰	۱۶۶	۷۹	۸۷
مشهد لو	۲۹	۱۵۳	۷۹	۷۴
مغوان	۶۰	۳۰۴	۱۶۲	۱۴۲
مهدی خانلو	۲۴	۱۱۴	۵۴	۶۰
مهره	۸۳	۴۲۷	۲۱۵	۲۱۲
میخوش	۷۸	۴۰۶	۲۲۵	۱۸۱
میراب	۸	۴۸	۲۲	۲۶
نقاره	۳۸	۲۰۹	۱۱۴	۹۵
تمیرداش	۲۸	۱۵۴	۸۳	۷۱
وان سفلی	۱۰۷	۵۲۸	۲۵۱	۲۷۲
وان علیا	۴۹	۲۹۱	۱۵۱	۱۴۰
وانستانق	۱۰۷	۵۳۸	۲۷۲	۲۶۶
هاجا کند	۳۴	۲۰۹	۱۰۴	۱۰۵
هاچا کندتازه	۴۱	۲۳۰	۱۲۱	۱۰۹
هادی بیگلو	۴۳	۲۲۱	۱۱۲	۱۰۹
همه شان	۲۰	۱۱۱	۵۶	۵۵
یدی درق	۵	۳۵	۱۹	۱۶
یل د کرمانی	۳۴	۱۷۷	۹۲	۸۵
جمع دهستان اجاود	۷۶۰۴	۴۱۰۲۳	۲۱۱۴۳	۱۹۸۸۰
احد بیگلوارزنق	۴	۲۵	۱۵	۱۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ارزنه	۴۶	۲۶۹	۱۴۱	۱۲۸
اسماعیل کندی‌برزند	۴۶	۲۴۷	۱۲۸	۱۱۹
اقاوردیلو	۱۶	۹۴	۴۵	۴۹
اقداش	۸	۴۶	۲۶	۲۰
اقداش	۲۶	۱۵۶	۷۶	۸۰
پلنلو	۱۶	۷۵	۳۴	۴۱
تکبلاغ شرفه	۱۷	۸۴	۴۴	۴۰
تکدام	۱۷	۱۰۶	۴۸	۵۸
تکه‌چی	۳۹	۲۰۵	۹۷	۱۰۸
تکانلو	۵۳	۳۳۶	۱۸۳	۱۵۳
توسانلوی برزند	۴۴	۲۵۲	۱۲۴	۱۲۸
جهان گیرلو	۷۹	۴۲۸	۲۲۱	۲۰۷
چنار	۵۰	۳۱۸	۱۷۱	۱۴۷
حاج احمد کندی	۲۳	۱۱۴	۵۸	۵۶
حسین خانلو	۱۸	۱۱۷	۶۱	۵۶
خانعلی دره‌سی	۲۴	۱۱۱	۵۲	۵۹
داشبلاغ برزن	۷	۳۵	۱۷	۱۸
دامداباجا	۷۶	۴۲۲	۲۲۰	۲۰۲
درکاهلوی برزند	۱۹	۱۰۴	۴۹	۵۵
دمیرجی دره‌سی سفلی	۲۷	۱۴۵	۷۴	۷۱
دمیرجی دره‌سی علیا	۴۶	۲۵۹	۱۴۱	۱۱۸
زرگربرزند	۷۱	۴۱۴	۲۱۴	۲۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شامیل‌آباد	۱۵	۶۸	۳۶	۳۲
شرفه	٦٤	۳٤٤	۱۸۷	۱۵۷
شعبانلو	۱۹	۱۲۱	٦۲	۵۹
شهماربیگلو	٦۰	۳٤۱	۱۸۲	۱۵۹
صالح بیگلو	۱	٦	٤	۲
طاوس دره‌سی	٦٤	۳٦۰	۱۹٤	۱٦٦
علی محمد لو	۳۲	۱۷۱	۸٦	۸۵
قاسمکندی برزند	۱۰۳	۵٦٤	۳۰۳	۲٦۱
قباله	۲۲	۱۵۸	۷۸	۸۰
قطار سفلی	۵	٤٦	۲۰	۲٦
قطار علیا	۲۳	۱۳٤	٦۳	۷۱
قلعه برزند	٤٤	۲٦٤	۱٤۵	۱۱۹
ماراللوی کلبلوی	۵۷	۳۰٦	۱۷۰	۱۳٦
محمد تقی	٤٦	۲۹۲	۱٤٦	۱٤٦
مزرعه علیای خانلار	۱۵	۷٤	۳۸	۳٦
مزرعه علی گشادفکری	٤۵	۲٦۱	۱٤۱	۱۲۰
منصورلو	۱٤	۷٤	۳۵	۳۹
میکاییل دره‌سی	۳۲	۱۹۲	۱۰۳	۸۹
نریمان	٤۱	۲۵۷	۱۲۹	۱۲۸
نصراله بیگلو	٤۰	۲٤۱	۱۱٦	۱۲۵
نوراله بیگلو	٤۲	۲۲٦	۱۲۲	۱۰٤
جمع دهستان برزند	۱۵۵٦	۸۸٦۲	٤۵۹۹	٤۲٦۳

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
آتشگاه	۲۳	۱۲۷	۵۵	۷۲
احمدآباد	۱۷۲	۹۰۶	٤۸۸	٤۱۸
احمد بیگلو	۱۵۸	۸٤۰	٤۱٤	٤۲٦
اسماعیل‌آباد	۱۲	۷۱	٤۱	۳۰
اغ بلاغ	۱۰۳	۵۹٦	۳۱۳	۲۸۳
اقچه‌لو	۵٦	۳۰۹	۱٦۸	۱٤۱
الوچ	۷۲	۳۹۳	۲۱۱	۱۸۲
اندزق	۱۳٦	٦٦۳	۳۳۳	۳۳۰
انزان	۱۱٤	٦۰٦	۳۳۲	۲۷٤
اوارسی	۷۱	۳۸٤	۱۹۸	۱۸٦
اهل ایمان	٤٦	۲۵٤	۱٤۵	۱۰۹
بارزیل	۷۰	۳۸۸	۲۰۷	۱۸۱
بالوجه	۲۷۳	۱٦۱۸	۸٤۹	۷٦۹
بالوقیه	٤۰	۲۳۳	۱۳۲	۱۰۱
بلوسی	٤٤	۲٤۷	۱٤٦	۱۰۱
بهرامکندی	۲	۸	۳	۵
پریخان	٤۱۱	۲۲٤۵	۱۱٦۲	۱۰۸۳
تازه کند حاج خان	۱۲	۸۲	٤۸	۳٤
تازه کند نصیر	۲۲	۱۲٤	۵۹	٦۵
تازه کند یوزباشی	۱۲	٦۱	۲۸	۳۳
تبنق	۷۰	٤۰۵	۲۰٦	۱۹۹
جاجان	٦۵	۳۸۵	۲۱٦	۱٦۹

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
جبدرق	۲۳۳	۱۲٤۸	٦٥۳	۵۹۵
جلیل کندی	۷	۳۲	۱۹	۱۳
جمال‌آباد	۹۰	٤٦۳	۲٤۰	۲۲۳
حبشی	٤۹	۲٤٦	۱۲٦	۱۲۰
حصار	٤	۱۹	٦	۱۳
حیق	۱۲۰	۵۸۱	۳۱٤	۲٦۷
خان کندی	۹۵	۵۷۰	۲۸۸	۲۸۲
خراوان	٦۱	۳٤۸	۱۷٤	۱۷٤
خرم‌آباد	۱۰٦	۵۵۹	۲۹۷	۲٦۲
خنجر	۳۳	۱۸۱	۹٤	۸۷
خورشیدآباد	۵٤	۲۷۸	۱۵۵	۱۲۳
دستگیر	٦۰	۲۷٤	۱۵۷	۱۱۷
دله‌زیر	۲۹	۱۷۳	۸۲	۹۱
دمیرچی کندی	۱۱	۵۵	۳۱	۲٤
دوشانلو	۸۳	٤۳۳	۲۲۵	۲۰۸
دوکش	۲۱۹	۱۱۷۱	۵۹۸	۵۷۳
دیبکلو	۷۱	۳٤۷	۱۷۸	۱٦۹
دیزو	٦	۳۵	۱۸	۱۷
زیرزمین	۳٤	۱۹٦	۱۰۷	۸۹
ساچلو	۲٤	۱۲۵	٦۱	٦٤
سارخانلو	٤۳	۲۱۳	۱۱۸	۹۵
ساوجبلاغ	۲۲	۱۲۰	٦٦	۵٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سبلان کندی	۴۰	۱۹۴	۹۹	۹۵
سولاخلو	۳۱	۱۴۹	۷۳	۷۶
شیخلار	۴۵	۲۱۸	۱۲۱	۹۷
صاحبدیوان	۵۹	۲۸۴	۱۴۵	۱۳۹
علمدار	۸۰	۴۱۸	۱۹۹	۲۱۹
عور	۲۳۰	۱۲۵۲	۶۴۰	۶۱۲
قرخ بلاغ	۱۴	۱۰۱	۴۸	۵۳
قره باغلار	۴۹	۲۸۰	۱۵۹	۱۲۱
قره درویش	۱۳۲	۷۴۴	۳۸۴	۳۶۰
قره گل	۲۹	۱۴۷	۷۳	۷۴
قصابه	۲۱۷	۱۲۰۰	۶۲۸	۵۷۲
قورتتچه	۱۱۵	۶۲۴	۳۳۴	۲۹۰
قوزلوچه	۵۴	۳۱۰	۱۷۷	۱۳۳
کر گشه	۱۰۷	۵۶۷	۳۰۵	۲۶۲
کلهور	۳۳	۱۶۳	۹۲	۷۱
کلانپا	۶۹	۳۸۲	۲۰۷	۱۷۵
گوجنق	۱۸۹	۱۰۶۹	۵۵۵	۵۱۴
گوندزلو	۲۹	۱۷۰	۹۰	۸۰
کوه کنار	۶۰	۳۱۴	۱۶۰	۱۵۴
گل‌لرمحمدحسین	۳۰	۱۵۰	۸۱	۶۹
مزرعه جهان	۶۴	۳۲۸	۱۶۴	۱۶۴
مزرعه خلف	۱۲۱	۵۸۵	۳۱۵	۲۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مسجد لو	۵	۳۵	۱۹	۱۶
منجقچی	۱۵	۷۵	۴۲	۳۳
مویل	۸۸	۵۱۲	۲۷۴	۲۳۸
نصیر آباد	۲۲۵	۱۰۸۵	۵۶۶	۵۱۹
نهرسلولدوز	۵۲	۲۶۳	۱۳۵	۱۲۸
نیاز	۱۲	۶۲	۳۰	۳۲
ویجنده	۱۵۷	۷۵۴	۳۹۲	۳۶۲
ینگجه	۵۷	۳۲۵	۱۶۹	۱۵۶
جمع دهستان مشکین غربی	۵۸۴۶	۳۱۳۷۲	۱۶۴۳۷	۱۴۹۳۵
ارباب	۱۸۷	۸۷۳	۴۳۶	۴۳۷
ارجق	۲۸۱	۱۳۶۸	۷۰۷	۶۶۱
اقچه قشلاق	۴۴	۲۳۱	۱۲۱	۱۱۰
اقدرق	۵۴	۲۹۴	۱۶۴	۱۳۰
الرده	۲۴	۱۵۱	۷۹	۷۲
الی	۲۴۰	۱۲۷۷	۶۷۷	۶۰۰
انار	۴۱۴	۱۸۶۳	۱۰۰۷	۸۵۶
بابیان	۲۳	۱۲۵	۶۷	۵۸
باریس	۲۷	۱۴۵	۷۱	۷۴
بجق	۱۰۶	۵۶۱	۲۹۹	۲۶۲
بنه‌لو	۳۴	۱۸۴	۹۱	۹۳
پاشالو	۲۴	۱۳۴	۷۱	۶۳
پیرازمیان	۸۳	۴۷۳	۲۵۴	۲۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تکدام	۳	۱۵	۸	۷
جاموش‌اولن سفلی	۲۰	۲۵۵	۸۶	۶۹
جاموش‌اولن علیا	۱۹	۱۰۸	۵۵	۵۳
جلایر	۹۲	۵۳۶	۲۷۷	۲۵۹
چپقان	۱۱۳	۷۲۱	۳۷۸	۳۴۳
چناقبلاغ	۴۸	۲۶۵	۱۴۷	۱۱۸
حاتمکندی	۲	۱۵	۶	۹
حاجلو	۴۹	۲۳۷	۱۲۲	۱۱۵
حاجی گنجعلی	۷	۴۲	۲۳	۱۹
داشبلاغ	۲۰	۱۰۲	۵۵	۴۷
داشگسن	۶۲	۳۲۶	۱۶۹	۱۵۷
دده بیگلو	۱۳۴	۷۴۲	۳۷۹	۲۶۳
ساربانلار	۱۳۲	۶۷۹	۳۶۲	۲۱۷
سواره	۲۱	۱۲۷	۶۵	۶۲
شاطر گنبدی	۱۶	۸۸	۴۸	۴۰
شوشبلاغ	۶۳	۳۵۵	۱۷۹	۱۷۶
شهاب‌الدین	۱۸	۹۵	۵۵	۴۰
شیخ لو	۶۴	۳۵۶	۱۸۶	۱۷۰
علی‌آباد	۹۷	۴۸۲	۲۵۰	۲۳۲
علی محمدلو	۱۵	۸۳	۴۳	۴۰
فخرآباد	۲۶۹	۱۲۰۹	۶۵۷	۵۵۲
قادرلو	۴۸	۲۵۳	۱۳۶	۱۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره قپه	۳۰۰	۱۰۳۳	۷۸۳	۷۵۰
قلچقلو	۴۴	۲۴۵	۱۳۹	۱۰۶
قوزلو	۶۵	۳۰۲	۱۵۱	۱۵۱
قهوه خانه عسکر	۱	۵	۲	۳
قیلپنلوی سفلی	۱۵	۸۲	۴۶	۳۶
قیلپنلوی علیا	۳۳	۱۶۷	۹۲	۷۵
کنکرلو	۸۷	۴۹۹	۲۵۲	۲۴۷
کوربلاغ	۵۹	۳۶۲	۱۹۱	۱۷۱
کویچ	۱۲۴	۵۴۶	۲۷۶	۲۷۰
کهلیکبلاغی	۱۱	۵۸	۳۵	۲۳
کللرتقی	۴۸	۲۶۲	۱۳۰	۱۳۲
لحاق	۱۳۹	۶۹۷	۳۶۱	۳۳۶
لعل گنج	۲۶	۱۵۹	۸۷	۷۲
لگران	۹۳	۵۱۹	۲۶۶	۲۵۳
لمبر	۱۰۷	۵۱۴	۲۷۶	۲۳۸
لنج آباد	۶۰	۳۴۵	۱۸۰	۱۶۵
لاهرود	۸۴۲	۳۹۹۴	۲۱۱۳	۱۸۸۱
مختار کندی	۹	۶۰	۳۲	۲۸
مسدرق	۳۸	۲۰۸	۱۱۳	۹۵
میر علی‌لو	۱۰۴	۵۲۸	۲۸۲	۲۴۶
نقدی سفلی	۳۳	۱۵۹	۷۸	۸۱
نقدی علیا	۳۶۷	۱۸۳۶	۹۷۵	۸۶۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
وراغول	۲۶	۱۴۰	۷۷	۶۳
جمع دهستان مشکین‌شرقی	۵۴۸۴	۲۷۸۹۰	۱۴۶۶۷	۱۳۲۲۳
ابراهیم آباد	۲۰۴	۱۰۵۱	۵۴۵	۵۰۶
ابراهیم آباد بیگزاد	۹۶	۵۵۴	۲۹۷	۲۵۷
ابراهیم آباد قدیم	۶	۳۵	۲۳	۱۲
ابراهیم آباد جدید	۱۰۲	۵۲۹	۲۶۰	۲۶۹
اجاق قشلاق	۶۱	۴۰۸	۱۹۶	۲۱۲
اسد قشلاق	۲۰	۱۲۹	۶۶	۶۳
اسد کندی	۲۵	۱۱۹	۶۰	۵۹
اصلاندوز	۱۶۹	۸۰۴	۴۱۹	۳۸۵
اق قاپاق اخر	۳۳	۱۷۰	۸۷	۸۳
اق قاپاق پائین	۳۸	۱۵۸	۸۲	۷۶
اق قاپاق سفلی	۹	۶۴	۳۴	۳۰
اق قاپاق علیا	۴۱	۱۶۵	۹۸	۶۷
اقا مالی قشلاقی	۷	۵۴	۳۱	۲۳
الله قلی کندی	۱۰	۵۸	۳۱	۲۷
امیر خانلو	۸	۳۹	۲۲	۱۷
انجیرلو	۷۱	۴۱۲	۱۹۵	۲۱۷
اوجاق قشلاق	۱۱	۷۸	۴۳	۳۵
اوچ درق	۹	۴۰	۲۵	۱۵
اوچبلاغ	۳۷	۲۰۲	۱۰۱	۱۰۱
اودلو	۸۳	۴۵۱	۲۵۱	۲۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اوروتلو	۱۷	۵۸	۳۲	۲۶
اوزون تپه	۲۴	۱۳۸	۶۵	۷۳
اوش دره سی	٤	۲۰	۸	۱۲
اولتان	۱۵۸	۸۱۹	٤۲۷	۳۹۲
ایاز آباد	۱۰	۵۸	۲۶	۳۲
ایده لو	٥٤	۳۲۷	۱۶۰	۱۶۷
ایران آباد	۲۷۶	۱٤۶۱	۷٤٥	۷۱۶
ایران آباد جدید	۳۶	۲۱۹	۱۰۶	۱۱۳
ایستگاه هوا شناسی	۱	۲	۱	۱
بابا شکندی	۲۷۸	۱٥۲۷	۷۸۶	۷٤۱
بالا بیگلو جدید	۳۸	۱۹٥	۱۰۹	۸۶
بخشعلی کندی	۹	٥۹	۳٤	۲٥
بران سفلی	٥۱	۲۹۷	۱٤۶	۱٥۱
بران علیا	۸۹	٤۶۹	۲٤۷	۲۲۲
بهرام آباد	۳٤	۱۷۶	۸۳	۹۳
بیگباغلو	۱۰	٥۱	۲۷	۲٤
بیله سوار	۶۳٤	۳٥٥۳	۱۸٤٤	۱۷۰۹
بیوکخانلو	۷٥	۳۷٤	۲۰۱	۱۷۳
پارا قشلاق	٥٥	۲۷۶	۱۳٥	۱٤۱
پاره قشلاق علیا	۲۸	۱۷٤	۹٤	۸۰
پاره قشلاق سفلی	٤	۲۲	۱٤	۸
پارس آباد	٥٤۷	۲۷۳۳	۱٤٤٥	۱۲۸۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پتلمی‌کندی	۲۱	۹۹	٤٦	٥٣
پلنکلو	۱۱	٦۹	۳٥	۳٤
پوتلکان	۸۱	٤۲۷	۲۱۳	۲۱٤
پیرایواتلو	۷۷	٤٤۸	۲٤۰	۲۰۸
تازه کن دعربلو	۱٦۷	۸۰۸	٤۲٤	۳۸٤
تازه‌کند جدید	٤۷	۲۲۳	۱۰۸	۱۱٥
تربتکن دی	٥۹	۳۲۳	۱۷۹	۱٤٤
تکچی	۱۱۹	٥۲٦	۲۷۲	۲٥٤
تکه	٤۰	۱۸۱	۸۹	۹۲
تیمورکندی	۱	۷	٦	۱
جهان خانلو	٥۹	۳٥۷	۱۹٥	۱٦۲
جعفر قلی‌کندی	۲۷	۱۳۷	۷٤	٦۳
چالماکندی	۷۳	۳۷۷	۱۸۹	۱۸۸
چنار	۱۸	۱۱۸	٦۲	٥٦
چناق بلاغ	۱٤	٦٦	۳۲	۳٤
چناق سفلی و علیا	۱٥٦	۷۷٥	٤۰۸	۳٦۷
حاجی ابراهیمخان	۳	۲۸	۱۳	۱٥
حاجی آقا کندی	٤٥	۲٦٤	۱۳٤	۱۳۰
حاجی بابا خان	۸	٥۰	۲۷	۲۳
حاجی بالا بیکلو	۱۸	۱۱٤	٥۷	٥۷
حاجی جعفر کندی	۷	۲۱	۱۰	۱۱
حاجی سیابکندی	۲۱	۱۳۲	۷۲	٦۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی عباس	۱۱	۷۲	٤٦	٢٦
حاجی قدرت کندی	۱۳	۸٦	٥۳	۳۳
حاجی ماهی خان	٤	۲۰	۱۱	۹
حاجی‌میروردی کندی	۲۷	۱٦٤	۸٥	۷۹
حاجی هوار کندی	۱۰	٥٥	۳۳	۲۲
حسن خان درسی	٥۷	۳۱٥	۱٦٥	۱٥۰
حسین آباد	۳۳	۱۸٥	۹۹	۸٦
حسینعلی کندی	٦	٤۰	۲۸	۱۲
خاکریز	٤٦	۲٦٥	۱۳۷	۱۲۸
خان بابا کندی	٦۸	۳٥٤	۱۸۹	۱٦٥
خان قشلان کندی	۳۹	۲۰۲	۱۰٦	۹٦
خانلار قشلاقی	۹	٥٤	۲۹	۲٥
خلفلو حاجی ولی‌خان	۱۹	۱۱٤	٦۱	٥۳
خلفلو حسین آباد	۲۱	۱٥۸	۸۹	٦۹
خلیل آباد	۱٤	٦٥	۳۰	۳٥
خور خور سفلی	۲٦	۱٤٥	۷۱	۷٤
خور خور علیا	۲٥	۱٥۱	۷٤	۷۷
داش بلاغ	۱۲	۸٤	٤۹	۳٥
داود قشلاقی	۳۸	۲۱٥	۱۱٦	۹۹
درین قویو	۳۰	۱٥٦	۸۲	۷٤
دمیر چیلو	۳۱	۱۸۲	۹۸	۸٤
دوه درسی	۱۷	۹٤	٤٥	٤۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یکدداش	۱۳	۸۰	٤٦	۳٤
رحمان دجانلو	۱٤	۷۷	۳۵	٤۲
روح کندی	۱۱۰	٦٤٦	۳٤۷	۲۹۹
زال کندی	۳۰	۱۵۰	۷۲	۷۸
زالی کندی	۲۷	۱۲۵	۷۱	۵٤
زرگر	۱۱۱	۵٤۸	۲۹۱	۲۵۷
ساری بلاغ	۱۵	۸٤	٤٦	۳۸
ساری قشلاق	۷	۳۸	۱۹	۱۹
سر بند	۵	۱۷	۱۱	٦
سر خای پیگلو	۱٤	۵۸	۳۱	۲۷
سری	۹	۵٦	۳۱	۲۵
سلطان قشلاقی	۳	۲۱	۱۰	۱۱
سلمان آباد	۵	۲۹	۱۵	۱٤
سمو کلو	۵۳	۳۲۲	۱٦۲	۱٦۰
سهراب آباد	۸	۵۰	۲۳	۲۷
سیدلر	۵	۲۳	۱۲	۱۱
شابی کندی	۳۲	۱۷۵	۱۰۰	۷۵
شاه آباد	۳۱۰	۱۷۱۳	۸۹۲	۸۲۱
شاه تپه سی	٦٦	۳۹٦	۲۰۷	۱۸۹
شاهین آباد	۱	۲٤	۹	۱۵
شورگل سفلی	۵۲	۳۰۸	۱۵۲	۱۵٦
شورگل علیا	۷	٤۷	۲٤	۲۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شور کوبی	۷	۸۰	۴۰	۴۰
شیخلر	۶	۳۳	۱۷	۱۶
صونا قیشلاقی	۳	۱۵	۵	۱۰
طومار کندی	۴۵	۲۶۱	۱۳۹	۱۲۲
عالیشان قشلاق	۱۹	۱۰۸	۵۷	۵۱
عباس آباد سفلی	٤	۲٤	۱۳	۱۱
عباس آباد علیا	۱۹	۱۰۳	۶۱	۴۲
عربلو کندی	۱۷	۹٤	۴۸	۴۶
علیرضا آباد	۱۲۸	۷۰۰	۳۵۸	۳۴۲
علیرضا آباد قدیم	۱۴۵	۶۷۹	۳۳۸	۳۴۱
عمران آباد	۱۱	۵۶	۲۸	۲۸
عنبرلو	۳	۲۸	۱۸	۱۰
عیوض‌لو	۵۰	۲۸۸	۱۵۵	۱۳۳
فولاد قویی	۱۷۳	۹۰۵	۴۷۳	۴۳۲
فهله کر پیجلو	۴۹	۲۳۷	۱۲۷	۱۱۰
فیروز آباد	۴۷	۲۴۱	۱۱۷	۱۲٤
قارشقا تپه سی سفلی	٤	۳۰	۱۹	۱۱
قارشقا تپه سی علیا	٤	۲۸	۱٤	۱٤
قاطر یوران	۱۰	۵۹	۳۰	۲۹
قباد کندی	۳۶	۱۷۳	۸۱	۹۲
قره تکانلوی سفلی	۱۵	۷٤	۳۹	۳۵
قره تکانلوی علیا	۲۱	۱۰٤	۵۵	۴۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره‌توره‌تکلوی(تکلوی‌آباد)	۳۸	۱۸۲	۹۳	۸۹
قره داغلو	۷۴	۴۱۰	۲۱۱	۱۹۹
قره سقال	۲	۱۳	۸	۵
قرهقاسملو	۱۵۰	۷۶۱	۳۹۰	۳۷۱
قریبحاجی	۲۶	۱۲۷	۷۰	۵۷
قزقلعه سی	۶۷	۴۱۰	۲۱۴	۱۹۶
قشلاق اوچبلاغ	۸	۴۴	۲۴	۲۰
قشلاق حاجی‌الله وردی	۳	۲۶	۱۵	۱۱
قشلاق نر	۳	۲۴	۱۶	۸
قشلاق نریمان	۲	۱۲	۵	۷
قطار آباد	۴۲	۱۸۹	۹۳	۹۶
قوطور بلاغی	۵۲	۳۳۷	۱۷۴	۶۳
قویتول	۲	۱۴	۶	۸
گلی بلاغ سفلی	۴۲	۲۲۷	۱۳۴	۹۳
کورلار	۱۴	۷۹	۳۹	۴۰
گل تپه	۱۲	۸۰	۴۵	۳۵
گلی بلاغ علیا	۴۹	۲۸۹	۱۴۰	۱۴۹
گوشلو	۱۷۹	۸۷۱	۴۴۷	۴۲۴
گوکتپه	۱۸۵	۹۶۸	۴۸۲	۴۸۶
گون پاپاق	۶۴	۳۰۶	۱۶۵	۱۴۱
لیمولو	۳۶	۲۲۹	۱۲۳	۱۰۶
مایه دره سی	۷	۴۲	۲۰	۲۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مجید آباد	۸۶	۴۶۸	۲۵۲	۲۱۶
مجیدلو	۴۷	۲۹۱	۱۵۷	۱۳۴
محمد رضا لو	۸۴	۴۳۹	۲۲۷	۲۱۲
مراد علی کندی	۲۱	۱۲۹	۷۵	۵۴
مراد لو	۷۲	۳۴۸	۱۹۴	۱۵۴
مرتضی قشلاقی	۵	۳۳	۱۳	۲۰
مرتع ولی خورخور	۳	۱۳	۵	۸
مزرعه سراقشلاق	۱۲	۶۸	۳۸	۳۰
مزرعه قره سقال	۴	۱۷	۸	۹
مست علی بیگلو	۲۰	۱۲۰	۵۸	۶۲
مقصود کندی	۴۱	۲۳۹	۱۱۹	۱۲۰
مقصود لوسفلی	۱۹	۹۲	۴۴	۴۸
مقصود لو علیا	۱۲	۶۷	۳۵	۳۲
مللو کندی	۳۵	۱۷۶	۹۷	۷۹
ملا کندی	۱۰۱	۵۱۳	۲۷۲	۲۴۱
میر نشام	۲	۱۱	۶	۵
نظرعلی بلاغی	۸۹	۴۷۲	۲۴۵	۲۲۷
نورشکند	۲۰	۱۰۷	۵۳	۵۴
نورمحمد کندی سفلی	۱۱	۵۳	۳۲	۲۱
نورمحمد کندی علیا	۱۹	۸۹	۵۹	۳۰
نوروز آباد	۲۳	۱۵۵	۹۴	۶۱
جاها کند کیم	۲۰	۱۱۵	۵۹	۵۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
هامار کندی	۷۰	۲۹۴	۱۹۷	۱۹۷
هزار قشلاقی	٤	۲۲	۱۳	۹
هیبتجهان‌خانملو	٤	۲۸	۱۵	۱۳
یامبلاخ	٥٤	۲۹۷	۱٤۸	۱٤۹
یانبلاخ قشلاق	٥	٤۳	۲۹	۱٤
یوسف آباد	۳٦	۱۸٥	۱۱۰	۷٥
یوشانلو شام	۱۳	٦۱	۲۸	۳۳
جمع دهستان مغان	۸۸۰۲	٤۷۲٤٦	۲٤٦۱٦	۲۲٦۳۰
اندرسی	۳۸	۲۲۰	۱۰۰	۱۲۰
اغجه دربند	۳۹	۱۹٥	۱۰۱	۹٤
اقشارجیق(اوشارجیق)	۸٥	٤٥۷	۲۲۹	۲۲۸
اقورن	۷٦	٤۱۰	۲۱٤	۱۹٦
الاتیمور	۹۹	٥۱٥	۲٦۷	۲٤۸
اوجموش (اوشموش)	٤۹	۲۸۰	۱۳۹	۱٤۱
اورنجق (اورنجه)	۸٥	٤٥٥	۲۳٤	۲۲۱
ایستگاه شیخ صفی	۱۳	٥٤	۲۷	۲۷
برجوان (بجوان)	٦۲	۳۲٥	۱۷۹	۱٤٦
بیاتبالا	۲۱	۱۱۷	٦۰	٥۷
بیات سفلی	۹۸	٥۹٦	۳۱۸	۲۷۸
بیجرئی (بجر لو)	٥٦	۲۸۱	۱٥۳	۱۲۸
بیکبلاغ	٦۳	۳۲۹	۱۷۰	۱٥۹
پور سخلو	۱۰۳	٥۳٥	۲۷٥	۲٦۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند	۳۵	۱۷۸	۸٤	۹٤
جعفر آباد (نفلی)	۲٦	۱۵۵	۸۹	٦٦
جیر انبلاغ	۱۰۷	۵٦۷	۲۹۳	۲۷٤
چیقلو	۱٦۲	۸۸۱	٤۷۳	٤۰۸
خاتون آباد	۱۷۱	۱۰۷٤	۵٦۵	۵۰۹
خواجه غیاث	۱۷۸	۹۳۰	٤۸۲	٤٤۸
داش بلاغ	۷٤	۳۷۸	۲۰۲	۱۷٦
رضا خانلو سفلی (دوز کنه)	۲۵	۱۰۵	٤۸	۵۷
رضا خانلو علیا	۱٤	٦۷	۳۲	۳۰
زردین سفلی	۲۹	۱۷۱	۹۰	۸۱
زردین علیا	۳۷	۱۸۳	۹۳	۹۰
سرخه گاو(سرخه گو)	۷۷	٤۱۳	۲۲۱	۱۹۲
سلطان احمد لو	۲۱	۱۳۲	۷۱	٦۱
سونج بالا	٤۹	۲٤۲	۱۳۰	۱۱۲
سونج پایین	۸۵	٤۳۱	۲۲۹	۲۰۲
سید لر (سید در)	۷۲	۳۹۷	۲۰۳	۱۹٤
شال	۱۸	۱۰۹	۵٤	۵۵
شمی کندی (قزلجاقشلاق	۱۰	۵۵	۲۸	۲۷
شورجه قاسم	۱	٤	۲	۲
شیخ احمد لو	۱۸۵	۹٦۹	۵۰۱	٤٦۸
شیخ طبق	۱۸۸	۱۰٤۰	۱٦۳	٤۷٤
طاوس لو	۳٦	۱۸۸	۱۲۲	۸۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عبدالرحمن لو	۳۴	۱۶۷	۸۸	۷۹
قاسمدره	۱۷	۱۱۱	۵۶	۵۵
قاضی ولی (غزوعلی)	۸۴	۴۷۳	۲۶۵	۲۰۸
قیاق تپه	۱۷۳	۱۱۵۲	۶۰۳	۵۴۹
قره اغاج	۹	۵۷	۲۹	۲۸
قره تپه	۷۷	۴۲۱	۲۰۹	۲۱۲
قره‌جه قیا	۷۷	۴۰۵	۲۱۱	۱۹۴
قلعه جوق نجفقلی خان	۱۳۲	۷۱۳	۳۸۰	۳۳۳
قلعه جیق الفلو	۶۸	۳۴۶	۱۸۱	۱۶۵
قلیشچی(قلیچ چی)	۱۰۷	۵۷۶	۲۹۰	۲۸۶
قمقان	۱۰۴	۴۹۱	۲۴۴	۲۴۷
قهرمانلو	۶۵	۳۷۲	۱۹۴	۱۷۸
کرده ده	۳۱	۱۵۵	۸۱	۷۴
کسجین	۱۱۶	۶۴۵	۳۴۴	۳۰۱
کلوجه غمی	۱۱۷	۸۳۲	۴۴۷	۳۸۵
کوهسالار سفلی	۴۸	۲۳۳	۱۲۱	۱۱۲
کوهسالار علیا	۸۱	۴۰۵	۲۰۸	۱۹۷
گوگدرق (گوگدره)	۱۵۳	۹۰۶	۴۶۷	۴۳۹
گونلو	۱۵۴	۷۹۸	۴۲۷	۳۷۱
ناولیق	۹۵	۵۱۹	۲۷۳	۲۴۶
جمع دهستان اوچ تپه	۴۲۲۸	۲۳۲۱۵	۱۲۱۴۶	۱۱۰۶۹
ازومچی (اسلام آباد)	۱۲۴	۷۲۸	۳۹۵	۳۳۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اشنار (اوشنار)	۱۲۳	۷۱۶	۳۶۳	۳۵۳
بالسین شریف آباد	۱۹۰	۱۰۱۰	۵۲۳	۴۸۷
بقر آباد (بولقاوا)	۱۰۸	۵۷۱	۲۹۷	۲۷۴
بلقه تیمور (بله تجر)	۱۰۲	۵۸۱	۳۲۲	۲۵۹
بلوکان	۹۶	۶۳۲	۳۳۰	۳۰۲
تر کمان چای(تر کمان)	۷۱۱	۴۱۱۷	۲۱۴۲	۱۹۷۵
تندری (تندرلو)	۵۵	۳۳۱	۱۷۳	۱۵۸
تیر آباد (باشسز)	۱۷۵	۹۷۲	۵۲۱	۴۵۱
چاناق بلاغ (چناق بلاغ)	۷۱	۳۷۱	۱۹۵	۱۷۶
دستجرد	۲۰۲	۱۱۷۰	۶۲۱	۵۴۹
زرین قیا	۱۳۷	۸۵۲	۴۰۶	۴۴۶
سانیان سفلی (سلیان سفلی)	۱۸۵	۹۶۸	۵۰۳	۴۶۵
صومعه سفلی	۸۵	۴۷۷	۲۴۹	۲۲۸
صومعه‌علیا (یوخاری صوما)	۴۰۹	۲۱۰۲	۱۱۲۷	۹۷۵
غریبد وست	۱۹۸	۱۱۴۶	۵۶۹	۵۷۷
قراجه قیا	۸۸	۵۰۸	۲۷۳	۲۳۵
کارکاس (قرقشه)	۹۳	۵۲۰	۲۸۵	۲۳۵
کلهر	۳۱۰	۱۶۱۸	۷۹۴	۸۲۴
ملا حاجی	۱۹۶	۱۱۴۸	۶۱۶	۵۳۲
مهمان	۶۰	۳۱۲	۱۶۲	۱۵۰
مهماند وست	۹۶	۵۱۹	۲۵۸	۲۶۱
نودلق (نوده)	۱۲۲	۶۹۶	۳۷۶	۳۲۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ورزقان	۴۰۹	۲۳۲۹	۱۲۵۶	۱۰۷۳
ورنکش	۳۱۶	۲۰۱۰	۱۰۸۲	۹۲۸
یالقوز اغاج	۲۰۶	۱۰۷۸	۵۷۸	۵۰۰
ینگجه	۱۴۶	۸۸۴	۴۵۴	۴۳۰
جمع دهستان پردانان	۵۰۱۳	۲۸۳۶۶	۱۴۸۷۰	۱۳۴۹۶
اشلق (اشك)	۲۹۳	۱۵۴۷	۸۰۶	۷۴۱
اشلنده	۶۷	۳۵۵	۱۸۸	۱۶۷
النجارق	۲۳۱	۱۱۷۹	۶۲۶	۵۵۳
اونليق (اونيك)	۱۶۸	۸۶۹	۴۵۷	۴۱۲
ايورق	۱۴۳	۷۷۲	۴۰۸	۶۳۴
بالسين	۴۰۴	۱۹۸۳	۱۰۲۳	۹۶۰
بالوجه	۸۵	۴۱۲	۲۰۳	۲۰۹
برزليق	۹۶	۵۲۲	۲۷۱	۲۵۱
برنجق (برنجه)	۴۹	۲۸۶	۱۵۶	۱۳۰
تجره رود(چوخوریورت)	۵۲	۲۶۸	۱۴۱	۱۲۷
چرن	۱۲۴	۷۲۴	۳۹۱	۳۳۳
چنار	۳۹	۲۰۵	۱۱۵	۹۰
خليفه لو	۱۷	۹۲	۴۸	۴۴
خواجه ده	۱۱۱	۵۴۱	۲۸۱	۲۶۰
ديشاب	۴۳	۱۹۸	۱۰۱	۹۷
سرخه حصار (سلخصر)	۳۵	۲۴۶	۱۲۵	۱۲۱
شيويار (شور)	۱۲۹	۶۲۹	۳۲۱	۳۰۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
صومعه کبودین	۱۰۳	۵۷۲	۳۱۷	۲۵۵
قشلاق موسی بیک	۴۲	۲۴۴	۱۲۸	۱۱۶
فشلان برزلیق	۵۹	۳۰۲	۱۵۴	۱۴۸
قشلاق‌سلمانی (کلبورت)	۲۴	۱۴۳	۷۹	۶۴
قشلاق سوپورگه (قشلاق سوپورگلو)	۴۵	۲۰۶	۱۰۶	۱۰۰
کذرج	۱۶۲	۸۳۲	۴۵۹	۳۷۳
کسلان	۱۱۷	۵۸۷	۳۲۱	۲۶۶
کلاله (کالا)	۴۸	۲۷۴	۱۴۶	۱۲۸
گاولیق (گاولیك)	۵۳	۲۹۶	۱۵۰	۱۴۶
گاوینه رود (گونری)	۱۸۸	۹۸۸	۵۲۳	۴۶۵
کنگدوك (گنگدك)	۵۱	۲۷۳	۱۳۹	۱۳۴
ماهی اباد	۱۲۹	۷۴۹	۴۱۱	۳۳۸
مونق	۱۱۰	۵۲۷	۲۷۷	۲۵۰
نشق (نشه)	۱۵۳	۸۶۵	۴۴۸	۴۱۷
نقاباد (نقاب)	۱۲۰	۵۸۴	۳۲۱	۲۶۳
نقلان (بلانیق)	۸۰	۵۰۳	۲۷۲	۲۳۱
نودوزق (نوادیز)	۱۰۲	۵۱۷	۲۵۹	۲۵۸
ونجان	۱۸۱	۸۹۶	۴۷۶	۴۲۰
یلمسی	۱۷۸	۹۷۸	۴۹۳	۴۸۵
جمع دهستان تیرچائی ترکمان	۴۰۴۱	۲۱۱۶۴	۱۱۱۴۰	۱۰۰۲۴
ابك	۶۴	۳۴۰	۱۷۸	۱۶۲
اچاچی	۴۲۱	۲۲۵۳	۱۱۶۷	۱۰۸۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ارباط	۱۳۶	۷۲۸	۳۹۲	۳۳۶
ارس (آراض)	۱۳۲	۶۸۵	۳۵۷	۳۲۸
اقدرك	۴۹	۲۴۴	۱۲۶	۱۱۸
اقطورق (اقطوره)	۲۹	۱۵۳	۸۶	۶۷
اقجه قشلاق	۴۳	۲۲۰	۱۰۹	۱۱۱
اکرم آباد (ارتولی)	۳۶	۱۷۳	۸۳	۹۰
الله داد	۴۵	۲۳۱	۱۱۹	۱۱۲
امیر آباد	۳۰	۱۸۳	۱۰۵	۷۸
ایدمیر	۷۲	۳۳۱	۱۷۷	۱۵۴
ایده لو	۲	۵	۲	۳
ایستگاه پل دختر	۷	۳۸	۱۵	۲۳
ایستگاه راه آهن قرانلو	۸	۴۲	۲۱	۲۱
ایستگاه راه آهق میانه	۱۱۲	۶۴۶	۳۲۳	۳۲۳
باشمان	۱۴۰	۷۶۶	۴۱۸	۳۴۸
باغچغاز پایین	۲۹	۱۲۵	۶۰	۶۵
باش کندی	۱۶	۸۱	۴۷	۳۴
بلانلیق	۹۲	۴۳۶	۲۳۱	۲۰۵
بوداغ بیك	۸۹	۴۵۲	۲۴۳	۲۰۹
یوشانلو	۲۸	۱۴۶	۷۰	۷۶
تازه کند بالا	۱۱۷	۶۵۷	۳۳۴	۳۲۳
تازه کند بزتپه	۴۶	۲۴۹	۱۳۱	۱۱۸
تازه کند میانه	۵۲	۳۱۲	۱۶۷	۱۴۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تالوار بلاغی (دیم تالوار)	۵۳	۲۶۸	۱۴۲	۱۲۶
جمال آباد	۱۹	۹۸	۴۹	۴۹
جهاندوز (جهان دیز)	۱۱۶	۵۵۸	۲۸۹	۲۶۸
چای تالوار (بجروان)	۶۸	۳۲۴	۱۶۹	۱۵۵
چای ینک آباد	۱۴۷	۸۱۲	۴۵۰	۳۶۲
چخمور	۷۶	۳۵۵	۱۸۴	۱۷۱
چولا قلو	۸۴	۳۷۳	۱۹۲	۱۸۱
حصارقرنگو	۳۷	۲۲۳	۱۱۹	۱۰۴
خانیوردی	۵۴	۲۹۰	۱۵۳	۱۳۷
خطب	۵۲	۲۸۳	۱۵۵	۱۲۸
خلیفه کمال	۳۹	۱۹۰	۱۰۹	۸۱
داش کسن	۳۲	۱۹۸	۹۶	۱۰۲
درین دره	۱۲۲	۵۵۸	۲۸۹	۲۶۹
دمیرچی	۵۱	۲۵۱	۱۳۲	۱۱۹
دوزنان	۱۷۴	۸۵۰	۴۷۲	۳۷۸
زاویه (زیوه)	۹۱	۴۴۴	۲۵۶	۱۸۸
زرده ملك	۴۴	۲۲۴	۱۱۵	۱۰۹
زرشلو	۷۳	۳۸۱	۲۰۸	۱۷۳
زرنق (زرنه)	۲۳	۱۰۳	۴۷	۵۶
ساری کند	۶۰	۲۸۳	۱۴۶	۱۳۷
سبز	۲۱۵	۱۱۲۸	۶۱۴	۵۱۴
سمکلو (سومکلو)	۳۹	۱۸۳	۹۶	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیاه کمر	۵۸	۲۹۷	۱۵۳	۱۴۴
شیخدر آباد (شیخ‌دار آوا)	۵۵۵	۲۷۹۴	۱۴۵۷	۱۳۳۷
طغار	۹۷	۴۷۹	۲۴۸	۲۳۱
طلیمکندی	۲۳	۱۰۷	۵۹	۴۸
طوق (طاوا)	۲۳۲	۱۱۵۲	۶۱۳	۵۳۹
عجمی کله بوز	۷۷	۳۹۷	۲۱۸	۱۷۹
عقیل (عاقل)	۲۲	۱۲۲	۶۱	۶۱
فراهیه (فرهی)	۱۸	۱۰۷	۵۴	۵۳
قره طورق	۱۵۳	۷۴۳	۳۹۸	۳۴۵
قالوجه (قالجا)	۴۱	۱۷۰	۸۸	۸۲
قرجه ارباط	۱۲	۵۲	۲۵	۲۷
قره اور	۱۶	۹۶	۵۴	۴۲
قره بلاغ	۶۲	۳۳۸	۱۷۷	۱۶۱
قره‌جه (قاراجه)	۷۰	۳۲۷	۱۷۲	۱۵۵
قره‌زیارت(قارازیارت)	۵۰	۲۴۷	۱۳۳	۱۱۴
قواق سفلی	۳۹	۱۹۷	۹۸	۹۹
قواق علیا	۴۲	۲۲۶	۱۲۰	۱۰۶
قواق عمولر	۱۰	۵۳	۲۹	۲۴
قویجاق	۱۷۸	۸۶۱	۴۶۲	۳۹۹
قویلار	۴۶	۲۳۶	۱۲۸	۱۰۸
کرامه(گرمه)	۵۹	۳۰۲	۱۵۴	۱۴۸
کر کچی	۱۹	۱۰۶	۵۹	۴۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کولا	۵۳	۳۰۲	۱۵۷	۱۴۵
کریم آباد	۷۱	۲۹۶	۱۵۴	۱۴۲
کلوچه	۲۷۷	۱۳۴۰	۷۰۶	۶۳۴
کنگاور (سلطان آباد)	۶۰	۲۹۵	۱۵۶	۱۳۹
که	۶۴	۳۴۹	۱۷۰	۱۷۹
کهریز	۳۸	۲۱۰	۱۰۵	۱۰۵
گرجاغ (گورجاق)	۴۳	۲۲۰	۱۱۵	۱۰۵
گرده لاین	۵۰	۲۳۲	۱۲۰	۱۱۲
گلبوس (گلباسان)	۱۰۸	۶۶۰	۳۳۳	۳۲۷
گلن گدر	۱۹۱	۱۰۰۲	۵۱۵	۴۸۷
گلوجه اسلام	۱۳۹	۶۶۸	۳۴۳	۳۲۵
گلوجه یدی بلاغ	۲۶	۱۲۸	۶۹	۵۹
گوگرچینلوگورچینیك	۳۷	۱۷۰	۹۴	۷۶
لاهرود	۱	۴	۱	۳
مزمین	۱۱	۵۱	۲۸	۲۳
نودوز آباد	۵۴	۲۷۵	۱۴۲	۱۳۳
نیم ایستگاه شال	۱	۹	۵	۴
هلاج علیا	۱۳	۷۶	۳۹	۳۷
یدی بلاغ	۷۳	۳۴۸	۱۸۷	۱۶۱
ینك آبادیم (داغ نیگ آباد)	۳۳	۱۸۳	۹۸	۸۵
جمع دهستان کله بز	۶۶۸۶	۳۴۰۹۹	۱۷۹۴۰	۱۶۱۵۹
افضل (اوزال)	۱۳۴	۶۵۲	۳۲۴	۳۲۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اوین	۲۲۵	۱۱۱۵	۵۸۹	۵۲۶
برزق (بحرزق)	۲۴	۱۳۲	۶۸	۶۴
برنلیق‌حسین‌خان (گروس)	۵۶	۳۳۰	۱۷۲	۱۵۸
برنلیق مددخان	۱۳۳	۶۳۴	۳۲۷	۳۰۷
بناروان (قرخ بلاغ)	۱۱۳	۶۲۸	۳۳۱	۲۹۷
تازه کند	۱۱	۷۵	۴۴	۳۱
تازه کند دیوانعلی	۱۹	۱۲۸	۷۹	۴۹
ترك	۵۳۶	۲۶۷۸	۱۴۱۶	۱۲۶۲
ترناب	۸۲	۴۲۶	۲۲۶	۲۰۰
چرور	۱۵۱	۷۹۳	۴۳۵	۳۵۸
حاجی همتلو	۵۲	۳۴۱	۱۶۶	۱۷۵
خانقاه (خانیه)	۱۰۵	۵۹۱	۳۰۷	۲۸۴
ولیقر	۶۰	۳۵۶	۱۷۷	۱۷۹
دیزج (دیزج‌مددخان)	۱۵۶	۸۲۹	۴۴۳	۳۸۶
زرنکش	۹۹	۵۰۹	۲۷۶	۲۳۳
سفیدخانی آید گوز)	۱۷۷	۸۰۵	۴۱۶	۳۸۹
سنقرآباد	۹۲	۵۳۰	۲۸۰	۲۵۰
سوین	۹۲	۴۵۱	۲۳۰	۲۲۱
سیه منصور	۶۰	۳۶۰	۱۹۱	۱۶۹
طارون (طارم)	۱۳۲	۶۶۱	۳۲۹	۳۳۲
عای بیگلو (آلی‌بیگی)	۷۹	۸۰۴	۲۱۵	۱۹۳
علی قشلاقی	۱۳	۶۱	۲۹	۳۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
فندقلو	۱۵۱	۷۳۶	۳۸۸	۳۴۸
قره‌حاجی‌سفلی (اشاقی‌قره‌حاجلی)	۳۷	۲۰۵	۱۰۴	۱۰۱
قره‌حاجی‌علیا (قره‌حاجی‌یوخاری)	۴۰	۲۴۶	۱۲۱	۱۲۵
کندوان	۱۴۹	۷۹۸	۴۱۸	۳۸۰
کمین	۴۱	۲۰۰	۱۰۴	۹۶
گوگارخاج	۱	۱۰	۵	۵
همپا	۷	۴۴	۲۲	۲۲
هندلان	۵۲	۳۱۳	۱۶۵	۱۴۸
جمع دهستان کندوان	۳۰۸۴	۱۶۰۴۴	۸۳۹۶	۷۶۴۸
ارموداق	۲۰۵	۱۱۲۳	۵۸۷	۵۴۵
استور	۲	۸	۴	۴
استور	۴۷	۲۵۱	۱۱۷	۱۳۴
اکبرآباد	۴۳	۲۵۹	۱۲۷	۱۳۲
امیرآباد	۲۵	۱۴۰	۷۵	۶۵
باطلاق	۴۱	۲۲۴	۱۲۷	۹۷
باغ‌دره‌سی	۲۳	۱۳۳	۷۰	۶۳
بسیط	۲۱	۱۱۶	۵۷	۵۹
بنیادآباد (قرق‌آباد)	۳۶	۱۹۰	۹۷	۹۳
پاورس	۷۸	۴۸۹	۲۶۶	۲۲۳
تجرق (تجر)	۱۴۰	۷۸۶	۴۱۲	۳۷۴
توپقره	۲۸	۱۶۴	۸۲	۸۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
توشمنلو	۱۲۱	۷۳۸	۳۸۵	۳۵۳
تین (طوین)	۱۱۹	۵۹۳	۳۱۶	۲۷۷
چتابحسین خانی	۱۰۸	۶۰۵	۳۱۷	۲۸۸
چتابکریمخان	۶۰	۳۰۱	۱۵۸	۱۴۳
چخماقلو	۱۴	۸۹	۵۳	۳۶
چرکینلو	۱۴۰	۷۴۳	۳۴۶	۳۵۷
چهارخانوار (دورت‌اولر)	۱۷	۸۹	۴۳	۴۶
حاج خلیل	۶۵	۳۷۰	۱۸۰	۱۹۰
حاجی یوسفلوی سفلی	۴۵	۲۷۵	۱۴۲	۱۳۳
حاجی یوسفلوی‌علیا	۱۰۷	۶۴۳	۳۵۰	۲۹۳
حسن خانباغی	۴۳	۲۴۱	۱۲۶	۱۱۵
حصار میدان داغی	۱۱۲	۶۵۶	۳۳۲	۳۲۴
خلیفه باغی	۴۱	۲۵۷	۱۳۹	۱۱۸
خناوند (خناوان)	۴۰	۲۲۰	۱۱۴	۱۰۶
خوبستان	۱۹۵	۱۰۳۴	۵۳۳	۵۰۱
داوند	۷۱	۴۵۱	۲۲۸	۲۲۳
دوه داشی	۶۷	۴۳۴	۲۱۹	۲۱۵
ذاکیر	۴۳	۲۰۷	۱۱۹	۸۸
ساری غمیش‌چشمه‌گیش	۱۰۶	۵۳۴	۲۸۷	۲۴۷
ساوجبلاغ (سوج بلاغ)	۵۴	۲۸۴	۱۳۵	۱۴۹
سورباخ (سورباغ)	۸۹	۴۶۳	۲۴۵	۲۱۸
سید لر	۶۱	۳۴۵	۱۷۰	۱۷۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیف‌الدین (قشلاق‌شکر السلطان)	۱۳	۱۰۰	۵۰	۵۰
شته (سوطی)	۵۶	۳۳۴	۱۶۷	۱۶۷
قراجه میداناغی	۲۹	۱۶۷	۹۰	۷۷
قره قیه	۵۷	۲۸۲	۱۲۷	۱۵۵
قزل یاتان	۵۸	۲۹۷	۱۶۱	۱۳۶
قهوه خانه یله قارشو	۱	۳	۲	۱
کلکش	۲۱	۱۱۵	۶۳	۵۲
کهبنان (کوبلان)	۱۱۰	۵۷۴	۲۹۴	۲۸۰
گاوانی (یاوانی)	۳۶	۲۴۴	۱۳۱	۱۱۳
گله گاه (گله گه)	۵۴	۳۰۴	۱۶۶	۱۳۸
گوندوغدی (قندوقندی)	۲۶۹	۱۴۸۵	۷۸۱	۷۰۴
لیوانلو	۱۱۵	۶۸۷	۳۶۰	۳۱۷
محمود آباد	۵	۳۶	۱۶	۲۰
مروشین	۱	۷	۵	۲
مروشین	۵۵	۳۴۰	۱۸۰	۱۶۰
ملک	۹۴	۵۳۳	۲۸۲	۲۵۱
نی باغی	۱۳۹	۶۹۹	۳۵۷	۳۴۲
و گند	۴۵	۲۴۹	۱۳۵	۱۱۴
ولین	۳۱	۲۴۸	۱۲۵	۱۲۳
وهل	۲۸	۱۷۳	۸۵	۸۸
هش آباد	۶۴	۳۴۶	۱۹۱	۱۵۵
هفت‌چشمه (هفته‌چشمه)	۷۷	۴۰۸	۲۳۰	۱۷۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یال قشلاقی	۱۷	۱۱۳	۵۸	۵۵
یله‌قارشو	۵۹	۲۹۹	۱۶۰	۱۳۹
ینگجه	۱۶۳	۸۷۳	٤٤٦	٤۲۷
ینگی کند	۶۰	۳۰۲	۱۵۲	۱۵۰
جمع دهستان گرمه حومه	٤۰۷۳	۲۲۶۶۳	۱۱۸۰۳	۱۰۸۶۰
ابدالار	۲۰	۱۱٤	۵۲	۶۲
ابگرم	۸۳	۳۸۷	۲۰۹	۱۷۷
احمد آباد	۵۲	۲۵۷	۱٤۲	۱۱۵
اخساغلار	۲٤	۱٤۶	۸۳	۶۳
اریط	۳۰	۱۷۰	۸۳	۸۷
اریاچای	۱۰۹	۵۸۱	۲۹۹	۲۸۲
ارزه‌خوران	۹۰	۶۰۹	۳۲٤	۲۸۵
ارسکنای سفلی	۳۷	۱۹۹	۱۰۵	۹٤
ارسکنای علیا	۲۲	۱۱۲	۶۸	۵٤
آسیا بضیابی	۲	۳	۳	۰
اغ داغ رود	۱۰	۵۸	۳۳	۲۵
اغاجان کندی	۱۷	۹۲	٤٤	٤۸
اغجه‌ریش	۸۳	٤۳۷	۲۲۶	۲۱۱
اغجه اوغلان	۳۸	۱۸۰	۹۳	۸۷
اغچه مشهد	۱۰۱	٤۷٤	۲٤۸	۲۲۶
اق اطاق	۱۱۲	۶۰۵	۳۱۵	۲۹۰
اقبلاغ کورانلو	۹۲	۵۳۰	۲۹۰	۲٤۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اقدشن	۱۳	۷۴	۳۷	۳۷
التمچی	۵۶	۲۳۸	۱۲۶	۱۱۲
القور	۷۶	۴۰۵	۲۱۸	۱۸۷
الوچین	۲۱	۱۱۱	۵۷	۵۴
الله کندی	۱۳	۵۰	۲۴	۲۶
الاکین	۲۹	۱۵۷	۹۲	۶۵
امیرآباد (قلعه‌جوق)	۱۷	۱۰۲	۵۲	۵۰
امین آباد	۴۰	۱۹۹	۱۰۲	۹۷
انا بلاغی	۳۲	۲۰۱	۱۰۲	۹۹
اوچبلاغ	۲۶	۱۳۲	۶۵	۶۷
اوجدرق	۲۷	۱۳۲	۶۷	۶۵
اوجدرق (اوشدره)	۵۹	۳۲۸	۱۸۰	۱۴۸
اورتاسو	۵۲	۲۶۶	۱۳۷	۱۲۹
اورجك	۳۳	۱۸۴	۹۱	۹۳
اوریادجیق	۵۱	۲۵۰	۱۳۵	۱۱۵
ایده غمش	۲۲	۱۰۱	۵۰	۵۱
ایستگاه شاهپور	۶	۲۷	۱۳	۱۴
ایستگاه هشترود	۸	۲۸	۱۸	۱۰
ایشلق کندی	۵۳	۲۹۰	۱۴۹	۱۴۱
ایمیشجه	۱۴۱	۷۰۹	۳۴۷	۳۶۲
بابونه سفلی	۲۰	۱۰۶	۵۵	۵۱
بابونه علیا	۲۰	۹۷	۵۶	۴۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بابونه وسطی	۱۹	۸۳	۴۲	۴۱
بارداقاچی	۶۲	۳۷۴	۱۹۷	۱۷۷
بارگاه	۱۴	۶۶	۳۹	۲۷
باغلوجه	۴۴	۲۲۳	۱۲۰	۱۰۳
بایجوق (باری جوق)	۳۲	۱۸۹	۱۰۵	۸۴
بایرامکندی	۳۱	۱۶۷	۹۵	۷۲
بایزید	۴۳	۲۲۷	۱۲۰	۱۰۷
بزینی چراغ مردان	۱۸	۹۶	۴۷	۴۹
بزینی‌یداق (بیزینی بوداخ)	۵۸	۲۸۶	۱۶۳	۱۲۳
بگدی باغ	۶۷	۲۸۷	۱۲۸	۱۵۹
بلقان	۵۶	۳۱۷	۱۶۴	۱۵۳
بناردالان (انباردان)	۱۷	۸۹	۴۷	۴۲
بناکوه (داغ کند)	۲۱	۱۰۵	۵۹	۴۶
بنفشه درق (بنفشه‌دژ)	۱۹	۹۱	۵۳	۳۸
بنیاد کندی	۳۰	۱۵۹	۸۸	۷۱
بیك کندی	۴۲	۲۱۷	۱۱۹	۹۸
بیلگر کندی	۴۳	۲۳۹	۱۲۷	۱۱۲
پالچقلو	۴۵	۲۰۰	۱۰۴	۹۶
پاییزگاه	۲۷	۱۵۸	۸۲	۷۶
پیرسقا	۵۳	۳۱۳	۱۷۷	۱۳۶
پیرعزیز	۵۲	۲۳۷	۱۲۲	۱۱۵
پیرقلی	۵۲	۲۹۳	۱۵۵	۱۳۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پیک	۷۴	۳۳۳	۱۸۱	۱۵۲
تازه کند	۱۸	۱۱۸	۶۱	۵۷
تازه کند	۱۶	۹۲	۵۲	۴۰
تخت سفلی	۴۵	۲۳۵	۱۲۷	۱۰۸
تخت علیا	۴۴	۲۱۵	۱۱۴	۱۰۱
تریان قشلاق (توریان)	۳۱	۱۵۷	۷۹	۷۸
تکان	۲۷	۱۳۳	۷۹	۵۴
تکانلو سفلی	۵۳	۲۸۱	۱۵۳	۱۲۸
تکانلو علیا	۴۰	۱۸۴	۹۴	۹۰
تکمه تپه	۳۹	۲۱۲	۱۰۸	۱۰۴
توخلی چاق	۱۴	۹۰	۴۲	۴۸
تیمور آباد	۲۳	۱۱۹	۶۸	۵۱
جارچی کندی علیا (جارچی کندی کو)	۴۰	۲۱۸	۱۲۸	۹۰
جداقیه	۴۶	۲۴۹	۱۱۲	۱۳۷
جرللو	۱۷	۷۳	۳۷	۳۶
جعفر آباد	۲	۱۴	۷	۷
جوقان	۱۶	۷۹	۳۳	۴۶
جو کتو (چو کتو)	۱۰۵	۵۱۰	۲۷۴	۲۳۶
چرچره	۳۸	۱۹۷	۹۵	۱۰۲
چوبدار کندی (چودار کندی)	۲۶	۱۳۲	۷۴	۵۸
چو گانلو	۶۸	۳۷۳	۲۰۱	۱۷۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی‌آباد(دلك بلاغ)	۳۶	۱۹۶	۹۶	۱۰۰
حاجی کندی سفلی	۳۷	۱۸۰	۹۵	۸۵
حاجی کندی علیا	۳۸	۱۸۶	۹۹	۸۷
حسین الان (اغداغ)	۳۹	۲۰۹	۱۰۲	۱۰۷
حسینی سفلی	۳۳	۱۶۶	۸۶	۸۰
حسینی علیا	٤٦	۲۸۵	۱۳۸	۱٤۷
حصار	۸	۳۷	۲۰	۱۷
حمام	۳۷	۱۹۹	۱۰۷	۹۲
حیدر آباد (مرادلو)	۳٤	۱۷۸	۹۱	۸۷
خاتون کنای	۵۵	۳۰۷	۱۶۲	۱٤۵
خادمکندی	٤۱	۲۵۲	۱۳۲	۱۲۰
خانخانم	۷۸	٤۳۳	۲۲۸	۲۰۵
خرمدرق (خورام)	۵۰	۳۱۸	۱۷۵	۱٤۳
خضر گوران سفلی - (خدر گوران‌سفلی)	۱۲	۶۶	۳۳	۳۳
خضر گوران علیا(خدر - گوران علیا)	۳۲	۱۶۵	۸۳	۸۲
خلج	۲٤	۱٤۷	۷۹	۶۸
خندق	۲۶	۱۳٤	۶۲	۷۲
خواجه شاهی	۹۹	۵۲۵	۲۷۲	۲۵۳
خواجه‌لرسفلی(خرداکند)	۳۱	۲۸۲	۹۵	۸۷
خواجه لرعلیا (وزن گوزه)	۵۹	۳۲۹	۱۷۵	۱۵٤
خواجه‌لروسطی(آراکند)	۵۰	۳۰۸	۱۶۵	۱٤۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خواجه محمود	٣٦	١٨٦	٩٧	٨٩
خوبیار	٢٠	٩٣	٥٠	٤٣
خورشید	٤٠	٢٠٣	١٠٥	٩٨
خیر آباد	٨٩	٤٩٤	٢٥١	٢٤٣
داشبولاغ (داشبلاغ)	٦٩	٣٨٧	٢٠٦	١٨١
داشکسن	٤٥	٢٤٤	١٣١	١١٣
دانقازان	٣٤	١٨٣	١٠١	٨٢
دبردان سفلی	٤٩	٢٣٣	١٢٣	١١٠
دبردان علیا	٣٣	١٧٧	٩٢	٨٥
دلا کفبری	٤٣	١٨٠	٩٥	٨٥
دوه میدانی	٧٢	٣٧٥	١٩٢	١٨٣
دوه یاتاقی (شاقی)	١١٥	٦٢٣	٣٣٢	٢٩١
دوه تایاقی	٣٦	١٩٣	٩٦	٩٧
دیبکلو (دیبکلوی آب گرم)	١٣	٧٨	٤٢	٣٦
دین اوغلی	٤٦	٢٤٣	١٣٠	١١٣
دین یدرق	٢٧	١٣٧	٧٣	٦٤
ذاکر کندی	٧٢	٣٨٤	٢١١	١٧٣
رود کیچی (دوزایچ)	٣١	١٧٠	٩٧	٧٣
زاویه (زیوه)	٩١	٤٦٠	٢٥١	٢٠٩
زرین ده	٢٤	١٢٩	٧٧	٥٢
ساری اغل	٣٥	٢١٢	١١٧	٩٥
ساری قمیش (ساروقمیش)	٢٨	١٤٢	٧٣	٦٩

نام ده	تعداد خانوار	مرد	جمعیت	زن
سخت دل	۳۵	۱۹۱	۱۰۲	۸۹
سریك	۵۶	۲۹۰	۱۴۷	۱۴۳
سلطان آباد	۷۰	۳۵۹	۱۸۸	۱۷۱
سوغانجی(چارچی کندی)	۲۶	۱۳۲	۶۸	۶۴
سوغانچی‌رود(مهمان بلاغی)	۴۸	۲۶۲	۱۳۵	۱۲۷
سوغانچی کوه	۸۸	۴۸۶	۲۵۵	۲۳۱
شاهقلی‌کندی	۶۱	۳۳۶	۱۸۴	۱۵۲
شعبان(شعبان کهل)	۲۴	۱۴۹	۸۵	۶۴
شکر بلاغی	۳۵	۱۸۷	۱۰۲	۸۵
شورتپه	۳۲	۱۵۷	۸۹	۶۸
شورجه‌الله امانلو	۵۰	۲۷۰	۱۳۸	۱۳۲
شورجه امام جمعه	۷۰	۳۵۶	۱۸۴	۱۷۲
شور درق	۴۰	۲۳۷	۱۳۱	۱۰۶
شور قره کند	۸۱	۴۲۸	۲۲۵	۲۰۳
شور قشلاق	۳۶	۱۹۰	۹۴	۹۶
شیر علی	۱۲	۶۰	۲۶	۳۴
شیویار علیا	۱۰۱	۵۰۹	۲۷۷	۲۳۲
صوفی احمد	۲۵	۱۲۰	۶۱	۵۹
صومعه	۳۴	۱۷۲	۸۸	۸۴
طالب	۵۰	۲۵۶	۱۳۵	۱۲۱
طالش کندی	۳۳	۱۵۳	۸۰	۷۳
طالار	۴۶	۲۶۴	۱۴۰	۱۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ظلم آباد	۶۳	۳۱۲	۱۷۱	۱۴۱
عربشاه	۱۰۴	۵۷۲	۳۰۱	۲۷۱
علی بیك كندی	۳۲	۱۵۷	۸۰	۷۷
علی بیكلوی سفلی	۴۹	۲۵۹	۱۳۴	۱۲۵
علی بیكلوی علیا	۴۷	۲۲۷	۱۳۱	۹۶
علی جولا	۲۵	۱۲۹	۶۱	۶۸
علی كندی	۲۹	۱۶۰	۸۵	۷۵
عمواوغلی‌سفلی(عمواوغلن سفلی)	۹۱	۴۲۹	۲۲۷	۲۰۲
عمو اوغلی علیا	۵۹	۲۷۶	۱۵۰	۱۲۶
قورتیمز	۱۴	۶۸	۳۶	۳۲
قراجه قیا اكرام	۲۸	۱۴۵	۸۴	۶۱
قراگنبد سفلی	۲۸	۱۳۵	۷۰	۶۵
قراگنبد علیا	۳۶	۲۰۹	۱۰۴	۱۰۵
قرخ بلاغ	۵۹	۳۱۹	۱۶۴	۱۵۵
قرخ سقر	۸۶	۴۴۷	۲۴۹	۱۹۸
قرمز باغ	۴۹	۲۱۰	۱۱۲	۹۸
قره اغاج	۱۶۴	۸۹۰	۴۶۷	۴۲۳
قره اغاج	۲۰	۹۳	۵۰	۴۳
قره اغاج كوچك	۲۳	۱۲۴	۶۴	۶۰
قره داش	۲۰	۱۲۱	۶۶	۵۵
قره سقز	۳۶	۲۰۷	۱۰۴	۱۰۳
قره صوفی	۳۱	۱۷۶	۱۰۰	۷۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره کند	۵۵	۲۵۴	۱۳۴	۱۲۰
قره گل	۳۱	۱۶۹	۸۴	۸۵
قره گنای سفلی	۴۵	۲۷۱	۱۴۱	۱۳۰
قره گنای علیا	۴۷	۲۶۷	۱۴۲	۱۲۵
قره گنای وسطی (گشتان)	۳۸	۲۲۲	۱۲۴	۹۸
قره ولی	۵۲	۲۵۳	۱۳۰	۱۲۳
قزل آباد	۷۳	۴۹۴	۲۵۳	۲۴۱
قزلجه قشلاق	۱۰	۵۴	۳۱	۲۳
قزل جه کرد کندی	۲۶	۱۵۳	۷۵	۷۸
قزل داغ	۳۵	۱۸۱	۹۳	۸۸
قزل قلعه	۵۲	۲۶۵	۱۳۳	۱۲۳
قزل قلعه موسالاند (قزل‌ـ قلعه رشیدی)	۷۲	۳۷۵	۲۰۵	۱۷۰
قزل قیه	۳۰	۱۶۳	۹۲	۷۱
قزل لجه ارشد	۴۷	۲۴۳	۱۳۴	۱۰۹
قزلق	۲۷	۱۳۹	۶۷	۷۲
قطانقو	۶۰	۳۵۳	۱۷۶	۱۷۷
قطعه	۲۱	۱۲۶	۷۰	۵۶
قزل‌ارزه‌خواران (قلعه معدن)	۴۹	۲۱۷	۱۰۹	۱۰۸
قلعه حسین آباد	۵۴	۲۶۲	۱۴۰	۱۲۲
قلیج خانکندی	۶۱	۳۱۳	۱۶۳	۱۵۰
قمر کندی	۳۷	۲۰۵	۱۱۰	۹۵
قمشلو (گمشلو)	۴۷	۲۴۹	۱۳۴	۱۱۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قوتچی	۳۰	۱۵۲	۷۵	۷۷
قوجور سفلی	۲۳	۱۲۷	۷۲	۵۵
قوجور علیا	۱۸	۱۰۵	۵۷	۴۸
قوجه کندی	۶۵	۳۵۶	۱۷۷	۱۷۹
قوج احمد	۴۷	۲۴۹	۱۳۶	۱۱۳
قوچی کندی	۵۰	۳۰۰	۱۷۰	۱۳۰
قوزلو	۳۰	۱۵۴	۷۴	۸۰
قوشقوان علیا	۳۸	۱۸۳	۱۰۵	۷۸
قوشقوان وسطی	۱۶	۷۶	۴۳	۳۳
قوملو	۱۳	۷۸	۴۷	۳۱
قویجوق	۴۸	۲۶۹	۱۴۷	۱۲۲
قویدلن (قوتی دلن)	۵۷	۲۷۰	۱۳۹	۱۳۱
قویون قشلاقی	۶۳	۳۴۲	۱۷۹	۱۶۳
قینرچه سفلی	۲۶	۱۵۸	۸۴	۷۴
قینرچه‌علیا (گیزچه‌علیا)	۱۴	۷۳	۳۶	۳۷
قیه قشلاق	۳۵	۱۸۷	۹۷	۹۰
کرد کندی	۴۹	۲۷۰	۱۴۳	۱۲۷
کریم‌آباد	۳۶	۱۹۰	۱۰۴	۸۶
گل ویرن	۵۸	۲۷۷	۱۵۲	۱۲۵
کلبعلی کندی	۷۱	۳۷۵	۲۰۳	۱۷۲
کلبکندی	۵۷	۳۰۲	۱۵۷	۱۴۵
کلیسا	۶۸	۳۴۱	۱۸۴	۱۵۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کلاته قره صوفی	۲۰	۹۲	۴۷	۴۵
کورجه	۲۷	۱۳۰	۶۷	۶۳
کوگ علی (کوگ دالا)	۴۱	۲۱۲	۱۱۱	۱۰۱
کهریز	۲۷	۱۵۸	۷۹	۷۹
کهنه‌قشلاق(کو نه گشلاخ)	۳۹	۱۹۰	۱۰۹	۸۱
گرامی	۳۸	۲۰۵	۱۰۳	۱۰۲
گردالو	۴۳	۲۱۹	۱۲۲	۹۷
گر نه قارشو	۱۸	۹۱	۴۹	۴۲
گل	۴۴	۲۰۷	۱۰۸	۹۹
گل‌تپه	۵۴	۲۷۰	۱۲۴	۱۴۶
گلوجه‌امیرانلو	۵۱	۲۷۸	۱۴۸	۱۳۰
گلوجه سفلی	۱۷	۸۴	۴۷	۳۷
گلوجه علیا	۳۰	۱۵۱	۸۲	۶۹
گلی	۱۰۱	۵۰۱	۲۶۴	۲۳۷
گلی باغ	۲۷	۱۵۷	۸۲	۷۵
گنبد	۲۴	۱۳۵	۷۲	۶۳
گوراسر سفلی	۲۷	۱۳۰	۶۹	۶۱
کویجه قلعه	۱۶۸	۹۳۰	۴۶۴	۴۶۶
ماخ	۴۲	۲۳۰	۱۱۳	۱۱۷
ماخوله علیا	۲۲	۱۲۴	۶۱	۶۳
مجیر آباد	۲۵	۱۳۱	۶۵	۶۶
مخدومکندی	۳۲	۱۸۱	۱۰۲	۷۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مراد خانکندی	۳۹	۱۹۵	۹۸	۹۷
مریم	۳۸	۲۰۵	۱۰۴	۱۰۱
مسنلو	۴۳	۲۱۶	۱۱۹	۹۷
مصطفی کندی	۲۱	۱۲۲	۷۵	۴۷
مکنو	۲۲۵	۱۱۲۶	۶۱۳	۵۱۳
ملاحمزه	۳۹	۱۸۳	۹۰	۹۳
منشکه	۱۸	۸۷	۴۷	۴۰
مولوچرانمردان (مولیچر اخمردا)	۶۹	۳۳۵	۱۸۲	۱۵۳
مولویکورانلو (مولی)	۲۰	۱۰۱	۵۱	۵۰
مهدیخان کندی	۳۶	۱۷۳	۹۳	۸۰
مهمانلو	۵۰	۲۵۸	۱۴۴	۱۱۴
میرزا بیك کندی	۳۴	۱۶۸	۹۴	۷۴
میرزاقلی کندی(میرساقلی کندی)	۲۶	۱۲۱	۵۶	۶۵
ناچیت	۵۲	۲۸۳	۱۴۹	۱۳۴
ناچیدهولاورانلو	۷۷	۳۷۸	۲۰۱	۱۷۷
نبی صوفی	۶۰	۳۱۷	۱۶۷	۱۵۰
نرگس آباد	۶۸	۳۲۴	۱۷۰	۱۵۴
نصیر آباد سفلی	۱۴۱	۶۷۶	۳۶۰	۳۱۶
نصیر آباد علیا	۸۳	۴۶۷	۲۵۶	۲۱۱
نیاز کندی	۱۱	۵۸	۳۱	۲۷
وران قیه	۵۴	۲۸۴	۱۴۸	۱۳۶
ورقه سفلی	۲۰	۱۱۱	۵۶	۵۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ورقه علیا	۱۲۰	۶۸۲	۳۶۵	۳۱۷
ورقه وسطی	۱۷	۸۹	۵۰	۳۹
وفادار	۱۶	۸۴	۴۸	۳۶
یار بلاغی	۳۴	۱۸۰	۸۱	۹۹
یالی قورت	۶۹	۳۷۷	۲۱۷	۱۶۰
یانبلاغی	۴۵	۲۴۵	۱۳۱	۱۱۴
یانیق	۷۷	۳۸۱	۱۹۸	۱۸۳
یساول	۵۷	۲۷۳	۱۳۲	۱۴۱
یله قارشو	۲۳	۱۳۳	۷۳	۶۰
جمع دهستان چهاراویماق	۱۱۹۰۳	۶۲۶۳۸	۳۳۰۵۱	۲۹۵۸۷
اغبلاغ سفلی	۲۱	۱۱۶	۶۵	۵۱
اغبلاغ علیا	۳۳	۲۰۹	۱۱۹	۹۰
اغجه ریش	۵۹	۳۱۵	۱۶۶	۱۴۹
اقکندی	۵۴	۳۲۳	۱۷۹	۱۴۴
اقبلاغ هشترود	۶۹	۳۵۳	۱۸۹	۱۶۴
اقزیارت	۱۰۲	۵۱۹	۲۸۳	۲۳۶
اللو	۲۰	۱۱۴	۶۳	۵۱
الاچیق	۸۲	۴۸۷	۲۶۰	۲۲۷
اورتا قشلاق علیا	۴۸	۲۶۱	۱۴۵	۱۱۶
ایدلو	۲۴	۱۳۹	۷۵	۶۴
ایده‌لو (ایکویو)	۳۶	۱۸۰	۱۰۳	۷۷
بادام لو	۳۱	۱۷۷	۹۴	۸۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
باغ پری	٤٦	۲۰٤	۱۰۷	۹۷
بالی قیه	٤۸	۳۱۰	۱٦۱	۱٤۹
برج سفلی	٦۸	٤۰۲	۲۱۱	۱۹۱
برج علیا	۷٦	٤۲۲	۲۲٤	۱۹۸
بلبل (بیل بیل)	٤۲	۲۳۱	۱۳۰	۱۰۱
پارالار (پاراسر)	٦٤	۳۳۱	۱٦۹	۱٦۲
تازه کند	۱٦	۹۳	٤۸	٤٥
تازه کند صولتی	۲٦	۱۱٥	٦٤	٥۱
تازه کند نصیر پور	۳۸	۱۹٥	۱۰٥	۹۰
تکمه داش	۳۸	۲۰۷	۱۱۱	۹٦
جعفر آباد	۱۹	۸۹	٤۸	٤۱
جلیل آباد	۳۲	۱٥۰	۸٦	٦٤
جو کی بیژن	۲۹	۱٥۷	۸۱	۷٦
جو کی تیور کندی	۸	٤٤	۲٤	۲۰
جو کی محمد رضا	۱۳	۷۳	۳٦	۳۷
جو کی وسط	۲۹	۱۹۹	۹۹	۱۰۰
جهانگیر کندی	۳۲	۱۹۰	۱۰۱	۸۹
چاللو	٤۱	۲۲۱	۱۱۳	۱۰۸
چالو بادلانلو	۳۱	۱٦۸	۹۰	۷۸
چبقلو	۷۹	٤۳۲	۲۳۸	۱۹٤
چنا غبلاغ سفلی	۲۹	۱٥۰	۷٦	۷٤
چنا غبلاغ علیا	۳٥	۱٥٥	۸۲	۷۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی باقر کندی	۲۱	۱۱۸	۶۳	۵۵
حبش	۵٤	۲۵۵	۱۳٤	۱۲۱
خطیب سفلی	۳۱	۱۷۱	۸۵	۸۶
خلیفه کندی هژیری	۸۵	٤۷۱	۲۵۶	۲۱۵
داشبلاغ خرابه کلك	۶۲	۲۹۶	۱۵۳	۱٤۳
داش التی	۳۹	۱۹۶	۹۷	۹۹
داش بلاغ	۷۰	۳۷۱	۱۹۱	۱۸۰
دراج سفلی	٤۸	۲۸۷	۱٤۸	۱۳۹
دراج علیا	۶۹	۳۶۱	۱۹۳	۱۶۸
درین سو	۸۲	۵۳۹	۲۸۵	۲۵٤
ساروجه	٤۸	۲۸۸	۱۵۱	۱۳۷
ساری قشلاق سفلی	۸	۶۳	۳۷	۲۶
ساری قشلاق علیا	۱٤	۷۷	٤۳	۳٤
سلطان آباد	۷۲	٤۰۹	۲۱۷	۱۹۲
سید کندی	۳۱	۱۷۶	۹۳	۸۳
شختلو	۲۱	۱۱٤	۶۳	۵۱
شهنواز سفلی	٤۱	۱۹۷	۹۷	۱۰۰
شهنواز علیا	۳۵	۱۸۷	۹۶	۹۱
شهنوازوسطی(شهنواز)	٤۸	۲٤۹	۱٤۱	۱۰۸
شیخ لرسفلی	۳۳	۱۷۱	۸۶	۸۵
شیخ لر علیا	۱۶	۸۶	٤۵	٤۱
شیر شیر	۱۷	۹۶	۵۱	٤۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شیرین کند	۱۶	۸۴	۵۰	۳۴
طالبچمن	۵۴	۲۹۰	۱۵۳	۱۳۷
فتح‌اله بلاغی	۳۳	۱۸۸	۱۰۵	۸۳
قارقا (قرقه)	۸۳	۴۴۸	۲۳۸	۲۱۰
قره قلعه	۱۰	۵۷	۳۱	۲۶
قمتپه	۳۸	۱۸۷	۹۵	۹۲
قواقلو	۲۸	۱۴۹	۷۲	۷۷
قوشا لار	۱۵	۸۲	۴۰	۴۲
قوشا بلاغ	۵۶	۳۰۴	۱۵۷	۱۴۷
قوش قیه سی	۳۳	۱۸۵	۹۷	۸۸
قویون قشلاق	۳۱	۱۹۰	۱۰۲	۸۸
قینرجه	۱۸	۹۶	۵۳	۴۳
گل ایتر	۲۴	۱۲۶	۷۰	۵۶
(گل تپه صولتی)	۶۱	۳۷۱	۱۹۹	۱۷۲
گوجه قملاق	۷۰	۳۸۲	۲۰۳	۱۷۹
گو گورتان	۲۷	۱۲۴	۶۵	۵۹
گونه با خان	۵۵	۲۹۳	۱۴۵	۱۴۸
گویجه قلعه سفلی	۳۱	۱۷۷	۹۰	۸۷
گویجه قلعه علیا	۱۴	۸۷	۴۳	۴۴
لاله زار	۳۷	۲۰۰	۱۰۶	۹۴
مولی	۴۰	۲۲۴	۱۱۳	۱۱۱
مین باشا ساری	۳۴	۲۰۸	۱۰۶	۱۰۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نصیر آباد	۲۷	۱۵۳	۷۷	۷۶
هزاران سفلی	۱۶	۹۷	۶۰	۳۷
هزاران علیا	۱۹	۱۲۶	۶۲	۶۴
یاغلی بلاغ	۳۷	۲۰۴	۱۱۴	۹۰
یانبلاغی	۴۸	۲۶۵	۱۴۰	۱۲۵
یله‌قا رشوق سفلی	۱۷	۹۹	۵۵	۴۴
یلقار شوق علیا	۱۳	۶۷	۳۴	۳۳
یو گورگ	۴۲	۲۰۲	۱۰۲	۱۰۰
یونجلو	۳۴	۱۹۱	۱۰۵	۸۶
یهرچی	۵۷	۲۹۷	۱۶۳	۱۳۴
جمع دهستان قوری چای	۳۴۸۱	۱۹۰۶۲	۱۰۱۱۵	۸۹۴۷
آتش بیگ	۱۱۶	۶۲۰	۳۴۸	۲۷۲
اجاقکندی	۲۹	۱۳۴	۵۹	۷۵
ارشدآباد	۳۷	۲۶۶	۱۲۵	۱۴۱
ارقنه (آرقانا)	۹۹	۵۳۷	۲۸۶	۲۵۱
آسایش	۷۸	۴۲۶	۲۲۰	۲۰۶
اشمق(اشمه)	۳۴	۲۲۲	۱۰۸	۱۱۴
اغجه رود (آقاجری)	۲۰۵	۱۲۱۱	۶۴۲	۵۶۹
اغچه کندی	۹۴	۵۲۴	۲۸۵	۲۳۹
اغچه کهل‌رجبانلو	۹۱	۵۳۷	۲۷۴	۲۶۳
اغچه کهل زمانی	۴۴	۳۰۳	۱۶۹	۱۳۴
اقبلاغ	۲۷	۱۴۶	۸۳	۶۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اقبلاغ	۵۰	۲۵۴	۱۳۱	۱۲۳
اقداغ علیا	۳۵	۱۸۰	۹۶	۸۴
اکوز گنبد	۸۷	۴۶۵	۲۴۰	۲۲۵
الاقیه	۵۷	۳۰۶	۱۶۰	۱۴۶
اوشندل	۱۵۰	۷۲۶	۳۷۳	۳۵۳
ایاز	۵۷	۳۳۴	۱۹۰	۱۴۴
ایده‌لوی خلیفه لوی	۱۶۱	۷۵۱	۴۰۶	۳۴۵
ایده‌لی‌خان	۳۲	۱۹۲	۱۰۱	۹۱
ایستگاه بابك	۱۱	۵۷	۲۵	۳۲
ایستگاه سراجو	۷	۲۷	۱۷	۱۰
ایلخچی	۳۹	۲۲۹	۱۱۶	۱۱۳
باباکندی رود	۱۵۴	۹۰۶	۴۵۹	۴۴۷
باباکندی کو	۳۱	۱۵۰	۸۰	۷۰
باباگر گر	۲۱	۱۰۲	۵۳	۴۹
باتمانقلیچ سفلی	۷۴	۴۶۷	۲۴۶	۲۲۱
باشبلاغ	۳۲	۲۱۰	۱۲۲	۸۸
باش‌باتمانقلیچ (باش‌کند)	۱۴	۱۰۸	۵۷	۵۱
باشماق	۱۳۰	۵۹۴	۳۱۶	۲۷۸
یاش خلچ	۳۹	۱۸۹	۱۰۰	۸۹
باغجه جق	۲۲	۱۵۵	۷۴	۸۱
بایقراکوه	۱۶۰	۸۰۶	۴۴۲	۳۶۴
بایقره رود	۹۳	۵۳۸	۲۷۸	۲۶۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بره ده	۷۷	٤٦٧	۲۳۷	۲۳۰
بزوجیق	۱٤۲	۸۰۳	٤۳٦	۳٦۷
بسیط	۸٤	٤۹۹	۲۸۰	۲۱۹
بلقان حسن کندی	٥۹	۲۸۷	۱٥۰	۱۳۷
بیات	٥۹	۳٥٦	۱۹٦	۱٦۰
بیك بلاقی	٦۰	۳٦۲	۱۸٦	۱۷٦
بیك کندی	۱۰۰	٥۷۱	۲۸٥	۲۸٦
پاشا بیگ	۱٤۹	۸۰۰	٤۲۳	۳۷۷
پوستین دوز	٥۳	۳۲٥	۱۷۳	۱٥۲
تارقلی	٥٥	۳٥۳	۱۷۳	۱۸۰
تازه کند	۳۳	۲۰۳	۱۰۸	۹٥
تبگلو (تبخل)	۱۸	۱٥٤	۸٤	۷۰
ترخانلار	٥۱	۲۹٥	۱٤۷	۱٤۸
تکانلی	۳٦	۲۰۳	۱۰۹	۹٤
تلخاب	۷۷	٤٥۷	۲۳۲	۲۲٥
تلمخان	۱۰۲	٥۰۸	۲۷٤	۲۳٤
تمتراب(تارتاران)	٦۱	۳٤۷	۱۸۸	۱٥۹
تنه ده	٦۷	۳۸۸	۲۱۸	۱۷۰
توت آغاج	۸۲	٤٦۹	۲٤۹	۲۲۰
تهره بند	۹۲	٥۹٥	۳۱۸	۲۷۷
جبیند	٥۲	۲۷۷	۱٤۸	۱۲۹
جغر	٤۷	۲٦۹	۱٤۳	۱۲٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جغل سفلی	۵۵	۲۷۱	۱۳۵	۱۳۶
جغل علیا	۴۷	۲۲۹	۱۲۷	۱۰۲
جووریم	۲۲	۱۵۷	۹۴	۶۳
جیران درق	۴۴	۲۹۸	۱۶۸	۱۳۰
چپانلی (شعبانلو)	۲۲	۹۹	۵۴	۴۵
چپنی	۵۶	۳۲۰	۱۷۱	۱۴۹
چراغچی	۱۲۳	۷۷۳	۴۱۰	۳۶۴
چرتقلی	۷۹	۴۳۴	۲۲۷	۲۰۷
چرلو (چرلی)	۵۸	۳۰۹	۱۶۶	۱۴۳
چگن (چین)	۵۶	۲۶۸	۱۴۱	۱۲۷
حاجی کندی رود	۵۲	۲۷۵	۱۵۲	۱۲۳
حسن کندی رود	۱۳۴	۷۴۵	۳۸۰	۳۶۵
حسن کندی کوه	۲۱	۱۴۰	۷۵	۶۵
حسینلو	۴۰	۲۳۷	۱۳۴	۱۰۳
خراسانلو	۲۲۶	۱۱۸۵	۶۰۲	۵۸۳
خلیفه کندی حاتم	۷۶	۵۴۷	۲۹۸	۲۴۹
خواجه غور	۶۳	۳۶۹	۱۸۹	۱۸۰
خورجستان	۱۲۹	۷۰۴	۴۰۰	۳۰۴
داشبلاغ	۱۰۸	۵۲۱	۲۶۶	۲۵۵
دامناب	۲۳۵	۱۲۳۲	۶۲۰	۶۱۲
دربند	۶۲	۳۳۷	۱۸۱	۱۵۶
دشمنلو	۴۸	۲۶۸	۱۴۸	۱۲۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دلو حسن	۵۸	۳۲۷	۱۷۹	۱۴۸
دمیرچی	۱۶	۷۲	۴۰	۳۲
دوده	۱۳۶	۷۲۷	۳۶۸	۳۵۹
دوشر	۵۵	۲۹۸	۱۵۲	۱۴۶
دولمه	۲۲	۱۰۱	۴۹	۵۲
دهلان (تز گ‌چی)	۹۵	۵۳۷	۲۸۹	۲۴۸
دهناب	۵۶	۲۷۷	۱۳۳	۱۴۴
دیبکلو	۴۰	۲۴۹	۱۳۲	۱۱۷
دیزج رضاقلی بك	۱۳۹	۷۱۹	۳۸۲	۳۳۷
ذولقدر	۴۸	۲۵۸	۱۳۰	۱۲۸
ذولبین	۲۰۵	۱۱۲۲	۶۱۳	۵۰۹
زنجیر آباد	۳۰	۱۵۷	۸۲	۷۵
سارقیه (ساری قیه)	۵۵	۲۴۴	۱۲۳	۱۲۱
سراسکند سفلی	۵۰	۳۴۶	۱۸۷	۱۵۹
سراسکند علیا	۳۳	۲۳۵	۱۳۰	۱۰۵
سعادتلو	۱۳۶	۷۴۹	۴۰۴	۳۴۵
سلطان آباد	۲۴	۱۸۵	۱۰۵	۸۰
سلطان که (سوتنگه)	۹۱	۵۰۸	۲۶۴	۲۴۴
سلمان کندی	۱۸	۱۱۰	۶۲	۴۸
سلوك	۱۳۸	۸۱۲	۴۲۰	۳۹۲
سیر سفلی	۵۷	۳۵۰	۱۸۶	۱۶۲
سیر علیا	۴۹	۲۶۹	۱۴۸	۱۲۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیر وسطی	۳۲	۱۸۴	۱۰۰	۸۴
سیف‌الدین رود	۱۲۱	۶۱۲	۳۲۱	۲۹۱
سیف الدین کوه	۷۵	۳۷۴	۲۰۴	۱۷۰
سیه دولان	۳۹	۲۰۱	۱۰۹	۹۲
شبده (شیب‌ده)	۲۰	۱۳۲	۶۶	۶۶
شیخ الاسلام	۴۰	۲۵۶	۱۳۱	۱۲۵
شیخ بیگلو	۷۱	۳۹۱	۲۱۱	۱۸۰
صوفی حسن	۶۳	۴۵۸	۲۵۳	۲۰۵
صوفی لار	۸۲	۴۸۲	۲۴۸	۲۳۴
صومعه سنگ	۶۱	۳۲۳	۱۷۰	۱۵۳
صیدی بیک	۱۱۱	۷۴۱	۳۹۴	۳۴۷
طاستغار	۹۰	۴۶۹	۲۵۵	۲۱۴
طاقچه جق	۴۸	۳۴۷	۱۹۲	۱۵۵
عجمی	۱۰۵	۵۸۷	۳۰۵	۲۸۲
عربلو	۶۸	۳۲۷	۱۷۵	۱۵۲
عرقطو	۸۴	۵۵۲	۲۸۸	۲۶۴
عزیز آباد	۵۹	۴۱۸	۲۲۷	۱۹۱
عزیز کندی	۱۵۳	۸۸۰	۴۵۶	۴۲۴
علیجان	۱۰۱	۵۸۷	۳۱۷	۲۷۰
علی آباد سفلی	۱۱۱	۵۵۶	۲۸۴	۲۷۲
علی آباد علیا	۱۳۲	۶۹۷	۳۷۹	۳۱۸
علی گاو (علی گو)	۳۰	۱۹۶	۱۰۶	۹۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عمران کندی	۷۶	۴۷۶	۲۵۰	۲۲۶
عین آباد	۹۴	۴۹۶	۲۶۷	۲۲۹
قازانقوزان	۴۷	۲۶۶	۱۵۶	۱۱۰
قاضی کندی	۸۰	۴۲۴	۲۲۴	۲۰۰
قانی دره	۴۹	۲۹۴	۱۵۷	۱۳۷
قراجه قیای پناهی	۷۴	۳۹۷	۲۰۶	۱۹۱
قرادیو	۴۸	۳۰۵	۱۶۰	۱۴۵
قراین	۴۳	۲۶۲	۱۵۵	۱۰۷
قربان کندی	۸	۴۶	۲۰	۲۶
قره اغاج رود	۴۰	۳۰۴	۱۶۷	۱۳۷
قره اغاج کوه	۴۷	۲۵۷	۱۴۲	۱۱۵
قره بلاغ (قره‌بالغ)	۵۶	۲۸۷	۱۵۳	۱۳۴
قره بولاغ	۴۹	۲۷۸	۱۴۰	۱۳۸
قره چای حاج علی	۱۰۲	۶۶۵	۳۶۵	۳۰۰
قره‌چای‌نقشی (قره‌چای نقشینه)	۶۰	۳۴۷	۱۸۱	۱۶۶
قره سقال (قره‌سقل)	۸۳	۳۸۵	۲۰۶	۱۷۹
قره غورت	۴۱	۲۰۵	۱۰۴	۱۰۱
قره قیه	۲۸	۱۴۳	۷۲	۷۱
قره کلك	۱۳۰	۷۰۸	۳۸۴	۳۲۴
قزل بلاغ	۷۰	۳۷۲	۱۸۷	۱۸۵
قزلجه قرانقو	۲۴	۱۲۲	۵۹	۶۳
قزللو	۵۹	۳۴۸	۱۸۲	۱۶۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قشلاق	۱۵	۸۵	۴۲	۴۳
قطعات	۶	۳۴	۱۸	۱۶
قلعه‌جوق (قلعه جیق)	۷۵	۴۱۶	۲۰۳	۲۱۳
قویز	۱۰۰	۵۲۱	۲۶۳	۲۵۸
قورتقیه سی	۴۳	۲۲۲	۱۱۵	۱۰۷
قوروقچی	۱۱۶	۶۸۳	۳۵۴	۳۲۹
قوری درق	۱۴	۸۱	۴۳	۳۸
کتله کمر	۴۸	۲۲۸	۱۲۱	۱۰۷
کلبکندی	۶۵	۳۵۳	۱۸۳	۱۷۰
کلقان	۹۳	۴۵۰	۲۲۲	۲۲۸
کله گرد	۱۳۳	۷۰۰	۳۶۱	۳۳۹
کله نو	۲۷	۱۶۸	۸۱	۸۷
کماجری	۵۶	۳۶۵	۱۸۰	۱۸۵
کورملا	۴۹	۳۳۷	۱۷۱	۱۶۶
کهل بلاغ	۴۱	۲۲۴	۱۲۲	۱۰۲
کهل بلاغ	۳۳	۲۲۲	۱۲۰	۱۰۲
گر گر	۲۵	۱۸۴	۹۱	۹۳
گشایش	۶۱	۲۸۱	۱۴۱	۱۴۰
گل اخر	۱۶۴	۱۰۸۰	۵۸۸	۴۹۲
گل تپه‌رود	۶۰	۳۲۳	۱۷۴	۱۴۹
گلوجه‌حسن بیك (گلوجه سید سر)	۵۲	۳۳۴	۱۶۶	۱۶۸
گلوجه سعید	۹۳	۵۶۹	۳۰۳	۲۶۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گلوجه محمدخان	۸۵	٤٤٤	۲۳٤	۲۱۰
گله ده رود	۱۱۷	٦٥٤	۳۳٤	۳۱۰
گله ده کوه	٥٦	۲۹۲	١٥٦	١٣٦
گلی بلاغ (گنده بیل)	۱۷	۹۰	٤٢	٤٨
گنبد	۷۷	٤٤٨	۲۳۸	۲۱۰
گنج آباد سفلی	٤١	۲۳۰	۱۲۱	۱۰۹
گنج آباد علیا	٤٦	۲۳۸	١٢٤	١١٤
گنجینه کتاب (گره‌گنه)	۲۳۱	۱۲۲۳	٦١٦	٦٠٧
گوپکتپه	۳۱	۱۷۰	۹۹	۷۱
گوجور (قوجور)	۱۹	۱۰۳	٤٨	٥٥
گورجین‌لو	۳۲	١٦٦	۹۳	۷۳
گوندوغدی	٥٥	۳۷٥	۲۰٥	۱۷۰
گویجه قنداق(قملك)	۹۱	٥٠٨	۲٥۷	۲٥۱
لکلر	٦٣	۲۹۲	١٥٦	١٣٦
لامشان (لمشان)	١٢٦	٦٦٥	۳٥٥	۳۱۰
مجید آباد (وای وای)	۷	٥٠	٢٦	٢٤
مسعود آباد	٣٤	۱۹۷	۱۰۳	٩٤
مشك آباد جدید	۳٥	۲۰٥	۱۰۸	۹۷
مشك آباد قدیم	۳٥	۱۸۹	۹۰	۹۹
مشکین جیق	١٠٤	٦٣٨	٣٤١	۲۹۷
مغامیر	۱۰۲	٦١٤	۲۹۱	۳۲۳
ملاجیق	۱۳۳	٦٥٣	٣٣٤	۳۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ملا قاسم	٤٤	٢٦٨	١٤٩	١١٩
ملا قیه سی	١٣	٨٤	٤١	٤٣
مندر بلاغی	٢٠	١١١	٥٨	٥٣
منصور آباد	٩١	٥٩٢	٣٠٦	٢٨٦
مهردار	٧٥	٤١٧	٢١٩	١٩٨
نخود آباد	٩٦	٥٠٦	٢٧٢	٢٣٤
نظر کهریزی	١٢٧	٦٥١	٣٦٦	٢٨٥
نیم‌ایستگاه آتشبغ(آتشبغ)	٦	٤٨	٢٥	٢٣
وظیفه خوران	٢٦٦	١٣٨٤	٧٣٩	٦٤٥
ولی کندی	٩٠	٤٥٤	٢٣٨	٢١٦
یابنلاغی	٨	٤٩	٢٦	٢٣
نبلاغی سفلی	٩	٥٧	٣٠	٢٧
یساول	٥٣	٣٢٧	١٦٦	١٦١
یلی دره سفلی	٣٣	١٧٨	٩٣	٨٥
یلی دره علیا	٤٦	٢٤٥	١٣١	١١٤
یلی دره علیا	٩٨	٥٣٩	٢٦٩	٢٧٠
ینگجه				
ینگی کندی	٤٠	٢٤٢	١٢٧	١١٥
جمع دهستان هشترود	۱۴۲۰۵	۷۹۶۴۴	۴۱۹۸۰	۳۷۶۶۴
برد رشن سفلی	٨	٦٨	٣٧	٣١
برد رشن علیا	٢٨	٢١٦	١١٦	١٠٠
برژوك	١٤	١٠٦	٥٢	٥٤
بلبان	٢١	١٣٦	٦٤	٧٢

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بله سور سفلی	۷۹	۵۱۷	۲۷۶	۲۴۱
بله سور علیا	۴۹	۳۰۱	۱۵۴	۱۴۷
تودان	۱۶	۱۰۰	۵۱	۴۹
چخماق	۱۳	۸۳	۴۶	۳۷
چکمه زر	۲۲	۱۷۰	۸۴	۸۶
چنگسر	۲۰	۱۱۵	۵۶	۵۹
دیزج الند	۵۲	۳۷۴	۱۹۲	۱۸۲
طوره	۳۸	۲۲۵	۱۲۵	۱۰۰
قزل اغل	۲۳	۱۳۰	۶۸	۶۲
قور شاق‌لو	۹	۵۳	۲۴	۲۹
کر کوش	۳۸	۲۵۸	۱۳۴	۱۲۴
یارپاقلو	۲۴	۱۵۳	۷۳	۸۰
جمع دهستان الند	۴۵۴	۳۰۰۵	۱۵۵۲	۱۴۵۳
ارسی	۵۳	۲۶۷	۱۴۲	۱۲۵
اعتضادیه	۷۴	۳۲۴	۱۶۲	۱۶۲
اغشلو	۹۵	۵۲۳	۲۶۹	۲۵۴
اکری بوجاق	۲۲۰	۱۲۲۴	۶۳۷	۵۸۷
ایو اوغلی	۶۹۳	۳۳۹۲	۱۷۵۷	۱۶۳۵
باغدرق	۱۲۸	۶۹۶	۳۵۱	۳۴۵
بیزنده	۱۶۱	۷۸۰	۳۹۳	۳۸۷
بیلوار	۱۶۰	۹۵۳	۵۱۱	۴۴۲
پارچی	۱۳۱	۸۰۱	۴۲۲	۳۷۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پکاچك	۱۷۲	۸۸۵	٤٦٥	٤۲۰
پیر کندی	۲٤۳	۱۳۲۲	٦۹٥	٦۲۷
تپه باشی	٤٥	۲۲۸	۱۰٥	۱۲۳
جعفر آباد علیا	۲۸	۱٥۷	۹٦	٦۱
حیدر آباد	٥٤	۲۷۹	۱۳۷	۱٤۲
دیزج جمشید خان	٦۲	۳٦۷	۲۰۹	۱٥۸
زارعان	۱۹۳	۸۰٥	٤۳۰	۳۷٥
زاغه	۱٤	۷٦	٤٤	۳۲
سراب	۱٥۷	۸٥٦	٤٤٤	٤۱۲
سرابدال	۸۳	٤۱۸	۲۲۳	۱۹٥
سگت لو	٥۱	۳۰۱	۱٤۳	۱۸٥
سیه باز	۲۹۰	۱٥۸٥	۸۲۰	۷٦٥
عسکر آباد تازه کند	۷۰	۳۱۹	۱٥۷	۱٦۲
قانی قیه	٦	۳۰	۱۷	۱۳
قز قلعه	۱۹۲	۱۰٦۲	٥٤۰	٥۲۲
قوز لجه	۳۰	۱۷۲	۸۲	۹۰
کرد نشین	۱۱٦	٥٥٥	۲۸۰	۲۷٥
کشکزر	۳٦	۲۱۱	۱۱۳	۹۸
گوهران	۱۳٥	۷۷۳	٤۰۱	۳۷۲
مظفر آباد	٤٤	۲٥۱	۱۲۲	۱۲۹
ملهدان	۹۰	٤۸۹	۲٤۹	۲٤۰
ممده	۱٤	۲۹	٥٤	۳۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نوایی	۵۸	۳۱۱	۱۴۹	۱۶۲
ویشلق سفلی	۷۷	۴۱۳	۲۲۹	۱۸۴
ویشلق علیا	۱۲۰	۶۱۷	۳۴۰	۲۷۷
پاریمقیه	۹۴	۴۶۷	۲۲۴	۲۴۳
جمع دهستان ایو اوغلی	۴۱۳۵	۲۲۰۰۱	۱۱۴۱۲	۱۰۵۸۹
آخرلو	۱۹	۱۳۵	۷۱	۶۴
ایگده لو سفلی	۷	۳۲	۱۶	۱۶
ایگده لو علیا	۱۴	۷۷	۴۵	۳۲
بهستان	۵۶	۲۹۵	۱۵۸	۱۳۷
چرکندی	۸۸	۴۷۷	۲۶۴	۲۱۳
حسین‌علی‌خان کهریزی (چورس اصلان آباد)	۴۳۴	۲۲۴۴	۱۱۷۹	۱۰۶۵
حمزیان سفلی	۳۵	۲۰۳	۱۰۷	۹۶
حمزیان علیا	۳۶	۱۹۵	۱۰۴	۹۱
خانقاه	۷۴	۴۳۱	۲۲۷	۲۰۴
دل کندی	۴۲	۲۸۶	۱۵۲	۱۳۴
علی آباد	۱۴	۸۰	۳۷	۴۳
فیض آباد	۱۸	۱۱۹	۶۱	۵۸
قره کهریز سفلی	۳۱	۱۷۱	۹۱	۸۰
قره کهریز علیا	۱۰	۶۰	۲۷	۳۳
قمشکان بالا	۲۱	۱۱۴	۵۸	۵۶
قنات میزا جلیل	۸۸	۴۵۸	۲۳۹	۲۱۹
قوزلو خانقاه	۱۸	۹۱	۴۴	۴۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان چورس	**۱۰۰۵**	**۵۴۶۸**	**۲۸۸۰**	**۲۵۸۸**
اسمعیل کهریزی	۲۹	۱۵۸	۹۴	۶۴
الهوردی کندی	۳۶	۲۰۷	۱۱۹	۸۸
بوبول آباد	۴۳	۲۴۵	۱۳۲	۱۱۳
بیگدرویش	۶۸	۳۸۷	۲۰۵	۱۸۲
پیر یادکار	۵۱	۲۷۳	۱۵۳	۱۲۰
تاج خاتون	۴۸	۲۸۶	۱۶۵	۱۲۱
چمل بیل	۳	۱۴	۸	۶
حاجیلار	۱۷۶	۹۴۹	۴۹۰	۴۵۹
حاجی احمد آباد	۳	۲۰	۱۲	۸
حاجی احمد کندی	۶۱	۳۷۲	۱۸۷	۱۸۵
حسین آباد کندی	۷	۴۵	۲۳	۲۲
حسین بکلو	۶۶	۳۷۵	۱۹۸	۱۷۷
دیزج حاتمخان	۵۷	۳۲۴	۱۵۹	۱۶۵
زنگلان سفلی	۱۳۲	۷۱۱	۳۸۰	۳۳۱
زنگلان علیا	۷۰	۳۶۹	۲۰۵	۱۶۴
شور کهریز	۱۵	۷۳	۳۳	۴۰
شیرین بلاغ	۲۸	۱۶۳	۹۶	۶۷
طاهر آباد	۱۱	۴۹	۲۸	۲۱
عبدالحسین آباد	۲	۱۷	۱۰	۷
علی اکبر کندی	۱۳	۶۲	۳۳	۲۹
قراتپه	۲۲	۱۲۲	۶۲	۶۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزلجه گل	۲۲	۱۰۷	۵٤	۵۳
قوچاش	۱٤	۸٤	٤۵	۳۹
مارکان	۲۵۹	۱۳۳۲	٦۷۹	٦۵۳
یوسف‌آباد	۲	۱۹	۱۳	٦
جمع دهستان حاجیلار	۱۲۳۸	٦۷٦۳	۳۵۸۳	۳۱۸۰
اباطی	٤۳	۲۸۰	۱٤۸	۱۳۲
اغداش	۳۰	۱۸۳	۱۰۲	۸۱
امیر بیك	۷۲	٤۲۸	۲۱٤	۲۱٤
با صفا	۲	۸	۵	۳
بختیاران	٤٦	۲۸٦	۱۵۹	۱۲۷
بز گوش	۲٦	۱۵۲	۸۲	۷۰
بویلا پوش	۱٤	۱۰۰	۵۱	٤۹
بیلوردی	۳۸	۲۱۳	۱۱٤	۹۹
چاوشقلی	٤۹	۲۸۰	۱٦۲	۱۱۸
حصار	٤	۲۷	۱۷	۱۰
حصار سفلی	۲۰	۱۲۱	۷۰	۵۱
خان دیزج	٤۵	۳۰۳	۱٦۰	۱٤۳
خویمن	۵۹	۳۵۸	۱۸۷	۱۷۱
دلجلو	۳۱	۱۹۳	۱۱۰	۸۳
رهال	۹۹	۵۱۷	۲۷۰	۲٤۷
زاویه شیخلو	۳۳	۲۰۸	۱۰۸	۱۰۰
سعلکده	۷۸	٤٤۲	۲۳٤	۲۰۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیوان	۷۳	۳۹۸	۲۲۲	۱۷۶
شیرین کندی	۳۸	۲۲۳	۱۲۲	۱۰۱
قراتپه	۴۱	۲۳۷	۱۳۳	۱۰۴
کرتای	۵۹	۳۶۵	۱۹۱	۱۷۴
کور پیران	۲۵	۱۶۵	۸۸	۷۷
گنبد	۲۵	۱۴۴	۷۱	۷۳
هندوان	۱۶	۱۶۱	۹۵	۶۶
یزدیکان	۱۱۷	۶۸۵	۳۵۸	۳۲۷
جمع دهستان رهال	۱۰۸۳	۶۴۷۷	۳۴۷۳	۳۰۰۴
اریکلو	۵۱	۲۶۹	۱۴۱	۱۲۸
اغباش	۵۶	۲۹۸	۱۴۹	۱۴۹
اغبلاغ	۱۶	۱۰۰	۴۲	۵۸
اغبلاغ سفلی	۳۷	۲۱۳	۱۱۴	۹۹
اغبلاغ علیا	۴۰	۱۹۲	۱۰۰	۹۲
اقتوپراق	۲۲	۱۱۸	۶۶	۵۲
اورته کند	۶	۳۸	۱۸	۲۰
دمدم	۶	۴۵	۲۶	۱۹
دون بکی	۱۶	۹۱	۵۲	۳۹
دیبک	۱۵	۷۸	۴۲	۳۶
زاویه	۱۶۳	۸۱۹	۴۴۶	۳۷۳
زرو آباد	۱۳۶	۷۴۳	۳۹۷	۳۴۶
سنت	۱۵	۸۸	۴۷	۴۱

نام ده	تعدار خانوار	جمعیت	مرد	زن
شگفتی	۳٤	۱۸٤	۸۷	۹۷
شوریك	٦۷	۳۹۵	۱۹۸	۱۹۷
علی شیخ	۵۸	۲۸۸	۱٤٤	۱٤٤
قارنجه	۲۰	۱۲۰	٦۸	۵۲
قره اغاج	۵٦	۳۲۱	۱٦۸	۱۵۳
قره قوش سفلی	۵۰	۲۵۹	۱٤۷	۱۱۲
قره قوش علیا	۳۷	۲۰٦	۱۱٤	۹۲
قزاولن	۱۲	۷۵	٤۳	۳۲
قزل داش سفلی	۱۰	٤۳	۲۷	۱٦
قزل داش علیا	٤۹	۲۳۰	۱۲۰	۱۱۰
قزلجه	٦۱	۳۳۷	۱٦٤	۱۷۳
قورد یك سفلی	۱۰۷	٤۷۲	۲۳۵	۲۳۷
قورد یك علیا	۹٦	٤۱۸	۲۰۷	۲۱۱
قورقان	۹	۵٤	۲٦	۲۸
قیز سفلی	۳۷	۲۵۷	۱٤۳	۱۱٤
قیز علیا	۲۵	۱٤۵	۷٤	۷۱
کاپوت	٤۲	۲۵۲	۱۳۲	۱۲۰
کلوانس	۱۹٦	۹۳۱	٤۷۷	٤۵٤
کلیسا	۱۲	٦۸	۳۳	۳۵
کوم	٦	٤۰	۲۳	۱۷
کرمدرق	٦٦	۳۱۱	۱٦۲	۱٤۹
کلدور	٦۰	۳٤۹	۱۹۵	۱۵٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گوله پیران	۱۱	۶۳	۳۰	۳۳
محمد شیری	۵	۲۷	۱۷	۱۰
ممش‌خان	۷۵	۳۲۱	۱۷۵	۱۴۶
میدان سفلی	۴۵	۲۳۸	۱۳۸	۱۰۰
میدان علیا	۶۷	۲۹۳	۱۵۱	۱۴۲
هودر	۱۸	۱۱۷	۵۴	۶۳
جمع دهستان سکمن آباد	۱۹۱۱	۹۹۰۶	۵۱۹۲	۴۷۱۴
احمد آباد	۹	۴۷	۲۷	۲۰
اغد رق	۲۵	۱۴۰	۷۲	۶۸
القویروق	۲۳	۱۴۳	۷۶	۶۷
باغ رجب	۵	۳۲	۱۷	۱۵
بدل آباد	۴۶۳	۲۳۷۷	۱۲۵۸	۱۱۱۹
بدلان	۵۲	۲۸۲	۱۴۲	۱۴۰
بطچی	۳۳	۱۶۱	۸۳	۷۸
پسکسفلی	۱۷۵	۹۴۶	۴۷۹	۴۶۷
پیر موسی	۱۴۲	۷۵۹	۳۸۲	۳۷۷
تپه باشی	۱۱۱	۵۸۶	۲۹۴	۲۹۲
جهنم دره	۳	۱۸	۱۰	۸
حاجتکده	۱۴	۸۷	۵۱	۳۶
حصار	۲۷	۱۷۲	۸۹	۸۳
خانقاه	۱۱۵	۵۲۳	۲۶۳	۲۶۰
داش پسک	۵	۳۴	۲۳	۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دیزج	۱۷	۸۳	٤۱	٤۲
زاویه حسن‌خان	۱۱۳	۵۸۰	۳۱۳	۲٦۷
روند	٤۳	۲۲۵	۱۱٤	۱۱۱
سوسوز	٦	۳۲	۱۷	۱۵
شبیون کندی	۵۷	۲۹۹	۱٤۹	۱۵۰
صوفی کندی	۱۸	۱۰۹	۵۷	۵۲
فیرورق	۷۷٦	۳۸۸۷	۲۰۹۰	۱۷۹۷
قرج یاسار	۵۸	۲۹۹	۱۵۸	۱٤۱
قریس	۹۵	۵۲۰	۲۷٦	۲٤٤
قشلاق	۱۳۵	٦٤۲	۳۳٤	۳۰۸
کتین اوی سفلی	۸	۵۰	۲٦	۲٤
کتین لوی علیا	۲۵	۱۳۲	٦٦	٦٦
کوچك	٦	۵۰	۲۸	۲۲
وار	۲۵۲	۱٤٦٤	۸۰۱	٦٦۳
ینگجه	۱٦۳	۷۹۸	٤۳٤	۳٦٤
جمع دهستان فیروزق	۲۹۷٤	۱۵٤۷۷	۸۱۷۰	۷۳۰۷
آجای	۳۳	۱۷٦	۹٤	۸۲
بادکی	۹۵	٤۸۱	۲٦۲	۲۱۹
بسطام	۸۷	٤۱۰	۲۱۰	۲۰۰
بیگجوان	٦۱	۲۹۳	۱۵٦	۱۳۷
چر	۱۰	۵۰	۲۵	۲۵
چومران	۱۱	۵۸	۳۱	۲۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسین آباد	۱۵	٦٧	٤٠	٢٧
حسین آباد	٧	٣٢	١٨	١٤
دامداما	٨	٣٨	٢٠	١٨
دورت اغاغ	٢	٢٠	٧	١٣
سالطه	٣٣	١٦٤	٧٧	٨٧
سلو کلو	١٧	٩٩	٥٢	٤٧
شورجه حسین آباد	٣١	١٣٨	٧٣	٦٥
شوربك	١٨	١١٢	٥٩	٥٣
قره ضیاالدین	٧٧٦	٤٠١٣	٢١٩٧	١٨١٦
قره کندی	٧٤	٣٩٦	٢٠٢	١٩٤
قمشگان سفلی	١٦	٧٠	٤٠	٣٠
قناتبا قربیگ	٤٣	٢٢٠	١١٥	١٠٥
قورول سفلی	٢٨	١٦٢	٨٧	٧٥
قورول علیا	٤٣	٢٢٩	١١٠	١١٩
کامل آباد	٣٣	١٨٥	١٠٥	٨٠
کسیان	٥٩	٣٠٨	١٥٣	١٥٥
گوزد گن	٢٩	١٥٠	٨٠	٧٠
مارقشه	٢٣	١٢٠	٦٥	٥٥
میرزاحسام	١٧	١٠٤	٥١	٥٣
نعلبند	١٦	٨٨	٤٤	٤٤
یتیم اغلی	٣٧	٢١٠	١١٣	٩٧
جمع دهستان قره ضیاء الدین	١٦٢١	٨٣٩٣	٤٤٨٦	٣٩٠٧

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
استران	٧٦	٥٢١	٢٧٧	٢٤٤
المالو	٤٦	٢٩٤	١٤٦	١٤٨
بابکان	٣٧	٢٢٠	١١٠	١١٠
بله جیك	٣٥	٢١٤	١٢١	٩٣
بیابلو	١٦	٩٤	٤٩	٤٥
تاریمیش	١٣	٨٤	٤٣	٤١
ترس آباد	٢٢	١١٧	٦٤	٥٣
چالیان	٢٦	١٥٩	٨٨	٧١
حبش سفلی	٧٥	٤٠٤	٢١١	١٩٣
حبش علیا	٦٢	٣٤٨	١٩٢	١٥٦
خان سفلی	١١	٥٨	٥٨	٠
رازی	٥٢	٢٩٠	١٩٢	٩٨
راویان	٥٧	٣٧٥	١٨٢	١٩٣
راه‌آهن‌شرفخانه‌قطور	١٥٣	٨٢٩	٨٢٢	٧
راه‌آهن‌شرفخانه‌قطور	٧٦	٦٠٤	٦٠٢	٢
زری	١٠٥	٥٦٢	٣١٧	٢٤٥
سنور	٣	٧	٥	٢
شرکت رانکین پور	١٣٥	٧٠٥	٧٠٥	٠
شرکت‌نوکارقطعه‌شش	٢٠	٧٥	٧٥	٠
شریف آباد	١٦	١٢٩	٦٧	٦٢
صوفی شکفتی	١٠	٦٩	٣٧	٣٢
علی سرمه	٣٥	٢٢٠	١٢٧	٩٣

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره کول	۷	۴۵	۲۵	۲۰
قشقا بلاغ	۱۲	۷۳	۳۵	۳۸
قطعه هفت راه آهن قطور	۵	۴۰	۴۰	۰
قطور	۲۱۴	۱۱۳۰	۶۵۵	۴۷۵
قیله لق	۲۳	۱۵۴	۷۷	۷۷
کرناویك	۴۵	۲۶۹	۱۲۷	۱۴۲
کروتان آباد	۲۲	۱۳۹	۷۹	۶۰
کلتسفلی	۲۴	۱۶۵	۸۳	۸۲
کلتعلیا	۲۵	۱۵۳	۷۶	۷۷
کتکرین	۱۲	۹۱	۵۳	۳۸
کوکرد	۸۹	۵۵۶	۲۷۴	۲۸۲
کیوران	۵۰	۲۸۸	۱۵۰	۱۳۸
مخین	۶۱	۳۴۹	۱۷۹	۱۷۰
میرعمر	۴۷	۳۱۳	۱۷۱	۱۴۲
هسته جیك	۲۹	۲۰۱	۱۰۷	۹۴
هندوان	۳۶	۲۹۶	۱۶۴	۱۳۲
جمع دهستان قطور	**۱۷۸۲**	**۱۰۶۴۰**	**۶۷۸۵**	**۳۸۵۵**
اسمعیل کندی	۹	۵۵	۳۴	۲۱
اغبلاغ	۶۱	۲۹۲	۱۵۰	۱۴۲
اغچه قشلاق	۲۸	۱۶۰	۸۶	۷۴
امامکندی	۲۰	۱۱۳	۵۶	۵۷
امینه ده	۳۸	۲۲۷	۱۲۵	۱۰۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بلاماچ	۳۶	۲۲۳	۱۱۷	۱۰۶
بیرامکندی	۳۹	۲۳۱	۱۲٤	۱۰۷
تکلك	۸۷	٤۰۳	۲۲۳	۱۸۰
جهراق	۱۳	۷٦	٤۰	۳٦
چشمه	۵۷	۳۳۷	۱٦٤	۱۷۳
حاشیه رود	۱۳۹	۷۰۷	۳۳۹	۳٦۸
خاکمردان	۸۰	٤٦٦	۲٤۱	۲۲۵
خنجرخان	۲۱	۱۳۳	۷۵	۵۸
دیزج مرتضی قلی‌کندی	۷۱	٤۱۷	۲۱٤	۲۰۳
دیزج هریك	۳۷	۱۹۷	۱۰٦	۹۱
دیزجدیو	٤٦۲	۲۵۱۹	۱۳۲٦	۱۱۹۳
سعید آباد	۱۲۳	۷۱۳	۳٦٤	۳٤۹
سید تاج الدین	۲۸۰	۱۵٤۱	۷۸۸	۷۵۳
شعبانلو	٦۳	۳۳۸	۱۷۰	۱٦۸
شوراب	۵٦	۳۱۱	۱۷۰	۱٤۱
شور بلاغ	۷٦	٤۹۷	۲۷۲	۲۲۵
عذب	۸۱	٤٤۷	۲۲۰	۲۰۷
علیرضاآباد	۸	۳٤	۱٦	۱۸
فریدون آباد	۳	۱۷	۱۰	۷
فنائی	٦۹	۳۳٦	۱۷۳	۱٦۳
قایلوق	۵۵	۲٦٤	۱۳۷	۱۲۷
قرباجلو	٦	۳٤	۱۸	۱٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره شعبان	۸۹	٤۲٦	۲۲۸	۱۹۸
وروق	۱۷۸	۹۳۳	٤۷۹	٤٥٤
گدگکندی	۳	۱۷	۷	۱۰
معدن نمك	٥	۷	۷	۰
ملاجند	٦۰	٤۳٥	۲۳۸	۱۹۷
ولدیان	۲۸۰	۱٤٤۷	۷٥۸	٦۸۹
جمع دهستان ولدیان	۲٦۳۳	۱٤۳٥۳	۷٤۷٥	٦۸۷۸
آب گرم	۷۸	٥٤۰	۲٦۹	۲۷۱
اداره راه	۱	۱	۱	۰
آق زیارت	۳۹	۲٦۲	۱٥۷	۱۰٥
امام کندی	۳۸	۱۸٤	۷۹	۸۷
باری	۷۰	۳۸٦	۲۰٦	۱۸۰
بلارغو	۳۱	۲۰۱	۱۰۸	۹۳
بهله	٤۱	۲٦۹	۱۲۸	۱٤۱
تزخراب	٤۱	۲۱۳	۱۲۰	۹۳
تمر	۱٦٤	۹۲۹	٤۷٦	٤٥۳
تندروك	۱۳	۹۱	٤۷	٤٤
جبل کندی	٥٦	۲۹۷	۱٦٤	۱۳۳
جمال آباد	۱۱۳	٦٥۲	۳۲۸	۳۲٤
حاجی بایرام	۲۰	۱٥٤	٦٤	۹۰
حماملار	٤۲	۲٤۸	۱۲۸	۱۲۰
خان تختی	٦۱	۳٥۰	۱۸۹	۱٦۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خرم آباد	۲۹	۲۲۳	۱۱۳	۱۱۰
دلادل	۲۴	۱۵۰	۷۲	۷۸
زنگ آباد	۲۱	۱۳۹	۶۶	۷۳
ریندشت	۶۵	۴۱۶	۲۱۷	۱۹۹
سلطان آباد	۲۴	۱۲۲	۶۸	۵۴
سینجلیك	۵	۳۶	۱۸	۱۸
شریف آباد	۱۲	۷۰	۳۸	۳۲
علی آباد	۶	۳۳	۱۵	۱۸
علی کان	۳۲	۲۶۸	۱۳۳	۱۳۵
قره باغ	۳۷۴	۲۵۱۱	۱۲۹۴	۱۲۱۷
قلقاچی	۱۵۷	۸۲۷	۴۱۶	۴۱۱
قوشجی	۳۲۲	۶۱۶۸	۱۱۲۵	۱۰۴۳
قولنجی	۳۴۱	۲۲۰۱	۱۱۶۱	۱۰۴۰
نمیجوق	۲۱	۱۳۷	۷۳	۶۴
قهرمان	۱۶	۹۸	۳۶	۶۲
قهوه خانه‌عزیز	۱	۱	۱	۰
قهوه خانه علی	۳	۱۴	۷	۷
کاسب	۳۸	۲۴۶	۱۲۶	۱۲۰
کانی شوریك	۷	۴۳	۱۸	۲۵
کای نسپی	۱۸	۸۷	۳۸	۴۹
کوره بالا	۴۴	۲۵۸	۱۲۲	۱۳۶
کوره پایین	۴۲	۲۸۹	۱۵۶	۱۳۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوی کارمندان	۳۲۹	۱۲۲۲	۷۰۵	۵۱۷
کهریز	۲۸۳	۱۴۹۸	۸۲۵	۶۷۳
گل تپه	۹۹	۶۳۱	۳۳۰	۳۰۱
گلانیك سفلی	۱۶	۱۲۹	۶۳	۶۶
گلانیك علیا	۲۰	۱۴۲	۷۲	۷۰
گورجین قلعه	۲۰۶	۱۳۳۰	۷۰۸	۶۲۲
گولان	۶۶	۳۲۵	۱۷۲	۱۵۳
ماکو کندی	۳۶	۲۰۴	۱۱۱	۹۳
محموددان	۳	۲۸	۱۲	۱۶
مغول	۳۹	۲۲۱	۱۱۵	۱۰۶
مقیطالو	۱۰۰	۵۲۰	۲۸۲	۲۳۸
میسیك	۱۹	۱۰۶	۴۹	۵۷
میناس	۶۲	۳۲۸	۱۷۴	۱۵۴
نجف آباد	۱۲۶	۷۳۵	۳۸۱	۳۵۴
نورالدین آباد	۷	۷۷	۳۸	۳۹
نوسر	۱۲	۷۲	۳۹	۳۳
جمع دهستان قوشچی انزل	**۳۸۳۳**	**۲۲۶۸۲**	**۱۱۸۷۱**	**۱۰۸۱۱**
اردشاهی	۹۵	۴۲۵	۲۱۶	۲۰۹
آق بلاغ	۱۵	۱۱۱	۶۴	۴۷
القیان	۲۴	۱۳۸	۷۳	۶۵
انگمان	۱۷	۱۲۳	۶۱	۶۲
اوچ لر	۱۲	۵۸	۳۴	۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اوزان	۶۸	۳۶۷	۱۹۵	۱۷۲
اوزان	۶۲	۳۲۲	۱۷۸	۱۴۴
ایلذگی	۲	۱۸	۹	۹
بابا رود	۶۰	۲۵۱	۱۰۹	۱۴۲
باراندوز	۱۴۶	۷۵۰	۳۸۸	۳۶۲
باروژ	۲۰	۸۷	۵۴	۳۳
بالا نج	۱۱۶	۵۵۹	۲۹۸	۲۶۱
بربران	۱۳	۹۱	۵۳	۳۸
برهانلو	۲۸	۱۵۵	۸۳	۷۲
بزرگ آباد	۱۸۰	۸۵۵	۴۵۷	۳۹۸
بتدایی	۲۸	۱۴۹	۷۷	۷۲
بیات	۱۳	۷۲	۳۸	۳۴
تازه کند	۱۰۱	۵۵۹	۲۷۷	۲۸۲
تازه کند جمال خان	۱۷	۹۷	۵۰	۴۷
تبت	۱۰۱	۵۱۹	۲۵۷	۲۶۲
تپه‌ترکمان	۴۵	۲۳۸	۱۲۰	۱۱۸
تپه مکی	۱۵۰	۷۶۵	۳۹۸	۳۶۷
ترکمان	۳۵	۲۱۴	۱۱۲	۱۰۲
تزخراب	۷۶	۴۲۱	۲۲۲	۱۹۹
تکیه	۴۱	۱۷۳	۸۳	۹۰
توپوز آباد	۴۵	۲۲۶	۱۱۵	۱۱۱
تولکان	۴۴	۲۳۷	۱۳۰	۱۰۷

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
تومتر	۱۳۱	۷۰۵	۳۶۹	۳۳۶
جبل کندی	۹۱	۵۵۰	۲۸۸	۲۶۲
جرنی	۳۳	۲۳۵	۱۱۸	۱۱۷
جعفریان	۶	۴۲	۱۸	۲۴
جیران سفلی	۲۴	۱۳۷	۷۹	۵۸
جیران علیا	۶۳	۴۰۵	۲۱۶	۱۸۹
چاورش	۱۴	۸۱	۲۶	۵۵
چهل چشمه	۱	۱۰	۵	۵
حسن آباد	۴۸	۲۳۴	۱۳۴	۱۰۰
حسو کندی	۱۸	۱۱۲	۶۱	۵۱
حصاراق بلاغ	۳۹	۲۹۶	۱۴۵	۱۵۱
حصار ترکمان	۴۰	۲۳۶	۱۲۴	۱۱۲
حصار گاپوچی	۱۴	۹۲	۵۰	۴۲
حیدرلو	۴۷	۲۶۹	۱۳۹	۱۳۰
خرم آباد	۴۲	۲۴۲	۱۱۵	۱۲۷
خضر آباد	۸۴	۴۳۸	۲۱۶	۲۲۲
خطاپلو	۴۵	۲۵۲	۱۳۷	۱۱۵
خنجر قشلاقی	۲۳	۱۴۶	۷۶	۷۰
در برود	۶۸	۳۵۰	۱۶۹	۱۸۱
درین قلعه	۱۶	۱۳۴	۷۲	۶۲
دو لاما	۹۲	۴۷۶	۲۶۲	۲۱۴
دیدان علیا	۳۶	۲۰۵	۱۰۳	۱۰۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دیدان سفلی	۷۱	۳۲۷	۱۷۳	۱۵۴
دیزج تکیه	۲۱۴	۹۸۳	۵۰۸	۴۷۵
دیزج رحیمپور	۱۷	۱۰۷	۶۴	۴۳
دیزج فتحی	۹	۴۸	۲۷	۲۱
زویك	۴۰	۲۲۵	۱۲۱	۱۰۴
سارالان	۶۴	۳۲۶	۱۷۰	۱۵۶
ساری بگلو	۳۴	۲۰۰	۹۹	۱۰۱
ساری بگلوموسی	۴۱	۲۳۶	۶۱۶	۱۲۰
ساعتلو	۵۳	۲۸۹	۱۵۴	۱۳۵
ساعتلو کوه	۲۰	۱۲۰	۶۶	۵۴
سرد رود	۱۸	۹۶	۴۵	۵۱
سیدن	۱۱	۹۰	۴۰	۵۰
سیر	۲۵	۱۳۴	۶۵	۶۹
سیلان	۶	۴۴	۲۲	۲۲
شاهین آباد	۲۱	۱۰۵	۵۰	۵۵
شبان کندی	۱۰	۵۴	۲۸	۲۶
شمس حاجیان	۶۸	۳۳۹	۱۷۸	۱۶۱
شیخ لرمزارع	۲۲	۱۱۷	۵۷	۶۰
شیرو کندی	۸	۴۶	۲۲	۲۴
شیطان آباد	۱۹	۱۰۱	۵۳	۴۸
صمد آباد	۱۰	۵۳	۲۷	۲۶
طالب آباد	۲۰	۸۰	۴۱	۳۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
طرز لو	۱۰	٤۷	۲۱	۲۶
عربلو	۷۰	۳۵۸	۱۹۳	۱۶۵
علی آباد	۳۲	۱۶۵	۸۷	۷۸
علی آباد	۶۰	۳۲۶	۱۸٤	۱٤۲
عیسی لو	۳۹	۲۲۹	۱۲۰	۱۰۹
غریب حسن	٤	۲۶	۱٤	۱۲
غریب کندی	۱۵	۷۷	۳۸	۳۹
فق بیکلو	۶۰	۳۱۶	۱٤۶	۱۷۰
فولادلو	۱۱	٤۵	۲۷	۱۸
قاسملو	۵۵	۳۲۰	۱۷۳	۱٤۷
قرالر اقاتقی	۵۶	۲۸۲	۱٤۳	۱۳۹
قرالرحاج قاسم	۲۸	۱٤۱	۶۹	۷۲
قره اغاج	۱۶۲	۸۹۱	٤۷۱	٤۲۰
قره‌لر گورخانه	٤۶	۲۳۸	۱۲۱	۱۱۷
قطلو	۵۲	۲۸۱	۱٤۸	۱۳۳
قلعه جوق	۳۹	۱۹۷	۹۹	۹۸
قهوه خان	۱	۱	۱	۰
قهوه خانه محمودآباد	۶	۲٤	۱۵	۹
کارخانه آجرپزی الله‌اکبر	۱۳	٤٤	۲۸	۱۶
کارخانه آجرسازی خانه	۱۱	۳۸	۳۲	۶
کارخانه آجرسازی اتحاد	۱۲	٤۵	۲۸	۱۷
کارخانه آجرسازی خورشید	۲	۵	۳	۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کاروانسرا	۲۶	۱۳۳	۶۷	۶۶
کرانی	۳۳	۱۲۶	۶۲	۶۴
کلیسا سیر	۹	۵۸	۳۳	۲۵
کوسه آباد	۲۲	۱۷۰	۸۰	۹۰
کوکیا	۷۰	۳۸۴	۱۷۸	۲۰۶
گر گتپه	۴۱	۲۰۱	۱۱۰	۹۱
کزنه کش	۱۴	۱۰۷	۵۳	۵۴
گلدانلو	۷۷	۳۵۰	۱۸۴	۱۶۶
گور شالی	۲۵	۱۳۸	۷۴	۶۴
گوی تپه	۲۸۷	۱۳۷۳	۷۱۳	۶۶۰
مبارك آباد	۲۶	۱۶۳	۹۷	۶۶
محمود آباد	۶۰	۳۴۰	۱۸۳	۱۵۷
مراد علی بالا	۵۹	۲۹۰	۱۳۲	۱۵۸
مراد علی پایین	۴۹	۲۴۲	۱۲۰	۱۲۲
مراد کندی	۲۲	۱۴۹	۸۰	۶۹
مقدم	۷۲	۳۷۷	۱۹۰	۱۸۷
منددول	۱۴	۱۲۰	۵۷	۶۳
میرزا علی آباد	۱۳	۵۰	۲۸	۲۲
میر شکارلو	۹۴	۴۷۸	۲۳۶	۲۴۲
نای بین	۷۹	۴۴۸	۲۱۰	۲۳۸
نرلر	۱۹	۱۳۲	۵۹	۷۳
نژ دره	۲	۲۵	۱۳	۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نظر آباد افتخار	۲۰	۱۳۰	۵۳	۵۰
نظر آباد مجید	۱۹	۱۱۱	۵۵	۵۶
نوروز بلاغی	۲۴	۱۱۸	۶۳	۵۵
نیولو	۶۴	۳۲۲	۱۶۳	۱۵۹
ورمزیار	۲۰	۱۲۶	۷۱	۵۵
هوندوك	۶	۳۸	۱۵	۲۳
جمع دهستان باراندوزچای	۵۳۸۰	۲۸۵۱۸	۱۴۷۳۹	۱۳۷۷۶
اختیان بزرگ	۱۷	۱۲۹	۶۴	۶۵
اختیان کوچك	۱۲	۸۸	۴۲	۴۶
آویك	۶	۵۲	۲۳	۲۹
اربیلان	۱۷	۱۰۵	۴۷	۵۸
اسکندر آباد	۳۴	۲۷۳	۱۳۷	۱۳۶
آسیاب چره	۲	۴	۳	۱
اسین گران	۸	۶۲	۲۸	۳۴
الوسان	۸	۶۷	۳۲	۳۵
اودلان سفلی	۱۵	۱۵۷	۸۹	۶۸
اودلان علیا	۹	۵۳	۳۴	۱۹
ایشکه سو	۳۰	۲۲۹	۱۲۵	۱۰۴
بانی	۲۵	۱۹۲	۱۰۲	۹۰
بصریك	۹	۶۶	۳۰	۳۶
بهیك	۲۲	۱۷۹	۹۴	۸۵
بیگوز	۶	۵۲	۲۴	۲۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پر گل	۱۳	۹۷	۴۸	۴۹
پسان	۲۴	۱۵۷	۸۵	۷۲
پست	۷	۵۴	۳۱	۲۳
تازه کند	۱۰	۶۴	۳۰	۳۴
تبیك	۲	۲۶	۱۳	۱۳
تبیك	۱۴	۹۲	۵۴	۳۸
تمتمان	۵	۳۵	۲۰	۱۵
چر	۳۶	۲۶۲	۱۴۰	۱۲۲
چره	۱۶	۱۱۷	۶۶	۵۱
حاجی محمود چمان	۱۱	۱۰۷	۵۵	۵۲
حسبستان	۱۶	۱۰۷	۴۷	۶۰
خانیك	۲۲	۱۶۲	۸۹	۷۳
خرابه سنجی	۴۵	۳۱۴	۱۶۶	۱۴۸
خلیان	۲۸	۱۷۴	۹۵	۷۹
خوش الان	۴۳	۲۲۸	۱۵۳	۱۳۵
دربند	۱۳	۱۱۲	۵۳	۵۹
دمان	۶	۳۸	۱۸	۲۰
ربط	۱۹	۱۴۰	۷۴	۶۶
روند سفلی	۸	۵۵	۲۸	۲۷
روند علیا	۸	۵۷	۲۶	۳۱
زنکگان	۳۰	۱۷۹	۹۶	۸۳
سرو	۷۶	۴۹۳	۲۷۵	۲۱۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سنجی	۳۸	۲۷۲	۱۵۶	۱۱۶
سوریان	۱۰	۶۹	۴۰	۲۹
سیگفتیك علیا	۲۰	۱۴۹	۷۸	۷۱
شهرویران	۲	۱۶	۵	۱۱
صوفی‌کانی	۹	۶۶	۳۷	۲۹
عمر آباد	۳۱	۲۰۸	۹۷	۱۱۱
قرنسا	۳۴	۲۱۳	۱۰۷	۱۰۶
قره آغاج	۲۱	۱۳۱	۵۸	۷۳
قصریك	۷	۴۷	۲۱	۲۶
کارگاه راه سازی	۱	۳۵	۳۵	۰
کانسبی	۱۶	۱۲۶	۵۸	۶۸
کانی شوریك	۱۸	۱۰۶	۵۲	۵۴
کاولان	۹	۷۶	۳۹	۳۷
کریم آباد	۱۰	۶۸	۳۲	۳۶
کلن کانی	۱۴	۱۴۰	۷۲	۶۸
کلیکنی	۳۱	۲۱۱	۱۰۸	۱۰۳
کورانه	۴۲	۲۴۵	۱۳۰	۱۱۵
کورته کویل	۱۱	۷۸	۳۹	۳۹
گل شیخان	۲۸	۲۲۶	۱۱۵	۱۱۱
گنگچین	۱۷۹	۱۱۸۳	۵۹۷	۵۸۶
گوران آباد	۱۹	۱۲۳	۶۲	۶۱
گوندگ	۳۴	۲۱۳	۹۶	۱۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مارمیشو	۱۸	۱۱۵	۵۹	۵۶
مافران	۲۱	۱۵۵	۸۴	۷۱
مجروسه	۱۲	۹۲	۴۹	۴۳
مرکوش	۲۴	۱۵۲	۷۴	۷۸
مستکان	۳۱	۲۲۳	۱۱۰	۱۱۳
مسکین	۲۹	۱۸۴	۹۴	۹۰
ملونه	۳۳	۳۰۸	۱۵۰	۱۵۸
میرداود	۱۶	۱۰۰	۵۵	۴۵
نوجوان	۲۱	۱۳۸	۷۲	۶۶
نی چلان	۵۹	۳۹۱	۲۰۵	۱۸۶
هفتساران	۴۷	۳۱۱	۱۵۸	۱۵۳
هلانیک	۴	۲۷	۱۴	۱۳
هنگروان	۲۶	۱۵۹	۸۰	۷۹
جمع دهستان برادوست	۱۵۹۷	۱۱۱۹۴	۵۷۷۴	۵۴۲۰
ارزین	۱۲	۸۵	۴۲	۴۳
اشیک	۱۳	۹۴	۵۰	۴۴
اق بلاغ	۱۱	۸۵	۴۹	۳۶
انبی	۸۹	۶۳۳	۳۱۸	۳۱۵
اودی	۱۸	۱۴۴	۷۰	۷۴
بالولان	۳۲	۲۲۶	۱۱۲	۱۱۴
برزین	۱۹	۱۲۶	۵۷	۶۹
تالین	۲۹	۱۶۸	۹۵	۷۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تولکی	۲٤	۱۹٦	۱۰۵	۸۱
تولی	۳۰	۲۳۹	۱۲۳	۱۱٦
تیبان	۲۳	۱٦۵	۸۷	۷۸
چمان	۱۵	۹۵	٤۸	٤۷
حکی	۳۹	۲۵۲	۱۲۵	۱۲۷
خانقاه	۲۹	۱۷۳	۷٤	۹۹
دوبره	۲٤	۱٦۵	۹۰	۷۵
دوستالان	۹	٦۳	۳۲	۳۱
سولیك	۱٦	۱۲٤	٦۲	٦۲
شیبان	۳۰	۲۷۱	۱۲۹	۱٤۲
شیخ شمزین	٤٤	۲۸٦	۱۵۰	۱۳٦
کرانه	۳٦	۲۳۵	۱۱۷	۱۱۸
کرده بلیچ	۳۸	۳۳۳	۱۷۰	۱٦۳
موانا	۱۱۵	۸۸۱	٤٤٦	٤۳۵
هالولان	۲٤	۱٤٦	۷۰	۷٦
جمع دهستان ترگور	۷۱۹	۵۱۸۵	۲٦۲۱	۲۵٦٤
احمد رسول	۳	۲٤	۱۷	۷
اسلاملو	۱۱۲	٦۰٤	۳۰۰	۳۰٤
اغچه قلعه	٤٦	۲۲٤	۱۱۵	۱۰۹
المان آباد	٤۰	۲۳۰	۱۲۱	۱۰۹
الیاس آباد	۱۳۵	۷۹٦	٤۱٦	۳۸۰
امامزاده	۹۷	٤۵۲	۲۳۳	۲۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اوبا	۱۶	۸۶	۳۹	۴۷
اوعلی	۱۶	۱۰۴	۵۱	۵۳
ایدنلو	۵۸	۲۸۶	۱۴۷	۱۳۹
ایگدیر	۵۹	۳۱۶	۱۶۳	۱۵۳
یاراجیق	۳۵	۱۹۰	۱۰۶	۸۴
یالدرلو	۸۶	۲۲۴	۲۱۶	۲۰۸
براشان	۲۵	۱۴۵	۷۷	۶۸
یزوج	۱۸	۹۷	۵۰	۴۷
بند	۱۰۴	۶۹۷	۳۶۱	۳۳۶
بندر گلمانخانه	۱۲	۴۱	۳۲	۹
بویونویوقونلو	۶۷	۳۶۵	۱۸۹	۱۷۶
بهنق	۵۸	۳۰۶	۱۵۷	۱۴۹
بیرلان	۱۵	۷۲	۳۸	۳۴
پشتگل	۴۴	۲۷۸	۱۴۹	۱۲۹
پلاژ اختصاصی تمدن	۱	۴	۲	۲
پلاژ برادران	۱	۱	۱	۰
پلاژ شهرداری	۱	۵	۵	۰
ترمنی	۴۸	۲۶۶	۱۴۳	۱۲۳
حارچیلو	۹۳	۴۶۱	۲۵۲	۲۰۹
جان وسلو	۲۱	۱۵۸	۷۹	۷۹
چوبتراش	۵۸	۲۹۲	۱۵۵	۱۳۷
چهره گشا	۴۴	۲۳۲	۱۳۲	۱۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی پیرلو	۴۲	۲۱۷	۱۰۴	۱۱۳
حصار ترمنی	۷	۳۰	۱۷	۱۳
حصار حاجی لار	۹۱	۴۸۲	۲۵۳	۲۲۹
حصار داغباغی	۴۵	۲۲۹	۱۱۴	۱۱۵
خطایلو	۴۳	۲۳۱	۱۲۶	۱۰۵
دارقالو	۶۲	۳۴۴	۱۸۱	۱۶۳
دیزج خیار	۱۱	۵۷	۲۵	۳۲
دیزج نقاله	۱۰	۴۷	۲۷	۲۰
دیگاله	۱۷۳	۸۸۵	۴۵۲	۴۳۳
ریحان آباد	۱۱۴	۵۰۴	۲۷۶	۲۲۸
ریکان	۷۸	۳۸۹	۱۹۸	۱۹۱
ساراجوق	۲۷	۱۴۲	۷۴	۶۸
سنگرمیرعبدالله	۳۳	۱۶۳	۸۵	۷۸
سه قبیله	۶	۲۱	۱۵	۶
شرکترونق	۲	۱۱	۸	۳
شلمکان	۳۰	۱۹۹	۹۹	۱۰۰
صدقه	۴۴	۱۹۹	۱۱۳	۸۶
طسمالو	۶۳	۲۰۲	۱۶۵	۱۳۷
عرشلو	۲۷	۱۶۲	۸۷	۷۵
علی کومی	۱۸	۹۷	۵۰	۴۷
عیسی کان	۹	۴۸	۲۹	۱۹
قامت	۳۳	۱۸۷	۹۳	۹۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قرجه لر	۲۰	۹۷	۵۵	۴۲
قره اغاج	۲۵	۱۳۱	۷۱	۶۰
قره حسنلو	۷۵	۳۹۴	۲۰۴	۱۹۰
قشلاق محمدشریف	۲۴	۱۴۸	۸۰	۶۸
قشلاق محمد قلی	۱۵	۶۱	۳۲	۲۹
قشلاق میرزاعلی	۲۹	۱۴۸	۷۹	۶۹
قطورلار	۹۷	۴۸۹	۲۶۹	۲۲۰
قلیلو	۲۸	۱۹۱	۱۰۱	۹۰
کردلر	۱۹۱	۱۰۸۷	۵۷۰	۵۱۷
کشتیبان	۲۱۴	۱۰۴۲	۵۳۲	۵۱۰
کلیسا کندی	۲۳	۱۳۲	۷۰	۶۲
گباران	۴۹	۲۵۸	۱۲۶	۱۳۲
گلپاشین	۶۹	۲۷۳	۱۶۲	۱۲۱
گلمانخانه	۸۲	۴۱۶	۲۱۶	۲۰۰
لشنلو	۴۲	۱۸۴	۹۵	۸۹
مراجل احمدی	۲۸	۱۱۰	۵۹	۵۱
مشك آباد سفلی	۱۸	۹۶	۵۷	۳۹
مشك آباد علیا	۱۹	۸۵	۴۹	۳۶
میاوق	۲۰۴	۱۲۰۰	۶۳۳	۵۶۷
ندامتگاه شهربانی	۲	۲۱	۱۷	۴
وزیر آباد	۲۶	۱۱۰	۵۷	۵۳
هسپستان	۳۱	۱۸۲	۸۹	۹۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ینکیجه قاضی	۵۰	۲۴۵	۱۳۱	۱۱۴
یوالار	۹۶	۵۹۸	۳۰۳	۲۹۵
جمع دهستان بکشلو چای	۳۷۳۸	۱۹۸۱۰	۱۰۳۹۴	۹۴۱۶
بالستان	۹۲	۵۱۰	۲۷۱	۲۳۹
برده کشك	۱۵	۱۰۴	۵۲	۵۲
پیرعلی	۹	۶۰	۳۴	۲۶
جلبر	۵۴	۲۸۷	۱۴۱	۱۴۶
داش اغول	۱۱۴	۶۴۹	۳۴۳	۳۰۶
دربند	۱۹	۱۶۲	۹۰	۷۲
دلی	۳۲	۲۲۰	۱۱۹	۱۰۱
دیزج	۱۱۰	۶۷۲	۳۴۸	۳۲۴
رشکان	۱۲۳	۶۷۷	۳۵۲	۳۲۵
زیوه	۲۵	۱۷۱	۸۹	۸۲
ژار آباد	۲۶	۱۷۲	۹۵	۷۷
سامورتی	۷۹	۴۷۰	۲۴۳	۲۲۷
سلطان آباد	۹	۷۳	۴۱	۳۲
شیطان آباد	۱۲۹	۷۴۱	۳۸۲	۳۵۹
قمش لو	۹	۷۹	۴۱	۳۸
کنعان ایل	۴۲	۲۱۷	۱۱۳	۱۰۴
کنعان رعیت	۲۴	۱۶۷	۸۵	۸۲
ناری	۴۰	۲۸۲	۱۴۸	۱۳۴
نازناز	۱۵	۱۱۹	۷۰	۴۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ناناس	۵۱	۳۰۲	۱۵۲	۱۵۰
نصیر آباد	۲۲	۱۴۸	۷۵	۷۳
جمع دهستان دول	۱۰۳۹	۶۲۸۲	۳۲۸۴	۲۹۹۸
بد کار	۱۱	۹۶	۴۸	۴۸
برده سور	۵	۴۳	۲۳	۲۰
پشتگله	۷	۵۹	۲۸	۳۱
پیرهادی	۸	۴۶	۱۷	۲۹
تویی	۱۵	۸۴	۴۳	۴۱
جرمی	۲۱	۱۳۳	۶۹	۶۴
حلفله	۶	۲۱	۱۲	۹
خری	۱۶	۱۳۰	۶۸	۶۲
خوشاکو	۲۰	۱۶۲	۸۱	۸۱
دربند	۴۲	۲۷۱	۱۴۴	۱۲۷
در گز	۴۳	۳۱۲	۱۴۹	۱۶۳
دولاپسیان	۲۶	۲۰۹	۹۷	۱۱۲
راژان	۷۲	۶۳۷	۳۲۳	۳۱۴
زری خان	۵	۳۲	۱۴	۱۸
زنگلان	۲۱	۱۶۱	۸۳	۷۸
سلیمیك	۱۸	۱۴۵	۷۶	۶۹
سیده سر	۴	۱۴	۷	۷
سیلوانا	۷۰	۵۲۰	۲۶۵	۲۵۵
قره اوی	۸	۶۷	۳۷	۳۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قصریك	۱۳	۹۵	٤٤	٥١
کای	۲۳	۱۷۹	۸۷	۹۲
کوجار	٦٤	٤٤٨	۲۳۳	۲۵۰
میر آباد	۱۹	۱۰۷	٤٦	٦١
نوشان	۱۸	۱۳٦	٦٤	۷۲
هلوری	١٤	۱۰۰	٤٥	٥٥
جمع دهستان دشت	٥٦٩	٤٢٤٧	۲۱۰۳	۲۱٤٤
آجر پزی برق	٥	۱۳	۱۳	۰
اشنا آبادی	۹۰	٤٦٤	۲٤۲	۲۲۲
الواج	٤٥	۳۱٤	۱۵۸	۱۵٦
انهر سفلی	۳۷	۱۷۱	۸۹	۸۲
انهر علیا	۱۳۷	۷٤۲	۳۸۵	۳۵۷
باچیك	۲٦	۱۸۳	۹۳	۹۰
باد کی	۳۳	۱۷۲	۹۳	۷۹
بالا حوق	٤۰	۱۹٦	۱۰۷	۸۹
بخش آباد	١٤	۸٤	٥۳	۳۱
پیر مراد	۳۳	۲۰۳	۱۰۱	۱۰۲
تازه کند	۱۱	٥٤	۲٥	۲۹
تازه کند	۷	٥۲	۲۷	۲٥
تیز خراب	۷۰	۳٥۹	۱۸٤	۱۷٥
جهتلو	٤٦	۲٥۱	۱۳۳	۱۱۸
حصار میرحسین	٤	۱۷	۸	۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خاتون جان	۱۳	۷۴	۴۰	۳۴
خانقاه	۳۲	۲۱۱	۱۱۰	۱۰۱
خلیفه تان	۲۵	۱۷۴	۹۳	۸۱
درهٔ زم	۳۰	۱۴۲	۷۴	۶۸
دیزج سیاوش	۹۰	۴۷۶	۲۵۰	۲۲۶
زینالو	۸۴	۴۳۱	۲۲۴	۲۰۷
سقان	۲۳	۱۲۶	۶۹	۵۷
سنجلیك	۷	۵۸	۲۶	۳۲
سنگر برزوخان	۳۶	۲۰۲	۱۰۵	۹۷
سنکر بیگلربیك	۱۴	۷۵	۳۷	۳۸
سید آقا	۱	۳	۲	۱
سید آقا کوزه کتانی	۱	۳	۲	۱
شرکت سنگ	۲	۱۱	۹	۲
طرزلو	۳۰	۲۱۱	۱۱۳	۹۸
طرزلو ارخ الش	۱۳	۸۷	۴۵	۴۲
قره حسنلو	۱۳۹	۷۵۹	۴۰۱	۳۵۸
قصریك	۴۹	۲۷۳	۱۵۲	۱۲۱
قوزیوند	۲۶	۱۴۲	۷۲	۷۰
کاتالان	۳۱	۱۵۰	۸۲	۶۸
کانی قیزان	۲۴	۱۴۴	۷۶	۶۸
کجین	۱۵۷	۹۴۳	۴۸۶	۴۵۷
کلهر	۴۳	۳۰۴	۱۵۹	۱۴۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوره اجر بهمن	۱۰	۴۲	۳۸	۴
کوره طسوجی	۲	۹	۷	۲
کوره طلوع	۱۷	۵۰	۳۸	۱۲
کوره مشفقی	۱	۷	۷	۰
لرنی	۳۰	۱۸۲	۹۰	۹۲
لور	۷۰	۳۶۱	۱۸۸	۱۷۳
موساتد امیروری	۹	۹	۹	۰
میر آباد	۲۲	۱۴۸	۷۰	۷۸
ناصر آباد	۶	۵۴	۳۳	۲۱
نوروز آباد	۱۴	۶۷	۳۰	۳۷
ولینده سفلی	۱۷	۱۰۹	۵۸	۵۱
ولینده علیا	۵۹	۳۳۱	۱۹۱	۱۴۰
یورقانلوی	۶۷	۳۲۲	۱۶۷	۱۵۵
جمع دهستان روضه‌چای	۱۷۹۲	۹۹۶۵	۵۲۶۴	۴۷۰۱
اسکندیان	۲۳	۱۳۰	۵۹	۷۱
آسیاب	۱	۲	۲	۰
اق سقل	۸۰	۵۲۳	۲۷۸	۲۴۵
اوری بیك	۱۵	۹۵	۴۹	۴۶
باژرگه	۳۴	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
بلوان	۶۸	۵۰۱	۲۷۸	۲۲۳
بچه جیك	۳۷	۲۸۱	۱۳۷	۱۴۴
بردوك	۳۷	۲۶۳	۱۴۰	۱۲۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
برده رش	۲۵	۱۵۵	۷۵	۸۰
بردیان	۳۳	۲٦٤	۱۳٤	۱۳۰
بردیزی سفلی	۷	٤٥	۲۵	۲۰
بردیزی علیا	۲٤	۱۸٤	۹۵	۸۹
برسپیان	۱٦	۱۱۵	۵۸	۵۷
بستك آباد	۳۱	۲۱۸	۱۱۳	۱۰۵
پیرانجون	۵۸	۳۷٦	۱۹۷	۱۷۹
تازه کند	۱۸	۱۲۳	٦۹	۵٤
جنر	۳۱	۲۵۳	۱۳٦	۱۱۷
جلفران	٤۷	۳۰۵	۱۵۵	۱۵۰
جوجه هی	٤٦	۳۳۰	۱۷۳	۱۵۷
جهنی	۵۹	٤۰٤	۲۱۱	۱۹۳
حسن آباد	۳۳	۲٤۲	۱۱۵	۱۲۷
حسنلو	٤۲	۲٦۵	۱۳۷	۱۲۸
حلقوش	۲۸	۱٦۲	۹۸	٦٤
خانیك	۲۱	۱۸۱	۸۵	۹٦
خر گوش	۸۲	۵۵۰	۲۵٦	۲۹٤
خواجه ابراهیم	٤	۲٤	۱۳	۱۱
رك آباد	۲۸	۱۷۷	۹۵	۸۲
ساکان	۲۹	۲۰۵	۱۰۳	۱۰۲
سرومان آباد	۳۵	۲۹۲	۱٤۸	۱٤٤
سلطانی	۱۱	۸۱	۳۹	٤۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیارک	۵	۴۷	۲۱	۲۶
سیدان	۸۹	۴۹۶	۲۵۵	۲۴۱
سین آباد	۵۴	۴۲۰	۲۴۵	۱۷۵
صوفیان	۴۲	۲۹۸	۱۴۷	۱۵۱
غازان	۴۹	۳۲۳	۱۶۸	۱۵۵
فیروزیان	۴۱	۲۳۹	۱۰۱	۱۳۸
قصریك	۵۵	۳۸۶	۱۹۶	۱۹۰
قورمیك	۴۴	۲۷۵	۱۳۸	۱۳۷
قونی	۴۰	۲۷۲	۱۳۷	۱۳۵
کانسپی	۴۱	۲۸۱	۱۴۴	۱۳۷
کانسپی	۱۴	۹۰	۵۰	۴۰
کانی رش	۵۴	۳۵۲	۱۸۷	۱۶۵
کفشن	۱	۷	۴	۳
کلران	۹	۶۰	۲۹	۳۱
کوران	۳۰	۲۰۲	۹۹	۱۰۳
کونی میران	۱۷	۱۳۸	۷۷	۶۱
کچی	۶۲	۴۵۵	۲۳۲	۲۲۳
گله خر	۵۵	۳۹۰	۱۹۵	۱۹۵
گنبد	۸۱	۵۴۶	۲۸۳	۲۶۳
گوادل	۶	۴۰	۱۹	۲۱
مرنه	۳۰	۲۰۰	۱۱۰	۹۰
مستکان	۳۴	۲۳۵	۱۲۹	۱۰۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ممکان	۹۳	۵۷۹	۳۱۱	۲۶۸
منگول	۳۰	۲۰۵	۱۰۵	۱۰۰
میر آباد	۳۴	۲۸۰	۱۵۵	۱۲۵
هشتیان	۸۰	۴۷۵	۲۶۳	۲۱۲
هوسین	۵۷	۴۴۹	۲۳۱	۲۱۸
ینگجه	۳۵	۲۳۱	۱۱۰	۱۲۱
جمع دهستان صومای	۲۱۸۵	۱۴۹۲۶	۷۷۲۳	۷۲۰۳
اورسی	۴۳	۲۶۹	۱۲۸	۱۴۱
باوان	۳۳	۲۸۹	۱۳۵	۱۵۴
برازان	۴۹	۳۵۵	۱۶۷	۱۸۸
بیراسب	۳۲	۲۰۶	۹۲	۱۱۴
بی‌بکران	۵	۴۲	۲۳	۱۹
تازه کند	۷	۳۷	۲۰	۱۷
توپوز آباد	۹	۷۶	۳۲	۴۴
چلی آباد	۳۴	۱۹۴	۷۶	۱۱۸
حلج	۴۱	۲۷۸	۱۲۷	۱۵۱
حلستانه	۲۰	۱۲۰	۶۵	۵۵
خوراسب	۱۷	۱۲۶	۶۳	۶۳
دکانا	۱۰	۷۴	۲۸	۴۶
دیزج	۱۲۱	۷۲۷	۳۸۶	۳۴۱
رز گه	۳۵	۲۵۷	۱۲۳	۱۳۴
زراژه	۱۲	۸۹	۳۴	۵۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زیوه	٦٢	٤٠٩	٢٢٨	١٨١
ژر آباد	٤٦	٣٤٩	١٧٦	١٧٣
ملیان	٧	٤٢	٢٢	٢٠
سور کان	٣٨	٢٢٠	٩٧	١٢٣
سوسن آباد	٢٨	١٧٧	٦٩	١٠٨
سوله دو گل	٩	٧٣	٣٦	٣٧
سه گر گان	٣٣	٢١١	٩٢	١١٩
سیودین آباد	٤	٣١	١٠	٢١
شکل آباد	١٤	٩٥	٤٧	٤٨
شیخ زرد	٨	٤١	١٤	٢٧
شیر کان	٣٦	٢٧٦	١٢٤	١٥٢
علیه	٢٤	١٧٢	٦٦	١٠٦
فلکان	٢٧	١٥٩	٦٧	٩٢
قارانه	٢٦	١٧١	٩١	٨٠
کانسپی	٣	١٩	٨	١١
کانی تاپر	٢	١٦	٩	٧
کانی دستار	٩	٥١	٣٠	٢١
کایر	٥٢	٣٩٣	٢١٣	١٨٠
کحل آباد	٢	١١	٧	٤
کحله	١٣	٩١	٢٩	٦٢
کسیان	٥٢	٤٣٦	٢٢٠	٢١٦
کل‌بهی	٦	٣٤	١٢	٢٢

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کلاسه	۲۱	۱۱۸	۵۶	۶۲
گردوان	۵۱	۴۰۸	۲۰۳	۲۰۵
گردیك	۴۰	۲۴۱	۱۲۲	۱۱۹
گردیك ناصر	۱۰	۹۹	۴۹	۵۰
لرزینی	۳۶	۲۷۷	۱۳۶	۱۴۱
لاجانی	۸	۴۷	۱۷	۳۰
ملاباسك	۲۳	۱۴۳	۸۰	۶۳
ممکان	۲۴	۱۹۰	۸۷	۱۰۳
منصور آباد	۱۹	۱۲۴	۴۲	۸۲
میر آباد	۲۴	۱۹۷	۱۰۱	۹۶
ناری	۲۰	۱۲۹	۶۴	۶۵
نر گی	۶۹	۵۲۹	۲۵۹	۲۷۰
نوی	۲۴	۱۸۳	۸۳	۱۰۰
هاشم آباد	۶۴	۴۸۱	۲۵۲	۲۲۹
هفت آباد	۳۴	۲۱۶	۱۱۰	۱۰۶
جمع دهستان مرگور	۱۴۳۶	۹۹۹۸	۴۸۲۷	۵۱۷۱
اباجلوی سفلی	۵۴	۴۳۵	۲۲۸	۲۰۷
اباجالوی علیا	۴۹	۳۰۷	۱۷۱	۱۳۶
اده بزرگ	۸۲	۳۱۴	۱۵۴	۱۶۰
ارمود اغاج	۲۴	۹۵	۳۹	۵۶
ارناسا	۵۳	۲۹۵	۱۵۱	۱۴۴
امیر آباد	۳	۱۸	۱۱	۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
انگنه	۱۴۸	۷۵۶	۴۱۰	۳۴۶
اوچ ایولر	۱	۶	۳	۳
اوخچلار	۱۲	۷۸	۳۹	۳۹
اوزارلو	۳۶	۱۶۸	۹۰	۷۸
اوصالواله وردی	۱۲۲	۵۹۶	۳۱۰	۲۸۶
اوصالوی کاظم	۷۱	۳۷۰	۱۹۲	۱۷۸
ایلو	۵۸	۳۳۳	۱۷۰	۱۶۳
ایروانلو	۳۲	۱۸۰	۱۰۲	۷۸
بابا گنجه	۲۷	۱۸۶	۸۲	۱۰۴
باربن	۴۵	۲۱۵	۱۱۳	۱۰۲
باشلان پوشلی	۸۸	۴۶۶	۲۶۳	۲۰۳
بدلیو	۹۴	۴۷۸	۲۵۶	۲۲۲
برنج آباد	۷۳	۳۵۵	۱۸۳	۱۷۲
بزلو	۱۶	۹۰	۵۰	۴۰
بلو	۳۶۱	۱۸۳۸	۹۴۸	۸۹۰
بوربور	۲۰	۱۲۷	۷۴	۵۳
بهلول آباد	۴۴	۳۱۵	۱۵۵	۱۶۰
بهی صفر	۷۳	۳۷۱	۱۹۴	۱۷۷
پر	۹۸	۵۱۴	۲۸۵	۲۲۹
تازه کند افشاری	۱۶	۹۶	۵۰	۴۶
تازه کند جنیزه	۴۸	۲۹۳	۱۴۹	۱۴۴
تازه کند قاطرچی	۶۷	۳۳۳	۱۷۵	۱۵۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند قشلاق	۶۷	۳۳۷	۱۶۷	۱۷۰
تقلید آباد	۷۰	۳۶۴	۲۰۳	۱۶۱
تکالو	۳۵	۱۹۴	۹۶	۹۸
توپراق قلعه	۱۴۷	۸۹۳	۴۵۳	۴۴۰
جنیزه	۳۰	۱۸۷	۱۰۸	۷۹
چمکی	۳۰	۱۴۲	۷۰	۷۲
چناقلو	۷۰	۳۹۶	۲۰۱	۱۹۵
چنقرالوی پل	۱۶۰	۸۰۶	۴۱۴	۳۹۲
چنقرالوی یکان	۳۶۷	۱۸۴۵	۹۶۹	۸۷۶
چیچکلو باش قلعه	۴۴	۲۵۶	۱۳۴	۱۲۲
چیچکلو منصور	۲۵	۱۴۲	۷۲	۷۰
حاجی آباد	۷۲	۳۳۲	۱۷۳	۱۵۹
حاجی پیرلو	۲۵	۱۴۱	۷۲	۶۹
حصار بابا گنجه	۱۶	۸۸	۴۸	۴۰
حصار بهرامخان	۷۹	۳۸۴	۲۱۲	۱۷۲
حصار خرابه	۸	۵۵	۲۹	۲۶
حصار سپرغان	۷۵	۳۷۹	۲۰۱	۱۷۸
حیدرلو	۵۷	۳۰۸	۱۷۰	۱۳۸
حیدر لوی بیگلر	۱۴۷	۸۰۲	۳۹۷	۴۰۵
خالد آباد	۹۹	۵۲۲	۲۵۹	۲۶۳
خانشان	۱۵۵	۸۸۲	۴۵۷	۴۲۵
خانقاه سرخ	۲۰۴	۱۰۵۸	۵۶۶	۴۹۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خداوردیخان کندی	۵۲	۲۷۸	۱۳۲	۱۴۶
دانقرالو	۴۳	۲۲۰	۱۱۰	۱۱۰
دایلاغ	۹	۶۰	۲۶	۳۴
دد ساقی	۱۵	۸۶	۴۶	۴۰
دستجرد	۹۳	۴۶۷	۲۴۱	۲۲۶
دویران	۵۶	۲۹۱	۱۶۰	۱۳۱
رحیم آباد	۶۰	۲۹۹	۱۶۲	۱۳۷
زایه کندی	۲۳	۱۰۲	۴۸	۵۴
زده لو	۲۹	۱۶۹	۸۹	۸۰
زوبالان	۲۲	۱۱۱	۵۷	۵۴
زیرمانلو	۵۸	۳۰۲	۱۵۶	۱۴۶
ساختمان مزرعه‌توتون	۳	۳۰	۲۷	۳
ساریجالو	۹۱	۴۲۹	۲۱۳	۲۱۶
ساری بگلوارالق	۳۹	۲۰۹	۱۱۳	۹۶
ساری بیگلوی چراغ	۹۵	۵۰۹	۲۴۷	۲۶۲
ساعتلوی بگلر	۱۸۳	۸۹۰	۴۶۹	۴۲۱
ساعتلوی منزل	۱۲۴	۶۰۲	۳۲۵	۲۷۷
سالماسالو	۷	۳۵	۱۵	۲۰
سیرغان	۶۲	۲۶۷	۱۳۵	۱۳۲
سلیم‌کندی قلعه لر	۱۸	۱۳۴	۶۶	۶۸
سیدلو	۵۴	۲۸۴	۱۳۶	۱۴۸
شاه میرزا کندی	۱۹	۱۱۰	۵۸	۵۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شور کند	۳۶	۲۱۹	۱۱۴	۱۰۵
شیخ تیمور	۲۰	۱۱۵	۵۸	۵۷
شیخ سرمست	۱۱۱	۶۰۹	۳۳۷	۲۷۲
شیر آباد	۴۱	۱۳۹	۷۰	۶۹
شیطان آباد سپرغان	۴۶	۲۱۷	۱۱۲	۱۰۵
صفرقلیخان کندی	۱۸	۸۷	۴۶	۴۱
طلا تپه	۲۰۵	۱۰۶۵	۵۴۸	۵۱۷
عباس آباد	۱۴	۷۵	۳۶	۳۹
عبدالله کندی	۲۸	۱۱۲	۴۸	۶۴
عربلویکان	۳۰	۱۶۵	۸۵	۸۰
عربلوی اقالو	۲۱	۱۰۷	۵۹	۴۸
عربلوی بیشه	۳۹	۲۱۱	۱۱۴	۹۷
عربلوی دره	۵۱	۲۳۶	۱۲۹	۱۰۷
عسگر آباد تپه	۱۱۲	۶۳۷	۳۵۶	۲۸۱
عسگرآباد کوه	۱۲۵	۶۴۹	۳۳۲	۳۱۷
علی بیگلو	۱۶۲	۸۷۸	۴۳۹	۴۳۹
علی کندی	۳۲	۱۷۱	۸۷	۸۴
عیسی‌لو سفلی‌حیدرلو	۱۶	۸۹	۵۲	۳۷
عیسی لو علیا	۴۴	۲۲۰	۱۱۴	۱۰۶
غفاربهی	۹۲	۶۰۲	۳۲۳	۲۷۹
فرودگاه نوساز	۱	۵۵	۵۵	۰
فقی بیگلو	۴۴	۱۹۵	۹۷	۹۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قازان علی	۲۴	۱۰۹	۵۸	۵۱
قاطرچی	۶۹	۳۳۹	۱۷۸	۱۶۱
قایانلو	۵	۱۹	۹	۱۰
قره بقلو	۱۲۸	۷۳۰	۳۸۳	۳۴۷
قره جلو	۶۶	۲۷۶	۱۳۰	۱۴۶
قره قویونلو	۹	۵۱	۲۶	۲۵
قره قیز	۱۷	۷۷	۳۶	۴۱
قره کوز حاجی	۴۰	۲۲۷	۱۲۱	۱۰۶
قره کوز حسن آقا	۴۷	۲۹۸	۱۶۰	۱۳۸
قره کوز سلیم آقا	۳۳	۱۷۱	۸۶	۸۵
قره لرطسوجی	۲۵	۱۴۱	۷۶	۶۵
قره لر لطف اله	۲۱	۱۲۱	۶۸	۵۳
قره لرمیرزا حسین‌قلی	۱۸	۸۰	۴۱	۳۹
قزل حاجیلو	۳۰	۱۴۶	۶۴	۸۲
قزل عاشق	۶	۲۷	۱۴	۱۳
قشلاق شکر	۱۸	۸۹	۳۷	۵۲
قشلاق کلوان	۹	۷۱	۳۵	۳۶
قصور	۴۳	۲۳۱	۱۲۰	۱۱۱
قلچلو	۳۳	۱۷۳	۹۴	۷۹
قلعه	۳۹	۲۲۶	۱۱۵	۱۵۱
قلعه اسماعیل آقا	۴۲	۲۸۷	۱۵۲	۱۳۵
قلعه سردار	۲۷	۱۴۰	۷۰	۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قلعه عزیز	۳۵	۱۹۴	۱۰۴	۹۰
قهرمانلو سفلی	۶۹	۳۵۴	۱۸۴	۱۷۰
قهرمانلو علیا	۳۶	۱۸۶	۹۱	۹۵
قهوه خانه	۱	۹	۳	۶
کارخانه‌قند	۱۷۸	۹۷۳	۵۲۶	۴۴۷
کچلعلی سفلی	۷۲	۴۰۷	۲۱۳	۱۹۴
کچلعلی علیا	۱۲۱	۶۳۲	۳۱۰	۳۲۲
کچه باشی	۳۵	۲۱۵	۱۱۳	۱۰۲
کجهلو حاجی آقا	۳۷	۱۹۱	۹۰	۱۰۱
کریم آباد	۱۰۲	۵۰۵	۲۶۰	۲۴۵
کگلر	۴۳	۲۴۴	۱۳۳	۱۱۱
کلوان	۱۵	۶۳	۳۵	۲۸
کوسه احمد	۳۲	۱۸۶	۸۴	۱۰۲
کوسی	۴۱	۱۹۸	۱۱۰	۸۸
کوله	۵۶	۲۷۹	۱۵۳	۱۲۶
گرخلو	۱۱	۶۲	۳۲	۳۰
گرم آباد	۶۹	۳۴۸	۱۷۲	۱۷۶
گزنق	۱۲۶	۶۴۷	۳۴۶	۳۰۱
گلمرز سفلی	۱۰	۵۰	۲۶	۲۴
گلمرز علیا	۷۸	۴۱۴	۲۱۵	۱۹۹
گنج آباد	۴۷	۲۶۷	۱۴۷	۱۲۰
گویجعلی اصلان	۳۷	۱۹۵	۱۰۵	۹۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گویجعلی تپه	۱۱	٦٤	۳۳	۳۱
گویجه یاران	۲۹	۱٦۷	۸۹	۷۸
گیجلر	۱۱٤	٥۷۷	۲۹۸	۲۷۹
لك	۱۰۸	٥٦۷	۳۰۰	۲٦۷
للهواتله خان	۳	۲٥	۱٥	۱۰
لله لوی تراب	۷۳	٤۳۱	۲۱۸	۲۱۳
لوی هام	۳۷	۱۷۹	۹۷	۸۲
مرنگلو	۱٦	۹٦	٥۰	٤٦
مرنگلو	۱۱۱	٦۰٥	۳۰٥	۳۰۰
موسی آباد	۱۸	٥٥	۲۷	۲۸
نازلو	۱٤٤	۷٤٦	۳۸۷	۳٥۹
نخجوان تپه	٤٤	۱۷۸	۸۲	۹٦
ولی آباد خالصه	۲	۲۰	۹	۱۱
یغمور اغلی	۸۷	٤٦٦	۲۳٥	۲۳۱
ینگجه	٤٥	۲۰۸	۱۰۹	۹۹
یورغون آباد سفلی	۱٦	۷٦	۳۹	۳۷
یورغون آباد علیا	۳۸	۲۱۱	۱۱۳	۹۸
یورقانلوی جنیزه	۱۷	۸٦	۳٤	٥۲
جمع دهستان نازلو چای	**۹۱c۳**	**٤۸۲۸۳**	**۲٥۱۲٥**	**۲۳۱٥۸**
ارتانس	٤	۳۹	۱٥	۲٤
اسبی دره	۲٦	۲۰۱	۱۱۰	۹۱
استوره	۲٥	۱۷۷	۸۳	۹٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
استونراش	۱۹	۱۵۶	۶۸	۸۸
بالکان	۲۴	۱۳۳	۶۷	۶۶
برازی	۲۰	۱۶۶	۸۷	۷۹
پیرمند	۹	۶۷	۲۸	۳۹
حرکیان	۴۸	۳۱۴	۱۲۲	۱۹۲
خناوین	۲۳	۲۰۴	۱۰۵	۹۹
دالازی بزرگ	۷۷	۵۵۴	۲۲۲	۳۳۲
دالازی کوچك	۶	۳۷	۱۴	۲۳
دشوانك	۲	۲۰	۸	۱۲
دوستان	۴۸	۳۱۷	۱۶۷	۱۵۰
شمیرین	۷	۴۶	۱۴	۳۲
شیروانی	۴۷	۳۰۷	۱۲۱	۱۸۶
قصریك	۱۲	۱۰۲	۴۶	۵۶
قصریك	۷	۷۶	۳۱	۴۵
کالیك	۱۶	۱۴۱	۵۱	۹۰
کلارش بالا	۳۴	۲۲۰	۱۱۰	۱۱۰
کلارش پائین	۲۹	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
گریکان	۳۲	۲۱۵	۹۸	۱۱۷
لوزیك	۱۱	۶۵	۳۴	۳۱
وارکران	۴	۳۵	۱۸	۱۷
هشتراك	۴۶	۳۲۸	۱۸۵	۱۷۰
جمع دهستان شپیران	۵۷۶	۴۱۴۲	۱۸۹۰	۲۲۵۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اجواج	۲۷	۱۹۷	۱۰۵	۹۲
اسبشه	۱۲	۸۹	۳۸	۵۱
اشنك	۳۵	۲۵۰	۱۲۹	۱۲۱
اصلانیك	۲۵	۱۸۲	۸٤	۹۸
اقبرزه	۲۸	۲۱٦	۱۱٤	۱۰۲
برقزن	۲۱	۱۱۳	٥٤	٥۹
بروشقالان	٤۸	۳۸۸	۱۹۷	۱۹۱
بهیك	۲۵	۱۷۷	۹٤	۸۳
چهریق سفلی	۱۸	۱۰٤	٥۸	٤۷
چهریق علیا	۳۷	۲۲۱	۱۲۳	۹۸
حقویران	۲٦	۲۱۲	۱۱٥	۹۷
خورخورا	۲۲	۲۰۳	۹٤	۱۰۹
دریك	۲۰	۱۲٦	٦۸	٥۸
دشوان	۱۳	۹۲	٤۲	٥۰
زرین دره	٦	٥٥	۲٦	۲۹
زنگو	۱۱	۹۱	٤۳	٤۸
زولا	۲۷	۲۲۱	۱۲۲	۹۹
سنجی	۲٦	۱٦٦	۸۲	۸٤
سوسن آباد	۱۸	۱۳۲	٦۹	٦۳
صوفی آباد	۸	۷۲	۳۷	۳٥
علی بلاغی سفلی	۱۹	۱۰۳	٤۹	٥٤
علی بلاغی علیا	۱۲	۸۰	۳۷	٤۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزل کند	۲۱	۱۶۵	۸۱	۸۴
قصریك	۱۷	۱۱۸	۶۱	۵۷
کاپیك	۳۹	۲۸۸	۱۴۶	۱۴۲
کتبان	۱۳	۹۳	۵۶	۳۷
کهریز	۱۳	۸۰	۴۲	۳۸
گبر آباد	۲۸	۱۷۰	۸۵	۸۵
گزیك	۹	۶۵	۲۹	۳۶
لیلوس	۱۷	۱۴۱	۶۰	۸۱
ماته خرپه	۱۵	۱۳۰	۶۰	۷۰
میر آباد	۱۸	۱۵۶	۸۰	۷۶
نظر آباد	۲۷	۲۰۲	۱۰۹	۹۳
هبلران	۱۹	۱۳۱	۶۶	۶۵
همت آباد	۱۱	۸۷	۴۳	۴۴
یونجه لوق	۶	۳۲	۱۳	۱۹
جمع دهستان چهریق	۷۳۷	۵۳۴۸	۲۷۱۰	۲۶۳۸
اخیان	۱۲	۷۶	۳۶	۴۰
اولق	۸۴	۶۱۲	۳۲۸	۲۸۴
باغچه جیك	۱۱۰	۶۲۹	۳۱۵	۳۱۴
بر گشاد	۵۸	۳۵۵	۱۸۱	۱۷۴
پته ویر	۳۷	۱۹۷	۱۰۷	۹۰
پکاجیك	۶۷	۳۵۸	۱۹۱	۱۶۷
تازه شهر	۵۹۷	۳۳۴۳	۱۸۰۲	۱۵۴۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حصار	۳	۲۰	۱۰	۱۰
خانگاه	۳۹	۲۵۰	۱۴۳	۱۰۷
خسرو آباد	۶۰	۲۷۶	۱۴۵	۱۳۱
درزه کنان	۴۳	۲۳۵	۱۱۹	۱۱۶
درشگ	۷۶	۴۱۷	۲۱۲	۲۰۵
زیو جیك	۶۱	۳۹۳	۲۱۳	۱۸۰
سرنق	۱۰۸	۶۵۴	۳۵۷	۲۹۷
سوره	۲۷۷	۱۴۴۳	۷۴۸	۶۹۵
شور گل	۹۸	۵۱۷	۲۷۶	۲۴۱
عبدل آباد	۱۰	۶۱	۳۴	۲۷
قلعه سر	۸	۶۰	۳۴	۲۶
کوچشمك	۶۱	۳۹۰	۲۱۴	۱۷۶
گاباخ تپه	۸	۴۵	۲۶	۱۹
گلستان	۱۲۹	۸۸۰	۴۵۶	۴۲۴
گلغدان	۱۳۱	۷۶۱	۴۱۰	۳۵۱
گولان	۹	۴۶	۲۸	۱۸
مقانجوق	۳۴۴	۲۰۹۵	۱۰۷۸	۱۰۱۷
ملهم	۱۲۸	۸۳۳	۴۳۵	۳۹۸
هفتوان	۱۴۳	۷۱۲	۳۷۵	۳۳۷
جمع دهستان حومه	۲۷۰۱	۱۵۶۵۸	۸۲۷۳	۷۳۸۵
جاندار	۱۶	۱۱۳	۵۸	۵۵
حاجی جغان	۳۳	۲۵۳	۱۲۰	۱۳۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
درکه	۱۶	۱۲۱	۵۴	۶۷
شنتان سفلی	۱۴	۹۵	۵۲	۴۳
شنتان علیا	۲۵	۱۹۵	۸۶	۱۰۹
شیوه	۱۱	۸۴	۴۰	۴۴
کسیس	۹	۶۲	۳۳	۲۹
کشکاویچ	۲۲	۲۰۱	۱۰۲	۹۹
کوزه زش	۵۲	۳۸۷	۱۹۹	۱۸۸
کوم	۱۹	۱۳۸	۶۳	۷۵
گرما ویچ	۳۱	۱۹۴	۸۸	۱۰۶
جمع دهستان شینتال	۲۴۸	۱۸۴۳	۸۹۵	۹۴۸
اوریان	۴۷	۳۵۱	۱۷۸	۱۷۳
ایان	۵۲	۳۶۳	۱۸۶	۱۷۷
پیه جوق	۱۱	۹۴	۵۱	۴۳
چهار ستون	۲۹	۲۵۸	۱۲۱	۱۳۷
چیچك	۶۲	۴۳۹	۲۳۱	۲۰۸
دیرعلی	۲۵	۲۱۵	۱۱۹	۹۶
ربکاباد	۳۲	۲۵۳	۱۳۸	۱۱۵
سرای ملك	۵۱	۳۶۴	۱۸۸	۱۷۶
سیلاب	۱۵۰	۸۶۰	۴۴۳	۴۱۷
شکریازی	۱۵۱	۹۳۷	۴۹۳	۴۴۴
شوریك	۶۶	۳۴۶	۱۸۹	۱۵۷
شیدان	۲۲	۱۳۶	۷۴	۶۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شیر کی	۳۲	۲۴۰	۱۳۱	۱۰۹
کانیان	۸۱	۴۹۱	۲۴۵	۲۴۶
گل آدم	۹	۶۶	۳۰	۳۶
گوپه	۱۷	۱۶۱	۸۱	۸۰
گولان	۱۸	۱۹۴	۶۱	۵۳
لشکران	۲۷	۱۵۶	۸۲	۷۴
مافی کندی	۳۴	۲۳۸	۱۲۲	۱۱۶
وردان	۷۲	۵۰۱	۲۵۵	۲۴۶
هودر	۵۷	۳۹۶	۲۱۸	۱۷۸
ینگجه	۲۷	۱۷۴	۹۱	۸۳
جمع دهستان کره سنی	۱۰۷۲	۷۱۵۳	۳۷۲۷	۳۴۲۶
الیاسی	۲۶	۱۴۹	۶۹	۸۰
بزیزان	۹	۶۴	۳۲	۳۲
بهار آباد	۱۷	۱۲۵	۶۲	۶۳
ثمر آباد	۱۶	۱۰۷	۵۱	۵۶
جنگه سر	۱۳	۸۴	۴۰	۴۴
داراب	۲۹	۱۴۵	۷۵	۷۰
دیلمان دریك	۸	۵۶	۲۸	۲۸
سیاوان	۲۰	۱۱۴	۵۳	۶۱
سیوه دره	۲۲	۱۴۱	۶۸	۷۳
شیرنی	۱۵	۸۳	۳۲	۵۱
قذر آباد	۱۴	۱۰۳	۵۵	۴۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گردیان	۱۵	۹۷	۴۷	۵۰
لك آباد سفلی	۵	۲۷	۱۵	۱۲
لك آباد علیا	۲	۱۹	۶	۱۳
لوره شیرین	٤	۲۶	۱۳	۱۳
لولیك سفلی	۱۰	٦۱	۲۹	۳۲
لولیك علیا	۱۲	٦٤	۳٤	۳۰
وریك	۱۱	۵۷	۲۸	۲۹
هرین	۱	۸	٤	٤
جمع دهستان گردیان	۲٤۹	۱۵۳۰	۷٤۱	۷۸۹
اخته خانه	٦۳	۳٦۵	۱۸۲	۱۸۳
اغ اسماعیل	٤۷	۲٦۳	۱٤۳	۱۲۰
مخشکندی	۷۱	٤۰۸	۲۱۰	۱۹۸
چوپانلوی سفلی	۳۱	۲۰۱	۱۰۲	۹۹
چوپانلوی علیا	۲۷	۱۵٦	۷۸	۷۸
حبشی	۱۹۵	۱۱۱۱	۵۸٦	۵۲۵
حمزه کندی	۸۹	۵٤۷	۲۸۹	۲۵۸
خاندام	۵۲	۲۷۳	۱۵۱	۱۲۲
سلطان احمد	۲۰۸	۱۳۳۷	٦۷۳	٦٦٤
صدقیان	۱۸٤	۱۰۱۱	۵۳۰	٤۸۱
قره قشلاق	۲۰۸	۱٦٦٦	۸٤۹	۸۱۷
قزلجه	۷۵	۳۷۸	۲۰۰	۱۷۸
کنگرلو	۱۵۱	۹۱۵	٤٦۲	٤۵۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یالقور اغاج	۱۳۳	۷۲۸	۳۸۲	۳۴۶
یوشانلو	۱۰۶	٦٦٤	۳٦۱	۳۰۳
جمع دهستان لکستان	۱۷۲۱	۱۰۰۲۳	۵۱۹۸	٤۸۲۵
ارخاشان	۲۹	۱۵٦	۸۵	۷۱
اروجکندی	۵٦	۳۰٤	۱۵۱	۱۵۳
اغبلاغ	۱۷	۸۵	٤۹	۳٦
بدولی	٤٦	۲٤٦	۱۳۲	۱۱٤
بیك کندی	٤۸	۲۸۹	۱٤۵	۱٤٤
پیراحمد کندی	۸۲	٤۲۰	۲۲۵	۱۹۵
جمال کندی	٤۱	۲۱۱	۱۱۵	۹٦
جنکتپه	۳۱	۱۷۵	۹۸	۷۷
جوزر	۲۰	۹۷	۵٦	٤۱
جیغ جیغ	۷	۳۹	۲۲	۱۷
خالحال سفلی	۳۲	۲۰۳	۱۰٤	۹۹
خالحال علیا	۱۵	٦۹	۳٤	۳۵
دلکویردی	٤۰	۲۱۹	۱۲۳	۹٦
سارمساق	٤	۲۰	۸	۱۲
ساری اجاق	٤۳	۲۲۰	۱۱۵	۱۰۵
سلمان آباد	۲۲	۱٤۰	۷۳	٦۷
سلیمان اغل	۲۰	۱۲۷	٦۸	۵۹
سیران	۵	۲۹	۱۱	۱۸
شادلوی سفلی	۷۷	٤۲۳	۲۳۳	۱۹۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شاه بندلو	۴۰	۲۲۵	۱۲۳	۱۰۲
شکفتی	۳	۱۸	۱۱	۷
صوفعلی	۲۹	۱۵۷	۸۹	۶۸
طهماسب کندی	۱۱	۶۸	۳۹	۲۹
عرب دیزه سی	۹۰	۵۲۳	۲۷۹	۲۴۴
عرب کندی	۳	۱۴	۷	۷
علوجنی	۴۰	۱۸۸	۱۰۰	۸۸
علی آباد	۲۴	۱۱۷	۶۶	۵۱
قربان کندی	۳۶	۱۹۳	۱۰۴	۸۹
قزل بلاغ	۴۱	۲۰۵	۱۰۹	۶۶
قلی دیزج	۳۱	۱۱۰	۱۰۵	۸۵
قندلو	۳	۲۱	۱۰	۱۱
قیان کندی	۳۷	۱۹۲	۱۰۵	۸۷
کلیسا کندی	۲۲۲	۱۱۳۰	۵۹۰	۵۴۰
گشتاز	۳	۱۵	۸	۷
نادو	۱۴	۷۱	۴۰	۳۱
نفطتو	۱۱	۵۸	۲۷	۳۱
جمع دهستان آواجیق	۱۲۷۳	۶۸۵۷	۳۶۵۹	۳۱۹۸
ار کوین	۴۵	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
اغداش	۳۰	۱۱۸	۶۳	۵۵
اغمزار	۱۸	۸۷	۴۸	۳۹
اغمزار ملك کندی	۱۰	۴۱	۲۳	۱۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بابا احمد	۲۹	۱۲۶	۶۵	۶۱
بایطمیش	۲۵	۱۲۱	۷۱	۵۰
بندلی	۱۶	۶۶	۳۶	۳۰
تازه کند	۶	۳۳	۱۷	۱۶
تازه کند میرآباد	۴۸	۲۱۸	۱۲۶	۹۲
جفال	۴۰	۲۱۲	۱۰۹	۱۰۳
جلقاوا	۹	۴۳	۲۰	۲۳
حسن کندی	۱۲	۶۰	۳۶	۲۴
داشکسن	۶	۳۷	۲۰	۱۷
داشلی بلاغ	۷	۳۱	۱۹	۱۲
دره کندی	۱۷	۷۹	۳۷	۴۲
دوه اغلی	۲۲	۹۷	۴۸	۴۹
دیل بیلمز	۶	۴۹	۲۵	۲۴
ساختمان	۶	۴۰	۱۹	۲۱
شاه منصور	۱۷	۸۳	۴۸	۳۵
شطو	۴۱	۲۱۳	۱۰۹	۱۰۴
شکربلاغی	۲۲	۹۵	۵۴	۴۱
شور بلاغ	۲۰	۹۳	۵۲	۴۱
شهر آباد	۲۱	۱۱۶	۶۸	۴۸
صونا بلاغ	۲۷	۱۱۲	۶۷	۴۵
عباس بولاغی	۱۹	۹۴	۴۸	۴۶
عباس کندی	۲۹	۱۵۲	۷۸	۷۴

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
عبدالرزاق	۶	۳۵	۱۹	۱۶
عرفات	۲۷	۱۳۳	۶۵	۶۸
علی مردان	۱۷	۷۸	۴۴	۳۴
قرخ بلاغ	۴۱	۱۸۹	۱۰۶	۸۳
قرنقو	۸۵	۴۱۸	۲۲۵	۱۹۳
قره اغاج	۹	۳۹	۱۵	۲۴
قره بویا	۸	۴۹	۲۳	۲۶
قره تولکی سفلی	۱۱	۷۱	۳۹	۳۲
قره تولکی علیا	۹	۴۶	۲۲	۲۴
قره کلیسا	۱۵	۸۱	۴۱	۴۰
قورناب سفلی	۱۴	۷۰	۳۶	۳۴
قورناب علیا	۱۵	۸۰	۴۳	۳۷
قوشا بلاغ سفلی	۱۸	۸۹	۴۷	۴۲
قوشا بلاغ علیا	۳۷	۲۲۹	۱۰۵	۱۲۴
قولار	۱۹	۱۰۷	۵۱	۵۶
قیز خاجلو	۳۳	۱۴۸	۸۲	۶۶
کران سفلی	۱۸	۷۹	۴۲	۳۷
کران علیا	۲۹	۱۳۰	۷۹	۵۱
کفیل	۱۴	۷۵	۳۸	۳۷
کولوس	۱۲	۶۶	۳۸	۲۸
گورش	۲۵	۱۴۰	۷۱	۶۹
مجنون	۵	۲۵	۱۳	۱۲

نام ده	تعداد خانوار	مرد	جمعیت	زن
محمد آقا سفلی	۱۶	۷۷	٤٤	۳۳
محمد آقا علیا	۱۲	۸۱	٤۲	۳۹
محمد صالح	۲۰	۸۸	٤۳	٤۵
مشهد کندی	۱۱	٦۵	۳۳	۳۲
ملا اسماعیل	۱۵	۹٦	٤٦	۵۰
نیاز	۳٦	۱۸۱	۱۰۳	۷۸
پایچی	۱۰	۵۱	۳۱	۲۰
یومری داش	۳۷	۱۷٤	۹۳	۸۱
جمع دهستان به به جیك	۱۱۷۲	۵۸۱۵	۳۰۹٤	۲۷۲۱
اباراباش	۱۲	٦۰	۲۸	۳۲
آب گرم	۳۸	۱۹۵	۱۱۲	۸۳
اغبلاغ خالد	۱۹	۹۱	٤۸	٤۳
اغبلاغ میدان	۲۰	۱۰۷	٦۳	٤٤
اغدوز	۱۸	۱۱۱	٦۲	٤۹
اغدیزج	۱۱	۵۸	۳۲	۲٦
اغورل	۱۲	۷۲	۳۸	۳٤
اما مقلی علیا	۳۹	۱۹۱	۹۹	۹۲
امامقلی کند سفلی	٤٤	۱۹٤	۹۵	۹۹
انبار سفلی	۱۸	۱۰۱	٤۵	۵٦
انبار علیا	۷	٤۹	۲۸	۲۱
انبار ماران	۵	٤۵	۲٦	۱۹
ایزلو	۱۱	٦۹	۳۲	۳۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اینجه سفلی	۲۹	۱۴۳	۷۸	۶۵
انجه سلیم علیا	۲۷	۱۵۷	۷۷	۷۰
اینجه صلاح سفلی	۲۷	۱۴۲	۶۶	۷۶
اینخه صلاح علیا	۹	۴۸	۲۴	۲۴
بابانو	۷۲	۳۷۳	۲۰۶	۱۶۷
بابانوز	۱۹	۱۱۹	۶۷	۵۲
بارون	۴۹	۲۳۵	۱۳۱	۱۰۴
بایجان	۱۸	۱۰۰	۵۶	۴۴
بغلی بجی سفلی	۲۰	۱۱۲	۵۹	۵۳
بغلچی علیا	۱۷	۱۰۲	۶۰	۴۲
بکو کندی	۱	۸	۳	۵
بوزقلعه	۸	۵۸	۳۱	۲۷
پائیز آباد	۹	۴۸	۲۵	۲۳
تات کندی	۲۶	۱۵۰	۷۵	۷۵
تازه کند	۴۲	۲۱۰	۱۰۹	۱۰۱
تختروان سفلی	۱۷	۱۰۰	۵۴	۴۶
تختروان علیا	۲۰	۹۵	۵۱	۴۴
تغنت سفلی	۳۷	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰
تغنت علیا	۵۰	۲۶۶	۱۳۷	۱۲۹
تقی کندی	۱۲	۷۶	۳۶	۴۰
تولکی تپه سی	۳۶	۱۹۴	۸۸	۱۰۶
جبارلو	۳۸	۱۹۳	۱۰۹	۸۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جگن	۱۶	۸۹	۴۴	۴۵
جلیل کندی	۱۷	۸۱	۵۰	۳۱
چاوش	۱۷	۸۱	۴۳	۳۸
چوخور کند	۳۰	۱۹۴	۱۰۹	۸۵
حاجیه قیه	۱۵	۸۶	۳۸	۴۸
حراملو	۳۳	۱۸۰	۹۶	۸۴
خان امیر	۱۰	۵۵	۲۶	۲۹
خان بغلچی	۱۵	۷۵	۳۹	۳۶
خان صدر	۸	۴۶	۲۶	۲۰
خضرلو	۶۵	۳۳۳	۱۶۸	۱۶۵
دارد رسی	۳۲	۱۷۷	۹۸	۷۹
دلیکداش	۲۵	۱۵۷	۸۰	۷۷
دمیرچی	۶	۱۸	۱۰	۸
دوشان تپه سفلی	۱۰	۷۴	۴۰	۳۴
دیبك	۵۰	۲۵۳	۱۲۳	۱۳۰
روض	۱۰	۵۴	۲۶	۲۸
ریحان لوی سفلی	۹	۴۶	۲۶	۲۰
ریحان لوی علیا	۴۷	۲۴۶	۱۲۸	۱۱۸
ریحانلوی کربلایی علی	۱۲	۶۱	۳۱	۳۰
زاویه سفلی	۹۳	۴۵۶	۲۳۷	۲۱۹
زاویه علیا	۳۱	۱۶۶	۸۸	۷۸
زلول	۷	۴۲	۱۸	۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زنکره	۷	۵۳	۳۱	۲۲
سازاغل	۸	٤٤	۲٤	۲۰
سعدل	۱۱۸	٦۱۲	۳۱٦	۲۹٦
سگریك	۲۵	۱۵۹	۷۹	۸۰
سیه چشمه	۷۰۲	۳۵۱٤	۱۸٦۳	۱٦۵۱
شاه‌گلن	۱۵	۹۱	٤۷	٤٤
شاهسوار	۱۳	٦٤	۳۵	۲۹
شریگلو	٦	٤۲	۲٤	۱۸
شیخ سلوی سفلی	۳۳	۱۹۷	۹۸	۹۹
سیخ سلوی علیا	٤٤	۲۷۲	۱۳٤	۱۳۸
صدر	۱۱	۵۷	۲۹	۲۸
صفو	۱۳	۷۲	٤۳	۲۹
عباس کندی	٤۳	۲۲۷	۱۱۹	۱۰۸
عمو خانزه سفلی	۸	۵٤	۲۷	۲۷
عمو خانزه علیا	۱۱	۷۰	۲۷	٤۳
عنتر کندی سفلی	۲٤	۱۰۷	۵۰	۵۷
عنتر کندی علیا	۲۷	۱۲۱	٦٤	۵۷
عیسی گولی	۳۷	۲۳٤	۱۲۸	۱۰٦
قادو کندی	٦۲	۳۱۳	۱۵۹	۱۵٤
قاشقا بلاغ سفلی	۱۳	۷۹	٤۰	۳۹
قاشقابلاغ علیا	٤	۲۹	۱٦	۱۳
قرجه ورن سفلی	٦٦	۳۱۵	۱٦۹	۱٤٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قرجه ورن علیا	۷	۴۵	۲۶	۱۹
قرمزی داش	۱۰	۵۶	۳۱	۲۵
قرمزی داش	۲۸	۱۴۱	۷۲	۶۹
قره اغل	۳۶	۱۷۶	۹۷	۷۹
قره بلاغ	۹	۴۸	۲۷	۲۱
قره‌چی بلاغ	۱۳	۶۶	۳۹	۲۷
قزلسوری	۴۸	۲۴۰	۱۲۷	۱۱۳
قلعه بخاج	۲۹	۱۸۱	۹۱	۹۰
کربلایی اسدالله کندی	۵	۲۵	۱۱	۱۴
کرد کندی	۴۶	۲۴۱	۱۳۰	۱۱۱
گدوك کندی	۱۰	۶۹	۳۹	۳۰
گر گره	۹	۴۹	۲۷	۲۲
گل اشاقه	۵۲	۲۸۹	۱۵۳	۱۳۶
گل سعید	۱۳	۷۷	۳۶	۴۱
گول	۳۵	۲۰۰	۱۱۱	۸۹
مادلوی چالدرا	۲۱	۱۱۴	۵۸	۵۶
مادلوی گدوك	۱۲	۶۰	۳۳	۲۷
مجنون سفلی	۱۹	۱۱۱	۵۵	۵۶
مجنون علیا	۳۸	۱۸۳	۹۵	۸۸
مخمور	۱۹	۱۰۳	۵۷	۴۶
مخور	۳۸	۲۱۸	۱۱۳	۱۰۵
مزرعه	۲۷	۱۵۱	۷۲	۷۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مسجد لوی سفلی	۵	۳٤	۱۷	۱۷
مسجد لوی علیا	٦	۳۵	۱۹	۱٦
معصوم کندی	۱۹	۸٦	٤۱	٤۵
ملحملوی‌سفلی	۱۳	٦۹	۳۲	۳۷
ملحملوی علیا	۱۸	۱۲۲	٦٦	۵٦
من دلیق	۷	٤٤	۲۳	۲۱
میدان	۱٦	۹۲	۵۱	٤۱
میرزا خان	۱۰	٤۷	۲۸	۱۹
نادر آباد	٦	٤۵	۲۳	۲۲
ناور	۵۱	۲۹۷	۱۵٤	۱٤۳
نبی کندی	۲۰	۱۱٦	۵۹	۵۷
و کیل	۱۵	۱۰۳	۵۳	۵۰
یکماله سفلی	۱٤	۸۹	٤۹	٤۰
جمع دهستان چالدران	۳٤۰۹	۱۸۱۹۰	۹۵٤۱	۸٦٤۹
آداغان	۷۲	٤۰٦	۲۱۸	۱۱۸
اروج محمد	۸۰	٤۱۷	۲۱٤	۲۰۳
آغ اوتلوق	۲٤	۱٤۹	۷۲	۷۷
اغگل	٦۸	٤۲۱	۲۱۱	۲۱۰
آقا میری کندی	۵۰	۲۷۳	۱٤۹	۱۲٤
اینجه سفلی	۵	۳۷	۲٤	۱۳
اینجه علیا	۳	۱۹	٦	۱۳
بهلول آباد	۲۰۲	۹۷۸	۵۰٦	٤۷۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بهلول کندی	۳۰	۱۴۳	۷۴	۶۹
بیان چولی عجم	۷۳	۴۳۸	۲۳۹	۱۹۹
بیانچولی کرد	٤	۱۹	۱۳	٦
پزی	۳۳	۱۸٦	۹٤	۹۲
پلاشت	۳٦۷	۱۹۹۰	۱۰٤٤	۹٤٦
پناه کندی	۷۵	۳۵۳	۱۸۲	۱۷۱
پورناك	۱۹۵	۱۰۲۳	۵۱۸	۵۰۵
پیله سوار	۲۳	۱۳٦	۷۹	۵۷
تازه کند	۲٦	۱۲۸	۷۷	۵۱
تپه باشی پورناك	٤۵	۲۵۳	۱۲۸	۱۲۵
تپه باشی نماز	٤۸	۲۳۲	۱۱۸	۱۱٤
تیمور آباد	۷۰	۳۵۱	۱۸۵	۱٦٦
جمال آباد	٤	۲۸	۱۷	۱۱
حاجی صوفی	۱۸	۹۵	٤۵	۵۰
حسولز گی	٤	۲۱	۱٤	۷
حسینعلی کندی عجم	۵۱	۲۵٦	۱۳٤	۱۲۲
حسینعلی کندی کرد	۱۳	۹۵	۵۱	٤٤
حسینعلی کندی نظمی	۱	٦	۳	۳
حمزه آباد	۷	۲۵	۱۲	۱۳
خلج عجم	۷۱	۳۵۵	۱۸۲	۱۷۳
خلج کرد	۳۱	۲۲٦	۱۲۱	۱۰۵
خوك	۸۳	٤۸٦	۲۵٤	۲۳۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دایلان	۴۸	۲۷۹	۱۴۹	۱۳۰
دلکه سفلی	۵۵	۲۹۷	۱۵۸	۱۳۹
دلکه علیا	۵۸	۳۵۸	۲۰۰	۱۵۸
دم سفلی	۶۲	۳۶۳	۱۷۳	۱۹۰
دم علیا	۶	۳۱	۱۶	۱۵
ذکیرلو	۳۹	۲۲۴	۱۱۶	۱۰۸
زنگنه	۵۴	۲۵۴	۱۴۱	۱۱۳
ساختمان	۱۴	۸۵	۴۲	۴۳
ساریسو	۲۱	۱۲۵	۶۹	۵۶
شاه آباد	۵۱۹	۲۷۶۲	۱۴۱۴	۱۳۴۸
شتلو	۵۴	۲۶۳	۱۵۰	۱۱۳
شور بلاغ سفلی	۲۳	۱۳۶	۷۴	۶۲
شور بلاغ علیا	۲۱	۱۲۶	۷۰	۵۶
شوطلو	۵۲	۲۵۵	۱۳۳	۱۲۲
عالی کندی	۲	۲۱	۱۱	۱۰
عشق آباد	۳۶	۱۸۹	۱۰۰	۸۹
عظیم کندی	۸۳	۴۸۶	۲۴۲	۲۴۴
علی نظر	۱۴۳	۷۲۱	۳۹۳	۳۲۸
فتاح	۹۲	۴۵۹	۲۳۵	۲۲۴
قابان باسان	۴۸	۲۸۸	۱۴۵	۱۴۳
قارقلوق سفلی	۵۶	۳۲۶	۱۶۷	۱۵۹
قارقلوق علیا	۸۶	۴۴۶	۲۴۶	۲۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره اياق	۸۷	۴۷۸	۲۳۹	۲۳۹
قره خوجالو	۱۸	۸۳	۳۹	۴۴
قره قويون	۳۵	۱۹۳	۱۰۸	۸۵
قزل ارخ سفلی	۱۰	۵۴	۲۷	۲۷
قزل ارخ عليا	۳۰	۱۹۶	۱۱۷	۷۹
قشلاق جل	۸	۴۶	۲۷	۱۹
قلنجلانمش	۱۹	۱۲۶	۷۰	۵۶
قوتان	۷۲	۳۷۷	۱۹۸	۱۷۹
قوردالدرن عجم	۵۶	۲۶۶	۱۳۴	۱۳۲
قوردالدرن کرد	۱۵	۱۲۵	۶۶	۵۹
قير کندی	۷۰	۳۵۷	۱۹۴	۱۶۳
قيقاج	۴۲	۲۵۷	۱۳۶	۱۲۱
کش ارخی	۷۹	۴۳۱	۲۳۰	۲۰۱
کندال	۴۱	۲۰۳	۱۰۷	۹۶
کولوس	۱۹	۱۱۳	۵۳	۶۰
کيره کندی	۲۵	۱۳۷	۶۰	۷۷
کينکور	۴۹	۲۷۵	۱۴۴	۱۳۱
گدای	۹۳	۴۹۲	۲۴۵	۲۴۷
لولا کلدی	۱۱۷	۵۹۹	۲۸۸	۳۱۱
مرادلوی سفلی	۵۷	۲۸۶	۱۴۶	۱۴۰
مراد لوی عليا	۴۶	۲۳۹	۱۳۴	۱۰۵
مراد لوی وسطی	۲۸	۱۵۷	۸۷	۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ملا احمد	۳۲	۱۷۹	۹۶	۸۳
ملا کندی	۶۰	۳۲۳	۱۸۴	۱۳۹
میرزا خلیل	۲۵	۱۴۲	۷۴	۶۸
میرزا کندی	۳۰	۱۴۸	۷۹	۶۹
میسی کندی	۱۳	۸۱	۴۷	۳۴
نظر خان	۳۶	۲۲۳	۱۱۹	۱۰۴
ورمزیار	۱۴	۷۳	۳۷	۳۶
یعقوبعلی کندی	۳۲	۱۵۰	۸۲	۶۸
جمع دهستان چایپاسار ارس کنار	۴۶۰۶	۲۴۸۴۸	۱۲۹۹۵	۱۱۸۵۳
اولنلر	۶۴	۳۰۵	۱۵۵	۱۵۰
ایلان قره	۷	۳۷	۱۹	۱۸
بابور عجم	۷۱	۳۵۵	۱۸۷	۱۶۸
بابور کرد	۱۰	۵۹	۲۴	۳۵
بری	۵۰	۲۵۸	۱۳۴	۱۲۴
بلجك	۴۴	۲۲۴	۱۱۴	۱۱۰
بهلوله	۲۶	۱۲۷	۷۳	۵۴
پنحرلو	۵۳	۲۸۳	۱۵۶	۱۲۷
تاتار	۱۴	۷۹	۴۳	۳۶
تاجدو	۷	۴۴	۲۳	۲۱
تازه کند ایلانقره	۷	۳۵	۱۸	۱۷
تازه کند تلیمخان	۱۰	۷۶	۳۸	۳۸
تلیمخان	۳۷	۲۱۴	۱۱۴	۱۰۰

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
جگن عجم	۹	۶۱	۳٤	۲۷
جگن کرد	۲۳	۱۳۷	۸۳	٥٤
حاجی حسن	۱۲	۷۱	۳۲	۳۹
حسوشکی	۷	٤٤	۲۳	۲۱
حصار	۱٥	۸٥	٤٤	٤۱
حورمه	۲۲	۱۳۳	٦٥	٦۸
خرز	۳٥	۱۸٤	۱۰۳	۸۱
خلخله	۳۲	۱۸۰	۸۷	۹۳
دوه یاتان	۸	٥٦	۲۷	۲۹
دیزج ساریسو باسار	۸۸	٤٤۷	۲۲۳	۲۲٤
رند	۱۳۰	٦٦۷	۳٦۸	۲۹۹
سارینج	۱۳	٦۳	۳۲	۳۱
سالبند	۱٤	٥۹	۲۹	۳۰
شور اغل	۷	٤۹	۲۰	۲۹
شوراغل قادرقامو	٥	۳٥	۱۸	۱۷
شیطان آباد	۱۱	٦۱	۲٤	۳۷
عجمی	۹	٥٤	۲۲	۳۲
علی حاجی	۱٤	۹۰	٤٤	٤٦
علی فرج	۸	۳٦	۱۸	۱۸
علی قندو بالا	۱۳	۷٦	۳۱	٤٥
علی قندو پائین	۳	۱۸	۱۱	۷
عیسی خان	۱۹	۸۷	٤٥	٤۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
غله زاغاسی	۱۹	۸۱	۳۹	۴۲
قره بلاغ	۲۲	۱۳۰	۷۳	۵۷
قره تپه	۱۵۳	۶۹۹	۳۵۱	۳۴۸
قزل داغ	۱۰۴	۵۱۴	۲۷۴	۲۴۰
قزل نیش	۱۶	۹۱	۵۱	۴۰
قشلاق حاجو	۱۵	۷۳	۴۰	۳۳
قشلاق شوریك	۶	۳۰	۱۶	۱۴
قشلاق گریك	۲۲	۱۲۹	۶۹	۶۰
قلعه جوق	۴	۲۸	۱۳	۱۵
قم	۴۱	۲۵۷	۱۲۷	۱۳۰
قوچعلی	۱۲	۶۹	۳۳	۳۶
قوش	۳۱	۱۸۶	۹۷	۸۹
کلیك	۱۱	۴۲	۲۱	۲۱
کهریز چای باسار	۹	۶۱	۳۱	۳۰
گدائی	۸	۴۹	۲۲	۲۷
گل‌عالی	۱۰	۵۴	۲۷	۲۷
محمود اوغلی	۱۰	۶۱	۲۶	۳۵
مخلملو	۱۰	۵۴	۳۱	۲۳
مخند	۳۷	۲۱۰	۱۱۲	۹۸
ملا حسن	۲۶	۱۸۲	۹۵	۸۷
موس	۸	۳۴	۱۳	۲۱
مولیك سفلی	۱۳	۸۵	۵۳	۳۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مولیك علیا	۷	۴۲	۱۸	۲۴
ولی کندی	۳۵	۱۶۸	۸۹	۷۹
هاسون بزرگ	۷۵	۳۸۶	۲۰۷	۱۷۹
هاسون کوچك	۱۲	۸۸	۴۰	۴۸
هندوار	۹۸	۵۲۶	۲۶۹	۲۵۷
یخلقان	۱۴	۸۹	۵۰	۳۹
جمع دهستان چاپباسار	۱۷۲۵	۹۲۰۷	۴۷۶۸	۴۴۳۹
اریالق	۲۳	۱۰۴	۵۶	۴۸
اسماعیل کندی	۲۱	۱۱۷	۶۹	۴۸
اغبلاغ سوقار	۴۳	۲۲۰	۱۱۱	۱۰۹
اغبلاغ قره قویون	۴۳	۲۵۴	۱۳۶	۱۱۸
اغدونلو	۱۰	۵۵	۳۲	۲۳
ایشگه سو	۳۳	۱۹۴	۱۰۷	۸۷
اینجه قدیم	۵۷	۳۳۶	۱۸۶	۱۵۰
باش کهریز	۹۲	۴۵۳	۲۴۱	۲۱۲
بایر امکندی	۱۶	۷۶	۳۷	۳۹
پیر شه	۳۰	۱۵۷	۷۸	۷۹
تازه کند	۱۸۰	۸۹۰	۴۷۷	۴۱۳
گوراکل	۵۵	۲۶۹	۱۳۸	۱۳۱
جعفر کندی	۹	۵۳	۳۰	۲۳
جگن	۱۹	۹۲	۴۴	۴۸
حاجی کندی	۱۱	۷۲	۳۶	۳۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسن کندی	۲۷	۱۱۵	۵۸	۵۷
خرابلو	۵۴	۲۸۱	۱۴۴	۱۳۷
خضرلو سفلی	۸۴	۴۴۹	۲۴۴	۲۰۵
خضرلو علیا	۱۲	۶۰	۳۳	۲۷
داش فشل	۵۲	۲۶۵	۱۳۷	۱۲۸
دانا بلاغ	۲۱	۱۵۹	۸۹	۷۰
موز اغل	۴۵	۱۸۳	۹۶	۸۷
زنجیزه	۲۷	۱۵۰	۷۹	۷۱
سلیمان کندی	۶۶	۳۳۹	۱۹۱	۱۴۸
سنق	۲۴	۱۲۰	۵۹	۶۱
سید احمد	۹	۵۱	۳۱	۲۰
شاه بلاغی	۷۵	۴۱۳	۲۱۵	۱۹۸
شریف کندی	۸۲	۳۹۹	۲۰۱	۱۹۸
شمو سیلابی	۲۹	۱۳۹	۷۴	۶۵
شیخسلو	۵۵	۲۹۷	۱۵۳	۱۴۴
صبیرخان	۱۴	۷۳	۴۴	۲۹
صمد یوردی	۱۴	۱۲۷	۶۳	۶۴
صوفی	۲۷۱	۱۳۲۳	۶۶۱	۶۶۲
طوره	۴۳	۲۴۶	۱۲۱	۱۲۵
عزت آباد	۲۵	۱۳۱	۶۶	۶۵
علیار	۱۲	۶۱	۳۵	۲۶
فشل	۶۵	۳۹۲	۲۰۹	۱۸۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قباق بلاغ	۲۵	۱۴۵	۷۳	۷۲
قره زمین	۸۸	۴۵۰	۲۳۳	۲۱۷
قره کهریز	۸	۳۳	۱۹	۱۴
کچوی سفلی	۲۸	۱۴۵	۷۵	۷۰
کچوی علیا	۳۰	۱۴۱	۷۵	۶۶
کور ابلاغ	۵۳	۳۱۵	۱۶۱	۱۵۴
محمد کریم کندی	۲۴	۱۳۱	۶۸	۶۳
محمود کندی	۲۶	۱۶۵	۸۷	۷۸
مخور	۲۱۵	۱۲۰۳	۶۴۳	۵۶۰
مرگن عزیز آباد	۵۱	۲۹۵	۱۵۷	۱۳۸
مرگن قدیم	۳۴	۱۹۳	۱۰۳	۹۰
مرگن وسط	۴۶	۲۷۸	۱۵۰	۱۲۸
ملک‌لو	۳۰	۱۶۲	۸۵	۷۷
ملا کندی	۱۷	۹۲	۵۰	۴۲
جمع دهستان قره قویون	**۲۴۲۳**	**۱۲۸۶۳**	**۶۷۶۰**	**۶۱۰۳**
اغبلاغ چمنلو	۴۷	۲۶۵	۱۴۴	۱۲۱
بازرگان	۱۵۸	۷۸۳	۴۱۰	۳۷۳
باش کند	۳۳	۱۸۴	۱۱۰	۷۴
باغچه جوق	۸۸	۵۰۰	۲۶۰	۲۴۰
بایندر	۲	۱۳	۴	۹
پرخور دبک	۲۳	۱۳۴	۸۱	۵۳
تازه کند، قلعه دره‌سی	۳۶	۱۸۵	۹۹	۸۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تخته دوزی	۱۹	۱۲۳	۶۱	۶۲
ترکمه	۱۱	۷۴	٤٤	۳۰
تریان	۱۹	۱۰۱	۵۱	۵۰
تکمه	٤۸	۲۵۷	۱۳۶	۱۲۱
تیکمه کرد	۳۰	۱۹۲	۹۷	۹۵
جان عزیز	۳۱	۱۵۶	۸۳	۷۳
چمنلو	۲۷	۱٤۱	۷۶	۶۵
حسوشری	۱۵	۸۹	٤۶	٤۳
خرمن یری	۵۹	۳۵۰	۱۸۳	۱۶۷
دانالو	۷۳	۳۸۳	۲۱٤	۱۶۹
دانالوی کوچك	٤۲	۲۲۹	۱۱٤	۱۱۵
درگاه قلی	۶	٤۳	۲٤	۱۹
سعید آباد	۳	۱۷	۹	۸
سنگر	۶۵	۳۰۸	۱۷۲	۱۳۶
شاطر	۱۵	۷۸	۳۸	٤۰
شاه آباد	۲	۱٤	۶	۸
شیخ جان	۱۱	۷۸	٤۱	۳۷
قره خاج	۷۹	٤۶۹	۲۳۷	۲۳۲
قلعه جوق	۸۳	٤۵۵	۲۵۵	۲۰۰
قورشکاك	۲۲	۱۳۰	۶۵	۶۵
قورلو بلاغ	۵	۳۱	۱۸	۱۳
کاریانقران	۲	۱٤	۹	۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کشمش تپه	۸۸	٤۲۰	۲۲۷	۱۹۳
کوسج	۱٤	٦۷	۳٦	۳۱
کهریز	٦	۳۳	۱۱	۲۲
کهریز قلعه دره سی	۱۱	٦۲	۳٥	۲۷
گاموس	۸	٤۷	۲٦	۲۱
گجوت	۹٦	٥۱۲	۲٦٤	۲٤۸
گر کش	۷	۳۷	۱۸	۱۹
گل مرسی	٦	۲۸	۱۹	۹
مارا کومی	۱۱	٥۹	۳۰	۲۹
مایل کندی	۲۷	۱٤۰	۷۷	٦۳
محمد کندی	۱٤	٦٥	۳٥	۳۰
مصطفی قلعه سی	٤	۲۰	۱۳	۷
میلان	٤۹	۲٦۱	۱۳۱	۱۳۰
نایب کندی	٦	۳۸	۱۹	۱۹
یاریم قیه سفلی	٥۸	۳۰۷	۱٦۱	۱٤٦
یاریم قیه علیا	۲۳	۱۰٤	٤۹	٥٥
یاریم قیه وسطی	۱۷	۹۰	۳۹	٥۱
جمع دهستان قلعه دره سی	۱٤۹۹	۸۰۸٦	٤۲۷۷	۳۸۰۹
الهویردی کندی	۲۲	۱۰۳	۹٥	٤٤
اورتا کندی	٥۸	۳۱۹	۱۷۱	۱٤۸
ایلانلو	٦۰	۲۹۸	۱٥٦	۱٤۲
اینجه دره سی	٦	۳٦	۱۷	۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بایجان کجلرات	۴۱	۱۸۲	۹۴	۸۸
تپه سی دلیك	۲۹	۱۷۵	۹۷	۷۸
ترشاب	۵	۲۷	۱۳	۱۴
تره مش	۳۴	۱۸۵	۹۳	۹۲
تکداغ	۱	۵	۵	۰
چخماقلی	۳۰	۲۰۹	۱۱۸	۹۱
حسن کندی	۳۰	۱۶۰	۸۲	۷۸
خزانگاه	۲	۵	۴	۱
دودای	۲۵	۱۱۷	۶۱	۵۶
دیوانخانه	۵۴	۳۱۲	۱۷۷	۱۳۵
شبلوی سفلی	۲۶	۱۵۱	۷۵	۷۶
شبلوی علیا	۱۸	۱۰۶	۵۶	۵۰
شیخ حمزه لو	۴	۲۷	۱۶	۱۱
شیر محمد	۵	۳۵	۱۷	۱۸
عباسعلی کندی	۴	۳۱	۱۷	۱۴
عزیز کندی	۴۲	۲۵۱	۱۴۳	۱۰۸
قره اغاج	۱۵۰	۷۵۲	۴۳۹	۳۱۳
قره ناز	۱۴	۶۵	۳۳	۳۲
قزل قشلاق	۱۷۲	۸۳۴	۴۴۶	۳۸۸
قزل ونك	۵	۱۳	۹	۴
قلعه جوق	۱۵	۸۸	۴۷	۴۱
قنبر کندی عجم	۴۱	۲۲۳	۱۲۱	۱۰۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قنبر کندی کرد	۲۱	۱۳۲	۷۴	۵۸
قوچ کندی	٦٤	۲۸۸	۱۵۲	۱۳٦
قورشاقلو	۱۸	۸٦	٤۳	٤۳
قیاس	۳۱	۱۵٦	۸۹	٦۷
کجلر	۲۵	۱۱۸	۵۷	٦۱
کرم آباد	۱۳	۸۲	٤۱	٤۱
کلید	۱۷	٦۸	۳٦	۳۲
گیون	۲٤	۱۲۲	۷۲	۵۰
نازك سفلی	۹۷	۵۱۵	۲۷۱	۲٤٤
نازك علیا	۳۱۹	۱٦۱۱	۸۵۱	۷٦۰
ویران باغ	۱۹	۱۰۱	٤۹	۵۲
جمع دهستان کجلران	۱۵٤۱	۷۹۸۸	٤۳۰۱	۳٦۸۸
اغلیان	۲۸	۱۸٤	۹۳	۹۱
آقا بلاغی	۷٤	٤٦۱	۲۳۵	۲۲٦
اوتمیش	۸۵	۵٤٤	۲۷۲	۲۷۲
باچوند	٤۲	۲٤٦	۱۳۳	۱۱۳
باستا مسفلی	٦	۳۲	۱۹	۱۳
برده رشان	۸	۵۸	۲۹	۲۹
برهان	٤۱	۳۰۰	۱٦٤	۱۳٦
بند مجید خان	۲	۹	۳	٦
پیرولی باغی	۵۵	۳۲۷	۱۷۳	۱۵٤
پیکار آباد	۱۵	۹۰	۵۳	۳۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی علی کند	۸۶	۶۲۱	۳۱۳	۳۰۸
حاجی کند	۵۳	۳۱۷	۱۶۸	۱۴۹
حاجی لك	۱۲۱	۷۰۱	۳۷۳	۳۲۸
حسین آباد	۳۰	۲۲۹	۱۱۱	۱۱۸
حسین مامه	۶۴	۳۸۲	۲۰۶	۱۷۶
خاتون خاس	۲۸	۱۸۴	۷۹	۱۰۵
خان کندی	۶۵	۴۳۷	۲۳۰	۲۰۷
خانقاه	۲۷	۱۶۵	۹۲	۷۳
خراسانه	۲۱	۱۲۱	۷۰	۵۱
داره گردله	۲۳	۱۵۳	۷۶	۷۷
درمان	۴۶	۳۲۸	۱۷۳	۱۵۵
دواشهری	۲۹	۱۹۲	۱۱۴	۷۸
سبزی	۵۲	۳۶۵	۱۹۴	۱۷۱
سحولان	۳۹	۲۶۸	۱۵۹	۱۰۹
سردار آباد	۷۲	۴۴۹	۲۳۲	۲۱۷
سریل آباد	۴۴	۲۲۸	۱۲۳	۱۰۵
سنحاق	۷۷	۵۰۰	۲۶۸	۲۳۲
سیجان بلاغ	۱۴	۱۰۳	۴۸	۵۵
سید آباد عزبز کند	۲۲	۱۵۲	۷۷	۷۵
شرفکند	۳۱	۱۸۹	۹۴	۹۵
شوریجه	۱۳	۸۰	۴۸	۳۲
شیخ علی	۲۷	۱۸۸	۹۸	۹۰

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
عزیز کند	۴۵	۲۹۸	۱۴۹	۱۴۹
علی آباد	۶	۳۴	۲۲	۱۲
عیسی کند	۶۱	۳۴۸	۱۸۴	۱۶۴
غوث آباد	۳۰	۱۸۱	۹۹	۸۲
قادر آباد	۲۲	۱۳۸	۷۳	۶۵
قارنجه بزرگ	۷۴	۴۸۵	۲۳۴	۲۵۱
قارنجه کوچك	۷	۵۶	۲۷	۲۹
قازان سر	۲۶	۱۶۴	۸۳	۸۱
قپان کندی	۱۴۲	۹۰۰	۴۷۴	۴۲۶
قره گل	۷۴	۵۱۲	۲۶۲	۲۵۰
قلعه جوغه	۴۱	۲۴۴	۱۲۹	۱۱۵
قنطره	۶۹	۴۷۵	۲۵۳	۲۲۲
قورغان	۴۷	۳۰۶	۱۷۰	۱۳۶
کانی رش	۶۸	۴۳۰	۲۳۴	۱۹۶
کانی طومار	۴۹	۲۳۹	۱۳۱	۱۰۸
کانی فقه	۴	۲۱	۱۳	۸
کانی کوتر	۲۷	۱۷۱	۹۰	۸۱
کپه کند	۱۸	۱۶۱	۸۹	۷۲
کلبرضا خان	۲۴۶	۱۵۱۲	۷۹۸	۷۱۴
کلیجه	۱۰۵	۷۰۲	۳۵۷	۳۴۵
کوچك اطمیش	۲۸	۱۶۵	۸۴	۸۱
کهریزه علی آقا	۳۱	۲۰۶	۱۱۲	۹۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کهنه ملالر	۳۰	۱۹۴	۱۰۷	۸۷
مقصود یان	۳	۱۴	۸	۶
ملالر	۶۹	۴۳۱	۲۳۰	۲۰۱
منوچهر	۲۸	۱۶۳	۹۳	۷۰
نیشك آباد	۱۳	۱۰۹	۴۹	۶۰
یاد آباد سفلی	۲۴	۱۳۸	۷۶	۶۲
یاد آباد علیا	۲۲	۱۲۸	۶۹	۵۹
جمع دهستان آختاچی عربی	۲۷۴۹	۱۷۵۲۸	۹۲۱۹	۸۳۰۹
اسبوغه	۳۴	۲۲۶	۱۲۳	۱۰۳
اشکوتان	۳۶	۱۹۷	۱۰۶	۹۱
اقتتر	۶۰	۴۱۵	۲۲۰	۱۹۵
امیر آباد	۹	۷۸	۴۶	۳۲
انبار	۹۱	۶۲۰	۳۴۹	۲۷۱
اوچ تپه	۹۶	۵۷۸	۳۲۲	۲۵۶
بوغداد اغی	۳۰	۱۸۵	۹۸	۸۷
تازه قلعه	۶۶	۴۵۵	۲۴۵	۲۱۰
تب	۳۱	۱۹۴	۱۱۰	۸۴
تبت	۵۱	۳۱۸	۱۷۷	۱۴۱
جمبوغه	۵۷	۳۶۸	۲۰۴	۱۶۴
چاور چین	۲۳	۱۶۳	۸۹	۷۴
حصار	۴۰	۲۲۹	۱۲۶	۱۰۳
حصار بلاغی	۴۱	۲۶۴	۱۴۲	۱۲۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حمامیان	۱۱۱	۶۳۸	۳۴۷	۲۹۱
داربسر	۵۳	۴۰۹	۲۲۲	۱۸۷
داش بند	۸۸	۵۶۴	۲۹۲	۲۷۲
دنگیز علیا	۵۳	۲۹۸	۱۶۳	۱۳۵
سید آباد قاجر	۳۵	۲۰۸	۱۱۲	۹۶
سیف‌الدین سفلی	۲۹	۱۶۱	۸۶	۷۵
سیف‌الدین علیا	۲۹	۱۶۵	۹۳	۷۲
شهری کندی	۸۵	۵۱۹	۲۶۳	۲۵۶
شیخ‌لر	۵۶	۳۳۳	۱۶۳	۱۷۰
طاهر آباد	۲۴	۱۲۲	۶۲	۶۰
عباس آباد	۳۹	۲۴۷	۱۲۷	۱۲۰
عبدالله تپه سی	۲۵	۱۲۸	۶۸	۶۰
علی آباد	۶۲	۴۱۹	۲۱۶	۲۰۳
علی‌کند	۱۳	۱۱۲	۷۱	۴۱
قاجر	۵۶	۳۵۰	۱۷۶	۱۷۴
قازلیان	۴۸	۲۸۲	۱۴۳	۱۳۹
قره کند	۴۲	۲۸۲	۱۶۴	۱۱۸
قره موسالو	۶۷	۳۸۴	۲۰۲	۱۸۲
قلیچ	۱۳	۶۹	۴۳	۲۶
کانی اشقاق	۱۹	۱۲۲	۶۳	۵۹
کانی پنکه	۱۰	۵۵	۳۵	۲۰
کانی پنکه	۲۴	۱۸۷	۹۶	۹۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کانی حکی	٤	۱۷	۱۰	۷
کل تپه بوکان	٤۱	۲٦۸	۱٤٦	۱۲۲
کوسه	٥۰	۲۸۷	۱٥۳	۱۳٤
کهریزان	۱۹	۱۱۰	٦۲	٤۸
کهریز سردار	۳۰	۲۱۲	۱۱۳	۹۹
کهریزه محمود آقا	۲۱	۱٤۱	۷٥	٦٦
کول مرزینك	٥۸	۳٥۹	۱۸۸	۱۷۱
لکز	٥۷	۳٥۷	۱۹٤	۱٦۳
محمود آباد	٤۰	۲۷۱	۱٤۱	۱۳۰
میر آباد	٤٦	۲۳۱	۱۲۱	۱۱۰
ناچیت	۸٤	٤۹۲	۲٦۷	۲۲٥
نوبار	٦۲	٤۰٤	۲۱۰	۱۹٤
ینگیجه	٦۳	٤۲۳	۲۲۳	۲۰۰
جمع دهستان آختاچی شرقی	**۲۲۲۱**	**۱۳۹۱٦**	**۷٤٦۷**	**٦٤٤۹**
اجی درهم	۳۹	۲۳٤	۱۲۳	۱۱۱
اسکی بغداد	٦۷	۳٦۲	۱۹۷	۱٦٥
اشی کلان	۲٦	۱٥۹	۷۹	۸۰
افان	٤۱	۲۹۸	۱٥۹	۱۳۹
اقا سور	۱۹	۱٥۰	۸٥	٦٥
امید	۳٦	۲٥۲	۱٤۸	۱۰٤
ایل تیمور	۳۳	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
باش بلاغ	٤۷	۲٤۰	۱۲۷	۱۱۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
باغچه	۱۰۴	۵۲۰	۲۷۹	۲۴۱
باگردان سفلی	۱۵	۱۳۰	۷۳	۵۷
باگردان علیا	۸	۷۴	۳۶	۳۸
بدوان	۲	۲۹	۱۶	۱۳
براجو	۴۴	۲۴۳	۱۲۶	۱۱۷
برایمه	۱۸	۱۷۳	۹۲	۸۱
بنکوین	۲۶	۱۴۹	۶۶	۸۳
بیرم	۶۸	۴۴۳	۲۲۸	۲۱۵
بیطاس	۲۸	۲۳۴	۱۳۴	۱۰۰
بیطاس علیا	۲	۳۲	۲۲	۱۰
پالکه	۵	۵۰	۳۲	۱۸
پائیز آباد	۴	۱۱	۶	۵
پیر میکاییل	۱۵	۱۴۳	۷۸	۶۵
تقی جوس	۲	۱۴	۵	۹
ثمبه	۳۱	۲۰۴	۱۰۴	۱۰۰
چومان سفلی	۲	۱۷	۹	۸
چومان علیا	۱	۱۴	۱۰	۴
چهار دیوار	۳۷	۲۳۴	۱۲۲	۱۱۲
چهارگاه	۲۶	۲۳۱	۱۱۶	۱۱۵
حاجی مامیان	۲۸	۲۳۷	۱۲۴	۱۱۳
حسن چپ	۱۰	۸۱	۴۱	۴۰
حمزه آباد	۲۱	۱۳۰	۶۶	۶۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خاتون استی	۱۵	۱۳۲	۶۷	۶۵
خالدلیل	۳۹	۲۶۵	۱۳۹	۱۲۶
خانقاه	۱۲	۸۳	۴۳	۴۰
خره جو	۱۲	۹۱	۴۲	۴۹
خلیفان	۳۳	۲۳۹	۱۳۶!	۱۰۳
خلیفه	۱۲	۱۱۰	۵۵	۵۵
داغه	۳	۲۵	۱۴	۱۱
درویشان	۵۰	۲۷۹	۱۴۵	۱۳۴
دوسا	۱۹	۱۲۳	۶۷	۵۶
دول بهار	۱۰	۶۲	۳۸	۲۴
دول پنیه	۸	۶۶	۲۹	۳۷
ده بکر	۶۲	۴۶۸	۲۴۰	۲۲۸
رفته	۹	۶۲	۳۳	۲۹
زندان دره	۱	۲۷	۱۶	۱۱
زیره	۲۳	۲۰۳	۱۰۰	۱۰۳
سرباغچه	۲۳	۱۲۷	۶۲	۶۵
سرتنگ	۷	۴۶	۲۵	۲۱
سرطان	۲۵	۱۵۵	۷۶	۷۹
سرو	۶	۵۸	۲۶	۳۲
سرهولان	۵	۳۹	۲۳	۱۶
سلوك	۲۰	۱۷۲	۹۶	۷۶
سلیم	۲۷	۱۹۳	۱۰۶	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سلیمساغول	۳۴	۲۵۱	۱۴۵	۱۰۶
سیاقول سفلی	۲۲	۱۵۶	۶۱	۹۵
سیاقول علیا	۳۷	۲۸۱	۱۵۲	۱۲۹
سیمینو	۱۳	۱۲۶	۷۲	۵۴
شاه گلدی	۲۵	۱۳۲	۶۹	۶۳
شمر آباد	۷	۴۹	۲۷	۲۲
شهر زور	۳۰	۲۷۷	۱۳۸	۱۳۹
شیخ یوسف	۱۶	۱۳۶	۷۱	۶۵
شیخان	۱۴	۱۰۸	۵۸	۵۰
طراقه	۴۰	۲۲۲	۱۱۶	۱۰۶
علم آباد	۳۸	۲۱۳	۱۰۵	۱۰۸
عیش آباد	۲۹	۱۷۹	۹۹	۸۰
عین ملان	۹	۷۵	۴۰	۳۵
قادر آباد	۲۷	۱۳۸	۶۵	۷۳
قرالی	۷۵	۴۶۹	۲۴۶	۲۲۳
قره چلان	۱۸	۱۲۶	۶۵	۶۱
قره داغ	۲۲	۱۲۲	۵۶	۶۶
قزل گنبد	۳۱	۱۸۱	۸۵	۹۶
قشقوته سفلی	۱۱	۹۶	۳۳	۶۳
قشقوته علیا	۹	۶۳	۳۲	۳۱
قلعه تپه	۷۷	۴۶۰	۲۵۵	۲۰۵
قلعه جوغه	۳۶	۳۲۲	۱۷۸	۱۴۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قله تسنان	۵	۲۶	۹	۱۷
قماریه	۸	۷۶	۳۶	۴۰
قمیش آباد	۱	۱۳	۸	۵
فوزه لوجه	۳۰	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
قویطال	۴۳	۲۸۰	۱۵۴	۱۲۶
قهوه خانه امید	۱	۲۲	۱۱	۱۱
قهوه‌خانه‌حاجی‌مامیان	۱	۹	۳	۶
قهوه خانه سیاهگل	۱	۱۲	۶	۶
قهوه خانه سید قادر	۱	۴	۱	۳
کامم	۳۱	۲۵۴	۱۲۴	۱۳۰
کانی سیب	۶۹	۴۷۶	۲۵۱	۲۲۵
کانی میران	۲۰	۱۳۸	۷۴	۶۴
کاویس	۳	۲۶	۱۲	۱۴
کله زند آباد	۱	۱۴	۹	۵
کله زند آباد	۲	۱۱	۴	۷
کوتر	۲۹	۲۰۷	۹۹	۱۰۸
کوخان	۵	۴۳	۱۹	۲۴
کوکه	۳۹	۲۱۱	۱۱۴	۹۷
کوله	۴	۴۰	۲۵	۱۵
کهنه کولینان	۵	۳۰	۱۷	۱۳
کیتکه	۴۸	۳۳۰	۱۷۳	۱۵۷
کراوی	۹	۶۱	۳۴	۲۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کرده بردان	۱۸	۱۷۵	۸۶	۸۹
کلیان	۱۹	۱۵۸	۸۳	۷۵
کلینان	۳۸	۳۰۱	۱۵۸	۱۴۳
گنجعلی	۹	۹۰	۵۰	۴۰
گنه دار	۱۹	۱۳۱	۷۵	۵۶
گوشله دره	۴۱	۳۰۶	۱۶۲	۱۴۴
گوملیان	۱۸	۱۵۶	۷۶	۸۰
کیاد روان	۲۲	۲۰۹	۹۷	۱۱۲
لمونج	۱۴	۱۰۰	۵۵	۴۵
لاسه‌کلان	۳۴	۱۹۱	۱۰۷	۸۴
مازله	۱۴	۸۹	۴۵	۴۴
محمود آباد	۶	۳۵	۲۰	۱۵
مرانعه	۲۲	۲۱۶	۱۱۱	۱۰۵
مرلفه	۱۲	۱۰۴	۴۲	۶۲
مزرعه	۶	۵۹	۳۰	۲۹
موسی دای گوژا	۴	۳۳	۱۹	۱۴
میرده	۴۲	۲۵۸	۱۴۰	۱۱۸
میر گرو	۶	۵۱	۲۸	۲۳
نیالان	۸	۶۲	۲۷	۳۵
جمع دهستان ایل تیمور	۲۵۵۴	۱۷۷۳۳	۹۲۶۵	۸۴۶۸
احمد آباد	۳۵	۲۱۲	۱۰۷	۱۰۵
اربانوس	۴۰	۲۴۰	۱۲۹	۱۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ارمنی بلاغی	۵۸	۳۹۵	۲۱۲	۱۸۳
اغجوان	۹۰	۵۹۹	۳۰۷	۲۹۲
اقبلاغ	۷۱	۴۳۰	۲۳۰	۲۰۰
اوزن قشلاق	۴۱	۲۳۶	۱۱۸	۱۱۸
اویته‌چی	۴۳	۲۴۹	۱۲۵	۱۲۴
ایلانی	۳۳	۲۰۲	۹۷	۱۰۵
باغچه	۴۵	۲۶۱	۱۴۵	۱۱۶
برده زرد	۱۵۸	۸۱۷	۴۴۸	۳۶۹
تر کاشه	۸۹	۴۸۹	۲۵۸	۲۳۱
تر کمان کندی	۶۱	۳۶۱	۲۰۵	۱۵۶
تکان تپه	۱۱۰	۵۴۷	۳۰۴	۲۴۳
جانبلاغ	۳۱	۱۷۳	۹۳	۸۰
جوانمرد	۱۱۷	۶۹۱	۳۶۴	۳۲۷
چوگاتلو	۲۷	۱۷۴	۸۳	۹۱
حاجی آباد	۹۲	۵۵۳	۲۹۵	۲۵۸
حسین آباد	۱۷	۱۰۳	۶۱	۴۲
حیدر مست	۱۸	۱۰۰	۵۸	۴۲
داشاغل	۴۸	۲۷۰	۱۵۷	۱۱۳
درزیولی	۵۸	۳۲۱	۱۸۲	۱۳۹
درویش علی	۵۰	۲۶۰	۱۲۸	۱۳۲
دو کچی	۴۳	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
رحیمخان	۱۵۶	۹۴۷	۴۷۱	۴۷۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ساروقامیش	۵۷	۲۷۶	۱۵۳	۱۲۳
ساری قمیش	۷۰	۴۳۵	۲۳۵	۲۰۰
سراب	۱۵۱	۸۹۸	۴۸۶	۴۱۲
سقزلو	۲۵	۱۵۱	۷۶	۷۵
سوماقان	۱۲	۷۲	۴۱	۳۱
سه کانیان	۳۱	۱۸۰	۹۱	۸۹
عبدالله آباد	۴۰	۲۳۳	۱۳۲	۱۰۱
غیبعلی	۱۲	۶۲	۳۴	۲۸
قاتانقور	۳۰	۱۶۰	۸۸	۷۲
قدیم	۵۴	۲۷۸	۱۴۳	۱۳۵
قره براز	۵۰	۲۸۳	۱۶۳	۱۲۰
قشلاق	۲۹	۱۶۱	۸۳	۷۸
قلعه‌چی	۴۸	۲۶۷	۱۵۱	۱۱۶
قلعه رسول سیت	۶۳	۴۲۸	۲۱۸	۲۱۰
قورمیش	۶۳	۳۳۴	۱۸۸	۱۴۶
قویلو	۸۰	۴۹۹	۲۵۷	۲۴۲
کانی اشته	۷	۵۸	۲۴	۳۴
کانی‌الله سیده	۱۴	۷۷	۴۲	۳۵
کانی سبزه	۱۹	۱۵۲	۷۲	۸۰
کانی سنحود	۲۰	۱۱۱	۶۱	۵۰
کانی سهراب	۴۴	۲۰۸	۱۲۰	۸۸
کانی سیران	۳۲	۱۶۰	۸۹	۷۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کانی علی کرده	۴۱	۲۵۹	۱۳۳	۱۲۶
کانی قلعه	۲۲	۱۴۵	۸۴	۶۱
کانی کوزله	۱۷	۹۵	۴۹	۴۶
کانی گرگه	۴۵	۲۸۰	۱۴۰	۱۴۰
کانی مملی	۲۱	۱۴۲	۷۵	۶۷
کرکره	۲۵	۱۴۷	۷۶	۷۱
کلتکه	۳۷	۲۲۲	۱۱۸	۱۰۴
کوکتپه	۴۳	۲۵۲	۱۳۵	۱۱۷
گااینجه	۴۹	۲۶۷	۱۴۸	۱۱۹
گامیشان	۲۶	۱۶۸	۸۵	۸۳
گل تپه قریش	۶۰	۴۲۱	۲۱۱	۲۱۰
گول	۲۷	۱۷۷	۹۷	۸۰
گول آباد	۸	۵۴	۳۲	۲۲
اورته‌کند	۳۲	۱۷۸	۹۴	۸۴
هواره برزه	۲۹	۱۴۳	۷۵	۶۸
یایسی کند	۳۱	۱۷۳	۸۹	۸۴
یکشوه	۷۷	۴۶۳	۲۴۶	۲۱۷
ینگی کند	۱۰۵	۵۷۸	۳۰۴	۲۷۴
جمع دهستان بهی	۳۱۷۷	۱۸۴۹۹	۹۸۲۸	۸۶۷۱
ارمناکشفلاق حاجی حسین	۳۸	۱۹۲	۱۰۲	۹۰
ارمنك	۴۰	۲۲۴	۱۰۶	۱۱۸
آزاد	۷۰	۴۶۰	۲۳۴	۲۲۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اسماعیل کندی	۲۶	۲۵۱	۱۴۱	۱۱۰
اگریقاش	۲۰۱	۱۳۱۸	۷۰۰	۶۱۸
البلاغ	۳۰	۲۱۷	۱۲۴	۹۳
امین آباد	۱۱	۸۵	۴۷	۳۸
اوزان دره سفلی	۱۸	۱۲۷	۶۴	۶۳
اوزان دره علیا	۳۶	۲۴۶	۱۲۰	۱۲۶
بادام	۳۳	۲۲۰	۱۳۱	۸۹
برد میش	۲۲	۱۵۱	۸۷	۶۴
برده رشان	۴۱	۲۷۲	۱۲۸	۱۴۴
بصری	۱۶	۸۳	۴۹	۳۴
بفرون بزرگ	۴۸	۳۷۳	۱۹۵	۱۷۸
بفرون کوچك	۲۱	۱۶۸	۸۵	۸۳
بوزه	۲۳	۱۹۰	۹۹	۹۱
پاین دره	۳۷	۳۲۷	۱۷۳	۱۵۴
پشتپ	۳۳	۲۵۲	۱۴۶	۱۰۶
پیر بلا	۲۰	۱۲۰	۶۲	۵۸
تازه کند	۳۹	۲۴۷	۱۴۵	۱۰۲
تازه کند	۷۸	۴۱۵	۲۱۹	۱۹۶
تکان لوجه	۳۱	۱۸۴	۹۴	۹۰
تلخات	۶۱	۴۱۳	۲۲۰	۱۹۳
تلخا بقشلاق	۳۴	۲۰۳	۹۹	۱۰۴
تنگه بالکه	۲۹	۱۸۹	۹۴	۹۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
توت اغاج	۲۳	۱۶۹	۹۶	۷۳
تورشکان	۱٤	۹٤	٤۷	٤۷
چوخان	۷۱	٤۹۰	۲۵۳	۲۳۷
چوملك	۳۱	۲۲۲	۱۲۰	۱۰۲
حاج خوش	٦۹	۵۱۳	۲۸۱	۲۳۲
حاجی آباد	۷	۳۸	۱۲	۲٦
حاجی حسن	۷۹	۵۰۳	۲۷٤	۲۲۹
حرتوانان	۱۰	۸٦	٤۲	٤٤
حسن آباد	۳	۱۱	٤	۷
حمزه آباد	۳۷	۳۰۸	۱۷۳	۱۳۵
خاتون باغ	٦۸	٤۸۵	۲٦٤	۲۲۱
خانقاه	۵۰	۳۲٤	۱٦٦	۱۵۸
خطائی	٦۵	۳۹۳	۲۱٦	۱۷۷
خورخوره	۸۲	٦۹۵	۳۹۰	۳۰۵
خیر آباد	۷۸	۵٦۲	۳۰۳	۲۵۹
داره لك	۱۰۸	۸۷۲	٤٦۷	٤۰۵
داشخانه	۵۵	٤۲۵	۲۳۳	۱۹۲
داش تیمور سفلی	۲۵	۱۹۷	۱۰۷	۹۰
داش تیمور علیا	۲۳	۱۵٤	۸۱	۷۳
دایماب	٤٦	۳۹٤	۲۲۷	۱٦۷
دریاس	۵۷	٤٦٦	۲۲۵	۲۱۱
دلکداش	۵۳	۳۵۹	۱۹۲	۱٦۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دوستعلی	۲۵	۱۷۷	۹۰	۸۷
دولت آباد	۴۱	۲۵۳	۱۳۲	۱۲۱
رسول آباد	۴۷	۳۹۷	۲۲۰	۱۷۷
زنگ آباد	۱۴	۱۰۰	۵۱	۴۹
زینال کندی	۸۲	۴۵۵	۲۳۰	۲۲۵
ساربانان	۱۳	۹۶	۵۰	۴۶
سید آباد	۲۱	۱۲۲	۶۶	۵۶
سیستکعلیا	۱۰	۸۱	۴۴	۳۷
سیلکه	۱۶	۱۲۵	۷۰	۵۵
شکمدریده	۱۸	۱۱۹	۶۱	۵۸
شیرین آباد	۲۵	۱۶۳	۸۱	۸۲
شیلان آباد	۲۲	۱۸۳	۱۰۵	۷۸
عبدالله آباد	۱۸	۱۳۳	۷۷	۵۶
قاضی آباد	۳۹	۲۷۴	۱۳۳	۱۴۱
قجی آباد	۳۱	۲۴۵	۱۴۶	۹۹
قره بلاغ	۲۵	۱۹۳	۱۰۵	۸۸
قره داغ	۸۳	۵۲۳	۲۸۰	۲۴۸
قره قشلاق	۱۴۴	۹۳۳	۴۸۱	۴۵۲
قزل قلعه	۷۲	۵۲۳	۲۵۴	۲۶۹
قزل قوپی	۱۰۵	۸۷۷	۴۶۳	۴۱۴
قزلجه سفلی	۲۱	۱۵۰	۷۷	۷۲
قزلجه علیا	۲۵	۲۱۰	۱۰۶	۱۰۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره خان	۳٤	۲۸۷	۱٤۸	۱۳۹
قشلاق حاجی حسن	٥۱	۲٥۹	۱۲۲	۱۳۷
قشلاق حاجی حسن	٥۳	۲۱	۱٥	٦
قلعه حسن	٥۹	٤٤۸	۲۳۷	۲۱۱
قلات	۱۰	۸٦	۳۸	٤۸
قمقلعه	۱۷۱	۱۲٤٦	٦٥۰	٥۹٦
قلقله	٤۳	۲۹۱	۱٥۷	۱۳٤
قوپی بابا علی	۳۷	۳۱۷	۱۷۹	۱۳۸
قهوه خانه امیر آباد	۱	٦	۱	٥
کانی صوفی رشید	٥	۳٦	۱۸	۱۸
کوره پزی قمقلعه	۷	۳٥	۲۲	۱۳
کوسه کهریز	۱	۸	۳	٥
کوسه کهریز	۱۲۸	۹۱۳	٥۱۰	٤۰۳
کهریزه	٥۰	۳٦۰	۱۷۷	۱۸۳
کهریزه‌علی‌بایزند	٦	٤۷	۲٦	۲۱
کهنه ده	۱۸	۱٥۳	۷۹	۷٤
کهنه ده	٤۹	۲۸۸	۱٤۹	۱۳۹
کابازله	٤٦	۲۹۷	۱۷۲	۱۲٥
گاپیش	۳٦	۳۰۹	۱٦۹	۱٤۰
گرد گروی	٤٦	۳۰۷	۱٥۹	۱٤۸
گرده رش	۳٤	۲٥٤	۱۱۸	۱۳٦
کرد یعقوب	۳٥	۲٤۲	۱۳۱	۱۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کرلان	۸۳	٤٤۳	۲۲٤	۲۱۹
گنج آباد	۳۹	۲۵۰	۱٤٦	۱۰٤
کوکتپه	۱۳۳	۱۰۰۰	۵۲۲	٤۷۸
کولی	۱٦	۱۳۹	۷۱	٦۸
لج	۷۱	٦۳۱	۳٤۹	۲۸۲
لیک آباد	۳٤	۳۳۲	۱۹۹	۱۳۳
لاچین	٤۷	۲٦۸	۱۵۰	۱۱۸
ماسو	۹۲	۷٦۰	۳۹۳	۳٦۷
مرجان آباد	٦۵	٤۲۷	۲۱٦	۲۱۱
ملاکندی	۸٦	۵٦٦	۲۹۹	۲٦۷
منصور	٤۵	۳۷۹	۱۸۹	۱۹۰
منصور کندی	۲۵	۱۵۷	۸۵	۷۲
ویس آقا	۵۸	۳۸۳	۲۰۰	۱۸۳
یغلعلی تپه	۲۲٦	۱۱۸۸	٦۳٤	۵۵٤
یوسفکند	٦۰	٤۲۳	۲٤٦	۱۷۷
جمع دهستان ویران	٤۹۳۷	۳٤۵۸۰	۱۸۳۹۲	۱٦۱۸۸
ابراهیم حصار	۲۱	۱۳٤	٦۲	۷۲
اصحاب	۷	٦۸	۳٦	۳۲
اقوطمان	۳۸	۲٦۱	۱٤۳	۱۱۸
اوزن طاش	٤۸	۳۲۷	۱٦۲	۱٦۵
باغ شیخان	۲۷	۱۸۵	۹۸	۸۷
بهرام آباد	۲۲	۱٤٤	۷۲	۷۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
باش برد	۱۶	۱۱۵	۵۹	۵۶
پیربهاالدین	۱۷	۱۰۵	۵۲	۵۳
خور خوره	۳۹	۲۴۷	۱۲۹	۱۱۸
زاویه کوه	۳۹	۲۱۰	۱۱۷	۹۳
زنده قول	۲۶	۱۸۳	۸۷	۹۶
زیرآندول	۴۲	۲۰۶	۹۷	۱۰۹
سرد کوهستان	۴۷	۲۹۲	۱۳۰	۱۶۲
سلامت	۵۳	۲۸۰	۱۴۰	۱۴۰
سونیاس	۶۸	۳۹۹	۲۰۷	۱۹۲
شکربیك	۱۲	۹۲	۵۶	۳۶
قالوباسودلان	۷۸	۵۲۳	۳۷۲	۲۵۰
قالوزندان	۷۸	۵۰۶	۲۵۳	۲۵۳
قالو شـخان	۵۴	۳۲۴	۱۷۵	۱۴۹
قره قاچ	۱۸	۱۴۷	۸۰	۶۷
قوری چای بالا	۳۰	۲۴۵	۱۳۱	۱۱۴
قوری چای سفلی	۴۹	۳۴۵	۱۹۳	۱۵۲
قوزلو سفلی	۵۱	۳۲۳	۱۶۴	۱۵۹
قوزلو علیا	۸۱	۵۱۳	۲۶۷	۲۴۶
کارك	۱۵	۱۰۷	۴۹	۵۸
کانی رش	۲۵	۱۵۷	۷۶	۸۱
کانی دراز	۵۰	۳۲۰	۱۷۳	۱۴۷
کانی سفید	۱۳	۸۲	۳۶	۴۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کانی شینکه	۹	۷۰	۴۳	۲۷
کاولان سفلی	۱۹	۱۰۷	۵٤	۵۳
کاولان علیا	۲۷	۲۰۸	۱۰۱	۱۰۷
کل تپه	٤٤	۳۱٤	۱۶۸	۱٤۶
کوران	۳۹	۲۳۹	۱۱۵	۱۲٤
کویر کانی	۲۱	۱۳۵	۵۲	۸۳
کهنه ده	۲۲	۱۸۲	۹۵	۸۷
کی سلان	۱۶	۱۰٤	۵۵	٤۹
گاگش سفلی	۳۱	۲۹۲	۱۵۹	۱۳۳
گاگش علیا	۲۷	۲۵۰	۱٤۰	۱۱۰
گاومیشان	۳۷	۲۱۶	۱۰۵	۱۱۱
گرد شیلان	۲۹	۱۹۹	۹۳	۱۰۶
گرگه	۱۲	۹۰	٤٤	٤۶
کلولان سفلی	۸۳	۵٤۷	۲۷۲	۲۷۵
کلولان علیا	۲۳	۱۹۶	۱۰۳	۹۳
کندمان	۳۱	۱۷۹	۸۹	۹۰
ماز که	۳٤	۲۰۷	۸۶	۱۲۱
محمود آباد	۷	۵۳	۳۳	۲۰
موسی	۱۹	۱۱٤	۵۳	۶۹
میری سه	۲۲	۱۶٤	٤۵	۶۹
هرمه	۲۰	۱۶۰	۹۵	۶۷
یار علی	۲۹	۲۰۲	۱۱۵	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یاغیان	۱۸	۱۱۶	۴۸	٦۸
جمع دهستان کورک مکری	۱٦۸٤	۱۱۱۸٤	۵۷۲۰	۵٤٦٤
احمد آباد قشقا گوزه	۳۷	۱۸۵	۹۵	۹۰
اددرسی	٤٤	۲۹۲	۱۵۰	۱٤۲
اربطسفلی	٦۹	۳٦٤	۱۸۷	۱۷۷
اربط علیا	۵۷	۳۰٤	۱٦۸	۱۳٦
اسماعیل کندی	۵۲	۳۰۸	۱۵٦	۱۵۲
اقبلاغ	۷۵	٤۰۳	۲۰۷	۱۹٦
اقبال	۵٦	۲۹۰	۱۵۸	۱۳۲
اقکند	۲۳	۱۳۱	۷۰	٦۱
الی	٤۳	۲۲۲	۱۱۷	۱۰۵
امان کندی	۳	۱۵	۱۰	۵
اورتادرق	۵۱	۳۱۵	۱٦۰	۱۵۵
اولا مچی	۸٤	٤۹۲	۲٤٦	۲٤٦
ایشقلو	۸	۵۲	۲۸	۲٤
ایشگه	٤۵	۲۳۸	۱۲۸	۱۱۰
باداملو	۳۵	۲۲٤	۱۲۳	۱۰۱
باش آچوق	۳۹	۲٤۲	۱۱۹	۱۲۳
باش بلاغ	٦۳	۳٤۲	۱۸٦	۱۵٦
بزخراب	۸٤	٤۲٦	۲۲۳	۲۰۳
بیو کبولاغ	۷٦	٤۱۷	۲۱۸	۱۹۹
پاره سفلی	۱۹	۱۰۲	۵۱	۵۱

نام ده	تعداد خانوار	مرد	جمعیت	زن
پاره علیا	۱۱	۵۶	۳۲	۲۴
پتکلو	۱۷	۱۲۳	۶۵	۵۸
تازه کند	۲۵	۱۲۷	۶۸	۵۹
تازه کند	۲۵	۱۳۴	۷۰	٦٤
تکاغاج	۸۹	٤٦۱	۲٤۷	۲۱٤
توپاغاج	۱۸	۹۲	۳۹	۵۳
جان اقا	٤۳	۲۳۸	۱۱۹	۱۱۹
جبیگلو	۳۱	۱٦٤	۸۷	۷۷
چاقیراحمد	۲٦	۱۳٤	٦۸	٦٦
چوپلوجه	۱۳۰	۷۵۸	۳۷٦	۲۸۲
حاجی کندی	۷۰	٤۷٦	۲٤۷	۲۲۹
حصارلو	٤۰	۲۰۸	۱۱۲	۹٦
حیدر باغی	۸۰	٤٦۹	۲٦۳	۲۰٦
داش التی	۳۲	۱۵۳	۸٦	٦۷
زاغه	٤۸	۳۱۸	۱٦۳	۱۵۵
زمان آباد	۳۳	۲۰۱	۱۰۱	۱۰۰
سوغانچی	٤۳	۲۳٦	۱۲۰	۱۱٦
شختلو	۱۲	٦٦	٤۰	۲٦
شورجن	۸۳	۳۹۹	۲۲٦	۱۷۳
قبانکندی	۷۷	٤۰۸	۲۱۵	۱۹۳
قره بوغاز	۳۲	۱۸۸	۱۰۵	۸۳
قطار داش	۳٤	۱٦۲	۸۲	۸۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قلی کندی	۳۰	۱۹۱	۱۰۳	۸۸
قمشلو	۲۸	۱۲۶	۶۷	۵۹
قواخلو	۳۳	۱۸۶	۱۰۷	۷۹
قوچ کندی	۲	۱۰	٤	۶
قوری درق	۵۵	۳۱۵	۱٤۶	۱۶۹
قولانجیق	۲۷	۱۵۵	۷۹	۷۶
قوروقچی	۱۱۳	۶۲٤	۳۲۶	۲۹۸
گوداش	۷۵	۳۸٤	۱۹۸	۱۸۶
گوزللو	۲۲	۱۳۳	۷۰	۶۳
گوزلو سفلی	٤۹	۲۳۲	۱۳۱	۱۰۱
گوزلو علیا	٤۰	۲۳۰	۱۲۹	۱۰۱
گوعی	۵۵	۲۹۲	۱٤٤	۱٤۸
لاله لو	۳۷	۲۱۱	۱۱۵	۹۶
محمد آباد	۳٤	۲۰۸	۱۱۷	۹۱
محمد قلی قشلاق	۷۲	٤٤٤	۲۳۶	۲۰۸
مسجد	۳۰	۱۷۸	۸۸	۹۰
ممه‌کند	۷۵	٤۰۹	۲۱۷	۱۹۲
نجار	۷۱	۳۷۷	۱۹۷	۱۸۰
نختلو	۷۳	٤٤۷	۲۳۰	۲۱۷
یاستی کند	۷۰	۳۹۶	۲۰٤	۱۹۲
یلکلو	۳۰	۱٤۰	۷٤	۶۶
یلی بلاغ	۲۵	۱۶۸	۹۲	۷۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ینگیجه	۱۷	۹۷	۵۶	۴۱
ینگی آباد	۳۶	۲۲۱	۱۱۸	۱۰۳
یوسفکند	۴۵	۲۶۰	۱۴۴	۱۱۶
جمع دهستان آجرلو	۳۱۰۶	۱۷۳۶۹	۹۱۲۳	۸۲۴۶
قوشخانه علیو	۴۳	۲۰۴	۱۰۲	۱۰۲
احمد آباد سفلی	۲۱۱	۱۱۴۰	۶۲۹	۵۱۱
احمد آباد علیا	۱۱۰	۵۴۰	۲۹۰	۲۵۰
اسدکندی	۵۱	۲۷۷	۱۴۸	۱۲۹
اغبلاغ همدانی	۴۸	۲۵۸	۱۴۴	۱۱۴
اقبلاغ علیا	۹۰	۴۵۹	۲۲۸	۲۳۱
اقدره سفلی	۳۳	۲۱۵	۱۱۴	۱۰۱
اقدره علیا	۷۹	۳۶۹	۱۹۲	۱۷۷
اقدره وسطی	۵۰	۲۳۱	۱۱۳	۱۱۸
الوچلوی بالا	۳۴	۱۷۲	۸۷	۸۵
الوچلوی سفلی	۷۳	۳۳۳	۱۸۱	۱۵۲
امین آباد	۳۹	۲۲۴	۱۳۲	۹۲
انکورد	۱۲۰	۵۹۶	۳۲۳	۲۷۳
اوچ حصار	۳۸	۱۸۴	۹۴	۹۰
بابا نظر	۱۵۸	۸۲۰	۴۳۸	۳۸۲
باش برات	۶۵	۳۵۱	۱۸۵	۱۶۶
برنجه	۲۵	۱۴۰	۷۸	۶۲
ترمکچی	۳۵	۲۳۲	۱۱۹	۱۱۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تندرلو	۱۸	۸۲	۴۳	۳۹
تومار کندی	۴۶	۲۳۴	۱۲۷	۱۰۷
چراغ تپه سفلی	۱۷۲	۸۴۲	۴۳۱	۴۱۱
چراغ تپه علیا	۷۵	۳۳۴	۱۷۲	۱۶۲
چوپلو	۲۱۸	۱۲۰۸	۶۵۶	۵۵۲
چهار طاق	۱۲۹	۷۲۳	۳۸۲	۳۴۱
حسن آباد	۱۶۳	۸۹۳	۴۷۹	۴۱۴
خارخار	۴۳	۲۲۳	۱۲۷	۹۶
دل دل بلاغی	۱۲	۷۶	۳۸	۳۸
زره شوران	۱۱۶	۵۶۷	۲۸۵	۲۸۲
زنهار	۲۰	۹۳	۵۴	۳۹
شیرمرد	۱۱۷	۶۲۸	۳۴۹	۲۷۹
طاس	۲۷	۱۴۴	۷۹	۶۵
فاقلو	۴۸	۲۶۳	۱۴۵	۱۱۸
قازان‌کندی	۲۰	۱۱۱	۶۱	۵۰
قراولخانه	۷۷	۳۶۳	۲۰۱	۱۶۲
قره بلاغ	۱۳۳	۶۴۰	۳۴۵	۲۹۵
قره عمر	۶۸	۳۱۹	۱۷۶	۱۴۳
قره ناز	۳۹	۲۴۱	۱۲۳	۱۱۸
قزل قشلاق	۴۱	۲۲۶	۱۲۶	۱۰۰
قوشخانه سفلی	۷۴	۳۴۲	۱۸۰	۱۶۲
قوشه بلاغ	۷۲	۴۱۵	۲۰۶	۲۰۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قیزجه	۱۶۷	۷۷۲	۴۰۵	۳۶۷
قیزقابان سنگ	۱۹۵	۹۸۸	۵۵۰	۴۳۸
کوسه پیری	۳۰	۱۷۰	۹۲	۷۸
گنبد	۷۹	۳۹۵	۱۹۵	۲۰۰
گوگردچی	۴۱	۲۱۱	۱۱۲	۹۹
گوله گوله	۹۴	۴۷۰	۲۵۶	۲۱۴
گوی ی اغاج	۱۵۹	۸۴۰	۴۶۵	۳۷۵
مایین بلاغ	۷۰	۳۹۵	۲۱۷	۱۷۸
نبی کندی	۲۲۰	۱۳۰۲	۷۰۳	۵۹۹
نصرت آباد	۱۶۷	۸۰۲	۴۳۲	۳۷۰
همپا	۱۸۷	۹۵۶	۵۲۷	۴۲۹
یار عزیز	۱۲۰	۵۹۴	۳۱۵	۲۷۹
ینگی کند	۵۹	۳۲۹	۱۷۸	۱۵۱
جمع دهستان احمد آباد سفلی	۴۶۱۸	۲۳۹۳۶	۱۲۸۲۹	۱۱۱۰۷
اقلعه	۴۲	۲۰۲	۱۱۴	۸۸
اقا بیك	۲۴	۱۰۹	۵۶	۵۳
الا سقل	۴۴	۲۰۵	۱۱۶	۸۹
اوغول بیك	۲۸۴	۱۵۱۴	۸۰۰	۷۱۴
باد خرید	۳۳	۱۸۱	۹۸	۸۳
باد محمود	۷۷	۴۱۲	۲۱۶	۱۹۶
بدرلو	۵۷	۳۵۱	۱۸۵	۱۶۶
پهلوان	۴۹	۲۸۶	۱۴۵	۱۴۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تاشه کبود	۳۹	۲۳۸	۱۳۰	۱۰۸
تپه بور	۴۷	۲۹۸	۱۶۲	۱۳۶
تمای	۱۴۰	۷۵۱	۳۹۹	۳۵۲
چهار قلعه	۳۲	۱۶۶	۹۱	۷۵
چیدره	۷۷	۴۸۲	۲۶۲	۲۲۰
حاجی بابا بختیار	۹۹	۵۱۱	۲۷۷	۲۳۴
حاجی بابای علیا	۹۴	۴۷۹	۲۶۷	۲۱۲
حاجی بابای سفلی	۴۱	۲۰۸	۱۰۷	۱۰۱
داشبلاغ	۱۱۰	۵۳۳	۲۷۹	۲۵۴
درویش رش	۳۱	۱۴۶	۸۵	۶۱
دورباش	۲۳۲	۱۱۳۱	۵۹۸	۵۳۳
ساریجلو	۵۲	۲۹۴	۱۴۳	۱۵۱
ساری قورخان	۲۹	۱۶۲	۸۹	۷۳
سبیل	۱۸۰	۱۰۲۱	۵۱۲	۵۰۹
علی آباد نخود دره	۴۵	۱۹۹	۱۱۶	۸۳
فیص آباد	۵۳	۲۶۶	۱۴۲	۱۲۴
قجور	۹۰	۴۶۸	۲۲۵	۲۴۳
ترافیه	۱۰۲	۵۵۶	۲۹۳	۲۶۳
فرخلو	۱۴۰	۷۸۹	۴۰۷	۳۸۲
قره بابا	۲۶	۱۵۴	۸۴	۷۰
قزقپان ترک	۵۹	۲۸۹	۱۵۷	۱۳۲
قلعه جق	۹۰	۴۷۲	۲۵۹	۲۱۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قوجه	۹۹	۵۰۹	۲۹۲	۲۱۷
کریم آباد	۲۵	۱۳۷	۶۵	۷۲
گزدره	۶۱	۳۳۵	۱۸۵	۱۵۰
گلدره پایین	۳۹	۱۸۷	۹۶	۹۱
گلدره علیا	۹۹	۵۸۰	۳۲۰	۲۶۰
نخود دره	۲۸	۱۳۵	۷۰	۶۵
یحرلو	٤٤	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
یوالقون اغاج	۲۸۲	۱۵۰۱	۷۷۶	۷۲۵
جمع دهستان تکاب	۳۰۹۵	۱٦٤۷۹	۸۷۳۱	۷۷٤۸
احمد آباد	۱۱۸	٦٦۹	۳۵٦	۳۱۳
احمد بیگ	۲۱	۱۲۷	٦٤	٦۳
آخی جان	٤۸	۲٦٤	۱۳۲	۱۳۲
اشتی بلاغ	٤۷	۲٤٦	۱٤۳	۱۰۳
اغجه‌لو	٤۷	۲۸۲	۱٤٦	۱۳٦
اغچه مسجد	۱۰۱	۵٦٦	۲۸٦	۲۸۰
الی چین	۸۰	٤۱۰	۲۲۱	۱۸۹
الاگوز	۳٤	۱۷٤	۹۰	۸٤
اوبا بلاغی	۲۱	۱۱۷	٦۷	۵۰
اوزان سفلی	٤٤	۲٤۹	۱۲۷	۱۲۲
اوزان علیا	۲۷	۱۵٦	۸۲	۷٤
اینچه	۳۳	۱۸۸	۹۷	۹۱
پرویز آباد	۲۲	۱۱۸	٦٤	۵٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند	۲۹	۱۵٤	۷۷	۷۷
جوشاتو سفلی	۱۵	۸۳	٤۱	٤۲
جوشاتو علیا	۳۸	۲۱۰	۱۰۸	۱۰۲
چپو	٤۸	۲٤٦	۱۳۳	۱۱۳
چچگلو	۳۷	۲۱٤	۱۱۸	۹٦
حیدر آباد	۱۵	۷۷	٤۱	۳٦
خلج	۳۱	۱۵۲	۷۸	۷٤
خلوت	۷۰	۳٦٤	۱۸٤	۱۸۰
داود لوی پایین	۱۲	٦۰	۳۱	۲۹
داود لوی علیا	٤	۲۲	۱۰	۱۲
دمیرچی	۲٤	۱۳۳	۷۲	٦۱
رضا قشلاق	٦۲	۳۱۲	۱۷۵	۱۳۷
زارنجی	۸۰	٤۳۰	۲۳۱	۱۹۹
زینالو	۲۱	۱۳۰	٦۵	٦۵
سعید آباد	۳۰	۱۵۲	۸۲	۷۰
سوری	۷۵	٤۷۳	۲٤۳	۲۳۰
ظاهر کندی	۸۹	۵٤۱	۲۷٦	۲٦۵
عباس بولاقلی	۵۰	۲۸۳	۱۵۷	۱۲٦
عثمان اولن	۱۸	۹۱	۵۱	٤۵
قالقانی	۵۲	۲۸۱	۱٤۱	۱٤۰
قتور	۷۷	٤۰۱	۲۰۰	۲۰۱
قره اغلان	۵۵	۲٤۷	۱۳۰	۱۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره بلاغ سفلی	۱۵	۸۵	۵۲	۳۳
قره بلاغ علیا	۵۱	۳۱۱	۱۶۸	۱۴۳
قره تپه	۱۱۷	٦۳۳	۳۱٤	۳۱۹
قره قیونلو	٦٦	۳۸۱	۲۰٤	۱۷۷
قره قیه	۵۳	۳۲۳	۱٦۹	۱۵٤
قزل بلاغ	۱۷	۱۰۰	۵۰	۵۰
قشلاق بختیاری	٤۰	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
قوزلو سفلی	۲۳	۱۳٤	۷٦	۵۸
قوزلو علیا	۲۷	۱۵۲	۷۷	۷۵
قیزجه	٦۷	۳٤۸	۱۸۰	۱٦۸
کشاورز	۲۵٦	۱۲۰۹	٦٤۳	۵٦٦
کوسج	٤۰	۲۲۵	۱۰۹	۱۱٦
کهریز	٤٦	۲۲۳	۱۱۵	۱۰۸
کهل سفلی	٤۵	۳۰۰	۱۵۵	۱٤۵
کهل علیا	۲۹	۲۱۰	۱۲۲	۸۸
گول	۲۸	۱٦۵	۸۸	۷۷
گولی	۱٤	۷۹	٤٤	۳۵
للك آباد	۲۸	۱۵۷	۷۸	۷۹
محمود جیق	۳۲۵	۱۸۲۵	۹۹۰	۸۳۵
محمود جیق کهنه	۳۹	۲۱۵	۱۰۸	۱۰۷
مغمول	۳۳	۱٦۹	۸۸	۸۱
ملهلو	۲۸	۱٤۲	۷٤	٦۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسین آباد	۲۱	۱۳۲	۷۹	۵۳
نوروز آباد	۲۸	۱۸۵	۹۳	۹۲
نوروزلو	۳۳	۲۱۵	۱۱۵	۱۰۰
ینگی آباد	۵٤	۲۹۰	۱۵۲	۱۳۸
ینگی ارخ	۵۰	۲۸۹	۱۶۰	۱۲۹
جمع دهستان چاردولی	۳۱٤۸	۱۷۳٤۶	۹۱۳۵	۸۲۱۱
احمدآباد داشکسن	۱۹	۱۲۵	۶۹	۵۶
اطاقلو	۲۷	۱٤۳	۷۶	۶۷
اغاجاری	٤٤	۲۳۳	۱۳۰	۱۰۳
اق تپه	۵٤	۲۵۹	۱۳۹	۱۲۰
الی بالتا	۷۳	۳۶۳	۱۶۸	۱۹۵
اوخچی	۲۸	۱۲۷	۶۶	۶۱
اینجه	٤۸	۲۳۵	۱۲٤	۱۱۱
باغ سفلی	۳۵	۱۷۸	۹۸	۸۰
باغ علیا	۲۶	۱۷۵	۸۹	۸۶
باغ لوجه	۲۶	۱٤۵	۷۹	۶۶
باغچه میشو	۵۰	۲٤۹	۱۲۷	۱۲۲
بایرام قلعه سی	۱۹	۹۸	٤۷	۵۱
برده نقشینه	۱۶	۸۵	٤۶	۳۹
بکتولی بالا	۲۶	۱۳۶	۷۱	۶۵
بلوز	۳٤	۲۰۶	۱۱۹	۸۷
بوغلمیش	۲٤	۱۵۲	۷۲	۸۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بهرام قلعه سی جدید	٤٤	۲۳۱	۱۱۵	۱۱٦
بی بی کندی	۵۸	۳٦٦	۱۸۷	۱۷۹
پیچاقچی	۳۳	۲۰٤	۱۱۹	۸۵
تازه آباد	۱۹	۱۰۵	٦۲	٤۳
ترکدره	۲۸	۱٦۰	۷۹	۸۱
ترکویران	٤۱	۲۳۱	۱۱٦	۱۱۵
چراغ ابدال	۳۸	۱۹۵	۹۵	۱۰۰
چمپان	۸	۳۷	۲۱	۱٦
حاجی آباد	۸٤	٤٦۰	۲٦۲	۱۹۸
حسن آباد	۹	۵٦	۲۸	۲۸
حسنلو	۵٦	۲۹۹	۱٦٤	۱۳۵
حسین آباد	۳٤	۱٦٤	۸۸	۷٦
حصار	۷۵	۳۷۹	۱۹۸	۱۸۱
حمزه قاسم	۸٦	٤۰۳	۲۱۷	۱۸٦
خاتون آباد	۲۰	۱۰۵	٦۰	٤۵
خانقلی	٦۳	۳۲٤	۱٤۷	۱۷۷
خرمده	۳۹	۲۰۰	۹۰	۱۱۰
خزائی سفلی	۱۸	۹۵	۵۱	٤٤
خزائی علیا	۵۲	۲۷٦	۱٤۳	۱۳۳
خواجه‌لو	٤۲	۲۷۱	۱۳۹	۲۳۲
خولینه	۳۰	۱۵۱	۸۱	۷۰
داشکسن	۸۳	٤٤۱	۲٤٦	۱۹۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دولو	۳۶	۲۱۹	۱۲۵	۹۴
دولا نقر	۳۵	۱۸۳	۱۰۰	۸۳
زید کندی	۲۹	۱۳۰	۶۸	۶۲
سارج آباد	۹	۶۹	۳۷	۳۲
ساروجه سفلی	۱۹	۱۰۳	۶۰	۴۳
ساروجه علیا	۶۸	۳۹۲	۲۱۳	۱۷۹
ساری باغ	۲۱	۱۱۴	۵۸	۵۶
سانجود	۵۲	۲۹۷	۱۴۵	۱۵۲
سلیمان آباد	۶۱	۳۱۱	۱۶۶	۱۴۵
صفاخانه	۱۶۳	۷۷۹	۴۱۹	۳۶۰
صفیارخان	۲۳	۱۵۶	۹۰	۶۶
طومار اغاج	۵۳	۲۴۲	۱۳۴	۱۰۸
عباس آباد	۲۶	۱۵۴	۸۲	۶۳
عقربلو	۹	۴۷	۲۷	۲۰
علی آباد	۲۴	۱۴۲	۷۴	۶۸
فتح آباد	۵۹	۲۹۶	۱۶۲	۱۳۴
قازانلو	۸۶	۴۹۸	۲۷۵	۲۲۳
قاضی اخوی	۴۸	۲۷۲	۱۴۶	۱۲۶
قرخان	۱۹	۱۱۷	۶۳	۵۴
قره زاغ	۶۴	۳۶۱	۱۸۱	۱۸۰
قزکورپی	۶۷	۳۰۶	۱۶۱	۱۴۵
قزل قبر	۴۶	۲۵۳	۱۴۵	۱۰۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزل قیه سفلی	۳۰	۱۵۷	۷۹	۷۸
قزل فیه علیا	٦۷	۳۹٤	۲۱۲	۱۸۲
قزل قیه وسطی	۳۵	۲۰۹	۱۱۱	۹۸
قلعه قورینه	٤۰	۲۲۱	۱۱٤	۱۰۷
قوزلو افشار	۲۱۷	۱۱۵۵	٦۳۲	۵۲۳
قوزلوجه	۳۱	۱۵۹	۷۷	۸۲
قویاجق	۳۷	۱۹۲	۹٤	۹۸
کران	۱٦	۹٦	٤۵	۵۱
کردکندی	۸۳	٤۷۰	۲۵۳	۲۱۷
کرکره	۲۵	۱۲۳	۷۱	۵۲
گچی قلعه سی	۲۰	۱۳۳	٦۹	٦٤
گدللو	۳۷	۲۰۵	۱۱۲	۹۳
گل چرمیك	۳۰	۱۵۰	۷۹	۷۱
گوزهل بلاغ	۷٦	٤۳۱	۲۱۵	۲۱٦
ماما لو	۸۲	٤٤٤	۲۵۰	۱۹٤
محمود آباد	۱٤	٦۷	۳۷	۳۰
محمود آباد سفلی	۲۳	۱۲٤	٦۹	۵۵
مدجل	۳۵	۱۸۷	۹۵	۹۲
مستان آباد	۲۵	۱۳۸	٦۷	۷۱
منبر	۱۰۳	۵٤۸	۲۹۳	۲۵۵
موشان دره	۲۹	۱٦۱	۸٤	۷۷
ناصر آباد	٤٦	۲٤٤	۱۲۹	۱۱۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ویس آباد	۱۲	۶۷	۳۶	۳۱
هاچه سو	۲۲۹	۱۲۵۳	۶۵۵	۵۹۸
هولاسو	۲۸۰	۱۵۴۰	۸۱۸	۷۲۲
یمین آباد	۳۳	۱۴۴	۷۶	۶۸
ینگجه	۸۶	۴۰۸	۲۲۷	۱۸۱
جمع دهستان شاهین دژ	۴۲۶۷	۲۲۹۱۴	۱۲۱۵۸	۱۰۷۵۶
ابراهیم آباد	۷۸	۳۹۰	۲۱۶	۱۷۴
اپلانلی تپه	۲۷	۱۵۳	۸۰	۷۳
امیر آباد	۱۰۳	۵۵۰	۳۰۵	۲۴۵
اوچ تپه قلعه	۲۵۴	۱۴۶۷	۷۶۰	۷۰۷
اوچتپه‌کرد	۱۳۶	۷۸۲	۴۴۵	۳۳۷
اوزن اوبه	۶۲	۳۲۲	۱۸۱	۱۴۱
ایستگاه کشاورزی	۱۱	۵۳	۳۲	۲۱
بگتاش	۲۷۴	۱۳۲۰	۶۸۳	۶۳۷
بهی‌کندی	۱۰۵	۵۴۹	۲۹۱	۲۵۸
تازه‌کند تپه رش	۴۳	۳۰۰	۱۴۷	۱۵۳
تازه کند حاجی حسن	۲۴	۱۲۶	۷۱	۵۵
تازه کند للکلو	۵۴	۳۴۶	۱۹۱	۱۵۵
تپه رش	۲۸	۲۸۲	۱۳۶	۱۴۶
تپه صارمی	۱۹	۱۲۹	۷۰	۵۹
تقی آباد	۲۵۲	۱۳۴۵	۷۳۴	۶۱۱
جارجلو	۹۸	۵۳۲	۲۹۷	۲۳۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جعفر آباد	۵۵	۳۴۷	۱۵۱	۱۵۶
جعفر آباد چلیك	۶۲	۳۲۸	۱۷۷	۱۵۱
جواد حصاری	۱۱۳	۶۴۹	۳۵۵	۲۹۴
چغانلو	۴۵	۲۷۲	۱۲۹	۱۴۳
چلیك	۱۳۱	۶۹۹	۳۵۸	۳۴۱
حاجی بهزاد	۱۵۵	۸۹۵	۴۷۷	۴۱۸
حاجی حسن سفلی	۵۷	۲۸۹	۱۵۹	۱۳۰
حاجی حسن علیا	۵۴	۳۰۷	۱۵۶	۱۵۱
حاصل قویی افشار	۱۰۹	۶۴۵	۳۵۵	۲۹۰
حسن آباد	۷۰	۳۷۰	۱۹۰	۱۸۰
حسن آباد پایین	۲۳	۱۵۶	۸۴	۷۲
حسن کندی	۶۰	۳۵۹	۱۸۶	۱۷۳
حسین آباد	۳۲	۱۵۵	۸۱	۷۴
حیدر آباد	۲۲۴	۱۱۵۱	۶۲۶	۵۲۵
حیران	۲۶	۱۶۴	۸۴	۸۰
خزینه انبار جدید	۸۱	۴۱۳	۲۲۱	۱۹۲
خزینه انبار قدیم	۳۷	۱۸۲	۹۲	۹۰
داش تپه	۸۵	۵۵۰	۲۸۳	۲۶۷
دلمه	۱۰	۵۵	۳۰	۲۵
دوچی	۶۱	۳۴۹	۱۸۳	۱۶۶
رابری	۹۴	۴۹۷	۲۵۷	۲۴۰
زنجیر آباد	۹۱	۵۰۹	۲۵۹	۲۵۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ساتلمیش توپخانه	۳۹	۲۳۷	۱۳۲	۱۰۵
ساتلمیش علی‌قلی‌خان	۳	۲۰	۹	۱۱
ساتلمیش محمد آباد	۲۳	۱۳۴	۷۱	۶۳
ساتیلمیش محمدلو	۱۲۴	۶۸۴	۳۶۷	۳۱۷
سلیمان خان	۱	۷	۴	۳
سوگلی تپه	۲۷۵	۱۴۸۵	۷۸۶	۶۹۹
شاه آباد	۵۲	۲۹۴	۱۴۸	۱۴۶
شاه تپه	۱۳۷	۷۱۴	۳۷۹	۳۳۵
شبیلوی سفلا	۱۰۴	۶۷۰	۳۶۱	۳۰۹
شبیلوی علیا	۱۱۳	۶۷۶	۳۴۴	۳۳۲
شعبانلو	۱۲۲	۶۴۸	۳۴۲	۳۰۶
شلیله‌وند	۲۴۲	۱۴۲۷	۷۳۷	۶۹۰
شوکور کندی	۵۰	۲۹۵	۱۶۳	۱۳۲
شین آباد	۲۳	۱۴۰	۶۹	۷۱
عسکر آباد	۲	۵۱	۲۶	۲۵
علی بیگلو	۱۲۷	۷۰۲	۳۸۶	۳۱۶
فیروز آباد	۱۱۳	۶۰۳	۳۲۲	۲۸۱
قاریاغدی	۱۷۶	۸۸۶	۴۸۶	۴۰۰
قجلو	۱۱۹	۷۳۱	۳۳۸	۲۹۳
قرمز خلیفه سفلی	۵۳	۲۹۸	۱۵۰	۱۴۸
قرمز خلیفه علیا	۵۰	۲۹۹	۱۶۳	۱۳۶
قرهٔ پاپاق	۴۰	۲۵۴	۱۴۰	۱۱۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره تپه	۵۶	۳۲۹	۱۷۰	۱۹۵
قره ورن	۴۴۹	۲۵۳۱	۱۳۱۳	۱۲۱۸
قلعه‌کوچك	۲۸	۱۸۴	۱۰۲	۸۲
کانیه سر	۳۹	۱۹۴	۱۱۰	۸۴
کرد کندی	۲۶	۱۴۸	۷۸	۷۰
کور آباد	۵۹	۳۸۹	۲۱۴	۱۷۵
کوسهلر سفلی	۳۰	۱۷۴	۸۸	۸۶
کوسهلر علیا	۳۹	۲۶۲	۱۳۵	۱۲۷
گاو میشگلی	۱۱۸	۶۷۳	۳۷۳	۳۰۰
گرده رشت	۱۲۱	۶۷۴	۳۵۱	۳۲۳
گرگتپه خالصه	۳۵۰	۱۷۵۲	۹۲۹	۸۲۳
گر گتپه لله	۲۳	۱۳۱	۷۳	۵۸
گو گجلو	۱۵۱	۹۳۰	۴۸۶	۴۴۴
للکلو	۱۳۰	۷۴۳	۳۸۹	۳۵۴
مراد خانلو	۴۴	۲۷۱	۱۴۷	۱۲۴
مروان کندی	۲۵	۲۳۹	۱۳۵	۱۰۴
مشیر آباد	۲۷	۲۰۸	۱۰۷	۱۰۱
مظفر آباد	۹۸	۵۸۲	۳۲۹	۲۵۳
ملك آباد	۷۹	۴۴۴	۲۲۹	۲۱۵
ملا شهاب الدین	۲۳۱	۱۳۷۵	۷۱۳	۶۶۲
ممه دل	۱۷۴	۱۱۵۵	۶۰۹	۵۴۶
نبی کندی	۳۸	۲۱۴	۱۰۶	۱۰۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نصیر کندی	۱۲۰	۵۸۴	۲۹۸	۲۸۶
نظام آباد	۱۰۹	۵۸۶	۳۱۳	۲۷۳
ولی آباد	۴۷	۲۴۵	۱۲۷	۱۱۸
یاریجان سفلی	۸۵	۴۴۲	۲۳۲	۲۱۰
یاریجان خالصه	۱۴۷	۷۸۶	۴۳۳	۳۵۳
یاریجان علیا	۱۲۷	۶۸۳	۳۲۷	۳۱۱
یاریجان للهخان	۲۵	۱۲۱	۵۹	۶۲
یورباشکندی	۱۶۲	۹۶۳	۵۱۸	۴۴۵
جمع دهستان مرحمت آباد	۸۳۹۸	۴۷۱۵۴	۲۵۰۳۳	۲۲۱۲۱
اشنویه	۸۲۴	۴۲۵۴	۲۱۵۲	۲۱۰۲
الکا آباد	۷	۳۸	۱۷	۲۱
امیر آباد	۳۹	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
بالاگیر	۴۱	۲۲۵	۱۱۳	۱۱۲
بطریان	۹	۴۸	۲۵	۲۳
بمضرته	۴۸	۲۹۰	۱۵۶	۱۳۴
بیژ آباد	۳۵	۲۱۴	۱۱۱	۱۰۳
پروانه	۱۵	۹۹	۳۸	۶۱
پوش آباد	۲۷	۱۸۲	۹۱	۹۱
پولیه	۵	۱۷	۷	۱۰
پیروت آباد	۲۶	۱۴۷	۷۹	۶۸
پی قلعه	۹	۴۵	۲۵	۲۰
تاج الدین آباد	۲۶	۱۲۸	۶۷	۶۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تاژان دره	۳۳	۲۲۷	۱۲۳	۱۰٤
جاشیران	۳۳	۲۱۹	۱۳٤	۸۵
جبرئیل آباد	۷	٤۱	۲٤	۱۷
چبر آباد	۳۲	۱٦۸	۸٤	۸٤
چشمه گل	۳۱	۱٦۵	۹۲	۷۳
چهار بت	۱٦	۱۱۸	٦٤	٥٤
حسن آباد	٦۱	۳۰۸	۱۵۹	۱٤۹
حسن نوران	۷۵	٤۷۹	۲۵۹	۲۲۰
حق	۷٤	٤٦۰	۲۳٤	۲۲٦
خاله آباد	۳۸	۲۲٤	۱۱۹	۱۰۵
خاندلر	۲۵	۲۱٦	۱۰٤	۱۱۲
خورشت	۳۸	۲۲٤	۱۲۲	۱۰۲
دنخه	۱۷	۹۹	٤۷	٥۲
دورود	۲۵	۱٦٦	۷۹	۸۷
ده شمس	۷۵	٤۷۸	۲۳۱	۲٤۷
ده شمس کوچك	۱۱	۷۷	٤۲	۳۵
ده گرجی	٥٤	۳٤۷	۱٦۷	۱۸۰
زمه	۲٤	۱۵۹	۸۲	۷۷
سبیان	۱۳	٥٤	۲۵	۲۹
سر دره	۳۳	۲۳۳	۱۱۱	۱۲۲
سر گیز	٤۷	۲۹۰	۱۵٦	۱۳٤
سعید آباد	۱۵	۷٤	٤٤	۳۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سنگان	۸۸	۵۷۵	۲۹۸	۲۷۷
سوجه	۳۸	۲۶۶	۱۳۲	۱۳۴
شاهوانه	۴۵	۳۱۴	۱۷۹	۱۳۵
شیخ عثمان	۲۱	۱۰۹	۵۸	۵۱
شیخان	۶۰	۳۶۲	۱۸۱	۱۸۱
علی آباد	۶۲	۴۰۲	۲۲۹	۱۷۳
قره سقل	۲۲	۱۴۸	۷۱	۷۷
قزن آباد	۱۷	۸۴	۴۶	۳۸
کانی سرخ	۲۱	۱۵۴	۸۲	۷۲
کسیل آباد	۱۳	۸۲	۴۳	۳۹
کورش آباد	۳۴	۲۱۶	۱۱۵	۱۰۱
کهنه قلعه	۴۴	۲۶۹	۱۵۵	۱۱۴
گرد کاشان	۳۴	۱۶۷	۹۱	۷۶
گرگ آباد	۴۱	۲۳۳	۱۲۰	۱۱۳
گند اویله	۳۷	۲۴۰	۱۲۵	۱۱۵
میر آباد	۳۷	۳۷۷	۱۹۱	۱۸۶
نالوس	۱۴۴	۹۷۶	۴۹۱	۴۸۵
نرزیوه	۷۲	۳۸۷	۲۱۶	۱۷۱
نقران سفلی	۵	۳۱	۱۶	۱۵
نقران علیا	۳	۱۷	۱۰	۷
نلیوان	۶۲	۳۳۲	۱۷۹	۱۵۳
جمع دهستان اشنویه	۲۷۸۸	۱۶۴۶۳	۸۵۲۰	۷۹۴۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اخصار	۱۱	۸۳	۴۰	۴۳
اده	۲۴	۱۷۳	۸۰	۹۳
ارنه	۳۴	۲۵۸	۱۲۹	۱۲۹
اسماعیل آباد	۱۲	۵۵	۳۰	۲۵
اقطویله	۲۰۲	۱۲۰۵	۶۳۴	۵۷۱
اقا بگلو	۱۱۶	۷۴۱	۳۷۹	۳۶۲
اقچه زیوه	۵۵	۲۷۵	۱۴۸	۱۲۷
الاگوز سفلی	۲۹	۱۵۷	۷۴	۸۳
الاگوز علیا	۳۳	۱۸۵	۹۸	۸۷
امینلو	۴۴	۲۳۴	۱۲۶	۱۰۸
بارانی عجم	۴۷	۲۵۷	۱۳۰	۱۲۷
بارانی کرد	۴۳	۲۷۸	۱۵۱	۱۲۷
بالقچی	۸۴	۵۲۸	۲۶۵	۲۶۳
بچانلو	۲۶	۱۳۹	۷۷	۶۲
برده زرد	۷	۱۸	۱۱	۷
بندر حیدر آباد	۱	۲	۲	۰
بهرام آباد	۱۷	۱۱۷	۷۰	۴۷
بهمن آباد	۱۱۵	۵۳۹	۲۸۸	۲۵۱
بیضا آباد	۲۲	۱۵۳	۷۸	۷۵
بیگمقلعه	۲۱۱	۱۳۰۶	۶۹۶	۶۱۰
پناه آباد	۳۸	۱۹۰	۱۰۰	۹۰
پیه جیک	۱۳	۸۹	۵۲	۳۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تابیه	۱۹	۱۱۱	۶۲	۴۹
تازه قلعه	۱۰۸	۶۳۹	۳۳۴	۳۰۵
تازه کند جبل	۷۴	۴۱۶	۲۲۴	۱۹۲
تازه کند دیم	۷۷	۴۳۰	۲۳۹	۱۹۱
تپوز آباد	۵۰	۲۷۶	۱۳۷	۱۳۹
تلخاب	۱۵	۶۸	۳۱	۳۷
چاکسنجو	۶	۳۹	۲۰	۱۹
چقال مصطفی	۴۱	۳۴۷	۱۸۰	۷۶۱
چیانه	۱۵۵	۹۵۰	۴۹۷	۴۵۳
حاجی باغلو	۱۸	۱۰۹	۵۵	۵۴
حاجی فیروز	۳۴	۲۰۳	۱۰۲	۱۰۱
حسنلو	۲۲۸	۱۲۸۰	۶۸۰	۶۰۰
حلبی	۶۰	۳۹۰	۱۹۹	۱۹۱
حیدر آباد	۱۱	۵۴	۲۶	۲۸
حسن خانه	۵۲	۲۸۸	۱۴۸	۱۴۰
خلیفان	۷۳	۴۸۸	۲۵۹	۲۲۹
خلیفلو	۹۰	۶۴۹	۳۱۸	۳۳۱
داشکسن	۳۹	۱۹۰	۱۰۲	۸۸
در بسر	۲۳	۱۴۳	۷۳	۷۰
در بند	۴۷	۲۶۸	۱۳۲	۱۳۶
درگه ارسخان	۱۲۰	۶۹۸	۳۶۰	۳۳۸
درگه سنگ	۳۴	۲۶۸	۱۴۴	۱۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دلمه	۴۸	۳۲۱	۱۸۶	۱۳۵
دمرچی	۸	۵۷	۲۹	۲۸
دورگد لطف‌الله	۶۳	۳۸۷	۲۰۸	۱۷۹
دولت آباد	۶۲	۳۲۴	۱۶۸	۱۵۶
دیزج	۳۱	۲۸۰	۱۳۹	۱۴۱
دیلان چی ارخی علیا	۲۹	۱۹۱	۹۷	۹۴
دیلان چی ارخی سفلی	۴۱	۲۲۵	۱۱۶	۱۰۹
دلیلان	۲۴	۱۶۷	۷۸	۸۰
راهد هنه	۲۲۶	۱۳۸۱	۷۱۶	۶۶۵
زینه ور	۲۰	۹۳	۵۴	۳۹
ساخسی تپه	۳۴	۲۳۳	۱۱۹	۱۱۴
سارال علیا و سفلی	۳۹	۲۴۴	۱۲۸	۱۱۶
شرف‌الدین	۱۵	۸۷	۳۶	۵۱
شفیع قلعه	۶	۳۵	۲۱	۱۴
شونقار	۵۹	۳۰۹	۱۱۶	۱۴۳
شهریار	۲۶	۱۳۰	۶۰	۷۰
شیخ احمد	۸۴	۵۱۸	۲۶۹	۲۴۹
شیخ معروف	۲۱	۱۴۳	۶۸	۷۵
شیروانشاهلو علیا	۵۴	۲۹۰	۱۵۳	۱۳۷
شیرین بلاغ	۲۷	۱۴۷	۷۲	۷۵
شیطان آباد	۳۶	۲۱۳	۱۱۱	۱۰۲
ظلم آباد	۳۹	۲۱۴	۱۱۸	۹۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عباس آباد	۳۲	۱۵۲	۸۱	۷۱
عجملو	۳۰	۱۹۸	۱۰۶	۹۲
عظیم خانلو	۳۷	۱۸۵	۹۸	۸۷
علی آباد	۶۳	۳۳۶	۱۸۱	۱۵۵
علی ملك	۵۵	۴۱۵	۲۱۴	۲۰۱
غلات	۵۷	۳۶۹	۱۹۱	۱۷۸
فرح زاد	۱۶۰	۸۵۶	۴۱۵	۴۴۱
قارنا	۶۵	۵۰۹	۲۷۷	۲۳۲
قره بلاغ	۳۳	۱۸۹	۹۸	۹۱
قره قشلاق	۱۴۳	۹۲۹	۴۸۹	۴۴۰
قره قصاب	۶۸	۴۵۸	۲۴۳	۲۱۵
قلعه جوق	۱۰۱	۵۴۲	۲۸۰	۲۶۲
قلات	۱۸	۱۱۵	۶۵	۵۰
کاروانسرا	۸۴	۴۷۰	۲۴۴	۲۲۶
کاموس	۲۰	۱۴۴	۸۱	۶۳
کانی ماسید	۳۱	۲۱۰	۱۰۳	۱۰۷
کوزه گران بزرگ	۹۴	۵۵۷	۲۸۹	۲۶۸
کوزه گران کوچك	۱۳	۸۱	۴۲	۳۹
کویك	۶۴	۳۷۷	۱۹۹	۱۷۸
کهریزه شکاك	۵۴	۳۲۷	۱۷۳	۱۵۴
کهریزه عجم	۱۴۲	۷۵۱	۳۹۱	۳۶۰
کهل	۸۰	۴۶۳	۲۵۴	۲۰۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گرده قیط	۷۲	۵۰۰	۲۷۰	۲۳۰
گل	۸۰	۵۱۱	۲۷۰	۲۴۱
گلوان	۷۲	۴۹۳	۲۴۶	۲۴۷
گوران آباد پاشایی	۵۰	۲۶۸	۱۳۹	۱۲۹
گوران آباد قاضی	۲۶	۱۴۰	۶۸	۷۲
گوران آباد قزاق	۳۳	۱۹۵	۱۰۱	۹۴
گورخانه	۶۲	۳۰۴	۱۶۴	۱۴۰
لواشلو	۲۷	۱۵۱	۷۸	۷۳
مجید آباد	۲۹	۱۶۲	۷۵	۸۷
محمد شاه سفلی	۹۰	۴۹۲	۲۶۷	۲۲۵
محمد شاه علیا	۴۹	۳۹۹	۱۹۸	۲۰۱
محمد یار	۱۶۸	۹۱۲	۴۵۷	۴۵۵
مملیان	۳۸	۲۷۹	۱۴۹	۱۳۰
ممیند	۱۲۶	۷۸۸	۴۲۴	۳۶۴
مهماندار	۳۷	۳۲۲	۱۵۹	۱۶۳
میر آباد	۶۴	۴۲۷	۲۲۶	۲۰۱
نرژه مس	۱۰	۷۷	۴۳	۳۴
نظام آباد	۱۰۰	۵۵۵	۲۹۵	۲۶۰
وزنه	۵۶	۳۳۸	۱۸۸	۱۵۰
یاد گارلو	۱۱۳	۵۹۹	۳۲۶	۲۷۳
یونسلو	۳۲	۲۰۸	۱۰۹	۹۹
جمع دهستان حومه	۶۳۳۳	۳۸۰۲۸	۱۹۸۶۷	۱۸۱۶۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اسلاملو	۲۵	۱۷۳	۷۹	۹۴
اقبلاغ	٦۵	٤۷۲	۲٤۳	۲۲۹
الیان	۱٤	۱۳۰	۷۲	۵۸
برد مشك	۵	۳۱	۱۳	۱۸
برده سپی	۱	٤	۰	٤
ترسه بلاغ	۲۱	۱۵۲	۷۲	۸۰
چاپان	۵	۳۸	۱٤	۲٤
دوربه	۵۱	۳۸۷	۱۸۰	۲۰۷
دوستك	۱۹	۱۳۹	٦۹	۷۰
رشگند	۱۵	۱۲۰	۵۹	٦۱
سند گر	۲۵	۱۵٤	۷٦	۷۸
سدگانه	۲۵	۲۱٤	۱۰۲	۱۱۲
سیاوان	۳۰	۲۳۱	۱۱۹	۱۱۲
شیوه برو	۲۲	۱۵٤	۷۲	۸۲
عین‌الروم	۳	۲۵	۱۰	۱۵
کلاس	۲	۱۸	۱۰	۸
گر کگل	۲۲	۱۸۵	۹۷	۸۸
گل ماوران	۷	٦۸	۳۳	۳۵
گلاز	۳۷	۳٤۷	۱۸٦	۱٦۱
گنده ملا عیسی	۳۳	۲۳۹	۱۲٤	۱۱۵
لولکان	۲۷	۱۹۰	۹۲	۹۸
جمع دهستان دشت بیل	٤۵٤	۳٤۷۱	۱۷۲۲	۱۷٤۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ابلس پیران	۸	۶۵	۳۷	۲۸
امین آباد	۱۷	۱۰۲	۵۵	۴۷
بادین آباد	۵۰	۳۰۵	۱۵۵	۱۵۰
بن دره	۳۶	۲۱۰	۱۰۴	۱۰۶
تمرچین	۱۷	۱۰۳	۵۳	۵۰
جران	۳۶	۱۹۶	۹۷	۹۹
چیانه	۴۸	۲۹۳	۱۵۲	۱۴۱
خواجه علی	۵	۲۹	۱۴	۱۵
دلاوان	۳۴	۲۳۳	۱۱۶	۱۱۷
دیلزه	۴۶	۲۹۳	۱۵۳	۱۴۰
زرگتن	۱۹۵	۱۰۹۰	۵۴۶	۵۴۴
زیدان	۱۸	۱۲۴	۶۵	۵۹
زیوه	۵۹	۳۳۷	۱۷۰	۱۶۷
سگرکان	۱۲	۵۹	۲۹	۳۰
سوره ده	۱۲	۸۱	۳۳	۴۸
سوغانلو	۷۳	۴۷۰	۲۵۸	۲۱۲
سید آباد	۱	۱۰	۴	۶
شین آباد	۱۰۵	۸۴۲	۴۳۴	۴۰۸
قلعه تراش	۴۵	۳۴۰	۱۸۱	۱۵۹
قلعه موت آباد	۲۱	۱۱۰	۵۷	۵۳
قلقله	۳	۲۴	۱۰	۱۴
قلات	۵	۴۱	۲۲	۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قمتره	۲۸	۱۷۵	۸۹	۸۶
قیز قاپان	۱۶	۱۱۴	۶۲	۵۲
کله کین	۵۰	۲۹۶	۱۳۸	۱۵۸
کهنه خانه	۳٤	۲۲۸	۱۲۰	۱۰۸
کهنه لاهیجان	٤۸	۳۰٤	۱۶۹	۱۳۵
گاس کاسک	۷۲	۳٤۵	۱٤۸	۱۹۷
گردیم خانه	۱۵	۷۸	٤٤	۳٤
گل اوا	۲۱	۱۰۵	۵۶	٤۹
ملابدر	٤	۲۳	۱۳	۱۰
نمنجی	۳٤	۲۰۵	۱۱۲	۹۳
واتمان	۱۳	۶۶	۳٤	۳۲
جمع دهستان پیران	۱۱۸۱	۷۲۹۶	۳۷۳۰	۳۵۶۶
ابلس	۱۲	۷٤	۳۸	۳۶
احمد غریب	۸	۸۰	۲۹	۵۱
اشنو زنگ	۶٤	٤٤۳	۲٤۹	۱۹٤
اندیزه	۵۶	۳۹۳	۲۰۲	۱۹۱
بابا خالد آباد	۲۸	۱۷۸	۹٤	۸٤
بابا کر آباد	۱۳	۸۷	٤۵	٤۲
بازار گه	۷	۷٤	۳۵	۳۹
بالیان	۱۵	۱۲۵	۶۳	۶۲
برده گل	۳۵	۲۳۹	۱۲۲	۱۱۷
برکامران	٤۷	۲۶۷	۱٤۲	۱۲۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوی کارمندان پسوه	۲۴۴	۸۹۶	۴۹۲	۴۰۴
کوی کارمندان جلدیان	۱۶۵	۶۶۵	۳۵۲	۳۱۳
کوی کارمندان خانه	۴۱۳	۱۶۶۸	۸۷۳	۷۹۵
پسوه	۱۱۵	۹۷۴	۵۳۵	۴۳۹
پیرکانی	۱۱	۱۰۰	۴۹	۵۱
توان	۳۷	۲۳۹	۱۲۴	۱۱۵
توژاله	۲۹	۲۳۴	۱۲۸	۱۰۶
جلدیان	۱۴۹	۱۰۳۸	۵۴۱	۴۹۷
حاجی قلدا	۲۲	۱۲۲	۵۹	۶۳
حمزه آباد	۲۲	۱۱۵	۶۲	۵۳
خالدار	۳۶	۲۰۷	۱۰۸	۹۹
خرابه	۵۲	۲۷۱	۱۶۱	۱۱۰
خرنج	۶۳	۴۸۵	۲۶۳	۲۲۲
خره برده‌شان	۱۵	۹۴	۵۶	۳۸
دریکه	۸۹	۵۰۵	۲۶۹	۲۳۶
درویش آباد	۱۳	۱۰۳	۵۳	۵۰
دشتقوره	۳۴	۳۰۳	۱۵۹	۱۴۴
دلکا	۱۹	۱۶۶	۸۵	۸۱
دوآب	۱۹	۱۱۶	۵۹	۵۷
زنگ آباد	۶۴	۳۹۰	۲۰۸	۱۸۲
زنی روک	۴	۲۴	۱۰	۱۴
زین وینجیان	۳۴	۱۷۱	۸۴	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زیوکه	۲۵	۱۴۹	۸۳	۶۶
سروکانی	۱۱۹	۷۰۰	۳۷۹	۳۲۱
سرینجاوه	۴۳	۳۰۴	۱۵۷	۱۴۷
سنحاله	۲۳	۱۴۹	۷۰	۷۹
سوفیان	۷۰	۴۹۵	۲۵۱	۲۴۴
سید آباد	۶	۲۵	۱۳	۱۲
سیلوه	۸۷	۶۱۳	۳۱۰	۳۰۳
شاه واله	۷۵	۵۶۸	۲۶۸	۳۰۰
شلیمجاران	۴۶	۳۰۷	۱۵۶	۱۵۱
شوه برسی	۹	۵۸	۲۵	۳۳
قبه	۱۶	۱۲۲	۵۷	۶۵
قره خضر	۳۴	۲۳۱	۱۰۶	۱۲۵
قره معدوده	۳	۱۵	۹	۶
قلاتیان	۱۴	۹۲	۴۸	۴۴
قوریچای	۳۷	۲۳۲	۱۱۴	۱۱۸
قهوه خانه عبدالله	۱	۹	۳	۶
کاسه گران	۳۶	۲۶۳	۱۳۷	۱۲۶
کانی اشکوت	۱۶	۱۱۱	۵۵	۵۶
کانی باغ	۳۵	۲۰۲	۱۰۸	۹۴
کانی برد	۷	۷۲	۳۰	۴۲
کانی بلاغ	۲۶	۲۳۱	۱۱۳	۱۱۸
کانی رش	۲۱	۱۸۶	۱۰۵	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کانی زرد	۷	٤٥	۲۳	۲۲
کانی مولا	۲۲	۱۸۱	۹۷	۸٤
کله سیپیان	۲۸	۲۱٤	۱۱٤	۱۰۰
کله کوله پائین	٦	٤۸	۲۷	۲۱
کله کوله بالا	٤	۲۹	۱٤	۱٥
کلیچ	٥٤	۳۸٦	۱۹٥	۱۹۱
کندره	۳۳	۲٤٦	۱۲٥	۱۲۱
کنده قولان سفلی	۱۰	۷۳	۳۹	۳٤
کنده قولان علیا	۱۰	٥٤	۳۳	۲۱
کوره	۹	٦۰	۲٦	۳٤
کیله سفلی	۱۹	۱۱٦	٥٤	٦۲
کیله علیا	۳٥	۲۷۱	۱۳٦	۱۳٥
گردا سه	۱٦	۱٥٦	۹۱	٦٥
گردا شوان	۲٤	۱٤٦	۷٦	۷۰
گرد سور	٤۳	۳۰۰	۱۳۹	۱٦۱
گرد کسپیان	٦۱	٤٥۲	۲٤٥	۲۰۷
گرد کشانه	۱۰۷	٥٤۸	۲۸۸	۲٦۰
گرد کولان	۱۲	۱۱۰	٥۱	٥۹
گرد گوران	۱۸	۱۰٦	٥٤	٥۲
گرده بن	٥۱	۳۳۱	۱۷۰	۱٦۱
گر گل بالا	۲٤	۲۱٤	۱۰٦	۱۰۸
گر گل پائین	٤٥	۳٥۲	۱۹۸	۱٥٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گنه دار	۱۵	۱۱۱	۶۵	۴۶
گیل حسن	۲۳	۱۴۳	۷۰	۷۳
لیك آباد	۶۳	۴۰۷	۲۰۸	۱۹۹
لیگبین	۶۰	۳۶۲	۱۷۲	۱۹۰
لاوین	۵۰	۳۷۳	۱۹۸	۱۷۵
ماشکان	۱۲	۹۰	۴۱	۴۹
هاوارابی	۱۲	۹۳	۵۰	۴۳
هفتشین	۱۳	۹۰	۵۰	۴۰
جمع دهستان لاهیجان	۳۵۶۹	۲۲۰۸۷	۱۱۵۰۱	۱۰۵۸۶
ابخور دار	۱۴	۱۰۹	۵۵	۵۴
بادین آباد	۱۵	۸۲	۴۳	۳۹
باوله بالا	۶	۳۹	۲۰	۱۹
بازرگان	۲۰	۱۵۴	۶۷	۸۷
باستان بك	۲۱	۱۲۸	۶۷	۶۱
باوله پائین	۷	۴۴	۲۵	۱۹
باوله سیدن	۵	۲۷	۹	۱۸
بدر آباد	۵	۳۳	۱۳	۲۰
بردشان	۲	۸	۴	۴
برده کراه	۱۵	۸۷	۳۲	۵۵
بکس	۴۳	۲۳۶	۱۳۳	۱۰۳
پانه سر	۶	۵۷	۳۰	۲۷
پردانه	۲۶	۱۲۳	۶۶	۵۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ترکشان	۱۳	۹۹	٤۹	۵۰
ترکش سفلی	٤۵	۲۸۹	۱۳٤	۱۵۵
ترکش علیا	۸	۵٦	۳۵	۲۱
حجران	۱٦	۱۳۲	٦۷	٦۵
خریاپ	۹	٤۱	۲٤	۱۷
خرچمن دره	۱۸	۱۰٦	۵۹	٤۷
خری عاقلان	۱۸	۱۱۲	۵٤	۵۸
دشت گندمان	۸	۳۲	۱٤	۱۸
دوچومن	۱۸	۱۲۳	٦۰	٦۳
دولی گران	۷	۵۷	۱۹	۳۸
دولانیا	۷	٤۹	۲۸	۲۱
زاویه قوره	۱۰	۷۰	۳۳	۳۷
زویان	۸	٤٦	۲۱	۲۵
سرتز	٦	۳۵	۱۹	۱٦
سرچاوه	۱٤	۸۱	٤۷	۳٤
سلوس	۱٦	۱۰۳	۵٦	٤۷
سیبگدا بالا	۷	۵٦	۲۸	۲۸
سیبگدا پایین	۹	۵۳	۲۸	۲۵
شالی آباد	۱۲	٦۵	۳۹	۲٦
شختان	۲۹	۲۳۹	۱۱۲	۱۲۷
شکرآباد	۱٦	۹۵	٤٦	٤۹
شهرستن	۳۳	۲۵۱	۱۳۸	۱۱۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قادر آباد	۷	٤١	٢٥	١٦
قباد بگیان	١٥	١٣٢	٦٥	٦٧
قلات	٢٧	٢١٠	٩٣	١١٧
کانی اشکوتان	٢٨	١٧٧	٩٠	٨٧
کانی خلیل	٣	٢٨	١٦	١٢
کانی سیب	٩	٤٦	٢٥	٢١
کانی شینکه	٥	٥٣	٢٤	٢٩
کانی کلیه	١٢	٩٥	٥٤	٤١
کانی کیلان	٤	٣٣	١٧	١٦
کانی نوبته	٧	٤٠	٢٥	١٥
کرمدار	١١	٥٧	٢٩	٢٨
کلفت	١٣	٩١	٤٥	٤٦
کنه کج	٢٤	١٧٧	٩١	٨٦
کنه مشله	١٤	٩١	٤٩	٤٢
کوپر	٥٤	٣٦٦	١٩١	١٧٥
گاز گاز	١٧	٨٦	٤٨	٣٨
گرد احمد	١٦	١٠٧	٥٦	٥١
گرد با ساك	٣٤	٢١١	١١٤	٩٧
گرد مراد بیگی	٤	٤٦	٢١	٢٥
گرد نعلین	١٧	١٢٣	٦٠	٦٣
گرده سین	١٠	٨٢	٣٣	٤٩
کلك	١٧	١١٦	٦٤	٥٢

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کنه دارمنیگور	۱۵	۱۰۹	۴۵	٦٤
کیر شیطان	۱۳	۱۰۲	٦۰	٤۲
مام هیبه	۱۳	۱۰۰	۵۳	٤۷
میشده سفلی	۳٤	۲۳۷	۱۱٦	۱۲۱
میشده علیا	۱۳	٦۸	۲۸	٤۰
ورمیشان	٦	۵۲	۳۰	۲۲
هنك آباد	۷۳	۵۱٦	۲۷۱	۱٤۵
یاقوش	٤	۳۲	۱٤	۱۸
جمع دهستان منگور	۱۰۳۱	٦۹٤۱	۳۵۲٦	۳٤۱۵
ارزنه	٤۱	۲۲۹	۱۰۲	۱۲۷
اشکان سفلی	۳	۱٤	۷	۷
اشکان علیا	۳۰	۱۷۳	۹۰	۸۳
بالتان	۳	۱۹	۱۱	۸
بژوه	۱۲۲	٦٤۷	۳۲٤	۳۲۳
بشگه	۲	۱۷	۸	۹
بناوه	۱۰	۵۸	۳۱	۲۷
بی توش	۸۳	٤۵۵	۲۳۵	۲۲۰
تانچی	۱	۳	۱	۲
تیتسفلی	۱۱	٤٦	۲٦	۲۰
تیتعلیا	۹	۵۹	۲۷	۳۲
خوار میر	۱۵	۵٤	۳۰	۲٤
دنیاران	۱۲	٦۱	۳٦	۲۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دولکان	٤۷	۲٤۷	۱۲۸	۱۱۹
دوله	۹	٥٤	۳۳	۲۱
دوله سیب	۲	۹	٤	٥
دوله میر	۲	۱٦	٦	۱۰
دیگه	٦	٤۰	۲۰	۲۰
رجاکه	۳	۲۱	۱۰	۱۱
رشکان سفلی	۱۳	۷۲	٤۰	۳۲
رشکان علیا	٤	۱۹	۹	۱۰
زرد کانی سفلی	٦	۳٤	۱۸	۱٦
زرد کانی علیا	٤	۱۹	۱۱	۸
سنجوه	۳۰	۱۷۳	۸٦	۸۷
شیرانی	۸	٤٤	۲۰	۲٤
کار کژان	۳	۲۳	۹	۱٤
کاکوس	۳	۱٤	٦	۸
کاوژان	۸	٥۰	۱۸	۳۲
کخ روتان	۲	۱۲	۷	۲٤
کاکه	۸	٤٥	۲۱	۲٤
کرتك	۱	۲۱	٥	۱٦
کرده کروه	٥	۲۸	۱۳	۱٥
کرمابسفلی	۱٦	۹۸	٤٦	٥۲
کرمابعلیا	۷	٥٦	۲٦	۳۱
کویزل	٥	۳۷	۱۷	۲۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گویزیله	۲	۹	۵	٤
ماوندا	۱	۲	۱	۱
مریشکه	۲	۱۳	۸	۵
مزرعه	۸	٦۲	۲۹	۳۳
مزن آباد	۳۸	۲۱٤	۱۰۹	۱۰۵
مله گوشی	۱	٤	۱	۳
میدان	٦	۳۲	۱۳	۱۹
میر کاسه	۱۰	۷٤	٤۱	۳۳
یردان	۷	٤۵	۲۲	۲۳
جمع دهستان آلان	٦۰۹	۳٤۲۳	۱۷۱۰	۱۷۱۳
المان	۲	۹	۷	۲
چاله	۳	۱۵	۷	۸
چوم	۸	٤۳	۲٤	۱۹
چومپو	۳	۲۰	۵	۱۵
خانه خل بالا	۷	٤۲	۱۸	۲٤
خانه خل پائین	۸	۳۸	۱۷	۲۱
دار مرجان	۳	۱۸	۱۰	۸
دارمیشان	۳	۱۷	۹	۸
دشتبانوان	۲	۱۱	٤	۷
رزکه	۱٤	۹۱	۳۷	۵٤
زلان	۳	۲۳	۹	۱٤
زیره مرگ	۲٤	۱۳۵	٦٤	۷۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ستوان	٤	۲۷	۱۱	۱٦
شلماش	٦۸	۳۷۲	۱٦٤	۲۰۸
شیخه سور	۲	۱۳	۷	٦
شیره خوره	۱	٤	۱	۳
قصه خدریان	۲	۱۲	٦	٦
کانی بید	۲۰	۸۵	٤۷	۳۸
کانی سیب	۱	۸	۳	٥
کریوه	٤	۲٥	۹	۱٦
کرلوسه بالا	٤۳	۲۲٤	۱۰۹	۱۱٥
کولوسه پائین	٥۹	۲٦۲	۱٤۳	۱۱۹
کرویس	٤۳	۲۲٥	۱۰۰	۱۲٥
کلسپی	۹	٥۷	۲۰	۳۷
گنج زیوه	۱	۱۱	٤	۷
مهرگان	۳	۱۸	۷	۱۱
نیسك آباد	۳٤	۱٥۲	٦٥	۸۷
نیو کردار	۱۲	٤٥	۱٦	۲۹
وزچك	۳۳	۱۳۱	٥٦	۷٥
یاسین آباد	۱٦	٦٥	۳۳	۲۳
جمع دهستان باسك کولوسه	٤۳٥	۲۱٦۸	۱۰۱۲	۱۱۸٦
ابراهیم آباد	٥	۲٦	۱٤	۱۲
اسپمیره	۱۸	۱۰۳	۳۹	٦٤
اشترمل	۹	٦٥	۳۱	۳٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اشقله گوز	٤	۱۵	۸	۷
ایگری قاران	۹	۵۹	۳۲	۲۷
بارسکدو	۱۰	٦۸	٤۱	۲۷
باسك خرابان	۱	۷	۲	۵
باسکرود	٤	۱۵	٦	۹
باغ	۱۷	۱۱۱	۵۹	۵۲
بانو	۱۰	۵۸	۲۹	۲۹
باوه	۱۲	۷۳	۳۲	٤۱
برده سپیان	۱۰	٤٤	۲۰	۲٤
بزیله	۱۷	۱۱۵	۵۰	٦۵
بناوه	٤٤	۲٦٦	۱۳٦	۱۳۰
بهشاسب	٤٦	۲۵۹	۱۳٦	۱۲۳
بیران	۳۹	۲۳۳	۱۰۰	۱۳۳
بیوران بالا	۷۹	٤۷۷	۲٤۲	۲۳۵
بیوران سفلی	۱۱۱	٦۱٦	۳۰۸	۳۰۸
ترشیان	۱٦	۵۹	۳۱	۲۸
چا پاره	۹	۳۷	۱۹	۱۸
چاکه	۱	۷	۵	۲
خره اغل	۱۱	۵۳	۲٦	۲۷
خره چاکی	۲	۱٤	٦	۸
درمان آباد	٤	۲۱	۷	۱٤
دوله بید	۸	٤۹	۲٦	۲۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دوله گرم	۴۸	۲۶۵	۱۴۱	۱۲۴
راشی	۹	۳۹	۲۲	۱۷
رشته هرمی	۱۳	۶۶	۳۸	۲۸
زره با کمر	۱	۵	۲	۳
ژاژوکه	۱۵	۹۹	۴۶	۵۳
سر چاوه	۴	۳۲	۱۵	۱۷
سند ولان	۶	۳۵	۱۶	۱۹
سیوتال	۲۱	۱۲۶	۵۸	۶۸
سوره چوم	۱۰	۹۱	۵۳	۳۸
شیبانه	۱۲	۷۷	۳۲	۴۵
شینو	۱۸	۱۱۷	۶۳	۵۴
شیواشان	۲۷	۱۳۱	۷۲	۵۹
شیوه ابراهیم	۲۷	۱۳۳	۸۱	۵۲
شیوه صل	۲۶	۱۱۷	۵۷	۶۰
قفه سلیمان	۷	۴۱	۱۷	۲۴
قازان	۵	۲۴	۱۴	۱۰
قلعه رشه	۹۳	۵۲۷	۲۶۷	۲۵۹
قوله سویر	۱۳	۹۴	۴۲	۵۲
کاژه	۱۸	۱۳۱	۷۲	۵۹
کانی بید	۱	۵	۳	۲
کانی رش	۱۴	۵۷	۳۱	۲۶
کانی سیب	۷	۴۱	۲۰	۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کاوله کن	۹	۳۹	۱۷	۲۲
کوخ خال عباس	۱	۹	۳	٦
کولکورش	٦	۳۷	۱۸	۱۹
کهنه شینو	۱	۹	٦	۳
کیفر آباد	٤	۲۸	۱۲	۱٦
گلینه	۱۲	۵۱	۳۱	۲۰
گلینه کوچك	۸	٤٤	۲۱	۲۳
گود مریشك	۹	٤۵	۲۲	۲۳
گورانگان	۵۱	۲٦۰	۱۳۱	۱۲۹
گودلان بالا	۳	۲۲	۱۱	۱۱
گودلان سفلی	۱۰	٤٤	۱۸	۲٦
مراد	۱	۳	۲	۱
مراغان	٤۵	۲۳۵	۱۱۷	۱۱۸
میرشیخ حیدر	٤۹	۲۳۳	۱۲۵	۱۰۸
نیو نمام	۲	۹	٦	۳
ورتندو	۲	۱۲	٤	۸
هلوی	٤۰	۲۳۸	۱۲۲	۱۱٦
هوار سلیمان	۱٦	۸۲	٤۰	٤۲
جمع دهستان بریاجی	۱۱٦۰	٦۵۰۳	۳۲۷٤	۳۲۲۹
بالان	۹	٤٤	۲۳	۲۱
بانه زیر	۳۷	۲۲۱	۱۱۷	۱۰٤
بری سو	۲۳	۱۱۵	٦۱	۵٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بصره	۳٤	۱۸۸	۹٦	۹۲
بناویله بزرگ	۳۰	۱۷۰	۸۷	۸۳
بناویله کوچك	۳۰	۱۷۱	۸٦	۸۵
دارساوین	۱۹	۱۳۳	٦۷	٦٦
ربط	۳۰	۱۷۹	۸٤	۹۵
سرچشمه	۱۷	۹۳	۵۷	۳٦
شالکه	٦	۳۵	۱۷	۱۸
قلعه	۲۳	۱۱۰	۵۵	۵۵
قهوه خانه سرچشمه	۱۰	۳۰	۱٦	۱٤
کانی گوز	۲۱	۱۰۳	۵٤	٤۹
کند که	۲۰	۱۰۲	۵٤	٤۸
لیلانه	۵۳	۲٦۳	۱۳۵	۱۲۸
ماولو	۲۵	۱۲٦	۵٦	۷۰
مرانه	٦	۳۸	۲٤	۱٤
ملك آباد	۳۸	۲۰۵	۱۱٦	۸۹
واتمان آباد	۱٦	۸۳	۳۹	٤٤
هند آباد	٤۵	۲۷۷	۱٤۸	۱۲۹
یوسفکل	۳۹	۲٤۵	۱۲۰	۱۲۵
جمع دهستان کلاس	۵۳۱	۲۹۳۱	۱۵۱۲	۱٤۱۹
باریکایی	۲۲	۱٤۰	۷۰	۷۰
بروه	۱٦	۷۷	٤۱	۳٦
بلاو	۲٤	۱۲٤	۵۹	٦۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بناویله حاجی مینه	۲۶	۱۴۵	۷۶	۶۹
پاراستان	۵۶	۳۲۷	۱۵۸	۱۶۹
پلژیرد	۹	۴۸	۲۴	۲۳
جان داران	۲۸	۱۸۱	۸۸	۹۳
چبیرند	۱۶	۱۱۷	۵۸	۵۹
جمکه	۷	۵۰	۲۱	۲۹
چوالان	۲۸	۱۴۵	۶۱	۸۴
چومل	۹	۵۰	۲۷	۲۳
خاله آباد	۳	۲۰	۸	۱۲
خلیصان	۳۴	۱۹۵	۱۰۵	۹۰
دشتی	۱۸	۱۱۲	۵۷	۵۵
دوله تو	۳۳	۱۹۹	۹۵	۱۰۴
زرکتان	۲	۱۸	۹	۹
زمزیران	۴۵	۲۵۸	۱۱۸	۱۴۰
سارتکه	۳۷	۲۳۹	۱۱۴	۱۲۵
سرخاب	۱۰	۶۲	۳۸	۲۴
سویرو	۲۷	۱۷۴	۹۳	۸۱
سید آباد	۱	۸	۳	۵
سیسیر	۶۴	۴۶۹	۲۵۰	۲۱۹
شلمان	۲۵	۱۲۹	۵۵	۷۴
شموله	۳۹	۲۲۷	۱۱۲	۱۱۵
شندره	۲۵	۱۵۳	۸۵	۶۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شیخ عیسی	۱۴	۶۵	۳۵	۳۰
شیوه چو	۱۶	۷۷	۴۰	۳۷
قامیشه	۱۵	۷۵	۴۴	۳۱
کاکوزه بالا	۷	۳۴	۱۹	۱۵
کال دره	۱۳	۶۸	۳۱	۳۷
کانی اسپان	۷	۴۵	۲۴	۲۱
کتان	۶	۴۸	۲۹	۱۹
کخ قلعه سمور	۶	۲۹	۱۶	۱۳
کله‌کاوی	۲۲	۱۲۷	۵۴	۷۳
کنه ورچه	۱۲	۸۶	۴۶	۴۰
کاکوژه	۶	۳۳	۱۲	۲۱
کرژال بالا	۹	۴۳	۱۵	۲۸
کرك آباد	۵	۲۶	۱۳	۱۳
کوله	۵۱	۳۱۶	۱۵۱	۱۶۵
ماما زینه	۲۶	۱۴۳	۷۵	۶۸
میرگه پیرگه	۱۰	۶۱	۲۲	۳۹
میونه	۱۷	۱۱۲	۶۳	۴۹
نستان	۸۰	۳۸۳	۱۶۳	۲۲۰
نلوسه	۲۶	۲۱۵	۱۰۲	۱۱۳
نو آباد	۵۹	۳۶۹	۱۸۵	۱۸۴
ورگیل	۳۸	۲۱۷	۱۱۲	۱۰۵
ولیو	۳۳	۱۹۶	۱۰۰	۹۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
هرمز آباد	۱۹	۱۰۳	۵۳	۵۰
هموان	۲۴	۱۱۸	٦٤	٥٤
جمع دهستان گورک سردشت	۱۱۲۵	٦٦٥٥	۳۲۹۳	۳۳٦۲
احمد بریو	٤۹	۲٦٥	۱۳۳	۱۳۲
اش حاجی	۳	۱٦	۷	۹
اغلان	٤٤	۲۳۸	۱۱۸	۱۲۰
باس آباد	٤٥	۲۹۱	۱٥۰	۱٤۱
برده سور	۱۱	٦۰	۲۲	۳۸
بنو خلف	٤٥	۲۷۷	۱٤۰	۱۳۷
بویانه	۲۲	۹۸	٤۱	٥۷
توژال	۲٥	۱۸٦	۹٦	۹۰
توی	۱۲	۹۳	٥۱	٤۲
خیله	۲	۱۱	۷	٤
دشتی طلا	۳	۱۷	۸	۹
دیگه	۲۷	۱٤۰	٥٤	۸٦
دیوالان	٥۲	۲۷٤	۱۳٤	۱٤۰
زله	۱۲	۷۱	۳٤	۳۷
زوران	٤۱	۲٥٥	۱٤۳	۱۱۲
زیوه	۷٥	٤٤۷	۲٤۰	۲۰۷
سر شیو	۲٥	۱۳۷	٦۸	٦۹
سلکتان	۱٥	۸۲	٤۸	۳٤
سوره بان	۸	٤۹	۲۱	۲۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شادمان	۷	۳۹	۱۶	۲۳
شمه شیخه	٦	۳٤	۱۵	۱۹
کان زرد	٤۵	۲۷۹	۱۳۲	۱٤۷
کخ باشقلانه	۲	۱۲	٦	٦
کرزال پائین	۱۰	٦۳	۳۵	۲۸
کودله	۱۹	۱۰۳	۵٦	٤۷
کور بناب	۲۷	۱۳٤	٦۹	٦۵
کونه مشکه	۳۵	۲۲٤	۱۱۲	۱۱۲
کهنه زوران	۳	۱۹	۹	۱۰
گل کند	۳٤	۲۱۸	۱۰۰	۱۱۸
کلو	۱۲	٦۲	۳۹	۲۳
ملا شیخ	۵۷	۳۱۵	۱۷۷	۱۳۸
ممند داوا	٦	۳۲	۱٦	۱٦
نارست	۹	٤٤	۱۸	۲٦
نژاوه	۷	۳٦	۱۸	۱۸
نلاس	٤۰	۲۲۳	۱۰۹	۱۱٤
نوچولان	۲۲	۹٦	٤۵	۵۱
نیشکولان	۱٤	۸٦	٤۷	۳۹
واشمزین	۱۷	۱۲۲	۵٤	٦۸
واوان	۳۵	۱۸۷	۸٤	۱۰۳
ورده	٤٦	۲۱۸	۱۱۲	۱۰٦
ورده پهن	۵	۳۲	۲۳	۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان ملکاری	۹۷٤	۵۵۸۵	۲۸۰۷	۲۷۷۸
اشخال	۳۷	۲۱٤	۹۲	۱۲۲
اشدینه	٤	۱٤	۸	٦
ال مران	۸	٤۵	۲۵	۲۰
الواتان	٦۸	۳۸۹	۱۷۳	۲۱٦
الاوان	۳۲	۲۲۰	۱۲۵	۹۵
بایزمرا	٤	۱۸	٦	۱۲
برینه	۱۹	۸۸	٤۳	٤۵
بیبلوکه	۲۱	۱۰۳	٤٦	۵۷
بیبلینك	۳	۲۲	۱۰	۱۲
توژان	۵	۳٦	۱۹	۱۷
چکو	۳۵	۲۳۳	۱۰۹	۱۲٤
حسن آباد	٤	۳٦	۱۹	۱۷
داربران	٦	۳٤	۱۸	۱٦
دارمکون بالا	۲۵	۱۳۱	۵۱	۸۰
دارمکون پائین	۸	٤۱	۲۲	۱۹
داود آباد	٤۱	۱۸۲	۷٤	۱۰۸
دوله تو	٦٦	۲۸۷	۱۲۳	۱٦٤
زیوه	۷	۳۸	۱۸	۲۰
سالاره	۳	۲۰	٦	۱٤
ساوان	۱۱	٦٤	۲٤	٤۰
سپید اره	۱۲	۵۱	۲٤	۲۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سپید اره	۱۹	۱۰۰	٤٤	٥٦
سپیکان	٤٢	۲۲٥	۱۱۱	۱۱٤
سرمرگان	۱۲	٦٥	۲٥	٤۰
سرمرگان	٦	۳۸	۲۲	۱٦
سوستان سفلی	۱۷	۱۰۹	٦٥	٤٤
سیره مرگ	٥	۱۷	٥	۱۲
سیونا	۲۷	۱۳٦	٦٥	۷۱
شوانشان	٤	۲٥	۱۲	۱۳
شیواوکان	۱٥	۱۰۰	٤٦	٥٤
شیوه مران	۱۸	۱۲۱	٤۹	۷۲
قلعه تاسیان	۳۱	۱٥۹	۸٤	۷٥
کاولان	۱٤	۹۲	۳٤	٥۸
کچل آباد	۱۸	۸۷	٤٦	٤۱
کنه مشکه	۲٥	۱۳۷	٦٥	۷۲
کردینه بالا	۳	۱٥	٤	۱۱
کردینه پائین	٤	۱۲	٤	۸
کرو	٤٦	۲۷٥	۱۳۰	۱٤٥
کوره شیر	۱۰	۳۹	۱۹	۲۰
کوزیله	۳۳	۱٦۲	٦۲	۱۰۰
کومان	٥۳	۲٥۳	۱۲۸	۱۲٥
مامکاوه	٤۹	۱۸۸	۷٥	۱۱۳
مزرعه	۳۰	۱۸۱	۹٤	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
موسلان	۷۵	۳٦۸	۱۷٦	۱۹۲
میرآباد	۷۹	۳۹۵	۱۸۷	۲۰۸
نبی آباد	۲۵	۱۳٤	٦۹	٦۵
نسک آباد	۱۱	٦۳	۳٤	۲۹
نوکان	۵	۲۵	۱۲	۱۳
نیزه سفلی	۱۸	۱۲۰	۵۲	٦۸
نیزه علیا	۲۳	۱۳٦	٦۳	۷۳
نیوژ	۲۵	۱۵۳	٦٦	۸۷
جمع دهستان نعلین	۱۱٦۱	٦۱۹٦	۲۸۸۳	۳۳۱۳

فصل یازدهم

کتابشناسی آذربایجان

آثار ایران - از نشریات اداره کل عتیقات ۲ ج ۱۳۱۴ - ۱۳۱۸ شمسی

آذری - سیدعلی : **قیام‌خیابانی** پیشوای تجدد آزادی ایران در تبریز ، تهران ۱۳۲۹ ش

آقسرائی - محمودبن محمد؛ **مسامرة‌الاخیار** ومسایرة الاخبار، آنقره ۱۹۴۴

ابراهیمی‌وفائی-جلال: **آثار تاریخی‌شهرستان‌میانه**، ماهنامه‌ادارهٔ کل آموزش وپرورش آذربایجان شرقی ، ج ۱ ش ۳

ابن‌الاثیر - عزالدین ابوالحسن : **الکامل فی‌التاریخ** ، طبع بیروت ۱۳ ج ، ۱۹۶۷

ابن‌اسفندیار- بهاءالدین‌محمد: **تاریخ‌طبرستان**تألیف سال۶۱۳ ه ، باهتمام - مرحوم عباس اقبال آشتیانی، ۲ ج تهران ۱۳۲۰

ابن‌بزاز - توکلی‌بن اسمعیل ؛ **صفوة‌الصفا** (مواهب‌السنیة فی‌مناقب‌الصفویه) ، چاپ سنگی بمبئی ۱۳۲۹ قمری.

ابن‌بطوطه - شرف‌الدین ابوعبدالله‌محمد : **تحفة‌النظار**فی‌غرائب‌الامصار وعجائب الاسفار طبع پاریس ۴ ج ، ۱۸۵۳ - ۱۸۵۹ ، وطبع قاهره ۱۳۲۲ ه ۲ ج

ابن بی‌بی - الحسین‌بن محمدجعفری : **الاوامر العلائیة** فی‌الامورالعلائیة، چاپ عکسی ، آنکارا ۱۹۵۶

ابن‌حوقل - ابوالقاسم محمدبن حوقل: **صورة‌الارض** ۲ ج ، لیدن ۱۹۳۹ م

ابن‌خرداذبه - ابوالقاسم عبیدالله‌بن عبدالله : **المسالک‌والممالک** ، لیدن ۱۸۸۹م

ابن رسته - ابوعلی احمدبن‌عمربن‌رسته: **الاعلاق‌النفیسه**، تألیف سال ۲۹۰ ه ، لیدن ۱۸۹۲

ابن‌شاکر کتبی- محمدبن شاکربن‌احمدالکتبی: **فوات‌الوفیات** ، ۲ ج‌اسلامبول ۱۲۹۹ ه .

ابن‌عبدالحق - صفی‌الدین‌عبدالمؤمن : **مراصدالاطلاع** فی‌اسماءالامکنةوالبقاع ۴ ج - لیدن ۱۸۵۰ - ۱۸۶۴

ابن‌العبری - ابوالفرج‌بن‌اهرون : **تاریخ مختصرالدول** ، بیروت ۱۸۹۰م

ابن الفقیه ـ ابوبکراحمدبن محمد همدانی : مختصر کتاب البلدان ، لیدن ۱۸۸۵م

ابن الفوطی ـ کمال‌الدین ابوالفضل : **مجمع الاداب** فی‌معجم‌الالقاب ، ۴ ج، ـ بغداد ۱۹۶۲

ابن مسکویه ـ احمدبن محمدبن یعقوب : تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم ۳ ج ، چاپ عکسی ، لیدن ۱۹۰۹

ابن الندیم ـ ابوالفرج محمدبن اسحق : **کتاب الفهرست** ، طبع لیپزیک ـ ۱۸۷۱ ـ ۱۸۷۲ م .

ابو بکر طهرانی : کتاب **دیار بکریه** ، ۲ ج طبع آنکارا ، ۱۹۶۲ ـ ۱۹۶۴م

ابو دلف ـ مسعر بن‌المهلهل : **الرسالة‌الثانیه** ، قاهره ۱۹۵۵

ابوالفدا ـ الملک‌المؤید ، اسماعیل بن‌ابی‌الفداء ؛ **المختصرفی‌اخبارالبشر** ، ۴ ج ، طبع آستانه ۱۲۸۶ ه ، **تقویم‌البلدان** ، پاریس ۱۸۴۰م

ابو یوسف ـ القاضی ابویوسف یعقوب‌بن‌ابراهیم : **کتاب‌الخراج**، بولاق ۱۳۰۲ه

ادیب‌طوسی (محمدامین) ، **نمونه‌ای ازفهلویات قزوین** وزنجان و تبریزدر قرن هفتم ، **فهلویات مغربی تبریزی** ، **فهلویات زبان آذری** در قرن هشتم ونهم ، **فهلویات ماما عصمت** وکشفی بزبان آذری، (نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال هفتم و هشتم ونهم ۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۵)

زبان هرزندات مرند ، مجله ماهتاب سال اول‌ص ۲۷۰ـ۲۷۶ ،

ارژنگی ـ هوشنگ: **تعبیرات واصطلاحات** وامثال‌مشترک فارسی وآذربایجان نشریه دانشکدهٔ ادبیات تبریز سال ۹ و۱۰

اروج‌بیک بیات: **دون ژوان ایرانی**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران۱۳۳۸

اسامی دهات کشور (نشریه اداره‌کل آمار ج ۱ تهران ۱۳۲۹)

اسکندر بیک‌ترکمان منشیـ تاریخ **عالم‌آرای‌عباسی**، ۲ج تهران۱۳۳۴ ش

الاصطخریـ ابواسحق‌ابراهیم‌بن‌محمدـ**صورالاقالیم**، لیدن۱۹۲۷ **کتاب‌الاقالیم** طبع عکسی گوتا (آلمان شرقی) ؛ **مسالک‌وممالک** اصطخری (ترجمه فارسی)، تهران ۱۳۴۰ ش

اعتضادالسلطنه ـ علیقلی‌میرزا: **فتنهٔ باب**، باهتمام دکتر عبدالحسین‌نوائی تهران ۱۳۳۳ ش .

اعتمادالسلطنهـ محمدحسن‌خان: **منتظم‌ناصری**۳ج، تهران ۱۲۹۸ ـ ۱۳۰۰ق

اقبال آشتیانیـ عباس: زبان‌ترکی درآذربایجان مجله یادگارسال‌دوم شماره سوم، تاریخ مفصل ایران ، تهران کتابفروشی خیام ، **تاریخ مغول** ، تهران ۱۳۴۱ ش؛ حیدر

خان عمواوغلی، یادگار ، ج ۳ شماره ۵ ،
شرح‌حال مرحوم شریف‌زاده و برادر او ، یادگار ، ج ۳ شماره ۱۰ ،
بردار کردن ثقة‌الاسلام ، یغما سال ۷ (نقل از شهدای مشروطیت)؛ خلخال، یادگار ج ۲ ش ۹

امانی (دکتر) . **بررسی‌های دموگرافیک** دربارهٔ اقلیتهای‌مذهبی‌ایران(نشریه اداره کل آمارعمومی)

امیرخیزی ـ اسمعیل :**قیام‌آذربایجان** و ستارخان، تبریز ۱۳۳۹ش

امین‌سبحانی ـ رضا : تاریخچه ووجه تسمیه مدارس تبریز ، ج اول ۱۳۳۷ ش

امین‌احمدرازی : تذکره هفت‌اقلیم ۲ ج کلکته ۱۹۱۸ ـ ۱۹۳۹

امینی ـ رضا ، **اردبیل** اطلاعات ماهانه ج ۲ ش۲

اولیا چلبی : **سیاحتنامه** (قسمت آذربایجان و تبریز) ترجمه حاج حسین آقا نخجوانی، تبریز ۱۳۳۸ ش ، **سیاحت‌نامه** طبع استانبول ۱۹۱۴ م

ایرانشهر : نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران ، ۲ ج تهران ۱۳۴۲ ـ ۱۳۴۳

ایزدیار : آذربایجان و زبان آذری ، مجله ارمغان سال ۲۴ : ۶۸ـ۹۶

بادکوبی ـ آخوند میرزاعلی : **تجریدالّلغات** ، تهران ۱۳۱۴ ق

بارتلد ـ تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه‌سردادور ، تهران ۱۳۰۸

بازرگان ـ فریدون : راجع به مرحوم حیدرخان عمواوغلی ، یادگارج ۳ ش۸

براون ـ (ادوارد) : **تاریخ‌ادبیات‌ایران** (از فردوسی تاسعدی) ترجمه و تحشیه فتح‌الله مجتبائی تهران ۱۳۴۲، **الادب‌فی‌ایران** من‌الفردوسی الی‌سعدی، الدکتور امین ـ الشواربی ، مصر، ۱۹۵۴ ؛ از **سعدی تا جامی** ، ترجمه و تحشیه علی‌اصغر حکمت طبع دوم ۱۳۳۹ ش ؛ تاریخ ادبیات ایران از **صفویه تا مشروطیت** ، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی ، طبع دوم تهران ۱۳۲۹ ش.

البلاذری ـ ابوالعباس احمدبن یحیی، **فتوح‌البلدان** . لیدن ۱۸۷۶م

البدرینی ـ بدرالدین ابوالضیاء : **تراجم‌الاعیان فی ابناءالزمان**

بهزاد : کریم طاهرزاده : **قیام آذربایجان** درانقلاب مشروطیت ایران تهران ۱۳۳۴ ش

بهرنگی ـ صمد : **پسوند در زبان‌کنونی آذربایجان** ، راهنمای‌کتاب، سال۶ ۲۲۰ـ۲۲۲ـ ۷۵۱، دستورکنونی‌آذربایجان، راهنمای‌کتاب ۵:۷۴۷ـ۷۵۱، ماضی ومضارع درجریان درزبان‌کنونی آذربایجان، فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳ـ۲۲۰، ۷۶ .

بهنام ـ عیسی : گنبدسرخ مراغه ، هنرومردم، ج ۱ شماره۸.

بیانی (دکترشیرین) - **تاریخ آل جلایر** ، تهران ۱۳۴۵ش
پطروشفسکی : کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول ۲ ج ، ترجمه کریم کشاورز ، تهران ۱۳۴۴ ش
پیرزاده ـ شیخ‌حسین بن ابدال‌زاهدی : **سلسلة‌النسب‌صفویه**، برلن۱۳۰۳ش
جاوید ـ دکتر سلام‌الله ، **خودآموز زبان آذربایجانی** تهران ۱۳۴۲ ، **خلاصه تاریخ‌مشروطیت** ایران ، فداکاران فراموش شده، ورسالاتی دیگردرباره رجال آذربایجانی دورهٔ مشروطیت .
پسیان ـ نجفقلی : مهابادخونین تاکرانه های ارس
ترابی طباطبائیـسیدجمال‌الدین: **نقش‌هاونگاشته‌های‌مسجدکبود** تبریز ، تبریز۱۳۴۸ ، **سکه‌های‌اسلامی دورهٔ ایلخانی** وگورکانی، تبریز ۱۳۴۷
تقی‌زاده ـ سید حسن : **تهیه مقدمات مشروطیت در آذربایجان** ، نشریه کتابخانه ملی تبریز ، ج ۱ ش ۱
تربیت ـ محمدعلی : **دانشمندان آذربایجان** ، تهران ۱۳۱۴ ش
ثقة‌الاسلام‌شهیدـمیرزاعلی‌آقا: **تاریخ امکنه‌شریفه ورجال برجسته** تبریز، تبریز ۱۳۳۲ ش
جرجس‌بن‌العمید (الشیخ‌المکین ابن‌فضل‌الله‌العمری) :
تاریخ‌المسلمین من‌صاحب‌شریعة‌الاسلام ابی‌القاسم محمدالی‌الدولة الاتابکیة، لیدن ۱۶۲۵
جمال‌الدین بن‌الحسنالازدی : **نبذة‌من‌الجزء‌الثانی** من‌اخبارالدول‌المنقطعه ـ (الدولة الساجیة بالجبال)
جنابیان ـ شاهرخ : چند ترانه از شاهپور (سلماس)، مجله سخن ۱۵:۳
جنیدی ـ دکتر محمد جواد : **چشمه های معدنی ایران** : ج ۱ طبع دانشگاه تبریز ۱۳۴۸ ش
جوینیـعطاملک: **تاریخ جهانگشا**، به‌تصحیح مرحوم محمدقزوینی۳ج،طبع‌اروپا،
حافظ‌ابرو ـ عبدالله‌خوافی: **ذیل‌جامع‌التواریخ‌رشیدی**، باهتمام دکتر خانبابا بیانی ، تهران ۱۳۱۷
حدودالعالم‌من‌المشرق الی المغرب : طبع‌دانشگاه تهران ۱۳۴۰ ش
حسن بن‌محمد : تاریخ‌قم ، باهتمام سیدجلال‌الدین تهرانی، تهران ۱۳۱۳ش
حکیم ـ محمدتقی : گنج‌دانش طبع طهران ۱۳۰۵ قمری

حمدالله‌مستوفی . نزهت‌القلوب ، طبع بمبئی ۱۳۱۱ ، وباهتمام دکترمحمد ـ دبیرسیاقی ۱۳۳۶ ش

حمدالله مستوفی : تاریخ گزیده ، باهتمام دکتر عبدالحسین نوائی ، تهران ۱۳۳۹ .

خرزندی زیدری‌نسوی ـ محمد: **سیرت‌جلال‌الدین** ، به‌تصحیح استادمجتبی مینوی ، تهران ۱۳۴۴

الخطیب‌البغدادی ـ ابوبکراحمدبن‌علی : **تاریخ‌بغداد** ، ۱۴ ج ، بیروت .

خواجه افندی ـ سعدالدین ، **تاج‌التواریخ** ، استانبول ۱۲۷۶ه

الخوارزمی ـ ابوعبدالله محمدبن‌احمد . **مفاتیح‌العلوم** ، لیدن ۱۸۹۵

الخوارزمی ـ ابوجعفر محمد بن موسی: **صورةالارض** ، وین ۱۹۲۶.

خواند میر ـ غیاث‌الدین: **حبیب‌السیر** فی‌اخبارافرادالبشر، ۴ج، تهران۱۳۳۳

خیامپور ـ دکتر عبدالرسول : **فرهنگ سخنوران** ، تبریز ۱۳۴۰

دائرةالمعارف الاسلامیه (ترجمه عربی)

درویش احمد ـ عاشق پاشازاده : **تواریخ آل عثمان** ، استانبول ۱۳۳۲ ه

دریانی ـ احمد : نقش چندکاشی ازمسجدکبود ، مجله **سرو** ج۱ ش۱

دولت آبادی ـ عزیز : **زبان‌کنونی آذربایجان** : معلم امروز ج۲ ، نشریه دانشکده ادبیات وهنر ج۶ : ۴۸۸-۴۹۲ ؛ منشاء یك ضرب‌المثل آذربایجانی : معلم امروز ج۴ ص۱۹۶-۱۹۷ .

دولتشاه سمرقندی ـ امیردولتشاه بن علاءالدوله : **تذکرةالشعراء** ، باهتمام محمد لوی عباسی ، تهران ۱۳۳۷ ش

دهقان ـ علی : **سرزمین زردشت** ، درتاریخ آذربایجان غربی ورضائیه ، تهران ۱۳۴۹

دیاکونف (ا. م) : **تاریخ ماد** ، ترجمه‌کریم کشاورز ، تهران ۱۳۴۵

دیباج ـ اسماعیل : **راهنمای تاریخ آذربایجان شرقی** ، تبریز۱۳۳۴ ش ؛ **آثارباستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان** تهران ۱۳۴۶ ؛ دیباج وکارنك : راهنمای تبریز ۱۳۴۲ ش .

ذکاء ـ یحیی : یك دوبیتی آذری از شیخ صفی الدین اردبیلی ، مجله دانش ج۳ ص ۳۸۴-۳۸۵

الذهبی ـ شمس‌الدین : **دول‌الاسلام** ۲ج ، حیدرآباد ۱۳۳۳ه

ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی ، باهتمام سهیلی خوانساری تهران ۱۳۱۷ ش

رامیان، تمدن، تکش : **بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی**، **راهنمای شهرستانهای ایران**، تهران ۱۳۴۶ ش
رجب نیا ـ مسعود : **ترجمهٔ سفرنامه کلاویخو**، تهران ۱۳۳۷ ش
رجوی ـ کاظم دیلمقانی: **تاریخ وجغرافیای سلماس**
رزم آرا ـ سرتیپ علی : **جغرافیای نظامی آذربایجان** خاوری و باختری، تهران ۱۳۲۰ ش
رشید الدین فضل‌الله : دورهٔ **جامع التواریخ رشیدی**
روحی انارجانی : رساله روحی انارجانی درآداب وعادات مردم تبریز، بامقدمه سعید نفیسی، جلد دوم فرهنگ‌ایران‌زمین‌تهران۱۳۳۳؛ وتحقیق‌دیگردرباره‌آن رساله تحت عنوان: زبان مردم تبریز باهتمام دکترماهیار نوابی، ضمیمه نشریه دانشکده ادبیات تبریز.
روملو ـ حسن : **احسن‌التواریخ**، باهتمام‌چارلس نارمن سیدن، کلکته ۱۹۳۱م؛ قسمت دوم باهتمام دکترعبدالحسین نوایی، طبع بنیاد فرهنگ.
ریاحی ـ محمد امین : **منارشمس تبریزی** درخوی وقاضی رکن‌الدین خویی، مجله یغما ج۱۱ : ۵-۱۱
زامباور : **معجم الانساب** و الاسرات الحاکمه فی التاریخ الاسلامی، ترجمه : الدکتور محمد حسن بك وحسن احمد محمود، ۲ ج، قاهره ۱۹۵۱-۱۹۵۲
زاهدی ـ دکتر حبیب : چشمه‌های آهکزا در آذربایجان شرقی (نشریه دانشکده ادبیات تبریز شماره ۹۰ و۹۱) ۱۳۴۸.
زنوزی ـ محمد حسن : **ریاض الجنه** (نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز)، **بحر-العلوم** (نسخهٔ خطی کتابخانه ملی تبریز)
ساعدی ـ غلامحسین : **ایلخچی** ـ یك ده صوفی‌نشین در آذربایجان تهران ۱۳۴۲ ش ؛ **خیاو یا مشکین شهر** ۱۳۴۴ ش
سامی ـ شمس‌الدین محمد : **قاموس الاعلام** (ترکی) ۶ج استانبول ۱۳۰۶ ﻫ
ستوده دکترحسینقلی : **تاریخ آل مظفر**، ۲ج، طبع دانشگاه تهران ۱۳۴۶-۱۳۴۷
السخاوی ـ شمس‌الدین : الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، ۱۲ ج بیروت (طبع افست)
السمعانی ـ عبدالکریم بن محمد : **کتاب الانساب**، لیدن طبع عکسی ۱۹۱۲
سلطان‌القرائی ـ جعفر : میرزا حسن زنوزی خویی، مجله پیام نو ج ۷ س۶ ؛ محل قبرعزیزخان سردارکل، یادگار ج۴ ش۴.

شیروانی ـ زین العابدین : **بستان السیاحه** ، طبع رحلی ، اصفهان ۱۳۴۲ ق ، **حدایق‌السیاحه** (چاپ‌سنگی)

شرف‌الدین علی یزدی : ظفرنامه ، ۲ج کلکته ۱۸۸۷م

صایبلی ـ دکتر آیدین : **رصدخانه مراغه** ، مجله‌دانشکده‌ادبیات ، تهران سال سوم ۱۳۳۵ شماره ۴

صفوت : داستان دوستان ، تبریز ۱۳۱۸ ش

صفوی ـ سید جمال الدین : اردبیل ، نشریه فرهنگ اردبیل ، ۱: ۳، ۱۰، ۲۸،

صنیع‌الدوله ـ محمد حسن خان : **مرآت البلدان** ۴ ج

طاهرزاده ـ کریم : **قیام آذربایجان** در انقلاب مشروطیت ایران ، رك بهزاد.

طباطبائی تبریزی ـ محمد رضا : **تاریخ اولاد الاطهار** ، تبریز ۱۳۰۴ ق

طباطبائی ـ مصطفی : آذربایجان ، مجله ایرانشهر ج۲ : ۵۷۹-۵۸۵

الطبری ـ محمد بن جریر : **تاریخ الرسل و الملوك** ۱۳ج ، لیدن ۱۸۷۶-۱۹۰۱

عابد ـ عابد علی : شروان اورملحقه علافی، اورینتل ، ج۲۹ ش۱ و ۲ (بزبان اردو)

عباسی ـ محمد : **سیاحت نامه شوالیه شاردن** ـ ۱۰ ج

عبدالرزاق سمرقندی : مطلع السعدین ومجمع البحرین ، ۲ ج باهتمام محمد شفیع ، لاهور ۱۹۴۶-۱۹۴۹

علائی ـ علی‌اکبر: **آرامگاه شیخ صفی‌الدین**، هنر ومردم ، دوره جدید، شماره ۱۸ : ۲۰-۲۳

عمیدی نوری ـ ابوالحسن : **آذربایجان دموکرات** ، تهران ۱۳۲۲

غنی ـ دکترقاسم : **تاریخ عصرحافظ** یا تاریخ فارس و مضافات، تهران۱۳۲۱ش

غنی‌زاده ـ محمود . تاریخ آذربایجان ، ایرانشهر، ۲: ۱۷۴-۱۸۲

فخری‌هروی : تذکره روضة‌السلاطین، به تصحیح دکترعبدالرسول‌خیامپور، تبریز ۱۳۴۵ ش.

فرزانه ـ م. ع : **مبانی دستور زبان آذربایخان** ، تهران ۱۳۴۴

فرساد وتقی زاده : نظری بتاریخ و درس عبرت (فتح قفقاز یاکلید تسخیر ایران وهند) کاوه ج۱ ش۱۲ و۱۵ و۱۷

فره وشی (مترجم همایون) : **سفرنامه مادام دیولافوا** ، تهران ۱۳۳۲

فرهنگ آبادیهای کشور ـ ج۲و۳ آذربایجان‌غربی‌وشرقی،طبع مرکز آمارایران.

فرهنگ جغرافیایی ایران ـ استان سوم و چهارم (آذربایجان) ـ دائره جغرافیایی ارتش

فصیحی خوافی : مجمل فصیحی، باهتمام محمود فرخ ۳ج، مشهد۴۱-۱۳۳۹

فضل‌الله روزبهان : تاریخ عالم‌آرای امینی (نسخه خطی)
فقیه - آنور پاتکان و نهضت ادبی ، تهران
فیروز - توفیق : **منطقه قالی بافی آذربایجان** ، تهران (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی) ۱۳۴۸ شمسی
قاضی احمد غفاری : تاریخ جهان‌آرا ، طبع تهران کتابفروشی‌حافظ ؛ تاریخ نگارستان ، طبع بمبئی ۱۲۷۵ ق .
قاضی نورالله شوشتری : مجالس المؤمنین ، تهران ۱۲۹۹ ق
قدامة بن جعفر : الخراج وصفة الکتابة ، لیدن ۱۸۸۹ م
القرشی - یحیی بن آدم : **کتاب الخراج** ، لیدن ۱۸۹۶
القزوینی - زکریاء : **آثار البلاد و اخبارالعباد** ، لیدن ۱۸۴۸ ، طبع بیروت ۱۳۸۰ ه .
قزوینی - علامه محمد : **دورهٔ یادداشتهای قزوینی** طبع دانشگاه تهران
قطران : دیوان قطران تبریزی به تصحیح حاج محمد آقا نخجوانی ، تبریز ۱۳۳۳ش .
کاتب‌چلبی - مصطفی بن‌عبدالله (حاجی خلیفه) : **تقویم‌التواریخ و جهان‌نما** ، که هردو آنها را بترکی‌نگاشته ودراستانبول بطبع رسیده است .
کاتبی - حسینقلی : آذربایجان ووحدت ملی ، تبریز ۱۳۲۱ ش
کاری - جملی: **سفرنامه کاری**، ترجمهٔ دکترعباس نخجوانی وعبدالعلی کارنگ تبریز ۱۳۴۸ .
کارنگ - عبدالعلی : **تاتی وهرزنی** ، تبریز ۱۳۳۳ ؛ **دستور زبان کنونی آذربایجان** . تبریز ۱۳۴۰ ش ؛ **تاریخ تبریز** ، ترجمه و تحشیه مقاله مینورسکی در دائره‌المعارف قدیم اسلامی ، تبریز۱۳۳۷ ؛
خاطراتی از شرق ، ترجمه رساله دوروتی‌اسمیت ، تبریز ۱۳۴۴ ش ؛
تبریز (ترجمه مقاله‌ای ازکتاب جهان‌نمای‌کاتب‌چلبی) ، تهران مجله معلم سال اول ۱۳۲۵ ؛ **خلخالی** ، یك‌لهجه از آذری ، تبریز ۱۳۳۴ ؛ تاریخ دنبلیان ، معلم امروز ج ، ۳ ؛ ترانه‌ای چند ازآذربایجان(خلخال) ، مجله سرو ، ج ۱ش ۱
کاشانی - ابوالقاسم‌عبدالله : **تاریخ اولجایتو** ، به‌اهتمام مهین‌همبلی (حاجیان‌پور) ، تهران بنگاه ترجمه ونشرکتاب ۱۳۴۸ش .
کاشغری - محمود ، **دیوان لغات‌الترك** ، ۳ ج ، استانبول ۱۳۳۳ ق
کاویان‌پور - سروان احمد : **تاریخ رضائیه** ، تهران ۱۳۴۴ ش ،

تاریخ عمومی آذربایجان . تهران ۱۳۴۶ ش .
کتاب اسامی دهات کشور ج اول ، نشریه وزارت کشور ۱۳۲۹ش
کتبی – محمود : **تاریخ آل مظفر** ، باهتمام عبدالحسین نوائی ، تهران۱۳۳۴ش
کربلائی – حافظ حسین کربلائی : **روضات الجنان و جنات الجنان** ، ۲ ج
تهران ۱۳۴۴ – ۱۳۴۹ ، باهتمام آقای جعفرسلطان القرائی .
کریمی – بهمن : **جغرافیای تاریخی مفصل غرب ایران** ، تهران۱۳۱۶ش
کسروی – احمد : **آذری یا زبان آذربایگان** ، تهران۱۳۱۸ش ؛
تاریخ هجده سالهٔ آذربایجان ، ۶ ج ۱۳۱۳ – ۱۳۲۰ ش ،
شهریاران گمنام ۳.ج ، تهران ۱۳۰۸–۱۳۰۷ ؛ **مقالات کسروی**، (گرآوردهٔ
یحیی‌ذکاء) تهران ۱۳۳۴ ش ؛ نامهای شهرها ودیه‌های ایران ۲ ج ، تهران۱۳۲۲ش .
کلاویخو : سفرنامه کلاویخو ، رك : رجب‌نیا
کلایس : **تخت‌سلیمان و زندان سلیمان** ، مجله دانشکده‌ادبیات، تهران سال
شانزدهم شماره ۴
کیوان – مصطفی : **خوی وسلماس** ، مجلهٔ یغما ، سال ۱۹ ، ۵۵۴–۵۵۵
کیهان مسعود : **جغرافیای مفصل ایران** ، ۳ . ج تهران ۱۳۱۰–۱۳۱۱ ش
گزارشهای باستانشناسی – از انتشارات اداره کل باستانشناسی ایران ، ۴جلد
۱۳۲۹ ش
گنجینهٔ شیخ صفی : طومار صورت اثاث‌مقبره شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی ، باهتمام
آقای سیدیونسی – طبع‌تبریز ۱۳۴۸
گورگیس‌عواد : **مدینةالموصل** ، بغداد ۱۹۵۹
گیرشمن – رمان : **هنر ایران در دوران هخامنشی**، ترجمه دکترعیسی بهنام
تهران ۱۳۴۶
لسترنج (گی) **الخلافة الشرقیة** ، ترجمه : گورگیس عواد به‌عربی ، بغداد
۱۹۵۴ ؛ **جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی** ، ترجمه احمد عرفان
بفارسی ، تهران بنگاه ترجمه ونشر کتاب .
لمتون – **مالك وزارع در ایران** ، ترجمه دکتر منوچهر امیری ، تهران
۱۳۳۹
لین‌پول – استانلی : **طبقات سلاطین اسلام** ، ترجمه عباس اقبال آشتیانی ،
تهران ۱۳۱۲
مارکوارت : یك کنفرانس‌علمی در بارهٔ آذربایجان، مجله‌ایرانشهر، ۴: ۳۹۵-۴۰۴

مجتهدی ـ دکتر مهدی : **رجال آذربایجان** در عصر مشروطیت ، تهران ۱۳۲۷ ش

المحبی ـ محمدامین بن‌فضل‌الله ؛ **خلاصة الاثر فی اعیان** القرن‌الحادی عشر ،۴ج، دمشق ۱۲۸۴

محمدشفیع ـ محمد : **مکاتبات رشیدی** ، لاهور ۱۹۴۷ م

محیط طباطبائی ـ محمد : چگونه به‌ستارخان پاداش دادند ، دورهٔ دوم مجله محیط ش ۶ ؛ مدینة‌الشعرای تبریز ، مجله محیط دورهٔ ۲ ش ۵ ؛ در پیرامون زبان فارسی (زبان تبریزی) مجله‌آموزش وپرورش ج ۸ ش ۱۰

مخبر ـ محمدعلی : **مرزهای ایران** ، تهران ۱۳۲۴ ش

مدرس ـ علی‌اصغر : **رصدخانه‌مراغه** وزیج‌ایلخانی ، نشریه‌کتابخانه ملی‌تبریز، ش ۳ ؛ ۵-۳۷

مرتضوی ـ دکتر منوچهر : **تحقیق در بارهٔ دورهٔ ایلخانان** ، تبریز ، کتابفروشی تهران ؛ نکته‌ای چند در زبان هرزنی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۶ . ۳۰۴ـ ۳۱۴ ؛ فعل درزبان هرزنی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ، ۱۴:۴۵۳و۱۵،۶۱.

مرعشی ـ سید ظهیرالدین : **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران** ، باهتمام برنهاردان ، سن‌پطرزبورگ ۱۸۵۰ م ؛ **تاریخ گیلان** ودیلمستان باهتمام رابینو ۱۳۳۰ش

مستوفی ـ عبدالله : **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه** ، ۵ ج ، تهران ۱۳۲۴

مشکور ـ دکتر محمدجواد : **تاریخ اورارتو** ، تهران ۱۳۴۵ ؛ **دوسنگبشته اورارتی** ازآذربایجان، مجله راهنمای کتاب ۱۳۴۵ شماره۶ ؛ **ایران درعهد باستان** چاپ دوم تهران ۱۳۴۷ ؛ **تاریخ اجتماعی** ایران‌درعهد باستان ، دانشسرای عالی ۱۳۴۷ش.

مشکوتی ـ نصرت‌الله : **ازسلاجقه تاصفویه** تهران ۱۳۴۳ ش

مفخم پایان ـ لطف‌الله ، **فرهنگ آبادیهای ایران** ، تهران ۱۳۳۹

المقدسی ـ شمس‌الدین ابوعبدالله : **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم** لیدن ۱۹۰۶ م

مقدم ـ دکتر صادق : **آبهای معدنی آذربایجان** وآب لجن دریاچه رضائیه ، تهران ۱۳۴۴ ش

مقدم ـ دکتر محمد : یك سند تاریخی ازگویش‌آذری ، ایران‌کوده ، ش.۱۰.

ملای‌حشری : **روضة‌الاطهار** یا تاریخ ملاحشری تبریز ۱۳۰۳ ق

ملجائی : **مسجد جهانشاه** ، مجله ماهتاب ۱: ۲۳-۲۵ ؛ **مسجدوارك علیشاه**، ماهتاب ۱: ۶۰-۶۲

ملکی ـ جمشیدعباداللهٔ زاده : **اردبیل شهرمقدس** . تهران طبع‌امیر کبیر ۱۳۴۶

منجم باشی : **صحائف الاخبار** (ترکی) ۳ ج استانبول ۱۲۸۵ ه ق

مولانا اولیاءالله : **تاریخ رویان** ، با هتمام دکتر منوچهر ستوده ، طبع بنیاد فرهنگ .

مولوی ـ محمدعلی : میرزا فضلعلی آقا مجتهد مولوی تبریزی ، یادگار ج ۴ ش ۷/۶ : ۱۱۰

مهران ـ محمد : **آذربایجان کنونی** (نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال اول)

مینورسکی ـ **فصول من تاریخ الباب وشروان** ، باب الشدادیه من جامع الدول لاحمد بن لطف‌الله ملقب به منجم باشی (الفقرة الرابعه) .

تذکرة الملوک ، متن وشرح در دوجلد باهتمام محمد دبیرسیافی، ومسعود رجب‌نیا تهران ۱۳۳۳ ـ ۱۳۴۳ ؛ **تاریخ تبریز** ، رك : کارنك

نابدل ـ علی‌رضا : **قصه آقا کواه** (متل آذربایجانی) ، کتاب هفته ش ۱ : ۱۲۷ ـ ۱۲۸

نادر میرزا : تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز چاپ سنگی تهران ۱۳۲۳ ق

ناصح ـ محمدعلی : **ترجمه سیرة جلال الدین** ، تهران ۱۳۲۴ ش

ناصرخسرو قبادیانی ـ حمیدالدین : **سفرنامه** باهتمام دکتر محمد دبیر سیاقی تهران ۱۳۳۵ ه .

نخجوانی ـ حاج حسین آقا : **چهل مقاله** ، تبریز ۱۳۴۳ ؛ **موادالتواریخ** ـ تهران ۱۳۴۳ .

نخجوانی ـ محمد: **محمدبن البعیث** وزبان آذری ، مجله یادگار ج ۳ ، ش ۷/۶ ـ ۱۳۷ ـ ۱۳۹

نشریه دانشکده ادبیات تبریز ـ ازسال ۱۳۲۶ تاکنون

نشریه کتابخانه ملی تبریز

نصرت ماکوئی ـ محمد رحیم : **تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین** ماکو . قم

نظام الدین شامی : **ظفرنامه** ۲ ج ، بیروت ۱۹۳۷ وپراك ۱۹۵۶

نفیسی ـ سعید : **بابك خرمدین دلاور آذربایجان** ، تهران ۱۳۲۳ ش

رساله روحی انارجانی ، فرهنگ ایران زمین ۲ ، ۳۲۹ ـ ۳۷۲

نوابی ـ دکتریحیی : ماهیار: **زبان کنونی آذربایجان** ، ضمیمه نشریه دانشکده ادبیات تبریز دوره پنجم شماره ۲

نوابی ـ دکترعبدالحسین. حیدر عمو اوغلی و محمدامین رسول‌زاده ، یادگار ج ۵ ش ۱/۲ ، ۴۳

نوری ـ ابوتراب . **ترجمه سفرنامه ناورنیه** ، تهران ۱۳۳۱ ق

نیکیتین (ب) : **ایرانی که من شناخته‌ام** ، ترجمه علی‌محمد فره‌وشی ، تهران ۱۳۲۹ ش

واعظ چرندابی- عباسقلی، زعیم‌الدوله تبریزی، یغما، ۱۰، ۸۰-۸۷

واندنبرك (لوئی) : **باستان شناسی ایران باستان**، ترجمه دکتر عیسی‌بهنام ، دانشگاه تهران ۱۳۴۵

وحید قزوینی - محمد طاهر: **عباسنامه** (تاریخ شاه عباس ثانی) باهتمام‌ابراهیم دهکان ، اراك ۱۳۲۹ ش

ودیعی - دکتر کاظم : **هیئت علمی فرانسه** در ایران (مطالعات جغرافیایی ژان دمرگان) تبریز ۱۳۳۸ ؛ جلددوم : **جغرافیای غرب** ایران ، تبریز۱۳۳۹ ش

وزین‌پور- دکترنادر: **ساختمان فعل درزبان‌ترکی** ازدیدهٔ زبانشناسی، تهران ۱۳۴۰ ش

وزیر-محمدبن محمدبن عبدالله النظام‌الحسینی : **العراضه فی‌الحکایة** - السلجوقیة لیدن ۱۹۰۹م

وصاف‌الحضره : شهاب‌الدین عبدالله شیرازی: تجزیةالامصار و**تزجیةالاعصار**، یا **تاریخ وصاف** ، تهران چاپ رحلی‌وعکسی ۱۳۳۸ ش

ویجویه‌ای - محمدباقر : **بلوای تبریزیا تاریخ‌انقلاب‌آذربایجان** ، تبریز ۱۳۲۶ ق .

ویلبر - دونالد : **معماری اسلامی در دوره ایلخانان** ، ترجمه دکتر عبدالله فریار ، بنگاه ترجمه ونشر کتاب ۱۳۴۶ش

ویل‌ـن - کریستی : **صنایع ایران**، ترجمه دکتر عبدالله فریار، تهران۱۳۱۷ش

زلزله درایران(نامه علمی‌وفنی‌سازمان برنامه ، اسفند ۱۳۱۳ و فروردین۱۳۳۷)؛ مسجد جامع رضائیه، محله مهر ۵: ۱۰۸۳ - ۱۰۸۵

هادی حسن : شروان درقرن ششم هجری ، مجموعهٔ مقالات ص۱۱۰-۱۲۱

همائی - جلال‌الدین . **آثارتاریخی تبریز** ، مجله مهر ج ۱ ۱۳۱۲ش

همدمی - محمد : **تاریخ‌محمد همدمی** ، استانبول ۱۲۹۷ ه

هنری فیلد: مردم شناسی ایران ، ترجمه دکترفریار، تهران ۱۳۴۲

هوتـما : مختصر سلجوقنامه ، طبع لیدن ۱۹۰۲ م

هینتس- والتر: **تشکیل دولت ملی درایران** ، حکومت آق قوینلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکاوس جهانداری تهران ۱۳۴۶ ش

یاقوت حموی - ابوعبدالله یاقوت‌بن عبدالله : **معجم‌البلدان** ، ۶ ج ، لایپزیك ۱۸۶۶ - ۱۸۷۳

الیعقوبی - احمدبن ابی‌یعقوب : **کتاب‌البلدان**، لیدن ۱۸۹۷م

یغمائی - حبیب : رشدیه پیرمعارف ، مجله‌آموزش وپرورش ۱۴، ۵۴۳ - ۵۴۶

منابع خارجی

Abbot, K. E. Narrative of a Journey From Tabriz along the shores of the caspian sea to Tehran, 1843 - 4 (Foreign Office Miscellanea, 251,40)

Abbot, N. Arabic Papyri on The Reign of Al-Mutawakkil, ZDMGB. 92, 1938

Abu Dulaf, Mis'ar ibn Muhalhil's Travels in Iran. V. Minorsky, Cairo, 1955

Alekperov, A. K, Icledovania po archeologuii i aitnografii Azerbaidjana, Baku 1960 (بروسی)

Allon W. E. D. A History of Georgian People, London, 1932

Alexander, de Rhodes, Divers Voyage en la Chine et autres royaumes avec son retour en Europe par la Perse et l'Armenie. Paris. 1681

Archaeologische Mitteilungen aus iran, Neue folge Band 2. 1969. Herausgeben von Deutschen Archäologischen institut Abtilung Teheran

Avril, P. Voyage en divers étas d'Europe et d'Asie . . . , Paris, 1692.

Athar - e Iran, Tome III, Paris 1938.

Bahrami, A. Tabriz aux XVII éme Siecle, D'Aprés Les voyageurs (These, Paris, 1964)

Bang, W. Und Gabain A. V. Türkische Turfan-Text, V, SPAW, 1931,

Barbier de meynard, C. A. C. Dictionire géographique hitorique, et litéraire de la perse contrée adjacentes, extrait du Mo'djem el Bouldan de yacout, paris 1861.

Barbier de Meynard, C. A. C. and **Guyard,** S. Trois comédies traduits du dialete Azeri en persan, paris, 1886.

Barthold, V. La découverte de l'Asie, paris, 1946

Barthld, V. Afshin; Darband; Gandja, E I.

Basmadjan, K. Chronologie de l'Hstoire d,Arménie. Revue de l'Orient Chretien, XIX, 1914

Bergin, M. Dedekorkut kitabli, 1958.

Boullaye le Gouz, F. de M. de la. Les Voyages et observations de Sieur de la Boullaye le Gouz . . . Paris 1657.

Boyle J. A. Gandja, E I (N. ed), T, 2, p. 997

Bretanski, L. S. Zodchtectvo Azerbaidjana **XII-XYVV** Ieromecto V Archetektouri Perednevo Vostoka' Moskva, 1966.

Bretanski, L. Salam zadé Istoria Architektouri Azerbaidjana, Moskva 1963

Brokgawz دائرة المعارف قدیم روسی

Brosset M. Rapports sur un Voyage Archéologique dans la Ge - orgie et dans l'Arménie, st. P. 1850.

Brosset, M Histoire de la Ceorgie, st. p. 1849;

Deux historiens Armeniens Oukhtanes d'Ourha, xes. 20 livre. St. P, 1871.

Brown, E. G. The Persian Revolution of 1905 – 1909. Cambridge. 1910;

The Babis of persia. J.A.A.S. 1889;

The tarikh - i - Jadid, Cambridge, 1893;

Some notes on the literature and doctrines of the Hurufit sect. J. R. A. S, 1898;

A literary history of persia, 4 vols. Cambridge 1902-1928

The Persian Constitutionalists. Proccent. Asian Soc. 1908, XX 1 Nov.

Buniyatof, Ziya. Azerbayjan, Baku, 1965

Burton - Brown, T. Recent Archaeological work in Azarbaijan, Asiatic Review, 1951.

Burton - Brown, T. Excavation in Azarbaijan, London, 1948.

Bury, I. B. History of Eastern Roman Empire, Londeon, 1912.

Caferoglu, A. Adhari, E I, Nouvellc Edition, T. 1, P. - 197–200

Chardin, J. Journal du chvealier chardin en perse, inde, orientales par la Mer Noire. 4 Vol, Amesterdam, 1735;

Voyage du chevalier chardin, en perse et autre lieux de l'Orient 10 Vol, paris 1811,

Chahnazarian, V. Histoire des Guerres et des Conquets des Arabes en Arminie, Paris 1857.

Chavanne, Documents sur les Toukiou Occidentaux. st. Petesb. 1930

Chesneau, J, Voyage de Paris à Constantinopole, Celui de perse, Paris, 1759;

La Voyage de M. d'Aramon (1547), Schefer, Paris, 1887.

Contenau, G. La Civilisation de l,Iran au IVe milénaire avant notre ére, paris, 19 6.

Curzon, Lord. G. N. Persia and the Persian Question 2 Vol. 1892

Czegledy K. Khazar raids in trans Caucasia in 742-744 Ad. Acta Orientalia, T, XI. f. L - 3. Budapest, 1960.

Debvoise, N. C. A Political History of Parthia, Chicago, 1938

Deguignes. J. Histoire générale des Huns, des Turks, des Mongols, et des autres Tatares Occidentaux, Ouvrage tiré des Livres Chinois, 4 Vol, Paris 1756-58.

De Morgan, J, Mission scientifique au Caucase. 2 vol. Paris, 1889;

Relation sommaire d'un voyage en perse et dans le kurdistan, 1889 - 91;

Mission Scientifique. Cartes des rives méridionales de la mer caspienne, du kurdistan, du Moukrie de l'Elam. 1895;

Mission scientifiique en perse. paris, 1894-1904;

La féodalité en perse, son origine, son developpevent, son éta actuel

Dieulafoy, Jane. La Perse, la chaldée le Susianne Relation de Voyage. Paris, 1887.

Doefer, Gerhard. Türkishe Und Mongolische Element in New presichen wiesbaden 3 Vol 1963-1965.

D'Ohsson. C. Histoire des Mongols. 4 Vol, La Haye, 1834-1835 mes iii (Mongols is Persia)

Dowsesett, C. J. F. A Neglected Passage in the History of Caucasian Albanians, Bsoas, XIXI 3, 1917

Dulaurier, E. Les Mongols d'aprés les historiens Arméniens. Journal Aisatique 5 th series, XI (1858)

Dumèzil, G. Un Chrètichte Perdu: les Albanais du Caucase. Melange Asiatiques, paris, 1940-41.

Dunlop D. M. The History of the Jewish Khazars. Princeton, 1954

Dupré, A. Voyage en Perse, fait dans les années 1807,1808, et 1809, 2 Vol, Paris 1819.

Flandin, E. et Coste, p. Voyage en Perse. 8 Vol. Paris, 1843-54.

Fredy Bémont. Les Villes de l'Iran, Paris 1969.

Frye R. N. Ardabil, Ei, (Ned) T, I, P. 646;

Barzand, EI (N. ed) T, I, P. 1104,

Gabriel, A. Momument Turc d, Anatolie, 2 Vol, Paris 1931-1934.

Gardane, Alfred de. Mission du Général Gardane en Perse sous le Premier Empire, 1865.

Gardane. Ange de. Journal d'un Voyage dans la Turquie d'Asie et la Perse, Paris 1809.

Gazarin, M. Armenien Unter der Arabischen Herrschaft, Marburg, 1902.

Gobineau, Comte A. de. Trois ans en Asie, de 1855 à 1858 2 Vol. Paris 1859 et 1922;

Mémoire sur l'ètat social de la Pesse actuelle. 1856.

Godard, A. Les Monument de Maragha, Sociètè des Etudes Iraniennes et l'art Persan, Paris, 1934

Grey, A Narrative of italians Travels in Persia in The fifteenth and Sixteenth Centuries, London, 1873

Grousset, R. Histoire de l'Arménic Paris, 1948;

L'empire mongol Paris, 1941.

Günther, R. T. Contributions to the geography of Lake Urmi and its neighbourhood, Geogr. J, 1899,XIV, PP. 504-21;

Contributons to the natural history of Lake Urmi, N. W. Persia and its neighbourhood. J. Linn. Soc. Zool, 1900,XXVII, PP. 345-453

Hazard, H. W. Atlas of Islamic Histary, Princeton, 1959

Herbert, Thomas, Travels in persia, 162 - 9 (Broadway Travellers Series), 1928.

Historical Atlas of the Muslim Peoples, Amsterdam, 1957.

Horzny, B. Histoire de l'Asie Antérieure, Paris, 1947

Howorth, H H. History of the Mongols. 1876-1888. Part III: the Mongols of Persia Part IV : supplement and Indices, 1927.

Huart, C. Memoire sur la fin de la dynastie des ilékaniens. J. Asiat, Paris, 1876 séri 7;

Les Mosâfrides de l'Adherbaidjan, Cambridge, 1922 (From A - Volume ... presented to E. G. Brsowne PP. 228-56) ;

Texts persans relatifs à la secte ds Houroufis (Gibb Memorial series, Vol IV. 1909;

Sadjiedes EI, IV

Jackson, A. V. W. Persia past and present, New york, 1906;

From Constantinopole to the home of Omar Khayyam, New york, 1911.

Jaubert, A. Voyage en Arménie et en perse, fait dans les années 1805-1806, paris 1821;

Histoire de la dynastie des kadjars. J. Asiat, 1834, XIII, p. 122;

Observations sur l'histoire des Mongols de la perse. 1839.

John Bell of Antermony, Travels from st. petersburg in Russia to divers parts of Asia, 2 vol. Glasgow, 1763,

Jean Catholicos, Histoire d' Arménie, M. Saint - Martin, Paris 1841.

Kazem Beg, M. Derbend-Name, st-p.1851.

Keddle, N. Religion and Rebelion in Iran, London, 1966

Document The Background of The constitutional Movment in (Middle East Journal, Automn 1960)

Kermer, A. V. The Orient under the Caliphs, Calcutta, 1920

Ker Porter, R. Trasvels in Georgia, Persia, Armenia, ancient Babylon... During the years 1817,1818,1819, and 1920. 2 vol. 1821-2.

KhanyKov. N. V. Tremblement de terre observé à Tèbriz en sept. 1856.

Notices physiques et géogr, apby sur l'Azerbaidjan. Bull-Phil, Acad. st Petersburg, 1858, pp. 337-52. (cf. ibid, 1855, p. 251);

Mémoire sur les inscriptions musulmanes du Caucase. J. asiat, -

1862, XX, PP. 57-15-155;

Map of Azerbaijan, Compiled principally from personal observa – tion and surveys in 1851-5, XIV. map, no III;

Mémoire sur l'ethnographie de la Perse, 1866;

Routes in Persia (Saqqiz-Sehneh), in continuation of the surway of Azerbaijan to the environs of Ecbatana (1852), Berlin, 1872.

Klaproth, J H. Von, Tableau historique, Céographique ethnogra phique et Politique du Caucase et des provinces limitrophes entre la Russie et la Perse, paris 1827;

Travels in the caucasus and Georgia performed in the years 1807 and 1808, By Command of the Russian goverment, London 1814.

Kotwicz. W. En marge des letters des il-Khans de Perse retrouvés par Abel-Rémusat, Lwow, 1933

Quelque mots encore sur les lettres des 1 l-khans perse retrouv – ées par Abel-Rémusat, wilno, 1936.

Kramers. J. H. Les khazar, Analector Orieentalia, V. I. Leiden, 1954;

The Military Colonisation of Caucasus and Armenia under the Sasaniedes, Bsos, VIII 2-3, 1936

Lane - Poo'e, Stanley. The Mohammadan dynasties. Paris, 1925. Russian Translation with addtions by V. Bartold, St. Petersburg, 1899;

The Arabian historians on Mohammadan numimatics. Numisma - tic Chronicle, Ser. IV, 1884;

The Coins of the Eastern khalifeuts in British Museum. London, 1875.

Laurent - Vibert, R. Byzance et les turcs Seldjoucide dans l'Asie Occidantale, Paris, 1913 - 1914

Lenczowski, G. Russia and the west in Iran, Ithaca; 1949.

Lucas, Paul. Voyage du Sieuer Paul Lucas au Levant, Vol II, Contenant la des description de la Perse, paris 1731.

Marco-polo, La Description du Monde, Tradui par, Louis Hanmbis, Paris 1955.

Margoliouth, D S. The Russian Seisure of Barda'a in 943 A. P. Bsos, 1918

Marquaurt, J. Erânshahr nach der Geographie des ps. Moses xorenac'i. Berlin 1901

Mayer, Bibliography of Moslem Numismatic, London 1954.

Minorsky, V. Dvizheniye (Persian labur in Trans - Caucasia) Sborn. Kons. Dones, 1905, fasc. III;

Poyezdka v Maraghu (A Trip to Maragha and the region of Tatavi and jaghatai) izv. Shtaba kawkaz. Voyen. Okruga, Tiflis, 1907, no 20. PP. 34-56;

Poyezdka, V Makinskoye Khanstvo (A Trip to Maku). Materialy poizuch. vostoka, St. Petersburg, 1909, I, PP. 1-62;

Drevosti Maku (The Antiquities of Maku). Petrograd, 1916 (Vostochnyi Sbornik, II);

Turco-Persan delimitation. From the iz. Imp. Russ. Geog. Obshch: 1916 Lii;

Kela - Shin, the Stele of Topuzawa and the ancient monuments in the region of Lake Urmia. Zap. Vost;

la perse entre la Turquie et Veniz, 1933.

Studies in Caucasian History, Cambridge, 1953.

Ardabil, Barzand, Ganza, Khoy, Maragha, Marand, Niriz, Salmàs, Sa'udj-Bulak (Mahabad), (Shiz Sisar, Tabriz, Urmiya, Ushnü (Articles in E I)

Persia in Ad 1479-1490. An Abridged Tranlation of Fadlullah, b. Ruzbihan Khunjis «Tarikh-i Alam-arayi Amini», London, 1957.

La Géorgie (Revue internationale de Sociologie, Janvies Paris 1923, PP. 54 - 8, mai 1923, PP. 275-8).

Sain - Kal'a Sakkiz, Shàhi-Sewan, Shakák, Shakaki, Shekki, Lankoran, Tàt, Tawakku b.Bazdèz, Tiflis, Uzun-Hasan, Nakhchuwàn (Articles inEI);

Decouverte D'inscriptions Pehlévie à Derbend, JA, Avril 1929.

Transcaucasia, J. A. Jueillet 1930;

La Dominaton des Daïlamites. Publication de la Société des Etueles Iraniennes, Paris, No, 3.

The khazars and The Turks in the Akàm al-Marjàn, BSOS, IX/1, PP. 141-150

A soyurghàl of Qàsim B. Jahàngir Aqqoyunlu (903 / 1498). BSOS. 1X/4, PP. 927-960

The Turkish Dialect of The Khalaj, BSOA, X12,PP 417-437

Tadhkirat al-Muluk. A Manual of Safavid Administration. Gibb Memorial Series, n. S, XVI, 218+130 PP, JRCAS, January, 1944.

Roman and Byzantine Campaigns in Atropatene, BSOAS, 1944, X1,2, PP. 243-265.

Caucasisca in the History of Mayyàfariqin, BSOAS, 1948, XX/4, PP. 27-35.

in Collaboration with C. Cahen: Le Recuell Transcaucasien de Mas_ ud b. Nàmdàr (12e siècle), in Journal Asiatique, 1949, No 1, PP. 286-336

Cawcasica II: The Georgin Maliks of Ahar. The Princes orbeli in Persia. In BOSAS (Bulletin of the School of Oriental and african Studies), 1951, XIII/4, PP. 868-877.

Caucasica III: The Alan Capital Magas and the Mongol Campaigns, in BOSAS, XIV/2, PP. 221 - 238;

Caucasica IV: Sahl b. Sumbât . The Caucasian vassals of Marzuban in 344/935. in BSAS, xv/3, pp.504 _ 29

Studies in caucasian History: New light on the Shaddadis of Ganija; (2) The shaddadids of Ani

The Clan of the Qara-Qoyunlu, in Mélanges F. Koprúlü, Istanbul, 1953

Jihàn _ Shàh Qara _ Qoyunlu and his Poetry, BSOAS, 1954, XV 1/2

Adharbaidjàn, in E I (Second edition)

The Aq-qoyunlu and Land Reforms, BSOAS, 1955, XVII/3,449-462.

A Histosy of Sharwan and Darband in The Ioth Centurz, 1958 Cambridge

The last years of the Georgian monarchy, in BSOAS, 1958, XXI/ 3, PP. 639-41.

Moreau, G. Le Gouz de la Boullaye, Paris, 1956

Morier, J. A journey Throught Persia, Armenia, and Asia Minar, to Constantinopole, in the year 1808 and 1809.

Voyage en Perse, en Arménie, en Asie Minor, 1808-1809. 3 Vol Paris, 1813.

A Second Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor to Constantinopole, 1810 - 16. 1818.

Second voyage en Perse ... 1810 - 1816, 2 Vol, Paris 1818.

Movses Dasxurancl, The History of the Caucasian Albanians, London, 1961

Olearius, A. Relation de Voyage en Moscovie, Tartaris et Perse de Adam Olearius ... Paris 1639.

Otter, J. Voyage en Turquie et en Perse. vo l. 1748

Pétis de la Croix, F. Extraits des Voyages de Pétis de la Griox, en 1670-1680 Paris, 1810.

Philippe, Voyage d, Orient, Traduitdu Latin, Lyons, 1669.

Poulet, A. Nouvelles relations du Levant 2 Vol, Paris, 1668.

Prawdin, M. The Mongol Empire, London, 1953

Rablno, H.L.Coins Medals, and Seals of Shahs of Iran. London, 1945

Ramsay, W. M. The Historical Geography of Asia Minor, Amsterdam, 1962

Rawlinson, H. C. Notes on a Journey from Tabriz through Persian Kurdistan, to the ruins of Takhti - Soleiman. J. R. G. S. 1841X

Ross. E. Denison. The early years of Shah Ismail, founder of the Sefavi dynasty. J.R.A S, 1896,249-340.

Rostovtzeff, Carvan Cities, Oxford, 1932

Sadighl, G.H. Les Monuments Religieux Iraniens, paris 1938

Saimt-Martin, M. I. Memoires historiques et geographiques sur l'Arméné. II, Paris, 1919

Sanson, N. voyage, Ou relation de l'état présent du royaume de Perse. Paris 1695.

Sarre, F. Reise von Ardebil nach Zendschan im nordwestlichen Persien. Gotha, 1899, Bd, XIV, PP. 215-17

Transkaukasien, Persien, Mesopotamien, Transkaspien. Land u. Leute. Berlin, 1899

Ardabil, Grambosche d. Schech Safis, unter Mitwirkung B. Schulz, 1904.

Sarwar, Gh. History of Shah Ismail, Aligrh. 1939.

Siroux, M. La Mosqpuée Djoumeh d'Ardabil, Bulletin de l'intitut francais d, Archéologie Orientale, XLIX (1945)

Suler, B. Les Mongols dans l'histoire, Paris 1961

Sumer Faruk Azerbaycan'in türlesmesi tarihine ümumi bir bakis, TTKB, C. XXI, sayi 83, 1957.

Kara Koyunlular 1 Cilt, Ankara, 1967

Strange G. le. The Lands of Eastern Caliphate. Cambridge, 1930

Stern, S. M. (ed): Document from Islamic chanceries. First series Oxford, 1965. (Oriental Studies, 3)

Stuart, W. Journal of residence in Northern Persia, and the adjacent provinces of Persia, 1854.

Tavernier, J. B. The Six Voyages of John Baptista Tavernier ... through Turkey in to Persia and the East Indies, 1678.

Les six voyages de Jean Bapt. Tavernier ... en Turquie, en perse, et aux Indes, 3 Vol. Paris 1712.

Taylor, W. C. The History of Mohammedanism and its sects, London, 1839

Tectander, Description du Voyage en perse par Etienne Kakache de Zaboukanny en 1602.

Thomas, W. and Roy, S. A. [Trans], Travels to Tana and Persia, By: Josafa, Basbaro and Ambrogio Contarini, London, 1873

Tiesenhausen, V. The mosque of Ali-Shah in Tabriz (according to al-Aini). zap. Vost. Otd, 1886,I, PP, 114-118 (in Russian).

Tirmizi B. M. Zoroastrians and their fire Temples in Iran and adj oining Countries from the 9 - th to the 14-th Centuries as gleaned from Arabic geographical woks, IC. XXIII, N 4, 1950

Vandenberghe, Louis. Archéologie de l'Iran Ancien Leiden, 1958

Vasmer, Chronologie der Arabischen Statthalter von Armenien etc. (750-887), Vienne, 1931.

Voyage ou relation de la perse avec un disertation sur les moeurs, religion et gouvernement de ce État. Paris, 1668.

Voyage en Turquie, en Perse, en Arménie, et en Barbarie par un Missionaire de la Compagnie de Jésus. Paris, 1729

Voyage en Perse fait dans les années 1807, 1808, 1809. 2 Vol Paris, 1819.

Watson, R. Grant. A History of Persia from the beginnig of thc nineteenth Century to the year 1858, ..., London 1866.

Wigram, The Assyrians and their Neibours, London. 1929.

Wilber, D. N. The Parthian Structure of Takhti Sulayman Antiquity, 1938.

Wilber, D. N. The Architecture of Islam Iran the Ilkhànid Period, New Jersey. 1955

Wilber D. N. Preliminary Report On Takhti-Sulayman. III. Summary Description of Extant Sյructures, Bull, Am. Inst. Iranian Art and Archaeology, V. 2 (1937)

Wilbraham, R. Travels in the transcaucasian provinces of Russia, and along the ... lakes of Van and Urmiah in ... 1837. London 1839.

Wilson, J. C. The Masjid Jami' of Rizai_ya, Bull. Am. Inst. Iranian Art and Archaeology, V. 1 (1937).

Wilson, S. G. The Russian Occupaton of northern Persia. Moslem world, 1913, III, pp. 339-49

Wright, E. M. Babak of Badhdh and al-Afshin during the years 816-841 A. D. The Moslem World, V. 38, N. 1-2, 1948

Yar-Shater, E. A. Granmar of Southern Tati Dialects, Mouton, 1969.

The Tati Dialects of Ràmand, A Locust's Leg, Studies in honour of S. H. Taqizadeh, (London 1962)

The Use of Postpositions in Southern Tati (yàdnname - Minorsky, Tehran, 1969)

The Tati Dialects of Tarom (W. B. Henning Memorial Volume) London, 1970

The Use of Feminine Gender in Southern Tati Dialects (Pagliaro Memorial Vol III, Roma, 1969)

Zambaur, E. Manuel de Généalogie, et de Chronologie pour l'-Histoire de l'Islam Hanovre, 1927

Zekivelidi Togan, A. Islàm Ansiklopedisi, 2 Cilt, Istanbul, 1946 P. 91_119 (Art: Azerbaycan)

فصل دوازدهم

تصاویری از آذربایجان



۱ ــ سراب مدخل امام زاده موسی بن جعفر



۲ ــ تصویری ازامام زاده تازه شهر ، دهی از دهستان حومه شاهپور



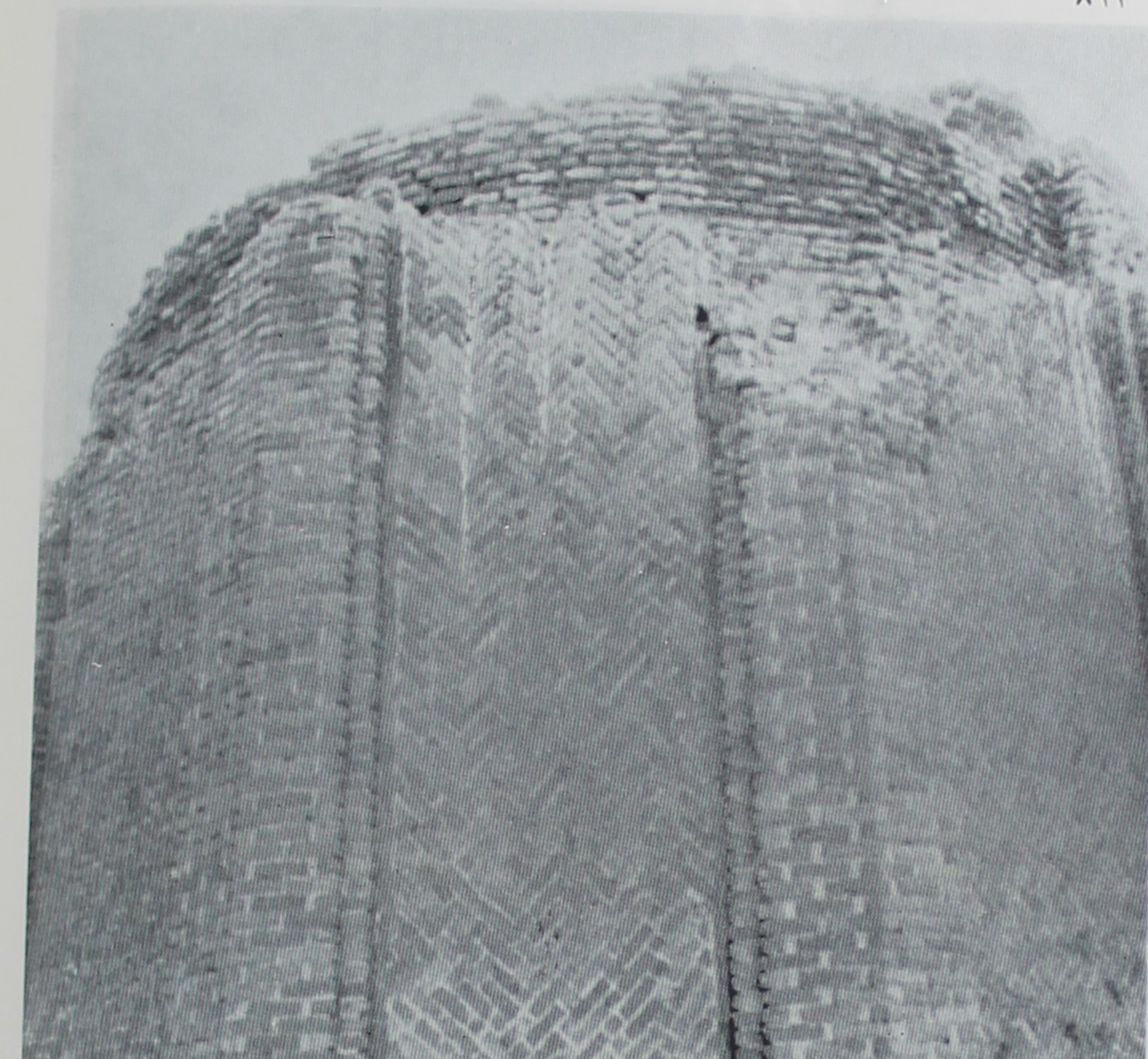
۳ ــ خوی ـ عکس دروازه قدیم شهر



۴ ـ خوی ـ صورت شیر بر دروازه قدیم شهر



۵ ـ خوی قوچی سنگی که بریك قبردوره اسلامی قرار دارد



۶ ــ مقبره‌ای بصورت برج ازدهستان کلخوران بخش مرکزی شهرستان اردبیل



۷ ــ سر در مسجد سردار در رضائیه



۸ ـ ماکو ـ قصری درقسمت غربی شهر(باغچه جوق)



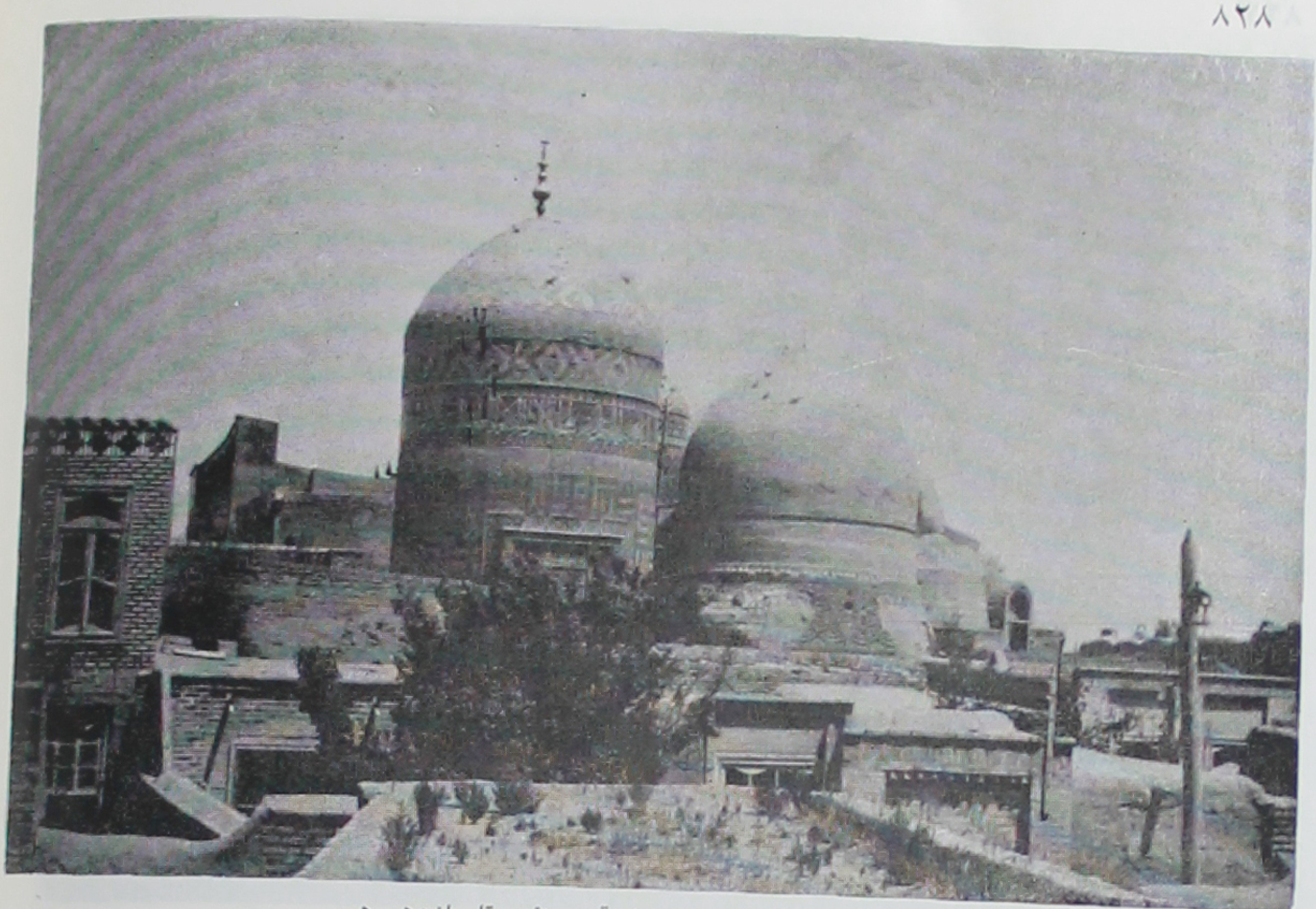
۹ ـ کتیبه‌هایی بخط ارمنی بر دیواره پلی در سه‌کیلو متری شرق ماکو



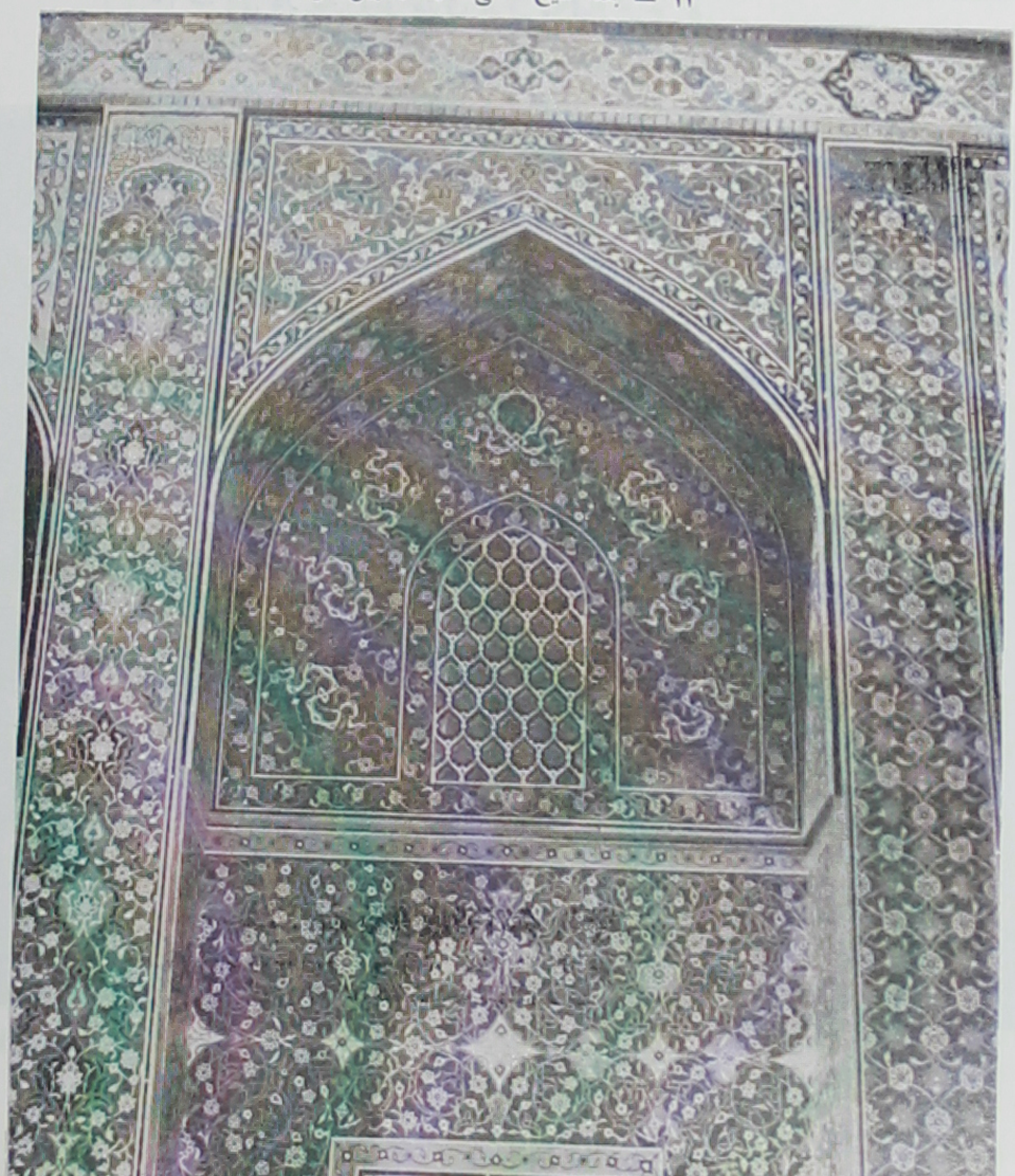
۱۰ - پلی در سه کیلو متری شرق ماکو



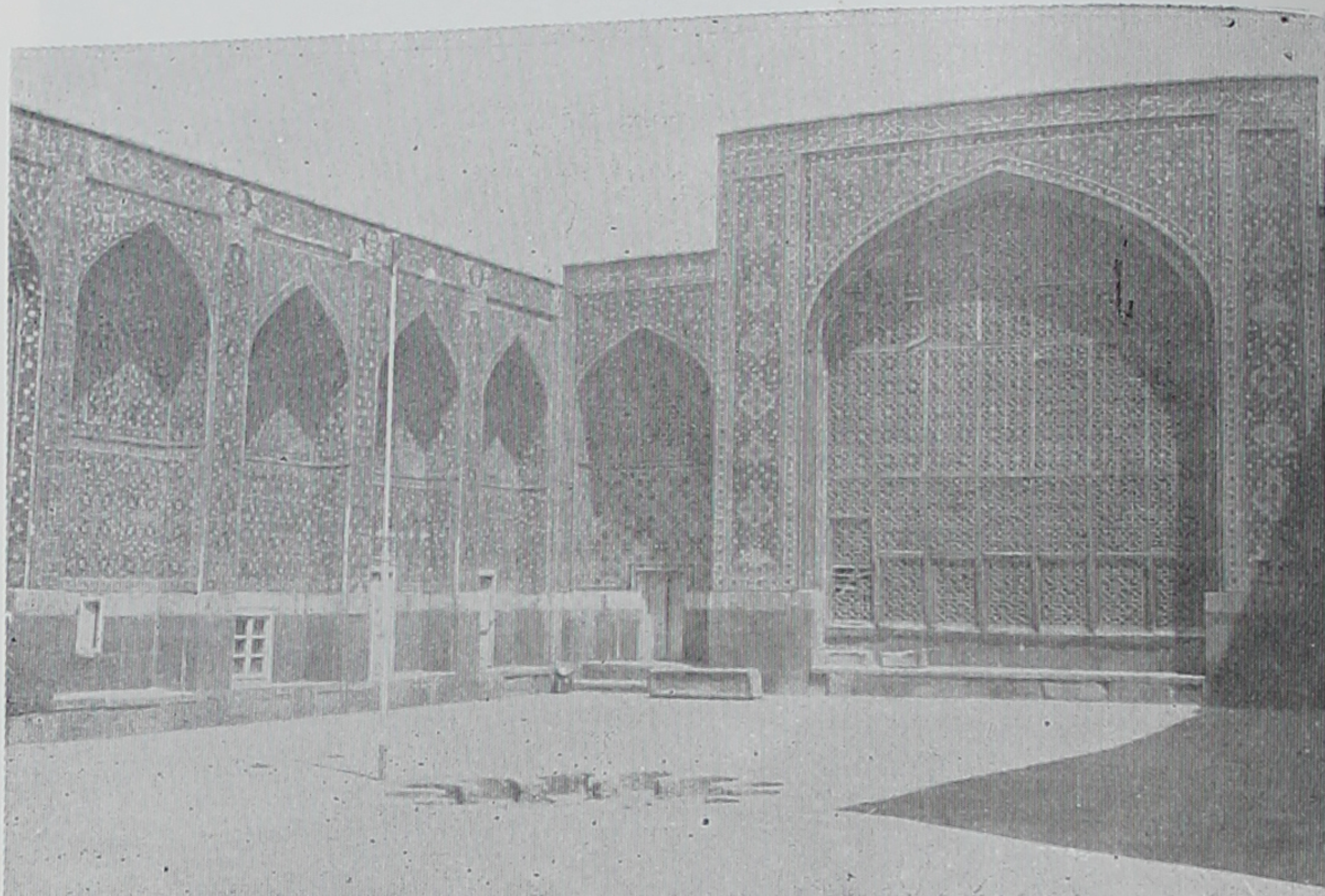
۱۱ - ماکو - قصری در قسمت غربی شهرازداخل



۱۲ ــ بقعه شیخ صفی در اردبیل قرن هفتم تا یازدهم ه.



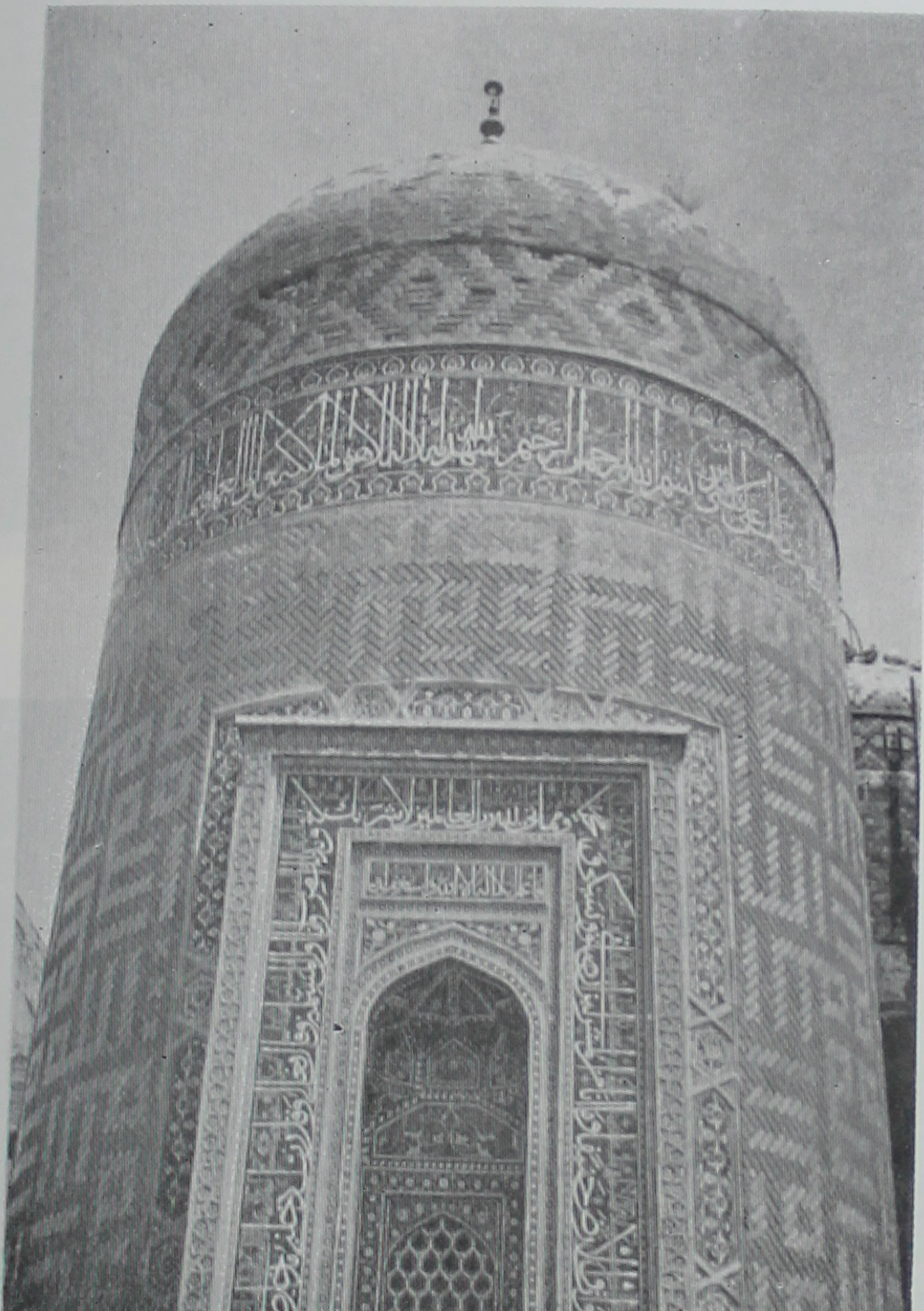
۱۳ ــ مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی یکی از سر درها



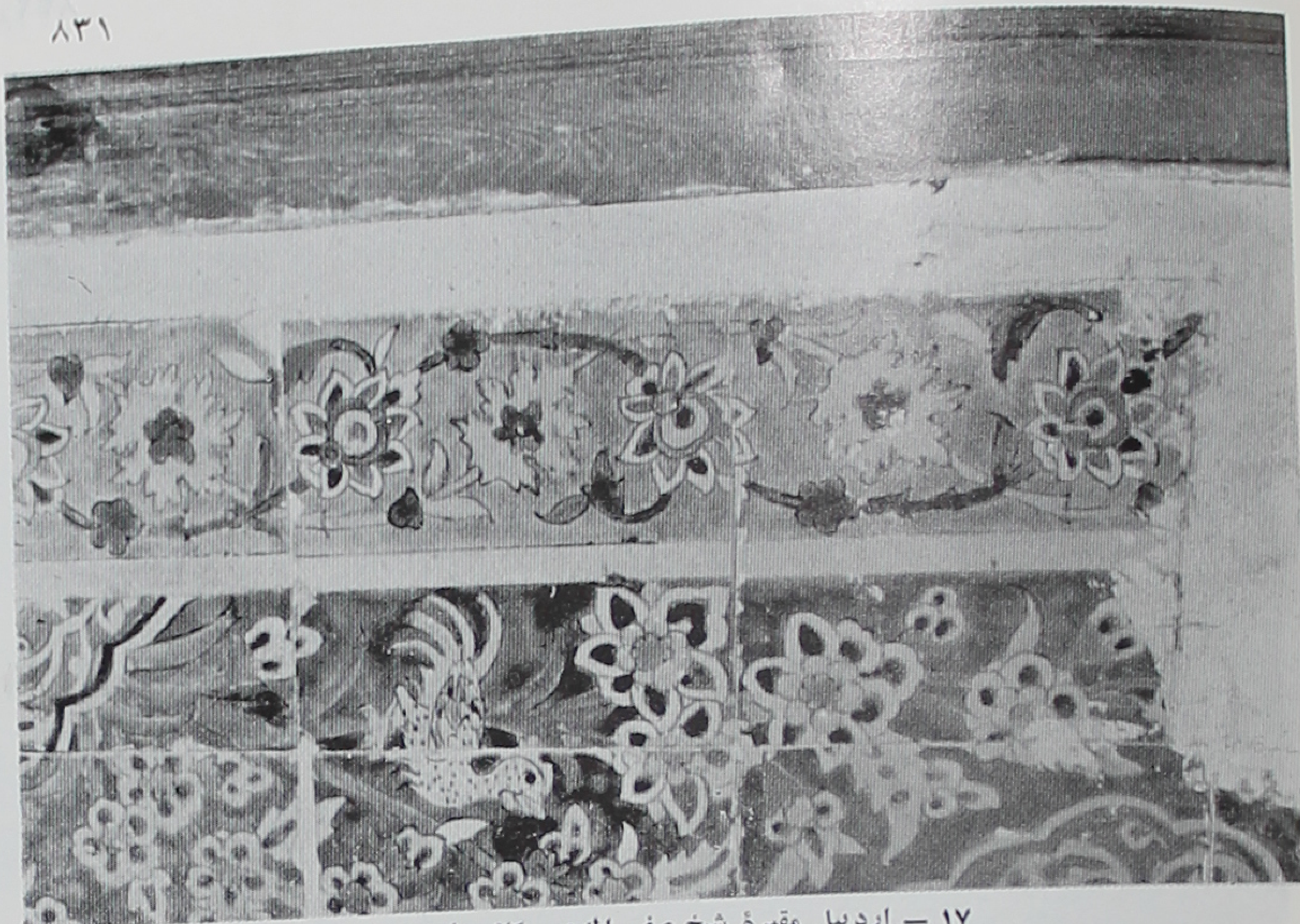
۱۴ ــ گوشه‌ای از بقعهٔ شیخ صفی الدین اردبیلی ــ اردبیل



۱۵ ــ گوشه‌ای از بقعه شیخ صفی در اردبیل



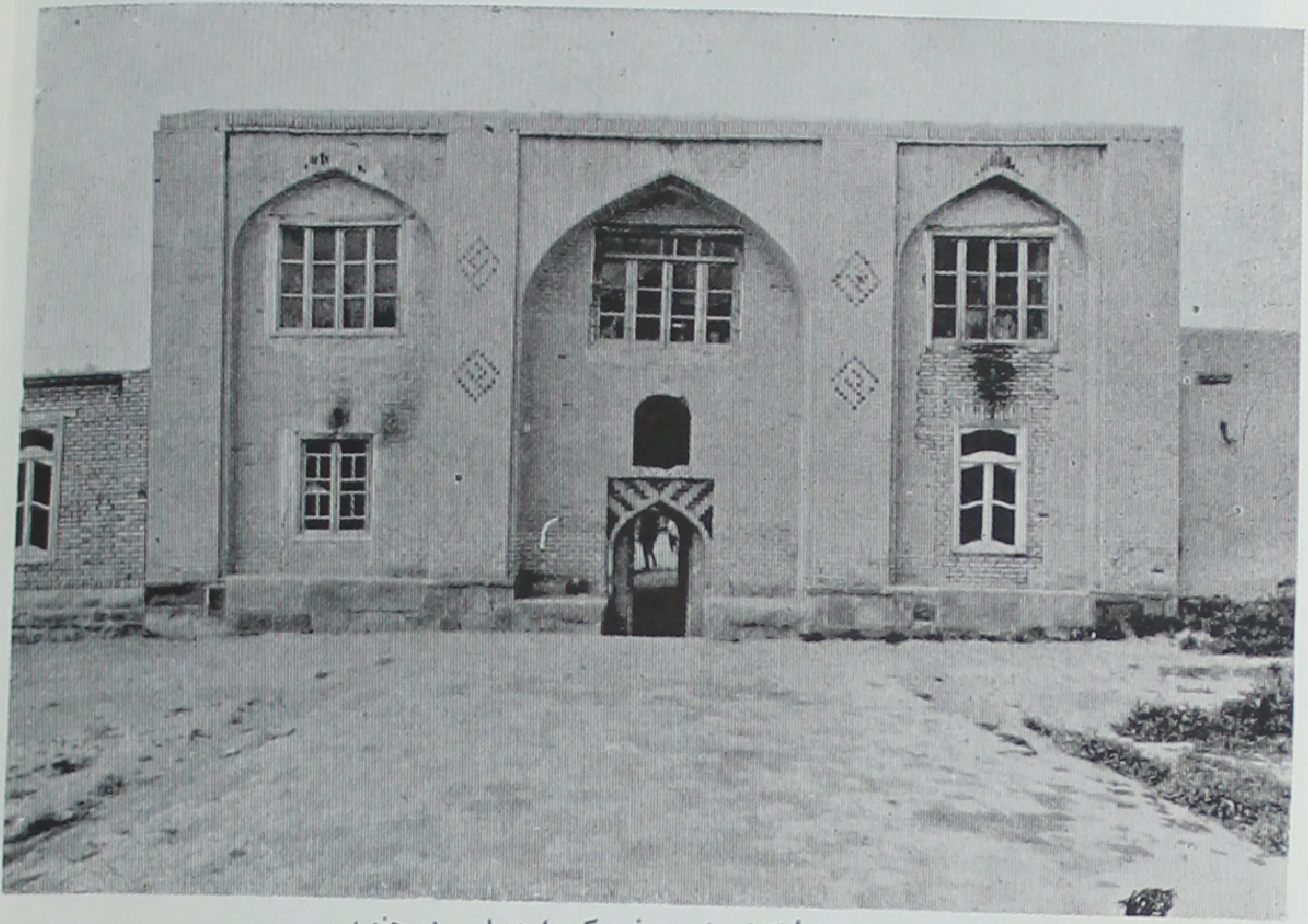
۱۶ — گنبد الله الله شیخ صفی در اردبیل



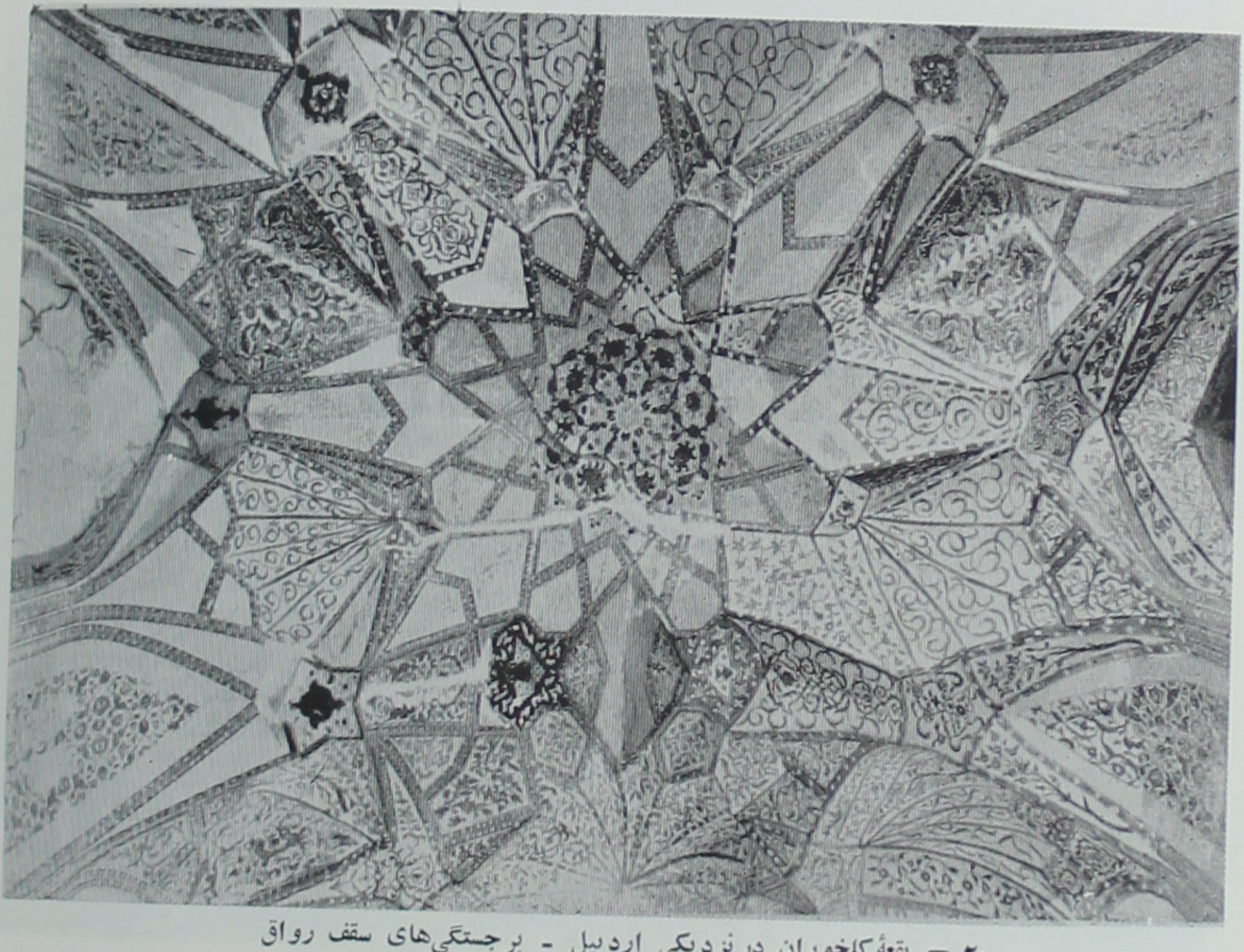
۱۷ — اردبیل مقبرهٔ شیخ صفی الدین -کاشی‌های دیواری



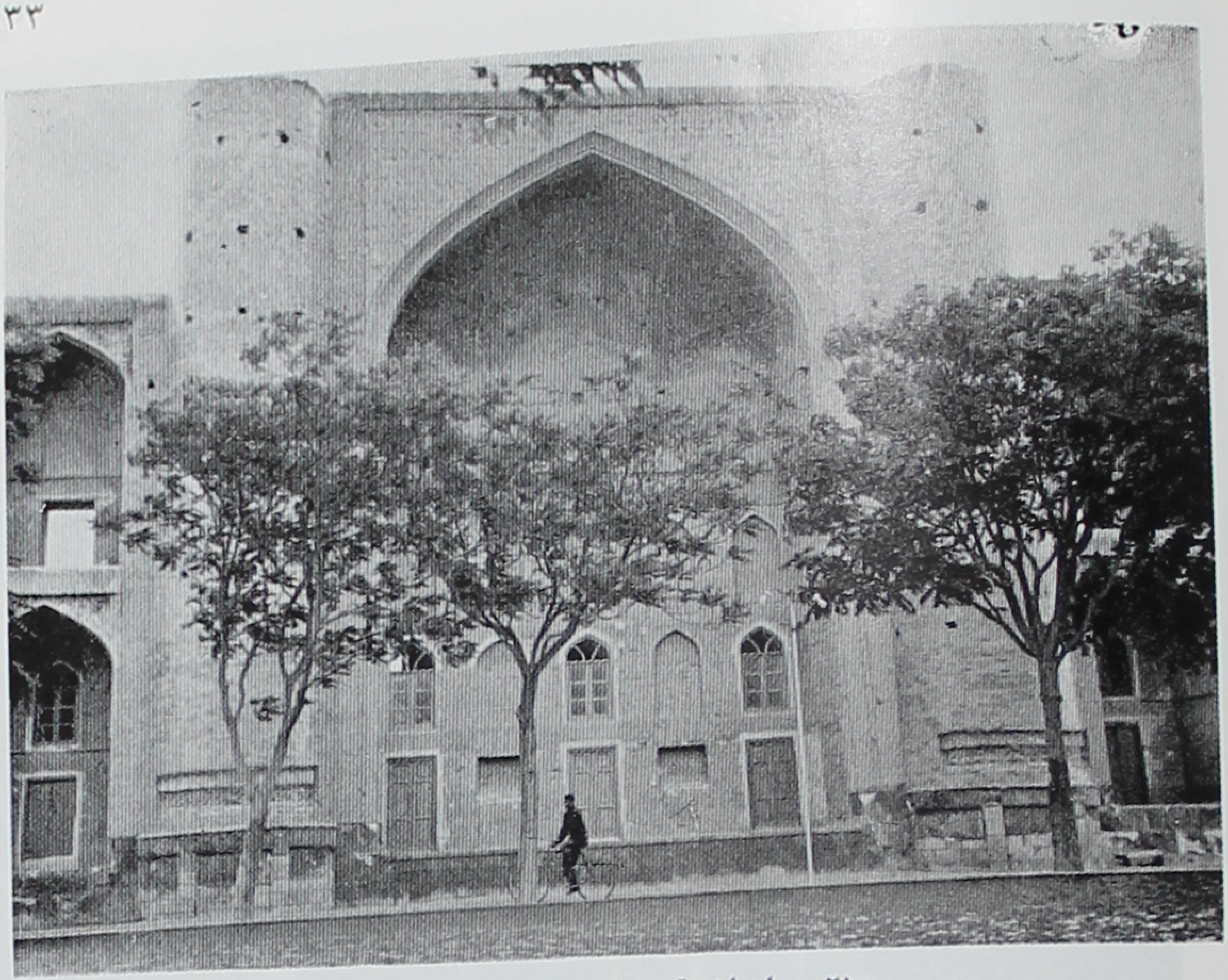
۱۸ — کلخوران — مقبرهٔ شیخ جبرائیل - سه کیلو متری اردبیل



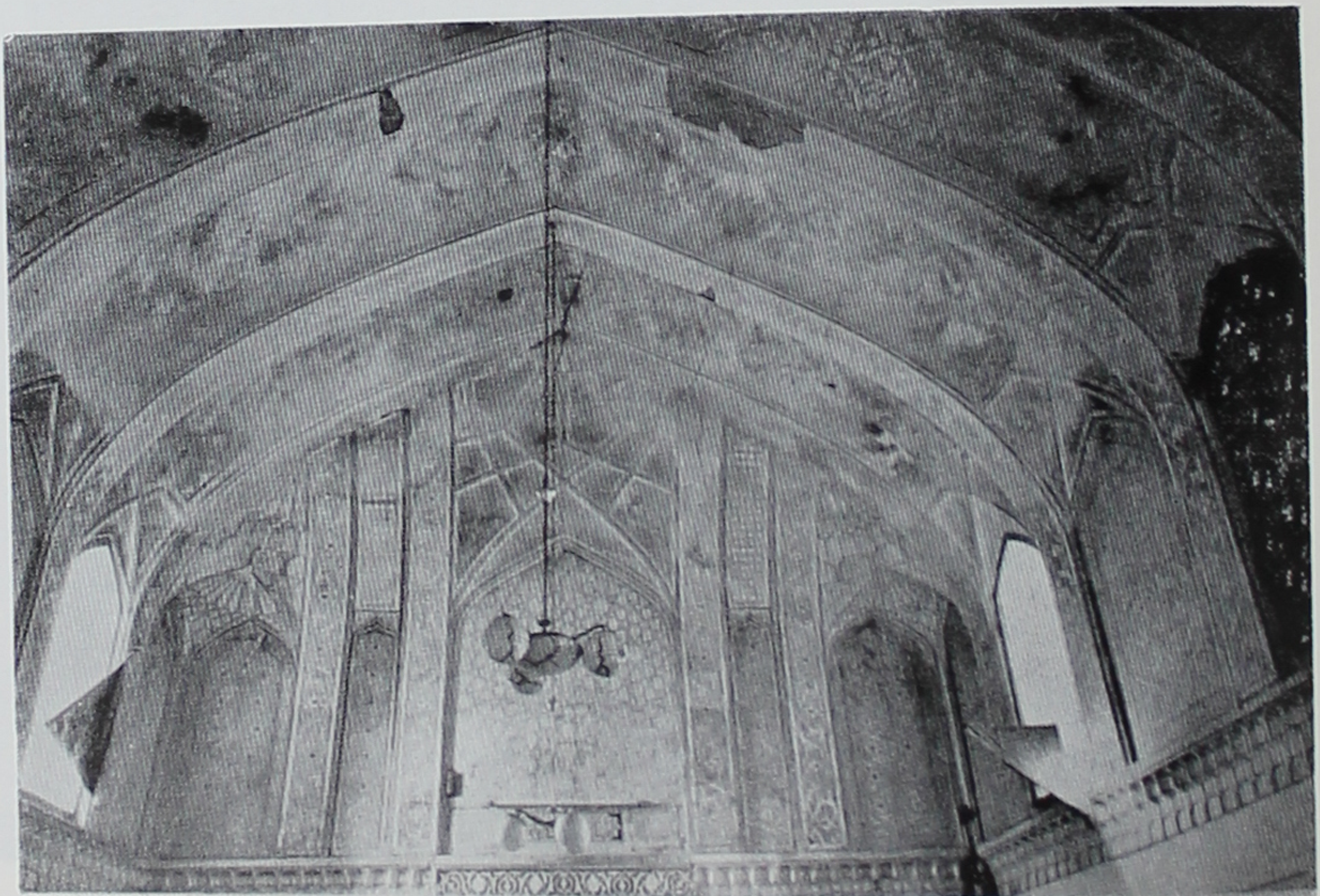
۱۹ ـ بقعهٔ کلخوران در نزدیکی اردبیل - در جنوبی



۲۰ ـ بقعهٔ کلخوران در نزدیکی اردبیل - برجستگی‌های سقف رواق



۲۱ – ایوان مقبره شیخ شهاب‌الدین دراهر



۲۲ – اهر - مقبره شیخ شهاب‌الدین – عکس برداری از داخل رواق



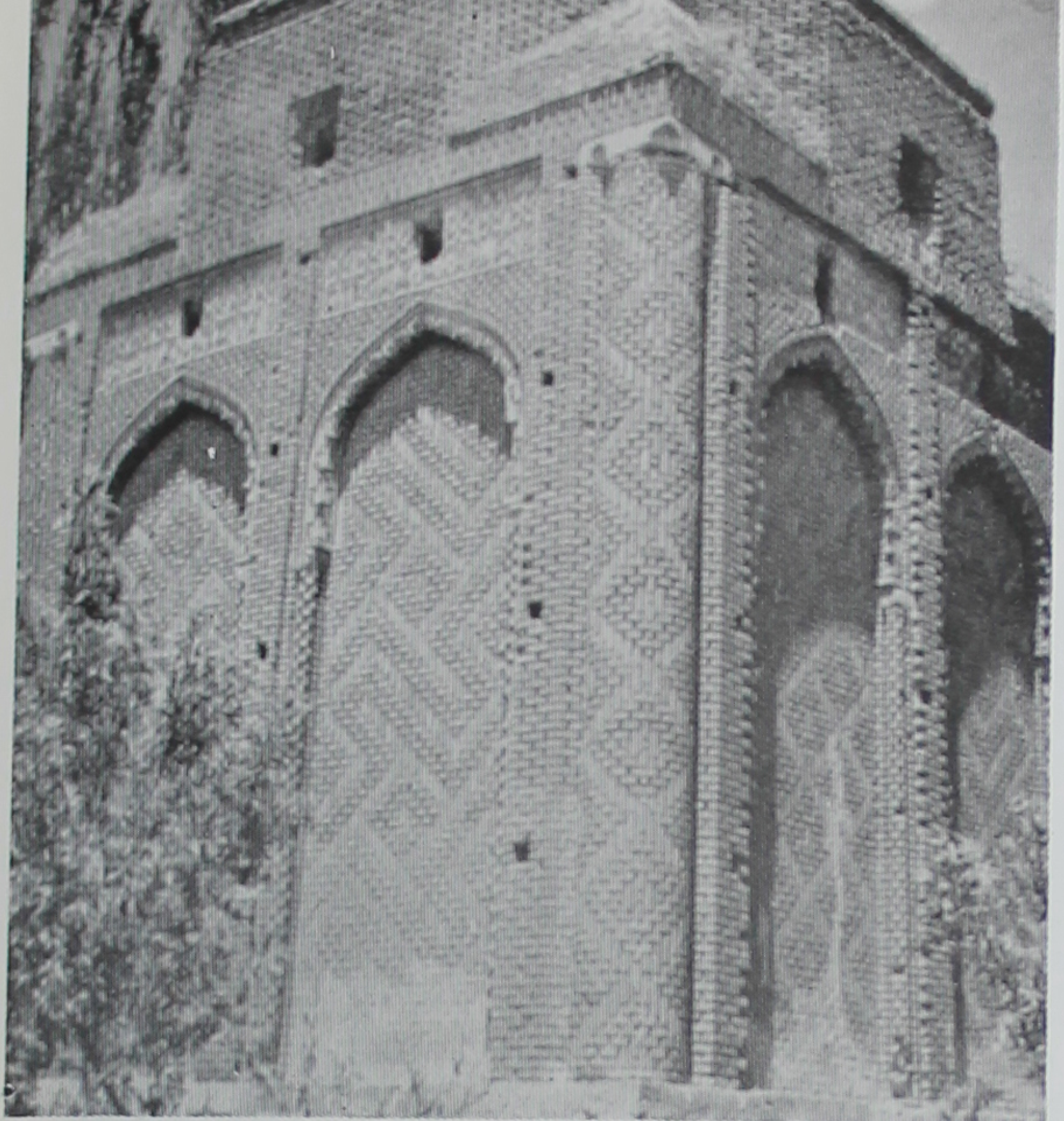
۲۳ ـ عمارت شهرداری رضائیه



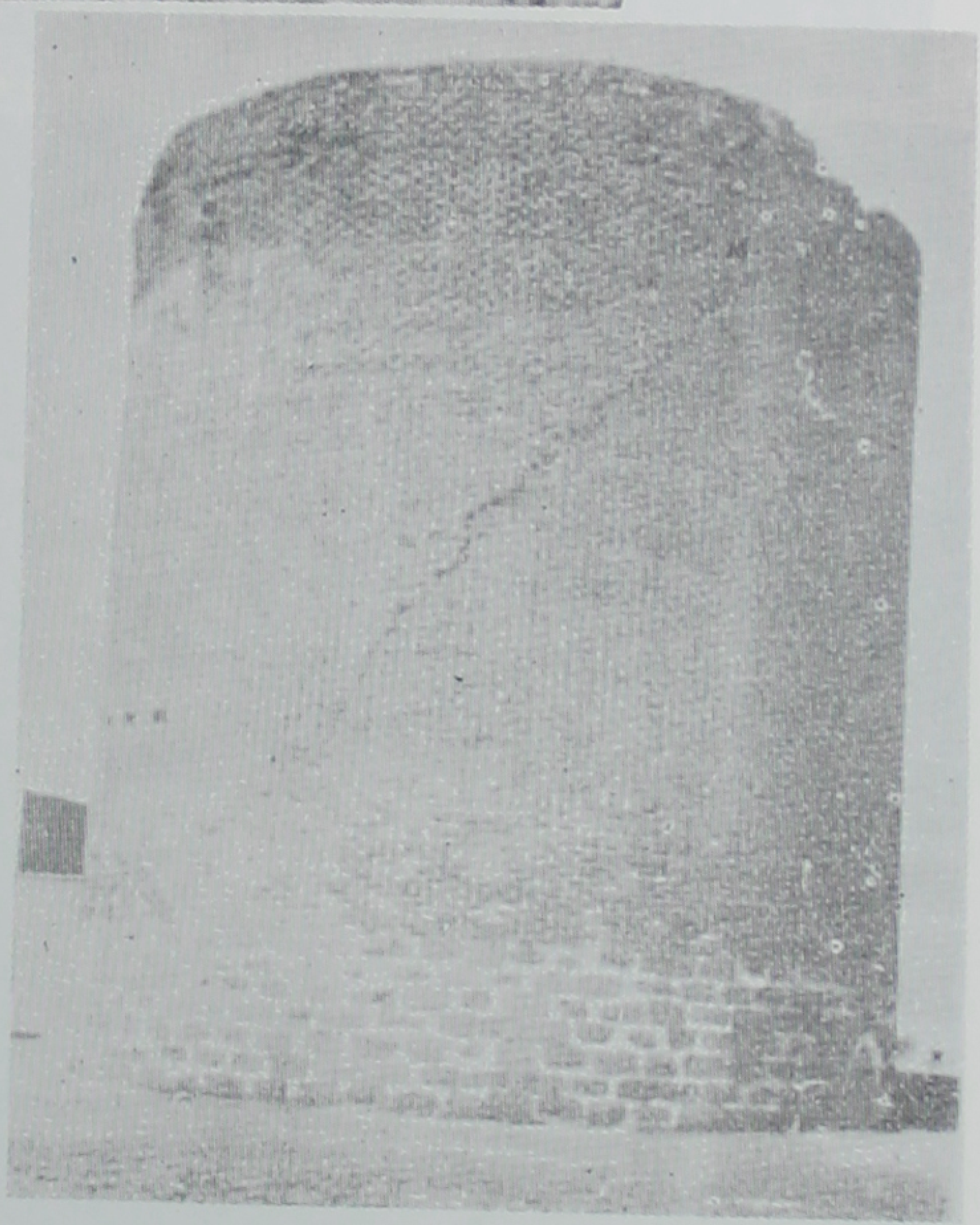
۲۴ - اهر ــ مقبره شیخ شهاب الدین



۲۵ - مراغه ــ اطاقکهای سنگی، که درون صخره‌ای تراشیده‌اند



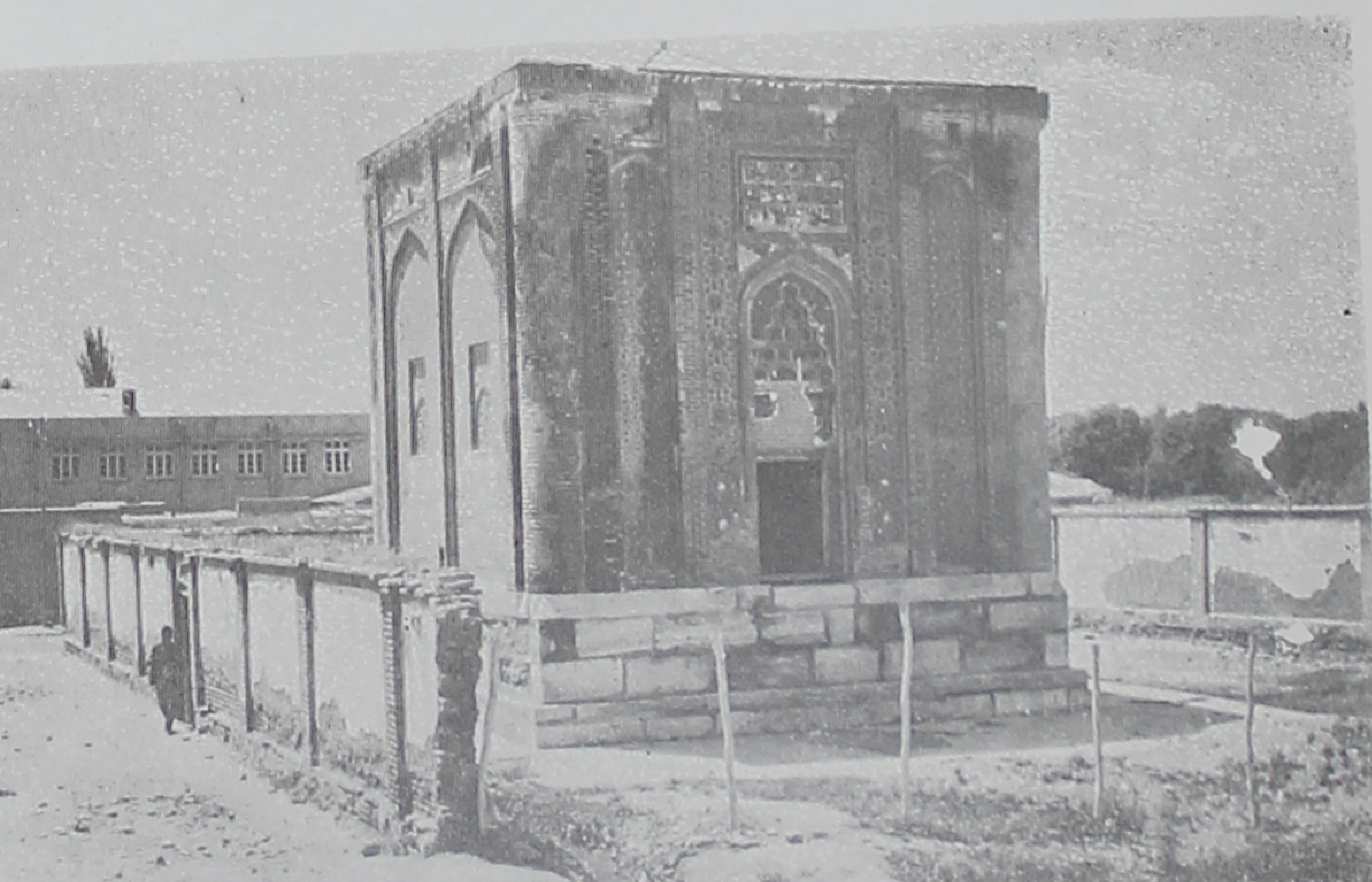
۲۶ - گنبد سرخ مراغه



۲۷ - برج مدور از طرف مشرق



۲۸ - گنبد کبود در



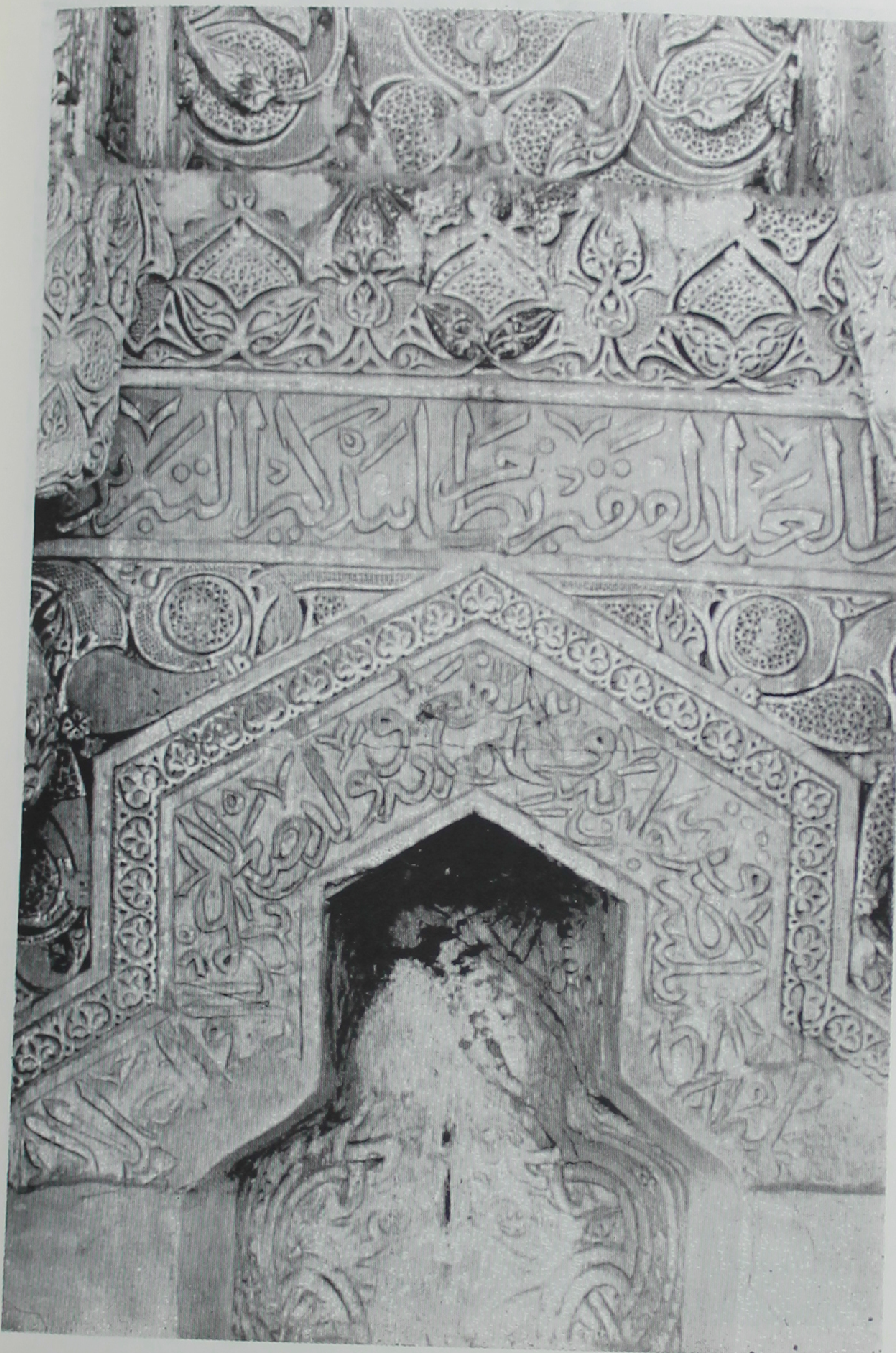
۲۹ - گنبد غفاریه درمراغه

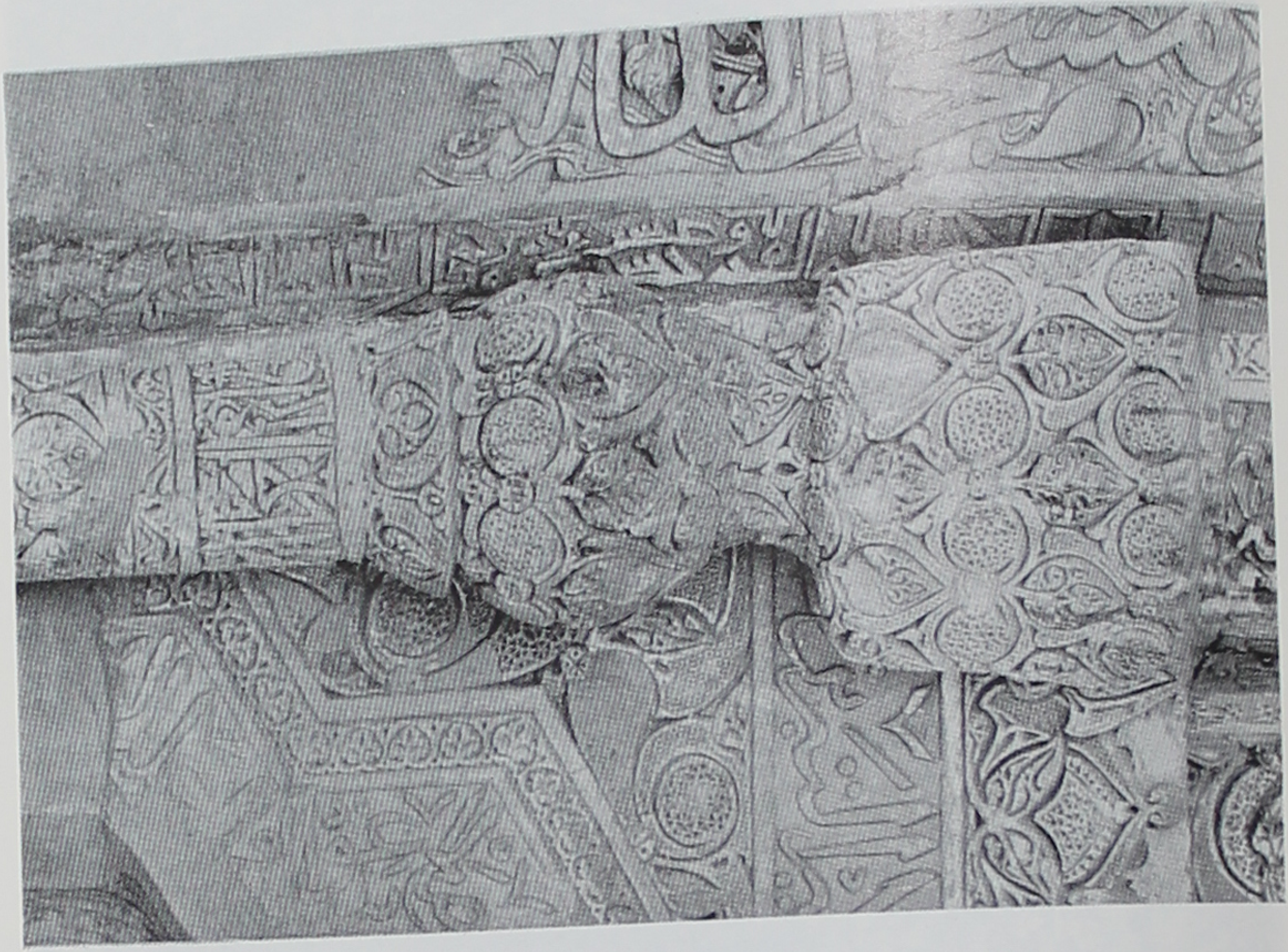


۳۰ - امامزاده حسن - مراغه



۳۱ - مرند بالای محراب مسجد جمعه

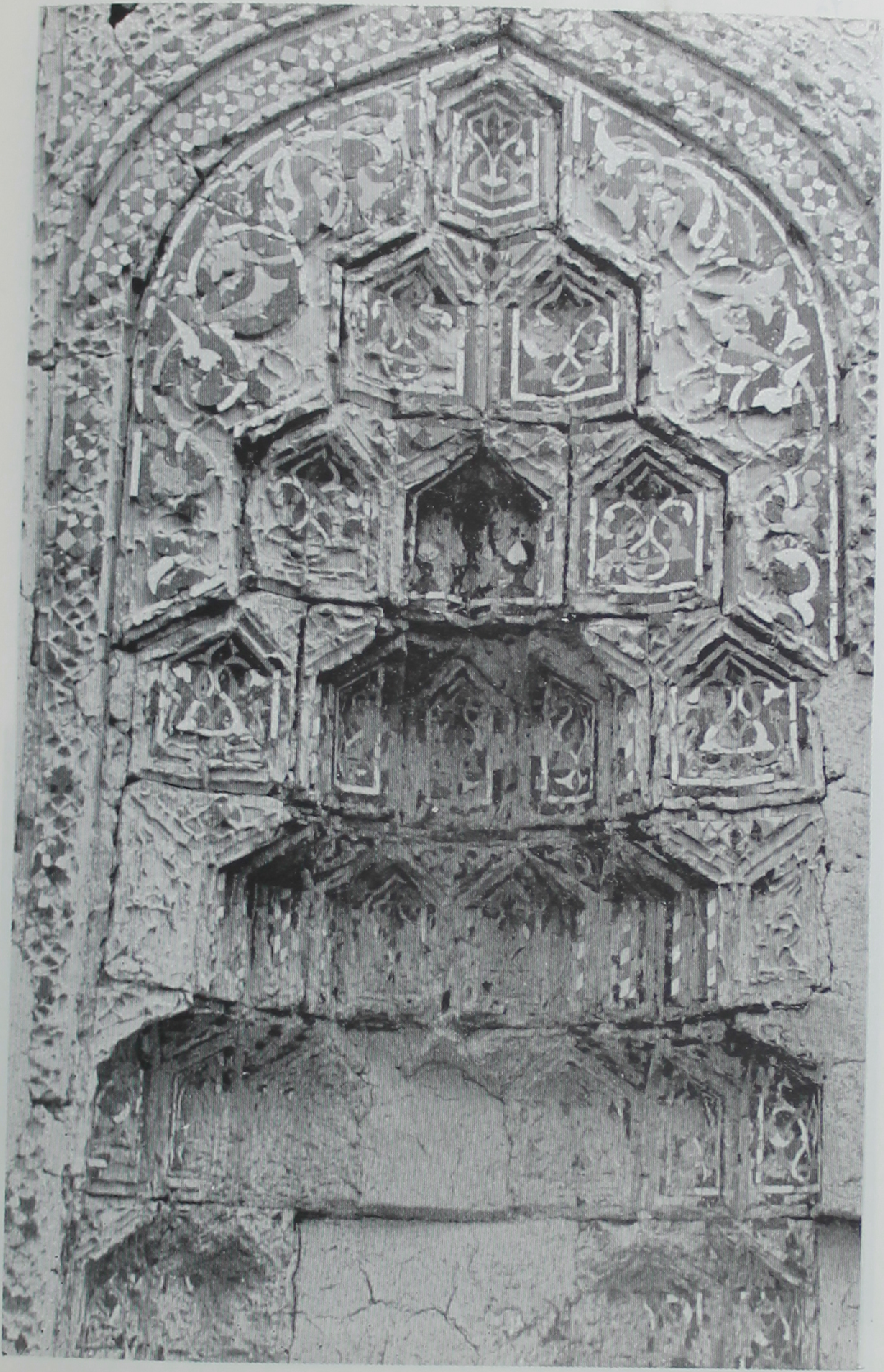




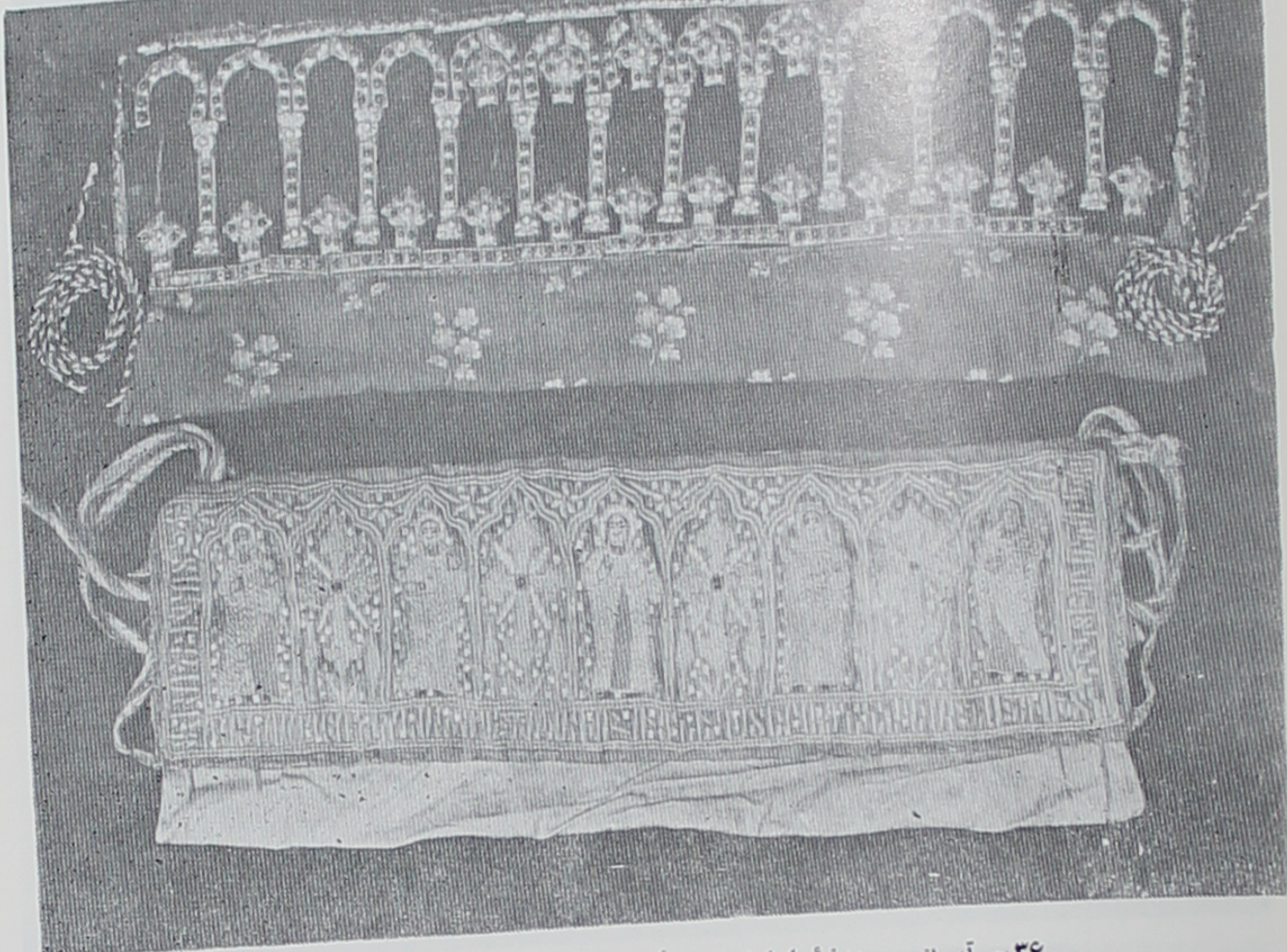
۳۳ - مرند - محراب مسجد جمعه ـ قسمتی از ستون درکنار محراب



۳۴ - سنگ قبری ارمنی ـ در نزدیکی قراکلیسا



۳۵ - مشکین شهر - برج مقبرهٔ سلطان حیدر



۳۶- تبریز — موزهٔ ارامنه — یقهٔ لباس متعلق به کلیسای استفانوس.



۳۷ - تبریز - موزهٔ ارامنه - حیوان افسانه‌ای ازمرمر از کلیسای استفانوس



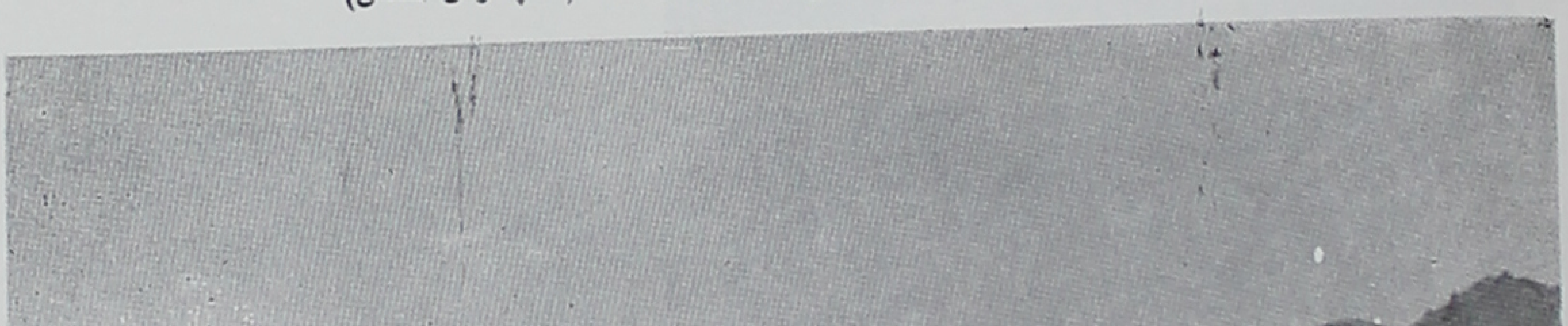
۳۸ - رواق کلیسای استافانوس



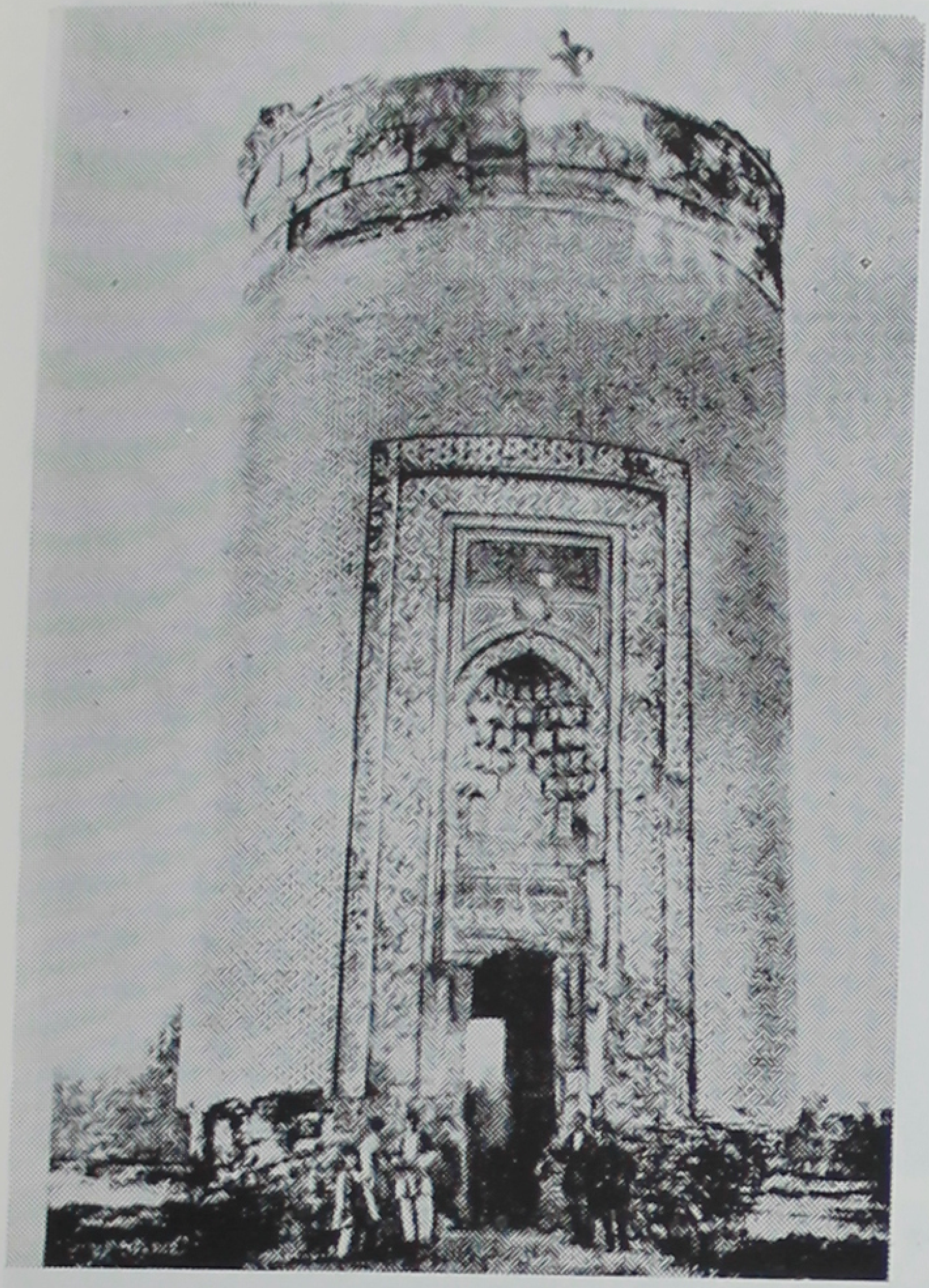
۴۴ - مقرنس‌های مرمری برنگهای سبز و زرد و سفید و سرخ کلیسای (استپانوس مقدس) دره شام جلفا



۴۰ ـ کلیسای دره شام واقع دربین نخجوان و جلفا (استپانوس مقدس)



۴۱ ـ پل دختر ـ درنزدیکی میانه که از وسط بعلت بمب شکسته شده است .



۴۲ ـ بنای سه گنبد در رضائیه



۴۳ ـ دروازه قلعه دختر نزدیك میانه



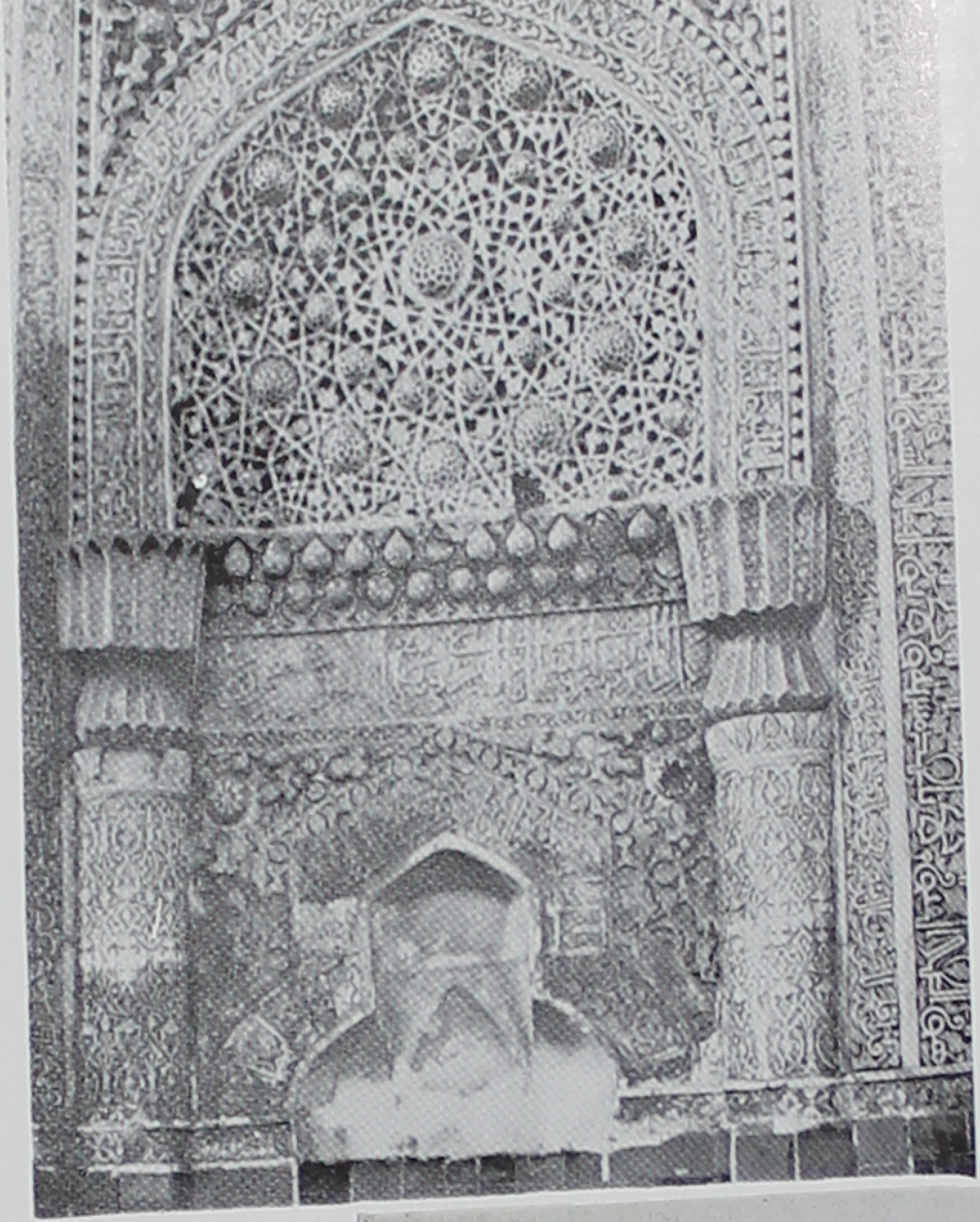
۴۴ - کاروانسرایی بین میانه و معبرچپلی



۴۵ - بقایای قلعهٔ دختر در نزدیکی میانه



۳۹ - سنقر - مقبره‌ای بصورت برج درسنقر آباد - ده جزء دهستان کندوان بخش ترک شهرستان میانه



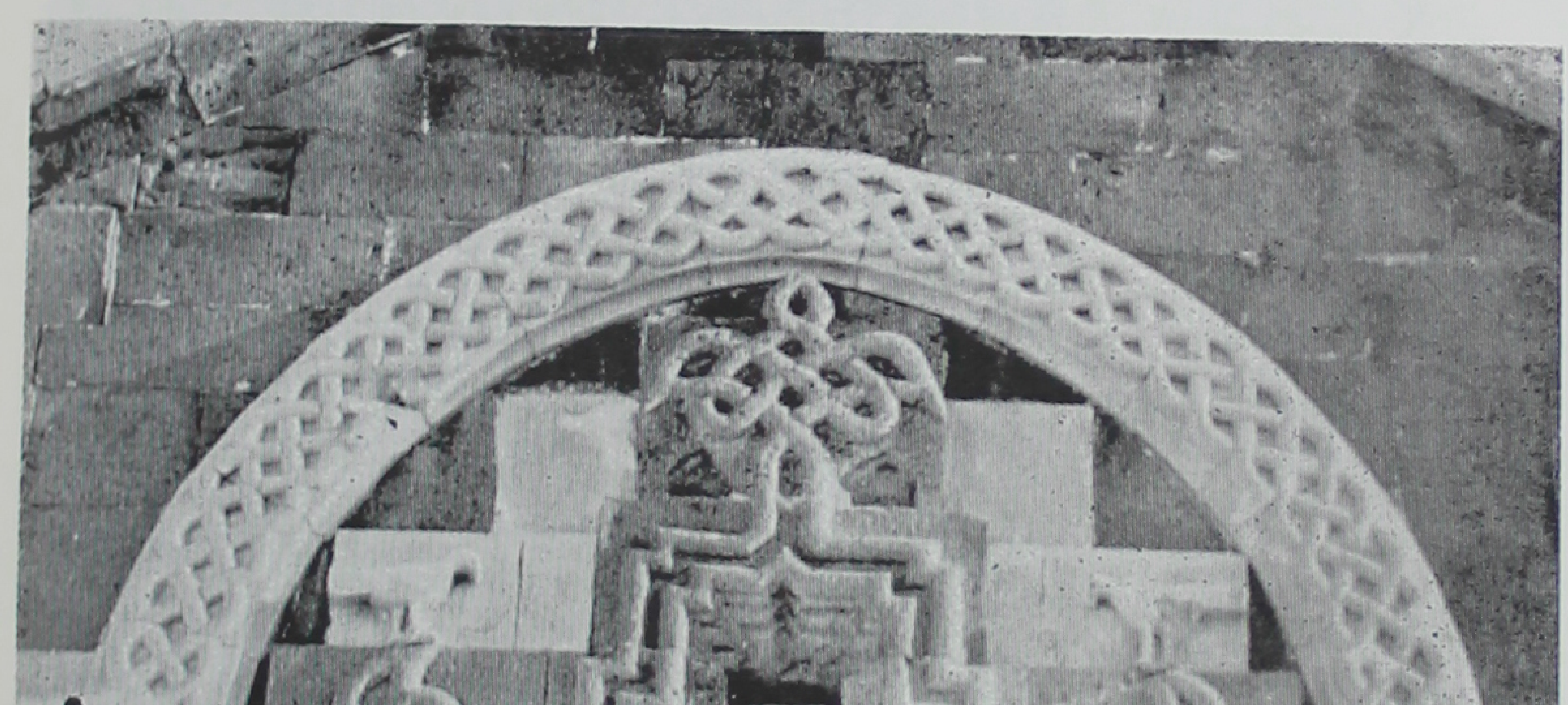
۴۷ - گوشه‌ای از مسجد جامع رضائیه



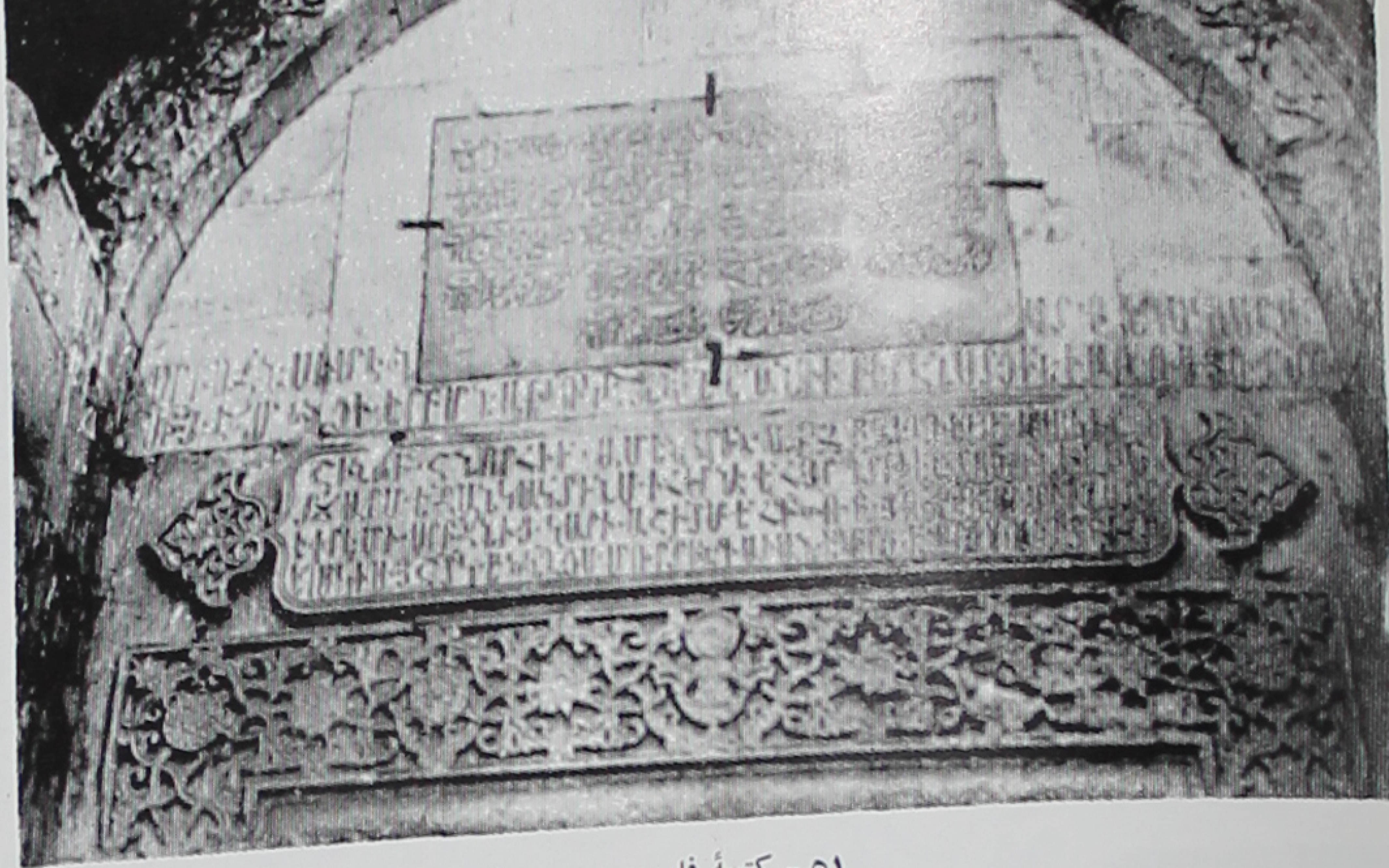
۴۸ - گنبد مسجد جامع رضائیه



۴۹ - کلیسای طاطاوس (ماکو)، قرن نهم میلادی



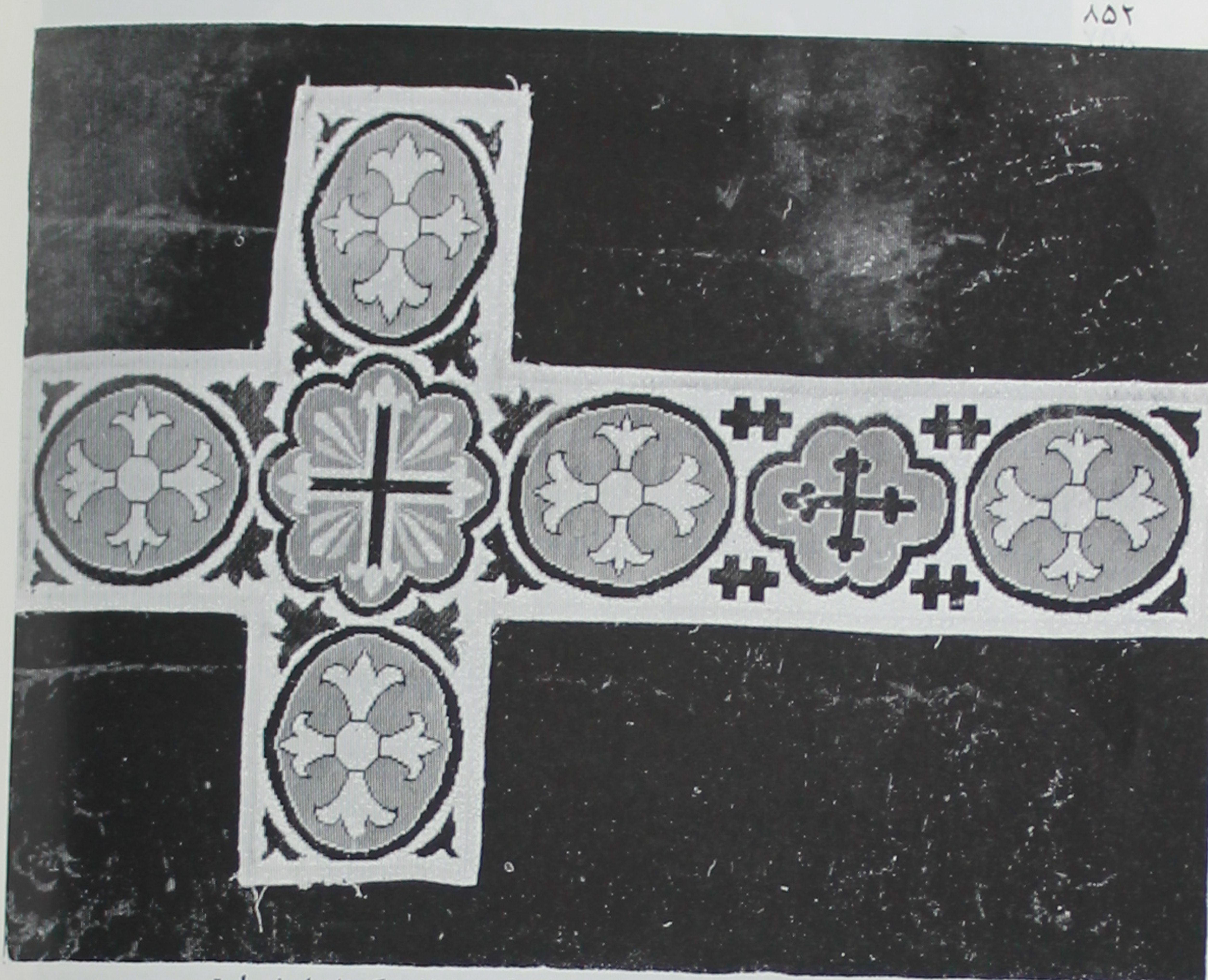
۵۰ - قره‌کلیسا ، یکی از کنده‌کاریهای زیبا برروی سنگ



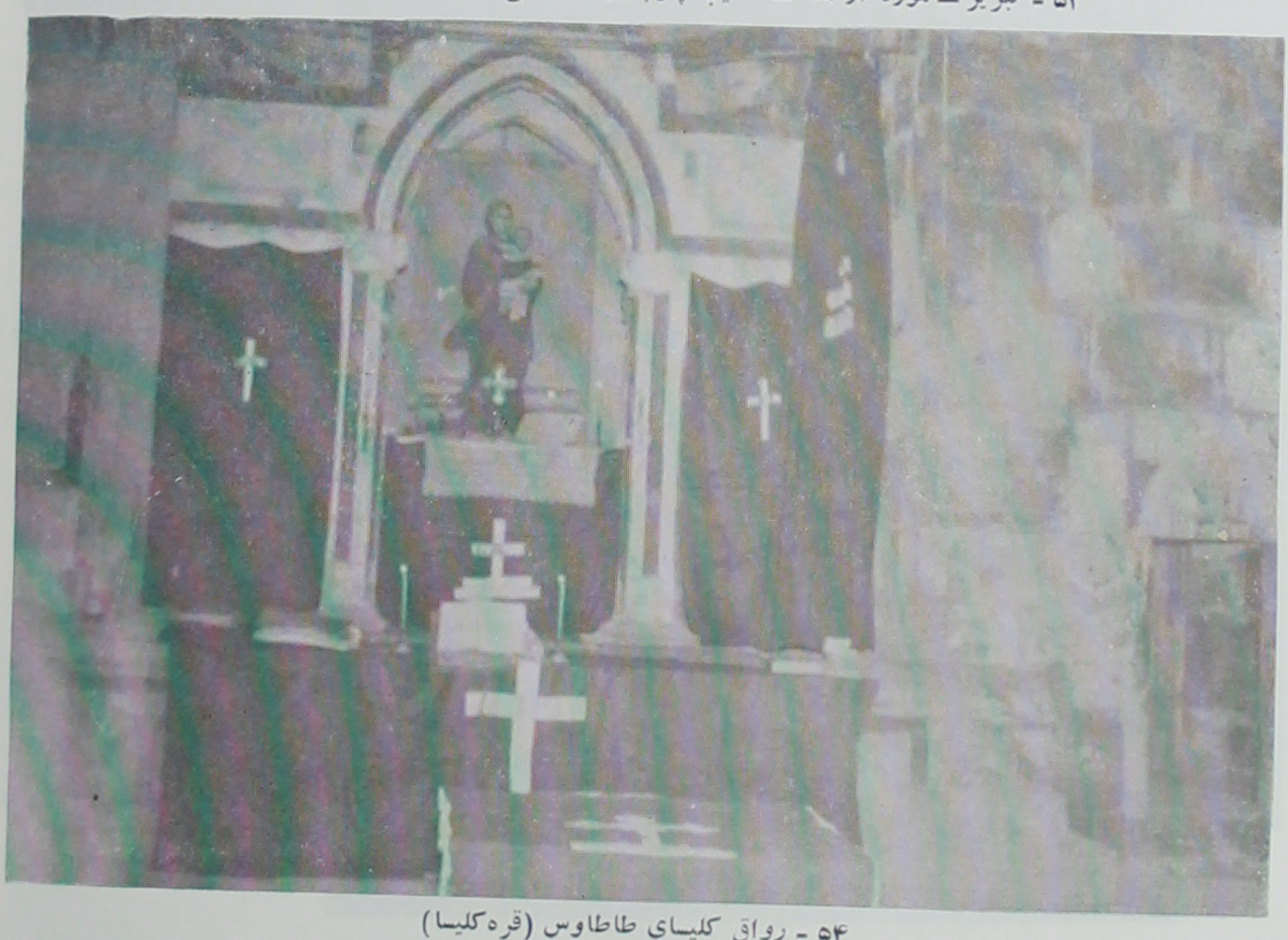
۵۱ - کتیبهٔ فارسی برسر درقره کلیسا



۵۲ - ازحجاریها وکنده‌کاریهای روی سنگ (قره‌کلیسا)



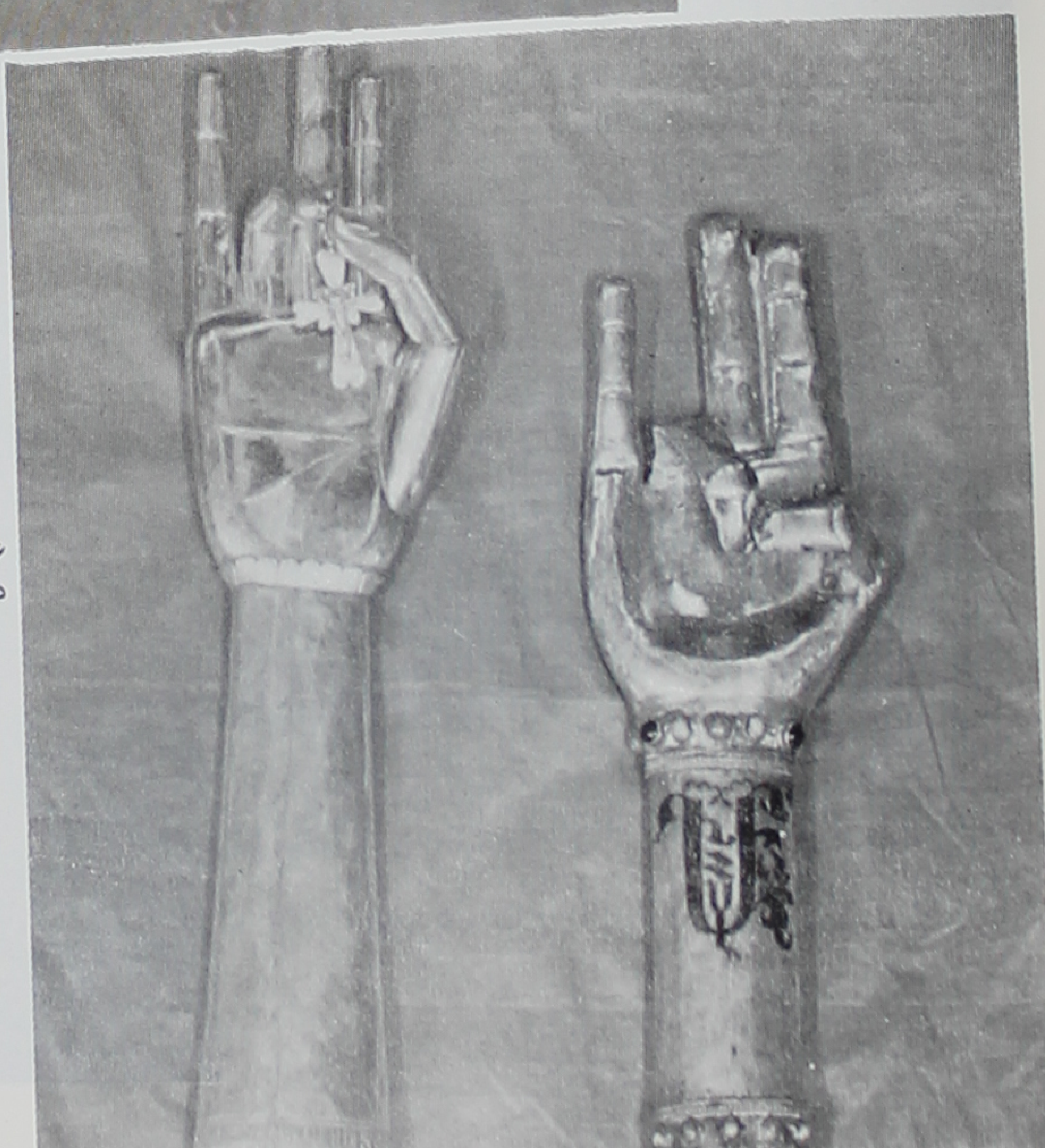
۵۳ - تبریز - موزه ارامنه - صلیب پارچه‌ای که قسمتی از البسه کشیشان ارمنی است .



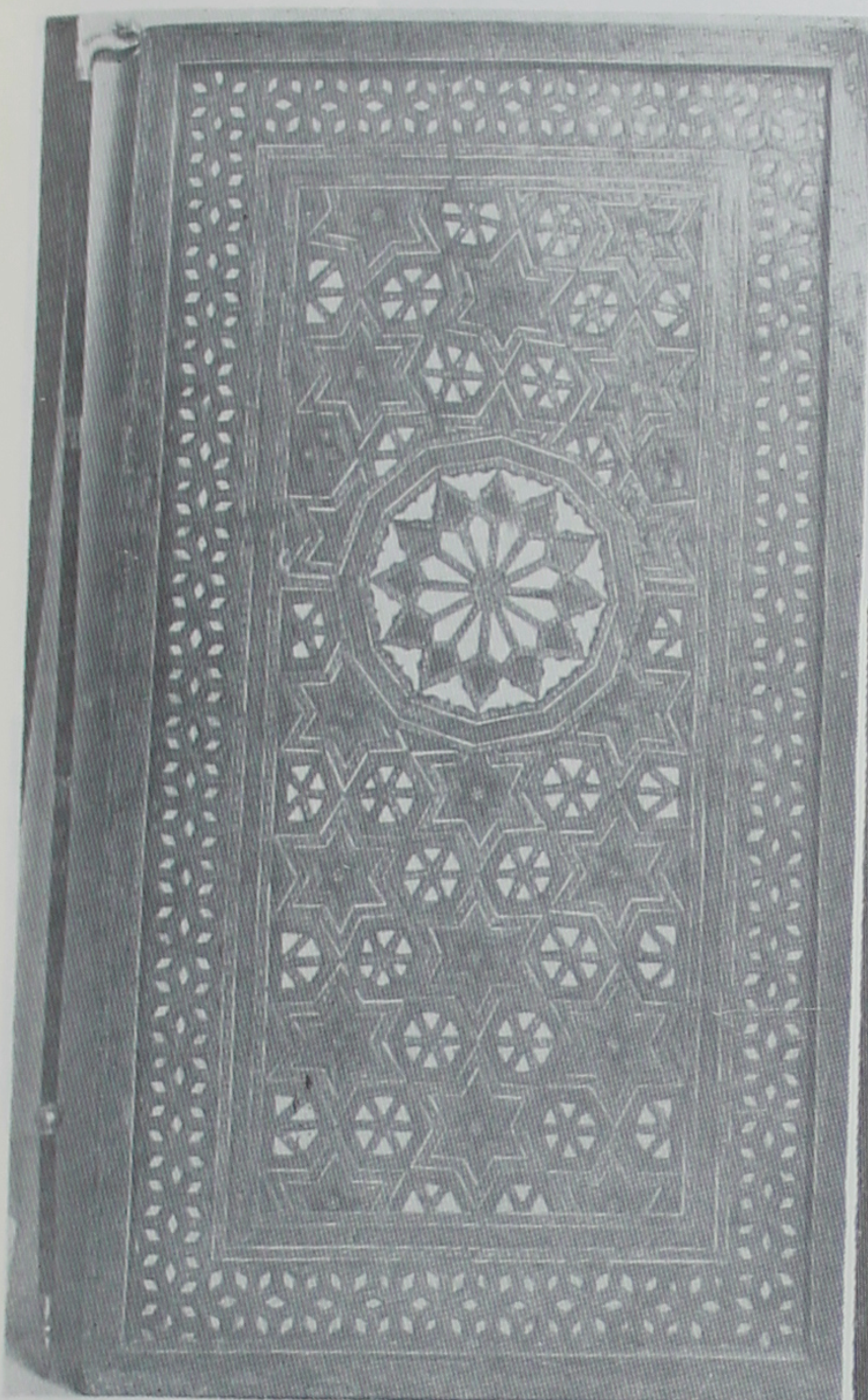
۵۴ - رواق کلیسای طاطاوس (قره‌کلیسا)



۵۵ . تبریز ــ موزهٔ ارامنه ــ
صلیب کشیش کلیسای طاطاوس .



۵۶ - تبریز موزه ارامنه ــ شبیه
دو دست که ازکلیسای طاطاوس
آورده شده است



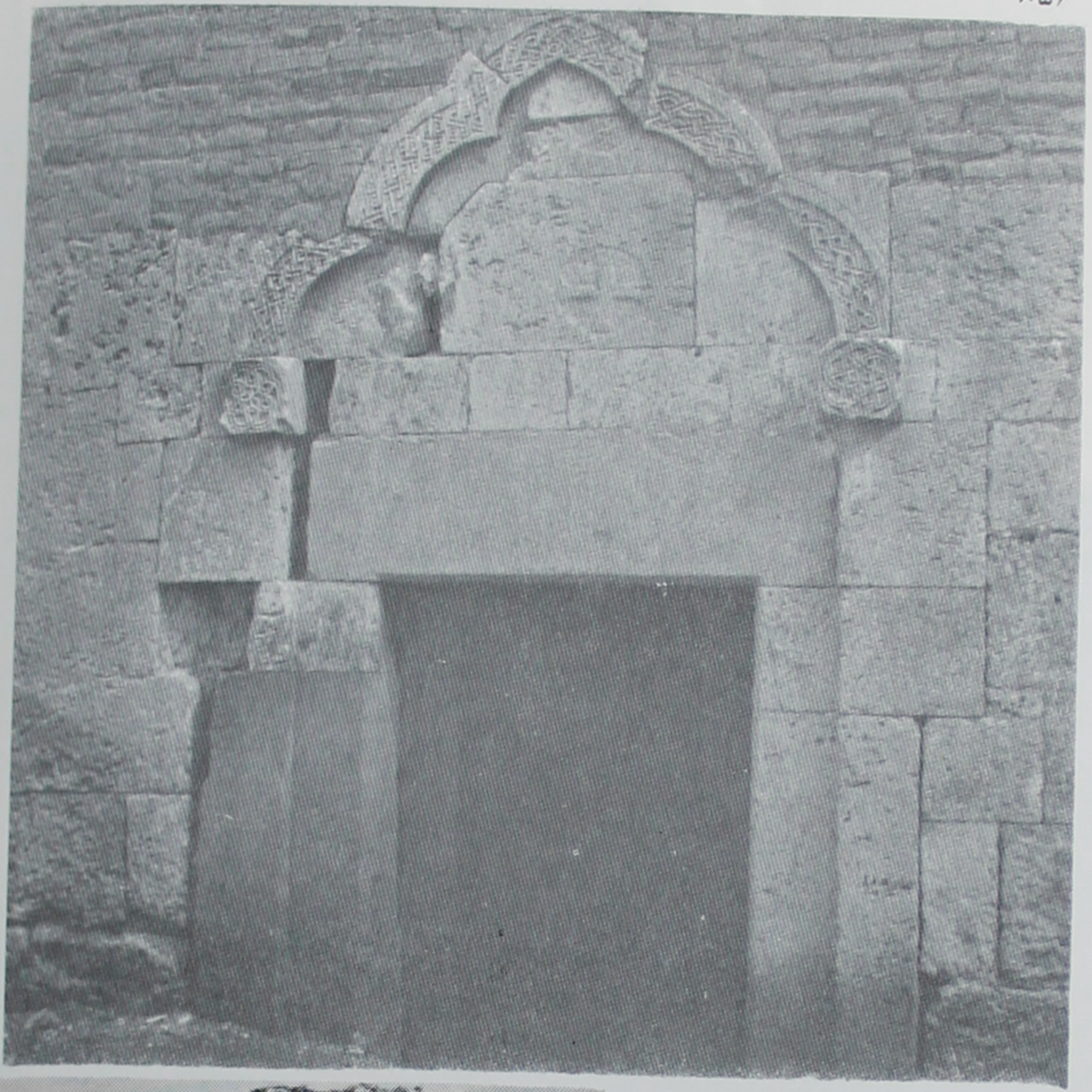
۵۸ - تبریز موزهٔ ارامنه ــ در جنوبی عبادت‌گاهی سنگی که از کلیسای طاطاوس(قره کلیسا) آورده شده است .



۵۷ - تبریز ــ موزهٔ ارامنه - عصای کشیش کلیسای سنت ــ بارتولموس



۹۵ - تبریز موزهٔ ارامنه - ناقوس مفرغی کلیسای طاطاوس که درآن جای گلوله دیده میشو



۶۰ ـ در غربی سنگی کلیسای سورب سرکیس خوی و تزئینات آن



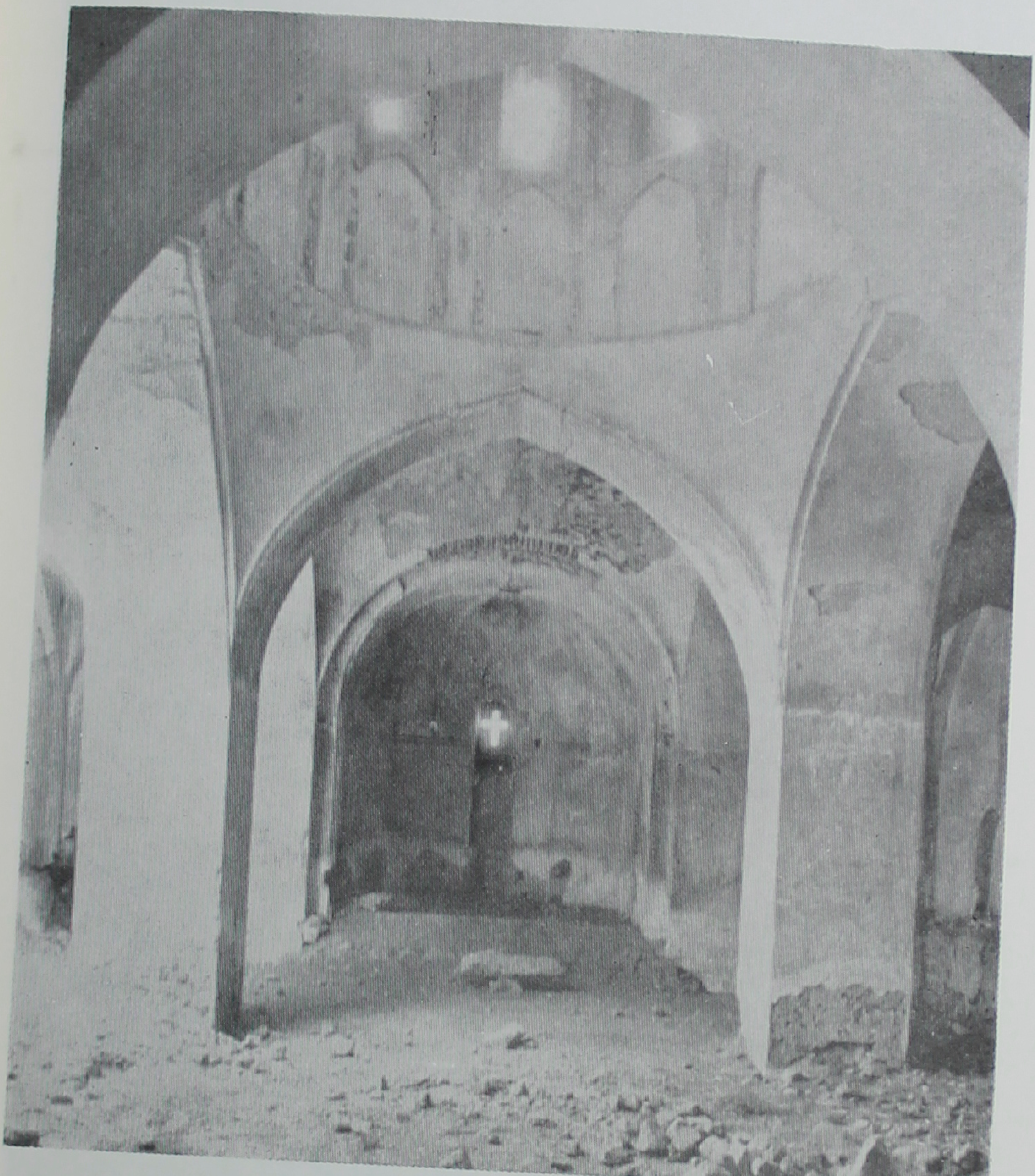
۶۱ ـ بقعه میر خاتون در سلماس



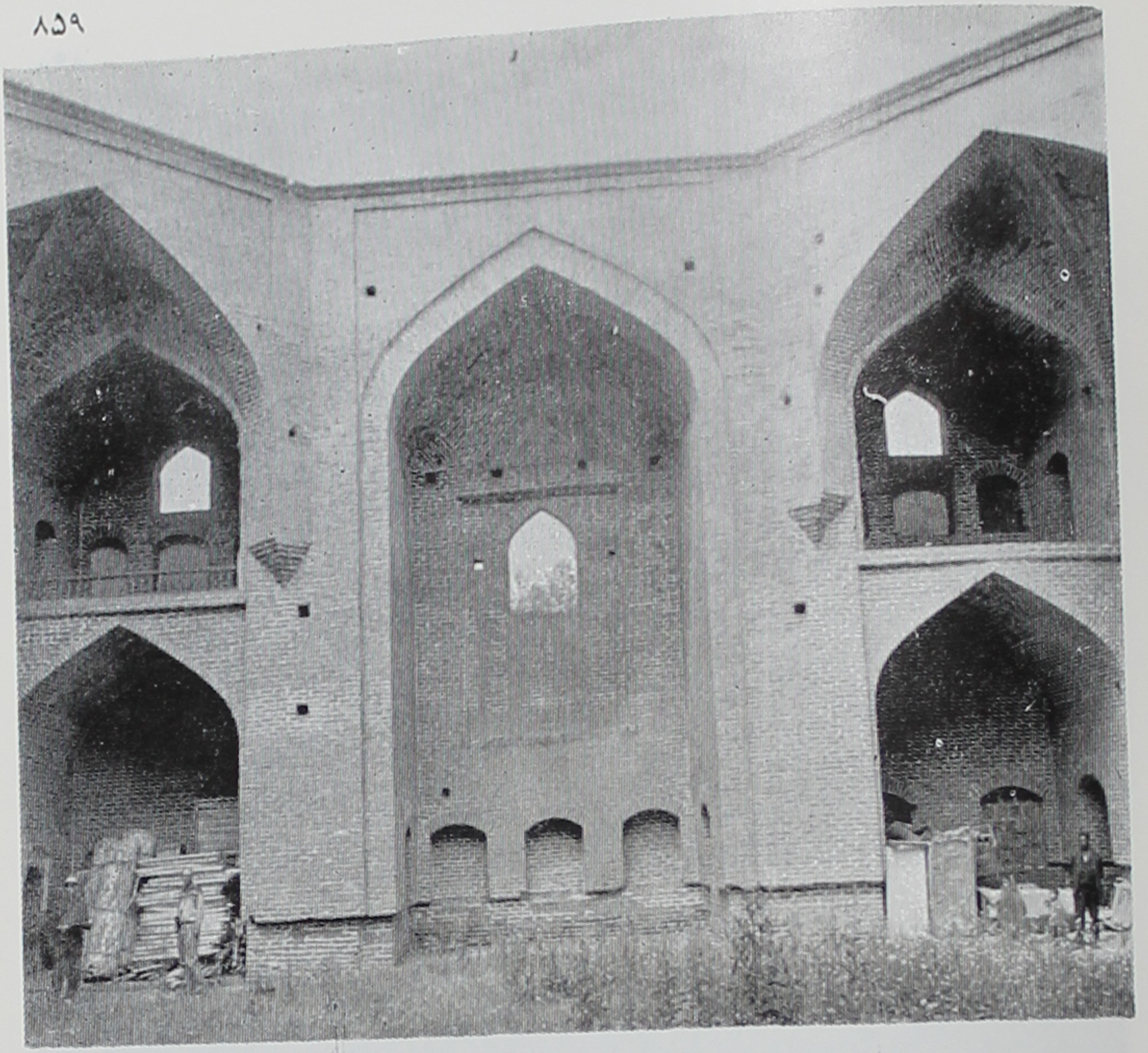
۶۲ - خوی - کلیسای محله - رواق کلیسا



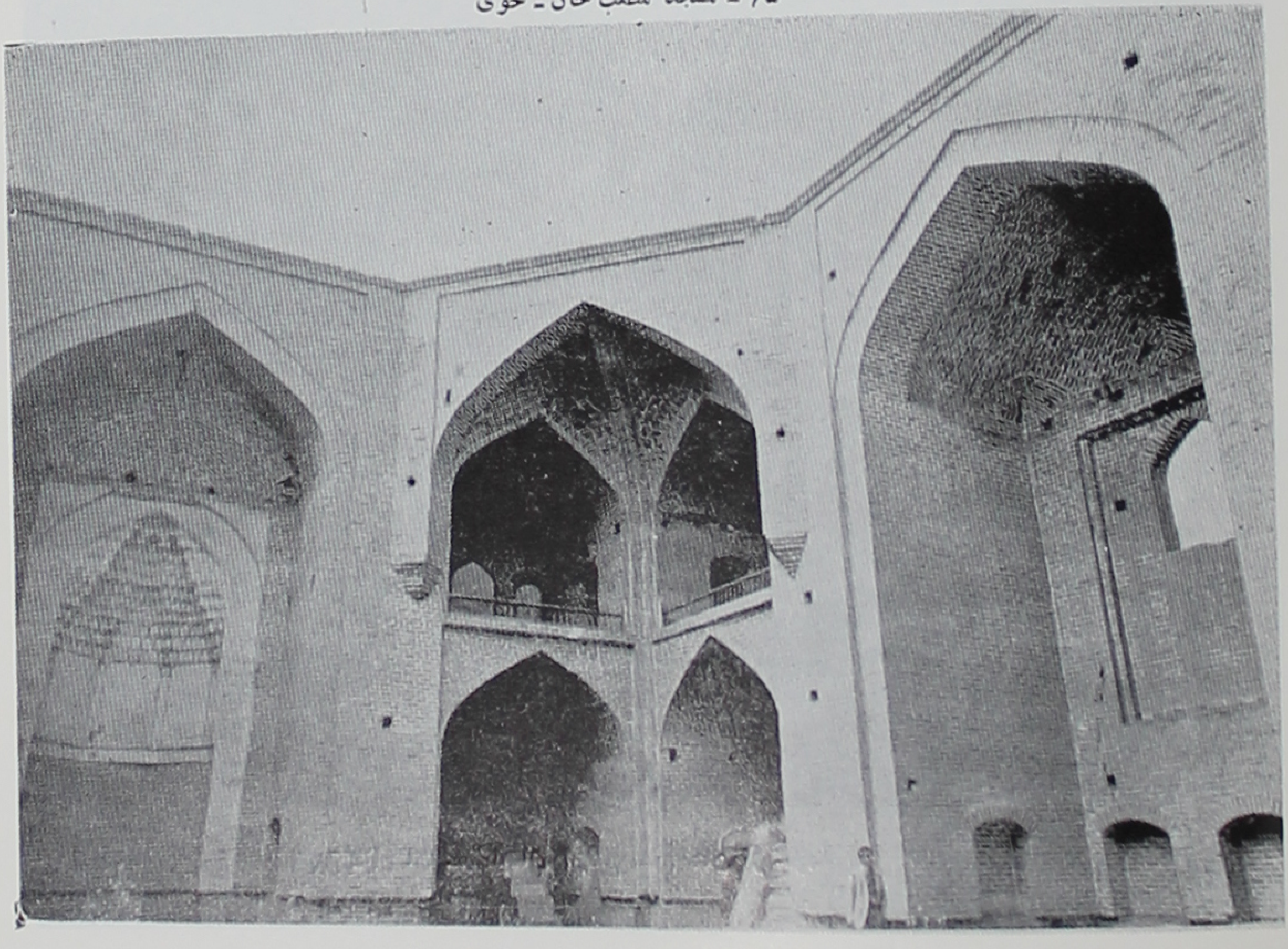
۶۳ - مهله‌زان (ماخلان) ، نمای خارجی یك کلیسای ارمنی - دهی ازدهستان اواوغلی بخش حومهٔ شهرستان خوی



۶۴ - مهله‌زان - نمای داخلی کلیسای ارمنی ، محراب روبرواق .



۶۵ ـ مسجد مطلب خان ـ خوی



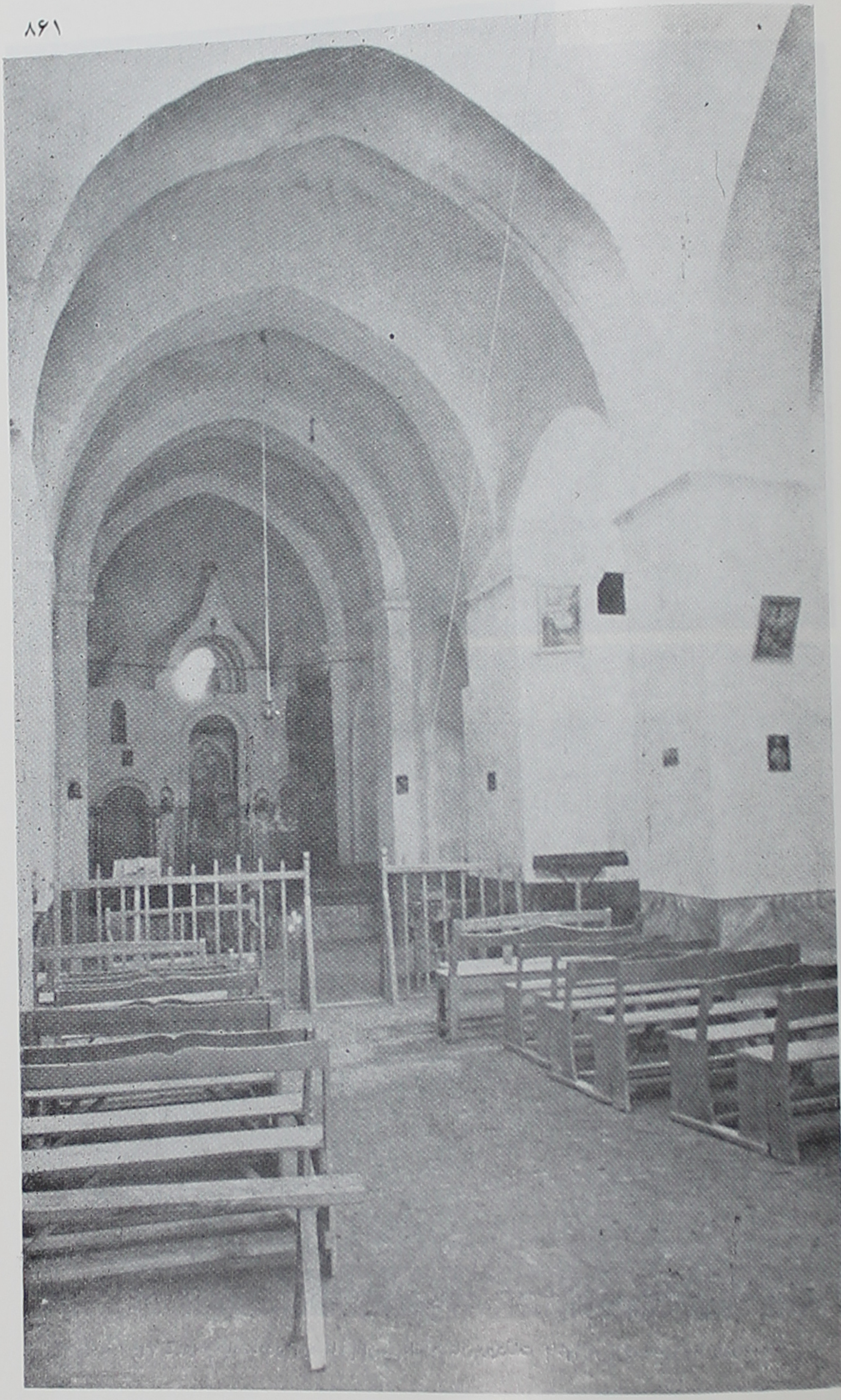
۶۶ ـ خوی ـ قسمت دیگری از مسجد مطلب خان



۶۷ - دیریخت ـ کلیسای ارمنی از دهستان چهریق بخش شاهپور



۶۸ - اختان ـ کلیسای ارمنی ـ اختان از حومهٔ بخش شاهپور



۶۹ - هفتوان - رواق یک کلیسای ارمنی از دهستان جومه بخش شاهپور در شهرستان خوی



۷۰ ـ موجومبار ـ کلیسای ارمنی ـ موجومبار ـ از دهستان رودقات بخش مرکزی شهرستان مرند



۷۱ ـ موجومبار ـ دیرکوهستانی ارمنی ازدهستان رودقات بخش مرکزی شهرستان مرند



۷۲ - تصویر درورودی کلیسای موجومبارکه ازسنگ تراش ساخته شده است .



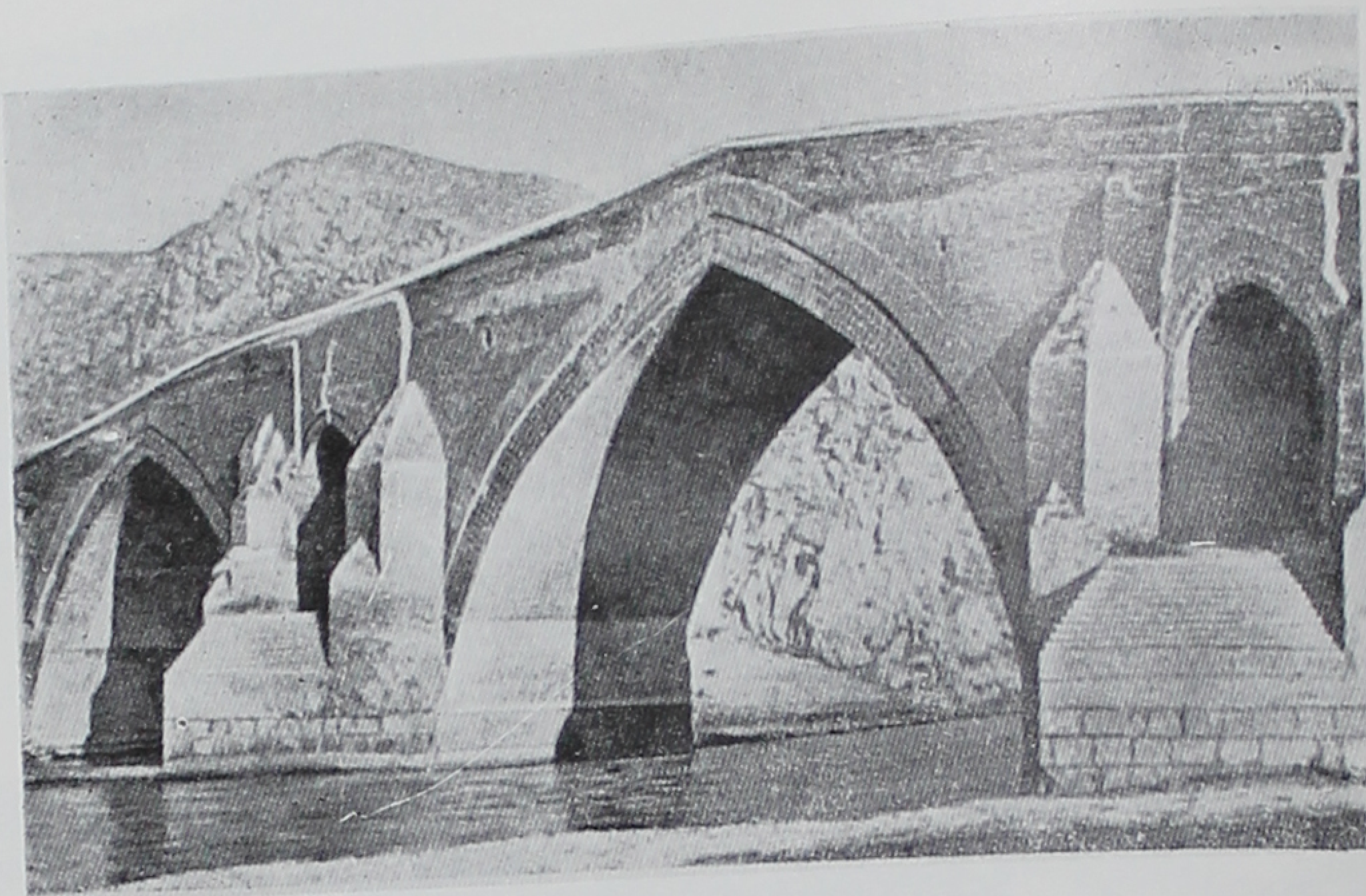
۷۳ - نمای عمومی کلیسای موجومبار در قسمت عقب عکس تعدادی از خانه‌های روستایی نیز دیده می‌شود



۷۴ - مسجد مهر آباد - بناب



۷۵ - پلی در قسمت شمالی اردبیل - جاده‌ای که بسوی آستارا میرود.



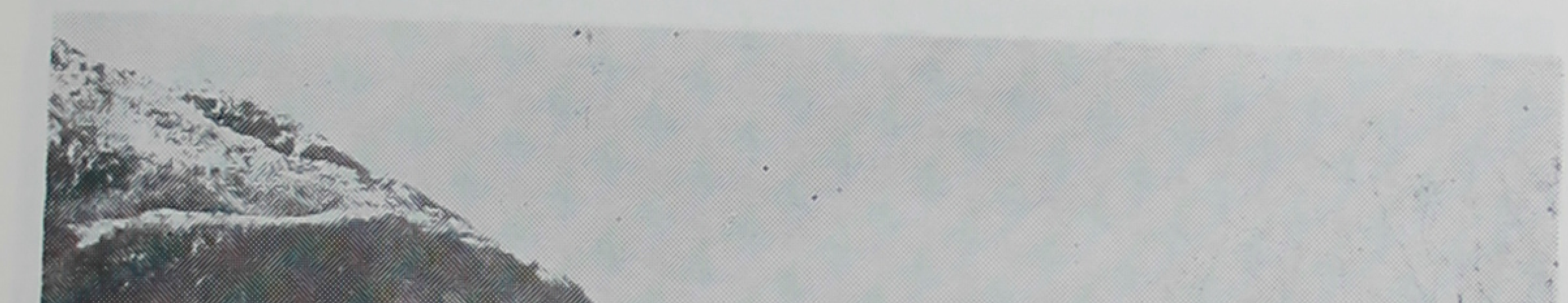
۷۷ - پل دختر در قافلانکوه در هنگام آبادی



۷۶ - پلی در نیر - جاده اردبیل - سراب ، نیر یکی از دهستانهای حومه شهرستان اردبیل است



۷۷ ــ قزل داغ از دهستان ساری سوباسار از بخش پلدشت ماکو خرابه‌های ساختمانی سه گوشه



۷۸ ــ سنگر از دهستان دره قلعه سی در حومه ماکو صخرای مانند پله



۷۹ ــ خرابه‌های کاروانسرایی در بیست کیلو متری جنوب غربی اهر



۸۰ ــ کاروانسرایی خرابه در ۲۷ کیلو متری جنوب غربی اهر



۸۱ – پل وینار درحوالی کاروانسرایی بهمین نام درکنار جاده اهروتبریز



... در دهسرو از دهستان برادوست در حومه رضائیه



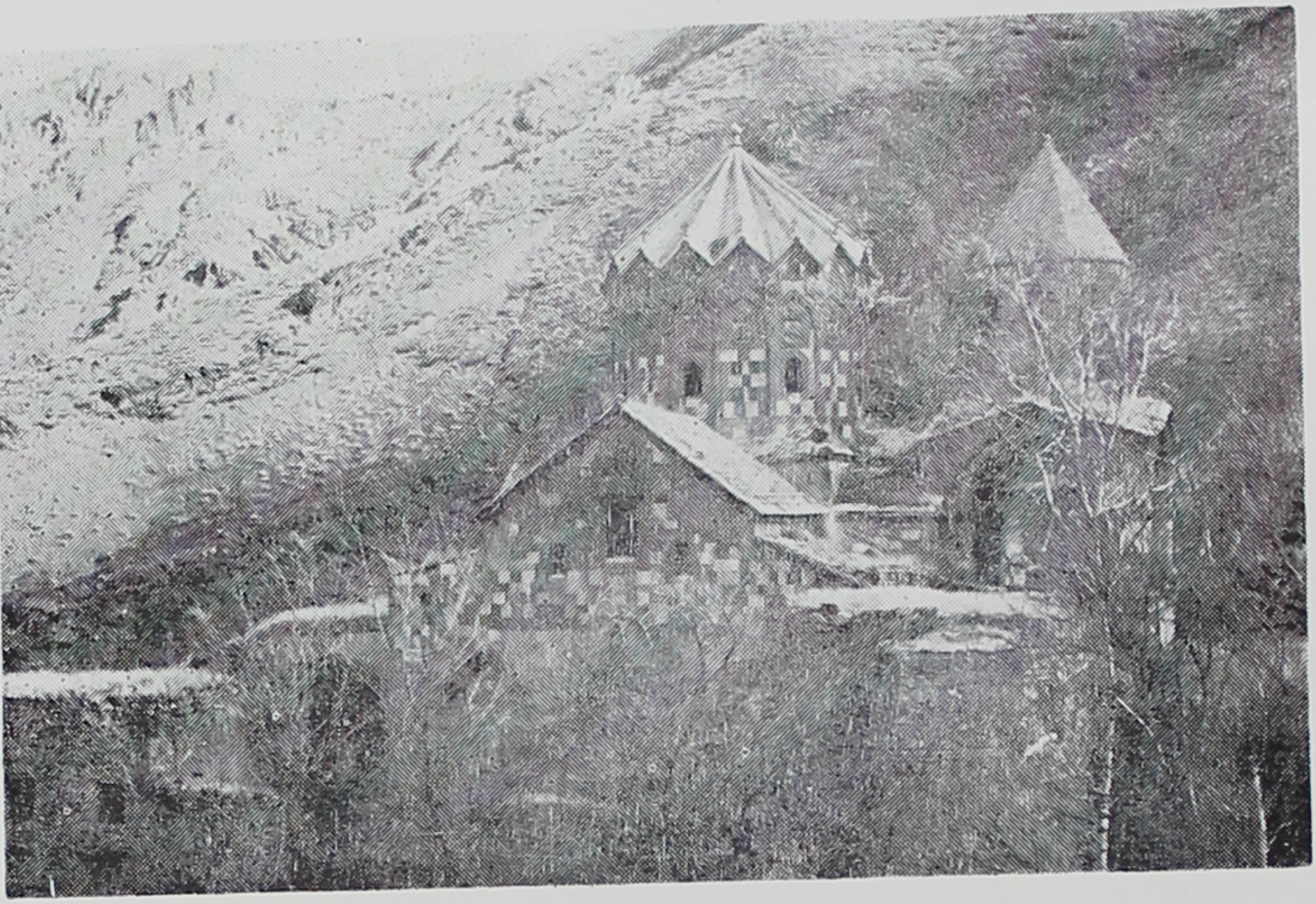
۸۳ ــ بردوك ــ از دهستان صومای رضائیه (مقبرهٔ ویران شده)



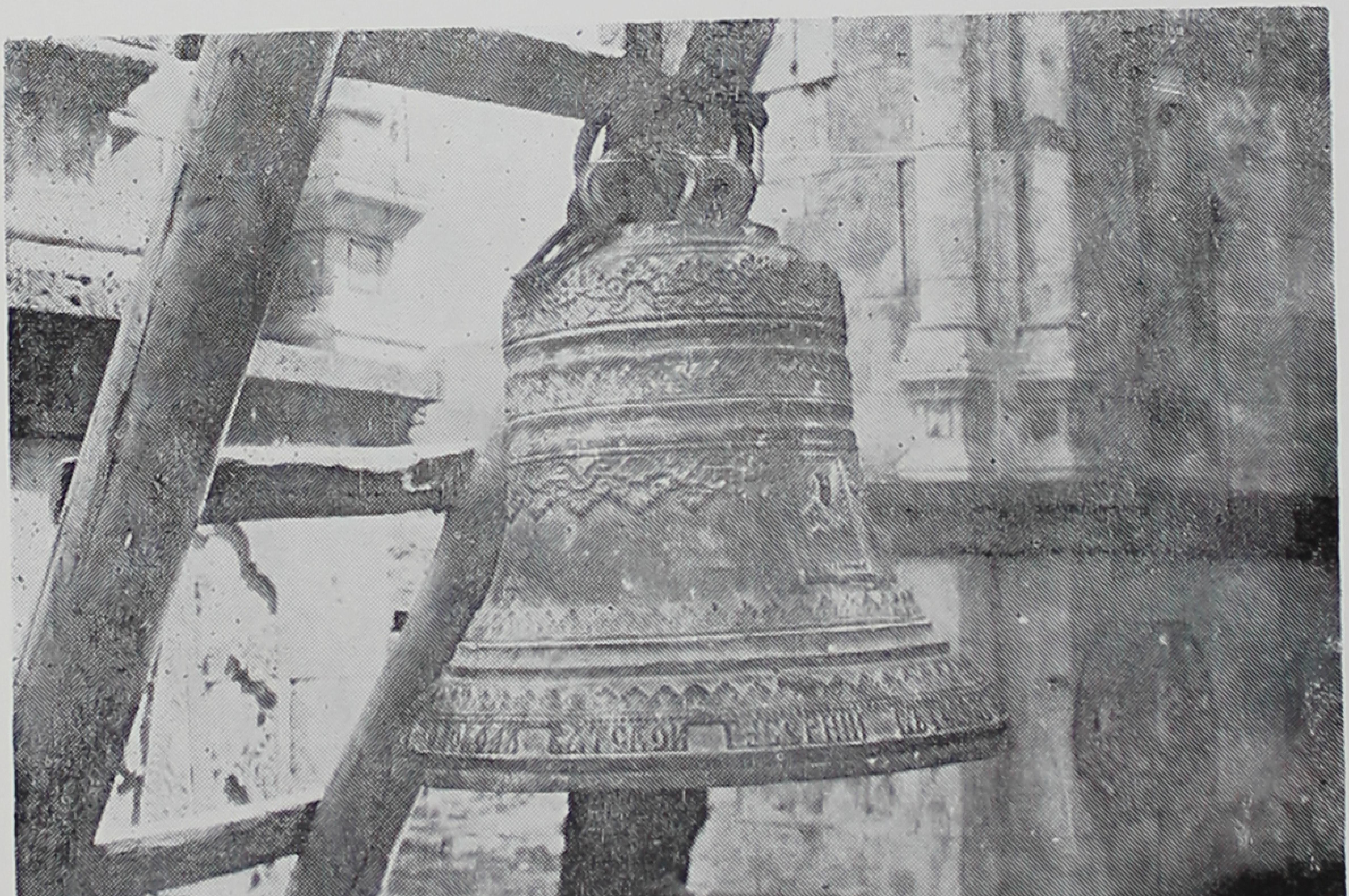
۸۴ ــ علدار (نزدیك خوی) ــ تصویری از یك امامزاده ویران



۸۵ ـ بر دوك ـ در بخش صومای رضائیه (سنگهای قبر)



۸۶ ــ منظره‌ای از کلیسای استپانوس



۸۷ ــ زنگ جدید قره کلیسا که اخیراً آنرا دزدیده‌اند

فهارس چهارگانهٔ تاریخ آذربایجان

۱ - فهرست اسامی اشخاص و طوایف و قبایل و عشایر و ایلات

چ

ح

خ

ذ

ر

ز

ژ

س

ش

ق

گ

۲ - فهرست اسامی جایها و کوه‌ها و رودها

د

ر

ص

گ

و

هـ

ی

۳- فهرست کتابها و رساله‌ها و ماهنامه‌ها و مقاله‌ها

ب

ث

گ

ن

٤ - فهرست مطالب

مطلب	صفحه
مرگ وسوکواری	۱۸۷
اقلیت های مذهبی آذربایجان	۱۹۶
آسوریان کلدانیان آذربایجان	۱۹۸- ۱۹۹
آسوریان ایران	۱۹۹- ۲۰۲
یهودیان آذربایجان	۲۰۲
فصل هفتم	۲۰۳_۲۳۴
زبان فهلوی آذری	۲۰۳_ ۲۰۴
نام فهلوی آذری در کتب قدیم اسلامی	۲۰۴_۲۱۰
چند نمونه از زبان آذری تاپیش صفویه	۲۱۱--۲۲۱
رساله روحی انارجانی	۲۲۱_۲۲۴
لهجه های آذری	۲۲۴--۲۱۵
لهجه تاتی	۲۲۵_۲۲۹
لهجه تاتی قریه کرینگان	۲۲۹--۲۳۳
لهجه‌خلخالی	۲۳۳_۲۳۴
فصل هشتم	۲۳۵_۴۰۴
زبان ترکی آذری	۲۳۵
ترکان در عصر سلجوقی و خوارزمشاهی	۲۳۵_۲۳۷
ترکان درعصر مغول وتیمور	۲۳۷--۲۴۱
ترکان درعصر صفوی	۲۴۲_۲۴۶
نام قبایل ترک	۲۴۴- ۲۴۶
فهرست طوایف قزلباش	۲۴۶
فهرست ایلات ترک در عصرصفوی	۲۴۷- ۱۵۰
نتیجه نفوذ قبایل ترک در عصر صفوی	۲۵۰- ۲۵۲

مطلب	صفحه
جمعیت شناسی ترک	۲۵۲- ۲۵۳
آثار ترکی آذری	۲۵۳
داستان دده قورقود	۲۵۳--۲۵۶
عزالدین پورحسن	۲۵۶--۲۵۷
دده‌عمر	۲۵۷--۲۵۸
سید عمادالدین نسیمی حروفی	۲۵۸
حبیبی	۲۵۸--۲۵۹
خطایی	۲۵۹
خطایی	۲۵۹--۲۰۶
زبان مردم تبریز درعهدشاه‌صفی	۲۶۰--۲۶۱
مشخصات ترکی آذری	۲۶۱--۲۶۴
بعضی از اختصاصات ترکی آذری	۲۶۴--۲۶۶
دستور زبان ترکی آذری	۲۶۳--۲۶۹
جدول حالات اسم	۲۶۹
علامت تصغیر	۱۶۹
علامت نسبت	۲۷۰
صفت تفضیلی	۶۷۰
ضمایر منفصل	۲۷۰
مبهمات	۲۷۲
حرف موصول	۲۷۲
عدد	۲۷۲--۲۷۴
قید	۲۷۳--۲۷۴
ادات	۲۷۴
فعل	۲۷۴--۲۷۵
اسم مصدر	۲۷۵
فعل متعدی	۲۷۵
فعل معلوم ومجهول	۲۷۵
اسم فاعل	۲۷۶
وجه وصفی	۲۷۵--۲۷۶
فعل امر	۲۷۶
ماضی مطلق	۲۷۶--۲۷۷

فصل دهم

صواب نامه

صفحه	سطر	خطا	صواب
۵	۳	Abanoi	Albanoi
۷	۱۸	Arax	Arcax
۷	۱۸	با پایتخت	یا پایتخت
۸	۷	نیکجه	ینگجه
۹	۵	یکشبه	یکشنبه
۱۶	۱۷	میکزید	میگزیدند
۱۷	۲۳	سعربن مهلهل	مسعربن مهلهل
۲۳	۱۶	کرمی	گرمی
۲۴	۱۰	برغوش	بزغوش
۳۰	۹	یك منزل	یك منزلی
۴۱	۸	دارمی	وارمی
۴۸	۱۲	Metamosphique	Metamorphique
۵۲	۵	مغرف	مغرب
۵۶	۱۷	احمیت	اهمیت
۵۷	۵	شهرستانها مهاباد	شهرستانهای مهاباد
۵۷	۷	بندآق گنبد	بندر آق گنبد
۶۰	۱۵	خونه مهاباد	حومهٔ مهاباد
۶۲	۹	هشت کیلو	هشت کیلومتری
۶۲	۸	اورل اشنین	اورل اشتین
۶۲	۱۲	Chalcolithipue	Chalcolithique
۶۸	۱	ده تازه کنند	ده تازه کند

صفحه	سطر	خطا	صواب
۶۸	۱۳	قرسو	قره‌سو
۷۰	۹	مجاروت	مجاورت
۷۰	۲۳	اوراتو	اورارتو
۸۱	۹	اورارتور	اورارتو
۷۵	۱۷	لولویی	لولوبی
۷۵	۷	اوئیدیش	اوایشدیش
۷۶	۱۴	برنیست	برنبست
۷۹	۱۴	آرمانیت	آرمائیت
۸۱	۱۵	اوراتوها	اوراتورها
۸۱	۱۸	اورأتو	اورارتو
۸۲	۱۹	اورارتو	اورارتوها
۸۷	۷	هندواروپایی	هندواروپایی
۸۸	۱۱	آنان راه گیسی‌را	آنان راکیمی ری
۸۸	۲۱	منایع	منابع
۹۳	۲۰	اورا-ورا	اورارتورا
۹۴	۱۲	(ساترایی)	(ساتراپی)
۹۹	۱۴	ازماویر	ارماویر
۱۰۱	۱۸	شنافت	شتافت
۱۰۸	۱۵	باوحود	باوجود
۱۱۰	۲۲	ایران باستان	ایران درعهد باستان
۱۲۰	۲۱	اباتاخان	اباقاخان
۱۲۸	۳	Krorus	Krosus
۱۳۵	۲۱	حذیقه	حذیفه
۱۴۳	۱۱	ابولمسافر	ابوالمسافر
۱۴۴	۷	ابولمسافر	ابوالمسافر
۱۴۴	۲۰	تا ۴۵۸	تا ۲۵۸
۱۵۲	۴	نختگاه	تختگاه
۱۶۲	۱۰	رواندی	راوندی
۱۶۶	۱۰	خاصیك	خاصبك
۱۷۴	۲۳	دوه قاجاریه	دوره قاجاریهٔ
۱۷۵	۸	محمدغلی‌شاه	محمدعلی‌شاه
۱۷۵	۲۰	شوررری	شوروی
۱۸۲	۱۰	قره سودو	قره‌سو
۱۸۲	۱۳	سیدلر	سیدلو

صفحه	سطر	خطا	صواب
۱۹۲	۱۰	عید نوروز	جشن عیدنوروز
۱۹۳	۵	آتش افروزند	آتش می‌افروزند
۱۹۸	۱۱	نسطوری و کلده‌ای‌ها	نسطوری و کلدانی
۲۰۲	۲۱	آثار عمومی	آمار عمومی
۲۰۶	۲۳	مفاتیح الوم	مفاتیح‌العلوم
۲۰۷	۲۳	التنبیةالاشراف	التنبیه‌والاشراف
۲۱۱	۱۷	بزرگر	برزگر
۲۱۸	۴	قدس‌سره	قدس سره
۲۱۸	۲۲	بلخیص	تلخیص
۲۲۰	۵	قالوابلا	قالوابلی
۲۲۵	۶و۹و۱۱	اوشتبتین	اوشتبین
۲۲۸	۱۹	آنها	آنجا
۲۳۳	۲۳	تاتی وهرنی	تاتی وهرزنی
۲۳۷	۱	جمله	حمله
۲۴۰	۱	کلبیر	کلیبر
۲۴۱	۱۶	تظم	تظلم
۲۴۹	۱۳	شاه طهمسبا	شاه طهماسب
۲۴۹	۱۵	حنسلو	حسنلو
۲۴۹	۲۴	اداری صفوی	اداری حکومت صفوی
۲۵۵	۸	باباباقورقوت	باباقورقوت
۲۵۵	۹	عمل کرد	عمل می‌کردند
۲۵۸	۱۵	سلیم‌خان‌در	سلیم خان
۲۶۶	۲	Evüwe عمانی	Evüne عثمانی
۲۶۸	۸	تقبل	ثقیل
۲۷۰	۱و۹	تفصیلی	تفضیلی
۲۷۱	۱۶	بیزوئوزوموز	بیزئوزوموز
۲۷۲	۱۰	(چند؟)	چه قدر؟
۲۸۰	۵	دیل	ذیل
۲۸۰	۱۳	خوامی‌آمد	خواهی آمد
۲۸۳	۲۰	استقضای	استقتصای
۲۹۰	۵	خانواد	خانواده

صفحه	سطر	خطا	صواب
۳۰۴	۱۲	مجمه‌ای	مجموعه‌ای
۳۰۴	۱۵	اکر	اکبر
۳۰۶	۶	نقس	نقش
۳۰۶	۱۶	و این بیت نوشته شده ، جزآستان توام در جهان پناهی نیست سرمرابجز این در حواله گاهی نیست عمل من‌بنده درگاه مقصود کاشانی ۱	
۳۱۰	۴	اراره	ازاره
۳۱۴	۱۲	الجنته	الجنه
۳۱۶	۲۳	المعرز	المعزز
۳۱۶	۲۳	الجینه	الجنیه
۳۲۲	۱۸	عالی‌قاپور	عالی‌قاپو
۳۲۴	۱۲	آثات‌البیت	اثاث البیث
۳۲۴	۱۶	که و برای	که برای
۳۳۰	۱	به عبدالله	بن‌عبدالله
۳۳۳	۷	آخز	آخر
۳۳۳	۹	ضجیم	ضخیم
۳۵۵	۱۵	درصفحه	دوصفحه
۳۶۰	۲۱	خوشنویان	خوشنویسان
۳۶۱	۱۰	صندق	صندوق
۳۶۵	۱۸	شمیشر	شمشیر
۳۶۶	۲۴	باالکلیه	بالکلیه
۳۸۳	۸	ازطرب	ازطرف
۳۸۴	۲	پیش	بیش
۳۸۵	۱۰	اوالجایتو	اولجایتو
۳۸۵	۲۱	Ardalbil	Ardabil
۳۸۶	۱۴	قدس‌الله‌روحة	قدس‌الله روحه
۳۸۷	۱۳	پرنمو	پرنمو
۳۸۹	۱۹	Schindldr	Schindler
۳۹۶	۱۳	ازآخر	از آجر
۳۹۷	۱۳	خیرته	جزیة
۳۹۹	۲۲	ویاراتس	و یارانش

۱ــ پس معلوم میشود که بافنده آن مقصود کاشانی بوده است. از افادات دانشمند محترم آقای سیدمحمدتقی مصطفوی .

صفحه	سطر	خطا	صواب
۴۰۰	۲۰	آیات قرانی	آیات قرآنی
۴۰۰	۲۱	مقرنسکای	مقرنسکاری
۴۰۱	۱۴	دوازه	دروازه
۴۰۲	۱۶	ازسنگی	سنگی
۴۰۲	۲۲	slephannos	stephannos
۴۰۳	۱۶	یس از	پس‌از
۴۰۶	۱۳	وهلاکت و	وهلاکت
۴۰۷	۱۰	سبعملائة	سبعمائة
۴۰۹	۲۱	اباقاخای	اباقاخان
۴۱۳	۱۰	گذاشته	گذشته
۴۱۳	۲۱	بافهرست	، فهرست
۴۱۷	۱	نیلیغ	تبلیغ
۴۱۸	۵	ارغوان خان	ارغون خان
۴۱۸	۵	کیکیکیه	کیلیکیه
۴۱۹	۸	سطان	سلطان
۴۲۱	۱۵	احمدی	احدی
۴۲۳	۳	فتحعلی شد	فتحعلی‌شه
۴۲۵	۳	بر ند	بردند
۴۲۵	۲۱	بارودارای	بارو‌داری
۴۲۶	۱۱	کارگاهها	کارگاههای
۴۲۶	۲۰	بازبلیك	بازیلیك
۴۲۹	۷	چهارناقوس	چهارقوس
۴۲۹	۲۳	اندرانپك	اندرانیك
۴۳۱	۱۷	حصایصی	خصایصی
۴۶۱تا۴۵۲	۱	اردبیل	ارسباران
۴۶۲	۹و۱۰	انداب	اندراب
۵۳۸	۱	لینر	لنبر
۴۹۱	۱	مورچه سفلی	بورچه سفلی
۵۴۳	۵	سلمانلو	سلیمانلو
۵۷۳	۱	مراند	مرند
۵۹۳	۶	پلنلو	پلنگلو
۶۱۰	۱۰	۳۰	۳۵
۶۱۰	۲۲	۱۶۳	۵۶۶
۶۱۰	۲۳	۱۲۲	۱۰۶
۶۲۱	۱	میانه	هشترود
۶۳۱	۱۳	۱۲۳	۱۳۲

صفحه	سطر	خطا	صواب
۶۴۸	۱۴	نبلاغی سفلی	یانبلاغی سفلی
۶۵۴	۲۲	زروآباد	زورآباد
۶۷۷	۱۴	۲۷۳	۳۸۳
۳۷۹	۲۱	سلیمیك	سلیمیك
۶۸۰	۴	۴۴۸	۴۸۸
۶۸۰	۴	۲۵۰	۲۵۵
۶۸۲	۸	موساند امیروری	مؤسسه دامپروری
۶۸۳	۹	پیرانجون	پیرانجوق
۶۸۸	۸	ایلو	ایبلو
۷۲۷	۱۰	آختاجی عربی	آختاجی غربی
۷۳۷	۲۲	ارمناکشفلاق	ارمناك قشلاق
۷۳۸	۱۵	یاین دره	پاین دره
۷۴۱	۵	۵۳	۳
۷۵۴	۱۱	قیزجه	قیسزجه
۷۸۰	۳	کنه‌دارمینگور	کنه‌دارمنگور
۸۰۶	۲۰	محله مهر	مجله مهر
۸۶۶	۲	صخرای	صخره‌ای
۸۶۸	۲	کارونسرایی	کاروانسرایی
۸۶۹	۲	علدار	علمدار

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار وابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثار ملی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	مهرماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه وتاریخ (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دو لوح تاریخی در همدان (تحقیق پرفسورهرتسفلد ـ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه در بارهٔ آثار ملی و تاریخی ایران (از محمد علی فروغی و هرتسفلدوهانی بال)	مهرماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرتسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع بفردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دورهٔ اجلاسیه یونسکو در فلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیه ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ نبض ابن‌سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح آقایان دکتر محمد معین و سید محمد مشکوة استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمد معین استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۶	رسالهٔ نفس ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رسالهٔ در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت ابن سینا (از آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـ
۱۹	معراج نامهٔ ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	
۲۰	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـ
۲۱	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب به ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـ

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۲۲	ظفرنامه منسوب به ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	۱۳۴۸
۲۳	رسالهٔ کنوزالمعزمین ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۴	رسالهٔ معیارالعقول، جرثقیل‌ازابن سینا (بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵	رسالهٔ حی بن یقظان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن‌سینا (بتصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶	جشن نامهٔ ابن سینا (مجلد اول ـ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷	ترجمهٔ مجلد اول جشن نامه بفرانسه (بوسیلهٔ آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۸	ترجمهٔ اشارات و تنبیهات (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن‌ماه ۱۳۳۳
۳۱	جشن‌نامهٔ ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضاء کنگره ابن‌سینا)	۱۳۳۴
۳۲	جشن نامهٔ ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگره ابن سینا	۱۳۳۵
۳۳	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگره ابن‌سینا بزبانهای آلمانی وانگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشگر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵	جبر و مقابله خیام (بتصحیح و تحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی (بتصحیح و تحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری.)	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامهٔ شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح و تحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹	نادرشاه تالیف آقای دکتر رضازاده شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی‌خان (باتصحیح و تحشیهٔ آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳۴۰

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۴۱	شرح احوال ونقل وتحلیل آثارشیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی اصغرحریری (باهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴	دیوان غزلیات و قصائد عطار (باهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانهٔ مجلس شورای ملی)	۱۳۴۱
۴۵	جهانگشای نادری تالیف میرزا مهدی خان (با تصحیح و تعلیقهٔ آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تالیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (بامقدمه و تصحیح وتحشیهٔ آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷	نادرهٔ ایام، حکیم عمرخیام و رباعیات او بقلم آقای اسمعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸	اقلیم پارس (آثارباستانی وابنیهٔ تاریخی فارس) - تألیف سیدمحمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹	سفارش نامهٔ انجمن آثارملی	اردیبهشت ۱۳۴۴
۵۰	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱	ذخیرهٔ خوارزمشاهی، تألیف زین‌الدین ابو ابراهیم اسمعیل جرجانی - سنهٔ ۵۰۴ هجری - (باهتمام وتصحیح وتفسیر دکترمحمدحسین اعتمادی - دکترمحمد شهراد - دکترجلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵ شهریور ۱۳۴۴
۵۲	دیوان صائب، با حواشی و تصحیح بخط خود استاد - مقدمه و شرح حال بخط وخامهٔ استاد امیری فیروز کوهی	۱۳۴۵
۵۳	عرائس الجواهر ونفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی بسال ۷۰۰ هجری بامقدمه و کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴	ری باستان - مجلد اول مباحث جغرافیائی شهری بعهد آبادی تألیف آقای دکترحسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵	خیامی نامه جلد اول تألیف استاد جلال الدین همائی	آبان ۱۳۴۶
۵۶	فردوسی وشعراو تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ۱۳۴۶
۵۷	خرد نامه تألیف ونگارش ابوالفضل یوسف بن‌علی مستوفی بکوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۵۸	فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمد علی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹	کتاب شناسی فردوسی ـ فهرست آثار و تحقیقات دربارهٔ فردوسی و شاهنامه تدوین آقای ایرج افشار	مردادماه ۱۳۴۷
۶۰	روز بهان نامه بکوشش آقای محمدتقی دانش پژوه	اسفندماه ۱۳۴۷
۶۱	کشف الابیات فردوسی جلد اول بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	خردادماه ۱۳۴۸
۶۳	آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ماه ۱۳۴۸
۶۴	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت الله مهراز	آبان ماه ۱۳۴۸
۶۵	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف آقای احمد اقتداری	آذرماه ۱۳۴۸
۶۶	تاریخ بناکتی بکوشش دکتر جعفر شعار	دیماه ۱۳۴۸
۶۷	عهد اردشیر ـ برگردانده بفارسی سید محمد علی امام شوشتری	دیماه ۱۳۴۸
۶۸	یادگار های یزد تألیف آقای ایرج افشار	بهمن ماه ۱۳۴۸
۶۹	ری باستان مجلد دوم تألیف دکتر حسین کریمان	خرداد ماه ۱۳۴۹
۷۰	از آستارا تا آستار باد (جلد اول بخش اول) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ماه ۱۳۴۹
۷۱	یادنامه فردوسی حاوی مقالات و چکامه ها بمناسبت تجدید آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان‌ماه ۱۳۴۹
۷۲	فردوسی و شاهنامه او باهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ماه ۱۳۴۹
۷۳	فیلسوف ری ـ محمدبن زکریای رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق	آذر ماه ۱۳۴۹
۷۴	سرزمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ماه ۱۳۴۹
۷۵	یادنامه شادروان سید حسن تقی زاده باهتمام حبیب یغمائی	دی ماه ۱۳۴۹
۷۶	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکترجلال مصطفوی. (کتاب دوم)	دی ماه ۱۳۴۹